آغاز تا پایان

سیری در جنگ ایران و عراق ۵-۱

سالنامه تحلیلی







مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

بسم الله الرحمن الرحیم

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس/ محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۵-۵۸-۷

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ - ، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی ، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛[ج]۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج.۶ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

مقدمه

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اندکی بعد از آغاز جنگ تحمیلی به امر تحقیقات جنگ اهتمام ورزیده و همپای گسترش جنگ، کار تحقیقات را توسعه بخشید. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز به تنظیم مدارک و اسناد و تکمیل و تدوین تحقیقات انجام شده پرداخت.

این مرکز، در نظر دارد که بخشی از تحقیقات انجام شده درباره ی جنگ ۸ ساله ایران و عراق را جهت استفاده عموم، به صورت کتاب های مرجع تاریخ جنگ، که در آن روند جنگ به صورتی تفصیلی و مستند دنبال شده است. منتشر کرد. این کار، در مراحل مقدماتی است، که ان شاء الله ارائه آن تا جایی که فاصله آغاز تا پایان جنگ را کاملا پر کند، به تدریج انجام خواهد شد. البته مرکز ضمن پیگیری آنچه گفته شد، تاکنون به انتشار کتاب هایی که خارج از چارچوب یاد شده قرار داشته و هر کدام بنا به ضرورتی خاص و با مضمون و محتوایی مشخص تدوین و ارائه گردیده، نیز پرداخته است. از جمله کتاب های یاد شده، می توان به کتاب «خرمشهر تا فاو» که در اسفند ۱۳۶۶ منتشر شده، اشاره کرد. کتاب

ص: ۱۴

مزبور، در واقع یک سیر تحلیلی و فشرده سیاسی - نظامی از چهار سال جنگ (تیر ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) می باشد که در آن شیوه و روشی خاص، اهم مقولات مطروحه در جنگ، با هم ترکیب و ارائه شده اند، به نحوی که خواننده می تواند در اندک فرصتی رویدادهای بسیاری از سال های پر حادثه ی جنگ تحمیلی را مرور کرده و به مهمترین حوادث و نکات آن، نگاهی داشته باشد.

از نظر این مرکز، این گونه آثار می تواند تا زمان تهیه و ارائه متون تفصیلی و کامل جنگ، نیازهای اهل تحقق و نیز کسانی را که به پیگیری مسائل و حوادث جنگ تحمیلی علاقه دارند، هر چند به صورتی اجمالی، پاسخ گوید. همین ویژگی باعث شد که مرکز، ارائه تاریخچه ای از ابتدا تا انتهای جنگ را با همین شیوه، مناسب بداند و نشر کتاب حاضر نیز در همین راستا می باشد.

این کتاب، در واقع جلد اول از مجموعه ای سه جلدی (۱) با مشخصات ذکر شده است که جلد دوم آن «خرمشهر تا فاو» قبلا ارائه گردیده و در نظر است که جلد سوم آن نیز با عنوان «فاو تا حلبچه» (فاصله زمانی تصرف فاو به دست سپاه اسلام تا عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه) در آینده ارائه شود. چنانچه این توفیق به دست آید، سیری سیاسی - نظامی که هر چند اجمالی از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی که در ادبیات و تاریخ جنگ، بسیار ارزشمند خواهد بود، در اختیار خوانندگان محترم قرار می گیرد.

کتاب حاضر شامل سه فصل است:

در فصل اول، تحت عنوان «از اشغال تا آزادسازی» ابتدا به زمینه های شکل گیری تهاجم سراسری عراق و اهداف آن اشاره شده، سپس چگونگی

۱- ۱. این مجموعه به شش جلد رسیده که توضیح آن در پیشگفتار ذکر شد.

اشغال خرمشهر مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی علل توقف دشمن مبحث دوم است که پس از آن، وضعیت سیاسی - نظامی کشور، در مقطع پر التهاب دوران اشغال، تحلیل و بررسی شود. مبحث بعدی به چگونگی روند آزاد سازی مناطق اشغالی اختصاص یافته و نیز مروری بر چند عملیات سپاه اسلام دارد. آخرین قسمت این فصل با عنوان «پس از فتح المبین» حاوی مسائلی درباره موقعیت ضد انقلاب داخلی و نیز دشمن خارجی در برابر توانایی های خودی، در فاصله زمانی بین دو عملیات فتح المبین و بیت المقدس می باشد.

در فصل دوم، تحت عنوان «آزادسازی» به چگونگی آزادسازی خرمشهر پرداخته شده است. این فصل که طولانی ترین فصل کتاب می باشد، در واقع گزارشی است از عملیات بیت المقدس، از نخستین مراحل طراحی تا پایان کار. ضمن این گزارش، تجزیه و تحلیل هایی مربوط به سطوح مختلف جنگ، از سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان گرفته، تا اجرای مراحل مختلف عملیات، به همراه فشرده ای از روند حوادث، ارائه شده است. طی این فصل خواننده در جریان چگونگی انتخاب منطقه عملیاتی بیت المقدس قرار گرفته، با ویژگی ها و مشخصات این منطقه نیز آشنا می گردد. در ادامه فصل دوم مراحل چهار گانه نبرد بزرگ و نسبتا طولانی بیت المقدس توضیح داده شده و خواننده از منظری مشرف بر صحنه، در فضای پر تب و تاب ناشی از افت و خیزهای مراحل مختلف این عملیات، قرار می گیرد.

فصل سوم کتاب، با عنوان «بازتاب پیروزی»، نتایج حاصله از پیروزی عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر را مورد بحث قرار داده است. در بخشی از این فصل، «تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران» و آثار آن توضیح داده می شود. در این فصل به مبحث «تغییر ماهیت جنگ» نیز

پرداخته شده و تشریح گردیده است که چگونگی این پیروزی باعث شد تا جنگ ایران و عراق، ماهیت جدیدی پیدا کند.

کتاب حاضر، در عین این که حاوی بررسی جنگ در دو دوره ی اشغال و آزادسازی خرمشهر می باشد، اما مسئله خرمشهر در آن یک مسئله محوری است به این ترتیب که فصل اول کتاب خواننده را از شروع جنگ تا آستانه عملیات خرمشهر همراهی می کند و در آستانه عملیات فتح خرمشهر تا حد مطلوبی و در جریان وقایع جنگ و تحولات اردوی خودی قرار می گیرد؛ تحولاتی که ضعف های منجر به سقوط خرمشهر را به قوت های منجر به باز پس گیری تبدیل نموده است. فصل سوم نیز، حاوی تأثیرات و بازتاب های فتح خرمشهر است. محور بودن «خرمشهر» در کتابی که می خواهد زمانی نسبتا طولانی و پر حادثه از جنگ را در مجموعه ای فشرده ارائه کند، امری الزامی است، زیرا تا پایان دوره اشغال، خرمشهر، چه در نزد دشمن و چه در نزد خودی، مهمترین مسئله جنگ بوده است.

کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» در جایی به پایان می رسد که کتاب «خرمشهر تا فاو» شروع شده است. کتاب اخیر، تبعات پیروزی خرمشهر را به انتقال جنگ در خاک عراق (عملیات رمضان و...) متصل کرده است.

در این جا لازم است که برادر سردار سر لشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که هم با ارائه تحلیل ها و جمع بندی های دقیق و موشکافانه در مصاحبه اختصاصی مربوط به کتاب حاضر و هم با حمایت های متعدد و همه جانبه، از آغاز شروع کار مرکز تا کنون، نقش اساسی در تهیه این کتاب و سایر آثار مرکز داشته است، سپاس گزاری شود. و نیز ضروری است که از همکاری برادران، سردار

سرتیپ غلامعلی رشید، معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، که در زمینه های مختلف مرتبط با مضامین کتاب، این مرکز را یاری نموده و بهاءالدین شیخ الاسلامی، که ویرایش محتوایی کتاب را به عهده داشته، قدردانی شود. همچنین لازم است از همکاری مسئولان دفتر سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و نیز از زحمات راویان و مسئولان سابق مرکز، برادران هادی نخعی و غلامرضا ظریفیان شفیعی تشکر شود.

اما مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ لازم می داند که بیش از همه، از برادر محمد درودیان، راوی و کارشناس سابق مرکز، قدردانی نماید که با وجود پیوستن به سنگری دیگر، در تهیه کتاب «خونین شهر تا خرمشهر» همانند کتاب «خرمشهر تا فاو»، نقش اصلی را ایفا کرده و با انگیزه ای قابل ستایش به استخراج، تنظیم و تدوین تحقیقاتی که توسط خود ایشان و دیگر راویان مرکز انجام شده بود، پرداخت و موفق به تألیف این دو کتاب شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

دی ماه ۱۳۷۲

ص: ۱۸

از اشغال تا آزادسازی

زمینه های شکل گیری تهاجم

انقلاب اسلامی، پس از یک سال و اندی که از پیروزی آن می گذشت، با توجه به ستیزه جویی و معارضه ذاتی با اهداف و منافع استکبار جهانی و نیز نفی هر گونه مصالحه و سازش، به نحوی گسترده و شدید تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار داشت. ادامه ی نگهداری گروگان های آمریکایی نیز بر خصومت آمریکا با انقلاب اسلامی می افزود. به ویژه این که سیاست خارجی آمریکا و موقعیت دمکرات های این کشور برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری، عمیقا تحت تأثیر ماجرای گروگان گیری قرار داشت و عامل زمان برای کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

بدین ترتیب، با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹، روند تحولات داخلی و خارجی وضعیتی جدید به خود گرفت. تشنج در مرز ایران و عراق به طور چشمگیری تشدید شد و در تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۹، تنها یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام، رئیس جمهور عراق، اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره ی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی خارج شود. (۱) .

وی همچنین اظهار داشت:

ص: ۱۹

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«عراق آماده است با زور، تمام اختلافات خود با ایران را حل کند.»

یکی از مقامات کاخ سفید نیز در همین ایام گفت:

«آمریکا به بررسی عملیات احتمالی نظامی از قبیل محاصره دریایی و هوایی ایران و جنگ در بیابان پرداخته است.» (۱) .

عملیات طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، بخشی از تلاش های آمریکا برای آزاد کردن گروگان ها بود که با شکست آمریکا و به ویژه کارتر همراه شد. برژینسکی، بعد از این واقعه اظهار داشت:

«آمریکا قادر است تمام کوشش های لازم را به عمل آورد و تمام وسائل لازم را نیز در اختیار دارد تا ایران را به قبول نظریات آمریکا وادار سازد.» (۲) .

در همین ایام، عراق علاوه بر ادامه و تشدید درگیری مرزی با ایران، در برخی از شهرهای مرزی از جمله خرمشهر، توسط عوامل خود مبادرت به بمب گذاری و خرابکاری نمود. اوضاع جدید، دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد طوری که محافل سیاسی - نظامی جهان به ارائه تحلیل های مختلفی در این باره پرداختند. اشپیگل در این زمینه گفت:

«دلایل بسیاری وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، در یک جنگ مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و تعلیم یافته است. به همین دلیل دولت عراق سعی نمی کند که از عصبانیت قبلی بکاهد.» (۳) .

هرالد تریبون نیز طی تحلیلی نوشت:

ص: ۲۰

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

«... تحلیل گران آمریکایی معتقدند که در حال حاضر ارتش ایران قادر نیست از مرزهای کشور علیه هر گونه تهاجم مشخص دفاع نموده و در یک جنگ سخت و سنگین بیش از چند روز و شاید یک یا دو هفته دوام بیاورد.» (۱) .

تأثیر جنگ بر اوضاع داخلی و تغییر موقعیت لیبرال ها نیز بخش دیگری از تحلیل های مرتبط با بحران و مناقشه ایران و عراق را شامل می شد. مجله الحوادث در این زمینه نوشت:

«بنی صدر می داند ارتش وی که اکنون فاقد تسهیلات مناسب است، قادر به رویارویی با ارتش عراق نمی باشد و از آن گذشته رهبران ارتش یا اعدام شده و یا فرار کرده اند و تکنسین ها کنار گذاشته شده اند، اما خوب می داند که اگر ارتش عراق بخواهد وارد ایران بشود، برای وی فرصتی خواهد بود تا نیروهای ملی و ارتش را به شکل مناسبتری به دور خود گرد آورد.» (۲) .

آمریکا پس از عدم حصول نتیجه لازم و مطلوب از تشدید فشارهای داخلی و خارجی به جمهوری اسلامی، به ویژه پس از شکست عملیات طبس، کودتای نوژه را که از مدت ها قبل طرح ریزی شده بود به اجرا گذارد. بنا به اطلاعات واصله، آمریکایی ها پس از ماجرای طبس، طرح کودتا و جنگ را بررسی کرده و بنا به دلایلی، کودتا را در اولویت قرار می دهند، لیکن یکی از عناصر کودتا در قسمتی از اعترافاتش می نویسد:

«بحث بود که بین جنگ و کودتا، ابتدا کدام یک شروع شود. در صورت شکست کودتا، جو حاکم بر ارتش و بی اعتمادی و غیره، زمینه خوبی جهت ایجاد جنگ فراهم می نمود. (۳) .

همزمان با کودتا، عراق در ۲۰ منطقه مرزی درگیری ایجاد کرد (۴) و اوضاع را به گونه ای متشنج نمود که نظرها از داخل به مسائل مرزی معطوف شود. ضمن این که بر اساس شواهد و قرائن، عراق و برخی دیگر از

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

کشورهای منطقه، در کمک و حمایت از عناصر کودتاچی نقش فعال داشتند.

متعاقب شکست کودتا، صدام مجددا برای آغاز جنگ اعلام آمادگی کرد. وی در یکی از سخنرانی های خود گفت:

«اینک برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج (فارس) که توسط شاه اشغال شده است، توانایی نظامی لازم را داریم. هرگز از زمان اشغال این سه جزیره، ساکت ننشسته ایم و پیوسته از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن سه جزیره مذکور، آمادگی داشته ایم.» (۱) .

واگذاری نقش جدید به عراق، (۲) به منظور وادار کردن ایران به پذیرش خواسته ها و نظریات آمریکا، (۳) چنان که برژینسکی پیش از این مورد اشاره قرار داد و موجب گردید تا عراق بلافاصله پس از شکست کودتا، مقدمات لازم را با انتقال نیرو به مرز و گسترش درگیری در نوار مرزی، فراهم سازد.

اهداف عراق از تهاجم سراسری

دولت عراق، براساس این باور، که توازن نظامی به نفع این کشور تغییر نموده است و تمامی عوامل از جمله اوضاع ایران، (۴) وضعیت منطقه و

۱- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۲- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۳- ۱۲. کارتر رئیس جمهور آمریکا، چند روز پس از تهاجم عراق اعلام کرد که امیدوار است جنگ. ایرانی ها را بر سر عقل آورده باشد.

۴- ۱۳. طارق عزیز طی مقاله ای در مجله الوطن مورخ ۱۵ مه ۱۹۸۰ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، اوضاع داخلی ایران را چنین ارزیابی می کند: علائم برجسته اوضاع ایران که در سایه این حکمفرمایان می گذرد، چنین است: ۱ - تشتت نیروهای انتظامی. ۲ - (تعدد) مراکز تصمیم گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام از آنها به یکدیگر اتهاماتی نسبت می دهند. ۳ - کشمکش هایی میان اقلیت ها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها. ۴ - وجود هرج و مرج و نا امنی. ۵ - توقف کارخانه های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش اشخاص بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار. ۶ - آشفتگی در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.

مناسبات بین المللی، به تحقق اهداف حاکمان بغداد کمک خواهد کرد، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - پس از آن که صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) لغو و تسلط کامل عراق بر آبراه اروند را اعلام کرد - تهاجم سراسری خود را از هوا، دریا و زمین، به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

استعداد زمینی عراق در آغاز تهاجم، بالغ بر ۴۸ یگان می شد که عبارت بود از ۱۲ لشکر (شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه) و همچنین ۱۵ تیپ مستقل (شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروی مخصوص)، به اضافه تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می شد.

ماشین نظامی عراق با بهره مندی کامل از تجهیزاتی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.

اهداف عراق در این تهاجم، با توجه به همسویی منافع این کشور با

ص: ۲۳

آمریکـا، در مورد مهار کردن و کنترل انقلاب اسـلامی، و همچنین تمایلات توسـعه طلبانه رژیم بعثی برای بهره برداری از خلأ ناشی از رژیم شاه، در سه سطح قابل تقسیم بندی است. (۱) .

۱ – لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر.

۲ – تجزیه ایران با جداکردن استان خوزستان.

۳ – براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

در این میان، به نظر می رسـد لغو قرارداد الجزایر و تسـلط کامل عراق بر رودخانه ارونـد، نازلترین بخش از اهداف رژیم عراق بود که در صورت تحقق آن، براندازی حکومت و تجزیه ایران نیز عملا پیگیری می شد.

گرچه لغو قرارداد، بـدون حمله سراسـری نیز امکان پـذیر نبود. قطعا هـدف عراق، همان طور که گفته شـد، فراتر از موارد ذکر شـده بود، لیکن حاکمـان عراق چنین می پنداشـتند که پس از تهاجم، دست کم قادر خواهنـد بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرده و بدین ترتیب، معضل راه یابی عراق به شمال خلیج فارس را حل نمایند.

---

۱ – ۱۴. ادواردوود لاک یکی از کارشـناسان برجسـته مسائل دفاعی آمریکا و اسـتاد دانشـگاه جرج تاون واشـنگتن، تنها ۴ روز پس از آغاز تجاوز عراق، طی تجزیه و تحلیلی از اهداف عراق از تجاوز به جمهوری اسلامی، که در روزنامه کریستین ساینس مـانیتور درج شـد، نوشت: «احتمالاـ عراق در جنـگ با ایران سه هـدف را در نظر داشت: اولین هـدف عراقی ها تسـلط بر شـط العرب و کنترل این شاهراه آبی دهانه خلیـج فارس است. هدف دوم عراقی ها اسـتان خوزسـتان، و سومین هدفشان، سـرنگونی رژیـم (امام) خمینی است. وی در مورد مکانیزم تحقق اهـداف عراق، به صورت مرحله ای می نویسـد: پس از نیل اولین هدف، یعنی برقراری سـلطه و برتری عراق بر شـط العرب، جنگ را برای رسـیدن به دومین هـدف، یعنی خوزسـتان ادامه داده و آنگاه برای نیل به هـدف سوم، پافشاری می کند. (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹ به نقل از رادیو آمریکا، ۴ / ۷ / ۱۳۵۹).

تهاجم در جبهه جنوبی و زمین گیر شدن دشمن

اشاره

استان خوزستان، (۱) از لحاظ ویژگی های استراتژیکی خاص خود، می توانست بخش مهمی از اهداف عراق در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. چرا که دشمن، در صورت تسلط بر استان خوزستان و تجزیه آن، علاوه بر این که می توانست در مسیر براندازی نظام گام اساسی بردارد، در صورت عدم موفقیت در ساقط کردن حکومت مرکزی، قادر بود با تجزیه استان خوزستان، تسلط خود بر شمال خلیج فارس را اعمال و کاملا تثبیت نماید.

استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر، علاوه بر این که براساس «عملیات سریع، برق آسا و قاطع» طرح ریزی شده بود، (۲) عمدتا معطوف به منطقه جنوبی کشور بود. لذا با توجه به اهداف یاد شده، فرماندهان نظامی عراق، نزدیک به دو سوم توان نظامی خود را برای عملیات در مناطق جنوبی کشور سازمان دهی کردند. به این ترتیب که منطقه جنوب، حد فاصل خرمشهر تا دهلران، به سپاه سوم عراق واگذار گردید. نهایتا، با توجه به معابر وصولی منتهی به منطقه و موقعیت زمین، طرح اشغال خوزستان براساس اهداف از پیش تعیین شده، به صورت زیر در دستور کار قرار گرفت:

ص: ۲۵

---

۱ - ۱۵. نظر به این که برای تشریح وقایع خرمشهر نیازی به بررسی اوضاع جبهه های میانی و شمالی غرب نبود لذا در این کتاب، مباحث مربوط به جبهه های یاد شده مورد اشاره قرار نگرفته است. در این زمینه به کتاب «گذری بر دو سال جنگ» از انتشارات دفتر سیاسی سپاه مراجعه کنید.

۲ - ۱۶. بر همین اساس بود که علی رغم اشغال برخی از مناطق ایران، کارشناسان و تحلیل گران نظامی، صدام را در تحقق اهداف خود ناکام قلمداد کردند.

محور دزفول

نظر به گستردگی منطقه و طولانی بودن فاصله بین مرز تا اهداف دشمن در این محور، لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند تا با استفاده از معابر وصولی منطقه، شامل دو معبر «فکه - دوسلك - پل نادری - دزفول» و «شرهانی - عین خوش - پل نادری - دزفول» و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز (از شمال) و دزفول (از جنوب) را کامل کنند.

بر این اساس، لشکر ۱۰ زرهی در محور شرهانی - عین خوش - امام زاده عباس به سمت پل نادری پیشروی کرد و سرانجام در پشت پل نادری و غرب رودخانه کرخه متوقف شد. لشکر ۱ مکانیزه در محور فکه - دوسلك به سمت شوش پیشروی کرد و توانست تا پشت رودخانه کرخه را زیر نفوذ خود قرار دهد.

در این محور، علاوه بر تیپ ۲ زرهی (از لشکر ۹۲ زرهی اهواز) که بنا به مأموریت سرزمینی در این منطقه استقرار داشت، نیروهای سپاه پاسداران شوش و دزفول، و نیز تیپ ۳۷ زرهی ارتش جمهوری اسلامی در برابر تهاجم دشمن صف آرایی نمودند، لیکن پس از اشغال عین خوش توسط قوای دشمن، نیروهای خودی به شرق رودخانه کرخه عقب نشینی کردند.

دشمن طی کمتر از یک هفته به ساحل غربی رودخانه کرخه رسید. عدم الحاق کامل لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی و وسعت و عمق زمین منطقه و نیز وجود موانع طبیعی همچون رودخانه کرخه، موجب زمین گیر شدن دشمن در پشت این رودخانه گردید. (۱) البته پس از الحاق دو لشگر

ص: ۲۶

۱- ۱۷. علاوه بر این، عدم موفقیت لشکر ۳ زرهی عراق برای عبور از رودخانه کارون و تصرف آبادان و خرمشهر و همچنین ناکامی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی در تصرف اهواز، نقش مهمی در توقف دشمن داشت.

مذکور، دشمن توانست کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داده و تأمین نماید.

محور چزابه – سوسنگرد – اهواز

لشکر ۹ زرهی ارتش عراق مأموریت داشت تا با عبور از معبر وصولی چزابه، با تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیشروی نماید. در واقع محور سوسنگرد - بستان - حمیدیه از یک سو و محو نشوه - طلائیه - جفیر از سوی دیگر، با هدف تصرف اهواز طراحی شده بود.

لشکر ۹ زرهی، با حرکت از العماره، از معبر وصولی چزابه عبور کرد و ضمن اقدام برای تأمین جناح چپ خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه به سمت اهواز پیش رفت. بدین ترتیب که نخست برای تأمین جناح خود و الحاق با لشکر ۱ مکانیزه، از سمت شمال کرخه به سوی تپه های الله اکبر در شمال بستان تک کرده و همزمان با عبور از رودخانه کرخه و با اتکا به جاده اصلی بستان - سوسنگرد - حمیدیه، حرکت اصلی خود را به سمت اهواز ادامه داد. این لشکر توانست ضمن اشراف و تسلط کامل بر منطقه، جناح چپ خود را با تصرف ارتفاعات الله اکبر، تأمین نماید. در برابر محور اصلی تهاجم دشمن به سمت اهواز، علی رغم غافلگیری کلی نیروهای خودی، مقاومت هایی در شهر بستان، پل سابله و سایر محورها صورت گرفت، لیکن به دلیل سنگینی تهاجم دشمن، نیروهای خودی، به تدریج برای استقرار در مواضع مناسبتر، عقب نشینی کردند. در نتیجه، دشمن با یک خیز بلند، خود را به دروازه حمیدیه رساند و شهر اهواز را در

معرض تهدید قرار داد. (1) در این وضعیت ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید «غیور اصلی» از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قبضه آرپی جی ۷ در اختیار داشتند - شبانه، آماده یورش به دشمن شده، پس از خروج از شهر، در چند کیلومتری آن، در کنار جاده حمیدیه - اهواز به کمین دشمن نشستند. ساعت ۴ بامداد ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ شلیک هماهنگ به سوی تانک های عراقی آغاز شد. نیروهای عراقی که در طول این مسیر تا آن هنگام، با موانع و مقاومتی اساسی رو به رو نشده بودند، بلافاصله پس از تهاجم غافلگیرانه رزمندگان اسلام، با وحشت و نگرانی فراوان اقدام به عقب نشینی کردند. برخی از تانک های دشمن در زمین های مزروعی اطراف حمیدیه به گل نشسته و برخی منهدم شدند. بعد از این حادثه، دشمن چند بار اقدام به پیشروی در این محور کرد و سرانجام، در حوالی دیوارهای غربی شهر سوسنگرد، در غرب رود نیسان، زمین گیر شد.

محور نشوه – جفیر – اهواز

مأموریت عملیات در این محور بر عهده لشکر ۵ مکانیزه ارتش عراق بود که باید ضمن پاکسازی منطقه، جاده اهواز - خرمشهر را قطع می کرد و پس از محاصره خرمشهر از قسمت شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را نیز کامل می نمود و بعد از آن نیز به لشکر ۹ زرهی - که قرار بود در محور چزابه، با هدف تصرف بستان و سوسنگرد، به سمت

۱- ۱۸. متعاقب این وضعیت و اطلاع حضرت امام از احتمال سقوط قریب الوقوع اهواز، ایشان چنین فرمودند که: «مگر جوانان اهواز مرده اند؟» رسیدن این خبر به سپاه خوزستان موجب تحول و اقدامات شجاعانه جوانان رزمنده علیه دشمن و نهایتا نجات اهواز از خطر سقوط گردید. (سند شماره ۷۸۵۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

اهواز حرکت کند - در شهر اهواز ملحق می شد.

لشکر ۵ ارتش عراق، با تصرف پاسگاه های طلائیه و کوشک، به سمت اهواز پیشروی کرد و در محور کوشک، تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به همراه برادران سپاه، در برابر دشمن مقاومت نموده و برای مدت کوتاهی پاسگاه کوشک را آزاد کردند. سرانجام، لشکر ۵ مکانیزه عراق، در ۱۵ کیلومتری اهواز، در منطقه «نورد» با مقاومت مردمی مواجه شد که موجب توقف دشمن در آن منطقه گردید. از سوی دیگر، به علت عدم موفقیت لشکر ۹ زرهی عراق در تصرف سوسنگرد و حمیدیه، دشمن از پیشروی بیشتر به سمت اهواز عاجز ماند. لشکر ۵ مکانیزه نیز پس از این، با عبور از محور طلائیه، با یک فلش به سمت جاده اهواز - خرمشهر و با یک فلش به سمت جفیر حرکت کرد و پس از عبور از جفیر، در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد. بعدها با ملحق شدن لشکرهای ۹ زرهی و ۵ مکانیزه در منطقه هویزه، بین نیروهای بخش شمالی و بخش جنوبی دشمن در جبهه جنوب، الحاق حاصل شد.

محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص ارتش عراق، مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند. لشکر ۳ زرهی، به همین منظور با عبور از ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر، به سمت رودخانه کارون حرکت کرد و همزمان نیز تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، پیشروی خود را آغاز نمود.

مقاومت در خرمشهر موجب شد تا حرکت لشکر ۳ با تأخیر ودر نتیجه با شکست روبه رو شود. (۱) این لشکر، در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ از کارون عبور کرد

۱- ۱۹. نظر به این که موضوع کتاب، «خرمشهر» و حوادث مربوط به آن می باشد و از آن جا که نحوه اشغال خرمشهر و مقاومت مدافعان آن فصل درخشان و برجسته ای در تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می باشد، لذا این موضوع، به صورت مفصل تری در ادامه کتاب، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

و پس از قطع جاده اهواز - آبادان، توانست آبادان را محاصره کرده و با عبور از رودخانه بهمن شیر، وارد کوی ذوالفقاری آبادان شود، لیکن به دلیل مقاومت مردمی در کوی ذوالفقاری، سرانجام مجبور به عقب نشینی شد و در شمال رودخانه بهمن شیر استقرار یافت.

نبرد در خرمشهر

مقاومت رزمندگان و ناکامی دشمن در اشغال سریع شهر

خرمشهر، ماه ها قبل از آغاز رسمی تجاوز عراق، دستخوش بحران سیاسی - امنیتی شده بود. عراقی ها از مدت ها قبل اقدام به سازمان دهی نیروهای وابسته به خود در داخل خرمشهر نموده و با توزیع سلاح و مهمات و تشدید تبلیغات سیاسی - روانی، زمینه را برای بهره برداری از نیروهای موسوم به «خلق عرب» آماده کردند. (۱) درگیری های مرزی که در گذشته نیز کم و بیش رخ می داد، در شش ماهه ی اول سال ۱۳۵۹ شکل جدیدی به خود گرفت و در حجم و فواصل آن تغییرات محسوسی به وجود آمد و همین امر سبب اعزام بخشی از نیروهای سپاه به مرز خرمشهر شد.

در پی طرح ریزی تهاجم نظامی عراق به جمهوری اسلامی، لشکر تقویت شده ی ۳ زرهی عراق، پس از آن که تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز

ص: ۳۰

۱- ۲۰. برای مطالعه اوضاع خرمشهر بعد از پیروزی انقلاب، بحران های قومی و جنگ انفجارات قبل از هجوم سراسری عراق و حماسه مقاومت خرمشهر و چگونگی اشغال خرمشهر به کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی» از انتشارات مرکز مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مراجعه نمایید.

تحت امر آن قرار گرفت، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به دنبال ۱۰ روز درگیری در مرز خرمشهر و همزمان با حمله سراسری عراق، حمله خود به خرمشهر را آغاز کرد.

مأموریت تصرف و پاکسازی خرمشهر به گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص واگذار شده بود. این نیروها بر مبنای توجیهات فرماندهی سپاه سوم، مدافعان شهر را اندك و فاقد روحیه پنداشته و تصور می کردند که مأموریت پاکسازی را حداکثر طی چند ساعت و با موفقیت به پایان خواهند رساند. گردان هشتم نیروی مخصوص، در خط مقدم درگیری و به دنبال آن گردان نهم، پس از چند روز درگیری در منطقه مرزی، در تاریخ ۷ / ۷ / ۱۳۵۹ به پانصد متری پل نو رسیدند. اولین مقاومت های شدید رزمندگان اسلام در این منطقه، ضایعات و خسارات قابل توجهی به نیروهای دشمن وارد ساخت. ایجاد موانع متعدد و به دنبال آن کندی در پیشروی، موجب شد تا دشمن گردان هشتم را مأمور تثبیت منطقه نموده و ادامه پیشروی در خرمشهر را به گردان نهم محول کند. علاوه بر این، به این منظور تصرف پل نو و تسهیل در پیشروی به سمت خرمشهر، گردان تانك الحسن، وابسته به تیپ ۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه عراق، به منطقه اعزام شد و به پیشروی به سمت پل نو و درگیری در حوالی «سوله ها» اقدام کرد. اما تلاش جدید نیز نتیجه مطلوبی در پی نداشت.

یکی از فرماندهان تیپ ۳۳، پس از عبور از پل نو می گوید:

«ما تصور کردیم که مقاومت ها از بین رفته و دیگر شهر در چنگال ماست و لذا این موقعیت را به لشکر گزارش کردیم که مأموریت ما به درستی پایان یافت.» (۱) .

لشکر ۳ عراق، برای عبور از رودخانه کارون، در انتظار پیشروی

ص: ۳۱

۱– ۲۱. سند شماره ۵۱۰۹۶.، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷.

تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و گردان تانک الحسن به سمت خرمشهر و تأمین جناح چپ لشکر بود. عدم موفقیت تیپ ۳۳ در انجام مأموریت خویش از یک سو و ضرورت پیشروی سریعتر به سمت خرمشهر از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را برای دشمن به وجود آورد. لذا فرماندهان تیپ ۳۳ در تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۵۹ قبل از طلوع آفتاب، به تشکیل جلسه مبادرت کردند. در این جلسه، عدم آشنایی با شهر، عدم برآورد صحیح از استعداد نیروهای موجود و همچنین مقاومت رزمندگان اسلام به عنوان عوامل مؤثر در عدم تحقق اهداف تیپ ۳۳ مورد اشاره قرار گرفت. مهمترین نتیجه این بررسی، بروز ابهام و تردید نسبت به موفقیت تیپ ۳۳ در اجرای مأموریت محوله بود. سرانجام پس از بررسی راه کارهای مناسب، بندر خرمشهر به عنوان محور پیشروی در دستور کار قرار گفت. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«محور بندر (خرمشهر) به دلایل زیر انتخاب شد:

۱ - تأمین جناح راست یگان های خودی.

۲ - با توجه به منتهی شدن بند به مصب رود کارون، دسترسی به پل حتمی خواهد بود.

۳ - خودداری از ورود به مرکز شهر، چرا که این کار سختی ها و مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

۴ - تأمین اصل غافلگیری.» (۱) .

جمع بندی نیروهای مهاجم در اولین مرحله از تهاجم و مواجه شدن با مقاومت نیروهای خودی در مرز خرمشهر و در حد فاصل مرز تا پل نو و نیز در پل نو، نشان دهنده ی تغییر ذهنیت نیروهای دشمن است که در ابتدا، دست یابی به شهر را سهل پنداشته و مقاومت را بسیار ناچیز و اندک برآورد می کردند.

۱- ۲۲. پیشین، ص ۸.

بـدین ترتیب، گردان هشـتم، حمله خود رابه سوی بنـدر خرمشـهر آغاز کرد. عـدم حضور مـدافعین خرمشـهر در بنـدر، موجب سهولت پیشروی نیروهای دشمن در ابتدای حمله در این محور گردید. فرماندهی لشکر ۳ - که در این زمان ضمن پیشروی در شمـال سـیل بنـد خرمشـهر، در انتظـار گشودن دروازه های شـهر بود - با دریافت گزارش پیشـروی در بنـدر ضـمن اسـتقبال از وضـعیت به وجود آمده، دسـتور ادامه پیشروی در همین محور را صادر کرد. همچنین مقرر گردید که درگیری های محدودی در جاده شلمچه به سمت خرمشهر انجام شود تا نیروهای داخل بندر بتوانند به سهولت به حرکت خود ادامه دهند.

مـدافعین خرمشـهر نیز، بلافاصـله پس از اطلاع از ابعاد و گسترش تحرکات جدید دشـمن، بخشـی از نیروهای خود را به داخل بنـدر اعزام و به حمله و مقـاومت در برابر دشـمن مبـادرت کردنـد. در این هنگام، عملا درگیری با نیروهای دشـمن به تناسـب محورهای تهاجم، در سه منطقه زیر متمرکز شده بود:

۱ - روی جاده شلمچه در شرق پل نو، در برابر گردان تانک الحسن و گردان نهم تیپ ۳۳ نیروی مخصوص.

۲ - در داخل بندر خرمشهر، در برابر گردان هشتم تیپ ۳۳.

۳ - روی سیل بند خرمشهر، در شمال ساختمان های پیش ساخته واقع در شمال شهر، در برابر لشکر ۳.

فرمانده قوای دشـمن که پس از مواجهه با مقاومت شدید رزمندگان اسلام، امید قبلی خود را به پیشروی در بندر خرمشهر را از دست رفته می دید، وضعیت خود را چنین گزارش کرد:

«در آغاز کار، مقاومت چندان شدید نبود. همچنین سـتون ما در محور بندر، سعی در پیشروی داشت که به دلیل مقاومت بسیار شدید

نیروهای ایرانی، تنها در مسافت بسیار ناچیزی موفق به پیشروی شد.» (۱) .

رزمندگان اسلام در بند خرمشهر، با حمله به نیروهای دشمن، موجب عقب نشینی آنها تا پل نو شدند و در نتیجه ی این یورش دلیرانه، رعب و وحشت شدیدی بر دشمن مستولی شد. در این وضعیت، فرمانده نیروهای دشمن در خرمشهر، ضمن تقاضای کمک از لشکر ۳، عدم توانایی در اجرای مأموریت خود را اظهار نمود. لشکر ۳، ضمن قول مساعدت مبنی بر اعزام نیروی کمکی، بر لزوم حفظ موقعیت مذکور تأکید نمود و دستور پیشروی به داخل شهر را به نیرویی مرکب از گردان تانک الحسن و گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه و گردان ۱ از تیپ ۴۹ ابلاغ کرد.

بدین ترتیب، نیروهای تقویت شده دشمن، در حالی که در پیشاپیش آنها گردان تانک الحسن حرکت می کرد و پشت سر آن نیز گردان مکانیزه و به دنبال آنها نیروی پیاده در حرکت بود، موفق به ورود در مدخل شهر شدند. در همین زمان، نیروی دشمن ر داخل بندر نیز همچنان به تلاش برای پیشروی ادامه می داد.

ورود دشمن به دروازه خرمشهر، سبب تغییر محورهای مقاومت شد. طوری که بخشی از نیروها در کشتارگاه و بخشی دیگر در ساختمان های کوی طالقانی و بخشی نیز در راه آهن درگیر شدند. تصور دشمن تا این زمان، این بود که با ورود به دروازه خرمشهر، مقاومت مدافعان شهر در هم شکسته و شهر سقوط خواهد کرد. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می گوید:

«ما در این گمان بودیم که شهر به دست نیروهای عراقی سقوط کرده است، در حالی که عکس این قضیه به وقوع پیوست. به گونه ای که مدافعان به نیروهای ما اجازه دادند تا داخل شهر شوند، سپس آنها را به محاصره خود

۱- ۲۳. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه «فصلنامه بررسی های نظامی»، شماره ۲ ص ۳۸.

در آوردنـد و بـا تمامی سـلاح های در دسترس خود، بیش از دو سوم تانک های گردان الحسن و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکـانیزه را منهـدم سـاخته و ضـمن کشـتن تعـدادی از نیروهـای گردان پیـاده، بعضـی از آنـان را نیز بـه اسـارت خـود درآوردند.» (۱) .

این فرمانده عراقی، در توصیف وضعیت نیروهای مهاجم چنین می گوید:

«در ساعت ۱۶:۱۵ همـان روز (۱۰ / ۷ / ۱۳۵۹) بـا چشـمان خود مشاهـده کردم که نیروهایی که به وسـیله تانک و خودرو در محور اصـلی شـهر پیشـروی کرده بودنـد، با وضـعیتی تأسف بار و حزن انگیز و با روحیه ای بسـیار متزلزل که به هیچ وجه قابل کنترل نبودند، شـکست خورده و در حال عقب نشـینی بودند... تلفات و ضایعات سنگین بود، طوری که گردان تانک الحسن، بیش از ۲۳ تانـک خود را از دست داده بود؛ ۱۷ دسـتگاه خودرو از نوع اسـکات ساخت چکسلواکی، متعلق به گردان مکانیزه نیز منهدم شد و ده ها نفر کشته و اسیر شده و باقی شکست خورده بودند...» (۲) .

روز دهم مهر، برای مـدافعین خرمشـهر علی رغم سـختی و دشـواری فراوان، روز موفقی محسوب می شود. در این روز، جنگ تن و تانک در آسـتانه خرمشهر در گرفت. در میدان راه آهن، مدافعین شهر، چون صاعقه بر تانک های دشمن فرود آمده و با پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف، آنها را یکی پس از دیگری منهدم کردند و دشمن که با تقویت نیروهایش، در نظر داشت با یک خیز بلند، شـهر را تصـرف نماید، علی رغم تصـرف کشـتارگاه و ورود به میدان راه آهن، مجددا متحمل شکست شد و اقدام به عقب نشینی کرد.

یکی از حماسه سازان و مدافعین غیور خرمشهری، در این مورد چنین اظهار داشت:

ص: ۳۵

۱- ۲۴. پیشین، ص ۴۰.

۲- ۲۵. مأخذ شماره ۱۱.

«روز ۱۰ مهر، روزی خونین برای خرمشهر بود، آن روز عراقی ها از کشتارگاه به داخل شهر آمدند و وقتی راه آهن را گرفتند، بچه ها یکی از حماسه های عظیم را در فلکه راه آهن به وجود آوردند.» (۱) .

شدت و سرعت عمل رزمندگان اسلام، کنترل نیروهای شکست خورده و متوحش دشمن را از دست فرماندهان آنها خارج کرده بود. برخی از عناصر دشمن تا حوالی پل نو فرار کرده بودند. هر چند شهامت رزمندگان اسلام در تمام دوران مقاومت در خرمشهر ستودنی و غیر قابل توصیف بود، اما روز ۱۰ مهر جلوه دیگری داشت. در این روز شکستی تلخ و ناگوار به نیروهای دشمن تحمیل و در جمع رزمندگان جشن و سروری معنوی حاکم شد.

در پی پیدایش وضعیت جدید، فرمانده قوای دشمن به منظور تقویت روحیه فرمانده و نیروهای تیپ ۳۳ و تسهیل در ادامه پیشروی به داخل شهر، به اقدامات زیر دست زد:

۱ - با توجه به انهدام تعداد زیادی از تانک های دو گردان «الحسن» و «۳ مکانیزه»، تانک های باقی مانده به استعداد یک گردان را تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد.

۲ - گردان ۳ تیپ ۱۵ مکانیزه را نیز برای بازسازی به سازمان اصلی خود در خارج از منطقه منتقل کرد.

۳ - چهار گردان کماندویی را از طریق فرماندهی نیروهای کماندویی خالد (کماندوهای لشکر ۲)، وارد منطقه کرد تا در محور بندر مستقر شوند.

۴ - گردان ۱ تیپ ۴۲۹ نیز مأمور به استقرار در سمت چپ بندر شد.

پس از سازمان دهی و استقرار نیروها در مواضع جدید، تلاش اصلی دشمن بر ممانعت از توقف به هر شکل ممکن، متمرکز شده بود.

---

۱ - ۲۶. سند شماره ۵۵۲۲. / پ. ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با برادر همایون سلطانی فر (از رزمندگان مقاومت خرمشهر).

بدین منظور دشمن مصمم بود پیشروی را هر چند در قالب خیزهای کوتاه، ادامه دهد. (۱) لذا، براساس طرح ریزی جدید، در سپیده دم ۱۳ / ۷ / ۱۳۵۹ تهاجم سنگینی را آغاز کرد و پس از تلاش فراوان، تنها موفق به ۵۰ متر پیشروی در داخل بندر شد و این بار نیز، تحمل ضایعات فراوان از یک سو و یورش رزمندگان اسلام به قرارگاه تیپ ۳۳ از سوی دیگر، دشمن را از پیشروی باز داشت.

با این وضعیت، دشمن مجددا اقدام به تقویت نیروهای خود کرد. بدین ترتیب که گردان ۲ (۲) نیروی مخصوص تیپ ۳۱ و گردان ۲ از تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده را همراه با ۴ گروهان کماندویی دیگر، تحت امر تیپ ۳۳ قرار داد. تعجیل لشکر ۳ برای اشغال شهر و پیوستگی این اقدام با عبور نیروهایش از رودخانه کارون و تصرف آبادان، موجب شد تا فرماندهان این لشکر، در پایان روز ۱۳ مهر با تشکیل یک جلسه فوری، بر ضرورت پیشروی سریع و اشغال شهر تأکید نمایند. یکی از فرماندهان دشمن، طرح مجدد اشغال شهر را که در همین جلسه مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفت، چنین تشریح می کند:

الف) استقرار گردان ۲ نیروی مخصوص تیپ ۳۱ در سمت چپ جاده اصلی و آمادگی برای پیشروی پس از صدور دستور.

ب) استقرار گردان ۲ تیپ ۲ در سمت راست جاده اصلی و گسترش و

ص: ۳۷

۱- ۲۷. شاید بتوان یکی از دلایل عدم پیشروی دشمن با خیزهای بلند را، علاوه بر تأثیرات ناشی از مقاومت مدافعین خرمشهر، نگرانی و هراس دشمن از غافلگیری و دور خوردن نیروهایش ارزیابی کرد.
۲- ۲۸. این گردان قبلا مأموریت داشت که طی عملیاتی وارد اهواز شود، لیکن موفق نشد و پس از بازسازی استعداد خود، در مأموریت جدید، به خرمشهر اعزام گردید و تحت امر تیپ ۳۳ نیروی مخصوص قرار گرفت.

آمادگی برای ادامه پیشروی.

ج) استقرار گردان ۸ نیروی مخصوص در سمت راست گردان ۲ از تیپ ۲ و گسترش و آمادگی برای ادامه پیشروی.

د) استقرار گردان ۱ تیپ ۴۹ در سمت راست گردان ۸ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی و آمادگی برای ادامه پیشروی.

ه) استقرار یک گروهان از گردان ۹ نیروی مخصوص، به اضافه ۶ گروهان کماندویی در بندر و استقرار ۲ گروهان نیروی مخصوص و ۲ گروهان کماندویی در نزدیکی ورودی بندر، به عنوان احتیاط برای مواقع ضروری. علاوه بر اینها، کلیه توپ های لشکر ۳ در پشتیبانی این عملیات قرار گرفت. همچنین توافق شد که عملیات، در سپیده دم روز ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۹ آغاز گردد.» (۱) حمله نیروهای عراقی برابر طرح فوق آغاز گردید، اما مقاومت رزمندگان بار دیگر دشمن را متوقف کرد، و عراقی ها به میزان بسیار محدودی نسبت به مواضع قبلی خود پیشروی کردند.

در پی این وضعیت، سرلشکر ستاد اسماعیل تابه النعیمی، فرمانده سپاه سوم ارتش عراق، به منظور بررسی علل توقف مجدد یگان هایشان، قرارگاه اصلی تیپ ۳۳ را مورد بازدید قرار داد. همچنین، سرلشکر ستاد عبدالرحمن عبدالواحد (معروف به عبدالرحمن سیاوه) به عنوان مشاور یگان ها و به منظور ترسیم وضعیت و گزارش آن به قرارگاه سپاه، وارد منطقه شد.

مشکلات اصلی دشمن در این مرحله برای ورود به داخل خرمشهر، چند علت اساسی داشت:

۱ - عدم شناخت دقیق از اوضاع داخل شهر.

۲ - حضور رزمندگان اسلام در داخل شهر و مشکلات ناشی از

۱- ۲۹. سند شماره ۵۱۰۹۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۳.

مقاومت آنان و نیز هراس دشمن از جنگ شهری.

۳ - خالی شدن پشت سر یگان ها، در صورت ورود به داخل شهر و امکان دور خوردن و محاصره نیروها در داخل شهر و نیز احتمال تفرقه یگان ها از یکدیگر.

با توجه به مشکلات فوق و وضعیت موجود، سرلشکر عبدالرحمن پیشنهاد کرد نیروهایی از جیش الشعبی برای کنترل مناطق اشغالی در نظر گرفته شود و تیپ ۲۶ زرهی نیز تحت امر او قرار گیرد. این طرح پس از بررسی مجدد و تجدید نظر، به صورت زیر مورد تصویب قرار گرفت:

۱ - محور بندر: ستونی مرکب از کماندوها و ۲ گروهان نیروی مخصوص.

۲ - محور سمت چپ بندر: ستونی از گردان ۱ تیپ ۴۹ پیاده.

۳ - محور سمت راست جاده اصلی: گردان هشتم نیروی مخصوص از تیپ ۳۳.

۴ - محور مرکزی روی جاده اصلی: گردان ۲ از تیپ ۲ پیاده.

۵ - محور سمت چپ جاده اصلی واقع در سمت چپ گردان دوم از تیپ ۲: گردان ۲ نیروی مخصوص از تیپ ۳۱.

۶ - محور سمت چپ شهر: یک گردان از تیپ ۲۳ با پشتیبانی تیپ ۲۶ زرهی.

ویژگی اصلی این مرحله از تهاجم، استفاده دشمن از آتش پشتیبانی پر حجم، همزمان با آغاز حمله در ۱۶ / ۵ / ۱۳۵۹، بود. اجرای آتش سنگین، خسارات فراوانی را بر خرمشهر وارد کرد و ستون های عظیم دود حاصل از آتش سوزی های متعدد، آسمان شهر را سیاه نمودند.

طی این مرحله، نیروهای دشمن ضمن پیشروی در داخل بندر، به مرکز شهر نیز نزدیک شده و ساختمان های پیش ساخته را به تصرف

درآوردند؛ اما جاده خرمشهر – اهواز، همچنان در تصرف نیروهای خودی قرار داشت.

به دنبال پیشروی نیروهای عراقی در ساختمان های پیش ساخته، در شمال و در فاصله حدود یک کیلومتری پلیس راه خرمشهر، تدریجا مقاومت در خرمشهر ابعاد تازه ای به خود گرفت، چرا که ساختمان های پیش ساخته که در حد فاصل سیل بند خرمشهر و پلیس راه واقع شده بود، از یک سو مانع رسیدن نیروهای عراقی به پادگان دژ و اشغال آن و همچنین دست یابی عراقی ها به پلیس راه و جاده کمربندی خرمشهر بود و از سوی دیگر می توانست نیروهای عراقی (تیپ های ۶ و ۲۶ زرهی) که از شمال سیل بند خرمشهر به قصد عبور از رودخانه کارون در حال پیشروی بودند را مورد تهدید قرار داده و ضربه پذیر نماید.

در ابتدای امر، کمتر از ۱۰ نفر از مدافعین خرمشهر در ساختمان های پیش ساخته علیه دشمن مقاومت می کردند، (۱) ولی با آغاز پیشروی عراقی ها در این محور، نیروهای تکاور ارتش و افراد بومی خرمشهر به همراه سایر نیروها روانه منطقه شدند. فشار سنگین دشمن در این محور که از اهمیتش برای عراق ناشی می شد، موجب گردید تا مدافعین خرمشهر، سرانجام اقدام به عقب نشینی کرده و در حوالی پلیس راه خرمشهر استقرار یابند.

ص: ۴۰

۱– ۳۰. شهید جمشید برون که یکی از حماسه آفرینان مقاومت خرمشهر بود، در خصوص وضعیت نیروها در این محور و امکانات دفاعی آنها چنین می گوید: «شب، در آن هوای سرد پاییزی، بدن آدمی می لرزید ما، روی آسفالت طرف پلیس راه می خوابیدیم. یک گونی کثیف که بوی لجن می داد و آدم دلش نمی آمد به آن دست بزنند را شبها، هنگام استراحت، می انداختیم روی خودمان. در جایی می خوابیدیم که هر لحظه امکان حمله عراقی ها به آنجا وجود داشت.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۵۶۵۳ / پ. ن).

دشـمن، بین روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهر، پس از تقویت نیرو و سازمان دهی جدیـد، توانست به داخل شـهر نفوذ کنـد، ولی مسـجد جامع شـهر به صورت پایگاه مقاومت و سازمان دهی نیروها، همچنان در اختیار رزمندگان اسـلام بود. پل خرمشهر نیز به عنوان محل اتصال بخش های غربی و شرقی شهر جهت تأمین عقبه نیروهای خودی، در تسلط مدافعین شهر قرار داشت.

پیشـروی دشـمن بـا خیزهـای کوتـاه، بـا وجود تحمل خسارت و ضایعات سـنگین، ادامه داشت و مـدافعین شـهر علی رغم تغییر مواضع، همچنان مقاومت می کردند.

دشـمن نیز به دلیل عدم موفقیت قابل توجه و چشمگیر نیروهایش در سایر محورهای تهاجم در جبهه ی جنوب، و از طرفی نیاز حاکمان بغداد به دستاوردی که بتواند بر مبنای آن، تهاجم به جمهوری اسلامی را توجیه نماید، همچنان برای تصرف خرمشهر تعجیل داشت و اصرار می ورزید.

عبور از کارون و تشدید نبرد

عراقی هـا تا ۱۹ مهر، همچنـان در مـدخل خرمشـهر و حوالی آن درگیر بودنـد. تا این زمان در برابر دشـمن جبهه ای به امتـداد بندر، میدان راه آهن تا کشتارگاه و پلیس راه و کمی بالاتر از آن، به وجود آمده بود. عقبه نیروهای خودی نیز با استفاده از پل خرمشـهر، همچنان باز و کماکان تردد در آن صورت می گرفت. نیروهای دشـمن، تـدریجا پیشـروی نموده و با ایجاد درگیری در ساختمـان هـای پیش سـاخته، در واقع جنـاح راست تیپ های ۲۶ و ۶ زرهی را تـأمین کردنـد تـا پس از قطع جـاده اهواز - خرمشهر، به سمت کارون پیشروی و با قطع جاده اهواز - آبادان، محاصره خرمشهر را از شمال کامل نمایند.

گرچه مقاومت در داخل خرمشهر، نیروهای عراقی را با تلفات زیادی و

کندی در پیشروی رو به رو ساخت، ولی در عین حال، عدم تقویت نیروهای خودی و نبودن آتش پشتیبانی و... موجب گردید که دشـمن به هنگـام عبور از رودخـانه کارون، خود را از تهدیـد قوای جمهوری اسـلامی در امان دانسـته و با اطمینان کامل از رودخانه عبور کند (۱) رادیو بی بی سی در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹ به نقل از اطلاعیه فرماندهی ارتش عراق، خبر عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را با تردید منتشـر ساخت. دیگر منابع خارجی، از جمله روزنامه واشنگتن پست نیز در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹، عبور نیروهای عراقی از رودخانه کارون را دلیل ضعف این کشور در تصرف خرمشهر ذکر کردند:

«عراقی ها که پس از سه هفته محاصره خرمشهر، هنوز نتوانسته اند تمام قسمت های آن را در اختیار بگیرند، اکنون می کوشند با عبور از کارون، شهر را دور زده و آن را با قطع ارتباط، در محاصره بگیرند و همچنین آبادان را به محاصره اندازند.»

دشمن از این پس برای ورود به مرکز شهر، به تقویت نیرو مبادرت

ص: ۴۲

---

۱ – ۳۱. یکی از فرمانـدهان ارتش عراق که در درگیری هـای خرمشـهر حضور داشـته، دربـاره علل سـقوط خرمشـهر چنین می نویسد: این امکان برای نیروهای ایرانی وجود داشت که در خرمشـهر مقاومت کرده و مانع اشغال آن به وسیله واحدهای عراقی شوند. این، در صورتی بود که تقویت واحدهای عمل کننده در داخل شهر، هر چند وقت یک بار صورت می گرفت و عکس العمل خیلی کند و سست برابر پیشروی نیروهای عراقی که حدود ۲۶ روز به طول انجامید، روی نمی داد و اگر فرماندهی ایران در طول جنگ فقط هزار رزمنده در شهر مستقر می کرد، واحدهای عراقی تار و مار شده و بیشتر آنها به اسارت در می آمدند. من به خـاطر حضورم در طول عملیـات، این حرف را با اطمینان کامل می گویم.» (سـند شـماره ۱۰ / ۵۱۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی»، اطلاعات ستاد کل سپاه).

ورزید در حالی که برای ورود به شـهر، خود را با مشـکلات عدیده ای مواجه می دید. استقرار رزمندگان اسلام در محورهای مختلف، امکان غافلگیری یا محاصـره توسط نیروی موجود دشـمن - که به علت عـدم آشـنایی کافی با شـهر، نیروی خود را از دست داده و متحمـل تلفـات زیـادی گردیدنـد - را از بین برد. لـذا دشـمن به منظور تقویت بیشـتر نیروهـایش دو واحـد جیش الشـعبی از سـپاه سـوم ارتش عراق، برای اسـتقرار در مواضع تصـرف شـده، در اختیـار فرمانـدهی جبهه خرمشـهر قرار گرفت و گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری نیز برای اجرای عملیات به منطقه اعزام شد.

علاوه بر موانع یاد شده که بر سر راه دشـمن قرار داشت، پیمودن مسافت کشتارگاه (در ابتدای جاده شلمچه) تا ساختمان های بلنـد کوی طالقانی که میـدان نسـبتا وسـیعی را در بر می گرفت و در اختیار مدافعین خرمشـهر قرار داشت، برای دشـمن نگران کننده بود.

ورود به شهر

در ۲۱ مهر ۱۳۵۹، توان اصـلی دشـمن معطوف به تصـرف ساختمان های کوی طالقانی گردید چرا که در صورت تصرف این ساختمان ها، این امکان برای آنها فراهم می شـد که در ابتدای شـهر، با برخورداری از یکی موقعیت مناسب، جاده کمربندی و منطقه پلیس راه را در کنترل خود قرار دهند.

یکی از فرماندهان ارتش عراق در مورد این اقدام و نتایج می گوید:

«بدین وسـیله نیروهای ما می توانسـتند در ورودی شهر، برای خود جای پایی باز کرده و موقعیت خود را تثبیت کنند، به طوری که این محل، نقطه تحولی در روند عملیات به حساب می آمد (۱) .

۱- ۳۲. سند شماره ۵۱۰۹۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۸.

دشـمن در نظر داشت که بـا تقویت نیرو به منظور حفـظ منـاطق اشـغالی و آزاد شـدن نیروهـای تـک ور، خود را برای ورود به داخل خرمشـهر مهیا کند. روز ۲۲ مهر، به عبـارتی، روز سـرنوشت ساز برای خرمشـهر به شـمار می رود، زیرا موقعیت دشـمن، بیانگر سـقوط قریب الوقوع شـهر بود. دشـمن با تسـلط بر ساختمان های کوی طالقانی و اسـتقرار در ابتدای خیابان چهل متری، مسافتی زیاد از خیابانی که به مرکز شـهر ختم می شد را در تیررس خود داشت، نیروهای دشمن، امکان تحت کنترل درآوردن جـاده کمربنـدی را نیز داشـتند و علی رغم آنکه مقـاومت در تمامی محورها، از جمله بنـدر و پلیس راه، همچنان ادامه داشت، ارتبـاط نیروهـای مسـتقر در پلیس راه بـا تـوجه به حضور دشـمن در ساختمـان هـای بلنـد کوی طالقـانی دشوار شـده و حضور نیروهای خودی رو به کاهش گذارده بود.

با آغاز پیشروی نیروهای عراقی به داخل شهر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، از مقاومت بندر و پلیس راه کاسته شد و پادگان دژ نیز به طور کامل سقوط کرد. این، در واقع مقدمه کنترل کامل دشمن بر منطقه شمال پلیس راه و جاده کمربندی بود.

تغییر خرمشهر به خونین شهر

نیروهای دشـمن با پیشـروی در عمق شهر و نفوذ در داخل خیابان فردوسی، به مسجد جامع نزدیک شدند. قلب شهر در معرض تهـاجم و یورش دشـمن قرار گرفت. تـا کنون همه مسائـل در مسـجد جامع حل و فصل می شـد. عقبه نیروها و محل تـدارک، سازمان دهی، استراحت و مداوای مجروحین در مسـجد جامع واقع شده بود. به عبارت دیگر، مسـجد جامع با قدرتمندی، نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می کرد. از این پس،

مدافعین شـهر برای مقاومت، با دشواری های بسیاری مواجه بودند. به نیروهای داخل شهر نه تنها افزوده نمی شد، بلکه تدریجا بـا شـهادت و مجروح شـدن نیروهای موجود، هر لحظه از تعـداد آنها کاسـته می شـد. در این وضـعیت، هر چنـد ادامه مقاومت بسیار دشـوار بـود، امـا ترک شـهر برای حمـاسه آفرینـانش دشـوارتر بـه نظر می رسـید، بـه همین خـاطر مقـاومت قـدم به قـدم سلحشوران مسـلمان ادامه یـافت تـا روز بیست و چهـارم مهر ماه، که خرمشـهر، شـهر خون شـد و «خونین شـهر» نام گرفت (۱) اخباری که از داخل به خارج شهر منتقل می شد، همگی حکایت از وضعیت بحرانی و سقوط قریب الوقوع شهر داشت.

فرمانـدهان دشـمن، طی جلسـه ای در تاریـخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۵۹، تصـرف هر چه سـریعتر پـل خرمشـهر را ضـروری دانسـته و طی گزارشی به مقر لشکر ۳، چنین اعلام کردند:

«با توجه به سـقوط پادگان دژ به دست یگان های ما و با توجه به این که تدارکات نیروهای ایرانی از طریق پلی که خرمشهر را به آبادان متصل می کند

ص: ۴۵

---

۱ - ۳۳. آلکس افنای، خبرنگار آسوشـیتدپرس درباره آزادی خونین شـهر می گوید: «مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسـختانه ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خود نشان دادند که پس از سـقوط شـهر، ایران نام خرمشـهر را به خونین شهر تغییر داد. بلافاصله پس از سقوط خرمشـهر سـرفرماندهی عراق برنامه ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت وحدت نبردی را که صورت گرفته بود احساس کردند، در شهر یک صد و پنجاه هزار نفری، به سختی می توان خانه ای را یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهـای اتـاق هـای آن نباشـد، و این شواهـد، حاکی بود که مـدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه، از این شـهر دفاع کرده انـد یـک فرمانـده ارشـد عراقی در آن زمـان اذعـان کرد که ایرانی ها که اغلب آنها جوانان عضو سـپاه پاسـداران و فاقد تجربه هسـتند، تا پای جان برای دفاع از خرمشـهر پایداری کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۱).

به شهر می رسد، تسلط بر پل مذکور و محاصره نیروها در داخل شهر باید از مهم ترین اهداف ما باشد.» (۱) .

از این پس پیشروی دشمن در مرکز شهر به سمت قلب شهر، یعنی مسجد جامع و روی جاده کمربندی به سمت پل خرمشهر ادامه یافت. یکی از فرماندهان دشمن در این باره می گوید:

«دلیل اجرا و ادامه این طرح، همان طور که گفتم، ابتدا جلوگیری از رسیدن تدارکات به نیروهای ایرانی و نیز غافلگیر کردن آن ها بود، چون اکثر مقاومت های آنها در حوالی مسجد جامع انجام می گرفت.» (۲) .

دشمن تاریخ ۲۹ مهر را به عنوان زمان اجرای طرح تعیین کرد و برای رعایت اصل غافلگیری، به یگان ها ابلاغ کرد که از بی سیم های خود استفاده نکنند.

با آغاز تهاجم دشمن و پیشروی آنها به سمت پل خرمشهر، درگیری به حوالی فرمانداری، رو به روی پل، کشیده شد. از این پس پل خرمشهر که عقبه تدارکاتی نیروهای خودی بود، مورد تهدید قرار گرفت. نیروهای دشمن از شروع اجرای مانور خود، با مقاومت شدید مدافعین مظلوم خرمشهر مواجه شده و موفق به تأمین اهداف خود نشدند. تحمل چنین وضعیتی برای فرماندهان دشمن بسیار دشوار بود، به همین علت، لشکر ۳ به منظور تحقق اهداف تعیین شده اش، برای نیروهای تحت امر خود ضرب العجل ۴۸ ساعته ای را معین کرد.

سقوط خرمشهر

در دوم آبان ۱۳۵۹، دشمن با قوای بسیاری اقدام به پیشروی کرد و علی رغم خالی شدن مسجد جامع از مدافعین خرمشهر، عظمت و نقش بی نظیر این میعادگاه در مقاومت و دفاع طولانی خرمشهر مانع نزدیکی دشمن به

۱- ۳۴. پیشین، ص ۲۳.

۲- ۳۵. مأخذ شماره ۱۶، ص ۲۳.

آن می گردید. پل خرمشهر نیز متعاقب وضعیت جدید، به طور کامل مسدود گردید. از این پس، نه تنها ورود به داخل شهر امکان پذیر نبود، بلکه راه خروج از شهر نیز مسدود شده بود. در این اوضاع، نیروها با استفاده از بلم و با عبور از زیر جداره های پل خرمشهر، تردد می کردند، با مسدود شدن پل، فرماندهی دشمن، روز دوم آبان را روز اشغال خرمشهر اعلام کرد و این در حالی بود که هنوز مقاومت نیروها ادامه داشت و دشمن نتوانسته بود بر تمامی شهر تسلط یابد. سقوط پل خرمشهر حتمی و قریب الوقوع بود. بر این اساس، دستور عقب نشینی به نیروهای خودی صادر شد و مجروحین برای انتقال به منطقه ی امن و دور از دسترس دشمن، به ساحل رودخانه کارون منتقل شدند.

بدین ترتیب، مدافعین خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جانفشانی خود، حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال غم انگیز و مظلومانه ای را رقم زدند و تاریخی پر افتخار و درخشان از خود بر جای نهادند.

دشمن بعثی که در ابتدا تصرف خرمشهر را بسیار ساده و در دسترس پنداشته و بر همین اساس تنها دو گردان از نیروی مخصوص را جهت اجرای مأموریت و تصرف خرمشهر اختصاص داده بود، عملاً مجبور شد که به منظور مقابله با مدافعین سلحشور و مظلوم خرمشهر، بیش از ۲ لشکر را به کار گیرد. بخشی از نیروهای دشمن که در طی ۳۴ روز جنگ، برای اجرای مأموریت به خرمشهر اعزام شدند، طبق اسناد و مدارک موجود به شرح زیر می باشد:

۱ - لشکر ۳ زرهی

۲ - گردان های هشتم و نهم از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص

۳ - گردان تانک الحسن وابسته به تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ مکانیزه

۴ - گردان ۳ مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه

۵ - گردان یکم از تیپ ۴۹

۴ - ۶ گردان کماندو از فرماندهی نیروهای کماندویی خالد از لشکر ۲

۷ - گردان یکم از تیپ ۴۲۹

۸ - گردان های دوم و سوم از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص

۹ - گردان های دوم و سوم تیپ ۲ پیاده از لشکر ۲

۱۰ - ۲ واحد از نیروهای جیش الشعبی

۱۱ - گردان سوم نیروی مخصوص گارد ریاست جمهوری

۱۲ - گردان یکم از تیپ ۲۳

توقف سراسری دشمن

اشاره

به دنبال تهاجم سراسری عراق، به تناسب درک انقلابی اقشار مختلف مردم از ابعاد تهاجم و نتایج ذلت بار آن، مقاومت مردمی، به ویژه در شهرهای مرزی ایران شکل گرفت. نیروهای نظامی، علی رغم ضعف ها و کاستی های موجود، با اندکی امکاناتی که در اختیار داشتند، به مقاومت پرداختند.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، تنها چند روز پس از تهاجم سراسری عراق، دو سکوی نفتی العمیه و البکر را مورد تهاجم قرار داد و منهدم کرد. بدین ترتیب، صادرات نفتی عراق از خلیج فارس با معضل اساسی روبه رو شد.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، بلافاصله پس از آغاز جنگ، با به پرواز درآوردن ۱۴۰ فروند هواپیما، مراکز حساس و استراتژیک عراق را مورد تهاجم قرار داد.

تهاجم سراسری عراق پس از گذشت یک هفته، با رکود چشمگیری

مواجه شد. در بیشتر مناطق، نیروهای عراقی موفق به تصرف اهداف و اجرای کامل مأموریت خود نشده بودند. مدافعان شجاع خرمشهر نیز همچنان خرمشهر را در اختیار داشتند و در حفظ آن پافشاری می کردند. لذا صدام بلافاصله پس از جمع بندی اوضاع جنگ، در تاریخ ۷ / ۷ / ۱۳۵۹ طی سخنانی خطاب ملت عراق اعلام کرد: «عراق با مقاصد ارضی خود نائل شده و کشورش مایل است خصومت ها را کنار گذاشته و به مذاکره بپردازد.»

تفسیرهایی که کارشناسان و تحلیل گران نظامی تنها یک هفته پس از شروع جنگ ارائه کردند، علی رغم آن که عراق در اکثر محورهای هجوم در حال پیشروی بود، گویای شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی بود (۱) اعلام آتش بس یک جانبه از سوی صدام نیز مبین همین موضوع بود.

در عین حال، عدم تناسب توانایی عراق با اهداف زمان بندی شده جنگ، یکی دیگر از عواملی است که در ناکامی اهداف عراق (۲) نقش تعیین کننده ای داشته است؛ در نتیجه، عراق علی رغم بهره گیری از استراتژی پر تحرک و محدودی که همراه با سرعت و قاطعیت و غافلگیری بود، نتوانست به اهداف خود نائل شود، و برای همین ناخواسته به استقرار در مواضع دفاعی نامناسبی مجبور شد. عواملی که در زمین گیر شدن و

---

۱ – ۳۶. رادیو لندن، به نقل از روزنامه گاردین در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۵۹، گفت: «نیروهای مسلح عراق هفته خوبی را پشت سر نگذاشتند. عراق، نه به پیروزی های قابل توجهی دست یافته و نه به پیروزی های سطحی.».

۲ – ۳۷. روزنامه انقلاب اسلامی، به نقل از رادیو آلمان در این زمینه می نویسد: «عراق در جنگ بی حاصل فعلی که هدف آن سرنگونی رژیم (امام) خمینی بود، به هیچ وجه به نتیجه نرسیده است. این جنگ بر عکس تصور عراق، وضع ایران را به شدت تحکیم بخشیده است.» (روزنامه انقلاب اسلامی ۲۴ / ۷ / ۱۳۵۹).

شکست دشمن نقشه داشته اند عبارتند از:

فرضیات و محاسبات غلط در ارزیابی اوضاع داخلی ایران

دستگاههای اطلاعـاتی عراق بـا مساعـدت کشورهـای مرتجع منطقه، آمریکا و غرب، اطلاعات وسیعی از اوضاع داخلی ایران جمع آوری کرده بودند. یکی از فرماندهان دشمن درباره اخبار و اطلاعات رسیده به عراق می نویسد:

«به عراق اطلاعات بسیار دقیقی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و مشکلات داخلی و درگیری های سیاسی گروه های مخالف داده شده بود. همچنین عراق به دقیقترین جزئیات وضعیت نظامی (حجم نیروهای نظامی) و از هم گسیختگی بدنه ارتش در اثر انفصال از خدمت هزاران نظامی، اعم از افسر و درجه دار، دست یافته بود و از عدم انضباط و آشفتگی در داخل یگان های نظامی اطلاع کامل داشت. همچنین عربستان سعودی از آغاز پیروزی انقلاب ایران، رژیم عراق را از توان نظامی ایران قدم به قدم آگاه ساخته بود. سعودی ها این اطلاعات را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا گرفته بودند، چرا که تعداد بسیاری از مزدوران و اعضای ساواک را در اختیار داشتند و همچنین در مورد وضعیت نیروهای مسلح ایران، اطلاعاتی از طریق بعضی از سفارت خانه های خارجی و از طریق افراد سیاسی و نظامی که به عراق فرار کرده بودند، به دست آمده بود. بدین شکل، رهبران عراق وضعیت نظامی ایران و تحولات آن را پیگیری می کردند.» (۱) .

در این میان، تنها مسئله ای که مورد توجه فرماندهان عراق قرار نگرفت، روحیه و توانی بود که از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده بود. (۲) در حقیقت، مبنای تصمیم گیری حاکمان عراق برای حمله نظامی علیه جمهوری سلامی، ارزیابی دستگاه اطلاعاتی عراق و

۱- ۳۸. واحد اطلاعات ستاد کل سپاه پاسداران «تحلیل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸.

۲- ۳۹. رادیو لندن، به نقل از تایمز مالی در تاریخ ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ گفت: «آنچه را که رهبران عراق از نظر دور داشتند، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و جمع شدنشان به دور مظاهر انقلابشان بود که هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی به سر می بردند.».

اطلاعات واصله به آن کشور بود، بدون این که میزان مقاومت مردمی و تبعات عدم دست یابی به اهداف تعیین شده مورد توجه آنها قرار گرفته باشد.

یکی از فرماندهان عراقی ضمن تجزیه و تحلیل عدم موفقیت ارتش عراق، با تأکید بر عدم دسترسی آنها به اطلاعات صحیح، در مورد مقاومت مردمی چنین می گوید:

«اگر فرماندهی می خواست تصمیمی مبنی بر حمله به ایران بگیرد، لازم بود که اطلاعات خیلی دقیقی به واحدهای حمله کننده رسیده باشد، اطلاعات داده شده از مقاومت های احتمالی، درست نبود. (۱) .

فرمانده یکی از یگان های دشمن مأمور در خرمشهر نیز در این باره می گوید:

«اطلاعاتی که به تیپ ما داده شد، اطلاعاتی شفاهی و سریع بود و خلاصه ی آن، این بود که در شهر (خرمشهر) نیروی اندکی با روحیه ای بسیار ضعیف وجود دارد و اجرای مأموریت فقط چند ساعت به طول خواهد انجامید» (۲) .

در هر صورت، عراق با این تهاجم خود، بهای سنگینی را برای نادیده انگاشتن روحیه انقلابی ملت مسلمان ایران پرداخت کرد.

عدم تطابق اهداف سیاسی با توان نظامی

توان نظامی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی به دلیل مقاومت انقلابی

ص: ۵۱

۱- ۴۰. پیشین، ص ۲۶.

۲- ۴۱. مأخذ شماره ۱۱، ص ۳۶.

مردم، موقعیت زمین و عمق خـاک جمهوری اسـلامی و سـایر موانع طبیعی، بـا اهـداف مورد نظر دشـمن مطابقت نـداشت. لـذا ماشـین جنگی عراق از نخستین هفته های آغاز جنگ در سـرزمین وسـیع خوزستان پراکنده شد و از این رو، توان لازم را برای ادامه مؤثر تهاجم از دست داد.

ارتش عراق که تمرکز قـوای خـود را از دست داده و بـا کمبـود نیروی احتیـاط رو به رو بـود، نتـوانست جبهه جنوب را تقویت نماید و لشکر ۳، هرگز توانایی و فرصت لازم را برای عبور از رودخانه بهمن شـیر به دست نیاورد و این پراکندگی قوا، کمبود نیرو، و گرفتـاری در جبهه ای گسترده - که مشـکل عمومی و فراگیر قوای دشـمن محسوب می شـد - مـانع هر گونه پیشـروی مؤثر شد و آنها را با فرو بردن در لاک دفاعی، به احداث استحکامات و تحکیم مواضع دفاعی خود وادار کرد.

به دنبال درخواست آتش بس از سوی صدام (۱) و عدم انعطاف جمهوری اسلامی، دشمن بین دو راه حل مخیر گشت:

۱ - عقب نشینی از مواضع و ادعاهای اولیه، به ویژه لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر:

با توجه به تمهیدات گسترده سیاسی - نظامی که عراق به اجرای آن

ص: ۵۲

---

۱ - ۴۲. یکی از فرمانـدهان عراقی در این بـاره گفت: «صـدام، وقـتی درخواست آتش بس را در روز ۲۸ / ۹ / ۱۹۸۰ (۶ / ۷ / ۱۳۵۹) ابراز نمود، کاملاـ متقاعـد شـده بود که ارتش عراق توانـایی انجـام وظیفه را نـدارد» (واحـد اطلاعـات سـتاد کـل سـپاه پاسـداران، «تحلیـل نبردهای بین ایران و عراق»، ص ۸) روزنـامه تایمز مالی نیز در تاریـخ ۲۶ / ۷ / ۱۳۵۹ در این مـورد نوشت: «جنـگ ایران و عراق، چه از نقطه نظر تـاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی به بن بست رسـیده است، به همین دلیـل، عراق به هر دری می زند تا بلکه کشوری واسطه آتش بس بین دو طرف مخاصمه شود.».

مبادرت کرد، عقب نشینی از مناطقی که در پیشروی های اولیه به عنوان اهرم فشار در تصرف خود داشت، در واقع برای صدام به منزله خودکشی تلقی می شد و دور از منطق و غیر قابل قبول به نظر می رسید.

۲ - حفظ وضع موجود، به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره سیاسی:

رژیم عراق چنین ارزیابی می کرد که جمهوری اسلامی علی رغم مقاومت در برابر تهاجمات عراق، فاقد توان لازم برای آزادسازی مناطق اشغالی می باشد و تحکیم و تثبیت آن در آینده، جمهوری اسلامی را به دادن امتیاز (لغو قرارداد ۱۹۷۵) وادار کند.

عراق راه دوم را برگزید و بدین ترتیب با استقرار نیروهای مهاجم در مواضع پدافندی ناقص، دشمن مرتکب دومین اشتباه استراتژیکی خود شد و با توجه به فرا رسیدن فصل بارندگی و سرما، این نیروها بدون این که در مواضع مناسبی استقرار یابند یا ضربه اساسی به نیروها و ظرفیت نظامی جمهوری اسلامی بزنند، زمان و فرصت مطلوبی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند تا به موازات حل مشکلات در داخل، مهیای آزاد سازی مناطق اشغالی شود. (۱) .

---

۱ - ۴۳. مجله اشپیگل چاپ آلمان، در مورد شکست عراق و کسب زمان برای آمادگی بیشتر و بهتر رزمندگان اسلام، می نویسد: «جنگ، آن طور که صدام امیدوار بود، نه باعث سقوط رژیم ایران شد و نه طغیان اعراب خوزستان به جانبداری از بغداد علیه حکومت ایران را سبب گردید، نیروهای عراق ماه هاست که در مناطق مرزی عملیاتی، بدون هدف مشغولند... بی برنامه بودن عراقی ها، فرصت لازم را در اختیار ایرانی ها گذاشت تا بر اوضاع درهم و برهم زمان انقلاب مسلط شده و تدارکات لازم را به جبهه ها برسانند...».

آخرین مواضع اشغالی

عراق علی رغم شکست اهداف نظامی و عدم موفقیت در وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش آتش بس تحمیلی، بنا به دلایل زیر اقدام به تحکیم مواضع در مناطق اشغالی کرد:

۱ - اوضاع بی ثبات داخلی کشور و افزایش تلاش گروه های ضد انقلاب در معارضه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی.

۲ - ارزیابی توانایی نظامی ایران و مشاهده عدم تحرک اساسی از طرف نیروهای مسلح.

۳ - مناسبات جهانی، که علی رغم شکست استراتژی نظامی عراق در حمله به جمهوری اسلامی، تقریبا به طور یکپارچه از این کشور حمایت (نظامی و سیاسی) می کردند.

بنابراین، یکی از علل عمده حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی را باید تجزیه و تحلیل آنها از اوضاع داخلی کشور دانست. در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«رهبری عراق نظریات خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلاف شدید بین سیاستمداران ایران (یعنی جریان بنی صدر از یک طرف و جریان اصیل اسلامی از طرف دیگر) بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می کرد که تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن نیروهای عراقی در سایه این پراکندگی داخلی، برای ایران دشوار خواهد بود.» (۱) .

همچنین ویلیام اف هیکمن از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در این باره می گوید:

«در مرحله دوم (جنگ) که اول ماه نوامبر تا، تابستان ۱۹۸۱ (آبان ۱۳۶۰

۱- ۴۴. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه «فصلنامه بررسی های نظامی» شماره ۴، ص ۱۲.

تا، تابستان ۱۳۶۱) را در بر می گیرد، از سویی جنگ در بن بست قرار داشت و در طول آن، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش های ایران برای تنظیم امور کارهای جبهه ها، به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران ناکام ماند.»

پیدایش چنین وضعیتی، یعنی ناتوانی عراق برای تحمیل خواسته های خود و عدم توانایی جمهوری اسلامی در باز پس گیری مناطق اشغالی، به لحاظ مشکلات سیاسی در داخل، جنگ را با بن بست جدی رو به رو ساخت و بدین علت، تصمیم گیری عراق در این وضعیت، به تداوم استقرار در مناطق اشغالی منجر شد.

بررسی وضعیت سیاسی – نظامی کشور

اشاره

جمهوری اسلامی ایران، به دلیل اوضاع خاص سیاسی - نظامی حاکم بر کشور در آستانه تهاجم عراق، به هیچ وجه از آمادگی و قابلیت لازم برای رویارویی و در هم کوبیدن ماشین نظامی دشمن برخوردار نبود. در عین حال، درک مردم از ماهیت تجاوز دشمن و تبعات آن بر سرنوشت انقلاب و کشور، موجب شد تا مقاومت نیروهای مردمی، دشمن را از تحقق کامل اهداف سیاسی و نظامی اش باز دارد. در این مرحله، علی رغم فراز و نشیب های بسیاری که وجود داشت در هر صورت دشمن به امید دست یابی به امتیازات مورد نظر، یا تحمیل صلح به جمهوری اسلامی، در مواضع پدافندی ناقص مستقر شد و به تحکیم مواضع خود مبادرت ورزید.

نظر به اوضاع بی ثبات سیاسی و وضعیت خاص جبهه های نبرد، سؤال اساسی این است که جمهوری اسلامی، در حد فاصل تهاجم دشمن تا شکل گیری روند آزاد سازی مناطق اشغالی، در چه وضعیتی قرار داشت؟

به عبارت دیگر، اوضاع سیاسی - نظامی کشور از چه مشخصه و ویژگی هایی برخوردار بود و به دنبال آن، تلقی و باور دشمن از این اوضاع چه بود؟ این اوضاع چه تأثیری بر مواضع و عملکرد آنها در تداوم حضورشان در مناطق اشغالی داشت؟ برای پاسخ به سؤالات ذکر شده، بررسی اوضاع و روند تحولات سیاسی - نظامی کشور در حد فاصل زمین گیر شدن دشمن تا آغاز آزاد سازی مناطق اشغالی - که نزدیک به یک سال و اندی به طول انجامید - ضروری است.

وضعیت سیاسی

اوضاع سیاسی کشور و تحولات آن، اساسا معطوف به تلاش های سازمان دهی شده داخلی یا حمایت های خارجی به منظور حذف نیروهای انقلابی و جابه جایی در قدرت سیاسی کشور بود. بدین شکل که روند تحولات انقلاب طی سال ۱۳۵۸، به ویژه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، ضمن افشای ماهیت سیاست های آمریکا در داخل کشور و منطقه، ماهیت جریان های وابسته به آمریکا را نیز آشکار ساخت. بخشی از نتایج این تحول شگرف و عمیق، تضعیف بیش از پیش نیروهای مخالف انقلاب اسلامی بود.

بدین ترتیب کلیه عناصر و جریان هایی که بقا و حیات سیاسی خود را در صحنه داخل کشور در معرض تهدید تلقی می کردند، کوشش مضاعفی را در معارضه هماهنگ و سازمان یافته با نیروهای انقلابی آغاز کردند. ماهیت این جریان ها و اهداف سیاسی - نظامی ای که دنبال می کردند، به گونه ای غیر قابل انکار، منجر به همسویی آنها با تلاش و سیاست های آمریکا در داخل ایران شد.

در روند تحولات داخل کشور، انتخاب بنی صدر به مقام ریاست

جمهوری، نقطه عطفی در شکل گیری حوادث بعدی و انسجام و سازمان دهی عناصر و جریان های معارض با انقلاب اسلامی محسوب می شود. با فرا رسیدن سال ۱۳۵۹ به ویژه حوادث و رخدادهای نیمه اول این سال، (۱) تنش سیاسی در داخل کشور نیز تشدید شد.

با آغاز تجاوز دشمن و پیدایش وضعیت جدید در کشور، اوضاع داخلی تا اندازه ای بهبود یافت و کلیه نظرها به مقابله با دشمن معطوف شد. لیکن اهداف سیاسی بنی صدر و تلاش های وی برای بهره گیری از اوضاع بحرانی به منظور حذف نیروهای انقلابی، موجب گردید که پس از زمین گیر شدن دشمن، مجددا درگیری های داخلی تشدید شده و در شکل وابعاد جدیدی ظهور نماید.

بنی صدر تا پیش از این درصدد حذف نیروهای انقلابی بود که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، تحت عنوان نیروهای خط امام متشکل شده بودند. لیکن تحولات جنگ و موقعیت جدید نیروهای خط امام در داخل کشور و جبهه های نبرد، موقعیت را برای بنی صدر و تحقق اهداف سیاسی او دشوار کرد. در وضعیت جدید، بنی صدر بهبود موقعیت سیاسی - نظامی خود را وابسته به خاتمه جنگ و حصول صلح می دانست و در این زمینه نیز مورد حمایت کشورهای غربی قرار داشت. وی همچنین با بهره گیری از اهرم های مختلف، سعی می کرد که حمایت مردم را نیز به عنوان یک عامل تعیین کننده به همراه داشته باشد. علی رغم تلاش های وی در سازمان دهی ارتش و اجرای عملیات نظامی به منظور کسب پیروزی سیاسی - نظامی، این اقدامات با شکست و ناکامی همراه شد. به عبارت دیگر، خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره سیاسی، ضمن این که تنها

۱- ۴۵. در مبحث شکل گیری زمینه تهاجم، به حوادث برجسته آن اشاره شد.

راه حلی بود که وی در پیش رو داشت، می توانست در صورت تحقق، تا اندازه ای به ارتقاء موقعیت رو به تنزل سیاسی - نظامی او منجر شود. لیکن ناکامی وی، برنامه دیگری را پیش روی نیروهای شناخته شده مخالف بنی صدر قرار داد. در این روند، حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران، نشانه ی سر فصل جدیدی از تلاش های ضد انقلاب در داخل کشور محسوب می شد. به عبارت دیگر، این حادثه منجر به وقوع حوادث و رخدادهایی شد که سرانجام منتهی به درگیری مسلحانه در داخل کشور و در نهایت شکست و هزیمت ضد انقلاب و حذف آنها از صحنه سیاسی شد.

وضعیت نظامی

تغییر و اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی - نظامی کشور، پس از پیروزی انقلاب و بازتاب طبیعی آن، موجب گردید تا در کنار بی ثباتی سیاسی، وضعیت نامساعدی برای نیروهای نظامی مستولی شود. ایجاد تردید و ابهام در مورد فلسفه وجودی ارتش و تلاش هایی که در خصوص تعلیق خریدهای نظامی صورت گرفت و به ویژه، عناصر ضد انقلاب با سر دادن شعار انحلال ارتش، موقعیت نیروهای نظامی را به شدت تضعیف کرد.

به موازات این نابسامانی ها در عین حال، ضرورت برخورد با حرکت های ضد انقلاب در داخل کشور و برخی از مناطق به ویژه گنبد، کردستان، خوزستان، بلوچستان و غیره، محسوس بود. بنابراین، تدریجا هسته اصلی نیروهای سپاه، با ویژگی انقلابی، شکل گرفت و در اردیبهشت ۱۳۵۸ در پی تصویب شورای انقلاب، رسمیت یافت. نیروهای انقلابی سپاه، با مأموریت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، در صحنه های مختلف کشور حضور یافته و به مبارزه با ضد انقلاب پرداختند.

در این روند، امام خمینی با دور اندیشی و درک ضرورت حفظ ارتش،

ضمن حمایت های همه جانبه از این نیرو، نمایندگان ویژه ای را به منظور بررسی وضع ارتش و اصلاح آن اعزام نمودند. در کنار این اقدام، نظر به برخورد احتمالی آمریکا با ایران و دورنمای ستیز با استکبار جهانی که از جوهره انقلاب اسلامی ناشی می شد، رهبر کبیر انقلاب، علاوه بر تقویت و حمایت همه جانبه از سپاه، در آذر فرمودند:

«هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. هر چه تظاهرات دارید بر ضد آمریکا بکنید. قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستان تعلیم دهید... مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد.» (۱) .

بیانات امام به شکل گیری بسیج و تعلیم و آموزش نظامی مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. حضرت آیت الله خامنه ای نماینده وقت حضرت امام در سپاه، طی مصاحبه ای چنین اظهار نمودند:

«آموزش نظامی همگانی به برادران و خواهران، در مراکزی که سپاه پاسداران معین خواهد نمود و آن را از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی به مردم ابلاغ خواهد کرد، عملی خواهد شد.» (۲) .

بدین ترتیب، ساختار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در آستانه تهاجم عراق، بدین شکل بود که از یک سو، ارتش به عنوان نیروی کلاسیک و منظم کشور، همچنان درگیر مسائل داخلی خود به ویژه تأثیرات روحی - روانی ناشی از کودتای نوژه در تیر ۱۳۵۹ (تنها چهل روز قبل از آغاز تهاجم رسمی عراق) قرار داشت و از سوی دیگر، نیروهای انقلابی سپاه و نیروهای مردمی بسیج بودند که با توجه به استعداد و امکانات موجود خود و عدم برخورداری از موقعیت های مناسب، تا تقبل پذیرش مسئولیت دفاع همه جانبه از کشور، فاصله زیادی داشتند.

۱- ۴۶. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۰ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی)، سخنان ۶ / ۹ / ۱۳۵۸، ص ۲۳۹.

۲- ۴۷. روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۶ / ۱۳۷۲، ویژه نامه بیست هزارمین شماره انتشار.

در عین حال، ترکیب نیروی دفاع کشور از نیروهای کلاسیک و نیروهای انقلابی و مردمی، در برخی از بحران ها، به ویژه در کردستان، بازدهی نسبتا خوبی را از خود نشان داد. لیکن، اوضاع ناشی از تلاش های مزورانه بنی صدر، مانع از همکاری همه جانبه این نیروها بود، ضمن این که در رده های مختلف ارتش، عناصر مومن و معتقد در بسیاری از مواقع، حمایت های مناسبی را در تسلیح و آموزش نیروهای انقلابی و مردمی به عمل می آوردند. در عین حال، تهاجم همه جانبه دشمن در ۳۱ شهریور و هر گونه ضعف و کاستی که در نیروهای مسلح کشور وجود داشت، در مقابل پیدایش وضعیت جدید، تا حدودی جبران شود. طی این روند، به دلیل فقدان کارآیی سیستم کلاسیک نظامی کشور و نیز فقدان فرماندهی متمرکز و توانا در به کارگیری نیروها، مقاومت اساسی در برابر متجاوزین، بیشتر در شهرها و با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی شکل گرفت. در سایر مناطق، تلاش عمده ای که منتهی به توقف دشمن بشود، صورت نپذیرفت.

گذر از این دوران پر تلاطم و بحرانی، با اتکا به مقاومت نیروهای مردمی صورت گرفت و سرانجام دشمن ضمن این که دیگر توانایی لازم را برای پیشروی نداشت، به امید دست یابی به صلح، در مناطق اشغالی مستقر گردید. به مدت یک ماه و اندی پس از زمین گیر شدن دشمن، دو طرف درگیری تحرک قابل توجهی از خود نشان نداده و تنها آتش توپخانه و حملات هوایی محدود، آتش جنگ را شعله ور نگاه می داشت و در بعضی مواقع، عراق سعی می کرد که موقعیت خود را گسترش داده و مناطق متصرفه را تأمین نماید. در این روند، ارتش جمهوری اسلامی به تدریج اقدام به تحرکاتی کرد که ذیلا به آنها اشاره می شود:

در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۹، در محور دزفول، ارتش جمهوری اسلامی با اجرای یک عملیات کلاسیک، تلاش کرد تا دشمن را از کل منطقه غرب رودخانه کرخه عقب براند و با بهره برداری از موفقیت، ضمن تعاقب دشمن به سمت فکه و العماره پیشروی کرده، عراقی ها را تا مرز تعقیب کند، لیکن نتایج مطلوب از این عملیات حاصل نشد.

در فاصله بین ماه های مهر تا دی ۱۳۵۹، یعنی قریب به سه ماه، جمهوری اسلامی هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورد و رکود کاملی بر جبهه حاکم گردید. در این مدت، درگیری های سیاسی در داخل کشور نیز به طور نامطلوبی تشدید شده بود. ارتش جمهوری اسلامی ایران با طراحی دومین عملیات کلاسیک خود، آن را در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹، از محور هویزه، تحت عنوان «عملیات نصر» به اجرا درآورد. این عملیات با شرکت نیروهای ارتش، نیروهای مردمی و سپاه، با هدف شکست دشمن در جنوب اهواز، آزادی خرمشهر و پدافند در ساحل شط العرب انجام شد. گرچه در مرحله اول عملیات، نیرو و تجهیزات قابل توجهی از دشمن منهدم و غنایمی نیز به دست آمد، لیکن با پاتک دشمن، نیروهای خودی عقب رانده شدند و از نظر تجهیزات و نیرو متحمل تلفاتی گردیدند.

سومین عملیات در تاریخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹ تنها ۵ روز پس از عملیات هویزه، از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «عملیات توکل»، روی جاده ماهشهر - آبادان، به منظور شکستن حصر آبادان طراحی و انجام شد. اما این عملیات نیز سرانجام مطلوبی نداشت و جاده، همچنان در دست عراقی ها باقی ماند.

عدم حصول نتیجه موفقیت آمیز در اقدامات نظامی که طی این مدت انجام گرفت، برای دشمن این باور را به همراه داشت که جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای طراحی و اجرای عملیات اساسی می باشد.

ص: ۶۱

در این خصوص یکی از فرماندهان عراقی می گوید:

«ما تصور می کردیم که نیروهای ایرانی از اجرای یک عملیات دقیق و برنامه ریزی شده در سطحی گسترده، ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملا اصرار داشتیم... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۵ / ۱ / ۱۹۸۱ (۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹) در هویزه به دست آوردیم.» (۱) .

پیدایش این وضعیت و عدم موفقیت در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از سرزمین های اشغالی، زمزمه هایی مبنی بر صلح با دشمن را نیز به همراه داشت. با توجه به مجموع اوضاع و احوالی که وجود داشت، به نظر نمی رسید که تحول عمده ای در جنگ صورت پذیرفته و منتهی به شکسته شدن بن بست جنگ و تغییر موازنه به سود جمهوری اسلامی شود.

در چنین موقعیتی و حدود دو ماه پس از آخرین عملیات ناموفق ارتش در هویزه، نیروهای سپاه در محور سوسنگرد، عملیات محدودی را با نام مبارک حضرت مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا کردند. طی این عملیات، موفقیت قابل توجهی حاصل شد که بیش از نتایج مادی آن، عواقب و نتایج روحی و معنوی آن مورد نظر می باشد. در این عملیات، نیروهای تک ور قریب به ۲۰۰ نفر سپاهی و بسیجی بوده و برابر هماهنگی های پیشین، مقرر گردید که توپخانه ارتش به مدت ۱۰ دقیقه اجرای آتش تهیه نماید. عملیات در ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز شد غافلگیری دشمن و در نتیجه، پیشروی سریع نیروها، منجر به انهدام بخشی از نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن و کشته شدن قریب ۱۰۰ نفر و نیز اسارت ۶۸ نفر از آنان گردید. گرچه پس از عملیات نیروهای تک ور برابر طرح قبلی به مواضع خود بازگشتند، ولی آنچه که در این عملیات و در آن وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و جبهه ها اهمیت داشت، پیدایش باور و اعتقاد برای شکستن بن بست سیاسی و نظامی جنگ بود.

ص: ۶۲

۱- ۴۸. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه «فصلنامه بررسی های نظامی» شماره ۱، ص ۲۳ و ص ۲۹.

خلاقیت و ابتکار نیروهای مردمی، به طرح تاکتیک جدیدی از پیکار و جنگ با دشمن منجر گردید. در واقع، نتایج این عملیات بیانگر آن بود که حل معضلات انقلاب تنها با ابزار انقلابی و خارج از روش های مرسوم امکان پذیر است.

بدین ترتیب، مرحله جدیدی آغاز گردید که طی آن عمدتا نیروهای مردمی و سپاه با استفاده از روش و تاکتیک های مبتنی بر روحیه انقلابی و با امکانات محدود، مجموعه عملیات های جدیدی را سازمان دهی و تدارک دیدند. بر این اساس پس از عملیات امام مهدی (عج) در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹، تا عملیات شکسته شدن حصر آبادان در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ طی ۷ ماه، چندین عملیات محدود و موفق و اغلب در مناطق عملیاتی خوزستان، انجام گرفت.

آزادسازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن

از زمان تجاوز و سرانجام زمین گیر شدن دشمن در مناطق اشغالی، تا آغاز تهاجم گسترده رزمندگان اسلام که به آزاد سازی مناطق اشغالی منتهی شد، یک سال و نیم طول کشید. طی این مدت، اساسا تداوم حضور نیروهای اشغالگر در مناطق اشغالی بر این فرض قرار داشت که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی فاقد قابلیت و توانایی لازم برای انهدام و بیرون راندن آنها از مناطق متصرفه می باشند. ضمن این که طی این مدت، تحرک چشمگیری که منجر به آزادسازی این مناطق بشود، صورت نگرفت و همین امر در شکل گیری ذهنیت دشمن مؤثر بود. در این زمینه، سردار سرتیپ غلامعلی رشید، مسئول معاونت اطلاعات، و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، طی توضیحاتی اظهار داشت:

«دشمن، یک سال در خاک ما به سر می برد بدون این که ما حرکت آفندی

گسترده و موفقی علیه او انجام دهیم. این مسئله، دشمن را به این نتیجه رساند که ما فاقد توان آفندی بوده و قادر نیستیم که زمین های اشغالی را از دشمن باز پس بگیریم.» (۱) .

علاوه بر مسئله فوق، امیدواری دشمن به تحولاتی که در جبهه داخلی صورت می گرفت، (۲) منجر به این باور و تلقی شده بود که تأثیرات ناشی از بی ثباتی داخلی، به هیچ وجه امکان سازمان دهی مناسب نظامی را برای جمهوری اسلامی، فراهم نخواهد کرد. ضمن این که عراقی ها تمایل به همکاری با گروه های ضد انقلاب داخلی را رسما اعلام داشتند. در آذر ۱۳۶۰، نیویورک تایمز نوشت:

«صدام حسین رئیس جمهور عراق، پیشنهاد کرده است که در کوشش برای سرنگونی آیت الله خمینی، همکاری بدون قید و شرطی را با هر یک از گروه های ایرانی مخالف رژیم، آغاز کند.»

بنابراین، تحولاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد، از یک سو باورها و امیدهای دشمن را که اساسا با تکیه به آنها بر تداوم حضور در مناطق اشغالی تأکید داشت، درهم ریخت و از سوی دیگر، وضعیتی را به وجود آورد که دشمن می بایست در مورد تداوم حضور در مناطق اشغالی و یا عقب نشینی از این مواضع، تصمیم مقتضی را اتخاذ می کرد.

نکته اساسی که در این مبحث باید بدان پرداخت، این است که جمهوری اسلامی چگونه و تحت چه شرایطی، وضعیت حاکم بر جبهه های نبرد را دگرگون ساخت و چگونه با بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی، توازن سیاسی - نظامی را به سود خود به چرخش درآورد. لازمه روشن شدن این موضوع، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده در روند

---

۱ - ۴۹. سند شماره ۳۱۴۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و سند شماره ۳۱۴۰۰ / پ. ن مصاحبه اختصاصی با سردار سرتیپ غلامعلی رشید.

۲- ۵۰. تلاش های جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر.

آزاد سازی مناطق اشغالی و روند شکل گیری آن

اشاره

آزادسازی مناطق اشغالی می باشد که به پاره ای از موارد آن اشاره می شود:

تغییر وضعیت داخلی کشور

پیش از این، در تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و نظامی کشور، مفصلا به این موضوع اشاره شده است. (۱) .

تحول روحی و معنوی در مردم

فضای ناشی از تشنج و منازعات سیاسی در جامعه امکان توجه و پرداختن به امور معنوی را ضعیف و کم رنگ کرده بود لذا با پیدایش اوضاع جدید و به موازات حذف منافقین و لیبرال ها از صحنه سیاسی کشور و متقابلا اقداماتی که منافقین با ترور مسئولان نظام و مردم آغاز کردند، زمینه حضور مجدد مردم در صحنه ی سیاسی کشور فراهم شد.

آغاز روند تأمین ثبات سیاسی در کشور و معنویت برخاسته از اوضاع جدید، در عمل امکان افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ را فراهم ساخت و فرهنگ معنوی موجود در جبهه های جنگ و پیروزی های نظامی، بر گسترش دامنه ی تحولات روحی در مردم افزود. بر همین اساس و در پی تأثیرات حضور فراگیر مردم و کسب پیروزی های نظامی، امام خمینی به منشأ این تحول اشاره و از آن به عنوان «فتح الفتوح» یاد کردند:

«آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند، می باشد. این است «فتح الفتوح» (۲) .

ص: ۶۵

۱- ۵۱. رجوع کنید به صفحه ۴۷.

۲- ۵۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران، وزارت ارشاد اسلامی) سخنان ۸ / ۹ / ۱۳۶۰.

امام خمینی همچنین فرمودند:

«در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طول تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا کنیم که بچه های کوچک و جوان های نیمسال و زن ها، پیرزن ها، عروس ها و دامادها همه با هم در جبهه حاضرند و صحنه جنگ صحنه ای است که ملت در آن حاضر هستند.» (۱) .

گسترش سازمان رزم سپاه

تأثیرات ناشی از تحول روحی در مردم به افزایش حضور آنها در جبهه های جنگ انجامید و وضعیت جدیدی را در میدان های رزم به وجود آورد. پیش از این، در زمان فرماندهی بنی صدر بر قوای مسلح، سپاه پاسداران از تجهیزات و امکانات و توجه اندکی برخوردار بود و مورد بی مهری بسیار قرار داشت، لیکن با تغییر اوضاع، سپاه پاسداران توانست توان خود را افزایش داده و ظرفیت به کارگیری متمرکز نیروهای مردمی را ایجاد کرده و از این عامل اساسی در جهت پیشبرد اهداف نظامی استفاده کند، به نحوی که ظرف مدت کوتاهی، سپاه توانست چهار تیپ سازمانی تشکیل دهد که هر کدام دارای ۸ تا ۱۲ گردان عملیاتی بودند.

همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه

در پی حذف بنی صدر، مقدمات همکاری جدی نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) فراهم شد و عملیات ثامن الائمه که در نتیجه این همکاری و با تلاش شهیدان کلاهدوز و نامجو طراحی شد، پس از تصویب رئیس شورای عالی دفاع به اجرا درآمد. در پی نتایج حاصله از این عملیات، همکاری این دو سازمان (ارتش و سپاه) به همراه ترکیب جدیدی از تلفیق نیروها و اتخاذ استراتژی عملیاتی و تاکتیک های رزمی نوین، آغاز شد. همکاری های متقابل سپاه و ارتش در جوی سرشار از تفاهم، به رفع بسیاری از توهمات و تبلیغات سوء گذشته انجامید.

۱- ۵۳. پیشین.

شهادت فرماندهان بلند پایه سپاه و ارتش، (۱) علی رغم سنگینی سایه فقدان آنان بر سپاه و ارتش، موجب پیوند عمیق معنوی در میان نیروهای مسلح گردید.

همچنین، با اتخاذ استراتژی هجوم و با استعانت از روحیه شهادت طلبی نیروهای انقلابی و توان سازمان دهی مردمی آنها، روند جدید از شتاب بیشتری برخوردار گردید. در این مرحله، خلاقیت و ابتکار عمل مبتنی بر واقعیات موجود، در کنار تخصص و تجهیزات ارتش جمهوری اسلامی، تأثیر ویژه ای در تغییر سریع وضعیت صحنه های جنگ داشته است.

ابتکار و خلاقیت در صحنه های نبرد

فضای بسیار مناسبی که در این برهه از انقلاب اسلامی و در پی تحول روحی - معنوی مردم حاصل شد، به گسترش ابتکار و خلاقیت در صحنه های جنگ منجر گردید. در واقع، تا پیش از این، همه نوع امکانات و تجهیزات لازم در صحنه جنگ وجود داشت، لیکن هیچ کدام عاملی جهت حصول موفقیت در بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی نگردید ولی با تغییر اوضاع حاکم بر کشور، بار دیگر روح ابتکار و خلاقیت بر فضای جبهه ها حاکم شد که یکی از دستاوردهای بزرگ آن را باید تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی دانست.

سردار سرلشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران در این باره می گوید:

ص: ۶۷

۱- ۵۴. به هنگام بازگشت فرماندهان ارشد نظامی ارتش و سپاه از منطقه عملیاتی ثامن الائمه، بر اثر سانحه هوایی که در تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۶۰ رخ داد، کلیه سرنشینان از جمله: سر لشکر فلاحی، سرتیپ فکور، سرتیپ نامجو و برادران کلاهدوز و جهان آرا به شهادت رسیدند.

«یکی از اشکال ظهور و حضور نیروهای مردمی و سپاه که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، مسئله ابتکار و تاکتیک های جدید است. حضور نیروی مردمی در جنگ، پاسخی بود که در صحنه و عمل، به ناتوانی روش های کلاسیکی که تا کنون به نتیجه نرسیده بودند، داده شد. اولین اقدام آنها، با ابتکاراتشان صورت گرفت.» (۱) .

همان طور که در مباحث پیشین اشاره شد، عملیات امام مهدی (عج) که در اسفند ۱۳۵۹ طراحی و اجرا شد، به عنوان سرآغاز مرحله جدیدی از تاکتیک های ابتکاری نیروهای مردمی به شمار می رود. بعدها این ابتکارات در مقیاس وسیعتری مورد بهره برداری قرار گرفت، چنان که به هنگام طراحی عملیات «بیت المقدس»، با عنایت به تفکر کلاسیک نظامی، مسئله عبور از رودخانه کارون، با شک و تردید نگریسته می شد.

در همین زمینه سردار سرلشکر محسن رضایی می گوید:

«اتفاقا همین مسئله (ابتکار و خلاقیت) در خرمشهر خیلی بارز شد. برای این که همه به حمله از روی جاده آسفالت اهواز – خرمشهر معتقد بودند. می گفتیم چرا، گفته می شد که عرف کلاسیک این گونه دیکته می کند. اصلا قانون جنگ این است، شما مگر می توانید این همه تجهیزات زرهی و سایر امکانات را از روی رودخانه عبور بدهید! این امکان پذیر نیست. پل ها را هواپیما مورد هدف قرار می دهد و... اما فرماندهی، این مسئله را قبول نکرده و همچنان معتقد به عبور از رودخانه بود. چرا فرماندهی این گونه فکر می کرد؟ روشن است، چرا که «فرماندهی متأثر از یک روحیه و تحرک مردمی» بود و به ا ین خاطر یک ایده مردمی را ارائه می کرد و گرنه از نظر کلاسیک، حصول این نتیجه امکان پذیر نبود. این جا، در حقیقت عبور از رودخانه یک ابداع و خلاقیت مردمی بود و پیروزی ما در عملیات نیز درست به همین مسئله مربوط بود.» (۲) .

---

۱ – ۵۵. سند شماره ۳۱۴۰۲ / پ. ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح با فرمانده محترم کل سپاه، فروردین ۱۳۷۱.

۲ – ۵۶. پیشین.

عدم درک دشمن از وضعیت جدید

دشـمن از رونـد شـکل گیری تحولات جدید - که اساسا بر حضور مردم در صـحنه متکی بود و به حذف جبهه ضد انقلاب از صحنه سیاسـی کشور انجامیـد - درک صـحیحی نداشـته و همین مسـئله موجب شـد تا عراق، علی رغم اطلاع از عملیات ثامن الائمه، به لحاظ باور و ذهنیت غلط گذشته در مورد توانایی بالقوه رزمندگان اسلام از نظر تاکتیک، غافلگیر شده و به ناچار به اسـارت نیروهـا و انهـدام تجهیزاتش تن دهـد. این عملیـات را می توان اولین و بزرگترین ضـربه روانی به دشـمن، پس از آغاز مرحله جدید جنگ، به شمار آورد.

ص: ۶۹

سلسله عملیات بزرگ

اشاره

در این مبحث، به طور اجمال به سلسله عملیاتی که منجر به آزادسازی مناطق اشغالی کشور شد، اشاره می شود:

عملیات ثامن الائمه

تحرک اصلی رزمندگان در این مقطع، عمدتا معطوف به دو عملیات گردید که هر دو، در محور آبادان طراحی و اجرا شد.

«عملیات ولایت فقیه» از مدت ها پیش طراحی و بلافاصله پس از حذف بنی صدر، با رمز «فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا»، در ۲۳ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه آبادان و از محور دارخوین به اجرا درآمد.

طراحی و پیشنهاد شکستن حصر آبادان، با تأکید حضرت امام که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود»، از مدت ها پیش مورد نظر طراحان جنگ و فرماندهان سپاه بود، لیکن کارشکنی بنی صدر مانع از تحقق آن می گردید. پس از حذف بنی صدر، زمینه عملی شدن این طرح با نام «عملیات ثامن الائمه» به وجود آمد و در تاریخ ۵ / ۷ / ۱۳۶۰ اجرا شد. بدین ترتیب اولین همکاری سپاه و ارتش در این عملیات و در مقیاس وسیع، به منصه ظهور رسیده و تحقق یافت.

انهدام و پاکسازی شرق رودخانه کارون از نیروهای دشمن و شکستن محاصره آبادان، بخشی از نتایج و دستاوردهای عملیات ثامن الائمه به شمار می رود. تداوم محاصره آبادان، برای دشمن از ارزش سیاسی بالایی برخوردار بود و از مقاصد عمده رژیم عراق برای به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی محسوب می شد. با این عملیات، دشمن علاوه بر این که یک امتیاز با ارزش سیاسی را از دست داد، از نظر روحی و روانی و

همچنین نیروی انسانی و تجهیزات متحمل خسارات بسیاری شد.

حضور ناقص دشمن در شرق رودخانه کارون، همان طور که اشاره شد، عمدتا ناشی از باورهای ذهنی غلط دشمن در مورد توانایی رزمندگان از یک سو، و رجحان اهداف سیاسی بر اهداف نظامی، از سوی دیگر بود. اطلاعاتی که پس از عملیات «فرماندهی کل قوا» از اسرای دشمن به دست آمد، حاکی از آن بود که تعدادی از فرماندهان عراقی نیز استقرار در شرق رودخانه کارون را از لحاظ نظامی، غیر اصولی ارزیابی کرده بودند. لیکن فرماندهی کل ارتش عراق، با توجه به اهداف سیاسی رژیم عراق، بر تداوم حضور نیروهایش در شرق رودخانه کارون تأکید داشت.

نتایج حاصله از دو عملیات «فرماندهی کل قوا» و «ثامن الائمه (ع)، باورهای غلط دشمن درباره توان رزمندگان اسلام را در هم ریخت و امنیت دشمن را که مدت ها بدون دغدغه اساسی در قسمت بزرگی از مناطق اشغالی مستقر شده بود، سلب کرد، ضمن این که موجب نمایان شدن هر چه بیشتر آسیب پذیری دشمن نیز گردید. علاوه بر این، اعتماد رزمندگان اسلام به اتخاذ تاکتیک های ابتکاری در جنگ و همچنین شکل گیری همکاری ارتش و سپاه و باور و اعتقاد نیروهای نظامی کلاسیک به نیروهای انقلابی، بخشی از نتایج آن بود که تحقق یافت.

بر این اساس، برادران سپاه و ارتش به منظور اتخاذ استراتژی عملیاتی جلساتی به صورت جداگانه تشکیل دادند و حاصل آن جلسات در نشست های مشترک مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در جمع بندی این جلسات، ۱۲ طرح عملیاتی، به عنوان طرح های کربلای ۱ تا کربلای ۱۲ تدوین و به شورای عالی دفاع ارائه شد و ضمن آن بر موارد ذیل تأکید گردید:

- بهره گیری از همه امکانات و ابتکارات در جنگ (اصل تمرکز قوا)

- انهدام نیروهای دشمن و بیرون راندن آنها از میهن اسلامی

- صرفه جویی در قوا و آزادسازی نیروهای خودی

- آماده شدن برای حمله های تعیین کننده و نهایی

طرح هـای عملیـاتی مـورد نظر، به گـونه ای طراحی شـده بـود که بر اسـاس اصـل صـرفه جـویی، در قـوا، بلافاصـله پس از هر عملیات، خط پدافندی خودی احتیاج به نیروی کمتری برای تأمین داشته باشد.

عملیات طریق القدس

عملیات طریق القـدس، دو ماه پس از عملیات ثامن الائمه طراحی شـد و در تاریـخ ۸ / ۹ / ۱۳۶۰ به اجرا درآمـد. ویژگی های مهم این عملیات عبارت بودند از:

۱ - افزایش وسعت منطقه عملیات: اعتماد به نفس رزمندگان و درک صحیح از نقاط ضعف و ناتوانی دشمن، همراه با افزایش ظرفیت به کـارگیری تمـامی امکانـات موجـود، که به انتخـاب منطقه عملیـاتی طریق القـدس بـا وسـعتی بیش از دو برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه انجامید.

۲ - گسترش اهداف عملیاتی: رسیدن به مرزهای بین المللی، قطع کردن ارتباط بخش شـمالی دشـمن با بخش جنوبی آن (در منطقه اشغالی جنوب)، آزادسازی شهر مرزی بستان، انهدام دشمن و پاکسازی مناطق، آزادسازی نیروهای خودی و... بخشی از اهـداف و نتایـج عملیات را تشـکیل می داد. افزایش سـطح اهـداف عملیاتی، نشان دهنده ظرافت، دقت برنامه ریزی در تدبیر و طراحی عملیات و همچنین حاکی از افزایش توان عملیاتی رزمندگان اسلام بود.

۳ - افزایش ظرفیت سازمان دهی نیروهای مردمی: سپاه پاسداران انقلاب اسـلامی، به طور مشخص در عملیات طریق القدس و به دنبال

افزایش جذب نیروهای مردمی، سازمان رزم خود را گسترش داد. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران، گسترش سازمان رزم سپاه را نتیجه تغییر وضعیت و فضای کار دانسته، می گوید:

«به خوبی توانستیم با تجدید نظر و سازمان دهی نیروهایمان، بخش وسیعی از نیروهای مردمی که عامل مؤثری در این عملیات بودند را وارد صحنه کرده و تجارب با ارزشی به دست آوریم.» (۱) .

به عبارت دیگر، عملیات طریق القدس، تجلی گاه بارز حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ بود که به دنبال پاکسازی جبهه انقلاب از عناصر آلوده و خائن، به منصه ظهور رسید.

۲ - اتخاذ تاکتیک ویژه: طراحی عبور از رمل، به عنوان محور شمالی عملیات، یکی از ویژگی های عملیات و ناشی از خلاقیت و ابتکار متأثر از گسترش حضور نیروهای مردمی در جنگ بود که موجب دور خوردن دشمن و تضمین کننده پیروزی عملیات گردید. این طرح به قدری دور از انتظار دشمن بود که حتی اسرای دشمن همواره تأکید داشتند که رزمندگان اسلام به صورت «هلی برد»، در این محور وارد عمل شدند - چرا که رمل به طور طبیعی مانعی اساسی و غیر قابل عبور است - و این در حالی بود که رزمندگان جهت رسیدن به اهداف مورد نظر، هیچ استفاده ای از هلی کوپتر نکرده بودند.

«افرایم کارش» یکی از کارشناسان برجسته نظامی، در ارزیابی عملیات طریق القدس ضمن تأکید بر شکل گیری تاکتیک جدید رزمندگان اسلام، می نویسد:

«عملیات طریق القدس، نتایج مهم عملیاتی در برداشت. با این تلاش وسیع ایرانی ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و مهارت های فرماندهی و کنترلشان تا حدود زیادی افزایش یافت در واقع،

۱- ۵۷. مأخذ شماره ۲۶.

این عملیـات بیـانگر لیاقت ایرانی ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف در سـطح وسـیع بود. ثانیا، پاتک بسـتان، ایران را قـادر سـاخت که برای اولین بار با موفقیتی چشـمگیر، تاکتیک های موج انسانی (۱) را که بعـدها تاکتیک حاکم بر جبهه های جنگ شد، به مرحله آزمایش بگذارد. (۲) .

آثار عملیات طریق القدس

دشـمن اگر چه شـکست نیروهایش در عملیات ثامن الائمه را ناشی از «نحوه استقرار ناقص نیروها» و محدود بودن عقبه آنها به دو پـل روی رودخـانه کـارون»، عنـوان کرد، لیکـن در عملیـات طریـق القـدس، نظر به این که از لحـاظ نظـامی تـوجیهی برای شکست خود نداشت، مجبور به پذیرش واقعیات جدید گردید.

بنابراین، از یک سو شـکل گیری تاکتیک جدید عملیاتی و از سوی دیگر تغییر ذهنیت غلط دشمن و باور کردن توانایی رزمی رزمندگان از عواملی بود که تأثیرات خود را در صـحنه های نبردهای آتی، باقی گذاشت. دشـمن، از این پس با شک و تردید بـه ادامـه حضـور خـود در منـاطق اشـغالی می نگریسـت، زیرا اسـتقرار نـاقص نیروهـای عراقی آنـان را در برابر توانـایی جـدید رزمنـدگان و حمله های احتمالی آنان، در معرض انهدام و آسـیب پذیری جدی قرار داده بود. به اعتماد صاحب نظران جنگ، حمله دشمن به پل سابله پس از گذشت چند روز از عملیات طریق القدس

ص: ۷۴

۱- ۵۸. نظر به این که غربی ها، از درک حضور نیروی مردمی در سـطح وسـیع و روحیه شـهادت طلبی آنها عاجز بوده انـد، بر این حضور گسترده مردم در جبهه های نبرد حق علیه باطل، عنوان «تاکتیک های امواج انسانی» نهادند.

۲- ۵۹. نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷ (۱۳۶۶).

و سپس عقب نشینی آنها از شمال رودخانه نیسان، اولین تحول در باور و نگرش دشمن بود، چرا که از این پس نیروهای عراقی برای ادامه حضور در مناطق اشغالی، نیاز به تصمیم گیری تازه ای داشتند.

از این پس «تهاجم» و «ابتکار عمل» در صحنه نبرد، در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. «تداوم عملیات» و «سرعت عمل» در اجرا، مهمترین عامل در مختل کردن سیستم تصمیم گیری دشمن بود. از نظر دشمن، صحنه داخل کشور که یکی از مبانی و فرضیات اساسی عراق در ارزیابی ضعف های جمهوری اسلامی محسوب می شد، دگرگون شده و جبهه های جنگ نیز شاهد حماسه آفرینی رزمندگان و بیرون راندن متجاوزین بود. دشمن از این پس نیاز به «زمان» و «حفظ وضع موجود»، برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد ادامه استقرار در مناطق اشغالی یا فرار و عقب نشینی داشت، لذا اقدامات مشروحه زیر را انجام داد:

۱ - حمایت از نیروهای ضد انقلاب داخلی: جبهه متحد ضد انقلاب که در حال تلاشی و هزیمت بود، در تحلیل های خود، ادامه پیروزی های رزمندگان اسلام را به منزله تثبیت جمهوری اسلامی محسوب می کرد. از سوی دیگر، دشمن نیز واگذاری مناطق اشغالی را قبل از کسب امتیاز سیاسی، نوعی شکست فاحش سیاسی - نظامی برای خود می دانست، در نتیجه بقا و حیات «ضد انقلاب داخلی» و «نیروهای متجاوز» از سوی رزمندگان اسلام، در معرض تهدید قرار گرفته بود. بر این اساس، پیوند میان ضد انقلاب و رژیم عراق، از وجه اشتراک بنیادی ترین برخوردار شده بود. لذا تجدید نظر در مورد بهره برداری از اهرم ضد انقلاب داخلی به نحوی جدی تر، از همین زمان آغاز شد و بعدها با ورود سرکرده و فراری منافقین به بغداد، شکل جدیدی به خود گرفت.

۲ - تلاش برای ایجاد تأخیر و تعویق در عملیات آتی رزمندگان اسلام: با تجاربی که

دشـمن از دو عملیـات «ثامن الائمه» و «طریق القـدس» انـدوخته بود، زمان اجرای عملیات آتی رزمنـدگان اسـلام را در نزدیک «۲۲ بهمن» پیش بینی کرده و با توجه به تجمع رزمندگان اسلام در منطقه شوش، در مورد اجرای عملیات در این محور حساس شده بود. یکی از فرماندهان دشمن، در مورد نگرانی آنها از تجمع رزمندگان اسلام در محور شوش - دزفول، گفت:

«تجمع نیروهای ایرانی در محور شوش، ذهن فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق را به طور عمده ای به خود مشغول کرده بود، چرا که شکست فاحش عراق در شرق کارون و بستان، هنوز در مقابل چشم هایشان جلوه گر بود و از این خوف داشتند که چنین شکست هایی مجددا تکرار شود.» (۱) .

دشمن، براساس درک جدید از تحرکات رزمندگان اسلام، تهاجم به تنگه چزابه را با اهداف ذیل انجام داد:

- انهدام نیروهای اسلام

- برهم زدن سازمان دهی نیروها

- تأخیر در اجرای عملیات آتی رزمندگان

- تقویت روحیه نیروهای خود که در اثر عملیات رزمندگان اسلام، تضعیف شده بود. برادر غلامعلی رشید، فرمانده عملیات طریق القدس که پس از عملیات همچنان در منطقه حضور داشت، در مورد تحرکات دشمن، اظهار داشت:

«ما نسبت به تهاجم دشمن در تنگه چزابه، قدری ابهام داشتیم، به این معنی که وقتی دشمن توان پیشروی به سمت بستان را دارد، چرا توقف می کند.»

بحث و بررسی های متعددی در زمینه اهداف احتمالی دشمن انجام گرفت. فرمانده کل سپاه طی تحلیلی در همین زمینه، هدف دشمن را

۱- ۶۰. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، فصلنامه بررسی های نظامی، شماره ۵، ص ۲۰.

ایجاد تأخیر در عملیات بعدی (فتح المبین) دانسته و بر فعالیت بی وقفه در این منطقه، تأکید کرد. بدین ترتیب، پس از آشکار شدن اهداف دشمن در حمله به تنگه چزابه، بار دیگر در جبهه خودی، ضرورت اجرای عملیات فتح المبین مطرح شد.

۳ – ارائه پیشنهاد صلح: نظر به این که طرح های صلحی که پس از تهاجم به زمین گیر شدن دشمن به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد، هیچ کدام متضمن حقوق واقعی جمهوری اسلامی نبود و اغلب ضمن شباهت های عمده با هم، آتش بس را بر عقب نشینی دشمن از مناطق اشغالی مقدر داشته و تعیین متجاوز را نادیده می گرفتند، از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که اگر هیئت های صلح، طرح جدیدی برای ارائه ندارند، ضرورتی برای مذاکره و ورود آنها به ایران وجود ندارد. به موضع گیری و نیز اظهارات رئیس جمهور شهید رجایی مبنی بر این که «من سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می کنم»، عملا تلاش های صلحی که با هدف به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی انجام می شد عقیم و متوقف گردید.

با پیدایش موقعیت جدید، بر نگرانی دشمن نیز افزوده شد، لذا در پیشنهادهای جدید خود که به صورت مخفیانه ارائه می کرد، در خصوص عقب نشینی با شرط حذف تعیین متجاوز، موافقت کرد. در این مورد نشریه واشنگتن پست به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا در تاریخ ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰ نوشت:

«عراق، مخفیانه پیشنهاد کرده است که نیروهای خود را از ایران خارج ساخته و غرامت مالی نیز بپردازد، به شرط آن که ایران حاضر به اعطا امتیازاتی، از جمله لغو درخواست خود جهت تشکیل هیئتی به منظور تعیین مسئول شروع جنگ باشد.»

تعجیل و شتال در طراحی و اجرای عملیات فتح المبین، اساسا مبتنی بر این تحلیل انجام گرفت که فرصت لازم برای «تصمیم گیری» و «تجدید سازمان» و همچنین «تقویت پدافندی» از دشمن گرفته شود، لذا نیروها پس از بازسازی فراخوانی شده، بر اساس مأموریت های جدید توجیه و سازمان دهی شدند.

افزایش حضور نیروهای مردمی، گسترش همکاری ارتش و سپاه، تجارت مناسب نظامی بر پایه ی تاکتیک های جدید و... موجب گردید تا عملیات فتح المبین در تاریخ ۲ / ۱ / ۱۳۶۱ آغاز شود. دشمن که پیش از این برای ایجاد تأخیر در اجرای عملیات تلاش های گوناگونی را انجام داده بود، در برابر وسعت تهاجم رزمندگان تسلیم شده، تن به شکست داد و با فرار از صحنه نبرد، بخشی از نیروهای خود را از مهلکه نجات داد.

تعداد اسرای دشمن و غنائمی که به دست آمد، نشان دهنده ی میزان موفقیت عملیات، استیصال و انهدام دشمن و برتری نظامی جمهوری اسلامی بود. در این میان «ویلیام اف. هیکمن»، از فرماندهان نیروی دریایی آمریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگر، می گوید:

«پیروزی های ایران، نشان دهنده ی تجدید قوای نیروهای مسلح، نیروی انسانی بیشتر و هماهنگی بهتری بین ارتش و سپاه پاسداران انقلاب بود.»

«افزایش کارش» یکی دیگر از کارشناسان نظامی، با نگاهی عمیق به عملیات فتح المبین، اقدامات بعدی دشمن یعنی عقب نشینی و فرار به پشت مرزهایش را متأثر از همین عملیات دانسته و می نویسد:

«عملیات فتح المبین، خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تا کنون

نصیب عراق نمود. این تهاجم، به عقب نشینی عراق در سرتاسر خط جبهه، در طول مرز ایران و عراق و نابودی سه لشکر عراق منجر شد.» (۱) .

نتایج داخلی سه عملیات بزرگ

به موازات کسب پیروزی نظامی در جبهه های نبرد که از نیمه دوم سال ۱۳۶۰ آغاز شد و با عملیات فتح المبین به اوج رسید، موقعیت سیاسی - نظامی کشور در سال ۱۳۶۱، در وضعیت نوینی قرار گرفت. تدریجا موج گسترده ترور از سوی منافقین فروکش کرده و متقابلا تلاش هائی به منظور انهدام بقایای ضد انقلاب در داخل کشور طرح ریزی و اجرا شد که نقش مهمی در شکست قطعی منافقین در این مرحله داشت.

تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای برقراری امنیت شهری در تهران، سبب شکسته شدن جو رعبی گردید که منافقین با انجام ترورهای متعدد، قصد ایجاد آن را داشتند. اقدام یاد شده، عملکرد ضد انقلاب را در داخل با بن بست جدی مواجه ساخت، ضمن این که با اجرای طرح جمع آوری اطلاعات مردمی، خانه های تیمی منافقین نیز در معرض شناسایی قرار گرفت. علاوه بر این، اجرای عملیات روی خانه های تیمی که طی چند نوبت در اسفند سال ۱۳۶۰ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۱ انجام گرفت، به کشته شدن برخی از کادرهای اصلی منافقین، از جمله موسی خیابانی (نفر دوم سازمان) به همراه اشرف ربیعی (همسر رجوی و از اعضای مؤثر سازمان) منتهی شد. بدین ترتیب، سازمان که در توجیه نیروهایش، جمهوری اسلامی را ناتوان و فاقد سیستم اطلاعاتی و توانایی عملیاتی ارزیابی می کرد، در مواجهه با روند وسیع عملیات روی خانه های تیمی در تهران و سایر شهرستان ها غافلگیر شده و بلافاصله اقدام به خروج کادرهای خود از کشور کرد.

ص: ۷۹

۱- ۶۱. مأخذ شماره ۳۲.

هزیمت و شکست جبهه متحد ضد انقلاب در داخل کشور، امیدهای آمریکا در مورد جا به جایی قدرت در داخل کشور و اجرای عملیات براندازی را با ناکامی و شکست همراه ساخت. در این حال پیروزی های رو به گسترش نظامی - سیاسی نیز منجر به افزایش نگرانی آمریکا و غرب از دورنمای روند تحولات گردید. بنابراین، آمریکایی ها با استفاده از زمینه های متعدد در داخل کشور، مجددا جبهه جدیدی را که از صبغه ملی - مذهبی برخوردار بود، گشودند. رهبری و هدایت جبهه جدید به شریعتمداری واگذار گردید. رادیوهای بیگانه به منظور موجه جلوه دادن جلوه دادن جبهه جدید ضد انقلاب، تعداد طرفداران شریعتمداری را بالغ بر ۱۰ میلیون نفر ذکر کردند.

پس از کشف و خنثی شدن کودتا، مشخص گردید که جریان مزبور فاقد هر گونه پایگاه مردمی بوده است و بدین ترتیب، مجددا خط آمریکا در داخل کشور با شکست و بن بست مواجه شد.

با شکست توطئه های مختلف، ضد انقلاب خارج نشین یک جمع بندی تحت عنوان «اپوزیسیون از نفس افتاده»، ارائه کرد که به نحوی مبین اضمحلال و هزیمت آنها در چنین اوضاعی است:

«در موقعیت کنونی، هیچ نشانه ای از نرمش یا انعطاف در برابر مخالفان، از سوی حکومت به چشم نمی خورد. رژیم تا حد زیادی در سرکوب مخالفان فعال خود موفق می شود و مقاومت های مسلحانه پراکنده و بی هدف را مهار می کند. درعمل می بینیم که شبکه تروریستی مجاهدین خلق و دیگر گروه های مارکسیست - تروریست، تقریبا منهدم شده است و هر روز ضرباتی مرگبارتر و نابودکننده تر بر آنان وارد می شود. در چنین شرایطی، مخالفان و مبارزان با رژیم جمهوری اسلامی، ناگزیر باید در روش های مبارزه و راه های مناسب برای برانداختن چنین رژیمی تجدید نظر کنند.

فراموش نکنیم که بسیاری از اقدامات اپوزیسیون در این سه سال اخیر، نه تنها خللی در ارکان حکومت پدید نیاورده، که به آن فرصت داده تا سنگرهای خود را مستحکم نماید. در یک نتیجه گیری واقع بینانه در می یابیم که وسائل و امکانات اپوزیسیون خارج از کشور و تاکتیک هایی که آنان برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی برگزیده اند...، اکنون کاملا بی اثر شده است. به هر حال، نخستین گام دریافتن و پیمودن این راه ها، پذیرش ناتوانی و ناکارائی ترکیب کنونی اپوزیسیون است. این حقیقی است که در هر حال، هر روز آشکارتر و ملموس تر جلوه می کند، چه بهتر که چشم بر آن نبندیم.» (۱) .

پس از فتح المبین

اشاره

عملیات فتح المبین که از آغاز تا پایان، یک هفته طول کشید، (۲) همراه با دستاوردها و نتایج فراوان و چشمگیر، موقعیت برتر سیاسی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشت. مروری بر رخدادها و وقایع سیاسی داخلی و منطقه ای، وضعیت و موقعیت دشمن پس از عملیات فتح المبین و انعکاس پیروزی رزمندگان اسلام تا آغاز عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱ در رسانه های خارجی تصویر مناسبتری از اوضاع عمومی در آستانه عملیات بزرگ رزمندگان اسلام را ترسیم خواهد کرد.

استیصال دشمن

نیروهای دشمن پس از یک سال و اندی استقرار در مواضع دفاعی، در برابر تحقق «استراتژی بزرگ نظامی جمهوری اسلامی» که در مناطق مختلف

۱- ۶۲. نشریه «ایران آزاد» شماره ۱۳۶۱،۱۰۵ (منتشره در خارج از کشور).

۲- ۶۳. عملیات فتح المبین، ۲/ ۱ / ۱۳۶۱ آغاز شد و ۹ / ۱ / ۱۳۶۱، با پاکسازی منطقه به اتمام رسید.

به مرحله اجرا گذارده می شد، «سازمان و کنترل فرماندهی» خود را از دست دادند، در نتیجه، علی رغم داشتن نیرو، تجهیزات و امکانات مناسب در مناطق مختلف عملیاتی، به علت استیصال روحی قادر به بهره گیری از استعداد موجود خود نبودند. در این میان، ضعف روحی و درماندگی نیروهای دشمن به گونه ای افزایش یافته بود که آنها حتی در مواقع پاتک، بلافاصله پس از مواجهه با عکس العمل رزمندگان اسلام، به فرار و عقب نشینی و یا تسلیم مبادرت می کردند.

از مشکلات دیگر دشمن در این مرحله از جنگ، نداشتن نیروی احتیاط بود. دشمن به خاطر انتخاب اهداف وسیع و نیز تعیین مأموریت برای کلیه یگان های خود، پس از ناکامی و شکست، می بایست تمامی توان و استعداد خود را در مواضع پدافندی به صورت ناکافی گسترش دهد. این امر، موجب گردید که دشمن، فاقد نیروی احتیاط کارآمد بوده و در مواقع ضروری عکس العمل مناسبی را در برابر حملات رزمندگان اسلام از خود بروز ندهد.

سردار غلامعلی رشید، در این باره می گوید:

«وضعیت دشمن به گونه ای بود که تقریبا مکانی را که تصرف داشت، به دلیل حیاتی بودن آن، بخشی از نیروهایش را در آن منطقه مستقر کرده بود. در نتیجه، وقتی ما، فرضا در منطقه عملیاتی ثامن الائمه با دشمن می جنگیدیم، یقین داشتیم که لشکر ۱۰ زرهی و لشکر ۱ مکانیزه در آن منطقه با ما نخواهد جنگید.»

سازمان رزم دشمن، متعاقب سلسله عملیات رزمندگان اسلام، از هم گسیخت، تا آنجا که در عملیات ثامن الائمه، لشکر ۳ زرهی و یگان های تحت امر آن، که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان، در منطقه استقرار داشتند، در معرض تهاجم و انهدام قرار گرفتند. در عملیات

طریق القدس، باقی مانده لشکر ۹ زرهی از بین رفت و همچنین تیپ ۲۶ زرهی و چندین یگان دیگر منهدم شدند. در عملیات فتح المبین، علاوه بر لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه، نیروهای موجود در منطقه، به همراه سایر نیروهایی که دشمن از سایر مناطق جمع کرده و به منطقه اعزام نموده بود، منهدم شدند. در مجموع، تا قبل از عملیات بیت القدس، انهدام وسیعی از نیروها و تجهیزات دشمن صورت گرفت و تعداد بسیاری از نیروهایش اسیر شدند و امکانات زیادی به غنیمت گرفته شد.

بنابراین، دشمن در آستانه عملیات بیت المقدس در معرض از هم گسیختگی کامل قرار داشت. این مسئله، علاوه بر این که موجبات نگرانی حاکمان بغداد را فراهم کرده بود، از دید حامیان منطقه ای و جهانی عراق نیز پنهان نبود و سبب تشویق خاطر آنها شده بود.

ضعف و استیصال دشمن و روند رو به تغییر توازن نظامی به سود جمهوری اسلامی، در رسانه های خارجی نیز منعکس شد. به عنوان مثال، رابرت فیکس خبرنگار روزنامه تایمز در بیروت نوشت:

«تنها نتیجه گیری ممکن از وقایع اخیر، که عراق نیز شدیدا از آن بیم دارد، این است که با توجه به عدم توازن در نیروهای دو طرف، شاید ایران در آینده نزدیک در جنگ پیروز شود... اکنون صدام بر حاکمیت شط العرب اصرار نمی ورزد و احتمالا حاضر است که در صورت آغاز مذاکره با ایران، نیروهایش را در چند مرحله از خاک ایران بیرون بکشد.»

تقاضای برقراری صلح (!) که رژیم بعث از مدت ها قبل برای نجات خود ابراز کرده بود، با شروع عملیات فتح المبین و بروز آثار پیروزی رزمندگان، مجددا مطرح شد (۱) . متعاقب آن، برای نجات صدام و توقف

---

۱ - ۶۴. خبرگزاری رویتر به نقل از خبرگزاری عراق، خبر زیر را در تاریخ ۷ / ۱ / ۱۳۶۱ مخابره کرد: «صدام حسین، امروز خواستار آتش بس و حل و فصل مناقشه با ایران، از راه های صلح آمیز که حقوق عادلانه تاریخی و قانونی را تضمین نماید، شد.

جنگ، تلاش های وسیعی از سوی کمیته منتخب کنفرانس کشورهای غیر متعهد، کمیته حسن نیت کنفرانس اسلامی، کمیته کنفرانس اسلامی جهان اسلام و نیز تنی چند از شخصیت های سیاسی - مذهبی جهان اسلام صورت گرفت.

بازتاب پیروزی های ایران در رسانه های خارجی

فقدان برخورداری ایران از امکانات و تجهیزات نظامی پیشرفته و همچنین ناتوانی نیروهای نظامی ایران، از مسائل عمده ای بود که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران امور نظامی، همواره در بررسی جنگ ایران و عراق و مقایسه وضعیت دو کشور مورد اشاره و تأکید قرار می دادند. براساس این تحلیل ها، طبعا نه تنها برای حاکمان عراق امکان درکی درست از تحولاتی که منتهی به پیدایش وضعیت جدید در مرحله آزادسازی شده بود، وجود نداشت، بلکه غفلت رسانه های خارجی و کارشناسان نظامی آنها را نیز موجب گردید، اما با وجود این، سلسله عملیات رزمندگان اسلام توانست به طور قطع، باور و ذهنیت عراقی ها و کارشناسان رسانه های خارجی را مورد سؤال قرار دهد. زیرا صحنه عمل و نتایج حاصل از تحرکات نظامی رزمندگان اسلام، گویاتر از همه چیز خودنمایی می کرد. رادیو بی بی سی، به دنبال آزادسازی کامل منطقه عملیاتی فتح المبین چنین گفت:

«نظر متخصصان امور اطلاعاتی غرب روشن است که ایران در درگیری های اخیر با عراق (فتح المبین)، دست برنده را دارد. متخصصان نظامی در غرب

این عملیات را پیروزی بزرگ ایران می دانند. نیروهای مسلح ایران، نفرات بیشتری در اختیار داشته و از روحیه بسیار خوبی برخوردارند.»

رادیو بی بی سی، طی دو روز متوالی با تأکید بر پیروزی رزمندگان اسلام، نتایج و ابعاد رو به گسترش آن را در منطقه مورد اشاره و تأیید قرار می دهد.

«چشم انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام، می تواند ملاحظات صرفا نظامی را بر تمامی منطقه ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است.» (۱) .

نگرانی در مورد تأثیرات ناشی از پیروزی های رو به گسترش ایران در منطقه، به ویژه در صورت سقوط رژیم صدام و تأثیرات فزاینده آن بر تهدید منافع آمریکا و غرب، مهمترین مسئله ای است که در رسانه ها به آن اشاره می شد و محور تلاش های دیپلماتیک کشورهای منطقه، آمریکا و غرب محسوب می شدند؛ لذا، علاوه بر حمایت سیاسی - تبلیغاتی از رژیم صدام، تدابیری برای کمک به این کشور اتخاذ شد که از جمله آنها، اعزام نیرو از مصر و اردن برای یاری رساندن به صدام بود.

به موازات این اقدامات، تلاش برای بازگرداندن مصر به جهان عرب و ایجاد تشکل عربی در حمایت از صدام به همراه آمادگی برای رویارویی با تحولات غیر منتظره در عراق و منطقه، در دستور کار حامیان عراق قرار گرفت. ابوغزاله وزیر دفاع مصر، از آمریکا درخواست کرد تا برای خنثی کردن نتایج احتمالی پیروزی های اخیر ایران در جبهه جنگ با عراق، اقدامات لازم را به عمل آورد. (۲) حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز اظهار داشت:

«اوضاع خاورمیانه به مرحله بسیار جدی و خطرناکی رسیده است.»

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۶. هفته نامه اکتبر، چاپ قاهره.

به موازات روند تغییر و تحولات جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج فارس، مناسبات اعراب و اسرائیل اشغالگر نیز با اتخاذ سیاست های تهاجمی رژیم صهیونیستی، وارد مرحله جدیدی شد؛ بدین شکل که برابر تعهدات پیشین رژیم نامشروع اسرائیل می بایست در ادامه قرار داد کمپ دیوید و در پاداش به سفر سادات خائن به فلسطین اشغالی، زمین های مصر در صحرای سینا که به اشغال رژیم اسرائیل در آمده بود، تدریجا به مصر واگذار شود. برابر این قرارداد، در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۲ (۵ / ۲ / ۱۳۶۱)، زمان اجرای مرحله سوم خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از صحرای سینا فرا می رسید.

نظر به این که قرارداد کمپ دیوید، در پایان دهه ۱۹۷۰ و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن موجود در منطقه امضا شده بود، این طور به نظر می رسید که رژیم صهیونیستی در حالی که به اجرای مرحله سوم خروج، موظف بود، با عنایت به تحولات موجود در منطقه همچنان به اجرای طرح های توسعه طلبانه خویش چشم دوخته و مترصد بهانه مناسب بوده است. در همین راستا، اوضاع منطقه نیز با توجه به پیروزی های ایران که عمیقا آمریکا و غرب و نیز کشورهای عرب منطقه را نگران ساخته و ایران را در کانون توجهات قرار داده بود، توانست مورد بهره برداری رژیم غاصب اسرائیل قرار بگیرد. البته در این ضمن صهیونیست ها با نگرانی تحولات انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را دنبال نموده و همواره از فروپاشی دیوار شرقی اعراب - که همانند قلعه ای، رژیم صهیونیستی را در مرکز خود قرار داده بود - بیم داشتند. بر این اساس، از آغاز سال جدید میلادی، اظهارات و تحرکاتی از سوی مقامات رژیم اشغالگر صورت

گرفت که جای احساس خطر و نگرانی داشت. تا آنجا که یاسر عرفات در ارزیابی خود اظهار داشت:

«قبل از تحویل صحرای سینا، حمله اسرائیل به جنوب لبنان آغاز خواهد شد.» متن سخنرانی آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در مؤسسه بررسی های استراتژیک وابسته به دانشگاه تل آوویو، تحت عنوان «مشکلات استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰» که البته به شکل سخنرانی ایراد نشد و بعدها در روزنامه صهیونیستی المعاریو به چاپ رسید، حاوی برنامه و تفکر رژیم صهیونیستی طی دهه ۸۰ (۱۹۸۰ – ۱۹۹۰) می باشد. در این مقاله آمده است:

«منافع استراتژیکی اسرائیل در دهه ۸۰، چنین اقتضا می کند که این کشور از رویارویی های تقلیدی درآمده و به جغرافیای جدیدی دست یابد. از آن به بعد، جهان نباید اقدامات و اعمال اسرائیل را که تحت عنوان حفظ امنیت و آرامش اسرائیل انجام خواهد گرفت، شوخی بپندارد.»

در یک ارزیابی کلی، همان طور که اشاره شد، رژیم صهیونیستی روند تحولات در دهه ۸۰ را به زیان خود ارزیابی می کرد. (۱) چرا که از یک سو رژیم سلطنتی ایران به عنوان متحد استراتژیک اسرائیل، با پیروزی انقلاب اسلامی سرنگون شد و از سوی دیگر، انقلابی جدید، مبارزه با اسرائیل را به عنوان شعار استراتژیک و محوری خود تعیین کرده بود. طبعا تأثیرات ناشی از این پیروزی، در صحنه سیاسی منطقه، به ویژه لبنان، از دید صهیونیست ها پنهان نبود. به این خاطر نگرانی اسرائیل و اقدامات احتمالی این کشور به ویژه در صحنه لبنان، قابل پیش بینی بود. به نظر می رسد که بخشی از اهداف اسرائیل برای تهاجم به لبنان، موارد زیر باشد:

– انهدام پایگاه های نظامی و سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین تا

۱– ۶۷. روزنامه المستقبل، چاپ فرانسه، ۲۳ ژانویه ۱۹۸۲ (۳ / ۱۱ / ۱۳۶۰).

حد امکان، تضعیف و کاستن از قدرت فلسطینی ها در جنوب لبنان.

- انهدام پایگاه های موشکی سوریه در داخل سرزمین لبنان و به دنبال آن تضعیف ارتش سوریه که نزدیک به چهل هزار نفر از سربازانش در لبنان استقرار داشتند.

بدین وسیله، رژیم صهیونیستی امیدوار بود که بخشی از امنیت خود در مرزهای شمالی را با انهدام پایگاه های سیاسی - نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان و تضعیف نقش سوریه در این کشور تأمین نماید.

ص: ۸۸

آزاد سازی

منطقه عملیاتی بیت المقدس

انتخاب منطقه

پس از عملیات ثامن الائمه و به هنگام «تبیین استراتژی هجوم»، برای نخستین بار بحث های گسترده (۱) و قابل توجیهی بین طراحان نظامی جنگ در مورد انتخاب منطقه عملیاتی و اولویت بندی آنها صورت گرفت. محتوای مباحث و آنچه که در صحنه عمل طی مراحل آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت، همگی دلالت بر آن دارند که چند عامل اساسی در بررسی های عملیاتی و انتخاب مناطق مختلف برای عملیات نقش داشته اند، از جمله:

۱ - نحوه استقرار و استعداد دشمن و وسعت منطقه

۲ - ارزش سوق الجیشی منطقه

۳ - توان و استعداد نیروهای خودی

۴ - ابتکار و خلاقیت نظامی

---

۱ - ۶۸. این مباحث، منجر به دو طرح عملیاتی براساس معیارهای متفاوتی شد که سرانجام در جلسات مشترک بین نیروها و حسن نظر فرماندهان سپاه و ارتش، طرح نهایی به تصویب رسید.

طراحان نظامی، در تجزیه و تحلیل کلی از نحوه استقرار دشمن در منطقه جنوب، چنین ارزیابی می کردند که ارتش عراق بر دو منطقه اساسی در جنوب چنگ انداخته است که آزادسازی آنها به فروپاشی مواضع دفاعی دشمن منتهی خواهد شد. این دو منطقه عبارت بود از: «جفیر» (در جنوب غربی اهواز) و «چنانه» (در جنوب غربی دزفول) بدین صورت که «جفیر» مرکز قوای دشمن محسوب شده و تمام جاده های مواصلاتی و عقبه قوای عراقی به این منطقه منتهی می گردید و «چنانه» نیز مرکزیت دشمن در منطقه عمومی عملیات فتح المبین را شامل می شد.

بنابراین اگر چه دو منطقه یاد شده دارای ارزش حیاتی بودند و ضرورتا می بایست مورد تهاجم رزمندگان اسلام قرار می گرفتند، لیکن محدودیت توان در مقایسه با وسعت منطقه عملیاتی ثامن الائمه، مانع انتخاب این منطقه شد. منطقه عملیاتی ثامن الائمه که اولین تجربه نظامی رزمندگان اسلام بود، بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت نداشت. استعداد دشمن را نیرویی کمتر از یک لشکر که در شرق رودخانه کارون مستقر بود، تشکیل می داد. ضمن این که نیروهای دشمن به دلیل وجود عارضه رودخانه کارون دچار محدودیت در مانور بودند، در صورتی که مناطق عملیاتی فتح المبین و بیت المقدس، در حدود ۲۵ برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه وسعت داشتند. با این وصف به طور طبیعی می بایست در انتخاب منطقه عملیاتی معیارهایی نظیر وسعت منطقه، استعداد دشمن، استعداد خودی و توان طرح ریزی و فرماندهی عملیات را در نظر گرفت. به همین منظور، جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه تشکیل شد و برای انتخاب منطقه عملیاتی تبادل نظر به عمل آمد. برادر غلامعلی رشید در این زمینه اظهار داشت:

«بعد از کسب پیروزی در عملیات ثامن الائمه، بحثی جدی بین فرماندهان

ارتش و سپاه به وجود آمد که آیا عملیات بعدی در منطقه غرب کارون و خرمشهر باشد یا جای دیگر. بعضی از فرماندهان ما که خیلی کلاسیک فکر می کردندو انعطافی نداشتند، اظهار می کردند عملیات در این منطقه صورت بگیرد و ما باید از اهواز حمله کرده و به سمت خرمشهر برویم و آن منطقه را آزاد کنیم. وقتی برادران سپاه بحث عملیات طریق القدس را مطرح کردند، برخی از برادران ارتشی می گفتند که چگونه ممکن است دشمن را که در ۲۵ کیلومتری غرب اهواز موضع گرفته و تا هویزه آرایش دارد، در این جناح طولانی رها کرده و به عمق منطقه تا مرزها پیشروی کنیم، چه تضمینی وجود دارد که این ریسک را بپذیریم که دشمن به ما حمله نکرده و مجددا با پیشروی به سمت اهواز تمام یگان هایی که در منطقه غرب اهواز و سوسنگرد حضور دارند، محاصره نکند. برادران سپاه، استدلال می کردند که ما باید با تمام توانمان بی وقفه با دشمن بجنگیم. ما الان قادر نیستیم در این زمین بزرگ (منطقه غرب کارون) وارد بشویم، دشمن هم جرأت نمی کند که در شرایطی که ابتکار عمل آفندی در اختیار ماست، به این سادگی از مواضع پدافندی خودش که مانند دژهای بسیار قوی و مستحکمی است، خارج شده و به ما حمله کند.»

پس از اتمام عملیات طریق القدس، مجددا منطقه عملیاتی غرب کارون مورد توجه واقع شد، لیکن بنا به دلایلی از اجرای عملیات در منطقه مورد نظر خودداری شد و نظرها به منطقه عمومی فتح المبین - که زمین آن دارای عوارض طبیعی و ناهمواری بود - معطوف گشت. این تصمیم، با قابلیت های نیروی پیاده که بخش اعظم توان رزمندگان اسلام را تشکیل می داد، هماهنگی و تطابق داشت.

اجرای سلسله عملیات آفندی علیه دشمن که شامل «ثامن الائمه» در منطقه شرق رودخانه کارون، «طریق القدس» در غرب منطقه اهواز و

«فتح المبین» در منطقه عمومی شوش در غرب جاده اندیمشک - اهواز می شد، نتایج مهمی به بار آورد. این نتایج که عملا زمینه انتخاب منطقه عملیاتی غرب کارون را برای آزادسازی خرمشهر فراهم کرد، عبارت است از:

۱ - انهدام بخش قابل توجهی از نیروی زمینی دشمن.

۲ - آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در جنوب کشور.

۳ - آزادسازی نیروهای پدافندی خودی در مناطق اشغالی.

۴ - افزایش توانایی طرح ریزی و عملیاتی رزمندگان اسلام.

بر این اساس، انتخاب منطقه عمومی غرب رودخانه کارون برای آزادسازی خرمشهر و مراکز مهم و حیاتی آن، طی یک روند تکاملی صورت پذیرفت. در این مرحله، دشمن تدریجا منهدم شده و به ویژه از نظر روحی در وضعیتی به شدت بحرانی قرار داشت، اما در مقابل، رزمندگان اسلام ضمن برخورداری از هماهنگی فوق العاده ای در طراحی و فرماندهی، دارای روحیه ای بالا و معنویتی چشمگیر بودند.

زمین منطقه و آرایش دفاعی دشمن

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که به ترتیب، از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه و شط العرب منتهی می شود. در واقع، گذشته از وجود علائم اعتباری مرزی که از کوشک تا طلائیه و از آن جا تا شلمچه ترسیم شده است، زمین منطقه به خاطر برخورداری از موانع طبیعی از چهار جهت، زمینی به هم پیوسته و مستطیل شکل می باشد، که به لحاظ اهمیت حیاتی آن برای دو کشور ایران و عراق، همواره از ارزش

استراتژیکی برخوردار بوده است.

این مهم، موجب گردیـد تـا پدافنـد منطقه عمیقا مورد توجه فرمانـدهان نظامی عراق قرار بگیرد. زیرا پدافنـد از این منطقه برای دشـمن، در مقایسه با سایر مناطق اشـغالی از اهمیت بیشتری برخوردار بود و علاوه بر این که ادامه اشغال خرمشهر، دشمن را از یک موضع قوی در روند مذاکرات صـلح برخوردار می کرد، متقابلا از دست دادن خرمشـهر نیز در واقع به مثابه شکسته شدن تنها سـد دفاعی بصـره، دومین شـهر مهم عراق پس از بغـداد و در معرض تهدیـد جـدی قرار گرفتن آن شـهر بود و لذا این دو مسئله با یکدیگر آن پیوند خورده بودند.

با عنایت به وضـعیت ذکر شده، دشمن مصمم بود که با چنگ و دندان و به هر شکل ممکن منطقه را در اشغال خود نگه دارد، بدین سـبب برای احداث اسـتحکامات دفاعی به ویژه در شـهر خرمشـهر، با اسـتفاده از تجارب حاصله از جنگ اقدام به سرمایه گذاری اساسی نمود.

آرایش دشـمن در منطقه، تحت دو عنـوان «آرایش عمومی در کـل منطقه» و «تـدابیر پدافنـدی ویژه در داخـل خرمشـهر» قـابل بررسی می باشد. آرایش عمومی دشمن، به شکل هلال و متکی به عوارض طبیعی منطقه بود، بدین ترتیب که از شمال و شرق به رودخانه کرخه کور (۱) و هور الهویزه محدود می شد. اقدامات مهندسـی بسـیار گسترده ای که دشـمن در جنوب رودخانه کرخه کور، پس از عملیات فتح المبین، انجام داد (۲) نشان دهنده ی

۱- ۶۹. این رودخانه بعدها در میان رزمندگان اسلام به کرخه نور مشهور گردید.
۲- ۷۰. فعالیت مهندسی دشمن با بیش از ۵۰ دستگاه لودر و بلدوزر شکل گسترده ای داشت. احداث خاکریزهای چند جداره و نصب سیم های خاردار، میـدان های مین متعدد، از جمله این فعالیت ها می باشد. به عنوان نمونه، در نزدیکی هویزه اقدام به احداث هفت ردیف سیم خاردار با هفت میدان مین نمود. تخریب پادگان حمید نیز در همین راستا صورت گرفت.

این است که عملیات رزمندگان اسلام علیه خود را صرفا در همین منطقه و از شمال به جنوب پیش بینی می کرد زیرا در این محور، علاوه بر عامل مهمی چون جاده اهواز - خرمشهر، داشتن عقبه ای چون شهر اهواز از امتیازاتی بود که رزمندگان اسلام در سایر محورها فاقد آن بودند. منطقه جفیر نیز که به مثابه مرکزیت قوای دشمن در غرب کارون بود، به علت فاصله اندک تا خط پدافندی کرخه کور، به سهولت می توانست با یک خیز بلند در دسترس رزمندگان اسلام قرار گیرد. بدین علت، دشمن برای حفظ آن نیز تدابیر پدافندی خاصی را اتخاذ کرده بود. عواملی نظیر وجود منطقه آبگرفته در جنوب غربی اهواز، که از رودخانه کرخه منشعب شده و به رودخانه می ریخت، تحلیل دشمن از عدم توانایی رزمندگان اسلام برای عبور از کارون و محدودیت نیروهای پیاده برای عملیات در عمق و نیز عمق منطقه، از رودخانه کارون تا جاده اهواز - خرمشهر و از آنجا تا مرز بین المللی، همگی موجب غفلت دشمن از منطقه کارون گردید، تا جایی که دشمن - که جناح خود را به رودخانه کارون داده بود - تنها به احداث مواضع پدافندی اقدام کرد تا در صورت لزوم با استقرار نیرو در آن مواضع، از خود دفاع نماید.

اما در جنوب که مواضع دشمن به شهر خرمشهر و بخشی از رودخانه های کارون و اروند محدود می شد، نظر به ارزش حیاتی و استراتژیک خرمشهر برای دشمن، اقدامات مهندسی ویژه ای در این منطقه طراحی و اجرا شد. (شهید) معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه نصر، در این زمینه اظهار داشت:

«عراق برای پدافند خرمشهر، یک طرح شبیه طرحی که اسرائیل برای کانال سوئز داده بود، ایجاد کرد، بدین شکل که مقابل خرمشهر را از طرف رودخانه، کاملا از لحاظ پدافندی تقویت کرد تا از عبور رزمندگان اسلام

از آن رود به داخل خرمشهر ممانعت به عمل آورد.»

دشـمن پس از عملیـات فتـح المـبین، بلافاصـله تخریب منـاطق مسـکونی خرمشـهر را به طور جـدی آغـاز کرد، به گونه ای که صـدای انفجارهای مهیب به طور مکرر در شـرق رودخانه کارون شـنیده می شـد. احـداث اسـتحکامات در داخل شـهر و نحوه تخریب و مین گذاری آن، عمدتا به منظور ممانعت از ورود نیروهای اسـلام به داخل شهر از شمال و شرق، به طور جدی دنبال شد. همچنین، برای مقابله با هلی برد نیروهای اسـلام و اجتناب از جنگ شهری، دشمن تلاش های مهندسی ویژه ای انجام داد. بنابراین، ارتش عراق در نظر داشت با ایجاد استحکامات و میدان های دید و تیر عالی و میدان های مین و سایر موانع، خرمشهر را به دژ مستحکم و غیر قابل نفوذی تبدیل نموده و به هر نحوه ممکن از باز پس گیری آن جلوگیری کند.

استعداد نیروهای دشمن در منطقه، تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه

- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود

- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر. تیپ های ۴۸،۲۲ و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند.

- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر.

کلیه این نیروها، بعد از عملیات تحت کنترل عملیاتی لشـکر ۳ قرار داشتند، ضمن این که تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره نیز در احتیاط این نیروها بود.

براسـاس اسـناد و مـدارک قرارگاه مرکزی کربلا، برآورد کلی اسـتعداد دشـمن در این منطقه، قبل از عملیات بیت المقـدس به شرح زیر بود:

- نیروی پیاده: ۳۶۰۰۰ نفر

- نیروی زرهی: ۴۱ گردان تانک (۱۴۳۵ دستگاه تانک)

- نیروی مکانیزه: ۳۸ گردان (۱۳۳۰ دستگاه نفربر)

- توپخانه: ۵۳۰ قبضه توپ.

کیفیت و استعداد دشمن در منطقه، مشخص کننده دو نکته می باشد: یکی محدودیت دشمن از بعد نیروی انسانی و دیگر اتکای دشمن در پدافند و مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام به نیروی زرهی و مکانیزه، علاوه بر اتکا به استحکامات. چرا که عمق و عرض زمین منطقه و فقدان ناهمواری و ارتفاعات، موقعیت مناسبی را برای مانور زرهی و مکانیزه دشمن فراهم کرده بود. در هر صورت، دشمن با توجه به درک و تحلیلی که از سمت هجوم رزمندگان اسلام داشت و نیز استحکامات و مواضع پدافندی که احداث کرده بود، به حفظ و تأمین مناطق تحت تصرف خود امیدوار بود.

دشمن با وجود برخورداری از امتیاز زمین هموار و وسیع و نیز استحکامات و مواضع برتر در برابر رزمندگان اسلام، در عین حال با دشواری ها و محدودیت های مختلفی رو به رو بود، از جمله:

- دفاع از سرزمین وسیع و عریض

- کمبود نیروی انسانی برای پدافند از منطقه

- وجود موانع طبیعی و مصنوعی در درون منطقه برای مانور.

تمرکز قوای دشمن، متناسب با نقاط استراتژیک و حیاتی منطقه در خرمشهر و جفیر، عمدتا متوجه عمق و جنوب منطقه بود. در عین حال دشمن به موازات تلاش برای حفظ خرمشهر، در تدبیر کلی خود عملا حفظ بصره را نیز مدنظر داشت. محور نشوه - جفیر و شلمچه - تنومه، علاوه بر تأمین عقبه نیروهای دشمن در منطقه به عنوان محورهای پاتک

دشـمن نیز تلقی می شـد. از این رو، به هنگـام طراحی مـانور عملیات بیت المقـدس، علاوه بر تجزیه و تحلیل کلی از دشـمن و استعدادش در منطقه، محورهای احتمالی پاتک دشمن نیز مورد توجه قرار گرفت.

ویژگی ها و تفاوت های مناطق عملیاتی بیت المقدس و فتح المبین

منطقه عملیاتی بیت المقـدس در رونـد آزادسازی مناطق اشـغالی، در واقع آخرین منطقه ای بود که کماکان در اشـغال دشـمن قرار داشت. همچنین در جریـان تکـاملی جنـگ، رزمنـدگان اسـلام در اوج قله پیروزی و به کـارگیری تجارب حاصـله از سایر عملیات ها قرار داشـتند. دشـمن نیز، متقابلا نسـبت به تاکتیک جدیـد رزمنـدگان اسـلام هوشـیار شده و تدریجا تغییراتی را در خطوط دفاعی، نحوه استقرار نیرو در خط و به کارگیری نیروی احتیاط، ایجاد کرده بود.

منطقه عملیـاتی بیت المقـدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتـح المبین، از ویژگی ها و تفاوت های آشـکاری برخوردار بود که عبارتند از:

۱ - فقـدان عـارضه و نـاهمواری در زمین منطقه: عوارض طبیعی موجود در منطقه عملیـاتی فتـح المبین موجب گردیـد تا قوای نظـامی ایران - که اساسـا بـا اتکا بر نیروی پیاده عمل می کردنـد - با اسـتفاده از این عوارض، از قـدرت مانور بیشتری در برابر دشمن برخوردار باشند. در صورتی که فقدان عوارض طبیعی در منطقه عملیاتی بیت المقدس، مشکلات فزاینده ای را فرا روی رزمنـدگان اسـلام قرار می داد و متقابلاـ دشـمن برای مـانور زرهی زا برتری قابـل توجهی نسـبت به منطقه عملیاتی فتـح المبین برخوردار بود.

۲ - افزایش وسـعت منطقه: منطقه عملیاتی بیت المقدس از نظر وسـعت، تقریبا سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود. بنابراین، افزایش نیروی عملیاتی، سازمان دهی مناسب و همچنین دقت و ظرافت در طرح ریزی و

فرماندهی و هدایت عملیات ضرورت داشت. البته دشمن نیز از لحاظ کمبود نیروی انسانی با معضلات بسیاری دست به گریبان بود.

۳ - بهره گیری دشمن از موانع طبیعی در ایجاد استحکامات: منطقه عملیاتی فتح المبین و نحوه استقرار دشمن در آن، امکان تهدید و دستیابی به عقبه دشمن را برای نیروهای خودی فراهم می کرد که این مسئله در فروپاشی خط مقدم دشمن نقش ویژه ای داشت. در صورتی که استحکامات دشمن در منطقه عملیاتی بیت المقدس با اتکا به موانع طبیعی همچون رودخانه های کرخه کور در شمال، کارون در شرق و اروند در جنوب و هورالهویزه در غرب، عملاً رزمندگان اسلام را برای رخنه به مواضع دشمن، در وضعیت دشواری قرار می داد.

۴ - سرعت عمل رزمندگان اسلام در کسب آمادگی لازم: فاصله ی زمان اجرای عملیات طریق القدس تا عملیات فتح المبین دو ماه و نیم بود (۱) ، در حالی که زمان آمادگی رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس به ۴۰ روز تقلیل یافت و این موضوع یکی از عوامل مؤثر در غافلگیری دشمن محسوب می شد.

۵ - عملیات عبور از رودخانه: طراحی عملیات عبور از رودخانه کارون (۲) علاوه بر این که یکی از ویژگی های عملیات بیت المقدس به شمار می آید، در واقع از تفاوت های بارز رزمندگان اسلام با نیروهای دشمن و توان کیفی فوق العاده آنان در این مرحله حکایت می کند. ضمن این که، «عملیات

۱- ۷۱. قابل ذکر است که تهاجم دشمن به تنگه چزابه در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ موجب تأخیر در اجرای عملیات فتح المبین گردید، این عملیات قرار بود در اسفند ۱۳۶۰ اجرا شود.

۲ - ۷۲. موضوع عبور از رودخانه کارون، از لحاظ ویژگی ها و تأثیرات آن در پیروزی عملیات، در مبحث «طرح ریزی عملیات» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سر پل گیری» در عمق ۱۴ تا ۲۵ و عرض ۳۵ کیلومتری همزمان با توسعه سر پل که در طراحی عملیات منظور شده، از تفاوت های ویژه ی این عملیات محسوب می شود.

طرح ریزی عملیات

اشاره

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در تاریخ ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۱ جلسه مشترکی با حضور فرماندهان سپاه و ارتش تشکیل شد و به کلیه یگان ها ابلاغ گردید که طی دو هفته، «بازسازی یگان ها» و «طرح ریزی عملیات» را انجام داده و نتیجه را اعلام نمایند. همچنین فرمانده کل سپاه مقرر کرد که تا روز دوشنبه ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱ اقدامات زیر انجام شود:

۱ – مشخص کردن مانور کلی عملیات

۲ – مشخص کردن محل های سر پل

۳ – تعیین و استقرار قرارگاه های لشکری و تعیین محل های تیپ ها و برقراری سیستم ارتباط «قرارگاه مرکزی کربلا» با قرارگاه های تابعه تا رده لشکر

۴ – حل مشکلات و نارسایی های مهندسی قرارگاه ها از طریق قرارگاه مرکزی کربلا

۵ – مشخص کردن نحوه اعزام نیرو و نیروهای احتیاط

۶ – تکمیل کردن سازمان ستاد قرارگاه های لشکری و همکاری با قرارگاه های ارتش.

متعاقب درکی که از ضرورت تعجیل در عملیات وجود داشت، تلاش برای آمادگی، شتاب چشمگیری به خود گرفت، چرا که هر گونه تعلل با فرا رسیدن فصل گرما در منطقه جنوب و هوشیاری دشمن در مورد عملیات همراه بود و می توانست لطمه های جبران ناپذیری را به

ص: ۹۹

دنبال داشته باشد. ضمن این که آشفتگی روانی نیروهای دشمن، به دنبال ضربات ناشی از عملیات فتح المبین، وی را در موقعیت بحرانی قرار داده بود و انجام هر چه سریعتر عملیات در این وضعیت ضریب موفقیت عملیات را افزایش می داد.

مأموریت و اهداف

به دنبال بحث ها و بررسی های فراوانی که صورت گرفت، سرانجام قرارگاه مرکزی کربلا، مأموریت و اهداف عملیات را به شرح زیر اعلام کرد:

مأموریت:

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مأموریت دارند که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.

اهداف:

۱ - انهدام نیروی دشمن، حداقل با استعدادی بیش از ۲ لشکر

۲ - آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید

۳ - آزاد سازی حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اسلامی با بیرون راندن نیروهای دشمن.

منظور:

۱ - خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه

دور برد دشمن

۲ - ترمیم مرز بین المللی کشور اسلامی و رفع اشغال کشور

۳ - آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از زیر برد توپخانه.

علاوه بر اهداف فوق، اهداف دیگری نیز مورد توجه طراحان عملیات بود که در صورت تأمین آن، دست یابی جمهوری اسلامی به موضع برتر در برابر دشمن و احقاق حقوق حقه کشور جمهوری اسلامی تسهیل می شد.

طرح مانور

اشاره

در بررسی های اولیه طرح مانور، عوامل زیر، نقش تعیین کننده ای داشتند:

- اهداف بسیار مهم در عمق منطقه

- ضرورت سرعت عمل در دست یابی به اهداف

- آرایش نیروها و استقرار قوای دشمن

- تلقی دشمن از دست حرکت رزمندگان اسلام.

گروه های طرح ریزی برادران ارتش و سپاه، به طور جداگانه طی بررسی های عملیاتی، به ارائه راهبردهای مورد نظر پرداختند و در جلسات مشترک، به طرح مسائل عملیات مبادرت ورزیدند. به طور کلی، دو راه کار برای عملیات بیت المقدس (۱) پیشنهاد شد و در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که اجمالا به آن اشاره می شود:

۱- ۷۳. براساس سلسله طرح های عملیاتی که پس از شکسته شدن حصر آبادان در دستور کار قرار گرفت، عملیات مورد نظر به عنوان کربلای ۳ نامگذاری شد، لیکن با توجه به اوضاع سیاسی منطقه و سایر عوامل در زمان اجرای عملیات، نام بیت المقدس برای آن نهاده شد.

تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز – خرمشهر

از جمله محاسن این راه کار پیشنهادی، استفاده از شبکه های جاده ای که در منطقه وجود داشت، بود، ضمن این که موجب تأمین جناح منطقه عملیاتی نیز می شد. پیشنهاد مزبور که براساس تفکر کلاسیک برادران ارتش ارائه شده بود، معایبی نیز به همراه داشت، از جمله این که دشمن براساس این تلقی که سمت تک حرکت رزمندگان از شمال و بااتکا به جاده اهواز – خرمشهر می باشد، استحکاماتی را در منطقه ایجاد کرده بود و به طور طبیعی عبور از سد دشمن، بدون تلفات سنگین ممکن نبود، ضمن این که با فرض عبور از خط مستحکم دشمن، دست یابی به هدف اصلی عملیات یعنی آزادسازی خرمشهر، بدون انجام مراحل عملیاتی متعدد که نیاز به زمان طولانی داشت، میسر نمی شد.

عبور از رودخانه کارون

از جمله معایب این راه کار، پیچیدگی های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل بود. همچنین ضرورت سر پل گیری و گسترش سر پل به به طور همزمان نیز دشواری های عبور از رودخانه کارون را افزایش می داد. کاهش فاصله تا دست یابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف مقاومت نیروهای عراقی در این منطقه، از محاسن پیشنهاد دوم محسوب می شود. پیشنهاد نخست دقیقا براساس تفکر کلاسیک و اصول جنگ طراحی شده بود (۱) طبعا راه کار اول با تحلیل دشمن از حرکت آتی

۱– ۷۴. برادر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «متخصصین آموزش دیده مجرب و متخصصین نظامی بالاتفاق می گفتند نمی شود از رودخانه کارون عبور کرد و باید تلاش اصلی از روی جاده اهواز – خرمشهر باشد.».

رزمندگان تطابق بیشتری داشت، طرح پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون، علی رغم معایبی که ذکر گردید، به دلیل آن که مبتنی بر خلاقیت و ابداع نیروهای انقلابی و مردمی طراحی شده بود و با تفکر کلاسیک دشمن نیز فاصله بسیار داشت، ضریب «غافلگیری» دشمن در تاکتیک را به شدت افزایش می داد.

رزمندگان اسلام، در واقع با عملیات عبور از رودخانه برخلاف آرایش دشمن، وارد زمین منطقه اشغالی شده و از پهلو به دشمن حمله می کردند. این اقدام به عنوان وارد ساختن شوک و ایجاد تردید و تزلزل روحی در نیروهای عراقی ارزیابی می شد و عکس العمل دشمن را به شدت ضعیف می کرد.

بر این اساس، به منظور تحقق اهداف مورد نظر، با عنایت به توان موجود و درکی که از واکنش احتمالی دشمن وجود داشت، طرح ریزی عملیات با اتکا به دو موضوع بسیار جدی و اساسی صورت گرفت:

۱ - نحوه ی عبور از رودخانه کارون، سر پل گیری و تأمین و توسعه آن

۲ - مرحله بندی عملیات

طراحان نظامی جنگ، در تعیین سازمان قرارگاه ها و مرحله بندی عملیات، عمدتا به این مسئله توجه داشتند که به هنگام تهاجم و تأمین اهداف کلی عملیات، علاوه بر سرعت عمل در دست یابی به اهداف، به طور ویژه باید از جابه جایی و تمرکز دشمن نیز ممانعت به عمل آید. بدین ترتیب، سه قرارگاه اصلی به شرح زیر در نظر گرفته شد:

۱ - قرارگاه قدس در بخش شمالی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کرخه.

۲ - قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر.

۳ - قرارگاه نصر در بخش جنوبی منطقه عملیات با مأموریت عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر.

همچنین در جمع بنـدی جلسه، بر دنبـال کردن مـانوری که منجر به رسـیدن به نقاط استراتژیک یا آزادسازی خرمشـهر و تأمین نیروها بشود، تأکید شد.

ضرورت مرحله بندی عملیات نیز موجب گردید تا مراحل عملیات به شکل زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱ - عبور از رودخانه کارون توسط قرارگاه های نصر و فتح و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر.

۲ - شکستن خاکریز اول توسط قرارگاه قدس بدون در نظر گرفتن هدفی جز درگیری و توجه دادن قرارگاه های فتح و نصر به طرف غرب و جنوب برای تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر.

۳ - حرکت قرارگاه های فتح و نصر به طرف ساحل اروند، پس از تصرف هدف ها.

براساس طرح مذکور، قرارگاه قدس عمدتا دشمن را مشغول درگیری می کند تا قرارگاه های فتح و نصر تلاش اصلی برای سر پل گیری و پیشـروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر را به اجرا درآورند. طی بحثهایی کمه در جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه صورت گرفت، مرحله بندی عملیات براساس فرض های مختلف مبتنی بر سه حالت کلی، مورد بررسـی قرار گرفت که عبارت بودند از:

۱ - نخست قرارگاه قدس وارد عمل شود و پس از آن که دشمن متوجه تلاش محور شمالی عملیات شد، با توجه به حساسیتی که به این

محور دارد و آن را تلاش اصلی تلقی می کند، قرارگاه های فتح و نصر وارد عمل شوند.

۲ - فرض دوم عکس فرض اول بود، بـدین صورت که ابتـدا قرارگاه های فتح و نصـر وارد عمل شوند و سـپس قرارگاه قدس عمل نماید.

۳ - در فرض سوم، همزمانی عملیات هر سه قرارگاه قدس، فتح و نصر مورد نظر بود.

سرانجـام طی بحثهایی که صورت گرفت، به منظور تجزیه دشـمن و جلوگیری از جابه جایی و ممانعت از تمرکز قوای دشـمن، مقرر گردید که هر سه قرارگاه همزمان تهاجم خود را آغاز نمایند.

سازمان رزم و مأموریت قرارگاه ها

برای فرمانـدهی و اجرای عملیـات بیت المقـدس با عنایت به تجارب پیشـین، قرارگاه ها به صورت مشترك سازمان دهی شـد. قرارگاه مرکزی کربلا هـدایت عملیات را عهده دار شد. قرارگاه های تحت امر قرارگاه مرکزی و یگان های تحت امر هر یک عبارت بود از:

قرارگاه قدس در محور شـمالی عملیات، متشـکل از چهار تیپ مسـتقل از سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی و یك لشـکر و یك تیپ مستقل از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه قدس ۱: تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۳۱ عاشورا از سپاه.

قرارگاه قدس ۲: تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ ۲۱ امام رضا (ع).

قرارگاه قدس ۳: تیپ ۳ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش، با تیپ نور از سپاه.

قرارگاه قدس ۴: تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار از ارتش، با تیپ ۴۱ ثارالله از سپاه.

قرارگاه فتح در محور میانی عملیات، متشکل از سه تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۱: تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سپاه.

قرارگاه فتح ۲: تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه فتح.

قرارگاه فتح ۳: تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش، با تیپ ۸ نجف اشرف از سپاه.

قرارگاه فتح ۴: تیپ ۳۷ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از ارتش، با تیپ ۲۵ کربلا از سپاه.

قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات متشکل از چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش که به صورت زیر ادغام شده بودند:

قرارگاه نصر ۱: تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۷ ولیعصر (عج) از سپاه.

قرارگاه نصر ۲: تیپ ۲ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) از سپاه.

قرارگاه نصر ۳: تیپ ۳ از لشکر ۲۱ حمزه (س) از ارتش، با تیپ ۴۶ فجر از سپاه.

قرارگاه نصر ۴: تیپ ۴ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه نصر.

ص: ۱۰۶

قرارگاه نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهد از ارتش، با تیپ ۲۲ بدر از سپاه.

در مجموع استعداد نیروها به شرح زیر بود:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با یازده تیپ مستقل پیاده (۱) و یک لشکر زرهی (۲) .

۱- ۷۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حد فاصل عملیات فتح المبین تا بیت المقدس در تلاش برای گسترش سازمان رزم، چند تیپ جدید تشکیل داده و سازمان دهی کرد تا توان جذب نیروی مردمی خود را افزایش دهد. در عملیات بیت المقدس هر یک از تیپ های سپاه ۷ تا ۱۲ گردان نیرو داشتند و هر چند تا این زمان به لشکر تغییر نام نیافته بودند، ولی هر یک استعداد و توانی در حد یک لشکر داشتند. لازم به ذکر است که در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس تیپ های المهدی و امام سجاد از سپاه پاسداران و تیپ ۳ لشکر ۷۷ ارتش به یگان های عمل کننده افزوده شدند.

۲- ۷۶. برادر فتح الله جعفری فرمانده وقت یگان زرهی سپاه پاسداران درباره چگونگی شکل گیری این یگان و شرکت آن در عملیات بیت المقدس نوشت: زمان شکل گیری یگان زرهی سپاه را می توان بعد از عملیات شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه) و در آستانه اجرای عملیات طریق القدس ذکر کرد. پس از عملیات ثامن الائمه بنا به دستور مسئول وقت عملیات سپاه (برادر سید رحیم صفوی) با تانک ها و نفربرهایی که در این عملیات از دشمن به غنیمت گرفته شده بود (۱۰ دستگاه تانک و ۳۵ دستگاه نفر بر) و با همکاری ۲۰۰ تن از برادران پاسدار، یک گردان مستقل مکانیزه با مسئولیت اینجانب (فتح الله جعفری) تشکیل گردید. این گردان در عملیات طریق القدس شرکت کرد و پس از این عملیات همگام با گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران، با نظر برادر غلامعلی رشید و شهید بزرگوار سرلشکر حسن باقری با گسترش سازمان به تیپ ۳۰ زرهی تبدیل گردید و در عملیات فتح المبین شرکت نمود. با توجه به غنائم بسیاری که یگان های سپاه در عملیات فتح المبین به دست آوردند، مجموع دستگاه های زرهی غنیمتی سپاه به بیش از ۵۰۰ تانک و نفر بر رسید و تعداد ۱۰۰ نفربر بی ام پی (۱) هم از ارتش تحویل گرفته شد و با اقداماتی که در زمینه آموزش نیرو و خدمه ی تجهیزات زرهی صورت گرفت و همچنین تعمیرگاه زرهی که ایجاد شد، این یگان به حد لشکر رسید و در مجموع ۴۰۰ تانک و نفربر برای عملیات فتح خرمشهر (بیت المقدس) آماده و سازماندهی شد. لشکر ۳۰ زرهی سپاه در قالب چهار گروه رزمی و یک یگان پشتیبانی کلی قرارگاه کربلا، فعالانه در عملیات بیت المقدس شرکت کرد و تا پایان عملیات سازمان خود را گسترش داد و تعداد دیگری دستگاه های زرهی به غنیمت گرفت. این یگان در جریان عملیات ۳۰۰ شهید تقدیم کرد که از جمله ی آنها جانشین یگان (شهید مجیدی) و چند فرمانده گروهان (شهید غرضی، شهید حسین نژاد، شهید چراغی و...) بودند. فرماندهان محورهای عملیاتی را در این عملیات برادران شهید امانی، لاوی، جعفرزاده و حری به عهده داشتند. (سند شماره ۴۱۴۷۶۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: زرهی سپاه و نحوه ی شکل گیری آن).

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با دو لشکر زرهی، یک لشکر پیاده و چهار تیپ مستقل.

آمار نیروهای شرکت کننده، بر حسب گردان، به شرح زیر می باشد:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده که تا آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان رسید و همچنین ۱۲ گردان زرهی و مکانیزه (جمعا ۱۱۲ گردان)

- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۲۱ گردان پیاده (جمعا نزدیک به ۴۵ گردان).

بنابراین، استعداد نیروهای جمهوری اسلامی در این عملیات جمعا ۱۵۷ گردان پیاده، مکانیزه و زرهی بود.

بررسی مانور قرارگاه ها

قرارگاه قدس مأموریت داشت تا با حمله به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه نور و تصرف پل مناسب در جنوب این رودخانه، دشمن را درگیر نگاه دارد تا دو قرارگاه فتح و نصر فارغ از توجه و تمرکز نیروهای دشمن، به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس همچنین بایدی از آمادگی لازم برخوردار باشد تا پس از دریافت دستور،

تهاجم را ادامه داده و خط عمومی جفیر - پادگان حمید را تأمین و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم کند.

قرارگاه قدس به منظور تأمین اهداف تعیین شده. نیروهای تحت امر خود را به پنج محور کلی قدس ۱، قدس ۲، قدس ۳، قدس ۴ و قدس ۵ تقسیم کرد.

چنین پیش بینی می شد که قرارگاه در اجرای مأموریت خود دچار معضلات و مشکلاتی شود که بخشی از آن اساسا به خاطر استحکامات قابل توجه دشمن و نیز موقعیت طبیعی منطقه و موانع موجود بود. دشمن با توجه به نکاتی که ذکر شد، استحکامات بسیاری را در پشت رودخانه کرخه کور تدارک دیده بود، و همچنین در تمام محورها رده دوم و سوم، حتی در بعضی محورها، چهار رده خاکریز احداث نموده و تا سه رده آن نیز نیرو مستقر کرده بود. در واقع یک خط مقدم و دو رده نیروی احتیاط داشت. در حد فاصل خط مقدم تا رده دوم و رده سوم با توجه به موقعیت زمین، کانال تعبیه شده بود. در مقابل خط مقدم علاوه بر نصب سیم خاردار به اشکال مختلف ضربدری و حلقوی، از مین های ضد تانک، ضد خودرو و ضد نفر نیز استفاده شده بود.

وجود نقاط حساس تاکتیکی در منطقه، مانند: هویزه، حمیدیه و جفیر، موجب شده بود تا منطقه علاوه بر استحکامات قابل توجه، از تجمع و تمرکز نیرو نیز برخوردار گردد (لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی ارتش عراق در این منطقه گسترش داشتند).

معضل دوم قرارگاه قدس، محدودیت معابر وصولی در منطقه ماموریت این قرارگاه بود. همان طور که ذکر شد، وجود رودخانه کرخه و استحکامات ایجاد شده، مانع رخنه و نفوذ به مواضع دشمن بود.

از سوی دیگر، قرارگاه قدس امیدوار بود که در پی عبور قرارگاه های

فتح و نصر از رودخانه کارون و تهدید عقبه ی لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۶ زرهی، از فشارهای دشمن در این منطقه کاسته شود و در تأمین مأموریت و اهداف قرارگاه قدس تسهیلاتی فراهم گردد.

قرارگاه فتح در بخش میانی منطقه عملیات مأموریت داشت که با عبور از رودخانه کارون، سرپلی تصرف کند و در همان خیز اول تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی نماید و در مراحل بعدی به منظور تأمین مرز، تک را ادامه دهد.

یگان های تحت امر قرارگاه فتح برای تأمین اهداف تعیین شده، به چهار محور کلی فتح ۱، فتح ۲، فتح ۳، فتح ۴ تقسیم شده بودند.

مأموریت این قرارگاه از لحاظ اهداف مورد نظر، نقش تعیین کننده ای را در موفقیت عملیات بیت المقدس ایفا می کرد، زیرا براساس طرح مانور، تلاش اصلی عملیات پس از عبور از رودخانه کارون (۱) و گسترش سر پل آغاز می شد و قرارگاه فتح عهده دار این مأموریت خطیر بود. مشکلات قرارگاه فتح بر خلاف قرارگاه قدس، استحکامات دشمن نبود، چرا که دشمن در مورد عبور از رودخانه کارون جز به عنوان یکی تلاش فرعی، تصور دیگری نداشت.

دشمن علی رغم حساسیت به منطقه قرارگاه فتح، هیچ عکس العمل قابل توجهی از خود نشان نداد و تنها به احداث برخی استحکامات جدید اقدام نمود و تا زمان شروع عملیات، این مواضع جدید را اشغال نکرد. گستردگی این منطقه، نیرو و نیز وضعیت حاشیه رودخانه کارون، مانع از حضور جدی و فعال دشمن در حاشیه ساحل رودخانه می گردید

---

۱ - ۷۷. بحث عبور از رودخانه کارون با توجه به حساسیت و ویژگی خاص خود، به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

که این مسئله خود به عنوان عاملی مثبت در امر سر پل گیری تلقی می شد. البته این نگرانی همچنان وجود داشت که دشمن تدریجا با افزایش هوشیاری در کناره های ساحل کارون به استقرار نیروی گشت و تأمین اقدام نماید.

وجود آبگرفتگی در جناح شمالی قرارگاه فتح، به طور طبیعی جناح راست قرارگاه را تأمین می کرد. همچنین وجود زمین و فضای گسترده در برابر قرارگاه فتح سر پل گیری را تسهیل می کرد و در توسعه آن و پیشروی در عمق بسیار مؤثر بود.

قرارگاه فتح در این عملیات با مشکلات و معضلاتی نیز روبه رو بود که در جای خود می توانست موانعی را در تحقق و تأمین اهداف این قرارگاه به وجود آورد. برخی از این مشکلات عبارت بود از:

۱ - فقدان هر گونه عارضه در حد فاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر، برای هماهنگی نیرو در پیشروی و همچنین برای پدافند مناسب در صورت اجرای پاتک از سوی دشمن.

۲ - تأمین جاده اهواز - خرمشهر همزمان با سرپل گیری که علی رغم فاصله ی ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری رودخانه کارون تا جاده، از حساسیت ویژه ای برخوردار بود. محدودیت زمان عبور با توجه به تابش ماه و روشن شدن هوا به صورتی بود که هر گونه تعلل در پیشروی به علت نبودن مواضع پدافندی، نیروها را قبل از رسیدن به عارضه جاده در معرض تهاجم دشمن قرار می داد.

۳ - عدم امکان عبور وسائل سنگین در مراحل اولیه عملیات برای احداث خاکریز.

۴ - پاتک سنگین دشمن، با توجه به تمرکز نیروهای احتیاط دشمن در شمال خرمشهر و تهدیدی که دشمن طبعا بلافاصله پس از روشن شدن

هوا در روز اول عملیات از این جناح احساس خواهد کرد.

قرارگاه فتح، امید داشت که با توجه به غافلگیری دشـمن نسبت به تاکتیک عملیات عبور و حساسیتی که در مورد جبهه شمالی نشان می داد، پس از برداشتن خیز اول در تصرف جاده اهواز - خرمشهر و تثبیت آن، اهداف خود را تأمین کند.

قرارگـاه نصـر در جبهه جنوبی مـأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده، سـر پل را تأمین کنـد و بنا به دسـتور با ادامه پیشروی، ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد. یگان های تحت امر این قرارگاه برای تأمین اهداف واگذاری، به پنج محور کلی نصر ۱، نصر ۲، نصر ۳، نصر ۴ و نصر ۵ تقسیم شده بودند.

قرارگـاه نصـر نیز هماننـد قرارگاه فتـح می بایست از رودخانه عبور می کرد، لـذا علاوه بر مشـکلات عمومی و ضـرورت انجام هماهنگی های لازم برای عبور، به دلیل داشـتن مأموریت تأمین خرمشهر و حساسیت دشمن در این منطقه، با مشکلات ویژه ای روبه رو بود. این قرارگاه بر خلاف قرارگاه فتح که یگان های با کیفیت بالاتری را تحت امر خود داشت، برای تأمین خرمشـهر از نیروی کیفی و مناسبی برخوردار نبود.

قرارگاه نصـر در این مأموریت امید داشت که با توجه به پیشـروی قرارگاه فتح و تصـرف جاده، مشـکلات خاصـی را در جناح شمـالی خود نداشـته باشـد و برای رخنه به داخـل خرمشـهر نیز وجود نیروهـای بومی در یگـان هـای مأمور به این قرارگاه، می توانست اهداف مورد نظر را بهتر تأمین نماید.

در مجموع، همـان گونه که اشاره گردیـد، در طراحی مانور، عبور از رودخانه عامل تعیین کننـده در پیروزی عملیات محسوب می شد و به همین دلیل در ادامه بحث به بررسی دقیق تر این موضوع می پردازیم.

طراحی عبور از کارون

در مرحله جدید جنگ مشکل اصلی دشمن، غافلگیری در برابر تاکتیک های ابتکاری رزمندگان اسلام بود. دشمن برابر تفکرات کلاسیک خود، اساسا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را فاقد توانایی برای اجرای عملیات ارزیابی می کرد. طرح ریزی عبور از رودخانه کارون، علاوه بر اینکه به کلی در تفکرات کلاسیک دشمن و ارزیابی ای که از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی داشت، نمی گنجید، بلکه برای رزمندگان اسلام که از دو ترکیب متفاوت برخوردار بودند نیز پذیرش عبور از رودخانه کارون قدری دشوار بود. لذا طی جلسات مشترک برادران ارتش و سپاه، بحث های فراوانی در این زمینه صورت گرفت. برخی از برادران ارتشی همان طور که پیش از این ذکر شد، به تک از جبهه شمالی با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و با عقبه ی اهواز، اعتقاد داشتند. در بحث مربوط به عبور، اساسا برخی بر این عقیده بودند که با توجه به مشکلات عبور و ضرورت همزمانی با پیشروی به عمق و نیز معضلات ناشی از هوشیاری دشمن و کمبود پل و غیره، ضروری است که ابتدا سر پل کوچکی تصرف شده، سپس در مرحله بعد گسترش یابد. دلائلی که برای این نظریه مطرح می شد عمدتا حول محورهای زیر بود:

۱ - پیچیدگی و مشکلات عبور از رودخانه در مقایسه با سایر عملیات ها.

۲ - فقدان آموزش و تجربه یگان های عبور کننده برای عبور از رودخانه.

۳ - محدودیت زمینه امکانات عبور، به ویژه پل های شناور.

۴ - محدودیت در امکانات مهندسی با سرعت عمل لازم برای

ص: ۱۱۳

احداث سریع پل.

۵ - احتمال هوشیاری دشمن و عقب رانده نیروها.

یکی از فرماندهان سپاه ضمن اشاره به وجود دو نظر در مباحث عبور، چنین می گوید:

«عده ای از برادران گروه طرح ریزی در نظریات خود می گفتند که ابتدا سر پل کوچکی بگیریم و بعد از توسعه سر پل به سمت جاده اهواز - خرمشهر پیشروی شود. برخی معتقد بودند که سرپل باید بزرگی بوده و بلافاصله پس از عبور در همان مرحله تصرف سر پل، پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر ادامه یابد. از محاسنی که برای این ذکر می شد، وجود فضای مانور کافی برای عبور لشکرها بود که موجب می شد تا مراحل بعدی با قدرت کافی انجام پذیرد، ضمن این که این خوف نیز وجود داشت که اگر سر پل کوچک باشد، دشمن با بخش عمده ای از قوایی که در محور شمالی (لشکر ۵ عراق) داشت به همراه نیروهای احتیاط مربوطه، منطقه سر پل را مورد تهاجم قرار دهد. در این صورت امکان عبور مجدد نیز وجود نداشت و عملا عملیات با شکست مواجه می شد.»

طی بحث های بسیاری که در این زمینه صورت گرفت، سرانجام در میان فرماندهان در مورد سر پل گیری و گسترش آن وحدت نظر حاصل شد که جمع بندی آن چنین اعلام گردید:

«نتیجه ای که گرفتیم این بود که اگر بخواهیم از رودخانه عبور کنیم باید خود را تا جاده و راه آهن جلو بکشیم تا به اهداف زیر برسیم:

۱ - دشمن متوجه شده و به گستردگی حمله پی ببرد.

۲ - دشمن را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کنیم.»

پس از تبادل نظر و تفاهم در مورد عبور از رودخانه کارون، رکن ۳ قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در جنوب، طی

تجزیه و تحلیلی ضمن ارجح دانستن سر پل بزرگ، عبور از رودخانه کارون و ویژگی های آن را چنین توصیف کرد:

«عبور ما از رودخانه کارون تلفیقی از یکی «عبور تعجیلی» و یک «عبور با فرصت» است که البته بیشتر جنبه تعجیلی دارد. مشخصات آن عبارتند از: سرعت، غافلگیری، حداقل توقف هنگام رسیدن به ساحل نزدیک رودخانه، حداقل تمرکز نیرو، عدم نیاز به پاک کردن ساحل نزدیک از وجود دشمن، پدافند ضعیف دشمن در ساحل رودخانه، بالا بودن توان رزمی یگان خودی چه از نظر روحیه و چه از نظر استعداد برای درهم شکستن موقعیت پدافندی دشمن در آن سوی رودخانه، طرح ریزی مشروح و به پای کار آوردن تجهیزات عبور از قبل در حد مقدوراتی که فعلا موجود است و همچنین یکی عبور با فرصت، به دلیل این که رودخانه مانع بزرگی محسوب شده و عملیات آفندی ما در این خط آغاز می شود.»

تعیین ابعاد سر پل و وجود فضای کافی برای عبور دو قرارگاه با برخورداری از قابلیت و امکان مانور مناسب برای نیروهای تک ور، بحث عمده ای بود که به دنبال توافق بر همزمانی عبور و گسترش سر پل، مورد بررسی قرار گرفت.

حد شمالی سر پل، ایستگاه آهو - که به عنوان تنها عارضه در این محور محسوب می شد و در حدود کیلومتر ۶۰ جاده اهواز - خرمشهر، واقع بود - در نظر گرفته شد. عمق سر پل ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر و عرض آن ۴۰ کیلومتر منظور شد که در مجموع مساحت سر پل مورد نظر بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر مربع می شد.

«رعایت غافلگیری» و «سرعت عمل در توسعه سر پل»، موضوعی بود که پیوسته به هنگام طرح ریزی مانور عملیات عبور از رودخانه، مورد تأکید قرار می گرفت. براساس شواهد و قرائن موجود، با اقداماتی که از

سوی دشمن انجام می گرفت، این احتمال وجود داشت که در صورت هوشیاری نیروهای عراقی موضوع عبور از رودخانه منتفی شده و یا به شکست بینجامد. دشمن در غرب کارون (محور میانی) اقدام به احداث یک خط ممتد در فاصله ۷ کیلومتری رودخانه کارون کرده بود. این اقدام ضمن این که به عنوان نشانه هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک ارزیابی می شد، می توانست موجب بروز مشکلاتی به هنگام عبور و پیشروی نیروهای خودی شود. لذا در طرح مانور ضمن اصرار بر رعایت غافلگیری، بر تسریع و تعجیل در اجرای عملیات نیز تأکید شده بود.

ضرورت همزمانی عبور، گرفتن سر پل و توسعه آن و نیز پیوستگی آنها با یکدیگر، موجب گردیده بود که در مورد سرعت عمل در عبور و توسعه سر پل توجه خاصی صورت بگیرد. بر این اساس، قسمت هایی از رودخانه که عرض کمتری داشت و از ساحل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر دارای فاصله کمتری بود، به عنوان محل نصب پل انتخاب گردید. همچنین در زمینه سرعت عمل برای پیشروی در عمق بر این موضوع نیز تأکید گردید که نیروهای تک ور، هر چه سریع تر و با حداکثر توان خود، به عارضه جاده خرمشهر - اهواز رسیده و آن را تأمین نمایند تا بدین وسیله گذرگاهها از تیررس دشمن مصون بماند و امکان نصب پل های شناور و انتقال سریعتر و بیشتر نیرو و امکانات به آن سوی رودخانه فراهم شود. بنابراین، سه پل برای نصب در محل های مناسب پیش بینی گردید وبرای زمان بندی عبور نیروها با توجه به عمق منطقه، روشن شدن هوا و رعایت اصل غافلگیری، مقرر گردید که نفرات پیاده از ساعت ۶ بعد از ظهر حرکت کرده و با تاریک شدن هوا، خودروهای سبک به وسیله شناورها از رودخانه عبور نمایند تا با پیشروی نیروهای پیاده و تأمین منطقه سر پل، شرایط برای نصب پل و عبور خودروهای سنگین مهیا شود.

ویژگی های طرح مانور عملیات

طرح مانور عملیات، علی رغم دشواری و پیچیدگی هایی که به لحاظ عبور از رودخانه کارون داشت، از ویژگی های برجسته و بارزی برخوردار بود که عبارت بودند از:

۱ - غافلگیری در تاکتیک: همان طور که در مباحث پیش اشاره شد، دشمن براساس تفکر کلاسیک و درکی که از توان رزمندگان اسلام داشت، عبور از رودخانه را به عنوان تلاش اصلی قوای خودی پیش بینی نمی کرد و همچنین به غافلگیر شدن قوای دشمن در هنگام عملیات کمک شایانی می کرد.

۲ - تهاجم به جناح دشمن: اطلاعات صحیح و جامع رزمندگان اسلام از چگونگی آرایش دشمن و نقاط ضعف و قوت آن باعث شد که نقطه ضعف دشمن به خوبی شناخته شود و بر همین اساس تاکتیک ویژه عملیات تعیین گردد. عبور از رودخانه کارون هجوم به جناح دشمن بود و به همین خاطر آسیب پذیری او را تشدید می کرد.

۳ - برآورد صحیح از توان و استعداد دشمن: به دنبال تجارب گذشته، در این مرحله طراحان نظامی جنگ از ضعف های فیزیکی و روحی دشمن آگاه بودند و همین امر از دلائل عمده پافشاری بر عبور از رودخانه کارون محسوب می شد. برادر محسن رضایی در این باره می گوید:

«یکی از عوامل وادار کننده ما به عبور از رودخانه و کسب دل و جرأت لازمه، داشتن شناخت و اطلاع کافی از دشمن و این که نیروی احتیاط او بیشتر از یک لشکر نیست و آن نیرویی که برای جاده اهواز - خرمشهر با ما خواهد جنگید همین یک لشگر است.»

۴ - در نظر گرفتن واقعیات و پذیرش خطر احتمالی: طرح مانور عملیات با

در نظر گرفتن واقعیات و با علم به کلیه محدودیت ها، تهیه شده بود. فرماندهی عملیات، پس از مواجهه با راه کارهای مختلف و استماع کلیه نظریات، خطر کردن احتمالی برای موفقیت عملیات را پذیرفته و تصمیم نهایی را اتخاذ کرد.

پشتیبانی عملیات

مهندسی رزمی

منطقه عملیات بیت المقدس از لحاظ موقعیت طبیعی و همچنین پیش بینی احداث پل روی رودخانه کارون، نیاز به کار مهندسی گسترده و ویژه ای در مقایسه با عملیات فتح المبین داشت. جهاد سازندگی که از ابتدای جنگ مجاهدت و تلاش های وسیعی را انجام داده بود، در این عملیات نیز حضور گسترده و چشمگیری داشت و محور اصلی در اقدامات مهندسی را به عهده گرفته بود، ضمن این که مهندسی سپاه و ارتش نیز، به ویژه در زمینه عبور و نصب پل، فعالانه مشارکت داشتند.

ترکیب جهاد سازندگی، ارتش و سپاه در امر مهندسی و ضرورت هماهنگی آنها با فرماندهی قرارگاه های سه گانه، ترکیب جدیدی از سازمان مهندسی را ایجاد کرده بود که به شرح زیر، تحت امر قرارگاه ها فعالیت می کردند:

نام قرارگاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد:، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه:، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش:، جمع:

نام قرارگاه: قرارگاه فتح، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۴۵، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۸، جمع: ۸۵ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه نصر، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۷، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۱۸، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۳، جمع: ۴۸ دستگاه

نام قرارگاه: قرارگاه قدس، تعداد ماشین آلات مهندسی جهاد: ۲۳، تعداد ماشین آلات مهندسی سپاه: ۲۲، تعداد ماشین آلات مهندسی ارتش: ۱۴، جمع: ۵۹ دستگاه

جمع کل: ۱۹۲ دستگاه

ص: ۱۱۸

نیروی هوایی و هوا نیروز ارتش جمهوری اسلامی

نیروی هـوایی به منظـور انجـام مـأموریت، وظـایف خـود را به سه محور تقسـیم و به طرح عملیـاتی کربلاـی ۳ (بیت المقـدس) پیوست نمود:

۱ – پوشـش هوایی منطقه عملیـات با اسـتفاده از دو پایگاه موشـکی زمین به هوا و همچنین به کارگیری هواپیماهای اف – ۴ و اف – ۱۴.

۲ – پشتیبانی نزدیک که به دو بخش ارتفاع بالا و ارتفاع پایین تقسیم شد. همچنین ۲۰ سورتی پرواز برای روز اول عملیات و ۶ سورتی برای روزهای بعد پیش بینی گردید.

۳ – به منظور ترابری سنگین برای حمل مجروحین، ۳ پایگاه در نظر گرفته شد که روزانه ۱۲ تا ۲۰ سورتی پرواز هواپیمای سی – ۱۳۰ در نظر گرفته شده بود.

فرمانـدهی هـوانیروز برای اجرای مـأموریت محوله، در طرح پیشـنهادی خـود توان عملیـاتی هوانیروز را به شـکل هـای رزمی، پشتیبانی و مسـتقیم تقسـیم کرد و استعداد زیر را به کار می گرفت: ۲۴ فروند هلی کوپتر کبری، ۲۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴،۱۶ فروند هلی کوپتر شنوک و ۶ فروند هلی کوپتر ۲۰۶.

توپخانه

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به منظور تأمین آتش پشتیبانی عملیات، علاوه بر توپخانه ی لشکرها، گروه ۲۲ توپخانه و گروه ۲۳ توپخانه را هم تحت امر گرفت، ضـمن این که سـلاح های نیمه سنگین و ضد زره سپاه پاسداران نیز با برخورداری از استعداد بالا در عملیات شرکت داشتند.

ص: ۱۱۹

پدافند هوایی

با توجه به مشکلات و محدودیت هایی که در زمینه پدافند هوایی (به کارگیری سیستم هاگ) وجود داشت، پس از هماهنگی فرماندهی سپاه با ریاست محترم جمهوری، مقرر شد که به دستور ایشان موانع موجود مرتفع گردد.

تک پشتیبانی

پس از اتمام عملیات فتح المبین و واگذاری مأموریت جدید در منطقه عملیات بیت المقدس به قرارگاه های قدس، فتح و نصر، به علت این که دشمن پس از عقب نشینی از منطقه فتح المبین همچنان با استقرار نیروهایی از لشکر ۱ مکانیزه و لشکر ۱۰ زرهی، ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ را که مشرف بر منطقه بود در اختیار داشت، قرارگاه فجر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استعداد دو تیپ مستقل، شامل تیپ های ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و ۳۳ المهدی (عج) و نیز دو گردان از نیروهای لشکر ۷۷ ارتش جمهوری اسلامی مأموریت یافت تا در منطقه مستقر شود.

به هنگام طرح ریزی عملیات بیت المقدس، به قرارگاه مستقر در منطقه عملیاتی فتح المبین مأموریت داده شد تا همزمان با عملیات بیت المقدس، برای انهدام دشمن و تصرف دو ارتفاع ۱۸۱ و ۱۸۲ و درگیر نگاهداشتن قوای دشمن و نیز ممانعت از جابه جائی و اعزام آنها به منطقه عملیاتی بیت المقدس، اقدام به تک نماید.

مانور عملیات پشتیبانی با استعداد ۷ گردان از سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروی زمینی ارتش طراحی شد. گردان های تلفیقی سپاه و ارتش می بایست با تهاجم به نیروهای دشمن از روبه رو، آنها را به خود مشغول نمایند تا نیروهای تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) پس از ۲۵ کیلومتر

پیاده روی، دشمن را دو زده و خود را به جاده آسفالت فکه - چنانه برسانند. از جنوب نیز نیروهای تیپ المهدی (عج) می بایست پس از ۲۵ کیلومتر راهپیمایی و عبور از مناطق رملی، دشمن را دور زده و خود را به جاده فکه - چنانه برسانند و ضمن الحاق با نیروهای تیپ ۱۷، به انهدام دشمن بپردازند.

در آستانه عملیات بیت المقدس

به دنبال ۲۵ روز تلاش پیگیر و مداوم برای آماده سازی مقدمات عملیات بیت المقدس، سرانجام با آغاز اردیبهشت ۱۳۶۱، قرارگاه ها و یگان ها آخرین جلسات بررسی مانور عملیات را برگزار کردند. امکانات مورد نیاز عملیات از جمله پل، ماشین آلات مهندسی، تانک، نفربر و... نیز به تدریج با حجم تردد چشمگیری به منطقه سرازیر شد. دشمن که از مدت ها قبل، تهاجم رزمندگان اسلام برای آزادسازی خرمشهر را پیش بینی می کرد، به انتظار عملیات این مجاهدان جان برکف نشسته بود. التهاب و شور و نشاط زاید الوصفی سراپای وجود نیروهای رزمنده را فرا گرفته بود. به ویژه باقی مانده رزمندگانی که با تهاجم سبعانه دشمن به خرمشهر، به مقابله با آن برخاستند و طی ۳۵ روز نبرد و مقاومت مظلومانه، بسیاری از طرح های دشمن را به شکست کشاندند، اکنون در یگان های مأمور به نفوذ در خرمشهر سازمان دهی شده و در آرزوی ورود به خرمشهر، برای آغاز عملیات لحظه شماری می کردند.

آخرین جلسه بررسی طرح مانور عملیات در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۱ برگزار گردید. سپس فرمانده قرارگاه مرکزی کربلا برای بررسی «میزان آمادگی قرارگاه های تابعه» و رفع نواقص طرح مانور و مشکلات مربوطه و همچنین تعیین تاریخ و ساعت شروع عملیات، از قرارگاه های قدس،

فتح و نصر بازدید کرد و پس از شور و بررسی، تصمیمات نهایی را اتخاذ نمود.

شهید معینیان مسئول اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، ۲۴ ساعت قبل از شروع عملیات، در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۱ طی جلسه ای ضمن بررسی آخرین وضعیت دشمن، چنین اظهار داشت:

«در طول دو هفته، دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده از پایین آبگرفتگی (در شمال شرقی منطقه عملیات) تا شمال خرمشهر آرایش گرفته است (در غرب جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، در حد فاصل ایستگاه حمید تا خرمشهر).

فعالیت مهندسی دشمن در جنوب کرخه کور تا مواضعش در جنوب غرب اهواز، از جنوب آبگرفتگی تا شمال سیل بند خرمشهر در غرب کارون، چشمگیر بوده است. دشمن پادگان حمید را به کلی منهدم کرده است.»

شهید معینیان در ادامه، به هوشیاری دشمن در مورد عملیات اشاره کرد و گفت:

«دشمن اطلاع پیدا کرده است که ما می خواهیم از رودخانه عبور کنیم و به همین خاطر سعی دارد کم کم به ساحل رودخانه بیاید و آن وقت است که می تواند همه چیز ما را زیر کنترل داشته باشد.»

برابر اطلاعات واصله، دشمن نسبت به عبور رزمندگان از کارون حساس شده و پیش بینی می کرد که منطقه عبور رزمندگان، روبه روی ایستگاه سلمانیه باشد (۱) این مسئله از جهت اجرای عملیات می توانست

---

۱ - ۷۸. یک خلبان عراقی که در این عملیات اسیر شده بود، در اظهارات خود گفت: «ما احتمال پل زدن شما در روبه روی سلمانیه را می دادیم، بدین خاطر آنجا بمباران شد.» ضمنا زرهی دشمن نیز عمدتا روبه روی سلمانیه در غرب رودخانه کارون استقرار یافته بود.

از حساسیت ویژه ای برخوردار باشد.

فرماندهی قرارگاه کربلا پس از استماع اطلاعاتی که شهید معینیان ارائه داد و با توجه به سایر شواهد و قرائن اعلام کرد که باید تا ۴۸ ساعت دیگر پل احداث و سر پل تصرف شود. طبعا در صورت پیشروی دشمن و نزدیکی به ساحل رودخانه، از لحاظ دید و تیر و تسلطی که بر ساحل رودخانه به دست می آورد، عملیات تصرف سر پل با دشواری رو به رو می گردید و به عبارت دیگر از هم اکنون می بایست عملیات منتفی و یا شکست خورده فرض می شد. با توجه به وضعیت پیش آمده و پیش بینی بروز اوضاع اضطراری در صورت پیشروی دشمن، فرمانده قرارگاه بر حفظ آمادگی کامل برای آغاز عملیات در شب بعد و یا همان شب تأکید کرد.

قرارگاه مرکزی کربلا، در این جلسه ضمن ارزیابی دشمن و بررسی احتمالات، به مسائل مهم دیگری چون پشتیبانی قرارگاه های تابعه و افزایش آمادگی آنان پرداخت. در همین زمینه برای واگذاری و مأمور کردن هلی کوپتر به قرارگاه ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد و قرارگاه مرکزی برای رفع کمبود مهمات قرارگاه فتح، رأسا این مسئله را پیگیری و اقدام نمود.

اعلام آماده باش برای اقدام در صورت پیدایش وضعیت اضطراری نیز از نتایج دیگر این جلسه بود. قرارگاه مرکزی در اوج التهاب ناشی از حساسیت عملیات در آستانه شروع آن، از بررسی مسائل سیاسی غافل نبود. به همین جهت، اوضاع سیاسی منطقه و اوج گیری مسئله فلسطین مورد بحث قرار گرفت. جمع بندی اوضاع سیاسی منطقه و نیز تأیید متقابل حرکت رزمندگان اسلام بر مبارزات ضد اسرائیلی، قرارگاه را به این نتیجه رساند که نام «بیت المقدس» را برای عملیات برگزینند. انتخاب این نام و پیروزی محتمل رزمندگان اسلام، برای رژیم صهیونیستی به شدت

شکننده و عکس العمل آنان کاملا قابل پیش بینی بود (۱) اندیشه های اعتقادی و فرهنگی حاکم بر فرماندهان عملیاتی موجب شده بود تا سیزدهم ماه رجب، روز میلاد مولای متقیان علی علیه السلام، به عنوان روز شروع عملیات انتخاب شود. برای همین و متناسب با این تصمیم، رمز مقدس «یا علی بن ابی طالب (ع)» نیز برای عملیات انتخاب گردید. با نزدیکی زمان عملیات، بزرگانی چون آیت الله مشکینی و آیت الله شهید صدوقی وارد منطقه شده و در قرارگاه کربلا حضور یافتند.

بدین ترتیب، با به پایان رسیدن روز و فرار رسیدن تاریکی شب، لحظات آغاز عملیات بزرگ رزمندگان اسلام، که قطعا پیروزی یا شکست آن تأثیرات شگرف و تعیین کننده ای بر سرنوشت جنگ، انقلاب و منطقه داشت (۲) ، نزدیک شد.

ص: ۱۲۴

---

۱ – ۷۹. برادر رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این باره اظهار داشت: «این احتمال وجود دارد که همزمان با عملیات بیت المقدس، اسرائیل به جنوب لبنان حمله نماید.».

۲– ۸۰. فرمانده سپاه در واپسین لحظات باقی مانده، به خاطر پیدایش وضعیت ویژه و اضطراری اظهار داشت: «من امروز گفتم حالا که تصمیم قطعی شده است، ولی هنوز نسبت به دو چیز ابهام دارم. رفتن به سمت خرمشهر و پاتک دشمن به چه صورت خواهد بود. لذا استخاره کردم که چه می شود. در آیه، قصه حضرت موسی ذکر شده بود و انتهایش چنین بود: نترسید، ما شما را از قوم ظالمین نجات خواهیم داد.».

شرح عملیات

مرحله اول عملیات

اشاره

نهـم اردیبهشت ۱۳۶۱، شب از نیمه گذشـته بود، نیروهـا از سـاعت هـا قبـل در محورهـای مختلف، پس از اسـتقرار در مواضع مناسب از آمادگی لازم برای درگیر شـدن با دشـمن برخوردار بودند. شور و نشاط زاید الوصـفی در قرارگاه کربلا حاکم بود. شهید صدوقی و آیت الله مشـکینی نیز در کنار فرماندهان سپاه و ارتش حضور داشـتند. در حالی که ساعت، گذشت ۱۵ دقیقه از نیمه شب را نشـان می داد آیـاتی از سوره مبارکه فتـح تلاوت شـد و سـرانجام ۳۰ دقیقه پس از سـاعت ۲۴ (۳۰:...)، فرمانده قرارگـاه کربلاـ بـا قرائت رمز عملیـات فرمـان آغـاز یورش به دشـمن را صادر کرد. نیروها که از ساعت ها قبل در انتظار فرمان حمله به سـر می بردنـد، در تمام محورهای عملیات به دشـمن حمله ور شدند و بدین ترتیب عملیات سـرنوشت ساز رزمندگان اسلام شروع گردید.

هـدایت عملیات به همراه طنین دعای ملکوتی توسل، معنویت خاصـی را بر قرارگاه مرکزی حاکم کرده بود. شـهید صدوقی و آیت الله مشکینی به طور جداگانه، پیام هایی را به وسیله بی سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت می کردند.

اولین خبر درگیری، از چهارمین محور قرارگاه فتح به قرارگاه کربلا رسید. تیپ ۲۵ کربلا (۱) در ساعت ۵۵ / ۰۰ دقیقه با مداد درگیر شده بود. در پی آن، به تدریج اخبار درگیری سایر یگان ها با دشمن به قرارگاه مرکزی

---

۱ – ۸۱. فتح ۴، شامل تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپ های ۳۷ زرهی و ۵۵ هوابرد از ارتش جمهوری اسلامی بود.

می رسید. تقریبا ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه یگان ها با دشمن درگیر شده بودند. تا قبل از آغاز عملیات، میزان هوشیاری دشمن مورد سؤال و ابهام بود. تنها یکی از بی سیم های دشمن، در ساعت ۲۱ فعالیت شدیدی را آغاز کرد، لیکن شبکه ارتباط بی سیمی دشمن همچنان عادی بود و دشمن هیچ گونه آماده باش فوق العاده ای اعلام نکرد. شواهد و قرائن حاکی از غافلگیری دشمن به ویژه در محور قرارگاه فتح بود. با پیشروی نیروهای قرارگاه فتح، دست یابی به جاده اهواز - خرمشهر به قدری سریع و غافلگیرانه صورت گرفت که بسیاری از خودروهای دشمن با اعلام ایست و توقف رزمندگان اسلام بلافاصله متوقف می شدند!

گزارش قرارگاه های تابعه

یگان های تابعه قرارگاه قدس، در ۵ محور مختلف (قدس ۴،۳،۲،۱ و ۵) با دشمن درگیر شدند، اما هوشیاری دشمن در مورد سمت تک رزمندگان و همچنین استحکاماتی که دشمن ایجاد کرده بود، عملا منجر به کندی و عدم هماهنگی در پیشروی یگان های قرارگاه قدس شد. در این بین تنها تیپ بیت المقدس (قدس ۵) و تیپ ۴۱ ثار الله (قدس ۴) موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سر پل در جنوب رودخانه کرخه کور شدند. فقدان پوشش جناحین یگان های نامبرده، به علت عدم پیشروی یگان های مأمور در سایر محورها موجب گردید تا فشار سنگین و پر حجمی از دشمن متوجه سر پل شود.

یگان های قرارگاه فتح، ضمن درگیری با دشمن و انهدام قوایش در غرب کارون، خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساندند (۱) تنها معضل

---

۱ - ۸۲. شهید حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) درباره عملیات این لشکر (محور فتح ۱) و انهدام نیروهای دشمن در غرب رودخانه کارون گفت: «در خاکریز اول حدود ۸۰ نفر نیرو و ۳ تانک وجود داشت. به جز یک نفر، همه کشته شدند و خاکریز به تصرف نیروهای اسلام درآمد، احتیاط رده دوم آنها که قریب به ۲۰۰ نفر بودند در حال فرار و حین درگیری تماما کشته شدند و صبح بچه ها به جاده رسیده و در آنجا پدافند کردند. در شرق جاده، دشمن یک خاکریز به ارتفاع ۳ متر احداث کرده بود که نیروها در پشت آن استقرار یافتند، ما تعداد ۶ توپ و ۱۳۰ را منهدم کرده و تعدادی هم به غنیمت گرفتیم.».

قرارگاه فتح، عدم الحاق با قرارگاه نصر بود. تیپ ۸ نجف اشرف در جناح چپ قرارگاه فتح، می بایست با تیپ ۷ ولی عصر (عج) در جناح راست قرارگاه نصر الحاق می کرد. عدم الحاق بین این دو قرارگاه موجب بروز نگرانی جدی در جبهه خودی شده بود.

یگان های قرارگاه نصر در ساعت مقرر با دشمن درگیر شدند. تیپ ۴۶ فجر (محور نصر ۲) و تیپ ۲۲ بدر (محور نصر ۵) می بایست از سمت شرق، خرمشهر را محاصره نموده و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) همراه با تیپ ۲۱ حمزه (محور نصر ۲) در غرب خرمشهر، از سمت نهر عرایض، محاصره را تکمیل می کرد تا در مرحله بعد تیپ های ۴۶ و ۲۲ بتوانند وارد خرمشهر شوند.

تأخیر در حرکت و پیشروی یگان های قرارگاه نصر و نیز وجود باتلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر (در شمال شرقی سیل بند احداث شده توسط عراقی ها) و همچنین تمرکز نیروهای دشمن (۱) در منطقه شمال خرمشهر موجب گردید که اهداف قرارگاه نصر تأمین نگردد و درگیری به روز کشیده شود.

نیروهای محور نصر ۱ شامل تیپ ۱ از لشکر ۲۱ حمزه (س) به همراه

۱- ۸۳. تیپ ۸ مکانیزه دشمن در برابر تیپ ۷ ولی عصر (عج) و تیپ ۶ زرهی دشمن در مقابل تیپ ۲۷ آرایش گرفته بودند.

تیپ ۷ ولی عصر (عج)، تا ۳ بعد از ظهر در برابر دشمن مقاومت کردند ولی پس از آن به ناچار تا حدودی عقب نشینی کردند. نیروهای نصر ۲ شامل تیپ ۲ از لشکر ۲۱ و تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) نیز علی رغم انهدام دشمن، در ۳ کیلومتری شرق جاده مستقر شدند.

همچنین بین دو تیپ ۲۲ و ۴۶ فاصله وجود داشت و این دو تیپ هنوز به اهدافشان نرسیده بودند. همچنین تیپ های ۴۶ و ۲۷ نیز موفق به الحاق نشده بودند و فشار سنگینی از دشمن روی تیپ ۲۷ وارد می شد. عدم الحاق بین یگان ها و فشار دشمن موجب گردید که کل منطقه متصرفه قرارگاه نصر در معرض تهدید قرار گیرد.

در پایان روز اول، وضعیت کلی عملیات بدین ترتیب بود که قرارگاه های نصر و فتح، سر پلی به مساحت ۸۰۰ کیلومتر مربع در غرب کارون تصرف کرده بودند و نیروهای قرارگاه قدس به غیر از دو محور، در بقیه محورها موفق به عبور از رودخانه کرخه کور نشدند. با این وصف، به علت این که یگان های خودی توانستند فراتر از محاسبات و برآوردهای دشمن از نیروی انسانی بسیاری در پای کار استفاده نمایند، در پی وارد کردن اولین ضربه تعادل دشمن بر هم خورد و پس از آن، دشمن در این عملیات نتوانست در برابر رزمندگان اسلام ابتکار عمل را به دست گیرد.

عکس العمل دشمن

شواهد و قرائن موجود نشان می دهد که دشمن قبل از شروع عملیات در مورد تهاجم رزمندگان اسلام تا حدودی هوشیار شده بود، لیکن در زمینه «زمان» و «تاکتیک عملیات»، غافلگیر گردید. دشمن در بررسی های خود، تلاش اصلی عملیات رزمندگان را از محور شمالی (محور قرارگاه قدس) پیش بینی کرده بود. در محاسبات دشمن عبور از رودخانه کارون

به عنوان تک فرعی و تنها با نصب یک پل پیش بینی شده بود.

پس از مرحله اول عملیات، دشـمن بلافاصـله با درک جدیـدی که از محورهای عملیات رزمنـدگان اسـلام و اهـداف آنها پیدا کرده بود، اقدام به پاتک نمود که به ترتیب قرارگاه های خودی به آن اشاره می شود:

در محور قرارگاه قدس، به خاطر حضور ناقص نیروهای خودی در منطقه سـر پل، دشمن بلافاصله نیروهایش را سازمان دهی و اقدام به پاتک کرد. اولین پاتک سـنگین دشمن از جنوب رودخانه کرخه در منطقه قیصریه شروع شد. تیپ های ۱۶ زرهی، ۴۹ پیـاده و نیروهای لشـکر ۵ مکـانیزه به کمـک یـک گردان نیروی مخصوص در این پاتـک شـرکت داشـتند. دشـمن پس از ۴۸ ساعت فشار، سرانجام موفق به عقب راندن نیروها و اشغال مجدد منطقه شد.

در محور قرارگاه فتح، در حالی که نیروهای خودی در حاشـیه جاده خرمشـهر - اهواز استقرار داشتند، با آگاهی از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتـح و نصـر، دراین شـکاف رخنه کرد و فشار زیادی به نیروهای خودی وارد نمود طوری که تیپ ۷ ولی عصر (عج) مجبور به عقب نشینی شد.

در محور قرارگاه نصـر، از یک سو عدم پیشـروی و نفوذ در مواضع دشـمن (واقع در خرمشهر) و از سوی دیگر عدم الحاق بین یگان هایی که موفق به پیشروی شده بودند، موجب گردید تا دشمن تلاش خود را معطوف به فشار از طریق رخنه های موجود کند.

در ادامه درگیری، دشـمن نیروهایش را در غرب جاده اهواز - خرمشـهر و در نزدیکی مرز و حوالی شلمچه سازمان داد و باقی مانده نیروهای لشکر ۳ و تیپ ۲۶ زرهی را برای پاتـک آمـاده کرد. علاوه بر آن از نیروی مخصوص و واحـدهای تکاور نیز با توجه به حضور پر تراکم نیروهای پیاده خود، بهره

گرفت. تیپ ۱۹ پیاده نیز بعدا برای پاتک، به نیروهای دشمن ملحق شد. صدام به نیروهای آماده پاتک چنین پیام داد:

«کلیه نیروهایی که مواضع و استحکامات خود را از دست داده اند باید ظرف امروز وامشب دوباره از دشمن پس بگیرند، در غیر این صورت محاکمه انقلابی خواهند شد.»

تلاش دشمن در پاتک، معطوف به این امر بود که نیروهای خودی را از پشت جاده، عقب رانده و سپس منطقه سر پل را پاکسازی نماید. جاده تنها موضعی بود که نیروهای خودی می توانستند در پشت آن مستقر شده و با پاتک های دشمن مقابله نمایند و در صورت عقب نشینی، به علت فقدان هر گونه عارضه ی دیگر، به سختی قادر به مقاومت در برابر دشمن بودند.

دشمن با از دست دادن جاده، دچار تجزیه شده و علاوه بر تهدید عقبه لشکرهای ۵ و ۶ (که در منطقه قرارگاه قدس مستقر بودند)، نیروهای موجود خود در خرمشهر را نیز در معرض محاصره می دید. بنابراین، جنگ برای باز پس گیری منطقه سر پل و جاده اهواز – خرمشهر از سوی دشمن و حفظ و تأمین آن از سوی رزمندگان اسلام به معنای شکست یا پیروزی برای طرفین درگیر در صحنه نبرد محسوب می شد.

پاتک دشمن با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی (۱) برای تصرف جاده شروع شد. جنگ سختی درگرفت. رزمندگان اسلام که نه از نیروی زرهی کارآمد و نه از آتش پشتیبانی مناسب برخوردار بودند به نبرد با تانک ها پرداختند. درخلال این درگیری، تانک های عراقی توانستند خود را به جاده رسانده و بخشی از آن را تصرف کنند. استقرار تانک ها روی جاده می توانست به منزله سقوط تنها خط دفاعی رزمندگان اسلام محسوب شود و با فروپاشی

۱– ۸۴. دشمن در این فاصله، باقی مانده تیپ ۱۰ زرهی را از منطقه دزفول به این منطقه آورده بود.

سازمان یگان ها، عقب نشینی را بر آنها تحمیل کند که بـدین ترتیب تمام منطقه آزاد شده ی غرب کارون با خطر مواجه می شد. اما اسـتقرار دشـمن روی جاده دوام نیاورد و مقاومت و مقابله جانانه قوای سلحشور اسلام ضمن درهم کوبیدن تانک های دشمن، پاتک اساسی او را نیز با شکست مواجه ساخت.

دومین شب عملیات

نیروهای خودی به هنگام اسـتقرار در شـرق جاده اهواز - خرمشهر، از یک سو با فشارهای فزاینده دشمن که بعضا با استفاده از رخنه های موجود در نقاط الحاق یگان ها صورت می گرفت، مواجه بودنـد و از سوی دیگر، عقبه نیروها به دلیل فاصـله ۱۵ تا ۲۵ کیلومتری بـا رودخانه کارون و فقـدان جاده تـدارکاتی، به صورت مناسبی تأمین نشـده بود، البته علی رغم چنین وضـعیتی، رزمندگان اسلام با مجاهدت های بسیار و نثار خون، از مواضع متصرفه در سر پل حفاظت می کردند.

ادامه عملیات در شب دوم، طی جلسه ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این زمینه دو نظریه وجود داشت، عده ای معتقد بودند که دشـمن بنا به تجربه ای که از عملیات گذشـته دارد، در شب دوم منتظر حمله است و لذا نیروهایش را عقب کشیده و صبـح مجددا به مواضع خود باز خواهد گشت. نظریه دیگر این است که رزمندگان در شب دوم استراحت کنند و صـرفا جهت تثبیت سـر پل، رخنه های موجود را بپوشانند. سـرانجام پس از بحث و بررسـی هایی که در این زمینه صورت گرفت،مقرر شـد که در اولـویت اول رخنه هـای موجـود ترمیم شـود. بر این اسـاس، به تیپ ۸ نجف اشـرف (محور فتح ۱) و تیـپ ۷ ولی عصر (محور نصر ۲) مأموریت داده شد تا با اجرای عملیات، رخنه ای که به طول ده کیلومتر در جاده

اهواز - خرمشهر (از کیلومتر ۸۵ تا ۹۵) به وجود آمده بود را ترمیم کنند. همچنین مقرر گردید که قرارگاه قدس نیز در شب دوم، برای رسیدن به اهداف مرحله اول عملیات اقدام کند.

در شب دوم با عملیاتی که صورت گرفت، در برخی محورها رخنه های موجود ترمیم شد، لیکن تا ۴۸ ساعت بعد همچنان برخی از رخنه ها باقی بود تا اینکه سرانجام پس از ۵ روز، خط سر پل از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ جاده اهواز - خرمشهر تثبیت و کلیه رخنه ها ترمیم شد. عملیات قرارگاه قدس در شب دوم، قرین موفقیت نشد و سرانجام پس از ۴۸ ساعت مقاومت بر اثر فشارهای دشمن، نیروهابه موضع پیشین بازگشتند.

مرحله دوم عملیات

اشاره

پس از آن که رخنه ای موجود در منطقه ی سر پل ترمیم و سر پل تأمین و تثبیت گردید، در قرارگاه مرکزی کربلا با حضور فرماندهان در مورد ادامه عملیات تبادل نظر صورت گرفت. در همین زمینه، سرهنگ صیاد شیرازی (فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی) در جمع فرماندهان چنین اظهار داشت:

«اهداف مأموریتی که من و برادر رضایی نشستیم و در مورد آن صحبت کردیم، عبارتند از:

انهدام قوای دشمن، بیرون راندن دشمن از مناطق اشغالی، متمایل شدن به طرف شلمچه برای محاصره کردن خرمشهر.»

برای محاصره و تصرف خرمشهر سه راه کار وجود داشت:

راه کار اول: عملیات از شرق جاده اهواز - خرمشهر: براساس بررسی های به عمل آمده و تجارب مرحله اول عملیات، استدلال شد که

به خاطر وجود استحکامات زیاد دشمن و عدم توانایی کافی تیپ ۲۲ بدر برای عبور از زمین های باتلاقی منطقه، باید راه کار مناسبتری انتخاب گردد.

راه کار دوم: عملیات روی جاده اهواز - خرمشهر: آرایش دشمن به سمت شمال و تمرکز در معبر وصولی خرمشهر و نیز هوشیاری دشمن در مورد سمت تک، مانع از موفقیت در دست یابی به هدف از این طریق بود.

راه کار سوم: تک از غرب جاده اهواز، محاصره خرمشهر با دور زدن دشمن از نزدیک نهر عرایض و مسدود کردن عقبه دشمن.

پس از بررسی راه کارهای مختلف در مورد محاصره و تصرف خرمشهر، در زمینه هدف عملیات در مرحله دوم، دو نظر کلی وجود داشت:

الف - پیشروی به سمت مرز و دسترسی بیشتر به عقبه دشمن

ب - پیشروی به سمت خرمشهر از غرب جاده اهواز - خرمشهر

پس از بحث و بررسی های بسیاری که صورت گرفت، سرانجام نظر اول مورد تصویب قرار گرفت. زیرا علاوه بر پیش رو داشتن تجارب ناشی از توقف قرارگاه نصر در مرحله اول، دشمن تمرکز نیروی شدیدی در محدوده غرب جاده اهواز - خرمشهر و در منطقه عمومی شلمچه داشت. بنابراین، بدون انهدام دشمن در غرب جاده و تهدید بیشتر عقبه دشمن، تلاش برای ورود به خرمشهر بی نتیجه بود.

بدین ترتیب، مقرر شد که مرحله دوم عملیات با دو قرارگاه فتح و نصر انجام گیرد. در این مرحله قرارگاه قدس مأموریت داشت که با عملیات ایذایی نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد.

کانال آب در ۵ کیلومتری زیر جاده گرمدشت، که به صورت شرقی - غربی و در حدود کیلومتر ۶۴ قرار داشت، به عنوان خط حد قرارگاه فتح و

نصر تعیین شد و مقرر گردید که قرارگاه نصر با تیپ های ۷ ولی عصر (عج)، ۲۷ حضرت رسول (ص) و قرارگاه فتح با تیپ های ۸ نجف اشرف و ۱۴ امام حسین (ع) عملیات را آغاز کنند.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۶/ ۲ / ۱۳۶۱، با هدف رسیدن به مرز بین المللی و محاصره ی خرمشهر آغاز شد (۱) نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعت های اول عملیات به جاده مرزی رسیدند. نیروهای قرارگاه نصر در جناح چپ عملیات به شدت تحت فشار دشمن قرار گرفتند. در ساعت ۳ بامداد، برخی از یگان ها رسیدن به مرز بین المللی را اعلام کردند. به هنگام پیشروی، نیروها ابتدا به خاکریز بزرگی که در حد فاصل جاده تا دژ مرزی وجود داشت رسیده و اعلام کردند به دژ مرزی رسیده اند، لیکن به آنها دستور پیشروی داده شد. در جناح راست منطقه عملیات، جاده ای قرار داشت که از ایستگاه حسینیه تا پاسگاه زید عراق امتداد می یافت. در طول شب عملیات نیز یک خاکریز در حاشیه جنوبی این جاده احداث شد و تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوابرد در پشت آن آرایش گرفتند. با روشن شدن هوا درگیری همچنان ادامه یافت. تأخیر برخی از یگان ها در رسیدن به مرز و تأمین اهداف و نیز وجود رخنه دشمن موجب شد که با روشن شدن هوا، دشمن فشارهای موضعی را در برخی محورها به نیروهای خودی وارد نماید. در این بین، کانالی که خط حد قرارگاه های فتح و نصر را تشکیل می داد، موضع مناسبی برای مقابله با پاتک های

---

۱ – ۸۵. همزمان با مرحله دوم عملیات، قرارگاه فجر در محور فکه عملیات خود را روی ارتفاعات ۱۸۱ و ۱۸۲ آغاز کرد و موفق شد که طی چند شب متوالی، یک گردان تانک دشمن را منهدم نموده و غنایمی بدست آورد و نیز ضمن کشتن و مجروح کردن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۸۰۰ نفر از آنان را به اسارت درآورد.

دشمن بود.

با شروع مرحله دوم عملیات، نیروهای دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر که از تأمین عقبه خود احساس نگرانی می کردند، اقدام به عقب نشینی نمودند. قوای عراقی در حین عقب نشینی به خاطر وجود دژ مرزی و خندق های متعدد دچار مشکل شده و تعدادی از تانک هایشان نیز به داخل خندق افتادند.

عقب نشینی اساسی دشمن

دشمن با شروع مرحله اول عملیات اقدام به اعزام نیرو به منطقه و تقویت نیروهایش در شلمچه و خط مرزی کرد. ضمن این که همچنان از مشکلاتی چون کمبود نیروی پیاده، ضعف ارتباطات، کمبود مهمات، ضعف استحکامات در برخی محورها و... رنج می برد. دشمن ابتدا تلاش کرد با تهاجم، منطقه سر پل را باز پس گیرد و یا حداقل سازمان دهی نیروهای خودی را بر هم زده و علاوه بر ممانعت از اجرای مرحله دوم عملیات، مانع از تثبیت منطقه سر پل شود.

تاکتیک رزمندگان اسلام در عبور از رودخانه، دشمن را کاملاً غافلگیر کرده بود، به گونه ای که دشمن ابتکار عمل را از دست داده بود و از نظر روحیه در وضعیتی بحرانی به سر می برد. در چنین موقعیتی، با توجه به تحلیلی که از وضعیت کلی عملیات وجود داشت (۱) و تأکیدی که بر

۱- ۸۶. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از انجام مرحله اول عملیات، با توجه به اطلاعات به دست آمده از دشمن اظهار داشت: «دشمن که رو به روی ما قرار دارد از ضعف های زیادی برخوردار است، کمبود مهمات در جبهه آنها به شدت دیده می شود، در ارتباطات ضعف دارند، استحکامات و اتصالات آنها دچار اشکال است. دشمن هیچ فکر نمی کرد که ما تا جاده بیاییم و حالا فشار می آورد که جاده را پس بگیرد.».

تـداوم عمليـات صورت مى گرفت، مرحله دوم عمليـات طرح ريزى شـد و رزمنـدگان اسـلام با موفقيت به مرزهاى بين المللى رسـيدند. دشـمن به دنبال پيـدايش وضـعيت جديد در برابر سـمت تك رزمندگان اسـلام، در مورد تلاش و هدف اصـلى آنان دچار ابهام بود، چرا كه با تأمين اهداف مرحله دوم عمليات، دشـمن از سه طرف احساس تهديد مى كرد، بدين ترتيب كه عقبه لشكرهاى ۵ و ۶ در معرض تهديد جدى قرار داشت. عقبه كليه نيروهايى كه در خرمشهر استقرار داشتند، تهديد مى شد، ضمن اين كه شهر بصره در حالى كه هيچ گونه مواضع دفاعى مستحكم براى حفظ آن وجود نداشت، در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت.

فرمانـدهى دشـمن از اين پس مورد ادامه تلاش براى حفظ منطقه و بازپس گيرى مناطق متصـرفه دچار ابهام شـد و بين دو امر يعنى «تلاش براى حفظ منطقه اشـغالى و خرمشـهر يا حفظ بصـره» مردد مانـده اگر دشـمن تصـميم مى گرفت منطقه اشـغالى و خرمشـهر را حفظ كند، با توجه به وضـعيتى كه داشت، علاوه بر انهدام نيروهايش بصره را نيز از دست مى داد و اگر تصميم به حفظ بصره مى گرفت، مى بايست سريعا براى نجات نيروهاى خود در مناطق اشغالى، اقدام مى كرد.

پس از مرحله دوم عمليات، برترى رزمندگان اسلام نسبت به دشمن قطعى شد و ابتكار عمل به طور كامل در اختيار رزمندگان اسـلام قرار گرفت. از ايـن پس تصـميم گيرى در جبهـه خـودى به آسـانى صـورت مى گرفت و در جبهه دشـمن بـا سـختى و سردرگمى همراه بود. نيروهاى ما به راحتى پيشـروى مى كردنـد و دشـمن مردد و مرتب در حال عقب نشـينى و فرار بود. على رغم اين وضـعيت، دشمن قبل از تصميم گيرى قطعى از صبح ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۱، با توجه به اين كه در برخى محورها هنوز الحاق به طور كامل صورت نگرفته بود، پاتك شديد و سنگينى را آغاز كرد. و فشار

عراق از صبح تا ساعت ۵ بعد از ظهر به طول انجامید و دشمن در این پاتک توانست ۶ کیلومتر از مواضع متصرفه را باز پس بگیرد. در این موقعیت تلاش های دشمن تا اندازه ای مبهم به نظر می رسید، تا این که بنا به اخبار واصله از قرارگاه قدس نیروهای دشمن در مقابل این قرارگاه (شامل لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی) از ساعت ۱۲ نیمه شب تا ساعت ۶ بامداد اقدام به عقب نشینی کردند. تعجیل دشمن در عقب نشینی به گونه ای بود که برخی از نیروهایش به علت خواب بودن در هنگام عقب نشینی و نبودن فرصت کافی برای اطلاع دادن به آنها، به اسارت نیروهای خودی در آمدند. دشمن برای ممانعت از انهدام کامل نیروهایش به هنگام فرار، علاوه بر عقب نشینی شبانه، یک گردان را به عنوان تأمین در مقابل نیروهای خودی قرار داده بود.

نیروهای قرارگاه قدس، صبح ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، بلافاصله پس از اطلاع از عقب نشینی دشمن، اقدام به پیشروی و تعقیب عراقی ها کردند. با عقب نشینی دشمن در این محور، قسمت شمالی جاده اهواز - خرمشهر از تصرف دشمن آزاد شد. نیروهای قرارگاه قدس، پس از حضور در مناطق آزاد شده، بلافاصله بریدگی ایجاد شده در جاده اهواز - خرمشهر را ترمیم کردند که در پی آن، ارتباط بخش شمالی و بخش میانی منطقه عملیات برقرار شد و در حوالی ظهر قرارگاه های قدس و فتح به یکدیگر ملحق شدند. دشمن در روز ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، تا جفیر عقب نشینی کرد و با استقرار در ۲ کیلومتری پاسگاه شهابی در حد فاصل کوشک و طلائیه، به صورت پراکنده نیروی تأمین گذاشت.

برادر رحیم صفوی (مسئول معاونت عملیات قرارگاه کربلا) در مورد علل عقب نشینی دشمن، طی مصاحبه ای در تاریخ ۲۴ / ۳ / ۱۳۶۱،

ص: ۱۳۷

اظهار داشت:

«۱ - ما با یک خیز به جاده خرمشهر - اهواز رسیدیم و با خیز دوم به مرز، لذا دشمن پیش بینی می کرد که با خیز سوم، عقبه اش بسته خواهد شد، بدین علت برای نجات نیروهایش عقب نشینی کرد.

۲ - دشمن، جهت تک ما را به سمت بصره مشاهده می کرد، لذا حضور نیروهایش در شمال و جنوب منطقه، فلسفه حضورش را از دست داد و به این خاطر نیروهایش را برای پدافند بصره عقب کشید.»

از این پس، مقاومت نیروهای دشمن در خرمشهر که در محاصره نیروهای خودی قرار داشتند، بی حاصل بود.

نتایج مرحله دوم عملیات

۱ - رسیدن به مرز بین المللی و پایان دادن به ماه ها اشغال خاک مقدس جمهوری اسلامی

۲ - تشدید محاصره خرمشهر و وادار نمودن دشمن به تخلیه تدریجی نیروهایش از داخل خرمشهر

۳ - عقب نشینی لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی دشمن از هویزه، پادگان حمید و حومه اهواز

۴ - آزاد شدن جاده اهواز - خرمشهر

۵ - حل شدن بخشی از مشکلات عقبه نیروهای خودی که متکی به رودخانه کارون بودند، با بهره برداری از جاده اهواز - خرمشهر.

طی مرحله اول و دوم عملیات، مجموعا نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی آزاد شد و علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، ۹۰۷۵ نفر نیز به اسارت درآمدند.

ص: ۱۳۸

مرحله سوم عملیات

اشاره

با پیـدایش اوضاع جدیـد و آگاهی از اضـمحلال دشـمن، بلافاصـله جلسه فرمانـدهان در قرارگاه مرکزی کربلا تشـکیل شد تا علاوه بر تجزیه و تحلیل و بررسی علل عقب نشینی دشمن و موقعیت جدید، در مورد ادامه عملیات نیز تدابیر لازم اتخاذ گردد.

در این جلسه شـهید حسن باقری فرمانده قرارگاه نصـر سپاه پاسداران، با توجه به اطلاعات دریافت شده، خبر تخلیه خرمشهر از نیروهای دشـمن را ارائه داد. برادر رشید فرمانده قرارگاه فتح سپاه پاسداران نیز نتیجه گیری کرد که تمام تلاش های دشمن در روز گذشـته برای جلوگیری از پیشـروی نیروهـای خودی به سـمت شـلمچه متمرکز شـده بود. بر این اسـاس، با توجه به اوضاع جدید و خبرهای واصـله از فرار و عقب نشـینی دشـمن (۱) تصـمیم گرفته شـد که در اجرای مرحله سوم عملیات تسـریع شود. فرمانده سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی چنین تحلیل کرد که دشـمن، این عقب نشینی را به قصد انجام تبلیغات سیاسی مرتکب شده و باید هر چه سریع تر مرحله سوم عملیات انجام شود.

نیروهای دشـمن پس از عقب نشـینی و فرار، در شـلمچه مستقر شدند تا علاوه بر حفظ عقبه نیروهای مستقر در خرمشهر از معبر وصولی بصره نیز دفاع نمایند، لذا ضمن تمرکز شدید، آرایشی جدید به خود گرفتند.

مرحله سوم عملیات، با هدف آزادسازی خرمشهر و با دو قرارگاه فتح و نصر به شکل زیر طرح ریزی و سازمان دهی شد:

۱- ۸۷. در ساعت ۱۲:۳۰ همان روز (۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱)، صدام حسین از رادیو بغداد خبر عقب نشینی نیروهایش را اعلام کرد.

قرارگاه فتح: به تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف مأموریت داده شد ضمن پاکسازی دشمن در داخل خاک عراق تا عمق ۶ کیلومتری مرز بین المللی، نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

قرارگاه نصر: به تیپ های ۴۶ فجر و ۲۲ بدر مأموریت داده شد که از جاده خرمشهر تا رودخانه عرایض را پاکسازی و نیروهای دشمن را منهدم نمایند.

تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوابرد از کنترل عملیاتی قرارگاه فتح خارج شدندو تحت امر قرارگاه نصر قرار گرفتند تا به اتفاق هم، جاده آسفالته شلمچه را تأمین نمایند.

تیپ های ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۱ عاشورا و لشکر ۲۱ حمزه (س) مأموریت یافتند تا ضمن پاکسازی غرب مرز بین المللی، از سمت چپ قرارگاه فتح به سمت شلمچه در جنوب پیشروی نمایند.

قرارگاه قدس هم مأموریت یافت به پیشروی خود ادامه داده و تا پشت مرز بین المللی (کوشک – طلائیه) دشمن را عقب بزند. مرحله سوم عملیات در حالی که طرح ریزی می شد که رزمندگان اسلام پس از چند مرحله پیشروی و جنگ شبانه روزی با دشمن در خستگی مفرطی به سر می بردند، لیکن اوضاع جدید و ضرورت های گوناگون ایجاب می کرد که مرحله سوم عملیات به سرعت طرح ریزی و اجرا شود.

مرحله سوم عملیات در ساعت ۲۲ مورخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، آغاز شد. برابر طرح عملیات، یگان ها در محورهای مختلف با دشمن درگیر شدند، لیکن حضور پر حجم دشمن در منطقه شلمچه از یک سو و خستگی شدید رزمندگان اسلام از سوی دیگر، مانع از پیشروی در این منطقه بود. مجددا در تاریخ ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱، رزمندگان اسلام برای آزادی خرمشهر به

دشـمن حمله ور شدنـد، امـا نتایـج مطلوب حاصـل نشـد. در عین حال نیروها پس از پیشـروی، در ۳ کیلومتری شـلمچه استقرار یافتند.

عکس العمل دشمن

دشـمن پس از مرحله سوم عملیات در تاریـخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، به پاسـگاه شهابی (۱) - که شب قبـل از آن به تصـرف نیروهای خودی در آمـده بود - حمله کرد. به نظر می رسـید که دشـمن قصـد دارد که مانع جاگیر شدن رزمندگان در منطقه شـمالی و گسترش آنها به سـمت جنوب بشود. در هر صورت بلافاصـله در شب بعـد، رزمنـدگان اسـلام طی حمله ای به دشـمن، مجددا پاسگاه شهابی را به تصرف خود درآوردند.

نتایج مرحله سوم عملیات

در این مرحله از عملیـات، علاـوه بر خسـتگی نیروهـا، تعجیل در عملیات نیز موجب ناقص مانـدن شـناسایی های لازم و به روز کشیده شدن درگیری ها شد. این عملیات در عین حال دو نتیجه مهم داشت:

۱ - انهدام دشـمن: در محورهای مختلف بخشی از نیروهای دشمن که متعاقب تهاجم پی در پی رزمندگان اسلام دچار ضعف شدید روحی و جسمی شده بودند، از ادامه مقاومت بازمانده و منهدم شدند. شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در این باره گفت:

«ما نیروی مقابل خود را، بنا به گفته خود اسرا، در حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد

---

۱ - ۸۸. بـا توجه به این که قرار بود شورای همکـاری کشورهای خلیـج فارس یک روز بعـد، یعنی در ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱، تشکیل جلسه دهند، به نظر می رسید که تلاش های دشمن در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، با مسئله سیاسی فوق مرتبط بوده است.

منهدم کرده و در حدود ۱۰۰ تانک و نفر بر دشمن را از بین بردیم.»

۲ – پی بردن به نحوه آرایش دشمن: طی مرحله سوم عملیات، تیپ ۳۱ عاشورا همراه با تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه (س) که به صورت ادغامی عمل می کردند، موفق شدند ضمن پیشروی به سمت جنوب، در پشت سیل بند شمال خرمشهر پدافند نمایند. علی رغم این که زمین در این منطقه باتلاقی و پیشروی و پشتیبانی نیروها با مشکلاتی همراه بود، نیروهای دشمن هیچ گونه عکس العملی برای عقب راندن نیروهای خودی نشان ندادند. بدین سبب، این تجربه حاصل شده در مرحله سوم عملیات، در طرح ریزی آزادسازی خرمشهر مؤثر واقع شد.

مرحله چهارم عملیات

بلافاصله پس از مرحله سوم عملیات و در پی تلاش هایی که برای دست یابی به جاده شلمچه صورت گرفت، فرصت لازم در اختیار یگان ها گذارده شد تا به بازسازی و تجدید سازمان نیروهای خود بپردازد. در این حال، قرارگاه فجر همراه با تیپ های ۳۳ المهدی و امام سجاد (ع) و تیپ ۳ از لشکر ۷۷ وارد منطقه شدند.

طی این مدت، جلساتی برگزار گردید که در بخشی از آن به بررسی مشکلات و تصمیم گیری برای آینده پرداخته شد. تجارب به دست آمده حکایت از آن می کرد که سازمان رزم سپاه پاسداران می بایست به منظور گسترش ظرفیت جذب و به کارگیری نیروهای بسیجی گسترش یابد. همچنین لازمه عمق بخشیدن به عملیات برخورداری از پشتیبانی آتش توپخانه و به کارگیری نیروی زرهی بود، چرا که تداوم درگیری و پیش بینی چندین مرحله عملیات، صرفا با اتکا به نیروی پیاده عملی نبود و با مشکلات عدیده ای رو به رو می گردید. همچنین آموزش کادر برای

جایگزینی افرادی از فرماندهان و دیگر نیروهای کادر که به شهادت نایل شده بودندو نیز جبران ضعف های موجود در امر مهندسی، آتش، زرهی، بهداری، شناسایی و غیره، طی همین جلسات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخش دیگری از این نشست ها، طرح مانور مرحله چهارم عملیات و تلاش های دشمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این جلسات افراد غالبا بر این نظر بودند که مقاومت دشمن در خرمشهر اساسا بدین منظور صورت می گیرد که بتواند زمان لازم را برای تخلیه نیروهایش به دست آورد. ضمن این که مواضع دفاع در برابر بصره و حفظ جاده شلمچه، به عنوان عقبه نیروهای دشمن در خرمشهر و معبر وصولی بصره، بخش دیگری از تلاش های دشمن را تشکیل می داد. بر این اساس و با در نظر گرفتن سایر شرایط و عوامل، مرحله چهارم عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر، با سه قرارگاه به شرح زیر طراحی شد:

- قرارگاه فتح، با تیپ های ۱۴ امام حسین (ع) و ۸ نجف اشرف، در جناح چپ منطقه عملیات مأمور تأمین و پاکسازی شرق و غرب جاده آسفالته اهواز - خرمشهر و ورود به شهر خرمشهر و پاکسازی آن شد.

- قرار گاه فجر، با تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان و تیپ های امام سجاد (ع) و ۳۳ المهدی (ع) در بخش میانی منطقه عملیات، مأمور تأمین و پدافند غرب نهر عرایض، جلوگیری از فرار نیروهای دشمن از خرمشهر و تأمین پل نو شد.

- قرارگاه نصر، با دو تیپ ادغام شده ی ارتش و سپاه تحت عنوان نصر ۲ و نصر ۳، در جناح راست منطقه عملیات، مأمور پاکسازی خاکریزهای شمال جاده آسفالته خرمشهر - شلمچه و تأمین مرز تا جاده و در صورت موفقیت، تأمین نهر خین -

اروند رود و قطع کامل راه ورودی دشمن در شلمچه شد.

مرحله چهارم عملیات، با هدف محاصره و آزادسازی خرمشهر در ساعت ۲۲: ۲۵ مورخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، آغاز شد. یگان های قرارگاه فتح پس از درگیری با دشمن و پیشروی موفق شدند که با روشن شدن هوا در پلیس راه خرمشهر، دشمن را منهدم نمایند. همچنین نیروهای قرارگاه فجر با عملیات خود توانستند پل نو را تصرف کنند و به سمت شط العرب (۱) پیشروی نمایند. نیروهای قرارگاه نصر نیز در امتداد مرز پیشروی کردند و با پاکسازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب به حرکت درآمدند. بدین ترتیب، محاصره خرمشهر کامل شد، اما همچنان نیروهای دشمن در داخل شهر مقاومت می کردند. یکی از سندهای به دست آمده از سنگرهای دشمن در خرمشهر، بیانگر اهمیت این شهر برای دشمن و علت مقاومت آنان است:

«دفاع از محمره (خرمشهر) نگهبانی از پیروزی است، دفاع از محمره، شرافت آزادگان عراقی را به همراه خواهد داشت، دفاع از محمره، نابودی دشمن فارسی را تضمین می کند.»

دستور اکید فرماندهی قوای عراقی برای مقاومت در خرمشهر و وعده های فرمانده نیروهای دشمن در این شهر (سرهنگ احمد زیدان) مبنی بر ارسال کمک و پشتیبانی و همچنین تشویق آنها به مقاومت - که از طریق شنود رادیویی شنیده می شد - نقش زیادی در ایستادگی نیروهای عراقی داشت. در این وضعیت، دشمن نیروهایش را از مثلث کارون - جاده خرمشهر فراخوانی کرد تا پس از سازماندهی آنها اقدام به شکستن

۱- ۸۹. آبهای دو رودخانه دجله و فرات، تا قبل از تلاقی با آب کارون، به عنوان رودخانه شط العرب نامیده می شود.

محاصره خرمشهر کند، لیکن ضعف روحی قوای دشمن بیش از آن بود که بتوانند به پاتک و شکستن محاصره اقدام نمایند.

روز ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، حلقه محاصره خرمشهر تنگ تر شد و بخشی از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. دشمن ناامید از شکستن محاصره، مذبوحانه برای نجات نیروهایش تلاش می کرد. در این حال، احمد زیدان فرمانده نیروهای مستقر در خرمشهر، روی مین رفت و کشته شد. برخی از نیروهای دشمن با استفاده از هر وسیله ممکن نظیر (تیوپ چرخ ماشین و کلمن آب)، برای عبور از رودخانه اروند تلاش می کردند (۱) برخی از آنها نیز در میان آب غرق شده و به هلاکت رسیدند، برخی دیگر نیز همچنان در انتظار بودند. طولی نکشید که صدای رزمندگان اسلام از بلندگوها پخش شد و باقی مانده نیروهای دشمن - که از هر گونه ارسال کمک و یا عبور از رودخانه اروند نا امید شده بودند - را دعوت به تسلیم کرد. به دنبال آن، از حدود ساعت ۱۰ صبح ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ از گوشه و کنار شهر، عراقی ها در حالی که دست ها را بر سر نهاده بودند و برخی هم قرآن و عکس امام خمینی را در دست داشتند و الموت لصدام می گفتند، فوج فوج خود را تسلیم کردند.

رزمندگان اسلام در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ (۲) ، بر خلاف تصور دشمن که

۱- ۹۰. انبوه کلاه ها و پوتین ها به طرز حیرت آوری در بندر خرمشهر و کنار رودخانه اروند روی زمین ریخته بود و از فرار سربازان عراقی از رودخانه اروند حکایت می کرد.

۲- ۹۱. شایان ذکر است با تصمیم فرمانده عملیات، رزمندگان از ساعت ۱۳ روز ۳ / ۳ / ۱۳۶۱ وارد خرمشهر شدند و (تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از سمت پل نو و رزمندگان یگان خرمشهر از طرف آبادان) پاکسازی شهر را شروع کردند ساعت ۱۶:۴۵ هلی کوپتر دشمن - که برای یاری نیروهای باقی مانده ی عراقی بر فراز شهر پرواز می کرد - هدف گلوله رزمندگان قرار گرفت و سقوط کرد. با سرنگونی هلی کوپتر عراقی باقی مانده ی نیروهای دشمن در خرمشهر که عمدتا بعثی بودند، خود را تسلیم کردند. سایر یگان ها نیز قبل از تاریکی شب وارد - خرمشهر شدند و بدین ترتیب تا شامگاه سوم خرداد خرمشهر به طور کامل از وجود اشغالگران پاکسازی شد.

از دروازه های شرقی و شمالی و جنوبی در کمین بود، از دروازه های غربی (از همان جایی که دشمن وارد خرمشهر شده بود)، شهر را آزاد و نیروهای دشمن را منهدم کردند و بسیاری از آنان را به اسارت در آوردند. بدین ترتیب، خرمشهر که پس ۳۴ روز مقاومت در برابر دشمن سقوط کرده بود، بعد از ۵۷۵ روز اشغال، ظرف کمتر از ۴۸ ساعت آزادی و به طور کامل از لوث وجود اشغالگران پاکسازی شد. رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزادسازی شهر، نماز شکر (۱) را در مسجد جامع خرمشهر به جای آوردند.

اعلام خبر آزادسازی خرمشهر در ساعت ۱۴ از صدای جمهوری اسلامی ایران، امت حزب الله را که مدت ها در آرزوی چنین لحظه ای بودند، مسرور ساخت. شهرهای کشور غرق در شادی و سرور شدند. حضور مردم در خیابان ها، پخش شیرینی و برقراری جشن و شادی به قدری وسیع بود که تنها با شادی مردم در روز فرار شاه قابل مقایسه بود.

۱- ۹۲. این عکس العمل رزمندگان دلیر اسلام ناشی از همان صبغه الهی است که بر تمام زوایای روح و جان آن پاکباختگان حاکم بود و سراسر حیات شرافتمند آنها را به جلوه های خلوص و عرفان منور می نمود. مصداق اعلای این خضوع و خلوص در برابر خالق متعال را می توان در رفتار حضرت امام خمینی آنگاه که خبر سقوط خرمشهر در آغاز تهاجم رژیم بعثی به ایشان رسید و آن بزرگوار که آماده برای اقامه نماز و در آستانه تکبیره الاحرام بودند، فرمود: «جنگ است دیگر» و ادامه دادند «الله اکبر» به نظاره نشست و نیز زمانی که در آستانه آزادسازی خرمشهر به دست رزمندگان اسلام یکی از فرماندهان به محضر ایشان رفته بود، امام فرموده بودند: «آیا خرمشهر را می توانید بگیرید؟» پاسخ داده شده بود: «بله»، امام فرموده بودند: «الحمدلله» سپس دعا کرده و فرموده بودند: «ما باید به خدا توکل کنیم». آری «الله اکبر و الحمدلله»، این است تمام حقیقت و مقصدی که همه انبیا و اولیای الهی به دنبال آن می شتافتند و سر از پا نمی شناختند.

در پایان آن روز، امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب، به یمن پیروزی رزمندگان اسلام و غلبه حق بر باطل، بر پشت بام ها ندای الله اکبر سر دادند.

نتایج و دستاوردهای عملیات

فتح خرمشهر به منزله بزرگترین پیروزی نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ تلقی شده و در مقابل دشمن و حامیانش (آمریکا، شوری، اروپا و کشورهای مرتجع عرب) نیز بزرگترین ضربه سیاسی - نظامی را متحمل شدند. واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی کربلا، خسارات وارد به یگان های دشمن و میزان آن را به شرح زیر اعلام کرد:

الف) لشکرها

- لشکرهای ۳ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده که در محور خرمشهر استقرار داشتند، به میزان ۸۰ ٪ منهدم شدند.

- لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی که در برابر قرارگاه قدس، در محور شمالی عملیات استقرار داشتند، با فرار و عقب نشینی به میزان ۲۰ ٪ آسیب دیدند.

- لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی، هر یک به میزان ۵۰ ٪، لشکر ۷ پیاده ۴۰ ٪ و لشکر ۱۲ زرهی به میزان ۲۰ ٪ منهدم شدند.

در واقع کلیه یگان های سازمانی دشمن که در تهاجم به خاک جمهوری اسلامی نقش داشته و طی عملیات های مختلف دچار صدمات قابل توجهی گردیده و مجددا بازسازی شده بودند، در عملیات فتح خرمشهر برای چندمین بار در معرض تهاجم رزمندگان اسلام قرار گرفته و دچار صدمات و خسارات اساسی شدند.

ص: ۱۴۷

ب) تیپ های مستقل:

- تیپ ۱۰ زرهی به میزان ۴۰ ٪ منهدم و تیپ های ۳۳،۳۲،۳۱ نیروی مخصوص که به هنگام تهاجم سراسری نقش اصلی را در اشغال خرمشهر داشتند، ضربات سنگینی را متحمل شدند.

- تیپ های ۱۰،۹ و ۲۰ گارد مرزی و همچنین تیپ های ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده ۱۰۰ ٪ منهدم شده و نیروهای آنها همگی به اسارت درآمدند.

- تیپ های ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به میزان ۱۰۰ ٪، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰ ٪ و تیپ های ۴۱۹،۴۱۶،۶۰۲،۶۰۱ پیاده به میزان ۵۰ ٪ منهدم شدند. همچنین گردان شناسایی حطین و گردان شناسایی حنین نیز به طور کامل متلاشی شدند.

در مجموع طی چهار مرحله عملیات بیت المقدس، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

ص: ۱۴۸

بازتاب پیروزی

اشاره

عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، در روند سلسله عملیات رزمندگان اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیت هایی را که در مورد توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی و عراق وجود داشت، تغییر داد.

بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیل گران رسانه های خارجی، همانند نیروهای عراقی، در برابر «سرعت عمل» و «ویژگی های عملیاتی» رزمندگان اسلام به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت زده شدند. معضل اصلی اینان علاوه بر عدم باور به توانایی های رزمندگان اسلام، بیشتر ناشی از کراهت باطنی آنها از پذیرش موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران بود که با فتح خرمشهر و نتایج ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حاصل می شد. چنانکه در پی شروع عملیات بیت المقدس، همگی، پیشروی رزمندگان اسلام و درهم شکستن استحکامات را همراه با تردید و ناباوری مطرح

ص: ۱۴۹

می کردند. رادیو مونت کارلو، باز پس گیری خرمشهر را به سبب موانع بسیاری که عراقی ها به وجود آورده اند، برای ایران غیر ممکن قلمداد نمود (۱) رادیو بی بی سی ضمن تأکید بر دشواری باز پس گیری خرمشهر به خاطر تبدیل شهر به صورت سنگر دفاعی مستحکم توسط عراقی ها، می گوید:

«چنانچه ایرانیان درصدد باز پس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت ترین «گردو» را برای شکستن برگزیده اند.»

با آغاز عملیات بیت المقدس، تایمز مالی نوشت:

«خرمشهر کلید پیروزی جنگ است، این شهر تنها نشانه واقعی پیروزی عراق و مظهر مقاومت سرسختانه ایران به شمار می رود.» (۲) .

روزنامه الشعب چاپ الجزایر نیز، ضمن تأکید بر روند رو به گسترش پیروزی های نظامی ایران، از آن به عنوان نقطه عطفی یاد می کند که «تعیین کننده آینده رژیم عراق» خواهد بود. (۳) .

روزنامه دویچه سایتونگ چاپ آلمان نیز به نقل از «کارل بوچالا»، خبرنگار خود، با اشاره به تبعات فتح خرمشهر می نویسد:

«خطر پیروزی ایران و در نتیجه در هم ریختن عراق، نظام های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد تهدید می کند و احتمال مداخله ابر قدرت ها را نیز به دنبال دارد.» (۴) .

نظر به اهمیت نتایج و تبعات فتح خرمشهر، به ویژه انعکاس و بازتاب آن در رسانه های خارجی، در این فصل بخشی از بازتاب های خارجی فتح خرمشهر، در سه عنوان زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

- تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران

تغییر ماهیت جنگ

- نگرانی ها و اقدامات آمریکا در منطقه

۱- ۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۹۴. پیشین.

۳- ۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

تغییر توازن سیاسی – نظامی به سود ایران

اشاره

به دنبال سلسله عملیات رزمندگان اسلام و کسب پیروزی های بزرگ، از جمله فتح خرمشهر، تغییر توازن سیاسی - نظامی در جنگ و منطقه خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی، مهمترین و برجسته ترین نتیجه ای بود که به دست آمد و بلافاصله علاوه بر بروز آثار آن در اظهارات مقامات رسمی کشورهای منطقه، آمریکا و اروپا، در رسانه های خارجی از سوی کارشناسان و تحلیل گران سیاسی - نظامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

گرچه با پیروزی انقلاب اسلامی و بر هم خوردن توازن در منطقه به زیان آمریکا، تحولات برجسته ای در منطقه به وقوع پیوست و تحمیل جنگ براساس این فرض طراحی و اجرا شد تا با مهار و تعدیل جمهوری اسلامی مجددا توازن در منطقه به سود آمریکا برقرار شود، لیکن «فتح خرمشهر» که در نظر استکبار جهانی و وابستگان آن به منزله سقوط رژیم عراق و فروپاشی کشورهای منطقه مورد ارزیابی قرار می گرفت (۱) ، در واقع خط بطلانی بر نقشه های استکبار و ارتجاع کشید. در این مورد کیسینجر و تئوریسین های سیاسی آمریکا می گویند:

«اگر عراق جنگ را برده بود امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه، به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، دچار مخاطره

---

۱ – ۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از مجله استرالیایی بولیتن در تاریخ ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱ در این زمینه نوشت: «قوت گرفتن این اعتقاد که ایران توانسته است جریان جنگ را به نفع خود تغییر دهد برای آمریکا و شوروی و همسایگان عرب ایران تحول شومی است، دولت های عرب خلیج فارس نیز نگرانند که ایران با پیشروی به سوی عراق، با اعتماد به نفس بیشتری در تدارک سرنگونی آنها برخواهد آمد.

نمی شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش بس برقرار کرده و به تدریج به رژیم سازشکاری که در آینده احیانا جایگزین رژیم ایران می شود، نزدیک شویم.» (۱) .

به نظر می رسد که به دنبال برتری موقعیت ایران پس از فتح خرمشهر، در میان آمریکایی ها دو دیدگاه کلی در مورد برخورد با ایران و عراق و مسئله جنگ وجود داشت:

۱ - کیسینجر و برخی دیگر بر این نظر بودند که با توجه به تبعات ناشی از پیروزی های ایران و تأثیرات آن بر تغییر موازنه در منطقه، لزوما می باید با دادن امتیاز به ایران، «هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم». این دیدگاه ناظر بر این بود که در موقعیت کنونی برای مهار و کنترل اوضاع، علاوه بر این که برقراری آتش بس یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر است، در عین حال می تواند مقدمات تقویت جناح سازشکار در داخل ایران که تحت الشعاع تحولات جنگ، فاقد قدرت و منزوی شده است را فراهم کند.

۲ - برخی دیگر از صاحب نظران آمریکایی عقیده داشتند در حالی که ایران نسبت به عراق در موضع برتری قرار گرفته و نوعی اضطراب و نگرانی در سراسر منطقه مستولی شده است و همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، برقراری هر گونه آتش بس همراه با دادن امتیاز به ایران منجر به تشدید بی ثباتی در منطقه و عراق و به عبارتی گسترش انقلاب اسلامی خواهد شد و این مسئله چنان که ژنرال هیگ (وزیر خارجه وقت آمریکا) اظهار می دارد، مسئله ای نیست که آمریکا نسبت به آن بی تفاوت باشد:

«آمریکا در برابر هر گونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از

۱- ۹۸. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، دو سال جنگ، ص ۲۳۵، به نقل از روزنامه واشنگتن پست، ۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

جنگ ایران و عراق باشد، بی تفاوت نخواهد بود.» (۱) .

یـک دیپلمات آمریکایی نیز ضـمن اشاره به سـیاست آمریکا مبنی بر مقابله با گسترش انقلاب اسـلامی و تأثیرات پیروزی های ایران و عواقب سقوط رژیم عراق می گوید:

«تغییر رژیم عراق به یـک کشور انقلابـی از نوع ایران، دارای عواقبی به مراتب وخیم تر از حفـظ رژیم کنونی عراق برای منافع غرب است... ما می خواهیم که جلوی صـدور انقلاب آیت الله خمینی به کشورهای منطقه مثل شـیخ نشـین های خلیج فارس و پادشاهی سعودی را بگیریم.» (۲) .

خبرگزاری رویتر نیز با اشاره به این که اگر ایران بتواند رژیم جدیدی را جایگزین رژیم بعث عراق نماید، چه عواقب و نتایجی خواهد داشت، می گوید:

«ایران اگر بتوانـد تأسیس رژیمی همچون ایران را در عراق تسریع و تسـهیل نماید، آن وقت در موضع حتی قوی تر از موضـع فعلیش قرار خواهد گرفت تا جریان آینده و حوادث منطقه را دیکته کند. (۳) .

بنابراین احتمال «فروپاشـی رژیم عراق» و تبعات ناشی از آن در سطح منطقه خلیج فارس، چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که جلوگیری از آن، محور همه تلاش ها و اقدامات نظامی و دیپلماتیک کشورهای حامی عراق قرار گرفت. (۴) .

---

۱ – ۹۹. خبـرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش هـای ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمـان، به نقـل از روزنامه مصـری الاهرام.

۲– ۱۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳– ۱۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴– ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱ به نقل از روزنامه واشـنگتن پست گزارش داد: «مقامات آمریکایی، از این که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (عملیات فتح المبین در فروردین ۶۱) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهـار تعجب نمودنـد و افزودنـد کـه ایران تاکتیـک حمله زمینی را به نحـو احسن انجـام داده است. بر طبـق محاسـبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار حمله عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر (عملیات بیت المقدس) قاطع ترین آنهاست.».

برتری سیاسی و نظامی ایران

بـا توجه به این که ابتکـار عمـل در صـحنه نبرد در اختیـار رزمنـدگان اسـلام قرار داشت و عراق نیز تحت تأثیر نتایـج ناشـی از حملات پیروزمنـدانه ایران در یـک رونـد نزولی در فرسـایش و اضـمحلال روحی و فیزیکی قرار گرفته بـود، تـداوم عملیـات، مطلوب عراق و حامیان این کشور به ویژه آمریکا نبود.

عکس العمل کشورها در برابر پیروزی رزمندگان اسلام، علاوه بر این که نشان دهنده ی غافلگیری آنها و همچنین عدم درک روشن آنهـا از نـاتوانی عراق بود، بر این مهم نیز دلالـت داشت که طی مراحـل مختلف جنـگ و عملیـات، قابلیت ها و توانایی های غیر منتظره ای از رزمندگان اسلام بروز کرده است و این چیزی نبود (۱) که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

رسـانه هـای خارجی و تحلیل گران سیاسـی و نظامی در این زمینه به چنـد عامل اساسـی اشاره کرده و برتری سیاسـی - نظامی ایران را با تکیه بر این عوامل مورد تأکید قرار دادند:

۱ - خاسـتگاه اجتماعی رزمنـدگان اسـلام و تعهـد و اعتقاد آنها به آرمان های انقلاب اسـلامی و رهبری امام خمینی که نجات محرومین و مستضعفین را سرلوحه اهداف خود قرار داده بود.

۲ - روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام و تأثیرات آن در کسب

ص: ۱۵۴

۱- ۱۰۳. رادیو آمریکـا به نقـل از یک کارشـناس و تحلیل گر نظامی در خاورمیانه که طی تحلیلی در روزنامه نیروهای مسـلح آمریکا توان نظامی جمهوری اسـلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، می گوینـد: «با توجه به مشـکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشـی از انقلاب و کاهش تـدریجی قدرت عملیات نیروی هوایی ایران، ماشـین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرده.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ویژه، ۸/ ۳ /۱۳۶۱).

پیروزی و غلبه بر مشکلات و موانع.

۳ – برخورداری ایران از اراده مصمم و عزم راسخ برای جنگیدن.

۴ – افزایش هماهنگی و همکاری بین نیروهای سپاه و ارتش و کسب تجربه و تخصص نظامی.

۵ – برتری استراتژیکی و تاکتیکی ایران بر عراق.

۶ – احیای مجدد توان نظامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رو به ضعف نهاده بود و تأثیرات پیروزی های نظامی بر تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه.

شکست سیاسی و نظامی عراق

نابسامانی و بی ثباتی در داخل ایران و تسلط عراق بر مناطق اشغالی و در مقابل فقدان انسجام و یکپارچگی در نیروهای نظامی ایران، از جمله شاخص هایی بود که محافل سیاسی – نظامی جهان مبتنی بر آن سازش و تسلیم جمهوری اسلامی را در برابر شرایط عراق امری مسجل و قطعی می پنداشتند و پیش بینی تحول در روند موجود و رهایی جمهوری اسلامی از کمند حیله و توطئه دشمنان انقلاب اسلامی، بسیار دور از انتظار می نمود.

خشنودی و رضایت آمریکا و غرب از پیدایش چنین وضعیتی و امیدواری آنها به تسلیم شدن جمهوری اسلامی موجب گردید که علاوه بر حمایت همه جانبه نظامی از عراق، کلیه ابزارهایی که در سطح بین المللی دستاویز استکبار جهانی برای تحمیل منافعش (از جمله سازمان ملل) می باشد، به کارگرفته شود تا شاید از این رهگذر مطلوب سیاسی غربی ها با اتکا به اهرم نظامی عراق حاصل شود. بنابراین، تغییر این روند و استیصال عراق در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام نه تنها غیر منتظره، بلکه به

هیچ وجه برای استکبار جهانی قابل قبول نبود، زیرا این مسئله به منزله تهدید منافع آمریکا در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ارزیابی می شد. استکبار جهانی که در حمایت از عراق به هیچ وجه کوتاهی نکرده و از هر گونه حمایت مالی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی دریغ نورزیده بود، نمی توانست آثار و نتایج این سرمایه گذاری عظیم را در معرض نابودی و اضمحلال مشاهده کند، لذا کشورهای ذی نفع تلاش های وسیعی را برای حفظ عراق شروع کردند. به نظر می رسد که در میان تحولات نظامی جنگ، «فتح خرمشهر» و فرار دشمن تا پشت مرزها نقش تعیین کننده ای در ارزیابی و تحلیل صاحب نظران سیاسی و نظامی جهان در مورد توان عراق داشته است.

در بررسی آزاد سازی خرمشهر، «تاکتیک نظامی ایران»، طرح ریزی عملیات عبور از رودخانه کارون»، «سرعت عمل در تصرف خرمشهر» و مقایسه آن با زمان تهاجم عراق به خرمشهر و تأخیری که در اشغال شهر صورت گرفت، بیش از سایر مسائل مورد اشاره قرار گرفت و همه این شواهد و قرائن، دلالت بر ضعف و ناتوانی روحی و فیزیکی عراق می کرد. ضمن این که خرمشهر به عنوان آخرین برگ برنده عراق برای مذاکرات به اصطلاح صلح بود و دشمن نیز برای حفظ آن سرمایه گذاری وسیعی کرده بود. در نتیجه، وقتی که عراق نتوانست خرمشهر را حفظ کند و شهر با این سرعت آزاد شد، در واقع علائم آشکاری از اضمحلال عراق نمایان شد. در این زمینه، روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان نوشت:

«بدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه گاهش را برای مذاکره جهت حفظ آبرویش از دست داده است و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دادنی نیست، حتی اگر ایرانی ها به عراق وارد نشوند.» (۱) .

روزنامه گاردین نیز در این باره می نویسد:

۱- ۱۰۴. پیشین.

«سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهمترین افتخار جنگی عراق که ایرانی ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده که به وسیله آن عراق می کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند را از دست بغداد ربودند.» (۱) .

برخی دیگر از تحلیل گران، پیدایش وضعیت جدید را نشانه ی «بی کفایتی و محاسبات اشتباه صدام» ارزیابی کردند. روزنامه دیولت چاپ آلمان، با اشاره به شکست عراق و درک جدید کشورهای عربی از موقعیت جدید نوشت:

«عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و انقلاب اسلامی آیت الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخته است، این نظریاتی است که در تمام پایتخت های عربی به دست آمده است.» (۲) .

فرار نیروهای عراقی از ایران که عراقی ها آن را «عقب نشینی تاکتیکی» نام نهادند، به منزله آخرین پیام که در بطن آن شکست قطعی عراق و فروپاشی نظام آن نهفته بود، از سوی حامیان این کشور دریافت شد. خبرنگار روزنامه وال استریت ژورنال در واشنگتن، در این زمینه می گوید:

«عقب نشینی تحقیرآمیز عراقی ها دوباره در مورد بقای سیاسی صدام حسین، شک و تردید ایجاد کرده است.» (۳) .

فرار نیروهای عراقی، فلسفه و علل تهاجم به سرزمین جمهوری اسلامی و اهدافی را که این کشور دنبال می کرد، زیر سؤال برد، چنان که روزنامه الاهرام چاپ قاهره، ضمن تأکید بر این که «هیچ کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد»، می نویسد:

«اگر قرار بود نیروهای عراقی اکنون از خاک ایران عقب نشینی کنند، پس انگیزه حمله به ایران و آغاز جنگ چه بود؟» (۴) .

تحلیل گران، آثار و نتایج وضعیت جدید برای عراق و منطقه را بسیار

۱- ۱۰۵. روزنامه اطلاعات، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۳- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس.

وسیع تر از آن چه مشهود بود، پیش بینی می کردند. خبرگزاری فرانسه از بغداد در این زمینه می گوید:

«آگاهان نظامی در پایتخت عراق می گویند که احتمالاـ عراق از نظر تاکتیکی در جنگ، که بیست ماه پیش شروع کرد، شکست خورده است و موقعیت نظامی ایرانی ها عواقبی رابه بار خواهد آورد که از روابط دو کشور فراتر رفته و کشورهای منطقه را نیز در برخواهد گرفت.» (۱) .

به طور کلی آن چه که رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیل گران نظامی درباره وضعیت جدید عراق و ضعف و ناتوانی این کشور مورد توجه قرار دادند، عمدتا شامل محورهای زیر بود:

۱ - شکست سیاسی - نظامی عراق از نظر استراتژی و تاکتیک.

۲ - از دست دادن برگ برنده برای مذاکرات صلح.

۳ - ضعف روحی نیروهای عراقی و تحقیرهای ناشی از شکستها و عقب نشینی های پی در پی.

۴ - فزونی یافتن مشکلات اقتصادی عراق، به ویژه پس از مسدود شدن خط لوله صدور نفت از این کشور توسط سوریه.

۵ - تردید کشورهای عربی در مورد توانایی نظامی عراق، علی رغم کمک های همه جانبه مالی (۲۵ میلیاردی دلاری)، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی.

۶ - ابهام حامیان عراق در مورد سرنوشت رژیم این کشور و حیات سیاسی صدام.

تغییر ماهیت جنگ

جمهوری اسلامی ایران در فاصله زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از شکسته شدن محاصره آبادان (مهر ۱۳۶۰)، در حالتی انفعالی و عمیقا تحت تأثیر

۱- ۱۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۱.

ابعاد و اهـداف تهاجم عراق قرار داشت. «بی ثباتی در جبهه ی داخلی» و «فقدان قابلیت نظامی» لازم برای باز پس گیری مناطق اشـغالی دو مشـخصه بارز وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره بود. چنین وضعیتی امکان هر گونه تحرک و فعالیت گسترده را از نیروهـای نظـامی ایران سـلب کرده بود و عوامـل ذی نفع در تحمیـل جنگ به ایران امیـدوار بودنـد که جمهوری اسـلامی سرانجام تحت فشار مشـکلات یاد شده، صـلح تحمیلی را نیز بپذیرد. با توجه به اهداف آمریکا و عراق (۱) از تحمیل جنگ به جمهوری اسـلامی ایران، جنگ در این دوره به منزله اهرم فشار سیاسی و نظامی به ایران، برای سقوط نظام جمهوری اسلامی و یـا مهـار و تعـدیل این نظام، قلمـداد می شـد. ابزار لازم برای تحقق هـدف یاد شـده، علاوه بر حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اعمال فشارهای سیاسی - نظامی در داخل و نیز در سطح منطقه و بین الملل به ایران بود.

در پی تحولات در جبهه داخلی و سـپس تأثیرات آشـکار آن بر جبهه نظامی، روند تحولات با شکسته شدن محاصره آبادان به سود جمهوری اسـلامی ایران تغییر کرد. به گونه ای که آزادسازی مناطق اشغالی در خوزستان و بخشی از استان ایلام (۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع) و فتح خرمشهر، منجر به پیدایش موقعیت جدیدی شد که برتری سیاسی -

---

۱- ۱۱۰. سفیر سابق آمریکا در عربستان طی مقاله ای که در مجله نیوزویک به چاپ رساند، در مورد هدف عراق از تهاجم به جمهوری اسـلامی ایران، نوشت: «عراق می خواست که با هجوم به سـرزمین های ایران، شاهد سـقوط جمهوری اسـلامی ایران باشـد.» تلویزیـون آلمـان نیز طی تفسـیری در همیـن زمینـه گفت: «عراقی هـا می خواسـتند ایران را که به زعم آنهـا بـا انقلاب اسـلامی ضـعیف شده بود، سـریعا تسـخیر کرده و جمهوری اسـلامی را ساقط نمایند.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، گزارش های ویژه، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱).

نظـامی ایران بر عراق را مسـجل و قطعی کرد ضـمن این که دورنمـای مبهم و تاریکی فرا روی حامیان عراق قرار داد، و این به معنای گسترش نتایـج ناشـی از پیروزی های سیاسـی - نظامی ایران در سـطح منطقه خلیـج فارس و خاورمیانه تلقی می شـد. با تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و پیدایش موقعیت جدید، در واقع ماهیت جنگ تغییر کرد. بدین معنا که پیش از این ایران در برابر تهاجم نسـبتا غافلگیرانه عراق، در موضع تدافعی قرار داشت و بخشـی از سرزمین هایش نیز در اشغال دشمن قرار گرفته بود. در آن موقعیت ایران از یک سو فاقـد توان لازم برای باز پس گیری مناطق اشـغالی بود و از سوی دیگر نیز پـذیرش صلح تحمیلی را مغایر با اهداف انقلاب اسـلامی و ضـرورت های اساسی در حفظ موجودیت سیاسی - نظامی خود قلمداد می کرد. تداوم این وضعیت، با توجه به حضور نیروهای نظامی عراق در مناطق اشغالی، اساسا به زیان جمهوری اسلامی ایران بود.

در موقعیت جدیـد قوای اسـلامی بـا به دست گیری ابتکـار عمـل در جبهه های نبرد و هجوم های پی در پی به نیروهای عراق، اوضاع را عمیقا به سود جمهوری اسـلامی ایران تغییر دادند. در واقع عنصر اصلی و تعیین کننده در این مرحله که منجر به تغییر ماهیت جنگ نیز شـد، توانمنـدی رزمنـد گان اسـلام برای حمله به نیروهای دشـمن و آزادسازی مناطق اشـغالی بود. این مهم با جـذب و سازمـان دهی نیروهـای مردمی، گسترش سازمـان رزم سـپاه پاسـداران و تجدیـد قوای نیروهـای ارتش و همکـاری و هماهنگی این نیروها با یکدیگر حاصل شد. روزنامه لوموند طی تفسیری در این زمینه نوشت:

«جنـگ به رژیم ایران اجـازه داد که ضـمن برقراری مجـدد اتحاد مقـدس، از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سـلطنتی را سرنگون کند، به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده ترین نیروی نظامی کشور، اهمیت

خاصی داده شد و جناح های مختلف «لیبرال» یا «چپی» تصفیه شوند و این خود نشانه ی یکی از عمده ترین موفقیت های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.»

در وضعیت جدید با توجه به برتری موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی و نتایج ناشی از آن، جنگ از این پس با اهداف مهاجمین و حامیان آنها هماهنگی و مطابقت نداشت، زیرا روند تحولات و دورنمای آن نه تنها نشانه ای از بهبود اوضاع به نفع عراق نداشت، بلکه با توجه به برتری سیاسی و نظامی ایران و وضع نامطلوب روحی و روانی ارتش عراق، احتمال فروپاشی این کشور نیز وجود داشت ودر نتیجه جنگ پس از فتح خرمشهر به منزله اهرم فشار جمهوری اسلامی ایران به عراق و کشورهای مرتجع منطقه و تهدید منافع آمریکا و غرب تلقی می شد.

از این پس ایران در موضعی قرار داشت که آمریکایی ها ارائه امتیاز به ایران را به زیان خود ارزیابی می کردند و توانایی نظامی ایران و برتری آن نسبت به عراق و پافشاری بر احقاق حقوق را نگران کننده می دانستند. بر همین اساس و مبتنی بر درکی که غرب و شرق از وضعیت جدید و تبعات ناشی از آن داشتند، اقدامات گسترده ای به منظور تغییر مجدد اوضاع به سود عراق در دستور کار خود قرار دادند.

نگرانی ها و اقدامات آمریکا

اشاره

آمریکایی ها بنا به اظهارات کارتر (رییس جمهور وقت آمریکا) امیدوار بودند که جنگ، ایران را بر سر عقل آورد و نیز پیش بینی آنها مبنی بر این که روند فرسایشی جنگ و بی ثباتی داخل ایران، سرانجام منجر به فرسایش و اضمحلال جمهوری اسلامی و پذیرش شرایط صلح تحمیلی خواهد شد،

در برابر پیدایش وضعیت جدید کاملاـ غافلگیر و به صورت فزاینده ای نگران شدند. روزنامه های پر تیراژ آمریکا مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شیکاگو تریبون، تماما طی تجزیه و تحلیل های متعدد، وضعیت عراق را اسف بار توصیف کرده و نگرانی خود را از پیروزی های قریب الوقوع جمهوری اسلامی در سطح منطقه اظهار و به دست اندرکاران آمریکایی ضرورت برخورد فعال با روند تحولات منطقه را خاطر نشان کردند. در این زمینه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«هر گونه تحولی در منطقه منافع آمریکا را بع خطر می اندازد، بنابراین حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنین به نظر می رسد که پیروزی ایران، آرامش دوستان آمریکا را در منطقه به خواهد زد.» (۱) .

واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از پیروزی های نظامی ایران، نگرانی کشورهای منطقه را مورد اشاره قرار داد و گفت:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق، به نفع آمریکا خواهد بود... عربستان و عمان، دو متحد وفادار آمریکا در خاورمیانه نگرانی های موجهی درباره تعرض ایران دارند و از نتایج آشکار پیروزی ایران در جنگ با عراق نگران هستند... ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند، چون پیروزی ایران یقینا در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۲) .

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز با اشاره به نظریات تحلیل گران آمریکایی نوشت:

«تحلیل گران واشنگتن معتقدند پیروزی های نظامی ایران بر عراق می تواند عواقب مهمی از جمله سقوط صدام حسین را به دنبال داشته باشد.»

از طرف دیگر، علنی شدن حمایت آمریکا از عراق - که حاکی از رو در

۱- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.

رویی مستقیم آمریکا با انقلاب اسلامی بود - با منافع آمریکا در منطقه مغایرت داشته و به همین سبب سعی می شد حتی المقدور آمریکا در اتخاذ مواضع رسمی در مورد جنگ، بی طرف جلوه کند. با توجه به آنچه گفته شد، روزنامه مزبور در ادامه مقاله خود اضافه کرد:

«ایالات متحده مایل نیست هیچ کدام از این دو کشور به موقعیت برتری در منطقه نفت خیز خلیج (فارس) برسند، لیکن واشنگتن خصوصا از این نگران است که ایران به برتری بر عراق نایل آمده و سپس به امر متزلزل ساختن عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس مبادرت ورزد. (۱) .

بنابراین، از این پس نگرانی آمریکا اساسا به نتایج تغییر توازن در جنگ به سود ایران و تغییرات ناشی از آن، یعنی سقوط رژیم عراق و متزلزل شدن کشورهای منطقه معطوف شد. به ویژه این که عراق و کشورهای منطقه برای مقابله با وضعیت جدید، شدیدا امیدوار به کمک ها و مساعدت های آمریکا بوده و پیام هایی را آشکار و پنهان به واشنگتن ارسال می کردند.

آمریکا برای رویارویی با وضعیت جدید و مهار آن در جهت منافع خویش، نیاز به تجدید نظر در استراتژی و سیاست منطقه ای خود داشت. زیرا عملا با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه مواجه بوده و طبعا حوادث منطقه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشتند. رادیو آمریکا به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور، در این زمینه گفت:

«خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و آمریکا به بررسی سیاست استراتژیکی اش در خلیج فارس پرداخته است» (۲) .

همچنین اظهارات الکساندرهیگ وزیر خارجه اسبق آمریکا، به خوبی بیانگر تلاش های همه جانبه آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و ارتباط مسائل آن با یکدیگر می باشد. وی در این مورد گفت:

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

«آمریکـا برای حفـظ صـلح خاورمیـانه، به سه ابتکـار دیپلماتیک دست خواهـد زد، اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیـدی داشـته باشـیم، باید وقایع خاورمیانه را شـکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسـطین، رفع تهدید از آغاز جنگ، حدود مرزی لبنان و اسـراییل اقـدام خواهـد کرد... این ابتکارها به یکـدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود... بیم آن می رود که این درگیری (جنـگ ایران و عراق) به کشورهـای همسـایه گسترش پیـدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیر قابـل پیش بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.» (۱) .

تلاـش هـا و اقـدامات بعـدی آمریکـا، در پی درک و تحلیلی که از اوضـاع بحرانی منطقه خلیـج فارس و خاورمیانه داشت، در اولویت اول» تشـکیل جبهه میانه رو عرب» و ممانعت از بی ثباتی این کشورها و تقویت این جبهه در برابر جبهه پایـداری عرب بود، به علاـوه، تلاـش برای حفـظ صـدام و کمـک و تقویت همه جانبه این رژیم، به منظور مهار و کنترل پیروزی های ایران و همچنین سازمـان دهی تلاـش هـای دیپلماتیک برای تحمیل صـلح به ایران، بخش دیگری از کوشـش ها و اقـدامات آمریکا را تشکیل می داد.

تشکیل جبهه میانه رو عرب

حمـایت هـای جبهه پایـداری عرب از مواضـع و اقـدامات جمهوری اسـلامی پس از پیروزی انقلاـب و در طول جنـگ موجب گردیـد که پیروزی هـای نظـامی ایران مواضع جبهه پایـداری را تقویت نمایـد. این امر طبعـا نتایجی را در زمینه تغییر توازن در منطقه خاورمیانه در پی داشت و شکاف موجود میان کشورهای محافظه کار و میانه رو عرب با جبهه رادیکال را تعمیق کرد.

آمریکا برای مقابله با تغییر توازن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

۱- ۱۱۵. پیشین، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

مبادرت به تقویت جبهه میانه رو عرب کرد، بدین ترتیب که با ایجاد جو روانی - تبلیغاتی، بر نگرانی این کشورها افزود به گونه ای که منطقه را در آستانه یک تحول عظیم که نتایج آن عمدتا به سود انقلاب اسلامی و یا شوروی ها خواهد بود، برای افکار عمومی اعراب و سران وابسته این کشورها جلوه داد. وزیر دفاع کشور سعودی که به شدت متأثر از جو ناشی از تبلیغات آمریکا و غرب بود، به منظور توجیه سیاست های آتی آمریکا در منطقه اظهار داشت:

« ۹۹ درصد جریان جنگ به نفع شوروی می باشد!... به زودی شوروی حمایت مستقیم و علنی خود را از ایران در زمینه های معنوی و نظامی در جنگ آن کشور با عراق را اعلام خواهد کرد... ایالات متحده نیز نمی تواند صحنه را برای دخالت شوروی تنها بگذارد!» (۱) .

نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، علاوه بر این که بخشی از آن متأثر از جو روانی - تبلیغاتی آمریکا محسوب می شد، عمدتا ناشی از عملکرد این کشورها در طول جنگ نیز بود که به نوعی سرنوشت آنها را با سرنوشت رژیم بعث و صدام پیوند زده بود، ضمن این که ماهیت وابسته این رژیم ها و عدم اتکای آنان به نیروهای مردمی موجب می گردید تا حاکمیت این کشورها هر چه بیشتر در معرض تهدید و سقوط قرار گیرد، حضرت امام خمینی با توجه به این مطلب و این که آمریکا در پی ایجاد یک انسجام عمومی از کشورهای منطقه و حمایت جدی آنان از عراق است،بلافاصله پس از شروع عملیات و در آستانه فتح خرمشهر، به کشورهای منطقه خاطرنشان ساختند که اگر از عراق حمایت نکنند دلیلی برای این که بیم و هراسی به دل راه دهند، وجود ندارد. امام خمینی همچنین به کشورهای منطقه هشدار دادند که سرنوشت خود را با صدام پیوند نزنند.

آمریکا به دنبال تشدید نگرانی کشورهای منطقه از نتایج پیروزی های

۱- ۱۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه دیولت، چاپ آلمان.

ایران و بهره برداری روس ها از وضـعیت جدید تلاش کرد تا کشور مصـر را - که پس از امضای قرارداد کمپ دیوید از سوی کشورهای عربی طرد و منزوی شده بود - به جرگه اعراب بازگرداند و بدین وسـیله با بهره برداری از موقعیت سیاسی - نظامی مصر، علاوه بر تقویت جبهه میانه رو عرب در برابر جبهه پایداری، با اتکا به توازن نظامی این کشور، منطقه را در برابر حوادث غیر مترقبه حفظ نماید، رادیو بی بی سی به نقل از پاتریک سیر مفسر روزنامه آبزرور، در این زمینه گفت:

«به نظر بسیاری از اعراب، فقـط دخـالت نظامی مصـر و یا دست کم تهدیـدش به دخالت نظامی است که می توانـد عراق را از شکست نجات دهد.» (۱) .

بخش دیگر تلاـش آمریکـا، به تشـکل کشورهـای حاشـیه خلیـج فـارس که از مـدت هـا قبـل شورایی تحت عنوان کشورهـای همکـاری خلیـج (فارس) تشـکیل داده بودنـد، معطوف شـد. در این خصوص، قبل از فتـح خرمشـهر به درخواست کویت و در حمـایت از صـدام حسـین، کنفرانس اضـطراری وزرای امور خـارجه کشورهای عربی به منظور بررسـی آخرین تحولات جنگ ایران و عراق و امنیت خلیـج فـارس و مسائـل مربوط به آن برگزار گردیـد. بخشـی از نتایـج این کنفرانس علاوه بر تسـهیل در بـازگشت مصـر به جرگه کشورهـای عربی، اساسا تأکیـد بر افزایش کمـک هـای مـالی و نظامی به عراق بود، چنانکه روزنامه النهار چاپ بیروت، در این زمینه نوشت:

«اعضـای شورای همکـاری خلیـج (فارس) احساس می کننـد که دیگر نقش آنها نمی توانـد منحصـر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.»

تلاش برای حفظ صدام و تقویت عراق

بافت قومی مردم عراق و گرایش های مذهبی آنها از یک سو و موقعیت

۱- ۱۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۱.

جغرافیای این کشور از سوی دیگر، به گونه ای است که ثبات در این کشور، تنها در صورت وجود یک مرکزیت قوی امکان پذیر است. بخشی از علل تداوم حیات سیاسی صدام و حزب بعث نیز برخاسته از همین وضعیت است. (۱) بنابراین، در موقعیتی که بر اثر پیروزی های نظامی ایران وضعیت به سود جمهوری اسلامی تغییر کرد و ضعف و ناتوانی عراق بر حامیان این کشور آشکار شد، غربی ها و حامیان منطقه ای صدام در مورد ادامه بقای سیاسی او دچار ابهام و تردید شدند. زیرا صدام علی رغم حمایت های غرب و شرق و در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اوضاع نابسامان پس از انقلاب به سر می برد، نه تنها اهداف مورد نظر آمریکا را تأمین نکرد، بلکه با شکست های پی در پی وضعیتی را فراهم آورد که منافع آمریکا در سطح منطقه عمیقا مورد تهدید قرار گرفت. در واقع، قابلیت و توانایی صدام برای مقاومت در برابر موج های توفنده رزمندگان اسلام در هاله ای از ابهام قرار گرفته بود. در عین حال، آمریکایی ها با توجه به عواقب سقوط و فروپاشی عراق در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، نمی توانستند در این مورد بی تفاوت باشند. بر همین اساس، از این پس آمریکا جلوگیری از سقوط احتمالی صدام را به عنوان یکی از اصول محوری سیاست و اقدامات خود قرار داده (۲) و متعاقب آن، کمک های همه جانبه و گسترده غرب و شرق به عراق سرازیر گردید که در

۱- ۱۱۸. علت حمایت آمریکا از صدام پس از جنگ عراق علیه کویت و تلاش آنها برای حفظ حزب بعث نیز اساسا برخاسته از همین مسئله می باشد.

۲- ۱۱۹. بعدها پس از جنگ خلیج فارس، آمریکایی ها در توجیه کمک به عراق - طوری که در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰) منتشر شد - چنین استدلال کردند: «تصمیم آمریکا بر کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران نتیجه اخطار آژانس های (متعدد) جاسوسی آمریکا درباره این مطالب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است.».

زیر به برخی از موارد آن اشاره می شود:

الف - خارج کردن عراق از فهرست کشورهای تروریست و لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق (۱) (وزارت بازرگانی آمریکا با فروش هواپیمای باربری به عراق موافقت کرد).

ب - افزایش حمایت آشکار سیاسی - تبلیغاتی از عراق در برابر ایران.

ج - توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک با عراق.

د - ترغیب مصر به ارسال کمک های نظامی به عراق.

ه - تلاش برای تجهیز عراق به تکنولوژی برتر نظامی، به ویژه در زمینه هواپیما.

و - ترغیب کشورهای عرب منطقه به افزایش کمک های همه جانبه به عراق، به ویژه کمک های مالی.

ز - کمک های اطلاعاتی به عراق، چنان که ویلیام کیسی رییس اسبق سیا، طی سفرهای محرمانه به بغداد، سطح کمک و نحوه آن را بررسی و سازمان دهی کرد.

تلاش برای تحمیل صلح به ایران

کلیه تلاش های صلح - در مدت زمانی که نیروهای اشغالگر در بخشی از مناطق مرزی و شهرهای ایران اسلامی حضور داشتند، اساسا به گونه ای طراحی و پیشنهاد می شد که جز تسلیم و نادیده گرفتن حقوق حقه

۱- ۱۲۰. مشاور کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در توضیح علت این اقدام آمریکا می گوید: «این عمل آمریکا به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن بست موجود می باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایند برای آمریکاست.».

جمهوری اسلامی، نتیجه گیری به دنبال نداشت. در حالی که حداقل خواسته ایران «تقدم عقب نشینی بر آتش بس» بود، لیکن در تمامی پیشنهادهای صلح «آتش بس بر عقب نشینی تقدم داشت». طبعا پذیرش چنین پیشنهادی از سوی ایران، این نتیجه را به همراه داشت که عراقی ها پس از حمله به جمهوری اسلامی و شکست در دست یابی به اهداف مورد نظر خود، در پی برقراری آتش بس، بدون این که از مناطق اشغالی عقب نشینی کنند در کمال آرامش در این مناطق استقرار می یافتند تا امتیازات لازم را از طریق مذاکره اخذ و سپس اقدام به عقب نشینی کنند. بر همین اساس بود که شهید رجایی رییس جمهور وقت، پس از عملیات فرمانده کل قوا که در تاریخ ۳ / ۳ / ۱۳۶۰، در محور دارخوین واقع در جبهه جنوبی، انجام گرفت، اظهار داشت:

«ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین خواهیم کرد.»

با شکل گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی، هیئت های صلح با استنباط و درکی که از شرایط و مواضع جمهوری اسلامی داشتند، تلاش های خود را به تدریج کم رنگ کردند، اما به دنبال فتح خرمشهر و پیدایش اوضاع جدید و احتمال سقوط صدام، یکی از راه حل های فوری برای گریز از نتایج ناشی از پیروزی های نظامی ایران را توقف جنگ ارزیابی می کردند. (۱) روزنامه لیبراسیون در این زمینه نوشت:

«پس از بازپس گیری خرمشهر توسط ایرانیان، آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای منطقه خلیج (فارس)، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفته اند تا به این ترتیب از سقوط صدام جلوگیری کنند.» (۲) .

۱- ۱۲۱. کیسینجر، در اظهارات خود، که در تاریخ ۳ / ۴ / ۱۳۶۱ در روزنامه واشنگتن پست منعکس شده، می گوید: «این به نفع ماست که در منطقه، آتش بس برقرار کنیم.».

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.

روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقامات وزارت خارجه آمریکا نوشت:

«ایالات متحده از کشورهای اسلامی خواسته است تا جمهوری اسلامی را برای رسیدن به توافق با بغداد، تحت فشار قرار دهند.» (۱) .

درخواست آمریکا از کشورهای منطقه، مبنی بر اعمال فشار به ایران برای پذیرش آتش بس، نشان دهنده ی نحوه نگرش آمریکایی ها به ماهیت صلح می باشد. در واقع مفهوم صلح در نظر آمریکایی ها و کلیه تلاش هایی که غرب و کشورهای منطقه دنبال می کردند، اساسا معطوف به «ممانعت از سقوط صدام» و اعمال فشار به ایران برای انصراف از حقوق حقه اش بود. همچنین، تداوم جنگ در این موقعیت نیز با توجه به اوضاع نابسامان روحی و روانی ارتش عراق و برتری غیر قابل انکار رزمندگان اسلام، به زیان منافع غرب و آمریکا در منطقه می انجامید. اظهارات فهد، شاه عربستان مبنی بر تأثیرات جنگ بر گسترش بی ثباتی در منطقه، نشان دهنده ی اضطراب و نگرانی حامیان منطقه ای از تداوم جنگ می باشد، وی می گوید:

«ادامه جنگ و یا گسترش دامنه آن، تنها به قیمت بی ثباتی و ناامنی در منطقه امکان پذیر است... به همین علت است که بایستی به هر طریق ممکن، بر تلاش های صلح آمیز تأکید شود.» (۲) .

وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس در پی برگزاری اجلاس فوری سران کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضمن بررسی اوضاع منطقه و وضعیت بی ثبات عراق اعلام کردند که پایان جنگ را برای حفظ ثبات و امنیت این منطقه حیاتی می دانند. همان طور که گفته شد صلح و ثبات بدان معنا که از آمریکا و کشورهای منطقه بیان می کردند، تفاوت ماهوی با معنای حقیقی این مفاهیم داشت. ثبات مورد نظر آمریکا یعنی مقابله با

۱- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو آمریکا.

۲- ۱۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل ازآسوشیتدپرس.

هر گونه عـاملی که در انـدیشه یـا عمـل بـا منافع آمریکا در منطقه تضاد و مغایرت داشـته باشـد بر پایه این مفهوم امریکایی ها موقعیت جدیـد ایران را برای منافع این کشور تهدیدآمیز ارزیابی می کردند و پیشـنهاد صـلح و برقراری آتش بس نیز بر همین اساس دنبال می شد.

سیاست های تبلیغاتی و روانی آمریکا و اقـدامات دیپلماتیک این کشور، به گونه ای جو و فضای کشورهای منطقه را مخدوش کرده بود که اگر آمریکا صلح به معنای واقعی را نیز دنبال می کرد، تحقق آن در چنین اوضاعی امکان پذیر نبود، حال آن که آمریکا به دنبال اهداف دیگری بود.

در نظر گرفتن واقعیات و توجه به منافع و حقوق حقه جمهوری اسـلامی در جنگ، لازمه برقراری صلح و ثبات به معنای واقعی در منطقه بود. سـکوت آمریکا در برابر تجاوز عراق به جمهوری اسـلامی که حاکی از هماهنگی های پنهانی با عراق بود، طبعا عراقی ها را به ادامه تجاوز ترغیب می کرد.

درخواست عقب نشـینی بـدون قیـد و شـرط و رفع اشـغال فوری خـاک میهن اسـلامی و سـپس برقراری آتش بس، کمـترین و طـبیعی ترین حق مسـلم کشوری است که در موقعیتی کاملاـ نامساعـد، وحشـیانه مورد تجـاوز واقع شـد و نیز درخواست تعیین متجاوز و پرداخت غرامت، لازمه برقراری ثبات در منطقه بود، لیکن آمریکا و حامیان عراق همواره از پذیرش شرایط جمهوری اسلامی طفره رفتند (۱) و فقط سعی کردند که با تحمیل صلح به

---

۱ – ۱۲۵. البته پس از اتمام جنگ، آمریکا که «مأموریت صـدام» را تمام شده می دانست، به تدریج مسائلی را در مورد متجاوز بودن عراق مطرح کرد که به شـدت مورد اعتراض عراق مطرح کرد که به شدت مورد اعتراض عراق و ناخشـنودی صدام واقع شـد، لیکن بیان این حقایق تنها در هنگامی صورت گرفت که آمریکا علاوه بر این که دیگر به صـدام نیازی نداشت از توانایی نظامی این کشور نیز نگران بود.

ایران، آن چه را که عراق علی رغم حمایت های همه جانبه استکبار جهانی و اذناب آن نتوانست در میدان نبرد کسب کند، در پشت میز مذاکره به دست آورد.

از این پس، از یک سو تلاش های آمریکا برای حمایت همه جانبه از عراق و تجهیز این کشور و نیز فشارهای وارده به جمهوری اسلامی برای پذیرش صلح تحمیلی و از سوی دیگر تجاوز رژیم اشغالگر به جنوب لبنان که از مدت ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود، جمهوری اسلامی را در موقعیتی بسیار دشوار قرار داد که در نتیجه می بایست علاوه بر مقابله با سیاست های آمریکا در منطقه خلیج فارس، دربرابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان نیز تدابیر لازم را اتخاذ کند و به عبارت دیگر، تهاجم های پنهان استکبار، ارتجاع و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی را که تا این زمان رژیم عراق اعمال می کرد، اینک در موارد بسیاری نقاب از چهره افکنده و در جبهه های مختلف به طور آشکار شروع به مقابله با انقلاب اسلامی کردند.

ص: ۱۷۲

جلد ۲

پیشگفتار چاپ نهم

ص: ۱

مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله مجموعه های تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق است که عهـده دار بررسـی و تجزیه و تحلیل این جنگ، از زمینه سازی و آغاز تهاجم عراق به سرزمین ایران اسلامی تا قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و برقراری آتش بس و همچنین پیامدهای آن از جمله تجاوز عراق به کویت و اشغال این کشور و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله دولت عراق، می باشد.

این مجموعه به طور کامـل منتشر شـده است و در دسترس عموم قرار دارد. کتـاب حاضـر (خرمشـهر تـا فـاو) جلـد دوم از این مجموعه است که قبل از پایان جنگ به نگارش درآمـد و منتشـر شـد. به دلیل اسـتقبال و تقاضای علاقه مندان، این کتاب برای نهمین بار چاپ و منتشر می شود.

در کتاب «خرمشـهر تا فاو» ابتدا عملیات های متعدد محدود و گسترده ای که در طول بیش از سه سال پس از آزادی خرمشـهر به اجرا در آمد، به اختصار بررسـی شده است و سـپس به طور نسـبتا مشـروح به طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸ و نتایج مهم، پیامـدها و بازتـاب هـای آن پرداخته شـده است. در پایـان کتـاب به سلسـله تحرکـات دشـمن موسوم به «اسـتراتژی دفـاع متحرک» و مهـم ترین حاصـل آن یعنی اشـغال مهران و سـپس آزادسـازی این شـهر بـا اجرای عملیـات کربلای ۱ و در نـتیجه شکست این استراتژی دشمن، اشاره شده است.

گفتنی است که این مرکز مجموعه دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق منتشر کرده است که در آن به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. در کتاب «جنگ بازیابی ثبات» طی سه فصل (بررسی اهداف و مقاصد سیاسی و نظامی عراق، بن بست نظامی و بحران سیاسی، آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی) جنگ از آغاز تجاوز عراق تا پایان عملیات بیت المقدس و آزادسازی مناطق اشغالی، از جنبه نظامی و سیاسی تجزیه و تحلیل شده است. در کتاب «تنبیه متجاوز» نیز طی چهار فصل (تحول اساسی در صحنه نبرد، ابتکار نظامی، تغییر موازنه به نفع ایران، تغییر استراتژی عملیاتی و عوامل مؤثر بر آن) جنگ بعد از عملیات بیت المقدس تا پایان عملیات بزرگ والفجر ۱۰ بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

امید است محققان و دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۷

ص: ۳

مقدمه چاپ چهارم

عملیات فتح فاو (والفجر ۸) برجسته ترین تلاش نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر است که سپاه پاسداران آن را به طور مستقل (۱) طرح ریزی و اجرا کرد. آثار این پیروزی در تغییر موازنه سیاسی - نظامی جنگ به سود ایران، مهم ترین انگیزه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برای نگارش کتاب حاضر بود.

در طراحی اولیه کتاب تأکید اصلی بر عملیات والفجر ۸ قرار داشت، لیکن ضرورت توضیح «علل ورود به داخل خاک عراق» پس از فتح خرمشهر، سبب گردید مسائل اساسی جنگ و تحولات سیاسی و نظامی آن مقطع زمانی، در این کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ابهام و تردید برخی در مورد ادامه ی جنگ و دامن زدن تعدادی از رسانه های تبلیغاتی جهان به این مسئله و مهم تر از همه فقدان مقاله یا کتاب مناسب در تبیین و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ در حد فاصل دو پیروزی بزرگ (فتح خرمشهر تا فتح فاو)، ضرورت این روشنگری را بیشتر کرد.

تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر با ورود ایران به داخل خاک عراق، به بحث های فراوان منجر شده و پرسش هایی را در مورد علل عدم خاتمه جنگ پس از فتح خرمشهر برانگیخته است. همین مسئله ایجاب می کند که با تجزیه و تحلیل همه جانبه ای به این پرسش ها پاسخ داده شود. اجمالا به این نکته اشاره می شود که امریکایی ها و کلیه حامیان منطقه ای و جهانی عراق به دلیل آن که پس از استقرار عراق در مناطق اشغالی و تشدید منازعه سیاسی - نظامی در داخل ایران، امکان برتری نظامی ایران بر عراق را کاملا مردود می دانستند، هیچ گونه آمادگی رویارویی با پیروزی های نظامی ایران و هزیمت و فرار نیروهای عراقی از مناطق اشغالی را نداشتند طوری که بنا به گفته نماینده وقت ایران در سازمان ملل، فتح خرمشهر

۱- ۱. پس از عملیات بدر با تدبیر فرمانده عالی جنگ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، مقرر شد که ارتش و سپاه هر یک در مناطق جداگانه و مستقلا به طرح ریزی و اجرای عملیات اقدام نمایند. برای اطلاع بیشتر به ضمیمه کتاب «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، مراجعه کنید.

منجر به زلزله سیاسی در سازمان ملل شد و همه با ناباوری در مورد علت و نحوه پیروزی ایران بر عراق سؤال می کردند.

امریکایی ها به دلیل نگرانی هایی که از پیروزی ایران داشتند به هیچ وجه مایل به در نظر گرفتن خواسته های بر حق جمهوری اسلامی مبنی بر «تعیین متجاوز» و «پرداخت غرامت» نبودند، لذا تنها بر آتش بس تأکید داشتند. (۱) حال با توجه به اهداف متجاوزان و نیز نظر به برتری نظامی ایران، آیا جمهوری اسلامی می توانست جنگ را بدون تأمین خواسته های خود خاتمه دهد و یک جانبه ترک مخاصمه نماید؟

حامیان جهانی عراق با نادیده گرفتن تجاوزات و ویرانی های بسیاری که رژیم صدام به وجود آورده بود، در تلاش بودند جنگ را طوری به سود عراق خاتمه دهند که گویا اصلا تجاوزی در کار نبوده است و حتی در پی ایجاد وضعیتی بودند که هر گاه خواستند عراق را مجددا به تجاوز وادار سازند و ایران را در حالت «نه جنگ، نه صلح» و در معرض تهدید دائمی قرار دهند. امام خمینی در مورد ماهیت صلح درخواستی عراق فرمودند: «ما اگر مجرم را امروز رهایش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم... این معنای آتش بس نیست، این معنای صلح نیست.» (صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۱۹۲) بنابراین راه حل «مذاکره سیاسی برای تأمین صلح» عملی نبود زیرا حقوق ایران به رسمیت شناخته نمی شد تا به خاطر آن مذاکره ای انجام گیرد و نظر امریکا و حامیان جهانی و منطقه ای عراق کسب زمان برای مهار آثار برتری سیاسی - نظامی ایران بود؛ به همین دلیل تغییر وضعیت جنگ از «فعال» به «فرسایشی» در دستور کار آنها قرار داشت.

مهم تر آن که احتمال تقویت روحی و نظامی عراق و حمله مجدد به داخل خاک ایران نیز وجود داشت، چنان که در پایان جنگ، پس از این که جمهوری اسلامی قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، عراق تلاش نظامی گسترده ای را برای اشغال مجدد اهواز و خرمشهر آغاز کرد که با شکست مواجه شد، با این ملاحظات، تنها راه حلی که در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، تلاش نظامی برای تأمین حقوق خود و تحقق صلحی شرافتمندانه بود.

ص: ۵

۱- ۲. کیسینجر پس از آزادی خرمشهر گفت: «به نفع ما است که هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم.» (واشنگ تن پست ۳ / ۴ / ۱۳۶۱).

ضرورت تصمیم گیری برای «تداوم» یا «پایان جنگ» با در نظر گرفتن اوضاع حاکم بر منطقه و موقعیت سیاسی - نظامی ایران، به برگزاری جلسات شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی منجر شد. در این جلسات کلیه مسئولان، با توجه به عدم رعایت حقوق ایران از طرف عراق و حامیان جهانی اش، برای ادامه جنگ اتفاق نظر داشتند؛ اما در مورد نحوه ادامه جنگ و دلایلی که در پاسخ به سؤال حضرت امام درباره ی علت ادامه جنگ ارائه می شد، دو نظر کلی وجود داشت، برخی بر این نظر بودند که با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، جنگ را تا متقاعد ساختن حامیان عراق به پذیرش حقوق ایران، ادامه دهیم. فرماندهان نظامی نیز اغلب عقیده داشتند که امکان ایستادن در خط مرزی وجود ندارد، زیرا نبودن مواضع و استحکامات طبیعی مانع از دفاع در برابر تهاجمات احتمالی عراق خواهد بود؛ ضمن این که خوزستان همواره به دلیل فقدان موانع طبیعی، از منطقه شرق بصره به طور مکرر مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته است. لذا باید با تصرف منطقه شرق بصره، موقعیت دفاعی ایران را تحکیم نماییم. سرانجام، با توافق مسئولان سیاسی و نظامی کشور، عملیات رمضان طراحی و اجرا شد که منجر به ورود به داخل خاک عراق، در منطقه شرق بصره شد.

به این ترتیب، استراتژی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، کسب یک پیروزی نظامی جهت متقاعد کردن حامیان جهانی و منطقه ای عراق برای پایان بخشیدن به جنگ، با در نظر گرفتن خواسته های بر حق ایران بود. به عبارت دیگر، استراتژی جنگ پس از فتح خرمشهر، برای تحقق صلح طرح ریزی شده بود. (۱) توقف در پشت دیوارهای دفاعی عراق در شرق بصره و ناکامی در عملیات رمضان، دلایل سیاسی و نظامی متفاوتی دارد ولی بنابر گزارش هایی که اخیرا در مورد کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق منتشر شده است، امریکایی ها در ارزیابی خود نسبت به علل شکست های پی در پی عراق به این نکته پی بردند که ضعف مدیریت اطلاعات عراق، منشأ این شکست ها می باشد زیرا ایرانی ها با نفوذ و رخنه در خطوط دفاعی عراق و تاکتیک هایی که اتخاذ می کنند به سهولت مواضع عراق را در هم شکسته و تصرف می کنند، لذا کمک اطلاعاتی به عراق را افزایش دادند.

۱- ۳. سردار رضایی، دوره عالی جنگ سپاه، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ۱۳۷۴.

ایران در عملیات رمضان با مواضع تـدافعی جدیدی مواجه شد که حاصل اندیشه نظامی عراقی ها نبود بلکه کمک اطلاعاتی و نظامی شوروی و امریکا، مواضع دفاعی عراق را سامان بخشـیده بود و در برابر تهاجم نظامی ایران حفظ کرد. (۱) عدم موفقیت عملیات رمضان، جنگ را به جنگ فرسایشـی کشاند و حامیان منطقه ای و جهانی عراق را در جلوگیری از تحقق خواسته های ایران مصرتر کرد.

تلاش هـای نظامی ایران در سال ۱۳۶۱ بـا اجرای عملیـات های محـدود «مسـلم بن عقیل» در غرب سومار و «محرم» در جنوب شرقی دهلران و غرب عین خوش دنبال شـد. عملیات والفجر مقدماتی همزمان با دهه مبارک فجر و عملیات والفجر ۱ در شمال غربی منطقه قبلی، هیچ کدام به موفقیت تعیین کننده ای منتهی نشد، از همه مهم تر بروز اختلاف نظر بین ارتش و سـپاه درباره طرح های عملیاتی، موجب شد که امام خمینی، آقای هاشمی را به عنوان فرمانده عالی جنگ تعیین نمایند.

ضرورت تغییر اسـتراتژی جنـگ بـا تغییر زمین منطقه عملیـات، بـاعث شـد تـا فرمانـده کـل سـپاه منطقه هـور را به عنوان منطقه عملیـاتی انتخـاب کنـد که در پی آن تیم هـای شـناسایی طی یـک سال زیر نظر مسـتقیم فرمانـده کل سـپاه، منطقه را شـناسایی کردنـد. سپاه سازمـان نظـامی خود را بـا آموزش غواص و به کـار گیری قایق به تناسب تغییر زمین و تاکتیک، تغییر داد. غفلت دشـمن از این تغییر و تحول، امیدهای بسیاری را برای کسب پیروزی در عملیات «خیبر» ایجاد کرده بود، اما این ابتکار عمل نیز به علت کـاستی های موجود در زمینه پشتیبانی هوایی، پدافنـد هوایی و توپخانه، مانع از به ثمر نشسـتن زحمات یک ساله سـپاه شد.

در عیـن حـال، حضـور نیروهـای ایران در شـمال بصـره و قطع جـاده العمـاره بـه بصـره، مـوجی از نگرانی و وحشت دشـمن را برانگیخت. به موازات این حـادثه، انفجـار مقر امریکایی ها در بیروت، امریکا را در وضـعیت نامطلوبی در منطقه شـرق و غرب خاورمیانه قرار داد و همین مسائل فشار بر ایران را تشدید کرد و حمایت سیاسی - نظامی امریکا از عراق را افزایش داد.

۱- ۴. البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بوده است. از جمله این که ایران با تغییر استراتژی بایـد تاکتیک های خود را تغییر می داد که چنین تحولی انجـام نشـد. همچنین روحیه عراقی هـا برای دفـاع در خـاک خود در مقایسه با دفاع از مناطق اشـغالی، مسلما بهتر بود.

عملیات «بدر» نیز در ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳ در منطقه هور به اجرا در آمد و گر چه حضور قوای ایران در غرب رود دجله را به همراه داشت ولی همان کاستی های پیشین مانع از تثبیت منطقه متصرفه شد. در عین حال، در سال ۱۳۶۳ نطفه بسیاری از تحولات جنگ که در سال های بعد رخ داد، منعقد گردید.

سپاه در حالی که بیشتر از دو سال بود به ضرورت تغییر استراتژی و زمین منطقه نبرد توجه کرده و با انتخاب منطقه هور و اجرای عملیات خیبر و بدر گام های عملی نیز برداشته بود، به ارزیابی مسائل جنگ و وضعیت موجود سپاه پرداخت. مسئولان کشور نیز که به پیروزی در یک عملیات و سپس مذاکره برای پایان بخشیدن به جنگ امیدوار بودند، پس از دو سال به تدریج به ضرورت تقویت بنیه نظامی نیروی خودی توجه بیشتری کردند. از طرف دیگر، عراقی ها که تصور می کردند با اتخاذ دفاع مطلق در درون مواضع و استحکامات خود از موقعیت مناسبی برخوردار خواهند بود، به موازات پیشرفت های ایران در جنگ، به آسیب پذیری خود پی بردند، لذا سلسله تلاش هایی را برای تضعیف بنیه اقتصادی و تضعیف روحیه مردم ایران با حمله به کشتی ها و تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران و حمله به شهرها آغاز کردند و بدین ترتیب دامنه جنگ نیز گسترش یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۴ فرماندهان عالی سپاه در ارزیابی عملیات های پیشین به چند نتیجه کلی دست یافتند: نخست این که سپاه به طور مستقل از ارتش به اجرای عملیات مبادرت نماید و در ثانی کلیه امکانات مورد نیاز برای یک عملیات، در تمام زمینه های انسانی و لجستیکی، به عنوان پیش شرط اجرای عملیات تأمین گردد.

مسئولان کشور که به موازات تشدید فشارها و پیچیدگی های موجود، به ضرورت خاتمه یافتن جنگ با دست یابی به یک پیروزی، بیشتر از گذشته اهمیت می دادند، علاوه بر پذیرش اجرای عملیات سپاه و ارتش به طور مستقل و تأمین برخی از نیازمندی های سپاه برای اجرای عملیات، تلاش های سیاسی جدیدی را آغاز کردند و در همین روند ماجرای خرید سلاح از بازارهای جهانی و نهایتا اقدامات امریکا برای گشودن باب مذاکره با جمهوری اسلامی، به بهانه تأمین خواسته های ایران، شکل گرفت که اخبار آن نزدیک به یک سال بعد در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ برملا شد.

در شهریور ۱۳۶۴ حکم امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل نیروهای سه گانه هوایی، دریایی و زمینی، علاوه بر این که نقطه عطفی در حیات نظامی سپاه پاسداران بود، منشأ تحولات بسیاری در جنگ نیز شد. امام خمینی در موقعیتی حکم خود را ابلاغ فرمودند که بیش از سه سال از تحرکات نظامی ایران در درون خاک عراق می گذشت و با وجود تهاجمات پی در پی نیروهای جمهوری اسلامی، پیروزی تعیین کننده ای حاصل نشده بود.

مجموع این اقدامات و تلاش ها موجب شد که سپاه با انتخاب منطقه عمومی فاو و تأمین بخشی از نیازمندی های عملیاتی و پس از ۶ ماه شناسایی و طرح ریزی های پی در پی، سرانجام در تاریخ ۲۱ بهمن سال ۱۳۶۴ عملیات خود را آغاز نماید. تثبیت منطقه تصرف شده پس از ۷۵ روز جنگ شبانه روزی منشأ تحول در جنگ و برتری سیاسی - نظامی ایران بر عراق شد که در متن کتاب به آن اشاره شده است.

کتاب حاضر در موقعیت حساس پس از فتح فاو در حالی که جنگ همچنان ادامه داشت و تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ و تهیه گزارش های نظامی با دشواری های زیادی روبه رو بود، نگاشته شد و طبعا دارای نواقصی است، امید است مقطع زمانی فتح خرمشهر تا فتح فاو در فرصت مناسبی بازنگری و نگارش مجدد شود. در عین حال نایاب شدن این کتاب و نیز درخواست مکرر علاقه مندان تاریخ جنگ ایجاب می کند نسبت به چاپ مجدد آن اقدام شود و بازنویسی کتاب به آینده موکول گردد.

این مرکز لازم می داند نهایت تشکر خود را از سردار محسن رضایی فرماندهی محترم کل سپاه و سردار غلامعلی رشید ریاست معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح که ارزیابی کتب منتشره و نظارت بر آنها را تقبل نموده اند و همچنین تیمسار شمخانی ریاست محترم شورای سیاست گذاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در تعیین خط مشی و حمایت از اهداف مرکز نقش بارزی را ایفا می نماید و نیز مدیریت اطلاع رسانی و مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که تأمین منابع، آماده سازی و انتشار کتاب ها را به عهده دارند، ابراز نماید.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۷۵

مقدمه چاپ اول

برجسته ترین ویژگی جنگ، مردمی بودن آن است و این مهم، اثرات خود را در زمینه های مختلف، از جمله: سازمان رزم سپاه، شیوه های جنگ، اتخاذ تاکتیکهای ویژه در مراحل مختلف جنگ و... برجای نهاده است.

در این روند، آنچه حائز اهمیت است و نقش تعیین کننده در حرکتهای کنونی و آتی جنگ دارد، چگونگی استمرار بخشیدن به حضور مردم در جنگ و نیز اتخاذ استراتژی مناسب با توجه به ویژگیهای حضور مردم، می باشد.

از جمله لوازم و مقدمات تحقق امر فوق، ارتقاء بخشیدن به آگاهیهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مردم است. قطعا ارائه هر گونه جمع بندی از تجارب جنگ در چند سال گذشته و تبیین نسبی مراحل جنگ و روشن نمودن عوامل و علل توقف، پیشرویها، موفقیت ها و ناکامیها و... می تواند به حضور مردم در صحنه نبرد عمق لازم را بخشیده، طبعا ابعادی جدید را در جنگ و انقلاب ایجاد نماید.

ص: ۱۰

بر این اساس، بر آن شـدیم تا ابعاد و زوایای جنگ را پس از انتشار کتاب «دو سال جنگ» از شـروع عملیات «رمضان» (پس از فتح خرمشـهر) تا فتح «فاو»، بصورت اجمالی و گذرا در دو فصل عمده مورد بررسـی قرار دهیم تا بدینوسیله نقاط ضعف قوای خودی و دشمن و نیز چگونگی و کیفیت ارتقاء جنگ در زمینه های سازماندهی و تاکتیک، روشن شود.

بـدون تردیـد سـخن گفتن از جنگی که با گسترشـی روزافزون در حال تداوم است و هر روز ابعادی تازه می یابد و در زمین و هوا و دریـا بـا شـدت دنبـال می شود کـاری بس دشوار است، آنهم در برخورد بـا دشـمنی که بـا اتکـاء به ابرقـدرتها که تماما دشـمنی آشـکار و کینه توزی مفرطی نسـبت به انقلاب اسـلامی نشان می دهنـد، حتی از بکارگیری سـلاح شـیمیایی و بمباران منـاطق مسـکونی ابـائی نـدارد. البته می توان بـا شـیوه های تبلیغاتی ماهرانه تنها نکات خاصـی را از جنگ برگزیـد و با بزرگ کردن آن، افکـار عمومی را تنها در جریان موفقیتها و جنبه های مثبت قرار داد. اما بـدیهی است که این روش برای مردم ما که بـار جنـگ تمامـا بر دوش آنـانست و رغبت و رضـا و اشتیـاق آنان برای دستیابی به آرمانهای انقلابشان، موتور اصـلی حرکت جنگ است، روشـی نادرست و غیر مفید می باشد. جمهوری اسلامی که بر ویرانه های رژیم طاغوتی شاهنشاهی بنا شده تنها و تنها با اتکاء به حمایت واقعی و قلبی مردم، توانائی و امکان ثبات و پیشرفت را دارد و این امکان نه بوسیله ی سازمان سیاسی و اداری قدرتمند بلکه بدلیل رهبری الهی و فلسفه حکومتی دینی آن پدیدار گشته و ادامه یافته است.

از سوی دیگر مردم، توسط بهترین فرزنـدانشان در تمامی صـحنه های جنگ حضور مسـتقیم دارنـد و هیـچ سازمانی نمی تواند برای آنان وسیله

تبـدیل و تعـدیل مشـکلات و مصـائب جنگ باشـد. مردم حزب ا... همانگونه که پیروزیها را لمس می کننـد، مشـکلات را نیز بخوبی می فهمنـد و بزرگترین رنـج هـا و مصـائب را نیز بعنوان وظیفه و تکلیف شـرعی و آثـار و تبعات نعمت امکان جهاد فی سبیل ا... به جان می خرند.

بنـابراین، گزارش مسـتند و واقعی از جنـگ یکی از نیازهای مبرم و ضـروری مردمی است که بایـد در کنار انگیزه های دینی و الهی شـان به درک و تبیین و تحلیـل دقیق سـیر جنـگ و سـرانجام آن نیز قـادر باشـند. اما از سوی دیگر یک نکته مهم نیز باید لحاظ شود و آن اسـتفاده قطعی دشمن از هر گونه گزارش و نوشته دقیق مربوط به جنگ است. ملاحظه می گردد که از طرفی مردم نیازمنـد آگـاهی و اطلاـع منـاسب هسـتند و از سوی دیگر دشـمن در صـدد است که از همین اطلاعـات علیه همین مردم استفاده کند.

در نگـارش هر گونه مطلبی در بـاب جنگ تحمیلی این مشـکل بزرگی است که خودنمائی می کنـد. چاره آن است که بگونه ای عمل شود که هم نیازهای مردم در بیشترین حد ممکنه رفع گردد و هم کمترین استفاده نصیب دشمن بشود.

در تهیه این کتـاب که در واقـع یـک گزارش تحلیلی از چهـار سـال جنـگ (پس از فتـح خرمشـهر در خرداد ۶۱ تا آزادسازی دوباره مهران در تیر ۶۵) می باشد، دهها گزارش طبقه بندی شده از نبردهای مختلف، هزاران برگ اسناد عملیاتی و دهها هزار نوار مصاحبه، بی سـیم و... که بهنگام عملیات توسط راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سـپاه بطور زنده تهیه شده، مورد اسـتفاده قرار گرفته است. در سـیر یاد شده تقریبا به تمامی عملیات ها و نبردها طی این مدت اشاره و به اهم نکات آن پرداخته شده و

ص: ۱۲

ضعفها و قوتهای خودی و دشمن، پابپای جنگ بررسی گردیده است.

مجموعه ی عظیم منابع و مدارک این کتاب که در مخزن مرکزی «مطالعات و تحقیقات جنگ» آرشیو و نگهداری می شود در صورت فرا رسیدن زمان مناسب و رفع تنگناهای یاد شده می تواند دهها جلد کتاب مستند و مفصل را تشکیل بدهد و طبیعی است که استخراج اهم موارد قابل ذکر و ارائه آنها در یک جلد کتاب نمی تواند حق مطلب را آنطور که شأن آن است ادا کند و با وجود اجمال و اختصار، عظمت و شکوه چهار سال مقاومت بی نظیر و غیر قابل تصور رزمندگان اسلام را بیان نماید. اما علیرغم این می توان گفت آنچه ارائه شده یک مجموعه بی نظیر و منحصر به فرد از مسائل و حوادث چهار سال جنگ می باشد.

کتاب حاصل در دو فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول تحت عنوان «نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر» ابعاد و زوایای جنگ از آزادی خرمشهر تا قبل از عملیات والفجر ۸ (خرداد ۶۱ تا مرداد ۶۴) به صورت اجمالی در ۸ مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن، دست آوردهای نظامی سیاسی و همچنین چگونگی ارتقاء خودی در زمینه های سازماندهی و تاکتیک در طول این دوران را از سیر مربوطه می توان دریافت، این مباحث عبارتند از:

۱ - فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله ای جدید در جنگ

۲ - عملیات رمضان: ورود به داخل عراق

۳ - عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان و ابتکار عمل از دشمن (عملیات مسلم بن عقیل - عملیات محرم)

۴ - والفجر مقدماتی و ۱

۵ - توجه مجدد به عملیات محدود و گسترش جنگ در سراسر مرز

ص: ۱۳

(والفجر ۲ و ۳ و ۴)

۶ – عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل

۷ – عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور

۸ – پس از بدر: گسترش جنگ شهرها و انجام سلسله عملیات محدود (قدس ۱ تا ۵ و عاشورا ۴)

فصل دوم به عملیات بزرگ و سرنوشت ساز والفجر ۸ (پیروزی فاو) اختصاص دارد. این فصل شامل مباحث زیر است:

۱ – بررسی اجمالی وضعیت دشمن – این مبحث در واقع مقدمه ای برای عملیات فاو است و اوضاع و اقدامات دشمن قبل از این عملیات را بررسی کرده است.

۲ – ضرورت انجام عملیات بزرگ، ویژگیهای منطقه عملیاتی فاو.

در این بحث عوامل انتخاب و مشخصات طبیعی منطقه عملیاتی بررسی شده و سپس مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات، موانع و محدودیت های منطقه ای و نظامی و تدابیر متخذه برای استفاده از مزایا و رفع معایب مذکور و نیز طراحی مانور عملیات مورد بحث قرار گرفته است، پس از ذکر مسائلی چون چگونگی شناسایی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، به شرح عملیات پرداخته شده و در آخر نتایج بدست آمده ارائه شده است.

۳ – فاو از حضور تا تثبیت.

در این مبحث تلاش ها و اقدامات دشمن برای باز پس گیری فاو و اقدامات خودی برای تثبیت منطقه، سپس نتایج و دستاوردهای نهایی عملیات مورد بررسی قرار گرفته است.

ص: ۱۴

۴- استراتژی دفاع متحرک عراق بعنوان عکس العملی در قبال عملیات پیروز والفجر ۸ و سرانجام آن مورد بحث قرار گرفته و به تعرضات زمینی متعدد دشمن و فرجام آن پرداخته شده است.

نهایتا با گزارش آزادی مجدد مهران به مثابه ی نقطه پایانی تحرکات زمینی چند ماهه ی دشمن، این مبحث و همچنین کتاب به پایان می رسد.

در آخر باید به این نکته مهم اشاره کرد که: دهها عملیات کوچک و بزرگ همراه با پیروزیها و عدم الفتح ها در طی چهار سال جنگ که در کتاب به آن اشاره شده، تنها نمود و نشانه ای است از عظمت عزم نیروهائیکه ایمانشان از توانائی مادی غیر قابل وصف دشمنان جهانی اسلام بزرگتر و کاراتر بوده است و بدلیل اتکاء به قدرت لایزال خداوند، قدرت نمایی دشمنانی جهانی ما، کوچکترین تزلزلی در تصمیم آنها بر ادامه راه صعب و دشوار پیروزی نهائی انقلاب اسلامی نتوانسته وارد کند. در واقع ادامه جنگ طولانی با دشمنی که مجری سیاست های کینه توزانه ابرقدرتها علیه انقلاب اسلامی است و پشتیبانی همه جانبه ی سیاسی، نظامی، مالی و تبلیغاتی تقریبا تمام جهان را علیه ما در اختیار دارد، امری است که تنها و تنها از عهده ی انقلاب اسلامی و نیروهای مخلص و متعهد به اسلام برآمده است و همین بزرگترین پیروزی نظام جمهوری اسلامی محسوب می گردد. اگر کتاب حاضر توانسته باشد، به میزانی هر چند ناچیز، گوشه ای از این مقاومت و پایداری بزرگ و جلوه ای از استقامت و صبر و تحمل نیروهای اسلام و نتیجتا قدرتمند شدن روزافزون آنرا نشان بدهد، مقصود تهیه کنندگان را برآورده ساخته است.

معاونت سیاسی ستاد کل سپاه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - اسفند ۶۶

نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر

فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله ی جدیدی در جنگ

اشاره

تنها چهل روز پس از پیروزی عملیات فتح المبین، عملیات بیت المقدس بمنظور درهم شکستن قوای سازماندهی شده دشمن و آزادسازی بخشی عمده از اراضی اشغالی - در محدوده ی دو رودخانه: کارون و کرخه کور (نور)، هورالهویزه در جنوب اهواز - و عمدتا خرمشهر، با پیشروی به سمت بصره (تا تنومه واقع در شرق شط العرب)، آغاز شد و در نهایت با فتح خرمشهر بپایان رسید.

فتح خرمشهر در واقع ماحصل و نتیجه شیوه ای خاص از جنگ (مردمی) و تاکتیکهای منحصر بفرد بود که دشمن هیچ گونه آمادگی برای مقابله و مهار آن نداشت. بدین معنا که دشمن برحسب معیارها و اصول جنگ کلاسیک، جمهوری اسلامی را فاقد ویژگیها و توانائی لازم در این زمینه می دید. همچنین موقعیت ویژه ی زمین منطقه، که نوع خاصی از پدافند را دیکته می کرد، موجب آن شد که عراق قادر به حفظ و تأمین پوشش جناحین خود نباشد و این امر نهایتا آسیب پذیری و از هم پاشیدگی قوای دشمن را در همان ساعات اولیه هجوم، در برداشت.

ص: ۱۶

بهرحال، با فتح خرمشـهر، که جدا از ضـعفهای دشـمن و نقطه قوتهای نیروهای خودی نبود، مرحله ای از جنگ پشت سر نهاده شد و مرحله جدید می رفت تا بدنبال بازتاب گسترده فتح خرمشهر، شکل نهایی خود را بیابد.

فتـح خرمشـهر در واقع، غرب را رویاروی پیروزیهای فزاینـده انقلاب اسـلامی قرار داد و از همین رو بود که خبرگزاریها از آن بعنوان بزرگترین پیروزی ایران در جنگ ۲۰ ماهه با عراق یاد کردند (۱) و بعد از آن حتی از سوی آمریکا، چنین تعبیر شد که «پیروزی مصممانه ایران دستهای تهران را برای ایجاد عدم ثبات در کشورهای میانه رو خلیج فارس باز خواهد گذارد» (۲) .

اینگونه تحلیـل و تعبیرهـا بخوبی خاطرنشـان می سـازد که پیروزیهـای ایران در میـدان نـبرد و تـأثیرات گسـترده آن، غرب را با واقعیاتی رویارو نمود که در چهارچوب پیش بینی های دنیای اسـتکبار جایی نـداشت. لـذا، غرب ناگزیر بمنظور چاره جوئی و حل مسائل پیش آمده، استراتژی خود را مبتنی بر حفظ صدام قرار داد.

در اسـتراتژی جدیـد غرب که اساسـا در پی هراس از پیروزیهـای رو به گسـترش ایران و خطر تزلزل و از هم پاشـیدن نظامهـای وابسته منطقه اتخاذ شده بود، فشارهای سیاسی - تبلیغاتی جهانی به جمهوری اسلامی و تسلیح عراق با جنگ افزارهای پیشرفته، در صدر برنامه قرار گرفت.

بعبـارت دیگر، هـدف مطلوب غرب در وضـعیت جدیـد، بازداشـتن ایران از تعرضـات گسترده خود، و بـالطبع، ایجاد رکود در جبهه و نیز متوقف

۱- ۵. برای نمونه، مراجعه کنید به خبرگزاری آلمان ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۶. خبرگزاری فرانسه از واشینگتن ۴ / ۳ / ۱۳۶۱ بنقل از یک دیپلمات آمریکایی.

ساختن قوای نظامی ایران در پشت دیوارهای دفاعی عراق بود.

بدین ترتیب و براساس استراتژی یاد شده، عراق به عقب نشینی سراسری مبادرت ورزید تا شاید بدینوسیله زمینه های لازم را برای اتخاذ روش دفاع مطلق در زمین و هجوم در جبهه سیاسی - تبلیغاتی در پوشش «صلح خواهی» و مظلوم نمایی فراهم آورد.

دلائل عقب نشینی به داخل خاک عراق

ناتوانی نظامی عراق در رویاروئی با تهاجمات گسترده و نیز محدود رزمندگان در جبهه های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به این کشور تحمیل نمود. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود، مبادرت ورزید.

عراق بهنگام حضور در خاک جمهوری اسلامی، بدلیل اینکه از چند محور تهاجم خود را صورت داده بود و همچنین از پیوستن و الحاق بازوهای نظامی خود در محورهای متعدد ناتوان بود در نتیجه در آرایش استقرار نیروهایش دارای دو ضعف عمده بود: دادن جناح، در دسترس قرار گرفتن عقبه هایش. از اینرو تهاجم رزمندگان اسلام به جناحین دشمن و نیز دور زدن نیروهای عراق و دست یافتن به عقبه های آنها، منجر به فروپاشی و درهم ریختگی خطوط و عقبه های دشمن شده و امکان هر گونه مقاومت و ادامه نبرد را از آنها سلب می کرد. بر این اساس دشمن با عقب نشینی سراسری خود سعی کرد سه ضعف عمده اش را مرتفع کند:

۱- با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب، متکی بر عوارض طبیعی نوار مرزی از فکه به بالا، مسئله جناح هایش را حل کرد.

۲ - خطوط پدافندی رسمی خود را عملا کاهش داد.

۳ - صرفه جوئی در قوا و در نتیجه ایجاد نیروهای احتیاط متحرک، در کنترل سپاهها، را ایجاد کرد.

در این زمینه صدام طی جلسه ای با فرماندهان ارتش عراق، دلایل عقب نشینی و ضرورتهای نحوه ی ادامه جنگ را چنین ذکر می کند:

«دلایلی که باعث بهبودی وضع ما پس از بازگشت به مرزهای بین المللی شد، عبارتند از:

الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد:

۱ - مشکل مانور

۲ - نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می دادند.

۳ - راههای مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن بود، از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاههای میدان جنگ بعلت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می گیرند، بخصوص وقتی دشمن بطور مستقیم وارد محل شود (دور می زند)، دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می کند.

ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده ها (عقبه ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای موظف به این امر، چون اکثرا از نیروهای ذخیره اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه ی معابر نفوذی نیستند. ولیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می کنند، با حالتی که در عمق مثلا هشتاد کیلومتری

سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می جنگید و بالطبع آشنائی کامل با محیط داشت. مثلا دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می کرد، و مسایل غیر مترقبه ای را برایمان ایجاد می کرد (اصل غافلگیری)، و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت (۱) .

چنانچه از این سخنان استفاده می شود، دشمن با عقب نشینی به مرزهای خود، در واقع به خطوط پدافندیش عمق داد و آنرا از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده و مهار و کنترل موجهای تعرضی آنها کرد و همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را بعنوان نیروی احتیاط (۲) (به دور از خط مقدم، که امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت)، مستقر نمود.

در نتیجه، دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت و در این روند از تهاجمات پی در پی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب نشینی سراسری از برخی نقاط، مبادرت به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ نمود.

۱- ۷. اسناد بدست آمده در عملیات والفجر مقدماتی.

۲- ۸. در این زمینه توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

عملیات رمضان: ورود به داخل خاک عراق

اشاره

قبل از آغاز عملیات رمضان، مسئولین و دست اندرکاران عمدتا دو مسئله اساسی را رویاروی خود داشتند: یکی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، و دیگری ورود بداخل خاک عراق. طبعا آنچه در لبنان رخ داد، اساسا بدون ارتباط با پیروزیهای رو به گسترش جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر و نیز فراهم سازی زمینه های فشار به ایران و اختتام جنگ نبود. بدین معنی که تأثیر پیروزیهای ایران اسرائیل را از حضور نزدیک فلسطینیها و شیعیان در کنار مرزهای شمالی خود به وحشت انداخت. اشغال مناطق مسلمان نشین شیعیان جنوب و اردوگاههای فلسطینی نیز برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان و سپس سرایت آن به فلسطین اشغالی بود. در نتیجه اولا آمریکا می بایست در برابر پیروزی های جمهوری اسلامی عکس العملی نشان دهد و قدرت خود را بنمایاند و ثانیا انقلاب اسلامی برحسب هویت خود، به هیچ روی نمی تواند و نخواهد توانست مسایل خاورمیانه، بخصوص رژیم اشغالگر قدس را نادیده بگیرد.

ثالثا، عراق که پس از فتح خرمشهر بدنبال مفری جهت اتمام

ص: ۲۱

جنگ بود، قطعا می توانست به بهانه قرار دادن مسئله حمله اسرائیل، بصورتی ادامه جنگ را به زیر سئوال ببرد.

پس از فتح خرمشهر دست اندرکاران جنگ طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، لیکن پیش آمد بحران تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۳۶۱ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی) اذهان را متوجه لبنان کرد.

از سوی دیگر، پیش بینی می شد که جای پا و حضور مناسبی که در لبنان ایجاد شده بود، پس از حل عاجل مسئله جنگ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله ی جدید، بگونه ای جدیدتر و اساسی تر با اسرائیل و آمریکا درگیر بشود.

نگرش یاد شده نسبت به مسائل لبنان و از طرفی فروکش کردن تب و تاب انجام عملیات در جبهه ها، آنهم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق، خصوصا پس از فتح خرمشهر، طبعا خطرات فزاینده ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت. بعبارت دیگر، این وضع، بیم گرفتاری ایران در دام استکبار جهانی را می داد.

در این مرحله، فرمانده کل قوا امام خمینی با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می گذرد»، عملا جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را خاطر نشان فرمودند.

بر این اساس و نیز مبتنی بر واقعیات برآمده از عملیات رمضان و پس از آن ۳ سال رویارویی با دشمن، این نتیجه حاصل شد که جنگ دارای ابعادی وسیعتر از آنچه تصور می شد، بوده، لزوما می بایست به هر نحو ممکن بگونه ای مطلوب حل شود تا از این طریق، مقدمات گسترش و توسعه انقلاب اسلامی فراهم آید.

از سوی دیگر، مسایل لبنان نیز با توجه به تلاشهای سپاه پاسداران

و نیز ارتباط تنگاتنگ مسلمانان آن دیار با انقلاب اسلامی، عملا زمینه های نوعی خاص از حضور انقلاب اسلامی در مقابل اسرائیل و استکبار جهانی و نیز حفظ جای پای برای موقعیت مناسب را فراهم آورد.

دلائل ورود به داخل خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین المللی و ورود به خاک دشمن، پس از دفع تهاجم، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده ابهامی در برنداشت، زیرا که عقب نشینی سراسری دشمن در پی شکستهای سنگینی که متحمل شده بود، بمنظور معطل نمودن ایران و ایجاد شرایط نه صلح نه جنگ و حاکم ساختن وضعیت فرسایش در جنگ صورت گرفت.

لازمه حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده ی حقوق جمهوری اسلامی شرایطی بود که ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را امکان پذیر می ساخت. لذا، در آن مقطع به انحاء گوناگون دلائل زیر جهت ورود به داخل خاک عراق مطرح می شد.

۱ - پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب نشینی سراسری عراق از مناطق اشغالی، کشورهای مرتجع منطقه موقعیت را مغتنم شمرده، طی نامه هائی که با مسئولین جمهوری اسلامی رد و بدل کردند، عملا درصدد برآمدند تا حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده گرفته، نسبت به موقعیت برتر ایران از خود بی اعتنائی نشان دهند. (۱) ورود به خاک

---

۱ - ۹. مقامات عربستان طی نامه ای به حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور پیشنهاد کردند که هیئتی از طرفین جنگ به عربستان بیایند و در آنجا مذاکرات صلح آغاز شود. متقابلا در پاسخ به پیشنهاد عربستان سعودی نسبت به تغییر شیوه برخورد آنها سؤال شده بود که سعودیها در جواب گفته بودند: فعلا مسئله اسرائیل مطرح است، ایران چه می خواهد؟ عراق هم که عقب نشینی کرد.!.

عراق، در حقیقت، پایان دادن به این گونه برخوردها بود.

۲ - تنبیه صـدام بعنوان متجـاوز، تـا بـدین وسـیله زمینه هـای هر گونه تجـاوز به مرزهای جمهوری اسـلامی، در آینـده، از میان برداشته شود.

۳ - استراتژی «راه قـدس از کربلا می گـذرد» بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسـئله جنگ تکیه داشت و تلویحا این نکته را نیز مطرح می کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می تواند برخورد جدی با غرب و مبارزه با اسرائیل را تدارک بخشد.

۴ - با توجه به اینکه برنامه ها و مطلوب غرب، متوقف ساختن نیروها در پشت مرزها بود، این توقف، جز گرفتار شـدن در یک دام، معنای دیگری نداشت. علاوه بر این، دشـمن پس از عقب نشینی، با فرصت سه ماهه ای که بدنبال حمله اسرائیل به جنوب لبنان بـدست آورد، مناسـبترین خطوط پدافنـدی را در نوار مرزی، متکی بر عوارض طبیعی، ایجاد کرد و در نتیجه، در خیلی از جاها خطوط جدیدی که بر نیروهای اسلام تحمیل شد، مناسب برای پدافند نبود و طبعا در معرض آسیب پذیری قرار داشت.

تهدید شهر بصره

عملیـات رمضـان بر این اسـاس طراحی شـد که بـا حضور قوای نظـامی ایران در پشت رودخانه دجله و ارونـد و تسـلط بر معابر وصولی بصـره، در ادامه عملیـات فتـح المبین و فتـح خرمشـهر، عملاـ از نظر سیاسـی - نظـامی موقعیت منـاسبی برای جمهوری اسـلامی فراهم آیـد، بطوریکه یـا غرب تن به تغییرات سیاسـی در عراق بدهـد و یـا در غیر این صورت، امکـان ادامه جنگ در آینده از موضع قویتری فراهم شود.

ص: ۲۴

موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره

منطقه عملیاتی رمضان محصور است بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع - که از شمال به کوشک و طلائیه (پاسگاههای مرزی ایران در جنوب هویزه) و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات بنام القرنه شروع می شود تا شلمچه در غرب خرمشهر) بطول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی از کوشک تا شلمچه بطول ۶۰ کیلومتر منتهی می شود - بر روی رودخانه اروند در این قسمت چهار پل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه ی تنومه) واقع شده است که در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد.

دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و امکان از دست دادن این شهر را غیر ممکن می پنداشت، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت. لیکن در فرصتی که برحسب حضور فکری نیروهای خودی در لبنان و تأخیر در انجام عملیات رمضان، بدست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن، مبتنی بر تجارب برآمده از عملیاتهای گذشته بود.

بدین ترتیب، دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد که طراحان و مبتکران اصلی آن در گذشته اسرائیلی ها بودند. علاوه بر این، دشمن، کانالی بطول ۳۰ کیلومتر و عرض ۱ کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار، بعنوان مانعی بازدارنده، در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، آماده نمود.

همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، از

سوی دشمن، آب رها شد تا مانع از عبور نیروهای اسلام شود.

دشمن در بیابان شرق بصره، چیزی بیش از آنچه ذکر شد، بطور برجسته و عمده نداشت، اما در جنوب غرب اروند، شهر صنعتی - استراتژیک بصره واقع است.

جمعیت این شهر کمتر از یک میلیون نفر است و دارای پالایشگاه، کارخانه عظیم پتروشیمی، واحد تصفیه گاز طبیعی و کارخانه های صنعتی دیگر می باشد. همچنین بخش تنومه که متعلق به شهر صنعتی در شرق اروند است، در نزدیکی بصره، قرار دارد.

علاوه بر این، صحرائی که در غرب بصره واقع است، و نیز سرزمین باتلاقی شمال آن، عظیمترین منابع نفتی عراق را در خود نهفته دارد.

ضمنا، جاده مواصلاتی بغداد به کویت، بنام صفوان، که دارای اهمیت استراتژیکی است و تدارکات اصلی و تسلیحات و مهمات نظامی دشمن از آن صورت می گیرد، و از جنوب این شهر عبور کرده، پس از گذشتن از شهر مرزی صفوان، در کویت امتداد می یابد.

مأموریت و طرح مانور

خط حد و محدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک، در شمال، آغاز می شد و تا رودخانه اروند، در جنوب، امتداد داشت. در این محدوده، عملیات رمضان از چهار محور یا چهار قرارگاه عملیاتی[محورهای: شمالی، میانی (شمال و جنوب پاسگاه زید) و جنوبی] بمنظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط رودخانه اروندرود، طراحی شد.

قسمتی از مسئله عمده در مانور عملیات، ضرورت هماهنگی در

پیشروی قرارگاهها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود، که اساسا تحقق آن، با اتکاء به تلاشهای مهندسی، امکان پذیر بود.

از آنجا که در منطقه شرق اروند عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در «نشوه» و «تنومه» بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توأم با پیشروی مناسب، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت درآیند و در عمل، چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه)، تکرار شود.

ضمنا سازمان رزم عملیات، متشکل از نیروهای ارتش و سپاه در نظر گرفته شد و در مجموع، نیروهای منظور شده و بکار گرفته شده، عبارت بودند از «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه و «۲ لشکر و یک تیپ به اضافه» از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی.

شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)

عملیات رمضان در پنج مرحله به اجرا درآمد که از تاریخ ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ آغاز شد و تا تاریخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۱ به طول انجامید.

مرحله اول

در مرحله اول عملیات، سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی، دو تیپ به اضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش، مأموریت یافتند این جناح عملیات را تأمین نمایند. لیکن بعلت وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میادین مین، نیروها نتوانستند با سرعت عمل به تمامی اهداف مورد نظر دست یابند. لذا با نزدیک شدن روشنائی صبح، از ادامه پیشروی خودداری شد.

در محور میانی (شمال پاسگاه زید)، سه تیپ باضافه از سپاه و

یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و علیرغم اینکه توانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به مثلثی های دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار «تیپ به اضافه» از سپاه و دو تیپ از ارتش توانستند با سرعت عمل چشمگیر و قابل ملاحظه ای تمامی مواضع دشمن را درهم بکوبند و به عمق ۳۰ کیلومتری مواضع دشمن پیشروی نمایند و خود را به نهر کتیبان، در شرق اروند، و کانال ماهیگیری برسانند، بطوریکه به قرارگاه فرمانده لشکر ۹ زرهی رسیده، ماشین بنز فرماندهی را به غنیمت گرفته، قرارگاه را منهدم کردند، و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو ساختند.

در این محور، نیروها بقدری به بصره نزدیک شده بودند که براحتی چراغهای شهر را مشاهده می کردند.

علیرغم موفقیت بدست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت؛ لذا با روشن شدن هوا، دشمن، با یک لشکر زرهی فشار اصلی را معطوف آنجا نمود و در نتیجه از تأمین منطقه، ممانعت بعمل آمد.

بدین ترتیب طی مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و نفربر و ۱۲ توپ دشمن منهدم گردید و ۷۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این، ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته و زخمی شده، ۸۵۰ تن به اسارت درآمدند.

مرحله دوم

مرحله دوم عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگانهای مرحله اول، به اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۱، آغاز شد. در

این مرحله هدف عمده، استفاده از سر پل بدست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلوی بصره) بود، که در صورت دستیابی به آن، فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر تقلیل می یافت.

تلاش انجام شده طی این مرحله، نظر به اینکه دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات مجددا میادین مین در عمق ایجاد کرده بود و نیز بعلت عدم پاکسازی کامل و الحاق جناحین، به سرانجام مطلوبی منتهی نشد. اما در مجموع، تلفات نسبتا زیادی، به دشمن وارد آمد، بطوریکه ۱۱۶ تانک و نفربر و ۵۱ دستگاه خودرو منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

مرحله سوم

بدنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده و احتمالاـ مبادرت به پاتک خواهد نمود. بر این اساس مرحله سوم عمدتا به منظور انهدام تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) تدبیر شد لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت بعمل آمد تا بدین وسیله نیروهای پیاده و مجهز با هر زره پوشی که مواجه شدند، آنرا منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان نیروهای مرحله دوم، به اضافه سه تیپ، تقویت شد و در تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۱ آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه بصورتی چشمگیر خطوط دشمن را درهم شکسته و با انهدام بخشی وسیع از تجهیزات دشمن، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع، به پیشروی ادامه دادند.

طی ایـن مرحله، نزدیـک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشـمن منهـدم گردید؛ ۱۴ تانـک و نفربر بـه غنیمت گرفته شـد و ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشـمن کشـته و زخمی شدند و ۲۵۹ نفر از آنهـا به اسـارت درآمدنـد. قابـل ذکر است که در میان تانکهای انهـدامی دشمن، ۱۶ تانک مدرن و پیشرفته تی - ۷۲ بچشم می خورد، که ۴ تانک از آن نوع نیز به غنیمت گرفته شد.

مرحله چهارم

در تاریخ ۱ / ۶ / ۱۳۶۱ در محور جنوبی عملیات (شلمچه) قرارگاه مزبور با ۲ تیپ به اضافه از سپاه و یگانی از ارتش بصورت ادغامی وارد عمل شدنـد، لیکن بـدلیل هوشـیاری دشـمن و نیز موانع و اسـتحکامات قابل توجهی که وجود داشت عملا امکان عبور از خط اول دشمن فراهم نیامد.

مرحله پنجم

تلاش اصـلی در مرحله پنجم عملیات، که در تاریـخ ۶ / ۶ / ۱۳۶۱ انجام گرفت، معطوف به محور شـمالی پاسـگاه زید در حد فاصـل دژ مرزی عراق و خاکریزهـای مثلثی دشـمن شـد. طی ایـن مرحله، هفت تیپ تقـویت شـده از سپاه و دو تیپ از ارتش شرکت داشتند.

در آغـاز درگیری، همـه چیز طبـق روال پیش می رفـت. در نـتیجه نیروهـای خـودی توانســتند گذشـته از پاکسـازی و الحـاق، خاکریزی مناسب و دوجداره در جناح شمالی احداث نمایند، ولی از آنجائیکه دقت کافی در احداث خاکریز نشده بود دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصـله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع بدست آمده مسـتقر شدند و عقبه امکانات پشتیبانی رزمی و خـدماتی به جلو منتقل گردیـد، دشـمن نیز که در مرحله گذشـته ضـرباتی اساسـی متحمل شده بود، عملا

تحرکی از خود نشان نداد، لیکن بنا به دلایلی، علیرغم اینکه عملیات تا آستانه تثبیت پیش رفته بود، طی بررسی که بعمل آمد، ادامه حضور نیروها مصلحت دیده نشد.

در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید و ۱۱ تای آن به غنیمت گرفته شد. همچنین ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در عملیات رمضان آمار کلی تلفات و خسارات وارده به دشمن، عبارت بود از:

انهدام تانک و نفربر: ۱۰۹۷ دستگاه از انواع مختلف

کشته و زخمی: ۷۴۰۰ نفر

اسیر: ۱۳۱۵ نفر

ضمنا ۴ لشکر و ۳ تیپ زرهی دشمن بین ۲۰٪ تا ۶۰٪ منهدم شد و ۹ تیپ پیاده دشمن بین ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ خسارت و تلفات را متحمل گردیدند.

ارزیابی عملیات رمضان

آنچه در عملیات رمضان قابل ملاحظه بوده و خطوطی برجسته را در تاریخ جنگ و انقلاب اسلامی ترسیم می کند، گذشته از انهدام وسیع دشمن، نفس تهاجم به داخل خاک عراق است. این امر در واقع، به معنی مقابله با تمامی فشارهای سیاسی - تبلیغاتی دنیای استکبار بود.

علاوه بر این عملیات رمضان این معنا را به غرب تفهیم کرد که جمهوری اسلامی پس از پشت سر گذاردن مرحله بیرون راندن متجاوز از سرزمینهای اشغالی، مصمم به ادامه نبرد تا تحقق خواسته های بحق خود می باشد.

گذشته از این، عملیات رمضان در بعد نظامی فراتر از توانمندیهای جمهوری اسلامی بود و عمدتا می بایست بعنوان یک تجربه، نصب العین تبیین مرحله جدید جنگ می شد. بعبارت دیگر، عملیات رمضان خاطر نشان می ساخت که با تغییر زمین نبرد و نیز اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی دشمن، استمرار جنگ نیازمند شرایطی جدید است که بدون در نظر گرفتن آنها نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد.

این شرایط عبارت بودند از:

۱ - فراهم آوردن تمامی شرایط و لوازم پیشروی.

۲ - افزایش توانائی مهندسی.

۳ - گسترش سازمان رزم بطور کلی (بصورتی که با طولانی شدن جنگ و درگیری، امکان و توانائی ادامه نبرد با دشمن را از دست ندهیم).

۴ - گسترش سازمان یگانهای زرهی، بمنظور جنگ در روز و رویاروئی با نیروهای زرهی دشمن.

عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان از دشمن

اشاره

علت و چگونگی اتخاذ تـدبیر عملیات محـدود پس از عملیات رمضان را بایستی اساسا با توجه به نتایـج برآمده از این عملیات بررسی نمود.

در عملیـات رمضـان، در واقع دشـمن خاطرنشان ساخت که با آشـنائی نسـبت به تاکتیکهای نیروهای خودی، تـدابیری مناسـب اندیشـیده و بر مبنـای آن، به توان خود در مقـابله بـا قوای نظـامی ایران افزوده است. متقابلا برای دست انـدرکاران و مسـئولین نظامی خودی نیز زمینه باور داشـتن به مسایلی که تحت الشعاع پیروزی های فتح المبین و بیت المقدس نادیده انگاشته می شد، فراهم آمـد و بـدین ترتیب روشن گردیـد که بـدون اسـتفاده از تاکتیکهـای جدیـد و ابتکـار در برابر دشـمن و نیز بـدون برنامه ریزیهای همه جانبه، بصورت بلنـد مـدت و میان مـدت، ادامه جنگ با مشـکلات و موانع عدیـده روبرو خواهد شد. گذشـته از این، مسائل دیگری در بطن نتایـج حاصـله از عملیات رمضان وجود داشت و چنین می نمایانـد که بـدون در نظر گرفتن آنها و بالطبع، با عدم اتخاذ تدابیر مناسب، ادامه جنگ ممکن نخواهد بود. از جمله اینکه:

ص: ۳۳

۱ – دشـمن سـعی داشت با بهره گیری از نیروی زرهی و آتش شدید توپخانه، هرگونه عملیات گسترده یا محدود در دشت باز را کنترل نماید و از بین ببرد.

۲ – آنچه که دشمن در جنگ رمضان به نمایش گذارد، حاوی این نکته بود که از این به بعد ادامه جنگ با اتکا به تاکتیکهای فتـح المبین و بیت المقـدس امکان پـذیر نیست. و لزوما بایـد تاکتیکهایی ویژه اتخاذ شود، زیرا شـرایط زمین و نحوه ی پـدافند دشمن و عمق و استحکامات به هم پیوسته او، تغییر کرده است.

بر مبنـای موارد یـاد شـده، جمهوری اسـلامی برای ادامه ی جنگ لزوما بایستی از آمادگی و توانی قابل ملاحظه برخوردار می شد. حضور وسیع مسئولین در امر جنگ، می توانست نقشی عمده در این زمینه داشته باشد.

از سوئی دیگر فرمانـدهی کل قوا با تأکیـد بر ضـرورت حضور نیروها در جبهه، تحت عنوان «واجب کفایی»، مجـددا ضـرورت برخورد همه جانبه با معضلات جنگ و یا بعبارتی «اصلی نمودن جنگ» را یادآور شدند.

تدبیر عملیات محدود

لزوم گسترش توان رزمی و کسب آمادگیهای لازم بمنظور ادامه جنگ تا کسب نتایج قطعی از سوی جمهوری اسـلامی، الزاما نیازمنـد زمان مناسب و فرصت کافی بود. اما از سوی دیگر، هر نوع رکود و توقف در جبهه ها و عدم اسـتفاده از زمان، تبعاتی سوء در برداشت که تن در دادن به آن، نوعی تسـلیم شـدن به فشارهای دشـمن تلقی می شـد. لـذا تدبیر عملیات محدود اتخاذ گردیـد تـا در فاصـله زمـانی مشـخص جبهه هـای جنگ از فعالیت لازم برخوردار گردنـد؛ بـدین ترتیب که با گـذشت زمان و فرصتی

که حاصل خواهد شد، گسترش و افزایش توان رزمی با بالا- بردن کیفیت نیروها از طریق آموزش، گسترش سازمان رزم و افزایش کادر فرماندهی ورزیده، انجام پذیرد.

بعبارت دیگر، ضرورت ادامه جنگ و حفظ برتری قوای اسلام و ابتکار عمل، در گرو شکستن هر نوع بن بست احتمالی بود. از اینرو لزوما بایستی کسب توان رزمی، از طریق درگیری مستمر با دشمن و گرم نگاه داشتن جو جنگ در جبهه و پشت جبهه انجام می پذیرفت، تا بدینوسیله فرصت لازم جهت بازسازی یگانهای منهدم شده و غیره از دشمن گرفته شود و نیز امکان حفظ حالت تعرضی نیروهای خودی و فراهم آوردن زمینه های جذب نیرو، که بعد از انجام هر عملیات پیروزمندانه، این زمینه مساعد می شود، فزونی یابد.

مضاف بر این اهداف، فواید دیگری در استمرار عملیات و وارد ساختن ضربات پی در پی به دشمن نهفته بود که بخشی از آن چنین است:

۱ - ایجاد خستگی و فرسایش در نیروهای دشمن بمنظور کاهش مقاومت آنها.

۲ - فرصت ندادن به دشمن برای ترمیم و بازسازی آسیب ها و ضربات وارده در طی عملیات.

۳ - مختل نمودن فکر دشمن برای ممانعت جمع بندی تجارب و بهره گیری از آنها.

۴ - گرفتن تلفات زیاد از دشمن، از طریق انهدام نیرو

۵ - تجزیه دشمن و ممانعت از عمل متمرکز

و...

در چارچوب تدابیر عملیات محدود و با لحاظ نمودن فوائد استمرار

و تسلسل عملیات، در این مرحله اساسا آنچه که تحقق یافت، دو عملیات «مسلم بن عقیل» و «محرم» بود که شرح اجمالی آن در پی می آید.

عملیات مسلم بن عقیل

عملیات «مسلم بن عقیل» که در چارچوب تدبیر عملیات محدود مورد نظر قرار گرفت، بعنوان اولین حرکت در این روند انجام پذیرفت. هدف این عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق بود.

موقعیت منطقه

ارتفاعات مهم منطقه عملیاتی واقع در غرب سومار عبارت است از: سارات با ۳۲۷ متر، سیدک با ۲۵۳ متر، دروازه ی تپه شلوغ با ۲۳۵ متر،: گیسکه با ۳۳۰ متر، و اروالین (که مرتفع ترین تپه در این منطقه می باشد)، با ۴۰۲ متر ارتفاع.

در شرق و غرب این ارتفاعات تعداد زیادی پاسگاه مرزی خودی و دشمن وجود دارد که از جمله آنها پاسگاه «دوله شریف»، «کومه سنگ» و «میان سنگ» قابل ذکر است.

تنگه «میان تنگ» که در وسط ارتفاعات قرار دارد، تهدیدی جدی در کنترل شهر مندلی محسوب می شود. لذا دشمن نیرویی عمده را برای حفظ آنها استقرار داده است.

از آنجا که ارتفاعات منطقه بمنزله مانع جهت وصول به خاک عراق محسوب می شد، برای دشمن ارزش و اهمیتی ویژه داشت و طبعا با تصرف آن، ورود به خاک عراق آسان می گردید.

دشمن با وقوف بر این امر سعی وافر داشت تا مانع از هر گونه

ص: ۳۶

پیشروی قوای اسلام و کسب برتری تاکتیکی از سوی جمهوری اسلامی بمنظور توسعه و تعمیق اهداف تاکتیکی در خاک عراق و کسب پیروزی بشود. از این رو دشمن با اطلاع از تک ما، مبادرت به تقویت نیرو و تحکیم و تعمیق موانع و مواضع پدافندی نمود؛ چنانچه یک افسر اسیر عراقی اظهار داشت: فرماندهان ما تصور نمی کردند که ایرانیها قادر خواهند بود از ۵۰ رده مین و تله های انفجاری، عبور نمایند!

شرح عملیات

عملیات مسلم بن عقیل پس از کسب آمادگیهای لازم در ساعت ۷:۴ دقیقه بامداد ۹ / ۷ /۱۳۶۱ با رمز «یا ابوالفضل العباس» به فرماندهی قرارگاه عملیاتی نجف اشرف آغاز شد. و بدنبال آن رزمندگان با عبور از میادین مین و سیمهای خاردار تنها پس از ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله شوان را فتح نمودند. و بعد از آن، به ترتیب ارتفاعات «وارولین» به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثلثی تصرف شد. و بدین ترتیب دشمن در پایان عملیات، در جلگه مستقر گردید و نیروهای خودی تسلط لازم را بر دشمن بدست آوردند.

نیروهای دشمن که در پی آماده باشهای متوالی و مکرر دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شده بودند. غالبا فاقد آمادگی لازم بودند و در هنگام آغاز تک در خواب بسر می بردند.

با روشن شدن هوا در ساعات اولیه روز ۹ / ۷ / ۱۳۶۱، دشمن اقدام به پاتک نمود که دستاورد لازم را برای نیروهای عراقی در پی نداشت و خنثی گردید.

خسارات وارده به دشمن و غنایم بدست آمده:

۱ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری

اسلامی

۲ – کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن

۳ – انهدام ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک تی – ۷۲.

۴ – به اسارت گرفتن ۲۷۵ نفر که در میان آنها تعدادی افسر هم دیده می شد.

۵ – انهدام ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشا.

۶ – به غنیمت گرفتن یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر د–۸، و ۳ قبضه توپ ۱۰۰ م.م، دوربین دار و...

۷ – سرنگون کردن ۷ فروند از هواپیمای دشمن.

عملیات محرم

منطقه عملیاتی محرم، منطقه ای کوهستانی که در جنوب شرقی دهلران در غرب عین خوش قرار دارد. دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات استراتژیک آن، که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، امتیازاتی متعدد را برای خود محفوظ نگاهداشته بود، از جمله:

۱ – از نظر پدافندی در مواضعی مطمئن قرار داشت.

۲ – جاده دهلران – عین خوش را در زیر دید و تیر خود داشت و بدین ترتیب، آن را بدون استفاده کرده بود.

۳ – می توانست به اشغال چندین حوزه نفتی و تأسیسات آن در منطقه بیات، در دو طرف مرز بین المللی و در داخل خاک عراق، ادامه دهد.

ص: ۳۸

۴ – قادر به دفاع از شهرک صنعتی طیب، زبیدات و چاههای نفت آن، چندین روستا و پاسگاه مهم در خاک عراق بود.

هدف عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات، سرکوب منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی، با راندن دشمن به دشت باز بود.

موقعیت طبیعی منطقه

مشخصه مهم این منطقه وجود ارتفاعات جبال حمرین است، که خطر مرزی قراردادی ایران و عراق قبل از تجاوز این کشور به ایران بوده، و بلندترین قله آن به ارتفاع ۴۰۰ متر، در خاک جمهوری اسلامی قرار داشته است. گذشته از تپه ۲۹۸ که در داخل خاک ما قرار دارد، تپه ۱۷۵ در داخل خاک عراق واقع شده است که مشرف بر محور وصولی و با اهمیت – عین خوش – چم سری – شرهانی – زبیدات می باشد، چنانچه می توان از روی آن، جاده اسفالته شرهانی – زبیدات را، که به لحاظ ارتباطی و تدارکاتی مهم است، با تیر منحنی و دیدبانی مناسب برای اجرایی تیر غیر منحنی مورد تهدید قرار داد.

یکی دیگر از عوارض طبیعی منطقه، رودخانه های چیخواب، دویرج و میمه است که فصلی و وحشی بوده، به هنگام طغیان، ارتفاع آب آن بعضا به ۱۰ برابر معمول (که حدود ۳۰ سانتیمتر است)، می رسد.

به لحاظ تسلط مواضع استقرار دشمن بر معابر و منطقه ی مواصلاتی نیروهای خودی، به همین علت کلیه ترددها در شب و با چراغ خاموش صورت می گرفت ضمنا منطقه کلی عملیات در حوزه ی مأموریت سپاه چهارم عراق قرار داشت و پدافند از منطقه عملیاتی محرم، به عهده لشکر ۱۰ زرهی بود.

شرح عملیات

عملیات محرم در چنـد محور و طی چند مرحله طراحی شد که مرحله اول آن دوشـنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۲۲و۸ دقیقه با رمز «یـا زینب (س)» با فرمانـدهی قرارگاه عملیاتی کربلا، با سـرعت و غافلگیری قابل ملاحظه آغاز شـد، به نحوی که کمتر از نیم ساعت پس از شـروع عملیات، قوای اسـلام توانسـتند در یک محور تعـدادی از نیروهای عراقی را به اسارت درآورنـد و در محور دیگر نیروهایی از دشمن، به استعداد بیش از یک تیپ، در محاصره نیروهای خودی قرار گرفتند و غالبا اسیر شدند.

در ساعت ۶ صبح ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۱ به اسـتثنای جناح چپ منطقه ی عملیات، کلیه یگانها اهداف تعیین شده را تصرف نمودند و پس از یکی، دو ساعت، بین کلیه نیروها الحاق حاصل شد.

از چهار قرارگاه فرعی شـرکت کننـده در عملیات، نیروهای سه قرارگاه اهـداف خود را حتی بیش از آنچه که پیش بینی شـده بود، تصـرف کردنـد. ولی یگانهـای قرارگـاه چهـارم بعلت طغیـان رودخـانه دویرج و پـاره ای مشـکلات در پشتیبانی یگانهای مانوری نیروها، نتوانستند اهداف خود را در حوالی منطقه چم هندی و ربوط بطور کامل تصرف نمایند.

نتایج مرحله اول عملیات

آزاد شدن ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی، از جمله ارتفاعات ۴۰۰، ارتفاعات ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی بیات – نهر عنبر، چم سـری و موسـیان و خـارج شـدن جاده عین خوش – دهلران از زیر دیـد و تیر دشـمن و همچنین زیر دیـد تیر قرار گرفتن شهرک طیب عراق.

تلفات و ضایعات وارده به دشمن طی این مرحله عبارت بود از:

- انهدام ۸ تا ۱۲ یگان سازمانی دشمن بین ۲۰٪ تا ۷۰٪.

- انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۳۰ دستگاه خودرو.

- سقوط ۷ فروند هواپیمای دشمن.

به غنیمت گرفتن ۴۵ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو و مقادیر معتنابهی سلاح سبک، از انواع مختلف.

ضمنا در این مرحله از نیروهای دشمن، ۲۶۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۹۷۰ نفر اسیر شدند.

مرحله دوم عملیات

علیرغم موفقیتهای حاصله از مرحله ی اول و درهم پاشیدگی و ضعف روحیه دشمن، به لحاظ عدم موفقیت قرارگاه چهارم در مرحله اول و خالی ماندن جناح چپ قوای اسلام، اساسا موفقیتهای مرحله اول در معرض تهدید بود؛ لذا مهمترین هدف مرحله دوم، ترمیم رخنه ی موصوف، با حداکثر سرعت ممکن بود.

بدین منظور مرحله ی دوم عملیات در روز سه شنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۵ / ۲ بعد از نیمه شب آغاز شد و نیروهای ما در ساعت ۵ صبح به جاده اسفالته شرهانی دسترسی پیدا کردند و در ساعت ۷ صبح با الحاقی که صورت گرفت، محاصره دشمن کامل گردید.

در این مرحله ۱۵۰ کیلومتر مربع زمین آزاد شد و مجددا ۶ یگان سازمانی دشمن، بین ۲۰٪ تا ۶۵٪ منهدم شدند.

همچنین ۱۵۰ نفر دیگر از نیروهای دشمن به اسارت قوای اسلام درآمدند.

مرحله سوم

هـدف مرحله سوم عمليـات، تصـرف کليه ارتفاعـات و دامنه هـاى غربى حمرين و جاده ها و مراکز مهم عملياتى و ايجاد تأمين لازم براى جاده اسفالته ى چم سرى، شرهانى، زبيدات و همچنين جاده شنى زبيدات - طيب بود.

به همين منظور، در روز دوشنبه ۱۵ / ۸ / ۱۳۶۱ ساعت ۱۰ شب عمليات مرحله سوم آغاز شد و پس از يک نبرد نسـبتا گسترده بعلت مقاومت پراکنده دشمن، و عدم پاکسازى منطقه، در ساعت ۸ صبح فرداى آن، پايان گرفت.

وارد ساختن ضـربات پى در پى در عمليات محرم و موفقيتهاى حاصـله، دشمن را هراسناک ساخت، چنانچه از ترس محاصره و انهدام بيشتر، از محور ربوط و چم هندى پا به فرار گذاشت و مقادير بسيار ديگرى از خاک جمهورى اسلامى آزاد شد.

نتايج مرحله سوم عمليات

آزاد شدن ۳۰۰ کيلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسـگاههاى زبيدات، شـرهانى، ابوغريب و... و تأسيسات نفتى منطقه (۳۰ الى ۳۵ حلقه چاه نفت)، از نتايج اين مرحله از عمليات بود.

ضمنا در پايان مرحله سوم عمليات محرم، در مجموع ۱۴ تيپ عراق بين ۵۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گرديد.

تجهيزات دشـمن که طى اين مرحله از عمليات منهدم شد، عبارت بود از: ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، ۱۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ و ۳ فروند هواپيما.

غنـائم بـدست آمـده در مقایسه با مرحله دوم، چشـمگیرتر بود و ۹۴ دسـتگاه تانـک و نفربر، ۱۵۰ دسـتگاه خودرو، و ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ و... در میان غنائم مشاهده می شد.

نیروهای شرکت کننده در عملیات

چهار لشـگر پیاده از سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی، و یک تیپ از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسـلامی در عملیات شرکت داشتند و یک تیپ از سپاه پاسداران نیز در احتیاط قرار داشت.

قابل ذکر است که سپاه پاسداران در این عملیات توانست از تانکها و توپخانه غنیمتی خود استفاده ی مناسبی بعمل آورد.

ص: ۴۳

عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱

عملیات والفجر مقدماتی

پس از عملیـات محرم چنین پیش بینی می شـد که دستیـابی به شـهر العمـاره عراق دور از امکان نیست بر این اساس بخشـی از زمین شمال شهر العماره، که بین مثلث فکه، چزابه، غزیله، محصور بود، مورد نظر طراحان نظامی قرار گرفت.

یکی از مسائـل مطروحه، به هنگام عملیات والفجر مقـدماتی، همزمانی عملیات با دهه ی فجر و دیگری برگزاری کنفرانس غیر متعهـدها در هنـد بود. همچنین موفقیت هـای بـدست آمـده در دو عملیـات مسـلم بن عقیل و محرم، مجموعا نقش بسـزایی در شکل گیری خطوط تبلیغاتی آن مقطع داشت (۱) .

ص: ۴۴

۱- ۱۰. البته مسائل دیگری وجود داشت که نقد و بررسی آن نیازمند شرایط و موقعیت مناسبتری می باشد.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به «میشداق» و «برقازه» و از جنوب به «هورالهویزه»، از شرق به «چزابه» و شهر «بستان» و از غرب به شهر «العماره» عراق و رودخانه دجله منتهی می شد.

در منطقه ی مزبور رودخانه های متعددی وجود دارد، از جمله رودخانه دویرج، که از کوههای شمالی منطقه سرچشمه گرفته و به «هورالسناف» می ریزد و رودخانه ی میمه که سرچشمه ی آن ارتفاعات ایلام است و در آخر به «هور بن عمران» (جنوب هورالسناف) منتهی می شود.

هدف و مأموریت

عملیات والفجر مقدماتی با هدف تصرف پل غزیله و سپس در صورت امکان، دستیابی به شهر العماره ی عراق، طراحی گردید.

مسئله قابل توجه در این عملیات، بکارگیری نیروی زرهی بود که این امر عمدتا به لحاظ بعد مسافت و عمق منطقه عملیاتی در نظر گرفته شده بود.

همچنین در این عملیات، ۱۳ یگان اعم از تیپ و لشکر از سپاه پاسداران و ۳ یگان از ارتش مشارکت داشتند.

شرح عملیات

هنگام آغاز عملیات، مسئولین سطح بالای کشور در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) حضور بهم رسانیدند.

در ساعت ۳۰ / ۲۱ دقیقه روز ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۶۱ رمز عملیات به شرح زیر قرائت گردید:

«بسم الله الرحمن الرحیم، و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین. قد تری ما انا فیه ففرج عنا یا کریم، یا الله، یا الله، یا الله.

به مظلومیت علی اصغر و به ذوالفقار برنده ی ولی المؤمنین و قهاریت رب العالمین به پیش»

بدنبال آن، عملیات از سه محور آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب، پیشروی خود را بمنظور پاکسازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، آغاز نمودند، وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانالهای متعددی که دشمن برای ایجاد آنها در طول بیش از چند ماه کوششی قابل ملاحظه انجام داده بود، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، علیرغم شکسته شدن خط، بعلت اینکه تاریکی شب رو به پایان نهاد، قبل از آنکه پاکسازی انجام بگیرد، طبیعی بنظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد.

در واقع تاریکی مطلق شب، عدم الحاق و پاکسازی، عمق و وسعت میادین مین دشمن، هوشیاری و تسلط آنان و اطلاع قبلیشان نسبت به وقوع عملیات، عمده موانع و عوامل بازدارنده ای بود که منجر به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات شد.

علیرغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و... مرحله ی دوم عملیات به منظور ضربه زدن به دشمن، انهدام تجهیزات، و وارد کردن تلفات آغاز گردید. به لحاظ ناهماهنگی در نیروهای عمل کننده و عدم رعایت برخی مسائل امکان

غافلگیری دشمن کاملا از بین رفته بود و دشمن از هوشیاری کافی برخوردار شده بود لذا در مرحله ی اول آسیب جدی به نیروهایش وارد نیامد. بهمین جهت پیش بینی موفقیت تا اندازه ای غیر معقولانه بنظر می رسید.

در والفجر مقدماتی، موانع و تاکتیکهای جدید دشمن مسئله ای حائز اهمیت و نیازمند مداقه بود؛ زیرا از ابتدای پیشروی نیروهای خودی، از نقطه رهائی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا بصورت عارضه طبیعی منطقه، وجود داشت که به ترتیب عبارت بودند از:

۱ - حدود ۸ الی ۱۰ کیلومتر رمل.

۲ - یک سری میادین مین که از قبل تعبیه شده بود.

۳ - سیم خاردار حلقوی به عرض ۶ حلقه.

۴ - مواضع کمین.

۵ - سیم خاردار معمولی.

۶ - میدان مین با عمق زیاد.

۷ - سیم خاردار حلقوی.

۸ - کانال به عرض ۳ الی ۴ متر که تا ۹ متر نیز می رسید.

۹ - سیم خاردار حلقوی.

۱۰ - میدان مین با عمق زیاد.

۱۱ - سیم خاردار حلقوی.

۱۲ - کانال دوم با مشخصات کانال اول (بند ۸).

۱۳ - سیم خاردار حلقوی.

۱۴ - میدان مین.

۱۵ - خط اول دشمن که از سنگرهای متعدد و تعبیه کانال در زمین (مشابه شرق بصره) تشکیل شده بود.

ص: ۴۷

۱۶ – خط دوم دشمن (پس از خط دوم مجددا ۳ راه دیگر کانال وجود داشت.)

دشمن با این اقدامات، در واقع آنچه را بصورت تجربه از عملیاتهای گذشته بدست آورده بود (که اندکی از آن را در عملیات رمضان بکار بست)، تقریبا بصورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بکار گرفت.

دشمن سعی داشت با موانع یاد شده تا حد امکان در پیشروی قوای اسلام تأخیر ایجاد کند. از اینرو موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می شد و از طرفی بطور طبیعی توان نیروی تک ور را، جهت تأمین اهداف در شب، می گرفت.

گذشته از این، گرفتن جناح و بکارگیری نیروی احتیاط دو مسئله قابل توجه بود که در تاکتیکهای دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

مسئله دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و بطور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، لذا نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاـ سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم، با وارد کردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف شده را باز پس بگیرد.

عملیات والفجر ۱

مدتی پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱

ص: ۴۸

در شمال غربی منطقه قبلی – از ارتفاعات حمرین تا فکه – طراحی شد و مورد نظر قرار گرفت. هدف اصلی این عملیات در درجه اول تک به جبال حمرین و تکمیل تصرف آن (۱) و نیز دست یابی به جبل فوقی بود تا بدین وسیله پس از تسلط بر ارتفاعات منطقه، دشمن را مجبور کنند تا در دشت قرار بگیرد و مقدمات پیشروی به عمق فراهم آید.

موقعیت منطقه

زمین منطقه عمدتا تپه ماهور و کوهستانی است و ارتفاعات مهمی مانند: ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۸ و... را در خود جای داده است. اکثر این ارتفاعات در منطقه جنوبی عملیات و در امتداد جنوب شرقی جبال حمرین واقع است و به شکل دهلیزی صخره ای نمایان است؛ به این صورت که از غرب رودخانه دویرج به بعد، بلندی ارتفاعات افزایش می یابد تا اینکه در قسمت بالای آن، دو دهلیز وسیع را تشکیل می دهد؛ بطوریکه ارتفاعات مهم منطقه بر روی این دو یال قرار می گیرد.

همچنین پس از دشت سمیده، در این قسمت ارتفاعات جبل فوقی بموازات جبال حمرین شروع می شود، و پس از آن، آب گرفتگی و باتلاقهای هورالهلغل و هورالسناف قرار گرفته است.

غیر از پاسگاههای مرزی (پیچ انگیزه، بجلیه، سمیده، صدام و...) و تأسیسات نفتی سمیده و نیز تأسیسات نفتی بزرگان در پشت جبل فوقی، تا شهر العماره عوارض مصنوعی برجسته ای وجود ندارد.

۱- ۱۱. در عملیات محرم قسمتی از جبال حمرین همچنان در اختیار دشمن قرار داشت.

طرح عملیات و مأموریت

قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء (ص) عملیات والفجر ۱ را از دو محور شمالی و جنوبی به فرماندهی قرارگاه کربلا (راست) و نجف (چپ) طراحی نمود و پس از آن سازمان رزم عملیات بصورت مشترک تعیین شد. در این عملیات، ۸ لشکر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۲ لشکر و ۳ تیپ به اضافه ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مشارکت داشتند. بعبارت دیگر در حدود ۸۰ گردان از سپاه و نزدیک به ۳۰ گردان از نیروی زمینی مأموریت عملیات را بر عهده گرفتند.

شرح عملیات

در تاریخ ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۳ عملیات والفجر ۱ با رمز زیر آغاز شد:

«بسم الله الرحمن الرحیم، یاالله. یاالله. یاالله وانصرنا علی القوم الکافرین، یا محمد (ص) یا امیرالمؤمنین یا فاطمه الزهرا... با توکل بر خدا به پیش».

یگانهای عمل کننده به تناسب طرح مانور و مأموریتهای تعیین شده، با اختلاف کمتر از یک ساعت، با دشمن درگیر شدند. در قرارگاه عملیاتی کربلا نیروها در دو جناح چپ و راست در عمق پیشروی کردند و پس از انهدام نیروهای دشمن، نظر به اینکه محور وسط پاکسازی نشده بود و نیروهای خودی از جناحین تهدید می شدند، با نزدیک شدن روشنایی هوا دستور داده شد که از ادامه پیشروی خودداری کنند.

در محور قرارگاه عملیاتی نجف، چند ارتفاع مهم منطقه پاکسازی شد و نیروها بر روی آنها و نیز در داخل کانالهای ارتباطی و سنگرهای

دشمن هجوم برده، در آنجا مستقر شدند.

مسئله قابل ذکر در این محور، عملکرد چشمگیر و ابتکاری یکی از یگانهای سپاه در جناح چپ محور جنوبی است، بطوریکه نیروهای دشمن دور خورده و بطور کامل منهدم شدند.

دشمن صبح روز اول با استفاده از ارتفاعاتی که به تصرف نیروهای خودی درنیامده بود، از جمله ارتفاع مهم ۱۶۵ (مشرف بر پاسگاه و شیار بجلیه) اقدام به تقویت نیروهای موجود در منطقه کرد و سپس پاتکهای خود را با حجم آتش زیاد آغاز نمود، بصورتیکه تا ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به همین شکل پنج پاتک را تدارک و اجرا کرد.

در شب دوم، ارتفاع ۱۶۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد؛ لیکن با روشن شدن هوا و اجرای آتش شدید از سوی دشمن، این ارتفاع طی همان روز دوبار میان نیروهای خودی و دشمن رد و بدل شد.

در روز سوم عملیات، نیروهای دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات ۱۶۵ و سپس اجرای آتش شدید و بهره گیری از هلی کوپتر، مجددا پاتکهای خود را از سر گرفتند که مقاومت رزمندگان طی این روز چشمگیر و قابل توجه بود.

در شب چهارم، نیروهای خودی مجددا تلاشی به منظور تصرف ارتفاعات ۱۶۵ انجام دادند؛ لیکن دشمن که هوشیار شده و اهداف عملیات را درک کرده بود، به مقابله با تعرض نیروهای خودی پرداخت.

در روز چهارم و پنجم، جنگ با شدت تمام بر روی ارتفاعات تصرف شده ادامه داشت و در برخی از ارتفاعات، نبرد تبدیل به جنگ تن به تن شده بود.

طی این درگیریها ارتفاعات منطقه چندین بار رد و بدل شد. لیکن علیرغم عبور موفق نیروها از موانع و شکستن خط دشمن و نیز بکارگیری

نسبتا مناسب آتش توپخانه و تلفات قابل ملاحظه ای که به دشمن وارد شد، درگیریها بمرور کاهش یافته، نیروهای خودی در مواضع مناسب اقدام به پدافند کردند.

نتایج عملیات، بنقل از اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء:

کشته و مجروح ۸۵۰ نفر

اسیر ۳۵۰ نفر

انهدام تانک ۹۸ دستگاه

انهدام هلی کوپتر ۵ فروند

انهدام سه واحد ۵۵۰ نفری جیش الشعبی

انهدام سه گردان کماندوئی

انهدام ۱۳ تیپ پیاده مکانیزه

انهدام ۴ گردان مکانیزه

ص: ۵۲

عملیات والفجر ۲ و ۳ و ۴

اشاره

پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی و ۱، همان مسایلی که لزوما بایستی پس از نبرد رمضان مورد نظر قرار می گرفت و به آن عمل می شد، مجددا به شکلی عمیق تر مطرح شد. این بار ضرورت گسترش سازمان رزم و اتخاذ تاکتیکهای ویژه، شکل و اهمیتی تازه بخود گرفته بود و چنین می نمود که بدون تعهد عملی به آن، امکان ادامه جنگ، بدور از موانع و معضلات عدیده نخواهد بود.

سپاه پاسداران با درک ضرورتهای یاد شده و وضعیت موجود، بدنبال راه کار مناسبی بود که در طی آن تصور هر گونه بن بست در جنگ را درهم شکسته، فضای مناسبی را به منظور ادامه نبرد، فراهم آورد. لذا با استفاده از ویژگی ضعف دشمن و نیز در نظر گرفتن اصل غافلگیری، عملیات در منطقه هورالهویزه طراحی شد؛ اما کسب آمادگی لازم و انعطاف مناسب با موقعیت عملیات در هور، نیازمند زمان بود؛ از این رو هر آنچه ضرورت اتخاذ استراتژی عملیات محدود را پس از عملیات رمضان موجب شده بود، مجددا مطرح شد و بر این اساس پس از بحث و بررسی فراوان، سه عملیات: والفجر ۲، در منطقه عملیاتی حاجی عمران، والفجر ۳، در مهران و والفجر ۴، در پنجوین عراق، طراحی شد و مقرر گردید که

ص: ۵۳

عملیاتهای یاد شده از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

۱ - با توجه به موقعیت زمانی و مسائل پس از والفجر مقدماتی و ۱ با سرعت عمل شود.

۲ - از نیروی کمتری استفاده شود.

۳ - از تلفات و ضایعات خودی کاسته گردد، به نحوی که به سازمان سپاه آسیب عمده وارد نشود.

۴ - حتما امکان پیروزی عملیاتها تضمین شده باشد.

بر این اساس، مقرر شد طی زمانی کوتاه با ویژگیهای چهارگانه فوق بصورتی پی در پی انجام پذیرد تا در این فاصله مقدمات عملیات اصلی (خیبر) فراهم شده و بسیج و جذب نیروهای مردمی به اندازه کافی صورت بگیرد.

عملیات والفجر ۲

عملیات والفجر ۲ در منطقه غرب پیرانشهر، در حد فاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین، با اهداف زیر تدارک دیده شد:

۱ - انهدام نیروی دشمن و گرفتن اسیر

۲ - تجزیه نیروی دشمن

۳ - تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه

۴ - تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی

موقعیت طبیعی منطقه و اهمیت آن

پادگان حاج عمران در موقعیتی سوق الجیشی واقع شده است؛ بدین ترتیب که از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو و از شرق به ارتفاعات تمرچین و

شهر مرزی پیرانشهر، و از غرب به تنگه در بند و شهر چومان مصطفی عراق، محدود می شود.

ارتفاعات مهم این منطقه، عبارتند از: ۲۵۱۹ «گرده مند»، ۲۹۹۹ «کدو»، ۲۵۰۶، ۲۵۰۰ «دربند»، و ۳۰۰۰ «برزین» و ارتفاع ۲۴۳۵ «گرده گو» همچنین قابل ذکر است که ارتفاعات یاد شده مشرف بر ارتفاعات پیرانشهر و جاده پیرانشهر - نقده، پادگان پیرانشهر و نیز جاده پیرانشهر - سردشت و بالعکس بر چومان مصطفی، دیانا و رواندوز از شهرهای عراق، می باشد.

آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزود، اساسا تبعات بعدی آن بود که قسمتی از آن چنین است:

۱ - تسلط بر تردد ضد انقلاب و کنترل آن.

۲ - ایجاد تسهیلات و پشتیبانی لازم از اکراد مسلمانان و مبارز عراقی

۳ - فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق

۴ - حفظ پیرانشهر از هر گونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی

۵ - زمینه سازی نزدیکی بیشتر به شهر و تأسیسات نفتی کرکوک

موقعیت دشمن در منطقه

دشمن در سراسر منطقه، سه رده خط پدافندی داشت که هر رده ی آن پوشیده از موانع و استحکامات بود. همچنین در اطراف پایگاهها سیم خاردار و میادین مین نصب و تعبیه شده بود و بر روی ارتفاعات، نورافکن قرار داشت.

استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی، به عنوان نیروی درگیر، و یک تیپ پیاده، در احتیاط منطقه بود. علاوه بر

این دشـمن در منطقه ۲ آتشبار ۱۰۰ م.م، یـک توپ ۱۷۵ م.م و یک آتشـبار ۱۲۲ م.م و نیز یـک آتشـبار ۱۳۰ م.م در چومـان مصطفی داشت.

دشمن در مجموع بیش از ۳۰ پایگاه در منطقه داشت که ۲۰ پایگاه آن اصلی و قوی بود که از کل آن ۱۵ پایگاه بطور کامل از سوی نیروی خودی شناسائی شد، در پایگاههای یاد شده، کمترین نیروی دشمن ۳۰ نفر و بیشترین آنها در حد یک گردان برآورد می شد.

مأموریت و طرح مانور

مبنای طرح مانور، عملیات تک دورانی (دور زدن دشـمن) بود تا بـدین وسـیله هر گونه فرصت عکس العمل از دشـمن گرفته شود، بـدین ترتیب که ۴ گردان سـمت راست و ۳ گردان سـمت چپ وارد عمـل می شدنـد و پس از دور زدن ارتفاعـات، در تنگه دربند الحاق می نمودند و نهایتا پاکسازی بطور کامل انجام می پذیرفت.

سازمان رزم و نحوه ادغام نیروهای سپاه و ارتش بدین شکل بود که مجموعا ۱۶ گردان از سپاه و ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش در عملیات شرکت داشتند.

همچنین پشتیبـانی عملیـات از سوی هوانیروز، بـا توجه به موقعیت منطقه و صـعب العبور بودن ارتفاعـات، برحسب مقتضـیات و امکانات موجود پیش بینی شد.

نظر به اینکه در طی چنـد سـال جنـگ، در این منطقه عملیـات منظمی صورت نگرفته بود، لـذا منطقه به کـار مهندسـی و آماده سازی نیاز داشت.

از شهر پیرانشهر تا پادگان حاج عمران، تنها یک جاده وجود داشت که به دلیل عدم رسیدگی و ترمیم آن، خودبخود غیر قابل استفاده

شـده بود. بـدین ترتیب در طی مـدت زمـانی که مهندسـی بطور فعال وارد عمل شـد، ۱۵ جـاده بر روی ارتفاعـات و در داخل شیارها احداث گردید.

شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۲، عملیات والفجر ۲ با رمز «یاالله» آغاز شد. قسـمتی از نیروهای خودی ۲۴ ساعت قبل از آغاز تک، به منظور دور زدن دشـمن، از خط عزیمت خود حرکت نمودند و پس از ۲ ساعت راهپیمایی موفق شدند خود را به مناطق تعیین شده رسانده، برای شروع عملیات اعلام آمادگی کنند.

علیرغـم اینکه نیروهـا پس از ۲ سـاعت تـأخیر در تمامی محورها، با دشـمن درگیر شدنـد، لیکن پیشـروی قابل توجهی صورت گرفت. امـا از آنجـا که دشـمن بر ارتفاعـات سرکوب منطقه تسـلط داشت. آتش شدیـد توپخـانه اش عملاـ مـانع از تکمیـل و دستیابی به تمامی اهداف عملیات شد، بطوریکه همچنان ارتفاعات «کینگ»، ۲۵۱۹، «بردسر» و «دربند» را در اختیار داشت.

در ادامـه عملیـات در صـبح روز ۳ / ۵ / ۱۳۶۲، روسـتای رایات به دست نیروهای خودی تصـرف شـد و ضـمن محاصـره چند روستای دیگر، گمرک جاده پیرانشهر – حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آنکه نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات ۲۵۱۹ تسـلط یافتنـد، دشـمن طی دو نوبت به ارتفاعات یاد شـده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشـینی شـد و در نوبت دوم توانست بر قسـمتی از آن تسـلط یابـد. امـا پس از آنکه هوانیروز امکـان یـافت که نیروهای خودی را تـدارک کنـد، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند و بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ بطور کامل به تصرف نیروهای خودی درآمد.

همچنین دشمن در تاریخ ۵ / ۵ / ۱۳۶۲، با ۱۶ فروند هلیکوپتر و با استفاده از هلی برد به یال ارتفاعات کلو حمله کرد که در پی آن ۶ فروند هلی کوپتر خود را از دست داد. یکی از این هلیکوپترها مملو از نیرو بود.

نیروی دشمن که در پاتکها شرکت داشتند، مجموعا تیپ ۶۶ نیروی مخصوص، تیپ ۵، و تیپ ۹۱ پیاده و نیز تیپ ۱۱۳ و ۴۳۳ پیاده کوهستانی را شامل می شد.

قابل ذکر است که به لحاظ اهمیت منطقه، صدام در شهر دیانا حضور پیدا کرد و از آنجا به تشویق و ارعاب و تهدید نیروهای شکست خورده عراقی پرداخت. همچنین بنا به اظهارات اسرا، فرمانده تیپ ۹۱ پیاده، از اهالی کردستان عراق، به دستور صدام در شهر دیانا اعدام شد.

دستاورد و نتایج عملیات

عملیات حاج عمران، با آزادسازی ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن و تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب منطقه، به پایان رسید. طی این عملیات، مناطق زیر به تصرف نیروهای خودی درآمد: پاسگاه مرزی تمرچین عراق، پادگان حاج عمران، گمرک مرزی، سلسله ارتفاعات «کلو» و قله استراتژیک (۳۰۰۰ متری) آن، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گردمند)، «سرسول»، «آزادی»، ۳۷۰۰ «سلمان»، ۲۴۰۰ «شیوه کارتا»، «بردزرد»، همچنین آزادسازی روستاهای زینو «ممی خلان»، «رایات»، «شیوش»، «خوارو»، «میوتان» بالا و میوتان پائین، از نتایج این عملیات بود.

تسلط رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی و... نیز قسمت دیگری از دستاوردهای این عملیات محسوب می شد.

غنائم بدست آمده

در میان غنائم، چندین قبضه توپ ۱۲۲ م.م، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، دهها دستگاه تفنگ ۱۰۶ با ماشین، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار معتنابهی سلاح و مهمات، که از انبار پادگان حاج عمران بدست آمده بود، بچشم می خورد.

همچنین یک انبار بزرگ مهمات در روستای ممی خلان وجود داشت که دشمن پس از عقب نشینی، با بمباران، تمامی آنرا منهدم کرد.

مجموع کشته ها و زخمیهای دشمن به بیش از ۴ هزار نفر رسید، ۲۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند و نزدیک به ۵۰ پایگاه دشمن نیز منهدم و یا تصرف گردید. همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مأمور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بیشماری بدست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهکهای کومله و دمکرات با حکومت عراق بود.

عملیات والفجر ۳

قرارگاه عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام عملیات، منطقه عمومی مهران را با اهداف زیر، انتخاب نمود:

۱ – آزادسازی شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن

۲ – ایجاد سهولت در برقراری ارتباط شهرهای دهلران – مهران و نیز ایلام – مهران

۳ – تحمیل خطوط پدافند به دشمن و کشاندن وی از ارتفاعات به دشت

۴ – انهدام دشمن

۵ – باز پس گیری ارتفاعات و عوارض حساس زالوآب (که

متعلق به جمهوری اسلامی بود)

دشـمن پس از عقب نشینی از مهران، که بـدنبال عقب نشینی سراسـری انجـام گرفت، ارتفاعـات سـرکوب منطقه را در اختیار داشت تـا بـدین وسـیله امکـان دستیـابی به مهران را برای خـود محفـوظ بـدارد و نیز بـا اسـتقرار بر روی ارتفاعـات، گذشـته از محافظت از شـهر بدره ی عراق، با نیرویی کمتر منطقه را پدافند نماید. حال آنکه عقب راندن دشمن از روی ارتفاعات، پدافند در دشت را به عراق تحمیل می کرد و این امر طبعا به نیروی بسیار نیاز داشت.

موقعیت منطقه

در منطقه دشت مهران، دو رشـته ارتفاعـات وجود دارد: در شـمال، ارتفاعـات زالوآب و کـانی سـخت و نمه کلان بو است که قسـمت عمـده آن در خـاک ایران قرار دارد و در جنوب، ارتفاعات «قلاویزان» واقع است که مرز ایران - عراق را مشـخص می سـازد. بین دو ارتفاع یاد شـده، دشت مهران و «دشت ورمهراز» و «زرباطیه» عراق واقع است؛ در قسـمتی از ارتفاعات زالوآب و کانی سـخت، مرز مشترک ایران و عراق قرار دارد که در سـمت غربی آن، ارتفاعات نمه کلان بو، با قللی بیش از ۲۰۰ و کمتر از ۴۰۰ متر ارتفـاع، واقع است. همچنین ارتفاعـات زالوآب، که دارای تپه هائی به ارتفاع ۳۴۳، ۳۲۵، ۳۴۰ و ۳۱۰ می باشد، در سمت شرق «نمه کلان بو» قرار دارد که مهمترین ارتفاع آن معروف به کله قندی دارای ۳۶۳ متر ارتفاع است.

همچنین در امتداد جاده، مهران - ایلام در شـمال شـرقی مهران، تنگه «کنجانچم» قرار دارد که به منزله گلوگاه ورود به دشـت مهران، از طرف ایلام، به نظر می رسد و ارتفاعات کله قندی تسلط کامل بر این تنگه

دارد.

طرح مانور

بـا توجه به مختصات جغرافیائی منطقه و اهمیت استراتژیک آن، عملیات به ترتیب در سه محور زالوآب و نمه کلان بو، دشت مهران، و قلاویزان، به منظور تـأمین اهـداف از پیش تعیین شـده، طراحی شـد. در این عملیـات نیروی زمینی ارتش جمهـوری اسـلامی، بـا اسـتعداد یـک تیپ زرهی (که در خـط داشت) و یـک گردان نیروی پیـاده و سـپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی، به استعداد ۳ لشکر، ۲ تیپ، یک تیپ منهای پیاده و یک تیپ زرهی، به صورت ادغامی وارد عمل شدند.

شرح عملیات

عملیات در تاریـخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب، بـا رمز «یـا فاطمه الزهرا» (س)، آغاز شـد. محور شـمالی عملیات، قبلا جاده ۴۹۰، با غافلگیری، تا پشت نمه کلان بو کشـیده شـده بود و تعـدادی قاطر، جهت ترابری یکروزه، تا تکمیل جاده، منظور شـده بود.

بـا شـروع عملیات در این محور، شب اول ارتفاعات نمه کلان بو تصـرف و تأمین گردیـد و برای شب دوم، جاده ۴۹۰ (که در رابطه بـا عقبه نیروهـای خودی نقشـی تعیین کننـده و سـرنوشت ساز داشت) با ماشـین آلات مهندسـی، کامل شـد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در محور میانی (دشت مهران) از پاسـگاه دوراجی تا فرخ آباد، با پشت سـر گذاردن جاده مهران - ایلام، هدفها تأمین گردید و سپس جهت پدافند خاکریز احداث شد. ضمنا ۶۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

ص: ۶۱

در محور جنوبی علیرغم موفقیتهای چشمگیر اولیه، از آنجا که فرصت لازم برای احداث خاکریز از یال قلاویزان به سمت فیروزآباد (در دشت مهران) و از آنجا به فرخ آباد، بدست نیامد، لذا اهداف این محور بطور صددرصد تأمین نگردید.

در محور شمالی، با توجه به اهمیت ارتفاعات زالوآب و کله قندی (که دومی مسلط بر تنگه میان تنگ است)، علیرغم اینکه کله قندی در محاصره نیروهای خودی قرار داشت، دشمن تلاش فراوان می کرد که به هر نحو که ممکن است کله قندی را از محاصره خارج کرده و بر روی آن استقرار یابد.

بدین منظور دشمن نزدیک یک هفته به وسیله هلی کوپتر به نیروهای تحت محاصره خود با اسلینگ آذوقه و کمک می رساند.

از سوی دیگر سعی وافر داشت که خط خودی را در دوراجی شکسته، با جناح چپ الحاق کند تا بدین وسیله صرفنظر از شکسته شدن محاصره کله قندی، با محاصره ی نمه کلان بو تمامی موقعیت جناح شمالی عملیات را متزلزل نماید و پس از آن محور میانی را از دشت مهران پس بزند.

بر این اساس و با توجه به روند حرکتهای دشمن، در محور «دوراجی» و «نمه کلان بو»، مقاومت چشمگیری بعمل آمد که بعنوان نمونه به یک مورد آن اشاره می شود:

در میان نیروهای اعزامی یک گردان بسیجی بمنظور دفاع، در منطقه مستقر شده بود که پس از تأمین اهداف عملیات در «دوراجی» به خط منتقل گردید. اتفاقا فشارهای دشمن مصادف با حضور این نیروها شد.

چنین به نظر می رسید که نیروهای یاد شده تاب مقاومت در مقابل

فشارهای سرسام آور دشمن را نداشته باشند؛ لیکن برخلاف تصور، گردان مزبور به خوبی از عهده مهار حرکتهای دشمن - که خود را به هر طرف می کوبید - برآمد و با این حماسه،نه تنها از موفقیتهای محور شمالی عملیات حراست نمود، بلکه مانع از رخنه دشمن در جبهه میانی نیز شد.

پس از دفع پاتک دشمن از محور دوراجی، نیروهای گردان یاد شده از فرط خستگی در زیر آفتاب سر را بر روی خاک گذارده، به استراحت پرداختند.

از سوی دیگر، دشمن یک گردان از نیروهای پیاده خود را به یکی از شیارهای پشت ارتفاعات منتقل کرده بود تا شب را در آنجا استراحت کنند و صبح با آغاز روشنائی هوا پاتک خود را با رعایت غافلگیری انجام دهند. در این میان، نیروهای شناسائی بطور غیر منتظره با حضور نیروهای عراقی در داخل شیار مواجه می شوند که بلافاصله موضوع به اطلاع یکی از یگانهای سپاه می رسد و شیارها زیر آتش شدید خمپاره قرار می گیرد که در نتیجه، از نیروهای دشمن جز تعدادی انگشت شمار، جان سالم بدر نبرده، تماما در داخل شیار به هلاکت می رسند.

نظر به اینکه مقاومت نیروهای دشمن در کله قندی نقشی مؤثر در امیدواری دشمن جهت انجام پاتک داشت، لذا پس از گذشت ۱۱ شب از محاصره نیروهای دشمن، شهید حاج همت، فرمانده لشکر محمد رسول الله (ص)، بمنظور درهم کوبیدن مقاومت دشمن با نیروهای تحت فرماندهی خود اعزام گردید و در همان شب بلافاصله وارد عمل شد و بدین شکل، زائده ی حاصله از حضور دشمن، پاکسازی گردید.

لازم به تذکر است که فرمانده دشمن در کله قندی، سرهنگ جاسم یعقوب بود که در هنگام اسارت جراحات متعددی برداشته بود و در

حین انتقال به خطوط پشت جبهه به هلاکت رسید.

نتایج عملیات والفجر ۳

۱ - آزادسازی جاده ایلام - مهران - دهلران

۲ - آزادسازی ارتفاعات زالوآب و نمه کلان بو

۳ - آزادسازی دشت مهران

۴ - برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران

همچنین خسارات وارده به دشمن و نیز غنائم بدست آمده به شرح زیر بود:

۱ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی کوپتر، ۱۰ انبار مهمات، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۶۰ قبضه تیربار، ۳۳ دستگاه خودرو. همچنین بیش از ۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دشمن منهدم گردید.

در میان غنائم، ۱۵ دستگاه خودرو، ۵ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۳ دستگاه تانک، بیش از ۱۸۰۰ قبضه تیربار، بیش از ۵۱ قبضه خمپاره ۸۰ و ۱۲۰ و مقادیر قابل توجهی سلاح و تجهیزات انفرادی، بچشم می خورد.

ضمنا هنگام کمک رسانی دشمن به ارتفاعات زالوآب - که با هلیکوپتر صورت گرفت - مقدار زیادی غنائم بدست آمد.

همچنین ۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده، ۵۰۹ نفر به اسارت درآمدند.

ص: ۶۴

عملیات والفجر ۴

هدف از عملیات والفجر ۴، اتصال ارتفاعات سورن به سورکوه بود که نتایج زیر را در پی داشت:

۱ – تصرف پیشرفتگی دشت شیلر تا بدین وسیله، گذشته از کوتاه شدن خط پدافندی، در نیروهای پدافندی نیز صرفه جوئی بعمل آید.

۲ – مسدود ساختن راه تردد ضد انقلاب که عمدتا از دشت شیلر انجام می شد.

۳ – تصرف شهر پنجوین عراق

۴ – تصرف پادگان پنجوین و گرمک عراق

۵ – تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق

۶ – انهدام نیروهای دشمن

۷ – خارج کردن شهر مریوان از زیر دید و تیر دشمن

۸ – فراهم سازی مقدمات عملیات در استان سلیمانیه عراق

موقعیت منطقه عملیاتی

دشت شیلر با فرورفتگی خاص خود، واقع در مرز دو کشور ایران و عراق و در حد فاصل دو شهر مریوان و بانه قرار دارد. این منطقه از جمله مناطقی است که طی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به دلیل وجود ارتفاعات جانبی آن، به شکل مزبور (فرورفتگی در داخل خاک ایران) تعیین شد.

از جمله مهمترین ارتفاعات این منطقه، سورن، سورکوه و کانی مانگا است که دهانه دشت شیلر را تشکیل می دهد. همچنین در دشت شیلر، شهر پنجوین قرار دارد که ارتفاعات مشرف بر آن، پنجوین یا

زله نامیده می شود.

ضمنا شـهر پنجوین عراق، شـهری نظامی است که مـدتها قبل از عملیات والفجر ۴ از سـکنه بومی تخلیه شده بود. دشـمن نیز با اطلاع از عملیات والفجر ۴، خصوصا هنگام دستیابی بر ارتفاعات مشـرف بر شـهر، بخشـی عمده از شهر را منهدم نمود و بویژه تابلوها و نشانه هائی را که حاکی از موجودیت شهر بود، از میان برد.

طرح مانور

نظر به موقعیت منطقه و ارتفاعات یاد شـده، که تسـلط بر هر کـدام قسـمتی از اهداف عملیات را تأمین می نمود، عملیات از دو محور عمده (یکی بانه و دیگری مریوان) طراحی گردید.

مرحله اول: در محور بانه تأمین ارتفاعات لری، گرمك و کنگرك و در محور مریوان، ارتفاعات پنجوین (زله)، مارو و خلوزه، هدف بود.

مرحله دوم: تصرف ادامه ارتفاعات سورن و کانی مانگا بود که عملیات را تکمیل نموده، ارتفاعات سورن به سورکوه را به هم متصل می کرد.

سازمان رزم عبارت بود از: ۸ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر پیاده از ارتش.

شرح عملیات

عملیات در تاریـخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۴ بـا رمز یـا الله از دو محور یاد شـده آغاز شـد، و بلافاصـله با سـرعت عملی قابل ملاحظه ارتفاعات لری، کرمگ، کنگرك در محور بانه و مارو، خلوزه ی یک، بلاله، سربلاله، سه

درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه و تپه شهداء در محور مریوان آزاد گردید.

طی این مرحله، سپاه با ۲۲ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۳ گردان وارد عمل شدند و نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد شد.

مرحله دوم

پس از گذشت ۲ روز از مرحله اول، مرحله دوم عملیات در تاریخ ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب آغاز شد و به دنبال آن، ارتفاعات خلوزه ۷، ۲ توانا، کلو، ارتفاعات اطراف پنجوین، یال شرقی زله و ارتفاعات ۱۶۷۲ شرق سنگ معدن در محور مریوان و شاخ نالشکینه در محور بانه در تصرف نیروهای خودی قرار گرفت و متعاقب آن، تسلط کامل بر شهر پنجوین بدست آمد.

ضمنا طی این مرحله، سپاه پاسداران ۷ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یک گردان به کار گرفتند. همچنین ۱۰۰ کیلومتر مربع از زمین منطقه آزاد شد.

مرحله سوم: حرکت در عمق

در این مرحله که بامداد روز ۲ / ۸ / ۱۳۶۲ آغاز شد، ارتفاعات استراتژیک شیخ گزنشین شیخ تارجراز کانی مانگا (تقریبا ۲ سوم ارتفاعات کانی مانگا) تصرف شد و پیشرویهائی در غرب کانی مانگا و محور چوارتا صورت گرفت.

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۱۳۶۲ طی مرحله سوم عملیات که تنها سپاه با ۲۵ گردان وارد عمل شد مجموعا ۲۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد

گردید. البته تحرکات دیگری نیز صورت گرفت که مراحل یاد شده در مجموع، نتایج زیر را بدنبال داشت:

۱۱ تیپ دشمن بین ۳۰ تا ۱۰۰٪ انهدام و تلفات داشتند و در مجموع، نزدیک به ۱۸ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. و نیز ۱۰۰۰ نفر به اسارت در آمدند. همچنین ۲۷ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۵ دستگاه جیپ ۳، ۱۰۶ قبضه سلاح ضد هوائی سام هفت، ۱۲ قبضه توپ، ۹ خودرو حامل مهمات و همچنین مقدار معتنابهی سلاحهای سبک، وسایل مخابراتی، خمپاره انداز، مهمات سبک و سنگین و... منهدم گردید.

غنائم بـدست آمده در این عملیات عبارت بود از: ۵ دستگاه تانک نفربر، ۶ دستگاه لودر و بلدوزر، ۲۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۲۰ دستگاه جیپ ۱۰۶، ۲۰ قبضه سلاح ضد هوائی سام ۷، همچنین مقدار زیادی وسائل مخابراتی، مهمات سـبک و سنگین، سلاحهای سبک در میان غنائم بچشم می خورد.

ص: ۶۸

عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل

اشاره

عراق در سال سوم و چهارم جنگ، براساس تجارب بدست آمده از میادین نبرد، تاکتیکهای جدیدی اتخاذ کرده، به تناسب آن فرم و شکلی مناسب به خود داد. مواجهه با دشمن در ابعاد جدید طبعا نیازمند بکارگیری تاکتیکها و تدابیر جدید بود تا از هر گونه رکود در امر جنگ ممانعت بعمل آید.

بر همین اساس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اثنای عملیات والفجر مقدماتی، با تشکیل یک قرارگاه، منطقه هور را انتخاب کرده، تلاشهای مقدماتی خود را آغاز نمود تا از این طریق، فضایی مناسب برای ادامه نبرد فراهم آید. نظر به ضعفهای عدیده دشمن در مواجهه با عملیات آبی - خاکی و بمنظور برهم زدن معادله نظامی جنگ به نفع جمهوری اسلامی و نیز بدست گرفتن ابتکار عمل،منطقه ی هور با سه ویژگی برجسته انتخاب گردید:

۱ - ضعف و ناتوانی دشمن در عملیات آبی - خاکی و عدم

ص: ۶۹

توانائی در انطباق سریع با موقعیت جدید

۲ – سرعت عمل

۳ – غافلگیری

در واقع منطقه هور با توجه به تجارب بدست آمده از رمضان تا والفجر ۴ و با در نظر گرفتن توان خودی و دشمن و نیز نقش زمین و تأثیرگذاری آن، انتخاب شد.

نظر به راکد بودن نسبی آب هور و وسعت بیش از اندازه آن، که طبعا منجر به طولانی شدن عقبه های خودی می شد و نیز فقدان زمین مناسب جهت استفاده از آتش در پشتیبانی تک و از سوی دیگر، استنباط خاص دشمن از قدرتمندی و قابلیتهای نیروهای خودی (پس از عملیات رمضان تا قبل از خیبر)، تماما از جمله شرایط و عواملی بود که موجب می شد دشمن تصور عملیات گسترده را از هور نداشته باشد و همین امر باعث گردید که عراق جزایر مجنون شمالی و جنوبی و شرقی دجله را تنها با استعداد کمتر از چند گردان پدافند نماید.

موقعیت طبیعی منطقه

هور منطقه ای است عموما همسطح دریا که در بعضی جاها سطح آب آن دو تا سه متر بالاتر از آب دریا است و نسبت به مناطق همجوار گودتر می باشد و در مسیر رودخانه های قدیمی و دائمی بوجود می آید، همچنین آب رودخانه صوئیب – که ادامه نهر سابله (نهر انشعابی کرخه) بوده و از وسط هور می گذشته – بعدها به علت مسدود شدن مجاری خروجی رودخانه، در سطح زمینهای اطراف پخش گشته و به آب هورالهویزه اضافه شده است.

روئیدنیهائی که هور را زیر پوشش خود گرفته اند، عبارتند از:

۱ - «نی» - که ارتفاع آن از ۲ متر تا ۷ متر است و عمدتا در جاهای عمیق می روید.

۲ - «بردی» - که معمولا ارتفاع آن بین ۱ تا ۲ متر است.

۳ - «چولان» - که در جاهای کم عمق می روید و ارتفاع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر است.

به علت پوشش فشرده سطح هور از نی، بردی و چولان، تردد در آن تنها از معابری خاص (آبراهها، نهرها و یا محل عبور حیوانات وحشی) صورت می گیرد.

موقعیت جغرافیایی منطقه

منطقه عملیاتی خیبر که در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه واقع شده است، از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه طلائیه (و نیز یک محور در زید) محدود می گردد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: هور و خشکی. قسمت خشکی، که حداقل عرض آن ۸ کیلومتر و حداکثر ۱۰ کیلومتر است، توسط ۲ هور بزرگ، یکی هورالهویزه در شرق و دیگری هورالحمار در غرب آن، احاطه شده است. همچنین منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی - غربی تقسیم می شود که ۳ چهارم آن در شرق رودخانه واقع است. ضمنا جاده مواصلاتی عماره - بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد.

در داخل منطقه مزبور جزایر مجنون شمالی و جنوبی واقع است. علاوه بر این، تأسیسات دیگری وجود دارد که عبارتند از: دکلهای برق، دکلهای تقویتی رادیو تلویزیون، تأسیسات و کارخانجات کاغذسازی، چاههای نفت و... همچنین در حاشیه دجله حدود ۵۰ روستا وجود دارد که هنگام عملیات خیبر، تماما پر از سکنه غیر نظامی بود.

ص: ۷۱

علت انتخاب هور

گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شد، علت انتخاب هور عمدتا بهره برداری و لحاظ نمودن عوامل زیر بود:

۱ - پرهیز از تک جبهه ای، (۱) عملیات در سایر مناطق به لحاظ شکل پدافند دشمن، عمدتا تک جبهه ای محسوب می شد.

۲ - حمله به جناح دشمن. شکل حضور دشمن در منطقه شرق بصره به گونه ای بود که با الحاق نیروهای خودی در طلائیه و سپس دست اندازی به عقبه دشمن در نشوه جناحی عمده از دشمن گرفته می شد که متعاقب آن تزلزل خطوط دشمن، خصوصا در منطقه زید، محتمل می نمود.

۳ - عدم تصور دشمن نسبت به انجام عملیات از هور (که قبلا ذکر شد)

۴ - بکر بودن منطقه

۵ - مشکل و یا غیر ممکن بودن مانور زرهی برای دشمن

۶ -....

هدف از عملیات خیبر، انهدام نیروهای سپاه سوم و تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائیه به سمت نشوه و الحاق با نیروهائی که از محور زید به دشمن حمله می کردند، بود. در این عملیات، همچنین در نظر بود که خشکی شرق دجله از طریق هور تصرف شود و بدین وسیله امکان تقویتهای عمده، از شمال به سپاه سوم، از میان برود.

۱- ۱۲. حمله رویارو و مستقیم به دشمن را تک جبهه ای می گویند.

مأموریت و طرح مانور

فراهم سازی مقدمات عملیات در هور، چنانچه اشاره رفت، توسط سپاه با یک قرارگاه و پس از والفجر آغاز شد و با گذشت زمان، روند تکمیلی خود را - با تدوین طرح مانور و تعیین مأموریتها - پشت سر نهاد.

ضمنا لازم به تذکر است که همزمان باانجام عملیات خیبر، مناطق متعددی به منظور انجام عملیات فریب، در نظر گرفته شد، از جمله:

ارتفاعات شرقی سد در بندیخان (تحریرالقدس) که تیپ انصارالحسین وارد عمل شد، چنگوله (والفجر ۵) چیلات (والفجر ۶) و چزابه.

سازمان رزم

در عملیات خیبر، نحوه ی هماهنگی سپاه و نیروی زمینی (ارتش) شکل دیگری به خود گرفت... بدین ترتیب که نیروی زمینی با یگانهای تحت امر خود، با استعداد ۲ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی و یک تیپ هوابرد، در محور «زید» وارد عمل شد و سپاه پاسداران با ۲ لشکر پیاده یک تیپ زرهی در این محور، برادران ارتش را کمک می کردند و سپاه پاسداران با استعداد ۹ لشکر، ۶ تیپ پیاده، به اضافه ۳ تیپ زرهی در منطقه اصلی عملیات خیبر (هور و طلائیه) حضور یافت. ارتش نیز با یک لشکر زرهی برادران سپاهی را کمک می کرد.

همچنین در محورهای عملیات فریب، سپاه پاسداران با ۵ تیپ و یک لشکر اقدام به تک نمود.

ص: ۷۳

طولانی بودن عقبه ی خودی بر روی آب و فقدان عقبه خشکی و از طرفی نیاز به سرعت عمل، تماما ضرورت انتقال نیرو در محورهای مهم را تعیین می نمود.

لذا هوانیروز در تدبیر عملیاتی در نظر گرفته شد و نقشی عمده را در پشتیبانی یگانها بر عهده داشت. همچنین مقرر گردید نیروی هوائی آرایشی مناسب را از سلاحهای ضد هوائی برقرار نماید و در حین عملیات نیز بصورت پشتیبانی مستقیم (بمباران تجمعات و انهدام اهداف) وارد عمل شود.

شرح عملیات

مسئله قابل توجه از آغاز تک، حضور گسترده و وسیع نیروهای مانور قدس بود که پس از انجام مانور در مراکز مختلف تهران و استانها، بطرزی چشمگیر وارد میدانهای نبرد شده، بصورت قوای احتیاطی تحت امر یگانهای مختلف عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفتند.

علاوه بر این جو کلی جنگ در کشور، با توجه به مانور قدس و نیز تهدید و اقدامات جنون آمیز دشمن و بدنبال آن حمله موشکی به دزفول و بمباران شهرهای باختران، ایلام، رامهرمز و... شکل خاصی به خود گرفته بود.

در چنین وضعیتی بمرور نیروها پس از انتقال به مناطق از پیش تعیین شده پای کار رفتند تا عملیات را آغاز کنند.

نظر به اینکه اهداف برخی از یگانها در عمق منطقه عملیاتی بود،

لذا روز دوم نیروهای پیشرو به منظور انهدام کمینهای دشمن وارد هور شدند و در ساعت ۳۰ / ۲۰ دقیقه مورخ ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲ عملیات با رمز یا رسول الله (ص) آغاز شد.

در مرحله اول، عملیات بطور همزمان از تمامی محورها آغاز شد و پیشروی به جلو با سرعت عمل و غافلگیری توأم بود، چنانکه در روز چهارم عملیات، بخشی از نیروها در شهر القرنه حضور یافتند و مردم با مشاهده ی آنان به استقبال آمده، سر راه آنها گوسفند قربانی کردند و در محور شمالی عملیات (العزیر) رزمندگان توانستند، خود را به رودخانه رسانده و تردد ماشینها را بر روی جاده بصره - بغداد قطع کنند. طی این مرحله جزایر مجنون شمالی و جنوبی از پشت دور زده شد و بسهولت به تصرف درآمد. گذشته از این، بکارگیری هلی کوپتر در همان شب اول عملیات و در تاریکی شب مسئله ای حائز اهمیت بود؛ چنانکه در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، فرماندهی هوانیروز به همراه تنی چند از فرماندهان سپاه، اولین پرواز را شخصا بعنوان پیشرو انجام داد و در جزیره مجنون شمالی فرود آمد ولی بدلیل مسائلی سایر پروازها با مشکلات مواجه شد و در موقع پیش بینی انجام نشد.

در مجموع، طی مرحله اول، نیروها با یک تهاجم سراسری در مناطق همچون تنگه و شهر القرنه، روی جاده استراتژیک بصره العماره و نیز جزایر مجنون شمالی و جنوبی، استقرار یافتند.

هراس دشمن در این مرحله از عملیات به گونه ای بود که با آشفتگی، در شهر العماره وضعیت فوق العاده اعلام نمود و پس از جمع آوری نیرو آنها را بلافاصله بوسیله هلی کوپتر به منطقه عملیاتی اعزام داشت.

در مرحله دوم عملیات، دو تلاش اصلی در محور جزایر و طلائیه

به منظور الحاق و سپس پیشروی به سمت نشوه در نظر گرفته شد، لیکن بنا به عللی پیشروی صورت نگرفت.

در این روند، دشـمن بمرور خود را بازیافته، پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تک، تلاش اصلی خود را ابتدائا روی پاکسازی حوالی جاده بصره - العماره گذارد و سپس بر روی طلائیه متمرکز شد.

تمرکز آتش دشـمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می شد، فوق العاده بود. چنانکه شهید حجهالاسلام میثمی که در آنجا حاضر بود می گفت: «هر کس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم بود، می ایستاد».

آنچه ضرورت مقاومت در طلائیه را موجب می شد، اهمیت آن برای کل عملیات بود - چنانکه در صورت الحاق و پاکسازی، عقبه خشکی برای نیروهای خودی وصل می شـد و عملیات در ابعاد جدیـدی گسترش می یافت. - بـدین منظور پس از آنکه محور زید با عدم موفقیت مواجه شد فرمانده لشکر امام حسین (ع) فرا خوانده شد تا مأموریت طلائیه به وی واگذار شود.

در این میان پس از آنکه مأموریت یگان مزبور از سوی فرمانـدهی جنگ تعیین شـد شـهید حسـین خرازی فرمانـده لشـکر امام حسـین (ع) تمـامی کادرهـای یگـان تحت امر خود را فراخوانـده، در تـاریکی مطلق و فضائی مملو از معنویت حاضـرین اظهار داشت:

«امشب شب عاشورا است؛ نماینده امام دسـتور داده در طلائیه عمل کنیم؛ ما با تمام توان لشـکر به دشـمن خواهیم زد؛ هر کس می تواند، بماند و هر کس نمی تواند، آزاد است که برود».

پس از آن، لشکر شب هنگام آماده تهاجم به دشمن شده در آن

ص: ۷۶

شب جنگی سخت درگرفت که تا صبح به طول انجامید.

با روشن شدن هوا و ادامه عملیات، شهید حسین خرازی که در خط مقدم درگیری حضور داشت، بر اثر اصابت ترکش دست راست خود را از دست داد و از میدان نبرد خارج شد. فشار دشمن همچنان ادامه داشت و با آنکه محور جاده طلائیه تا ۶ کیلومتر بدست نیروها باز شد و یک تیپ از دشمن متلاشی شد ولی فضای کوچک منطقه مانور و آتش انبوه و بسیار زیاد دشمن عملا امکان الحاق و پیشروی را ناممکن ساخته بود. لذا از این ببعد، نظرها عمدتا به حفظ جزایر مجنون معطوف شد.

مرحله سوم عملیات با توجه به فشارهای دشمن، عمدتا به منظور حفظ جزایر مجنون شمالی و جنوبی بود. برای دشمن هرگونه جا پا و حضور نیروهای اسلام در هور غیر قابل تحمل بود؛ لذا با اجرای آتش شدید و توان پیاده - زرهی سعی در پس گرفتن جزایر داشت. به همین منظور دشمن در فشار اولیه خود تنها ۷۲ ساعت بطور مداوم بر روی جزایر آتش می ریخت؛ چنانکه در یک برآورد، نزدیک به یک میلیون گلوله توپ و خمپاره مصرف کرده بود.

جنگ در جزایر با توجه به توان خودی و دشمن به دور از توان نظامی بود؛ چرا که نیروهای خودی با عقبه های طولانی و چند روز جنگ، بدون آتش پشتیبانی به مقاومت ادامه می دادند و متقابلا- دشمن با تمرکز صدها قبضه توپ بر روی جزایر و بمباران مداوم آنها با هواپیما و داشتن عقبه خشکی (دو جاده ضلع غربی و شرقی جزیره جنوبی) با واحدهای زرهی خود فشارهای متعدد و توان فرسائی را وارد می ساخت.

از سوی دیگر نیروهای خودی، علیرغم وضعیت یاد شده، زمینه و ذهنیت قابل ملاحظه ای داشتند تا با مقاومت، به هر صورت ممکن، جزایر را حفظ نمایند.

ص: ۷۷

خمیرمایه ی این مقاومت، گذشته ی جنگ و ضرورت کسب پیروزی چشمگیر و نیز پیام حضرت امام مبنی بر حسین وار جنگیدن بود.

بدین منظور سپاه پاسداران با تمامی استعداد خود جهت دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر در آنجا استقرار یافت. در این روند، شهادت و مجروح شدن تنی چند از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه ای خاص بخشید.

شهید حاج همت، فرمانده لشگر ۲۷ محمد رسول الله(ص)، و شهید اکبر زجاجی، معاون اول لشگر، هنگامی که سوار بر موتور بدنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

نمونه ی دیگر، شهید حمید باکری - قائم مقام لشگر عاشورا - که جلوه ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد واقع در جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذارد.

تعدادی از نیروهای لشگر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی بر روی پل جنوبی، جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن به مقابله ایستادند و «حمید» در همانجا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند (۱) .

در قسمتی از وصیتنامه این شهید آمده است:

«ما به فرموده امام، حسین وار، وارد جنگ شدیم و حسین وار به شهادت می رسیم».

پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر همرزمانش در

۱- ۱۳. پس از شهادت حمید باکری، معاون دوم لشگر عاشورا، شهید یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت.

همانجا بر زمین مانـد. بدنبال این امر، فرماندهی قرارگاه به برادر شـهید، مهدی باکری، فرمانده لشـگر عاشورا، تکلیف می کند که جسـد حمیـد باکری را به عقب منتقل نماید. اما وی هنگامی که جسد حمید را بر روی زمین و در میان همرزمانش مشاهده می کند، نمی تواند خود را متقاعد سازد که در حالیکه سایر شـهدا، بر روی زمین به جای مانده اند، تنها جسد برادر خود را به عقب منتقل نماید.

بهرحـال، دشـمن که در مقابل خود مقاومتی غیر قابل تصور و پیش بینی را مشاهـده می کرد، بمرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان دریـافت که ادامه تـک غیر از به مسـلخ بردن نیروهـایش، نـتیجه ای دیگر نـدارد. لـذا از تصـرف جزایر منصـرف شـده، مبادرت به تحکیم مواضع نمود.

در عملیات خیبر، عراق برای اولین بار با وسعتی قابل ملاحظه مبادرت به بمباران شیمیایی کرد. این مسئله عمدتا به علت هراس دشـمن از جـاگیر شـدن نیروهای خودی در منطقه صورت گرفت. رژیم عراق همچنین پس از ناامیـدی از باز پس گیری جزایر شمالی و جنوبی مجنون، شدت عمل بیشتری را در بمباران شیمیایی اعمال نمود.

نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات بیش از ۲۳ یگان دشمن بطور متوسط، از ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم شد.

– ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن زخمی و کشته شدند.

– ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دسـتگاه خودروی دشمن منهدم گردید. (در این رابطه قابل توجه است که تیپ ۵۶ زرهی دشمن به میزان ۱۰۰٪ منهدم شد.)

– ۱۱۴۰ نفر از نیروهای دشمن اسیر شدند که در میان آنها

۳۵ افسر، ۱۳۰ درجه دار، ۸۷۳ سرباز و جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ نفر غیر نظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سومالی و عراق، مشاهده می شد.

- مجموعا ۱۱۸۰ کیلومتر از زمینهای منطقه آزاد شد که به ترتیب ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع در طلائیه را شامل می شد.

- در میان غنائم دشمن، گذشته از اقلام صنعتی و تجهیزات انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و نیز ۶۰ دستگاه کمپرسی و... بچشم می خورد.

- دستیابی بر چاههای نفت که ذخائر آن میلیونها بشکه برآورد شده است.

پس از خیبر

پس از عملیات خیبر تغییر و تحولاتی در جنگ روی داد که قسمت اعظم آن فشار اقتصادی و تحریم فروش سلاح به ایران بود (که چنین اقداماتی از تأثیرات عملیات خیبر، بر سیاست های غرب محسوب می شود). طی این مدت، متقابلا ـ از سوی جمهوری اسلامی تحرکاتی بمنظور مقابله با وضعیت جدید صورت گرفت.

در مقطع یاد شده، تلاش جدید غرب - که بتبع هراس و نگرانی نسبت به ابعاد و ویژگیهای عملیات خیبر صورت می گرفت - بعدی تازه به جنگ بخشید، بدین معنی که پس از عیان شدن ناتوانی نظامی عراق در مقابل حرکتهای غیر قابل پیش بینی و عمدتا تاکتیکهای ویژه رزمندگان، استکبار جهانی بمنظور ممانعت از به هم خوردن معادله

نظامی حاکم بر جنگ، اقدام به تقویت عراق با تکنولوژی پیشرفته، خصوصا نیروی هوائی نمود. به عبارت دیگر در این مرحله، سیاست تکنیک در برابر تاکتیک اتخاذ شد.

متعاقبا عراق تلاش فزاینده را بمنظور تحت الشعاع قرار دادن پیروزیهای نظامی ایران، با دست یازیدن به جنگ نفتکشها در خلیج فارس، آغاز کرد تا شاید بدین وسیله با به ضعف کشانیدن بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی مقدمات تأثیرگذاری آن بر روی جنگ را فراهم آورد. علاوه بر این، تحریم فروش سلاح به ایران توسط غرب، و همزمان با آن، براه اندازی موجهای تبلیغاتی در این زمینه، نیز قابل ذکر است.

طبیعتا پیدایش وضعیت یاد شده، رسانه های تبلیغاتی استکباری را، که مترصد بهره برداری از چنین مواقعی هستند، بر آن داشت تا در تبلیغات خود وقفه ای را که معمولا میان عملیاتها بوجود می آید، به حساب تأثیرگذاری جنگ نفتکشها گذاشته، جنگ را به بن بست رسیده قلمداد کنند.

در چنین وضعیتی هرگونه تحرک نظامی توأم با پیروزی از سوی ایران، نقشی بسزا در نشان دادن ناکامی سیاستهای غرب و تلاشهای عراق، داشت. بدین منظور در میان مناطق متعددی که جهت عملیات مهیا شده بود، منطقه میمک انتخاب شد و عملیاتی با نام عاشورا انجام گرفت.

ص: ۸۱

عملیات عاشورا (میمک)

تاریخچه نظامی منطقه بـدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منطقه میمـک در اختیـار عراق قرار گرفت، لیکن حضور عشـایر در منطقه مانع از تسلط کامل عراق بر ارتفاعات منطقه میمک شده بود.

بـا شـروع جنـگ تحمیلی منطقه میمک نیز ماننـد سایر مناطق مورد تهاجم عراق واقعه شـد. بـدنبال آن، در ۱۹ دی ۵۹، سپاه و نیروی زمینی ارتش بـا شـرکت فعـال عشـایر منطقه، که آشـنایی زیـادی به زمین داشـتند، طی عملیاتی مشترک بنام «ذوالفقار»، اولین تلاش را بمنظور باز پس گیری قسمتی از مناطق اشغالی انجام دادند. پس از موفقیت حاصله، دشمن طی ۱۵ روز پاتک و فشـار پی در پی، سـعی در بـاز پس گیری منـاطق متصـرفه داشت، لیکن بـا مقـاومت نیروهـا و نقش مـؤثر و کارآمـد هـوانیروز (خصوصا سـخت کوشی شهدای بزرگ آن، شهید کشوری و شهید شیرودی) دشمن ناامید و پس زده شد. اکنون با وجودیکه چنـد سال از وقوع عملیات یاد شـده می گذرد، هنوز هم آثار شـهامت و شـجاعت این دو شـهید را می توان در میان شـیارهای ارتفاعات منطقه ملاحظه کرد که بصورت بیش از ۵۰ تانک و نفربر دشمن که

ص: ۸۲

بهنگام فرار مورد اصابت راکت هلی کوپتر قرار گرفته اند، بجا مانده و قابل رؤیت است.

موقعیت طبیعی منطقه - سراسر منطقه عملیاتی عاشورا (میمک) پوشیده از شیارها و پستی و بلندیهای پراکنده و گوناگون است - نوع زمین منطقه از خاک رس و در بعضی محلها همراه با شن است. لذا امکان حرکت خودروهای چرخدار در مواقع خشکی تنها ۲۰٪ و در مواقع بارندگی، فقط متکی به جاده است.

در حد فاصل بین تنگه بینا و تنگه بیجار، که عملیات در آن متمرکز گردید، ارتفاعات نسبتا بلندی قرار دارد که مرتفع ترین آنها کوه میمک است.

به همان میزان که ارتفاعات میمک به طرف عراق گسترش می یابد، رفته، رفته از ارتفاع آن کاسته می شود تا تقریبا مسطح می گردد، بگونه ای که ارتفاعات میمک از تسلط و اشراف کامل برخوردار است.

ارتفاع میمک در میان سایر ارتفاعات منطقه (زالوآب، کانی سخت، شورشیرین، شینو و...) برجستگی خاصی دارد.

در سمت راست کوه میمک، ارتفاعات دیگری به نامهای: فصیل - کرگنی - تلخاب - گلم زرد - قلالم و کانی شیخ قرار دارد.

رودخانه های مهم منطقه نیز عبارتند از: گدار خشگ، که بین شینو و میمک واقع است، تلخاب ۱، که از طرف تنگه بینا جاری می شود و تلخاب ۲، که از تنگه بیجار به طرف پائین و از آنجا بین ارتفاعات کرگنی، بانی تلخاب امتداد می یابد.

اهداف عملیات - منطقه عملیاتی میمک بنا به مختصاتی که از آن ذکر شد، با اهداف زیر مورد نظر قرار گرفت.

۱ - انهدام بخشی از قوای دشمن

۲- تحمیل پدافند در دشت به دشمن

بـا توجه به دشت وسـیعی که از کوه میمـک تـا عمق بسـیار زیادی در خاک عراق امتـداد یافته بود، با انجام موفق این عملیات، دشمن برای تشکیل خط پدافندی الزاما نیازمند بکارگیری نیرویی بیشتر بود و اگر تا بحال نیروئی به استعداد دو گردان را برای تأمین منطقه در نظر گرفته بود، در صورت عقب نشینی به طرف دشت، این مقدار به چند برابر می رسید.

۳ - ایجاد تسهیلات در رفت و آمد از جنوب به غرب و بالعکس، و نیز ارتباط و اتصال جبهه های جناحین میمک.

۴ - آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی.

۵ - تـأمین منطقه میمـک بـا تسـخیر و تصـرف ارتفاعـات مهم منطقه، از جمله: کرگنی، فصـیل و فرورفتگی میمک، که بمنزله ارتفاعات سرکوب، در اختیار دشمن قرار داشت.

شناسائی و طرح مانور - شـناسائی راهها و معابر وصولی دشـمن در مدت زمانی کوتاه با استفاده از تاریکی شب و طی مسافتی در حدود ۱۵ کیلومتر رفت و برگشت و عبور از میادین مین، موانع و سـیم خاردار و بعضا دور زدن و نفوذ در خطوط و مواضع دشمن، انجام شد و اطلاعات نسبتا مناسبی از دشمن بدست آمد.

در این میان دشـمن نسبت به انجام شـناسائیها تا انـدازه ای حساس و هوشـیار شده بود، لیکن سـرعت عمل و کوتاه بودن زمان عملیـات، فرصت لازم را، جهت تحکیم مواضع و اسـتحکامات، به دشـمن نـداد. البته اقـداماتی از قبیـل در نظر گرفتن زرهی و قوای احتیاط و استقرار دو گردان کماندو، افزایش گشتی رزمی از سوی دشمن صورت گرفت، لیکن مؤثر واقع نشد.

ص: ۸۴

پس از انجام شناسائیهای لازم، عملیات از سه محور زیر طراحی گردید:

محور اول، ارتفاعات کرگنی، ۳۵۰، و بان و تلخاب

محور دوم، ارتفاعات فصیل و یال میمک (۳۵۰)

محور سوم، فرورفتگی میمک.

بر این اساس، با توجه به حضور نیروی زمینی ارتش که در آنجا خط پدافندی داشت. سازمان رزم عملیات با شرکت یک لشکر و ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه و نیروئی از ارتش تعیین گردید. همچنین نقش توپخانه نیروی زمینی ارتش در پشتیبانی عملیات و هوانیروز با مأموریت تخلیه مجروحین و جهاد سازندگی در زمینه مهندسی (۱) تعمیرگاه و تدارکات، قابل ذکر است.

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، بدلیل طولانی و در عمق بودن اهداف، نیروها از غروب روز ۲۵ / ۷ / ۱۳۶۳ حرکت خود را از نقطه رهائی آغاز کردند. مسئله قابل توجه در هنگام جابجائی نیروها، هوشیاری نسبی و تسلط کافی دشمن بر روی منطقه بود، بگونه ای که قوای دشمن از تنگه شینوویال تپه شهدا و ارتفاعات فصیل - که عمدتا گذرگاه عبور نیروها بود - نسبت به منطقه دید داشتند. لیکن از صبح روز ۲۴ / ۷ که مقرر شده بود نیروها به منطقه وارد شوند، طوفانی شدید و بی سابقه در منطقه به راه افتاد بطوریکه هیچکس قادر به مشاهده ۱۰۰ متری خود نبود و علیرغم اینکه ماشینها با چراغ روشن حرکت می کردند باز تصادفاتی واقع می شد.

به هر تقدیر، طوفانی که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، تا ۵ / ۵

۱- ۱۴. جهاد سازندگی و مهندسی یگانها سه مأموریت عمده را بر عهده گرفته و به آن تحقق بخشیدند: ۱ - تسطیح و ترمیم جاده های مهم ۲ - نصب پل بر روی تنگه بینا ۳ - احداث و تقویت خاکریزها.

بعد از ظهر ادامه یافت و هنگامی که رزمندگان به هدف نزدیک شدند، هوا صاف شد و بدین ترتیب دشـمن نقل و انتقالات و جابجائی نیروهای اسلام را مشاهده نکرد. پس از رسیدن نیروها به پای کار و اعلام آمادگی در ساعت ۱۲ شب، رمز عملیات با عنوان «یـا اباعبـدالله الحسـین» از سوی قرارگـاه فرمانـدهی عملیـات (قرارگـاه نجف) قرائت و بـدین ترتیب، تهاجم نیروها آغاز گردید.

در این میـان در یکی از محورهـا عقبه هـا و اطراف قرارگـاه دشـمن در آن منطقه با یک طرح ابتکاری (قبل از آغاز عملیات)، مین گـذاری شـده بود. نوع این مینهـا نیز ابتکاری بوده و یک نوع آن بر اثر تابش نور منفجر می شـد. مینهای یاد شـده توسـط شهید صبوری، بسیجی ۱۸ ساله طراحی و با موفقیت کار گذاشته شده بود.

به هر روی محورهـای مختلف پس از انـدکی تأخیر، تماما بیش از ۸۰٪ از اهـداف خود را تأمین نمودند و پس از آن با روشـن شـدن هوا، دشـمن پاتـک خود را شـروع کرد که با مقاومت نیروها به عقب رانـده شـد و در نهایت، پس از چنـد روز جنگ و درگیری مواضع متصرفه تأمین گردید.

نکته قابـل ذکر در این میـان تلاـش مهندسـی یگانهـا و جهاد سازنـدگی است که خاکریزهایی را در قسـمتی از منطقه عملیاتی احداث کردند تا پدافند از منطقه بسهولت امکان پذیر شود.

نتایج و دستاوردها

- باز پس گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی

- تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل و کرگنی)

- تهدید جاده بدره – مندلی

- آزاد شدن جاده مرزی خودی

ص: ۸۶

- وارد ساختن ضایعات و تلفات زیر بر دشمن:

۱۴ گردان پیاده و زرهی دشمن از ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گشت. علاوه بر این، ۱۹۰ نفر اسیر از دشمن تخلیه شد که در میان آنها ۷۲ درجه دار و ۱۲ افسر ارشد مشاهده می شد.

سقوط ۳ فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر، انهدام ۷۵ تانک و نفربر و دهها دستگاه خودرو و همچنین ۳ دستگاه لودر و بلدوزر.

همچنین در این عملیات تعداد ۹ دستگاه تانک نیز به غنیمت گرفته شد.

ص: ۸۷

عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور

اشاره

پس از عملیـات خیبر چنـانچه ذکر شـد، عملیاتهـای متعـددی در دست طراحی بود که بنـا به دلا-یلی تنها عملیات میمک انجام گرفت.

در این مقطع، پس از بحث و بررسـی فراوان، در نهایت براساس توانائیهای خودی و دشمن و نیز با در نظر گرفتن معابر وصولی هدف بصره، سه راه کار در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

۱ - منطقه عملیاتی خیبر واقع در هورالهویزه

۲ - شرق بصره (منطقه عملیاتی رمضان)

۳ - غرب اروند

از آنجـا که منطقه ی شـرق بصـره و غرب ارونـد فاقـد تنـاسب لا-زم بـا تـوان خـودی بود، لـذا هور، بعنوان تنهـا راه ممکن و با ویژگیهای زیر، انتخاب گردید:

۱ - آسیب پذیری دشمن به لحاظ عدم تناسب توانائیهایش با منطقه هور و عملیات آبی - خاکی

۲ – اهمیت استراتژیکی منطقه در رابطه با هدف بصره

۳ – توان نیروها از نظر کمی و کیفی

۴ – کم عمق بودن هدف و نیز امکان دسترسی سریع به آن

۵ – تسلط نسبی نیروهای شناسایی به منطقه، بنا به تجربه ی خیبر و استمرار شناسائیها

۶ – زمین اجازه ی کافی به دشمن جهت مانور زرهی نمی داد.

۷ – دشمن فاقد عقبه ی مناسب برای تک بود.

اهداف عملیات

دست اندازی و تسلط بر جاده بصره – العماره و نیز راه یابی به مرکز اصلی هورهای غرب دجله – که استانهای ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله، توأم با انهدام نیرو و اسارت نفرات دشمن، از جمله اهداف این عملیات بود.

ضمنا پاکسازی پاسگاههای ترابه – بلال، ابولیله و نیز روستاهای البیضه – الصخره، پدخندق و انهدام پلهای العزیر، خندق و...، در حد شمالی منطقه عملیات و پاکسازی روستاهای منطقه، انهدام پلهای جویبر و... در حد جنوبی در نظر گرفته شده بود.

وضعیت استقرار در هور

بعد از عملیات خیبر، دشمن اقدام به تشکیل فرماندهی شرق دجله (علاوه بر سپاههای ۱ و ۲ و ۳ و ۴) و رده های مواضع پدافندی در کل منطقه نموده و همچنین در مسیر آبراهها و در داخل نیزارها کمین هائی را قرار داد تا در صورت هجوم نیروهای خودی نقش هشداردهنده و تأخیری را داشته باشد و در ضمن، از نزدیکی نیروهای شناسائی به خط دشمن

ممانعت بعمل آورند.

دشـمن به منظور در نظر داشـتن هر گونه تحرک نیروهای خودی، دکلهای متعـددی را نصب کرد تا دید کلی بر هور و جوانب آن داشـته باشـد. علاوه بر این مبـادرت به احـداث بانـدهای فرود هواپیما و هلی کوپتر در شـمال قلعه صالـح (با ۲ بانـد) و در جنوب القرنه کرد.

در این میان، گذشته از کمین، موانع دشمن در آبراهها قابل ملاحظه بود؛ چنانچه نرسیده به سیلبند اول با نصب نبشیهای آهن و وصل سـیم خاردار بر سـر آبراهها (یک ردیف زیر آب و ردیف دوم روی آب) ایجاد نمود. همچنین بعد از کمین ها و قبل از رسـیدن به سـیلبند اول در کنار آبراهها بشکه های متعدد فوگاز (ناپالم) (۱) مشاهـده می شد که توسط سـیم، هدایت آن را از خط اول دشمن صورت می گرفت.

دشـمن تعداد زیادی از این بشکه ها را بر سر آبراهها قرار داده بود. بعنوان مثال، بر سر آبراه صفین، در فاصله ۱۲۰ متری سیلبند اول سه ردیف ۲۶ تائی که در هر ردیف ۱۳ بشکه سمت چپ آبراه و ۱۳ بشکه سمت راست آن وجود داشت.

قابل ذکر است که دشـمن بعد از تمامی موانع یاد شده سیلبندی را مشرف بر آب با عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۲ متر احداث کرده بود و بر روی آن سنگرهای متعددی تعبیه شده بود که از سه طرف چپ، راست و مقابل، دارای دید کافی بر روی آب بود.

ص: ۹۰

۱– ۱۵. قابل ذکر است که اثرات ماده ی انفجاری بشکه های ناپالم هنگامی که به شئی می چسبد، جدا نمی شود تا اینکه آن شئی را کاملا بسوزاند.

طراحی عملیات

عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل «العزیر» تا «القرنه» طراحی گردید و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور، در نظر گرفته شد.

به منظور پشتیبانی عملیات، هوانیروز و هاورکرافت در زمینه انتقال نیرو، بنا به اولویتهای تعیین شده و نیز نیروی هوائی، در حد مقدورات، از عملیات پشتیبانی می کرد و بر این اساس با تلاشهای مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، پد هلی کوپتر (۱) و سایت موشکی و جاده ی صاحب الزمان، احداث گردید.

سازمان رزم

نیروی زمینی ارتش با سه لشکر و یک تیپ و سپاه پاسداران با نه لشکر و هشت تیپ بصورت ادغامی سازماندهی شدند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در مراحل مختلف طراحی عملیات، تدابیری منظور شد که عمدتا برآمده از تجربیات عملیات خیبر بود؛ از جمله:

۱ – علائم:

به منظور رفع مشکلات و موانعی که هنگام عملیات خیبر در رابطه با استفاده از امکانات ترابری آبی، هلی برد (۲) و نیز نصب پل بوجود آمد،

ص: ۹۱

۱– ۱۶. پد هلی کوپتر (پایگاه استقرار هلی کوپتر).

۲– ۱۷. هلی برد (هلی برن): انتقال نیرو و تجهیزات از جایی به جای دیگر بوسیله هلی کوپتر.

پیش بینی هایی صورت گرفت که بخشی از آن نصب علائم مناسب و قابل رؤیت در شب بود.

۲ - شیمیائی، میکروبی، رادیواکتیو

بکارگیری گسترده سلاحهای شیمیائی با عملیات خیبر آغاز شد و طبعا زمینه های توسعه و گسترش بکارگیری آن، با توجه به استیصال و ناتوانی دشمن و بی توجهی مجامع بین المللی، محتمل می نمود. لذا تدابیری بمنظور پاکسازی آثار تک شیمیائی دشمن در زمینه ی تیم رفع آلودگی، تیم کشف و سنجش و تیم خنثی سازی و نمونه برداری و نقطه گذاری، اتخاذ گردید.

۳ - آموزشهای ویژه

همزمان با پیدایش مرحله ای جدید در جنگ و تفاوت اساسی عملیات آبی - خاکی با جنگ در زمین، بایستی آموزشهای مناسبی جهت رشد و افزایش کیفیت نیروها در نظر گرفته می شد. از اینرو آموزشهای سکانی، جهت گردانهای دریائی، نصب پل، خط شکنی، استفاده از سلاح بر روی آب و همچنین هلی برد، به تناسب مأموریت یگانها، منظور گردید.

شرح عملیات

با نزدیکی زمان آغاز تک، کشیدن عقبه ها به جلو، انتقال و جابجائی نیروها و استقرار آنها در مناطق نزدیک به محورهای عملیاتی، با تحرکی چشمگیر صورت می پذیرفت و همزمان طی جلسه ای در قرارگاه خاتم الانبیاء ساعت شروع و نیز رمز عملیات مشخص گردید. بدین ترتیب

پس از حرکت نیروها از نقطه رهائی بسوی هدفهای مورد نظر و اعلام آمادگی، در ساعت ۲۳، مورخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳، با قرائت رمز عملیات با عنوان:

«یا الله. یا الله. یا الله و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه، یا فاطمه الزهراء.» نیروهای تک و تهاجم خود را از دو محور شمالی و جنوبی آغاز کردند.

متعاقبا در همان ساعات اولیه، تمامی خطوط و استحکامات دشمن بسرعت درهم کوبیده شد. و با پیشروی نیروها در عمق، اعجاب و شگفتی همگان برانگیخته شد، زیرا با توجه به هوشیاری دشمن، بلحاظ مشاهده شواهد و قرائن و تجربه عملیات خیبر، بنظر نمی رسید خطوط مستحکم اولیه دشمن بدین سرعت فرو ریزد.

در محور ترابه، که بمنظور پشتیبانی در نظر گرفته شده بود، بلحاظ دوری عقبه و کمبود آتش پشتیبانی و سایر مسائل، پیشروی بسوی هدف با کندی صورت می گرفت اما در محور پدخندق و رطه، گذشته از شکستن خط، برخی از یگانها با حرکت در عمق، خود را به هدفهای مرحله بعد نیز رساندند. در نتیجه تا صبح روز دوم عملیات، از دو کیلومتری جنوب البیضه تا ۵ / ۲ کیلومتری پائین تر از خط همایون، خط اول دشمن بطور کامل در تصرف نیروهای خودی بود. علاوه بر این در حد فاصل آبراه جمل تا خط همایون، نیروها تا پشت رودخانه دجله پیشروی کردند و بسمت غرب، در حاشیه شرقی رودخانه، خط پدافندی تشکیل دادند و با آتش سلاحهای سبک تردد وسایل نقلیه دشمن را روی جاده متوقف کردند. دشمن با تصور اینکه امکان اجرای عملیات از سایر محورهای عملیاتی جنوب وجود دارد مدتی طول کشید تا بتواند خود را جمع و جور کرده اقدام به پاتک نماید. بر این اساس دشمن پس از کشف اهداف تک، اولین فشارهای خود را با حجم بمبارانهای وسیع و آتش توپخانه در

محور شمالی منطقه و در حوالی پدخندق و الصخره متمرکز نمود. تا بدین وسیله از دستیابی نیروها به تنگه العزیر ممانعت بعمل آورد.

در طی سه روز جنگ و درگیری، قرارگاه مهندسی با سختکوشی بسیار توانست پلی را از حد فاصل جزیره جنوبی و منطقه همایون نصب کند و از سوی دیگر نیروها با پیشروی خود به اهداف زیر دست یافتند:

۱ - پاکسازی پد خندق

۲ - پیشروی از پشت خط جمل ۳ به پشت صفین ۳

۳ - در شب سوم، هوانیروز اقداماتی را بمنظور پشتیبانی عملیات به انجام رسانید.

فشار دشمن در محور الصخره و پدخندق کماکان ادامه داشت. در نتیجه مقاومت نیروها نیز رو به فزونی نهاد، چنانچه هنگامی که شهید خرازی فرمانده لشکر امام حسین از شهید آقاخانی فرمانده یکی از گردانهای لشکر - علیرغم جراحتهای وارده (اصابت چند ترکش به دست و پا) - می خواهد که به عقب برگردد، نمی پذیرد و در خط می ماند و در همان شب به شهادت می رسد.

برادر شعربافچی فرمانده گردان از لشکر امام حسین که وقتی برای بررسی منطقه عملیات و توجیه شدن جهت ادامه عملیات به خط میرفت، بشدت مجروح شد (ترکش به سر و کتف و پای او اصابت کرده بود)، بطوریکه او را به حالت بیهوشی به پاسگاه سیار فرماندهی آوردند. فرماندهی لشکر با مشاهده حال وی نگران شد و گفت: «زخمها خطرناک است، شما به عقب برو» لیکن او نپذیرفت و گفت من همین جا می مانم و امشب عمل می کنم. وی پس از این مطلب، حدود ۲ ساعت به استراحت پرداخت و آنگاه پس از تعویض لباسهایش برای آوردن نیروها به عقب رفت و بعد از سه ساعت آماده عملیات شد و بالاخره پس از تلاش فراوان

که انجام داد به شهادت رسید.

در شب پنجم و روز ششم، در ادامه تلاشی که بمنظور پاکسازی روستای حدیبه انجام شد نیروهای فراوانی به فرماندهی لشکر عاشورا، از رودخانه دجله عبور کرده و به شرق دجله، حمله کردند. با روشن شدن هوا به علت عدم پاکسازی و الحاق کامل، تعدادی تانک و نفرات دشمن باقی ماندند و عملا امکان پیشروی به سوی القرنه فراهم نیامد.

علیرغم وضعیت پیش آمده، تا حوالی ظهر، جنگ و مقاومت همچنان ادامه داشت تا شاید بدین وسیله جا پای بدست آمده تا شب حفظ شده، فرصت مناسب جهت انجام مأموریت مزبور (انفجار پل ابوعران) بدست آید.

از حوالی ظهر، دشمن که موقعیت نیروهای خودی را دریافته بود، بمرور فشار خود را افزایش داد. در نتیجه تعدادی از نیروها بداخل فرورفتگی رودخانه دجله (مقابل نهر رطه) آمدند و در این میان، تنها شهید باکری و جمع محدود یاران وفادارش به نبرد ادامه دادند. در این اثناء قرارگاه که نسبت به موقعیت نیروها و وضعیت خاص شهید باکری نگران بود، سعی داشت نامبرده را متقاعد به مراجعت نماید.

بدین ترتیب هنگام بعد از ظهر، چند تن از نیروهای لشکر عاشورا نزد شهید باکری رفته، از وی درخواست کردند به شرق دجله مراجعت کند. وی جهت عبور از رودخانه در میان قایق نشست، اما پس از لحظه ای سکوت ناگهان برخاست، پس از تخلیه اسناد و مدارک همراه خود بداخل قایق، مجددا برای کمک به نیروهایش به منطقه درگیری رفت.

بمرور، با حاد شدن وضعیت، فرماندهی لشکر عاشورا بصورت تک تیرانداز و آرپی جی زن وارد عمل شد و در این حین شهید باکری بر اثر اصابت تیر به پیشانیش جراحت سنگینی برداشته، جهت درمان به عقب

تخلیه شد.

در این اثنا دشمن، با نزدیکی به لب رودخانه دجله و مشاهده قایقی که جسم نیمه جان شهید باکری در میان آن بود، قایق را با گلوله آرپی جی مورد اصابت قرار داد و بدین ترتیب، دجله جنازه ی سوخته شهید باکری را به منطقه نامعلوم برد.

از این ببعد دشمن با پاکسازی شمال پدخندق، فشار خود را از دو سمت یکی رخنه در خط صفین (جناح شمالی عملیات) و دیگری رخنه بداخل فرورفتگی رودخانه که اساسا تهدید عقبه نیروهای محور شمالی را بهمراه داشت، و نیز با شدت بخشیدن به بمبارانهای هوائی امکان تأمین مناطق بدست آمده را از نیروهای خودی در این منطقه گرفت.

بطور کلی، عملیات بدر پس از ۸ روز جنگ و مقاومت، با آزادسازی روستای ترابه، لحوک، نهروان، فجره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق (الحچرده) به طول ۱۳ کیلومتر[که فاصله آن با جاده عماره - بصره ۶ کیلومتر است] به پایان رسید.

تلفات و خسارات وارده به دشمن

هفت تیپ و پنج لشکر عراق بین ۲۰ تا ۱۰۰٪ منهدم شدند. علاوه بر این به لشکر گارد ریاست جمهوری و نیز نیروی کماندوی سپاه ۳ به میزان ۲۰٪ خسارت وارد شد.

تعداد کشته و زخمی دشمن از مرز پانزده هزار نفر گذشت، ضمنا ۳۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند که در میان آنها ۵۰ افسر، ۸۰ ستوانیار و ۳۰۰ درجه دار مشاهده می شد.

از سوی دیگر ۲۵۰ دستگاه نفربر، ۴۰ قبضه انواع مختلف توپ،

۲۰۰ دستگاه خودرو، ۶۰ قبضه خمپاره انداز، ۴ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ ملخ دار، ۲ فروند میگ و سوخو، ۴ فروند هلی کوپتر و نیز مقدار معتنابهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک و... منهدم گردید.

ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات

عملیات خیبر، و خصوصا بدر، نشان داد که جمهوری اسلامی علیرغم کمبود تجهیزات مناسب، و مشکلات و موانع عدیده ای که بر سر راه خود دارد - عملا توانائی و قابلیت کسب پیروزی و موفقیتهایی بسیار متفاوت با عملیاتهای گذشته را، دارد.

عملیات خیبر و بدر، دشمن را شدیدا متزلزل نمود و به غرب نشان داد که تنها تکنولوژی و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی نمی تواند عراق را سرپا نگهداشته، از آسیب پذیری اساسی مصون و محفوظ بدارد.

به هر روی، در مرحله ای از جنگ، عملیات بدر - گذشته از ضایعات و تلفاتی که به دشمن وارد ساخت - جایگاهی ویژه را در ارتقاء و رشد ابعاد فکری و عملی سازمان رزم جمهوری اسلامی در برداشت و دورنمائی را ترسیم کرد که بعدها فتح فاو، بخشی از حاصل و ثمره ی آن بود.

اما آنچه در عملیات بدر برجستگی داشت، عمدتا عبارت بود از:

۱ - تصمیم و عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت تهاجم به دشمن و ادامه نبرد تحت هر شرائطی مبتنی بر رهنمودهای فرماندهی کل قوا - امام خمینی.

۲ - توانائی و جسارت در بهره گیری از تدابیر و راه کارهای جدید و درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق.

پس از بدر

ابعاد و ویژگیهای عملیات بدر، عراق را به عکس العملی غیر از آنچه تا آن زمان در جنگ مرسوم بود، واداشت بدین معنی که همزمان با عملیات، حملات هوایی خود را به تهران آغاز کرد. دشمن در واقع هدفی را که از براه اندازی جنگ نفتکشها در خلیج فارس (از نظر اقتصادی) داشت، با تهاجم به شهرهای غیر نظامی (به نیت به زانو درآوردن جمهوری اسلامی از طریق برانگیختن مردم)، دنبال نمود. در مقطع یاد شده، انتقال جنگ از رزم زمینی به هوا و مناطق مسکونی، نمایانگر شکلی جدید در جنگ بود.

رویارویی با دشمن در ابعاد جدید، طبعا نیازمند به حضور فعال مردم در صحنه و افزایش روحیه مقاومت در آنها بود و از سوی دیگر ضرورت مقابله به مثل را ایجاب می کرد.

بدین ترتیب، تدبیر مقابله به مثل با پرتاب موشک به عمق شهرهای عراق آغاز شد. بکارگیری موشک بمنزله ورود عنصری جدید در معادله جنگ محسوب می شد و بدین طریق، عراق با وضعیتی غیر قابل پیش بینی مواجه گردید و همچنین برای اولین بار بغداد، مرکز حکومتی

رژیم بعث، طعم تلخ ضایعات ناشی از جنگ را بطور مستقیم و ملموس چشید این امر در واقع، افزایش مشکلات حکومت بغداد و نیز دامن زدن به آن تلقی می گردید.

در این میان شواهد و قرائن، حاکی از درماندگی و ناتوانی دشمن بود، همچنین بمنظور خنثی سازی جریانات عافیت طلبی که مترصد بهره برداری از شرایط، جهت پایان بخشیدن به جنگ بودند، بنا به نظر امام از طرف نماینده ایشان در شورایعالی دفاع حجهالاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، پیشنهاد شد که حامیان ادامه جنگ در روز قدس اقدام به راه پیمائی نمایند. تا بدین وسیله روشن شود که پایگاه جنگ در میان مردم چگونه است و گذشته از این، آیا جنگ شهرها بر مقاومت مردم تأثیری نهاده است یا خیر؟

بر این اساس راهپیمائی روز قدس، علیرغم تهدیدهای مکرر رژیم عراق مبنی بر بمباران مردم، همانند جریان سیلی خروشان آغاز شد و همزمان نیز عملیات قدس ۱ توسط یگانهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه هورالهویزه صورت گرفت. وضعیت مزبور تلاشهای چندین ماهه ی دشمن را بمنظور بدست گرفتن ابتکار عمل عقیم گذارد و عملا جمهوری اسلامی با مقاومت مردم و مقابله به مثل در رویارویی با تعرضات رژیم بغداد توانست مرحله ای بحرانی را پشت سر نهاده، تهاجمات پی در پی خود را در میدان رزم زمینی آغاز نماید.

جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم

واقعیات برآمده از عملیات بدر از یکسو و گسترش جنگ شهرها از سوی دیگر، جو حاکم بر جنگ را به گونه ای درآورد که لزوما بایستی در اطراف و جوانب آن، هر چند بصورت اجمالی و گذرا، توضیحاتی ارائه

شود.

دشمن در عملیات بدر سعی کرد با استفاده خوب از زمین، زرهی، آتش و نیروی هوائی کنترل صحنه ی نبرد را در دست داشته باشد. تلاش دشمن در این زمینه به نیروهای خودی نمایاند که ادامه جنگ عمدتا بایستی متکی بر استراتژی جنگ دراز مدت توأم با برنامه ریزیهای همه جانبه و نیز حضور بیشتر کشور و مسئولین در این امر باشد.

در این میان، مسئله نیرو و جذب آن بتناسب اهداف و مراحل عملیات و نیز تحولاتی در نحوه ی مواجهه با دشمن به منظور تجزیه قوای آن، قسمتی از معضلات جدید بود. علاوه بر این، مسائل دیگری مانند افزایش قدرت و آتش، سلاح مناسب ضد زره و ضد هوایی... توأم با تاکتیکهای ویژه، نیز عنوان گردید.

همچنین روشن شد که گذشته از موارد فوق، لزوما بایستی سازمان رزم سپاه گسترش یابد و به تناسب پیچیدگیهای جنگ، نیروها از آموزشهای لازم برخوردار گردند. تا بدین وسیله، گذشته از فزونی یافتن توانایی نیروهای خودی در تصرف هدف و حفظ آن، در نهایت زمینه و لوازم انهدام ماشین جنگی عراق فراهم آید.

طبیعتا بکارگیری عملی اندوخته های پس از بدر، نیازمند زمان بود. در این فاصله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان تدابیر گوناگون جهت رویارویی با دشمن بدوا سلسله عملیاتی محدود (۱) و پی در پی را با هدف انهدام قوای دشمن و گرفتن زمان از آنها، برنامه ریزی کرد.

گذشته از این طراحی عملیات والفجر ۸، با توجه به تجارب برآمده

ص: ۱۰۰

۱– ۱۸. توضیحات لازم در صفحات بعد خواهد آمد.

از عملیات بـدر و ۶ سـال نبرد، در دسـتور کـار قرار گرفت و بـدین ترتیب تعرضـات و تحرکـات نظـامی جمهوری اسـلامی با عملیات محدود در روز قدس و سپس مهیاسازی منطقه عملیات والفجر ۸ و سایر ملزومات آن، آغاز شد.

تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»

همزمـان با اوجگیری جنگ شـهرها که طبیعتا ضایعات و خسارات ناشـی از جنگ بطور مسـتقیم تری در رابطه با مردم قرار می گرفت، پیش بینی رخدادهای سیاسـی - اجتماعی و بهره گیری جریانات سیاسـی از آن، محتمل می نمود. از این رو فرمانده ی کل قوا در بیانات خود هنگام تحویل سال ۱۳۶۴، این سال را سال «استقامت» نامیدند.

طبعا ترسـیم دورنمای جنگ شـهرها (که عمـدتا در روز قـدس شـکل نهایی و نتیجه خود را نمایانـد) و سایر فشارهای وارده به جمهوری اسـلامی بود که سـبب شـد امـام موضـعگیری (جنـگ جنگ تا رفع فتنه) را اتخاذ نماینـد. در حقیقت در آن برهه ی خاص، رهبری انقلاب روند حرکت آتی جنگ و انقلاب را با بیان «جنگ تا آخرین خانه و آخرین نفر»، تبیین و تعیین کردند.

نظرات امام در رابطه با جنگ برای همگان روشن بود، لیکن با توجه به وضعیت خاص آن مقطع زمانی ضرورت نظرخواهی از امام جهت تعیین تکلیف و نقش عمده ی این اعلام نظر کاملا بارز و روشن بود.

در این میان گروهکها با انگشت نهادن بر روی نارسائیهای ناشـی از جنگ مجـددا صـحنه را برای تشدیـد فعالیت های سیاسـی خود مساعـد دیـده، اینبار حتی سـعی کردند جنگ را از موضع اعتقادی به زیر سـئوال بکشـند. این اقدام با توطئه هماهنگ بین المللی در رابطه با تحمیل

ص: ۱۰۱

صلح و سازش به جمهوری اسلامی و نیز تقویت جریان عافیت طلب داخلی صورت می گرفت.

رهبری انقلاب بمنظور تعیین مشی آینده جنگ و انقلاب و رفع هر گونه تردید و تزلزل، از جایگاهی والاتر بر ضرورت ادامه ی نبرد تأکید فرموده، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» را پرتوی از شعار قرآنی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم» دانستند. (۱) در حقیقت نظرات امام نافی هر دیدگاهی در زمینه سازش بود.

ایشان خاطرنشان ساختند که نه تنها امکان دست آویز قرار دادن یک پیروزی در حل معضله جنگ چاره ساز نیست، بلکه بایستی فراتر از آنچه در شعار مردمی «جنگ، جنگ تا پیروزی» نهفته است، گام نهاد.

به عبارت دیگر، از بیانات امام چنین استنباط شد که راه حل سیاسی نه تنها سنخیتی با هویت انقلاب اسلامی ندارد، بلکه یک نوع بی توجهی نسبت به آینده جنگ و انقلاب و نیز ساده اندیشی نسبت به برخورد با دشمن است و طبیعتا حامیان جهانی عراق نسبت به انقلاب اسلامی بی تفاوت نبوده، تا زمانیکه هویت انقلاب را مخدوش نکرده و یا ضربه ای اساسی و کاری به آن وارد نسازند آرام نخواهند گرفت؛ از این رو گذشته از پرهیز ساده اندیشی در برخورد با دشمن، لزوما بایستی گذار از مرحله کنونی انقلاب، با کسب آمادگی همه جانبه و نیز بکارگیری کلیه امکانات بالفعل و بالقوه کشور در رابطه با جنگ، صورت گیرد.

بدین ترتیب می توان عوامل زیر را به عنوان پارامتری مؤثر در تبیین آینده انقلاب و جنگ محسوب نمود:

۱ - شناخت استکبار جهانی و عمق و گستردگی خصومت آن

۱- ۱۹. ... قاتلوهم حتی لا تکون فتنه.

در برخورد با انقلاب اسلامی.

۲ – همسویی و آمیختگی اهداف انقلاب اسلامی و جنگ با یکدیگر.

۳ – در نظر گرفتن ملاحظاتی در باب قابلیت و توان بالفعل و بالقوه کشور از نظر اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و نیز بسیج نیروی مردمی.

تبعیت از رهنمودهای رهبری در واقع در بطن خود، آمادگی همه جانبه جهت اصلی نمودن جنگ در کشور را دارا می باشد.

متقابلاـ نگرش مقطعی و کوتاه مدت به جنگ، نه تنها دستیابی به پیروزی را نامحتمل می نماید، بلکه دورنمائی جز ناکامی و بازی خوردن از دشمن، نخواهد داشت.

نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر

در فاصله آماده سازی ملزومات و مقدمات عملیات گسترده پس از عملیات بدر، ضرورت داشت جبهه ها کماکان فعال نگاه داشته شوند و دشمن بحال خود رها نگردد. بدین منظور در مقطعی از سال ۶۴ قسمتی از تعرضات و تحرکات نظامی خودی علیه دشمن براساس تدبیر عملیات محدود صورت گرفت تا بدین وسیله از زمان بدست آمده، عملیات والفجر ۸ بدور از هر گونه شتابزدگی و یا تأثیرگذاری فشارهای سیاسی – نظامی، خارجی بنحوی مناسب طراحی گردد. همچنین مقرر شد سلسله عملیات محدود به گونه ای باشد که منجر به تعلل یا تأخیر در عملیات گسترده نشود.

بر این اساس، عملیاتهای اخیر، به لحاظ نظامی، به سه دسته قابل تقسیم است:

۱- گشتی رزمی

۲ – نفوذی

۳ – محدود و استقراری

تقسیم بندی یاد شده به میزان و استعداد نیروی خودی که در عملیات بکار گرفته می شود و نیز به کیفیت و ارزشهای زمینی منطقه، متکی است.

عملیات «گشتی رزمی» حداکثر تا استعداد یک گردان نیرو را در برمی گیرد و هدفش عمدتا وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن و احیانا جمع آوری اطلاعات و یا گرفتن اسیر و سپس بازگشت به مواضع اولیه است.

در عملیات نفوذی میزان استعداد یگانهائی که بکار گرفته می شود، از یک تا سه گردان را شامل می گردد و نیز مانند عملیات گشتی رزمی پس از انجام مأموریت، نیروها بدون استقرار در محل تک، به مواضع اولیه خود برمی گردند.

عملیات محدود به عملیاتی اطلاق می شود که از یک تیپ تقویت شده به استعداد ۵ گردان تا دو لشکر تقویت شده، به استعداد ۲۰ الی ۳۰ گردان را شامل شود و نیروها پس از انجام عملیات در مواضع تصرف شده استقرار یابند.

مشخصه های عملیات محدود

۱ – بیش از ۳۰ الی ۴۰ گردان نیرو نیاز نداشته باشد.

۲ – تلفات خودی پائین بوده باشد تا آسیبی به عملیات گسترده وارد نسازد.

۳ از نظر زمانی کوتاه و زودفرجام باشد

۴ – دارای اهداف و ارزش نظامی – اقتصادی باشد

ص: ۱۰۴

۵ – در راستای اهداف استراتژیک جنگ باشد

۶ – پیروزی در آن تضمین شده باشد

۷ – منطقه، قابلیت استفاده از آن، جهت عملیات گسترده را داشته باشد.

همانطور که گفته شد، عملیات تاکتیکی محدود به منظور آماده ساختن زمینه جهت تعرض گسترده و استراتژیک، با اهداف زیر در نظر گرفته شد:

۱ – وارد ساختن حداکثر تلفات و ضایعات به نیروهای دشمن

۲ – عقب راندن نیروی دشمن از اراضی اشغالی که کماکان در تصرف آنها باقی مانده است.

۳ – بدست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد تحرک در جبهه و خطوط عملیاتی

۴ – گرفتن فرصت و مجال فکر کردن از دشمن و تجزیه (۱) نیروهای آن

۵ – جمع آوری اطلاعات و شناسائی منطقه مورد تهاجم

۶ –...

البته آنچه در قسمت فوق مورد اشاره قرار گرفت، تنها قسمتی از اهداف عملیات محدود است و طبیعتا شرایط خاص سیاسی – اجتماعی و نیز سایر اهداف نظامی، در آن منظور خواهد شد.

براساس آنچه بعنوان مشخصات و اهداف عملیات محدود عنوان شد، نیروی زمینی ارتش سلسله عملیات خود را «ظفر» نام نهاد، که

۱– ۲۰. ایجاد تحرک در جبهه های مختلف و بالطبع انجام عملیات مانع از تمرکز فکر دشمن شده و نهایتا منجر به تجزیه آنها می شد زیرا که بایستی به تمامی تحرکات خودی نظر داشته باشد.

عمدتا تظاهر به تک همراه با آتش توپخانه بود.

همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ عملیات بنام «قدس» (۱،۲،۳،۴،۵) و نیز عملیات «عاشورا» را انجام داد که توضیحات و شرح آن به ترتیب، در پی می آید.

ص: ۱۰۶

سلسله عملیات قدس: قدس ۱ تا ۵ و عاشورای ۴

عملیات قدس ۱ و ۲

از آنجا که قسمتی از سلسله عملیاتهای محدود در هور انجام گرفت، مقدمتا ذکر نکاتی در این باب، که هور چه جایگاهی در استراتژی جنگ داشته و نیز رابطه آن با اهداف عملیات بدر و همچنین مهیاسازی مقدمات عملیات گسترده در هور، لازم و ضروری بنظر می آید. چنانچه قبلا ذکر شد، عمده ترین هدف عملیات بدر قطع جاده استراتژیک العماره - بصره بود. لیکن بنا به عللی دست یابی به آن مقدور نشد. اما در عین حال، جایگاه هدف یاد شده در استراتژی جمهوری اسلامی محفوظ بود. لذا پس از عملیات بدر اولین حرکت و هر چه نزدیکتر شدن به جاده بصره - العماره و دو پاسگاه ابولیله و ابوذکر منظور گردید. علاوه بر این خط پدافندی که پس از تصرف پاسگاه ترابه - در عملیات بدر - در این منطقه بوجود آمد، احتیاج به ترمیم داشت و انجام این تعرضات (عمدتا قدس ۱ و ۲ می توانست ضمن نزدیک کردن خطوط پدافندی به رودخانه دجله و جاده بصره - العماره، خطی منظم و بهم پیوسته را بوجود آورد.

ص: ۱۰۷

از سوی دیگر دشـمن پس از عملیات بدر، حساسیتی قابل ملاحظه و چشـمگیر نسبت به هور از خود نشان داد. چنین بنظر می رسید که قوای نظامی عراق تلاشی وسیع را به منظور عقب راندن نیروهای خودی از هور انجام دهند، لذا این مهم، خود، ضرورت تحکیم و تثبیت مواضع بدست آمده (طی عملیات خیبر و بدر) و نیز اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل تعرضات احتمالی دشمن را افزونتر می کرد.

اهداف عملیات قدس ۱ و ۲ و موقعیت منطقه

بطور مشخص ۴ هدف مجزا در عملیات قدس ۱ و ۲ منظور گردید که عبارت بود از:

۱ - پاسگاه ابوذکر

۲ - روستای ابوسعید

۳ - برکه مختار

۴- کمین دژبانی (عقبه دشمن)

پاسگاه ابوذکر و ابولیله در حد فاصل پاسگاه، شط علی و طبر و در نزدیکی رودخانه واقع است که از سمت غرب تا حدود روستاهای الزجیه و الحسان، از سمت جنوب تا روستای البیضه و از شمال تا پاسگاه ترابه را می توان محدوده ی عملیاتی این منطقه محسوب کرد.

در این میان شناسائی در هور، دشواری و معضلات فراوان داشت، زیرا از یک سو وجود آبراههای متعدد و از سوی دیگر کمین های احتمالی دشمن که بعضا بصورت سیار بود و همچنین مواضع و موانع دشمن به منزله ی عوامل بازدارنده در شناسائی ایجاد مشکل می کردند. بر این اساس، گم شدن عناصر شناسایی (اوایل کار) امری غیر منتظره نبود

چنانچه بارها عناصر شناسایی راه خود را گم کرده، سپس با شنا کردن مسافتی طولانی و گاه در صورت خستگی مفرط، با خوابانـدن نی ها و استراحت بر روی آن، خود را آرام، آرام به مواضع خودی رسانده بودند. فی المثل برادر بشارت که بعدا به شهادت رسید، از قبل از عملیات بدر به مرخصی نرفته بود؛ وی مرتبا به صورت داوطلبانه به شناسایی می رفت و تقریبا رکورد شناسایی و نیز گم شدن در هور و ماندن در آب را شکسته بود. وی یکبار بیش از ۶۵ ساعت، یعنی چیزی نزدیک به ۳ شبانه روز، در هور سرگردان بود و بالاخره شناکنان خود را به مواضع نیروهای خودی رسانید. غیر از گم شدن نیروها، مسئله ی برخورد با کمین دشمن و شهادت نیز وجود داشت. چنانکه یکی از شبها سه نفر غواص با یک بلم به شناسائی رفته، دو تن از آنها در نقطه ای در نزدیکی مواضع دشمن از بلم بیرون آمده، نفر سوم در لابلای نیزار همراه با بلم به انتظار می ایستد؛ دو نفر غواص راه خود را به طرف پاسگاه ابوذکر ادامه می دهند و در این میان به موانع دشمن برخورد می کنند. در این اثنا وقتی برادران شناسایی در فاصله ۱۰۰ متری با دشمن، قرار می گیرند، ناگهان، با رگبار آتش از سوی عناصر عراق مواجه می شوند. برادران بلافاصله به زیر آب می روند تا از آتش دشمن در امان باشند، اما یکی از برادران بر اثر اصابت تیر به شهادت می رسد و میان سیم خاردار حلقوی گیر می کند. برادری که همراه وی بوده هرچه سعی می کند تا برادر شهید را به عقب منتقل کند، موفق نمی شود؛ لذا او را در لابلای نیزار استتار نموده، مبادرت به پخش کردن آب خون آلودی که بر اثر اصابت تیر ایجاد شده بود، می نماید و سپس با بلم به نزد برادر دیگری که در انتظار بوده برمی گردد و روز بعد با امکانات بیشتر جهت انتقال جنازه برادر شهید مراجعه می کنند که خوشبختانه دشمن متوجه نمی شود و لذا انتقال جسد به عقب با موفقیت

انجام می گیرد.

مواضع و استعداد نیروهای دشمن

دشمن در منطقه مزبور از مواضع و موانع مختلف برخوردار بود؛ فی المثل بشکه فوگاز (ناپالم)، سیم خاردار حلقوی (که بعضا تا ۱ متر در سطح آب و چند رده در زیر آب را می پوشانید)، تنها قسمتی از آن می باشد.

دشمن در اطراف پاسگاه ابوذکر و روی خشکی اطراف آن سنگرهای متعددی احداث کرده بود. همچنین در روی برکه مختار، علاوه بر سنگر، کمین سیار نیز گذاشته بود که به صورت زیگزاگی یکدیگر را می پوشاند و عاملی موثر در تأمین پاسگاه ابوذکر به شمار می رفت.

استعداد دشمن در این منطقه عبارت بود از سه گروهان کماندویی که به ترتیب یک گروهان در پاسگاه «ابوذکر»، یک گروهان در پاسگاه «ابولیله» و یک گروهان در برکه مختار، استقرار داشتند. یک گروهان هم پشت برکه ی مختار در احتیاط نزدیک بود.

علاوه بر این نیروهای موجود در منطقه، عناصری از تیپ ۵۰۶ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ در منطقه حضور داشتند که برخی از آنها در میان اسرا و کشته شدگان مشاهده می گردید.

دشمن همچنین به منظور کنترل منطقه با استفاده از هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی - ۷ مرتبا گشت شناسائی انجام می داد و بعضا بر روی مواضع خودی اجرای آتش می کرد.

شرح عملیات

پس از فراهم آمدن مقدمات عملیات و حرکت نیروها از نقطه رهایی به سمت هدف های از پیش تعیین شده، در تاریخ ۲۵ / ۳ / ۱۳۶۴ مصادف با روز قدس حمله، با رمز «یا محمد رسول الله یا الله (۳)، قد تری انا فیه ففرج عنی یا کریم الله اکبر» آغاز شد. نیروها با عکس العمل سریع، ظرف ۳ دقیقه، علاوه بر پاکسازی نیروهای دشمن تعدادی از آنها را به اسارت درآوردند. چنانکه تصرف پاسگاه ابوذکر و ابولیله مدت ۵ الی ۷ دقیقه بطول انجامید.

در محور برکه ی مختار، نیروهای عراقی اندک مقاومتی کردند که این مقاومت درهم کوبیده شد. ضمنا فرمانده پاسگاه ابوذکر که غافلگیر شده بود، هنگامی که قصد فرار داشت، به هلاکت رسید.

در صبح روز عملیات، هواپیماهای پی - سی - ۷ و هلی کوپترهای دشمن فعالیت خود را آغاز کردند، اما با استقرار سلاحهای ضد هوائی و سقوط یک فروند آن، که با موشک (سام - ۷) انجام گرفت، دشمن عملا ناتوان گردید.

دشمن همچنین مبادرت به پاتک کرد، که توسط قایقهای حامل دوشکا، ۱۰۶ و تیربار تحت حمایت هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی ۷ انجام گرفت که البته ماحصلی برای او نداشت و در نتیجه تلفات و ضایعات زیر بر دشمن وارد آمد:

- انهدام یک گردان کامل از تیپ حطین، تعدادی از عناصر تیپهای ۵۰۶ و ۱۱۴ و لشکر ۲۵ کشته و اسیر شدند. ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن مجموعا به هلاکت رسیدند و نزدیک به ۲۰۰ مجروح و ۹۰ اسیر از آنها بر جای ماند.

ص: ۱۱۱

گذشته از این ۱۵ فروند قایق، یک فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر و ۱۲ پاسگاه سیار دشمن منهدم شد.

همچنین ۴ قبضه توپ هوائی، ۶ قبضه خمپاره انداز و ۳۰ قطعه پل دوبه ای بخشی از غنایم بدست آمده را تشکیل می داد. ضمنا منطقه ای به وسعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد گردید.

تحکیم منطقه و انجام قدس ۲

بمنظور ممانعت از تک احتمالی دشمن و مرتفع نمودن نقاط ضعف خودی و تبدیل آن به قوت و همچنین آسیب پذیر کردن دشمن و بدست گیری ابتکار عمل، در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۴ در ساعت ۲ بامداد رزمندگان اسلام تهاجم خود علیه دشمن را در اطراف البیضه آغاز کردند.

طی درگیریهائی که چند روز ادامه داشت نیروهای خودی توانستند ضمن انهدام بخشی از نیروهای تیپ ۶۸ کماندوئی و دفع پاتکهای دشمن با پاکسازی و الحاق موقعیت خود را در مناطق تصرف شده تثبیت نمایند.

عملیات قدس ۳

هدف از عملیات قدس ۳، عمدتا تصرف تپه ۱۹۴، انهدام تجهیزات، و گرفتن تلفات و اسیر از دشمن بود. البته در ابتدا، تصمیم بر این بود که نیروها پس از تصرف هدف، با انجام پاکسازی، منطقه را تأمین نمایند؛ لیکن عملیات بنا به عللی، در نهایت بصورت «نفوذی» تغییر شکل داد.

موقعیت منطقه - منطقه عملیاتی مورد نظر، که نزد دشمن به ارتفاعات «عین منصور» و در بین افراد محلی به «فره سیاه» مشهور است، در محور عمومی دهلران - طیب در غرب رودخانه میمه قرار دارد. این منطقه دارای یک سری تپه و ارتفاعات می باشد.

همچنین در شرق رودخانه که به منطقه «بیات» معروف است وجود ارتفاعات ۲۰۸ بدلیل مشرف بودن روی حاشیه غربی «میمه» قابل ذکر است.

ضمنا عراق هنگام عقب نشینی سراسری خود پس از فتح خرمشهر، قسمتی از ارتفاعات یاد شده را - که در خط مرزی دو کشور قرار دارد - به لحاظ موقعیت حساس آن، همچنان حفظ کرد. خط اولیه دشمن در جلوی شیار مالحه و روی ارتفاع ۱۹۴ واقع بود. دشمن با استقرار بر روی ارتفاع مزبور، که طول آن به ۱ کیلومتر می رسید، دید کافی بر روی خط خودی و منطقه عمومی دهلران، داشت.

یک جاده خاکی از جاده اسفالته مهران - دهلران به طرف ارتفاع ۲۱۶ رفته، از خط خودی عبور نموده، سپس از غرب شهرک طیب به داخل خاک عراق امتداد می یابد.

این جاده اصلی به فاصله حدود دو کیلومتر پس از ارتفاع ۲۱۶ از پشت مقرها و پاسگاه های دشمن که خط جلوی مالحه را تشکیل می دهند، می گذرد.

در سمت راست جاده اصلی به موازات خط دشمن ۳ جاده فرعی شمالی - جنوبی قرار داشت که از طریق این جاده ها عقبه دشمن به خط جلوی مالحه و ۱۹۴ مرتبط می شد و نیروهای عراقی از این طریق تدارک می گردیدند. قابل ذکر است که در رابطه با آرایش خط دشمن جناح چپ از شیار مالحه خالی بود و این نقطه ضعف اساسی دشمن قوتی برای

نیروهای خودی محسوب می شد.

موانع دشمن در این عملیات، عبارت بود از ۲ ردیف مین والمر و ۱۰ ردیف سیم خاردار حلقوی، همچنین در اطراف سنگرهای دشمن در این محور، ۱۶ ردیف سیم خاردار حلقوی کار گذاشته بودند و نیز ۳ میدان مین انفجاری و منور و ۲۴ رده سیم خاردار رشته ای در اطراف پایگاه ها و مقرهای دشمن نصب شده بود.

طراحی عملیات - به تناسب راه کارهای موجود در منطقه، عملیات از دو محور طراحی شد. نکته قابل توجه در این عملیات، مسئله غافلگیری بود، چنانچه نیروهای خودی با رعایت حفاظت و استفاده از شب جهت تردد و نقل و انتقالات، سعی وافری بر ممانعت از هوشیاری دشمن داشته؛ لیکن تحرکاتی که عناصر دشمن مشاهده می شد که به نظر می رسید اصل غافلگیری مخدوش شده است؛ اما بعدا معلوم شد که تحرکات دشمن صرفا جابجایی نیروها بخاطر خستگی و ضعف روحیه بوده است.

علاوه بر این هنگام تهاجم نیروهای خودی، عناصر دشمن در سنگرها در خواب بسر می بردند و این امر خود دلیلی بر غفلت دشمن محسوب می شد.

ضمنا سعی بر این بود که تعرض بدشمن همراه با ابتکار عمل باشد بدین معنی که حمله در ابتدا به قرارگاه دشمن و از پشت صورت گردد تا خط متزلزل شود، و علاوه بر این در اولین فرصت کابلهای برق و سیم های مخابراتی دشمن قطع شود تا بدین طریق، ارتباط نیروهای دشمن با عقبه و نیروهای در خط بطور کلی قطع و مختل گردد.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، نیروها در محورهای از پیش تعیین شده حرکت خود را به سمت دشمن آغاز کردند. حرکت نیروها چنان

آمیخته با غافلگیری بود که برخی از آنها توانستند خود را بالای سر نیروهای دشمن رسانده جهت انجام عملیات اعلام آمادگی نمودند.

به هر روی، پس از اعلام آمادگی کلیه نیروها از محورهای مختلف، در ساعت ۴۵ / ۲ بامداد ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۴ عملیات با رمز:

«و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. انا فتحنا لک فتحا مبینا.

یا امام صادق (ع) یا امام صادق (ع)، یا امام صادق (ع)، الله اکبر»

در کلیه محورها با هجوم به دشمن آغاز شد.

سرعت عمل نیروها چنان بود که پس از قرائت رمز عملیات و در همان لحظات اولیه نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. از آنجا که هدف عملیات نفوذی بود، لذا نیروها حتی الامکان از به غنیمت گرفتن اقلامی که دست و پاگیر بود و انتقال آنها به عقب خالی از مشکلات نبود، امتناع ورزیده، سعی بر این داشتند که اساسا امکانات دشمن را منهدم سازند و به آتش بکشند.

پس از اجرای موفق عملیات، با نزدیک شدن طلوع فجر و روشنائی هوا، به نیروها دستور عقب نشینی داده شد.

نظر به اینکه دشمن غافلگیر شده و نیز در تدبیر عملیاتی سیم کابل مخابراتی آنها قطع شده بود، طبیعتا از اهداف عملیات آگاه نبود. لذا صرفا بمنظور حضور در منطقه پاتک خود را با نیروهای زرهی و تعدادی هلی کوپتر آغاز نمود. دشمن تصور می کرد نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۱۹۴ و سایر پایگاههای منطقه مستقر شده اند، لذا تلاشی قابل توجه را به آن سمت معطوف نمود؛ لیکن با عقب نشینی بموقع نیروهای خودی پس از انجام مأموریت محوله، اساسا آسیبی قابل ملاحظه متوجه

آنها نشد. قابل ذکر است که دشـمن در شب عملیات قصد تعویض نیروهایش را داشت لذا به دلیل عدم آمادگی تلفات زیادی را متحمل شد.

نتایج عملیات

۱ – پاکسازی منطقه ای به وسعت ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر مربع

۲ – کشته و مجروح کردن بیش از ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن

۳ – انهـدام ده انبـار مهمات، ۶ قبضه تفنـگ ۱۰۶ م.م، یـک قبضه توپ پدافنـد هوائی، تعـداد زیادی خودرو سـبک و سـنگین (شامل ایفا، جیپ) و همچنین انهدام پمپ بنزین قرارگاه گردان.

در مجمـوع از تیـپ ۸۰۵ پیـاده ارتش عراق، گردان یکـم صددرصـد و گردان دوم ۶۰ درصـد منهـدم و بـه گردان سـوم نیز خساراتی وارد آمد.

در این عملیات، گذشـته از ضـعف دشمن در جناح دادن و عدم آشنایی با زمین منطقه، ابتکارات نیروهای خودی در دور زدن دشـمن، توجیه گردانهای عمل کننده، نزدیک شدن به دشـمن با حفظ غافلگیری، قطع ارتباط، زدن مقرهای فرماندهی و آتش پشتیبانی مؤثر (که توسط ارتش اجراء شد) قابل توجه بود.

لازم به تـذکر است که همزمان با عملیات قدس ۳، از سوی برادران نیروی زمینی ارتش در شـرهانی، عملیـاتی بمنظور باز پس گرفتن مناطقی که بتازگی به اشـغال دشـمن درآمـده بود، انجام شد. این حرکت اساسا منجر به معطوف نمودن ذهن دشـمن به آن منطقه شد و بطور غیر مستقیم به منزله پشتیبانی عملیات قدس ۳ محسوب گردید.

عملیات قدس ۴

دو حادثه مهم در جهت شکل گیری عملیات قدس ۴ در دریاچه ام النعاج در هورالهویزه نقش داشت: یکی کنار رفتن تهلهای (۱) شط الـدوب بود، که بر اثر طوفان شدید و بی سابقه صورت گرفت، و بدین وسیله شط به دریاچه ام النعاج متصل گردید؛ و دیگری اسارت تعـدادی از نیروهـای شـناسایی عراق بـود، کـه طی یـک درگیری بـا مجاهـدین عراقی به اسارت درآمدنـد. اطلاعـات نسـبتا مـوثقی که از این اسـرای تخلیه شـده بـدست آمـد، زمینه منـاسب را جهت معطوف کردن توجه فرمانـدهان به دریاچه ام النعاج فراهم کرد.

موقعیت منطقه – دریاچه ام النعاج از شمال ابتدا به چند آبراه، سپس به برکه «سوده»، روستای «سلف المعداه»، روستای «الهویه» و روسـتای «حمیدان» و از شمال غرب به آبراههای «ابوحضاف»، آبراه «العوج»، روستای «سلف الدین» و روستای «سلف العبده» و از غرب به آبراههای «ام البود»، روستای «الهرود» و آبراه «معمر» و از جنوب غربی به «شط الدوب» و «برمایه ترابه» و از جنوب به تعدادی آبراه و برکه و آبراه بزرگ «الکسر»، آبراه «العوج» و از شرق به برکه های «ام ارزال»، «ابوشوش»، «سوده ام توشه» و شمال با فاصله ای به آبراهها و برکه های «هورالعظیم» محدود می شود. این دریاچه به مساحت تقریبی ۱۰۰

۱– ۲۱. از بهم پیوسـتن نی و دیگر روئیـدنیها در هور، بمرور زمان قطعاتی جزیرهماننـد بر روی آب ایجاد می شود که ساکنین منطقه به آنهـا تهـل یـا طهـل می گوینـد. تهل ها اکثرا کوچك و متحرك می باشـند، البته در هورالهویزه تهل های بزرگی نیز دیده می شود که به جزیره های ثابتی تبدیل شده اند و بادهای معمولی قادر به جابجایی آنها نمی باشد.

کیلومتر مربع در شمال غربی «هورالهویزه» و جنوب شرقی «عماره» قرار دارد.

آب دریـاچه ام النعـاج واقع در هورالهویزه از رودخـانه هـای ایران تـأمین می شود که از طریق آبراههای متفاوت در آن جریان می یابـد، دریـاچه و آبراههـای منتهی به آن، دارای تهـل هـای فراوان است. در شـرق دریـاچه تهلها بیشتر متحرک بوده، مسـیر حرکتشان شرقی - غربی است و عمدتا بستگی به جهت وزش باد دارد.

قبل از جنگ عـده ای عشایر در این دریاچه زنـدگی می کردنـد که بر روی تهلهای ثابت، حباشه (سایبان) ساخته، از راه صـید ماهی امرار معاش می کردند.

همچنین فروش نی به کارخانه ی حصیربافی نیز بخشی دیگر از درآمد آنها را تشکیل می داد.

اهداف عملیات قدس ۴

۱- انهدام نیروی دشمن

۲ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از دریاچه ام النعاج و در نتیجه تسلط بر بخشی دیگر از هور

۳ - گرفتن جای پا جهت گسترش عملیات

۴ - گرفتن جنـاح از دشـمن و نزدیک شـدن به قسـمتی دیگر از خشـکیهای عراق که شامل روسـتاهای سـلف المعـده، الهویه، حمیدان و... می شود که در جنوب شرقی العماره واقعند.

شناسائی

پس از تعیین محدوده ی منطقه عملیات، کار شناسائی از دو محور بر

روی آبراهها، کمینها و پاسگاههای دشمن آغاز شد. نظر به حساسیت منطقه و هوشیاری نسبی دشمن، امر شناسایی نیازمند دقت و سختکوشی بسیار بود و طبیعتا معضلاتی به همراه داشت.

در محور غربی دشمن دارای ۴ پاسگاه ارتشی و ۵ کمین فرسان الهور بود. کمینها نیز به دو صورت فعالیت می کردند. یکی متحرک، که با بلم در میان نیها مخفی می شدند و دیگری ثابت، که بر روی تهلها استقرار داشتند. در هر کمین دشمن از ۸ تا ۱۵ نفر نیرو با سلاحهای سبک مانند کلاش، آرپی جی حضور داشتند.

در محور شرقی در ام الطیره دو پاسگاه به استعداد جمعا ۳۰ نیرو و تعدادی کمینهای فرسان الهور وجود داشت. استعداد و آرایش کلی منطقه عبارت بود از لشکر ۲۹ در المعیل و تیپ ۱۱۷ مرزی، که گردان و عناصری از گردان ۲ این تیپ در دریاچه ام النعاج و گردان ۴ آن از ابوخصاف به سمت جنوب، در مقابل آبراه خیط، استقرار یافته بودند.

آخرین وضعیت قبل از عملیات - بافت و ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات می تواند از ویژگیهای آن در مقایسه با سایر عملیاتها به شمار رود؛ زیرا غیر از فرماندهی و برخی کادرها، تمامی عناصر آن از نیروهای مجاهد عراقی بودند که در چهارچوب «تیپ بدر» سازماندهی شدند. عناصر تیپ بدر ترکیبی از ارتشیان پناهنده عراقی و مجاهدین غیر نظامی است که صرفا به لحاظ بینش سیاسی و انگیزه حرکت و جهاد مسلحانه در جبهه حضور یافته اند. قابل ذکر است که هسته اولیه تیپ بدر ۲ سال قبل در حد یک گردان بنام شهید صدر تشکیل شد و سپس رو به گسترش نهاد؛ چنانچه در عملیات بدر توانستند با توانی بیشتر اجرای مأموریت نمایند.

آموزش - به منظور آمادگی نیروها آموزش فشرده برای آنها در

زمینه های شنا، غواصی، بلم زنی و قایقرانی به مورد اجرا گذارده شد.

همچنین در زمینه مهندسی و تدارکات، اقدامات مقتضی صورت گرفت؛ بطوریکه بوسیله نی بر آبراههای مورد نظر عریض گردید و پلهای خیبری به جلو منتقل شد.

واحد تدارکات نیز بنه های تدارکاتی را به جلو کشید و از آمادگی لازم جهت تدارک و تأمین عملیات، در چند روز اول، برخوردار گردید.

شرح عملیات: دشمن قبل از آغاز تک تقریبا روزی یک تا دوبار به وسیله هواپیماهای پی - سی - هفت منطقه را بمباران می کرد. در مواردی هم اقدام به شناسائی و گشت رزمی می نمود که به دلیل وجود کمین های خودی، نتوانست حرکتی عمده صورت دهد.

به هر روی، در تاریخ ۱ / ۵ / ۱۳۶۴ در ساعت ۱۲ نیمه شب تک آغاز شد. سرعت عمل نیروها و بهره گیری از عنصر غافلگیری موجب گردید دشمن تا مدتی با سرگشتگی و آشفتگی باشد و عملا قادر به هیچ اقدام اساسی نشود. در این میان مسئله قابل توجه، اسارت مأمور بیسیم فرماندهی دشمن بود، که با گفتن الله اکبر خود را تسلیم نیروهای اسلام نمود.

دشمن پس از سقوط پاسگاه ها و تأمین اهداف عملیات، به اجرای شدید آتش توپخانه مبادرت ورزید - بطوریکه تردد در منطقه با اشکال مواجه شد.

در این موقع تعدادی از اسرا به تقاضای همکاری پاسخ مثبت داده به پای بیسیم منتقل شدند. از پست شنود با فرماندهی خود (در عقبه) تماس گرفته و تقاضای نیرو کردند. از آنجا که دشمن بر روی منطقه تسلط نداشت، نپذیرفت، ولی در مقابل تقاضای قطع آتش، به بهانه اینکه بر روی سر خودمان می ریزد، بعد از لحظاتی آتش توپخانه عراق بطور کلی قطع شد و در این فاصله ترددها صورت گرفت و این امر، کمکی

شایان به رزمندگان نمود.

نتایج عملیات

در پایان عملیات قدس ۴ نیمی از دریاچه ام النعاج که از شط الدوب در غرب دریاچه شروع شده و تا برکه ام سوده در شرق آن امتداد داشت، به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۳ نفر به اسارت درآمدند.

عملیات قدس ۵

عملیات قدس ۵ بمنظور تکمیل اهداف قدس ۱ و ۲ در نظر گرفته شد و اهداف زیر برای آن منظور گردید:

۱- تصرف پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه

۲ - نزدیک شدن به البیضه با توجه به حساسیت پاسگاه «الیج» که در سمت چپ پاسگاه بلاله و نزدیکی البیضه قرار داشت.

۳- تأمین بیشتر جاده خندق

۴ - تأمین بیشتر جناح راست خط پدافندی که احتمال می رفت دشمن با اتکاء به خشکیهای موجود در این محور با نزدیک شدن به مواضع خودی، آنرا مورد تهدید قرار دهد.

۵ - محدودتر شدن خط پدافندی خودی و تقلیل پاسگاه های بر روی آب

موقعیت منطقه - پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه و در شمال

منطقه عملیاتی بدر، حدفاصل پاسگاه بلال و جاده خندق، در شرق البیضه قرار دارد.

موانعی که دشـمن در این منطقه داشت، عمدتا عبارت بودند از: ۶ الی ۷ ردیف سیم خاردار: حدود ۷۰۰ متر میدان مین؛ بشکه های ۲۰۰ لیتری فوگاز (آتشزای ناپالم).

همچنین دشـمن در پاسگاه الیج ۲ دسـتگاه تک لول ضد هوائی، ۲ قبضه خمپاره انداز ۸۱ و ۸۲ م.م و مهمـات کافی جهت ۴۸ ساعت مقاومت در اختیار داشت و نیروی گردان سوم از تیپ ۷۰۱ کماندویی حذیفه در آن مستقر شده بود.

شروع عملیـات: پس از کسب آمادگی های لازم، نیروهای تکاور در تاریـخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۴، در حـد فاصل ساعت ۱۸ الی ۱۹ بعـد از ظهر، حرکت خود را از نقطه رهایی به سوی دشـمن آغاز نمودنـد و پس از پشت سر گـذاردن پاسگاههای خودی، با اندکی تأخیر در معابر و محورهای مورد نظر قرار گرفتند. در این اثنا مسـئله قابل توجه تیراندازیهای کور و بدون هدف دشـمن بود که در جوانب مختلف صورت می گرفت.

در ساعت ۲۳ پس از اعلام آمادگی کلیه نیروهای عمل کننـده، رمز عملیات توسط فرمانـدهی با عنوان «یا علی ادرکنی» قرائت شد و به دنبال آن، درگیری در محورهای مختلف آغاز گردید.

در یکی از محورها وجود تک لول دشمن منجر به اشکالاتی در امر پاکسازی شد که پس از رفع مانع، عملیات ادامه یافت.

در محور دیگری که دشـمن هوشـیار شده بود، نیروهای خودی به قصد فریب دشـمن تظاهر به پناهندگی نمودند. در این اثنا با سرعت عمل یکی از برادران و مسـلح شدن وی، درگیری آغاز شد و در نهایت پس از سقوط پاسگاه، ۱۸ تن از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.

نتایـج عملیات – طی عملیات قدس ۵، ۳۰ کیلومتر مربع از هور آزاد شـد، همچنین ۵۱ تن از نیروهای دشـمن کشته شدند و ۱۸ نفر از آنها به اسارت درآمدنـد. علاوه بر این غنایمی از جمله خمپاره انـداز، سـلاح ضد هوائی تک لول و... از دشـمن بدسـت آمد.

عملیات عاشورای ۴

به دنبال عملیات قـدس ۴، که توسـط مجاهـدین عراق در دریـاچه ام النعاج صورت گرفت و منجر به آزادسازی قسـمتی از آن شد، عملیات عاشورای ۴ به منظور آزادسازی کامل دریاچه، با همان ترکیب نیروی سابق (مجاهـدین عراقی) تحت عنوان «تیپ بدر» در دستور کار قرار گرفت.

پس از تعیین حـدود منطقه عملیـاتی و واگـذاری آن به تیپ بـدر، کـار شـناسایی و آمـاده سـازی منطقه آغـاز شـد. در این اثنا پناهندگی دو تن از قوای عراقی به نیروهای خودی، به لحاظ داشتن اطلاعات مناسب، توانست نقشی مؤثر در عملیات ایفا کند.

شناسـایی منطقه مزبور از آنجا که نیروهای تیپ بـدر در منطقه حضور داشت، در صـدد ادامه ی تک بودنـد، به آسانی صورت گرفت.

قابـل ذکر است که دشـمن در دریاچه ام النعاج، گروهان ۲ از گردان ۶ تیپ ۱۱۷ را در ۴ پاسـگاه ثابت و یک پاسگاه شناور آرایش داده بود و نیز نیروهایی به نام فرسان الهور (۱) در کمین های دشمن استقرار داشتند.

۱- ۲۲. نیروهای اطلاعاتی سپاه چهارم عراق در هور.

شرح عملیات

زمـان آغاز تک، یک روز پس از میلاد امام هفتم (ع) (۸ صفر) در نظر گرفته شد، لذا رمز عملیات به همین مناسبت «یا موسی الکاظم (ع)» انتخاب شد.

در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، عملیات با قرائت رمز آغاز گردید. در محور شـرقی عملیات، به لحاظ اسـتفاده از اصل غافلگیری و نیز پشتیبانی مؤثر آتش ادوات، دشمن هراسان شده، در همان ساعات اولیه اهداف مورد نظر تأمین گردید. فی المثل نیروهای خط شـکن که با بلم به سـمت هدف های خود در حرکت بودند، در سـر آبراه بجبله و نصـله با چند ردیف سـیم خاردار - که نیروهـای کمین در پشت آن مسـتقر بود - روبه رو شدنـد؛ ولی با این وجود فرصت را از دست نـداده، دشـمن را از جناح چپ زیر آتش قرار دادنـد و پس از بـاز شـدن معبر، بـا عبور از میـان موانع، کمین هـای دشـمن بـدون هیـچ گونه مقاومتی پا به فرار گذاشتند و بدین وسیله ۱۵ کمین دشـمن که از نیروهای فرسان الهور بودند، سقوط کرد و پس از آن پیشروی به سمت پاسگاه های دشمن ادامه یافت و بدین ترتیب به سقوط آنها منجر شد.

در محور غربی عملیـات با اجرای آتش مناسب و اسـتفاده از مانور آتش و حرکت، نیروهای غواص ابتـدا با پرتاب نارنجک به طرف سـنگرهای دشـمن تهاجم خود را آغاز کردند و سپس با رسیدن نیروهای موج بعدی و استمرار تک، پاسگاههای دشمن یکی پس از دیگری سقوط نمود.

در صبح روز اول عملیات، در حوالی ساعت ۵ / ۱۱ صبح، دشمن پاتک خود را آغاز کرد؛ لیکن با اتخاذ تدابیر مناسب توأم با خونسردی،

ص: ۱۲۴

نیروها در میان نی ها کمین کرده، پس از نزدیک شدن دشمن، به آنها حمله ور شدند و بدین وسیله پاتک دشمن خنثی شد.

پاتک دوم دشمن در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز، با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت هواپیمای پی - سی - ۷، با ۱۲ فروند قایق شروع شد.

مجاهدین عراقی در میان نی ها به کمین نشستند تا اینکه دشمن به فاصله ۵۰۰ متری آنها رسید، سپس ۳ فروند قایق به فرماندهی شهید ابوالخیر از میان نی ها بیرون آمده، آتشی پر حجم را روی دشمن اجرا نمودند. با این اقدام، ۱۲ فروند قایق دشمن تصمیم به فرار گرفتند؛ ولی با تعقیب آنها توسط مجاهدین عراقی، اجبارا به حواشی دریاچه رسیدند و پس از برخورد با نی ها متوقف شدند و این امر موجب کشته و اسیر شدن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفته شدن ۸ فروند از قایق هایشان گردید.

در این تعقیب و گریز، برادر ابوالخیر به شهادت رسید؛ ولی مخابراتچی قایق او حاضر به بازگشت نشد و با انگیزه ی گرفتن انتقام شهید ابوالخیر به تعقیب قایق های عراقی ادامه داد تا اینکه بر اثر سرعت بیش از اندازه قایق شهید ابوالخیر بر روی قایق دشمن سوار شد، بطوری که هر ۳ نفر نیروهای داخل آن به هلاکت رسیدند.

در روز دوم عملیات، دشمن به لحاظ اهمیت دریاچه ام النعاج تصمیم به باز پس گیری آن گرفت و جهت انجام این مهم، ابتدا فرماندهی منطقه را که از خود ضعف نشان داده بود، تعویض و به دنبال آن اقدام به سه پاتک متوالی نمود.

در پاتک اول، دشمن ۸ فروند قایق را با پشتیبانی ۵ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ وارد عمل کرد. در پاتک دوم، ۸ فروند و یک دستگاه نفربر خشایار توأم با پشتیبانی هوایی وارد عمل شد. سومین پاتک

دشمن از المجری با ۱۲ بلم و حمایت هواپیمای پی - سی - ۷ آغاز شد. در این میان مجاهدین عراقی از تاکتیک استتار در نی ها و سپس حمله به دشمن، استفاده کرده، به آنها حمله ور شدند. دشمن با مشاهده مکرر این صحنه غافلگیر شده، اقدام به فرار کرد.

همچنین یکی از مجاهدین عراقی هنگام تعقیب قایق دشمن با نقص فنی دوشکا مواجه شد و نتوانست تیراندازی کند، لذا از پشت قایق،خود را به قایق دشمن کوبید و منجر به غرق شدن آنها گردید.

در عملیات عاشورای ۴ تمامی اهداف مورد نظر تأمین شد و نتایج زیر بدست آمد:

- آزادسازی ۱۱۰ کیلومتر مربع از زمین های منطقه

- تصرف ۳ پاسگاه و کمین دشمن

- اسارت ۷۶ تن از نیروهای دشمن (که تنها در حین پاتک اسیر شدند)

- به غنیمت گرفتن ۲۷ قایق و بلم، ۹۹ قبضه سلاحهای نیمه سنگین، ۲ قبضه ضد هوائی تک لول ۱۴/۵ و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲و ۶۰ م.م.

در این عملیات، دشمن بیش از ۳۰۰ نفر کشته و زخمی به جای نهاد؛ ۲۵ پاسگاه منهدم شد؛ یک فروند هواپیمای پی - سی - ۷ سقوط کرد و بیش از ۱۰۰ فروند قایق و بلم دشمن منهدم و نابود گردید.

نتایج و ارزیابی عملیات محدود

پس از آنکه سلسله عملیات محدود انجام گرفت از آنجا که قسمت اعظم آن در هور بود، لذا دشمن دچار نوعی هراس و شتابزدگی شد

ص: ۱۲۶

و همچنین همین امر موجب مبادرت دشمن به ترمیم اساسی مواضع و استحکامات دفاعی خود شد که آن را استراتژی پدافندی نامید.

علاوه بر این زنده نگاه داشتن جو جنگ و مقاومت، خصوصا پس از اهتمام به جنگ شهرها، نقشی بسزا را در خارج و داخل داشت.

به هر روی، سلسله عملیات قدس و عاشورا نشانگر ادامه مقاومت و استمرار در ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود. این امر گذشته از سایر نتایج دستاوردهای نظامی عملیات و آسیب پذیری و انهدام دشمن است که قسمتی از آن به شرح زیر است:

۱ - حفظ روحیه تعرضی

۲ - افزایش انسجام یگانها و پرورش کادر و افزودن به تجربیات جنگی آن ها

۳ - گرم نگاه داشتن جو جنگ در میان مردم

۴ - تضعیف روحیه سربازان دشمن و ایجاد تزلزل در آنان

۵ - به ضعف کشانیدن موضع قدرت نمائی و مانور دشمن که پس از عملیات بدر با جنگ شهرها در حال افزایش بود

۶ - در انفعال قرار دادن دشمن و گرفتن مجال هر گونه پدافند از او

۷ - باز پس گیری بخشی از اراضی اشغالی و پیشروی در خاک دشمن

۸ - خاطر نشان ساختن توانایی و قابلیتهای نظامی جمهوری اسلامی جهت وارد آوردن فشارهای پی در پی به دشمن

۹- فریب دشمن و ممانعت از هوشیاری آن نسبت به تلاش های اصلی و گسترده در آینده

۱۰- نزدیک شدن به عمق دشمن در بعضی مناطق و تسلط بر

خطوط ارتباطی و عقبه ی آن ها

۱۱ - بهره گیری از زمان و مشغول ساختن دشمن، جهت طراحی عملیات گسترده (والفجر ۸) و بازسازی و سازماندهی یگانها

۱۲ - در خط چیدن نیروهای احتیاط دشمن - از آنجا که دشمن سلسله عملیاتهای محدود را سراسری و در طول مرز فرض می کرد، لـذا مبادرت به تقویت خطوط عملیاتی کرد که عمـدتا با بهره گیری از نیروهای احتیاط بود. و این از نظر مصـرف شـدن نیروهای دشمن و آسیب پذیری آنها از اهداف عملیات محدود بشمار می رفت.

۱۳ - تقویت پشتیبانی یگان های رزمی توسط مردم هر منطقه.

ص: ۱۲۸

نتایج حاصله از عملیات زنجیره ای قدس (۱ تا ۵) از تاریخ ۲۳ خرداد تا ۱۵ مرداد ۶۴ (پنجاه روز):

انهدام نیروی دشـمن: سه تیپ شامل: تی ۵۸ از لشکر ۲۴، تی ۲ حطین از لشکر ۲۵، دو گردان از تیپهای ۱۱۷ و ۷۰۱ از لشکر ۲۹

تلفات پرسنل: ۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی

اسیر: ۲۳۵ نفر

ضایعات دشـمن: هلی کوپتر ۳ فرونـد، هواپیما ۲ فرونـد، قایق، ۳۲۵ فرونـد، خودرو ۱۵ دسـتگاه، تانک ۴ دسـتگاه، خمپاره ۱۵ قبضه، تفنگ ۱۰۶ م. م. و قبضه

وسعت زمین آزاد شده: ۴۰۵ کیلومتر مربع

غنائم بدست آمده: قایق ۲۶ فروند، بی سیم ۱۵ دستگاه ضد هوائی، ۴ قبضه سلاح انفرادی، ۳۰۰ قبضه خمپاره ۹ قبضه

ملاحظات: آمار یاد شده تنها متعلق به قدس ۱ تا ۵ می باشد و از آمار عملیات عاشورای ۴ ذکری به میان نیامده است.

ص: ۱۲۹

عملیات والفجر ۸

بررسی اجمالی وضعیت دشمن

همانطور که گفته شد، پیروزیهای فزاینده جمهوری اسلامی که با فتح خرمشهر به اوج خود رسید، غرب را بر آن داشت که به منظور فراهم آمدن شرایط مناسب در تحمیل صلح و سازش به جمهوری اسلامی، تلاش اصلی را معطوف بر حفظ صدام نماید.

بدین ترتیب از یک سو تصمیم قطعی غرب و پافشاری بر حفظ صدام به هر شکل ممکن (از طریق کمکهای همه جانبه به رژیم بعثی و ادامه تحریم فروش سلاحهای نظامی به ایران) و از سوی دیگر عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت حصول به اهداف خود در جنگ و تن در ندادن به سازش و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه استکبار، به نوعی حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم ساخت. به عبارت دیگر استکبار جهانی سعی داشت جمهوری اسلامی توانائی لازم جهت انجام حرکت سرنوشت ساز و تعیین کننده به منظور اختتام جنگ، با پافشاری بر آرمانهای مطلوب خود را از دست بدهد.

در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پافشاری روی آرمانهای خود، برقراری موازنه ی قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانائیهای تکنولوژی عراق، خاصه نیروی هوائی، در دستور کار دنیای استکبار قرار

ص: ۱۳۰

گرفت و به دنبال آن دشمن سعی کرد آسمان را بطور مطلق در اختیار بگیرد تا شاید بدین وسیله به لحاظ ضعف های متعددی که داشت، جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشاند.

در این میان آنچه غرب را بر اتخاذ سیاست مزبور واداشت، قطعا هراس از تاکتیکهای ویژه جمهوری اسلامی بود امری که به عنوان یک عنصر و عامل اساسی، نقش تعیین کننده در کسب پیروزی داشت.

طبیعتا انجام حرکتهای غیر مترقبه از سوی جمهوری اسلامی در بطن خودفروپاشی رژیم عراق و نتیجتا گسترش انقلاب اسلامی را در بر دارد و منافع غرب را بطور کلی، نه تنها در رابطه با جنگ بلکه در کل منطقه خاورمیانه، با تهدید اساسی مواجه می سازد.

از این رو غرب به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به هر گونه موفقیتی که رژیم بغداد را متزلزل و گسترش انقلاب اسلامی را تسهیل نماید، به هر شیوه ی ممکن متوسل می شود.

بر این اساس غرب سیاست دیپلماسی - فشار را اتخاذ نمود و در این روند، رژیم بغداد بعنوان عامل فشار مستقیم به جمهوری اسلامی، تحت حمایت و هدایت غرب قرار گرفت.

گر چه غرب بعینه مشاهده می کرد که سیستم موجود در عراق فاقد بهره برداری لازم و کامل از مساعدتهای غرب می باشد، لیکن بن بست جنگ، راهی جز این برای غرب باقی نگذاشته بود. به هر روی، غرب با چهار عامل اساسی به کمک حاکمان بغداد شتافت:

۱ - تکنولوژی برتر (خصوصا در زمینه هوایی)

۲ - آواکس و دستگاههای جاسوسی

۳ - کسب اطلاع از تاکتیکها و توانائیهای نظامی ایران و بهره برداری از فکر مستشاران دنیای استکبار از این امر

۴ - حمایتهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی دنیای غرب و وابستگان آن، خصوصا مرتجعین عرب منطقه...

دشمن علیرغم اینکه توانست در برهه ای خاص از زمان با گسترش سازمان رزم خود به ۵۰ لشکر با عمق بخشیدن به میادین مین و موانع و استحکاماتش و نیز ممانعت از تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده وقفه ای در پیشرفت رزمندگان به داخل خاک عراق ایجاد کند، لیکن این وضع ناپایدار بود با گذشت زمان و رشد توانائی های جمهوری اسلامی در زمینه ی جنگ - طراحی عملیات در موقعیتهای مختلف جغرافیائی (دشت، کوهستان، آب، رمل و...)، سازماندهی نیرو و گسترش سازمان رزم - در بطن خود تزلزل و بی ثبات ساختن رژیم بغداد را در برداشت.

در هر صورت رویارویی غرب با وضعیت یاد شده چیزی است که بن بست جنگ را برای غرب پیچیده تر می کند و قطعا غرب نتوانست از روند جنگ برای خود طرفی ببندد. آنچه در ارتباط با عراق قابل توجه است و تا اندازه ای منجر به افزایش نیروی بازدارندگی آن شده، گذشته از استراتژی غرب و حمایتهای همه جانبه عملی و نظری آنها، تلاش و سختکوشی دشمن در اصلی قرار دادن جنگ بوده است.

در مقاطع مختلف، برخوردهای رژیم عراق با حوادث و رخدادهای گوناگون، دقیقا نشانگر این امر است که دشمن از آنجا که تمامی حیات سیاسی - نظامی - اجتماعی - اقتصادی خود را در گرو عدم موفقیت جمهوری اسلامی در جنگ می داند، لذا به گونه ای واقعگرایانه تمامی توان خود را در جهت پشتیبانی و پاسخگوئی به نیازهای جنگ قرار داده است. فی المثل همزمان با عملیات والفجر مقدماتی، دشمن ۸۰٪ تشکیلات وزارت راه خود را تعطیل و در مناطق عملیاتی متمرکز نمود. نمونه دیگری که در نزدیکی عملیات والفجر ۸ رخ داد،

بسیج چندین هزار نفر از مردم عراق توسط استانداریها، به منظور بریدن نی در داخل هور بود! گذشته از این، از آنجا که دشمن استمرار جنگ را برای خود فرض می داند، لذا علاوه بر تلاشهائی که در زمینه اقتصادی به صورت میان مدت و بلند مدت انجام می دهد، سعی وافر در حل کمبود نیروی انسانی خود دارد؛ چنانچه زنان و کارگران خارجی و مردان عراقی، اعم از نوجوان، جوان و پیر را، به گونه ای مناسب در خدمت جنگ قرار داده و در نتیجه توانسته است نزدیک به یک میلیون نفر را به جبهه گسیل دارد.

البته نمی توان فشار حاکم بر مردم و جنایت رژیم بغداد را در این روند نادیده گرفت، لیکن دشمن به هر شکل ممکن، هر چند ناپسند و ناروا و توأم با ظلم و جنایت در حال حفظ آن چیزی است که آن را رگ حیات خود می پندارد!

بسیج کلیه امکانات و قرار دادن آن در خدمت جنگ از سوی رژیم عراق، حاکی از این است که به لحاظ اهمیت اساسی جنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشور، نمی توان نسبت به هر آنچه که جنگ را مورد تضعیف قرار می دهد، تساهل و تسامح به خرج داد.

به هر صورت، با اشاره به استعداد نیروهای مسلح ارتش عراق و اقلام عمده ی تجهیزاتی تا مهرماه سال ۱۳۶۴ - این بحث را پایان می بریم:

نیروی زمینی: ۹۶۰۰۰۰ نفر

نیروی هوائی: ۳۵۰۰۰ نفر

نیروی دریائی: ۱۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر زرهی: ۷۰۰۰ دستگاه

توپ پدافند هوائی: بیش از ۴۰۰ قبضه

ص: ۱۳۳

توپ صحرائی: ۲۵۰۰ قبضه

تانک بر: ۲۰۰۰ دستگاه

استعداد نیروهای پدافندی دشمن در جبهه ها:

۵۵۵ گردان نیروی پیاده

۱۴۸ گردان (۱) تانک و مکانیزه

۱۲۵ گردان توپخانه

۴۰ گردان پدافند هوائی

همچنین دشمن ۵ لشکر زرهی، ۳ تیپ مستقل زرهی، ۲ تیپ مستقل مکانیزه نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندوئی در اختیار دارد.

نیروی هوائی عراق نیز دارای ۴۵۰ فروند جنگنده شکاری است که باید ۵۰ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ را بدان اضافه نمود.

تعرضات زمینی و هوائی دشمن در مدتی که طراحی عملیات والفجر ۸ صورت می گرفت، اساسا برخاسته از ذهنیت دشمن نسبت به تدابیر آتی جمهوری اسلامی و نیز ناشی از استراتژی و تاکتیک های عملیاتیش بود.

بر این اساس دشمن در مقابل سلسله تعرضهای احتمالی پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی در جبهه های نبرد، مجموعه ی حرکتهائی را در زمین و هوا سامان بخشید و به اجراء درآورد.

تعرضات زمینی

آنچه عراق را پس از فتح خرمشهر به گزینش و انتخاب لاک

۱- ۲۳. استعداد هر گردان بین ۴۵ تا ۵۰ دستگاه تانک و نفربر است که جمعا ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر را شامل می شود.

دفاعی واداشت، برخلاف تصور طراحان آن، نتوانست افق و دورنمایی روشن را برای رژیم بغداد ترسیم نماید؛ بدین معنی که عراق نه تنها قادر به ممانعت از تهاجمات پی در پی و مستمر قوای نظامی ایران نشد، بلکه ضایعات و تلفاتی بسیار را متحمل شد.

وضعیت یاد شده برای نیروهای پدافندی دشمن که فاقد هر گونه تحرک بودند و نیز تحمل انتظار تهاجم نیروی مقابل، استقامت و روحیه نبرد را در آنها درهم می شکست. از این رو عراق به منظور تقویت روحیه نیروهای پدافند کننده خود و نیز رهانیدن آنها از ضعف و سستی، بر آن شد که به هر شکل ممکن، با راهیابی مناسب، مسایل یاد شده و معضلات ناشی از آن را حل نماید.

به دنبال آن، عراق با یک طراحی همه جانبه پس از عملیات خیبر، تهاجم خود را به برخی از مناطق از جمله جزایر مجنون، مهران، میمک، سومار سامان بخشید. تعرضات جدید دشمن، که به صورت موضعی و محدود بود. انعکاسی وسیع در رسانه های جهانی داشت و به منزله مرحله ای جدید از جنگ تلقی گردید.

این تهاجمات عمدتا به دو منظور صورت می گرفت: یکی گرفتن یک یا چند هدف محدود و دیگری بر هم زدن آرایش و سازمان رزم نیروهای خودی.

در این زمان اقدامات دشمن در سراسر خطوط مرزی گسترش داشت، اما منطقه ای که برای دشمن حائز اهمیت بود و از این رهگذر اهداف خاصی را دنبال می کرد عمدتا منطقه هورالهویزه را شامل می شد و این مسئله جدا از عملیات بود و سلسله عملیاتهائی که پس از آن به صورت محدود در هور صورت گرفت، نبود. به هر حال، دشمن اهدافی خاص را در ورای تعرضات خود تعقیب می کرد که اساسا جدا از شرایط

حاکم بر جنگ نبود و قسمتی از آن می تواند چنین باشد:

۱ - تقویت روحیه نیروهای پدافندی دشمن - که در مناطق مختلفی مورد تهاجم واقع شده و یا در معرض تعرضات آتی جمهوری اسلامی قرار داشتند.

۲- وارد آوردن فشار اقتصادی از طریق بمباران خارک و مراکز نفتی

۳ - خنثی کردن اثرات تبلیغی حرکت گسترده کاروان راهیان کربلا، که هراسی فزاینده در دشمن ایجاد کرده بود.

۴- پاسخ به سلسله عملیاتهای محدود که تحت نام های قدس، عاشورا و ظفر انجام گرفت.

۵ - گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها به منظور اطلاع از محور اصلی عملیات گسترده

۶- ترمیم و تکمیل مواضع پدافندی و گرفتن هر گونه جا پای نیروهای خودی.

تعرضات هوایی

تدبیر دشمن در مقابل هر گونه تلاش مهندسی؛ مراکز تجمع نیروها و نقل و انتقالات خودی، عمدتا سرکوب و انهدام به وسیله بمباران هوایی، اجرای آتش شدید توپخانه و نیز پیگیری اطلاعاتی از طریق عکس هوایی و شنود می باشد.

بر این اساس از آنجا که حرکت کاروان راهیان کربلا، نزدیک بودن زمان عملیات را به دشمن خاطرنشان می ساخت، لذا فعالیت های هوایی دشمن ابعادی وسیع و شدید گرفت. در واقع دشمن با

تعرضـات هوایی خود، در کنـار بمبـاران پایـانه هـای نفتی جزیره ی خـارک، سـعی داشت در جبهه زمینی نیز سازمان نیروهای خودی را مختـل سـازد. به همین لحاظ، نیروی هوایی دشـمن تنها در بهمن ماه سال ۶۴، در خطوط عملیاتی و شـهرهای مرزی، دست به یک تهاجم وسیع و سراسری زد، که عمدتا توأم با شکستن دیوار صوتی، بمباران و عکسبرداری هوایی بود.

با تغییر یافتن میـدان نبرد از خشـکی به آب های هورالهویزه در عملیاتهای خیبر و بدر، ابتکار عمل در دست قوای نظامی ایران قرار گرفت و پس از آن دشـمن با وضـعیتی جدید روبرو شد که عملا به لحاظ تجارب گذشـته جنگ و نیز تفکر کلاسیکیش خودیابی و انطباق سازمان رزم ارتش عراق با وضـعیت جدیـد، مـدتی به طول خواهـد انجامید، که طبعا از این فرصت مناسـب برای درهم کوبیدن نیروهای دشمن و ضربه زدن به آن می توان بهره گرفت.

در این میان دشـمن با پشت سر نهادن عملیات خیبر و بـدر و نیز سلسـله عملیاتهای محـدود در هور، بنا به تجارب بدست آمده تـدابیری جدیـد را، به منظور بازدارنـدگی تهـاجم نیروهـای تـک ور به مواضع و اسـتحکاماتش، اتخاذ نمود که قسـمتی از آن پدافند عمق دار بود. بدین معنا که دشمن با توجه به موقعیت طبیعی منطقه و بر رده های پدافندی و موانع و استحکاماتش افزود تا بدین وسیله شتاب و خیزش فزاینده و چشمگیر رزمندگان را در دستیابی به هدف دچار تعلل و تأخیر نماید.

دشـمن در منطقه هورالهویزه به دلیل محـدودیت زمینی شـرق و غرب رودخانه دجله (در حد فاصل الحسان تا البیضه)، اقدام به احداث سـیلبندهای متعدد کرد تا بدین وسـیله با خشـکاندن قسـمتی دیگر از آب هور بر خشکی منطقه افزوده، عمق بیشتری به آن بدهد و از این طریق، گذشته

از ایجاد مواضع و استحکامات مورد نظر زمین را برای مانور زرهی نیز آماده نماید. علاوه بر مسائل یاد شده، دشمن به منظور افزایش تأمین مواضع و خطوط اولیه خود و نیز دور نگه داشتن آن از دسترس نیروهای تک ور مبادرت به ایجاد سیستم هشداردهنده کرده است تا بدین وسیله با افزایش کمین ثابت و سیار، در فاصله ای زیاد از خطر اول، هر گونه درگیری با کمین به منزله ی هشدار و به صدا درآوردن زنگ خطر برای ارتش عراق به حساب آید. گذشته از این، دشمن در هور با گسیل داشتن نیرویی قابل ملاحظه از مردم و کارمندان اداره های دولتی اقدام به بریدن نی ها کرد تا بدین وسیله هر گونه موانع بازدارنده ای را که دید و تیر دشمن را دچار ضعف و نقصان می کند و یا احتمال اختفا و استتار نیروی تک ور در میان آن وجود دارد، برطرف نماید.

مبتنی بر مسائل یاد شده، عراق در حد فاصل عملیات بدر تا والفجر ۸ اقداماتی را در دو منطقه غرب اروند (فاو) و نیز هورالهویزه انجام داد که توضیح آن، به ترتیب، در پی می آید.

عراق براساس یک استراتژی پدافندی - که مبتنی بر شکل جدید جنگ (عملیات آبی - خاکی) بود - فعالیت مهندسی خود را به منظور ایجاد پدافند عمق دار و پیش بینی استقرار نیروهای احتیاط کمی و کیفی در آن، آغاز کرد.

دشمن در این روند با تکمیل سیلبند خط اول سعی داشت خط پدافند اصلی خود را بر روی آن قرار دهد تا بدین وسیله از اثر سوء جزر و مد آب و رخنه آن به خط اول خود جلوگیری کند و در ضمن، از امکان غافلگیر شدن بکاهد. در هر صورت آنچه دشمن در این فاصله انجام داد، عمدتا حول سه محور کلی دور می زند:

۱- تغییر زمین (احداث و مرمت جاده ها، خاکریز و...)

۲ – مسدود ساختن نهرها

۳ – ایجاد موانع و استحکامات (ساحلی و غیره)

اقدامات مهندسی

دشمن پس از عملیات خیبر و تلاش هایی که به دنبال عملیات انجام نشده «والفجر ۸» (۱) در غرب اروند صورت گرفت، اقدام به فعالیتهای مهندسی در داخل نخلستان کرد - به این ترتیب که در میان نخلها و انتهای آن خاکریز احداث نمود و نیز سنگرهای لب آب را که دارای فاصله بود، متصل ساخت تا امکان شناسایی از عمق دشمن برای نیروهای خودی فراهم نیاید. علاوه بر این به عمق ۱ کیلومتر در سراسر حاشیه رودخانه اروند نخلها را قطع کردند.

تدبیر دشمن در منطقه غرب اروند، به لحاظ موقعیت زمین منطقه و وجود نخل در طول حاشیه رودخانه اروند و نیز کیفیت رزم نیروهای خودی، چنین بود که با هر گونه حضور نیروهای تک ور در نخلستان، که طبعا پاکسازی آن از سوی دشمن با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو بود، مقابله اساسی به عمل آید. برخلاف منطقه خشکی و خصوصا در دشت باز، که زرهی از قدرت مانور بیشتری برخوردار است، دشمن با تاکتیکهائی که اتخاذ می کرد، بعضا مایل به دادن زمین و گرفتن زمان بود تا در این فاصله خود را بازیافته؛ با نیروهای تک ور مقابله ای مناسب بنمایـد؛ لیکن در منطقه غرب اروند به لحاظ ضعف های عدیده دشمن و نیز قوتهای قابل ملاحظه قوای نظامی خودی، دشمن شدیدا از این تاکتیک

۱– ۲۴. در تیرماه سال ۶۳ قرار بود عملیاتی در منطقه غرب اروند با این نام صورت بگیرد که بنا به دلائلی انجام نشد.

احتراز می کرد، چنانچه در دستورالعمل استراتژی پدافندی (۱) مواردی از آن با ذکر مصداق بیان شده بود.

بر این اساس دشمن بر آن بود که در صورت امکان، هر گونه تحرک و اقدامی را در ساحل خودی (به هنگام آغاز تک) روی آب و یا در ساحل دشمن (به هنگام سرپل گیری)، درهم بکوبد؛ بدین منظور دشمن اقدامات زیر را انجام داد:

۱ - قطع نخلها و سوزانـدن چولانها (گیاهان درهم پیچیـده حاشـیه ارونـد) به منظور ایجاد دیـد و تیر بهتر بر روی آب و ساحل خودی

۲ - ایجاد سنگر به منظور ازدیاد دیدگاههای مسلط بر آب و تحت نظر گرفتن هر گونه تحرک نیروهای خودی

۳ - ایجاد جاده های نسبتا زیاد و عمود بر خط، جهت تسهیل حرکت یگانهای پاتک کننده و نیروهای احتیاط

۴ - پیش بینی پشتیبانی قوی و احداث موضع توپخانه و سکوی شلیک تانک و ضد هوایی

مسدود کردن نهرها

از آنجا که دشـمن احتمال تک و ادامه آن را بهره گیری از نهرهای (۲) موجود در منطقه خودی و دشمن محتمل می دانست، لـذا به منظور ممانعت از تک، تلاشـی عمـده معطوف مسـدود کردن نهرهای ساحل اروند و نیز ثبت تیر بر روی نهرهای مقابل (خودی) کرده بود. در این روند

۱- ۲۵. اسناد و مدارک بدست آمده از دشمن.

۲- ۲۶. در زمینه تشریح منطقه توضیحات لازم داده خواهد شد.

دشـمن نهرهـا را بـا خـاک و تنه درخت مسـدود سـاخت و به طور میـانگین درون نهرها را، تا سه ردیف، موانع سـیم خاردار و خورشیدی بکار برد.

ایجاد موانع و استحکامات

دشمن تدابیری مناسب را به رفع تهدیدهای موجود در مناطق مختلف در نظر گرفته بود. فی المثل جهت مقابله با غواصها، سیم خاردار و موانع خورشیدی و برای هاورکرافت و پهلو گرفتن شناور، موانع سه پایه ای در نظر گرفته بود.

دشـمن در دهانه نهرها جهت ممانعت از حرکت قایق، نبشـی به صورت ضـربدری نصب کرده و در ساحل فاو و رأس البیشه به تصور بکارگیری هاورکرافت، موانعی به شـکل سه پایه ای از تیرآهن و به ارتفاع ۶ متر قرار داده، اطراف آن را با سیم خاردار پوشانیده بود.

به مرور و با گذشت زمان، دشـمن به موانع و اسـتحکامات خود شـکلی جدید داد، چنانچه از تیرماه سال ۶۱ به بعد مبادرت به احـداث کانـال در جنوب جـاده اسـفالته ام القصـر و پایگاه موشـکی و نیز نصب موانع خورشـیدی در ساحل خورعبـدالله مقابل خاک کویت نمود؛ بگونه ای که فعالیت یک ماهه دشمن بیشتر صرف نصب سه پایه آهنی و کندن کانال شد.

اقدامات مهندسی در هورالهویزه

از آنجـا که اساسا ذهنیت دشـمن در مورد عملیات گسترده معطوف به هورالهویزه (۱) شـده بود، لذا اقداماتی گسترده و شدید در هور بکار

ص: ۱۴۱

۱- ۲۷. در ادامه توضیح داده خواهد شد.

بست. آنچه دشمن در زمینه مهندسی انجام داد، بطور کلی موارد زیر را در بر می گرفت:

۱ - ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نیزارها و چولانهای مقابل سیلبند خط اول

۲ - ایجاد تسهیل در حرکت نیروهای پاتک کننده

۳ - خشکاندن بخشی دیگر از هور با احداث سیلبند به منظور وسعت دادن به منطقه خشکی و مساعد نمودن آن برای مانور زرهی و ایجاد پدافند مناسب

۴ - ازدیاد کمینها به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن و مقابله با شناسایی عناصر خودی.

انتظار در هور

منفعل نمودن دشمن در برابر اقدامات خودی در غرب اروند و نیز معطوف داشتن ذهنیت آنها به هور هدف عمده و اصلی اجرای طرح فریب و همچنین لازمه بکارگیری اصل غافلگیری بود. به عبارت دیگر آنچه دشمن در غرب اروند و هور - در زمینه های مختلف و کسب آمادگی - انجام داد، اساسا برخاسته از درک نادرست از محور اصلی تهاجم گسترده قوای نظامی ایران و نیز تأثیرگذاری طرح فریب بر روی نیروهای عراق بود.

دشمن بنا به تحلیل و استنباطی که از توانایی و قابلیتهای نظامی قوای ایران و استراتژی هور و نیز اقدامات مهندسی خودی در دو منطقه هور و غرب اروند داشت، اساسا غرب اروند را به عنوان یک حرکت ایذائی و یا حداقل محدود تلقی کرده و به هور، بعنوان محور اصلی تهاجم گسترده می نگریست چنانچه عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، برای کسب

اطمینـان از میزان آمـادگی نیروهای دشـمن از منطقه سـپاه شـشم (در هور) بازدیـد به عمل آورد. نمونه دیگر اینکه رژیم بعثی بیش از چنـدین هزار نفر از مردم و کارمنـدان ادارات دولـتی عراق را بـه منظـور نی بری بـه هـور گسـیل داشت. علاوه بر این حساسیت بیش از اندازه نیروی هوایی عراق نسبت به هور، موجب شد که تکهای ممانعتی و بمبارانهای مکرر در هور شـکلی خاص بخود گرفته، نمایانتر از سایر مناطق باشد.

دشـمن براساس ذهنیت یاد شده نسبت به هور - علاوه بر اقدامات مهندسـی که در بخش پیشین به آن اشاره شد - تحرکات و جابجائیهای زیر را انجام داد:

۱- انتصاب سلطان هاشم (۱) بعنوان فرماندهی سپاه ششم عراق، که در هورالهویزه مستقر بود.

۲ - پوشانیدن منطقه هورالهویزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط

۳ - انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزیله

۴ - مسـتقر ساختن دو لشکر زرهی ۳ و ۶ در العماره و بصـره تا در صورت لزوم از دو محور شـمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند.

۵ - گسترش ۳ تیپ نیروی مخصوص بصورت احتیاط در منطقه.

۶ - استقرار ۲ تیپ، (تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری) در هورالحمار و هورالچپایش حدود سه ماه

---

۱ - ۲۸. وی قبلا مسـئولیتهای فرماندهی لشـکر ۸ و ۱۸، افسـر ستاد سپاه ۷، و فرماندهی سـپاه ۵ و مدیریت عملیات نظامی سـتاد مشترک را بر عهده داشته است.

قبل از عملیات، به منظور انجام مانور و تکمیل امکانات دریائی و آبی، ضمنا نیروهای مزبور هنگام نزدیکی عملیات برای انجام مانور به منطقه ای در حوالی بغداد منتقل شدند.

۷ - نیروی هوائی عراق مکررا در هورالهویزه پرواز توجیهی انجام می داد تا در صورت لزوم بتواند دقیقا اهداف خود را کشف و منهدم کند. چنانچه یک خلبان اسیر عراقی بعد از عملیات اظهار داشت:

«پایگاه ما برای عملیات در هور آمادگی کامل داشت تا با حدود ۴۰ فروند پرواز داشته باشیم و هدف بزنیم».

ص: ۱۴۴

والفجر ۸: ضرورت انجام عملیات بزرگ

اشاره

شکی نیست که هر گونه تحرک نظامی در جبهه، از تأثیرگذاریهای مثبتی در زمینه های سیاسی - اجتماعی، نظامی برخوردار خواهد بود لیکن نمی توان این نکته را نادیده انگاشت که تعیین سرنوشت نهائی جنگ تنها در گرو عملیات گسترده می باشد. بعبارت دیگر آنچه که جنگ را از حالت توازن قوا و نتیجتا بن بست خارج کرده و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد و همچنین توانائیهای تکنولوژیک عراق را به زیر سئوال می برد، انجام عملیات در مقیاس گسترده است.

طبیعی است که جهت افزایش تأثیرگذاری تحرکات نظامی ایران، لزوما بایستی این تعرضات با سرعت عمل و استمرار همراه باشد، تا بدین وسیله دشمن زمان لازم برای بازسازی و تجدید سازمان را بدست نیاورد.

عملیات گسترده از برد و شعاع بیشتری در ابعاد سیاسی و نظامی برخوردار است و چون دشمن را الزاما با تمام توان به رویاروئی می کشاند

ص: ۱۴۵

امکـان آسـیب پـذیری او را افزایش داده و در صـورت اسـتمرار ماشـین جنگی دشـمن را متوقف می سـازد. از اینرو دشـمن، با تکهـای ممـانعتی در هوا و زمین به نوعی درصـدد است تـا مـانع از انجام تحرکات گسترده شـده یا حـداقل در زمان بنـدی آن اخلال کند.

با توجه به آنچه که ذکر شـد، پیـدا است که صـرفا نمی توان به اقـدامات محدود نظامی آنهم برای دراز مدت بسـنده کرد زیرا علیرغم تأثیرات آن، این نوع حرکتها نمی تواند نقش تعیین کننده و سرنوشت سازی را در روند جنگ تحمیلی ایفا کنند.

بر این اساس در پی فشارهای همه جانبه دشـمن، پس از عملیات بـدر، عملیات گسترده والفجر ۸ نظر به وضعیت خاص دشمن در منطقه (فـاو) و همچنین حساسـیت ژئوپولتیکی منطقه (تسـلط بر شـمال خلیـج فـارس و همسـایگی بـا کویت و...) در دسـت طراحی قرار گرفت و البته در این فاصله سلسله عملیاتهای محدود به منظور فعال نگه داشتن جبهه ها انجام یافت.

در این رونـد تجارب جنگ در سه سال گذشـته و واقعیات برآمـده از آن می آموخت که بایستی به تناسب استراتژی و اهداف سیاسـی - نظامی جنگ توان رزمی لازم، در زمینه های مختلف، بدست آورده و مبتنی بر آن منطقه عملیاتی انتخاب شود تا در این صورت کسب موفقیت از تضمین و درصد بالاتری برخوردار گردد.

مسـئله توان رزمی و افزایش آن عمـدتا در سه مرحله می بایستی مورد نظر قرار می گرفت. تصـرف هـدف، تأمین و نگهـداری منطقه، مقابله با فشارهای دشمن و در صورت نیاز توسعه و تداوم عملیات.

زمین فاو نظر به موقعیت جغرافیائی و وضعیت طبیعی آن، تا اندازه ای معضلات تأمین منطقه و مقابله با فشارها را حل می کرد، بدین

معنـا که بـا تلاقی بودن زمین و نیز وجود عـارضه های مصـنوعیماننـد کارخانه نمک عملا قسـمت اعظم زمین منطقه را برای دشـمن غیر قابـل اسـتفاده می کرد و به همین دلیـل کـارآئی نیروی زرهی عراق را کـاهش می داد. از آن جائیکه منطقه از سـه طرف آب آن را احـاطه کرده است، طبعـا درگیری از یـک سـمت بـا دشـمن، راحت تر بنظر می رسـید و نیز به هنگـام پاتک، دشمن از دو سمت به نیروهای خودی پهلو می داد که این امر آسیب پذیری آنها را فزونی می بخشید.

عوامل انتخاب منطقه

طراحان و دست انـدرکاران سـپاه پاسداران انقلاب اسـلامی برای اجرای عملیات والفجر ۸، به لحـاظ موقعیت خاص جغرافیائی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و...، مشکلات و معضلات عدیده ای را رویاروی خود داشتند که در نهایت با در نظر گرفتن عوامل و پارامترهای مختلفی از جمله: ارزش نظامی - سیاسـی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در عبور از رودخانه عریض و جزر و مـد بالا، عدم هوشـیاری دشـمن و امکان پدافند و نگهداری منطقه، منطقه فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

الف: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه

موقعیت زمینی منطقه و نیز وضـعیت خاص نیروهای خودی و دشمن در آن مقطع بطور طبیعی ارزشهای متعددی را در برداشت که بدون ارتباط با محاسن انتخاب زمین و ارزشهای سیاسی منطقه نبود از جمله:

۱- تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن

۲- هم مرزی با کویت در شمال خلیج فارس

ص: ۱۴۷

۳ - تهدید بندر ام القصر

۴ - انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک

۵ - تأمین خورموسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی

۶ - تسلط بر اروندرود

ب: عدم هوشیاری دشمن

معمولاـ قسمت اعظمی از هوشیاری دشمن مبتنی بر، کسب خبر و تحلیل اطلاعاتی آنها نسبت به شواهد و قرائن موجود در مناطق عملیاتی می باشد. گذشته از این اطلاعات و تجربیات دشمن در خصوص توانائیهای جمهوری اسلامی و تاکتیکهای اتخاذ شده در طول جنگ نقش تعیین کننده ای را در کشف منطقه عملیاتی از سوی دشمن دارد. فی المثل در جنوب کشور دشمن همیشه نسبت به هورالهویزه، حساسیت خاصی را داشته است زیرا پس از عملیات والفجر ۴ تا قبل از عملیات والفجر ۸، قوای اسلام تحرکات چشمگیری را توأم با عملیات گسترده خیبر و بدر در هور انجام دادند.

بر این اساس از آنجائیکه انجام عملیات در منطقه ی فاو، نیازمند امکانات ویژه و تاکتیک ابتکاری می بود دشمن تصور وقوع عملیات گسترده را نمی داد. پیدایش این وضعیت (عدم هوشیاری دشمن) برای فرماندهان سپاه در طرح ریزی عملیات والفجر ۸ بعنوان یک عنصر مثبت در مزیت منطقه فاو، تلقی می شد.

ج: امکان پدافند، تأمین و نگهداری منطقه

چنانچه در مبحث «گسترش توان رزمی» اشاره شد قسمت عمده ای از عملیات، پس از شکستن خطوط مقدم دشمن و حضور در

منطقه، نگهداری آن در مقابل فشارهای عدیده دشمن می باشد. در این روند قطعا گذشته از کسب آمادگیهای لازم جهت حفظ منطقه و رویاروئی مناسب با دشمن، «زمین» و موقعیت آن از دیدگاه مزبور از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نظر به اینکه منطقه فاو را آب از سه طرف احاطه کرده است، طبعا فشار دشمن تنها از یک قسمت خواهد بود و این امر با اتخاذ تدابیر مناسب مانند حفر کانال، اجرای آتش، بهره برداری از عارضه کارخانه نمک و... قابل حل بنظر می رسید.

نکته ی قابل ذکر در اینجا پیش بینی نحوه ی برخورد دشمن بود در این زمینه چنین تصور می شد که با توجه به اینکه دو مسئله «زمین» و «نیرو» برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد لذا در اینجا برخلاف گذشته ارتش عراق بین انتخاب یکی از دو مسئله دچار تردید خواهد بود به عبارت دیگر از یک سو ارزش سیاسی نظامی زمین دشمن را وادار به باز پس گیری آن، به هر شکل ممکن، خواهد کرد و از سوی دیگر شکل زمین منطقه، عملاـ توان قابل ملاحظه ای را از دشمن می گیرد و خسارات و ضربات فراوانی را بر سازمان رزم و ارتش عراق وارد خواهد ساخت، در نتیجه دشمن نمی تواند دو مسئله را در کنار هم حفظ نماید بلکه می بایستی یکی را فدای دیگری کند که این امر خود مقدمه از دست دادن عنصر بعدی نیز خواهد شد.

در نتیجه اگر دشمن برای حفظ زمین بجنگد نیرو را از دست خواهد داد عملا در دراز مدت قادر به حفظ سایر مناطق عملیاتی نیز نخواهد بود و اگر بخواهد نیرو را حفظ نماید بایستی خسارات و ضایعات روحی و تزلزل سیاسی - اجتماعی ناشی از شکست در فاو و از دست دادن منطقه حساس و مهم آنجا را متحمل شود.

مشخصات طبیعی منطقه

منطقه عملیاتی فاو، شبه جزیره ای است محصور در میان رودخانه اروند، خلیج فارس و خورعبدالله که از سمت خشکی به بصره منتهی می گردد.

در شمال این منطقه رودخانه اروند و جزیره آبادان واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره. همچنین در جنوب آن خورعبدالله و در جنوب شرقی آن، خلیج فارس و در جنوب غربی بندر ام القصر قرار دارد.

- وضعیت جوی و زمین منطقه

منطقه عملیاتی والفجر ۸ بعلت شبه جزیره ای بودن هوای آن غالبا دارای رطوبت زیاد در تابستان و «شرجی» می باشد.

زمین منطقه بجز عوارض مصنوعی مانند جاده، خاکریز، سیلبند و... سکوهای پرتاب موشک خالی از هر گونه پستی و بلندی طبیعی است.

از آنجائیکه زمین منطقه محصور در میان آب می باشد تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است بدین معنا که قسمت عمده ای از زمین منطقه باتلاقی نمکزار و سست می باشد. به همین دلیل بجز فاصله رودخانه تا جاده اول فاو - بصره که خاک قابل کشت دارد، مابقی خاک آن منطقه شوره زار است و با کمترین بارندگی لغزنده و چسبنده می شود و تردد هر گونه خودرو و وسائل سنگین در آن تقریبا غیر ممکن می گردد.

- رودخانه اروند

جریـان آب رودخانه ارونـد از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشـمه گرفته و رودخانه کارون نیز بـداخل آن می ریزد. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که به خلیج فارس منتهی می گردد.

آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می پذیرد، عمدتا دارای دو حرکت جزر (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن به طرف خلیج) و مد (افزایش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه) می باشد که مجموعا در طول شبانه روز، چهاربار تکرار می گردد.

ارتفاع آب در عمیق ترین قسـمت رودخانه به ۲۵ متر می رسـد و اختلاف ارتفاع آب در پائین ترین حالت جزر و مـد بالاترین حالت مد به ۵ / ۳ متر می رسید.

- ساحل رودخانه

وضعیت ساحل خودی و دشمن بدلیل رسوبات حاصل از جریان آب متغیر است چنانچه در سال ۴۸ منجر به تغییر حدود مرزی ایران و عراق شـد. این تغییرات در زمین خودی و دشـمن در ساحـل رودخانه وضـعیتی مخالف همه بوجود آورده است. بـدین معنـا که در آنجائیکه ساحـل ما محکم است ساحل دشـمن سـست می باشـد و متقابلا آنجائیکه ساحل ما سـست است، ساحل دشمن محکم می باشد.

همچنین قابل ذکر است که در بخشـی از قسـمتهای منطقه، زمین آن باتلاقی است چنانچه بیشترین قسمت آن در حاشیه جنوبی جـاده ام القصـر از جزایر ام حجـام تا رأس البیشه و منطقه جنوبی آن به سـمت خلیـج به همین وضع می باشـد که عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴

کیلومتر می رسد.

- پوشش ساحلی رودخانه

در ساحل رودخانه اروند پوششی از «چولان» (بوته های بلند) و «نی» وجود دارد که هر چه رودخانه بسمت دهانه اروند نزدیکتر می شود عمق چولان آن افزایش می یابد. همچنین در قسمتهای پیچ دار رودخانه، آن قسمت از ساحل که فشار اصلی آب به آن وارد می شود، فاقد پوششهای ساحلی می باشد.

در ساحل، ارتفاع چولانها حداکثر ۵ / ۱ متر و ارتفاع نیزارها ۳ الی ۴ متر است به گونه ای که نفر پیاده براحتی می تواند در میان آن خود را مخفی کند. عمدتا زمین این قسمتها سست بوده و بسختی قابل تردد است به گونه ای که در برخی از مواقع انسان تا زانو در گل فرو می رود.

گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگی در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است وجود دارد. این نخلها، بوسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروند، در حالت مد آبیاری می شوند. همچنین زمین اطراف نخلستانها اغلب سست می باشد و تنها در مناطقی که زمین از سختی لازم برخوردار بوده جاده احداث شده است. علاوه بر این قابل ذکر است که امکان آتش سوزی در نخلستانها بسیار زیاد می باشد.

- عوارض مصنوعی

گذشته از آنچه که پیرامون مواضع و استحکامات دشمن در مباحث گذشته ذکر گردید، در این قسمت تنها به موقعیت جاده ها و برخی از تأسیسات صنعتی دشمن و نیز شهر فاو اشاره می شود:

در منطقه عمومی والفجر ۸ در خاک عراق سه جاده وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱ - جاده فاو - بصره به طول ۹۱ کیلومتر

۲- جاده استراتژیک فاو - بصره به طول ۸۲ کیلومتر

۳ - جاده فاو - ام القصر به طول ۵۰ کیلومتر

سه جاده موجود در منطقه، شهر فاو و منطقه بندری آنرا به جنوب شهر بصره متصل می نماید.

شهر مسکونی فاو، اسکله های آن (چهار چراغ، معامر و قشله) و نیز تأسیسات صنعتی و نفتی این منطقه، تماما پس از جنگ به لحاظ اینکه در معرض تعرضات هوائی و آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند، عملا دچار ضایعاتی شده و قابل بهره برداری نیستند.

ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو

منطقه عملیاتی فاو موقعیت جغرافیائی آن، وضعیت ویژه ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود بدین معنا که از سوئی عوامل مثبت نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می داد و از سوی دیگر موانع برجسته ای خودنمائی می کرد که هر کدام در جای خود می توانست نقش بازدارنده ای را در توقف کار و احیانا عدم الفتح عملیات ایجاد نماید. در واقع این قسمت از معضلات بود که اساسا منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیکهای ویژه ای را ایجاب می کرد.

الف: مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات

۱- کوتاه بودن عقبه های خودی.

ص: ۱۵۳

در عملیات والفجر ۸ برخلاف عملیاتهای خیبر و بدر که عمدتا عقبه های خودی طولانی بوده و طبعا پشتیبانی و تدارک عملیات را با مشکلاتی مواجه می ساخت، عقبه های خودی می بایستی با حل معضل رودخانه اروند مرتفع می شد مشکلات عدیده ای که در این زمینه وجود داشت یکی از عوامل مؤثر در ناتوانی ارزیابی دشمن نسبت به وقوع عملیات و توانائی رزمندگان اسلام در برقراری راه عقبه بر روی رودخانه اروند بود.

در واقع نزدیک بودن عقبه ها این امکان را می داد که روی دشمن حتی اجرای آتش خمپاره داشته باشیم، همچنین فرماندهی بسهولت در منطقه حضور داشته و هدایت مستقیم تری را در رابطه با عملیات عهده دار گردد.

علاوه بر آن تسریع در تدارک نمودن نیروها و نیز سهولت در تخلیه شهدا و مجروحین، انتقال نیروهای دنبال پشتیبان، کاهش مسافت، پیاده روی نیروی خطشکن از نقطه رهائی تا شکستن خط و... نقش تعیین کننده ای را در رقم زدن و ترسیم سرانجام عملیات دارا بود.

۲- عدم تناسب زمین با مانور زرهی و آتش دشمن

چنانچه اشاره شد زمین منطقه بدلیل باتلاقی بودن، خصوصا در فصل زمستان امکان بهره گیری کامل از زرهی را به دشمن نمی داد. به عبارت دیگر، دشمن علیرغم وسعت زمین منطقه عملا ـ قادر به بهره گیری از آن نبود و در نتیجه متکی بر جاده های موجود در منطقه می شد که این امر باعث محدود شدن میدان عمل و مانور نیروهای زرهی دشمن می گردید.

علاوه بر آنچه که در مورد زمین منطقه ذکر شد، وجود کارخانه

نمـک نیز قسـمت دیگری از معضـلات دشـمن در هنگـام انجام پاتک بود. بـدین معنا که عارضه کارخانه نمک به وسـعت ۶۰ کیلومتر مربع امکـان مـانور زرهی دشـمن را محـدود به معـابر خاصـی می کرد و این امر بـا توجه به آتش خودی می توانسـت آسیبهای عمده ای را بر پیکر سازمان رزم عراق وارد نماید.

از سوی دیگر نظر به حجم آتش دشـمن در گذشته چنین پیش بینی می شد که با توجه به لحاظ نمودن مسئله غافلگیری آماده نبودن زمین دشـمن و نداشـتن مواضع توپخانه و محدودیتهای دیگر و نیز وجود هدفهای مختلفی که در معرض توپخانه دشـمن وجود داشت و اجرای آتش ضد آتشبار، عملا توپخانه دشمن کارآئی عمده ای را نداشته باشد.

۳ - پوشش مناسب پدافند هوائی منطقه

تکهای ممانعتی هوائی دشـمن که معمولا از صـبح روز اول عملیات آغاز می شود اساسا با هـدف عقبه ها و نیز خطوط مقدم و به منظور برهم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدیـد موفقیتهای بدست آمده می باشد. از اینرو چنین پیش بینی می شد که بـا تـوجه به شـکل منطقه و اینکه دشـمن، محـدود به نوع خاصـی از مـانور هوائی خواهـد بود (۱) می توان بـا آرایش مناسـب سلاحهای ضد هوائی، برخلاف تصور دشمن، جنگنده های آنرا هدف قرار داد و تلاشهای هوائی او را خنثی نمود.

۴- تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن

حضور و گسترش ما در شرق اروندرود، براحتی اجرای آتش انبوه

---

۱ - ۲۹. هواپیماهای دشـمن به هنگام بمباران، ناچارا می بایستی مـدت مشخصـی را بر روی جزیره ی آبادان پرواز نمایند و این وضعیت میزان آسیب پذیری آنها را افزایش می داد.

همراه با دیده بانی بر روی عقبه ی دشمن - از جنوب بصره تا خطوط مقدم، به طول ۷۰ کیلومتر و نیز پس از آن - را میسر می نمود. تحقق این امر بـا توجه به اینکه برخلاف ذهنیت و باورهای دشـمن بود، در بطن خود تأثیرات قابل ملاحظه ای در تقویت روحیه نیروهای خودی و پشتیبانی تک و نیز ایجاد ضـعف و تزلزل در دشـمن را - با برهم زدن آرایش و سازمان نیروهایش به هنگام حرکت به سمت هدف و نیز زمان شروع پاتک - به دنبال داشت.

۵ - امکان حفظ غافلگیری

نظر به اینکه اساس و ویژگی عملیات والفجر ۸ عبور از رودخانه، شکستن خط دفاعی و نیز تأمین منطقه بود، لذا دشمن حداقل در شـرایط کنونی، جمهوری اسـلامی را فاقـد چنین توانائیهائی در انجام عملیات می دیـد و این امر نقش مؤثری را در انحراف ذهن دشـمن نسـبت به انجـام عملیـات در این منطقه داشت. از سوی دیگر اجرای طرح فریب در مناطقی دیگر از جبهه، تأثیری قابل ملاحظه، در مسئله غافلگیری ایفا می کرد.

۶ - محدود بودن زمین و عمق کم هدف

نظر به اینکه اهـداف تعیین شـده برای یگانهای عمل کننـده در عمق کمی قرار داشت نیروها به راهپیمائی و تلاش محـدودتری برای دست یابی به اهـداف خود نیاز داشـتند، مضافا اینکه اهـداف تعیین شـده در مدت زمان کمتری تأمین می شد. همچنین با حفـظ توان و انسـجام نیروهـا، عملاـ تعمیق عملیـات، عبور یگان از یگان، مقاومت مناسـبتر در مقابل پاتکهای دشـمن بازسازی یگانها و... با قوت بیشتری قابل تحقق می باشد.

ب: موانع منطقه ای و نظامی

۱ - رودخانه اروند

در میان تاکتیکهای مختلف عملیاتی و شیوه های گوناگون رزم، عملیات آبی - خاکی خصوصا عبور از رودخانه پیچیده ترین نوع تحرکات نظامی است، آن هم در رودخانه ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر و مد شدید در ساعت شبانه روز است عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر است و همچنین آغاز و پایان جزر و مد دارای مشخصات ویژه ای می باشد چنانچه در یک زمان شدت جریان آب در ساحل، وسط، سطح و عمق رودخانه متفاوت است لازمه ی عبور از چنین رودخانه ای انجام محاسبات دقیق بر روی جریانات آب، اتخاذ تاکتیکهای مناسب در عبور نیروی پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقالات و نصب پلهای مناسب را می طلبید و این امر با توجه به حساسیتهای عملیات نیاز به دقت و رعایت حفاظت، توأم با سرعت عمل داشت.

۲- آماده نبودن عقبه های خودی

از آن جائیکه در غرب رودخانه اروند برخلاف سایر مناطق عملیاتی، تا قبل از والفجر ۸ تهاجمی از سوی نیروی خودی و دشمن صورت نگرفت، زمین منطقه ی مورد نظر دست نخورده و بکر باقی مانده بود و طبیعی به نظر می رسید که نیازمند تلاشهائی قابل ملاحظه در زمینه کارهای مهندسی باشد.

گذشته از این وجود نخلستان در حد فاصل بین رودخانه اروند و بهمنشیر که محل استقرار عقبه های خودی بود، احتیاج به کار شدید

ص: ۱۵۷

مهندسی داشت حال آنکه به لحاظ تسلط دیـده بانهای عراقی بر روی منطقه و تعارض آن با امر حفاظت، عملا سرعت کار گرفته می شـد. مضافا بر اینکه جزیره آبادان به دلیل شـرایط جوی و نوع خاک آن برای اقـدامات مهندسی مناسب نبود و می بایست با حجم بسیار گسترده ای از سایر مناطق، خاک مورد نیاز به وسیله کمپرسی به منطقه حمل می شد.

وضعیت یاد شده مشکلات عدیده ای را در پیش روی قرارگاه مهندسی قرار داده بود چرا که می بایست از یک سو ملاحظاتی را در زمینه حفاظت رعایت کنـد و از سوی دیگر حجم رو به افزایش کار مهندسـی را پاسـخگو باشد. در همین زمینه، قرارگاه مهندسی برای عملیات اصلی، نزدیک به ۵۰۰ پروژه ی طرح فریب در سایر مناطق عملیاتی را در دست اقدام و اجرا داشت.

۳ – حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه

یکی از موانع عمـده ی رعـایت غـافلگیری، حضور دشـمن در منطقه جهت کسب اطلاعـات بود که در این زمینه از عوامل زیر سود می برد.

الف: دیده بانی: وجود دکلهای ۴۲ متری و ۱۰۰ متری در منطقه این امکـان را به دشـمن می داد که کلیه جاده های موجود در منطقه به خصوص جاده ی حاشیه های رودخانه اروند و جاده های عمود بر آن را زیر دید داشته باشد و کلیه نقل و انتقالات و اقدامات مهندسی را تبت نماید.

ب: گشتی های شناسائی که عمدتا وظیفه آنها ثبت تغییر کمینهای خودی است.

ج – گشتی های شناسائی در عمق که به وسیله غواص صورت می گیرد.

د: عکس هوائی: دشمن به طور متوسط هفته ای یک بار عکس

هوائی از منطقه تهیه می نمود. همچنین با استفاده از ماهواره های اطلاعاتی غرب کلیه تغییرات در سطح زمین جاده، مواضع توپخانه، بنه مهمات، محل قرارگاه و... را ثبت می نمود.

ه: رادار رازیت: بدین وسیله دشمن نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می نمود.

و: جاسوسی عوامل ستون پنجم: تردد افراد در منطقه عملا این امکان را به دشمن می داد که به اشکال گوناگون با استفاده از عناصر نفوذی، اخبار و اطلاعات لازم را جمع آوری نماید.

ز: شنود: دشمن با استفاده از دستگاههای مختلف استراق سمع این امکان را دارد که از طریق شبکه های ارتباطی خودی، اطلاعاتی را بدست آورد.

۴ – نیاز به امکانات ویژه و مناسب

نظر به پیچیدگیهای عملیات می بایست امکانات خاصی تدارک می شد که عمدتا مبتنی بر طراحیهای ابتکاری بود. فی المثل نصب پل بر رودخانه اروند یکی از مشکلات مهم عملیات محسوب می گردید و برای آن منظور پلهای استاندارد و مخصوص از بازارهای دنیا تهیه می شد که این امر با توجه به معضلات عدیده ای که وجود داشت امکان پذیر نبود. در نتیجه با بهره گیری از تجارب گذشته (خصوصا عملیات خیبر) و استفاده از امکانات موجود، پلهای مورد نیاز در داخل تهیه گردید.

۵ – تهاجم شیمیائی دشمن و معضلات آن

تک شیمیائی دشمن در منطقه عملیاتی که عمدتا پس از احساس ناتوانی صورت می گیرد قابل پیش بینی بود و چنین بنظر می رسید.

که بایستی تدابیر لازم جهت کاهش تأثیرگذاری تهاجمات شیمیائی دشمن اتخاذ شود، زیرا وجود نخلستان منجر به نشت گاز شیمیائی در داخل نخلها شده و طبعا جریان باد به راحتی قادر به جابجائی آن نخواهد بود.

پاره ای از تدابیر عملیاتی

فرماندهان عملیاتی سپاه مبتنی بر محسنات و مزایای منطقه و نیز رویاروئی با حجم انبوهی از معضلات و مشکلات موجود، تدابیر متعددی را اتخاذ نمودند که پاره ای از آنها به شرح زیر می باشد.

۱ - طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

۲- مهیاسازی منطقه

۳- طراحی عملیات

۴- تاکتیکهای جمع آوری اطلاعات

گذشته از موارد فوق مسائل دیگری در زمینه مخابرات، تبلیغات، استتار و اختفاء و نیز نقل و انتقالات صورت گرفت که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۱ - طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

دستیابی به اصل غافلگیری عمدتا متکی بر رعایت حفاظت و اجرای طرحهای فریب و نیز لحاظ نمودن سرعت عمل و تاکتیکهای ویژه و ابتکاری می باشد. نظر به تلاشهای دشمن در زمینه کسب اطلاعات و در اختیار داشتن منابع داخلی، نظیر منافقین و از سوی دیگر نحوه ی آمادگی نیروهای خودی که توأم با بسیج گسترده نیرو است، طبعا دستیابی به غافلگیری نیازمند حل معضلات متعدد و گذار از فراز و نشیبهای متفاوتی

می باشد.

بدین منظور علاوه بر رعایت حفاظت تدابیری جهت فریب دشمن بویژه، در زمینه ی تردد نیروها اتخاذ گردید.

اجرای فریب در کنار اقدامات حفاظتی به یک معنا تأثیرگذاری بیشتر حفاظت و بالطبع رعایت غافلگیری است.

بر این اساس و مبتنی بر آن باور داشت که دشمن نسبت به منطقه غرب اروند حساس شده، چنین تدبیر شد که با ایجاد حساسیت در سایر مناطق ذهنیت دشمن مشوش و مخدوش گردد.

رژیم عراق بنا به توجه جمهوری اسلامی نسبت به هور و از سوی دیگر فقدان قابلیتهای لازم از نظر نظامی و تکنولوژیک جهت عبور از رودخانه اروند، عمده ذهنیتش معطوف به این منطقه (هورالهویزه) می شد.

در نتیجه تصورات دشمن نسبت به تحرکات خودی و شواهد و قرائن موجود در غرب اروند نشانگر تأثیرگذاری رعایت حفاظت و اجرای طرح فریب بود که این امر به منزله خنثی نمودن تمامی برتریها و امکانات تکنولوژیک دشمن در زمینه کسب اطلاعات بود. چنانچه در نزدیکی عملیات والفجر ۸ نقل و انتقالاتی از دشمن صورت گرفت که دقیقا نشانگر غافلگیر شدن او بود. فی المثل در جلسه ای که در لشکر ۱۶ عراق منعقد شد، قسمتی از توپخانه های موجود در منطقه عمومی اروند به منطقه ی عمومی شرق دجله (هور) منتقل گردید.

علاوه بر این عدم انجام تکهای ممانعتی هوائی دشمن در غرب اروند، با توجه به تاکتیکهای آن در بازدارندگی و برهم زدن سازمان نیروها بوسیله ی حمله ی هوائی چنین می نمایاند که دشمن منطقه ی فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک ننمود زیرا در غیر این صورت از تاکتیک همیشگی خود مبنی بر بمباران پراکنده مواضع و عقبه ها استفاده می کرد.

ص: ۱۶۱

۲ - مهیاسازی منطقه

قرارگاه مهندسی در امر مهیاسازی منطقه عمدتا عهده دار اجرای چند مأموریت بود:

الف - ساختن جاده های مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه های سراسری، احداث بیمارستان صحرائی و شیمیائی، ساخت مواضع موشک های زمین به هوا، پد هلی کوپتر، ایجاد مواضع توپخانه، احداث قرارگاهها، بنه های تدارکاتی و... قسمتی از تلاشهای مهندسی را تشکیل می داد.

ب - عبور از رودخانه اروند، گره ی اصلی عملیات والفجر ۸ را تشکیل می داد و با توجه به شرائط زمین و سواحل نامناسب خودی و دشمن و وجود موانع در ساحل، می بایست اقداماتی صورت می گرفت که شرائط مناسبی برای عبور از موانع فراهم آید و همچنین وسایلی ابداع و ساخته شود تا عبور نیرو و امکانات را تسهیل نماید.

ج - به منظور تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده که در واقع نیمی از عملیات را تشکیل می دهد دو مسئله عمده در نظر گرفته شد یکی، ایجاد موانع به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن مانند: کندن کانال و احداث خاکریز و دیگری ساخت وسائل و ابزاری (مانند سنگرهای انفرادی) که نیروهای در خط را در مقابل آتش دشمن حفظ کند.

گر چه حجم عظیم کار با سرعت لازم تناسب نداشت اما برادران مسئول توانستند با اتخاذ تدابیر مناسبی به این امر مهم دست یابند بگونه ای که تنها در امور جاده سازی اقدامات انجام شده از راندمان زیر برخوردار بود:

- احداث جاده در داخل نخلستان از حاشیه اروند تا خسروآباد

۳۵۰ کیلومتر

– احداث جاده و پد بین بهمنشیر تا خسروآباد ۷۰ کیلومتر

– احداث جاده از قاسمیه تا دهانه اروندرود ۸ کیلومتر

– احداث جاده از بهمنشیر تا جاده آبادان ۳۵ کیلومتر

– احداث جاده از چویبده به قفاص در شرق بهمنشیر ۱۰ کیلومتر

– اسفالت جاده آبادان – چوییده در شمال بهمنشیر ۶۰ کیلومتر

– اسفالت جاده آبادان – چوییده در جنوب بهمنشیر ۵۰ کیلومتر

بنابراین جمع کل کار احداث جاده تا قبل از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، بالغ بر ۴۷۳ کیلومتر و ترمیم اسفالت جاده های موجود ۱۱۰ کیلومتر بوده است.

۳- طراحی عملیات

عملیات والفجر ۸ در زمینه طراحی مانور و اتخاذ تاکتیکهای عملیاتی، عمدتا چند مسئله را رویاروی خود داشت:

الف – عبور از رودخانه (پیاده و وسائل سنگین مهندسی، زرهی)

ب – شکستن خط دفاعی دشمن که در ساحل رودخانه و همراه با موانع و استحکامات بود.

ج – پاکسازی نخلستان و جنگ در شهر

د – مراحل پیشروی و پدافند

عبور از رودخانه (پیاده) و شکستن خط، اساسا یک موضوع عمده

را تشکیل می داد زیرا لازمه شکستن خط عبور از رودخانه بود.

الف و ب - عبور از رودخانه و شکستن خط

بحث عبور شامل سه مرحله می شد: عبور غواص و قایق و شکستن خط، عبور یگانهای مانوری با قایق ها و دیگر وسایل شناوری و در آخر پس از تأمین سرپل تصرف شده در ساحل رودخانه، عبور وسائل سنگین صورت می گرفت.

همچنین عبور از رودخانه به لحاظ تسلط دشمن بر روی آب و نیز جریانات مختلفی که آب رودخانه داشت. نیازمند شرائط خاصی بود. بهنگام تک می بایستی نهرهای عمود بر رودخانه اروند، مملو از آب باشد تا پشتیبانی یگان های مانوری بوسیله قایق امکان پذیر گردد و همچنین نیروها بتوانند در ساحل دشمن از موقعیت مناسبی برای سازماندهی برخوردار باشند و با آرایش مناسب و بصورت منسجم به خطوط بعدی دشمن تهاجم نمایند.

شکستن خط دشمن در ساحل رودخانه اروند بدور از مشکلات نبود؛ لذا تدابیر مختلفی در نظر گرفته شد تا توقفی در آن حاصل نشود. بدین معنا که قایق های تیزرو و آتش ساحلی، که از سلاحهای مختلف تشکیل شده بود، برای شکستن خط منظور گردید.

مأموریت نیروهای خط شکن در موج اول که اساسا بوسیله غواص صورت می گرفت خاموش کردن تیربارهای دشمن، راهنمائی و هدایت موجهای دوم به معابر وصولی که از دشمن پاکسازی شده بود، باز نمودن معابر و نیز در اختیار گرفتن ساحل خودی و تأمین آن به منظور استمرار «تک» بود.

در این زمینه مشکلات متعددی وجود داشت مانند نفوذ آب

به داخل سلاحهای انفرادی، مشکلات عبور نیرو و تجهیزات از رودخانه.

فقدان چولان به منظور پوشش در بعضی از مناطق و بالطبع عدم امکان استتار و اختفاء و... که تماما طی تلاشهای مستمر و پرحجمی که صورت گرفت با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف گردید.

ج - پاکسازی

پاکسازی دشمن در منطقه عملیات، که عمدتا پوشیده از نخلستان بود به منظور از میان برداشتن هر گونه مقاومتهای پراکنده و یا متمرکز دشمن و در نتیجه امکان تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده، انجام می گرفت.

گذشته از این پاکسازی مناسب دشمن و نابودی هر گونه آثار حضور دشمن در منطقه، عملا زمینه ساز تحقق مراحل بعدی عملیات محسوب می شد، البته باز پس گیری منطقه از سوی دشمن مشکلات زیادی را در برداشت زیرا که امکان مانور زرهی در نخلستان محدود و متکی به جاده بود و نیروی پیاده دشمن نیز بعلت فقدان روحیه لازم برای جنگ تن به تن توانائی رویاروئی با رزمندگان ما را نداشت.

د - مراحل پیشروی و پدافند

مرحله ی اول - پس از عبور و شکستن خط و پاکسازی نخلستان عملا مرحله اول با دست یابی به شهر فاو و پایگاه موشکی به پایان می رسید، بر این اساس به منظور ادامه عملیات، چنین تدبیر شده که استفاده مطلوب از عوارض طبیعی و مصنوعی صورت گیرد. مضافا بر اینکه امکانات غنیمتی از دشمن تا اندازه ای نیازمندیهای تعجیلی در وضعیت اولیه عملیات را مرتفع می ساخت لاکن از این به بعد مسئله اساسی عبور وسائل سنگین بود که می بایست صورت می گرفت (۱) .

مرحله دوم - پس از مرحله ی اول می بایستی سه راهی تقاطع مقابل

۱- ۳۰. توضیح آن در صفحات بعد خواهد آمد.

شهر فاو حفظ می شد تا از هر گونه رخنه احتمالی دشمن به شهر جلوگیری به عمل آید.

مرحله سوم - در این مرحله عمدتا تلاشهای مهندسی در ایجاد مواضع مناسب جهت رویاروئی با پاتکهای دشمن و تشکیل خط مناسب در نزدیکی کارخانه نمک، منظور شده بود. در این میان به تناسب اولویتها و اهمیت زمین منطقه که نحوه ی خاصی از پدافند را به نیروهای خودی دیکته می نمود، تدابیر مناسبی اتخاذ گردید.

همچنین قابل ذکر است که در این میان طرحهای متعدد پدافندی، شیوه ی خاصی از پدافند بنام «دفاع عاشورائی» اتخاذ شد که نام آن خود نشانگر عزم راسخ رزمندگان در حماسه آفرینی و نیز حفظ منطقه تصرف شده، به هر شکل ممکن بود.

بدین قرار براساس وضعیت منطقه و جاده های موجود، محورهای مختلفی با فرماندهی مشخص در نظر گرفته شد تا نیروها، از انسجام مناسبتری در مقابل پاتکهای دشمن برخوردار باشند.

علاوه بر این احداث خاکریزهای مختلف، که نقش مؤثری در بازدارندگی پاتکهای دشمن داشت، در نظر گرفته شد.

ه - عبور وسائل سنگین (۱) .

تحقق مراحل عملیات و نیز تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده اساسا بستگی به مسئله عبور وسائل سنگین داشت که طبیعتا با مشکلاتی همراه بود. بدین جهت، به منظور حل معضلات عبور وسائل سنگین بحث و

ص: ۱۶۶

۱- ۳۱. نظر به برجستگی و اهمیت مبحث عبور وسائل سنگین در عین حالیکه می بایستی در بحث طراحی عملیات عنوان می شد به صورت مستقل در این قسمت مطرح گردید.

بررسی های متعددی صورت گرفت که قسمتی از آن عمدتا در زمینه های:

تأثیرات موقت جزر و مد،

محورهای عبور،

محل تخلیه،

ساحل سازی جهت بارگیری،

میزان عبور

مدت زمان بارگیری،

و نحوه ی استتار وسائل عبور در روز بود.

عبور وسائل سنگین به سه مسئله اساسی بارگیری، حمل و تخلیه، اتکاء داشت. در این زمینه امکانات گوناگون مانند صفحه پی.ام.پی، طارق، هاورکرافت، دوبه و... در نظر گرفته شد که پس از آن، ساحل سازی و نصب پل در اولویتهای بعدی قرار داشت.

البته ساحل دشمن در دو نقطه بدلیل آمادگی لازم، مشکل خاصی را نداشت لیکن در ساحل خودی می بایستی تلاشهای لازم انجام و تدابیر مناسب اتخاذ می گردید، از آن جمله می توان، پهن کردن فرش باتلاقی، کارگذاردن سطحه، تراورس، گاویون، نخل، پل خیبری ۲ و... در کنار اروند را نام برد.

گذشته از این ۴ نوع پل، کوثری (سبک نفررو) - خیبری ۱ و ۲، طرح خضر و پل دوبه ای طراحی و تهیه گردید.

و - پشتیبانی عملیات

امر پشتیبانی به دو مبحث، «پشتیبانی رزمی» و «پشتیبانی خدمات» تقسیم می شد.

نیروهای هوائی جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ با پیشنهاد

سپاه پاسـداران قرارگاهی را تحت عنوان «رعد» با فرماندهی شـهید بابائی (۱) ایجاد نمود که در کنترل عملیاتی فرمانـدهی کل سپاه در صحنه نبرد بود و بر این اساس مأموریتهای زیر به آن ابلاغ گردید:

۱ - پشتیبانی نزدیک با حمله ی هوائی دشمن

۲- پدافند هوائی منطقه و مقابله با حملات هوائی دشمن

۳- تخلیه مجروحین از فرودگاههای عقبه

۴- تهیه عکس هوائی از وضعیت دشمن

همچنین به منظور کسب آمـادگی لازم به تناسب مأموریت واگـذاری، مانورهای متعـددی توسط این قرارگاه صورت گرفت و چنانچه ذکر شد قسمتی از مأموریت قرارگاه رعد تأمین پدافند هوائی منطقه بود که در این زمینه سپاه پاسداران و نیروی هوائی بطور مشترک در زمینه بکارگیری امکانات موجود هماهنگی های لازم را ایجاد کردند.

آنچه که اساسا ضرورت پدافند هوائی را روشن نمود و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد، تجربه عملیات بدر و تلاشهای دشمن در اثبات برتری هوائی خود بود.

بر این اساس و به منظور برخورد جـدی تر با امر پدافند هوائی عملا روشـهای مناسـبتری گزینش شد و بدنبال آن انواع مختلف سلاحهای ضد هوائی از جمله: سایت موشـکی، انواع توپهای ضد هوائی و.. عملا به گونه ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیررس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاحهای ضد هوائی مورد اصابت قرار گیرد.

ص: ۱۶۸

۱- ۳۲. علیرغم اینکه شـهید بابائی فرماندهی عملیات قرارگاه را بر عهده داشت لیکن بنا به حساسیتهای موجود و شرایط خاص آن مقطع که اساسا برای حفظ و تثبیت فـاو نیـاز به ایثـار و از خودگذشـتگی بود. این شـهید بزرگوار خود بیش از ۶۰ ساعت پرواز انجام داد و همانند بسیجیان با تلاش و ایثار مخلصانه، به جبران کمبودها پرداخت.

همچنین قابل ذکر است که وجود عناصر ارزشمند و ایثارگر جهاد خودکفائی نیروی هوائی نقش برجسته ای را در امر سازماندهی و بکارگیری مناسب سلاحهای ضد هوائی ایفا نمود.

همانند قرارگاه رعد نیروی هوائی، قرارگاهی تحت عنوان «شهید سلیمان خاطر» توسط پرسنل و عناصر هوانیروز با مأموریتهای زیر تشکیل شد:

۱ - ترابری نیرو و تجهیزات

۲ - حمل مجروحین

۳ - هلی برد نیرو در صورت لزوم

۴ - پشتیبانی آتش نزدیک

قابل ذکر است که قبل از عملیات، با توجه به مأموریت محوله، آموزشهای لازم و مانورهای متعدد برای آمادگی بیشتر، توسط این قرارگاه انجام گرفت. و بدین ترتیب بود که توانستند تلاش های چشمگیر و ایثار گرایانه ای را انجام دهند.

- لجستیک و تدارکات

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات، کمیسیون ویژه ای در هیئت دولت، متشکل از وزارت خانه های مختلف، راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهادسازندگی و سپاه پاسداران، تشکیل شد. پس از آن دو کمیته بنام «مهندسی رزمی» و «مهندسی صنعتی» بوجود آمد تا بصورت اساسی تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.

از جمله محسنات اقدام جدید دولت افزایش توان اجرائی مهندسی جنگ و فزونی یافتن کیفیت اقدامات مهندسی، به لحاظ

بکارگیری تخصص ها و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در وزارتخانه ها بود.

در پایان تنها به قسمتی از مأموریتهای واگذاری به وزارتخانه ها اشاره می شود:

- وزارت نیرو: نصب دکلهای مخابراتی و دیده بانی

- مسکن و شهرسازی: ساخت بیمارستانهای متعدد، سایت و...

- کشاورزی و راه و ترابری: جاده سازی و بازسازی و مرمت جاده های منطقه

- وزارت سپاه: ستاد فوریتها در رابطه با مهندسی صنعتی که قسمتی از عمده ترین کارش پیگیری و ساخت طارق بود و قایق ها و...

- وزارت جهاد (۱) .

- وزارت صنایع: ساخت دوبه ها

ز - طراحی آتش

عبور از رودخانه عمدتا ضرورت بکارگیری از آتش را در ابعاد

۱- ۳۳. جهادسازندگی از بدو تشکیل تاکنون همواره در تمامی صحنه های انقلاب، از کار عمرانی در روستاها تا کار فرهنگی در استانهای محروم (کردستان، سیستان و بلوچستان و...) و نیز جنگ تحمیلی حضور فعالانه داشته است و در این راه زحمات جانکاه و توانفرسائی را متحمل شده است. در طول این جنگ تحمیلی جهادسازندگی گامهای بلندی در خصوص انجام مهندسی، پشتیبانی و... برداشته است. احداث سنگر در خطوط مقدم و در زیر آتش دشمن تا احداث و ترمیم جاده ها تنها قسمتی از جلوه های نورانی تلاش برادران جهادگر بوده است. اقداماتی که قلم یارای ترسیم و بیان تمام ابعاد و زوایای آن را ندارد.

مختلف تعیین می نمود. بدین معنا که برای عبور می بایست، سد آتش قوی و مناسبی در مقابل دشمن ایجاد گردد تا برای انتقال وسائل مهندسی ادوات، زرهی، ضد زره و توپخانه به آنطرف شط، فرصت مناسب ایجاد و بدین وسیله با انجام عملیاتهای تأخیری از سوی توپخانه، زمان لازم از دشمن گرفته شود.

علاوه بر این گسترش عمق و عقبه دشمن در عرض جبهه این امکان را به نیروهای خودی می داد که در صورت داشتن آتش توپخانه سنگین در شمال منطقه تک، آسیب عمده و قابل توجهی را به یگانهای دشمن که در پاتک می باشند وارد نموده و سازماندهی و روحیه آنان را از هم بپاشد.

در اینصورت نیروهای پاتک کننده قبل از رسیدن به منطقه درگیری صدماتی را متحمل شده و فاقد روحیه لازم برای جنگ می شدند.

در این میان طرح ریزی آتش عمدتا بر روی جاده ی اول و نخلستان، زدن تقاطع جاده ها، اسکله چهار چراغ و شمال منطقه عملیاتی والفجر ۸ منظور شده بود.

قابل ذکر است که در این زمینه سه مشکل اساسی وجود داشت:

۱ - زمین منطقه

۲- رعایت غافلگیری

۳- کمبود امکانات

بدین معنی که سستی زمین منطقه لزوما نیازمند زیرسازی مناسب برای استقرار موضع توپخانه است و رعایت غافلگیری، عمدتا باعث تأخیر در انتقال توپخانه ها و بنه های آنها می شد گذشته از این، تحویل و انتقال یک دوم توپخانه های مورد نیاز در عملیات از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی - نظر به اینکه این نیرو برای عملیات در شلمچه و زید آماده

می شد – مشکلاتی را در برداشت.

۴ – جمع آوری اطلاعات

فعالیت عناصر شناسائی با فاصله اندکی پس از عملیات بدر آغاز شد در این مدت اقدامات زیر صورت گرفت:

۱- دیده بانی مستمر از فعالیتهای گوناگون دشمن

۲- تهیه شناسنامه نهرها و جاده و زمین منطقه خودی

۳ – تهیه نقشه (۱) و کالک منطقه

۴- کنترل فعالیتهای دریائی دشمن توسط رادارهای دریائی

گذشته از این شناسائیهای لازم از زمین منطقه و تأثیرگذاری باران بر آن، طول و عرض و میزان فشردگی نخلها، طول و عرض نهرها و تأثیر جزر و مد بر روی آن.

انواع مختلف جاده ها اعم از شنی، اسفالت و نیز ارتفاع آن از سطح زمین، روئیدنی های کنار ساحل، وسعت و چگونگی گل و لای آن و تأثیرگذاری جزر و مد بر روی آن و... صورت گرفت.

در این مدت عمدتا در سه زمینه بطور مشخص اطلاعات لازم بدست آمد:

۱- خط مقدم دشمن

۲- موانع و استحکامات موجود در منطقه

۳- مشخص نمودن معابر وصولی عملیات

۱- ۳۴. نقشه های بعضی مناطق اشتباه بوده و فاقد عوارض جدید هستند.

- خط مقدم دشمن

خط مقدم دشمن به شکل دیواره ای در سرتاسر حاشیه اروند در حد تقریبی مد آب قرار داشت و ارتفاع آن بین ۱ الی ۲ متر متغیر بود. مواد تشکیل دهنده این خط در نقاط مختلف فرق می کرد ولیکن عمدتا از خاک ریز، کیسه گونی خاک، تنه درختان نخل و همچنین سنگرهای بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگرهای دیگری وجود داشت که از الوار، پلیت و کیسه گونی پر از خاک احداث شده، فاصله آنها بین ۲۰ تا ۳۰ متر بود.

سنگرهای دشمن عمدتا به گونه ای طراحی شده بود که تسلط کامل بر روی آب و ترددهای احتمالی آن را فراهم می ساخت.

- موانع و استحکامات دشمن

دشمن بنا به استراتژی پدافندی اش که عمدتا پس از عملیات بدر اتخاذ نمود مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام الرصاص تا رأس البیشه، کرد.

در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلو گرفتن شناورهای سنگین، طراحی شده بود.

موانع دشمن عمدتا از ابتدای ساحل و در میان گل و لای آغاز و تا سنگرهای رده دوم ادامه داشت. نیروهای دشمن غالبا در اوقاتی که آب در حالت جزر بود در ساحل رودخانه کار خود را آغاز می کردند.

در این میان دشمن از انواع سیم خاردار رشته ای، حلقوی و فرشی در ردیفهای مختلف و به اشکال متفاوت استفاده کرده و نیز شاخک های

فلزی از نوع نبشی و میل گرد به شکل هشت پرهای مختلف معروف به خورشیدی، نصب نموده بود.

در بسیاری از نقاط مین های منور نیز تعبیه شده بود بدین شکل که با نصب آن بر روی هشت پرهای فلزی، به صورت تله ی انفجاری عمل می کرد.

علاوه بر این دشمن در لابلای میادین مین و سیم خاردار سنگرهای کمین و استراق سمع، که فاصله آنها از یکدیگر متفاوت و کمترین آنها به حدود ۲ متر می رسید، قرار داده بود.

همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از چزابه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود از آنها بنام «حصون» نام می برد.

شرح عملیات

در ساعت ۱۰ / ۲۲ دقیقه روز ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ توسط فرماندهی کل سپاه فرمان حمله با قرائت رمز عملیات صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحیم لاـ حول و لاـ قوه الاـ بالله العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا.

یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح ریزی شده و شلیک بیش از هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر آغاز و مبادرت به شکستن خط کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاکسازی و گرفتن سر پل مناسب نقش اساسی را در تضمین موقعیت عملیات داشت. غواصها می بایستی معابر را باز کرده تا

نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شده و تا روشنائی صبح منطقه را جهت استحکام سر پل پاکسازی کنند.

نحوه ی عکس العمل دشمن در لحظات اولیه عملیات و رویاروئی با موجهای گسترده نیرو که سراسر خط دشمن را مورد تهاجم قرار داده بودند، غیر منتظره و تعجب برانگیز بود، چنانچه از سوی یکی از فرماندهان دشمن به رده بالاتر وضعیت اولیه چنین گزارش می شود:

«دشمن (ایران) مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می کند و باز می گردد، اگر چاره ای نکنید احتمالا می روند ام القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد می باشد».

دشمن در همان لحظات به دلیل گستردگی محورهای هجوم و انجام تک پشتیبانی «ام القصر» نسبت به عملیات احساس خطر می نماید. در این میان صدام به منظور آرام نمودن وضعیت و زایل کردن هراس نیروهای عراقی در پاسخ گزارش یاد شده می گوید: «مقاوم باشید، سه لشگر زرهی می فرستیم و ایرانیها را شکست می دهیم».

گسترش وضعیت و تأمین هدفهای عملیات در همان شب اول چنان غیر منتظره بود که نیروهای پشتیبان می بایستی برای تأمین مراحل بعدی عملیات در صبح یا شب دوم عملیات به کار گرفته می شدند در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاکسازی خط اول، در ادامه کار دو مسئله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری را در مقابله با پاتکهای دشمن و نیز تثبیت و تأمین سرپل اولیه داشت. لذا دو لشکر پرتوان و

قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، به منظور پاکسازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند. بدین ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از درهم شکستن مقاومتهای ضعیف دشمن، یگان مأمور جهت تصرف شهر فاو، ابتدا با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصره آن پرداخت.

در جنوب شهر فاو نیز یکی از یگانها با طی نمودن مسافت زیادی در عمق، به صورتی باور نکردنی خود را به خورعبدالله رساند بطوریکه این امر موجب گردید شهر فاو از شمال و جنوب به محاصره رزمندگان درآید.

در محور شمالی شهر فاو در چند منطقه دو یگان عمل کننده به لحاظ رویاروئی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند مقداری دچار کندی در حرکت گردیدند. ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه محسوب می شد، با خیز بلند نیروها به تصرف درآمد. ورود یگان بعدی که برای تصرف خط کارخانه نمک در نظر گرفته شده بود موجب پیوستگی و تأمین خط پدافندی مرحله اول گردید.

پیش بینی می شد در صبح عملیات، مناطقی که جبهه را تهدید خواهد کرد، عمدتا محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو - بصره می باشد. بدین ترتیب با حضور در دو محور یاد شده، عملا اطمینان خاطر لازم بوجود آمد.

پاکسازی و الحاق

پاکسازی جنوب شهر فاو و باقیمانده ی نیروهای پراکنده و غیر منسجم دشمن، که در منطقه به صورت سرگردان حضور داشتند دنبال

می شـد حضور پر قـدرت نیروها پس از محاصـره شـهر فاو نیروها در محور ساحلی و نیز دستیابی به خورعبدالله در جنوب فاو، پاکسازی عناصـر باقیمانـده دشـمن در رأس البیشه - که بعضا با مقاومتهای پراکنده خود مشـکلاتی را ایجاد می کردند - آغاز شـد. بر این اسـاس ابتـدا، رزمنـدگان بـا هجوم به تیربـار دشـمن در خط مقـدم رأس البیشه آن را خاموش نموده، سـپس به امر پاکسازی نخلسـتان شمال و جنوب شهر مبادرت ورزیدند. در نتیجه یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومتهای پراکنده دشمن، توانست با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ و به اسارت گرفتن فرمانده ی آن، شهر را به صورت کامل پاکسازی کند.

همزمان با پاکسازی شـهر و سایر قسـمتهای منطقه، چنـدین یگان به منظور ادامه ی عملیات، از مقابل شـهر فاو، حرکت خود را جهت اهداف مورد نظر و تأمین آن آغاز کردند و قبل از فرا رسیدن تاریکی شب ضمن انهدام دشمن تا دومین پایگاه موشکی پیشـروی نمودند. در نتیجه تا پایان روز اول، رزمندگان موفق به تصرف شهر فاو، پاکسازی کامل منطقه و حضور در شمال فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات انجام پذیرفت و اهداف مورد نظر با موفقیت تأمین گردید.

وضعیت دشمن

پس از آغاز شکسـته شدن خط از سوی نیروهای خودی تلاشـهای چشـمگیر و اساسـی از سوی دشمن مشاهده نگردید. دشمن در این عملیـات به دلیـل تحقق امر غافلگیری، وضـعیتی متفاوت با سایر عملیاتها داشت چنانچه مقاومت و تلاش ارتش عراق به جز در چند محور مانند رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، چشمگیر و قابل توجه نبود. گذشته از این تحرکات

دیگری از سوی دشمن مشاهده شد که عمدتا عبارت بود از:

- مقاومت پراکنده نیروهای باقیمانده در حد فاصل یگانها،

- تظاهر به ضد حمله نیروهای باقیمانده در اطراف پایگاه موشکی و محور ساحلی و ضد حمله های کم حجم و بدون اثر توسط یگانهای احتیاط منطقه

طی این روز به لحاظ وضعیت آشفته و درهم ریخته دشمن و عدم اطلاع کامل تمام نیروها و عناصر، از وقوع عملیات و ابعاد و گستردگی آن، نیروهای دشمن که از مرخصی باز می گشتند و یا واحد تدارکات که مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده دار بود، بدون اطلاع از حضور نیروهای اسلام در فاو، وارد منطقه عملیاتی می شدند و این امر موجب گردید تلفات زیادی بر دشمن وارد شود. گذشته از این تحرک بارزی از دشمن، در زمینه تکهای هوائی مشاهده نگردید و تنها چندین بار عقبه نیروهای خود در شرق اروندرود و نیز ساحل دو طرف آن، مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که مسئله قابل توجهی نبود.

مقاومت در محور ساحلی

نظر به اهمیت محور ساحلی و حساسیت دشمن نسبت به آن، همانطور که پیش بینی می شد، پس از گذشت ۳۶ ساعت، عراق اولین فلش پاتک خود را متوجه آن سمت کرد. دشمن ابتدا لشکر ۵ را به سرعت وارد منطقه نمود و پس از آنکه نیروهای این لشکر به نزدیکی کارخانه نمک رسید، آرایش گرفته و پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند. طی مدت کوتاهی دوبار و به طور جدی درگیری شدت گرفت به صورتی که در بعضی از محورها نبرد تن به تن صورت می گرفت و در نهایت دشمن

موفق به پیشروی نشد. نیروهای خودی پس از آن به منظور ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بلدوزر و...) که تا روز دوم منتقل شده بود، موفق به ایجاد خاکریزهای کوتاه و محدودی گردیدند.

نظر به اینکه نیروهای دشمن اهمیت محور ساحلی را درک می کردند، در روز بعد مجددا تلاشهای جدی و تازه خود را متوجه محور ساحلی کردند. سرعت در انتقال و عبور دستگاههای مهندسی و ایجاد خطوط دفاعی مطمئن و به یاری آمدن سایر یگانها، عملا از پیشروی دشمن ممانعت به عمل آورد و پس از چند روز با اتخاذ تدابیر لازم این محور نفوذناپذیر شد و دشمن نیز از آن ناامید گردید.

شروع تلاشهای اساسی از جانب دشمن

تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقیمانده نیروهای موجود در منطقه به مقابله می پرداخت. طی این مدت رژیم صدام تصور می کرد، محور اصلی عملیات «هورالهویزه» است و طبعا درک صحیح و مناسبی از موقعیت عملیات نداشت. علاوه بر این از هم پاشیدگی نیروهای موجود در منطقه و نیز انجام حمله از محور «ام الرصاص» که به لحاظ نزدیکی به بصره، این شهر را در معرض تهدید قرار می داد و همچنین امکان مسدود نمودن عقبه دشمن پس از عبور نیروهایش به سمت فاو و رأس البیشه، دشمن را دچار سردرگمی ساخت و قسمتی از تلاش او را به حل محور «ام الرصاص» معطوف نمود. اما سرانجام پس از سه روز، دشمن متوجه اساسی بودن عملیات فاو شد و به صورت جدی وارد میدان گردید.

پیش آمدن وضعیت یاد شده عملا- «زمان» لازم را از دشمن به منظور مقابله گرفت، و زمینه های گسترش سرپل و حفظ و تحکیم مواضع بدست آمده را فراهم کرد. پس از ناکامی تلاشهای اولیه دشمن، که عمدتا با لشکر ۵ شروع شد، دشمن اقدام به وارد کردن لشکر گارد جمهوری نمود، بدین شکل که قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری (۱) اعلام نمود، باید هر چه سریعتر با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و باز پس گیری مناطق تصرف شده تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. بر این اساس و به دنبال تصمیم گیری عجولانه ستاد عملیات جنوب عراق، تیپهای ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره گسترش یافته، به سمت شهر فاو حرکت نمودند. قبل از آغاز درگیری نیروهای خودی به دلیل دید و تیر بر عقبه های دشمن و آرایش مناسب توپخانه ها، آتش پرحجم و سنگینی را بر روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند (۲) .

ضمنا در همین روز به گردان کماندوئی تیپ ۱۰ زرهی از نیروی مخصوص نیز دستور داده شد تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ام القصر خود را گسترش دهد تا مانع از دور خوردن تیپهای ۳ و ۴ شود.

ص: ۱۸۰

۱- ۳۵. لشکر گارد جمهوری (نیروی مخصوص) از یگانهای زبده ارتش عراق می باشد و در هر کجا نیاز به انجام ضد حمله های اساسی باشد و یا اینکه این عمل در توانائی و قدرت سایر یگانهای دشمن نباشد، عملا مأموریت محوله بر عهده لشکر گارد گذارده خواهد شد. عناصر گارد دوره های آموزشی متعدد و متنوعی را گذرانده اند و از باتجربه ترین نیروهای دشمن محسوب می شوند.

۲- ۳۶. صدام قبل از شروع درگیری لشکر گارد جمهوری، به لحاظ تلفات و آسیبهای وارده، طی دوبار، پیام تبریکی را نثار جنازه های کشته شدگان آنها نمود.

بـدین ترتیب نیروهای گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانکها و خاکریزهای پراکنـده، که به عنوان سـنگر تانک مورد استفاده قرار می گرفت، به سر بردند تا پس از روشنائی هوا در روز بعد، حمله اساسی خود را شروع کنند.

قابـل ذکر است که نیروهای خودی طی این مـدت (۳ روز) و تا اسـتقرار نیروهای لشـکر گارد، با استفاده از زمان بدست آمده توانسـتند، پایگاههـای اول و دوم موشـکی در شـمال شـهر فـاو را فتـح و خود را به ضـلع جنوبی کارخانه نمک و پس از آن با گسترش شـرقی - غربی به سـمت جاده استراتژیک، روی جاده شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمك، رسانده و در آنجا مستقر شوند.

درگیری با لشکر گارد

نیروهـای خـودی پس از درک مـوقعیت و نحـوه گسـترش عناصـر لشـکر گـارد فلش حملات خـود را از سه محـور زیر تنظیم نمودند:

۱ - جاده اول به سه راهی

۲- از جاده شنی به پشت دشمن

۳- از مقابل، روی جاده دوم و اطراف آن

بر این اسـاس در همـان تـاریکی شب و هنگامی که نیروهای لشـکر گارد در حال استراحت به سـر می بردنـد، نیروهای خودی توانسـتند با اسـتفاده از نقاط ضعف آنها، از آرایش مناسبی توأم با غافلگیری برخوردار شوند، چنانچه با آغاز درگیری، دشمن احساس نمود به طور همه جانبه، از روبرو و جناحین مورد تهاجم قرار گرفته است.

این حمله، همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و

سلاحهـای سـبک برای دشـمن کاملا غیر منتظره بود، لـذا عرصه ی نبرد، بر آنها تنگ شـده و حتی قادر به کوچکترین حرکت نشدند.

در صبح روز ۲۴ / ۱۱ / ۶۴، هنوز هوا به طور کامـل روشن نشـده بود که دشـمن برای عقب زدن نیروهـای خودی و به منظور پشتیبانی از لشـکر گارد، ساعت ۳۰ / ۵ دقیقه صـبح، مبادرت به حمله ی شـیمیائی کرد، لیکن بمبهای شیمیائی در میان دو تیپ از لشـکر گـارد جمهوری فرود آمـد و منجر به آلودگی ۷۰٪ از نیروهـای آنهـا گردیـد. به طوریکه اکثر آنان، بینائی خود را از دست دادنـد. پس از این واقعه، نیروهـای گـارد سـخت وحشتزده شـده، مرتب درخواست کمـک می کردنـد. بـا تلاش پیگیر، فرماندهی لشکر گارد، تیپ ۴۴۳ به کمک تیپهای ۳ و ۴ فرستاده شد، لیکن در همان لحظات اولیه مورد حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهـدام یک گردان، بقیه پا به فرار گذاشـتند. گذشـته از این با پیشـروی رزمنـدگان اسـلام تا کارخانه نمک و تصـرف مقر لشکر ۲۶ در داخـل کارخـانه، فرمانـدهی سـپاه هفتم که وحشتزده شـده بود ناچارا منطقه را ترک کرد در این بین نیروهـائی که در محاصـره قرار داشـتند همچنـان سـعی زیـادی می کردنـد که بـا بازیافتن خود از معرکه بگریزنـد، لیکن تـدبیر مناسب نیروها و نیز آتش پر حجم و قدرتمنـد توپخانه، امان دشـمن را بریـده بود، چنانچه فرمانـده ی نیروهای محاصـره شـده، وضعیت خود را به فرماندهی رده بالا، چنین گزارش می نمایند:

«درگیری بسـیار شدیـد می باشـد و نیروها در محل خود مقاومت می کنند! نیروهای مهندسـی که قرار بوده امشب سـنگرسازی گردانها را حل نمایند، اکثر آنها فرار کردند گردانها وضع بسیار بدی را می گذرانند».

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار گرفته ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم

است این تدبیر، سریع انجام گیرد. به فرمانده لشکر ۲۶ بگوئید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو - البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستید، هر چند گران تمام شود».

فرمانده این تیپ در گزارش دیگری نیز، چنین می گوید:

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر است و تلفات نفرات، با شمارش دقیقه افزونتر می شود. فعلا در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی بداد ما برسید»

پس از مسدود نمودن راههای کمک به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی دشمن از اعزام نیروی کمکی، فرماندهی لشکر گارد خطاب به فرماندهی تیپ ۳ و ۴، به عنوان آخرین راه حل، «جنگ و گریز» و «فرار» را توصیه می کند:

«شما با جنگ و گریز بیائید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیائید عقب. ما کاری نمی توانیم بکنیم.»

پس از ابلاغ این فرمان، باقیمانده ی نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعتی از جنگ و گریز حدود ۲ ساعت بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام، توانستند از مهلکه جان سالم، بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

جنگ هوائی

همزمان با ورود لشکر گارد به منطقه، بعد از ظهر روز سوم، حمله وسیع و گسترده هوائی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران

عقب مانـدگی در «نبرد زمینی» و نیز ممانعت از پیشروی رزمنـدگان اسـلام، مبادرت به حملات هوائی پی در پی کردنـد. این تلاش در روز چهارم، ابعاد وسیعتری را به خود گرفت. چنانچه نیروی هوائی دشمن با تمام توان وارد عمل شده و علاوه بر بمباران شیمیائی (۱) ، به بمباران پلهای جزیره ی آبادان پرداخت.

در این میان آرایش مناسب سلاحهای ضد هوائی، در طی ۸ روز جنگ شدید هوائی، روزانه ۳ تا ۴ فروند از هواپیماهای دشمن را ساقط کردند.

پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در دل خلبانهای عراقی ایجاد کرد، به گونه ای که وقتی وارد آسمان منطقه می شدند، بعضا تنها در صدد خالی کردن بمبها در بیابان و فرار از تیررس گلوله های ضد هوائی و موشکهای زمین به هوا بودند. این رعب آنقدر افزایش یافته بود که حتی یک بار، پس از شلیک موشک و اصابت آن به هواپیما، خلبان هواپیمای دیگر دشمن، به خیال اینکه مورد اصابت قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع تهاجمات وسیع هوائی دشمن نتوانست کاری از پیش برد و راه تدارکات نیروها را مسدود نماید. به ویژه اینکه تدابیر برادران جهادسازندگی در زمینه احداث پل بر روی بهمنشیر، امیدواری دشمن مبنی بر انسداد عقبه ها را تبدیل به یأس نمود و بدینوسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

۱- ۳۷. نظر به اینکه چنین حوادثی، پس از ناتوانی دشمن، در غالب عملیاتها قابل پیش بینی می باشد، لذا ماشینهای حامل مواد خنثی کننده شیمیائی، در سرتاسر منطقه استقرار یافته بودند. علاوه بر این ماشینهای آتش نشانی که برای مقابله با حریق، در نخلستان حضور داشتند، با شستشوی نخلها، آلودگیهای موجود را برطرف می کردند.

تصرف خط نهائی عملیات

طی پنج روز اول، نیروهای خودی در محور میانی جاده استراتژیک، محور ام القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و بر روی جاده ام القصر نیز، خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که دشمن شدیدا نسبت به آن حساس بود، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، با درهم شکستن خطوط دشمن، در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با احداث چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب ضد زره، در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل بازیافته بود، پاتکهای خود را مجددا آغاز کرد. بدین شکل که ابتدا، از جاده فاو - البحار، وارد شد که با مقاومت نیروهای خودی و سرانجام از دست دادن نفرات و انهدام تجهیزات، عقب نشست.

سپس از جاده استراتژیک، فلش اصلی تهاجم خود را بر روی سه راهی کارخانه نمک، متمرکز کرد. لیکن بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده، با به جا گذاردن هزاران کشته و زخمی، اقدام به عقب نشینی کرد.

پس از آن در روز یازدهم عملیات به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در سراسر محور ساحلی و میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد، در محورهای یاد شده، ناامید گردید.

آتش سنگین توپخانه

در جریان حملات دشمن، در محورهای ساحلی و میانی، آتش

توپخـانه، نقش ویژه ای را در انهـدام و عقب زدن نیروهـای دشـمن داشت. زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام الرصاص عبور می کردند تا خط تماس در فاو، زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند.

شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشـی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوریکه فرمانده یکی از تیپهای دشمن می گوید:

«آتش توپخانه دشـمن (ایران) وسـیع و بسـیار سـنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دسـتگاه تانـک از کـار افتاده است، توان رزمی به شـدت پائین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشـته می باشد. توپخانه های دشـمن (ایران) آزاد هسـتند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود».

در چنین وضـعیتی و بـا توجه به پاتکهـای متوالی دشـمن و شـکست آنها و انهـدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوریکه چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.

تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسـختانه رزمندگان، در محورهای ساحلی و جاده استراتژیک، امکان پیشـروی را به دشمن نداد و تلفات بسیار سنگین و قابـل ملاحظه ای را بر آنهـا وارد سـاخت، بـه گـونه ای که این وضـعیت، منجر به تغییر تاکتیـک دشـمن در «رزم» و «محـور عملیات» گردید. بر این اساس که نیروهای عراقی در تدبیر جدید خود، وارد کارخانه نمک و محور

ام القصر شده، به کارگیری «نیروی پیاده» را جایگزین «نیروی زرهی» کردند.

اولین تلاش در محور ام القصر با درایت و مقاومت رزمندگان، درهم شکسته شد. تهاجم بعدی دشمن که از داخل کارخانه صورت گرفت، به لحاظ عدم حضور جدی نیروهای خودی، موجب گردید یکی از مربعی های داخل کارخانه، به تصرف دشمن درآید. لیکن بلافاصله با تقویت آن محور و تلفاتی که بر دشمن، وارد شد عملا حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور، برای هر ۴۰۰ متر یک تیپ قرار داده بود و در هر حمله از چند تیپ استفاده می کرد، که هر کدام پس از آسیب دیدگی و تلفات وارده، مجبور به عقب نشینی می شدند.

قابل ذکر است که در مقابله با پاتکهای دشمن در محور ام القصر و کارخانه نمک، جنگنده های نیروی هوائی و هلی کوپترهای هوانیروز نقش مؤثری را ایفا کردند. به صورتی که بمباران عقبه های دشمن در محور جاده دوم و سوم و شکار تانکهای آنان، تلفات سنگینی را بر دشمن وارد ساخت.

تیم های آتش هوانیروز، نیز در یک تلاش چشمگیر در بالای سر دشمن حاضر بوده و با شروع هر حمله از جانب دشمن، آنها نیز با شجاعتی تحسین برانگیز به اجرای مأموریت می پرداختند.

نتایج بدست آمده در عملیات

در طی عملیات والفجر ۸، نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید و تلفات و خساراتی بر دشمن وارد شد، که به گوشه ای از آن در زیر اشاره می شود:

ص: ۱۸۷

الف: نیرو

در جریان عملیات دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته و زخمی داشت که در میان آنها، یک فرمانده لشکر و نزدیک به ۵ فرمانده تیپ و... دیده می شد. همچنین ۷۰۰ نفر اسیر، که در میان آنها، چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء، خلبان هواپیما و هلی کوپتر و درجه دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند.

ب: تجهیزات

وسایل - منهدم - غنیمتی

تانک و نفربر - ۶۰۰ دستگاه - ۱۲۰ دستگاه

خودرو - ۵۰۰ دستگاه - ۲۵۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵۰ قبضه - ۲۰ قبضه

هواپیما - ۴۵ (۱) فروند

هلیکوپتر - ۱۰ فروند

ناوچه جنگی - ۳ فروند

ضمنا مقدار معتنابهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاحهای ضد هوائی، در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم بدست آمده مشاهده می گردید.

ج: انهدام واحدها

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندوئی و نیروی مخصوص ۲ تیپ

۱- ۳۸. آمار یاد شده یقینی بوده و در مدت درگیری با دشمن تحقق یافته است.

زرهی، ۴ گردان ضد هوائی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰ درصد منهدم گردید.

از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی خارج شدند.

همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند.

ص: ۱۸۹

فاو از حضور تا تثبیت

اشاره

حضور قوای نظامی ایران در فاو، تزلزل و بی ثباتی حکومت بغداد و نیز ضعف و ناتوانی ارتش عراق را در پی داشت.

پیدایش وضعیت جدید، امری نبود که دشمن بتواند آن را نادیده انگارد و به همین جهت فشارهای پی در پی ارتش عراق در هوا و زمین قابل پیش بینی بود.

رژیم صدام امیدوار بود در حد فاصل زمانیکه الزاما بایستی خطوط خودی ترمیم شده مواضع جدیدی احداث می شد، با تحرکات همه جانبه خود زمینه های تسلط مجدد بر فاو را فراهم آورد. علاوه بر این تهدید بندر ام القصر قسمتی از معضلات جدید دشمن بود که می بایست برای حفظ آن در آینده به گونه ای تدبیری مناسب اتخاذ می کرد.

در هر صورت تلفات وارده به دشمن - بنا به موقعیت خاص زمین منطقه و نیز نحوه استقرار نیروهای خودی - رژیم عراق را از دستیابی به بندر فاو بازداشت و عکس العمل های وی جز تلاشی و انهدام ارتش عراق چیز دیگری در بر نداشت.

دشمن پس از ناتوانی در باز پس گیری یکباره تمامی مناطق

ص: ۱۹۰

آزاد شـده، شـیوه پیشـروی لاک پشتی را آغاز کرد تا بلکه بتواند قسـمتهای محدودتری را تصـرف کند. به همین منظور ارتش عراق تلاش کرد تا حتی المقدور نیروهای خودی را از حول و حوش کارخانه نمک دور کند.

از سوی دیگر آنها در انتظار پایان فصل بارنـدگی و نزدیک شـدن فصل تابسـتان بسـر می بردند تا با خشک شدن زمین منطقه میدانی مناسب برای «پاتک» در اختیار داشته باشند.

در این میـان خـط تبلیغـاتی رسـانه هـای جهـانی، مبنی بر تحریک و تشویق عراق جهت باز پس گیری فاو، در تحرکات نظامی دشمن بی تأثیر نبود، چنانچه نشریه «واشنگتن پست» طی گزارشی نوشت:

«عراق نمی توانـد اجـازه دهـد ایرانیهـا در این شـهر باقی بماننـد، زیرا این مسـئله به احتمال قوی عواقبی تضـعیف کننـده از نظر روحی و سیاسـی در داخـل عراق و نیز در کشورهـای همسایه خواهـد داشت... تصـرف شـبه جزیره فاو توسط نیروهای ایران و غافلگیری عراقیها، بطوریکه هنوز هم موفق به بیرون راندن سـربازان ایرانی از منطقه نشده اند، بغداد را سـخت سـرافکنده کرده است.» (۱) .

رادیو بی بی سـی نیز طی تفسـیری اظهار داشت: «ایران بخوبی در زمین از عهده نیروها برآمد و تصـرف این همه اراضی عراق، ضربه ای تحقیرآمیز به عراق وارد آورده است.» (۲) .

مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن

علیرغم اینکه عقب راندن نیروهای خودی از فاو، برای دشمن

۱- ۳۹. ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۰. ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

اهمیت اساسی داشت، لیکن در این میان عواملی بازدارنده و محدود کننده وجود داشت که قطعا رژیم بغداد نمی توانست آنها را نادیده بگیرد.

به عبارت دیگر دشمن گرفتار یک تناقض شده بود. از سویی ضرورت و اهمیت بازپسگیری فاو و از سوی دیگر واقعیات موجود و معضلات ناشی از آن - که طبعا آسیب پذیری عمده ای را متوجه ارتش عراق می کرد - رو در روی رژیم صدام قرار داشت.

دشمن در انجام پاتک عمدتا میبایست از نیروی زرهی - مکانیزه استفاده میکرد. که با توجه به باتلاقی بودن زمین منطقه عمدتا محدود به جاده های موجود به منطقه می شد و این وضعیت، با توجه به ثبت تیر و آتش توپخانه بر روی جاده ها و نیز حضور قدرتمند نیروهای خودی در آنجا، امکان مانور را از دشمن می گرفت، چنانکه فرمانده وقت سپاه هفتم عراق، اظهار داشت:

«خارج ساختن نیروهای ایران از منطقه اشغالی در شبه جزیره فاو با وجود باتلاقهایی همیشه گل و باتلاقهایی که در اثر باران بوجود آمده است، کاری مشکل است.» (۱) .

به علاوه نظر به اینکه قسمتی از منطقه پوشیده از نخل است، راه حل دیگری که فرا روی نیروهای عراقی قرار داشت، جنگ تن به تن در نخلستان بود.

اما نیروهای دشمن توانایی و روحیه مناسب برای اینکار نداشتند.

معذالک، در ابتدای حضور نیروهای خودی در منطقه فاو، دشمن

۱- ۴۱. روزنامه امریکایی واشنگتن پست، ۱۲ / ۷ / ۶۴.

در یـک مقطع خـاص تلاش اصـلی خود را از محور ساحلی و در میان نخلها به عمل آورد - که عملا ناموفق بود .در این زمینه «آسوشیتدپرس» طی گزارش ضمن خاطر نشان ساختن دشواری و صعوبت چنین عملیاتی می گوید :

«تنهـا یـک نبرد تن به تن می توانـد ایرانیها را از منطقه خارج کنـد. در نخلسـتانها تانکها قادر به فعالیت نیسـتند و نیروی هوائی عراق نیز نمی تواند نیروهای استتار شده ایرانی را در منطقه شناسایی کند و بیرون راندن آنها کار بسیار دشواری است.» (۱) .

تا حوالی ۱۵ اسـفند نیروهـای عراقی تلاشـهای پی در پی و شدیـد خود را از محور هـای مختلف (سـاحلی، فـاو - البهار، جاده استراتژیـک و جـاده ام القصـر - کارخانه نمک) به معرض آزمایش گذاردنـد، لیکن جز نفوذ در یکی از مربعی های کارخانه نمک (۲) ، موفقیت دیگری به دست نیاوردند.

از این مقطع به بعد، دشمن تقریبا ناامید شد و به مرور از فشارهای سنگین خود کاست و به جمع بندی و ارزیابی وضعیت پیش آمده پرداخت. تلاشهای دشمن در این فاصله عمدتا در ۳ محور خلاصه میشود:

۱- ادامه پاتک در برخی از محورها، خصوصا کارخانه نمک و جاده ام القصر

۲- گسترش عقبه ها و احداث جاده و مواضع جدید توپخانه و ...

۱- ۴۲. ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۳. این مربعی، طی انجام عملیاتی از دشمن پس گرفته شد.

۳ - طراحی استراتژی «دفاع متحرک»

بدین ترتیب دشمن که گاه تنها برای تصرف ۳۰۰ متر مربع، ۳ الی ۴ تیپ خود را از دست می داد، به منظور اتخاذ تدابیر جدید، تلاشهای اصلی خود را معطوف کارهای مهندسی (تقویت عقبه ها، احداث مواضع توپخانه و تانک) بازسازی یگانهای آسیب دیده و... کرد.

طی مدتی که دشمن در فاو با نیروهای خودی درگیر بود و نیز هنگامی که اقدام به فعالیتهای مهندسی و یا هر گونه تحرک دیگر کرد، اجرای آتش توپخانه و ادوات بر روی نیروهای عراقی نقشی بازدارنده و مضمحل کننده در برداشت. خصوصا در خطوط اول و کارخانه نمک، دشمن به علت فقدان عقبه بشدت در مضیقه بود و به هیچ وجه توان تحمل فشارهای وارده را نداشت، بطوریکه یکی از پناهندگان اظهار داشت:

«یک روز یکی از فرماندهان عراقی، نیروها را جمع کرد و سپس یکی از سربازان را از خط خارج نمود، خطاب به وی گفت: تو می خواستی پناهنده شوی؟ و بعد همانجا او را اعدام کرد.

وضع ما در دژهای دریاچه نمک خیلی خراب بود، آب و غذا خیلی کم بود؛ شبها مقداری آب و غذا برایمان می آوردند و حتی بعضی اوقات به خاطر نبودن آب و تشنگی زیاد توی شیشه... کرده و آنرا می خوریم.»

در کنار وضعیت نابسامان دشمن تبلیغاتی که از سوی نیروهای خودی (با نصب بلندگو در نزدیکی دشمن) صورت می گرفت، اثرات روانی بسیار مؤثر و بسزائی داشت؛ بطوریکه تعداد قابل توجهی از قوای دشمن پناهنده شدند. وضعیت مزبور برای فرماندهان عراقی غیر قابل قبول بود؛ لذا دشمن به منظور جلوگیری از پناهندگی نیروهایش به شدت عمل بیشتری متوسل شد.

ص: ۱۹۴

دشـمن بمنظور حل بحرانهای ناشـی از فتـح «فاو» و ضایعات وارده به ارتش عراق، علیرغم رکود جبهه ها و نیز عدم توانائی در عقب راندن نیروهای خودی، مکررا تبلیغاتی را مبنی بر باز پس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۸، انجام می داد.

با نزدیک شدن ۷ نیسان (۱) (سالروز تولد صدام و تشکیل حزب بعث عراق) تبلیغات دشمن شکل جدی تری به خود گرفت و این روز را روز باز پس گیری «فاو» نامید.

بر این اساس، ۱۳ روز قبل از فرا رسیدن ۷ نیسان (از بامداد ۴ فروردین) نیروهای دشمن تهاجم خود را از دو محور آغاز کردند:

در محور اول نیروهای پیاده دشمن از سمت جاده شنی، شکاف موجود بر روی جاده را پر کرده، سپس اقدام به پیشروی نمودند؛ لیکن با مقابله مناسبی که صورت گرفت، عملا تهاجم آنها عقیم ماند.

در محور دوم، در همان شب تعدادی از نیروهای غواص دشمن از سمت اروند و خورعبدالله جهت شناسائی و مین گذاری وارد عمل شدند که تعدادی از آنها کشته شده، برخی نیز به اسارت درآمدند.

بدین ترتیب آنچه که می توانست بصورت پیش درآمد و یا مقدمه تحرکات بعدی دشمن، خصوصا در روز ۷ نیسان باشد، در همان آغاز با عدم موفقیت توأم شد. با فرا رسیدن ۷ نیسان، علیرغم تبلیغات انجام شده، دشمن زمینگیر شد و بعلت ناتوانی و فرسودگی نتوانست تحرکی از خود نشان دهد.

۱- ۴۴. برابر با ۱۷ فروردین ۶۵.

پس از این نیز مجددا دشمن مبادرت به تک کرد که در یک محور حدود ۴۰۰۰ کشته و زخمی به جای نهاده و در محور دیگری، تعداد قابل ملاحظه ای از نیروهای عراقی در میان باتلاقها و میادین مین به هلاکت رسیدند و نیز ۱۱ سرباز و درجه دار پس از روشن شدن هوا به اسارت در آمدند. با گذشت زمان و افزایش ناامیدی عراق از پیشروی در فاو، تلاشهای عملیاتی دشمن کاهش یافته و به موازات آن، اقدامات مهندسی فزونی یافت. گذشته از این دشمن در تدبیر جدید خود با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک تلاش اصلی را بر تجزیه قوای خودی در فاو نمود تا بدین وسیله پس از بازگشت یک مقطع و اشغال برخی از مناطق حساس، مجددا با یک تلاش گسترده و وسیع، منطقه عملیاتی والفجر ۸ را مورد تعرض قرار دهد. در این زمینه توضیحات لازم در مبحث بعدی داده خواهد شد.

بدین ترتیب نبرد پیروزمندانه فاو بعد از ۷۸ شبانه روز درگیری که در طول جنگ بی سابقه بود با پیروزی رزمندگان اسلام، پایان یافت.

تلاشهای نیروهای خودی در فاو

با پیش بینی حملات آتی و فشارهای پی در پی دشمن ضرورت ناامید کردن عراق نسبت به بازپسگیری منطقه عملیاتی فاو، حتمی به نظر میرسد. لذا ۲ طرح اساسی در دستور کار قرار گرفت:

۱- تثبیت منطقه با اقدامات مهندسی، ایجاد مواضع و استحکامات، احداث کانال و پل

۲- ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن در کارخانه نمک، جاده شنی و ...

در این راستا پس از تصرف منطقه فاو احداث کانال آغاز شد،

لیکن به دلیل مشکلات موجود، کار فاقد سرعت بود. نظر به اینکه دو سمت منطقه عملیاتی اروند و خور عبدالله را آب احاطه کرده است، در صورتی که کانال مناسبی احداث می گردید، منطقه تصرف شده مانند یک جزیره از قسمت دیگر جدا می شد. لذا سعی بر این بود که به هر شکل ممکن پروژه احداث کانال تکمیل شود تا بدین وسیله دشمن ناامید شده، تا مین منطقه از در صدی بالا برخوردار گردد.

همچنین به موازات کانال، احداث دژی از غرب جاده استراتژیک به سمت پیچ جاده خاکی منشعب از پایگاه موشکی به کارخانه نمک ادامه یافت. همچنین در امر پمپاژ آب از اروند رود به داخل کانال و از آنجا به پشت جاده استراتژیک، مشکلاتی وجود داشت که با تلاش بی وقفه و طاقت فرسای برادران جهاد سازندگی و قرارگاه مهندسی، موانع مرتفع گشته، طرح با موفقیت به پایان رسید.

احداث خاکریز و تقویت عقبه ها

فشار و حجم آتش دشمن بر روی خاکریزهای خطوط اول و سنگر نفرات، نیروهای پشت خاکریز را آسیب پذیر می کرد، لذا قسمتی از تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، ترمیم و تقویت خاکریزها شد. علاوه بر این در زمینه احداث عقبه نیز تلاشهایی چشمگیر صورت گرفت تا بدین وسیله تردد به خطوط اول و تدارکات آن و نیز تخلیه شهدا و مجروحین به سهولت انجام پذیرد.

البته در برخی از محورها به دلیل فشار دشمن انجام کار مهندسی با مشکلات روبرو بود و کارها به کندی پیش می رفت. فی المثل در سه راهی کارخانه نمک، حجم آتش دشمن در مقایسه با سایر محورها - بیشتر بود به گونه ای که مانع از انجام کار می شد.

ص: ۱۹۷

احداث پل

اهمیت احـداث پـل را، اساسـا بـایستی در ارتبـاط بـا تـأمین عقبه هـا مورد بررسـی قرار داد؛ چنانکه پس از عبور اولیه نیروها از ارونـد، یکی از مهمترین مسائل در حفظ و نگهـداری منطقه تصـرف شـده، تأمین عقبه ها و احـداث پل بود؛ زیرا در صورتیکه پشتیبـانی لازم در زمینه تجهیزات، مهمات، تخلیه و آذوقه و غیره صورت نمی گرفت، عملا تثبیت پیروزیهای بـدست آمـده را دچـار تردیـد می کرد. فشارهـای اولیه دشـمن - بمباران عقبه ها و خطوط عملیاتی و حملات پی در پی - عمـدتا بـدین منظور صورت می گرفت که قبـل از جـاگیر شـدن نیرو و اتخـاذ تـدبیر منـاسب برای پـل، باز پس گرفته شود. لیکن بنا به پیش بینی و طراحی منطقه تصـرف شده پلهای مختلف (کوتاه مدت و دراز مدت) و نیز اسـتقامت و تلاش پیگیر و مسـتمر نیروهای خودی، دشمن ناتوان و مأیوس از باز پس گیری منطقه فاو شد.

ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن

نظر به اینکه دشـمن بر روی جاده شـنی (در گوشه جنوب شـرقی دریاچه نمک) رخنه ای در حدود ۵ / ۱ کیلومتر ایجاد کرده بود، و این وضـعیت قسمتی از خط خودی را تهدید می کرد، لذا در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵ عملیاتی به منظور تأمین جاده شنی و صاف کردن خط داخل کارخانه نمک تا سه راهی، طراحی و اجرا شد. علیرغم مشکلات موجود و باتلاقی

بودن زمین منطقه و نیز حضور دشـمن در جناحین، طی تلاشهائی که صورت گرفت، در نهایت اهداف مورد نظر تأمین گردید و بدین وسیله مربعی داخل کارخانه نمک که در گذشته دشمن به داخل آن رخنه کرده بود نیز پاکسازی شد. طی این عملیات نزدیک به ۶ تیپ عراق به میزان ۸۰ تا ۹۰٪ منهدم گردید. و این اقدام در حقیقت آخرین روز درگیری جنگ ۷۸ روزه فاو بود.

ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸

اشاره

حاصـل آنچه در بخشـهای گذشـته بـا عنـاوین مختلف از جمله: «عوامـل اساسـی در طراحی عملیات والفجر ۸»، «شـرح وقایع و رویـدادها» و نیز «فـاو از حضور تـا تثبیت» مطرح شـد، در اینجـا با نگاهی گـذرا و اجمالی در سه بخش: «علل موفقیت عملیات والفجر ۸»، «بررسی و ارزیابی عملیات» و «آموختنی های والفجر ۸» مورد اشاره قرار می گیرد.

علل موفقیت عملیات والفجر ۸

در هنگـام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز همزمان با تلاشـهای پس از آن، واقعیاتی رخ نمود که بتدریـج نقش اساسـی خود را در رابطه بـا پیروزیهای والفجر ۸ و نیز ضـرورتهای مورد نظر جهت ادامه جنـگ نشـان داد. در نهایت آنچه فتـح فاو را به دنبال داشت، عواملی متعـدد بود که بعضا بطور مستقیم یا غیر مسـتقیم تأثیر خود را بر جای گذاشت. در این قسـمت از بحث به پاره ای از این عوامل اشاره می شود:

۱- غافلگیر شدن دشمن و عدم آمادگی اش

۲- ضعف اطلاعاتی دشمن

۳- عملیات پشتیبانی از ام الرصاص، شلمچه و...

۴- اتخاذ تاکتیکهای ویژه، خصوصا هنگام عبور از رودخانه

اروند

۵- موقعیت زمین منطقه- که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می کرد.

۶- امکان استفاده مناسب از آتش

۷- سیستم نسبتا مناسب پدافند هوایی

۸- وسعت نسبتا مناسب منطقه

(علیرغم اینکه دشمن در منطقه والفجر۸ محدودیتهایی برای مانور زرهی و پاتک داشت، لیکن وسعت منطقه - با وجود به حجم گسترده نیروهای خودی - مشکل خاصی را در مقابل تکهای هوایی دشمن و یا اجرای آتش سنگین آنها و نیز تهاجم به دشمن ایجاد نمی کرد.)

۹- پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آوردن امکانات و نیرو

۱۰- اقدامات مهندسی

۱۱- آموزش و سازماندهی نیروها

۱۲- اقدامات پیشگیرانه در مقابل تکهای شیمیایی دشمن

۱۳- استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز

۱۴- بکارگیری سلاحهای ضد زره.

بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه ها و مطبوعات غربی

۱- تاکتیکهای برتر ایران

جنگ در مقایسه با سه سال گذشته از ابعاد و پیچیدگیهای روز افزون برخوردار شده بود. در این روند تغییر زمین مانور از دشت و خشکی به هور و رودخانه اروند - که طبعا تاکتیکهایی ویژه را جهت

عبـور ، تـامين عقبه هـا و.... نيـاز دارد- بـارزترين وجه آن بوده است. نـاتوانی عراق در انطبـاق خود بـا شـرايط بوجود آمـده و رويارويی با تاكتيكهای برتر رزمندگان اسـلام، ابتكار عمل را در اختيار قوای نظامی ايران قرار داده است، بطوريكه در شـرايط كنونی، فريب و غافلگيری دشـمن و به دنبال آن درهم ريختگی خطوط دفاعی عراق، از جمله مهمترين عوامل هراس و نگرانی حاكمان بغداد و غرب را تشكيل می دهد.

بر اين اسـاس غرب در مقابـل وضـعيت پيش آمـده بـا يـك تناقض مواجه است. بـدين معنی كه از سويی عملياتهای گسترده و سرنوشت ساز جمهوری اسـلامی برخلاف گذشـته-، با فواصل يك ساله انجام می شود و اين امر از سوی غرب نتيجه سياسـت فشار - ديپلماسی و حملات مداوم و به مراكز اقتصادی ايران، تلقی می شود، ليكن در مقابل وضعيت ياد شده گذشت زمان بر پيچيدگی تحريكات نظامی گسترده ايران افزوده، چنانچه عملياتهای خيبر، بدر و سـپس والفجر ۸، عملا مصداق آن بودند. در اين زمينه مايكل كاليز، كارشناس آمريكايی، مسائل خليج فارس پس از عمليات والفجر ۸ می گويد:

(عـاملی كه نيروهـای ايرانی را در وضـعيت بهتر قرار می دهـد، بهبود يـافتن كيفيت رزمی نيروهای مسـلح در مقايسه با دو سال گذشته است. نيروهای ايران به اتكاء تجارب گذشته كار آزموده تر شده و بهبود قابل ملاحظه ای يافته اند!)

نشـريه آمريكايی فارين ريپوت همين مطلب را به گونه ای ديگر بيان می كند (اشـغال شـبه جزيره ی فاو توسط ايران، نشان داد كه در هفته های اخير تا چه حد به كيفيتی بالاتر دست يافته است)

در نتيجه، عمليات والفجر ۸ در بطن خود حاوی تاكتيكهای ويژه

و برتر بود که از دید ناظران سیاسی و کارشناسان نظامی پوشیده نماند. در این زمینه حتی ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه هفتم عراق اعتراف کرد که:

«ایران در عملیات جاری خود روشهای نظامی نوینی را بکار برده است و برخلاف توقع در شرایط جوی سختی که بارانهای شدیدی می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۱) .

اتخاذ تاکتیکهای نوین، بویژه عبور از اروند، تحلیلگران نظامی غرب را به تعجب واداشت - بطوریکه رادیو آمریکا اظهار داشت:

تحلیلگران نظامی غرب معتقدند که ایران برای عبور از شط العرب، نیاز به داشتن تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوعند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته اند از این آبراه عبور کرده، به مواضع عراقیها دست یابند! (۲) .

به هر روی مشخصا عملیات والفجر ۸ در ورای کینه توزیهای غرب، دارای چنان برجستگیهایی بود که رسانه های غربی و کارشناسان سیاسی - نظامی نتوانستند از آن چشم بپوشند. و واقعیات را نادیده بگیرند.

اعتراف به چنین واقعیاتی که عملاـ نشانگر قدرتمندی جمهوری اسلامی و ضعف و ناتوانی عراق است، حاکی از پیدایش وضعیتی جدید است که در واقع فتح فاو را به عنوان یک عامل تعیین کننده به دنبال داشته است.

ص: ۲۰۲

۱- ۴۵. ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۲- ۴۶. ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۲- درهم شکستن خطوط دفاعی عراق

کمکهای گسترده غرب به رژیم صدام و حمایت همه جانبه کشورهای مرتجع منطقه از وی، عمدتا ناشی از طرز تلقی خاصی است که نسبت به ناتوانی عراق در مهار تعرضات گسترده قوای نظامی ایران، وجود دارد. زیرا فروپاشی دیوارهای دفاعی عراق، به منزله ی مقدمه از بین رفتن ثبات سیاسی - نظامی - اقتصادی - اجتماعی عراق است و تحقق چنین امری در بطن خود تغییرات وسیعی را نهفته دارد.

در این روند، تحقق عملیات والفجر ۸، در واقع قسمت اعظم ناتوانائی و ضعفهای عدیده رژیم بغداد را به غرب نمایاند و پایانی بر امیدهای واهی دشمنان انقلاب اسلامی، مبنی بر توقف پیروزیهای ایران، بود و این تصور را که تحرکات نظامی ایران می تواند در کمند تدابیر نظامی رژیم عراق و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی - نظامی غرب و کشورهای مرتجع منطقه، اسیر شود درهم کوبید. علاوه بر این شکستن خطوط دفاعی عراق، تلفات و ضایعاتی را برای دشمن به همراه داشت، بطوریکه موجب از دست دادن اعتماد به نفس سربازان عراق و رعب و هراس آنها شد. قطعی بود که این امر آسیب پذیری کلیه خطوط پدافندی دشمن را، هر چند در مقابل تلاشهای محدود نظامی، بدنبال خواهد داشت. نشریه لوموند در این زمینه، به روایت از سربازان عراقی که با استفاده از مرخصی به بغداد آمده بودند، نوشت:

«سربازان از وحشتی که امواج پاسداران انقلاب اسلامی، که بدون امان در زیر رگبار آتش امواج پیشروی می کنند، در دل آنها بوجود می آورد، سخن می گویند و این چنین قاطعیتی از سوی پاسداران را ستایش می کنند.»

لوموند تأکید می کند که: «ستایش این امر از سوی سربازان عراقی، مطلب تازه و جدیدی است» (۱) .

۳- مخدوش شدن سیستم اطلاعاتی دشمن

اساسا، گذشته از ویژگیهای تاکتیک عبور از رودخانه، آنچه منجر به اعجاب کارشناسان سیاسی - نظامی غرب شد، غافلگیری سیستم اطلاعاتی غرب و رژیم عراق بود. در این زمینه اکونومیست طی تحلیلی می نویسد:

«اشغال جزیره ی فاو توسط ایران نشان داده است که چقدر نیروی رزمی آنها در چند هفته اخیر پیشرفت کرده است. آنها قادر بودند برتری و تفوق عراقیها را که متضمن پیش بینی حرکتهای نظامی ایرانیان با توسل به اطلاعات و اخبار جاسوسی بدست آمده از عکسهای ماهواره ای آمریکائی بود، خنثی نمایند.

ایرانیان نشان داده اند که چگونه قادرند شگفتی برانگیزند! با تشخیص اینکه عراقیها انتظار حمله دیگری را در منطقه بصره و یا باتلاقهای هویزه دارند، فرماندهان طریق متفاوت دیگری را برگزیده اند...

نیروهای ایران در کنار داشتن انطباق (با شرایط محیط) و نیز توانائی برای غافلگیر ساختن دشمن و آگاهی از لزوم پوشش و پنهان شدن از ماهواره های جاسوسی، قادر بوده اند خود را در مقابل آتش برتر و سنگین عراقیها حفظ نمایند» (۲) .

ص: ۲۰۴

۱- ۴۷. ۸ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۸. ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۴- تلفات وارده بر ارتش عراق و تبعات آن

مهمترین مسئله ای که فرار سراسری عراق پس از فتح خرمشهر را بر نیروهای دشمن تحمیل کرد، این بود که ادامه حضور در خاک جمهوری اسلامی جز مرگ و اسارت چیزی برای آنها در پی نخواهد داشت بر این اساس رژیم عراق پس از اتخاذ دفاع صرف در زمین، دو مسئله اساسی - یعنی زمین و نیرو - را رویاروی خود داشت، که می بایست مبتنی بر آن، میزان و چگونگی مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران را تنظیم نماید.

دشمن سعی خود را بر این قرار داد که نیروهایش را به گونه ای بکار گیرد که تلفات اساسی متوجهش نشود و مسئله زمین را در مرحله دوم اهمیت قرار داد.

در نتیجه میان حفظ نیرو و زمین، دشمن در مقاطعی مانند عملیات خیبر و از دست دادن جزایر مجنون، حفظ زمین را بر حفظ نیرو ترجیح داد. در عملیات والفجر ۸ شرایط کلی سیاسی - نظامی جنگ به گونه ای بود که دشمن در ابتدا براساس باورهای گذشته اش سعی در باز پس گیری زمین داشت.

از این رو، به دلیل عدم درک موقعیت زمانی، بهای گزافی را در امر نیرو پرداخت. در این زمینه واشنگتن پست می نویسد:

«وارد آمدن تلفات سنگین ۱۰۰۰۰ کشته بر ارتش عراق و همچنین شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق (که از قویترین نیروهای ذخیره استراتژیک عراق می باشد) وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاشهای خود جهت باز پس گیری فاو دست بردارد» (۱) .

در نتیجه عراق به منظور حفظ نیرو، عملا باز پس گیری فاو را، علیرغم تبعات سوء سیاسی - تبلیغاتی آن، نادیده گرفت در این رابطه

۱- ۴۹. ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

روزنـامه سانـدی تلگراف، ضـمن اشـاره به تلفـات وارده بر دشـمن و مقـاومت فرمانـدهان عراقی جهت باز پس گیری فاو، می نویسد:

«پیشـنهاد صدام برای ادامه حمله به سـربازان ایرانی مسـتقر در فاو و شـمال این شهر، با مخالفت منطقی فرماندهان عراقی روبرو شـد و به دلیـل حجم وسـیع تلفـات عراقیهـا در ضـد حمله هـا، صـدام پـذیرفت که برای نـابودی ایرانیهـا در فـاو چاره ای دیگر اندیشیده شود.»

رژیم عراق برای جبران شکست خود در عملیـات فاو و تبعات سیاسـی آن در سـطح بین المللی و پیامـدهای اجتماعی آن و از همه مهمتر آسیب دیدگی روحی نیروهایش - بنا به پیشنهاد مشاورین خارجی استراتژی دفاع متحرك را برگزید که چیزی جز یأس و سرخوردگی و از هم پاشیدگی بیشتر ارتش عراق را به دنبال نداشت.

گذشـته از این، وضـعیت داخلی عراق و نیز کمبـود نیروی انسـانی آن، عملاـ شـرایطی را پیش آورده است که دشـمن قـادر به تحمل تلفات و ضایعات نیروی انسانی و همچنین حل معضلات ناشی از آن نمی باشد.

در خـاتمه با نقل قسـمتی از گزارش لومونـد از اوضاع داخلی عراق، که پس از عملیات والفجر ۸ تهیه شـده به این مبحث پایان داده می شود:

«شاهدین نادری که به ایستگاه راه آهن بغداد راه یافته اند، از قطارهای مجروحین و سالنهای مملو از پزشکان که از گستردگی کار به سـتوه آمده اند، سـخن می گویند. گفته می شود بین ده تا سـیزده هزار عراقی در ضد حمله آن کشور کشـته شده اند - که این رقم برای کشورهـائی که علی القاعـده بایـد کمبود و ضـعف نیروی انسـانی خود را بـا برتری ابزارآلاـت جنگی جبران کننـد، بسـیار بزرگ است - خون گیری اجبـاری در دسـتگاههای اداری و دولـتی عراق صورت گرفته است. مجروحین جنگی شبانه به پایتخت منتقل می شوند. کامیونهای بزرگ و مجهز

به دستگاههای برودت که مملو از اجساد سربازان عراقی است، توسط نظامیان از جبهه به شهرهای عمده عراق منتقل می شوند. در هفته گذشته اجساد دویست افسر عراقی در شهر موصل به خانواده های آنها داده شده است. رژیم عراق نصب پرچم سیاهی را که مردم عراق طبق سنت پس از مرگ یکی از نزدیکان خود در مقابل درب منزلشان آویزان می کنند، ممنوع کرده است.» (۱).

آموختنی های والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ تجارب متفاوتی را در پی داشت که در این قسمت نظر به اهمیت موضوع، تنها به «ضرورت تجزیه قوای دشمن» و نیز «ضرورت پشتیبانی همه جانبه از جنگ» اشاره می شود.

۱ - ضرورت تجزیه قوای دشمن

تجزیه قوای دشمن عملاـ تضمین پیروزی عملیات را افزایش داده است و جنگ را به سمت تعیین تکلیف نهائی سوق خواهد داد. بر این اساس عملیات والفجر ۹ و حمله به جزیره ام الرصاص همزمان با عملیات والفجر ۸، در غرب و جنوب کشور طراحی و انجام شد. از آنجا که منطقه فاو برای دشمن اهمیت خاصی داشت، لذا عمده قوای خود را در آنجا متمرکز کرد و این پیش آمد فرصتی مناسب برای نیروهای خودی جهت پیشروی در منطقه عملیاتی غرب کشور (والفجر ۹) فراهم آورد.

تحمیل وضعیت مشابه به دشمن (عملیات از دو یا چند محور بطور همزمان) عملا میزان تأثیرگذاری ابزار تکنولوژیک عراق را کاهش داده، توان ارتش این کشور را زایل می کند و در نتیجه مانع از دفاع متمرکز قوای دشمن در یک محور، خواهد شد.

لازمه تحقق چنین وضعیتی، گسترش سازمان رزم با بسیج نیرو و

۱- ۵۰. ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

افزایش توان سازماندهی آنها، می باشد چنانچه هم اکنون پس از عملیات والفجر ۸ تلاش گسترده ای به منظور سازماندهی ۵۰۰ گردان رزمی و افزایش آن به ۱۰۰۰ گردان، در آینده صورت می گیرد.

۲ - پشتیبانی همه جانبه از جنگ

تأکیدهای مکرر فرماندهی کل قوا مبنی بر اصلی نمودن جنگ - به معنای بسیج تمامی کشور در خدمت جنگ - و نیز ضرورتهای اجتناب ناپذیر آن انجام این مهم را - که برآمده از ارتباط تنگاتنگ جنگ با ارگانهای گوناگون کشور می باشد - روشنتر کرده است.

در این میان آنچه در عملیات والفجر ۸ محقق شد، نشانگر ضرورت بکارگیری تمام امکانات کشور در خدمت جنگ و تأثیرگذاری فزاینده آن در کسب پیروزی بود.

طبیعتا تحقق وضعیت یاد شده، بطور مطلوب و شایسته، در گرو ایجاد سیستم مناسب با امر جنگ و ضرورتهای آن می باشد. در اینصورت گذشته از اینکه فاصله جبهه و پشت جبهه کاهش خواهد یافت، امکان حل برخی معضلات - که قطعا ناشی از ناهماهنگی است - نیز میسر خواهد شد و در نتیجه در زمانی نه چندان طولانی امکان دستیابی به موفقیتهای چشمگیر و سرنوشت ساز فراهم می آید.

نگاهی به سرانجام استراتژی دفاع متحرک

اشاره

بررسی هر چند اجمالی تحرکات نظامی عراق قبل از آغاز والفجر ۸ بخوبی خاطرنشان می کرد که رژیم بغداد در اندیشه تعرضاتی به برخی از مناطق، از جمله محورهائی که بعدها در چهارچوب «استراتژی دفاع متحرک» مورد تهاجم قرار گرفت، بوده است، اگر چه در این میان تحقق عملیات والفجر ۸ منجر به بازدارندگی دشمن از اجرای این تعرضات شد اما انگیزه تازه ای به عراق داد تا این تلاش ها را با اهدافی جدید دنبال کند.

به عبارت دیگر وقوع عملیات والفجر ۸ تمامی ذهنیت و توان دشمن را به خود مشغول داشت. پس از فتح فاو آنچه برای دشمن حائز اهمیت بود و ارزش حیاتی داشت، باز پس گیری (فاو) و یا نهادن یک پوشش، هر چند موقت، بر روی شکستهای حاصله از نبرد والفجر ۸ بود.

از این رو دشمن در چهارچوب استراتژی دفاع متحرک مبادرت به تعرضاتی کرد تا شاید جانی دوباره به ارتش عراق، که آسیبهای عمده را متحمل شده بود، بدهد و فضایی مناسب برای حفظ روحیه ارتش و رژیم بعثی فراهم سازد.

ص: ۲۰۹

گذشته از این، آنچه به حرکت اخیر عراق اهمیت می داد، غیر از تبلیغات رسانه های غربی، تقارن زمانی آن با کاهش تدریجی قیمت نفت بود. در واقع وضعیت یاد شده نشانه نوعی همسویی بین تلاشهای غرب و عراق به منظور دستیابی به اهداف مشخص و از قبل تعیین شده بود.

غرب بدنبال فتح فاو و درهم شکسته شدن دیواره ی دفاعی عراق و صدمات قابل توجهی که بر ارتش عراق وارد آمد و نیز تغییر موازنه به نفع جمهوری اسلامی، احساس خطر نموده، به منظور ممانعت از استمرار وضعیت یاد شده و گسترش احتمالی پیروزیهای ایران، با اتخاذ تدبیری مناسب عملا فشار جدید را در دو میدان جنگ و اقتصاد، با هدف به استیصال کشانیدن جمهوری اسلامی در دستور کار خود و رژیم عراق قرار داد. در این زمینه دو تن از فرماندهان عراقی به نامهای سرتیپ ملکی و عبید طی مصاحبه ای اعلام داشتند که:

«استراتژی دفاع متحرک عراق موجب بدست گرفتن کنترل بیشتر در برخی پستهای ایرانی در جبهه هاست - که به نوبه خود این شانس را بوجود خواهد آورد که یک صلح اجباری در منطقه ایجاد شود.»

فشارهای همه جانبه دشمن در آن مقطع خاص - که بطور هماهنگ و در ابعاد گوناگون انجام می گرفت - عمدتا به منظور تحت الشعاع قرار دادن فتح فاو و ممانعت از تداوم برتری موقعیت ایران بود. در این میان رهبری انقلاب در اوج پیروزیهای حاصله از فتح فاو و قبل از تهاجمات زمینی دشمن، اقدام به بسیج همگانی مردم (1) نمود. از آنجا که پیش بینی می شد دشمن در مقابل شکست دهشتناکی که بر او تحمیل

۱- ۵۱. امام در روز سیزده رجب طی بیاناتی فرمودند: امروز بر همه واجب است که دفاع کنیم، هر کس می تواند باید به جبهه برود.

شده آرام نخواهد نشست، این اقدام فرماندهی کل قوا که در آن هنگام برای بسیاری از افراد غیره منتظره بود - در واقع مقدمات پیشگیریهای لازم را در آینده ای نه چندان دور فراهم ساخت. لذا هنگامی که دشمن اجرای سیاست دفاع متحرك را آغاز کرده، آمادگیهای قبلی اعم از حرکت وسیع نیروی مردمی و تهیه امکانات نقشی مؤثر در وارد ساختن ضربات اساسی - بر پیکر ارتش و رژیم عراق - داشت.

مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن

تحلیل و برداشت دشمن از اهمیت تصرف فاو برای جمهوری اسلامی و نیز مدت زمان لازم برای بازسازی یگانهای خودی و بالطبع طراحی عملیات والفجر ۸ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عناصر و عواملی تعیین کننده در اتخاذ استراتژی دفاع متحرك از جانب دشمن محسوب می شدند.

طبیعتا رویارویی مناسب با دشمن و بر هم زدن تحلیل و برداشتهای آنان، گامی مهم و اساسی در به شکست کشانیدن استراتژی جدید عراق تلقی می شد.

چنانچه ذکر شد، محاسبات دشمن نسبت به مدت زمان لازم برای بازسازی سازمان رزم جمهوری اسلامی عاملی مؤثر در تصمیم گیریهای اخیر دشمن بوده است.

در اینصورت طبیعی بنظر می رسد که هر گونه سرعت عمل در رویارویی با دشمن و انجام اقدامات ممانعتی، عملا منجر به توقف آنها گردد.

گذشته از این، میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و همچنین مقدار بهائی که باید از نظر نظامی (تلفات) برای آن پرداخت

شود، محدوده ی زمانی تعرضات دشمن را تعیین می نمود.

بر این اساس، دشمن که با تدبیر جدید خود در نظر داشت نسبت به طراحی عملیات والفجر ۸ تأخیر ایجاد نماید، به یک معنا حفظ نیروهایش را مورد نظر قرار داده بود. از آنجا که هر گونه تهاجم از سوی قوای نظامی ایران در واقع به منزله تحمیل تلفات و ضایعات توان فرسا بر دشمن است، لذا عراق به منظور اجتناب از آسیب پذیری و تقویت روحیه نیروهایش مبادرت به تهاجمات یاد شده نمود. در نتیجه اگر سرانجام کار و ابعاد و جوانب آن بطور همه جانبه برای دشمن روشن بود، قطعا دست به چنین اقدامی نمی زد.

علاوه بر این، ملاکها و پارامترهای دیگری وجود دارد که ناتوانی و شکست استراتژی دفاع متحرک را یادآور می شود.

۱- با گذشت زمان و بازیابی موقعیت جدید از سوی جمهوری اسلامی - و اتخاذ تدبیر مناسب - توأم با انطباق با شرایط جدید، صحنه ی جنگ عملا به نفع جمهوری اسلامی چرخش نموده، در نتیجه آزادسازی شهر مهران را در پی داشت.

۲ - تلفات و خسارات وارده به ارتش عراق، برخلاف تصور طراحان دفاع استراتژیک، عملا وضعیتی آشفته و نابسامان میان قوای نظامی دشمن ایجاد نمود.

اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»

تحرکات نظامی عراق طبعا از اهداف متفاوت سیاسی - نظامی برخوردار بود، که در اینجا عمدتا اهداف نظامی آن (۱) مورد نظر است.

۱- ۵۲. در جای دیگر توضیحات لازم در زمینه اهداف سیاسی عراق داده خواهد شد.

۱- فروپاشی مواضع دفاعی عراق در فاو اثرات و تبعات سوء و نامطلوبی را در نیروهای دشمن ایجاد کرد که بی اعتمادی نسبت به خود و فرماندهی و تضعیف شدید روحیه از نمودهای این تبعات بود. از این رو هدف اول رژیم عراق حل کردن پیامدهای روانی ناشی از تلفات بسیار سنگین نیروهای خود و انعکاس آن در جهان بود.

۲ – دشمن پس از والفجر ۸ توان رویارویی با تهاجم گسترده و جدید را نداشت؛ از این رو سعی کرد با تحرکات نظامی خود، نیروهای جمهوری اسلامی را به تجزیه و انفعال بکشاند تا از زمان بدست آمده، فرصت بازسازی و سازماندهی نیروها و نیز ترمیم مواضع را داشته باشد.

۳- دشمن سعی داشت با تهدید مناطق حساس، عملا ذهنیت جمهوری اسلامی را بدانجا معطوف داشته، بخشی از نیروهای ما را از فاو بیرون بکشد تا بدین وسیله مجددا به تلاشی جدید در فاو در صورت امکان دست بزند.

۴ – تسلط بر مناطق حساس و سرکوب مرزی با عملیاتهای انجام شده از سوی جمهوری اسلامی، در طول چند سال گذشته، از کنترل ارتش عراق خارج شده بود. دشمن بدین وسیله عملا امکان گسترش سر پلهای پیروزی در مناطق مورد نظر برای ایران را منتفی می کرد. بر مبنای اهداف یاد شده، دشمن طی مدت زمانی کوتاه مناطق زیر را مورد تهاجم و تعرض قرار داد:

۱- منطقه عملیاتی والفجر ۹ - در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴

۲- ارتفاعات دربندیخان - در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵

ص: ۲۱۳

۳- ارتفاعات سومار – در تاریخ ۲۲ / ۱ /۱۳۶۵

۴- ارتفاعات منطقه لولان – در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۵

۵- منطقه ی فکه (پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه) – در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵

۶- ارتفاعات حاج عمران – در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵

۷- مهران – در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵

در این میان سازمان رزم عراق و نحوه ی بکارگیری عشایر، در خور تأمل است. از آنجا که یکی از اهداف رژیم عراق احیای روحیه نبرد در نیروهای خود و بالطبع زدودن آثار ناشی از شکست عملیات فاو بود، لذا در تدبیر جدید خود تقریبا تمامی سازمان رزم خود را فعال کرد و از آنها بهره برداری نمود، چنانکه صدام در تاریخ ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵، طی ملاقاتی با برخی از سران عشایر کرد عراقی مبلغ ۶۰ میلیون دلار در اختیار آنان قرار داد تا حاج عمران و بعضی از مناطق را باز پس گیرند.

بکارگیری عشایر، آنهم بصورت ادغامی، نشان دهنده آن بود که دشمن بدین وسیله – با توجه به توانائی عشایر در جنگ کوهستانی و نیز آشنایی آنها به مناطق مورد نظر – کمبود نیروهای خود را جبران کرده است.

ناتوانی عراق در استراتژی جدید

موفقیت یا شکست استراتژی جدید عراق را باید در مقایسه با اهداف آن و میزان تبلیغات انجام شده از سوی رژیم بغداد و استکبار جهانی بررسی کرد، نه صرفا در مقدار زمینی که دشمن پس از تحمل تلفات چشمگیر توانست برای اندک زمانی به تصرف خود درآورد. (۱) قطعا

۱ – ۵۳. چنانکه در آغاز جنگ، علیرغم حضور نیروهای دشمن در خاک جمهوری اسلامی و تسلط بر مواضع اشغال شده، صاحب نظران سیاسی – نظامی، عراق را در جنگ ناکام می دانستند. این قضاوت براساس اهداف عراق و مدت زمانی که برای دستیابی به آن (۷ روز) تعیین کرده بود، انجام می گرفت، نه متصرفات ارضی.

اگر عراق در موضع عملیات تهاجمی در زمین قادر به اثبات توانائیهای خود و نمایاندن آن به غرب و متحدینش در منطقه بود، در همان اوایل جنگ می توانست نسبت به ادامه جنگ و آینده آن نقش اساسی بازی کند. لیکن ضعفهای عمده عراق در زمینه های مختلف عملا نشان داده است که عراق نه تنها در موضع تهاجم، بلکه در دفاع مطلق نیز موفق نبود و با گذشت زمان به سمت فرسایش و اضمحلال پیش می رود.

بر این اساس استکبار جهانی سعی کرد با تسلیح فوق العاده رژیم صدام، جنگ را به زیان ایران تبدیل به جنگ فرسایشی کند اما با وجود این، سیر جنگ به ویژه پیروزی فاو و به دنبال آن شکست استراتژی دفاع متحرک عراق، نشان داد که زمان به نفع جمهوری اسلامی در حرکت است.

اینک استکبار جهانی درک کرده است که هر نوع تعللی در اتخاذ تصمیم مناسب خطر درهم فروپاشی نظام عراق و در نتیجه، تفوق نظامی ایران را در جنگ، به دنبال خواهد داشت.

نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن

ناکامی تحقق کامل استراتژی دفاع متحرک، برآمده از نحوه ی عملکرد دشمن - ضعف و ناتوانی - و نیز چگونگی مقابله با آن از سوی قوای نظامی ایران، می باشد. در اینجا سعی بر این است که به نحوی گذرا به آن اشاره شود.

۱- تعرض به منطقه عملیاتی والفجر ۹ (۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴)

عملیات والفجر ۹ در تاریخ ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴ در چهار محور آغاز شد. عملیات مزبور در آن مقطع خاص زمانی عمدتا به منظور تجزیه قوای دشمن انجام شد؛ بدین معنا که با پیشروی قوای نظامی جمهوری اسلامی به سمت استان سلیمانیه عراق، فشار دشمن در منطقه فاو کاهش یابد.

دشمن با درک این مهم والفجر ۹ را قربانی فاو و باز پس گیری آن نمود. از این رو فرمانده سپاه هفتم اظهار داشت: «تصرفاتی که ممکن است ایران در شمال بدست آورد، اهمیت استراتژیک ندارد.اگر ایرانیها فکر می کنند که پیشروی آنها در شمال از دشواری آنها در فاو خواهد کاست، اشتباه می کنند.» (۱) .

سپاه پاسداران طی طراحی عملیات والفجر ۹ و انجام آن در سه مرحله پی در پی توانست ارتفاعات حساس و سوق الجیشی مشرف بر منطقه سلیمانیه را آزاد نموده و شهر چوارته عراق و چندین پل مهم و استراتژیک در مرکز استان سلیمانیه را در دید و تیررس تیر نیروهای خودی قرار دهد.

پس از آن یگانهای تحت امر سپاه پاسداران، منطقه مزبور را به نیروی زمینی ارتش تحویل داد و به منظور بازسازی و کسب آمادگی جهت انجام عملیات در سایر مناطق، به عقب منتقل شدند.

در این میان دشمن پس از ناامیدی از باز پس گیری فاو، اولین فلش تهاجم خود را در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴ بر روی منطقه عملیاتی والفجر ۹ متمرکز نمود و در تاریخ ۸ / ۱ / ۱۳۶۵ ادامه آن - یعنی منطقه والفجر ۴ - را شروع کرد. دشمن در این عملیات ۱۵ گردان پیاده بکار گرفت و قسمتی از ارتفاعات منطقه را به تصرف خود درآورد.

۱- ۵۴. ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴ - خبرگزاری رویتر.

۲ - تهاجم به ارتفاعات دربندیخان (۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵)

دشمن در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵ در سه محور «یال بیاروک» «بردکان» و «شاخ شمیران» با مسئولیت سپاه یکم و بکارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردانهای کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

در یال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دور زدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند.

در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندکی در مواضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود درآورد.

نحوه ی مانور دشمن در محورهای یاد شده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسبی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله بردکان و شاخ شمیران داشت، از دو سو به محور شاخ شمیران و بردکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد بردکان به تنگه کرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه دربندیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد.

دشـمن در این تهاجم تلفات سـنگینی را متحمل شـد، بطوریکه ۸۰٪ از گردانهای «الکفایه» و «فلسـطین» که جمعا شامل حـدود ۷۰۰ نفر می شد، منهدم گردید.

۳ – تهاجم به ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)

وجود رشـته ارتفاعات نسـبتا مرتفع «گیسکه» و «کهنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بـدین معنی که نزدیکترین راه به بغـداد محسوب می شد ضـمن اینکه تسـلط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشـراف کامل بر شهر مندلی عراق می شد.

بـه همین جهت در تاریـخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵ در حـالیکه بـاران به شـدت می باریـد، دشـمن تک خود را در محور کهنه ریک از سمت تپه های اسماعیل خان آغاز کرد.

بـارانی بودن هوا امکـان تـک دشـمن را نامحتمـل می نمود، لیکن برخلاـف انتظـار، دشـمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتـدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۳۵ با دیگر تپه ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود درآورد.

در ساعت ۴۰ / ۲۲ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کهنه ریک، از محل استقرار اورژانس نیروهای خودی تـا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصـرف کنـد. به دنبال وضـعیت یاد شـده، نیروهای سـپاه پاسـداران جهت ممانعت از پیشـروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵، به منطقه اعزام شـد و طی اتخاذ تصـمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسـلامی آمـاده تهـاجم شدنـد. در نتیجه در تاریـخ ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵ نیروهـای خودی بـا نیروهای دشـمن که به استعداد یک گروهان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱

تیپ ۶۰۶ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیربارها، تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد.

دشـمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه ای را که در محور کهنه ریک تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب نشینی نماید.

مجموعا دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه هـای اسـماعیل خـان، تپه اورژانس و یال قلعه جوق بسـمت میان تنـگ و پاسـگاه دوله شـریف را به تصـرف خود درآورد؛ لیکن به دلیـل مقـاومت نیروهـای خودی، از ادامه تـک بازمانـد و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریک ناامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشـمن پس از ناکامی در محور کهنه ریک، در تاریخ ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسـکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشـمن، که هنوز کاملا بر روی ارتفاعات تسلط نیافته بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادتهائی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد.

قابل ذکر است که منطقه سومار تحت مسـئولیت سـپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعا نزدیک به ۱۵ گردان پیاده – مکانیزه بکار گرفته شد.

۴ - تهاجم به ارتفاعات منطقه لولان (۵ / ۲ / ۱۳۶۵)

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۳ / ۲ / ۱۳۶۵ در منطقه سید کان طی چند مرحله و با بکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضد انقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود درآورد.

۵ - تهاجم به منطقه فکه پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)

دشمن مدتها - حتی قبل از انجام عملیات والفجر ۸ - به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شرهانی و زبیدات مبادرت می ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگانهای جدید بود.

چنین بنظر می رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمرین را که در عملیات محرم به تصرف نیروهای خودی درآمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه ای با فرماندهان لشکرها در قرارگاه لشکر ۱ در فکه، تصرف جبال حمرین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود.

نظر به اینکه جبال حمرین در خط الرأس جغرافیائی قرار دارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می سازد. بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می یافت، می توانست منطقه عین خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته اند علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی

ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمرین مورد نظر رژیم بعثی بود. از این رو نیروهای عراقی - طی تلاشهایی که انجام دادند - در نظر داشتند ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند؛ به این صورت که هفت تیپ در مرحله ی اول، تا چم سری را تأمین کنند، و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمرین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگانهای ورزیده سپاه در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر روز ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - عازم منطقه شدند.

تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جایگزین شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف باز پس گیری خط مقدم، به دشمن حمله ور شدند و بلافاصله توانستند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند.

از آنجا که غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یاد شده برای دشمن غیر منتظره تلقی می شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، بطوریکه نیروها با کمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات غنیمتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می کردند.

پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرا کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعا ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خطر بوده اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می روند.

تا حوالی صبح اکثر گردانها توانستند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق جناحین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا، نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند.

در این تهاجم مجموعا بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خمپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعداد کثیری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

تعرض دشمن به بجلیه

براساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ یگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کننده ی ارتش، در منطقه حضور داشته باشند.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵)، به وسیله تک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵ تک اصلی خود را در بجلیه آغاز کرد.

در مقابل تهاجم دشمن، مقاومتهایی بصورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ یگان احتیاط

منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و درهم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، یگانهای مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب زدند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین وسیله از پیشروی دشمن ممانعت بعمل آوردند.

از طریق اطلاعات واصله از دشمن و اظهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن از سوی مزدوران بعثی نامحتمل تلقی می شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می شد - چنانکه در این میان یگانهای زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند.

- تیپهای ۴۳۷، ۸۰۵، ۶۰، ۵۱ و ۹۵

- تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ حطین و تیپ ۴ ویژه و لشکر ۱۰ و لشکر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده

- در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشکر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول ۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی در گیر شدند.

آمار فوق و موفقیت اندک دشمن، بخوبی فقدان روحیه نیروهای عراقی را در موضع آفندی و یا آنچه را که بغداد دفاع متحرکش نامید، خاطرنشان می سازد.

در هر صورت، طبق آنچه که بعدها از اظهارات اسرا و شواهد و

قرائن موجود بدست آمده، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجلیه شروع کرده، با تصرف پل های چم سری و چم هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شرهانی از طریق جاده نهر عنبر سلسله جبال حمرین را دور زده، در نهایت به رودخانه میمه جناح دهد.

با این حساب، کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ - که تماما بر جاده آسفالت مهران - دهلران دید دارند - تصرف می کرد و تقریبا ۲ لشکر از نیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می گرفتند. در نتیجه کل منطقه ای که طی عملیات محرم آزاد شد مجددا در اختیار دشمن قرار می گرفت.

۶ - تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵)

منطقه حاج عمران، واقع در خاک عراق و شمال پیرانشهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یاد شده، طی انجام عملیات والفجر ۲، پادگان حاجی عمران و ارتفاعات کدو، گرده مند و گرده کو به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در بکارگیری عشایر ضد انقلاب، تلاش جدید را برای باز پس گیری منطقه سازماندهی نمود.

مدتی قبل از تعرض دشمن به حاجی عمران، شواهد و قراین گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنانکه ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شد و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپهای موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده

حاکی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود.

بدین قرار قطعی بنظر می رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاجی عمران عملیاتی را سامان بخشد. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت.

دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهداء، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت نیروهای پدافند کننده نیروهای زمینی ارتش و یگانهای تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود، بطوریکه در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر را کنترل کرده، به ترمیم آن بپردازند.

فلش حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و تسلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود.

علیرغم اینکه دشمن از هلی برد به منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می جست، لیکن مقاومتهایی که انجام می گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یازیدن بر اهداف از قبل تعیین شده بود.در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست خود وارد دهلیز مرگ کرده بود. یکی از برادران سپاهی در این زمینه می گوید:

«بچه های تیپ... که بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بودند، وقتی وارد عمل شدند، الحاق دشمن صورت نگرفت و حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و ما به چشم خود می دیدیم که می آمدند و اسیر می شدند و تعداد زیادی از آنها کشته شدند؛ یعنی آن نیروی اولی که عراق شب وارد عمل کرده بود، همه تارومار شدند و کلا از بین رفتند و نیروی دیگری به جای آنها وارد منطقه شد.»

وضـعیت خاص زمین منطقه و فقدان جاده تدارکاتی بر روی ارتفاعات شـهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این واداشت که بهره گیری بیشتر از هلی کوپتر بنمایـد. به دنبال آن، تا ۷ صـبح روز اول عملیات، آمار هلی کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و تا ساعت ۱۵ همانروز به ۸ فروند و در روز پنج شنبه ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵ مجموعا به ۹ فروند، افزایش یافت.

۲ روز پس از تهـاجم دشـمن، در تاریـخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۵، از سوی نیروهـای خودی طی یـک سازمانـدهی تعجیلی و هماهنگی برادران ارتش و سـپاه، تهـاجمی بر روی ارتفـاع شـهید صـدر به دشـمن صـورت گرفت و به دنبـال آن، منطقه مزبـور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۵ نیز مجددا از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بعمل آمد، بدین صورت که عملیات از دو محور آغاز شد و با پیشـروی قابل توجه نیرو از سـمت چپ و راست توأم بود. چنانچه در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده از لشـکر ۲۳ عراق بنام سـرهنگ عبـدالرزاق بهلاکت رسـید و این امر نقش بسـزایی در به اسارت درآمـدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجددا در تاریخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۵، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخنه بر روی تپه شهداء شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش بطور مشترک بعـد از ۹ روز مقـاومت و تلاش موفق شدنـد نیروهای عراقی را پس زده، تپه شـهداء را بطور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۲ / ۳ / ۱۳۶۵ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت

۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت و نیم پس از آغاز تک، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۴ نفر به اسارت درآمدند – که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می شد.

مسئله قابل توجه در این عملیات و نیز تهاجم دشمن به منطقه فکه، تلفاتی بود که بر نیروهای عراقی وارد آمد. جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه در این زمینه می گوید:

«در طول این عملیاتهائی که من خودم بررسی کرده ام، از منطقه فکه گرفته تا منطقه پیچ انگیزه و تا مهران، به عقیده ی من بیشترین تلفات دشمن در منطقه حاج عمران بوده و این در زمینه پرسنل، امکانات و تجهیزات بی سابقه است.» فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز می گوید:

«در حاج عمران نیروها با تمام تلاش و فداکاری جلوی دشمن را گرفتند و حداکثر تلفات را بر آنها وارد ساختند، که شاید در هیچکدام از این تکهای محدود و حتی غیر محدود تا این سطح به دشمن وارد نیامده بود.»

در ضمن قابل ذکر است که تهاجم دشمن به حاج عمران، تحت مسئولیت سپاه پنجم و با ۲۶ گد پیاده انجام گرفت و در نتیجه حدود ۳۰۰۰ نفر تلفات برای دشمن در پی داشت.

۷ – تهاجم به مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. دشمن برای این منطقه سرمایه گذاری نسبتا سنگینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

عراق بـا بکارگیری ۲۶ گردان مختلـط توانست پس از اجرای آتش تهیه سـنگین هجوم خود را بـا تصـرف ارتفاعـات ۳۰۷، تپه رحمـان و پاسـگاه آبزیـادی آغاز کنـد و سـپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شـد و بـدین وسـیله شـهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشـغال شـهر مهران، رادیو عراق طی قرائت اطلاعیه ای به توضـیح و تشـریح علت تغییر سیاست ارتش عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می دارد:

«ایران از عقب نشـینی عراق به مرزهای بین المللی و سـیاست پدافندی سوءاسـتفاده کرده است. تصـرف فاو توسط ایران به دنیا نشـان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سـپاههای مختلف عراق عملیات دارنـد. و این در حالی است که تنها سـپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است!

عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ما ضعیف هستیم! ما اعلام می کنیم در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم، در صورتیکه:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲ - عقب نشـینی ایران از فـاو در مقابـل عقب نشـینی عراق از مهران خواهـد بـود و الاـ شـهر مهران را در اشـغال خـود نگه می داریم.»

در ضـمن دشمن در شب ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صـحنه هایی را نشان می دهد. که در آن شـهر مهران در اشـغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالیکه پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می دوند و بر بالای پشت بام رفته، پرچمها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می کنند.

ص: ۲۲۸

همچنین دشمن، غنایم مختصری را که بدست آورده بود و نیز تعدادی قلیل از اسرا را به اشکال مختلف (سواره، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گـذارد. دشـمن مجموعا در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرک)، دهها هزار نفر کشـته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هواپیما، ۲۷ فروند هلی کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایـان می توان چنین نتیجه گرفت که نیروهـای خودی، هم در یـک عملیـات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشـمن مبنی بر پدافنـد متمرکز، موفق بودنـد و عملا دشـمن را زمین گیر کردنـد به گونه ای که ادامه تک از سوی دشـمن، به لحـاظ تلفـات وارده و نیز امکـان از دست دادن توان لازم جهت رویـارویی با والفجر ۱۰ و یـا هر گونه تحرک در فـاو و سـایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجددا نیروهای عراقی، ناتوانتر و مأیوستر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

ص: ۲۲۹

آزادسازی شهر مهران (عملیات کربلای ۱)

اشاره

در میان مناطق مختلفی که در چارچوب استراتژی دفاع متحرک مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، تصرف مهران برجسته ترین آنها بشمار می آمد. به همین دلیل عراق تبلیغات زیادی روی آن انجام داد و از سوی صدام، اشغال مهران در مقابل فتح فاو قرار داده شد.

در مقابل وضعیت یاد شده، ضرورت آزادسازی مهران اجتناب ناپذیر بود. بر این اساس و به منظور آزادسازی شهر مهران مقدمات کار، از جمله شناسائی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، آغاز شد.

در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی (شمالی) که حد فاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران (وسط) و مجموعه ارتفاعات (قلعه آویزان)، چند نوع متفاوت استحکامات و مواضع داشت.

در محور شمالی استحکامات دشمن نسبتا قویتر بود، چنانکه در آن قسمت ۷ ردیف مین همراه با کانال و بیش از ۵ ردیف سیم خاردار رشته ای وجود داشت. در محور وسط به لحاظ کوهستانی بودن منطقه، استحکامات دشمن نسبتا ضعیف بود. در محور جنوبی، نیروهای تک ور در مقابل معابری که انتخاب کرده بودند، عمدتا سنگرهای کمین دشمن،

ص: ۲۳۰

و در بعضی شیارها، یک ردیف سیم خاردار و مین در مقابل خود داشتند (۱) .

حفاظت و غافلگیری

به دلیل وضعیت خاص زمین و در دست داشتن ارتفاعات منطقه، نیروهای عراقی از دیدی کامل بر روی مواضع و عقبه نیروهای خودی برخوردار بودند و چنین بنظر می رسید که دشمن هوشیار است و با در دست داشتن تجربه «والفجر ۳» و آگاهی نسبی از شکل کلی عملیات، محتملا بر سر معابر وصولی به انتظار نیروهای خودی نشسته است. لیکن شواهد و قراین بعدی نشان داد که با رعایت حفاظت خودی دشمن در نهایت غافلگیری بسر می برده است.

طرح مانور

بدنبال بحثهای مختلفی که در زمینه طراحی عملیات صورت گرفت، نظر به اینکه دشمن محور شمالی را تلاش اصلی تلقی می کرد، لذا محور اصلی عملیات بدر روی جنوب - یعنی ارتفاعات قلعه آویزان و یالهای آن تا «رودخانه گاوی» - قرار داده شد.

موقعیت ویژه این محور چنین بود که، دشمن براساس تفکر کلاسیک خود، امکان حمله و تلاش اصلی از این محور را نمی داد و نیز در صورت موفقیت عملیات، عقبه دشمن به نحوی قابل ملاحظه آسیب

---

۱ - ۵۵. اهمیت ارتفاعات سرکوب و مرتفع قلعه آویزان به گونه ای بود که دشمن به هیچ روی حاضر به از دست دادن آن نبود. لذا استحکامات قابل توجهی بر روی آن احداث کرده بود و تقریبا عبور از آن غیر ممکن می نمایاند. لیکن نیروهای خودی معابر مناسبی را برای عملیات انتخاب نمودند تا با موانع مواجه نشده، دشمن را دور بزنند.

می دید. بر این اساس، عملیات کربلای یک برای سه مرحله طراحی شد:

مرحله اول – تأمین قلعه آویزان ایران تا روستای امامزاده سید حسن.

مرحله دوم – تأمین ارتفاعات جبل حمرین تا شیار میگ سوخته (۱) و در امتداد آن، تأمین روستای بهین و بهروزان و هرمزآباد.

مرحله سوم – تصرف خاکریز والفجر ۳ از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلعه آویزان و تأمین شهر مهران.

ضمنا در این عملیات، سپاه پاسداران با استعداد ۶ لشکر و ۳ تیپ پیاده همراه یک گردان مستقل زرهی، وارد عمل شد و در این عملیات، نیروی زمینی ارتش در زمینه آتش پشتیبانی توپخانه با سپاه همکاری می کرد، همچنین نیروی هوایی و هوانیروز، بنا به موقعیت عملیات و توانایی خود، مأموریتهای مشخصی را عهده دار شدند.

استعداد دشمن در منطقه

منطقه مورد نظر، تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود. خط پدافندی این لشکر از رودخانه کنجان چم به سمت میان کوه امتداد می یافت. همچنین مقر اصلی لشکر ۱۷ در شهر بدره عراق و مقر تاکتیکی آن بر روی ارتفاعات ۲۱۵ قلعه آویزان قرار داشت.

یگانهای تحت امر این لشکر و خط حد آنها عبارت بود از:

تیپ ۴۴۳ پیاده، از پاسگاه آب زیادی تا رودخانه آب شور و مقر تیپ بر روی ارتفاعات قلعه آویزان

۱- ۵۶. یک فروند میگ دشمن در شیار سقوط کرد، لذا میگ سوخته به عنوان نشانه و نام شیار انتخاب شده است.

- تیپ ۷۰۵ پیاده، از رودخانه آب شور تا رودخانه گاوی و مقر آن در روستای امامزاده سید حسن.

- تیپ ۴۲۵ پیاده، از تپه ۲۱۵ باغ کشاورزی تا رودخانه کنجان چم و مقر آن در ورمهزار.

- تیپ ۷۰ زرهی، تیپ ۵۹ مختلط، تیپ ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ کماندویی در بدره و تیپ ۶۵ نیروی مخصوص (که به عنوان احتیاط سپاه سوم بوده است). همچنین یک آتشبار توپ اطریشی و ۴ قبضه کاتیوشا پشتیبانی تیپهای زیر امر لشکر ۱۷ را عهده دار بود.

در مجموع، قبل از آغاز عملیات، دشمن ۴۲ گردان نیروی پیاده و ۶ گردان نیروی زرهی در منطقه داشت که ۲۰ گردان آن درگیر بوده، مابقی در احتیاط قرار داشتند.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان عملیات، جابجایی و نقل و انتقالات شروع شد. در این حین، طوفانی نسبتا شدید همراه با گرد و غبار در گرفت و سطح منطقه عملیاتی و عقبه نیروهای خودی را پوشاند بطوریکه دشمن امکان دید را از دست داد.

بدین ترتیب، در ساعت ۳۰ / ۲۲ مورخه ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵، عملیات آزادسازی مهران تحت عنوان «کربلا ۱» و با رمز «یا ابوالفضل العباس ادرکنی» آغاز شد. پس از گذشت لحظاتی از شروع عملیات در کلیه محورها، خطوط پدافندی دشمن - بدون مشکل اساسی و بازدارنده - درهم شکسته شد. تنها بر روی ارتفاعات قلعه آویزان، به دلیل موانع مستحکم دشمن، توقفی صورت گرفت - که بلافاصله، با اتخاذ تدبیر

مناسب از سوی فرماندهی یگان، بصورتی قابل توجه و شاید کم نظیر، مرتفع گردید.

از آنجا که دشمن در مقابل سرعت عمل نیروها غافلگیر شده بود، بشدت آسیب دید و تلفات زیادی را متحمل شد - بطوریکه در قسمتهایی از جاده، به دلیل انبوه جنازه های دشمن، امکان تردد خودروها وجود نداشت؛ لذا نیروها مجبور بودند وسیله نقلیه خود را به کنار جاده هدایت کنند.

وضعیت نیروها در روز اول عملیات

علیرغم اینکه دشمن لشکرهای ۲۷،۲۵،۱۰،۴۱ را به عنوان احتیاط وارد منطقه کرد، لیکن نتوانست هیچگونه حرکت قوی و حساب شده ای را، اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه، از خود نشان بدهد. این وضعیت، با توجه به اهمیت منطقه برای دشمن و نیز سوابق دشمن در عملیاتهای گذشته، تا اندازه ای غیر منتظره بنظر می رسید.

عوامل عمده در گیجی و سردرگمی دشمن، اساسا سرعت عمل توأم با غافلگیری، گذاردن تلاش اصلی از محوری که برای دشمن غیر منتظره بود و نیز حمله به عقبه دشمن را شامل می شد. فی المثل پس از مدت زمانی اندک که عملیات آغاز شد، ۲ مقر تیپ دشمن (۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده) سقوط کرد و فرماندهان آن کشته شدند. حال آنکه نیروهای دو تیپ مذکور، هنوز بطور کامل منهدم نشده بودند. به هر روی، در شب اول عملیات، دشمن بیش از ۱۰ گردان نیروی پیاده در محدوده منطقه عملیاتی داشت - که ۸۰٪ آنها بطور کامل منهدم شد.

همچنین نیروهای تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم که در ساعت ۶

صبح روز اول عملیات وارد درگیری شد، تماما منهدم شدند. گذشته از این، تلاش دشمن در محور امامزاده سید حسن که در روز اول عملیات شروع شد، با مقابله نیروهای خودی خنثی گردید. طی روز اول، از آنجا که نیروها بسهولت بر اهداف خود دست یافتند، از روحیه ای بسیار بالا برخوردار بودند؛ لذا از فرصت بدست آمده و درهم پاشیدگی دشمن، نهایت استفاده را کرده، با پیشروی در روز ادامه دادند و بدین ترتیب، فرصت بازیابی و سازماندهی را از دشمن گرفتند.

شب دوم عملیات

پس از انجام بازسازی و سازماندهی، یگانها مجددا برای انجام مرحله ی سوم عملیات - که در شب دوم انجام می شد - آماده شدند. طی شب دوم، عملیات از دو محور صورت گرفت. در محور اول، نیروها هرمزآباد را پاکسازی کرده، تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کردند. در محور دوم نیروها توانستند روستای بهین بهروزان را پاکسازی نمایند.

در نتیجه تلاشهای انجام شده در شب دوم، خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته تأمین شد و بدین ترتیب، مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات تأمین گشت.

در شب دوم، شواهد و قراینی دال بر عقب نشینی نیروهای دشمن در محور باغ کشاورزی و تپه غلامی و پاسگاه دراجی مشاهده شد. این امر تا اندازه ای تعجب انگیز بود، زیرا احتمال داده نمی شد که دشمن به این سرعت در محور یاد شده اقدام به عقب نشینی نماید. لیکن تهدید و امکان برخورد نیروهای دشمن، در این محور، آنها را مجبور به اقدام فوق کرد.

روز دوم عملیات: تصرف شهر مهران

پس از مشاهده عقب نشینی دشـمن از شمال مهران (محدوده باغ کشاورزی). نیروهای خودی بلافاصله معابر مین دشمن را باز نموده، سپس بسرعت وارد باغ کشاورزی شدند و ۱۰۰ تن از نیروهای پراکنده دشمن را به اسارت گرفتند.

همچنین از محور دیگر، یکی از یگانهای سپاه، از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی رفته، ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، تعدادی از آنها را به اسارت می گیرد.

به دنبال تلاشهایی که در روز دوم عملیات صورت گرفت و متعاقب عقب نشینی دشمن، شهر مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اینکه دشـمن احتمال حمله را می داد، لذا در داخل شهر مستقر نشده بود و تنها تعداد کمی نیرو در شهر داشت، که آنها را هم قبل از آغاز حمله تخلیه کرده بود.

ضمنا طی این روز، از سوی نیروهای خودی، تا محور قلعه آویزان پیشروی ادامه داشت و نیروهای دشمن که همچنان در حالت سردرگمی و گیجی بسر می بردند، بسهولت کشته و یا اسیر می شدند.

شب سوم عملیات

چنین مقرر شـد که نیروهـای خودی، در شب سوم عملیـات، روسـتای فیروزآبـاد و ارتفاعـات قلعه آویزان و ارتفاعـات ۲۲۳ را بصورت یک خط ممتد تأمین کنند. بر این اساس، طی تلاشهایی که صورت گرفت، اهداف این مرحله از عملیات تحقق یافت.

با روشن شدن هوا، در روز سوم عملیات، درگیری و ادامه

پاکسازی در محورهـای مختلف کم و بیش ادامه داشت. طی این روز، نیروهـای لشـکر سیدالشـهداء از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه های غلامی و باغ کشاورزی و پاسـگاه دراجی حرکت کرده، ضـمن پاکسازی منطقه بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

همچنین از ساعت ۶ صـبح این روز، تیپهای ۶ و ۵ گـارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱۰ تک کردنـد - که در نتیجه آن، قسمتی از منطقه مزبور را به تصرف خود درآوردند.

شب چهارم عملیات

نیروهای خودی، طی شب چهارم عملیات، توانستند وارد روستای فیروزآباد شده، آنرا به تصرف درآوردند.

در حوالی سـاعت ۷ صـبح روز چهارم عملیات (۱۳ / ۴ / ۱۳۶۵)، دشـمن توسط تیپهای ۷۲، ۷۱، ۹۵ پیاده، تیپهای ۴ و ۵ گارد جمهوری، پاتک نسبتا شدیدی را بر روی ارتفاعات قلعه آویزان و به منظور تصرف قله ۲۰۰ آغاز کرد.

طی این درگیری، نیروهای دشـمن درهم کوبیده شدند؛ بطوریکه ۳ گردان از تیپ ۴ و ۳ گردان از تیپ ۵ گارد و یک گردان از تیپ ۹۵ و بیش از ۱ گردان از تیپهای ۷۱ و ۷۲ منهدم شدند و فرمانده تیپ ۴ گارد به هلاکت رسید.

روز پنجم عملیات

طی روز پنجم، لشـکر سیدالشهداء موفق به تصرف کامل ارتفاع ۲۱۰ شد، و آن مقداری را که دشـمن طی پاتک خود در روز سوم عملیات با تیپهای ۵ و ۶ گارد تصرف کرده بود، باز پس گرفت.

روز ششم عملیات

مرحله پنجم عملیات در صبح روز ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۵ توسط ۲ لشکر سپاه (لشکر ۱۰ سیدالشهداء و لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، و به منظور تصرف قله ۲۲۳ و یالهای آن، آغاز شد. نظر به اینکه دشمن در قسمتی از منطقه مزبور تهدید دور خوردن می شد، لذا این امر منجر به تزلزل دشمن و نهایتا، تصرف قله ۳۰۳ شد. قله ی مزبور با تک احاطه ای از دو سمت در محاصره قرار گرفت و در نتیجه آن، قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی به تصرف درآمد. در ادامه نیز یالهای قله ۲۲۳ از سوی لشکر ۲۷، بطور کامل تأمین گردید. ضمنا قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم شد و تعدادی از عناصر آن، از جمله فرمانده تیپ، به اسارت درآمدند.

بدین وسیله شهر مهران بطور کامل آزاد شد و اهداف عملیات کربلا ۱ صددرصد تأمین گردید.

نتایج و دستاوردها

طی ۱۰ روز جنگ، بخش وسیعی از مناطق اشغالی در منطقه مهران آزاد گردید که در این میان، آزادسازی جاده دهلران – مهران – ایلام، شهر مهران، ارتفاعات سرکوب و حساس قلعه آویزان و حمرین – خصوصا بلندترین قله منطقه ۸ – ۲۲۳ روستا، ۲ پاسگاه مرزی و... از دستاوردهای عملیات کربلا ۱ محسوب می شد.

همچنین عقبه های دشمن در شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای خودی قرار گرفت.

ص: ۲۳۸

توان رزمی نیروهای دشمن در کربلا ۱

نیرو و امکانات بکار گرفته شده دشمن

نیرو - ۷۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر - ۴۰۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵ گردان

نیروی هوائی - بیش از ۱۰۰ سورتی در روز

هوانیروز - بیش از ۱۰ تیم

عقبه - کوت العماره - ۸۰ کیلومتر

تعدادی اسرای دشمن در عملیات کربلا ۱ به تفکیک رتبه:

رتبه: افسر - تعداد: ۷۰

رتبه: درجه دار - تعداد: ۱۳۰

رتبه: سرباز - تعداد: ۸۹۲

قابل ذکر است که براساس تخمینهای دقیق، دشمن بیش از ۳۴۰۰ اسیر و مفقود داشته است.

یگانهای درگیر دشمن در طول عملیات، میزان انهدام و تعداد اسرای آنها:

ردیف ۱، یگان: تیپ ۴۴۳ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪،تعداد اسرا: ۹۴

ردیف ۲،یگان: تیپ ۷۰۵ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪، تعداد اسرا: ۲۸۳

ردیف ۳، یگان: تیپ ۴۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۵۷

ردیف ۴، یگان: تیپ ۵۰۱ پیاده، میزان انهدام ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۵، یگان: تیپ ۹۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱

ص: ۲۳۹

ردیف ۶،یگان: تیپ ۴۲۵ پیاده، میزان انهدام ۳۰٪، تعداد اسرا ۳۳

ردیف ۷، یگان: تیپ ۷۰ زرهی، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا: ۲۲

ردیف ۸،یگان: تیپ ۵۹ مکانیزه، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۹، یگان تیپ ۶۵ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۱۰۰٪، تعداد اسرا: ۱۲۶

ردیف ۱۰، یگان: تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۶

ردیف ۱۱، یگان: تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا ۱

ردیف ۱۲، یگان: تیپ ۷۱ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۴۰

ردیف ۱۳، یگان: تیپ ۷۲ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۲

ردیف ۱۴، یگان: ۲ گردان کماندوئی، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۳۰

ردیف ۱۵، یگان: تیپ ۱ کماندوئی سپاه چهارم، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا ۶۰

ردیف ۱۶، یگان: ۳ گردان توپخانه، میزان انهدام: ۵۰٪

ردیف ۱۷، یگان: تیپ ۱۰۸، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: احتمالا

ردیف ۱۸، یگان: تیپ ۸۰۴، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا احتمالا

ردیف ۱۹، یگان: تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا: ۴۲

لازم به یادآوری است که کلیه یگانهائی که بیش از ۷۰٪ انهدام داشته اند، از خط مقدم خارج شده اند.

بازتاب آزادسازی مهران در رسانه ها

آزادسازی شهر مهران، به منزله شکست استراتژی دفاع متحرک بود. شکستی که رژیم عراق در گام اول خود با عدم موفقیت نسبت به تأمین اهداف مورد نظرش با آن رویارو شد و سرانجام با از دست دادن مهران، چشم اندازی جدید از ناتوانی و ضعف این کشور در موضع آفند و پدافند، ترسیم و نمایان گردید. خبرگزاری فرانسه در پی آزادسازی شهر

مهران، طی گزارشی اظهار داشت:

«ناظران در خلیج فارس عقیده دارند که اشغال مهران توسط قوای ایران، شکست پذیری رژیم عراق - بویژه استراتژی نظامی جدید آن موسوم به دفاع متحرک - است.»

در میان مناطقی که مورد تصرف دشمن قرار گرفت، شهر مهران از اهمیت خاص سیاسی، تبلیغاتی برخوردار بود و برای عراق به عنوان جبران شکست فاو و نیز عامل افزایش دهنده روحیه نیروهای آسیب دیده، تلقی می شد؛ لذا آزادسازی آن، گذشته از اینکه شکست دشمن در استراتژی تازه خود محسوب می شد، آسیبهای عمده دیگری را در مقطع کنونی و آینده متوجه ارتش عراق می کند.

چنانکه وقتی مهران باز پس گرفته شد، رسانه های گروهی جهان به انحاء مختلف به بعد روانی مسئله اشاره کردند. از جمله نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، نوشت:

«مهران به خودی خود فاقد اهمیت است، تهاجم به مهران نه از جهت استراتژیکی، بلکه از نقطه نظر روانی، واجد اهمیت می باشد.»

رادیو امریکا نیز به نقل از کارشناسان نظامی، اظهار داشت:

«شکست عراق ممکن است از نظر روانی اثر مهم و شگفت انگیزی داشته باشد؛ چرا که عراقیها بیشتر به خاطر جبران شرمساری ناشی از تصرف بندر عراقی فاو به دست ایرانیها، دست به حمله زده بودند.»

گذشته از این درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در فاو و ناتوانی این کشور در باز پس گیری آن، رژیم صدام را در نزد غرب و حامیان منطقه ای خود بطور اساسی به زیر سئوال کشید و این واقعیتی بود که حاکمان بغداد مایل به تن در دادن به آن نبودند و به منظور اثبات توانایی

و حفظ برتری خود، مبادرت به اتخاذ استراتژی موسوم به دفاع متحرک نمودند، بر این اساس، بخوبی روشن است که شکست مهران می تواند چه تبعاتی در رابطه با بی اعتمادی حامیان و متحدین رژیم بغداد فراهم آورد.

روزنامه نیوزویک چاپ امریکا پس از آزادسازی مهران، نوشت:

«باز پس دادن مهران (پس از فاو)، اعتماد مقامات امریکایی را نسبت به رژیم عراق بشدت کاهش داد، و گفته می شود که امریکا کمکهای تسلیحاتی خود را به این رژیم محدود کرده است.»

فتح فاو توسط قوای نظامی ایران، موقعیت و فضایی جدید در جنگ بوجود آورد که توأم با واقع نگری از سوی رسانه های جهانی دنیا نسبت به توانائیهای بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی رژیم عراق، مبنی بر ادامه جنگ و رویارویی با تهاجمات ایران بود.

تثبیت وضعیت یاد شده، قطعا نیازمند پیروزیهای دیگری بود که تنها قسمتی از آن با فتح مهران و پس زدن نیروهای دشمن تأمین گردید.

در این روند آنچه که در رسانه های غربی منعکس شد، عمدتا حول محور توانائی و برتری نظامی ایران دور می زد. گذشته از این، حفظ برتری در فاو و انجام عملیات در مهران، نشانگر نوعی افزایش توان نظامی ایران تلقی شد؛ بطوریکه رادیو بی.بی.سی به نقل از مفسر بخش شرقی خود گفت:

«اگر چه تسخیر مهران از نظر تعیین نهایی جنگ نقش قاطعی نخواهد داشت، اما نیروهای ایران نشان دادند که ضمن حفظ مواضع خود در فاو، در مقابل حمله های پی در پی عراق می توانند نیروهای عراقی را از بخش مرکزی جبهه نیز بیرون برانند و خطر مهمی را در آینده جنگ ترسیم نمایند.»

قطعا خطرساز بودن تحرکات نظامی ایران، که نوعی پیروزی و تفوق نظامی را بدنبال خواهد داشت، مستلزم حملات پی در پی و مضمحل ساختن قوای دشمن است؛ چنانکه پیروزی آتی ایران، در این امر نقشی تعیین کننده دارد. طبیعتا در اینصورت، با افزایش برتری ایران، جمهوری اسلامی به نحوی چشمگیرتر ابتکار عمل را در جنگ برعهده خواهد گرفت.

ص: ۲۴۳

جلد ۳

اشاره

ص: ۱

پیشگفتار چاپ ششم

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با گردآوری منابع منحصر به فرد جنگ ایران و عراق و با تحقیقات میدانی و کتابخانه ای وسیعی که درباره این واقعه عظیم به عمل آورده است، در تلاش برای بهره برداری از این تحقیقات گسترده، آثاری منتشر کرده است و در ادامه این امر خطیر می کوشد تا با تدوین و انتشار حقایق این دوران مهم از تاریخ انقلاب اسلامی، هم از تحریف ها و هم از غبارگرفتگی و فراموشی این وقایع آموزنده جلوگیری کند. این از افتخارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است که مورد اعتماد مراکز علمی و تحقیقاتی قرار گرفته است و آثار آن به عنوان منبع اصلی تاریخ جنگ ایران و عراق، مورد استناد اهل دقت و نظر قرار می گیرد.

از جمله آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» است که به طور کامل در شش جلد منتشر شده است. در جلد اول تا پنجم این مجموعه، وقایع سیاسی و نظامی جنگ از ابتدا تا آتش بس و تن دادن مجدد و دولت عراق به قرارداد ۱۹۷۵، به طور نسبتا مشروح مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در جلد ششم از آغاز تا پایان جنگ به اختصار بررسی شده است.

ص: ۶

کتاب «فاو تا شلمچه» جلد سوم این مجموعه است که در سال ۱۳۷۳ برای نخستین بار منتشر شد و شورای مرکزی سومین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، این کتاب را به عنوان یکی از آثار برتر برگزید. کتاب در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ گردید. با استقبال علاقه مندان و تمام شدن نسخه های چاپ پنجم، کتاب برای بار ششم به چاپ رسید و در دسترس عموم قرار گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند عملیات مهم کربلای ۵ به نسبتی که روال این مجموعه اقتضا می کرده، در این کتاب درج شده است ولی اهمیت و تأثیری که این عملیات در روند جنگ داشت سبب گردید تا طراحی، فرماندهی، اجرا و نتایج عملیات کربلای ۵ به طور مشروح در کتابی مستقل به نام «نبرد شرق بصره» منتشر شود که مطالعه آن به محققان توصیه می شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۷

ص: ۷

مقدمه

بـدون تردید سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ از مهم ترین مقـاطع جنـگ تحمیلی محسوب می شود. در این سـال هـا یـک بـار دیگر نیروهای بالنده ی انقلاب اسلامی در شکل سازمانی منظم و منسجم، موفق به خلق آثاری شدند که در تاریخ ایران اگر نگوییم بی سـابقه، کم سـابقه بوده است. سـپاه پاسـداران با پیروزی انقلاب اسـلامی و قبل از آغاز جنگ در سـنگرهای مختلفی رو در روی دشـمنان انقلاب ایستاد و در درگیری های متعدد با گروه های وابسته به عراق در استان کردستان و خوزستان وارد جنگ و گریز شد و از این طریق توانست سازمان های مسـتقل نظامی را در مناطقی چون قصـر شیرین، سوسنگرد، خرمشهر و... ایجاد نماید. با آغاز هجوم سراسری عراق و سرازیر شدن ارتش بعث به سوی مرزهای ایران، تنها نیروهایی که توانستند در مقابل این هجوم گسترده ایسـتادگی کننـد، نیروهای سـپاه مناطق مرزی بودند که آنها را نیروهای سـپاه در سراسـر کشور و همچنین قوای مردمی تقـویت و پشتیبـانی می کردنـد. بـدین ترتیب اولین مقـاومت هـای مردمی بـا سازمـان دهی سـپاه در مقابـل ارتش بعث صورت گرفت. در این مقاومت نیروی هوایی و برخی یگان های زمینی ارتش به همراه ژاندارمری نیز ایفای نقش کردند.

با رشد و شکوفایی نیروهای سپاه در درگیری های متعدد با واحدهای ارتش عراق و نیز حذف جریان لیبرالیسم و عناصر وابسته به آن در ارتش

جمهوری اسلامی، این شکوفایی با سرعت بیشتری ادامه یافت و اوج تبلور آن در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس به نمایش در آمد و ارتش متجاوز از خاک میهن اسلامی بیرون رانده شد. در این دوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان جلودار و پیش برنده ماشین نظامی ایران با همراهی دلاورمردان ارتش موفق به اجرای استراتژی «آزادسازی سرزمین های اشغالی» شد و خود را آماده نمود تا مرحله دوم استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران در قالب «تعقیب و تنبیه متجاوز» به اجرا در آورد.

طرح ریزی و اجرای چهار عملیات بزرگ رمضان، و الفجر مقدماتی، خیبر و بدر و همچنین چندین عملیات محدود، گام های مؤثر این استراتژی محسوب می شدند که عمدتا در منطقه جنوب به اجرا در آمدند. با انجام عملیات بدر و بروز مشکلاتی در روش اجرا و هدایت نیروها، شکل جدیدی از سازمان دهی به اجرا در آمد و از سال ۱۳۶۴ ارتش و سپاه هر یک به صورت مستقل و جداگانه اقدام به طراحی و اجرای عملیات کردند.

علاوه بر این، فرمان امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی که از آینده نگری و ژرف بینی ایشان حکایت می نمود، گام مؤثر دیگری بود که در این سال برداشته شد و اثری عمیق در موفقیت سپاه در تصرف فاو داشت.

تلاش آمریکا برای گشودن باب مذاکره با ایران و هدایت ماجرا توسط مسئولان جمهوری اسلامی به مسیری که در آن موفقیت چشمگیری نصیب انقلاب و سپاه شد و برای سیاست مداران آمریکا سستی و سرشکستگی به بار آورد، از دیگر برکات سیاسی و نظامی این دوران از جنگ است.

در سال ۱۳۶۵ دنیا با درک پیروزی های حاصل شده به دست نیروهای انقلابی، درصدد برآمد تا با بازپس گیری منطقه فاو، مجددا موازنه ی قوا بین ایران و عراق را برقرار نماید. بر این اساس عراق سلسله عملیات های موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» طرح ریزی و اجرا کرد و مهم ترین نتیجه آن

اشغال شـهر مهران بود که به عنوان نقطه ثقل این استراتژی، در مقابل شـهر فاو مطرح گردیـد، اما این بار نیز سـپاه پاسداران با وجود این که مشغول طرح ریزی و آماده سازی عملیات بزرگ سالیانه بود، وارد عمل گردید و عملیات کربلای ۱ را با هدف آزادسـازی شـهر مهران و شـکست استراتژی دفـاع متحرک به اجرا در آورد. موفقیت در این عملیـات بـاز هم موقون خروج از قواره های سنتی و دست و پا گیر بود.

پس از پشت سـر گـذاردن موفقیت آمیز این مرحله از جنـگ، توجه فرمانـدهان سپاه معطوف به عملیات بزرگ در سال ۱۳۶۵ شد و اجرای دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ دست آورد چنین حرکتی بود که آزاد سازی منطقه عمومی شلمچه و نزدیک شدن سپاهیان اسلام به شهر بصره را در پی داشت. با آزادسازی این منطقه، بار دیگر توانایی جمهوری اسلامی، جهان و منطقه را به تلاطم انـداخت و چنین پیش بینی شـد که در صورت ادامه این موفقیت ها، سـقوط صدام و رژیم بغداد بعید نخواهد بود. به همین دلیل قـدرت های بزرگ تلاش جدیدی برای خاتمه ی جنگ آغاز کردند که نتیجه ی آن حضور ناوگان های نظامی در خلیج فارس و تصویب قطع نامه ۵۹۸ بود.

مضـامین فوق، محتوای کتـابی است که با بهره گیری از منابع پر ارزش مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به نگارش درآمـده و در آن اهم موضوعات و مسائل مطروحه جنگ در این مقطع مورد بررسـی قرار گرفته است. (۱) کتاب کوشش دارد به شکلی مستند و تحلیلی، خوانندگان و علاقه مندان را با سرفصل های اصلی جنگ در این دوران آشنا سازد.

۱- ۱. لازم به یـادآوری است که تـدوین کتـاب بـا بهره گیری از منابع متعـدد سیاسـی و نظامی موجود در اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صورت پـذیرفته است که فهرست منابع سیاسـی مورد اسـتفاده در پایان هر فصل ذکر شـده است و اهم منـابع نظـامی مورد اسـتفاده، به دلیل عـدم انتشار عمومی، با عنوان «معرفی منابع اختصاصـی» در صـفحه ۱۸۵ همین کتاب آمده است.

در فصـل اول کتاب «نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸» به شکل گیری چگونگی تصرف فاو در شرایط بحرانی جنگ اشاره شـده و مواضع امریکـا و شوروی پس از عملیـات مورد بررسـی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از نکات برجسـته این فصـل اشـاره بـه اسـتراتژی جدیـد آمریکـا برای نزدیکی بـه ایران و عراق جهت تأثیرگـذاری بیش تر بر رونـد تحولات جنـگ است. همچنین به تلاش های سیاسـی شوروی جهت حفظ موازنه سیاسی بین طرفین و ناخشنودی این کشور از اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره شده است.

«تشدیـد فشـار به جمهوری اسـلامی» عنوان فصـل دوم کتـاب است که در آن تلاش قـدرت های بزرگ برای فشار بیش تر به ایران جهت جلوگیری از موفقیت چشـمگیر در جنـگ و استراتژی قـدرت هـای بزرگ برای خـاتمه جنگ بـدون طرف پیروز، مورد بررسـی قرار گرفته است. در ادامه این فصل بازپس گیری شـهر مهران به دست رزمنـدگان سپاه پاسداران و ناکام ماندن ارتش عراق در «استراتژی دفاع متحرک» تشریح شده است.

در فصل سوم کتاب با عنوان «رویارویی با وضـعیت جدید» تدابیر و اقدامات مسئولان کشور، به ویژه حضرت امام خمینی (س) در رویـارویی بـا وضـعیت جدیـد و موضوعـاتی از قبیل تأکیـد امام بر ادامه جنگ، بسـیج امکانات و نیرو، طرح ریزی و اجرای عملیات محدود، طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز، تجزیه و تحلیل شده است.

فصـل چهـارم کتـاب به تجزیه و تحلیـل «مـاجرای مک فارلین» اختصاص یافته است. در این فصل رونـد شـکل گیری سیاسـت خارجی جدیـد امریکا در مقابل ایران و تأثیرات تعیین کننـده ی ماجرای مک فارلین در روابط دو کشور بررسـی شـده است و ضمن بیـان چگـونگی شـکل گیری سـیاست جدیـد، به تـأثیرات آن بر مواضـع و سـیاست هـای شـوروی و عراق و نیز نتایـج و پیامدهای آن اشاره گردیده است.

پنجمین فصل کتاب «عملیات کربلای ۴» نام دارد و در آن به کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق برای کشف منطقه عملیاتی و تأثیرات این عملیات

بر قوای نظامی خودی و دشـمن اشاره شـده است. در پایان این فصل هیاهوی تبلیغاتی عراق درباره شـکست عملیات سرنوشـت سـاز ایران، مورد توجه قرار گرفته که در اغفال ارتش عراق از عملیات کربلای ۵ - که با فاصـله دو هفته از عملیات کربلای ۴ انجام شد - تأثیر عمده ای داشته است.

«عملیـات کربلای ۵» عنوان فصـل شـشم کتـاب است. در این فصل ابتـدا وضـعیت دشوار جمهوری اسـلامی در رونـد تحولات جنـگ به ویژه پس از عملیات کربلای ۴، تشـریح شده و دلائل اجرای عملیات و کسب پیروزی در این مقطع حساس و پیچیده مورد بررسی قرار گرفته است. طرح ریزی و شرح چگونگی تهاجم در شرق بصره و تلاش های فرماندهان سپاه برای حفظ این موفقیت، دیگر قسمت های این محور از بحث را تشکیل می دهند.

در پایان این فصل بازتاب های سیاسی و نظامی عملیات کربلای ۵ مورد توجه قرار گرفته و به انفعال حاصل از این موفقیت در صحنه سیاسـی منطقه و جهـان اشـاره شـده است. شـکست ارتش عراق در مسـتحکم ترین و پیچیـده ترین خطوط دفاعی خود، موضوعات قابل توجه این فصل از کتاب است.

فصـل هفتم کتاب عنوان «آخرین تحرک نظامی در جنوب» را به خود اختصاص داده است که در آن به طراحی و نحوه اجرای عملیات کربلای ۸ که در واقع تکمیل عملیات کربلای ۵ محسوب می شود، اشاره شـده است. این عملیات که آخرین تحرک نظامی سـپاه پاسداران در جنوب محسوب می شود، حلقه پایانی استراتژی عملیاتی سپاه در این منطقه می باشد. در این عملیات سپـاه پاسـداران تلاش بی وقفه ای را جهت به سـرانجام رسانـدن نبرد در این منطقه آغاز نمود. تأمین نیازمنـدی های زرهی که لازمه پیشـروی در چنین صـحنه ای بود، به نتیجه نرسـید و همـان گونه که تصور می رفت، این منطقه نیز همچون سـایر منـاطق عملیاتی در جنوب به لحاظ نظامی دچار بن بست گردید. در این شـرایط لازم بود که فرماندهان عالی سپاه تصمیم مشخصی را برای ادامه جنگ اتخاذ نمایند. این تصمیم که

می توان از آن به عنوان مقدمه استراتژی عملیاتی جدید سپاه یاد کرد، موجب تحرکات جدیدی در سپاه شد که در جلد بعدی این مجموعه به نام «شلمچه تا حلبچه» مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کتاب «فاو تا شلمچه» در واقع بیانگر آخرین موفقیت های سپاه پاسداران در جنوب می باشد که موجب تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به غرب شد. به علاوه، در این کتاب اوج تأثیرگذاری های جنگ بر روند تحولات سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب حاضر و سایر آثار این مرکز ثمره تلاش های راویان، محققان، مدیران و دست اندرکاران این مرکز در طول سال های گذشته است. در این جا باید یاد کرد از راویان شهید مرکز: نادر صباغیان، تقی رضوانی، سعید عیسی وند، هادی درودیان، محمدرضا ملکی، حسین جلایی پور، سید محمد اسحاقی، علی فتحی، سید محمد گرگانی، حمید صالحی، محسن فیض، مجید صادقی نژاد، حسین الله داد و محمد امیری مقدم، که بعضی در حال انجام تحقیقات میدانی و بعضی هنگام شرکت در عملیات علیه دشمن، به شهادت رسیدند. در واقع تدوین این کتاب کوششی است برای صحه گذاشتن بر یکی از خالصانه ترین تلاش های فرزندان انقلاب و امام در صحنه های جنگ که با تاریخ انقلاب اسلامی گره خورده است، در نتیجه پاداش آن نیز جز رضای خداوند، چیز دیگری نمی تواند باشد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تابستان ۱۳۷۳

ص: ۱۳

تحولات سیاسی – نظامی پس از فتح فاو

نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ در کتاب «از خرمشهر تا فاو» منتشره از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (اردیبهشت ۶۷) به طور نسبتا مشروح و مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به عدم تأمین مناطق متصرفه ای که در سلسله عملیات نظامی پس از فتح خرمشهر توسط ارتش و سپاه به صورت مشترک انجام گرفت، منطقه ی فاو از آن جهت برای انجام عملیات انتخاب شد که ضرورتا می بایست علاوه بر دارا بودن ویژگیهای لازم جهت تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی – نظامی جنگ، پس از تصرف نیز از شرایط و مشخصه های لازم برای حفظ و نگهداری در مقابل پاتک های دشمن برخوردار باشد.

زمین منطقه فاو علاوه بر ارزش سیاسی – نظامی، به لحاظ فراهم سازی امکان حضور مقتدرانه ایران در خاک عراق و موقعیت جغرافیایی و طبیعی دارای ارزش استراتژیک نیز بود و همچنین معضلات ناشی از عدم تأمین مناطق عملیاتی پیشین و مقابله با فشارهای دشمن پس از تصرف منطقه را حل

ص: ۱۴

می کرد زیرا باتلاقی بودن سواحل رودخانه اروند در هر دو سو و نیز وجود عارضه کارخانه نمک، عملا قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیرقابل استفاده کرده بود و این مسأله، کارآیی زرهی ارتش عراق را کاهش می داد، همچنین احاطه ی آب از سه قسمت موجب شده بود پدافند در برابر دشمن تنها در یک سمت انجام شود و آسیب پذیری از جناحین را کاهش دهد.

علاوه بر اینها، کوتاه بودن عقبه ی خودی، پوشش مناسب منطقه برای پدافند هوائی، تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن، امکان رعایت غافلگیری، محدود بودن زمین و عمق قابل دسترس، از جمله عواملی بود که بر میزان امیدواریها نسبت به کسب پیروزی می افزود.

اما در عین حال، به هنگام طرحریزی عملیات، مسئله عبور از رودخانه و پشتیبانی عملیات، از مهم ترین معضلاتی بود که فرا روی فرماندهان و طراحان نظامی سپاه قرار داشت. (۱) پیش از این، تنها تجربه سپاه برای عبور از رودخانه، عملیات بیت المقدس در سال ۶۱ بود که به طور مشترک با برادران ارتشی انجام گرفت و منجر به فتح خرمشهر شد. در واقع عدم حضور نیروهای دشمن در ساحل غرب رودخانه کارون، در جریان عملیات بیت المقدس، موجب گردید که عبور از کارون بدون برخورد با دشمن انجام پذیرد، ضمن آنکه شرائط و موقعیت رودخانه کارون به هیچ وجه قابل مقایسه

---

۱ - ۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوائی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

با ویژگیهای رودخانه اروند نیست. (۱) .

بنـابراین، ویژگیهـای رودخـانه ارونـد و فقـدان تجربه ی عبور از رودخـانه ای بـا مشـخصه های آن و همچنین حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه، از جمله مسائلی بود که لزوما می بایست برای حل و فصل آنها تدابیر لازم اتخاذ می شد.

دشـمن به لحاظ حساسـیت منطقه فاو و از طرفی ضـرورت کنترل تحرکات نیروهای خودی در جزیره آبادان، برای دیده بانی و کنترل منطقه، از دکلهای ۴۲ متری که به فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر ایجاد شده بود، استفاده می کرد.

بنابراین کلیه جاده های منطقه، بویژه جاده های عمود بر حاشیه رودخانه اروند زیر دید دشمن قرار داشت. همچنین دشمن هفته ای یکبار به تهیه عکس هوائی از منطقه مبادرت می ورزید، ضمن آنکه دستگاه های رازیت آن کلیه نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می کرد. دشـمن علاوه بر حضور اطلاعاتی در منطقه، اسـتحکامات و موانع مسـتحکمی ماننـد مواضع بتونی ب شـکل و موانع خورشـیدی و مین در ساحـل رودخـانه ارونـد تعبیه کرده بود که هر گونه از رودخانه را با مشکلات پیچیده و دشواری روبرو می ساخت.

بنـابراین، علاوه بر خصوصـیاتی که ذکر شـد، موانع قابل ملاحظه ای برای احـداث پل، پهلو گرفتن قایقها در ساحل رودخانه و اساسا پشتیبانی عملیات وجود داشت و طبعا هر گونه آماده سازی منطقه قبل از عملیات،

---

۱ - ۴. قرارگاه رعـد به فرماندهی سرلشـکر شـهید بابائی پشتیبانی هوائی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

ساحل سازی رودخانه، عبور نیروهای غواص و خط شکن و تردد قایقها به ساحل دشمن، به سادگی امکان پذیر نبود. به همین دلیل در طرحریزی عملیات تدابیر ویژه ای به منظور رفع موانع اتخاذ شد.

استفاده از پوشش و اختفاء برای آماده سازی جاده های آنتنی و رعایت حفاظت در تردد و انجام کارهای مهندسی، موجب گردید تدریجا شرایط مناسبی فراهم آید. همچنین پس از انجام شناساییهای لازم از مواضع و استحکامات دشمن، با انتخاب یگانهای مجرب و ورزیده سپه پاسداران تدابیر ویژه ای برای عبور نیروهای خط شکن و جنگ و درگیری در نخلستانها و بویژه شهر فاو اتخاذ شد.

فرماندهان و طراحان نظامی سپاه، عبور از رودخانه و شکستن خطوط دفاعی و استحکامات دشمن را به سه مرحله شامل: عبور نیروهای غواص، عبور قایقها و شکستن خط تقسیم کردند. در مراحل بعدی عبور وسائل یگانهای مانوری با قایق و سایر وسائل شناور انجام می گرفت و در آخرین مرحله، پس از تأمین سر پل منطقه تصرف شده، وسائل سنگین عبور داده می شد. پشتیبانی هوائی عملیات توسط نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی و هوانیروز تأمین می گردید و همچنین بنابر پیشنهاد فرمانده سپاه و تصویب فرمانده عالی جنگ، آقای هاشمی، بخشی از آتش پشتیبانی توسط ارتش تأمین می شد.

در این میان، عملیات در جزیره ام الرصاص از سوی سپاه به عنوان تک پشتیبانی طرح ریزی شد، تا بدین وسیله عمده قوای دشمن را قبل از توجه به منطقه فاو، درگیر و مشغول نماید.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه عملیات در فاو انجام می شد، ضرورتا می بایست تمامی پشتیبانیها متوجه این منطقه باشد، اما چون ارتش عملیات جداگانه ای را در شلمچه طرحریزی کرده بود، در امر واگذاری امکانات به

سپاه مشکلاتی به وجود آمد. در پی بروز این معضل جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه برگزار گردید که سرانجام با دستور فرماندهی عالی جنگ بخشی از مشکلات حل شد. پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تأمین پشتیبانی های مورد نظر و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، دستور انجام عملیات والفجر ۸ در ساعت ۱۰ / ۲۲ روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۴ توسط فرماندهی کل سپاه با قرائت رمز عملیات صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم قاتلوهم حتی لا تکون فتنه. یا فاطمه الزهراء یا فاطمه الزهراء یا فاطمه الزهراء.»

یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند و بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی با هدایت و فرماندهی سپاه پاسداران، توسط سازمانی متشکل از نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش (۱) و ایثارگران جهاد سازندگی به اجرا در آمد.

دشمن ناباورانه در برابر تهاجم قوای خودی غافلگیر شد و در شرایطی که جمهوری اسلامی را فاقد توانایی و قابلیت اجرای عملیات عبور از رودخانه ارزیابی می کرد، پس از مواجهه با حضور قدرتمندانه نیروهای خودی در شهر فاو و بعد از گذشت سه روز از شروع عملیات، تدریجا نسبت به ابعاد عملیات فاو هوشیار شده و لشکر گارد را وارد منطقه کرد.

شتابزدگی و عدم توجیه کامل نسبت به منطقه، موجب گردید که نیروهای

---

۱ – ۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوائی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

لشکر گارد سوار بر خودرو و در حال حرکت به سمت منطقه درگیری، در محاصره نیروهای خودی گرفتار شده و در ذلت بارترین وضعیت به هلاکت برسند. لذا وضعیت اسفناک این قوا موجب گردید دشمن تمام تلاش خود را برای خروج آنها از محاصره معطوف نماید. از این زمان بود که نبرد سنگین بین طرفین شروع گردید و تا ۷۵ روز ادامه داشت. به عبارت دیگر منطقه فاو در روزهای اول عملیات به تصرف در آمد ولی تثبیت آن، با توجه به پاتکهای سنگین دشمن، بیش از ۷۰ روز جنگ را در پی داشت. جنگی را که دشمن با اتکا به خشکی، و قوای خودی با عبور امکانات از آب (اروند) انجام می دادند.

سرانجام پس از ۷۵ روز جنگ، هدفهای مورد نظر تصرف و تأمین شد.

در این ضمن، به لحاظ ارزشمندی زمین منطقه، دشمن برای بازپس گیری آن توان گسترده ای را به کار گرفت، لیکن تلفات وارده، دشمن را در شرائطی قرار داد که سرانجام با ترجیح «حفظ نیرو» به «حفظ زمین»، از مقابله همه جانبه دست کشید تا از انهدام نیرو و امکانات خود، بیش از این، ممانعت به عمل آورد.

در این عملیات ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی شده و نزدیک به ۳ هزار نفر به اسارت در آمدند.

انهدام وسایل و تجهیزات دشمن در این عملیات قابل ملاحظه بود، به گونه ای که بیش از ۶۰۰ تانک و نفربر، ۵۰۰ خودرو، ۱۵۰ قبضه توپ، ۴۵ هواپیما، ۱۰ هلیکوپتر و ۳ ناوچه دشمن منهدم شد.

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده و کماندوئی و نیروی مخصوص، ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضد هوائی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن ۱۰۰٪ منهدم گردید.

همچنین ۳۳ تیپ پیاده و کماندویی و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه بیش از ۶۰٪ منهدم گردید که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند.

ضمنا حدود ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندوئی، زرهی و مکانیزه ۳۰٪ آسیب دیدند که به علت کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی مستقر بودند.

بازتاب موقعیت برتر سیاسی – نظامی جمهوری اسلامی

متعاقب عبور غافلگیرانه رزمندگان اسلام از رودخانه اروند و انهدام دشمن، شهر بندری فاو واقع در خاک عراق فتح شد. تثبیت منطقه پس از دو ماه مقابله با پاتکهای سنگین دشمن موجب گردید تا اساسا تواناییها و قابلیتهای دفاعی عراق، از جانب حامیان رژیم بعثی مورد سئوال واقع شده، متقابلا ویژگیهای قابل ملاحظه ی عملیاتی رزمندگان اسلام مورد توجه قرار گیرد.

تغییر توازن سیاسی و نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، یکی از دستاوردهای فتح فاو به شمار می رفت، به گونه ای که گسترش حضور ایران در شمال خلیج فارس و هم مرز شدن با کویت وضعیت جدیدی را به وجود می آورد که کشورهای منطقه و حامیان عراق نمی توانستند آن را نادیده انگارند.

پیدایش وضعیت جدید در بطن خود می توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونیهایی در منطقه خاورمیانه گردد. از اینرو بازتاب و انعکاس پیروزی ایران در فاو، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ، تنها با شرایط پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه می باشد. در این قسمت بازتاب سیاسی «عملیات والفجر ۸» در رسانه های خارجی، به

منظور روشن تر شدن پیامدها و ابعاد فتح فاو، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نحوه برخورد رسانه های غربی با پیروزیهای کسب شده توسط رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه ها با نزدیک شدن زمان عملیات سالانه ایران که معمولا در زمستان هر سال صورت می گرفت و از گستردگی و وسعت قابل توجهی برخوردار بود، اخبار و تحلیلهای خود را پیرامون منطقه عملیات آینده ارائه داده و سعی داشتند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیت های اولیه، فعالیت این رسانه ها بر ضعیف و کم اهمیت جلوه دادن پیروزیهای ایران معطوف می شد.

در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، از سوی برخی فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب نسبت به توانایی ایران مبنی بر حفظ و تثبیت منطقه ابهام و تردید وجود داشت، چنانکه روزنامه تایمز لندن نوشت:

«آنها قبلا نیز به پیروزیهای کوتاه مدتی دست یافته اند، لیکن تا مدتی ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگیهای لجستیکی را که لازمه ی آن است، ندارند.» (۱) .

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ نظریه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه ای دیگر مطرح کرد:

«حملات تهاجمی ایران نشان می دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته اش پیروزی قابل ملاحظه ای به دست نیاورده است.» (۲) .

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری چاپ آن کشور می گوید:

«این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۶. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۶ /۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا.

ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس.» (۱) .

اما یک هفته بعد از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتکهای وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام، بتدریج لحن رسانه های تبلیغاتی قدرتهای جهان نیز تغییر یافت. نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را شدیدا دچار دگرگونی ساخت و وسائل تبلیغاتی جهان را مجبور ساخت تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزیها را دنبال کنند. به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر شرایط جوی می شویم! آنتونی لرد کرد زمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو و مقایسه آن با ایران چنین بیان می کند:

«مشکل اصلی عراق آن است که نمی خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران بخصوص در حمله اولیه، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد. معمولاـ تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است. عراق ترجیح می دهد به جای تحمل تلفات سنگین، بخشهای کوچکی از خاک خود را از دست بدهد.» (۲) .

روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات لرد کرد زمن را به گونه ای دیگر بیان داشته است:

«بزرگترین مشکل عراقیها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جتهای جنگنده و آتش راکت هلیکوپترهای جنگی را انتخاب کرده اند. چنین جنگهایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود

۱- ۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان». شماره ۱۰۶۷، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.
۲- ۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می کند و عمده ی تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتیهای سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.» (۱) .

عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاشهایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارشهای رسانه های غربی، سخن فرماندهان و مسئولین عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانائی رزمندگان اسلام در تأمین پشتیبانی نیروها و تأمین پشتیبانی هوایی و توپخانه، سرانجام عراقیها را که ابتدا حتی به حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو اعتراف نمی کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، باز پس گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. فرماندهان عراق پس از شکستهای پی در پی در پاتکهای انجام شده، ارتش این کشور را برای تسلط مجدد بر فاو ناتوان معرفی کرده و بر ویژگیهای عملیات فاو تأکید کردند، چنانکه ماهر عبدالرشید، یکی از فرماندهان ارشد نظامی عراق، در این زمینه اذعان داشت:

«ایران در عملیات جاری خود از روشهای نظامی نوینی استفاده کرده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که بارانهای شدید می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی، حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۲) .

در شرایط جدید، عراقیها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در

ص: ۲۳

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).
۲- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

منطقه فاو نبودند، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القبس گفت:

«مسئله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.» (۱) .

عراقیها تدریجا به ناتوانی بخود برای بازپس گیری فاو نیز اعتراف نمودند. عدنان خیرا... وزیر دفاع وقت عراق طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«باز پس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاقها و نمکزارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند.» (۲) .

ماهر عبدالرشید نیز به ناتوانی سربازان عراقی اشاره کرده، می گوید:

«فکر نمی کنم به این زودیها عراق بتواند در این ارتباط (پس گرفتن فاو) کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید.» (۳) .

مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق هم در توجیه ناتوانی عراق می گوید:

«وضعیت زمین منطقه نبرد محدودیتهایی را در استفاده از زره پوشها و حتی نیروهای پیاده، بر ارتش عراق تحمیل کرده است... زمین نبرد در اطراف فاو طوری است که اجازه نمی دهد از تعداد زیادی نیرو در این منطقه استفاده شود.» (۴) .

در عین حال که عراق در چنین شرایطی توانایی لازم را برای بازپس گیری فاو نداشت، لیکن به لحاظ ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به این مسئله واقف بود که «تنها بازپس گیری فاو می تواند مجددا توازن را به سود عراق بازگرداند.»خبرنگار رادیو بی.بی.سی در زمینه اهمیت فاو برای عراق می گوید:

«بازپس گیری شبه جزیره فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی

۱- ۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۹، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۵، زویچه سایتونگ (چاپ آلمان)، ۳۱ مارس ۱۹۸۶ (۱۱ / ۱ / ۱۳۶۵).

۳- ۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. واشنگتن پست.

۴- ۱۴. روزنامه رسالت، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴، السیاسه.

است و اگر عراق نتواند فاو را بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود.» (۱) .

مجله اشپیگل چاپ آلمان به تاثیرات عدم بازپس گیری فاو از سوی عراق اشاره کرده، می نویسد:

«عدم بازپس گیری فاو علاوه بر شکست نظامی، یک شکست سیاسی - روانی برای صدام و حامیان عربش در منطقه محسوب می شود.» (۲) .

یک خبرنگار خارجی با توصیف وضع نامطلوب عراقیها پس از عملیات والفجر ۸، چنین بیان می کند:

«صدام حسین خوب می داند که ایرانیها با عبور از اروند و تصرف شهر فاو، چنگ در گلوی او انداخته اند و تنها معجزه می تواند او را از مهلکه نجات دهد.» (۳) .

بدین ترتیب، عراق به ناچار و از موضع ضعف و استیصال، موقتا از بازپس گیری فاو چشم پوشید و این مسئله را به موقعیت دیگری موکول کرد و رسما اعلام داشت که در شرایط فعلی قادر به بازپس گیری فاو نمی باشد. اعترافات رسمی عراقیها و توقف اقدامات عملی آنها موجب گردید روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به شکل نوینی مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع چنانکه ذکر شد، تا پیش از این امر، به تثبیت منطقه تصرف شده از سوی ایران با تردید نظر می شد و همچنان نسبت به توانایی عراق برای بازپس گیری آن امیدواریهای زیادی وجود داشت. لیکن ناکامی عراق و اعتراف به این ناتوانی، انعکاس نامطلوبی به زیان عراق داشت. در این مورد رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب گفت:

«عراق ظاهرا تصمیم گرفته است از کوششهای خود برای بازپس گیری فاو، به خاطر تحمل بهای گزاف نظامی - سیاسی، دست بکشد.» (۴) .

ص: ۲۵

۱- ۱۵. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۱۶. مأخذ شماره ۶.

۳- ۱۷. مأخذ شماره ۶.

۴- ۱۸. روزنامه ابرار، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

هفته نامه لوموند چاپ فرانسه نیز طی تحلیلی نوشت:

«در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که بازپس گیری فاو طولانی و پر هزینه خواهد بود.» (۱) .

توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موقعیت رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی فاو طی دو ماه و اندی جنگ و مقابله آنان با تمامی لشکرهای دشمن، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تأئید جهان قرار گرفت. قبل از فتح فاو، در عین حال که به لحاظ تهاجمهای پی در پی، ابتکار عمل در دست ایران بود، اما عدم تثبیت مناطق متصرفه موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی شود که عراق به خاطر برتری هوایی، آتش توپخانه و لجستیک، در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد. اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس گیری آن، نقطه پایانی بر تأکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود. یک هفته نامه نظامی در این زمینه نوشت:

«تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو، چنین تصور می شد که عراقیها کنترل اوضاع نظامی را دوست دارند.» (۲) .

خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت:

«تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق ظرف پنج سال جنگ است.» (۳) .

همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلماتها اعلام کرد:

«موفقیتهای اخیر ایران به تصویر تفوق نظامی عراق که به دقت رسم شده بود آسیب رسانیده است. تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق، می تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد.» (۴) .

۱- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

۲- ۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵، رادیو اسرائیل (۳۰ / ۱ / ۱۳۶۵) به نقل از هفته نامه «یواس نیواندورلد ریپورت» چاپ آمریکا.

۳- ۲۱. روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۲ /۱۳۶۴.

۴- ۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

بنابراین، علاوه بر آنکه فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرده، متقابلا موجب توجه جدی قدرتهای خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد. خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس، اظهار داشت:

«حملات موفقیت آمیز ایران به عراق، برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می تواند نقطه ی عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج (فارس) باشد.» (۱) .

تغییر در ماهیت سیاسی جنگ

از نظر سیاسی، تبعات ناشی از فتح فاو به منزله ی تغییر در ماهیت سیاسی جنگ نیز بود. بدین معنا که اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق، پس از فتح خرمشهر، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی، سرانجام منتهی به پذیرش صلح از سوی ایران خواهد شد. ولی فتح فاو و ارتقاء موقعیت سیاسی و نظامی ایران در شمال خلیج فارس، عملا منجر به پیدایش شرایط جدیدی شد که هیچگونه مطابقتی با مشخصه های جنگ فرسایشی نداشت.

شورای امنیت سازمان ملل، متعاقب تحولات جدید و تغییر توازن به سود ایران، در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به تهیه پیش نویس و صدور بیانیه ای مهم نمود. در بند ۳ این بیانیه آمده بود:

«دبیر کل از ایران و عراق بخواهد که دو کشور بیدرنگ در زمین، دریا و هوا آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین المللی شناخته شده به عقب بکشند.» (۲) .

قبل از این، در سخت ترین شرائطی که جمهوری اسلامی مورد تهاجمات زمینی، هوایی و دریایی دشمن قرار می گرفت، سازمان ملل پس از

۱- ۲۳. پیشین.

۲- ۲۴. روزنامه اطلاعات، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

چند روز تعلل، تنها اقدام به صدور بیانیه ای می کرد که در آن صرفا از وجود درگیری بین ایران و عراق اظهار تأسف می شد. اما پس از فتح فاو و بعد از آنکه موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی آشکار شد، سازمان ملل با صدور قطعنامه ای جدید. (۱) ، عملا به سود عراق موضعگیری نمود. بدیهی است که در این شرایط تقاضای برقراری آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، بدون اشاره به تعیین متجاوز و پرداخت غرامت و مسائلی از این قبیل، هیچ معنا و مفهومی به جز وارد آوردن فشار سیاسی - روانی بین المللی علیه جمهوری اسلامی نداشت. قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت بر خلاف قطعنامه های پیشین به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز بلافاصله آن را قابل پذیرش خواند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل، طی صدور بیانیه ای در تاریخ ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴، اعلام داشت:

«عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آنست که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس، آن قسمت از قطعنامه که بر کل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می شود ناقص، بی اعتبار و غیر قابل اجرا است... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.» (۲) .

شورای همکاری خلیج فارس نیز در پی تغییر روند تحولات سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، به نحو فزاینده ای نگرانی خود را

۱- ۲۵. قطعنامه ۵۸۲ که توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شد، با تغییراتی در عبارات و کلمات، در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴) در جلسه ۲۶۶۶ شورای امنیت به اتفاق آرا تصویب شد.

۲- ۲۶. مأخذ شماره ۱۷.

بروز داد.

در این زمینه روزنامه لوکوتیدین دوپاری چاپ فرانسه نوشت:

«اوضاعی که در اثر حمله اخیر ایران به وجود آمد، کشورهای غرب را نگران ساخته است، زیرا اولا- این بار نیروهای ایران بدون هیچگونه تردیدی قدم به خاک عراق گذاشته و اکنون نبرد در خاک عراق جریان دارد. ثانیا محلی را که ایران برای حمله خود انتخاب کرده است به کویت بسیار نزدیک است.» (۱) .

«شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به برگزاری اجلاس وزیران به ریاست بن یوسف علوی عبدالله وزیر مشاور امور خارجه عمان کرد. در این اجلاس: وزرای شرکت کننده نسبت به تصرف منطقه فاو از سوی رزمندگان اسلام اظهار نگرانی کردند و این اقدام را مغایر با پیمانهای بین المللی و اصول حسن همجواری قلمداد نمودند.

از جمله مباحث سران شورای همکاری در این اجلاس، تشکیل نیروهای سپر جزیره به منظور مقابله با تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق بود. در سطح سیاسی نیز مقرر گردید که شورای مذکور طی تماسی با کشورهای عربی دوست و سایر کشورها، به منظور خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود، به موضع مشترکی دست یافته و اقداماتی علیه ایران به عمل آورند.

بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو

اشاره

نظر به تاثیرات نسبتا گسترده و تعیین کننده و مواضع و اقدامات آمریکا و شوروی در جنگ ایران و عراق، به منظور مشخص شدن تاثیر فتح فاو بر مواضع دو کشور مزبور، این مبحث به بررسی استراتژی دو قدرت بزرگ در برخورد با جنگ در مراحل مختلف، اختصاص یافته است.

---

۱ - ۲۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، لوکوتیدین دوپاری چاپ فرانسه، ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ (۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

مواضع آمریکا

موضع آمریکـا در جنـگ ایران و عراق اساسا مبتنی بر حمایت از عراق در شـروع تهاجم به خاک جمهوری اسـلامی، به منظور تعـدیل در مواضع انقلاـبی ایران بود. متعـاقب ناکـامی عراق در تحقق و تـأمین اهـداف سیاسـی و نظامی اش در جنگ، در پی تهاجمات سراسـری رزمنـدگان اسـلام که منتهی به فتـح خرمشـهر شـد، ماهیت جنگ از نظر سیاسـی و نظامی تغییر کرد، بدین معنی که اگر تـا آن زمـان از دیـدگاه طراحان، از حربه جنگ به عنوان اهرم فشار و کنترل ایران اسـتفاده می شـد، این حربه در مرحله ی جدیـد به عامل بی ثبات کننده ی عراق و طبعا منطقه تبدیل شد. از این پس، از سوی آمریکا و غرب و نیز کشورهای منطقه، جنـگ و ادامه آن به منزله ی اهرم صـدور انقلاـب و تهدیـد منـافع آمریکا و تزلزل سیاسـی - نظامی عراق و کشورهای منطقه، مورد ارزیابی قرار گرفت. اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق با هدایت و حمایت غربیها، این فرصت را در اختیار آمریکـا و غرب قرار داد تـا بـا حمایتهای همه جانبه از عراق، این کشور را در برابر تهاجمات احتمالی رزمنـدگان اسـلام حفظ نمایند.

آمریکا و غرب پیش بینی می کردند در صورتی که تهاجمات رزمندگان اسلام از نتیجه ی مطلوب برخوردار نشود و از سویی فشارهـای لاـزم در جهت تعـدیل جمهـوری اسـلامی ادامه یابـد، سـرانجام ایران را در برابر غرب مجبـور به ارائه امتیـاز خـواهد ساخت.

غربیها در عین حال که مخالف موفقیت و پیروزی ایران بودنـد، عراقی قدرتمنـد را نیز نمی پذیرفتنـد. روزنامه هرالـدتریبیون به نقل از هنری کیسینجر نوشت:

«در این جنگ نفع نهایی آمریکا آن است که هر دو طرف بازنده شوند.» (۱) .

۱- ۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۶۴. روزنامه آمریکایی هرالدتریبیون.

البته آمریکاییها پیروزی ایران را خطرناک ارزیابی می کردند، زیرا پیام اعتقادی انقلاب اسلامی و شعارهای آن، خطر اضمحلال منافع آمریکا در کشورهای اسلامی را در پی داشت. بولتن اکونومیست چاپ لندن در این زمینه نوشت:

«این کشور (آمریکا) مایل نیست که هیچیک از دو طرف پیروز گردد.

اما پیروزی ایران را نسبت به پیروزی عراق، خطر بزرگتری برای ثبات منطقه تلقی می نماید.» (۱) .

روزنامه سوئدی تمپوس نیز به نقل از هنری کیسینجر در همین زمینه نوشت:

«واشنگتن در مورد ایران که هرگز اهداف خود را محرمانه نمی گذارد، به این نتیجه رسیده است که این کشور تهدیدی بزرگتر است. ایران در نظر دارد بر عراق پیروز شده و دولتی اسلامی در این منطقه مستقر نماید.» (۲) .

همچنین یک مقام آمریکایی که روزنامه تمپوس از افشای نام وی خودداری کرده بود در همین زمینه گفت:

«من تصور می کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع آمریکا در خاورمیانه فاجعه بار خواهد بود. اگر ایران موفق به استقرار حکومت مورد علاقه خود در عراق گردد، سیستمهای پیمانها در خلیج فارس کاملا دگرگون خواهد شد.» (۳) .

آمریکاییها با توجه به درک و تحلیلی که نسبت به جنگ و تواناییها و قابلیتهای نظامی و اهداف هر یک از طرفین داشتند، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و مقابله با رخدادها و حوادث غیر مترقبه، اقدام به نزدیکی و ارتباط با ایران و عراق نمودند.

بر طبق ارزیابی و تحلیل سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، عراق متحد

ص: ۳۱

---

۱ - ۲۹. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۸، مورخ ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵، اکونومیست ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵. روزنامه سوئدی تمپوس.

۳- ۳۱. پیشین.

سنتی شوروی بوده و سیستم تسلیحاتی این کشور، ایدئولوژی حزب بعث و تفکرات سیاسی و اقتصادی آن، برقراری رابطه استراتژیک با شوروی را ایجاب می کرد؛ لکن چرخش عراق به سمت غرب، تهاجم این کشور به ایران (همسو با منافع غرب) و سپس استیصال آن در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام، شرایطی را برای عراق به وجود آورده بود که برای بقا و تداوم حیات سیاسی و نظامی خود شدیدا نیازمند حمایت غرب و آمریکا بود. عراق در چنین شرایطی (پس از فتح خرمشهر) مبادرت به برقراری رابطه رسمی با آمریکا کرد. ارائه کمکهای اطلاعاتی و سایر حمایتها از عراق نیز از همین زمان آغاز شد.

روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا طی تحلیلی در خصوص اهداف آمریکا از برقراری رابطه با عراق نوشت:

«دولت آمریکا در ارتباط با عراق سه هدف سیاست خارجی را در نظر داشته است:

۱- از شکست عراق به دست ایران جلوگیری کند.

۲- عراق به اردوی اعراب میانه رو بپیوندد.

۳- حمایت عراق را در مبارزه با تروریسم بین المللی به دست آورد.» (۱) .

عراق همچنین برای نجات خود، از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه حمایت می کرد. در این باره روزنامه وال استریت ژورنال نوشت:

«دولت ریگان در سال ۱۹۸۴، با این امید روابط دیپلماتیک با عراق را از سر گرفت که آن کشور از تلاشهای صلح ایالات متحده در خاورمیانه جانبداری کند.» (۲) .

در همین روزنامه پیرامون تمایل آمریکا به جانبداری از عراق آمده است:

---

۱ - ۳۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۸۵، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۵ وال استریت ژورنال چاپ آمریکا.

۲- ۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

«هر چند ایالات متحده در جنگ ایران و عراق رسما روش بیطرفی را در پیش گرفته است! ولی گرایشش به جانب بغداد حتی پیش از تجدید مناسبات آغاز شده بود. زیرا به اعتقاد آمریکا پیروزی ایران منطقه خلیج فارس را که از موقعیت استراتژیکی بسیار پر اهمیتی برخوردار است، دستخوش بی ثباتی خواهد ساخت. از اینرو دولت آمریکا جواز فروش هلیکوپترهای غیر نظامی را به عراق صادر کرد... به علاوه، گفته می شود که عربستان سعودی با توافق واشنگتن اطلاعات جبهه های جنگ را از طریق هواپیماهای آواکس برای عراق رله می کند.» (۱) .

بنابراین، در عین حال که آمریکاییها ظاهرا اظهار می کردند که نسبت به پیروزی طرفین جنگ ناخشنود هستند، لیکن در مقایسه با وضعیت عراق در برابر ایران و تبعات پیروزی ایران به حملات اطلاعاتی، تسلیحاتی، تبلیغاتی، دیپلماتیک و اقتصادی از عراق مبادرت نمودند.

از طرف دیگر، تمایل و تلاش آمریکاییها برای نزدیکی به ایران نیز اساسا از اهداف گوناگونی پیروی می نمود. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصیت اساسی انقلاب اسلامی با آمریکا و متقابلا اقدامات خصوصیت آمیز آمریکا علیه ایران، شرایطی را به وجود آورده بود که به هیچ روی امکان آشتی وجود نداشت.آمریکاییها برخلاف رهنمودها و اقدامات امام خمینی (قدس سره الشریف) و دیدگاه ها و عملکرد نیروهای انقلابی، که همواره ضدیت با آمریکا را در تمامی زمینه ها دنبال می کردند، ضرورت نزدیکی تدریجی به ایران را با این درک و تحلیل که انقلاب اسلامی در موقعیت جغرافیایی مشخص به نام ایران به وقوع پیوسته و بحرانهای متعددی را گذرانده و به رغم توطئه ها، شرایط بقا و حیات خود را فراهم آورده است، به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دادند و تلاش کردند از موضع تجدید روابط اقدام نمایند. در آن زمان هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در

---

۱ - ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا، روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

زمینه ضرورت برقراری روابط سازنده با ایران گفت:

«یک جنبه ی منفی پیروزی ایران، تقویت پرستیژ عقاید اسلامی رادیکال ضدغرب از جنوب تا شرق آسیا و تا سواحل اقیانوس اطلس است...

ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی نمودن ایران تا موقعی درست است که تهران توسط متعصبهای توسعه طلب رهبری شود. موقعیت غرب در برابر ایران مشابه روابط آمریکا با چین است. به عقیده ی من سیاست عاقلانه ی آمریکا باید دو طریق را به موازات هم بپیماید، ایستادگی در برابر توسعه طلبیهای ایرانیان همگام با برقراری روابط سازنده، تا آنگاه که واقعیتهای بنیادی خودشان را نشان دهند. سیاستمداران در احاطه بر اوضاع و شرایط حساس، باید روزنه ای را برای روز مبادا بازبگذارند.» (۱) .

موقعیت استراتژیک ایران در جنوب شوروی و در شمال خلیج فارس و برخورداری از جمعیت قابل توجه و منابع نفتی و خاک وسیع و موقعیت جغرافیایی برتر نسبت به همسایگان و سایر مسائل به گونه ای بود که آمریکاییها نمی توانستند به سهولت ایران را نادیده بگیرند. بنابراین، اهداف مختلفی را در این زمینه دنبال می کردند. نشریه ژون آفریک چاپ فرانسه، طی تحلیلی، به بخشی از این اهداف اشاره کرد:

«آمریکا معتقد است که با درگذشت امام خمینی و کشمکشهایی که این امر بدون شک در پی خواهد داشت، زمینه بالا گرفتن یک جریان هوادار غرب در نیروهای مسلح و محافل بورژوازی تجاری ایران فراهم خواهد شد. بنابراین، طراحان نظامی وزارت خارجه آمریکا نقش ناچیز کنونی آمریکا را پذیرفته و از نفرینهایی که مرتبا از سوی تهران نثار آنها می شود به غضب نمی آیند. آنها معتقدند که ایران به محض آنکه

۱- ۳۵. روزنامه واشنگتن پست (۷ / ۱ / ۱۳۶۵).

از لحاظ اقتصادی به زانو درآید به آنها و متحدین غربی آنها روی خواهد آورد. بعلاوه، آنها معتقدند که ضدیت رهبران ایران با شوروی یک برگ برنده غیر قابل انکار در بازی پیچیده ای است که در این منطقه استراتژیک جهان دارند و نشانه آن کمک مستقیمی است که تهران به شورشیان افغان می کند.» (۱) .

رادیو آمریکا به نقل از جک اندرسون مفسر آمریکایی، مقاله وی در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، ضرورت برقراری رابطه آمریکا با ایران را با نظر دیگری مورد توجه قرار داده و برای این تغییر سیاست آمریکا دو دلیل عنوان کرد:

«نخست، نگرانی آمریکا در صورت عدم حضورش در ایران بعد از امام خمینی این است که شوروی شمال ایران را اشغال کند؛ دوم آنکه، کاخ سفید معتقد است در صورت برقراری روابط با ایران، واشنگتن سالانه ده تا دوازده میلیارد دلار کمتر خرج دفاع از خود در برابر اغتشاشات ملهم از ایران خواهد کرد.» (۲) .

علاوه بر آنکه اساسا در تحلیلها شوروی به عنوان یک عامل تعیین کننده لحاظ شده است، فروش تسلیحات به ایران، به لحاظ سیستم تسلیحاتی غربی ایران و برخی از مسائل دیگر نیز به عنوان اهداف آمریکا برای نزدیک شدن به ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در این روند، آمریکاییها از یکسو به منظور کنترل و مهار ایران، اعمال فشار به جمهوری اسلامی را ادامه می دادند و از سوی دیگر به منظور ممانعت از رادیکال شدن بیش از پیش ایران، سیاست نزدیکی به ایران را توسط برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و همچنین ژاپن دنبال می کردند. به عبارت دیگر، سیاست فشار دیپلماسی آمریکا در برابر ایران بدین منظور دنبال می شد که آمریکاییها طی یک روند درازمدت با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق،

۱- ۳۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۶، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵.
۲- ۳۷. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵ رادیو آمریکا.

علاوه بر پایان بخشیدن به جنگ، مناسبات خود با ایران را نیز حل و فصل نمایند. (۱) .

در این روند طبعا آمریکاییها هر عاملی را که منتهی به تغییرات عمده در جنگ و متعاقبا تقویت مواضع ایران و برتری سیاسی و نظامی آن بر عراق می شد، نامطلوب ارزیابی می کردند، لذا فتح فاو به لحاظ تبعات ناشی از آن در تقویت مواضع ایران، به زیان منافع آمریکا و غرب تلقی می شد. از اینرو موضعگیری آمریکا بلافاصله پس از فتح فاو و اقدامات بعدی این کشور در مساعدت به عراق برای حمله به مراکز صنعتی و آب و برق ایران، نشانگر فزونی یافتن مواضع خصومت آمیز آمریکا بود. در این ضمن، جورج بوش معاون وقت رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵ به منظور انجام یک سفر ۸ روزه به کشورهای خلیج فارس و مذاکره پیرامون مسائل نهفته وارد عربستان سعودی شد. در این حال:

«همزمان با سفر بوش به منطقه، حمله به یک نفتکش عربستان سعودی توسط هواپیماهای ناشناس به منزله پیام سیاسی به آمریکا تلقی شد.» (۲) .

بوش در اولین اظهار نظر خود، نگرانی آمریکا نسبت به گسترش جنگ در خلیج فارس را اینچنین مورد اشاره قرار داد:

«چیزی که ما و دوستان ما را نگران می کند آن است که این جنگ به فراتر از محدوده کنونی آن توسعه یابد. احتمال دارد که به بستن آبراه هرمز اقدام شود و یا اینکه ممکن است ایران از خطوط عراق بگذرد و به کشورهای همسایه حمله کند و این متأسفانه چیزی است که تهدید انجام آن صورت گرفته است. ما بارها این نکته را یادآور شده ایم و اجازه

۱- ۳۸. آنچه که بعدها به عنوان ماجرای مک فارلین انتشار یافت از سال ۶۴ آغاز و به منظور تحقق اهداف فوق دنبال می شد.
۲- ۳۹. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۹۰، رادیو مسکو (۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵).

دهید مجددا آن را در اینجا تکرار کنم که ایالات متحد اساسا و قطعا به جریان آزاد نفت از خلیج فارس متعهد است.» (۱) .

همچنین در پی اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی در خلیج سیرت، بوش در اظهارات تهدیدآمیز خود که خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را نقل کرد، گفت:

«درگیری نظامی اخیر بین آمریکا و لیبی در خلیج سیرت باید گوشزدی برای ایرانیها باشد. آمریکا نمی خواهد نظاره گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بیانجامد.» (۲) .

بلافاصله پس از موضعگیری تهدیدآمیز بوش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده عالی جنگ اظهار داشت:

«آقای بوش در این شرایط حساس به کشورهای همسایه مسافرت می کند و چنین مغرورانه می گوید که ما اجازه نمی دهیم آبراههای جهانی ناامن شود یا ایران پیروز گردد. این حرفها برای کیست؟ ما که می دانیم شما جنگ را برای از پا درآوردن ما ایجاد کردید، حال که شکست خوردید می گویید ما اجازه نمی دهیم موازنه در منطقه بهم بخورد.» (۳) .

بوش طی این سفر ۸ روزه به بررسی وضعیت منطقه پرداخت. در این برهه، طبعا اظهار نگرانی کشورهای منطقه و درک و دریافت بوش از شرایط متزلزل عراق، تأثیرات قابل ملاحظه ای در تصمیمات بعدی آمریکا داشت.

مصاحبه ژنرال هارین کریست، مسئول کمیته منطقه خلیج فارس از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و تأکید وی بر مسئولیتهای آمریکا در این منطقه، پیام آشکار آمریکا به ایران و همسایه شمالی آن بود:

«ما مسئولیت عمده ای در قبال خلیج (فارس) به عهده داریم، یکی اینکه روسها را از کشورهای کوچک خلیج دور نگهداریم و دیگر آنکه

۱- ۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵. رادیو آمریکا، (۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵).

۲- ۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵.

۳- ۴۲. روزنامه کیهان، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵، سمینار لبیک به ندای امام خمینی در استان خراسان.

امنیت دسترسی به ذخایر نفتی منطقه را تضمین نمائیم.» (۱) .

آمریکاییها ضمن اعلام موضع خود نسبت به تلاشها و اقدامات بعدی ایران به منظور بهره گیری از نتایج حاصله از فتح فاو، اقداماتی را انجام دادند که اساسا در جهت رفع نگرانی کشورهای منطقه بود.

فروش سلاح به عربستان سعودی که به لحاظ تأثیر آن بر توازن بین اعراب و اسرائیل مورد مخالفت کنگره بود، بخشی از اقدامات آمریکا در این مرحله محسوب می شد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۴ /۲ / ۱۳۶۵سعی نمود تا کنگره آمریکا را توجیه کند که تحویل ۳۵۴ میلیون دلار سلاح به عربستان سعودی تصویب شود. شولتز در برابر اقدام کمیته فرعی نمایندگان، که لایحه ای را در مخالفت با این فروش پیشنهاد کرده بود، طی مطالبی برای آن کمیته نوشت:

این فروش، علائم سیاسی آشکاری خواهد فرستاد. علائمی به ایران که از گسترش جنگ با عراق جلوگیری کند و علامتی به عربستان و دیگر کشورهای میانه رو که اراده ی خود را تقویت کنند و این فروش اعتبارها و قابل اعتماد بودنها را به عنوان یک شریک امنیتی مورد تائید قرار می دهد.» (۲) .

شولتز در نامه دیگری به لی هامیلتون نماینده کنگره، مسائل دیگری را مطرح کرد که بخوبی نگرانیهای آمریکا را خاطر نشان می ساخت. وی در این نامه نوشت:

«عربستان سعودی برای جلوگیری از گسترش و توسعه ی خرابکاری شوروی و یا ایرانیها در منطقه خلیج فارس و حفظ جریان نفت منطقه به غرب و ژاپن به سیستم دفاعی موشکی نیاز دارد.» (۳) .

در این شرایط که آمریکاییها بر فروش سلاح به عربستان سعودی پافشاری می کردند، خبر دستگیری یک شبکه ی قاچاق اسلحه در آمریکا انتشار

۱- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۴. روزنامه رسالت، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویتر.

۳- ۴۵. پیشین.

یافته و پوشش وسیع خبری به آن داده شد. دادستان فدرال آمریکا طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«پنج قرارداد مختلف با یک خریدار ایرانی به نام سیروس هاشمی که پیش از این نیز در سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا متهم به فروش اسلحه به ایران شده، منعقد شده بود.» (۱) .

به گفته ی مقامات قضایی آمریکا، متهمین قصد داشتند شکاریهای اف – ۴ و اف – ۵، موشکهای زمین به زمین، موشک تاو و... را به طور غیر قانونی به ایران صادر کنند. حجم معاملات بالغ بر ۵ / ۲ میلیارد دلار بود. بلافاصله روز بعد آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«کدام قاچاقچی اسلحه در دنیا وجود دارد که بتواند هواپیماهای پیشرفته امریکایی را از آن کشور خارج کرده و به ایران بفرستد؟»

سپس ایشان تأکید کردند:

«ما غیر از اسرائیل که باید بایکوت باشد، البته اسلحه ی آمریکایی را از هر کجا بتوانیم تهیه می کنیم، به خاطر اینکه هواپیماها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است... امروز هم اگر یک هواپیما و موشک امریکایی پیدا کنیم، آن را می خریم و این هیاهو برای ما عجیب است.» (۲) .

بنابراین، پس از فتح فاو و نظر به تأثیرات این پیروزی در ایران و منطقه، آمریکاییها نگرانی خود را با سفر شتابزده ۸ روزه جرج بوش به منطقه و اظهارات وی و سایر مقامات آمریکایی مبنی بر «خطر گسترش جنگ» و «تهدید جریان صدور نفت از خلیج فارس» ابراز کردند، ضمن آنکه برنامه هایی را نیز طراحی کرده و انجام دادند که بخشی از آن شامل فروش سلاح به عربستان و متقابلا تشدید مقابله با خرید تسلیحات توسط ایران از منابع موجود در اروپا بود. علاوه بر این، باید به نقش آمریکاییها در ارائه

---

۱ – ۴۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۱۵، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۵، ادماتیه چاپ فرانسه ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ (۴ / ۲ / ۱۳۶۵).

۲ – ۴۷. روزنامه کیهان، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵.

اطلاعات به عراق و تشویق و ترغیب این کشور در حمله به مراکز صنعتی و آب و برق و آغاز استراتژی موسوم به دفاع متحرک اشاره کرد. در واقع، تلاشهای یاد شده عمدتا بدین منظور طرحریزی و اجرا می شد که آمریکا نتایج حاصله از فتح فاو و تغییر توازن در منطقه خلیج فارس را مهار و کنترل نماید.

مواضع شوروی

در سال ۱۳۵۷ روسیه برای اولین بار با انقلاب معتبر و قدرتمندی روبرو شد که حداقل به صورت بالقوه منافع این کشور را در آسیای میانه تهدید می کرد. اما در عین حال، مواضع ضد غربی ایران و برچیده شدن پایگاه های امریکا از مرزهای جنوبی شوروی موجب شد تا انقلاب اسلامی از جهاتی از نظر مسکو مورد ارزیابی مثبت قرار گیرد، چنانکه تلاش مسکو برای بهره برداری از تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن در منطقه به سود این کشور، موجب گردید که افغانستان مورد تجاوز و اشغال قرار گیرد. اما موضعگیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به تجاوز ارتش سرخ به مردم مسلمان افغانستان و حمایت از این کشور، اثرات نامساعدی بر روابط دو کشور باقی گذاشت.

به دنبال تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ روسها در برابر وضعیت خاصی قرار گرفتند. آنها در عین حال که مخالفت خود را با تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماتیک و با تعلیق فروش اسلحه به عراق نشان دادند لیکن از جهاتی امیدوار بودند که فشار غرب به ایران، علاوه بر تشدید شکاف در روابط ایران و غرب، روابط ایران با شوروی را بهبود بخشیده و مواضع ایران در قبال مسئله افغانستان را نیز تعدیل نماید.

ص: ۴۰

بدیهی است که تعلیق فروش سلاح به عراق با توجه به تسلیحات واگذاری شده از سوی روسها به این کشور قبل از شروع جنگ و سلاحهایی که عراق از غرب دریافت کرده بود، هیچ تأثیری در روند تحولات جنگ به زیان عراق، نداشت. ضمن آنکه هرگز روسها عراق را به عنوان متجاوز معرفی نکردند.

در چنین شرایطی روسها امیدوار بودند که ایران متأثر از تهاجم عراق نه تنها از هر گونه گرایش به غرب اجتناب نماید، بلکه با نزدیکی به مسکو نسبت به مسئله افغانستان مواضع جدیدی را اتخاذ کند. به عبارت دیگر، ایرانی تضعیف شده که به غرب متمایل نشده و در برابر روسها سیاستی همراه با تساهل و تسامح را انتخاب می کرد، مطلوب مسکو تلقی می شد.

طی این دوره مناسبات ایران و شوروی متأثر از سه مسئله افغانستان، جنگ ایران و عراق و حزب توده بود. به لحاظ عدم انعطاف در سیاست خارجی مسکو و نحوه نگرش این کشور به معضلات فی مابین، به نظر نمی رسید که گشایشی در مناسبات دو کشور به وجود آید. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) انتخاب گورباچف به دبیر کلی حزب کمونیست موجب گردید تا تحولات قابل ملاحظه ای در سیاست خارجی این کشور بروز نماید. تصمیم و تلاش برای حل و فصل مسئله افغانستان، مهمترین و برجسته ترین گام زمامداران جدید شوروی بود که آغاز شد.

شوروی تحت رهبری گورباچف تمایل داشت نقش سازنده تری در گفتگوی صلح خاورمیانه داشته باشد. در این میان، تصمیم به عقب نشینی از افغانستان مهمترین و برجسته ترین اقدام گورباچف بود. وی بعدها اظهار داشت که تحول در سیاست خارجی و آنچه منجر به عقب نشینی از افغانستان شد، از آوریل ۱۹۸۵ (اسفند ۱۳۶۳) - درست یک ماه پیش از به قدرت رسیدن او - شروع شد. از این پس، سیاستهای شوروی در

برخورد بـا جنـگ ایران و عراق نیز شـکلی فعـالتر به خود گرفت. ظـاهرا روسـها در مسـئله جنـگ ایران و عراق و مسائـل دیگر منطقه، نسبت به غرب احسـاس عقب مانـدگی می کردنـد. تلاش شوروی برای به دست گرفتن ابتکـار عمل در جنگ، با این فرض طرحریزی و شـروع شـد که به رغم گرایش عراق به غرب، تحت رهبری صـدام می توان علاوه بر جذب عراق، به اعمال فشار به این کشور پرداخت و ایران را نیز با ارائه برخی کمکها و همچنین اعمال فشار در شرایط مقتضی، جذب کرد.

روسها از این پس در نظر داشتند در مقابل حل مسئله ی افغانستان امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای منطقه به دست آورند. گوربـاچف مکررا در اظهـارات خود بیـان کرده بود که حـل مسـئله ی افغانسـتان می توانـد راه را برای تلاشـهای بیشـتر جهت فرونشانـدن آتش در سایر درگیریهای منطقه ای، نظیر درگیریهای خاورمیانه و خلیـج فارس هموار کند. بر این اساس، از سوی روسـها به منظور حـل و فصـل مسائل افغانسـتان، جنگ ایران و عراق، مسائل خلیـج فارس و صـلح اعراب و اسـرائیل، برگزاری چهار کنفرانس صلح بین المللی پیشنهاد شد.

روسـها فاقد ابزار لازم برای تحقق پیشـنهادات خود بودند، لیکن در نظر داشتند در ازاء امتیازاتی که با عقب نشینی از افغانستان از دست می دهند، در سایر زمینه ها به کسب بهره برداریهای مناسب بپردازند.

آمریکاییها بیش از این مایل به مشارکت مسـکو در جهت حل و فصل مسائل منطقه نبودند، ضمن آنکه تهدیداتی را نیز نسبت به منـافع خویش متحمـل می دانسـتند، آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق در نظر داشت تا با تضـعیف و کنترل هر دو کشور، روابط با ایران و عراق را طی این روند شکل داده و با ابتکار عملی، خود جنگ را به پایان برساند.

پس از ایجاد ارتباط تسلیحاتی برخی کشورهای عضو جبهه ی پایداری

عرب با ایران، بویژه مسلح شدن ایران به موشکهای اسکاد در سال ۶۳، تحرک روسها در جنگ ایران و عراق شکل جدیدی به خود گرفت. از این پس عراقیها روابط جدیدی را با مسکو آغاز کردند. سفر صدام به شوروی در سال ۶۳ و مذاکره با رهبران این کشور شروع بخشی از مناسبات جدید بود.

عراقیها تقاضای دریافت موشکهای اس.اس.۲۱ و اس.اس.۲۲ را نمودند تا با بهره گیری از آنها تهران را مورد حمله موشکی قرار دهند. روسها اعلام داشتند که با ارسال سایر تجهیزات نظامی موافق هستند، لیکن واگذاری موشکها را عملا به زمان دیگری موکول کردند.

شوروی تصور می کرد که همانگونه که با واگذاری موشک اسکاد به ایران، عراق را تحت فشار قرار می دهد، بدین وسیله نیز می تواند به ایران تفهیم نماید که نسبت به مسئله افغانستان و نیز میانجیگری شوروی در جنگ ایران و عراق مواضع خود را تعدیل نماید، در غیر این صورت با تجهیز عراق به موشکهای دوربرد، فشار لازم را به ایران وارد خواهد ساخت. در این خصوص نشریه المستقبل چاپ فرانسه، به نقل از منابع برجسته عربی نوشت:

«اتحاد شوروی دست به تحرک دو مرحله ای زده است. مرحله نخست: در خلال دیدار پرزیدنت صدام حسین از مسکو که در دسامبر گذشته صورت گرفت، مقامات شوروی موضوع کشاندن جنگ بر سر میز مذاکره و آمادگی رهبران شوروی برای ایفای نقش میانجی جهت تحقق این امر را با رئیس جمهور عراق در میان گذاشتند. بر این اساس، مقامات شوروی عدم موفقیت خود را با ارسال موشکهای دوربرد زمین به زمین از نوع اس.اس.۲۱ و اس. اس. ۲۲ (که می تواند به اهدافی در فاصله ی ۶۰۰ کیلومتری و یا بیشتر اصابت نماید) را به عراق اعلام

نمودند، هر چند که با ارسال دیگر تجهیزات جنگی به عراق موافق بودند.

شورویها تصور نمودند که این امر ممکن است رهبران ایران را به نشان دادن نرمش و آمادگی برای انجام مذاکره با عراق تشویق نماید.» (۱) .

به دنبال تحرکات دیپلماتیک شوروی و عراق، روسها به منظور ممانعت از ناخشنودی ایران، علاوه بر ارسال گزارش مذاکرات، طی نامه ای به مسئولین جمهوری اسلامی، کورنینکف را همراه با یک هیئت عالیرتبه راهی تهران نمودند. طی این سفر، ملاقاتهای سطح بالایی برای کورنینکف ترتیب داده شد. وی از جانب گورباچف از مسئولین جمهوری اسلامی برای بازدید از مسکو دعوت به عمل آورد. صدور بیانیه مشترک از جانب ایران و شوروی و اظهار رضایت طرفین از نتایج مذاکرات، نشانگر موفقیت سفر و خشنودی ایران و شوروی از دستیابی به مقاصد خود بود.

بلافاصله پس از آغاز عملیات والفجر ۸، فتح فاو و انهدام بخشی از توان نظامی عراق، روسها صریحا و آشکارا طی موضعگیری متفاوتی ناخشنودی خود را ابراز داشتند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از واسیلی سافرونموک نماینده شوروی چنین مخابره کرد:

«شوروی از متخاصمین دعوت کرد تا اختلافات خود را بر سر میز مذاکره حل و فصل کنند نه در میدان نبرد. ادامه جنگ تنها به نفع کسانی است که به منظور مداخله می خواهند ایران و عراق را تضعیف کنند.» (۲) .

رئیس ستاد نیروهای مسلح شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«موضعگیری شوروی در جنگ غیر قابل تغییر بوده است. شوروی این جنگ را بی معنی و غیر ضروری برای هر دو طرف می داند که باید هر چه زودتر قطع شود. موضعگیری شوروی ثابت است چه وقتی که

۱- ۴۸. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۶۶، ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۵ المستقبل چاپ فرانسه ۲۲ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. خبرگزاری فرانسه (۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

عراق وارد خاک ایران شد و چه حالا که ایران وارد خاک عراق شده است.» (۱) هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی می نویسد:

«نبایـد اجازه داد که جنگ ایران و عراق طولانی تر از این بشود زیرا این امر ممکن است پای نیروهای امپریالیستی علاقه مند به افزایش تشنجات آینده خلیج فارس را به این منطقه بکشاند.» (۲) .

سفیر شوروی در قاهره طی مصاحبه ای ضـمن تأکید بر موضع شوروی برای پایان بخشـیدن به جنگ، سیاسـتهای ایران را عامل تداوم جنگ نامید:

«اتحاد جماهیر شوروی سـعی می کند با هر روش ممکن جنگ ایران و عراق را متوقف سازد، ایران آماده نیست سـیاست خود را برای ادامه جنـگ تغییر دهـد و حمله ی اخیر ایران بر سـرزمینهای عراق تأکیـدی بر این سـیاست است. شوروی توقف فوری جنگ ایران و عراق و خاتمه درگیری از راههای مسالمت آمیز را خواستار است.» (۳) .

ایزوستیـا چـاپ شـوروی نیز طی تحلیلی ضـمن تأکیـد بر ضـرورت حـل جنـگ بـه شـیوه مسـالمت آمیز و بهره نهـائی آن برای امپریالیزم در صورت ادامه جنگ، نوشت:

«جنـگ خلیـج فارس نه به نفع عراق است و نه ایران، تنها کشورهائی که از آن سود می برنـد آمریکا و متحـدانش می باشـند.» (۴) .

روسـها شـکست عراق در برابر ایران را به لحاظ نتایج ناشی از آن، اساسا به زیان خود ارزیابی می کردند و تلاش آنها فشار به ایران برای اتمـام جنـگ بود. غربیهـا انگیزه شوروی از اتخـاذ مواضع جدیـد را تقویت موقعیت این کشور در منطقه و گسـترش رابطه با ایران و عراق می دانستند.

در این مورد ژنرال هارین کریست از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و مسئول کمیته منطقه ی خلیج فارس ضمن تحلیلی گفت:

۱- ۵۰. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی،: بولتن شماره ۲۲۲ / ۳، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۵۱. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسـلامی، «بررسـی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۲، ۷ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی ۶ مارس ۱۹۸۶ (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۳- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو صوت جماهیر (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، به نقل از شوروی در قاهره.

۴- ۵۳. دفتر تبلیغات اسـلامی واحد قم، بولتن «گزارش» شماره ۳۳، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویتر، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۵، به نقل از ایزوستیا چاپ شوروی.

«به نظر می رسد در حال حاضر شرایط به سود روسها باشد و آنها در جنگ ایران و عراق بر روی دو طرف کار می کنند، لیکن من فکر می کنم که روسها به ایران به صورت جواهر یک تاج نگاه می کنند زیرا در صورتی که روسها کنترل ایران را به دست گیرند، کنترل تمامی خلیج فارس را در اختیار خواهند داشت.» (۱) .

هفته نامه نیوزویک معتقد است پیروزی ایران در فاو موجب گرایش صدام به شوروی شده است:

«پیروزی اخیر ایران باعث گرایش صدام حسین به شوروی خواهد شد. اخیرا یک گروه هزار نفری از مستشاران نظامی روسی وارد بغداد شدند که اکثرا در واحدهای عملیاتی عراق در خط مقدم جنگ مشغول به کار خواهند شد. این در حالی است که صدام حسین در سفر خود به مسکو، در پائیز سال گذشته، عاجزانه درخواست کمکهای تسلیحاتی اساسی تری از شوروی کرده بود.» (۲) .

بولتن محرمانه ی اکونومیست نیز پیروزی ایران را عامل افزایش نگرانی شوروی و تسریع ارسال تجهیزات به عراق ذکر کرده و می نویسد:

«این شکست (عراق در فاو) شوروی را نگران ساخت. در حال حاضر گفته می شود که این مسئله، توجه و رسیدگی و سرعت بخشیدن به روند کند تحویل اسلحه از روسیه به عراق را سبب شده است.» (۳) .

در شرایطی که اخبار متفاوتی مبنی بر ناخشنودی شوروی از پیروزی جمهوری اسلامی و ادامه جنگ و همچنین گسترش روابط شوروی با ایران و عراق انتشار می یافت، عراقی ها به طور ماهرانه ای به انتشار خبری مبنی بر استفاده از سلاحهای پیچیده و خطرناک دریافتی از شوروی، مبادرت به تهدید ایران نمودند. متن خبر منتشره از رادیو عراق چنین است:

«عراق هنوز از سلاح پیچیده و خطرناک ساخت روسیه که در

۱- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه نیوزویک چاپ آمریکا.

۳- ۵۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره۱۰۷۹، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، نشریه اکونومیست چاپ لندن، ۱۳ مارس ۱۹۸۶ (۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

اختیار این کشور است استفاده ننموده و اگر استفاده کند نتیجه معلوم خواهد شد.» (۱) .

عراق با انتشار این نوع اخبار در صدد بود که مانع از ایجاد ارتباط نزدیک بین ایران و شوروی شود. زیرا چنین رابطه ای را به زیان خود می دید.

اما شوروی ها که نمی خواستند در این شرایط تهران را آزرده نمایند، بلافاصله واکنش نشان دادند. یک مقام روسی در تهران اظهار داشت:

«دولت شوروی قصد ندارد که سلاحهای جدیدی در اختیار عراق قرار دهد، زیرا یک چنین عملی موفقیت بیطرفانه شوروی در جنگ ایران و عراق را نقض خواهد کرد.» (۲) .

در همین زمان القبس چاپ کویت اقدام به درج اخباری کرد که حاکی از افزایش ارسال سلاح توسط شوروی به عراق بود:

«شوروی یک پل هوائی برای حمل سلاح و مهمات به بغداد کرده است. گورباچف رهبر شوروی با ارسال نامه ای به برخی از سران عرب به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد.» (۳) .

مناسبات عراق و شوروی متعاقب فتح فاو به شکل فزاینده ای رو به بهبود نهاد. در واقع روسها از سیاست جدید خود مبنی بر فشار به عراق برای جذب مجدد این کشور، موفقیت هائی را به دست آوردند. توسعه ی روابط عراق با شوروی و تجهیزات دریافتی توسط عراق گرچه منتهی به دریافت موشکهای اس.اس۲۱ نشد لیکن در عین حال برای تقویت توان نظامی عراق و کسب حمایت سیاسی شوروی مفید بود. سفیر عراق در مسکو (سعید فیصل) طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«روابط دوجانبه میان عراق و شوروی در مدت اخیر بویژه در سال جاری شاهد گسترش و رشد چشمگیری بوده است. دیدارهای متقابل دو

۱- ۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی (بوشهر)، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو عراق.

۲- ۵۸. روزنامه کیهان، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴، رادیو لندن.

۳- ۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴، القبس چاپ کویت.

کشور در سال گذشته و بخصوص سفر صدام رئیس جمهوری عراق به مسکو روابط دوستانه دو کشور را ژرف تر ساخت. گسترش چشمگیر روابط در زمینه های اقتصادی، بازرگانی و پروژه های نفتی بود.» (۱) .

چند روز پس از اظهارات رضایت آمیز سفیر عراق در مسکو پیرامون روابط بغداد - مسکو، طارق عزیز طی سفر سه روزه به مسکو اقدام به انعقاد قرارداد با این کشور نمود. وی پس از مراجعت به بغداد طی مصاحبه ای با رادیو عراق گفت:

«سفرش به شوروی موفقیت آمیز و ثمربخش بوده و به امضای یک موافقتنامه همکاری گسترده در همه ی زمینه ها انجامیده است به طوری که مرحله جدیدی در راه همکاری جدی بین دو کشور پدیدار خواهد شد.» (۲) .

به هر حال، با گرایش عراق به سوی شوروی پس از عملیات فاو، روسها با صرف هزینه ای گزاف و تأمین منابع تسلیحاتی عراق، موقعیت خود را در منطقه بهبود بخشیدند و ضمن تجدید روابط نزدیک با عراق، زمینه های ایجاد مناسبات نزدیک با کشورهای عربی را نیز آماده می ساختند و همزمان با این اقدامات درصدد برآمدند که با تهران نیز روابط نزدیکی برقرار سازند.

۱- ۶۰. روزنامه رسالت، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری کویت.

۲- ۶۱. روزنامه رسالت، ۱ / ۲ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر.

تشدید فشار به جمهوری اسلامی

اشاره

فتح فاو و نتایج ناشی از آن در تغییر موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی، موجب گردید تا تلاشهای گسترده ای از سوی عراق و غرب به منظور تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران طراحی شود. اتخاذ استراتژی نظامی دفاع متحرک و افزایش حملات هوایی از سوی عراق و همچنین کاهش قیمت نفت بخشی از ابعاد گوناگون این طرح به شمار می رفت که به مرحله اجرا در آمد. تلاشهای عمده عراق و حامیانش در این مقطع به جلوگیری از شکست کامل عراق، بازگردان موقعیت از دست رفته آن کشور و حداقل، برقراری توازن بین دو کشور درگیر، با وادار نمودن جمهوری اسلامی به عدول از مواضع اصولی اش در نظر گرفته شده بود. تا آنجا که برژینسکی طی اشاره به تلاش غرب جهت جلوگیری از شکست عراق و ضرورت اعمال فشار به جمهوری اسلامی گفت:

«هدف غرب باید این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی نظام سازد. زیرا یک حیوان متحد با

ص: ۴۹

اهداف سیاسی میانه رو، با منافع آمریکا در خلیج فارس مطابق است.» (۱) (۲) .

بـه عبـارت دیگر، در حـالی که فشارهـای وارده به ایران می بـایست تواناییهـا و قابلیتهـای نظـامی، اقتصـادی و سیاسـی ایران را تضعیف نماید، لکن باید به گونه ای کنترل می شد تا جنگ بدون اینکه برنده یا بازنده ای داشته باشد، پایان یابد.

بدین ترتیب به دنبال فتح فاو توسط جمهوری اسلامی، سیاست اعمال فشار به ایران با هدف ایجاد «توازن سیاسی – نظامی» بین دو کشور در قـدم اول، و در نهـایت تحمیل صـلح به جمهوری اسـلامی تـدوین و به مرحله اجرا در آمـد که در ذیل با بررسـی فشارهای وارده به ایران، چگونگی آن را مد نظر قرار می دهیم.

استراتژی دفاع متحرک

ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و تأثیرات منفی از دست دادن این منطقه از نظر روحی و سیاسـی و نظامی، مهمترین محرک عراق در اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک» بود. تاکتیک نیروی زمینی سـپاه برای عبور از رودخانه اروند و غافلگیری قوای عراقی موجب گردید که آنان در وضـعیت دشواری قرار گرفته و برای باز پس گیری منطقه ناتوان شدند. در چنین شـرایطی عراق دو راه مشـکل در پیش رو داشت که انتخاب هر یک از آنها می توانست تأثیرات نامطلوبی را برای این کشور در پی داشـته باشد، بدین معنی که اگر از یکسو برای بازپس گیری فاو پافشاری می کرد، می بایست به

---

۱ – ۶۲. البته این نوع موضـعگیری که ایران نبایـد فرسوده و بی نظام شود، ناامیدی غرب را از اضـمحلال و فروپاشـی جمهوری اسـلامی نشان می دهد. برژینسکی به جای اعتراف به شکست استراتژی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، به گونه ای سخن می گوید که گویا آمریکا اقدامی علیه نظام و ثبات ایران انجام نداده است!.

۲– ۶۳. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، کتاب «خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ»، (تهران: سپاه پاسداران)، ص ۷۸.

تلفات سنگین تن در دهد. زیرا موقعیت و نحوه حضور رزمندگان اسلام و وضعیت رزمی نیروهای عراقی امیدی برای دشمن باقی نمی گذاشت. متقابلاـ به خاطر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه، چشم پوشی از آن و قبول تسلط ایران بر آنجا نیز برای عراق میسر نبود.

بدین ترتیب، عراق با بن بست سختی روبرو بود و برای خروج از این وضعیت می بایست الزاما استراتژی جدیدی اتخاذ می کرد. اظهارات صدام در آن زمان، بخشی از ابعاد وضعیتی را که عراق گرفتار آن شده بود بیان می کند:

«پاره ای از دوستان توصیه کرده اند که شما چه اصراری دارید در حالی که ایرانیها نیروهای خود را در (فاو) متمرکز ساخته اند به آن منطقه حمله کنید. اهداف دیگری را غیر از شهر فاو در طول مرز ۱۲۰۰ کیلومتری تعیین و به نیروهای ایران حمله کنید. حال ما به این نتیجه رسیده ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می دهیم که معمولاـ در حمله می دهیم. بنابراین راه در این یافتیم که فعلا از فاو صرفنظر کنیم و در سایر جبهه ها به نیروهای ایرانی حمله کنیم.» (۱) .

اظهارات صدام بیانگر سیاست جدید نظامی عراق و توضیح اهداف این کشور در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک بود. در این شرایط عراق در نظر داشت که ابتدا از پیشروی رزمندگان اسلام ممانعت به عمل آورده و سپس مبادرت به عقب راندن آنها نماید. لذا پس از آنکه به این نتیجه رسید که پیشروی نیروهای ایرانی در منطقه متوقف شده است و تنها اقداماتی در جهت تثبیت مواضع صورت می گیرد، بدون نگرانی از ادامه پیشروی نیروهای خودی در فاو، «استراتژی دفاع متحرک» را در دستور کار خود قرار داد. تحلیل خبرگزاری رویتر در این باره چنین است:

«عراق پس از آنکه با ضد حملات مکرر نتوانست ایرانیها را از فاو

۱- ۶۴. دفتر تبلیغات اسلامی، بولتن «گزارش» شماره ۲۶، ۲ / ۳ / ۱۳۶۵.

بیرون کند، استراتژی خود را تغییر داده و نیروهای آن برای اولین بار از زمان عقب نشینی از خاک ایران در سال ۱۹۸۲، از مرز ایران عبور کرده و بخشهایی از خاک ایران را به اشغال در آورده اند.» (۱) .

عراقیها همچنین نسبت به این مسئله واقف بودند که در وضعیت موجود، عامل مؤثر در تغییر موازنه در جنگ، باز پس گیری فاو می باشد. بر این اساس، استراتژی دفاع متحرک نهایتا بدین منظور طراحی شده بود که در مرحله بعد منجر به عقب راندن نیروهای ایران از فاو شود. اظهارات دولتمردان عراق در این زمینه می تواند بسیار گویا باشد:

«عراق راه حل نظامی برای آزاد سازی فاو را حتی یک روز به تأخیر نخواهد انداخت.» (۲) .

معاون صدام، طه یاسین رمضان، نیز در این زمینه گفته است:

«عراق برای باز پس گرفتن فاو در موقعیتی مناسب، طرحی را تهیه کرده و نیروهای عراق از مرحله دفاع به مرحله تهاجم منتقل شده اند.» (۳) .

در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ تحرکات نظامی عراق (۴) در چارچوب استراتژی دفاع متحرک با حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در منطقه چوارتا آغاز شد و به دنبال پیروزی نیروهای عراق در این منطقه و کسب روحیه حاصل از این موفقیت، تهاجم به سایر مناطق گسترش یافت. طی این مدت عراق به منطقه عمومی پنجوین (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، ارتفاعات دربندیخان (۱۰ / ۱ / ۱۳۶۵)، منطقه شرهانی (۱۸ / ۱ / ۱۳۶۵) ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)، ارتفاعات منطقه سیدکان (۴ / ۲ / ۱۳۶۵)، جزیره مجنون (۶ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه فکه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه پیچ انگیزه (۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵) ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲/ ۱۳۶۵) و منطقه عمومی مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵) حمله کرد.

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو کویت (۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵)، مجله المدارت چاپ لندن.

۲- ۶۶. روزنامه رسالت، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵، روزنامه کویتی السیاسه.

۳- ۶۷. پیشین.

۴- ۶۸. در این مورد به کتابهای «از خرمشهر تا فاو» و «جنگ در سال ۶۵»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران مراجعه شود.

انتخاب این مناطق برای حمله از سوی عراق، با این برداشت و درک نظامی طراحی شـده بود که نیروهای ایران پس از عملیات فـاو فاقـد سازمانـدهی لازم می باشـند و در صورتی که نیروهـای عراق در جبهه هـای مختلف به صورت جـداگانه مبادرت به تهاجم نمایند، ایران توان لازم برای پاسـخگویی نخواهد داشت. (۱) البته تحرکات عراق، عملیات مهمی به حساب نمی آمـد و به جز آخرین مرحله از این سلسـله عملیات که به سقوط مهران انجامید، بقیه عملیات دشمن قابل توجه نبود و نمی توانست فتح فـاو را تحت تـأثیر قرار دهـد. ولی دشـمن که ضـربه شدیـدی را در فـاو متحمـل شـده بود، برای جـبران موقعیت از دست رفته، حرکات نظامی محدود خود را با هیاهوی تبلیغاتی توأم می کرد. رادیو عراق که در عوامل این هیاهو بود، اعلام می داشت:

«ارتش ایران را در تمـامی جبهـه (از شـمال گرفتـه تـا جنـوب) مـورد حمله و سـرکوب قرار می دهیم و بزرگـترین خسـارات و ضایعـات را به آنهـا وارد می آوریم. هیـچ تجمع و تراکمی را بـدون ضـربت و سـرکوب بـاقی نخواهیم گـذاشت. هر کسـی را بخـواهیم بـه اسـارت خـود در می آوریـم و بـا دلیـل ملمـوس به رژیم ایران ثـابت خـواهیم کرد که این موضـعگیری مـا همـان موضـعگیری پیش است، یعنی خودداری از تهـاجم به داخـل خـاک ایران، همچنان که در میـدانهای جنگ به رژیم ایران ثابت کردیم که تمایل به صـلح داریم و این بار قدرت نظامی ما با برگزیدن صلح به جای جنگ هماهنگی دارد و موضعگیری ثابت و نهایی ما است.» (۲) .

۱- ۶۹. فرمانده کل سپاه پاسداران در این زمینه اظهار داشت: به گفته ی یک سـرهنگ پناهنده عراقی، عقیده ارتش عراق این است که نیروهای ایران بعد از هر حمله نیاز به یکسال بازسازی دارند و نمی توانند سریع حمله کنند؛ لذا ما باید از این مسئله به عنوان غافلگیری استفاده کرده و به آنها حمله کنیم. (کتاب جنگ در سال ۶۵، ص ۷۰).

۲- ۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو بغداد (۱۷ / ۲ / ۱۳۶۵).

پس از فتح فاو مقامات عراقی قدرت مانور سیاسی خود را از دست داده بودند و دیگری نمی توانستند تظاهر به صلح طلبی کنند. اما بعد از شروع استراتژی دفاع متحرک و کسب چند موفقیت نسبی، مجددا به مانورهای سیاسی - تبلیغاتی پرداختند.

چنانکه اشاره شد، دفاع متحرک عراق اهداف ارزشمندی را برای این کشور در پی نداشت، مگر آخرین مرحله آن منجر به سقوط مهران شد. در پی این عملیات بود که عراق احساس کرد عقب ماندگی خود را در شکست فاو جبران کرده و به توازن نزدیک شده است. به همین دلیل، پس از سقوط مهران، سعدون حمادی رئیس وقت مجلس عراق طی نطقی اظهار داشت:

«سیاست جدید عراق، خاتمه دادن به جنگ، برقراری صلح، مبادله اسرا و زمینها، عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین المللی، ایجاد راه حل جامع و عادلانه بر اساس حفظ حقوق دو طرف و عدم دخالت در امور یکدیگر را تسریع خواهد بخشید.» (۱) .

همچنین رادیو عراق طی تحلیلی در خصوص آمادگی عراق برای تخلیه مهران گفت:

«عراق اقدام به تصرف مهران نمود تا ایران فکر نکند که ما ضعیف هستیم. اکنون اعلام می کنیم که در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم در صورتی که:

۱- عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسائل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲- عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی از مهران خواهد بود، در غیر این صورت، شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.» (۲) .

ولی تبلیغات دشمن خللی در اراده جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه جنگ وارد نیاورد، به طوری که صدام در جمع نظامیان و فرماندهان نظامی این کشور گفت:

۱- ۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط (۲۹ / ۲ / ۱۳۶۵). به نقل از سعدون حمادی رئیس مجلس عراق.

۲- ۷۲. رادیو عراق.

«نیروهای مسلح عراق به عملیات اشغال اراضی ایران تا زمان قبول صلح از سوی رهبران ایران ادامه خواهند داد.» (۱) .

در هر صورت، عراق با «اتخاذ استراتژی دفاع متحرک»، با تحمل تلفات فراوان، توانست تا اندازه ای موقعیت خود را در مقایسه با شرایطی که پس از فاو با آن دست به گریبان بود، بهبود بخشد.

افزایش حملات هوایی

گسترش تهاجمات هوایی عراق بخش تکمیلی استراتژی دفاع متحرک به شمار می رفت. در واقع، عراق در این شرایط برای کسب روحیه و وادار کردن ایران به عدول از مواضع خود، سیاست تعرضی را در اشکال مختلف دنبال می کرد. تهدیدات هوایی عراق علیه ایران از فروردین ۶۵ آغاز شد. در تاریخ ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۵ حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق اظهار داشت:

«نیروی هوایی عراق همچنان حملات آسیب رساننده شدید و غافلگیر کننده ای را در آینده نزدیک علیه نیروهای ایران و اهداف آنان صورت خواهد داد.»

حمید شعبان مدتی بعد نیز ضمن تأکید بر افزایش توان هوایی عراق گفت:

«ما توانایی دستیابی به هر هدفی را در داخل خاک ایران بدون توجه به بعد مسافت داریم و طی چند روز آینده این را ثابت خواهیم کرد. نیروی هوایی عراق امکاناتی جهت منهدم کردن تمامی هدفها در ایران دارد و در صورت عدم پذیرفتن صلح از سوی ایران، چنین خواهد کرد.» (۲) .

طی این مرحله، هواپیماهای عراقی شهرها و روستاهای مناطق وسیعی از خاک جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار دادند. فرمانده نیروی هوایی عراق با ارائه آماری از عملیات انجام شده توسط این نیرو در فروردین سال

---

۱ - ۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۴۲، ۱۶/ ۴ / ۱۳۶۵ به نقل از المجله چاپ انگلستان ۳ ژوئن ۱۹۸۶ (۱۳خرداد ۱۳۶۵).

۲ - ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، خبرگزاری آلمان ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵، حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق.

۶۵ اعلام کرد که طی یک کاه ۱۴۶۸۶ مأموریت رزمی انجام داده است.

رادیو لندن در رابطه با این حملات هوایی اظهار داشت:

«از هنگامی که سر فرماندهی عراق دریافت که لااقل در زمان حاضر نمی تواند نیروی زمینی ایران را از شبه جزیره فاو بیرون براند، به دنبال راههای دیگری برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ بوده است. از دیدگاه عراق بهترین راه کار، بسیج هوایی برتر عراق برای حمله به هدفهای واجد اهمیت اقتصادی ایران است.» (۱) .

تهاجمات نسبتا وسیع عراق طی این مرحله، در مقایسه با آنچه که بعدها عراقیها، پس از افشای ماجرای مک فارلین انجام دادند، بسیار ناچیز بود. به نظر می رسد که طرحهای عملیات هوایی عراق بنا به دلایلی در این مرحله به صورت کامل اجرا نشد، لیکن زمینه لازم را برای تهاجمات بعدی فراهم کرد.

کاهش قیمت نفت

هدف اصلی از کاهش قیمت نفت، تأثیرگذاری بر منبع اصلی تأمین ارز ایران، کاهش قدرت اقتصادی کشور و نهایتا متزلزل ساختن تأمین هزینه جنگ بود. ناامیدی متحدین و حامیان عراق نسبت به عدم تأثیر کمکهای همه جانبه به آن کشور و تأثیرات اندک فشارهای فزاینده به جمهوری اسلامی ایران، به منظور از پا در آوردن آن، موجب شد تا نسبت به کاهش قیمت نفت تصمیماتی اتخاذ شود.

در این زمینه ویلیام فایر گفت:

«با ایران چه کنیم؟ هر چه پول در رگهای عراق تزریق شده نتیجه نداده است. اگر عراق برود، فردا کویت و پس فردا عربستان سعودی نیز رفته است و تنها یک روزنه امید هست؛ با سقوط قیمت نفت، ایران ورشکست می شود و ماشین جنگی او از کار می افتد. شاید این درمان کارگر شود و

۱- ۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو لندن (۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵).

این آخرین شانس ماست.» (۱) .

همچنین، روزنامه واشنگتن پست به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد کاهش خرید نفت از ایران نوشت:

«یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا گفته بود که بخشی از کوششهای آمریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، سعی در بازداشتن شرکتها خرید نفت ایران و تجارب با ایران بوده است تا درآمد ایران کاهش یابد.» (۲) .

روزنامه آلمانی زودویچه سایتونگ به همین نکته اشاره کرد و نوشت:

«ادامه جنگ با عراق بستگی به صادرات نفت ایران دارد و این در شرایطی است که حمله عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران از دید ناظران نظامی غرب بسیار مهم تلقی می شود. آنها پیش بینی می کنند که این جریان موجبات کاهش شدید صادرات نفتی ایران را که منبع اصلی درآمد ارزی این کشور برای ادامه جنگ است، فراهم خواهد ساخت.» (۳) .

بدین منظور عراق برای حمله به پایانه های نفتی ایران مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت. رادیو آمریکا به نقل از برخی کارشناسان، در مورد اثرات عراق گفت:

«اگر عراق همانند گذشته تهاجم تازه ی ایرانیها (به فاو) را با بمباران شهرهای ایران و پایانه های نفتی پاسخ دهد، ممکن است دوباره سر و صدای خستگی و بیزاری از جنگ در ایران بلند شود.» (۴) .

در این سناریو افزایش تولید نفت عربستان نیز به منظور کاهش قیمت نفت در نظر گرفته شده بود. روزنامه ال پائیس در این مورد نوشت:

«از نقطه نظر سیاسی، کشورهای نفتی و دولتهای محافظه کار خلیج فارس مانند عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی خواهان پایان یافتن جنگ طولانی میان ایران و عراق و تعدیل رژیم (امام) خمینی هستند... کشورهای مذکور برای رسیدن به این هدف تلاش

۱- ۷۶. مأخذ شماره ۱، ص ۷۶.

۲- ۷۷. مأخذ شماره ۱، ص ۱۰۹.

۳- ۷۸. مأخذ شماره ۱، ص ص ۱۰۲-۱۰۳.

۴- ۷۹. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا (۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۵).

می کننـد تا از نظر مالی ایران را با کاهش فروش نفت خام و سـقوط قیمتها تحت فشار شدید قرار دهند. در این رابطه است که دریافتهای ایران در مقایسه با دو سه سال قبل حدود ۸۰٪ کاهش یافته است.» (۱) .

با کاهش قیمت نفت و طبعا کاهش قدرت خرید جمهوری اسلامی، علاوه بر بروز مشکلات فزاینده در خرید تجهیزات نظامی، نسـبت به تأمین مایحتاج عمومی مردم نیز تنگناهایی به وجود آمـد. تشـکیل کمیته ویژه برای این وضـعیت که بعـدها نیز تـداوم یافت، ناشـی از فشارهای وارده و به عنوان بخشـی از تلاشـهای ایران به منظور مقابله با بحران جدید بود، ضـمن آنکه در مورد صدور نفت نیز تدابیر جدیدی اتخاذ شد.

۱- ۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵.

رویارویی با وضعیت جدید

اشاره

پس از فتح فاو، افزایش فشار همه جانبه به جمهوری اسلامی عمدتا بدین منظور طرحریزی و اجرا شد که علاوه بر تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران و پیروزیهای آن، به ایران تفهیم و القا شود بهایی که برای هر پیروزی باید بپردازد، بیش از آن چیزی است که به دست خواهد آورد. امام خمینی (ره) بر اساس این شرایط و با پیش بینی افزایش فشار به ایران، علاوه بر اینکه سال ۶۵ را «سال استقامت» نام نهادند، حضور در جبهه را به عنوان یک تکلیف مورد تأکید قرار دادند:

«امروز همه ما مکلف هستیم، جوانهای ما باید این جبهه ها را پر کنند از انسانهای قوی، که بحمدالله هم الان پر کرده اند، لکن بیشتر لازم است. آقا قضیه، قضیه از بین رفتن اسلام، چه تشیع و چه تسنن است و قضیه اینکه ما قیام کنیم و نگذاریم بشود.» (۱) .

در واقع امام در سخنانشان برای پاسخگویی به مخالفین ادامه جنگ، مسأله اساسی دفاع را مورد توجه و تأکید قرار دادند. امام (ره) در حقیقت با اعلام بسیج عمومی و آمادگی بیشتر به منظور ادامه ی دفاع مقدس دو نکته

---

۱ - ۸۱. وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، جلد ۱۹ (تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی) ص ۲۹۰.

را در نظر داشتند. از یکسو با توجه به اینکه تلاشهای سیاسی که از مدتها پیش برای برقراری آتش بس صورت می گرفت و در این زمان تشدید گردیده بود، ممکن بود برخی را در امر ادامه ی جنگ و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی دچار تردید کند و احیانا احساس کنند که با فتح فاو و موقعیت برتر جمهوری اسلامی، قدرتهای حامی صدام، شرایط ایران را پذیرفته و امکان دستیابی به یک صلح شرافتمندانه و حقیقی، به وجود آمده است. در همین رابطه رادیو بی.بی.سی طی گزارش اظهار داشت:

«در آخرین روزهای سال کهن در برخی محافل دیپلماتیک شایعاتی در جریان بود مبنی بر اینکه شاید توافق آتش بس صورت پذیرد. شایعه از این قرار بود که بعضی از دولتهای اروپای غربی که می کوشند جنگ ایران و عراق را به پایان آورند، فرمول حزب بعث منهای صدام حسین را در برابر ایران قرار داده و با واکنش مساعد روبرو گشته اند. گفته شده بود که بر اساس چنین فرمولی ایران حاضر شده است که در مذاکرات آتش بس با میانجیگری دبیر کل سازمان ملل شرکت نماید، مشروط بر آنکه یک رهبر غیرنظامی حزب بعث عراق جانشین صدام حسین شود.» (۱) .

موضعگیری امام (ره) در حقیقت پاسخی بود به این اندیشه و به تلاشهای سیاسی که در واقع فریبی بیش نبود. از سوی دیگر اتکاء به تلاشهای صلح، غفلت از امر دفاع و عدم هوشیاری نسبت به عکس العمل دشمن را در پی داشت، زیرا موقعیت برتر جمهوری اسلامی برای غرب و کشورهای منطقه غیرقابل تحمل گردیده بود. لذا تنها راه حل موجود افزایش فشار به منظور خنثی سازی موقعیت برتر جمهوری اسلامی و در نتیجه تعدیل مواضع آن محسوب می شد. برخورد امام (ره) با مسئله جنگ و آینده نگری نسبت به اعمال فشار به ایران، علاوه بر بسیج عمومی نیرو و امکانات کشور، شرایط را برای مقابله با فشارها و حفظ موقعیت برتر جمهوری اسلامی فراهم ساخت.

۱- ۸۲. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۵.

در این رونـد، برنامه های گسترده ای از سوی جمهوری اسـلامی طرحریزی و اجرا شد که در ادامه بحث تحت سه عنوان مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- بسیج نیروها و امکانات کشور

۲- طرحریزی و اجرای عملیات محدود

۳- طرحریزی عملیات سرنوشت ساز.

بسیج نیروها و امکانات

با توجه به سازمان سـپاه، وسـعت و میزان گسترد گی طرحریزی عملیات از سوی فرماندهان آن در طول جنگ عمدتا بستگی به میزان حضور نیروهای بسـیجی و داوطلب داشته است. بدیهی است که افزایش تعداد رزمندگان می توانست طرحریزی عملیات متعدد در زمان واحد را امکانپذیر نماید.

یا آغاز بهار سال ۶۵ و پس از فتح فاو، نظر به اوضاع و شرایطی که وجود داشت، امام (ره) حضور گسترده مردم در جبهه های نبرد را به عنوان تکلیف اعلام کردنـد. در شـرایطی امام این سـخنان را ایراد فرمودنـد که فصل حضور نیرو به صورت گسترده (عمدتا در زمسـتان بود) رو به پایان نهاده بود و بسـیاری چنین می پنداشتند که با اتمام فصل زمستان و همچنین کسب پیروزی در فاو، حضور آنها در جبهه ضـرورتی نـدارد. دشـمن نیز با کسب تجربه نسـبت به نحوه حضور رزمندگان اسـلام در جبهه ها، برای بـازپس گیری فـاو تلاش می کرد. بنابراین، تاکیـد حضـرت امام (ره) که منجر به افزایش نیرو در جبهه های جنگ شـد، بسـیار تعیین کننده بود و نتایج قابل ملاحظه ای را به دنبال داشت. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن استقبال از اظهارات امام، طی تحلیلی اشاره کرد:

«بنده به عنوان کسی که در مسائل جنگ صاحبنظر است فکر می کنم

که این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است. سخنان امام آنقدر جدی بود که ما لحظه ای فکر کردیم مجلس را رها کنیم و به جبهه برویم. امام حجت را تمام کرده و معمولا وقتی امام اینطور سخن می گویند مسائلی هست که ما نمی فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است، باید به جبهه رفت.» (۱) .

همچنین نخست وزیر آقای میرحسین موسوی در اولین جلسه هیأت دولت اظهار داشت:

«من فکر می کنم با سخنان حضرت امام یک بسیج عمومی در ادارات و در سطح جامعه برای کمک به جبهه لازم باشد که توان رزمندگان را چندین برابر خواهد کرد. در سال جدید، دولت جنگ را در اولویت می گذارد و باید تمام امکانات در اختیار جنگ قرار گیرد و برای این منظور لازم است کمیته های پشتیبانی جنگ در وزارتخانه ها تقویت شوند.» (۲) .

کشور تحت شرایط جدید و به دنبال اظهارات امام، در آستانه بسیج عمومی برای جبهه های جنگ قرار گرفت. در تاریخ ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۵ سمیناری تحت عنوان «لبیک یا خمینی» با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر و فرماندهان سپاه و ارتش و گروهی از مسئولین کشور آغاز به کار کرد. در این سمینار راههای استفاده هر چه بیشتر از کمکهای مردمی و امکانات کشور در پشتیبانی از جبهه های جنگ مورد بررسی قرار گرفت.

پاتکهای دشمن در فاو تا پایان فروردین ماه و حتی دهه اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ ادامه داشت. طی این مدت، دشمن که از بازپس گیری فاو ناتوان و درمانده شده بود، از نیمه دوم فروردین مبادرت به تهاجم به برخی از خطوط کرد. این عملیات دشمن به «استراتژی دفاع متحرک» موسوم گردید.

ص: ۶۲

۱- ۸۳. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از ملاقات آقای هاشمی با مجروحین شیمیایی.
۲- ۸۴. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

با پیدایش این وضعیت، در شرایطی که تمام توان رزمندگان برای تصرف و تثبیت منطقه عملیاتی فاو متمرکز شده بود و بخشی از نیروها نیز پس از انجام عملیات در حال بازگشت به شهرهای خود بودند، ضرورت تأکید حضرت امام مبنی بر حضور مردم در جبهه های نبرد روشن شد. گر چه تلاشهای دشمن سرانجام با تصرف مجدد شهر مهران به پایان رسید، لیکن این اقدام دشمن و سایر تلاشهایی که صورت می گرفت نشانه ی عدم توجه به خواسته های ایران و افزایش فشار تلقی می شد. این درک و تصور مسئولین جمهوری اسلامی موجب گردید که آنها با استنباطی که از شرایط جاری و آینده داشتند، با بهره گیری از شرایط کشور و بسیج نیروها مبادرت به برنامه ریزی تعیین کننده ای در جهت مشخص ساختن سرنوشت جنگ در سال ۶۵ کنند. در همین زمینه برادر محسن رضایی فرمانده سپاه در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«تنها راهی که امروز برای خاتمه جنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور در جبهه است.» (۱) .

وی سپس ضمن اشاره به تعداد نیروهای شرکت کننده در عملیات فاو و نتیجه آن اظهار داشت:

«ما در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در مقابل ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی توانیم با ده برابر این نیرو ارتش عراق را کاملا منهدم کنیم؟» (۲) .

وی همچنین در مورد مردمی کردن جنگ اضافه کرد:

«ما تاکنون تنها از دو درصد از نیروهای مردمی و ۱۲ درصد از امکانات اقتصادی در جنگ استفاده کرده ایم و لازم است که بر اساس اطلاعیه قرارگاه خاتم الانبیاء جنگ کاملا مردمی شود و از کلیه امکانات دولت و مردم برای پیشبرد جنگ استفاده کنیم.» (۳) .

۱- ۸۵. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۵.

۲- ۸۶. پیشین.

۳- ۸۷. مأخذ شماره ۵.

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۵ در ستاد مرکزی سپاه در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه اظهار داشت:

«در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی خورد... منطقی ترین راه برای ما این است که زمان را از دست ندهیم. زمان امروز به نفع ما نیست که معطل بمانیم... وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم...»

آقای هاشمی روز بعد در خطبه نماز جمعه تهران مجددا ضرورت تسریع در خاتمه جنگ را یادآور شده و اظهار داشت:

«وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم. زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. امام در اول سال تاکید کردند که وظیفه همه است امکانات خود را در خدمت جنگ به کار گیرند. این واجب کفائی فقط به افراد تعلق نمی گیرد، حتی به اموال و امکانات دولت، نهادها و شرکتها نیز تعلق می گیرد. تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت اول در خدمت جنگ قرار دهند.» (۱) .

وضعیت جدید علاوه بر تحولی که در جو عمومی کشور از نظر فرهنگی و تبلیغاتی و سیاسی فراهم کرد، تأثیر قابل ملاحظه ای نیز بر تغییر اولویتهای کشور در امر بودجه یعنی تخصیص امکانات به جبهه های جنگ داشت، چنانکه نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی با تشریح طرح نوین اقتصادی کشور اظهار داشت:

«اولین هدفی که ما دنبال کردیم و اعلام نمودیم، تامین کلیه نیازهای

۱- ۸۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۵.

جنگ تحمیلی بود. اعلام این هدف این معنا را دارد که بودجه تخصیص ارز، تخصیص منابع ملی و واگذاری کارخانه هایمان در خدمت جنگ، تاسیسات، ماشین آلات، و در همه چیز هیچ قیدی برای دادن امکانات در خدمت جنگ نداشته باشیم. بلافاصله اثرات این تصمیم گیری این شد که فرضا وقتی ما آمدیم ۶۲ میلیارد تومان صرفه جویی در کشور اعلام کردیم در رابطه با بودجه جنگی، نه تنها آن بودجه را کم نکردیم، بلکه این زمینه را در ذهنیت برادران هیأت دولت می بینیم که بتوانیم از سایر بخشها به این زمینه کمک کنیم.» (۱) .

آقای هاشمی نیز در مورد تأمین نیروی انسانی اظهار داشت:

«همچنین در بخش نیروی انسانی علاوه بر بسیج نیروهای داوطلب مردمی، جذب نیروهای نظام وظیفه نیز به دو برابر افزایش یافت و شورای عالی دفاع طرحی را تصویب کرد که به موجب آن نیروهایی که در حال خدمت بودند، در صورت پایان خدمت، طبق این قانون ۲ ماه بر خدمتشان افزوده گردد.» (۲) .

در تیرماه سال ۶۵ در ادامه تلاشهایی که به منظور بسیج نیرو و امکانات صورت می گرفت، دو سمینار یکی در یزد تحت عنوان (لبیک یا امام) و دیگری در تهران تحت عنوان (سمینار سراسری فرماندهان بسیجی طرح مالک اشتر) برگزار شد.

تأمین کادر برای سازماندهی نیروهایی که در آن سال جذب می شدند عمده ترین هدف برگزاری سمینار طرح مالک اشتر بود. در این سمینار عمدتا فرماندهان گردان، گروهان و دسته شرکت داشتند. در سمینار مزبور، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه وضع جبهه ها و شرایط منطقه و شرایط کل دنیا یک آمادگی خیلی جدی را طلب می کند، اظهار داشت:

«تمام امکانات از جهت آموزش نیروهای بسیج تهیه شده است و ما

۱- ۸۹. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۰. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۵، آقای هاشمی رفسنجانی در جمع فرماندهان سپاه.

تدارک ۵۰۰ گردان را دیده ایم و اگر لازم باشد تا آخر سال ۱۰۰۰ گردان برای میدان جنگ تشکیل خواهیم داد.» (۱) .

از این پس تدریجا سازماندهی ۵۰۰ گردان نیرو مطرح و بر اساس آن امکانات و کادر مورد نیاز در نظر گرفته شده بود و چنین پیش بینی می شد که در صورت تأمین ۵۰۰ گردان نیرو، ما می توانیم همزمان ۲ عملیات بزرگ را در دو منطقه طرحریزی و اجرا کنیم و این به منزله تجزیه دشمن از نظر فرماندهی و نیرو خواهد بود و در صورتی که در یک منطقه با دشمن درگیر شویم، افزایش میزان نیروی انسانی موجب می گردد که در تداوم نبرد، سرانجام دشمن با درگیر کردن کلیه نیروهایش برای بازپس گیری منطقه متصرفه، منهدم شود.

مسئولین کشور همچنان ضمن تأکید بر شرایط سیاسی - نظامی جبهه های نبرد و با الهام از سخنان امام (ره)، بر اختصاص دادن امکانات به جبهه ها تأکید می کردند. در این میان، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«به مسئولان دولت در سراسر کشور عرض می کنم بر اساس نظریه ای که امام ابراز فرمودند، آنهایی که در حال حاضر نیاز ندارید و لو اینکه همه چیز مورد نیاز است، اگر ستاد پشتیبانی جنگ تشخیص می دهد که برای پشتیبانی جنگ اینها را به جبهه بدهید، به دستور دولت که قبلا صادر شد،اینها را به جبهه بدهید.» (۲) .

طی این روند، در تبلیغات سیاسی کشور، شعار تعیین سرنوشت جنگ به منزله تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ تلقی می شد. آقای هاشمی نظر به تبعات نامطلوبی که این اشعار داشت اظهار نمود:

«علیرغم تعبیرهای مختلف، این بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد، بلکه با برنامه هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که

۱- ۹۱. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۲. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

پیروزی ایران مشخص شود، یکی از نمودهای این پیروزی قطع حمایت حامیان صدام از این رژیم می باشد.» (۱) .

طرح ریزی و اجرای عملیات محدود

برای مطالعه ی مشروح این بحث به کتاب جنگ در سال ۶۵ مراجعه شود.

در سال ۶۵ تحرکات نظامی سپاه تحت عنوان «عملیات محدود» اساسا پاسخ به تلاشهای دشمن مرسوم به «استراتژی دفاع متحرک» بود. گر چه ارتش عراق پس از اشغال مجدد مهران در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ عملا توان نظامی اش را از دست داد و در این دور از تهاجم به همان پیروزیهای اندکی که به دست آورده بود بسنده کرد، ولی همچنان تهدیدات خود را تکرار می کرد، چنانکه صدام در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۵ در جمع افسران ارتش عراق اظهار داشت:

«ارتش عراق پس از بازسازی مجدد، حملات خود را علیه جمهوری اسلامی آغاز خواهد کرد.» (۲) .

امام (ره) نظر به ابعاد تهاجم دشمن در زمین، هوا و دریا و احتمالاتی که با توجه به تهدیدات دشمن وجود داشت، در تاریخ ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۵ و در روز میلاد امام رضا (ع) سخنانی را مبنی بر ضرورت افزایش تحرک نظامی در جبهه های نبرد ابراز فرمودند:

«شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز بیشتری می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید الان در اضطراب هستند نگذارید که از اضطراب بیرون بیایند.» (۳) .

سپاه پاسداران ضمن آنکه پس از فتح فاو و تثبیت آن عمیقا مشغول

۱- ۹۳. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۴. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۳- ۹۵. مأخذ شماره ۱۲.

طرح ریزی عملیات گسترده بود، لیکن در این چارچوب اقدامات وسیعی به شرح زیر انجام داد:

۱- انجام عملیات کربلای ۱ در شهر مهران در تاریخ ۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- انجام عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج عمران در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۳- انجام عملیات کربلای ۳ بر روی اسکله الامیه در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۴- انجام عملیات انصار در جزیره جنوبی خیبر (مجنون) در تاریخ ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۵- انجام سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، فتح ۱ در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۶۵.

در عین حال که هر یک از عملیات فوق با نتایج و تبعات خاص خود موجبات نگرانی عراق را فراهم کرد، فتح مجدد مهران در تاریخ تمامی دستاوردهای عراق را در استراتژی موسوم به دفاع متحرک بر باد داد. صدام، اشغال مجدد مهران را در برابر فتح فاو قرار داده بود. بنابراین، روشن است که از دست دادن آن چه عواقب روحی - روانی را برای ارتش عراق در پی داشت. روزنامه تایمز لندن در همین زمینه نوشت:

«باز پس گیری مهران برای عراق نگران کننده است، زیرا مهران شهری بود که بغداد را در برابر حملات ایرانیان محافظت می کرد.» (۱) .

در واقع، در این تحلیل از دست دادن مهران و اشراف قوای نظامی ایران بر ارتفاعات منطقه مورد توجه قرار گرفته و مسئله، مسئله فراتر از شکست عراق در تلاشهای جدیدش، تحت عنوان (تهدید بغداد) مورد اشاره قرار گرفته بود، چنانکه تایمز لندن در ادامه نوشت:

«اینک بغداد در مدار تهاجمات قرار گرفته است و ایرانیان می توانند با حمله از این محور، بغداد را با خط یک حمله مستقیم روبرو کنند.» (۲) .

علاوه بر اهمیت عملیات کربلای ۱، عملیات کربلای ۳ بر روی

ص: ۶۸

۱- ۹۶. روزنامه اطلاعات، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۷. پیشین.

اسکله الامیه نیز به لحاظ ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی آن که همزمان با برگزاری کنفرانس غیر متعهدها در حراره انجام شد، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. فرماندهان سپاه علاوه بر استفاده از ابتکاراتی در طرحریزی و اجرای این عملیات، همزمان با آغاز اجرای طرح سهمیه بندی فروش نفت از سوی سازمان اوپک، حضور خود را نیز در میان آبهای خلیج فارس به نمایش گذاشتند. تجارب حاصله از این عملیات بعدها در حضور گسترده تر رزمندگان اسلام در خلیج فارس و رویارویی با تهدیدات و اقدامات عراق و آمریکا در این منطقه بسیار مؤثر واقع شد.

اجرای سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، بویژه عملیات در کرکوک نیز از اهمیت و بازتاب خاصی برخوردار بود. در واقع، کوهستانها و تاسیسات نفتی کرکوک میدان آزمایش جدیدی برای استفاده معارضین کرد عراقی در عمق خاک عراق محسوب می شد. این عملیات، مجموعا با ضربات و خسارات بسیاری که بر تاسیسات نفتی و نظامی منطقه کرکوک وارد ساخت، به پایان رسید، لیکن امکانات و تجارب حاصله در سلسله عملیات فتح و گسترش سازمان قرارگاه رمضان توسط سپاه، نقش تعیین کننده ای را در اتخاذ استراتژی جدید در سال ۶۶ و عملیاتهایی که در محور سلیمانیه تحت عنوان بیت المقدس و نیز والفجر ۱۰ در حلبچه صورت گرفت، داشت.

طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز

تحرک مداوم دشمن در منطقه فاو، علاوه بر ایجاد زمینه برای انجام عملیات، موجب شد تا عراقیها در تاریخ ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵ از دو محور جاده ام القصر و کارخانه نمک به نیروهای ایران حمله کرده و به طور فزاینده ای بر آسیب پذیری خط افزوده شود. نیروهای سپاه سرانجام در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵

طرحی را به اجرا در آوردند تا با ترمیم خط خودی، علاوه بر رفع نواقص خط پدافندی و تثبیت پیروزی در فاو، نیروهای درگیر و خط فاو را نیز آزاد نمایند. بلافاصله پس از تثبیت خط فاو و پس از ۷۵ روز درگیری، فرماندهان سپاه از نیمه اردیبهشت برای تداوم عملیات شروع به طرحریزی عملیات سرنوشت ساز نمودند.

این اقدامات در شرایطی صورت گرفت که تلاش جدید دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک با بازپس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹ (چوارتا) در ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ آغاز شده و در ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ با اشغال مجدد مهران به اوج رسید.

تحت چنین شرایطی سپاه لزوما می بایست ضمن پاسخگویی به تلاشهای دشمن، مجددا برای انجام عملیات گسترده آماده می شد.

- انتخاب منطقه عملیات

همزمان با عملیات فاو، با توجه به پیوستگی زمین آن به مناطق مهمی چون ام القصر و بصره، به نظر می رسید که توقف در این زمین و عدم توسعه وضعیت، به زیان نیروهای خودی می باشد. به عبارت دیگر، منطقه عملیات فاو به لحاظ وسعتی که داشت از این قابلیت برخوردار بود که سلسله عملیات بعدی در همین زمینه انجام شود، در غیر اینصورت عملیات فاو تنها به عنوان یک حرکت نظامی عقیم تلقی می شد که برای حفظ منطقه، لزوما می بایست نیروهای زیادی را در خط پدافندی مستقر کرد.

بر این اساس، همزمان با عملیات فاو، فرماندهی کل سپاه نسبت به تداوم عملیات در این منطقه نظریاتی داشت و یک قرارگاه را مأمور به انجام عملیات در منطقه ام الرصاص کرد، ضمن آنکه همزمان با این عملیات، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مقرر

گردید تا ارتش در منطقه شلمچه نیز عملیاتی انجام دهد. لذا به نظر می رسید توسعه وضعیت در این منطقه، در عین حال که ضروری است، امکان پذیر نیز می باشد.

فشار سنگین عملیات فاو و ناکامی عملیات در مناطق شلمچه و ام الرصاص، امکان تحقق نظرات فرمانده سپاه را موقتا به تعویق انداخت ضمن آنکه عملیات پاسخگویی به استراتژی دفاع متحرک عراق، تحت عنوان «عملیات محدود» سرعت عمل سپاه برای انجام عملیات گسترده را مخدوش کرد. بدیهی است که پشتیبانی از عملیات نیز لزوما به امکانات گسترده ای نیاز داشت که تامین آن بدون بسیج عمومی در کشور مقدور نبود.

از لحاظ نظامی، منطقه عملیاتی کربلای ۴ آخرین تلاش جنگی در جنوب تلقی می شد، زیرا انتخاب این منطقه برای انجام عملیات با توجه به ارزش استراتژیک آن و انطباق با اهداف نظامی جنگ و همچنین تطابق آن با توان نظامی جمهوری اسلامی صورت گرفته و ظرافت و دقت نیز در آن ملحوظ گردیده بود. تجارب سه ساله ی عملیات آبی - خاکی سپاه از عملیات خیبر به بعد نیز به گونه ای بود که در صورت تغییر منطقه عملیات، عملا منجر به تغییر سازمان رزم سپاه می شد، چنانکه فرمانده کل سپاه در همین زمینه اظهار داشت:

«در صورت نجنگیدن ما در اینجا (جنوب) باید زمینهای دیگری انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی مان را تغییر دهیم.» (۱) .

بر این اساس، طی مباحث و تلاشهایی که صورت گرفت و با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی - نظامی، سرانجام منطقه عمومی عملیات در حد فاصل منطقه پنج ضلعی شکل در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جنوبی جزیره مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصیب و با هدف بصره انتخاب شد.

پیش از این تلاش قوای نظامی ایران در منطقه جنوب با هدف تصرف بصره، چندین بار از سمت شلمچه، طلائیه، کوشک، هور و حتی فاو صورت

۱- ۹۸. سند شماره... مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات کربلای ۴.

گرفته، لیکن نتیجه لازم حاصل نشده بود. همین مسئله موجب گردیده بود تا ضمن انصراف از تصرف بصره، نسبت به مواضع و استحکامات دفاعی شرق بصره نیز دیدگاه خاصی مبنی بر عدم شکسته شدن خط به وجود آید.

با توجه به سوابق پیشین این منطقه عملیاتی، تاکتیک ویژه ای برای عملیات انتخاب شد. در واقع، تاکتیک ویژه، رمز موفقیت عملیات و عنصر اصلی در غافلگیر کردن دشمن از جهت درک سمت اصلی حمله تلقی می شد. دشمن در صورت مواجهه با حمله رزمندگان اسلام عملا برای دفاع مستأصل می شد، بدین معنا که در تشخیص و درک هدف اصلی دچار مشکل، ابهام و تردید می گردید. سمت حمله از سویی به سمت ابوالخصیب و بصره بود و از سوی دیگر می توانست با هدف مسدود کردن عقبه لشکر هفتم عراق باشد. در این طرح، نخلستانهای اطراف اروند رود به عنوان قلب منطقه تلقی می شد.

لذا تأکید بر این بود که علاوه بر سرعت عمل، حتی الامکان نیروها در داخل نخلستان حاشیه جنوبی اروند نفوذ نموده و گسترش یابند.

عوارض زمین منطقه در جهت تحقق تاکتیک ویژه و پیروزی عملیات امیدوارکننده بود، چنانکه وجود نهرها و کانال های کشاورزی و نخلستانها و از طرفی عدم وجود استحکامات دشمن در منطقه پتروشیمی تا بصره، زمین را قابل تصرف و پدافند آن را آسان کرده بود. جناحین منطقه عملیاتی، از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهیگیری، از جنوب به خور زبیر و زمینهای باتلاقی اطراف آن محدوده شده بود و همین مطلب موجب می شد تا قدرت تحرک دشمن نیز ضعیف گردد. در این میان، امیدواری زیادی وجود داشت که با اتکا به تاکتیک ویژه و عدم تحرک دشمن، به لحاظ وضعیت زمین منطقه و وجود نهرها - در موج اول عبور از اروند، انتقال تجهیزات و وسایل پشتیبانی امکانپذیر و عدم سرعت عمل نیروها جبران شود. فرمانده کل سپاه در این زمینه چنین استدلالی می کرد:

«اگر هـدف بصره باشـد، بـا گرفتن زمینی در جنوب و جنوب غربی خرمشـهر، دشـمن از سه جـا مورد تهدیـد قرار می گیرد و مضـطرب و نگران می شـود و نمی توانـد احتمـال بدهـد کـه تلاـش اصـلی از کـدام سـمت و برای چه هـدفی است. پس (این حرکت) باعث تجزیه قوای دشـمن می شود و ترجیح می دهد که از جناحین، تخلیه و یا در جلوی بصـره راه ما را سد کند، در حالی که ما محور پیشروی را در قلب منطقه عملیاتی گذاشتیم.» (۱) .

با توجه به سـمت اصـلی حمله قوای نظامی ایران، ویژگی دیگر منطقه عملیاتی این بود که فلش تهاجم روی خط حـد دو سپاه سوم و هفتم عراق قرار داشت که بین آنها رودخانه ارونـد واقع شـده بود. در این میان، پیش بینی می شد که عبور از این معبر، یعنی برخورداری از امکـان تهدیـد و حمله به جناحین دو سـپاه عراق که در آنجا نیز خطوط پدافنـدی واسـتحکامات نداشـتند، طبعـا موجب می شـد یگانهای احتیاط دشـمن نیز نتوانـد به یکـدیگر کمک کننـد، چون هر دو سـپاه به طور یکسان در معرض تهدید قرار می گرفتند.

بر این اساس چنین تـدبیر شـده بود که نیروهای خط شـکن موج اول باید از داخل تنگه (بین جزایر ام الرصاص و بوارین) عبور کنند و در طول اروند رود و در داخل آب به سـمت کارخانه پتروشـیمی بروند، سپس در سمت چپ و راست اروند وارد عمل شده و با شکستن خط پیشروی نمایند. این حرکت همان اصلی بود که از آن به عنوان «تاکتیک ویژه» یاد می شد.

چنین پیش بینی شـده بود که خـط در مراحل اول توسط غواصـها شکسـته شود، سـپس در موج دوم با روشن شـدن هوا، قایقها نیروها را انتقال دهند.

نظر به اینکه حرکت موج اول با اتکا به نیروی غواص بود که در آب حرکت می کرد و فاقد سـرعت لازم بود و انسـجام کافی نداشت، به همین جهت در برابر حوادث غیر مترقبه و یا هوشـیاری دشمن به سهولت سازماندهی و آرایش خود را از دست می داد. لذا این ویژگی و همچنین احتمالات و

۱- ۹۹. پیشین.

فرضیات دیگر منجر به پیدایش ابهامات فراوانی شد، لیکن اساسا چیزی که می توانست کاستیها را جبران کند، غافلگیری دشمن از نظر «تاکتیک»، «زمان» و «مکان» بود. در صورت تحقق این اصل در شروع عملیات، کلیه ابهامات رفع و معضل اساسی حل می شد.

در عین حال، مشکلات دیگری نیز وجود داشت که حتی در مواقعی، به رغم ویژگیهای زمین منطقه و امیدواریهای مربوط به تاکتیک ویژه، تردید و ابهام به وجود می آورد. از جمله این مشکلات، «محدودیت در عقبه» بود. بویژه در روز اول عقبه کلیه یگانها متکی به رودخانه کارون بود و این علاوه بر مشکلات تردد، بر آسیب پذیری نیروها در برابر حملات هوایی دشمن می افزود. وابستگی محورها به یکدیگر نیز بخش دیگری از مشکلات بود. محور شلمچه کاملا پیوسته به محور ابوالخصیب بود و در صورتی که هر دو محور با هماهنگی پیشروی نمی کردند، عملا حضور دشمن در هر یک از این دو منطقه، می توانست پیشروی در محور دیگر را مختل و مخدوش نماید.

– مانور

از مهرماه ۶۵ در عین حال که نسبت به منطقه عملیات، با اتکا به اجرای تاکتیک ویژه، توافق کلی وجود داشت، به هنگام بحث پیرامون مانور عملیات مجددا ابهاماتی به وجود آمد. سرانجام بعد از جلساتی که برگزار شد، با توجه به پیوستگی چهار زمین منطقه یعنی شلمچه، ابوالخصیب، منطقه مقابل ام الرصاص و جزیره مینو، اهداف واقع در آنها مورد بازبینی و تاکید قرار گرفت:

۱– تصرف پنج ضلعی شلمچه به خاطر موقعیت لشکر ۱۹ فجر در اثر شناسایی.

۲– تصرف جزیره بوارین برای نگهداری تنگه و درگیر کردن سپاه سوم

ص: ۷۴

دشمن و کاهش فشار آن بر روی جزیره بوارین.

۳- پیشروی در عمق جنوب اروند تا دژ اول (بین جاده ی اول و دوم) به منظور تهدید عقبه سپاه هفتم.

۴ - پیشروی در جناح چپ حداقل تا جزیره سهیل به منظور تعمیق عرض جبهه درگیری و پوشش لازم برای تأمین عبور نیروها.

بر همین اساس، اجرای عملیات با ۴ قرارگاه طرحریزی شد:

۱- قرارگاه نجف: تأمین منطقه پنج ضلعی شلمچه، جزایر بوارین و ام الطویل.

۲- قرارگاه قدس: عبور از تنگه (حرکت اصلی) و پیشروی به سمت پتروشیمی و ابوالخصیب.

۳- قرارگاه کربلا: به منظور مقابله با پاتک دشمن از مقابل جزیره ام الرصاص و همچنین تأمین کل منطقه عملیاتی. ضمنا قرارگاه کربلای پیشروی تا جاده دوم و سوم آنسوی اروند رود را بر عهده داشت.

۴- قرارگاه نوح: تامین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو.

نظر به حساسیت و ویژگی ماموریت هر یک از قرارگاه ها، یگانهای سپاه تحت امر قرارگاه مربوطه قرار گرفتند و پس از تعیین خط حد، کار شناسایی و آماده سازی نیروها را شروع کردند.

بدین ترتیب، طرحریزی عملیات سرنوشت ساز با اتکا به تاکتیک ویژه و امید به غافلگیری دشمن انجام گرفت. طی بسیج عمومی که از آغاز سال ۶۵ شروع شده بود، امکانات کشور به سمت جبهه های نبرد معطوف شد. جو عمومی و تبلیغاتی کشور نیز که به «عملیات سرنوشت ساز» و بسیج کلی نیروها و امکانات متوجه گردیده بود، القاگر تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ بود.

ص: ۷۵

افشای ماجرای مک فارلین

اشاره

تلاشهای سیاسی ایران که از سال ۶۳ تدریجا با پیدایش نوعی نگرش جدید از سیاست خارجی آغاز و در نیمه دوم سال ۶۳ به وضعیت مشخص نزدیک شده بود، در سال ۶۵ متعاقب سفر مک فارلین به ایران وارد مرحله ی جدیدی گردید.

افشای ماجرای مک فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵، تأثیرات تعیین کننده ای بر روند سیاسی - نظامی جنگ، روابط خارجی عراق با آمریکا و نیز موقعیت آمریکا در سطح منطقه باقی گذاشت که بعدها نیز همچنان ادامه یافت، ضمن آنکه روسها نیز پس از افشای اقدامات آمریکا برای ایجاد روابط با ایران، عکس العمل نشان داده و در صدد برآمدند تا از شرایط پیش آمده نهایت بهره برداری را بکنند.

نظر به اهمیت ماجرای مک فارلین و تأثیرات تعیین کننده آن و برای روشن شدن مباحثی که پس از افشای این ماجرا در نیمه دوم سال ۶۵ و در سالهای ۶۶ و ۶۷ مطرح شد، اجمالا به تلاشهای پنهانی آمریکا برای برقراری روابط با ایران که در کشور ما به عنوان «ماجرای مک فارلین» و در

آمریکا به عنوان «ایران گیت» موسوم گشت، اشاره خواهد شد. همچنین بازتاب و انعکاس افشاء روابط و نتایج و پیامدهای آن در نشریات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تلاش برای برقراری روابط پنهانی

به دنبال پیروزیهای ایران در بیرون راندن دشمن از خاک خود و عدم دستیابی عراق و حامیانش به اهداف موردنظر، تلاشهای سیاسی جدیدی از سوی آمریکا برای پایان دادن به جنگ طرحریزی شد که در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بهره برداری قرار گرفت. به عبارت دیگر، پیدایش وضعیت جدید منجر به توجه جدی ایران به تلاشهای سیاسی در کنار اقدامات نظامی گردید.

آمریکاییها متعاقب بروز بحران ناشی از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مواجهه با پدیده گروگانگیری غربیها، به رغم کلیه تمهیداتی که برای مهار بحران و آزادی گروگانها انجام دادند، به نتیجه روشنی نرسیدند. در این شرایط، در ۲۴ خرداد سال ۶۴، هواپیمای تی.دبلیو. ای آمریکا نیز ربوده شد و این ماجرا تا ۸ تیر همان سال ادامه یافت. برخورداری ایران از امکان بالقوه در حل معضل هواپیما ربایی، سرآغاز شکل گیری تمایل جدید آمریکا به برقراری روابط پنهان بود.

توانائی ایران در حل این بحران، آمریکاییها را نسبت به امکان گشایشی در جهت آزادی گروگانهای غربی در لبنان، امیدوارتر کرد و ضرورت تمایل هر چه بیشتر آمریکا را به ایران روشن ساخت. در این خصوص، در مجله المستقبل چاپ فرانسه چنین آمده بود:

«شعار دولت ریگان از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) تا آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) این بود که زمینه ای برای تفاهم با رژیم ایران و

همکاری و هماهنگی با جمهوری اسلامی وجود ندارد. در آن فاصله، مقامات آمریکایی بارها به دوستان و هم پیمانان خویش ابلاغ نمودند که سه مانع اساسی از حصول تفاهم بین واشنگتن و تهران جلوگیری می نماید و آن سه عامل عبارتند از: تمایل رهبران ایران به صدور انقلاب، مخالفت رهبران ایران در پاسخگویی به فراخوانی برای پایان دادن به جنگ با عراق و حمایت مقامات ایرانی از فعالیتهای نیروها و سازمانهایی که قصد بر هم زدن آرامش برخی از کشورهای خاورمیانه را دارند. مقامات آمریکا همچنین می گفتند: در تهران جناحی که بخواهد با واشنگتن وارد گفتگو شود و به این کشور گرایش داشته باشد سراغ ندارند.» (۱) .

همچنین نشریه فارین ریپورت در مورد توجه مجدد آمریکا به ایران از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نوشت:

«سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) سال توجه آمریکا به ایران بود. در این سال دکتر هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا یک گزارش سری در مورد ایران به ریگان تسلیم نمود و ضرورت گشودن کانالهای ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با ایران را به وی یادآور شد و ضمنا این حقیقت را به او گوشزد کرد که تا زمانی که یک جناح میانه رو قدرتمند مایل به گفتگو با آمریکا در بین رهبران آن کشور وجود نداشته باشد، هیچ گونه پیوند و یا مصالحه ای بین دو کشور صورت نخواهد گرفت.» (۲) .

در چارچوب ضرورتهای یاد شده، آمریکا به دنبال یافتن کانالهای ارتباطی مطمئن بود تا بدین ترتیب علاوه بر حل مسئله گروگانها، آینده روابط خود با ایران را نیز به نقطه روشنی برساند. بهای اولیه ای که آمریکاییها مجبور به پرداخت آن شدند، ارسال اسلحه به ایران بود. در این زمینه، نشریه نیوزویک گزارشی را بدون ذکر منبع به چاپ رسانده بود که به بخشی

۱- ۱۰۰. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۹۸ و ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۰۱. پیشین، نشریه ریپورت لندن.

از آن اشاره می شود:

«ایده قاچاق اسلحه در مقابل آزادی گروگانها، اولین بار در نیمه اول سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) پیدا شد. نیوزویک کسب اطلاع کرده است که این ایده زمانی ایجاد شد که مشاوران کاخ سفید نسبت به کمک سوریه در زمینه آزادی گروگانهای غربی ناامید شدند. در عمل ثابت شد که سوریه به رغم کنترل بر قسمتی از خاك لبنان که سازمان جهاد اسلامی و گروههای بنیادگرای دیگر در آنجا بسر می برند، قادر نیست در این زمینه کمک کند... در جریان آزادی گروگانهای هواپیمایی تی. دبلیو. ای. در ماه ژوئن ۱۹۸۵ (تیر ۱۳۶۴) که سوریه به خاطر ترتیب دادن سفر گروگانها از دمشق به وطنشان اعتبار می یافت، در حقیقت این ایران بود که ریسمانها را پاره کرد.» (۱) .

سپس در ادامه گزارش نیوزویك آمده است که در پی ناامیدی آمریکا از سوریه و تلاش برای یافتن کمك از سوی ایران، آمریکاییها به این نتیجه رسیدند که با تأمین برخی از لوازم یدکی تجهیزات مورد نیاز ایران، موجبات جلب نظر مسئولین ایران را فراهم کنند.

«آنها به لوازم یدکی برای هواپیماهای جنگی که توسط شاه از آمریکا خریداری شده بود، اشاره داشتند. این تجهیزات اکنون توسط واشنگتن و بر اساس فرمان تحریم اسلحه به ایران بلوکه شده بود.» (۲) .

به این صورت اولین محموله سلاح به ایران مهیا و ارسال شد و این آغاز معامله ای بود که از سوی آمریکا صورت گرفت. ارسال اسلحه به ایران، با توجه به اعلام سیاست رسمی آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به جمهوری اسلامی، اقدامی بود که پس از افشای آن بازتابی بسیار منفی به دنبال داشت. به طوری که بوش معاون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد سیاست این کشور مبنی بر ضرورت ارسال اسلحه به ایران را توجیه کرده و

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۵، نشریه نیوزویك.

۲- ۱۰۳. پیشین.

بر موقعیت ژئوپلتیک ایران تأکید کند. به همین خاطر وی طی سخنانی گفت:

«ایران بین اتحاد شوروی و کشورهای نفت خیز خلیج فارس، بین شوروی و یک ساحل از آبهای گرم قرار گرفته است. ایران چه از هم گسیخته باشد و چه پیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه رو عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی عمیق برای امنیت آمریکا دارد،تهدید کند.» (۱) .

بدین ترتیب، نیازمندی آمریکا به ایجاد ارتباط با ایران، با ارسال محدود سلاح به ایران از خرداد سال ۶۴ تا اسفند همان سال، شکل گرفت. پس از آن آمریکا کوشید ارتباط مستقیم با ایران برقرار کند و واسطه ها را حذف نماید. تلاش آمریکا برای حذف هر گونه واسطه و برداشتن گام بزرگتر موجب گردید تا سفر رابرت مک فارلین مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا به ایران طرحریزی شود. سرانجام در ۴ خرداد سال ۶۵، هواپیمای حامل مک فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست.

طی سه روز اقامت مک فارلین و همراهانش در ایران مذاکراتی صورت گرفت، لیکن نتیجه روشنی در پی نداشت. لذا مک فارلین با درک عدم موفقیت، تأسف خود را اظهار داشت و با بیان آن به طرف ایرانی مذاکره کننده مبنی بر اینکه فرصت گرانبهایی از دست رفت، ناموفق به آمریکا مراجعت نمود.

در تاریخ ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۵ خبر سفر مک فارلین به ایران از سوی نشریه لبنانی الشراع و سپس با اعلام رسمی از سوی مقامات ایران، منتشر شد. اظهارات ریاست مجلس شورای اسلامی ایران در مورد سفر مک فارلین به تهران و نتایج این سفر، بازتاب بسیار گسترده ای در محافل داخلی و خارجی داشت و بحران عمیقی را در آمریکا و منطقه ایجاد نمود.

با توجه به ماهیت این روابط،آمریکاییها عمیقا نسبت به عدم انتشار خبر

۱- ۱۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه».

مذاکرات، قبل از حصول نتیجه قطعی، تأکید می کردند. سرانجام، مقامات وقت آمریکا در برابر اتهامات وارده به آنها از طرف جناحهـای مقابـل مبنی بر «تضـعیف متحـدان آمریکا در منطقه»، «نادیـده گرفته منافع اعراب و چرخش به سـمت ایران»، «نقض سیاست آمریکا مبنی بر تحریم فروش سـلاح به ایران» و «پرداخت باج سبیل به ایران برای آزادی گروگانها»، مجبور به واکنش شدنـد و رئیس جمهور وقت آمریکا (رونالد ریگان)، طی نطق تلویزیونی ضـمن تایید اقدامات پنهانی، به تشـریح و توجیه علل این روابط و اتهامات وارده به آمریکا پرداخت. وی در این سخنرانی مأیوسانه خود در حالی که سعی می کرد دلائلی را به نفع آمریکا برشمارد، اظهار داشت:

«اکنون هجـده ماه است که طی یک ابتکار سیاسـی محرمانه، ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده ایم. برای اسـتفاده از این ابتکار ساده ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم:

۱- تجدید روابط با ایران.

۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله بین ایران و عراق.

۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری.

۴- تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگانها.

... بـدون همکـاری ایران ما قادر به خاتمه بخشـیدن به جنگ خلیـج فارس نیستیم و بـدون ایران امکان برقراری صـلح با دوام و خاورمیانه وجود ندارد.» (۱) .

سپس ریگـان با اشاره به اتهامات وارده به دولت آمریکا مبنی بر پرداخت «باج سبیل به ایران» و نیز «از بین بردن اعتبار متحـدان آمریکا» با ارسال مخفیانه سـلاح به ایران، ضـمن تکذیب برخی خبرها مبنی بر نحوه ارسال اسـلحه به ایران با کشتی دانمارکی، از بنادر اسپانیا و ایتالیا، گفت:

۱- ۱۰۵. روزنامه رسالت، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

«در مـذاکرات محرمانه ای که داشتیم، من اجازه انتقال تعـداد کمی از تسـلیحات و قطعات یـدکی برای سیسـتم دفاعی ایران را دادم. هدف من متقاعد کردن تهران به این امر بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل می کنند و هدف این بود تـا به ایران علامـت دهیم که ایالات متحـده آماده است تا خصومت بین ما، جای خود را به یک روابط و مناسـبات جـدید بدهد.» (۱) .

ریگان همچنین در مورد اهداف آمریکا در خاورمیانه و ضرورت برقراری رابطه با ایران و موانعی که وجود داشت، گفت:

«اهـداف درازمـدت آمریکـا در خاورمیـانه این بـوده است که به اسـتقلال ایران در قبـال سـلطه شـوروی یـاری نمایـد و خـاتمه شرافتمنـدانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق بخشـد و صـدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد. یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع رابطه بین ما بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم.» (۲) .

عکس العمل شوروی

شوروی هـا که در انتظـار بهره برداری سیاسـی – نظامی که از کاستیها و نقائص سـیاست آمریکا در منطقه بودنـد (۳) بلافاصله پس از افشای ارسال

۱– ۱۰۶. پیشین.

۲– ۱۰۷. روزنامه ابرار، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

۳– ۱۰۸. مجله المسـتقبل چاپ فرانسه در این مورد نوشت: برخی از مسـئولین کشورهای عربی معتقدند که میخائیل گورباچف رهبر پرتحرک شوروی که در بهره گیری از خطاها و نقاط ضـعف سیاست آمریکا مهارت دارد، سعی خواهد کرد که از نتایج (ضـربه بزرگی) که سـیاست آمریکا در خاورمیانه در دوره ی زمامـداران ریگان متحمل گردیـده است، منتهای بهره برداری را بنمایـد و در نظر این مسئولین سال ۱۹۸۷ سـال تحرک فزاینـده اتحاد شوروی در خاورمیانه خواهـد بود. (اداره کل مطبوعات خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، نشریه ۱۲۰۸، ۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

تسلیحات از سوی آمریکا به ایران، بر کمکهای نظامی خود به عراق افزودند و روند جدیدی را در سیاست منطقه ای بخود بویژه برخورد با دو کشور ایران و عراق و جنگ آغاز کردند. بهبود موقعیت شوروی در منطقه، یکی از ثمرات آسیب دیدگی آمریکا در برابر افشای ماجرای مک فارلین بود. با متزلزل شدن موقعیت امریکا در منطقه، موقعیت شوروی رو به بهبود گذاشت و این وضعیت تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی ادامه یافت. روابط عراق و شوروی طی این دوره به سطح مطلوب و مناسبی ارتقاء یافت که به هیچ وجه قابل مقایسه با زمان پیش از آن نبود.

روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در اولین عکس العمل خود آمریکا را در برخورد با جنگ ایران و عراق به نفاق متهم کرد و نوشت:

«مأموریت سری رابرت مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در ایران بار دیگر دورویی واشنگتن را نسبت به آنچه در ارتباط با جنگ ایران و عراق است، تائید می کند. (۱) .

واشنگتن علنا اظهار می دارد که خواستار پایان جنگ ایران و عراق است، لیکن در واقع ضمن تضمین دادن به یک طرف در مورد خواست

ص: ۸۳

---

۱ - ۱۰۹. آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران طی سخنانی ضمن حمله به موضع روسها در برخورد با جنگ و تشبیه آن با مواضع آمریکا گفت: «روسها از این قضیه (فروش اسلحه آمریکایی به ایران) سوء استفاده کردند و گفتند آمریکا با فروش اسلحه به ایران نمی خواهد جنگ تمام شود و این در شرایطی است که ما معتقدیم آمریکا و شوروی هر دو نمی خواهند جنگ تمام شود. آنها صلح تحمیلی و یا حالت نه جنگ و نه صلح را می خواهند. اما باید به روسها گفت: شما که می گوئید آمریکا نمی خواهد جنگ تمام شود چرا به عراق این همه سلاحهای پیشرفته و مدرن می دهید؟ آیا شما می خواهید جنگ تمام شود؟» (روزنامه رسالت ۸ / ۹ / ۱۳۶۵).

خود مبنی بر پایان جنگ، به طرف دیگر سلاح می دهد.» (۱) .

شوروی در ادامه موضعگیری نسبت به روابط پنهانی آمریکا با ایران، موضع شدیدی را علیه ایران اتخاذ کرد، چنانکه روزنامه ایزوستیا ارگان دولت شوروی نوشت:

«تهران مبارزه ای خصمانه را بر علیه شوروی در قبال حمایت مسکو از دولت افغانستان به راه انداخته است... رابطه ای میان سیاست ایران در قبال کابل و مسکو و تحویل اسلحه آمریکا به ایران در یک عملیات پنهانی که با مشارکت اسرائیل انجام شده وجود دارد و بخشی از تسلیحات مزبور با توافق ایران برای چریکهای افغان در نظر گرفته شده بود... تهران در حرف پیرو اهداف ضد امپریالیستی است، اما در واقع با نیروهای امپریالیستی در اجرای یک جنگ اعلام نشده بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان مشارکت می کند.» (۲) (۳) .

تأثیرات ناشی از افشای ماجرای مک فارلین همچنان تا مدتها بر مناسبات ایران و شوروی سایه افکند و به میزانی که موقعیت شوروی مستحکم می شد، فشار روسها به ایران با حمایت از عراق افزایش می یافت.

شوروی ها در اعمال فشار به ایران دو منظور را به طور همزمان دنبال می کردند، از سویی اندیشه ی استقلال در تصمیم گیری نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و در صدد بودند بینش عدم اتکاء به ابرقدرتها، مبنی بر عدم واگذاری تعیین سرنوشت جنگ را مخدوش ساخته و قدرت تصمیم گیری را برای تعیین چگونگی پایان جنگ از ایران سلب کرده و خود

۱- ۱۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه (۱۸ / ۸ / ۱۳۶۵).

۲- ۱۱۱. روسها پس از تجاوز به افغانستان و شکست در برابر مقاومت مردم آن همواره سعی می کردند که برای توجیه شکست خود عوامل خارجی از جمله ایران را در تبلیغات خود مورد تهاجم قرار دهند. بنابراین، افشای ماجرای مک فارلین فرصت مناسبی را در اختیار روسها قرار داد تا اقدام به موضعگیری نمایند.

۳- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۵۷، ۱۰ / ۹ / ۱۳۶۵.

در اختیـار بگیرنـد تا با اعمال تـدابیر خویش جنگ را در راسـتای منافع منطقه ای و جهانی خود هـدایت کننـد. از سوی دیگر، ایران را در برابر حضور نظـامی خود در افغانسـتان منعطف سازنـد. به عبـارت دیگر، بازگردانـدن ایران انقلابی به نظام دوقطبی بین المللی را که هـدف اصـلی آمریکا از شـروع جنگ بود و طی ۶ – ۷ سال به آن نرسـید، شوروی با اسـتفاده از شرایط پیش آمـده در دسـتور کار خود قرار داد. اگر جمهوری اسـلامی که بنای جدیـدی را در جهان دو قطبی گذاشـته بود و با در دسـت گرفتن سرنوشت جنگ هر دو قطب را مستأصل کرده بود، در برابر فشار شوروی ها انعطاف نشان می داد، نه تنها جوهره اصلی انقلاب خود را که همانا بهم زدن سیسـتم دو قطبی در جهان بود از دست می داد بلکه مسـلما نمی توانست زمینه ساز فروپاشی ابرقدرت شـرق باشد. به عبارت دیگر، جمهوری اسـلامی با افشای ماجرای مک فارلین ضمن اینکه بحران بزرگی برای غرب و هم پیمانان منطقی اش ایجاد کرد برای مقابله با سوء اسـتفاده ابرقدرت شـرق از این ماجرا نیز تاوان سنگینی پس داد و مقاومت سرسختانه ای کرد.

موضع گیری عراق

افشـای مـاجرای مک فارلین ضـمن آنکه واشـنگتن را دست خوش بحران کرده بود، هم پیمانان عرب آمریکا را نیز بحران زده کرد. در میان کشورهای عربی، موضعگیری عراق به لحاظ تأثیرات ارتباط آمریکا و ایران و ارسال سلاح به جمهوری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. عراق در بیانیه ای رسـمی، ضـمن اظهار تاسف از کوششـهای آمریکا، این عمل را به شدت محکوم کرد. در بیانیه ی مزبور آمده بود:

«پـذیرش ارسال اسـلحه به ایران از سوی رونالـد ریگان با سیاسـتهای اعلام شـده آمریکا به شـدت در تناقض است. تفاوت بین گفتار و رفتار

حکومت آمریکا، اعتبار سیاستهای اعلام شده این کشور را مورد سئوال قرار داده و تعهدات این کشور را به عنوان ابرقدرتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی مسئولیت دارد، مورد تردید قرار داده است.»

در این بیانیه سپس تأکید شده بود:

«اسلحه ای که ایران دریافت می کند علیه عراق به کارگیری می شود و طبعا ارسال اسلحه آمریکایی به ایران، بر عراق بیش از هر کشور دیگری تأثیر گذاشته است.» (۱) .

نزار حمدون، سفیر عراق در واشنگتن نیز ضمن آنکه هر گونه حمایت تسلیحاتی از ایران را موجب طولانی تر شدن جنگ قلمداد کرد، یادآور شد:

«این حق آمریکاست که کانالهای دیپلماتیک خود را با تهران بگشاید، لیکن تحویل سلاح و مهمات به آن کشور و تردیدهای خطرناکی را در رابطه با مواضع اعلام شده اش مبنی بر بی طرف بودن در جنگ پدید می آورد.» (۲) .

وی سپس به نتایج اقدام آمریکا مبنی بر تشویق دیگران به ارسال اسلحه به ایران اشاره نمود و در مورد پیامدهای آن در سطح منطقه، در صورت تغییر موازنه نیروها، گفت:

«بروز تغییر احتمالی در موازنه نیروهای سیاسی و نظامی خاورمیانه منجر به افزایش قیمت نفت شده و بالاخره به منافع ملت آمریکا ضربه خواهد زد.» (۳) .

نزار حمدون طی مصاحبه ای با روزنامه نیویورک تایمز مطالبی را بیان داشت که به نظر می رسید علاوه بر تهدید آمریکا، نقطه آغاز چرخش عراق به سمت شوروی بود. وی گفت:

«گرمی مجدد روابط ایران و آمریکا هیچ گونه ضرر و زیانی برای عراق ندارد.» (۴) .

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی، ۲۵/ ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»۲۹ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط.

۳- ۱۱۵. پیشین.

۴- ۱۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

در واقـع در مقـایسه بـا اظهـارات قبلی نزار حمـدون مبنی بر تـأثیرات زیـان بخش تقـویت تجهیزات ایران برای عراق، این موضـعگیری نشـانه ی آن بود که دیگر عراق به لحاظ بی اعتمادی به مواضع آمریکا، به این کشور متکی نخواهـد بود. وی در ادامه اظهاراتش گفت:

«فروش مخفیانه اسلحه آمریکا به ایران، اصول از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان عراق و آمریکا را زیر سئوال می برد.» (۱)
.

وی در عین حـال در اظهـاراتش ضـمن توجیه شـکست عراقیها در فاو، ادامه از سـرگیری روابط با آمریکا را مشـروط به جبران خسارتهای عراق نمود و گفت:

«آینـده بـه ایـن مطلب بسـتگی دارد که دولت آمریکـا در مـورد این مسـئله مهم ارزش و اعتبـار خـود را در برابر عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه جبران کند.» (۲) .

نتایج و پیامدها

تشـتت در سیاست خارجی آمریکا در منطقه و مخـدوش شـدن اعتبار این کشور نزد متحدینش، همراه با افزایش تنش در میان نهادها و مراکز مختلف در آمریکا، (۳) مهمترین بخش از بحرانی بود که آمریکاییها در گرداب آن گرفتار آمدند. (۴) .

ص: ۸۷

۱- ۱۱۷. پیشین.
۲- ۱۱۸. مأخذ شماره ۱۴.
۳- ۱۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا.
۴- ۱۲۰. روزنـامه نیویورک تایمز ضـمن انتقاد از شورای امنیت آمریکا، در مورد اهـداف آن کشور و نقائص و کاستیهای آن نوشت: «یک مقام بلنـد پایه دولت آمریکا می گویـد: هـدف اصـلی از این گونه تفکر استراتژیک کاخ سـفید، مقابله با تهـدید شوروی بدون توجه به دیگر مشـکلات منطقه ای بوده است. یک مقام کاخ سـفید نیز گفت: ویلیام کیسـی، جان یونید کستر و داتت فورتی، طرفدار این نظریه بودند که یک سلسله عملیات سری منظم می تواند به تغییرات ژئوپولتیکی عمده ای در منطقه، چون گشایش راهی برای ارتباط با ایران بیانجامـد. این عملیات تا حدود زیادی بدون مشورت با کارشـناسان منطقه در وزارت دفـاع ایالات متحـده، وزارت امور خارجه و حتی برخی از اعضای شورای امنیت ملی طرحریزی شـد.» (نشـریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو آمریکا).

این وضعیت، از سوی محافل مختلف و کارشناسان به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک و تبلیغاتی برای ایران تلقی شد. (۱) .

متحدین آمریکا در اروپا با توجه به عمق و وسعت بحران در کاخ سفید، نسبت به تداوم آن تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و تأثیرات آن بر روابط آمریکا و کشورهای منطقه خاورمیانه، عمیقا نگران و مضطرب بودند. (۲) .

شوروی ها ضمن استفاده از پیدایش وضعیت جدید، به نحو آشکاری حوزه فعالیتهای خود را برای ارتقاء موقعیتشان در برابر آمریکا گسترش دادند. (۳) بهبود مناسبات با کشورهای منطقه و ارتقاء سطح روابط، در شرایطی که این کشورها عمیقا نسبت به آمریکا بی اعتماد شده بودند، تنها بخشی از بهره برداری روسها بود. عمده ترین قسمت آن نیز گسترش روابط با عراق محسوب می شد.

در این میان، آمریکاییها برای به دست گرفتن ابتکار عمل و جبران کاستیها و شکستهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین، بر تلاشها و اقدامات خود افزودند. (۴) چنانکه مک فارلین از دولت آمریکا درخواست

۱- ۱۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۹ / ۱۳۶۵، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، لوکتیدین دوپاری.

۳- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۴- ۱۲۴. در پی بروز حوادث مزبور، وزارت خارجه آمریکا به تلاش افتاد و ریچارد مورفی را به منطقه اعزام کرد. رادیو آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در حالی که سعی می کرد مسئله اصلی ماجرا را فروش تسلیحات به ایران جلوه دهد، در مورد سفر مورفی گفت: «مدیر کل وزارت خارجه آمریکا در سفرش به خاورمیانه خواهد کوشید به دوستان آمریکا اطمینان دهد که فروش تسلیحات از آمریکا به رژیم اسلامی ایران، انحرافی در سیاست ایالات متحده بود که دیگر تکرار نخواهد شد. مقامات آمریکایی می گویند: ریچارد مورفی سه مسئله اصلی را با رهبران اردن و مصر در میان خواهد گذاشت: ۱ - مسائل منطقه ای که شامل جنگ خلیج فارس، اوضاع لبنان و مشکل فلسطینیان است. ۲- درک موقعیت کنونی خاورمیانه و دورنمای احیای آن. ۳- روابط دوجانبه میان کشورهای خاورمیانه با ایالات متحده از جمله کمکهای متحده از جمله کمکهای خارجی. (بولتن رویدادها، دفتر سیاسی سپاه، شماره ۱۲۸، ۲۴/ ۱۰ / ۱۳۶۵).

کرد که: «یک برنامه چهار ماده ای را جهت به دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی خود آغاز کند.» (۱) .

محور اصلی اقدامات آمریکا، علاوه بر تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی، افزایش کمک به عراق به منظور (تشدید فشار به ایران) و ممانعت از پیروزی ایران در جنگ بود. (۲) .

تشدید فشار به ایران در واقع برای جبران ماجرای مک فارلین و نشان دادن حسن نیت آمریکا به متحدین آن کشور به منظور پایان دادن به جنگ انجام می گرفت. وزیر خارجه آمریکا در چارچوب همین سیاست اعلام داشت:

«کاستن از توان نظامی ایران که طرف سرکش این جنگ است، می تواند به دستیابی یک راه حل از طریق مذاکره کمک کند.» (۳) .

همچنین پس از آن که آمریکاییها از سوی عراق متهم به ارائه اطلاعات غلط به این کشور شدند، اجبارا برای خنثی کردن جو ناشی از آن به بخشی از کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق در طول جنگ اعتراف کردند. آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه، با اشاره به علت افشای کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، اظهار داشت:

«افشای تلاش آمریکا در برقراری روابط با ایران، کشورهای غربی

۱- ۱۲۵. روزنامه رسالت، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر، ۲۳ / ۹ / ۱۳۶۵.
۲- ۱۲۶. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا طی یک موضعگیری رسمی اعلام کرد: «آمریکا می کوشد تا از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ خارجی جلوگیری کند.» (روزنامه رسالت ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵).
۳- ۱۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵.

را سر خورده کرد و برای اینکه آنها بیشتر از آمریکا ناامید نشونـد، آمریکاییها مجبور به اعتراف به اعطای کمکهای اطلاعاتی به عراق در رابطه با هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی ما شدند.» (۱) .

در واقع، موقعیت سیاسی - نظامی ایران پس از فتح فاو، بویژه متعاقب افشای ماجرای مک فارلین به گونه ای بود که آمریکاییها تداوم آن را، با توجه به تبلیغات ایران مبنی بر انجام عملیات سرنوشت ساز، به زیان خود تلقی می کردند. بنابراین، با هدف کاهش توان نظامی ایران و قبولاندن ضرورت مذاکره به عنوان تنها راه حل در پایان بخشیدن به جنگ، اقداماتی را آغاز کردند که بخش مهم آن ارائه کمکهای اطلاعاتی و مستشاری به عراق برای حمله به مراکز حیاتی صنعتی و اقتصادی ایران بود. در این زمینه، خبرنگار شبکه سی. بی.اس آمریکا طی گزارشی گفت:

«دولت ریگان به یک مقاطعه کار نظامی چراغ سبز داده که با عقد قراردادی با عراق، این کشور را در توسعه یک استراتژی جهت جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ یاری نماید. قرار است شرکت آی.بی.ام که مقامات آن را افسران نظامی بازنشسته آمریکا تشکیل می دهند، طی همکاری مستقیم با وزارت دفاع عراق طرحی را برای این کشور ابداع نماید که بر اساس آن عراق بتواند از برتری نیروی هوایی خود استفاده کند. بنابراین گزارش، قرارداد پیشنهادی شامل ابداع طرحهایی است جهت تهاجم هوایی به خطوط حیاتی ارتباطات دفاعی ایران، انبار مهمات مملو از گلوله های توپ ایران که از بازار سیاه خریداری نموده، پالایشگاه ها و ایستگاههای پمپ نفت که منبع اصلی درآمد ایران است و نیز کاروانهایی که از شهرها برای امواج انسانی ایران نیرو و آذوقه می آورند.» (۲) .

همچنین نشریه میدل ایست اینترنشنال به نقل از خبرگزار بی.بی.سی

ص: ۹۰

۱- ۱۲۸. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴/ ۸ / ۱۳۶۵.

نوشت:

«یک افسر عالیرتبه آمریکایی که در بغداد اقامت دارد به نیروی هوایی رژیم عراق کمک اطلاعاتی می دهد. حمایت آمریکا از عراق تنها به مسائل سیاسی محدود نمی شود و مسائل نظامی را نیز دربر می گیرد. از جمله باید از اطلاعات کسب شده از هواپیماهای آواکس و ماهواره های آمریکایی که مستقیما در اختیار مقامات رژیم عراق قرار می گیرد نام برد.» (۱) .

تنش در روابط عراق و آمریکا

در این میان، تلاشهای و اقدامات آمریکا نتوانست اعتماد عراق به آمریکا را مجددا جلب نموده و تنش موجود در روابط آنها را کاهش دهد.

تحت چنین شرایطی، افشای ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق توسط روزنامه نیویورک تایمز که بیشتر تحت تأثیر تنشهای داخلی آمریکا انجام گرفت، بر تیرگی روابط افزود. نیویورک تایمز به نقل از مقامات وزارت خارجه (۲) آمریکا نوشت:

«مقامات وزارت امور خارجه آمریکا ماه گذشته گفتند که ایالات متحده ظرف دو سال گذشته گهگاه اطلاعاتی نظامی در اختیار عراق قرار می داد، اما هیچ نشانه ای در مورد نادرست بودن آن اطلاعات بروز نمی داد. هدف از دادن این اطلاعات نظامی جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در جنگ خلیج فارس بود.» (۳) .

۱- ۱۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۳۱. نشریه نیویورک تایمز ارائه کننده نظریات وزارت خارجه آمریکا است. از آنجا که ماجرای مک فارلین تحت رهبری شورای امنیت آمریکا صورت می گرفت، این اقدام نشریه نیویورک تایمز انتقادی از سوی وزارت خارجه نسبت به شورای امنیت آمریکا تلقی می شد.

۳- ۱۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

سخنگوی کاخ سفید بلافاصله طی مصاحبه ای، ضمن تکذیب مطالب مندرج در نشریه نیویورک تایمز، سیاست جدید آمریکا را چنین بیان کرد:

«سیاست آمریکا در حال حاضر این نیست که اطلاعات گمراه کننده ای در اختیار ایران و عراق قرار دهد. در این زمینه که آیا آمریکا در گذشته چنین اقدامی به عمل می آورده، اطلاعی ندارد. ایالات متحده خواستار طولانی شدن جنگ نیست و برعکس خواهان پایان صلح آمیزی است که در آن بازنده یا برنده ای در کار نباشد و ثبات را در منطقه خلیج فارس برقرار سازد.» (۱) .

طه یاسین رمضان مرد شماره ۲ عراق نیز طی مصاحبه ای ضمن موضعگیری نسبت به آمریکا، در مورد ماهیت و نتایج ارائه اطلاعات غلط به عراق اظهار داشت:

«اطلاعات نادرست و مخدوشی که ایالات متحده عمدا در اختیار ارتش عراق قرار داده به قیمت جان هزاران سرباز عراقی تمام شده است... عراق نخستین بار در فوریه گذشته (بهمن سال ۶۴) به درستی اطلاعات دریافت شده مظنون شد و آن هنگامی بود که ایالات متحده تأکید می کرد که ایران به منطقه ای در مرکز جبهه مرزی ایران و عراق حمله خواهد کرد، در صورتی که ایران به فاو در گوشه جنوبی عراق حمله برد.» (۲) .

اظهارات طه یاسین رمضان و ابعاد این ماجرا مورد توجه محافل سیاسی و خبری قرار گرفت. روزنامه وال استریت ژورنال در تفسیر این اظهارات نوشت:

«اگر اظهارات طه یاسین رمضان درست باشد و اطلاعات نادرست در اختیار اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز گذاشته شده باشد، به نظر می رسد که ایالات متحده نه فقط به ایران و عراق بلکه به

۱- ۱۳۳. پیشین.

۲- ۱۳۴. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا.

چند کشور اطلاعات نادرست داده و مسلما بیش از پیش به اعتبار متحده در خاورمیانه لطمه خواهد خورد.» (۱) .

در بخش دیگری از تفسیر این نشریه آمده بود:

«مقامات اردنی هفته پیش کوشیدند عراق را قانع سازند که شاید تجزیه و تحلیل ایالات متحده از آن اطلاعات نادرست بوده و آمریکا واقعا قصد نداشته عراق را فریب دهد.» (۲) .

تبعات اقدام آمریکا و بی اعتمادی حاصله از آن مورد تاکید نویسنده وال استریت ژورنال قرار گرفته بود:

«ظن و شکی که آقای رمضان نسبت به ایالات متحده ابراز کرد، نشانه ای از عدم اعتماد عمیق عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه نسبت به آمریکا است و از افشای این امر ناشی می شود که ایالات متحده با فروش اسلحه به ایران جهان را فریب داد.» (۳) .

در پی این وضعیت، آمریکاییها کوشش وسیعی را برای جبران کاستیها و نواقص سیاستهای پیشین خود به عمل آورده و با ارائه اطلاعات از مراکز اقتصادی ایران، مساعدتهای لازم را نسبت به حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران اعمال نمودند، چنانکه نشریه ساندی تلگراف پس از حمله هوایی عراق به نیروگاه نکا نوشت:

«دیپلماتها در بغداد معتقدند که کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق، این کشور را قادر ساخت تا به تأسیسات اقتصادی ایران مثل نیروگاه نکا ضربه وارد کند.» (۴) .

در واقع، آمریکاییها در وضعیتی انفعالی کوشیدند تا با افزایش ارائه اطلاعات به عراق، تبعات ناشی از ناخشنودی از آمریکا را جبران نمایند چنانکه در ابتدا عراقیها نیز همین انتظار را از آمریکا داشتند. با اقدامات جدید آمریکا روند مناسبات این کشور با عراق مجددا رو به بهبود نهاد، هر

ص: ۹۳

۱- ۱۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، وال استریت ژورنال.

۲- ۱۳۶. پیشین.

۳- ۱۳۷. مأخذ، شماره ۲۹.

۴- ۱۳۸. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

چند عراق می کوشید با وضعیت پیش آمده بیشترین امتیازات را از آمریکا دریافت دارد. پس از شکست عملیات کربلای ۴ وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می سازیم که در مقایسه با برخوردشان باایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۱) .

بلافاصله پس از آغاز عملیات کربلای ۵ و پیروزی بزرگ ایران در این عملیات، عراق که بار دیگر فریب خورده بود بنا به استنباط گذشته مبنی بر ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق، مجددا مناسبات دو کشور رو به تیرگی نهاد.

پذیرش اتهامات عراق برای آمریکا، نظر به عواقب آن، غیر قابل تحمل بود. چون آمریکاییها با کمک اطلاعاتی مجدد به عراق و سایر اقدامات در نظر داشتند تا ضمن زدودن آثار افشای ماجرای مک فارلین از چهره سیاست خارجی متشتت آمریکا، مجدداً ابتکار عمل را در منطقه به دست گیرند. بنابراین، روزنامه واشنگتن پست که نماینده محافل دست راستی آمریکا محسوب می شود، ضمن پاسخ به اظهارات طه یاسین رمضان، اتهامات وی مبنی بر اینکه عامل شکست نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بویژه جزیره فاو، آمریکا بوده است را به نقل از دیپلماتها و مقامات غربی رد نموده و نوشت:

«تحلیلگران غربی معتقدند که نبرد فاو بهترین نمونه بهره برداری نیروهای مهاجم از ضعف خطوط دفاعی دشمن بود و رمضان با چنین ادعایی سعی دارد تقصیر شکستهای نظامی خود را به گردن آمریکا بیندازد.» (۲) .

همچنین روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام عالیرتبه غربی نوشت:

ص: ۹۴

۱- ۱۳۹. پیشین.

۲- ۱۴۰. روزنامه رسالت، ۶ / ۱۱ / ۱۳۶۵، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

«بـدون تردیـد آبروی رمضـان رفته بود، زیرا این نیروهای جیش الشـعبی بودنـد که در فاو خطوط دفاعی را لو داده و شکسـت خوردند.»

از سوی دیگر، این روزنامه از قول شولتز وزیر خارجه آمریکا نوشت:

«این ادعا که ما عملا اطلاعات غلط در اختیار عراقیها گذاشته ایم کاملا نادرست است.»

واشنگتن پست در ادامه همین مطلب افزود:

«در آن هنگام (نبرد فاو) عکسهای ماهواره ای آمریکا نشان می داد که بیشترین تمرکز سلاحهای سنگین بسیار بالاتر از فاو، در حوالی منطقه باتلاقی هویزه، در تقاطع رودهای دجله و فرات واقع شـده و همه فکر می کردنـد که تهاجم عمده ایران در منطقه هویزه است. آمریکا همچنان به عراق اطلاعات جاسوسـی می دهد و فرماندهی نظامی عراق تا به حال هیچگونه گله و شکایتی در مورد کیفیت اطلاعات دریافتی در مورد تهاجم جاری ایران (۱) نکرده است.» (۲) .

به رغم تلاشـها و اقداماتی که از سوی محافل خبری برای توجیه سـیاست اطلاعاتی آمریکا در برخورد با ایران و عراق صورت گرفت، جناحهای رقیب داخلی، بیش از پیش دولت ریگان را تحت فشار قرار می دادند.

چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا طی مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه گفت:

«به من گفته شد که حداقل یکبار برخی اطلاعات در اختیار ایران قرار گرفته است.» (۳) .

پس از اظهارات فوق واشنگتن پست بلافاصله نوشت:

ص: ۹۵

۱- ۱۴۱. اشاره به اطلاعات دقیقی است که در مورد عملیات کربلای ۴ از سوی آمریکا در اختیار عراق قرار گرفت.

۲- ۱۴۲. مأخذ شماره ۳۴.

۳- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۵.

«سرهنگ الیورنورث به تهران اطلاعات فوق محرمانه داده بود.

پیامهای الکترونیک مخابره شده توسط نورث نشان می دهد که وی اطلاعات طبقه بندی شده ای را تحت نام نوفورم به ایران داده است. این علامت نشان می دهد که اطلاعات یاد شده نمی بایست توسط هیچ قدرت خارجی رویت شود. نورث حداقل دوبار اطلاعاتی را در اختیار واسطه های ایران قرار داده است.» (۱) .

بنابراین، بدیهی به نظر می رسید که این گونه اظهارات از سوی مقامات رسمی آمریکا، عراق را به طور مضاعف دچار تردید و ابهام نماید، لذا بر تنش روابط عراق و آمریکا افزوده شد و همچنان ادامه یافت. این وضعیت علاوه بر آنکه موجب ناتوانی بیشتر آمریکا در به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ گردید: متقابلا عراق را بیش از پیش به سمت شوروی برای یافتن نقطه اتکاء جدید سوق داد و آمریکا در برخورد با عراق در وضعیت بسیار دشوار و پیچیده ای قرار گرفت. در این شرایط متحدان اروپایی آمریکا، با اقدامات خود، از بازگشت کامل عراق به دامن شوروی جلوگیری کردند. فرانسه، آلمان، انگلیس و سایر کشورهای اروپای غربی بیش از پیش به تقویت بنیه نظامی عراق پرداختند تا ضمن ممانعت از بهره برداری شوروی،موفقیتهای ایران را، خصوصا در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، خنثی نمایند.

گسترش تهاجمات هوایی عراق

در شرایطی که سیل کمکهای تجهیزاتی و اطلاعاتی به عراق شروع شده بود، حملات هوایی به مناطق غیر نظامی به نحو گسترده ای آغاز شد. دشمن در مرحله اول منابع تأمین برق کشور را هدف قرار داد و به دنبال آن سایر مراکز صنعتی و اقتصادی کشور را زیر بمباران گرفت. تهاجم هوایی جدید با طرح و کمکهای اطلاعاتی آمریکا و بمب افکن های شوروی انجام می شد.

۱- ۱۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵، روزنامه واشنگتن پست (۲ / ۱۲ / ۱۳۶۵).

شوروی ها نگران از اقدامات آمریکا و با اندیشه به تسلیم کشاندن تهران، عراق را در جنگ هوایی بشدت تقویت کردند. تفسیر نشریه ساندی تایمز از این جریان، دلیلی بر صحت این مدعاست:

«به نظر می رسد افشای حمایت تسلیحاتی ایران از سوی آمریکا و اسرائیل، ماشه ی حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکانده باشد.» (۱) .

همچنین، برداشت عراق از توافقات احتمالی ایران و آمریکا در چارچوب پایان بخشیدن به جنگ که ممکن بود به حذف صدام بیانجامد، موجب گردید تا رژیم عراق نسبت به این جریان عکس العمل نشان دهد.

نشریه ساندی تایمز نوشت:

«تماسهای آمریکا و ایران و ارسال تجهیزات آمریکایی به ایران، آینده ی صدام حسین را زیر سؤال برده است. تشدید حملات هوایی عراق به ایران در واقع تلاش صدام حسین برای قدرت نمایی است.» (۲) .

در هین حال، شواهد و قرائن دیگری وجود داشت که نشان می داد علاوه بر اهداف جدید شوروی و انگیزه های عراق از حملات گسترده هوایی از مدتها قبل از عملیات هوایی علیه ایران، توسط آمریکا طرحریزی شده است.

بعدها روزنامه نیویورک تایمز در این مورد نوشت:

«در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) کیسی طرحی را تنظیم کرده بود که صدام را تشویق به فشار به تهران کند.

در تابستان همین سال بوش طی دیدار از خاورمیانه از شاه حسین و حتی مبارک خواست تا پیام این طرح را به صدام حسین منتقل کنند.

بر اساس این طرح تهران مجبور می شد برای خرید موشک و سایر سلاحهای دفاعی به واشنگتن روی آورد و در نتیجه به آمریکا برای آزادی گروگانها در لبنان امتیاز بدهد.

ص: ۹۷

۱- ۱۴۵. مأخذ شماره ۳۲.

۲- ۱۴۶. مأخذ شماره ۳۲.

بعد از انتقال پیام، عراق ۳۵۹ ماموریت بر فراز جمهوری اسلامی انجام داد و تاسیسات مهم نفتی ایران را منهدم کرد.» (۱) .

در واقع، آمریکاییها قبل از سفر مک فارلین به ایران مایل بودند موقعیت برتر سیاسی و نظامی ایران را تضعیف کرده و به هنگام انجام مذاکرات در تهران، از موقعیت بهتری برخوردار باشند. عراقیها نیز با توجه به وضعیت رو به تزلزل روحی - روانی خود که ناشی از شکست در فاو بود، چنین می پنداشتند که وارد ساختن فشار نظامی به ایران، علاوه بر تأمین نظریات آمریکاییها، منافع عراقیها را نیز می تواند تامین نماید. بر همین اساس، عراقیها به اجرای «استراتژی دفاع متحرک» مبادرت ورزیدند. لیکن شکست این طرح از یکسو و ناکامی مک فارلین در سفر به تهران از سوی دیگر، طرح از پیش تعیین شده دیگری را مبنی بر «انهدام امکانات نظامی ایران با حمله به هدفهای حیاتی» در دستور کار قرار داد. اظهارات حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق دلالت بر صحت این نظر دارد. وی در این خصوص گفته بود:

«انهدام امکانات نظامی و هدفهای حیاتی ایران بر اساس نقشه هایی که قبلا توسط نیروی هوایی عراق تهیه و آماده شده است، انجام خواهد گرفت.» (۲) .

همچنین فرمانده نیروی هوایی عراق در مصاحبه ای با مجله الدستور، با اشاره به اهداف عراق از حملات هوایی و طرحریزی عراق برای مراحل بعدی اظهار داشت:

«ضرباتی که هواپیماهای عراقی بر هدفهایشان در ایران وارد ساختند، بر اساس انهدام سریع تکیه گاههای دشمن ایرانی بود. اجرای نخستین مرحله از این طرح چند مرحله ای با موفقیت انجام گرفت و ما مدتی است که در مورد اجرای مرحله دوم این طرح به بررسی پرداخته ایم.

۱- ۱۴۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۸ / ۱۳۷۱.

۲- ۱۴۸. پیشین.

تـا باقیمانـده امکانـات انسـانی و اقتصـادی و نظـامی دشـمن ایرانی را تحلیـل دهیم و دشـمن در هر مرحله شاهـد انجام عملیات شدیدتری خواهد بود

ما در روزهای آینده به اجرای کامل این طرح خواهیم پرداخت و بی وقفه به آن ادامه خواهیم داد.» (۱) .

کمکها و مساعـدتهای آمریکا نیز در این زمینه بی تأثیر نبود. آمریکاییها برای جلب مجـدد اعتماد عراقیها و رفع تنش در روابط بغداد – واشنگتن و همچنین تشدید فشار به ایران، کمکهای اطلاعاتی گسترده ای را در اختیار عراق قرار دادند.

روزنامه وال استریت ژورنال ضمن تفسیر اظهارات طه یاسین رمضان مبنی بر ارائه اطلاعات نادرست از سوی آمریکا به عراق و نقش آن در روابط دو کشور نوشت:

«به رغم تمـامی این تحولاـت، عراق هنوز هم از ایالاـت متحـده اطلاعـاتی دریـافت می کنـد که دیپلماتهـای غربی، بـا توجه به موفقیت شدیـدا رو به افزایش حملات هوایی اواخر سال گذشـته عراق علیه هدفهای اقتصادی و تاسیسات نفتی و نیروگاه های برقی ایران، برای آن اعتبار قائلند.» (۲) .

روزنـامه میـدل ایست اینترنشـنال نیز اعتراف کرد که کمکهـای اطلاعـاتی آمریکا به عراق، توسط یک افسـر عالیرتبه در بغـداد صورت می گیرد:

«یک افسـر عالیرتبه آمریکا در بغـداد، در انتخاب اهـدافی که هواپیماهای عراق بایـد در ایران بمباران کننـد، به طراحان کمک می کند.» (۳) .

آمریکاییهـا که به خـاطر تـاثیرات پیروزی نظـامی ایران در افزایش تشـتت سـیاست خـارجی آمریکـا در منطقه، عمیقـا نگران و مضـطرب بودنـد، از هر گونه اعمال فشار به ایران اسـتقبال می کردند، زیرا این امر علاوه بر تضـعیف موقعیت سیاسـی – نظامی ایران، بخشی از بحرانهای ناشی از شکست سیاست آمریکا را جبران می کرد.

۱– ۱۴۹. اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان،» شماره۱۲۱۱، ۲/ ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲– ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳– ۱۵۱. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره۲۶،۱۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵.

عملیات کربلای ۴

نگاهی به عملیات

پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدورات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر «تعیین سرنوشت جنگ» در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت، عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ با چهار قرارگاه به نامهای نجف، قدس، کربلا و نوح آغاز شد.

البته به عللی، نیروهای خودی برخلاف پیش بینی های قبلی در همان شب اول تنها توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام الرصاص، ام البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق به صورت موضعی رخنه نمایند.

دشمن علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که توسط آمریکا (به جبران حادثه ایران گیت) در اختیارش گذاشته شده بود، از هوشیاری کامل برخوردار بود. لذا با استفاده از تاکتیکهای ضد غواص و شناور، مانع از انجام عملیات بر اساس پیش بینی های قبلی شد. دشمن از همان شب عملیات با

استفاده از منورهای پیاپی و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگانها) و همچنین اجرای آتش مؤثر بر روی رودخانه اروند، عملاـ سازمان نیروهای غواص و موج دوم و سوم را به هم زد، به طوری که نیروهای یگانهای مجاور بعضا پراکنده شده و عمدتا نمی توانستند به طور دقیق روی هدف عمل نمایند.

یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم کوششهای بسیاری که برای تصرف آن صورت گرفت، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک آتش تیربار روی آب به صورت ضربدری و با حجم زیاد، مانع عبور نیروها از تنگه ام الرصاص - بوارین شد. ضمنا دشمن بنا به حساسیتی که نسبت به جزیره ام الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره گیری می کرد،به طوری که از هر خط عقب رانده می شد در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت مقاومت می کرد. به رغم کوششهای بسیار، به خاطر هوشیاری دشمن، عملا ادامه نبرد بدون اینکه چشم انداز روشنی داشته باشد با مشکلات عدیده ای توأم شد، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

علل عدم موفقیت عملیات

در میان عوامل متعددی که سرنوشت عملیات کربلای ۴ را رقم زد دو عامل بیش از بقیه تعیین کننده بود

الف: افشا شدن عملیات

نحوه برخورد نظامی عراق با عملیات کربلای ۴ و اظهارات بعدی مقامات نظامی این کشور دلالت بر این داشت که وسیله هوشیاری دشمن

ص: ۱۰۱

صرفا مشاهده تحرکات نیروهای ایرانی نبود، بلکه آنها عمدتا بر اطلاعات واصله از دستگاه جاسوسی آمریکا تکیه داشتند. (۱)
.

چنانکه قبلا اشاره شد، در آن مقطع ارائه اطلاعات نظامی به عراق و مقابله با هر گونه پیروزی جمهوری اسلامی، به عنوان یک مسئله اساسی و اصولی برای آمریکا مطرح بود چون با تزلزل حاکمیت عراق، روسها از موقعیت به دست آمده نهایت بهره برداری را می نمودند.

اظهارات بعدی برخی از مقامات عراقی در مورد اهداف عملیات و نتایج آن حاکی از آن است که اطلاعات ارسالی به عراق حاوی نکات قابل ملاحظه ای بوده است:

«هدف ایران شهر بصره بوده و هست... ایرانیها اگر موفق می شدند. هدفهای خود را تحقق بخشند، ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می کردند و تمام فاو و خور عبدالله و شمال بصره را به اشغال خود در می آوردند، علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه های لازم را طرح کردیم... و از درسهای فاو استفاده نمودیم.» (۲) .

نکته قابل توجه در اظهارات بعدی عدنان خیرالله، اشاره مستقیم وی به اطلاعات واصله از آمریکا بود.

وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می کنیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۳) .

۱- ۱۵۲. دشمن با استفاده از اطلاعات استراتژیک که از سوی آمریکا در اختیارش گذاشته شد، توانست از اطلاعات تاکتیکی نیز بهره گیرد و با در نظر گرفتن اقدامات نیروهای ایرانی در منطقه، تحرکات خودی را تعقیب کند.
۲- ۱۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱۱/ ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو مونت کارلو (۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵).
۳- ۱۵۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه از بغداد.

ب: استفاده از تجارب عملیات فاو توسط عراق

اتخاذ استراتژی دفاع متحرک علاوه بر اهداف اصلی، ناظر بر این امر بود که دشمن با ایجاد تأخیر در عملیات بعدی جمهوری اسلامی که مرتبا تبلیغات آن نیز در سطح کشور صورت می گرفت، تلاش کرد تا از یکسو زمین عمومی منطقه فاو تا بصره را مسلح نماید و امکان ادامه عملیات فاو را در این منطقه از بین ببرد و از سوی دیگر تدبیری برای مقابله با تاکتیکهای ویژه آن عملیات بیندیشد.

عراقیها طی فرصت حاصله توانستند با توجه به تاکتیک نیروهای سپاه برای عبور از رودخانه که عمدتا متکی به نیروهای غواص بود و با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت جزر و مد آب، تاکتیکهای جدیدی را برای مقابله با نیروی غواص اتخاذ کنند.

بنابراین، در آستانه عملیات کربلای ۴ دشمن با استفاده از یک فرصت ده ماهه با مسلح کردن زمین منطقه، ایجاد مواضع و استحکامات در ساحل رودخانه و همچنین آرایش سلاح برای پوشاندن سطح آب جهت ممانعت از حرکت نیروهای غواص و سایر اقدامات، از آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام برخوردار شده بود.

بازتاب عملیات کربلای ۰۴

عراقیها که از مدتها قبل نسبت به اجرای عملیات گسترده و سرنوشت ساز از سوی ایران، در اضطراب و نگرانی بودند، بلافاصله پس از عدم حصول نتیجه مطلوب ایران از عملیات مزبور، تبلیغات وسیعی را مبنی بر شکست نبرد سرنوشت ساز

آغاز کردنـد. عراقیها با تأکید بر گستردگی این عملیات با هدف تصـرف بصـره، در نظر داشـتند بر پیروزی عراق تأکید نمایند. فرمانده سپاه هفتم عراق طی مصاحبه ای، در مورد عملیات اظهار داشت:

«هـدف ایران از حمله اخیر به خاک عراق، اشـغال منطقه بصـره و یکسـره کردن جنگ به نفع خود بود... حمله اخیر ایران یک حمله گسترده و وسیع بود و شکست آن موجب متلاشی شدن نیروهای ایران گردید. اما این بدان معنا نیست که ایران بار دیگر نیروهای خود را جمع آوری نکرده و به عراق حمله نکند.»

فرمانده سـپاه سوم عراق نیز طی مصاحبه ای، با اشاره به تاکتیک عملیات و عواقب زیان آور آن برای عراق در صورت پیروزی ایران، گفت:

«ایرانیان در حمله اخیر خود تلاش کرده اند سـپاه هفتم را از سپاه سوم عراق جدا کنند و سپس از دو محور شلمچه و تنومه، در نخلسـتانهای منطقه بصـره نفوذ کنند... در صورتی که ایرانیان موفق می شدند از نخلسـتانهای شلمچه و تنومه به سوی بصره راه یابند، برتری هوایی و زرهی عراق در این منطقه فلج می شد، زیرا منطقه خاکی و پر از نخلستان می باشد».

وی سپس قطع ارتباط سپاههای سوم و هفتم را یک وضعیت خطرناک برای ارتش عراق توصیف کرد و گفت:

«خطرناکترین محور عملیاتی جنوب، حد فاصل مرزهای مشترک میان سـپاههای هفتم و سوم می باشد، زیرا از طریق سـپاه سوم می توان به منطقه شلمچه نفوذ کرد و از آنجا به ابوالخصیب و سپس به بصره راه یافت و از منطقه سپاه هفتم می توان با نفوذ به عمق آن، به پشت سپاه هفتم رسید.» (۱) .

ص: ۱۰۴

۱- ۱۵۵. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها» شماره ۱۲۷، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

در میان عکس العملهایی که به دنبال عملیات کربلای ۴ در محافل سیاسی - نظامی و رسانه های عمومی جهان به وجود آمد، هیاهوی تبلیغاتی عراق مبنی بر شکست عملیات سرنوشت ساز، بیش از سایر مسائل مورد توجه قرار گرفته و اظهارات گوناگونی را سبب گردید. در مرحله اول، برخی از رسانه ها سر و صدای زیاد عراق را بنا به وضعیت خاص سیاسی حاکمان عراق، تلاش در جهت افزایش ثبات سیاسی - نظامی و تقویت روحیه ارتش عراق تلقی می کردند، چنانکه روزنامه دی ولت نوشت:

«سر و صدای زیاد عراق مبنی بر کسب پیروزی، برای دامن زدن به جنگ روانی است. این گونه اعمال برای تقویت روحیه مردم عراق خود دلیلی بر خسته بودن مردم این کشور از جنگ می باشد.» (۱) .

در همین زمینه، روزنامه تایمز مالی اقدامات تبلیغاتی عراق را به عنوان کودتای تبلیغاتی برای صدام ذکر کرده، نوشت:

«دیپلماتها در بغداد و مقامات واشنگتن این عملیات را کوچکتر از آنچه که ادعا شده، دانسته اند. دیپلماتها معتقدند که این پیروزی عراق یک کودتای تبلیغاتی به موقع برای صدام، در پایان سالی که در آن عراق فاو را از دست داده بود به حساب می آید.» (۲) .

علاوه بر مطالبی که نسبت به ناباوری صاحبنظران سیاسی - نظامی در خصوص تبلیغات عراق ذکر شد، عامل اساسی تر، عدم مشابهت عملیات کربلای ۴ با خصوصیات یک عملیات گسترده، در مقایسه با گذشته جنگ بود. زیرا همیشه علاوه بر اهداف عملیات، ملاکهای ارزیابی گستردگی یا محدودیت عملیات متکی به میزان تداوم و سماجت نیروها در ادامه نبرد، در صورت شرایط مساعد می بود.

بر این اساس، هر چند عملیات کربلای ۴ از نظر هدف در چارچوب یک عملیات گسترده قرار می گرفت، لیکن به خاطر آنکه زمان درگیری محدود

۱- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، روزنامه دی ولت چاپ آلمان (۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).
۲- ۱۵۷. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

بود، از سوی بسیاری از محافل سیاسی – نظامی به عنوان عملیات گسترده نهایی ایران تلقی نشد. تنها روزنامه ایندیپندنت در این زمینه نوشت:

«شکی نیست که این عملیات یک حمله گسترده و عمده به شمار می آید، ولی به هیچ وجه نمی توان آن را حمله نهایی دانست. ایران در این منطقه تعداد زیادی نیرو مستقر کرده است که در حمله اخیر، عمده ی آنها شرکت نداشتند.» (۱) .

گذشته از اینها، تحلیلهای دیگری بر اساس نتیجه عملیات کربلای ۴ ارائه شد که بعضا آمادگی و قوت عراق را در خصوص رویارویی با تهاجمات قوای نظامی ایران خاطر نشان می ساخت. در این زمینه روزنامه ساندی تلگراف نوشت:

«پیروزی عراق، آن حماسه نظامی که عدنان خیرالله ادعا کرده، نبود. اما ثابت کرد که مراکز دفاعی عراق می تواند در مقابل ایران مقاومت کند.» (۲) .

روزنامه مزبور ضمن تفسیر خود تلویحا در نظر داشت تا تصرف فاو از سوی ایران را یک استثناء تلقی نموده، بر توانایی عراق برای پدافند و مهار تهاجمات ایران تأکید نماید. لیکن در تحلیل رسانه های خبری اساسا نوعی ابهام و سردرگمی نسبت به سرانجام عملیات و انتظارات برآورده نشده وجود داشت و چنین برمی آمد که به رغم تبلیغات عراق هنوز همه چیز پایان نیافته و امکان وقوع حوادث دیگر محتمل است.

۱– ۱۵۸. پیشین.

۲– ۱۵۹. مأخذ شماره ۵.

عملیات کربلای ۵

اشاره

بررسی عملیات کربلای ۵ تحت عنوان (نبرد در شرق بصره) در کتاب جداگانه ای آماده انتشار است.

ضرورت انجام عملیات

موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران که در فتح فاو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاصل شد، به رغم تلاشهای دشمن در چارچوب استراتژی دفاع متحرک، حملات هوایی به مراکز صنعتی، حمله به منابع نفتی و نفتکشهای ایران و سایر اقدامات تبلیغاتی و روانی، همچنان به سود جمهوری اسلامی حفظ شد.

عملیات کربلای ۴ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدین منظور طرحریزی و اجرا شد که ایران با بهره گیری از موقعیت برتر سیاسی - نظامی، با افزایش فشار به حامیان جهانی و منطقه ای عراق، شرایط را برای کسب پیروزی سیاسی در جنگ با اتکا به پیروزی نظامی فراهم سازد. در

ص: ۱۰۷

واقع می توان گفت که فتح فاو به رغم ابعاد و جوانب مختلف آن، نتوانست شرایط و خواسته های ایران را تأمین نماید. طبیعتا در چنین شرایطی پیش بینی می شد که اجرای یک عملیات پیروز دیگر، امکان تحقق خواسته های جمهوری اسلامی را فراهم خواهد آورد.

عدم حصول نتیجه مطلوب در عملیات کربلای ۴، با توجه به مقاصد عملیات و پیامدهای تعیین کننده آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، جمهوری اسلامی را در وضعیت دشواری قرار داد. چون کلیه دستاوردهای جنگ پس از آزادسازی مناطق اشغالی و بویژه پس از فتح فاو که نهایتا موازنه سیاسی - نظامی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داده بود، در معرض تهدید قرار گرفت. عراق که از مدتها قبل به رغم کلیه اقدامات و تلاشهایش، در تغییر روند کلی جنگ به سود خود ناکام مانده بود، تحت شرایط جدید مترصد بهره برداری از اوضاع برای حمله به منطقه فاو و بازپس گیری این منطقه و نهایتا تغییر اوضاع سیاسی - نظامی به نفع خود بود. از سوی دیگر، شرایط سیاسی حاکم بر کشور و روند تبلیغات تحت شعار «تعیین سرنوشت جنگ» و نیرو و امکاناتی که به همین منظور به جبهه سرازیر شده بود، از جمله عواملی بود که بر پیچیدگی اوضاع برای پاسخگویی به انتظارات پدید آمده در جامعه می افزود. در واقع، در افکار عمومی جامعه چنین تصور می شد که با توجه به فراهم سازی کلیه شرایط از جمله بسیج نیرو و امکانات به جبهه ها، موقعیت برای وارد ساختن ضربه تعیین کننده بر دشمن فراهم آمده و برای کسب پیروزی هیچگونه مانعی وجود ندارد.

در سایه پیدایش چنین وضعیت دشوار، اتخاذ هر گونه تصمیم با توجه به تأثیرات و پیامدهای تعیین کننده ی آن بسیار پیچیده و سخت می نمود. ولی در عین حال پس از قطعی شدن مسئله افشای تاکتیک ویژه عملیات و عدم امکان

حصول پیروزی، دستور توقف عملیات کربلای ۴ به کلیه قرارگاه ها و فرماندهان یگانها صادر شد. این تصمیم زمانی اتخاذ و ابلاغ شد که تنها ۲۰٪ از توان نیروهای خودی با دشمن درگیر شده بود و طبعا در اختیار داشتن نیروی کافی و نیز ضرورتهای گوناگونی که انجام عملیات و کسب پیروزی را ایجاب می کرد، بر روند تصمیم گیریها سایه افکنده بود.

«حفظ برتری سیاسی - نظامی جنگ» به سودجمهوری اسلامی و مقابله با ایجاد هر گونه «رکود در جبهه های نبرد» از مهمترین عواملی بود که ضرورت انجام عملیات با شرط کسب پیروزی را ایجاب می کرد. در واقع، تجارب جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت چهار سال بر این مسئله تأکید داشت که هر گونه تعلل و اتخاذ تصمیم نامناسب برای «انجام عملیات پیروز» روند تحولات جنگ را به گونه ای غیر قابل اجتناب به زیان جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد.

جو حاکم بر کشور و انتظارات مردم و همچنین احتمال حمله دشمن به فاو، از جمله عواملی بود که ضمن تأکید بر ضرورت انجام عملیات، شرایط را نیز برای انجام آن تسهیل می کرد.

انتخاب منطقه

جبران ناکامی در عملیات کربلای ۴ و حفظ اوضاع کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی و سایر مسائلی که در بحث ضرورت انجام عملیات مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، از عواملی بودند که در انتخاب منطقه عملیات مؤثر واقع شدند.

چیزی که اوضاع را به هنگام انتخاب منطقه عملیات پیچیده و دشوار می ساخت، این مسئله بود که در چنین شرایطی تنها انجام یک عملیات نمی توانست راهگشا باشد، بلکه در عین حال عملیات می بایست از شرط

تضمین پیروزی و همچنین شرایط و ویژگیهای لازم در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی نیز برخوردار باشد.

علاوه بر اینها، عوامل دیگری مانند «سرعت عمل» نیز نقش تعیین کننده داشت، بدین معنا که هر گونه عملیاتی علیه دشمن در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی در شرایطی قابل تحقق و امکان پذیر به نظر می رسید که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ به مورد اجرا گذاشته می شد. در غیر این صورت، جمهوری اسلامی زیانهای غیر قابل جبرانی را در مقابل این تأخیر متحمل می شد.

در چارچوب عوامل و شرایط یاد شده، نظر به موفقیت لشکر ۱۹ فجر تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در منطقه پنج ضلعی (۱) و نزدیکی زمین این منطقه به منطقه عملیات کربلای ۴ و سهولت نقل و انتقال نیروها و امکانات و علاوه بر اینها ارزش سیاسی - نظامی آن و ویژگیهایی که این منطقه در صورت کسب پیروزی در حفظ برتری اوضاع به سود جمهوری اسلامی می توانست داشته باشد، منطقه شلمچه در همان نگاه اول مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، گر چه به هنگام انتخاب منطقه نوعی اضطرار بر تصمیمات سایه افکنده بود، ولی این مسئله مانع از توجه به برخی از ابعاد

---

۱ - ۱۶۰. قابل توجه است که علیرغم هوشیاری دشمن در عملیات کربلای ۴ رزمندگان اسلام موفقیت های قابل توجهی را کسب کردند، از جمله شکستن خطوط دفاعی دشمن در منطقه پنج ضلعی شلمچه بود. به عبارت دیگر در حالی که دشمن نسبت به تاکتیک ویژه که مهم ترین مسئله در غافلگیری به حساب می آمد، هوشیار شده بود ولی رزمندگان توانستند نسبت به نقاطی که دشمن هوشیار نبود موفقیت کسب کنند مانند جبهه های شلمچه و جزیره قطعه. ضمن آنکه علیرغم بسته شدن تنگه و اخلال در اجرای تاکتیک ویژه، گروه هایی از رزمندگان از آتش دشمن عبور کرده و خود را به ساحل بلجانیه در جنوب اروند رساندند. ولی به علت اتکا عقبه عملیات به آب و عبور از تنگه و نیز به خاطر بروز جنگ سخت در جزایر ام الرصاص و بوارین، تصمیم به توقف عملیات گرفته شد.

ارزشـمند زمین منطقه و تـأثیرات قابـل ملاـحظه آن بر رونـد کلی جنـگ به سـود جمهـوری اسـلامی نبـود، ضـمن آنکه در هر صورت، کسب پیروزی به منظور جبران عملیـات کربلای ۴ مورد نظر بود و این مهم بـا انجام یک عملیات محـدود و یا در هر منطقه ای قابل تأمین نبود.

در اولین جلسه ای که در حضور فرماندهی عالی جنگ حجت الاسـلام هاشمی رفسنجانی برای تصمیم گیری در مورد انتخاب منطقه شلمچه برگزار شد، فرماندهان و طراحان نظامی سپاه بر عوامل زیر تأکید ورزیدند:

۱- پس از عملیـات رمضـان، تـاکنون در این زمینه با دشـمن جنگ گسترده ای انجام نـداده ایم و لـذا دشـمن با توجه به ایجاد مستحکمترین مواضع پدافندی در این منطقه، در پیش بینی عملیاتی با این ابعاد ناتوان و در نتیجه آسیب پذیر خواهد بود.

۲- مواضع و اسـتحکامات دشـمن در شـرق کانال ماهی جدید الاحداث است و لذا در هم شکسـتن آن و رخنه به سایر مواضع مستحکم دشمن امکان پذیر به نظر می رسد.

۳- تلاـش نیروهـای خودی در عملیات کربلای ۴ در منطقه پنـج ضـلعی بـا موفقیت همراه بوده است و قبل از ترمیم سـنگرها و جاگیر شدن دشمن در این منطقه، کسب موفقیت امکان پذیر به نظر می رسد.

تأکیـد بر عوامـل فوق به منظور اطمینـان از کسب پیروزی و جبران گذشـته نیز صورت می گرفت و این مسـئله عمـدتا متـأثر از سابقه ی چند عملیات انجام شده در منطقه شـلمچه در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات کربلای ۵ بود که هیچ کدام موفقیت چندانی به همراه نداشت.

نظر به اهمیت منطقه بصـره و نقش این ناحیه در اهداف سیاسـی - نظامی جمهوری اسـلامی پس از فتح خرمشهر، دشمن زمین شرق بصره را کاملا مسلح به انواع موانع استحکامات کرده بود، چنانکه با وجود تلاشهای

گونـاگون در چنـد عمليـات گذشـته، هيچگونه پيشـروی قابـل ملاحظه ای در عمق اسـتحکامات دشـمن حاصل نشـد. بنابراين، سوابق ياد شده و ترديدهای حاصل به گونه ای بود که ضرورتا تأکيد بر جوانب مثبت چنين عملياتی را ايجاب می کرد.

طرح ريزی عمليات

در پی بحثهـائی که پيرامون مـانور عمليـات صورت گرفت، با توجه به ۲۰۰ گردان نيروئی که سپاه در اختيار داشت، سـرانجام کليـات طرح اوليه مـانور مزبور به اين شـکل مشـخص شـد که يک تيپ در جناح شـمالی عمليات بر روی پل (۱) عمل کند و يکی ديگر از يگانهای سپاه که از توانايی قابل توجهی برخوردار است بر روی جاده پاسگاه بوبيان وارد عمل شود تا بتوانـد با عبور از کانال پرورش ماهی، در غرب کانال به تصـرف سر پل مبادرت نمايد. در منطقه ی پنج ضلعی نيز چنين مقرر شد که با توجه به تجربه حاصله از عمليات کربلای ۴، سه يگان وارد عمل شوند.

تاکتيـک ويژه در اين عمليـات حاصـل طرحريزی و تأکيـد فرمانـدهی کـل عمليـات برادر محسن رضائی بود، بـدين شـکل که حرکت يگانهـا می بـايستی از شـمال به جنـوب و قرار گرفتن در جهت مخـالف مواضع و اسـتحکامات دشـمن انجـام می شـد. دشـمن در اين منطقه سـمت اصـلی هر نوع تحرک نظامی را عمـدتا تک جبهه ای با اتکا به جاده شـلمچه و از سـمت شـرق به غرب پيش بينی می کرد، بـه همين دليـل کليه اسـتحکامات دشـمن به سـمت شـرق گسـترش يـافته بـود. ليکن تجربه عمليـات کربلای ۴ و موفقيت لشکرهای ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل (ع) که از شمال به جنوب پيشروی کرده و در پشت

۱- ۱۶۱. پل ياد شده بر روی کانال پرورش ماهی، در شمال منطقه عمليات واقع شده بود.

استحکامات دشمن قرار گرفتند، موجب گردید در تدبیر کلی عملیات، بر عبور از کانال پرورش ماهی و پیشروی از شمال به جنوب، در پشت مواضع و استحکامات دشمن، تأکید شود.

در چارچوب این ابتکار عمل، استفاده از نفربر و خشایار برای ترابری نیرو و عبور از کانال پرورش ماهی و همچنین پاکسازی خطوط دشمن مورد تأکید قرار گرفت و اقدامات وسیعی برای استفاده از نفربر و نقل و انتقال آن به منطقه و نیز برگزاری مانور در کانال سلمان، انجام شد. در عین حال، ابهاماتی وجود داشت که طی جلسات متعددی با حضور فرماندهی عالی جنگ برطرف شد. (۱) و سرانجام تصمیم قطعی نسبت به انجام عملیات گسترده در شلمچه سپاه پاسداران و عملیات محدودی در منطقه غرب کشور توسط ارتش اتخاذ گردید. (۲) .

با طرحریزی های به عمل آمده، سه قرارگاه مأمور اجرای عملیات شدند. قرارگاه کربلا مأموریت اصلی را با تصرف «جای پا» و فراهم سازی مقدمات عبور قرارگاه های قدس و نجف بر عهده داشت. یگانهای تحت امر قرارگاه شامل تیپ ۱۸ الغدیر در جناح شمالی منطقه، مأموریت داشت با ایجاد بریدگی بر روی سیلبندها و تأمین پل، جناح راست عملیات را تأمین نماید. لشکر ۳۳ المهدی (ع) مأموریت انجام عملیات بر روی پد بوبیان و پاسگاه بوبیان را بر عهده گرفت. در واقع تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ علاوه بر تأمین جناح راست عملیات، مأموریت تأمین عقبه کلی منطقه عملیاتی را برای عبور یگانها بر عهده داشتند.

ص: ۱۱۳

۱- ۱۶۲. به کتاب نبرد در شرق بصره رجوع شود.

۲ - ۱۶۳. چنانکه پیش از این اشاره شد، ارتش و سپاه بعد از عملیات بدر در سال ۶۳ برابر تدبیر شورای عالی دفاع و نیز فرمانده عالی جنگ هر یک بطور جداگانه منطقه مورد نظر را انتخاب و برای تصویب پیشنهاد می کردند.

لشکر ۴۱ ثارالله مأموریت داشت تا بعد از پاکسازی جاده و پل دشمن، یک سر پل در غرب کانال ماهی ایجاد نماید. لشکر ۲۵ کربلا پس از تأمین سر پل از سوی لشکر ۴۱ ثارالله می بایست با عبور یگان از یگان (از طریق لشکر ۴۱ یا لشکر ۳۱) از داخل منطقه پنج ضلعی به سمت راست و پشت کانال ماهی رفته و سر پل را تأمین نماید. همچنین تصرف جای پا در پوزه کانال ماهیگیری - معروف به مثلثی - مأموریت مشترک لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۳۱ عاشورا بود. این امر به عنوان یک مسئله اساسی در باز شدن عقبه خشکی و عبور قرارگاه های قدس و نجف و نیز تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی، بخش اصلی مأموریت قرارگاه کربلا را تشکل می داد. بنابراین قرارگاه کربلا با شش لشکر و دو تیپ سپاه مأموریت تصرف، پاکسازی و تأمین منطقه پنج ضلعی و غرب کانال پرورش ماهی را بر عهده داشت.

قرارگاه قدس مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل گرفتن خط، ابتدا با لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۸ نجف اشرف به پشت نهر دو عیجی پیشروی نماید و پس از آن لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و لشکر، ولیعصر (عج) و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) به سمت کانال زوجی پیشروی نمایند.

قرارگاه نجف نیز مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل خط در حد فاصل جنوب جاده شلمچه تا جزیره بوارین وارد عمل شده و جناح چپ منطقه را پاکسازی و تأمین نماید.

در مرحله ی اول عملیات قرار بود قرارگاه نجف همزمان با قرارگاه کربلا توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع) در قسمت شرقی بوارین وارد عمل شود و تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) نیز به عنوان کمک پشتیبان آن عمل نماید.

در مرحله ی دوم نیز مقرر شد تا لشکرهای ۵ نصر و ۱۷

علی ابن ابیطالب (ع) و تیپ ۱۲ قائم همزمان با قرارگاه قدس در حدفاصل دژ کانال کوثر به قصد تصرف جنوب جاده شلمچه و جزیره بوارین وارد عمل شوند.

لشکر ۱۵۵ شهدا، لشکر ۱۰۵ قدس و تیپهای ۵۷ حضرت ابوالفضل و ۲۹ نبی اکرم در احتیاط قرارگاه نجف قرار داشتند.

قرارگاه نجف پس از مرحله ی دوم می بایستی جناح جنوبی عملیات را تأمین نماید تا قرارگاه قدس بتواند در عمق پیشروی نماید.

نظر به پیچیدگی مسئله عبور یگان از یگان و وابستگی پیشروی و موفقیت قرارگاه ها و یگانها به یکدیگر، در مورد هماهنگی قرارگاه ها بحثهای قابل ملاحظه ای صورت گرفت. همچنین در مورد «عبور و پشتیبانی» با توجه به «محدودیت عقبه» و احتمال هوشیاری دشمن و عدم موفقیت در شکستن خط، بحث و بررسی مفصلی صورت گرفت که سرانجام به تمرکز امکانات و ایجاد مدیریت متمرکز برای «تعیین ترتیب اولویت عبور گردانها» منتهی شد.

اقدامات مهندسی عملیات شامل احداث پد برای توپخانه، احداث و ترمیم و شن ریزی جاده ها، احداث سنگر و سوله و غیره نیز به طور جداگانه توسط قرارگاه ها پیگیری می شد. نظر به ضرورت سرعت عمل، کلیه دستگاه ها و ابزار و آلات مهندسی از کلیه مناطق جمع آوری و به طور متمرکز در این منطقه به کار گرفته شد.

به رغم تلاشهائی که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ آغاز و طی یک هفته به طور گسترده و جدی انجام شده بود، مجددا طی مباحثی که در حضور فرماندهی عالی جنگ صورت گرفت، ابهاماتی که همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن، مشکلات و پیچیدگیهای زمین منطقه و دشواریهای شکستن خط و پاکسازی و تصرف و تأمین منطقه وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت.

ص: ۱۱۵

سرانجام پس از برگزاری یک جلسه پنج ساعته با کلیه مسئولین و فرماندهان قرارگاه ها و یگانهای سپاه، تصمیم نهائی برای انجام عملیات در ۲۴ ساعت بعد اتخاذ و ابلاغ شد. سپس برادر رضائی در آخرین جلسه با فرماندهان قرارگاه ها، علاوه بر تذکر برخی از مسائل، در مورد اجرای عملیات اظهار داشت:

«ما الآن در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه کنیم تا از این وسوسه های جانبی خود را نجات بدهیم. اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری کنیم، فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام قوا و قبول هر مسئله ای، خلجان هایی را که در فکر و افکارمان هست بیرون بریزیم. تنها راه حلی که برادران باید در نظر داشته باشند این است که با یک روحیه ایثارگرانه ای هم صداقتمان را به امام نشان بدهیم و هم انشاءالله به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما واقعا برای آخرتمان می جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگر، و این را باید در عمل نشان بدهیم و شاید این میدان آزمایش بتواند ما را از بوته آزمایش سربلند بیرون بیاورد.» (۱) .

بدین ترتیب سپاه که از مهرماه ۶۴ به طرحریزی عملیات فاو مبادرت ورزیده و از بهمن ماه همان سال ضمن انجام پیچیده ترین و برجسته ترین عملیات نظامی در تاریخ جنگ، مهمترین پیروزی سیاسی - نظامی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده بود و از آغاز سال ۶۵ نیز ضمن نبرد در فاو برای تثبیت منطقه، با استراتژی دفاع متحرک عراق نیز مقابله گسترده نموده و سلسله عملیات کربلای ۳،۲،۱ و ۴ را طرحریزی و انجام داده بود، اکنون نظر به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر کشور و تدبیر حضرت امام مبنی بر «انجام و تداوم عملیات» با تمام قدرت و با توکل به خداوند تبارک و تعالی برای انجام عملیات کربلای ۵ آماده می شد. در واقع، در طول جنگ

۱- ۱۶۴. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۶۶، ص ص ۱۱۴ و ۱۱۳.

تحمیلی برای اولین بـار چنین عملیـات گسترده و پیچیـده ای به این نحو و بـا این زمـان کوتـاه (۱۲ روز) توسط سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و برای انجام آماده شده بود.

آغاز تهاجم به دشمن

در آسـتانه شـروع عملیـات، بـا توجه به محـدودیت زمان، آخرین اقـدامات شامل جابجائی و نقل و انتقالات نیروها و امکانات، تکمیل بحث مانور عملیات و غیره انجام گرفت و توپخانه و زرهی نسبت به مأموریت اصلی و گره های مواصلاتی برای اجرای آتش و مانور توجیه شدند.

در این شرایط توجه به تجارب عملیات کربلای ۴، ابهام نسبت به میزان هوشیاری دشمن موجب گردیده بود که کلیه تحرکات دشمن تا قبل از آغاز درگیری کنترل شود. اجرای آتش کاتیوشا در داخل حوضچه (۱) لشکر ۴۱ ثارالله و صدمات وارده منجر به افزایش حساسیتها شد. از سوی دیگر، افزایش تردد خودروهای دشمن به سمت منطقه فاو، این تصور را دشمن قصد حمله به فـاو را دارد، تقویت کرد، ولی همچنان نسبت به میزان هوشـیاری دشـمن در منطقه شـلمچه ابهام و تردیـد وجود داشت و هیچ گونه نتیجه ی مشخص ارائه نمی شد.

در این حالت، نیروهای عمل کننـده در انتظار صـدور فرمان حمله از سوی فرماندهی کل صـحنه نبرد در شـرق بصـره بودند. با توجه به نور مهتـاب، ساعت درگیری با دشـمن ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵ تعیین شـده بود، لیکن نظر به محـدودیت زمان برای شکسـتن خط و پاکسازی و تثبیت آن، چنین مقرر شد که نیروها با اسـتفاده از نور مهتاب حرکت کنند و در پشت مواضع دشمن در

۱- ۱۶۵. محل استقرار قایقها در پشت دژ دشمن واقع در آبگرفتگی.

انتظار صدور فرمان حمله باشند.

پس از نیمه شب، در حالی که نور مهتاب کاملا منطقه را روشن کرده بود، درگیری در برخی محورها آغاز شد. پیدایش این وضعیت بر اضطراب و نگرانی مبنی بر هوشیاری دشمن افزود. با اینکه تا غروب نور مهتاب هنوز زمان زیادی باقیمانده بود، از سوی فرمانده صحنه نبرد، برادر محسن رضائی، در ساعت ۳۵ / ۱ بامداد فرمان حمله صادر شد و بدین ترتیب رزمندگان بسیج و سپاه یورش خود را به عظیم ترین و پیچیده ترین استحکامات دشمن در شرق بصره آغاز کردند.

خبرهای واصله به قرارگاه که حاکی از پیشروی یگانها در محورهای مختلف و شکسته شدن خط دشمن بود، اطمینان لازم را نسبت به غافلگیری دشمن به وجود آورد کلیه ابهامات مبنی بر عدم امکان شکسته شدن خطوط دشمن را نیز برطرف کرد.

متعاقب کسب اطمینان از درهم شکسته شدن خطوط دشمن، تلاش برای «پاکسازی»، «الحاق» و «تثبیت» آغاز شد، در این میان چون الحاق لشکر ۲۵ کربلا به لشکر ۳۱ عاشورا نقش تعیین کننده ای در تصرف پوزه کانال پرورش ماهی و باز شدن عقبه خشکی نیروهای عبور کننده از کانال داشت، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین الحاق لشکر ۱۹ فجر و لشکر ۳۱ عاشورا در منطقه پنج ضلعی نیز حائز اهمیت بوده و مورد توجه قرار داشت و ضرورت پاکسازی قرارگاه تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی، همواره به یگانهای عمل کننده در منطقه گوشزد می شد.

در واقع الحاق یگانهای محور پنج ضلعی و محور کانال ماهی و نیز شکستن مقاومت دشمن در مقر فرمانده تیپ در پنج ضلعی دو مسئله اساسی بود که فرمانده قرارگاه کربلا- می بایست تدابیر لازم را برای حل آن اتخاذ می کرد. علاوه بر آن، منطقه جناح راست عملیات نیز می بایست تثبیت گردد.

تحرکات دشمن

متعاقب آغاز درگیری و در هم شکستن خطوط دشمن، قطعی و مسجل شد که دشمن نسبت به زمان، مکان و تاکتیک حمله غافلگیر شده است. البته دشمن در منطقه پنج ضلعی و بوارین به خاطر تهاجم نیروهای اسلام در عملیات کربلای ۴ به این منطقه، به طور نسبی هوشیار بود.

در واقع دشمن پس از عملیات کربلای ۴ بر اساس این تحلیل که جمهوری اسلامی فعلا قادر به انجام عملیات نمی باشد. اساسا توجه خود را به باز پس گیری فاو معطوف کرده بود. عراقیها چنین تصور می کردند که علاوه بر اینکه جمهوری اسلامی تحت شرایط روحی و روانی حاصله از ناکامی عملیات کربلای ۴ فاقد توانایی برای انجام عملیات می باشد، در برابر یک تهاجم سنگین در منطقه فاو نیز قادر به مقاومت نخواهد بود. در چارچوب این تحلیل، تلاشهای گسترده دشمن بویژه جابه جائی و انتقال نیرو و توپخانه اش به فاو، تماما نشانه ی آمادگی آن برای حمله بود. لیکن آغاز عملیات در منطقه کربلای ۵ در مقیاس گسترده و موفقیت در شکستن خطوط واستحکامات دشمن موجب گردید عملیات در فاو منتفی و تدریجا نیرو و امکانات دشمن به منطقه شرق بصره منتقل شود.

در واقع دشمن ضمن غافلگیر شدن نسبت به عملیات خودی در شرق بصره از نظر زمان و مکان، در مورد تاکتیک ویژه عملیات که عمدتا معطوف به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی بو حرکت از شمال به جنوب در پشت مواضع اش بود، غافلگیر شد.

بنابراین، دشمن از نظر زمان دچار عقب ماندگی شد و همین وضعیت نهایتا موقعیتی را فراهم آورد که ادامه نبرد در منطقه شرق نهر جام و پنج ضلعی را برایش دشوار کرد و انهدام قوای نظامی آن را به دنبال داشت.

ص: ۱۱۹

هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم

(شرق بصره منطقه عمومی شلمچه و تنومه)

محورهای اصلی تلاشهای قرارگاه کربلاء برای تصرف منطقه مورد نظر و تأمین جای پا و فراهم کردن شرایط برای تثبیت منطقه و همچنین تحویل خط به قرارگاه های قدس و نجف اشرف، شامل خروج از منطقه پنج ضلعی، تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی و باز نمودن جاده شلمچه بود.

تلاشها و تدابیر قرارگاه معطوف بر این بود که جناح راست منطقه عملیات توسط تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (عج) تثبیت شود و سر پل غرب کانال پرورش ماهی با الحاق لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۲۵ کربلا تأمین گردد. همچنین برای خروج از پنج ضلعی، علاوه بر تلاش برای پاکسازی مقر تیپ دشمن در منطقه و الحاق لشکر ۱۹ فجر و ۳۱ عاشورا، نسبت به الحاق لشکر ۳۱ با لشکر ۲۵ در مثلثی پوزه کانال پرورش ماهی، نیز تأکید می شد، زیرا این مسأله می توانست علاوه بر باز شدن عقبه خشکی نیروهای غرب کانال پرورش ماهی، شرایط را برای پیشروی در عمق توسط قرارگاه قدس با تأمین جناح راست این قرارگاه فراهم نماید. همچنین باز نمودن جاده شلمچه توسط لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ص) که شرایط را برای عبور دو قرارگاه قدس و نجف فراهم می شد. فشارهای دشمن ابتدا معطوف به بازپس گیری منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی با تأکید بیه جناح راست منطقه عملیات و به منطقه سر پل بود. مقاومت مقر تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی و مقابله با الحاق لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۵ کربلا در پوزه کانال ماهی نیز بدین منظور انجام می گرفت که دشمن با ایجاد تأخیر در این الحاق در پوزه کانال بتواند با پاکسازی منطقه سر پل و عقب

راندن نیروها از این منطقه، گسترش عملیات را مهار نماید.

مرحله ی دوم عملیات با وارد کردن قرارگاه قدس و نجف به منظور تشدید فشار به دشمن برای باز شدن جاده شلمچه و توسعه عملیات آغاز شد. در این مرحله دشمن بر خلاف مرحله ی اول عملیات که نسبت به تاکتیک و زمان و مکان غافلگیر شده بود، کاملا نسبت به سمت اصلی تک هوشیار بود و علاوه بر این نیروهای خودی نیز طی ۲۴ ساعت درگیری مداوم با دشمن تا اندازه ای خسته به نظر می رسیدند. به همین دلیل، اهداف مورد نظر تأمین نشد. همچنین افزایش فشار دشمن در روز دوم و ناکامی در مرحله ی دوم موجب گردید تا نسبت به پشتیبانی عملیات توسط نیروی هوایی و هوانیروز اقدام شود.

ادامه مقاومت در غرب کانال پرورش ماهی و تلاش برای خروج از پنج ضلعی و باز شدن جاده شلمچه، همچنان در تدبیر و تداوم عملیات مورد نظر بود. در این شرایط فشار دشمن در غرب کانال پرورش ماهی شدیدا افزایش پیدا کرده بود، زیرا دشمن امیدوار بود که با عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سر پل، از توسعه و تعمیق عملیات ممانعت کند. از روز دوم عملیات به بعد، با انتقال امکانات و نیروهای دشمن از منطقه فاو و افزایش بمباران شدید شد - به گونه ای که مرتبا از سوی فرماندهی قرارگاه، خاتم الانبیاء (ص) نسبت به تأمین پدافند منطقه پیگیری و تلاش می شد.

در واقع، تشدید فشارهای دشمن و عدم پیشروی به سمت اهداف مورد نظر کلیه دستاوردهای مرحله اول عملیات را نیز در معرض تهدید قرار داده بود. در شب سوم، عملیات در شرایط حساس و سرنوشت سازی قرار گرفت.

خبرهای واصله به قرارگاه تا اندازه ای امیدوارکننده به نظر می رسید،

چنانکه الحاق شکر ۲۵ کربلا و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در غرب کانال پرورش ماهی، این امیدواری را به وجود آورد که با توجه به موفقیت یگانهای یاد شده در غرب کانال، سر پل در برابر فشارهای دشمن تثبیت شود.

باز شدن جاده شلمچه و فراهم شدن زمینه ورود قرارگاه قدس و نجف به منطقه، بویژه پیشروی لشکر ۸ نجف و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از قرارگاه قدس نیز این امکان را به و جود آورد که با توسعه وضعیت از تمرکز فشار دشمن در برخی محورها از جمله در منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی کاسته شود.

پیشروی در منطقه قرارگاه نجف گر چه با کندی صورت می گرفت، ولی این امکان را به وجود آورد که با پیشروی تدریجی در منطقه جنوب عملیات، جناح چپ قرارگاه قدس تأمین شود.

همچنین جناح راست منطقه عملیات توسط قرارگاه کربلا تثبیت و چنین تدبیر شد که با اقدامات مهندسی از هر گونه پیشروی دشمن ممانعت به عمل آید تا عقبه یگانهای مستقر در غرب کانال پرورش ماهی از هر گونه تهدید مصون و در امان باشند.

در عین حال در شب چهارم مجدداً به منظور تکمیل اهداف عملیات شب سوم، همان مانور دنبال شد. از این پس با توجه به وضعیت کلی عملیات، تلاش اصلی بر روی قرارگاه های قدس و نجف متمرکز گردید. ورود لشکر ۵ نصر به جزیره بوارین و در هم شکستن استحکامات و مواضع دشمن بخشی از موفقیتهای حاصله بود.

افزایش حضور نیروهای دشمن در منطقه قال توجه بود:

۱ - ۴۱ الی ۴۷ گردان پیاده کماندوئی نیروهای مخصوص (جمعا حدود ۳۰۰۰۰ نیروی پیاده)

۲ - ۲۵ الی ۲۸ گردان زرهی و مکانیزه (در حدود ۱۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر)

۳ - ۲۰ الی ۲۵ گردان توپخانه (جمعا ۳۶۰ قبضه توپ)

با افزایش نیروی دشمن در منطقه و تشدید فشار روی عقبه ها توسط حملات گسترده هوائی و شیمیائی، فرماندهی کل عملیات برادر رضائی طی تماس با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، ضمن درخواست مجدد در مورد افزایش پشتیبانی عملیات توسط برادران نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، نسبت به انجام عملیات توسط ارتش در غرب کشور (۱) به منظور بازداشتن دشمن از انتقال نیرو به جنوب نیز تأکید شد.

طی درگیریهای شب و روز پنجم، گر چه اهداف مورد نظر کاملا تحقق نیافت، لیکن ناتوانی دشمن از عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی و ممانعت از پیشروی در جاده شلمچه، نشانه ای از امیدواری نسبت به تثبیت منطقه بود.

«اقدامات مهندسی» و «آتش» دو مسئله ای بود که برای تثبیت منطقه متصرفه و پیشروی مورد نیاز بود. پیچیدگی زمین، وجود موانع طبیعی، مقاومت دشمن و سایر عوامل موجب گردیده بود تا پیشروی در محورهای مختلف با کندی همراه باشد. بنابراین، در تدبیر کلی عملیات تاکید بر اقدامات مهندسی به منظور تثبیت منطقه و همچنین استفاده از آتش برای در هم کوبیدن مقاومت دشمن، مورد توجه قرار گرفت، بدین صورت که آتش

۱- ۱۶۶. برادران ارتش قرار بود ۳ روز پس از عملیات کربلای ۴ توسط سپاه در منطقه جنوب، در منطقه سومار واقع در غرب کشور مبادرت به حمله نماید که توقف عملیات کربلای ۴، مانع از انجام آن شد. با انتخاب منطقه شلمچه مجددا قرار شد ۳ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵ توسط سپاه در منطقه شلمچه واقع در غرب کشور، برادران ارتش همان عملیات قبلی را شروع کنند که متأسفانه این عملیات در موعد مقرر انجام نشد.

به طور متمرکز برای تطبیق، تحت امر مسئول توپخانه سپاه قرار گرفت تا مأموریت واگذاری مبنی بر تمرکز آتش در جناح راست عملیات، مناطق کلیدی و حساس و عمل کلی برای جوابگوئی به آتش دشمن را به نحومطلوب اجرا نماید. از این پس تلاش اصلی در محور قرارگاه نجف بود که پس از تصرف جزیره بوارین به علت عدم پاکسازی کامل هنوز تثبیت نشده بود. در واقع، تأمین این جزیره به منزله ی تأمین جناح چپ منطقه عملیات محسوب می شد.

طی شب و روز ششم و هفتم علاوه بر پیشروی در برخی محورها، تلاش قابل ملاحظه ای نسبت به دفع حملات دشمن در غرب کانال پرورش ماهی انجام گرفت. تشدید فشار دشمن و خبرهای واصله مبنی بر برگزاری جلسه فرماندهان ارتش عراق، این شایعه را تقویت کید که دشمن در آستانه «تصمیم گیری اساسی» می باشد. در واقع تلاشهای دشمن طی چند روز گذشته و ناکامی در عقب زدن نیروهای اسلام و یا متوقف نمودن آنها نشانه ی ناتوانی دشمن ارزیابی می شد. در چنین شرایطی رژیم عراق می بایستی با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به بازپس گیری آن تلاش نموده، تلفات انبوه را متحمل شود و یا اینکه «حفظ نیرو» ترجیح داده و مبادرت به عقب نشینی نماید.

سرانجام پس از هشت شبانه روز نبرد در منطقه شرق نهرجاسم، دشمن به لحاظ ناتوانی از مقابله با تهاجمات نیروهای اسلام و تلفات وارده، به خاطر حفظ نیروهایش از منطقه شرق نهرجاسم عقب نشینی کرد. (۱) با پیدایش شرایط

ص: ۱۲۴

---

۱ - ۱۶۷. برادر رشید (معاونت عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء) طی تحلیلی در مورد حرکت دشمن اظهار داشت: عراق بین «زمین» و«نیرو»، حفظ نیرو را انتخاب کرده است. (گزارش قرارگاه خاتم الانبیاء، فروردین ۶۶، اسناد مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران).

جدید برادر رضائی فرمانده کل عملیات به خاطر تسریع در پیشروی نیروها و تعقیب دشمن، پیام حضرت امام (قدس سره) را توسط بیسیم برای نیروها قرائت نمود:

«از خداوند متعال پیروزی نهائی رزمندگان عزیز را خواستارم، عزیزان من بکوشید خداوند تعالی با شماست و اینجانب دست و بازوی شما را می بوسم. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.» (۱) .

توقف عملیات

ضرورت تعقیب دشمن و پیشروی در عمق منطقه شرق بصره، تداوم عملیات را به عنوان یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می داد. ادامه فشار نظامی بر عراق می توانست بر دستاوردهای عملیات و کسب امتیاز و پیروزی سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ بیفزاید.

لازمه ادامه عملیات پشتیبانی فوق العاده سپاه پاسداران بود، زیرا سه ماه درگیری مداوم با دشمن (از زمان آمادگی برای عملیات کربلای ۴) سپاه را در امر نیروی انسانی، آتش پشتیبانی، پدافند هوایی و سایر لوازم و تجهیزات دچار مشکلاتی کرده بود. با توجه به امکان تأمین برخی از نیازمندیها توسط ارتش (۲) ناچار پیشنهاداتی به حضور فرماندهی کل قوا ارائه گردید که مورد موافقت قرار گرفت و حضرت امام (ره) دستورات لازم مبنی بر واگذاری امکانات به سپاه را صادر فرمودند.

عدم تأمین امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ادامه عملیات مورد نیاز برای ادامه عملیات از یکسو و

۱- ۱۶۸. سند شماره ۶۶۱ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات کربلای ۵، قرارگاه خاتم الانبیاء.
۲- ۱۶۹. قابل ذکر است که عملیات کربلای ۶، روز ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در منطقه سومار توسط ارتش آغاز شد و در همین روز پایان یافت که با توجه به عدم الفتح این عملیات و آزاد شدن یگانها و امکانات ارتش، سپاه پیشنهاد فوق را ارائه داد.

عکس العمل شدید دشمن از شب دهم عملیات به بعد، از سوی دیگر، باعث شد با وجود یک هفته درگیری در غرب نهرجاسم و تصرف سر پل در این قسمت، تصمیم به توقف عملیات گرفته شود تا یگانهای سپاه پس از بازسازی و تهیه و جایگزینی امکانات مورد نیاز به ادامه نبرد مبادرت نمایند. (۱) .

بازتاب عملیات کربلای ۵

زمان آغاز عملیات کربلای ۵، زمین با ارزش شرق بصره و پیشروی در عمق استحکامات دشمن، مجموعه ی عواملی بودند که عمیقا بر اهمیت عملیات کربلای ۵ در ابعاد سیاسی، نظامی و تبلیغاتی افزودند. در شرایطی که عراق تبلیغات نسبتا وسیع و گسترده ای را مبنی بر شکست ایران، سازماندهی و اجرا می کرد و از سوی دیگر برای باز پس گیری فاو آماده می شد، انجام عملیات کربلای ۵ به منزله وارد ساختن یک شوک بر پیکر ارتش عراق و رژیم این کشور بود. مهمتر از امتیازات و ویژگیهای قابل ملاحظه برای کسب برتری ایران و خاتمه بخشیدن به جنگ برخوردار بود، ضمن اینکه استحکامات دشمن در منطقه از سال ۶۱ و پس از فتح خرمشهر کاملا تقویت شده بود، به گونه ای که عبور از آنها غیر ممکن به نظر می رسید.

بنابراین، شکستن خطوط و استحکامات دشمن و پیشروی در زمین شرق بصره، تواناییها و قابلیتهای نظامی عراق را مجددا پس از فتح فاو زیر سئوال قرار داد، چنانکه روزنامه آبزرور چاپ پاریس به نقل از کارشناسان غربی چنین نوشت:

۱- ۱۷۰. تداوم عملیات درشرق بصره در فصل بعد بررسی خواهد شد.

«برای اولین بار از آغاز جنگ تاکنون، ناظران و کارشناسان غربی در مورد امکانات دفاعی عراق دچار تردید شده اند.» (۱) .

همچنین تأکید بر قابلیت نظامی ایران، بخش دیگری از تحلیلهای ارائه شده در رسانه های خبری بود، چنانکه رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی در همین زمینه، با توجه به تجربه سپاه در عملیات فاو و عبور از رودخانه اروند، ضمن اشاره به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی در عملیات کربلای ۵ گفت:

«موفقیت ایران در عبور از دریاچه ماهی، یکبار دیگر توانایی ایران در عبور از آبراهها را نشان می دهد.» (۲) .

هفته نامه نیوزویک نیز با توجه به ابعاد عملیات، ضمن تأکید بر پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵، بر شرایط پیروزی ایران بر عراق اشاره کرد:

«تهاجم ایرانیها در نزدیکی بصره، حداقل یک چیز را در خصوص جنگ ایران و عراق تغییر داده و آن این مسئله است که برای اولین بار طی این چند سال، این احتمال را که یک طرف حقیقتا بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۳) .

هفته نامه اکسپرس با توجه به احتمال سقوط صدام، به نقل از یک کارشناس انگلیسی در امور خاورمیانه نوشت:

«اگر ایرانیان به بصره نزدیک شوند، وقوع سقوط روحی و روانی در بغداد دور از احتمال نیست.» (۴) .

به لحاظ اهمیت زمین شرق بصره، کارشناسان محافل سیاسی - نظامی علاوه بر تأیید پیروزی ایران، ضمن تأکید بر تأثیر روحی و روانی ناشی از این پیروزی بر رژیم عراق، احتمال سقوط صدام در صوت تداوم پیشروی در این زمین را نیز مورد اشاره و تأکید قرار دادند.

۱- ۱۷۱. روزنامه رسالت، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۷۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

۳ - ۱۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۲۰، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۵، نیوزویک چاپ سوئیس.

۴- ۱۷۴. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

در واقع، با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین شرق بصره و قابلیت زمین این منطقه برای تداوم عملیات، به نظر می رسید آنچه که به عنوان عملیات سرنوشت ساز مطرح می شد با تداوم عملیات در شرق بصره تحقق یابد. در چارچوب همین تحلیل، تداوم عملیات در غرب نهرجاسم طرحریزی و اجرا شد.

ص: ۱۲۸

آخرین تحرک نظامی در جنوب

عملیات کربلای ۸

اگر چه عملیات کربلای ۵ و آثار و نتایج آن توانست موقعیت مطلوبی را پس از عملیات کربلای ۴ به وجود آورد، لیکن به دلیل عدم انهدام کامل قوای نظامی عراق در منطقه شرق بصره، مجددا انجام عملیات و انتخاب منطقه مناسب در دستور کار قرار گرفت.

نظر به شرایطی که سرانجام منتهی به طرحریزی و اجرای عملیات کربلای ۴ و پس از آن عملیات کربلای ۵ شد «انتخاب منطقه عملیات» تا اندازه ای دشوار و پیچیده بود، زیرا برخورداری از ابتکار عمل در جنگ و «رعایت اصل غافلگیری» در تاکتیک و زمان و مکان به بخشی از عوامل اساسی در کسب پیروزی، تدریجا صعب و دشوار می نمایاند. چنانکه طی یک روند طولانی، ابتکار عمل در منطقه هور با انجام عملیات خیبر و بدر به پایان رسید و پس از آن ابتکار عمل در منطقه فاو پس از عبور از رودخانه اروند و انجام عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ به پایان آمد.

عملیات کربلای ۵ در شرایطی انجام گرفت که عملا سپاه برای انتخاب منطقه

ص: ۱۲۹

عملیـات بـا توجه به شـرایط سیاسـی - نظـامی حـاکم بر جنـگ و ضـرورت دستیابی به اهـداف سیاسـی و نظامی تعیین کننـده، وضـعیت دشواری را فرا روی خود داشت، بـدین معنا که با توجه به ضـرورت انجام عملیات می بایستی «منطقه انتخابی» و ابعاد عملیات و دستاوردهای آن از ویژگیهای تأمین اهداف سیاسی و نظامی جنگ، در آن مقطع زمانی، برخوردار می بود.

سرانجام پس از بحث و بررسیهایی که صورت گرفت، منطقه شرق بصره که دارای ارزش استراتژیک بود، با توجه به ضرورت تعجیل در انجام عملیات، انتخاب گردیـد. چون یگانهای خودی پای کار بودنـد و نیاز به نقل و انتقال گسترده وجود نداشت و در ضمن عمده مواضع و استحکامات دشمن در شرق نهر جاسم نیز درهم کوبیده شده بود.

در چارچوب تدبیر جدید، سپاه پاسداران تلاشهای گسترده ای را به منظور تأمین نیازمندیهای مورد نظر آغاز کرد در حالی که پس از سه ماه سازمانـدهی، درگیری و اجرای دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵، امکانات عملیات بزرگ را از دست داده بود. چنین پیش بینی می شـد که در این منطقه با توجه به اسـتحکامات و هوشـیاری نسبی دشـمن نسـبت به سـمت تک رزمندگان، لازمه هر گـونه پیشـروی، برخورداری از «نیروی زرهی»، «آتش» و همچنین «پدافنـد هوایی» می باشـد. به هر صورت، متعـاقب پیگیریهایی که انجام گرفت بخشی از نیازمندیهای سپاه پاسداران برای اجرای عملیات تأمین شد.

وضعیت خودی و دشمن

سپـاه ابتـدا در نظر داشت طی چنـد عملیـات محـدود، به صورت تـدریجی خطوط منطقه متصـرفه را با رسـیدن به کانال زوجی اصلاح و تکمیل نماید،

ص: ۱۳۰

لیکن با توجه به موانعی که وجود داشت، عملیات کربلای ۸ طرحریزی شد.

در توضیح وضعیت کلی قبل از این عملیات، ذکر چند مسأله ضروریست که ذیلا به ترتیب به آنها اشاره می شود.

۱- مشکل نیرو

علیرغم نیاز مبرمی که به جذب و سازماندهی نیرو برای عملیات وجود داشت، طرح اعزام سپاه یکصد هزار نفری حضرت (عج) با موفقیت مورد انتظار مواجه نشد. در این میان عوامل مؤثری در پیدایش وضعیت یاد شده دخیل بود، از جمله:

- فاصله ی نزدیک زمانی بسیج سپاه یکصد هزار نفری حضرت محمد (ص) و همچنین انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ تقریبا بدون فاصله و در نتیجه پراکندگی نیروهای عملیاتی.

- فرارسیدن تعطیلات طولانی نوروز بویژه پس از یک سلسله عملیات طولانی.

- تغییر فصل: قشر وسیعی از نیروهای داوطلب کشاورزان بودند که عمدتا در فصل پائیز و زمستان جذب نیروهای نبرد می شدند. تغییر فصل و فرارسیدن زمان کشت و کار نیز از موانع جذب نیروی کافی در این مقطع شمرده می شد.

- تغییر شعارها: تأثیر روانی عدم تعیین سرنوشت جنگ و تغییر شعار «جنگ سرنوشت» در کربلای ۵ و ایجاد ابهاماتی ناشی از عدم تحقق شعارهای سال ۶۵ و ادامه جنگ در سال ۶۶ موجب گردید قسمتی از نیروها توجه لازم را به جبهه ها ننمایند.

۲- تلاشهای مهندسی

در حد فاصل زمانی ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵ تا ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۶ به رغم آنکه آتش حجیم

و گسترده دشمن مانع از کار مهندسی بود، لیکن تلاشهای قابل توجهی صورت گرفت که عبارت بودند از:

- دو جداره کردن جاده ها برای مصونیت از آتش دشمن.

- احداث دو پل بر روی کانال ماهی (در قسمت انتهای آن).

- احداث دو جاده در عقبه منتهی به جاده شلمچه.

- استقرار یگانها و تحکیم مواضع و احداث سنگرهای انفرادی و اجتماعی.

البته اقدامات یاد شده در مقایسه با فعالیتهای دشمن چشمگیر نبود، لیکن با توجه به آتش دشمن و نیز کمبود وسایل و امکانات مهندسی قابل توجه بود.

۳- تسلیح زمین:

بر خلاف تدابیر قبلی مبنی بر آنکه با تداوم عملیات به دشمن فرصت لازم برای افزایش استحکامات و بازسازی نیرو داده نشود، دشمن به لحاظ اهمیت زمین منطقه و احساس تهدید نسبت به پیشروی نیروهای خودی به سمت کانال زوجی، طی فرصتی که به طور طبیعی به دست آورد، در کمترین زمان بیشترین استحکامات را به شرح زیر در منطقه ایجاد کرد:

- بین خط نهرجاسم تا کانال زوجی را که حدود ۵ کیلومتر می باشد به خطوط متوالی پدافندی مجهز نمود. به نحوی که از نهر جاسم تا کانال زوجی ۷ تا ۱۰ خط پدافندی متوالی تشکیل داد. هر یک از این خطوط مستقلا دارای سیلبند یا خاکریز، جاده تدارکاتی، سنگرهای پدافندی و استراحت نیرو، موانع مختلط متشکل از سیمهای خاردار و میادین مین ضد نفر و ضد تانک و کانالهای مواصلاتی نفرات پیاده، سکوهای تانک و سلاحهای پدافندی بود که در صورت احتمال حمله رزمندگان اسلام، این خطوط از

نیروهای پدافندی پر می شدند.

- احداث یک پل جدید روی کانال زوجی.

- احداث جاده های جدید و ترمیم کلیه جاده های عقبه جهت تدارک بیشتر نیروهای خود.

- احداث سیلبندهای جدید در کانال ماهی و منطقه آبگرفتگی بین پاسگاه بوبیان تا زید.

با توجه به تجارب گذشته جنگ، خاکریزهایی که دشمن در منطقه احداث کرد ظاهرا نامعقول به نظر می رسید، بدین معنی که دشمن همزمان با عملیات رمضان و پس از آن عمدتا سعی می کرد عارضه ای در زمین ایجاد نکند که نیروهای اسلام قادر به بهره گیری از آن برای پدافند باشند. لذا از آن به بعد، احداث کانال از عمده ترین اقدامات مهندسی دشمن بود، چنانکه در مناطق عملیاتی والفجر مقدماتی و الفجر ۱ و سپس در منطقه رمضان، با به کارگیری این تجربه توانست به طور مؤثری از پیشروی نیروهای اسلام جلوگیری به عمل آورد.

دشمن با نزدیک ساختن خاکریز خط تماس خود با خاکریز قوای مقابل، عملا تحرکات رزمندگان را زیر نظر داشت و با ایجاد خطوط متوالی، از برداشتن گامهای بلند در پیشروی و نیز مانور زرهی ممانعت می کرد. علاوه بر این، مواضع نیم دایره شکلی که دشمن در پشت خاکریز بر روی گره های مواصلاتی ایجاد کرده بود، امکان اجرای آتش مناسب برای حفظ خط را به دشمن می داد. همچنین در صورت تصرف خاکریز توسط نیروهای اسلام، دشمن از امکان مناسبی برای پاتک و بازپس گیری مجدد خط برخوردار بود و از سمتهای مختلف از نیروهای مهاجم جناح می گرفت. در نتیجه برای این نیروها که به علت حجم گسترده آتش دشمن فاقد امکان کار مهندسی بودند، بهره گیری کامل از خاکریزهای دشمن، وجود نداشت و این مسئله نگهداری

خط را پس از تصرف با مشکل مواجه می کرد.

۴- بازسازی نیرو

اهمیت بازسازی نیرو برای دشمن در صورتی مشخص می شود که علاوه بر بیان میزان انهدام ارتش عراق در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، به احساس خطری هم که دشمن نسبت به تهاجم رزمندگان داشت، اشاره می شود.

در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، ۶۰ تیپ دشمن به طور کامل و بیش از ۷۰ تیپ بیشتر از ۵۰٪ منهدم شدند. دشمن بنا به وضع موجود، از هفته دوم عملیات کربلای ۵، پس از عقب نشینی به غرب نهرجاسم تلاش قابل توجهی را برای بازسازی یگانها و جایگزینی امکانات منهدم شده آغاز کرد.

در زمینه کادر، با انتقال افسران از عقبه ها و پادگانها به مناطق عملیاتی و کوتاه ماندن آموزشها، نسبت به جایگزینی افسران اقدام نمود. در مورد درجه داران و سربازان نیز با احضار متولدین ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ش) و باقیماندگان ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ش) و آموزش سریع ۴۵ روزه آنها و گرفتن نیرو از شهربانی و همچنین یگانهای غیر درگیر، به جایگزینی نیروهای مزبور اقدام نمود.

ارتش عراق در مورد امکانات هم با بازسازی تجهیزاتی که قابل بازسازی و تعمیر بودند و هم با ارسال وسایل جدید، نسبت به جایگزینی تقریبی تمام چیزهایی که یگانهایش از دست داده بودند، اقدام نمود. مجموعا در آغاز عملیات کربلای ۸، دشمن در بازسازی کمی یگانهای ضربه دیده تا حدود ۷۰٪ موفق بود.

۵- استعداد و آرایش دشمن در منطقه عملیاتی

دشمن در منطقه عملیاتی به شرح زیر گسترش داشت:

– لشکر ۸ پیاده (شامل تیپهای ۴۱۸ و ۴۳۱ پیاده) در منطقه شرق کانال ماهی تا بوبیان.

– لشکر ۲۸ پیاده (شامل تیپهای ۷۹ و ۴۳۸ پیاده)در غرب کانال ماهی و غرب کانال زوجی.

– لشگر ۵ مکانیزه (شامل تیپهای ۱۰۳، ۱۱۷، ۲۹، ۱۰۸ پیاده، ۲۷ مکانیزه، تیپ کماندویی سپاه ۷ و یک گردان تانک از تیپ ۲۶) در غرب کانال ماهی و شرق کانال زوجی تا سیلبند شاهد. (۱) .

– لشکر ۱۹ پیاده (شامل تیپهای ۴۲۱، ۴۴۳، ۹۳، ۵۰۵، ۱۴، ۱۰۶، ۲ و ۴۲۸ پیاده و یک تیپ زرهی مختلط) از سیلبند صوئیب تا شمال جاده شلمچه به بصره.

– لشکر ۱۱ پیاده (شامل تیپهای ۲۲، ۲۳، ۴۷، ۴۵، ۵۰۳، ۴۳۵ پیاده) از جاده شلمچه تا اروند صغیر.

– لشگر ۳۲ پیاده (شامل تیپهای ۱۱۹، ۸۰۵، ۵ پیاده) در جزایر صالحیه در مجموع دشمن با استقرار ۲۸ تیپ پیاده و ۳ تیپ زرهی و مکانیزه در منطقه عملیاتی، خطوط اول و دوم را پدافند می نمود.

– علاوه بر اینها، لشکر ۱۰ زرهی با ۱۰ تیپ در احتیاط منطقه عملیاتی بود که در نشوه و زید استقرار داشت. ضمن اینکه ۱۵ تیپ پیاده گارد نیروی مخصوص نیز در احتیاط قرار داشتند.

کلیات طرح مانور

پس از عملیات تکمیلی ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵ که تا ۱۳/ ۱۲ / ۱۳۶۵ به طول انجامید،

ص: ۱۳۵

---

۱ – ۱۷۵. نام رمز سیلبند غرب کانال ماهی که جاده آسفالته شمال جاده شلمچه (موسوم به جاده تعاون) را قطع نموده و به سمت کانال هفت دهنه امتداد دارد.

عملیات کربلای ۸ در دو محور طراحی شد تا توسط دو قرارگاه اجرا گردد:

محور اول: آبگرفتگی شمال بوبیان با فرماندهی و هدایت قرارگاه قدس.

محور دوم، حد فاصل کانال ماهی تا جاده شلمچه (غرب کانال ماهی) با فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا.

در تدبیر عملیاتی، با توجه به حساسیت شمال آبگرفتگی بوبیان برای دشمن و اهمیت عبور از کانال ماهی در غرب کانال زوجی، چنین پیش بینی می شد که در صورت تلاش در این محور، علاوه بر فریب دشمن نسبت به سمت اصلی تک، آتش دشمن نیز تجربه خواهد شد.

ضمنا در صورت موفقیت و تأمین محور شمال عملیات (بوبیان) جناح وسیعی در شرق کانال ماهی از دشمن گرفته می شد و این به منزله جای پای مناسبی برای مراحل بعدی عملیات، محسوب می گردید. علاوه بر این، موارد زیر به عنوان مشخصات و قوتهای طرح مزبور در نظر بود:

- منطقه انتخابی نزدیکترین فاصله را نسبت به کانال زوجی دارا می باشد.

- نیروها در جناح راست خود به کانال ماهی اتکا دارند. (در محور اصلی تک).- در صورت رسیدن به پشت خطوط شمالی - جنوبی دشمن، پیشروی به سمت جنوب تسهیل می شود.

- تجربه حاکی از آن بود که تنها از این محور امکان پیشروی وجود دارد.

- به علت نزدیکی به پل کانال ماهی، امکان الحاق با نیروهای شرق کانال و نیز انتقال عقبه به شرق کانال ماهی و حفظ آن از آتش دشمن پدید می آید.

البته به خاطر وجود مشکلات و موانع متعدد، طرح فوق در اجراء فاقد چشم انداز روشنی بود.

به هر صورت، بنا به شرایط خاص موجود، تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ جهت انجام این عملیات انتخاب شد.

ص: ۱۳۶

شرح عملیات کربلای ۸

از آنجا که موقعیت زمین در محور آبگرفتگی بوبیان با منطقه عملیاتی قرارگاه کربلاـ در غرب کانال ماهی تفاوت داشت و فاصله با دشمن نیز متغیر بود، زیرا تعیین زمان آغاز عملیات و محاسبه مقدار زمان لازم برای رسیدن نیروها به نقطه ی مورد نظر جهت درگیر شدن با دشمن، مشکلاتی وجود داشت که نهایتا ساعت ۱۵/ ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ به عنوان زمان مشترك حمله در هر دو محور انتخاب شد.

قبل از آغاز تک، بنا بر شواهد و قرائن موجود و اطلاعات دریافتی از شنود، چنین پیش بینی می شد که احتمالا غافلگیری دشمن در محور شمالی بیشتر از منطقه قرارگاه کربلاـ خواهد بود، خصوصا اینکه بنا به اطلاعات واصله، دشمن در مقابل آبگرفتگی بوبیان در شب عملیات مانند شبهای گذشته اقدامات عادی خود از جمله کار مهندسی را ادامه می داد. این امر بر اطمینان قرارگاه قدس و یگانهای تابعه در مورد غافلگیری دشمن افزود.

حال آنکه در عمل مشخص شد که دشمن در آن محور ۱۰۰٪ هوشیار بوده است.

علاوه بر این، با وجود آنکه سعی شد در تمام محورهای عملیاتی (قرارگاه قدس و قرارگاه کربلا) درگیری با دشمن به طور همزمان آغاز شود، لیکن به خاطر مشکلات موجود، چنین امری میسر نشد.

شب و روز اول

در محور شمالی عملیات تیپ امام رضا (ع) در ساعت ۳۵ / ۲ بامداد و تیپ الغدیر در ساعت ۴۰ / ۲ بامداد با دشمن درگیر شدند.

در این محور بر خلاف تصورات قبلی مبنی بر عدم هوشیاری

ص: ۱۳۷

دشـمن، مقـاومت نیروهـای عراقی در همـان آغـاز درگیری و سـپس مبـادرت آنان به پاشـیدن مین در محورهای مواصـلاتی و پاتکهای انجام شده، همگی حاکی از آمادگی قبلی آنها برای مقابله با تهاجم قوای اسـلام بود. با آنکه دشمن یک ساعت پس از آغاز درگیری اقـدامات یاد شده را شـروع کرد، نیروهای اسـلام تا ساعت ۸ صـبح کماکان در منطقه حضور داشـته و درگیر بودند، لیکن پس از آن با توجه به حجم سنگین آتش دشمن، عملا امکان تأمین و تثبیت منطقه فراهم نشد.

مرحله اول عملیات در محور غرب کانال ماهی همزمان با محور شـمال آبگرفتگی بوبیان در ساعت ۱۵ / ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ توسط لشکرهای ۳۳ المهدی، ۲۵ کربلا، ۱۹ فجر، ۱۰ سیدالشهداء و ۳۱ عاشورا که به ترتیب از چپ به راست مأموریت تصرف و تأمین هدف (خط قرمز) (۱) را به عهده داشتند، آغاز شد.

در این مرحله (شب و روز اول عملیات) هـدف به نحو ناقصـی تصـرف شد. وضـعیت یگانهای عمل کننده مختصـرا به قرار زیر بود (به ترتیب از چپ):

لشکر ۳۳ که انـدکی دیر وارد عمل شـده بود، در اثر مقاومت و آتش دشـمن موفق به باز کردن معابر مربوطه نشـد و به هنگام صبح شهدا و مجروحین خود را از تخلیه و عقب نشینی کرد.

لشگر ۲۵ از سـمت راست، به لشکر ۱۹ ملحق شـد و از سـمت چپ، خود را تا حد لشـکر ۳۳ گسترش داد و عملاـ حفظ جناح چپ را نیز (در غیـاب لشـکر ۳۳) به عهـده گرفت. در اوایـل صـبح اسـتعداد نیروهـای در خط این لشـگر بیش از یک گروهان ناقص (حدود ۵۰ نفر) نبود، از اینرو یک گروهان

۱- ۱۷۶. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

دیگر برای تقویت آنها فرستاده شد. از ساعت ۳۰ / ۱۰ صبح پاتک دشمن از این جناح شروع شد و از ظهر شدت بیشتری یافت و نهایتا در ساعت ۱۴ باقیمانده نیروهای این لشگر به عقب رانده شدند و به این ترتیب جناح چپ عملیات اوضاع وخیمتری پیدا کرد. این امر در شرایطی بود که آتش سنگین دشمن اجازه تقویت خط با نیروهای کمکی را نمی داد و از نیروهای در خط نیز مقاومتی بیشتر از آنچه صورت گرفت، متصور نبود.

لشکر ۱۹ تا ساعت ۵ صبح با جناحین الحاق کرد و تا ساعت ۷ صبح موفق شد و خط را کاملا پاکسازی و تثبیت کند. بعد از تشدید فشار دشمن از ساعت ۱۳ بر روی نیروهای لشکر ۲۵ و نهایتا عقب نشینی آنها، لشکر ۱۹ جناحدار شد و از این پس فشارهای دشمن از جناح چپ مستقیما متوجه این لشکر می گردید. دشمن در فشارهای اولیه توانست با نفربرهای خود در مواضع این لشکر وارد شود، اما به خاطر حضور نیروها بر روی خاکریز یاسر (۱) دو دستگاه نفربر سالم به غنیمت گرفته شد و نفرات آن تسلیم شدند، سپس به تدریج فشارها کم شد و تا غروب وضعیت به همین صورت باقی ماند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا به خاطر مشترک بودن معابرش با یگانهای دیگر، حرکتش با کندی شروع شد و با چند ساعت تأخیر کار اصلی را شروع کرد، اما در ادامه سرعت زیادی یافت. نهایتا بخشی از اهداف این لشکر تأمین نشد. بخصوص اینکه بعدازظهر با پاتک نسبتا سنگینی نیز مواجه شد و برخی مواضع خود را از دست داد. به علاوه یگان عمل کننده در جناح راست این لشکر (لشکر ۳۱ عاشورا) نیز موفق نشده بود، اما در جناح چپ مسئله ای نداشت.

۱- ۱۷۷. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

لشکر ۳۱ عاشورا که به علت عدم برگشت نیروهایش از مرخصی، در روز قبل از عملیات نیمی از مأموریتش به لشکر سیدالشهدا واگذار شده بود، در انجام مأموریت محوله موفق نگردید. این لشکر در سمت چپ خود لشکر ۱۰ را داشت و از راست بایستی به کانال ماهی متکی می شد. نیروهای لشکر ۳۱ از دو معبر و به صورت تیمی و دسته ای وارد عمل می شدند (به علت شلوغی و محدودیت زمین). نیروهای محور راست سه بار کمینهای دشمن را تصرف کردند ولی هر بار با تشدید فشار دشمن عقب آمدند. نیروهای محور چپ نیز با کمینهای دشمن که هوشیار شده بودند، مواجه و متوقف گردیدند. این لشکر در روز با وارد کردن نیروهای جدید در تقاطع پرستو و کبوتر (۱) که توسط لشگر ۱۰ تصرف شده بود، به قصد تصرف هلاکی ۱۵ (۲) عبور کرد. این نیروها پس از درگیریهای شدیدی که تا غروب طول کشید، بدون توجه به عقب بازگشتند.

به هر صورت، شب و روز اول عملیات، در حالیکه خط تصرف شده در جناحین با اشکالات یاد شده مواجه بود، سپری شد.

شب و روز دوم عملیات

پس از آنکه طی مرحله اول عملیات، اهداف مورد نظر به طور کامل تصرف و تأمین نشد، در تدبیر جدید مقرر گردید که لشکر ۳۳ با عبور از معبر لشکر ۲۵ مجددا اهداف قبلی خود و لشکر ۲۵ را که در مرحله قبل تعیین شده بود، تصرف نماید و لشکر ۱۰ که به طور نسبی موفق شده بود، به تکمیل اهداف قبلی بپردازد. به لشکر ۲۷ نیز ابلاغ شد که در صورت موفقیت لشکر ۱۰ از آن عبور کرده و پیشروی نماید و در صورت توقف و ایجاد

۱- ۱۷۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۷۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

اشکال در حرکت لشکر ۱۰ به تکمیل و تأمین اهداف آن بپردازد.

بدین ترتیب، مرحله دوم در همان شب آغاز شد. لشکر ۳۳ این بار چه در تصرف هدف و چه در کار مهندسی (ایجاد خاکریز دو جداره در سمت راست سیلبند شاهد) (۱) موفق بود، لیکن دشمن دو بار از سمت چپ به نیروهای این لشگر پاتک کرد که بار دوم (در ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح) با آتش شدید توپخانه و هلیکوپتر و بمباران هواپیما همراه بود. کثرت نیروهای پیاده پاتک کننده و کم بودن نفرات خودی و نرسیدن مهمات کافی، نیروهای خودی را ناچار به عقب نشینی کرد و بر اثر فشار شدید دشمن تعدادی از مجروحین در منطقه بجا ماندند. به این ترتیب در این مرحله هم مسئله جناح چپ عملیات حل نشد.

لشکر ۱۰ نیز با یک گردان (ناقص) وارد عمل شد، ولی تا صبح به خاطر درگیری با نیروهایی که در تقاطع کبوتر (۲) مستقر بودند، موفق به تصرف هدف مورد نظر (خط زم) (۳) نگردید. نتیجتا در صبح هنگام، لشکر ۲۷ مأموریت ادامه کار و تصرف هدف مزبور را به عهده گرفت.

در ساعت ۷ صبح (۱۹ / ۱/ ۱۳۶۶) به فرماندهی لشگر ۲۷ ابلاغ شد که طبق تصمیمات قبلی، برای تکمیل کار ناقص لشکر ۱۰ وارد عمل شود. در ساعت ۴۵ / ۱۰ اولین گروهان لشگر ۲۷ به خط رسید، اما در این هنگام پاتک دشمن از دو محور شروع شد و نیروهای لشگر ۲۷ به جای انجام مأموریت تعیین شده، مجبور به پاسخگویی به پاتکهای دشمن شدند و تا غروب شش پاتک را خنثی کردند. نهایتا طی این مرحله در وضعیت قبلی تغییری ایجاد نشد و پیشروی صورت نگرفت و تلاشهای رزمندگان صرفا اقدامات دشمن را خنثی کرد و به حفظ آنچه در مرحله اول به دست آمده بود، انجامید.

۱- ۱۸۰. به کالك رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۱. به کالك رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۲. به کالك رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

با توجه به فشاری که از سمت چپ روی لشکر ۱۹ وجود داشت، برای پاسخگویی به پاتکهای دشمن، تصمیم گرفته شد که مجددا تلاش عمده ای برای حل مسئله جناح چپ و تأمین آن صورت پذیرد. بر این اساس، مأموریت تصرف سمت چپ سیلبند تا نزدیکی جاده آسفالته و ایجاد خاکریز جناح چپ به لشکر ۸ نجف داده شد و و از چهار راه سیلبند تا تپه (۱) (یعنی همان خط حد اولیه) به لشکر ۳۳ و از تپه (۲) تا سیب (۳) نیز به لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) واگذار گردید. به لشگر ۲۷ نیز همان مأموریت قبلی، یعنی تأمین زم (۴) و تصرف و پاکسازی موضع «ن» شکل شماره ۱۵ (۵) داده شد.

در این مرحله، جناح راست وضع مناسبی یافت ولی اوضاع جناح چپ به رغم موفقیتهای به دست آمده کاملا بهبود نیافت، به این ترتیب که:

لشکر ۲۷ که قرار بود ساعت ۲۱ وارد عمل شود، به خاطر دیر رسیدن نیروها و توقف در میدان مین، در ساعت ۳۰ / ۲ بامداد درگیری را شروع کرد تا ساعت ۸ صبح به نیروهای خود ملحق شد. این لشکر تا غروب موفق به پاکسازی منطقه متصرفه شد و ضمن به هلاکت رساندن ۵۰۰ تن از نیروهای دشمن، ۱۰۰ اسیر را نیز به عقب تخلیه کرد.

لشکر ۱۷ خط لشکر ۱۹ را تحویل گرفت و با یک گردان خود را به چهار راه سیلبند رساند و سپس لشکر ۳۳ و لشکر ۸ را از خود عبور داد. این لشکر از روبرو محور پاتک نداشت، بنابراین تا عصر روز بعد (۲۰ / ۱ / ۱۳۶۶) علیه آن تهدیدی صورت نگرفت. نیروهای لشکر ۳۳ و لشکر ۸ نسبتا در اجرای مأموریت خود موفق بودند ضمن اینکه در صبح و عصر

۱- ۱۸۳. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۴. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۵. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۴- ۱۸۶. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۵- ۱۸۷. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

روز سوم عملیات تقریبا به خاطر استفاده از آتش هماهنگ تانک و تیربار و خمپاره انداز مستقر در خط، پاتکهای دشمن را با شکست مواجه ساختند، ولی سرانجام نیروهای لشکر ۳۳ به لحاظ از دست دادن توان، در مواضع مناسبتری مستقر شدند.

شب چهارم عملیات

در چهارمین شب عملیات لشکر ۲۷ با ایجاد خاکریزهای دو جداره در نقاط مورد نظر و ریختن ۸۰۰ مین ضد نفر در جلوی خط زم (۱) به تثبیت و استحکام مواضع متصرفه پرداخت و لشکر ۳۱ خط لشکر ۱۰ (از زم تا سیب) (۲) را تحویل گرفت. لشکر ۸ نیز برای انجام مأموریت سابق خود با یک گردان تا نزدیک جاده آسفالته (خط قرمز) را پاکسازی کرد و همچنین نیمی از مأموریت مهندسی خود را انجام داد، اما به خاطر فشار دشمن و ناقص ماندن کار مهندسی، نیروهای این لشکر مجددا تا چهار راه (سیلبند شاهد) (۳) عقب نشینی کرده و در آنجا استقرار یافتند.

روز چهارم (۲۱ / ۱ / ۱۳۶۶)

در روز چهارم عملیات دشمن طی چند نوبت در محورهای لشکر ۲۷، لشکر ۳۱ و لشکر ۳۳ اقدام به پاتک کرد که سنگین ترین آنها از محور سیلبند غربی کانال ماهی و محور پرستو (۴) صورت گرفت، و مقداری نیروهای خودی را عقب زد، ولی با هجوم رزمندگان اسلام، قوای دشمن عقب رانده شدند. باید اذعان داشت که گر چه دشمن در این پاتکها موفقیتی کسب نکرد، اما با این ضد حمله های پی در پی، بخشی از توان رزمندگان را گرفته و

۱- ۱۸۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.
۲- ۱۸۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.
۳- ۱۹۰. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.
۴- ۱۹۱. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

مانع از استراحت آنان شد و توانست نقاط ضعف و قوت ما را از نظر «خط پدافندی» و «توان» ارزیابی نماید.

پس از ۴ شبانه روز جنگ سنگین در منطقه پیچیده ای که بعضا نیروها مجبور به جنگ تن به تن می شدند و زمین آن را از قبل به دقت توسط دشمن متناسب با تاکتیکها و تدابیر و امکانات آن طراحی و تسلیح شده بود، احساس می شد دشمن از بازپس گیری خط «قرمز» نومید و ناتوان شده است.

از نظر فرماندهان نیز عملیات به پایان رسیده بود و تنها تثبیت و استحکام بخشیدن به مواضع و انجام کارهای مهندسی و بهبود بخشیدن به امر پشتیبانی خط جدید مطرح بود. در این اوضاع و احوال که یگانهای عمل کننده نیز بر اثر افت نیرو (ناشی از چند ماه جنگ مداوم از اوائل دیماه در کربلای ۴) خود را قادر به انجام مأموریتهای آفندی نمی دیدند. حرکت پیش بینی نشده دشمن شروع شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد.

پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی

از آنجا که دشمن در پاتکهای روز ۲۱/ ۱ / ۱۳۶۶ خود موفقیتی کسب نکرده بود، چنین پیش بینی می شد که نسبت به باز پس گیری خط قرمز (منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۸) ناامید شده است (۱) ولی برخلاف انتظار، دشمن تلاش اصلی خود را از نخستین لحظات بامداد ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶ آغاز کرد. نیروهای بعثی از نیمه شب تا ساعت ۳۰ / ۳ بامداد روز۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶

---

۱ - ۱۹۲. در این میان از آنجا که مرکز شنود متوجه تجمعاتی از دشمن در مقابل لشکر ۲۷ شده بود، به فرماندهی این لشکر اطلاع داد تا اقدامات لازم را برای مقابله انجام دهد. بر این مبنا، لشکر ۲۷ به خاطر تقویت خط با نیروی انسانی و آماده باش نیروهای در خط و پخش حدود ۸۰۰ مین در مقابل خط زم، آمادگی بیشتری از سایر یگانها برای مقابله با پاتکهای دشمن، در خود ایجاد کرد که در عمل نیز مقاومت عمده خودی در این ناحیه بود.

اقدام به تک شیمیایی نمودند. در این تک که ابتدا با توپخانه و کاتیوشا و سپس با هلیکوپتر و هواپیما به صورتی گسترده در خط و عقبه، بخصوص از خرمشهر تا شلمچه و پنج ضلعی صورت گرفت، مجموعا ۴۰۰ راکت هواپیما، هلیکوپتر، گلوله های توپخانه و خمپاره شلیک شد که به خاطر تاریکی هوا و عدم آمادگی و عدم پیش بینی قبلی، خسارات قابل توجهی به نیروهای خودی وارد آمد.

دشمن پس از تک شیمیایی، از ساعت ۵ / ۲ تا ۷ صبح با ۴۵ گردان توپخانه موجود در منطقه اقدام به اجرای آتش تهیه نمود. شدت آتش دشمن به گونه ای بود که تحرک و جابجایی را از نیروهای خودی سلب کرد و امکان تردد هر گونه وسیله نقلیه و نیروی پیاده به خط مقدم غیر ممکن و یا بسیار دشوار گردید.

حوالی ساعت ۷ صبح پاتک دشمن از دو محور، یکی مقابل لشکرهای ۸ و ۳۳ و دیگری در برابر لشکرهای ۲۷ و ۳۱ شروع شد. فشار سنگین دشمن از سمت چپ خط قرمز و همچنین سیلبند شاهد باعث شد رخنه ای در حد فاصل دو لشکر ۳۳ و ۸ ایجاد شود. در محور لشکر ۳۱ نیز فشار دشمن از دو سمت یکی از مقابل و دیگری از خاکریز جدید الاحداث در سمت چپ تقاطع زم (۱) صورت گرفت.

در محور لشکر ۲۷ دشمن از سیلبند غربی کانال ماهی به مواضع این لشکر حمله کرد و با درگیری شدید و به سختی آنها را عقب زد. و سپس از تقاطع زم فشار آورد و در نتیجه توانست پس از رخنه و نفوذ در تقاطع، نیروهای لشکر ۳۱ را از خاکریز دو جداره عقب رانده و با تهدید عقبه نیروهای لشکر ۲۷ فشار بیشتری بر نیروهای این لشکر وارد سازد. نیروهای

۱- ۱۹۳. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

لشکر ۱۷ که تاکنون مستقیما در معرض پاتک دشمن قرار نگرفته بودند، با احساس تهدید از جناحین و احتمال قیچی شدن، به مواضع مناسبتری نقل مکان کردند.

بدین ترتیب، دشمن تا قبل از ظهر روز ۲۲/ ۱ / ۱۳۶۶ مواضع تصرف شده در عملیات کربلای ۸ را باز پس گرفت.

هدایت کلی پاتک دشمن به عهده فرمانده سپاه گارد (سپهبد حسین رشید محمد) بود و هدایت تیپهای عمل کننده توسط فرمانده لشگر بغداد از گارد ریاست جمهوری (سرتیپ ستاد کامل ساحت) و فرمانده لشگر مدینه منوره از گارد جمهوری (سرتیپ ستاد احمد ابراهیم محاش) صورت گرفت. عدنان خیرالله وزیر دفاع نیز با حضور در منطقه از نزدیک عملیات یگانهای پاتک کننده را کنترل می کرد.

یگانهای پاتک کننده دشمن عبارت بودند از:

تیپهای ۷، ۴ و ۱۰ گارد ریاست جمهوری، تیپ ۴۶۸ نیروی مخصوص، تیپهای ۲ زرهی و ۱۷ زرهی گارد ریاست جمهوری، تیپهای ۵ پشتیبانی و ۶ پشتیبانی گارد ریاست جمهوری و یک گردان از تیپ ۲۶ زرهی.

تاکتیک دشمن در باز پس گیری مواضع مبتنی بر اصل انهدام وسیع بود که با اجرای تک شیمیایی و آتش تهیه سنگین و تداوم تک توانست به رغم مقاومت نیروهای اسلام، در پوشش آتش شدید، نیروهایش را به پشت خاکریزهای نیروهای خودی رسانده و به داخل مواضع آنها رخنه نماید.

ارزیابی و جمع بندی

فشار عراق برای بازپس گیری منطقه ای در حدود یک کیلومتر مربع با توانی که ذکر شد در نوع خود کم نظیر بوده است. عکس العمل دشمن بدون

ص: ۱۴۶

احتساب و پیش بینی تلفات زیاد و پذیرش آن به عنوان بهای باز پس گیری منطقه نمی توانست باشد.

دشمن با درک مشی جدید نظامی جمهوری اسلامی مبنی بر پیشروی در شرق بصره و انهدام متوالی قوای عراق، بر آن شد که با اقدامی اساسی و با قوت، طراحان و مسئولین جنگ جمهوری اسلامی را نسبت به ادامه پیشروی در منطقه شرق بصره مأیوس کند. (۱) .

علاوه بر این همزمانی عملیات کربلای ۸ با سالگرد تاسیس حزب بعث و نیز نقش تبلیغی این عملیات در اعلام تصمیم بر تداوم عملیات در منطقه و همزمانی آن با تغییر و تحولات سیاسی مبنی بر حذف صدام،قابل ذکر است.

به هر صورت، برای دشمن قابل تحمل نبود که در منطقه یاد شده، در بلند مدت و به طور تدریجی، نیروهای ما هر چند کند و آهسته به پیشروی و انهدام قوای آنها ادامه دهند. لذا به رغم آنکه دشمن در تصمیم برای عقب نشینی از شرق نهرجاسم اصل «حفظ قوا» را برگزیده بود، در این جا با پذیرش «انهدام نیرو» به چنین پاتک خطرناکی مبادرت کرد. استفاده از نیروی گارد ریاست جمهوری عراق، نظارت مستقیم عدنان خیرالله و به طور کلی چگونگی این پاتک نشان می دهد که مبنای این اقدام، تصمیم سیاسی بوده و در محدوده ی صلاحدید و اختیارات نظامیان نمی گنجیده و تناسبی نیز با چارچوب حرکات کلاسیک نظامی ارتش عراق نداشته است.

صدام و حزب بعث ادامه حمایت شرق و غرب را در گرو قدرتمندی نظامی ارتش عراق می دانستند در نتیجه برای ثبات سیاسی خود راهی جز قدرتمند کردن و در عین حال فشار بیشتر بر ارتش عراق برای شرکت در

۱- ۱۹۴. البته فرماندهان جنگ قبل از این پاتک تصمیم به تغییر روش گرفته بودند و اقدامات دیگری را در نظر داشتند.

جنگ تا سر حد تلفات بسیار بالا و حتی انهدام لشکرها نداشتند.

از طرف دیگر بر اساس نگرش کلاسیک، از مدتها پیش طراحان و فرماندهان نظامی دشمن احساس اطمینان برای ادامه جنگ را از دست داده بودند. زیرا هیچ یک از خطوط پدافندی آنها در مقابل تهاجمات نیروهای ما تاب مقاومت نداشت و علاوه بر این، گذشت زمان حاکی از پیروزی تدریجی جمهوری اسلامی بود، چرا که علاوه بر رانده شدن از خاک جمهوری اسلامی مناطق مهمی مانند فاو و شرق بصره را از دست داده بودند. واضح است که از نظر حاکمان سیاسی و همچنین فرماندهان نظامی عراق این روند نگران کننده بود. احتمال تحولات سیاسی و افزایش شایعاتی مبنی بر حذف صدام نیز بدون ارتباط با وضعیت یاد شده نمی توانست باشد.

به هنگام عملیات والفجر ۸، بنا به موقعیت خاص زمین منطقه (۱) دشمن تلفات قابل توجهی را متحمل شد، بدون آنکه قادر به باز پس گیری منطقه باشد. بنا بر اظهارات اسرا، صدام با حضور در منطقه فشار زیادی را بر ارتشیان عراق وارد می ساخت تا شاید بتوانند مجددا در مواضع قبلی خود حضور یابند. لیکن موقعیت زمین و تدبیر مناسب نیروهای خودی در استفاده از آتش و مقاومت شدید، مانع از تحقق اهداف دشمن شد.

در این عملیات استفاده از ارتش عراق به شکل نامعقول موجب شد بیش از ۷۰٪ از توان نظامی دشمن در فاو منهدم شود و این برای ارتش عراق صدمه ای جبران ناپذیر بود.

حاکمیت سیاسی عراق به منظور جبران شکست فاو و حفظ روحیه ارتش

۱- ۱۹۵. زمین فاو محصور در میان رودخانه اروند و خور عبدالله بود و از طرفی باتلاقی بودن زمین تحرک دشمن را محدود به چند جاده کرده بود که دائما در زیر آتش توپخانه خودی قرار داشت.

عراق، تـدبیر «استراتژی دفـاع متحرک» را اتخـاذ کرد که آن هم سـرانجام مطلوبی نیـافت و مجموعـا نزدیک به ۱۱ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در کربلای ۱ (مهران) چنانکه بعدها اسرا ذکر می کردند، دشمن تنها به لحاظ ممانعت از انهدام بیشتر ارتش عراق، از مقاومت خودداری کرد تـا آمـادگی لازم برای مقـابله با تهاجمات بعـدی قوای نظامی ایران را داشـته باشـد، در حالی که در کربلای ۲ (حاج عمران) دشمن با انگیزه بیشتری جنگید.

آزادسازی مهران، که دشـمن به خاطر اشـغال مجدد آن در بغداد جشن گرفته بود، شـکست بزرگی محسوب می شد. از دست دادن مهران توسط دشـمن بدون مقاومت چشـمگیر به جز قوتهای نیروی خودی و غافلگیر شدن دشمن در مانور و محور هجوم (۱) از تدبیر وی مبتنی بر اصل «حفظ نیرو» در مقابل «حفظ زمین» حکایت می کرد. به عبارت دیگر چنین به نظر می رسـید که دشمن در نظر ندارد به طور غیر معقول ارتش عراق را به کار گیرد.

در عملیـات کربلای ۵ تحرکـاتی از دشـمن مشاهـده شـد که به همین ترتیب قابـل تـبیین است. بـدین صورت که در روز سوم عملیات، عراق یک لشکر گارد را وارد عمل کرد. این لشکر تا روز پنجم تلاش فراوانی برای باز پس گیری غرب کانال ماهی انجام داد (۲) معهذا منجر به نتیجه دلخواه و مطلوب نشد. در ساعت ۱۱ صبح روز پنجم عملیات فرماندهان لشگر گارد در مقر لشگر ۱۱ جلسـات مهمی تشـکیل دادنـد که به نظر می رسـید دشـمن با تلاش گسترده تری اقـدام به پاتک خواهـد کرد. لیکن عقب نشینی تدریجی عراق به

ص: ۱۴۹

۱- ۱۹۶. دشمن از محور دیگری در همان منطقه انتظار تهاجم ما را داشت.

۲- ۱۹۷. عراق پس از عملیات والفجر ۸ لشکر گارد را به سپاه گارد تبدیل کرد.

غرب نهرجاسم که اثر قطعی و نهایی آن سه روز بعد آشکار شد، نشان داد که دشمن به رغم مقاومتهای بسیار شدید اولیه، با توجه به انهدام وسیع و تلفات بالا، نهایتا حفظ نیرو را بر حفظ زمین ترجیح داده است.

عراق در قبال اقدام یاد شده از جهت سیاسی نیز متحمل خسارتهای فراوانی شد، لیکن به لحاظ پیچیدگی زمین و تلفات فراوانی که متوجه ارتش عراق شده بود بنابر نگرش نظامی، تدبیر یاد شده را اتخاذ کرد.

پس از آن دشمن در مقابل سر پل غرب کانال ماهی به لحاظ تهدیدی که نسبت به زمین حد فاصل نهرجاسم تا کانال زوجی احساس می کرد، عملیاتی را طراحی کرد که بعدها نام «حصاد الاکبر» (۱) بر آن نهاد. این حرکت با سرمایه گذاری بالاتر از حد معمول و با تحمل تلفات فراوان انجام گردید.

تلفات دشمن

محدودیت زمین منطقه و حضور بیش از اندازه یگانهای دشمن منجر به تأثیر قابل توجه آتش در انهدام نیروهای ارتش عراق بود. علاوه بر این، قسمت عمده ی انهدام دشمن به هنگام پاتک صورت گرفت، زیرا نیروها از موضع خارج شده و به راحتی در زیر آتش توپخانه و سلاحهای سبک و سنگین قرار می گرفتند.

معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران میزان انهدام قوای دشمن را به شرح زیر اعلام کرد:

۱- ۱۹۸. دروی بزرگ (سربازان مانند خوشه های گندم درو می شدند).

نام یگان: تیپ ۱۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۸ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۷ مکانیزه، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۶ پیاده، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۲ کماندوئی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۹ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۱۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۹۳ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۳۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۱۳ پیاده، میزان انهدام: ۳۰٪

نام یگان: تیپ ۶۸ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۵۰٪

نام یگان: تیپ ۲ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۵ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۶ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۷ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۷ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: یک گردان تانک از تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۵۰٪

ص: ۱۵۱

در مجموع حداقل تعداد ۱۸ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن در طول ۶ روز نبرد کربلای ۸ به میزان ۲۰ تا ۹۰ درصد آسیب دیدند.

در میان کشته شدگان حداقل ۶ فرمانده تیپ، ۲۰ فرمانده گردان، و بیش از ۸۰ فرمانده گروهان دیده می شد. (۱) در این عملیات حدود ۲۶۰ نفر از پرسنل دشمن اسیر شدند که در بین اسرا ۲ نفر سرهنگ ستاد، ۵ سرگرد و تعداد زیادی افسر و درجه دار مشاهده می شد.

بازتاب عملیات کربلای ۸

از یک سو شرایط سیاسی و نظامی جنگ پس از عملیات کربلای ۵ و از سوی دیگر اهمیت زمین منطقه شرق بصره، موجب گردید تا عملیات کربلای ۸ که با «هدف محدوده نظامی» صورت گرفت، بازتاب و انعکاس نسبتا گسترده ای داشته باشد. در مورد این عملیات خبرگزاری فرانسه به نقل از ناظران در تهران چنین گزارش داد:

«اهداف عملیات جدید کربلای ۸ ایران که صرفا نظامی است، محدود به نظر می رسد. ایران بدون تردید این بخش جنوبی را برای حمله انتخاب کرد تا مانع از تحکیم خطوط دشمن در آنجا شود.» (۲) .

در واقع، گزارش خبرگزاری فرانسه معطوف به این مطلب بود که این عملیات در تداوم سلسله تلاشهای ایران در این منطقه و برنامه ریزی برای انجام عملیات به سمت بصره، معنا و مفهوم دارد.

به نظر می رسد که مطالب اعلام شده از سوی ایران درباره ی انهدام ماشین جنگی عراق در عملیات کربلای ۵ و سپس اظهارات رئیس جمهوری در مورد

۱- ۱۹۹. تلفات افراد کادر دشمن حاکی از استفاده عراق در تأمین خط و پاتک از نیروهای سازمانی و کادر بود.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

عملیات کربلای ۸ مبنی بر اینکه با این عملیات «باز هم تهدید نسبت به بصره بیشتر و جدی تر شد و مطمئنا این ضربات رژیم عراق و ماشین جنگی اش را از کار خواهد انداخت.» (۱) در تجزیه و تحلیل رسانه های خارجی از اهداف و نتایج عملیات کربلای ۸ بی تأثیر نبود، چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک کارشناس اروپائی نوشت:

«عملیات ایران نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان بر این تاکتیک برای نابودی ماشین جنگی عراق مصمم است، در عین حال این توان را هم دارد که هر زمان و در هر گوشه ای از جبهه دست به عملیات موفق بزند.» (۲) .

در ضمن برخی دیگر از تحلیلگران هدف عملیات را ارزیابی میزان توان دفاعی عراق در شرق بصره ذکر کردند. (۳) همچنین تشدید حملات عراق در خلیج فارس به مراکز نفتی و نفتکشها، موجب گردید که عملیات کربلای ۸ به عنوان تلافی آن اقدامات تلقی شود. آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه بخشی از اهداف عملیات کربلای ۸ را پاسخ به شرارتهای بعثیون در «خلیج فارس» ذکر کرد. (۴) .

تلاقی زمان عملیات کربلای ۸ با برگزاری مراسم چهل و هشتمین سالگرد تشکیل حزب بعث، موجب گردید که عراق بلافاصله به منظور تحت الشعاع قرار دادن بازتاب این عملیات، به تاسیسات نفتی جزیره سیری که یکی از مبادی صادرات نفت ایران بود، حمله کرده خسارات قابل ملاحظه ای را به آن وارد آورد، به گونه ای که تا ساعتها بهره برداری از اسکله مذکور امکان پذیر نبود. به هر حال پیروزی عملیات کربلای ۸ همانند پیروزیهای دیگر ایران در ابتدا از سوی عراق و کلیه حامیانش مورد تکذیب قرار گرفت، چنانکه رادیو اسرائیل به نقل از کارشناسان نظامی گفت:

«به احتمال قوی نیروهای ایرانی در عملیات موسوم به کربلای ۸ در

۱- ۲۰۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/ ۱ / ۱۳۶۶، بیانات آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران.

۲- ۲۰۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/ ۱ / ۱۳۶۶.

۳- ۲۰۳. روزنامه کیهان، ۲ / ۱ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه فاینشال تایمز.

۴- ۲۰۴. روزنامه اطلاعات ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی.

جبهه بصره موفق به پیشروی نشده اند و نبرد به صورت ساکن ادامه دارد.» (۱) .

اما با گذشت زمان و عینیت پیروزی ایران، عراق سرانجام زبان به اعتراف گشود و متعاقب آن خبرگزاریها چنین گزارش دادند:

«عراق دیروز اعتراف کرد که مناطقی را در جریان حمله جدید ایران در شرق بصره از دست داده است. اعتراف عراق به از دست دادن زمینهایی در نزدیکی بصره، در اطلاعیه نظامی این کشور منعکس شده است.» (۲) .

دعوت ایران از خبرنگاران خارجی برای بازدید از منطقه آزاد شده در عملیات نیز به منزله ی پیروزی جدید ایران مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب، در آستانه سال ۶۶ ضمن آنکه موفقیت حاصله از عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره، از سوی رسانه های خارجی مورد تأیید قرار گرفت، به عنوان ضعف و ناتوانی روحی و روزافزون عراق نیز ارزیابی شد.

۱- ۲۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۶، رادیو اسرائیل، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲- ۲۰۶. روزنامه رسالت، ۲۲/ ۱ / ۱۳۶۶، واحد مرکزی خبر.

ضمیمه

نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵

تلاشها و اقدامات سپاه پاسداران در سال ۶۵ و متعاقب آن موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران در برابر عراق، ابعاد و برجستگی نقش تعیین کننده سپاه در جنگ و تحولاتی را که این نیروی انقلابی پشت سر نهاده، ترسیم و مورد تأکید قرار می دهد.

در واقع عرصه ی جنگ برای سپاه بزرگترین میدان آزمایش و آموزش بوده است. در میان قدرت انطباق سپاه و قابلیتهای این نیرو در برخورد با شرایط و ضرورتهای انقلاب، بزرگترین ویژگی آن است که از یک سو عاملی مؤثر در حل معضلات انقلاب و جنگ و از سوی دیگر عامل افزایش توان سپاه محسوب می شود.

با آغاز جنگ و ناتوانی سیستم کلاسیک کشور برای دفع تجاوز، سپاه به رغم آنکه فاقد سازمان مناسب برای درگیری با دشمن بود، لیکن بر حسب تعهد و اعتقاداتی که داشت، در جهت رهنمودهای حضرت امام خمینی به طور همه جانبه وارد عرصه ی جنگ شد. مقابله با متجاوزان در محورهای

ص: ۱۵۵

مختلف بویژه در خرمشهر که سپاه پیش از این در آنجا از سازماندهی مناسبی برخوردار شده بود، (۱) بارزترین جلوه نقش این نیرو در جنگ محسوب می شد.

در مراحل آغازین جنگ، انتظار امام و مردم مبنی بر بیرون رانـدن متجاوزین به رغم وعده های بنی صدر و تأکید وی بر انجام عملیات بر مبنای علمی! تحقق نیافت و تنها موجب اتلاف وقت و از میان رفتن امکانات فراوان شـد. در واقع، گر چه بنی صـدر برای کسب پیروزی در جهت تغییر اوضاع سیاسـی داخل کشور به سود خود تلاش می کرد، لیکن مسـیری را طی می نمود که هرگز او را به مقصـد نمی رسانـد؛ چنـانکه عملیات انجام شـده طی این مقطع از جنگ در غرب رودخانه کرخه، هویزه و روی جاده ماهشهر - آبادان با شکست و ناکامی همراه شد. همین مسأله یکی از دلایل عمده تشدید درگیری داخلی و پدید آوردن غائله ۱۴ اسفند ۵۹، توسط بنی صدر بود. از سوی دیگر، رشد قابلیت و توانایی سپاه بویژه ارائه طرح شکستن حصر آبادان برابر تـدبیر حضـرت امام و تصویب این طرح در شورای عالی دفاع، وضـعیت جدیدی را در روند تحولات کشور به وجود آورد که آزادسازی مناطق اشغالی و کسب پیروزیهای نظامی و ثبات سیاسی از نتایج و دستاوردهای آن بود.

در این مدت با وجود همکاری و وحدت مقدس ارتش و سـپاه به هنگام آزادسازی مناطق اشـغالی، پیچیدگی و روند تحولات جنگ و ضرورتهای جدید، منجر به شرایطی شد که عملا دو نیرو با توجه به تفکر حاکم، ساختار و

۱- ۲۰۷. مقابله با ضد انقلاب در داخل خرمشـهر که مورد حمایت عراق بود، موجب گردید که سـپاه از اوایل سال ۵۸ به طور جدی با این نیروها مواجه شود و همین امر در تقویت انسجام سپاه نقش تعیین کننده داشت.

سازمان و همچنین بافت روحی آنها، از شرایط لازم برای انجام عملیات مشترک برخوردار نبودند. عدم حصول پیروزی قطعی در عملیات رمضان آغاز بروز نظریات متفاوت در خصوص نحوه طرحریزی و اجرای عملیات در جنگ بود. در عین حال، نظر به ضرورتهای جنگ، تدابیر حضرت امام مبنی بر همکاری عملیات همچنان در سطح فرماندهان دو نیرو برقرار بود و بر همین اساس، عملیات والفجر مقدماتی طرحریزی و آماده ی اجرا شد. مجددا پس از بروز نظریات متفاوت، برابر تصویب شورای عالی دفاع، عملیات والفجر ۱ در چارچوب نظریات برادران ارتش و فرماندهان آنها اجرا شد که در عین حال هر دو عملیات با ناکامی مواجه گردید.

در پی پیدایش وضعیت جدید، سپاه تدریجا به این نتیجه رسید که با توجه به ضرورت ادامه جنگ و شکستن بن بست حاصله از یکسو و از سوی دیگر اهمیت و لزوم اعمال نظریات طراحان و فرماندهان این نیرو، که از تفکر، روحیه، جسارت، ابتکار و جذابیت خاص آنان نشأت می گرفت، چاره ای جز طرحریزی و اجرای مستقل عملیات ندارد. در این چارچوب، از اوایل سال ۶۲ منطقه هورالهویزه و جزایر مجنون توسط سپاه برای انجام عملیاتی که بعدا به عملیات خیبر معروف شد، انتخاب گردید. تغییر زمین و تاکتیک به این امید صورت گرفت که با غافلگیر ساختن دشمن، امکان حصول پیروزی فراهم شود، بویژه آنکه طی عملیات پیشین (رمضان و والفجر مقدماتی) هیچ گونه موفقیت قابل ملاحظه ای حاصل نشده بود و این مسأله جمهوری اسلامی را در روند سیاسی - نظامی جنگ با شرایط دشواری مواجه نموده بود.

شناسایی و آماده سازی منطقه عملیاتی خیبر طی یک سال مستقلا توسط سپاه با رعایت حفاظت دنبال می شد. سرانجام پس از تصویب طرح در

شورای عالی دفاع، چنین مقرر شد که برادران ارتش نیز جداگانه در محور جنوبی شرق بصره (منطقه زید) به انجام عملیات مبادرت نمایند. در این عملیات، سپاه دو لشکر پیاده و یک تیپ زرهی خود را در کنترل عملیاتی ارتش قرار داد و متقابلا یک لشکر زرهی ارتش نیز که مأموریت پدافند از منطقه طلائیه تا کوشک را بر عهده داشت، در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفت.

در پایان سال ۶۳ نیز در عملیات بدر همچنان ارتش و سپاه به طور مشترک ولی با فرماندهی سپاه (که از برادران ارتش تنها سرهنگ صیاد شیرازی از این موضوع اطلاع داشت). به انجام عملیات مبادرت ورزیدند، لیکن از اسفند ۶۳، سپاه پیرو ضرورتهای موجود و تصویب شورای عالی دفاع و فرماندهی عالی جنگ، تصمیم به اجرا مستقل عملیات و با فرماندهی خود گرفت و این روند در طول ۵ / ۳ سال (تا پایان جنگ) تداوم یافت که بجز عملیات کربلای ۴ تمامی عملیات سپاه همراه با موفقیت کامل بوده است.

حکم حضرت امام (قدس سره الشریف) در سال ۶۴ مبنی بر تشکیل سه نیرو در سپاه موجب گردید تا سپاه با توجه به حمایت و پشتیبانی امام، به گسترش و توسعه توان رزمی خود اقدام کند و طرح گسترده ای را برای شکستن بن بست جنگ ارائه نماید. در واقع نظر به اینکه هیچ یک از مناطق تصرف شده در عملیات مشترک انجام شده توسط ارتش و سپاه، پس از فتح خرمشهر، منتهی به تأمین و تثبیت کامل نشده بود، از نظر مسئولین سپاه تغییر این وضعیت مستلزم گسترش سازمان رزمی سپاه و جذب ۱۵۰۰ گردان نیرو بود که با بسیج امکانات کشور قابل اجرا بود. با پیدایش شرایط جدید و مصوبه شورای عالی دفاع مبنی بر اجرای عملیات مستقل از سوی سپاه و ارتش، سپاه منطقه عملیاتی فاو را انتخاب کرد و مقرر شد ارتش نیز در منطقه

شلمچه (که بعدها در آنجا عملیات کربلای ۵ صورت گرفت) به اجرای عملیات مبادرت نماید. همچنین قرار شد سپاه علاوه بر منطقه فاو، در جزیره ام الرصاص به عنوان تک پشتیبانی عملیات فاو، اقدام به حمله نماید.

با توجه به این که عملیات فاو اصلی و عملیات شلمچه فرعی بود، طی جلساتی در حضور فرماندهی عالی جنگ و با تدابیر ایشان، امکانات برای هر دو عملیات تخصیص داده شد.

پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تامین پشتیبانیهای مورد نظر به طور نسبی و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، عملیات والفجر ۸ در روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴ با قرائت رمز عملیات توسط فرماندهی کل سپاه، آغاز شد. یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند. بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی توسط بسیجیان و پاسداران جان بر کف و پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (۱) و تلاش و ایثار برادران جهاد سازندگی به اجرا در آمد.

سرانجام سپاه طی ۷۵ روز جنگ هدفهای موردنظر را پس از تصرف، تأمین کرد و نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی و حدود ۳۰۰۰ نفر اسیر شدند ضمن اینکه غنایم قابل ملاحظه ای نیز به دست آمد.

پس از فتح فاو تغییر توازن جنگ به سود ایران در سال ۶۵، جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت جدیدی روبرو ساخت. طی این سال کلیه تحرکات دشمن اساسا معطوف به تغییر وضعیت به سود خود بود و متقابلا

۱- ۲۰۸. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو برعهده داشتند.

جمهوری اسلامی نیز تلاش می کرد تا ضمن حفظ برتری، امتیازات سیاسی لازم را کسب نماید.

در این رونـد، نقش نیروهای سپاه در جنگ، نقش اصلی و محوری بود، چنانکه سپاه با تلاشـها و اقـدامات دشـمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک مقابله کرد و طی آن قدرت جابجایی و انعطاف خود را در برابر وضعیتهای متغیر نمایان ساخت. طوری که عملیات کربلای ۱ را برای آزاد سازی مجدد مهران و عملیات کربلای ۳ را روی اسکله الامیه طرحریزی و اجرا کرد. در این میـان، طرحریزی و اجرای دو عملیـات گسترده و بزرگ کربلای ۴ و ۵ را در فاصـله کمـتر از دو هفته به صورتی تحسـین برانگیز انجام داد. هجوم به پیچیـده ترین مواضع و استحکامات دشـمن در منطقه شـرق بصـره، در عملیـات کربلای ۵ موجب گردیـد تـا عراقیهـا پس از تحمل تلفات بسـیار، ناامیـد از عقب رانـدن نیروهای اسـلام و بازپس گیری منطقه، «حفظ نیرو» را بر «حفـظ زمین» ترجیـح داده و از ادامه تلاش خودداری نماینـد. کسب این پیروزی «موقعیت ایران» را که بر اثر تشدیـد فشارهای همه جـانبه در آسـتانه «تغییر و تحول» بود، مجـددا تثبیت کرد. عراقیهـا نیز متقابلاـ پس از شـکست در عملیات کربلای ۵ با بی اعتمادی نسـبت به آمریکا، به مسـکو متمایل شدند. ایران هم برای بهره برداری از اهرم شوروی در سـطح بین المللی و مقابله با فشارهای آمریکا، مناسـبات نسـبتا گسترده ای را با مسـکو آغاز کرد و نسـبت به روند تحولات افغانسـتان بویژه انجام مذاکرات صلح از خود تمایل نشان داد.

اجرای عملیـات کربلای ۸ در منطقه شـرق بصـره و تـداوم اهداف عملیات کربلای ۵ به عنـوان آخرین تحرک نظـامی ایران در منطقه جنوب، در شـرایطی از سوی سپاه انجـام گرفت که جمهوری اسـلامی یکی از پرحـادثه ترین مقاطع جنگ را پشت سر نهاده و تنها با اتکا به کسب پیروزی نظامی توانست موقعیت سیاسی - نظامی خود را بهبود بخشد.

ص: ۱۶۰

در واقع، مقاومت در برابر اراده سیاسی آمریکا و شوروی و مقاومت در برابر حجم گسترده تهاجمات هوائی، دریائی و زمینی دشمن و همچنین پیشروی در جبهه های نبرد،بویژه در منطق شرق بصره، از مهمترین دستاوردهای عملیات نظامی جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بود که عمدتا از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و اجرا شد.

به عبارت دیگر، اقدامات و تلاشهای نظامی در سال ۶۵ به عنوان عامل اساسی منجر به تداوم حیات و بقاء سیاسی و نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی شد و متقابلا ـ ناتوانی استکبار جهانی را در تحمیل اراده و خواسته های سیاسی اش برای خاتمه بخشیدن به جنگ بر همگان نمایاند.

سلسله عملیات انجام شده از سوی سپاه طی ۵ / ۶ سال گذشته و بویژه در سال ۶۵، موجب گردید تا به گونه ای غیر قابل تردید، ویژگیها و برجستگیهای فرماندهی و طرحریزی سپاه و کنترل و هدایت عملیات این نیروی انقلابی بر همگان آشکار شود، به عنوان نمونه نشریه آبزرور چاپ انگلیس با اعتراف به اشتباهات غربیها در ارزیابی توان و قابلیت سپاه نوشت:

«به رغم آنچه اوایل در مورد تاکتیکهای خام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته می شد، این نیرو موفق به کسب پیروزیها و پیشرفتهائی شده است که فرماندهان نظامی رسیدن به آن را غیرممکن می دانستند...

سپاه پاسداران هم اکنون مشغول آموزش نیروهای هوائی و دریائی خود می باشد. این سپاه به مثابه یک نیروی ایدئولوژیکی مسلح، فشارهای ۵ / ۶ ساله جنگ را تحمل کرده است.» (۱) .

بدین ترتیب، موقعیت برتر ایران در برابر عراق پس از فتح فاو و

۱- ۲۰۹. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۶، به نقل از نشریه آبزرور.

پیروزیهای حاصله در سال ۶۵ و تـداوم آن با پیشـروی در شـرق بصـره طی عملیات کربلای ۵ وکربلای ۸ تماما نمایانگر این مسأله بود که جمهوری اسـلامی به هر میزانی که از ابزار و توانمنـدی نظـامی برخوردار باشـد و حمـایت و پشتیبـانی لازم را از مردم توانای نظام کسب کند، به همان میزان از نتایج ارزشـمند آن در صحنه سیاسی و نظامی برخوردار خواهد شد و در صحنه بین المللی که کلیه مناسبات و روابط بر اساس قدرت شکل گرفته است، منطقی جز این کارآمد و مفید نخواهد بود.

ص: ۱۶۲

جلد ۴

اشاره

ص: ۱

پیشگفتار چاپ پنجم

بسم الله الرحمن الرحیم

سال ۱۳۶۶ از سال های پرماجرای جنگ ایران و عراق است. در این سال اقـدامات عراق برای بین المللی کردن جنگ و درگیر کردن شـیخ نشـین های خلیـج فارس، با تشدیـد حمله به نفتکش ها و ناچاری جمهوری اسـلامی از مقابله به مثل، بحران خلیج فارس را شدت بخشـید و رودررویی مسـتقیم ایران و امریکا را در پی داشت. در این سال تلاش ابرقدرت ها برای خاتمه جنگ بدون طرف پیروز، به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل منجر شد.

از سوی دیگر، در این سال جبهه اصـلی نبرد از جنوب به شمال غرب انتقال یافت و عملیات های متعددی در این منطقه به اجرا درآمـد که مهم ترین آنهـا عملیات گسترده والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه بـود. در پی موفقیت این عملیـات، رژیم عراق کشـنده ترین سلاح های شیمیایی را در حجم بسیار و در سطحی وسیع به کار گرفت و فاجعه حلبچه را سبب شد.

کتاب «شـلمچه تا حلبچه» چهارمین جلد از مجموعه «سـیری در جنگ ایران و عراق» است که در آن وقایع سیاسی و نظامی این سـال پرمـاجرا تجزیه و تحلیـل شـده است. این کتـاب برای نخسـتین بـار در سـال ۱۳۷۶ چـاپ و منتشـر شـد و شـورای مرکزی چهارمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ آن را مورد تقدیر قرار داد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ شد که با اتمام نسخه های چاپ چهارم برای با پنجم چاپ و منتشر می شود تا در دسترس علاقه مندان و محققان قرار گیرد.

ص: ۱۲

گفتنی است مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» شامل: خونین شهر تا خرمشهر (جلد ۱)، خرمشهر تا فاو (جلد ۲)، فاو تا شلمچه (جلد ۳)، شلمچه تا حلبچه (جلد ۴)، پایان جنگ (جلد ۵)، آغاز تا پایان (جلد ۶) به طور کامل منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است.

نکته قابل توجه پژوهشگران اینکه مرکز مطالعات مجموعه دیگری را با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» منتشر کرده است که در این مجموعه به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. علاقه مندان برای مطالعه و تحقیق بیشتر درباره دوره ای از جنگ که موضوع کتاب حاضر است، می توانند به کتاب «تنبیه متجاوز» مراجعه نمایند.

امید است با یاری حق جل و علا دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

۱۳۸۶

ص: ۱۳

مقدمه

شلمچه تـا حلبچه «چهـارمین کتـاب از مجموعه شـش جلـدی» سـیری در جنـگ ایران و عراق است. در این کتاب رخـدادهای سیاسـی و نظامی جنگ در حد فاصل عملیات های کربلای ۵ (دی ۱۳۶۵) و والفجر ۱۰ (اسفند ۱۳۶۶) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بـدون تردیـد، رونـد جنگ در این مرحله، در عین آن که برآینـد تحولات ناشـی از فتح فاو بود، عملا زمینه هـا و مقـدمات خـاتمه یـافتن آن را فراهم سـاخت. بنـابراین، اهمیت بررسـی اوضـاع و دشواری هـای سال پایانی جنگ و تأثیراتش در نحوه اختتام آن، یکی از مهم ترین مسائلی است که ضـرورت تبیین و تدوین کتاب حاضـر را تا اندازه ای توضـیح می دهد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» بر پایه ی واقعیت ها و رخدادهای سیاسی و نظامی جنگ طی مقطع زمانی مذکور، در سه فصل تنظیم شـده است. فصل نخست کتاب با عنوان «جنگ در آسـتانه سال ۶۶» به بررسـی تحولات جنگ در سال ۶۵ و تأثیر آن بر اتخاذ رهیافت جدید ایران و عراق همراه با تشـریح مواضع امریکا و شوروی (پیشـین)، اختصاص یافته است. اصولا توضیحات مندرج در این فصل، زمینه ها و بستر اصلی شکل گیری روند جدید جنگ را در سال ۱۳۶۶ ترسیم می کند.

زمینه هـای گسترش بحران در خلیـج فارس، با تشدیـد حملات عراق به پایانه های نفتی و نفت کش های ایران و مقابله به مثل جمهوری اسلامی،

مـدخل مبـاحث فصل دوم کتاب است که تحت عنوان «گسترش جنگ در خلیـج فارس» تنظیم شـده است. عراقی ها با تکیه بر برتری هوایی و بـا بهره برداری از فضای شدیـدا متشـنج حاکم بر روابط امریکا و ایران، تهاجمات خود را با هـدف «بین المللی کردن جنگ»، گسترش دادند. واکنش ایران در مورد اقدامات عراق، به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نفت کش های این کشور منجرشـد. نگرانی امریکا از عواقب و پیامـدهای پـذیرش درخواست کویت و بحث های مناقشه آمیزی که میان کنگره و دولت امریکـا درگرفت، سبب شـد تـا در مرحله نخست، امریکـا از اجـابت این درخـواست خودداری کنـد. ارائه این پیشـنهاد به شوروی (پیشـین) و موافقت روس ها با اجاره دادن سه نفت کش به کویت، سـبب گردیـد تا امریکا سـرانجام پرچم خود را بر فراز نفت کش های کویت به اهتزاز درآورد.

تصویب قطع نـامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمـان ملـل، تنهـا به فاصـله یک روز قبل از آغاز اسـکورت نفت کش ها، نمایانگر تلاـش امریکـا جهت کسب مجـدد ابتکـار عمل در جنگ ایران و عراق بود. تلاش های دیپلماتیک ایران در مورد صـدور قطع نامه ۵۹۸ و حضور قـدرت منـدانه سپاه پاسـداران در عرصه دریا برای مقابله با تهاجمات عراق و سیاست باجگیرانه امریکا در خلیج فارس، فصل جدیدی از درگیری میان ایران و امریکا را در منطقه خلیج فارس گشود. مراحل درگیری میان دو کشور در ماه های شهریور و مهر سال ۱۳۶۶، همراه با بررسی نتایج و بازتاب های آن، بخش های پایانی فصل دوم کتاب را تشکیل می دهند.

کلیه تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ در فصل سوم کتاب تحت عنوان «جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه» مورد بررسی قرار گرفته است. عملیات های کربلای ۱۰، فتح ۵ نصر ۴ و نصر ۷ گرچه در نیمه نخست سال ۱۳۶۶ انجام گرفت که از نظر زمانی بر رخدادهای خلیج فارس تقدم دارد، لیکن به دلیل سـنخیت آن و از همه مهم تر تأثیر این سلسـله عملیات در شکل گیری و اجرای استراتژی جدید ایران در منطقه

غرب کشور، کلیه مباحث نظامی در این فصل تشریح و تجزیه و تحلیل شده است.

به رغم موانع و دشواری هایی که برای اجرای عملیات در فصل زمستان، روی ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تداوم جنگ در منطقه غرب کشور با اجرای عملیات های نصر ۸ و بیت المقدس ۲ و ۳ در پاییز و زمستان ۱۳۶۶، نشان دهنده ی مشکلات و پیچیدگی های حاکم بر جنگ بود. در واقع، «بن بست در جنوب» (۱) دو راه حل فرا روی فرماندهان سپاه که مسئولیت جنگ را برعهده داشتند، قرار داده بود. راه حل نخست، «ابراز ناتوانی از ادامه جنگ بود.» چنان که تلویحا برخی مشوق این نظر و در انتظار اظهار آن از سوی سپاه بودند. «تلاش برای شکستن بن بست جنگ با گرفتن زمان از دشمن» راه حل دومی بود که سپاه با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات مبنی بر ادامه جنگ، انتخاب کرد.

مشکلات و دشواری های جنگ روی ارتفاعات در فصل زمستان، همراه با هوشیاری دشمن در مورد اهداف قوای نظامی ایران برای تصرف استان سلیمانیه، منجر به مسدود شدن راه کارها شد. در نتیجه پیدایش این وضعیت، عملیات والفجر ۱۰ برای منطقه حلبچه طرح ریزی شد و در موقعیتی که تهران در زیر حملات موشکی عراق قرار داشت، به اجرا درآمد.

تهاجم شیمیایی عراق به مردم حلبچه با «گاز سیانور» به مثابه یک «فاجعه انسانی» و قتل عام بی رحمانه مردم بی دفاع، واکنش گسترده ای را در رسانه های خارجی به دنبال داشت که در پایان فصل سوم تشریح شده است.

۱- ۱. پس از عملیات کربلای ۸ کلیه راه کارها برای اجرای عملیات در منطقه جنوب مسدود شد. در عین حال، در تمام این مدت و تا ماه های پایانی سال ۱۳۶۶، تلاش برای شکستن بن بست در جنوب ادامه داشت و حتی منجر به طرح ریزی عملیات در منطقه فاو شد. ولی بنا به دلائلی، از آن نتیجه ای حاصل نشد.

کتاب حاضر همانند سایر کتاب هایی که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر کرده است، با بهره برداری از حاصل زحمات کلیه راویان و محققین این مرکز که با تلاش های صادقانه خود در گردآوری مجموعه بی نظیر و ارزشمند منابع تحقیقاتی جنگ ایران و عراق مشارکت داشته اند تدوین شده است. این مرکز مراتب سپاس و تشکر خود را از این عزیزان و نیز کلیه برادرانی که در تهیه و انتشار این کتاب نقش داشته اند، ابراز می دارد.

همچنین لازم است از زحمات فراوان و توجهات بی شائبه ی سرلشکر محسن رضایی، تیمسار علی شمخانی و سرتیپ غلامعلی رشید که با ارائه نظریات کارشناسانه ی خویش در جهت تکمیل و پربار شدن کتاب، این مرکز را یاری کردند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تابستان ۱۳۷۶

ص: ۱۷

جنگ در آستانه سال ۶۶

اشاره

جمهوری اسلامی با کسب پیروزیهای نظامی در سال ۶۵ همراه با مقاومت در برابر حامیان عراق، موازنه ی سیاسی - نظامی جنگ را به سود خود تغییر داد. در این روند، موقعیت برتر ایران نشان دهنده برخورداری کشور از قابلیتهای لازم برای تغییر توازن جنگ و «تثبیت» آن به سود خود بود. اصولاـ وضعیت ناشی از این برتری هسته ی اصلی نگرانی حامیان منطقه ای و جهانی عراق را تشکیل داده و در عین حال مانع از نادیده گرفتن درخواستهای برحق ایران نیز بود.

در این میان، افزایش نقش امریکا و شوروی برای کنترل اوضاع و تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ با هدف «تحت تأثیر قرار دادن موقعیت برتر ایران» و در نتیجه فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ، مشخصه ی جنگ در سال ۶۵ و سپس در سال ۶۶ بود. آنگاه اقداماتی که در این مسیر انجام گرفت منشاء تحولاتی شد که در خاتمه بخشیدن به جنگ نقش و تأثیر بسزایی داشت.

نتایج ناشی از این رخدادها و تحولات، پرسشهای گوناگونی در بطن خود دارند که پاسخ به آنها می تواند چارچوب و ماهیت روند تحولات «جنگ در

سال ۶۶» را آشکار نماید. مثلا این سؤالات می توانند مطرح گردند که ایران و عراق به عنوان طرفین درگیر در جنگ، هر یک چه استراتژیها و راه حلهایی را برای تغییر و یا تثبیت اوضاع فراروی خود داشتند؟ و قدرتهای بزرگ چه نقشی را در فرآیند تحولات جنگ و برای تغییر اوضاع به سود خود ایفا می کردند؟

در پاسخ به سؤالها اجمالا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عراق برای رهایی از فشارهای روز افزون، تلاش خود را بر مبنای بین المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و مراکز صدور نفت و همچنین تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران متمرکز کرد. ضمن آنکه برای عراق افزایش توان نظامی جهت مقابله مؤثر در برابر تهاجمات ایران و اقدامات آفندی در صورت آمادگی شرایط، مرکز ثقل هر نوع اقدام محسوب می شد.

۲- ایران به موازات تلاشهای نظامی در جبهه های نبرد، با بهره برداری از موقعیت برتر نظامی، تلاشهای دیپلماتیک خود را حول محور قطعنامه ۵۹۸ افزایش داد.

۳- امریکا برای کنترل و مهار اوضاع به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ، فشار خود را بر ایران افزایش داد. بدین ترتیب که ضمن گسترش حضور نیروهایش در منطقه، تلاشهای دیپلماتیک خود را در چارچوب سازمان ملل به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ آغاز کرد.

۴- اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با بهره برداری از اوضاع متشنج منطقه و تشتت حاصله در سیاست منطقه ای امریکا، با اجاره دادن ۳ فروند نفتکش به کویت، برای نخستین بار مقدمات حضور خود را در منطقه ی خلیج فارس فراهم کرد. همچنین روابط دیپلماتیک خود را با ایران، عراق و کشورهای منطقه بهبود بخشیده و گسترش داد.

رفتار عراق و حامیانش و اهداف و سیاستهای آنها بدین معنا بود که دنیا حاضر به پذیرش موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق این کشور در برابر عراق به

عنوان متجاوز نیست. لذا عدم تمکین جمهوری اسلامی نسبت به اهداف و سیاستهای قدرتهای بزرگ، منجر به افزایش فشارهای همه جانبه آنان به ایران، با هدف تعدیل مواضع این کشور و تسهیل در پایان بخشیدن به جنگ شد.

اکنون به منظور توصیف و تجزیه و تحلیل رخدادهای جنگ در سال ۶۶، بر پایه ی این فرض که روند تحولات جنگ در این سال متاثر از پیروزیهای سیاسی - نظامی ایران در سال ۶۵ می باشد؛ در ادامه ی بحث، ضمن بررسی بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵، تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر و مواضع امریکا و شوروی (پیشین) در برخورد با مسائل جنگ و همچنین با ایران و عراق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بازتاب تحولات سیاسی – نظامی جنگ در سال ۶۵

تثبیت مناطقی که ایران تصرف کرده بود و ناتوانی عراق برای بازپس گیری این مناطق، به عنوان یکی عوامل اساسی و مؤثر در ارزیابی ضعف و ناتوانی نظامی و روحی نیروهای عراق و متقابلا برتری قوای نظامی ایران، مورد توجه ناظرین و کارشناسان نظامی قرار گرفت. این روند و تردید نسبت به توانایی نظامی عراق برای مهار تهاجمات مشابه و متوالی ایران، همانند آنچه که در فاو انجام گرفت، بیشترین نگرانی را در کشورهای غربی و حتی شوروی پدید آورد. (۱) ماهیت این تحولات و فرایند آن سبب گردید که احتمال دستیابی ایران به پیروزی و شکست عراق مورد توجه قرار گیرد.

«برای اولین بار،[اوضاع جنگ] این احتمال را که این طرف حقیقتا بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۲) .

تغییر توازن به سود ایران و تأثیرات ناشی از این وضعیت، سبب گردید تا بسیاری از تحلیل گران نظامی و دیپلماتهای غربی، پیدایش این وضعیت را سرآغاز تغییر و تحول در مواضع امریکا و شوروی (پیشین) ارزیابی کنند. در

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

این زمینه نول آبزرواتور نوشت:

«اکنون بسیاری از کشورهای غربی و شوروی، بااطمینان از پیروزی امکان پذیر ایران، در برنامه های استراتژیک خود، به ناچار تجدید نظر کرده اند. تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است.»

این نشریه سپس در مورد پیامدهای پیروزی ایران بر منطقه و جهان سه احتمال را مطرح می کند:

«نخستین نظریه، دورنمایی فاجعه آمیز را مجسم می سازد. دومین فرضیه احتمال پیدایش وضعی شبیه لبنان در عراق است و سومین فرضیه، احتمال رستاخیز اسلام پیشرو و نوین است.» (۱) .

در این میان، ابهام نسبت به آینده و احتمال به هم خوردن تعادل قوا در منطقه، به عنوان عواقب و پیامدهای ناشی از تحولات اخیر، مورد تأکید قرار گرفت. ماهنامه ی لوموند دیپلماتیک نیز در صورت پیروزی ایران، سه سناریو را در مورد عراق محتمل و قابل پیش بینی می داند:

«شکست نظامی کامل عراق، فلج شدن تدریجی حکومت عراق ناشی از قطع کمکهای مالی غرب که به فکر آینده روابط با ایران هستند و بالاخره سرنگونی رژیم بغداد.»

این نشریه در ادامه می نویسد:

«در هر سه مورد، این جمهوری اسلامی ایران است که شرایط خود را برای صلح و حتی سلطه جویی بر عراق تحمیل کرده و بدینسان داده های منطقه ای و بین المللی را دگرگون خواهد کرد. در آن صورت ایران اراده خود را بر کشورهای خلیج فارس تحمیل کرده و بر سازمان اوپک استیلاء خواهد یافت. سیاست نفتی را تغییر شکل داده و شماری از کشورهای عربی مانند مصر و اردن را در انزوا قرار خواهد داد.» (۲) .

همراه با اظهار نگرانی و اضطراب رسانه ها و محافل خبری و تحلیلی نسبت

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

به آینده، اظهارات رسمی میتران، رئیس جمهور فرانسه، در مورد نتایج حاصله از پیروزی ایران نیز حائز اهمیت است:

«پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را به هم بزند.» (۱) .

همچنین از طرف این تحلیل گران راه حلهایی برای مقابله با پیامدهای احتمالی ناشی از پیروزی ایران ارائه می شد. چنانکه نشریه فیگارو در این زمینه سه راه حل پیش بینی و ارائه می کند:

«۱- امریکا در پرتو مساعدت و همکاری اردن و مصر یک کمک لجستیکی قوی به عراق خواهد رسانید.

۲- اتحاد شوروی فشارهایی را به تهران وارد خواهد کرد.

۳- آخرین راه حل ممکن نیز به عنوان راه حل اضطراری آن است که قدرتهای بزرگ با محاصره نفت ایران در تنگه هرمز، ایران را از درآمدهای مالی محروم سازند.» (۲) .

در واقع، روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به ویژه در سالهای ۶۵ و ۶۶ نشان دهنده ی این واقعیت است که تمهیدات فراوانی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی، به منظور مقابله با ایران و مهار نتایج ناشی از پیروزی نهایی آن بر عراق، طرحریزی و اجرا شد. حامیان جهانی و منطقه ای عراق دو راه حل فرا روی خود داشتند. نخست اینکه با «پذیرش موقعیت برتر ایران و ارائه امتیاز به این کشور»، شرایط لازم را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم نمایند که طبیعتا تحولات ناشی از این امر، با توجه به ماهیت جنگ و دلایل تحمیل آن به ایران مردود شناخته شده بود. آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل به روشنی این مسئله را بیان داشته است:

«هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی، این به هم زننده وضع موجود در منطقه و زیر پا گذارنده حقوق و عرف بین المللی نیست.» (۳) .

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۳- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

در واقع، نتایج مترتب بر پیروزی ایران، مهمترین عامل بازدارنده در ارائه ی امتیاز به ایران و فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ بود. در نتیجه، ضمن اجتناب از تأمین نظریات و خواسته های برحق ایران، راه حل دوم، مبنی بر «تشدید فشار به ایران»، با هدف تحلیل تدریجی توان اقتصادی و تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی این کشور پیگیری شد. هسته مرکزی این تلاش معطوف بر «تغییر موازنه در جنگ» به عنوان لازمه ی خاتمه ی فوری جنگ از طریق سیاسی بود. چنین پیش بینی می شد که با مخدوش کردن اعتماد ایران به کسب پیروزی در عملیات و تغییر نحوه ی دریافتهای این کشور از امکان دستیابی به پیروزی در جنگ، مقدمات پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد شد. چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا بیان کرده بود، ماهیت تلاشهای جدید و هدف از اعمال آنها ناامید کردن از دست یابی به پیروزی بود.

«اکنون ما با نوعی جنگ رو به رو هستیم که هدف آن از بین بردن امید است.» (۱) .

بر این اساس، تغییر روند جنگ از وضعیت فرسایشی به وضعیت تهاجمی، به عنوان یک تحول اساسی طرح ریزی شد. چون پس از فتح خرمشهر در سال ۶۱، استراتژی دفاعی عراق، با هدف فرسایشی کردن جنگ پیگیری می شد. لیکن پیروزیهای حاصله از سوی ایران و تغییر توازن در جنگ به سود این کشور، به منزله ی شکست استراتژی پیشین و ضرورتا نیازمند اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر بود. در این باره یکی از محققین می نویسد:

«تحرکات جدید منطقه ای و بین المللی مرتبط با جنگ بر رهیافت نظامی تهاجمی تر نسبت به وضعیت فرسایشی موجود جنگ تأکید می کرد.» (۲) .

افزایش حمایت از عراق و تقویت توان نظامی این کشور، در همین چارچوب به نحو گسترده و چشمگیری تشدید شد که نتایج و ثمرات آن در ماههای پایانی جنگ در سال ۶۷، با تغییر توازن به سود عراق آشکار شد.

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

برمبنای چنین حمایتهای همه جانبه ای این امیدواری و انتظار وجود داشت که عراق با اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر، علاوه بر مقاومت و پایداری در برابر تهاجمات نظامی جمهوری اسلامی، از توانایی لازم برای بازپس گیری مناطقی که ایران تصرف کرده برخوردار شود.

نظر به اینکه پافشاری ایران بر احقاق حقوق خود و ادامه جنگ، بر پایه ی توانایی نظامی آن برای انجام عملیات و همچنین حفظ و نگهداری مناطق متصرفه بود؛ چنین پیش بینی می شد که در صورت بازپس گیری این مناطق از سوی عراق و تغییر توازن در جنگ، ایران سرانجام مجبور به پذیرش خاتمه ی جنگ از طریق سیاسی خواهد شد.

بدین ترتیب جنگ در سال ۶۶، بر پایه تحولات سال ۶۵ از شرایط و مشخصه هایی برخوردار شد که در بطن خود، مقدمات پایان یافتنش را پرورش داد.

تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر

مهمترین آثار و نتایج پیروزی جمهوری اسلامی در عملیات کربلای ۵، پیدایش این باور و اعتبار بود که ایران، بر پایه این پیروزی و توانایی هایش، قادر است حقوق حقه خود را از موضع برتر پیگیری و برای تأمین آن پافشاری کند. حتی برخی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ نیز در ارزیابی موقعیت ایران به همین نتیجه رسیده بودند. (۱) چنانکه شهرام چوبین (عضو مؤسسه بین المللی

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

مطالعات استراتژیک لندن) در همین زمینه می گوید:

«من فکر می کنم که آنها (ایرانیها) در مرحله جدیدی از جنگ قرار گرفته و به خود اعتماد پیدا کرده اند و این امر در سال ۱۹۸۵ و احتمالاً ـ از سال ۱۹۸۴ در حملات مجنون و هویزه به چشم نمی خورد. آنها دلیلی نداشتند که فکر کنند که قادر به پیروزی می باشند. ولی عملیات «فاو» و «مهران» و «کربلای ۵» در سال گذشته به آنها نشان داد که به این امر قادر می باشند و هم اکنون برای کسب پیروزی عجله دارند.» (۱) .

در واقع از سال ۶۴، ایران در یک روند صعودی با کسب پیروزیهای نظامی در موقعیتی قرار گرفت که ضمن برخورداری از اعتماد به نفس، برای پیگیری و پافشاری بر تأمین خواسته های خود تعجیل داشت. بدیهی است که تأکید بر مفهوم«اعتماد به نفس» و «تعجیل در کسب پیروزی» در تحلیل فوق، ناظر بر موقعیت کلی ایران در جنگ و متقابلا ضعف و ناتوانی ارتش عراق بود. چنانکه روزنامه فیگارو با ارزیابی موقعیت عراق در همین زمینه می نویسد:

«شش ماه پیش از بغداد برای مقاومت در برابر این جنگ فرسایشی نیرومندتر از تهران به نظر می رسید، امروز نیروهای صدام حسین از حرکت بازمانده و در حال عقب نشینی هستند و روحیه ایشان ضعیف شده است.» (۲) .

ایران برای بهره برداری از «موقعیت برتر»، علاوه بر آمادگی برای عملیات نظامی، (۳) تلاش دیپلماتیک بر پایه ی پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵ را آغاز کرد. در همین چارچوب آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ، در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در پاسخ به سؤال خبرنگار انگلیسی مبنی بر

۱- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسما اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.».

۲- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

احتمال تغییرات سیاسی در رژیم عراق و پیگیری حقوق ایران از مجراهای سیاسی می گوید:

«محال نیست؛ البته ما معمولا هر حمله ای که می کنیم مـدتی صبر می کنیم شایـد حامیان عراق توجه بکنند و حقوق ما با فشار آنها داده شود. حالا هم مأیوس نیستیم که چنین چیزی بشود.» (۱) .

آقای هاشمی در ادامه پاسخ به مسئله ای اشاره می کند که بیانگر علت پافشاری جمهوری اسلامی بر اجرای عملیات نظامی می باشد:

«ولی تجربه پنج - شش سال گذشته نشان داده که اگر زور پشت کار نباشد و اگر آنها ترسی از ادامه جنگ نداشته باشند، تسلیم نمی شوند.» (۲) .

فرمانده عالی جنگ همچنین با اشاره به تجربه ی نحوه ی پایان مخاصمه و جنگ در میان سایر کشورها اظهار می دارد:

«جاهـای دیگر هم این طوری نشـان داده، وقتی که جنـگ تمـام شـد، دیگر هیـچ کس حاضـر نیست حق دیگری را با مـذاکره بدهد.» (۳) .

برابر این توضیحات، پیگیری و تحقق خواسته هـای سیاسـی ایران تنهـا بر پـایه ی پیروزی در جبهه ی نظـامی و برخورداری از موضع برتر، امکـان پـذیر بود. طبیعتـا در چنین اوضـاعی، تأکیـد و پافشـاری ایران بر تـأمین خواسته های حقه ی خود، همراه با برخورداری از آمـادگی نظـامی به منظور اجرای عملیـات، امری ضـروری و در عین حـال منطقی بود. آقـای هاشـمی در همین مصاحبه در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه آساهی ژاپن درباره عملیات کربلای ۵ و علت خاتمه آن می گوید:

«در مورد عملیات کربلای ۵ می توان گفت که همه عملیات های ما، ماهیت نظامی ندارند. برخی اهداف سیاسـی دارند و این عملیات به اهدافش رسید. اگر «همه شرایط» برای حمله ی بزرگ مناسب باشد آن را شروع می کنیم.»

۱- ۲۵. روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه در این زمینه می نویسـد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایـان بخشیـدن به جنـگ ایران و عراق بـا اتخـاذ سـیاست منزوی کردن ایران از جـانب امریکـا و شوروی به عنوان یک مسـئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صـلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

۲- ۱۶. پیشین.

۳- ۱۷. پیشین.

سپس ایشان در خصوص آمادگی برای پایان بخشیدن به جنگ اضافه می کند:

«در مورد تلاشهایی که در مورد آتش بس صورت می گیرد، از اول گفته ایم اگر قبول دارند جنگ را صدام شروع کرده و دادگاهی تشکیل شود و متجاوز به مجازات برسد، ما حاضریم.» (۱) .

همچنین آقای هاشمی در همین مصاحبه، با توجه به سؤالات خبرنگاران خارجی در مورد نتایج جنگ در سال ۶۵ که به عنوان سال سرنوشت ساز تعیین شده بود بر این مسئله تأکید می کند که:

«ما گفتیم که امسال (۶۶) سال بهره برداری از ضرباتی است که در سال گذشته بر پیکر ماشین جنگی عراق وارد کردیم.» (۲) .

در توضیح همین مفهوم، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران اظهار می دارد:

«اینکه ما سال گذشته را «سرنوشت ساز» گفتیم، این بود که در این سال روند جنگ را تعیین خواهیم کرد و امروز سرنوشت جنگ مشخص شده است. شرایطی پیش آمده که همه دنیا دارند به جانشین سازی صدام و حزب بعث فکر می کنند و عراق از شرایط دفاع متحرک به وضعی افتاد که دیگر دفاع ندارد.» (۳) .

تشریح و توضیح مفهوم عملیات سرنوشت ساز، گر چه با تأخیر انجام شد، لیکن ضروری بود. زیرا با طرح این شعار در آغاز سال ۶۵ و عدم توضیح درباره ی آن، جو عمومی کشور بر این باور قرار گرفت که جنگ در همین سال با پیروزی نظامی، به پایان خواهد رسید. بنابراین، عدم توضیح این مفهوم از یک سو و از سوی دیگر عدم اختتام جنگ این سؤال و ابهام را به وجود آورده بود که دستاورد جنگ در سال ۶۵ چه بود؟ و در سال ۶۶ ایران بر چه اساسی و با چه هدفی جنگ را ادامه می دهد؟

۱- ۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۹. روزنامه کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۱ / ۶۶.

در نتیجه تشریح این مفهوم از سوی فرمانده عالی جنگ در نماز جمعه، این مسئله را خاطرنشان ساخت که پیروزیهای نظامی در سال ۶۵، به منظور متقاعد ساختن حامیان عراق به اقدام برای تغییر و تحول در رژیم عراق بوده و هم اکنون نیز کلیه ی تلاشهای نظامی و سیاسی ایران، به منظور تحقق همین مفهوم پیگیری و اجرا می شود. کلیه تلاشهایی که بدین منظور انجام گرفت، بازتابهای مختلفی را به همراه داشت، چنانکه یکی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ می گوید:

«من تصور می کنم که رژیم[ایران] به این واقع بینی دست یافته که تا جنگ پیامدهای اساسی از خود باقی نگذاشته، زمانهای بیشتری را به آن اختصاص ندهد. بنابراین، من فکر می کنم در واقع تلاشهای جدیدی را در آن مبذول داشته و مایل است که حملات بسیاری از این قبیل را، حتی اگر در حال حاضر پیروزی بر بصره برایش مؤثر نباشد، انجام دهد.» (۱) .

اما در چنین اوضاعی، گسترش درگیری در خلیج فارس (۲) از سوی عراق و متعاقب آن افزایش حضور امریکا در خلیج فارس و تهدیداتی که نسبت به ایران صورت گرفت، دقیقا نشانگر این بود که امریکا، با نادیده گرفتن موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق حقه ی این کشور، همچنان حمایت از عراق و فشار بر ایران را ادامه خواهد داد.

در واقع افزایش حضور امریکاییها در منطقه، با هدف مقابله با تغییرات احتمالی ناشی از برتری ایران و تداوم پافشاری این کشور بر تحقق خواسته های سیاسی خود صورت می گرفت و جمهوری اسلامی این موضوع را کاملا درک می کرد. به همین دلیل، در آستانه سال ۶۶، امام خمینی با هشدار نسبت به «از

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

۲- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسما اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.».

دست دادن زمان» درباره ی ماهیت تلاشهای صلح طلبی قدرتهای بزرگ فرمودند: «باید هوشیار باشیم و گول اینها را نخوریم.» سپس تأکید فرمودند:

«ما نباید به این جنایتکار (صدام) مهلت بدهیم تا خودش را مجهز بکند و دوباره به شرارت دست بزند.» (۱) .

اظهارات امام، همراه با تشدید تنش میان ایران و امریکا که عمدتا متأثر از گسترش حضور امریکا در خلیج فارس به حمایت از عراق بود، سبب گردید رادیو لندن طی تحلیلی در مورد جو حاکم بر ایران چنین قضاوت نماید:

«در حال حاضر، فضای جنگ جویی که بر تهران مستولی است، نشان می دهد که ایران آمادگی برای صلحی که همراه با سقوط دولت یعنی عراق نباشد، ندارد.» (۲) .

بدین ترتیب با پیدایش موقعیت جدید که تماما حاکی از افزایش فشار به ایران برای پذیرش صلح بود، (۳) گر چه امیدواریهای ایران برای دستیابی به امتیازات سیاسی قابل توجه جهت پایان بخشیدن به جنگ تا اندازه ای کم رنگ شد. لیکن در عین حال تداوم جنگ در سال ۶۶ بر پایه این امیدواری پیگیری می شد که با اتکاء بر کسب پیروزی نظامی در صحنه نبرد و تلاشهای دیپلماتیک، حامیان جهانی و منطقه ای عراق برای ارائه امتیاز به ایران متقاعد شوند و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل بر حول محور قطعنامه ۵۹۸ به سرانجام مطلوبی منتهی شود.

۱- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۲- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۵. روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه در این زمینه می نویسد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاست منزوی کردن ایران از جانب امریکا و شوروی به عنوان یک مسئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

بررسی مواضع امریکا و شوروی (سابق)

اشاره

تلاش عراق به منظور گسترش درگیری در خلیج فارس و مقابله به مثل ایران، موجبات افزایش نگرانی کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ را فراهم ساخت (۱) .

پیدایش موقعیت جدید سبب گردید تشدید فشار به ایران و تلاش برای ممانعت از پیروزی ایران بر عراق، با افزایش حمایتهای سیاسی، اقتصادی، نظامی از عراق، به عنوان منطق حاکم بر رفتار و عملکرد کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ، بیش از گذشته خودنمایی کند. در این زمینه روزنامه کیزائی از ژاپن می نویسد:

«جنگ ایران و عراق در ماههای اخیر به نفع ایران در جریان است و اگر چه دو ابرقدرت اعلام کرده اند که در جنگ بی طرف هستند، ولی در وضعیت فعلی جنگ، تصمیم به بلوکه کردن ایران گرفته اند. دو ابرقدرت می کوشند در جنگ از پیروزی ایران علیه عراق جلوگیری کند.» (۲) .

سپس همین روزنامه در توضیح تلاش دو ابرقدرت برای حمایت از عراق، به سفر هیأت بلندپایه شوروی (پیشین) به سرپرستی یکی از اعضاء (۳) کمیته مرکزی حزب کمونیست به بغداد و ملاقات با صدام که منجر به تجدید پیمان ۱۵ ساله شوروی و عراق شد، اشاره می کند. همچنین سفر ریچارد مورفی، فرستاده ویژه ی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا به بغداد را نیز خاطرنشان می سازد.

پیدایش موقعیت جدید و جوروانی و تبلیغاتی حاکم بر رسانه ها و محافل خبری، ناظر بر این معنی بود که ایران، نه تنها برای دستیابی به «امتیازات

۱- ۲۶. روزنامه فیگارو در این زمینه می نویسد: دو ابرقدرت برای یک بار هم که شده در برابر خطر بزرگی قرار گرفته اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از فیگارو، ۲۹ / ۲ / ۶۶).

۲- ۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۸. پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه شوروی ریاست این هیأت را برعهده داشت. در این زمینه در صفحات بعد توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

سیاسی» در وضعیت کاملاـ دشواری قرار گرفته است، بلکه برای «حفظ وضع موجود» نیز معضلات بسیاری را فرا روی خود خواهد داشت. به عبارت دیگر، ایران در برابر فرصتها، محدودیتها و خطراتی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای گذر از این وضعیت بسیار دشوار به نظر می رسید. تحلیل روزنامه گاردین در این زمینه قابل توجه است:

«ایران هر قدر در جنگ پیشرفت می کند، در صحنه بین المللی منزوی تر می شود. نمونه بسیار واضح آن، جبهه گیری واقعی امریکا و شوروی، از یک سو به منظور هماهنگی و از سوی دیگر برای رقابت، در کنار عراق است.» (۱) .

در واقع ارتقاء موقعیت برتر ایران، بر خطرها و نگرانیها و در نتیجه ضرورت تشدید فشار به ایران می افزود. چنانکه همکاری امریکا و شوروی و حمایت از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافته و در رسانه های خبری نیز منعکس می شد. نشریه ی تایمز چاپ لندن در این زمینه می نویسد:

«برداشتهای امریکا و شوروی، دلواپسی آنها را برای مهار کردن نبرد از طریق آنچه مقامات ایران آن را فرصت طلبی به منظور گسترش نفوذ ابرقدرتها در منطقه ی نفت خیز خلیج فارس می نامند، آشکار می سازد. اخیرا مسکو و واشنگتن، هر دو موضع مطلوبتری را نسبت به عراق و جهان عرب، اتخاذ کرده اند.» (۲) .

موضع مشترک امریکا و شوروی در حمایت از عراق و تأکید بر پایان بخشیدن به جنگ سبب گردید دو ابرقدرت برای نخستین بار احتمال دستیابی به تفاهم (۳) را مورد تأکید قرار دهند:

۱- ۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از روزنامه گاردین.

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۶۶.

۳- ۳۱. فارین ریپورت در این زمینه می نویسد: «علائم روشنی حاکی از آنند که ایالات متحده و شوروی در مورد چگونگی مقابله با تهدید اخیر ایران به تفاهمی دست یافته اند.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی. «بررسی مطبوعات جهان» شماره ۱۲۳۷، ۱ / ۲ / ۶۶ فارین ریپورت چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۶۶).

«امریکا و شوروی به سوی نوعی همکاری گام بر می دارند که نتیجه نهایی آن، ممکن است اقدام مشترک برای پایان بخشیدن به جنگ بی پایان ایران و عراق باشد و یا حداقل آنکه، دخالت دو ابرقدرت، از پیروزی ایران بر عراق در صحنه جنگ جلوگیری کند.» (۱) .

متعاقب همین وضعیت، برابر برخی از گزارشها، امریکاییها یک هیأت بلندپایه را برای ارائه پیشنهاد به مسکو فرستادند. (۲) همچنین مارگارت تاچر، نخست وزیر وقت انگلیس برای بحث و گفتگو با میخائیل گورباچف، رهبر شوروی (پیشین)، در مورد طرحها و نظریات مربوط به خاتمه ی جنگ، راهی مسکو شد. جفری هاو، وزیر خارجه وقت انگلیس نیز پس از ملاقات با وزیر خارجه ی شوروی، بر توافق طرفین نسبت به حمایت از تلاشهای سازمان ملل تأکید کرد. ضمن آنکه شوروی (پیشین) و فرانسه نیز در پاریس جلساتی سری تشکیل دادند. (۳) .

بنابر گزارشهای منتشره، روسها ضمن موافقت با «متوقف شدن جنگ» و «تعیین مجازات» برای طرف مخالف اجرای آتش بس، اعمال «تحریم» را در گرو حصول توافق بین تمامی اعضای شورای امنیت دانستند. (۴) در واقع مخالفت روسها با تحریم و مشروط کردن آن، عمدتا به منظور مقابله با کسب ابتکار عمل از سوی امریکاییها بود. موضعگیری روسها را در این زمینه رئیس بخش خلیج فارس در وزارت خارجه شوروی چنین اعلام کرد:

«شوروی پیشنهاد امریکا در مورد بررسی مشترک مسأله ی جنگ عراق ایران را رد کرده است (۵) و اعتقاد دارد این اقدام باید به صورت جمعی

ص: ۳۲

۱- ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

۲- ۳۳. مایکل آرماکاست وکیل وزارت خارجه امریکا، همراه با چند پیشنهاد در فروردین سال ۶۶ عازم مسکو شد، لیکن نتوانست موافقت مسکو را به دست آورد.

۳- ۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۸، ۲۳ / ۱ / ۶۶ مجله ی المستقبل به قلم عبدالکریم ابوالنصر.

۴- ۳۵. پیشین.

۵- ۳۶. به دلائل این موضع گیری در مبحث بعد اشاره خواهد شد.

صورت گیرد.» (۱) .

منابع دیپلماتیک در سازمان ملل نیز اعلام کردند که پنج قدرت بزرگ در شورای امنیت درباره نخستین مرحله از این سناریو مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ به توافق رسیده اند، ولی لازمه موفقیت در این زمینه، کنار گذاشتن اختلاف در مورد مرحله دوم این طرح است که عمدتا شامل محروم ساختن ایران از منابع دریافت تجهیزات نظامی با اعمال «تحریم» می باشد. (۲) در حالی که این تحریم پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ ادامه داشت. تفاهم (۳) و همکاری امریکا و شوروی و برخی از کشورهای اروپایی نسبت به خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره، اگر چه نشانه ی نوعی اجماع بین المللی و هماهنگی ضمنی برای پایان بخشیدن (۴) به جنگ بود، لیکن اختلافات موجود نسبت به «نحوه اعمال تحریم و ابعاد آن» و همچنین موضع گیری و حساسیت شوروی (پیشین) در مورد افزایش حضور نیروی امریکا در خلیج فارس، سبب گردید تا هر یک از دو قدرت برای کسب ابتکار عمل در جنگ اقدامات جداگانه ای را انجام دهند که در ادامه ی بحث به آن اشاره خواهد شد.

۱- ۳۷. روزنامه ی کیهان، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶.

۲- ۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه در نیویورک.

۳- ۳۹. پروفسور ویتانن ناوریکن کارشناس امور خاورمیانه در مصاحبه با مجله عربی التضامن می گوید: «من باید بگویم نوعی تفاهم بین ما و غرب به وجود آمده، زیرا جنگ نگرانی آنها را برانگیخته است» (نمایندگی امام در سپاه «رویدادها» بولتن شماره ۱۴۳ - ۱۵ / ۲ / ۶۶).

۴- ۴۰. روزنامه ایندیپندنت چاپ لندن در مورد هماهنگی ضمنی امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ می نویسد: «تحول جالب توجه این است که به نظر می رسد سیاستهای پشت پرده ی امریکا و شوروی برای رسیدن به یک هدف مشترک است، آنها قطعا با هماهنگی قبلی وارد عمل نشده اند، اما به نظر می رسد سیاست آنها به موازات هم حرکت می کند و به احتمال زیاد، هدف آنها یکی است و آن خاتمه ی جنگ خلیج (فارس) می باشد.».

امریکا

تداوم و گسترش دامنه جنگ ایران و عراق و تضعیف تدریجی عراق در اثر حملات پی در پی ایران، همراه با «گسترش نهضت اسلام خواهی» در خاورمیانه، منافع امریکا را در منطقه با خطر جدی مواجه ساخت. ناتوانی امریکا برای پایان بخشیدن به جنگ و برقراری صلح بادوام در منطقه خاورمیانه، با پایان دادن به کلیه مناقشات و درگیریها، مقدمات شکل گیری استراتژی جدید امریکا را فراهم ساخت. (۱) در این استراتژی توجه مجدد به ایران و پذیرش اهمیت و نقش محوری ایران در ثبات یا بی ثباتی منطقه و تهدید منافع امریکا مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت:

«ایران چه از هم گسیخته باشد و چه بیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه روی عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی برای امنیت امریکا دارد، تهدید کند.» (۲) .

در چارچوب این استراتژی، تلاش برای برقراری رابطه با ایران منجر به شکل گیری ماجرای موسوم به مک فارلین در بهار سال ۶۴ شد. بعدها رونالد ریگان رئیس جمهور وقت امریکا در مورد ماهیت این «ابتکار سیاسی محرمانه» و دلیل اتخاذ آن گفت:

«بدون همکاری ایران، ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران، امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد.» (۳) .

ریگان همچنین در بخش دیگری از سخنان خود درباره ی اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه گفت:

«اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد.»

وی در ادامه سخنان خود مهمترین مانع تحقق اهداف امریکا را چنین توضیح داد:

«یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع ارتباط بین ما یعنی ایران و امریکا بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود (ایران و امریکا) برآمدیم.» (۱) .

در واقع هسته مرکزی سیاستهای جدید امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس، بر پایه روابط و مناسبات نوین میان ایران و امریکا تنظیم شده بود. این مسئله، ضمن روشن ساختن اهمیت برقراری رابطه با ایران برای امریکا، تبعات و زیانهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین و شکست آن را نیز روشن می سازد. در واقع، ناکامی امریکا در برقراری روابط پایدار و با ثبات با ایران، منجر به درهم ریختن سیاست خاورمیانه ای امریکا و ایجاد تشتت در سیاست خارجی این کشور شد. به عبارت دیگر در این ماجرا لطمات و زیانهای وارده به «حیثیت و اعتبار امریکا» (۲) بیش از هر امر دیگری اجرای سیاستهای امریکا در خاورمیانه را با مشکلات و دشواریهای اساسی مواجه ساخت.

با پیدایش وضعیت جدید و افزایش تنش در مناسبات امریکا با عراق و ایران، توانایی امریکا برای کسب ابتکار عمل در جنگ عمیقا تضعیف شد.

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

ضمن اینکه گسترش دامنه ی جنگ و افزایش نفوذ و فعالیتهای شوروی (پیشین) نیز بر مشکلات و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف و سیاستهای امریکا افزود. در چنین وضعی، به نظر می رسید امریکاییها برای کسب ابتکار عمل نیازمند طرح ریزی جدید می باشند، چنانکه مجله اشپیگل چاپ آلمان به نقل از منابع مصری، خبری را مبنی بر طرح ریزی امریکا برای دخالت احتمالی این کشور در جنگ ایران و عراق منتشر ساخت. (۱) گر چه این خبر را بلافاصله مقامات امریکایی تکذیب کردند (۲) ولی در عین حال امریکاییها وجود برخی نقشه های احتمالی را برای مداخله، در صورت پیروزی ایران و تهدید متحدین امریکا در خلیج فارس، انکار نکردند. (۳) .

رفتار ایران در خلیج فارس در پاسخ به تهاجمات عراق به نفتکشها، مورد توجه امریکاییها بود و چنین تحلیل می شد که در صورت عدم دستیابی ایران به پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵، ممکن است فشار ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس افزایش یابد. (۴) پایه همین تحلیل، چارلز ردمن سخنگوی وزارت خارجه امریکا تلویحا خطاب به ایران اعلام کرد:

«به نظر ما، این حملات به کشتیرانی در خلیج فارس، امکان بروز سوء تفاهم یا اشتباه محاسبه ای را که موجب گسترش دامنه ی جنگ شود، افزایش می دهد.» (۵) .

چند روز بعد جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعلام کرد:

«ما مکررا به ایران هشدار داده ایم که هر گونه گسترش دامنه جنگ به مثابه تهدیدی عمده علیه منافع امریکا تلقی می شود.» (۶) .

از سوی برخی تحلیلگران موضع گیری امریکا همراه با برخی اقدامات سیاسی این کشور و نیز تحرکات ناوگان دریایی آن، به منزله نادیده گرفتن تلویحی ایران (۷) تلقی می شد. ضمن اینکه، تحرکات ناوگان دریایی امریکا دردریای مدیترانه، با توجه به گروگانگیری در لبنان، به منزله هشدار به

۱- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۲- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.

۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

۴- ۴۹. پیشین، به نقل از روزنامه ی تایمز، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵.

۵- ۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس، ۱ / ۱۱ / ۶۵.

۶- ۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۰ / ۱۱ / ۶۵ به نقل از خبرگزاری رویتر، ۹ / ۱۱ / ۶۵.

۷- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۱ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از هرالدتریبون، ۱۰ / ۱۱ / ۶۵.

گروگانگیرها بود، چنانکه سخنگوی وزارت دفاع امریکا رسما اعلام کرد:

«عملیات نظامی امریکا در دریای مدیترانه به گروگانگیریهای جدید در لبنان ارتباط دارد.» (۱) .

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا نیز در همین زمینه اعلام کرد:

«حرکات نیروی دریایی امریکا در دریای مدیترانه و خلیج فارس، چیزی بیش از تدابیر احتیاطی نیست.» (۲) .

اعلام این مواضع از سوی مقامات رسمی امریکا، عمدتا متعاقب افزایش تحرکات ناوگان دریایی آن کشور در دریای مدیترانه و خلیج فارس و به منظور پایان بخشیدن به هر گونه شائبه ای مبنی بر تغییر سیاست امریکا انجام گرفت.

«سیاست امریکا در قبال جنگ ایران و عراق تغییر نکرده و امریکا خواهان عدم پیروزی هر یک از طرفین جنگ است.» (۳) .

اعلام چنین مواضعی، تصریح در مخالفت و بی توجهی کامل امریکا نسبت به موقعیت برتر ایران و خواسته های سیاسی این کشور و مقابله با پیروزی احتمالی ایران بود. (۴) به همین دلیل، این مواضع آشکارا به سود عراق ارزیابی می شد. ضمن اینکه امریکاییها، برابر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت این کشور، به هیچ وجه معتقد نبودند که موجودیت رژیم عراق در خطر است، لیکن بر این نظر بودند که امریکا باید تمامی تلاش خود را برای برقراری صلح به کار برد. (۵) بنابراین اظهارات، برخلاف تحلیل رسانه ها مبنی بر سقوط رژیم عراق، امریکاییها روند تحولات جنگ را به منزله تهدید موجودیت رژیم عراق ارزیابی نمی کردند. در نتیجه، این پرسش به وجود می آید که تغییر مواضع

۱- ۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۶ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۵ / ۱۱ / ۶۵.

۲- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۲ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۱ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۵۵. روزنامه رسالت، ۲ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از روزنامه ملیت چاپ ترکیه.

۴- ۵۶. وزیر دفاع وقت امریکا در همان زمان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی. اس اعلام کرد: «ایالات متحده مایل نیست که رژیم تهران در جنگ با عراق پیروز شود.» (واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، «بولتن رادیوهای بیگانه» ۶ / ۱ / ۶۶ - رادیو ایران ۳ / ۱ / ۶۶).

۵- ۵۷. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۲ / ۶۵.

امریکا متأثر از چه عواملی بوده و چارچوب و خط مشی کلی سیاست این کشور در برخورد با جنگ ایران و عراق از چه مشخصه ها و ویژگیهایی برخوردار بوده است؟

متعاقب افشای ماجرای مک فارلین و تنش در روابط امریکا با عراق، سیاست خارجی امریکا دچار تشتت و نابسامانی شد. (۱) گسترش دامنه ی جنگ همراه با تزلزل سیاست خارجی امریکا وضعیت دشواری را فراروی امریکاییها قرار داد. طبعا در این موقعیت، پایان بخشیدن به جنگ براساس تلاشها و ابتکار عمل امریکا، تنها عاملی بود که می توانست جراحات وارده بر سیاست خارجی این کشور را ترمیم کند. تحقق این مسئله نیز به سادگی امکان پذیر نبود، چون از یک سو برخورداری ایران از موقعیت برتر و از سوی دیگر بی اعتمادی عراق نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، مانع از موفقیت این کشور بود. در این اثنا، طه یاسین رمضان در مصاحبه با مجله الدستور چاپ انگلستان با انتقاد از مواضع امریکا و متهم ساختن این کشور به تجهیز ایران می گوید:

«موضع دولت امریکا پر از تضاد است، زیرا امریکاییها ظاهرا وانمود می کنند مخالف ادامه جنگ هستند ولی در واقع ایران را به سلاح مجهز می نمایند و این امر در نوع خود مبین انحطاط اخلاق سیاسی است.» (۲) (۳) .

بعد از ماجرای مک فارلین، امریکاییها در آغاز تلاشهای خود ضمن تغییر موضع آشکار به سود عراق، تدابیری را به منظور افزایش فشار به ایران اتخاذ کردند. در این میان، اظهارات برخی از مقامات امریکایی در مورد تجارب

۱- ۵۸. نگاه کنید به کتاب از «فاو تا شلمچه»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳.

۲- ۵۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۹، ۲۹ / ۱ / ۶۶ به نقل از الدستور، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۰. این موضع گیری رژیم عراق در حقیقت نوعی بزرگ نمایی برای کسب امتیاز بیشتر از امریکاییها بود. چون عراقیها به خوبی می دانستند که امریکا هیچ گونه کمک تسلیحاتی به ایران نمی کند و تنها در ماجرای مک فارلین آن هم برای روشن کردن چراغ سبز، محموله ای را به ایران ارسال داشته که در مقابل سیل اسلحه ای که در اختیار عراق قرار می داد قطره ای نیز محسوب نمی شد.

حاصله از معاملات ایران و امریکا در چارچوب ماجرای مک فارلین و تجدید نظر در این خط مشی و ارائه تحلیل جدید از اوضاع داخلی ایران، حائز اهمیت است:

«با توجه به اهمیت استراتژیک ایران باید قبل از اینکه ما روابط دلخواه با این کشور پیدا کنیم، حکومتی کاملا متفاوت در ایران بر سر کار آید. (۱) فکر برقراری روابط با عناصر میانه رو در جمهوری اسلامی وهم و خیالی بیش نیست.» (۲) .

این تحلیل ناظر بر این معنا بود که از این پس، امریکاییها به جای تلاش برای برقراری رابطه با جمهوری اسلامی، تشدید فشار به ایران را به منظور پایان بخشیدن به جنگ دنبال خواهند کرد. به عبارت دیگر، علاوه بر تغییر سیاست امریکا در برخورد با ایران، سیاست امریکا در مورد جنگ نیز تغییر یافته و بر روی خاتمه ی جنگ متمرکز شد. یکی از کارشناسان مسائل ایران و منطقه در این باره می گوید:

«کابینه ریگان، استراتژی صلح را تا ژانویه ۱۹۸۷) یعنی هنگامی که سقوط بصره بعید شد) به طور جدی دنبال نمی کرد.» (۳) .

در همین چارچوب امریکا به منظور کسب ابتکار عمل، دو اقدام اساسی را در دستور کار خود قرار داد که عمدتا شامل: گسترش حضور در خلیج فارس و

ص: ۳۹

۱- ۶۱. در همین زمینه، مدتی بعد مروین دایمل، عضو دمکرات مجلس امریکا مطالبی را بیان کرد که پس از درج آن در روزنامه بوستون کلوپ، در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۶۶ از رادیو امریکا پخش شد. وی ضمن تأیید این مسئله که نمی توان ایران را نادیده گرفت و با انتقاد از سیاستهای امریکا می گوید: «سیاست کنونی امریکا نسبت به سیاست قبلی این کشور در برابر ایران چیز بهتری نیست و همین هم هست که نگرانی عمیق به وجود می آورد. به جای چنین سیاستی، می توان جبهه ای که حاکی از همدلی با ایرانیان باشد و تلاش آنان را برای آزادی در نظر گیرد، به وجود آورد. این بدان معنا نیست که امریکا باید بلافاصله از مجاهدین حمایت و آنان را به عنوان کنتراهای شرق علم کند...» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۶۶ - رادیو امریکا ۲۳ / ۲ / ۶۶).

۲- ۶۲. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۶ / ۱ / ۶۶، رادیو ایران، واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، ۳ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۳. نشریه نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، شماره ۱۱، ۱ / ۸ / ۶۹، به نقل از کتاب نه شرقی نه غربی اصل بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نوشته روح الله کارگر رمضانی، از انتشارات دانشگاه یل امریکا.

اسکورت نفتکشها و سازماندهی و رهبری تلاش بین المللی به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود. ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، در اسفند سال ۶۵، ضمن صدور بیانیه و درخواست برای پایان یافتن فوری جنگ، از جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا خواست تا رهبری تلاشهای بین المللی را به منظور وادار ساختن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره برعهده گیرد. ریگان در بیانیه خود با حمایت از پیشنهاد عراق برای خاتمه جنگ، عملیات سرسختانه ای را به منظور ممانعت از ارسال هر گونه سلاح به ایران، مورد تأکید قرار داد و مسؤولیت آن را به ادروینکس معاون وزیر خارجه امریکا سپرد. (۱) واینبرگر بر پایه همین بیانیه اعلام کرد:

«امریکا نمی خواهد که ایران در جنگ با عراق برنده شود. ما کاملا آماده ایم برای رفت و آمد دریایی و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آنچه را که لازم است انجام دهیم.» (۲) .

متقابلا آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده ی عالی جنگ، بر پایه درک و تحلیلی که نسبت به ماهیت سیاستهای خصومت آمیز جدید امریکا داشت بلافاصله اعلام کرد:

«اگر امریکا بخواهد در خلیج فارس مداخله کند، امنیتش در همه جای دنیا به خطر خواهد افتاد.» (۳) .

ایشان ضمن بی اعتبار شمردن سیاست امریکا حتی در میان نزدیکترین دوستان و دست نشاندگانش مانند شاه اردن و رژیم مصر، در مورد برخوردهای امریکا با ایران اظهار داشت:

«آنها مدتی به ما پیغام دادند که ما ایران را یک کشور مهم می دانیم و انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته ایم. شما تروریست نیستید، ما حاضریم کوتاه بیاییم و از این قبیل صحبتها. وقتی که شروع شد ما دیدیم که از همان اول دروغ گفته اند.» (۴) .

۱- ۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۱ / ۶۶، به نقل از واینبرگر، ۲ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۶. روزنامه های یومیه ۴ / ۱ / ۶۶، آقای هاشمی رفسنجانی.

۴- ۶۷. روزنامه ی رسالت ۱۵ / ۱ / ۶۶، خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۴ / ۱ / ۶۶.

ایران که تصور می کرد به لحاظ برخورداری از مواضع برتر، قادر به تحمیل اراده و خواسته های سیاسی خود بر صدام و حامیان این کشور می باشد، با ملاحظه مواضع جدید امریکا و ماهیت خصومت آمیز آن علیه ایران، تدریجا به این نتیجه و باور نزدیک شد که امریکا نه تنها مایل به ارائه ی هیچ گونه امتیاز قابل توجه به ایران نیست، (۱) بلکه فشار بر ایران را افزایش خواهد داد. (۲) در عین حال دو روز بعد، مجددا آقای هاشمی اظهاراتی را مبنی بر اعلام آمادگی برای رفع خصومت بین ایران و امریکا اعلام کرد. (۳) همچنین رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ مطالبی را مبنی بر آمادگی ایران برای آزادی گروگانها در لبنان اعلام کرد. (۴) در موضع گیریهای جدید ایران همچنان اعمال برخی تغییرات در کادر رهبری عراق به عنوان بخشی از شرایط ایران بر پایان بخشیدن به جنگ مطرح شد. (۵) .

مجددا در اوایل اردیبهشت ماه، آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی با نمایندگان بیش از ۷۰ رسانه خبری جهان در مورد روابط ایران و امریکا مطالبی را بیان کرد که حائز اهمیت بود. ایشان در پاسخ به خبرنگار روزنامه واشنگتن پست درباره روابط ایران و امریکا در آینده اظهار داشت:

«در مورد روابط ما با امریکا، این را مدتی پیش امام اعلام کردند و من هم

---

۱ – ۶۸. در این مورد ضمن اینکه شواهد و قرائن آشکاری به چشم می خورد، بعضا اظهارات برخی از منابع دیپلماتیک در ملاقات با نمایندگیهای جمهوری اسلامی در اروپا نیز قابل توجه بود. در این زمینه یکی از دیپلماتهای اروپایی، در یک ملاقات خصوصی اظهار داشته بود که با موقعیتی که امریکا بعد از ماجرای مک فارلین داشته، خیلی مشکل است که جنگ از راه نظامی تمام شود. چون امریکا مصمم است که اجازه ندهد در جنگ طرف پیروز وجود داشته باشد.

۲ – ۶۹. روزنامه الاتحاد در مورد تشدید سیاستهای امریکا علیه ایران می نویسد: «امریکا دست به اجرای سیاست جدید زده است که هدف از آن وادار ساختن ایران به پایان دادن جنگش با عراق و وارد شدن به مذاکرات صلح می باشد. واشنگتن در اجرای این سیاست و وارد آوردن فشار نظامی و اقتصادی بر ایران و جلوگیری از وصول اسلحه توسط ایران، تماسهای بین المللی را جهت تشویق کشورهایی که دارای روابط نظامی و اقتصادی با ایران هستند آغاز کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۳ / ۱ / ۶۶ – الاتحاد ۱۲ / ۱ / ۶۶).

۳– ۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از آقای هاشمی، ۱۷ / ۱۱ / ۶۶.

۴– ۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۵– ۷۲. مأخذ شماره ی ۵۰.

مکررا گفتم که ما فکر نمی کنیم تا قیامت باید روابط با امریکا قطع باشد... اگر مطمئن شویم که امریکا قصد شیطنت با ما ندارد و به ما ثابت شد، حاضریم رابطه برقرار کنیم.»

سپس ایشان با اشاره به نشانه ی حسن نیت امریکا اظهار داشت:

«ما یک علامت گذاشته ایم برای اینکه امریکا حسن نیت خودش راثابت بکند و آن این است که اموالی که برخلاف حق و قانون از ما در امریکا مسدود شده آزاد کند تا ما نزد مردم لبنان شفاعت کنیم که گروگانها را آزاد کنند.» (۱) .

تأکید بر این مفاهیم عمدتا ناشی از این درک و تحلیل بود که تداوم مناسبات در چارچوب ماجرای مک فارلین امکان پذیر می باشد، حال آنکه موقعیت منطقه و موضع گیری امریکا در این زمینه کاملاتغییر کرده بود و به عبارتی، تلاش امریکا در این مسیر با ناکامی و شکست همراه شده و بهبود موقعیت مجدد امریکا، تنها در گرو حفظ پرستیژ سیاسی، به منظور تحمیل صلح بر ایران بود. (۲) در هر صورت، یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی اعلام کرد:

«تا زمانی که ایران از تروریستها حمایت می کند، امیدی به بهتر شدن روابط دو کشور نیست.» (۳) .

با پی ریزی سیاست جدید امریکا، بر تحرکات دیپلماتیک این کشور در سازمان ملل و منطقه افزوده شد. چنانکه علاوه بر سفر یک هیأت بلندپایه از اتحادیه عرب به امریکا، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا در امور

۱- ۷۳. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱ / ۲ / ۶۶.
۲- ۷۴. چارلز دمن سخنگوی وقت وزارت خارجه امریکا رسما اعلام کرد: «امریکا آماده است تا از تحریم بیشتر علیه ایران پشتیبانی نماید، به امید آنکه ایران وادار به قبول صلح شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹/ ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۸ / ۲ / ۶۶).
۳- ۷۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۵ / ۲ / ۶۶ به نقل از ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه.

خاورمیانه، عازم منطقه خاورمیانه شد. در این ملاقات موضع گیری امریکاییها بسیار قابل توجه بود.

در این سفر هیأت اتحادیه عرب بر دو موضوع تأکید داشتند: نخست آنکه اگر ایران از پذیرش قطعنامه های سازمان ملل امتناع کرد، امریکا از اعمال مجازاتهای شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران حمایت کند و دوم آنکه امریکا برای جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران فشار بیشتری را وارد سازد و در این مرحله با متحدین امریکا طی اجلاس اقتصادی ماه آینده سران هفت کشور صنعتی غرب فعالتر عمل کند. (۱) شولتز وزیر خارجه وقت امریکا در پاسخ به درخواستهای اتحادیه عرب، این معنا را صریحا مورد تأکید قرار داد که امریکا از هیچگونه کوششی برای محروم کردن ایران از دستیابی به سلاح فروگذار نخواهد کرد وی در اظهارات خود دلیل اتخاذ چنین اقدامی را نقش و تأثیر وجود تسلیحات در ادامه جنگ ذکر کرد. (۲) .

همچنین شولتز در دیدار با هیأت جامعه عرب، به منظور ایجاد اعتماد در اعراب و اجابت خواسته های آنها اعلام کرد:

«امریکا آماده است تا علیه هر کدام از طرفین جنگ که از همکاری با شورای امنیت در پایان دادن به جنگ سرباز زدند، اقدامات مؤثری به عمل آورد.» (۳) .

ریگان نیز در ملاقات با هیأت اتحادیه عرب بر این مسأله تأکید ورزید که امریکا از راه حل مذاکره برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بشدت حمایت می کند. (۴) .

ریچارد مورفی فرستاده ویژه ی رئیس جمهور امریکا به منظور تشریح مواضع امریکا و کسب حمایت اعراب و در عین حال اعلام حمایت از آنها، همزمان با سفر هیأت اتحادیه عرب و متعاقب سفر معاون وزیر خارجه شوروی به منطقه، (۵) عازم منطقه خلیج فارس شد. وی در این سفر، ضمن ارائه درخواست

۱- ۷۶. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۷۷. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۴- ۷۹. روزنامه ی اطلاعات، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۵- ۸۰. در این زمینه در صفحات بعد توضیح لازم ارائه خواهد شد.

امریکـا مبنی بر خاتمه سـریع جنگ، همچنان بر تلاش امریکا برای ممانعت از پیروزی و یا شـکست هر یک از طرفین درگیری تأکید کرد. همچنین از قول رئیس جمهور امریکااعلام کرد:

«امریکـا از احقـاق حق دوسـتانش درمنطقه خلیـج فارس، برای دفاع از خود و نیز تعهـداتش برای تضـمین عبور آزادانه نفت از طریق تنگه هرمز تأکید می کند.» (۱) .

نگرانی امریکا نسبت به سـلب اعتماد اعراب و دیگر متحـدینش و بهره برداری مسـکو از این وضـعیت، یکی از عوامل مؤثر در سیاستهای امریکا بود. به همین دلیل مورفی آشکارا پیام ریگان را در این زمینه مورد تأکید قرار داد و به نقل از او گفت:

«امریکـا شدیـدا نگران این جنـگ انـدوهبار است و جنـگ خلیـج فارس، منافع استراتژیک و همچنین ثبات و امنیت کشورهای دوستمان را در منطقه تهدید می کند.» (۲) .

مورفی در این سـفر عازم بغـداد شد و با مقامات عراقی مذاکره کرد. وی بلافاصـله پس از ورود به بغداد، اعلام کرد که دولت متبوع وی در کلیه سـطوح بین المللی می کوشـد مـذاکراتی را برای خاتمه دادن به جنگ تـدارک ببینـد. وی همچنین از ایران درخواست کرد تا همانند عراق که بارها آمادگی خود را برای وارد شدن به مذاکرات صـلح اعلام داشـته است، آمادگی خود را در این زمینه اعلام نماید. (۳) .

مورفی همچنین پیام کتبی ریگان را در مورد تحولات جنگ خلیـج فارس تلاشـهای امریکا در شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ، تسلیم صدام کرد. وی هنگام ترک بغداد به خبرنگاران گفت که دیدار با مقامات

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

عراقی مفید و سازنده بوده است. همچنین ضمن تجلیل از شجاعت عراقیها گفت که زمان آن رسیده است که این شجاعت با اعطای صلح پاداش داده شود، زمانی که پیش از این نیز فرارسیده بوده است. (۱) .

در واقع، اظهارات مورفی در موقعیتی که عراق برای تشدید درگیری در خلیج فارس تلاش می کرد، به منزله تشویق و ترغیب عراق و همچنین کسب اعتماد مجدد این کشور، که با افشای ماجرای مک فارلین مخدوش شده بود، ارزیابی می شد. از جمله مواردی که مورفی در این سفر به آن اشاره کرد، تلاش امریکا برای تصویب قطعنامه ای جدید در سازمان ملل بود:

«ماسرگرم فعالیت هستیم تا در این زمینه، قطعنامه ی مؤثرتری را نسبت به قطعنامه های قبل در سازمان ملل، به تصویب برسانیم.» (۲) .

با اتمام سفر منطقه ای مورفی و بازگشت هیأت اتحادیه عرب از امریکا، اظهارات وزیر خارجه، وزیر دفاع و رئیس جمهور وقت امریکا حائز اهمیت و در عین حال نمایانگر توافقات جدید مبنی بر تشدید فشار به ایران بود. شولتز اعلام کرد:

«امریکا به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی رو به رو خواهد شد.» (۳) .

چند روز بعد واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد:

«کشورش اجازه نخواهد داد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود. زیرا چنین تحولی برای تمام جهان فاجعه آمیز خواهد بود.» (۴) .

در چنین موقعیتی، حمله عراق به ناو استارک امریکا گر چه منجر به عذرخواهی عراق و آمادگی این کشور برای پرداخت غرامت شد، ولی به نظر می رسید این اقدام صرفا براساس یک اشتباه در محاسبه نبوده است. در عین حال این حادثه امریکا را با وضعیتی دشوار رو به رو ساخت. لیکن به جای فشار امریکا به عراق، منجر به افزایش مواضع خصمانه امریکا علیه ایران شد.

ص: ۴۵

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

۳- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۴- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.

چنانکه ریگان در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در یک سخنرانی که از رادیو امریکا پخش شد اعلام کرد:

«در حقیقت شخصیت شرور و خطاکار در این ماجرا جمهوری اسلامی ایران است.»

وی در ادامه سخنان خود گفت:

«مدتهاست دولت امریکا همراه با شماری از دیگر کشورهای جهان می کوشد با فراهم آوردن امکان انجام گفتگوهای صلح، جنگ ایران و عراق پایان یابد، اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون از کمک به یافتن راه حلی برای فرونشاندن آتش این جنگ امتناع کرده است.» (۱) .

بدین ترتیب سیاست جدید امریکا، با افزایش حضور درمنطقه خلیج فارس که بعدها به اسکورت نفتکشها منتهی شد و تلاش برای تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل آغاز شد. روند جدید، با تشدید خصومت میان ایران و امریکا، سرانجام به درگیری میان دو کشور در منطقه ی خلیج فارس منتهی شد. فضا و جو حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و امریکا همچنان به مدت یک سال به طول انجامید و بعدها با تغییر وضعیت در منطقه و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران شکل جدیدی به خود گرفت که در صفحات بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شوروی

مقاومت مردم افغانستان، سیاست خاورمیانه ای شوروی (پیشین) را با بن بست و در نتیجه شکست و ناکامی مواجه ساخت. زیرا روسها با فرورفتن در باتلاق افغانستان از هر نوع امکان بهره برداری از خلاء حاصله در توازن قدرت در منطقه که در پی پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه پدید آمده بود، محروم و سرانجام شکست زیان آوری را متحمل شدند.

۱- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

اقدامات شوروی به رهبری گورباچف برای رهایی از بن بست حاصله در افغانستان، با تصمیم گیری برای خروج از این کشور آغاز شد. (۱) چنین پیش بینی می شد که اعتماد از دست رفته ی شوروی، در خلال خروج از افغانستان، مجددا به دست آمده و جبران شود.

مسکو در قبال این اقدام، در نظر داشت با توجه به مناسبات دیرینه و سنتی با عراق و سوریه، امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای موجود در منطقه از جمله جنگ ایران و عراق و مناقشه اعراب و اسرائیل به دست آورد. در چنین اوضاعی افشای ماجرای مک فارلین و تشتت در سیاست خارجی امریکا، بهترین فرصت (۲) را در اختیار روسها قرار داد تابدین وسیله در خلاء ناشی از بی اعتباری امریکا در منطقه، اعتبار شوروی را در منطقه تحت رهبری گورباچف مجددا بازیابند.

متعاقب گسترش دامنه ی جنگ و فزونی یافتن نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، این امکان برای شوروی فراهم شد تا با تأکید بر خاتمه ی فوری جنگ ایران و عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را توسعه دهد. در این روند، روسها برای حل سه مسأله بزرگ و اساسی منطقه، برگزاری سه کنفرانس بین المللی را پیشنهاد کردند. (۳) نخستین کنفرانس بین المللی برای حل و فصل اختلاف اعراب و

---

۱ - ۸۹. گورباچف بعدها طی مصاحبه ای اظهار داشت یک ماه قبل از انتخاب وی به عنوان دبیر کل حزب کمونیست این نتیجه حاصل شده بود که شوروی به اشغال افغانستان پایان می دهد.

۲ - ۹۰. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این زمینه می نویسد: «شوروی سعی دارد با حداکثر بهره برداری از رسوایی اخیر امریکا در معامله با ایران و از دست رفتن اعتبار امریکا نزد اعراب، پیروزی عظیمی را در سیاست خارجی خود کسب نماید و رابطه خود را با کشورهای میانه روی عرب بهبود بخشد.» (روزنامه رسالت ۷ / ۲ / ۶۶).

۳ - ۹۱. مورفی معاون وزیر خارجه امریکا در عکس العمل نسبت به پیشنهادهای شوروی اظهار داشت: «در صورتی که شوروی روابط رسمی خود را با اسرائیل تجدید نماید و به یهودیان شوروی اجازه مهاجرت بدهد، خاورمیانه به سرعت به سوی صلح پیش خواهد رفت. این قیمتی است که امریکا می خواهد مسکو در قبال حضور یافتن در یک اجلاس بین المللی در مورد خاورمیانه بپردازد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۱۲ / ۶۵، خبرگزاری رویتر).

اسرائیل، با عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اشغالی عرب نشین و تضمین حقوق مشروع ملت فلسطین تشکیل شود. دومین کنفرانس، با هدف متوقف کردن جنگ ایران و عراق و برقراری صلح میان دو کشور، و لو با اعزام نیروهای بین المللی به جبهه ایران و عراق و تحریم و مجازات، برگزار شود (۱) و سومین کنفرانس بین المللی با هدف تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، تنگه هرمز و تضمین امنیت آبراه نفتی در برابر هر گونه خطر یا تهدید، تشکیل شود. (۲) .

تحرکات گسترده دیپلماتیک و سیاسی شوروی (پیشین) که به نحو بی سابقه ای در حال انجام بود سبب گردید تمایل شوروی تحت رهبری گورباچف برای به دست گرفتن ابتکار عمل با کنار گذاشتن سیاستهای انفعالی پیشین، عمیقا مورد توجه کشورها، محافل خبری و تحلیل گران سیاسی و نظامی قرار گیرد؛ چنانکه یکی از دیپلماتهای برجسته امریکایی طی تماس با المستقبل خاطر نشان ساخت:

«وجود یک رهبر میانه رو، چون گورباچف، مایه آزار دولت امریکاست. زیرا چنین رهبری می تواند به واسطه افکار و نظریات سیاسی خود، کشورهای عربی خشمگین از سیاست امریکا در منطقه را به سوی خود جلب نماید. کاری که یک رهبر تندرو و انعطاف ناپذیر اتحاد شوروی از انجام آن عاجز است.» (۳) .

همچنین یک کارشناس برجسته فرانسوی در مورد ماهیت تلاشهای

ص: ۴۸

---

۱ - ۹۲. پتروفسکی معاون وزیر خارجه شوروی طی سفر به کشورهای منطقه، در این زمینه اعلام کرد: «اقدامات قدرتهای بزرگ جهانی باید شامل استقرار یک نیروی بین المللی در مرزهای مشترک ایران و عراق و همچنین تحریم فروش اسلحه به هر دو کشور باشد.» (روزنامه کیهان، ۲ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس).

۲- ۹۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ی شماره ۱۲۳۵، ۲۹ / ۲ / ۶۶، مجله ی المستقبل چاپ فرانسه، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۳- ۹۴. پیشین.

گورباچف گفت:

«گورباچف سعی می کند از مرز بهره برداری از اشتباهات سیاست امریکا در خاورمیانه پا فراتر گذارد. گورباچف عملا می خواهد بر این شعار ایالات متحده که می گوید جایگزینی جز خود امریکا برای امریکا در منطقه خاورمیانه وجود ندارد و دولت ریگان در همکاری با کشورهای عربی به آن تکیه می کند، خط بطلان بکشد. گورباچف سعی دارد ضمن بی اعتبار کردن این شعار امریکایی بسیاری از درهای بسته در خاورمیانه را بگشاید، به امید اینکه کشورهای عربی متوجه شوند که جایگزینی غیر از امریکا وجود دارد و ایالات متحده نه فقط ۹۹ درصد از برگها را در خاورمیانه ندارد، بلکه حتی قادر به حل بحرانهای این منطقه نیست.» (۱) .

دیپلماسی و شوروی در این مقطع روی دو مسأله، شامل تردد آزاد کشتیها در خلیج فارس و خاتمه یافتن جنگ ایران و عراق متمرکز بود. (۲) طبیعتا شوروی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از نقش برجسته تری برخوردار شده و روسها در این زمینه دیدگاههای خاص خود را داشتند که برای تشریح و تفهیم و اجرای آن، پتروفسکی معاون وزیر خارجه خود را به منطقه گسیل داشتند. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی در کویت نظریات خود را در مورد از سرگیری کوششها جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق بیان کرد. این نظریات عبارت بودند از سازماندهی مذاکرات تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تدارک یک گردهمایی در سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای امنیت و حضور تمامی جناحهای ذینفع در جنگ در آن. وی همچنین در این مصاحبه هر گونه توافق میان شوروی و امریکا را در این زمینه تکذیب کرد. (۳) .

ص: ۴۹

۱- ۹۵. پیشین.

۲- ۹۶. در این زمینه سفیر شوروی در مصر می گوید: «تلاش شوروی در حال حاضر متمرکز است بر یافتن راه حلی مناسب برای خاتمه دادن به جنگ عراق و ایران.» وی اضافه کرد: «این کار جزئی از استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس است.» (روزنامه رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶ به نقل از الاتحاد).

۳- ۹۷. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

همچنین پتروفسکی طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ابوظبی ضمن تأکید بر اینکه یکی از اهداف این سفر تشریح سیاستهای جدید شوروی در مورد مسائل بین المللی و منطقه ای به رهبری گورباچف بوده، خاطرنشان ساخت:

«طرح جدید شوروی به منظور ایجاد ثبات در منطقه و خلیج فارس، بر تشکیل یک کنفرانس ویژه ی بین المللی با حضور کلیه ی کشورهای ذیربط و اتخاذ موضع واحد مشترکی به منظور حمایت از کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و دریای هند متمرکز می باشد.»

وی همچنین اضافه کرد:

«این طرح متضمن گفتگو درباره ی کاهش تعداد نیروهای دریایی موجود در منطقه و کنترل حرکت آنان نیز خواهد بود.» (۱)

.

نظریات شوروی که بخشی از آن در اظهارات و مصاحبه های پتروفسکی نمایان شد، عمدتا مبتنی بر پیوستگی ثبات در خلیج فارس و آزادی کشتیرانی، با پایان بخشیدن به جنگ بود. ضمن اینکه تأکید روسها بر حضور تمامی طرفهای ذینفع و تصمیم گیری دسته جمعی و نیز مذاکره برای کاهش تعداد نیروهای خارجی مستقر در منطقه خلیج فارس از جمله مواردی بود که دقیقا مقابل نظریات امریکا قرار داشت. در واقع، امریکاییها با هر گونه اقدام و راه حلی که منجر به کاهش و یا کم رنگ شدن نقش این کشور، به ویژه آنکه همراه با افزایش موقعیت و نقش شوروی باشد، مخالف بودند. حال آنکه چین، فرانسه و انگلیس تلویحا از این پیشنهاد شوروی استقبال می کردند.

پتروفسکی در سفر به کویت و عراق دو تصمیم اساسی گرفت که نشان دهنده ی ابعاد و عمق سیاستهای جدید شوروی در برخورد با مسأله جنگ ایران و عراق و تردد آزاد نفتکشها در خلیج فارس بود. روسها در این سفر، در خصوص اجاره سه فروند نفتکش شوروی به کویت، به توافق رسیدند. در عراق نیز قرارداد مودت میان شوروی و عراق که در سال ۱۹۷۲ به امضاء رسیده بود،

۱- ۹۸. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳ / ۲ / ۶۶.

به مدت ۱۵ سال دیگر تمدید شد. نتایج سفر پتروفسکی به عراق و کویت از حساسیت ویژه ای برخوردار بود که بخشی از آن در رسانه های خبری انعکاس یافت. در این زمینه رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی می گوید:

«جنگ ایران و عراق، شوروی را به صورت شریکی با اهمیت در حفظ توازن استراتژیک منطقه ی خلیج فارس درآورده است. توافق هفته گذشته اجاره سه کشتی شوروی به کویت، اهمیت کنونی نقش شوروی در خلیج فارس را تأیید کرده است... عملی شدن چنین طرحی، می تواند به عنوان نشانه ای از افزایش حضور نظامی شوروی در خلیج فارس تلقی شود.» (۱) .

خبرگزاری فرانسه نیز طی تحلیلی، در مورد استراتژی جدید شوروی می گوید:

«قرارداد همکاری شوروی و عراق و بخصوص تجدید این قرارداد که در دوره ای حساس از موقعیت سیاسی منطقه صورت می گیرد، حائز اهمیت بسزایی است. روسها برای روابط دوستانه خود با رژیم عراق بهای زیادی قائل هستند. این استراتژی همواره دلیل بزرگی برای اعمال نفوذ مداوم روسها در عراق بوده است.» (۲) .

این خبرگزاری افزود:

«روسها معتقدند برای یافتن جای پا در خلیج فارس و نفوذ تدریجی در آبهای این منطقه، ابتدا باید درخواست کویتیها مبنی بر اعزام کشتیهای باری و اصولا ـ این گونه خواهشهای به ظاهر صلح طلبانه را لبیک گویند و عمل کنند... ارزش و بهائی که روسها برای روابط خود با رژیم بعث عراق قائلند و نقشی که شوروی از آغاز جنگ در تأمین تسلیحات مورد نیاز بغداد برعهده گرفته است، در کنار عوامل دیگر از جانب کرملین، برای به دست آوردن جای پای مناسب درمنطقه خلیج فارس است.» (۳) .

ص: ۵۱

۱- ۹۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران، بولتن، «بررسی»، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۱. پیشین.

مجله سوری الفرسان چاپ لندن، سفر پتروفسکی را به منزله هشدار به رهبران ایران، مبنی بر اینکه راه حل نظامی کهنه شده است، ارزیابی کرده و می نویسد:

«معنای این دیدگاه آن است که از نظر شوروی، پایان جنگ خلیج فاس، گامی اساسی در راه تشکیل کنفرانس بین المللی صلح است.» (۱) .

این مجله همچنین ضمن تأکید بر افزایش نفوذ شوروی در منطقه و کاهش نفوذ امریکا طی شش ماه گذشته، به ویژه بعد از ماجرای ایران گیت، به اقدامات دیگر شوروی هم زمان با سفر پتروفسکی اشاره کرده و می نویسد:

«هم زمان بودن سفر پتروفسکی با سفر حافظ اسد به مسکو و درخواست شوروی برای از سرگرفتن روابط میان سوریه و عراق و سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه، دو برگ برنده شوروی در منطقه خاورمیانه است.» (۲) .

تلاش مسکو برای نزدیکی عراق و سوریه و همچنین ساف با سوریه، نشانگر عمق و گستردگی سیاست خارجی جدید شوروی در منطقه بود. در این مقطع، فشارهای وارده به عراق و سوریه، سبب گردید ابتدا نخست وزیر سوریه و طه یاسین رمضان با یکدیگر در خاک اردن ملاقات نمایند و سپس حافظ اسد و صدام حسین در حضور ولیعهد عربستان و شاه حسین با هم دیدار کنند.

در این میان، روابط مسکو - تهران نیز از کش و قوس چشمگیری برخوردار بود. بدین معنا که ایران با در نظر گرفتن موقعیت جدید مسکو و تمایل آن کشور برای خروج از افغانستان طی سفر دکتر ولایتی به مسکو، (۳) با برگزاری کنفرانس صلح بین المللی در مورد افغانستان با حضور شوروی موافقت کرد. این موضع گیری در رسانه های خبری به منزله تغییر

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۳. پیشین.

۳- ۱۰۴. این سفر در تاریخ ۲۴ / ۱۱ / ۶۵ به هنگام تشدید جنگ شهرها و حملات عراق به مردم بی دفاع ایران انجام شد.

اساسی در سیاست دولت ایران در قبال افغانستان تعبیر شد. در سفر مجدد آقای ولایتی به مسکو، (۱) گرومیگو وزیر خارجه وقت شوروی، به رغم تغییر جدید در مواضع جمهوری اسلامی، به منظور تحت فشار قرار دادن ایران، از روش برخورد جمهوری اسلامی در حمایت از مجاهدین مسلمان افغانی انتقاد کرد. در ادامه همین مواضع خصمانه، پنج روز بعد، گرومیکو وزیر خارجه ی وقت شوروی (پیشین) در ملاقات با طارق عزیز وزیر خارجه ی وقت عراق، مواضع عراق را سازنده تر از مواضع ایران ذکر کرد!

در واقع، روسها بر پایه ی درکی که از موقعیت ایران داشتند و به ویژه پس از افشای ماجرای مک فارلین، اوضاع را برای فشار به ایران و اخذ امتیاز در مسأله افغانستان مساعد می پنداشتند. علاوه بر این، لازمه ی کسب اعتماد عراق و کشورهای منطقه (۲) و همچنین برخی از کشورهای اروپایی، تشدید فشار و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران بود. در عین حال روسها به این امر واقف بودند که لازمه ی کسب ابتکار عمل در جنگ و حل مسأله افغانستان و همچنین مقابله با سیاستهای منطقه ای امریکا و حضور گسترده این کشور در خلیج فارس، نوعی همسویی و حمایت از مواضع ایران است. ایران نیز متقابلا- برای مقابله با فشارهای امریکا، با استفاده از اهرم سازمان ملل و کاهش حمایت این کشور از عراق، بسیار سنجیده و با احتیاط رفتار می کرد. در چنین موقعیتی آقای هاشمی درباره ی تلاشهای امریکا برای تشدید خصومت میان ایران و شوروی اظهار داشت:

«یک بار امریکاییها به ما نقشه ای دادند که به اصطلاح خواستند

ص: ۵۳

۱- ۱۰۵. این سفر در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۶۵ انجام شد.

۲- ۱۰۶. مجله عربی الرأی العام چاپ کویت در این موقعیت می نویسد: «مصلحت تمامی اعراب و به ویژه کشورهای خلیج فارس، در این است که امریکا را رد کرده و درهای خود را کاملا به سوی شوروی باز نمایند.» (روزنامه ی رسالت، ۲۰ / ۲ / ۶۶).

اطلاعـات سـری به ما بدهنـد. در این نقشه جای اسـتقرار نیروهای شوروی را در مرز مشـخص کرده بودنـد و فلشـهایی کشـیده بودنـد که مثلاًـ نیروهای شوروی از این جا وارد می شونـد و به کجا می خواهنـد برسـند. خطوط حمله و نیروهایی که قرار بود حمله کنند را مشخص کرده بودند.» (۱) .

به هنگام تشدید خصومت میان ایران و امریکا چنین اظهاراتی جهت گیری خاصی داشت که روسها نیز به آن بی توجه نبودند. در عین حـال، اسـتراتژی جدیـد شـوروی در منطقه خاورمیـانه و مواضع و اقـدامات آشـکار این کشور علیه ایران سـبب گردید موضع گیری ایران نسبت به این سیاسـتها اعلاـم شود. چنانکه رئیس جمهور وقت ایران (حضـرت آیت الله خامنه ای) در خطبه های نماز جمعه اعلام کردند:

«تاکنون دولتهایی، از جمله شوروی ادعا می کردند که در جنگ بی طرف هسـتند و بارها این مسأله را در مذاکرات و پیامهای خود به ما بیان داشته و ارسال تسلیحات خود به عراق را در چارچوب قراردادهای گذشته توجیه می کردند. اما امروز روسها به طور واضح و علنی عدم بی طرفی خود را در منطقه نشان می دهند و علنا از دشمن ما حمایت می کنند.» (۲) .

سپس ایشـان ضـمن غیر قابـل قبول دانسـتن این رفتـار، بر این مسـأله تأکیـد کردنـد که ملت ایران هرگز این مسائـل را فراموش نخواهد کرد. همچنین سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد:

«اخیرا شوروی در مورد مسائـل منطقه، از جمله تحولاـت خلیـج فـارس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مواضـعی اتخاذ کرده است که نمایانگر نوعی فرصت جویی برای افزایش نفوذ و با راضی کردن متحدان امریکا در منطقه است.» (۳) .

تشدیـد جو عمـومی در کشور و در رسـانه هـای ارتبـاط جمعی علیه رفتـار جدیـد شوروی به گونه ای بود که نماینـده وزارت خارجه شوروی اعلام کرد:

ص: ۵۴

۱- ۱۰۷. روزنامه ی کیهان، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۰۸. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از آیت الله خامنه ای در نماز جمعه ی تهران، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۹. روزنامه ی رسالت، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

«وسائل ارتباط جمعی ایران و نیز بعضی از مقامات رسمی، اظهارات غیر دوستانه ای نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بیان می کنند. کوششهایی می شود (۱) تا سیاست اتحاد جماهیر شوروی در قبال ایران و جنگ ایران و عراق تحریف گردیده و تاریخ روابط دو جانبه میان دو کشور ما قلب (دگرگون) شود. (۲) .

آقای هاشمی در پاسخ به گله ی نماینده وزارت خارجه شوروی و اظهار گله مندی متقابل، ضمن اعلام سیاست ایران در مورد آینده عراق بر حاکمیت یکپارچه ی ملت عراق و مخالفت با تلاشهای امریکا در منطقه، تأکید کرد:

«مهمترین مسأله ما با روسها حمایت آنها از عراق است.» (۳) .

همچنین آقای هاشمی در دیدار با سفیر کوبا، با انتقاد از سیاستهای شوروی اعلام کرد:

«ما برای این حرکات شوروی تفسیر منطقی و عاقلانه ای نمی بینیم، شوروی چگونه حمایت از یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر همچون رژیم بعث عراق را بر حمایت از یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی ترجیح می دهد؟ سران شوروی اگر فکر نمی کنند که عراق به آنها وفادار می ماند در اشتباهند.» (۴) .

روسها در این زمینه در چارچوب استراتژی جدید منطقه ای خود عمل می کردند و توجه چندانی به دیدگاهها و مواضع ایران نداشتند.

در مجموع، در مقایسه بین امریکا و شوروی، با توجه به وضعیت حاکم بر منطقه و گستردگی تلاشهای شوروی، موقعیت این

۱- ۱۱۰. روزنامه سکوفسکی نووستی در این زمینه می نویسد: «در این اواخر در جراید ایران علنا به جار و جنجالی که در جهت شوروی ستیزی است دامن زده می شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۳۰ / ۲ / ۶۶).

۲- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۲ / ۶۶، مسکو خبرگزاری تاس، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۱۲. روزنامه ی کیهان، ۲۳ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۱۳. روزنامه ی رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

کشور (۱) مطلوبتر ارزیابی می شـد. (۲) زیرا مسـکو ضـمن ارتبـاط با کلیه ی کشورهای منطقه از طرحها و پیشـنهادهای نسـبتا روشن و قابل قبولی برای طرفهای ذینفع برخوردار بود و همین مسأله، مقدمات افزایش نفوذ شوروی را در منطقه فراهم ساخت. (۳).

ص: ۵۶

---

۱ – ۱۱۴. مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن ضـمن مقـایسه ی ریگان و گورباچف می نویسـد: «ریگان با لطمات شدیـد بـه نفـوذ خـود در منطقه خلیـج فـارس، خاورمیـانه و امریکـای مرکزی مـواجه شـده و به نقش آن در رهـبری علیه آنچه تروریسم بین المللی نامیـده می شود نیز آسیبهای جـدی وارد آمـده است. در عین حـال موقعیت میخائیـل گوربـاچف، حـالت عکس موقعیت ریگان را دارد و رهبری قاطع وی، حاکی از خارج شدن سیاست شوروی از وضعیت سنتی آن است.».

۲ – ۱۱۵. روزنـامه نیویـورک تـایمز در این زمینه می نویسـد: در حـالی که امریکـا درگیر رسـوایی مـاجرای شـکست سیاسـت نزدیکی بـا جمهوری اسـلامی ایران است، شوروی گامهای بلنـدی در جهت کسب نفوذ مجـدد خود در خاورمیانه بر می دارد. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۲ / ۶۶).

۳– ۱۱۶. روزنامه نیویورک تایمز در این زمینه می نویسـد: «شوروی یک رشـته اقـدامات دیپلماتیک را در خاورمیانه، با هدف تجدید نفوذ خود در منطقه آغاز کرده است.» (روزنامه ی جمهوری اسلامی ۲۲ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری کویت).

گسترش جنگ در خلیج فارس

زمینه های تشدید بحران در خلیج فارس و گسترش حضور امریکا در منطقه

درگیری در خلیج فارس و گسترش آن با حملات عراق به پایانه های نفت ایران در جزیره خارک در سال ۶۳ و سپس حمله به نفتکشها و کشتیهای ایران در سالهای بعد، بر پایه این تحلیل انجام گرفت که ایران مادامی که قادر به تولید و فروش نفت و سپس تهیه سلاح باشد، به جنگ ادامه خواهد داد. بنابراین، قطع صدور نفت ایران هسته مرکزی تلاشهای عراق را تشکیل می داد. گری سیک مشاور کارتر رئیس جمهوری وقت امریکا می گوید:

«عامل عمده ادامه جنگ از جانب ایران، صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می شود جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.» (۱) .

به موازات تلاش برای قطع صدور نفت ایران، امریکا به منظور جلوگیری از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح، اقدامات گسترده ای را با عنوان عملیات «استانچ» آغاز کرد. توافق جهانی علیه ایران به خاطر پافشاری بر حقوق حقه خود، از مهمترین دلایل هماهنگی برای فشار به ایران و واگذاری

۱- ۱۱۷. معاونت سیاسی سپاه، بولتن، بررسی، شماره ۳، مقاله نگاهی به بحران خلیج فارس، اردیبهشت ۶۷.

میـدان خلیج فارس به عراق، برای آغاز تهاجمات پی در پی بود. بعدها در گزارش کمیته روابط خارجی امریکا در مورد علت حمله عراق به نفتکشها چنین آمد:

«جنگ نفتکشها در نتیجه تمایل عراق به محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین المللی کردن مسئله جنگ آغاز گردید.» (۱) .

در همین زمینه، روزنامه گاردین علل رویکرد عراق به این اقدام را چنین ذکر می کند:

«عراق که در تابستان ۱۹۸۴ جنگ نفتکشـها را آغاز کرد، دو هـدف عمـده را دنبال می کرد. یکی قطع صادرات نفتی ایران و خنثی کردن برتریهـای رزمی ایران در جبهه هـا و دیگر توسـعه خطر در منطقه و جلب حمایت کشورهای عرب خلیـج فارس از بغداد و در صورت لزوم، باز کردن پای دخالت ابرقدرتها در این مناقشه.» (۲) .

در واقع، نـاتوانی عراق در نبرد زمینی و تلاش برای خنثی سازی برتریهای رزمی ایران، محور اصـلی اقـدامات عراق را تشـکیل می داد. فضـای بین المللی و اوضـاع حـاکم بر منطقه زمینه های تهاجم عراق به پایانه های نفت ایران و نفتکشـها را فراهم کرد. عراق چنیـن پیش بینی می کرد کـه ضـمن تضـعیف بنیه اقتصـادی ایران، بـا افزایش دخـالت قـدرتهای بزرگ و مـداخله آنهـا، موقعیت را برای افزایش فشار به ایران و پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران ضمن درک روشن نسبت به ماهیت تلاشهای عراق و حمایت بین المللی نسبت به این اقدامات، به دلیل گشایش یک جبهه جدید و همچنین نیازمندی به ارز حاصله از صادرات نفت، اساسا تمایل چندانی به گسترش دامنه ی بحران در خلیج فارس نداشت. لذا همین امر منجر به سیاست «مقابله به مثل» ایران به صورت«محدود» شد. آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

۱- ۱۱۸. پیشین.

۲- ۱۱۹. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

«هنگامی یک کشتی از دشمن هدف قرار می گرفت که پیش از آن یک کشتی از ما مورد اصابت قرار گرفته بود.» (۱) .

عراق دومین (۲) مرحله از جنگ نفتکشها را از آذر سال ۶۵ و متعاقب افشای ماجرای مک فارلین آغاز کرد. در این مرحله عراق به لحاظ درک و برداشتی که از ماهیت تلاشهای امریکا برای برقراری رابطه پنهانی با ایران و نیز شکست آن داشت، حملات خود را به نفتکشها از سرگرفت. مقابله به مثل ایران و افزایش احتمال گسترش دامنه جنگل، نگرانی حامیان منطقه ای و جهانی عراق را افزایش داد. در مجموع، طی مراحل مختلف، به ترتیب در سال ۱۹۸۵ تعداد ۴۷ فروند، در سال ۱۹۸۶ تعداد ۱۰۷ فروند و در سال ۱۹۸۷ تعداد ۱۸۷ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۳) این آمار نشان دهنده ی روند رو به گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس بود. (۴) .

نگرانی ناشی از پیدایش این وضعیت سبب گردید تا نشانه ها و علائم مداخله ی قدرتهای بزرگ در خلیج فارس آشکار شود، چنانکه برای نخستین بار، با درخواست کویت از امریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای این کشور در آذر سال ۱۳۶۵ آثار دیگر از مداخله بروز کرد. ابعاد و پیامدهای این امر، در آغاز امریکا را از پاسخ به درخواست کویت بازداشت. ضمن اینکه در این روند، تلاشهای میانجیگرایانه ی سازمان ملل سبب گردید حملات عراق به نفتکشها متوقف شود.

سومین مرحله از جنگ نفتکشها را عراق، پس از پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ شروع کرد. در این مرحله، تلقی و درک عراق از وضعیت حاکم بر جنگ (برتری نظامی ایران) و اوضاع نابسامان روحی و نظامی این کشور سبب

۱- ۱۲۰. مولانا، حمید، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، سخنرانی آقای هاشمی در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، سال ۶۸.

۲- ۱۲۱. اولین مرحله از جنگ نفتکشها از سال ۶۳ آغاز شد و به موازات جنگ شهرها کم و بیش ادامه داشت. ولی از سال ۶۵، به دلیل موقعیت برتر ایران وارد مرحله جدیدی شد که به لحاظ افزایش شدت و گسترش دامنه و نتایج آن، به منزله مرحله ی دوم ذکر شده است.

۳- ۱۲۲. لنجافسکی، جورج، رؤسای جمهوری امریکا و خاورمیانه از ترومن تا ریگان، ترجمه ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ۱۳۷۳، به نقل از گزارش شرکت بیمه دریایی لویدز لندن، ص ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

۴- ۱۲۳. فهرست حملات عراق به کشتیهای تجاری و نفتکش طی سال ۶۶ در ضمیمه ی کتاب درج شده است.

گردیـد تا حملات عراق به نفتکشـها و همچنین حمله به پایانه های نفت ایران، بدین منظور پی گیری و انجام شود که علاوه بر بین المللی کردن جنـگ، بنیه ی اقتصـادی ایران را نیز بشـدت تضـعیف نمایـد. بر همین اسـاس، موج جدیـد حملاـت عراق از شدت بسیاری برخوردار شد، چنانکه در ۶ ماهه اول سال ۱۹۸۷ در مجموع ۳۳۳ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۱) .

این آمار نشان می دهـد که مجموع کشتیهایی که طی ۶ ماه مورد حمله قرار گرفتند با مجموع کشتیهایی که طی ۳ سال قبل از آن از حملات آسیب دیدند، برابر است.

بنابراین، پیـدایش وضـعیت جدیـد در خلیج فارس بر اثر حملات عراق، موقعیتی را به وجود آورد که مشـخصه ی آن گسترش دامنه جنگ و بین المللی شدن آن بود.

ایران در اوضـاع جدیـد در موقعیت دشواری قرار داشت. بـدین معنـا که عـدم مقابله به مثل، منجر به افزایش حملات عراق می شد و از سوی دیگر، هر گونه مقابله به مثل نیز زمینه را برای گسترش دامنه ی جنگ و بین المللی شدن آن فراهم می کرد. لذا همانگونه که اشاره شـد، ایران استراتژی «مقابله به مثل محـدود» و «ضـربه در برابر ضـربه» را به منظور محـدود کردن تهاجمات عراق، اتخاذ کرد.

واکنش امریکا و توافق با کویت برای اسکورت نفتکشها

همانطور که پیش بینی می شد، نتایج ناشـی از پیدایش وضـعیت جدید در خلیج فارس و احتمال گسترش دامنه جنگ بهانه ای به دست امریکـا داد تـا تحت عنـوان نگرانی از ادامه ی جنـگ، حضـور خـود را در خلیـج فـارس توجیه نمایـد. ریگـان، رئیس جمهور وقت امریکـا، بیـانیه ای در این خصوص صـادر کرد. منـدرجات بیـانیه، مبنی بر تـأثیر گسـترش و ادامه جنـگ بر منـافع استراتژیک امریکا و امنیت دوستان آن کشور در منطقه یعنی به منزله ی آشکار شدن سیاست

ص: ۶۰

۱- ۱۲۴. پیشین.

امریکا در حمایت از عراق و تهدید ایران بود. در این بیانیه آمده است:

«ما در نگرانی دوستانمان در منطقه خلیج فارس مبنی بر اینکه جنگ ممکن است گسترش یابد و امنیت آنها را مورد تهدید قرار دهد، سهیم هستیم. ما گسترش جنگ را به عنوان تهدیدی علیه منافع خود و دوستانمان در منطقه تلقی می کنیم.» (۱) .

آقای هاشمی، تنها یک روز پس از صدور بیانیه ریگان، در نطق قبل از دستور مجلس ضمن برملا ساختن ماهیت تلاشهای جدید امریکا در حمایت از عراق، در مورد توسعه دامنه جنگ اظهار داشت:

«مگر ما می خواستیم جنگ را توسعه دهیم؟... این شما هستید که مدام تحریک می کنید که یک حادثه ای در منطقه به وجود بیاید. آنها را تحریک می کنید که خودشان را (کشورهای منطقه) در جنگ شریک کنند. به آنها بگویید خودشان را کنار بکشند. نصیحتی که ما می کنیم این است که آنها شریک جنگ نباشند. ما با آنها رفیقیم. با آنها روابط صمیمی داریم. با آنها می توانیم برادری داشته باشیم. همکاری داشته باشیم.» (۲) .

سپس ایشان با اشاره به تأثیرات افشای ماجرای مک فارلین در بی اعتبار ساختن سیاست امریکا در منطقه و تلاش برای احیاء آن اضافه می کند:

«ما حدس می زنیم که شما این حرفها را به خاطر وضع سیاسی اخیرتان می گویید.» (۳) .

ایران که پیش از این خواستار حذف صدام به عنوان پیش شرط پایان بخشیدن به جنگ بود، نسبت به مواضع اخیر امریکا احساس نگرانی می کرد. متقابلا امریکاییها نیز برای تفهیم سیاست جدید خود، مواضع نسبتا شدیدی علیه ایران اتخاذ کردند چنانکه ریگان مجددا ایران را تروریست نامید. روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا در مورد ضرورت تصحیح سیاست امریکا و تفهیم

۱- ۱۲۵. روزنامه ی رسالت، ۴ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

۲- ۱۲۶. اداره کل تندنویسی مجلس شورای اسلامی، «روزنامه رسمی»، (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی)، دور دوم جلسه ۳۶۶، ۵ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۱۲۷. پیشین.

آن به ایران به نقل از یک کارشناس امریکا در مسائل خاورمیانه نوشت:

«ایرانیان به دلایل فراوانی متقاعد شده اند که امریکا هیچ کاری در جلوگیری از شکست عراق نمی تواند بکند و این چیزی است که دولت ریگان باید تصحیح کند. در غیر این صورت، امریکا و متحدینش نسلها متأسف خواهند بود.» (۱) .

همین کارشناس در ادامه مطلب خود، درباره ضرورت حضور امریکا در منطقه به منظور هشدار به ایران و حفظ عراق در برابر ایران، می نویسد:

«حضور قدرتمند نیروی دریایی امریکا درخلیج فارس که ایران آن را به دریاچه ای خصوصی تبدیل خواهد کرد، لازم است.» (۲) .

بر پایه همین ضرورتها، امریکاییها که بیش از این به درخواست کویت برای اسکورت نفتکشها پاسخ منفی داده بودند، در برابر اظهارات وزیر خارجه کویت، (۳) پیشنهاد خود مبنی بر اسکورت نظامی نفتکشها را اعلام کردند. (۴) روزنامه نیویورک تایمز این پیشنهاد را بخشی از تصمیمات دولت امریکا برای کسب اعتبار از دست رفته این کشور در جهان عرب، پس از فروش سلاح به ایران ارزیابی کرد. (۵) در ادامه واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، ضمن تشریح سیاست امریکا و تهدید ایران اعلام کرد:

«در صورتی که ایران بکوشد خروجی خلیج فارس را مسدود کند، در طرحهایی، بمباران این کشور با استفاده از ناوهای مستقر در منطقه پیش بینی شده است.... ما کاملا آماده هستیم برای ترافیك دریایی دائم و

۱- ۱۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۶۵.

۲- ۱۲۹. پیشین.

۳- ۱۳۰. وزیر خارجه ی کویت اعلام کرد که دو ابرقدرت باید مسؤولیتهای خود را برای حفاظت از کشتیرانی در منطقه برعهده گیرند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی ۴ / ۱ / ۶۶).

۴- ۱۳۱. رادیو امریکا در تاریخ ۵ / ۱ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورك تایمز، ضمن اشاره به پیشنهاد امریکا به کویت برای حفاظت کشتیهای متعلق به کویت، در توضیح آن می گوید: «حدود یك ماه پیش از جانب کویت تقاضا شد...» کویت در واقع هم از امریکا و هم از شوروی تقاضای کمک و همراهی دریایی کرده است.

۵- ۱۳۲. روزنامه ی رسالت، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

نیز تضمین آزادی کشتیرانی، آنچه را که لازم باشد، انجام دهیم.» (۱) .

تلقی ایران از مواضع تهدیدآمیز امریکا سبب گردید سخنگوی کاخ سفید اعلام نماید که ما هیچ کس را تهدید نکرده و صرفا مواضع خود را درباره منافع استراتژیک امریکا در خلیج فارس توضیح داده ایم. (۲) روزنامه پراودا چاپ مسکو نیز ضمن بی فایده دانستن حضور دریایی امریکا در منطقه و تهدیدات فزاینده اش مبنی بر استفاده از این نیروها برای حفظ امنیت خطوط کشتیرانی نوشت:

«این اقدام امریکا برعکس بزرگترین تهدید برای خطوط کشتیرانی خلیج فارس محسوب می شود و این مسئله حتی برای متحدین امریکا نیز روشن است.» (۳) .

افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه به بهانه اسکورت نفتکشها، بازتاب نسبتا گسترده ای را در پی داشت. چنانکه برابر اظهارات یک منبع کویتی، این کشور ضمن رد کردن درخواست امریکا و تأکید بر اینکه این مسئله به معنای تشدید تشنج در خلیج فارس می باشد، این موضوع را مورد تأکید قرار داد که کویت ترجیح می دهد نفتکشهایش با پرچم امریکا حرکت کنند تا اینکه تحت محافظت باشند. در واقع، کویتیها با مشاهده بازتاب و انعکاس پیشنهاد امریکا، نسبت به مواضع قبلی خود عقب نشینی کرده و در توضیح اصل پیشنهاد امریکا اعلام کردند که آنچه کویت درصدد انجام آن بوده است، تغییر تابعیت کشتیها است و این کشور مایل به درگیری در اسکورت نظامی نفتکشها نیست. (۴) .

بنابر توضیح یک منبع کویتی، اندیشه ی اسکورت نفتکشها را نخستین بار وزیر دفاع امریکا در اواخر اسفند سال ۶۵ (اوائل مارس ۱۹۸۷)، طی نامه ای به دولت کویت مطرح کرد. اما تمهید کویت، اجاره یا ثبت نفتکشهای خود به

۱- ۱۳۳. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از ان. بی. سی.

۲- ۱۳۴. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۳۵. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۴- ۱۳۶. روزنامه ی رسالت ۱۰ / ۱ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از منبع کویتی.

عنوان اموال یک کشور دیگر بوده است.

متعاقب تغییر موضع کویت، یک مقام امریکایی اصرار این کشور را بر تکذیب گزارشهای مربوط به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نظامی متأثر از تقبیح شدید این مسئله از سوی ایران ذکر کرد. (۱) همچنین روزنامه ی واشنگتن پست در توضیح پیشنهاد امریکا به کویت به این مسئله اشاره کرد که کویت از امریکا درخواست کرده بود که نفتکشهایش را در امریکا به ثبت برسانند و آنها را به عنوان نفتکش امریکایی به رسمیت بشناسند. امریکا ضمن پذیرش درخواست کویت، با درنظر گرفتن ابعاد حقوقی، دو پیشنهاد جدید را مطرح کرد. نخست آنکه نفتکشهای کویتی با پرچم امریکا حرکت کنند و دوم اینکه توسط ناوگان دریایی امریکا اسکورت شوند. در این زمینه روزنامه ی واشنگتن پست نوشت:

«اگر چه گفته می شود که کویت پیشنهادهای جدید واشنگتن را رد کرده است، اما نباید از اصل موضوع، در مورد استمدادهای عاجزانه دربار کویت از امریکا غافل شد!» (۲) .

چند روز بعد، وزیر خارجه کویت با تأکید بر این مسئله که حراست از تنگه هرمز بیشتر یک مسئولیت بین المللی است تا مسئولیت کویت و سایر کشورهای منطقه، خاطر نشان ساخت که کشور متبوعش نمی تواند تلاش ابرقدرتها برای تضمین آزادی کشتیرانی را در این منطقه محکوم کند. (۳) .

در عین حال، امریکا به تلاشهای خود برای گسترش حضور نظامی در منطقه ادامه داد. ضمن آنکه وزیر خارجه امریکا طی سفر به چین، برای متقاعد ساختن این کشور نسبت به ممانعت از واگذاری موشکهای کرم ابریشم به ایران، مذاکراتی به عمل آورد، لیکن موفقیتی به دست نیاورد. در این میان، رادیو امریکا درباره استقرار موشکهای ایران در تنگه هرمز که پیش از این امریکاییها در آن باب از طریق سوئیس به ایران اعتراض کرده بودند، به عنوان پوشش برای

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۳۹. روزنامه ی کیهان، ۶ / ۱ / ۶۶، فرانس پرس، به نقل از وزیر خارجه کویت.

حضور امریکا در منطقه می گوید:

«استقرار اخیر موشکهای ضـد کشتی ساخت چین توسط ایران در نزدیکی تنگه هرمز، موجب نگرانیهای تازه ای پیرامون نیات رهبران ایران شـده است... وزارت دفاع امریکا برای اطمینان از بازمانـدن این آبراه به روی آمـد و شد کشتیها، برنامه ریزی می کند تا به حضور دائمی نیروی دریایی امریکا در اقیانوس هند تداوم بخشد.» (۱) .

بر همین اسـاس، وزیر دفـاع امریکـا به نـاو هواپیمـابر کیتی هـاوک و رزم ناوهای متعـددی که همواره آن را همراهی می کنند دستور داد به مدت سه ماه در دریای عمان و در نزدیکی تنگه هرمز باقی بمانند.» (۲) .

در وضـعیتی که امریکا سـعی داشت وانمود کنـد از درخواست کویت مبنی بر اجاره نفتکشـها و یا حرکت آنها با پرچم امریکا امتنـاع دارد و کویت نیز برای پـذیرش اسـکورت نظـامی نفتکشـها تحت فشـار بود، روسـها موافقت خود را با اجاره نفتکش به کویت بـا شـرط برخورداری از تسـهیلات بنـدری اعلام کردنـد. (۳) ایـن مسـئله امریکاییهـا را بـا دشـواری رو به رو سـاخت و سرانجام کویت در مورد اجاره سه نفتکش از شوروی، بـدون در اختیار گـذاردن تسـهیلات بنـدری، با روسـها به توافق رسـید. رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی در مورد بازتاب این توافق و نگرانی امریکاییها می گوید:

«نگرانی امریکـا در این است که عملی شـدن یـک چنین طرحی می توانـد بـدون آنکه شوروی را از نظر سیاسـی در یـک نوع پیمان دفاع منطقه ای متعهد کند، به آن کشور یک نقش مهم نظامی در خلیج فارس بدهد که تاکنون فاقد آن بوده است.» (۴) .

ص: ۶۵

۱- ۱۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۹، ۱۹ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۱. پیشین، رادیو بی بی سی، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۴۲. سه نفتکش روسـی به نـام سـرداران نظـامی روس در جنـگ جهانی دوم عبارت بودنـد از: مارشال باگرامیان، مارشال چخوف و مارشال مایکوپ که در اجاره کویت قرار گرفتند.

۴- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۰، ۲۰ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۹ / ۱ / ۶۶.

با انتشار خبر توافق کویت و شوروی، رئیس بخش مطبوعاتی وزارت خارجه شوروی در توضیح آن اعلام کرد:

«این کشور به زودی سه نفتکش ساخت این کشور را برای مدت سه سال که قابل تمدید نیز می باشد به کویت کرایه خواهد داد. براساس توافقی که در این زمینه به عمل آمده، این نفتکشها احتمالا چنانچه لازم باشد، به وسیله نیروی دریایی شوروی اسکورت خواهند شد.» (۱) .

برخی از تحلیلگران چنین پیش بینی می کردند که ایران از مقابله با اقدامات شوروی خودداری خواهد کرد. حال آنکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل رسما اعلام کرد:

«جمهوری اسلامی ایران کشتیهای بازرگانی را با هر پرچمی که حرکت کنند متوقف ساخته و آنها را بازرسی خواهد کرد، خواه با پرچم امریکا و خواه با پرچم هر کشور دیگری حرکت کنند، هیچ تفاوتی نمی کند.» (۲) .

نظر به اینکه حضور امریکا و شوروی در خلیج فارس، عمدتا به بهانه وجود ناامنی در منطقه صورت می گرفت، لذا پس از تغییر و تحولاتی که در این زمینه صورت گرفت آقای هاشمی در نماز جمعه تهران ضمن تأکید بر این مسئله که «اربابان صدام سعی دارند به هر طریقی که شده صدام را حفظ کنند» و این مسئله را بهانه ی «حفظ امنیت منطقه» و جلوگیری از مقابله به مثل ایران قرار داده اند؛ در مورد نحوه ی تأمین امنیت منطقه، خطاب به کویت و عربستان اعلام کرد:

«اگر کویت و عربستان واقعا امنیت خلیج فارس را می خواهند، هیچ نیازی به درخواست کمک از امریکا و شوروی وجود ندارد. بلکه کافی است که این کشورها به عراق اجازه ندهند که کشتیهای نفتکش و تجاری ما را مورد حمله قرار دهد. آنگاه هیچ مقابله به مثلی از سوی ایران انجام نخواهد گرفت و امنیت خلیج فارس تأمین می شود... ماامنیت خلیج فارس را بیش

۱- ۱۴۴. روزنامه ی رسالت ۲۶ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۱۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۳، ۲۳ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱ / ۶۶، به نقل از رجایی خراسانی نماینده ی ایران در سازمان ملل.

از شـما می خواهیم، زیرا امروز نیروهای ما بایـد در جبهه ها باشـند نه در خلیج فارس. اگر در خلیج فارس شـرارتی نشود، هیچ امنیتی به خطر نخواهد افتاد.» (۱) .

در عین حـال ایران به قـدرتهای بزرگ هشـدار داد که در پاسـخ به تشـنج آفرینی در منطقه، تنهـا منـافع اسـتکبار جهـانی مورد تهاجم بیشتر قرار خواهد گرفت. (۲) همچنین آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«من فکر نمی کنم که چنانچه نفت بعضی از کشورهای خلیج فارس با کشتیهای امریکا یا شوروی حمل شود مصونیت پیدا می کند. چرا که به هر حال مقابله به مثل انجام می گیرد و ما وحشتی نداریم از اینکه یک کشتی دیگری آنجا حاضر باشد.» (۳) .

منطق حـاکم بر رفتـار و عملکرد امریکـا و شـوروی، تـأمین امنیت در منطقه بـدون تـوجه به منـافع ایران بود. بـدین معنـا که به اقدامات عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای تجاری ایران، توجهی نکرده و تنها در صورت مقابله به مثل ایران، شعارهایی را مبنی بر ضـرورت تـأمین امنیت عنوان می کردنـد. این امر حاکی از آن بود که در قاموس آنها امنیت عمـدتا مفهومی جز تأمین منافع قـدرتهای بزرگ و رژیم عراق نـداشت. بر همین اسـاس، ایران نیز ضـمن تأکیـد بر ادامه سیاست و مقابله به مثل، بر این مسـئله تأکیـد می کرد که در خلیـج فارس یا امنیت برای همه و از جمله ایران، یا برای هیچ کس. (۴) وزارت خارجه ی ایران نیز طی اعلامـیه ای بـا اشاره به تحولات در خلیـج فارس، مواردی را موردتأکیـد قرار داد و از جمله اینکه تأمین امنیت در خلیـج فارس برعهـده ی کشورهـای منطقه است و ایران به خاطر ساحل طولانی، بیش از هر کشور دیگری خود را ملحق دانسـته و به این امر اهتمام می ورزد. همچنین به این مسـئله اشاره شـد که پـذیرش قیمومیت ابرقـدرتها می تواند امنیت منطقه را به خطر اندازد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به ضرورت قطع کمکهای نظامی - اقتصادی به عراق برای پایان بخشیدن به

۱- ۱۴۶. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۱ / ۶۶، نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۷. روزنامه ی جمهوری اسلامی،۳۱ / ۱ / ۶۶، میر حسین موسوی نخست وزیر.

۳- ۱۴۸. روزنامه ی کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶، مصاحبه ی مطبوعاتی.

۴- ۱۴۹. روزنامه ی کیهان، ۵ / ۲ / ۶۶، آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت.

جنگ، مجددا نسبت به سیاست ایران مبنی بر مبارزه ی قاطع برای خشکانیدن ریشه های تجاوز، تأکید شد. (۱) .

موضع گیری در مورد اقدام شوروی برای اجاره دادن نفتکش به کویت، مناسبات ایران و شوروی را تحت تأثیر قرار داد. رئیس جمهور وقت ایران ضمن اظهار تعجب از اقدام شوروی به آنها هشدار داد: «این امر به سود شوروی نخواهد بود.» این اظهارات به منزله شدید اللحن ترین بیان، در خصوص تلاش شوروی برای حضور در منطقه خلیج فارس، مورد ارزیابی قرار گرفت.» (۲) متقابلاـ یکی از مقامات رسمی شوروی در مورد احتمال حمله به نفتکشهای حامل پرچم شوروی اظهار داشت: «مسکو قاطعانه پاسخ خواهد داد.» (۳) .

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از مدتها پیش برای مقابله به مثل آماده شده بود، (۴) پس از تحولات جدید، به تشکیل منطقه ی یکم دریایی شامل تیپهای

۱- ۱۵۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۵ / ۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۴ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۲. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از ایوانف گالیستین رئیس بخش امور کشورهای عربی حوزه ی خلیج فارس در وزارت خارجه ی شوروی.

۴- ۱۵۳. ورود سپاه به عرصه جنگ در دریا گر چه سازمان دریایی سپاه از سال ۶۰ تدریجا شکل گرفت، ولی سپاه عملا وارد خلیج فارس نشده بود. اصولاـ توان سپاه برای اجرای مأموریت روی آب با عملیات آبی - خاکی خیبر در سال ۶۲ و بدر در سال ۶۳ و فاو در سال ۶۴ رو به افزایش نهاد و از سازمان نسبتا مناسبی برخوردار شد. در این روند، عملیات کربلای ۳ روی اسکله العمیه اولین عملیات سپاه در دریا بود که در شهریور سال ۶۵ انجام گرفت و نقش بسیار تعیین کننده ای در فراهم سازی ورود سپاه به «جنگ در دریا» داشت. پس از عملیات والفجر ۸، در سال ۶۵ فرمانده عالی قرارگاه خاتم الانبیاء، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ به سپاه ابلاغ کرد تا راه مقابله با عراق در دریا را مورد بررسی قرار دهد. با اوجگیری حملات عراق به کشتیها، در اوج عملیات کربلای ۵، برادر علایی (فرمانده قرارگاه دریایی نوح) منطقه عملیات کربلای ۵ را به سمت خلیج فارس ترک کرد. سپاه پس از حضور در دریا و مشاهده وضعیت و با توجه به ویژگیهای کار در دریا و ابعاد فنی و علمی آن، کلیه نقشه ها و مدارک مورد نیاز را جمع آوری و پس از شناخت نسبتا عمیق از کار در این عرصه، جمع بندی و تجزیه و تحلیل خود را به مسؤولین و تصمیم گیرندگان منتقل کرد. در این مرحله، سپاه سازماندهی دریایی خود را به تناسب مأموریت در خلیج فارس تغییر داد. برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه و با توجه به نیازهای موجود، پایگاه یکم دریایی در بندر عباس؛ پایگاه دوم دریایی در بوشهر و پایگاه سوم دریایی در ماهشهر تشکیل شد و امکانات سپاه در سه شهر بندر عباس، ماهشهر و بوشهر در اختیار سه پایگاه دریایی یکم، دوم و سوم قرار گرفت. در این مسیر ضرورت برخورداری از تاکتیک مناسب برای کار در دریا، با توجه به ویژگیهای آن و تجهیزات و تواناییهای خودی و راه کارها و توانایی دشمن، مورد بررسی و توجه قرار گرفت و سرانجام علاوه بر اتخاذ تاکتیک مناسب، از ابزار و لوازم مورد نیاز آنچه که موجود بود به منطقه منتقل و برای خرید و ساخت سایر موارد اقدام شد. بدین ترتیب درآغاز سال ۶۶ سپاه از آمادگی لازم برای انجام مأموریت در دریا برخوردار شد.

قدرت خلاقیت و انعطاف سپاه سبب گردید تا در حد فاصل کمتر از چهار ماه پس از حضور جدی در خلیج فارس، سپاه از فروردین سال ۶۶ اولین مأموریت دریایی خود را اجراء نماید. این اقدام و حضور دریایی سپاه در خلیج فارس نقطه عطف و تحول در جنگ بود که در محاسبات ناظرین و تحلیلگران مورد توجه قرار نگرفته بود ولی آثار و نتایج تعیین کننده ای را بر جای نهاد. در سال ۶۶ متعاقب تشدید درگیری در خلیج فارس و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها در برابر خود با دو پدیده جدید «مین» و «قایقهای تندرو» رو به رو شدند که در محاسبات خود را به طور جدی به آن نپرداخته بودند و یا تصور می کردند حضور ناو جنگی امریکا همراه با تبلیغات می تواند اوضاع را به سود امریکاییها تغییر داده و تحت کنترل آنها درآورد. به رغم تبلیغات امریکاییها مبنی بر توانایی خنثی کردن مین و در موقعیتی که «کشتی مین روب» اولین کاروان اسکورت نفتکشها را همراه با خبرنگاران همراهی می کرد، نفتکش امریکایی با مین اصابت کرد و امریکاییها هرگز نتوانستند این مسأله را حل نمایند. آنها تنها کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به بهانه اینکه در حال مین ریزی بود مورد حمله قرار دادند. در مورد قایقهای تندرو، امریکاییها با اتکاء به تجربه عراق برای استفاده از هلیکوپتر که پیش از این در عملیات کربلای ۳ برای مقابله با قایقهای سپاه مورد استفاده قرار داد بود، تصور می کردند به دلیل عدم پوشش هوایی، قایقها به شدت آسیب پذیر هستند، لذا می توانند با اتکاء به هلیکوپترهای او. اچ. ۶ هیوز که دارای دو سرنشین می باشد و از عینکهای مادون قرمز جهت دید در شب برخوردار و بدون سر و صدا حرکت می کند و می تواند اشیاء و اهداف را در ماورای بر دراکتها و فراتر از حیطه شنیدن اصوات مشاهده نماید، با قایقهای تندرو مقابله کنند. در هر صورت، امریکاییها برای مقابله با قایقهای تندرو نه تنها موفقیتی کسب نکردند، بلکه یک فروند هلیکوپتر امریکا نیز در درگیری با قایقهای سپاه سقوط کرد. حضور سپاه نتایج و تأثیرات دیگری نیز در برداشت که بخشی از آنها به شرح زیر می باشد: ۱- محاسبات دشمن مبنی بر ناتوانی ایران برای پاسخ و مقابله در هم ریخت و عراق برای خودداری از حمله شدیدا تحت فشار قرار گرفت. ۲- قدرتهای بزرگ برای مهار بحران وارد منطقه شدند لیکن دامنه بحران و درگیری رو به گسترش نهاد. ۳- بن بست موجود برای مقابله به مثل شکسته شد و سپاه با توانی تازه به عنوان یک عامل جدید وارد صحنه جنگ در دریا شد. (متن پاورقی پس از مصاحبه با سردار علایی فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه و سردار فدوی معاونت اطلاعات این نیرو تهیه و تنظیم شده است.).

موشکی، توپخانه و ناوتیپهای دریایی اقدام کرد. (1) .

ص: ۶۹

۱- ۱۵۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از برادر علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه.

سرانجام، به رغم تمامی تهدیدات، ایران یک کشتی باری با پرچم کویت را در نزدیکی ساحل ابوظبی به مدت دو ساعت توقیف کرد و محموله آن را مورد بازرسی قرار داد. این اقدام سبب گردید تا سیاست ایران به عنوان یک سیاست محکوم مورد ارزیابی قرار گیرد. (۱) دو هفته بعد نیز کشتی باری شوروی به نام ایوان کارسیف مورد حمله قرار گرفت. (۲) بیمه لویدزلندن ضمن اشاره به اینکه این نخستین بار است که کشتی روسی در منطقه مورد حمله قرار می گیرد، از این حادثه به عنوان یک «تحول برجسته» یاد کرد. (۳) همچنین روزنامه لوموند به این مسئله اشاره کرد که:

«اقدام ایران این نکته را ثابت می کند که این کشور نمی خواهد تحت تأثیر چنین تهدیدهایی قرار گیرد.» (۴) .

روزنامه های امارات متحده نیز به این مسئله اشاره کردند که اقدام ایران، دلیلی بر عزم راسخ این کشور جهت مقابله با ابرقدرتها در خلیج فارس است. (۵) .

در این روند، روسها مواضع احتیاط آمیزی را اختیار کردند. ضمن اینکه حمله به کشتی شوروی به منزله ی علامتی به امریکا نیز محسوب شد. به همین دلیل وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که امریکا با رسیدگی به پیشنهاد ثبت کشتیهای کویت، به عنوان کشتیهای امریکا، قصد تحریک ایران را ندارد. (۶) .

همچنین مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز اعلام کرد: «ما هر گونه حمله علیه یک کشتی امریکایی را مسأله ای وخیم تلقی می کنیم.» وی ضمنا تأکید کرد که حمله به نفتکشهای کویتی حامل پرچم امریکا به معنی حمله به نفتکشهای کویتی نخواهد بود. (۷) .

توضیحات توأم با تهدید امریکاییها، عمدتا به دلیل نگرانی از گرفتار شدن آنها به سرنوشت کشتی باری روسی بود. به عبارت دیگر امریکاییها در عین آنکه نسبت به گسترش نفوذ شوروی در منطقه ی خلیج فارس نگران بودند، ولی از جمله به کشتی باری روسی می توانستند خرسند باشند، گر چه تداوم این وضعیت برای

۱- ۱۵۵. روزنامه ی رسالت ۶ / ۲ / ۶۶ و خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از دوید رلیت چاپ لندن.

۲- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۵۸. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۱۰، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از روزنامه ی لوموند، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۰ / ۲ / ۶۶.

۶- ۱۶۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲ / ۲ / ۶۶.

۷- ۱۶۱. پیشین.

آنها نیز نگران کننده بود.

امریکاییها، ضمن اینکه حضور روسها در خلیج فارس را بهانه ی خوبی برای حضور خود می دانستند، در برابر این اتهام که حضور امریکا یک نوع بهانه جویی و عامل تشنج بیشتر در منطقه خواهد بود، «توانایی محدود کشورهای منطقه» و تأمین امنیت را در منطقه به عنوان یک «مسئولیت جهانی» (۱) مورد استناد قرار دادند. همچنین به منظور رفع نگرانی ایران نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، ریچارد مورفی اعلام کرد که امریکا به هیچ وجه خواهان رویارویی با ایران نیست. (۲) سخنگوی پنتاگون نیز توضیح داد که امریکا سرگرم مشورت با کویت است تا نفتکشهای این کشور را به نام کشتیهای امریکا و تحت پرچم این کشور به ثبت برساند. (۳) سایر اخبار و گزارشها نیز نشانگر توافق امریکا و کویت بود. چنانکه خبرگزاری رویتر، خبری را به نقل از مقامات امریکایی مخابره کرد مبنی بر اینکه امریکا در آستانه ی توافق با کویت است. (۴) همچنین تهدید ایران از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا نیز قابل توجه و نشانگر توافق امریکا و کویت و به منزله موضع گیری جدید امریکا ارزیابی می شد. (۵) در این روند، سرانجام ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه ی امریکا، توافق امریکا با کویت را اعلام کرد:

«امریکا به منظور تضمین آزادی کشتیرانی از طریق تنگه هرمز، با ارائه پوشش حفاظتی برای کشتیهایی از کویت که تحت پرچم امریکا به ثبت برسند، موافقت کرده است.»

مورفی همچنین در توجیه سیاست جدید امریکا مبنی بر اینکه این خط مشی تازه ای نیست گفت:

۱- ۱۶۲. وزیر خارجه کویت به منظور توجیه درخواست برای حفاظت از نفتکشهای کویت اعلام کرد که تأمین امنیت در منطقه یک مسئولیت جهانی است.

۲- ۱۶۳. روزنامه ی رسالت، ۳ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶، ریچارد مورفی.

۳- ۱۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۷ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رابرت سلز سخنگوی وقت پنتاگون.

۴- ۱۶۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۶۶. روزنامه ی رسالت، ۲۳ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دیلی تلگراف.

«حفـاظت امریکـا نشانه خط مشـی تازه ای نیست آنچه ما از آن سـخن می گوییم، برنامه ای برای به اجرا گذاشـتن قـدیم ترین اصول سیاست امریکا، که آزادی کشتیرانی است، می باشد.»

و همچنین خطاب به ایران اظهار داشت:

«اقدام امریکا نباید به عنوان یک اقدام تحریک آمیز علیه ایران تلقی گردد.» (۱) .

بلافاصله رئیس قوه قضائیه ایران، در نماز جمعه تهران، پس از اعلام رسمی موافقت امریکا و کویت اظهار داشت:

«اگر رزمنـدگان مـا در حملـه بـه کشـتی کـویت بـه خـاطر همجـواری تردیـد بـه خـود راه بدهنـد، در حملـه بـه کشـتی امریکا کوچکترین تردیدی به خود راه نخواهند داد.» (۲) .

در این میان، برخی از نشریات کویت نیز تصمیم این کشور را به منزله لطمه به استقلال کویت ذکر کردند. الانباء در این زمینه نوشت:

«هیچ کس باور نداشت که روزی ما مجبور شویم پرچمهای بیگانگان را بر نفتکشهای ملی خودمان برافرازیم.» (۳) .

پیدایش وضعیت جدید در منطقه، با حضور امریکا و شوروی به بهانه تأمین امنیت و آزادی کشتیرانی در آبراه بین المللی خلیج فـارس، بـه منزله آغـاز مرحله ای جدیـد در جنـگ و تغییر رونـد آن به زیـان ایران و به سـود عراق مـورد ارزیـابی قرار گرفت. روزنامه واشنگتن پست دراین زمینه نوشت:

«این شرکت، به مثابه هشدار دو ابرقدرت به تهران مبنی بر بی نتیجه بودن راه حل نظامی است.»

این روزنامه همچنین در مورد نتایج تصمیم امریکا و شوروی چنین اظهارنظر کرد: «نکوهش دخالت واشنگتن و مسکو از سوی رهبران ایران، نشانگر نگرانی

۱- ۱۶۷. روزنامه ی اطلاعات، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از یونایتدپرس.

۲- ۱۶۸. روزنامه ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، خطبه های نماز جمعه ی تهران، آیت الله موسوی اردبیلی، امام جمعه موقت تهران.

۳- ۱۶۹. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۲ / ۶۶، به نقل از الانباء، چاپ کویت.

عمیق تهران نسبت به این تحولات و ناظر بر از بین رفتن امیدهای محافل مذهبی ایران مبنی بر احراز پیروزی نظامی نهایی بر عراق است.» (۱) .

رادیو اسرائیل نیز به نقل از آگاهان سیاسی امریکایی همین مسئله را به نوعی دیگر بیان کرد:

«با ورود دو ابرقدرت امریکا و شوروی به خلیج فارس، حکومت اسلامی ایران اجازه نخواهد یافت به یک پیروزی نظامی بر عراق دست یابد.» (۲) .

اظهار نظرهایی که در این زمینه از سوی مقامات رسمی و یا تحلیلگران بیان شد، پیش از آنکه بیانگر اهداف سیاستهای امریکا و شوروی باشد، نتایج ناشی از حضور آنها را توجیه می کرد. در واقع، منافع امریکا و شوروی در منطقه و تغییرات ناشی از پیروزی احتمالی ایران، محرک اصلی دو کشور برای حضور مستقیم و فعالانه در جنگ بود. در حالی که پیش از این، هر دو ابرقدرت سعی داشتند نقش پشت پرده داشته باشند، اما پیروزیهای جدید جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ و تأثیر پیروزی احتمالی ایران بر سرنوشت عراق و منطقه، ابرقدرتها را چنان نگران کرده بود که ناچار از حضور آشکار در صحنه ی جنگ گردیدند. «گری سیک»، مشاور کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، در جهت توجیه حضور امریکا تلویحا به این مسئله اشاره می کند و می گوید:

«امریکا و بسیاری از دیگر قدرتها در قسمت اعظم دوران جنگ ایران و عراق با این باور که نمی توانند تأثیر زیادی بر آن داشته باشند و این جنگ بر تولیدات نفتی چندان مؤثر نیست، خود را از آن دور نگه می داشتند. اما در سال ۱۹۸۵ - ۸۶، زمانی که ایران به تلافی حملات هوایی عراق به کشتیهای در حال حرکت خود، شروع به استفاده از مین و قایقهای مسلح کوچک علیه کشتیهای بی طرف در مسیر کویت و عربستان سعودی نمود، این رویه (بی تفاوتی ابرقدرتها) تغییر یافت.» (۳) .

۱- ۱۷۰. روزنامه ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، واحد مرکزی خبر، واشنگتن پست چاپ امریکا.

۲- ۱۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۸ / ۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۲۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۲. منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی، مقاله ی گری سیک.

در هر صورت، با افزایش حضور امریکا و شوروی در منطقه که بعدها به حضور ناتو نیز منجر شد، جنگ ایران و عراق ابعاد گسترده تری یافت. در این روند، منافع بین المللی در گرو پایان جنگ بود و به همین دلیل پافشاری ایران بر تأمین حقوق حقه ی خود سبب گردید تا فشارهای امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ، اساسا روی ایران متمرکز شود.

حمله عراق به ناو امریکایی استارک

وقوع دو حادثه ی برخورد نفتکش مارشال چخوف (۱) متعلق به شوروی با مین و اصابت موشک اگزوسه هواپیمای عراقی به ناو امریکایی استارک، تحول بزرگی در منطقه بود. به همین دلیل، برخی از ناظران سیاسی در بغداد، این تحول را به منزله خطرناکترین مرحله از جنگ نفتکشها ذکر کردند. (۲) .

روسها که دومین نفتکش آنها در مسیر عبور از منطقه دچار آسیب شده بود، بسیار خشمناک و امریکاییها نیز در برابر حمله عراق به ناو استارک کاملا غافلگیر شدند. (۳) برخی از تحلیلگران، این دو حادثه را چنین تحلیل کردند که امریکا و شوروی در وضعیتی که قادر به تأمین امنیت کشتیهای خود نمی باشند، چگونه حفاظت از سایر کشتیها را برعهده گرفته اند؟ (۴) همچنین نتیجه این رخداد، به سود ایران ارزیابی شد زیرا ایران همواره عراق را عامل تشنج ذکر می کرد و در حادثه حمله به ناو استارک، بدون هیچ تردیدی نقش عراق آشکار بود. علاوه بر این، افزایش حضور امریکا و شوروی بر دامنه درگیریها و

۱- ۱۷۳. نفتکش روسی به نام یکی از سرداران روس در جنگ جهانی دوم یعنی مارشال چخوف، با ظرفیت ۸۰ هزار تن در حال حرکت بود. پس از آنکه یک رزمنا و شوروی نیم ساعت قبل، مسیر را بررسی کرده و اجازه عبور به نفتکش داد، نفتکش مزبور با یکی از مینهای سرگردان برخورد کرد. این نفتکش یکی از سه نفتکشی بود که در اجاره کویت قرار داشت.

۲- ۱۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۹ / ۲ / ۶۶، بغداد، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۵. شبکه تلویزیونی سی. ان. ان امریکا: «این حمله نشان داد که امریکا نمی تواند امنیت کشتیهای خود را در خلیج فارس تأمین کند. حال چگونه خواهد توانست امنیت کشتیهای دیگر را تأمین کند؟».

۴- ۱۷۶. پیشین، رادیو لندن، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

تشنجها افزود و به منزله احتمال بروز خطرات بیشتر، مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت. (۱) .

در این میان، عراقیها با عذرخواهی رسمی از امریکا و تقبل پرداخت غرامت، اقدام خود را بر اثر یک اشتباه ذکر کردند. چنانکه صدام طی نامه ای به ریگان بر این مسئله تأکید کرد:

«من مطمئنم که شما یقین دارید، هواپیماهای عراقی که مشغول عملیات در منطقه ای بودند که معمولاـ در آن به هدفهای دشمن حمله می کنند، قصد وارد آوردن ضربه به هدفی که متعلق به کشور شما یا هر کشور دیگری به جز ایران است نداشتند.» (۲) .

امریکاییها به رغم آنکه پیش از این رسما اعلام کرده بودند که هرگونه حمله ای را به کشتیهای تحت حفاظت امریکا قاطعانه پاسخ خواهند داد، نه تنها عذرخواهی را پذیرفتند، بلکه از هر گونه تحقیق پیرامون موضوع اجتناب کردند. این نوع برخورد، دقیقا نشانگر ماهیت سیاست خصومت آمیز امریکا علیه ایران بود. در چنین موقعیتی ریگان مجددا اظهار داشت:

«حمله ی عراق به کشتی جنگی امریکا، ضرورت به پایان رسیدن جنگ را تشدید می کند.» (۳) .

امریکا حادثه ی ناو استارك را نادیده گرفت، در حالی که برخی شواهد و قرائن می توانست نشانگر عمدی بودن اقدام عراق باشد. (۴) آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

«به نظر ما ابهامات خیلی زیاد است و آنچه تا به حال مقامات امریکایی گفته اند مسئله را روشن نمی کند. ما برخلاف اینها نظریه دیگری داریم...

ص: ۷۵

۱- ۱۷۷. پیشین.

۲- ۱۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۷۹. پیشین.

۴- ۱۸۰. آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت ایران، در جلسه شورای سیاسی دولت طی تحلیلی اظهار داشت: «ماجرای کشتی امریکایی بسیار پیچیده است و اگر ابعاد صحیح این رسوایی فاش شود افتضاحی مانند ماجرای مک فارلین گریبانگیر سردمداران امریکا می شود.» (روزنامه کیهان ۲ / ۳ / ۱۳۶۶).

تعمد فراوانی در کار بوده است.» (۱) .

به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که عراقیها به منظور افزایش حضور امریکا و تهییج این کشور برای پایان بخشیدن به جنگ به چنین اقدامی دست زده باشند. ضمن اینکه پس از اصابت کشتی روسی با مین و مخدوش شدن اعتبار این کشور، وقوع حادثه ای مشابه، می توانست امریکا را نیز در اولین گام برای حضور در منطقه با دشواری رو به رو سازد. (۲) واکنش خبرگزاری تاس در این زمینه قابل توجه است:

«با حادثه استارک، امریکا بهای دخالتش در این منطقه از جهان را پرداخت. دیر یا زود باید در انتظار وقوع چنین تراژدی می بود.» (۳) .

همچنین رئیس مدیریت برنامه ریزی و ارزشیابی وزارت امور خارجه شوروی اظهار داشت:

«حضور ناوهای امریکایی در خلیج فارس ممکن است به حوادث غیر قابل پیش بینی مانند حمله موشکی یکشنبه گذشته عراق به ناو استارک منجر شود.»

وی همچنین ضمن بی معنی توصیف کردن جنگ ایران و عراق گفت:

«مقامات ایران می پنداشتند که می توانند برنده ی جنگ باشند، اما حالا می دانند که این امر میسر نیست.»

وی در پایان، به مسأله ای اشاره کرده که حائز اهمیت است:

«ما همیشه به امریکاییها هشدار داده ایم که افزایش حضور نظامی و ناوگان آنها در خلیج فارس می تواند برای صلح زیان آور باشد، زیرا ممکن است بسیاری از حوادث غیر قابل پیش بینی روی دهد.» (۴) .

۱- ۱۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۲. جوزف سیکوم معاون سابق وزارت خارجه شوروی ضمن تراژدیک قلمداد کردن حمله ی عراق گفت: «باید دید عراق چه مقصودی برای این حمله داشته است؟» (روزنامه ی اطلاعات ۳۱ / ۲ / ۶۶).

۳- ۱۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۳۰ / ۲ / ۶۶، مسکو، خبرگزاری فرانسه.

۴- ۱۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶.

به نظر می رسید که روسها انتظار داشتند تبعات ناشی از این حادثه، امریکا را به تجدید نظر در سیاستهای خود وادار نماید. ضمن اینکه در این زمینه، برخی از موضع گیریها و فشارهای وارده به رئیس جمهور امریکا نشانگر همین مسئله بود، چنانکه سناتور رابرت دال، رهبر جمهوریخواهان در سنای امریکا، اظهار داشت که امریکا باید با توجه به حمله اخیر عراق، در سیاست خود در خلیج فارس تجدید نظر کند. (۱) در عین حال، برخی از مقامات امریکایی همچنان با تأکید بر این مسأله که: «منافع ما در آنجا قرار دارد». (۲) از ادامه ی سیاست امریکا حمایت می کردند. سرانجام سفیر امریکا در بحرین طی مصاحبه ای اظهار داشت:

«به رغم حمله ای که به کشتی استارک شده، هیچگونه تغییری در هدفهای سیاست اساسی و تعهدات امریکا در خلیج فارس به وجود نیامده است. ما مصمم هستیم که منافع ملی و عبور آزاد از آبراه هرمز را حفظ کنیم و متعهدیم آن دسته از دوستانمان را که برای دفاع از خود می کوشند، یاری دهیم.» (۳) .

در عین حال بنابر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، حمله عراق به ناو استارک سبب گردید تا نیروی دریایی امریکا تدابیر دفاعی گسترده ای را اتخاذ کند. (۴) .

درک ایران نسبت به ماهیت تحولات اخیر و فرآیند آنها، بویژه افزایش حضور امریکا در منطقه و همچنین فزونی یافتن فشار امریکا و شوروی به ایران برای پایان بخشیدن به جنگ، موجب شد تا مهندس موسوی نخست وزیر وقت ایران طی سخنانی، ضمن بیان ماهیت تلاش شرق و غرب برای واداشتن ایران به عقب نشینی از مواضع خود، اعلام کند:

«ابرقدرتها باید بدانند اخطار ما جدی است و ما اجازه نخواهیم داد که هیچ کشتی یا قلدری وارد خلیج فارس شود و با هر نوع توطئه ای جهت

۱- ۱۸۵. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۶. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۲ / ۶۶، رویتر.

۳- ۱۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶، رادیو امریکا ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از سفیر وقت امریکا در بحرین.

۴- ۱۸۸. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

مداخله ی نظامی در منطقه، مبارزه خواهیم کرد.» (۱) .

بـدین ترتیب، بحران خلیـج فارس به دلیل سیاسـتهای مداخله جویانه امریکا و شوروی و با افزایش حمایت از عراق وارد مرحله جدیدی شد که درگیری ایران و امریکا تنها بخشی از آن را تشکیل می داد.

بررسی واکنشهای احتمالی ایران و تصویب اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا

اگر چه امریکـا با پـذیرش پیشـنهاد کویت مبنی بر اسـکورت نفتکشـها، به بهانه تأمین آزادی کشتیرانی در خلیـج فارس حضور نیروهای خود را گسترش داد، لیکن برابر شواهد و قرائن موجود، امریکاییها برای دستیابی به راه حلهای سیاسـی - نظامی جهت پایان دادن به جنگ (۲) چنان برنامه ریزی کرده بودند که با افزایش توانمندی نظامی خود در منطقه از نیروهای نظامی استفاده کنند. در واقع، ضـرورت کسب ابتکار عمل برای پایان بخشیدن به جنگ با بهره گیری از نیروی نظامی، پس از شکست ابتکار سیاسـی موسوم به ماجرای مک فارلین، علت توجه امریکا به ابزار نظامی را توضـیح می دهـد. زمان و نحوه اقدام نظامی امریکا علیه ایران و همچنین ابعاد آن، اساسا متأثر از دکترین نظامی امریکا بود که واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا آن را اعلام کرد و به عنوان دکترین واینبرگر مشـهور شد و سرلوحه سیاست دفاعی امریکا قرار گرفت. در این دکترین به کارگیری نیروی نظامی، محدود به وضعیتهای به شرح زیر بود:

۱- منافع حیاتی امریکا در معرض تهدید جدی قرار گرفته باشد.

۱- ۱۸۹. روزنامه ی کیهان، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲ - ۱۹۰. ریچـارد مورفی، معـاون وزارت خـارجه ی امریکـا در امور خـاور نزدیک و جنوب آسـیا، در کمیته ی خارجی سـنای امریکا می گوید: «این تصادف (حمله به ناو استارک) فاجعه آمیز، خطر فزاینده ی جنگ ایران و عراق و ضرورت اختتام فوری جنـگ خلیـج فـارس را نمایـان ساخت. این هـدفی است که امریکا فعالانه و مجـدانه پیگیری می کنـد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۱۰۴،۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶).

۲- کلیه تلاشهای دیگر (غیر ازجنگ) به شکست انجامیده باشد.

۳- پشتیبانی قاطع از طرف کنگره و مردم امریکا (از جنگ) حاصل شده باشد.

۴- اقدام نظامی با اطمینان قلبی در کسب پیروزی صورت گیرد.

احتمال پیروزی ایران بر عراق و یا تشدید درگیری میان ایران و عراق در منطقه ی خلیج فارس، می توانست منافع حیاتی امریکا را در معرض تهدید قرار دهد. امریکاییها با حضور گسترده در منطقه، در صدد ارعاب و فشار علیه ایران بودند و در موقعیت خاص، اقدامات نظامی با هدف محدود و به صورت کاملا- کنترل شده را دنبال می کردند، تا در کنار تلاشهای سیاسی از طریق سازمان ملل شرایط را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم سازند.

برداشت اولیه از حضور نیروهای امریکا در منطقه، شامل دو دیدگاه بود. در دیدگاه اول، این حضور اساسا به منظور ممانعت از پیروزی ایران بر عراق ارزیابی می شد (۱) و به همین دلیل احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران و متقابلا- ضرورت برخورداری از آمادگی برای رویارویی با اقدامات نظامی امریکا، پیش بینی و مورد تأکید قرار می گرفت. (۲) در دیدگاه دوم، حضور نیروهای امریکا عمدتا به منظور مهار تأثیرات ناشی از سقوط رژیم عراق در منطقه و حفظ رژیمهای سلطنتی سواحل جنوبی خلیج فارس ذکر می شد.

فضای ناشی از مذاکرات ایران و امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین،

ص: ۷۹

۱- ۱۹۱. بعدها مجله واشنگتن ریپورت در این مورد نوشت: «آیا واشنگتن فراموش کرده هنگامی که ایران می توانست در جنگ علیه عراق و دنیای عرب پیروز شود، ایالات متحده امریکا با افراشتن پرچم خود بر فراز نفتکشهای کویتی تلویحا اعلام داشت که پیروزی ایران غیر قابل قبول است؟» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵- شماره ۵۱۳۰).

۲- ۱۹۲. رابرت هانتر طی مقاله ای در روزنامه لوس آنجلس تایمز می نویسد: «بدون تردید برخی از ایرانیان از حمله به امریکا در کشورشان استقبال خواهند کرد تا حرکت تازه ای به انقلاب بدهند و تا سالها از خصومت امریکا و ایران مطمئن گردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۸ / ۴ / ۶۶، شماره ۱۰۱، رادیو امریکا ۷ / ۴ / ۶۶).

این تصور را به وجود آورده بود که امریکاییها در صورت برتری نظامی ایران، سرانجام تسلیم شرایط و واقعیات خواهند شد. به همین دلیل اساسا گرایش به سمت دیدگاه دوم وجود داشت. لیکن امام راحل با دریافت روشن از ماهیت و اهداف امریکا و با تأکید بر دیدگاه اول، ضرورت برخورد (۱) و مقابله با حضور نیروهای امریکا در منطقه را مورد تأکید قرار دادند.

اهداف امریکا از اسکورت نفتکشها، منجر به بروز بحث و مناقشات و اظهار نظرهای فراوانی در داخل امریکا شد. (۲) کیسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا، طی مقاله ای در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف، ضمن اینکه اسکورت نفتکشها را ماهیتا به سود عراق و به معنای حمایت از یکی از طرفین متخاصم ارزیابی می کرد، صحت و درستی این سیاست را مشروطه به دو مسئله کرد:

«جانبداری نظامی از عراق، فقط در صورتی درست است که تهدید آشکار تازه ای از طرف ایران نسبت به کشتیرانی مشاهده شود و ضمنا اقدام امریکا متضمن دستیابی به نتیجه قطعی باشد.»

ص: ۸۰

---

۱ - ۱۹۳. در حالی که تصمیم گیری نسبت به برخورد نظامی با اولین حرکت اسکورت نفتکشها را امام خمینی به مسئولین واگذار کرده بود، لیکن در یک ملاقات خصوصی وقتی گزارش عبور نفتکشها را با اسکورت امریکاییها به استحضار امام خمینی رساندند، ایشان فرمودند: «اگر من بودم می زدم» و همین تدبیر، پایه و اساس فعالیتهای دریایی برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت. (سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، «اگر من بودم می زدم»، سال ۱۳۷۱).

۲ - ۱۹۴. برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، علاوه بر تأکید نسبت به گسترش نیروهای امریکا در منطقه و استقرار آنها به صورت دراز مدت، خواستار اقدامات نظامی مستقیم علیه ایران شد. وی همچنین پیشنهاد کرد که محل استقرار موشکهای ایران در نزدیک کرانه های تنگه هرمز مورد حمله قرار گیرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۶۶ خبرگزاری کویت، ۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از هفته نامه ی لیتراتورنه گازتا چاپ مسکو).

وی در این مقاله با بررسی ماهیت تشنج در منطقه خلیج فارس، با رد کردن «ظهور تهدید آشکار از سوی ایران»، نقش عراق را مورد تأکید قرار می دهد:

«مداخله ی عراق در لطمه زدن به جریان کلی صدور نفت از خلیج فارس، به طور مسلم از مداخله ی ایران بیشتر بوده است.» (۱) .

همچنین در این مقاله، کیسینجر در مورد اهداف امریکا، ضمن اشاره به «ممانعت از نفوذ شوروی در ایران» و «محدود کردن قدرت ایران در درون مرزهایش» ضرورت «ممانعت امریکا از پیروزی یکی از طرفین متخاصم» را مورد تأکید قرار داده و سپس می نویسد:

«هدف اصلی امریکا باید پایان دادن به جنگ ایران و عراق باشد.» (۲) .

گری سیک یکی از کارشناسان برجسته امریکایی امور ایران در مورد تمایل جمهوری اسلامی برای درگیری با امریکا در روزنامه وال استریت ژورنال می نویسد:

«ایرانیان به رغم تمامی رجز خوانیهای آتشین، در حقیقت از درگیری نظامی مستقیم با ایالات متحده احتراز کرده اند. آنها هم اکنون مسئله جنگ با عراق را در پیش رو دارند و خواستار جنگ دیگری نیستند.» (۳) .

خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان نظامی خصوصی و پنتاگون، با تأکید بر کاهش توان نظامی ایران در جنگ با عراق می نویسد:

«نیروهای نظامی ایران که بر اثر جنگ هفت ساله با عراق تحلیل رفته اند، به هیچ وجه یارای رقابت با نیروهای امریکایی را نخواهند داشت.» (۴) .

علاوه بر پیشینه ی تاریخی رفتار ایران طی سه سال گذشته در منطقه ی خلیج فارس، عامل دیگری که در بررسی سیاست احتمالی ایران در برابر امریکا

۱- ۱۹۵. در این زمینه، رادیو امریکا در تاریخ ۲ / ۴ / ۶۶، به نقل از گزارش وال استریت ژورنال در مورد مسئولیت عراق، به نقل از یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا می نویسد: «عراق مسئولیت حمله به ۶۱ درصد از نفتکشها را به گردن دارد.».
۲- ۱۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۳۱ / ۳ / ۶۶، مقاله ی کیسینجر در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف.
۳- ۱۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۶۶، روزنامه ی وال استریت ژورنال.

۴– ۱۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۶۶.

مورد اشاره قرار می گرفت، خصلت سیاست تهاجمی عراق بود. در این تحلیل به موقعیت خلیج فارس و نقش آن در اقتصاد ایران نیز اشاره می شد. در این زمینه آنتونی پارسونز سفیر اسبق انگلیس در ایران می گوید:

«برخلاف عراق، تمام صادرات و واردات این کشور از طریق خلیج فارس انجام می شود، بنابراین برای ایران نفعی ندارد که خلیج فارس را به صورت جبهه جنگ درآورد.»

وی سپس اضافه می کند:

«حرفهایی نظیر اینکه خلیج فارس را گورستان امریکا خواهیم کرد، چیزی جز الفاظ نیست که باید در مقابل شیطان بزرگ گفته شود. این عراق بود که در سال ۱۹۸۸ حمله به کشتیها را در خلیج فارس آغاز و البته ایران تلافی جویی کرد.» (۱) .

در روزنامه کریستین ساینس مانیتور، ماهیت اقدامات ایران از منظر دیگری مورد بررسی قرار گرفته است:

«مطمئنا ایرانیان نه میانه رو شده و نه علاقه ای به نشان دادن ژستهای آشتی جویانه در برابر ایالات متحده دارند. آنان نمی خواهند که آزادی عمل خویش را در تعقیب عراق در خلیج فارس از دست بدهند. حتی اگر این امر مستلزم رویارویی و برخورد با ایالات متحده باشد.

... آیت الله ها که رژیم خویش را در آستانه یک پیروزی حماسی بر عراق می بینند، نمی خواهند خطر راندن شیطان بزرگ به آغوش مشتاق عراقیها را که از حمایت شوروی نیز برخوردارند موجب شوند و بدین ترتیب، پیامد جنگی را که ایرانیان طی آن فداکاریهای بسیار کرده اند به خطر بیندازند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که اغلب حملاتی که علیه نفتکشها به عمل آمده از جانب عراق بوده و تهران تاکنون از حمله به کشتیهای امریکایی در خلیج فارس خودداری کرده است.» (۲) .

۱- ۱۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۲ / ۴ / ۶۶.

انتشـار خبر دسترسـی سـپاه به موشـکهای کرم ابریشم توسط دسـتگاههای اطلاعاتی امریکا (۱) و نقشـی که نـاظران غربی برای کـاربرد و تـأثیر آن به هنگام مقابله به مثل ایران در برابر امریکا قائل بودنـد، در کنار قایقهای تنـدرویی که در اختیار سـپاه قرار داشـته و تجهیز و سازمانـدهی شده بودند، سـبب گردید که از همان ابتدا تواناییها و رفتار احتمالی ایران مورد توجه قرار گیرد. چنانکه یکی از تحلیلگران غربی که مایل به افشای نام خود نبود، در مورد تهدید احتمالی پاسداران علیه امریکا می گوید:

«بزرگترین تهدیـد، احتمالاـ حملاـت انتحـاری با قایقهای کوچک و از این قبیل خواهـد بود. پاسـداران انقلاب، پیروان پر شور آیت الله روح الله خمینی، نیرومندترین تهدید به شمار می روند.» (۲) .

پارسونز، سفیر اسبق انگلیس در ایران نیز در مورد رخدادهای احتمالی می گوید:

«اگر اتفاقی بیفتد، نوعی عمل متهورانه و خودنمایانه از طرف پاسداران خواهد بود.» (۳) .

جان هیوز، یکی از تحلیلگران امریکایی نیز با اشاره به شکل گیری سناریوی جدید میان ایران و امریکا، ضمن اظهار نگرانی از بروز جنـگ تمـام عیار میان دو کشور، «دخالت ایران در اقـدامات تروریستی و نظامی در سـطح کوچک و تحریک آمیز» را به عنوان بخشی از سناریوی احتمالی ذکر می کند. (۴) .

«تاکتیک ایران» برای مقابله با امریکا از جمله مسائلی بود که مورد توجه روزنامه وال استریت ژورنال قرار گرفت:

«یـک جنـگ تمـام عیـار، احتمالاـ خواست ایران نیست و می توانـد برای امریکـا یـک فـاجعه استراتژیـک باشـد. تحلیـل گران اطلاعاتی امریکا بر این باورنـد که ایران احتمالا درصدد دست زدن به حملاتی است که آشـکارا پای تهران را در میان نکشد، ولی همزمان حامل این پیام باشد که آن

۱- ۲۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز.

۲- ۲۰۲. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۲ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، شماره ۹۸، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

کشور نمی تواند حضور رو به گسترش ایالات متحده در خلیج فارس را دست کم بگیرد.» (۱) .

در مجموع به نظر می رسد که امریکاییها چنین پیش بینی می کردند که ایران در خلیج فارس قادر به جنگ کلاسیک با امریکا نخواهد بود. ضمن اینکه فاقد تمایل و توانایی لازم برای انجام این امر می باشد. در نتیجه، اقدامات محدود ایران با تأکید بر روشهای غیر متعارف و ابتکاری، همراه با حمله به منافع امریکا در منطقه خلیج فارس، از جمله نگرانی امریکاییها بوده که تدابیری را نیز برای هشدار و مقابله با ایران اتخاذ کردند. به نظر می رسید امریکاییها براساس این تحلیل، موانع قابل توجهی را برای تأمین اهداف و منافع خود در منطقه مشاهده نمی کردند. علاوه بر این «گسترش نفوذ شوروی در منطقه» در صورت درگیری ایران و امریکا، بخش دیگری از نگرانی امریکاییها را تشکیل می داد. چنانکه ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در همین زمینه می گوید:

«جنگ ایران و عراق و توسعه احتمالی آن، به شوروی امکان خواهد داد بر نفوذ خود در این ناحیه بیفزاید و این خطر مستقیما متوجه ایران نیز خواهد بود.» (۲) .

یکی از تحلیلگران با درج مقاله ای در روزنامه امریکایی کریستین ساینس مانیتور، در مورد بازگشت شوروی به صحنه خاورمیانه، با اشاره به فعالیت روسها در دوران گورباچف می نویسد:

«شوروی ظرف دو سال گذشته با عمان و امارات عربی متحده رابطه دیپلماتیک برقرار کرده و تماسهای خود را با عربستان سعودی افزایش داده و با اجاره کردن سه کشتی به کویت، خود را در زمره زورمندان و متنفذان صحنه سیاست خاورمیانه قرار داده است. توفیق شورویها در خلیج فارس آنچنان چشمگیر بوده که حتی برخی از ناظران امریکایی توصیه کرده اند که ایالات متحده در دفاع از امنیت خلیج فارس و تلاش در راه پایان

ص: ۸۴

۱- ۲۰۵. مأخذ شماره ۶۴.

۲- ۲۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶.

دادن به جنگ ایران و عراق، با شوروی همکاری کند.» (۱) .

در هر صورت ابعاد و پیچیدگیهای اقدام امریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای کویت در خلیج فارس سبب گردید تا کنگره امریکا برای تصویب لایحه ی پیشنهادی از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، با بحثهای فراوانی رو به رو شود. احتمال از دست رفتن نفوذ امریکا در منطقه نیز موجب نگرانی دولت امریکا بود که اعضای کنگره نسبت به آنها حساس بودند. به همین دلیل واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، به منظور توجیه اعضاء کنگره، با حضور در کنگره امریکا اظهار داشت:

«این عملیات خالی از ضرر نیست. به دور از خطر نیز وانمود نشده است، ولی به اعتقاد من خطرات انجام ندادن آن به مراتب بیشتر است.» (۲) .

سرانجام در جلسه ای که به منظور بررسی لایحه ی اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا تشکیل شد، سخنگوی کاخ سفید، بیانیه ریگان را برای حاضرین قرائت کرد. در این بیانیه، ضمن تأکید بر استراتژی امریکا برای حفظ منافع این کشور در خلیج فارس و ضرورت فوری پایان یافتن جنگ از طریق مذاکره و بدون اینکه غالب و مغلوبی در کار باشد، به تلاش امریکا در تصویب قطعنامه ۵۹۸ اشاره شده بود. (۳) در این بیانیه آمده بود:

«ما به همکاری نزدیک با دوستان و متحدانمان و با کنگره برای کاستن از تهدید امنیتی در خلیج فارس ادامه خواهیم داد. امروز هدفهای عمده دولت در خلیج فارس، کمک به دوستان عرب میانه رو در دفاع از خویش، بهبود فرصتهایی برای صلح و نشان دادن این مسئله است که سیاست ارعاب ایران کارگر نخواهد بود. بقیه ی اهداف ما عبارتند از یافتن یک راه حل عادلانه برای جنگ ایران و عراق که ضامن حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت هر دو طرف باشد، محدود کردن گسترش حضور و نفوذ شوروی در این منطقه استراتژیک و پیشگیری از بروز اختلال در جریان

۱- ۲۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۴، ۲۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۰ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۰ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۰۹. پیشین، رادیوامریکا، ۹ / ۴ / ۶۶.

نفت. دولت در هفته های آتی با دیپلماسی فعال و نیرومند به پیگیری این هدفها ادامه خواهد داد.» (۱) .

سرانجام، به رغم اختلاف نظرهایی که در کنگره امریکا وجود داشت، با توجه به احتمال تضعیف موقعیت امریکا در منطقه و تهدید منافع این کشور، لایحه ی پیشنهادی دولت در تاریخ ۹ / ۴ / ۶۶ در کنگره به تصویب رسید. (۲) .

واکنش شوروی نسبت به حضور امریکا در منطقه

روسها تا پیش از تصویب لایحه اسکورت نفتکشهای کویت در کنگره امریکا، با توجه به مناقشاتی که در این زمینه در محافل سیاسی و اجتماعی امریکا وجود داشت و اختلاف نظر موجود در کنگره و همچنین احتمال درگیری ایران و امریکا و حساسیت افکار عمومی امریکا نسبت به این مسأله، به ویژه پس از اصابت موشک هواپیمای عراقی به ناو استارک، چنین تصور می کردند که امریکاییها سرانجام از اقدام به این کار منصرف خواهند شد. لیکن پس از تصویب لایحه در کنگره امریکا، دولت شوروی رسما بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه ابتدا رشد تشنج خطرناک در خلیج فارس و به علت افزایش کشتیهای جنگی در منطقه، مورد تأکید قرار گرفته و سپس جنگ ایران و عراق به عنوان «جنگ طولانی و بی مفهوم» و عامل مؤثر در «بدتر شدن اوضاع» مورد اشاره قرار گرفته بود. در ادامه بیانیه شوروی آمده بود:

«در نتیجه، وقایع در این منطقه به مرز خطرناکی می رسد که در آن سوی آن، مخاطرات درگیری منطقه ای منجر به یک اوضاع بحرانی بین المللی خواهد شد. دقیقا واضح است که اگر این جریانات به موقع متوقف نشده و تحت کنترل قرار نگیرند ممکن است به یک تهدید جدی صلح و ثبات بین المللی مبدل شوند.» (۳) .

تکیه بر کلماتی همچون «گسترش درگیری در منطقه» و تبدیل آن به یک

۱- ۲۱۰. پیشین.

۲- ۲۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۰ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۵ / ۴ / ۶۶، ۱۰۸، خبرگزاری تاس، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

«بحران بین المللی» و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین المللی، نشان دهنده ی میزان حساسیت و در عین حال نگرانی و ناخشنودی روسها نسبت به گسترش حضور امریکا در منطقه بود. در این بیانیه، دولت شوروی، امریکا را به بهره برداری از اوضاع» جهت دستیابی به طرحهای دیر پای توسعه طلبی نظامی - سیاسی در این منطقه مهم و استراتژیک جهان» متهم می کند. (۱) .

همچنین به منظور بهبود اوضاع، شورویها پیشنهاد کردند که:

«کلیه ی کشتیهای جنگی کشورهایی که در این منطقه واقع شده اند به فوریت از خلیج فارس خارج شوند و ایران و عراق به سهم خود از اقداماتی که کشتیرانی بین المللی را تهدید می کند، خودداری کنند.» (۲) .

این پیشنهاد مشخصا به زیان امریکا و عراق بود. گر چه در همین بیانیه به عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی که مستقیما متوجه ایران بود نیز اشاره شد.

بیانیه شوروی بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. چنانکه رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت که این شدیدترین انتقاد از جانب شوروی محسوب می شود. (۳) .

استقبال ایران از پیشنهاد شوروی، بر اهمیت بیانیه ی شورویها افزود. چنانکه معاون وقت وزیر خارجه ایران، طی ملاقات با سفیر وقت شوروی در ایران، مواضع کشور خود را مبنی بر ضرورت خروج ناوهای جنگی خارجی از خلیج فارس مورد تأکید قرار داد. (۴) در واقع، بیانیه ی شوروی ضمن اینکه نشانه مخالفت رسمی و آشکار مسکو با اقدامات امریکا ارزیابی می گردید، در عین حال نشانه ی نزدیکی مواضع ایران و شوروی (۵) و در نتیجه افزایش موقعیت و نفوذ

۱- ۲۱۳. پیشین.

۲- ۲۱۴. پیشین.

۳- ۲۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۳ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

۵- ۲۱۷. این مسئله به گونه ای بود که حتی در برخی رسانه ها چیزهایی مبنی بر توافق پنهان ایران و شوروی درباره عدم حمله ایران به کشتیهای شوروی در برابر حمایت شوروی از ایران در صورت اعمال تحریم نظامی علیه ایران در سازمان ملل، مورد اشاره قرار گرفت.

شوروی در منطقه نیز محسوب می شد. در این زمینه مقاله ی روزنامه ی کریستین ساینس مانیتور قابل توجه است. در این مقاله به نقل از یک دیپلمات عرب ضمن تأکید بر «ترمیم روابط شوروی با اعراب»، به تقویت رابطه با کویت و اتحاد نزدیک تر با عراق و همچنین بهبود رابطه با ایران تأکید شده است:

«در این لحظه، شورویها تنها قدرت عمده ای هستند که هم با ایران و هم با عراق پیوسته در گفتگویند.» (۱) .

تأکید بیانیه ی مسکو بر خروج ناوهای جنگی از منطقه، منجر به پیدایش این استنباط شد که شوروی در نظر دارد پایان بخشیدن به بحران در خلیج فارس را از مسئله پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق تفکیک نماید. این مسئله منجر به عکس العمل شدید عراق شد. چنانکه روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق اعلام کرد: «عراق با توطئه تفکیک جنگ مخالف است.» (۲) نزار حمدون سفیر عراق در سازمان ملل نیز طی سخنانی اعلام کرد:

«پیشنهاد پایان دادن به جنگ نفتکشها، خارج از چارچوب راه حلی برای خاتمه دادن به کل نبرد، پیشنهادی عبث و مسخره است.»

وی در مخالفت با موضع گیری شورویها، ضمن تأکید بر اینکه: «هیچ قانون بین المللی کشوری را از یاری دادن به کشور دیگر منع نمی کند.» افزود:

«امریکا محق است که از منافع خود محافظت کند.» (۳) .

صدام نیز طی سخنانی به مناسبت سالگرد انقلاب عراق، ضمن تأکید بر موافقت عراق با «صلح کلی» از هر گونه کوشش جهت تجزیه جنگ یا تقسیم آن به مناطق مختلف، به عنوان تلاشهای مشکوک جهت ادامه جنگ و تشویق گرایش تجاوزکارانه ایران نام برد. صدام در این سخنرانی با اشاره به ضرورت تلاش قدرتهای بزرگ برای پایان دادن به جنگ، می گوید:

«ما همچنین به این قدرتها هشدار دادیم که ادامه جنگ در این منطقه حساس حتما به عواقب وخیمی منجر خواهد شد و شما زمانی با وضعیت

۱- ۲۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۳، ۲۰ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۱۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۶۶، سخنان نزار حمدون در مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل.

سخت و خطرناکی مواجه خواهید شد که عملا نخواهید توانست آنرا کنترل نمایید. لذا شما نبایستی به طور منفی در برابر آن بایستید و فقط به سخن و اظهار نظر اکتفا نمایید.» (۱) .

اظهارات مقامات عراقی و صدام به طور مشخص، موضعگیری در برابر بیانیه دولت شوروی و همچنین پیشنهاد ایران مبنی بر آمادگی برای رعایت آتش بس در خلیج فارس بود که بیان شد.

آغاز اسکورت نفتکشها و برخورد کشتی امریکایی با مین

در عین حالی که امریکاییها در تبلیغات، برتری نظامی خود را مورد تأکید قرار می دادند، لیکن با رعایت جوانب احتیاط، تدابیر خاصی را اتخاذ کردند که قابل توجه بود. آنها نسبت به پنج منطقه در خلیج فارس برحسب موقعیت جغرافیایی و قابلیتهای دفاعی و نظامی ایران حساسیت داشتند: (۲) .

۱- استقرار موشك ساحل به دریا، موسوم به کرم ابریشم (Silkworm) در دهانه ورودی تنگه هرمز.

۲- استفاده از جزیره ابوموسی و موقعیتهای جغرافیایی مشابه (جزیره سیری) که با استفاده از قایقهای تندرو امکان تهاجم سریع و موفقیت آمیز را به کاروان اسکورت نفتکشها فراهم می ساخت.

۳- امکان تهاجم هوایی و هلیکوپتری در نقاط مختلف خلیج فارس، در حد فاصل جزیره سیری تا رو به روی سواحل قطر.

۴- امکان تهاجم شناوری در محدوده ی عمومی جزیره فارسی در شمال خلیج فارس.

۱- ۲۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۲۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۲۲. این بخش با استفاده از گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه تحت عنوان «اگر من بودم می زدم»، سال ۷۱، سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نوشته شده است.

۵- کانال ورودی بندر الاحمدی کویت و احتمال مین گذاری مجدد در این کانال.

ناوگـان اسـکورت نفتکشـها و همچنین ناوگـان پشتیبـانی کننـده متعلق به نیروهـای خاورمیانه ای فرمانـدهی مرکزی امریکا در منطقه حضـور یافتنـد. در مجمـوع قریب ۲۰ فرونـد نـاو جنگی کـه بعـدها به ۵۰ فرونـد افزایش یـافت برای عملیات اسـکورت نفتکشـها در نظر گرفته شد که عبارت بودند از گروه ناو هواپیما بر سـنگین و تهاجمی کانسـتلیشن (Constlation) شامل ۷ فرونـد ناوهای همراه، ۶ فرونـد فریگیت موشک انـداز (FFG) و حـداقل سه فرونـد ناوشـکن معمولی (DD) و موشک انـداز (DDG)، دو فروند رزمناو (CG) و یک فروند نبرد ناو (Battl ship) و یک فروند ناو سرفرماندهی و ارتباطات الکترونیکی موسوم به ناو لاسال (Lasal). (۱).

سرانجام پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای

ص: ۹۰

۱- ۲۲۳. در اینجـا به مأموریتها و تواناییهای ۵ ناو جنگی شـرکت کننده در عملیات مسـتقیم اسکورت و همچنین ناو هواپیما بر کانسـتلیشن برابر منـدرجات گزارش نیروی دریـایی سپاه پاسـداران (اگر من بـودم می زدم) اشـاره می شـود: ۱- ناو هواپیمابر کانستلیشن (Constlation) با شماره بدنه ۶۴ از ناوهای هواپیمابر سنگین و تهاجمی می باشد که در تحرکات دریایی ارتش امریکا نقش عمـده ای را ایفا نموده است. این ناو با تناژ بیش از ۸۰۰۰۰ تن، در میان ناوهای هواپیمابر در کلاسهای مختلف و همچنین سـایر کلاسـهای نوع خود یعنی کیتی هاوک و جان اف کنـدی، سـنگین ترین وزن را با هواپیماهای مسـتقر در عرشـه خود و بـا طول ۸ / ۳۱۸ متر، عرض ۶ / ۳۹ متر و آبخور ۳ / ۱۱ متر و طول بانـد ۸۰ متری پرواز به خود اختصـاص داده است. تجهیزات مدرن این ناو شامل ۴ عدد فلاخن مخصوص پرتاب هواپیماهای جنگنده مسـتقر در این ناو، حدود ۹۰ فروند جنگنده که از شکاریهای رهگیر ۱۸ - F و ۱۴ - F تا بمب افکن A- ۶Prowler و هواپیماهـای جنگ الکترونیک ۷ - A و هشدار هوایی Viking - S۳ و... می باشـد که آن را در ردیف ناوهای هواپیمابر چند منظوره قرار داده است حداقل ۳ سایت موشکی آن با سیستم دفاعی پیچیده ی BPdms و موشکهای سی اسپارو(Sea Sparow) و سه سیستم توپهای مدرن ضد موشکی فالانکس(Phalanx) قادر به ایجاد دیواره آتش در مقابل موشک مهاجم با نواخت حـدود ۶۰۰۰ تیر در دقیقه می باشد. این ناو با سـرعت ۳۰ گره دریـایی در سـاعت و ۵۶۴۱ نفر خـدمه که ۲۴۸۰ نفر از آنهـا را خـدمه ی یگـان پرواز تشـکیل می دهند همچون یـک جزیره ی متحرک نظـامی است. ۲- رزمنا و موشک انـداز فوکس (Fox) از کلاس بلک ناپ (Belknap) با شماره ی بدنه ۳۳، ناو فرماندهی اسکورت فوق بوده که با تناژ ۸۰۰۰ تنی و طول ۷ / ۱۶۶ متر و عرض ۷ / ۱۶ متر و آبخور ۸ / ۸ متر، قابلیت حمل یک فروند هلی کوپتر و موشکهای ضد سطحی هارپون (Harpon) و تام هاوک (TamHowk) با برد ۲۵۰۰ کیلومتر بر علیه هـدفهای عمقی و موشـکهای ضد هوایی اسـتاندارد و توپهای ۱۲۷ میلیمتری و ۲ قبضه سیسـتم توپ ضد موشـکی مدرن فالانکس نقش عمده ای را در این عملیات ایفاء نمود سرعت ۳۳ گره دریایی این ناو تحرک فوق العاده ای به آن بخشـیده که در کنـار سیسـتمهای جنگ افزار و الکترونیک آن که با صـرف ۲۰۰ میلیون دلاـر به یکی از رزمناوهـای مورد قبول نیروی دریایی امریکا تبدیل شده، باعث گردید تا در بسـیاری از مانورهای تجاوزگرانه قبلی امریکا به عنوان ناو اسکورت نـاو هواپیمـابر جـان اف کنـدی درآیـد. خـدمه این نـاو ۵۱۳ نفر و ازجملـه ۲۵ افسـر می باشـند. ۳- ناوشـکن موشک انـداز

کید(Kidd) با شماره بدنه DD=۳۹۹ از دیگر ناوهای جنگی کارآمد امریکا در منطقه بود و این ناوشکن در زمره ی سفارش ۴ فروند ناوشکن از سوی رژیم سابق ایران به امریکا بوده که ساخت و تکمیل آن تا سال ۱۹۸۱ به طول انجامید و با لغو قرار داد مذکور نام این ناوشکن از کوروش به کید تغییر یافته و با توجه به تناسب آن جهت مانور در آبهای کم عمق و کم وسعت، به همراه یکی دیگر از ناوشکنهای مذکور با نام تغییر یافته چاندلر (Chandler) در زمره ی ناوگان نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس در آمد این ناوشکن ۸۳۰۰ تنی، با طول ۶ / ۱۷۱، متر، قابلیت حمل ۲ فروند هلی کوپتر را داشته و با تجهیزات موشکهای سطحی هارپون و هوایی استاندارد و ۲ قبضه توپ ۱۲۷ میلیمتری (۵ اینچی) و دو سیستم توپهای ضدموشکی فالانکس(MK-۱۶-clws) و سیستم ضد زیر دریایی (Asroc) با سرعت ۳۳ گره دریایی، یکی از ناوهای مخصوص در جنگهای عمومی و چند منظوره می باشد که توان درگیری در سه پروسه جنگ ضد هوایی، سطحی و ضد زیر دریایی را دارا است. این ناوشکن نوع تغییر یافته ناوشکن کلاس اسپرنس (Sprance) و یکی از بهترین ناو شکنهای نیروی دریایی امریکا بوده و مأموریت آن به خصوص از هنگام عبور از مقابل سایت موشکهای کرم ابریشم ایران مفهوم و معنی خاصی را به خود گرفته بود. ۴- فریگیت موشک انداز کروملین (Crommelin) از کلاس اولیورهازاردپری (Oliver Hazardperry) به شماره بدنه ۳۷ - FFG که در نیروی دریایی امریکا به ناو پاسور (اسکورت کننده) مشهور هستند، در این عملیات به منظور دفاع از کاروان کشتیها در قبال تهاجم قایقهای تندرو و نیز کشف اهداف زیر دریایی به کار گرفته شده بود. فریگیت فوق در سال ۱۹۸۳ به آب انداخته شده و یکی از جدیدترین ناوهای پاسور از میان بیش از ۵۰ فروند ناو پاسور امریکا در کلاس یاد شده می باشد که با طول ۶ / ۱۳۵ متر و توان حمل هلی کوپتر، موشکهای سطحی هارپون، موشکهای ضد هوایی استاندارد، توپهای ۷۶ میلیمتری، سیستم ۲۰ میلیمتری فالانکس، سونار کشف اهداف زیر دریایی و اژدرها، با ۲۹ گره سرعت، قابلیت خوبی را در انجام مأموریتهای محوله دارد این ناو در لحظه برخورد نفتکش بریجتون در جلوی کاروان به منظور کشف مینهایی که احتمالاً در مسیر کاروان کار گذاشته می شدند انجام وظیفه می کرد. ۵- رزمنا و موشک انداز ریورز (Revers) از کلاس لهی (Leahy) نیز با شماره بدنه ۲۴ و ۸۰۰۰ تن ظرفیت جابجایی، یکی از ناوهای جنگی امریکا بود که در هنگام عبور کاروان از مقابل جزیره ی ابوموسی در شب هنگام به صورت فوق برنامه به کمک کاروان مذکور آمده است. این ناو ۱۶۳ متری با تجهیزاتی مانند موشکهای سطحی هارپون، موشکهای هوایی استاندارد و ۲ سیستم توپهای فالانکس و سایر تجهیزات ضد زیر دریایی، با ۳۳ گره سرعت و ۵۱۳ نفر خدمه توانست با فریگیت کروملین با دادن پوشش به جناح شمالی ناوگان اسکورت و در طی مدت عبور از مقابل جزیره ی ابوموسی نقش خود را در این عملیات به انجام رسانده و سپس از کاروان جدا گردد. در خاتمه ی این بحث یکبار دیگر به استعداد ناوگان پشتیبانی کننده این عملیات که بالغ بر ۲۰ فروند ناو جنگی بوده اشاره می نماییم تا این حادثه عمق ضربات وارده بر ناوگان متجاوز دشمن را بیش از پیش آشکار سازد.

امنیت سازمان ملل در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶، تنها به فاصله یک روز بعد، در

ص: ۹۱

ساعت ۷:۳۷ روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶، کاروان اسکورت نفتکشها با فرمان رئیس جمهور امریکا و با ابلاغ مقامات پنتاگون، عملیات خود را با هدف تاکتیکی اسکورت دو فروند کشتی کویتی در مسیری ۶۰۰ مایلی آغاز کردند. امریکا قبل از آغاز اسکورت نفتکشها از عراق درخواست کرد که موقتا از حمله علیه نفتکشها در خلیج فارس خودداری نماید. (۱) به گزارش روزنامه القبس رژیم عراق در پاسخ به درخواست امریکا حمله به نفتکشهای ایران را به عنوان اهداف جنگی عراق اعلام کرد. (۲) .

در اولین مرحله از اسکورت نفتکشها، دو نفتکش با پرچم امریکا به نامهای بریجتون و گاز پرنس هر کدام با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن (یا ۲ / ۵ میلیون بشکه نفت) و تحت حمایت سه ناو جنگی امریکا به نامهای «ناوشکن کید»، «رزمناو فوکس» و «کشتی موشک انداز کروملین» حرکت خود را از مبداء ۱۳ مایلی سواحل امارت متحده عربی به مقصد کویت آغاز کردند. (۳) .

آرایش ناوهای امریکا برای اسکورت نفتکشها بدین شکل بود که ناوشکن موشک انداز فوکس در جلو و فریگیت موشک انداز کروملین با حفظ فاصله نیم مایل، مسئولیت تأمین جناح چپ کاروان را برعهده داشت. سوپر تانکر بریجتون در وسط و در پشت ناوشکن فوکس و کشتی گاز پرنس با رعایت فاصله یک مایلی در پشت بریجتون قرار داشتند. مجموعه کاروان یک پیکان یا لوزی دمدار را تشکیل می داد. سرعت کاروان به طور تقریبی ۱۳ گره دریایی در ساعت و براساس حداکثر سرعت تقریبی نفتکش بریجتون تنظیم شده بود. (۴) .

۱- ۲۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۲۵. پیشین.

۳- ۲۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۲۷. سند شماره ۲۰۸۸۳۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، اگر من بودم می زدم، ۱۳۷۱، ص ۲۳.

امریکاییها به منظور پوشش تبلیغاتی عملیات اسکورت، ۱۰ تن از خبرنگاران را با تأیید پنتاگون از یک مجموعه چند صد نفری خبرنگاران انتخاب و تحت عنوان نمایندگان ائتلاف مراکز خبری، (۱) در ناوهای جنگی اسکورت کننده و نفتکش مستقر کردند. در عین حال، پنتاگون کلیه ی گزارشهای خبری را که خبرنگاران جمع آوری می کردند، قبل از انتشار کنترل می کرد. (۲) .

در همین اوضاع، در حالی که ابهامات زیادی در مورد به سلامت رسیدن اولین کاروان اسکورت نفتکشها وجود داشت، داگلاس رابرت، خبرنگار صدای امریکا از کویت به نقل از کارشناسان اعلام کرد که به رغم جنگ لفظی ایران، کاروان دریایی کویت سالم به مقصد خواهد رسید. (۳) روزنامه الوطن چاپ کویت، ضمن خرسندی از اسکورت نفتکشها، رویدادهای مربوط به این حادثه را دنبال کرده و نسبت به سلامت کاروان کاملا امیدوار بود.

در حالی که هنوز کاروان نفتکشها به مقصد نرسیده بودند، آنتونی کردزمن، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع امریکا با اشاره به محدودیت ابزار و وسایل ایران برای جنگ دریایی اعلام کرد:

«به نظر نمی رسد مسئله ای پیش آید مگر اینکه ایران علاقه مند به پذیرش خطر باشد و این مسئله نیز در حال حاضر چندان بخردانه به نظر نمی آید... در این ماجرا ایران قدرتی است که در برابر نیروی دریایی امریکا آسیب پذیر است.» (۴) .

رادیو بی. بی سی در بخش انگلیسی خود با اشاره به عبور کاروان نفتکشها و ناوهای جنگی از تنگه هرمز، نظر خبرنگار دفاعی نشریه نیویورک تایمز را در مورد احساس ریگان نسبت به عبور از تنگه هرمز نقل کرد:

---

۱ – ۲۲۸. نمایندگان ائتلاف شامل خبرنگاران مجله تایم، واشنگتن پست، نایت رایدر، آسوشیتدپرس، شبکه CBA، یونایتدپرس و اینترنشنال بود.

۲– ۲۲۹. پیشین.

۳– ۲۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۶۶.

۴– ۲۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

«فکر می کنم احساس امریکا آن است که ایران جرأت حمله مستقیم را نخواهد داشت و اگر هم اشتباها دست به چنین کاری بزند امریکا توان مقابله نظامی با آن را خواهد داشت بنابراین در حال حاضر در این مورد خوش بینی وجود دارد.» (۱) .

در این حال، سفیر عراق در سازمان ملل و همچنین سفیر عراق در لندن طی مصاحبه های جداگانه ای، بر حق عراق برای حمله به نفتکشهای ایران به منظور پایان دادن به جنگ تأکید کردند. (۲) .

در وضعیتی که کلیه ی رسانه ها برای پوشش خبری اسکورت نفتکشها بسیج شده بودند و کاروان نفتکشها همراه با ناوهای جنگی امریکا در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی کویت قرار داشتند، نفتکش بریجتون ناگهان با مین برخورد کرد. بنابر گزارشها، شدت انفجار به گونه ای بود که برخی از خبرنگاران و ملوانان از روی عرشه به دریا پرتاب شدند (۳) و کاروان از سرعت خود کاست.

با توجه به پوشش وسیع خبری اولین مرحله اسکورت نفتکشها و جنگ روانی که امریکاییها در این زمینه به راه انداختند، بازتاب این حادثه بسیار گسترده و قابل توجه بود. در حالی که تا پیش از این، امکانات و تواناییهای دفاعی امریکا برای مقابله با هر حادثه ممکن و قدرت کنترل اوضاع مورد تأکید قرار می گرفت، ناگهان نقش ایران در کار گذاشتن مین، وضعیت دشوار کشتیها و محدودیت آنها برای عبور از آبراهها با توجه به عمق کم آن مورد توجه قرار گرفت. رادیو لندن به نقل از کارشناسان امور کشتیرانی گفت:

«اصابت با مین بزرگترین خطری است که نیروی دریایی امریکا را در آن آبها تهدید می کند، چرا که عملیات مین یابی بسیار دشوار و طرح ریزی یک واکنش نظامی با آن تقریبا غیر ممکن است.» (۴) .

همچنین در زمانی که مسئولان کویتی کاملا نسبت به اسکورت نفتکشها خرسند و در انتظار رسیدن آنها به مقصد بودند، برخورد کشتی نفتکش به مین،

۱- ۲۳۲. پیشین.

۲- ۲۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۳۵. پیشین.

آنها را در بهت و حیرت فروبرد و ضعف و ناتوانی امریکا برای مقابله با مین ها، برای امریکا «شرم آور» خوانده شد. (۱) سفیر امریکا در کویت بلافاصله ایران را مسؤول انفجار مین دانست و در عین حال تأکید کرد که این اقدام منجر به لغو تلاشهای امریکا برای حفاظت از نفتکشها نخواهد شد. (۲) برخلاف اظهارات سفیر امریکا در کویت، سخنگوی کاخ سفید در مجمع خبرنگاران اعلام کرد: «مشخص کردن عامل این حادثه مشکل است.» همچنین بر این نکته تأکید کرد که در حال حاضر اقدام تلافی جویانه از سوی امریکا تحت بررسی نیست. (۳) .

مقامات پنتاگون در توجیه این حادثه اعلام کردند:

«بیش از ۹ دیده بان مستقر در عرشه ی ناوگان امریکایی که نیم مایل جلوتر از بریجتون حرکت می کرد، نتوانستند مین را تشخیص دهند. چون این مینها در عمق آب کار گذاشته می شوند.» (۴) .

نخست وزیر وقت انگلیس با نگرانی نسبت به عکس العمل امریکا، به این کشور توصیه کرد که با آرامش از خود واکنش نشان دهد. وی تأکید کرد که استراتژی اصلی باید این باشد که در عین باز نگهداشتن کشتیرانی، از شدت بحران بکاهیم. وی همچنین اضافه کرد که این کشتی در جایی به مین برخورد کرد که انتظار آن نمی رفت. (۵) .

در چنین اوضاعی آقای هاشمی در همان روز که نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد در نماز جمعه تهران در پاسخ به موضع گیری عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای ایران، اعلام کرد:

«اگر عراق به مراکز اقتصادی و تأسیسات ایران حمله کند، ایران متحدین منطقه ای عراق را مورد حمله قرار خواهد داد.» (۶) .

پس از اصابت نفتکش بریجتون با مین، بررسی راه مقابله با مین به عنوان یک مسئله جدی مورد توجه قرار گرفت. کارشناسان دریایی امریکا و کویت، بحث و بررسیهایی را به منظور مقابله با مینها آغاز کردند. (۷) برخی از منابع،

۱- ۲۳۶. پیشین.

۲- ۲۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲ / ۵ / ۶۶، به نقل از آنتونی کوئیستن سفیر وقت امریکا در کویت.

۳- ۲۳۸. پیشین.

۴- ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۳ / ۵ / ۶۶، ۱۲۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲ / ۵ / ۶۶.

۵- ۲۴۰. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۶- ۲۴۱. روزنامه های یومیه، ۲ / ۵ / ۶۶.

۷- ۲۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۴ / ۵ / ۶۶.

مقابله با مین را دشوار ذکر کرده و به این مسئله اشاره کردند که برای بسیاری از افراد حیرت آور است که اسکورت امریکایی، وسایل مجهز و پیشرفته ی تشخیص مین نداشته است. (۱) .

در همین روند، امریکا تصمیم گرفت هلیکوپترهای مین روب به خلیج فارس اعزام نماید. (۲) ضمن اینکه در برخی رسانه ها از جمله روزنامه کویتی القبس، شایعاتی مبنی بر احتمال مین گذاری بنادر و جزایر ایران منتشر شد. (۳) .

علاوه بر مسئله فوق، اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران، موضوع دیگری بود که مورد توجه قرار داشت. در عین حال که برخی از مقامات امریکایی، ایران را مسئول این حادثه اعلام کردند، لیکن عدم دسترسی به شواهد و قرائن آشکار مبنی بر دخالت ایران و همچنین توانایی دفاعی و نظامی ایران، بهانه ای بود تا امریکاییها را از اقدام علیه ایران باز دارد. ضمن اینکه به نظر می رسید نگرانی امریکا از گسترش دامنه بحران سبب شده بود امریکاییها، حداقل در این مقطع زمانی به دنبال اثبات نقش ایران در برخورد نفتکش بریجتون با مین نباشند، زیرا این مسئله امریکا را برای تصمیم گیری در موقعیت بسیار دشواری قرار می داد که اقدام تلافی جویانه و یا سکوت در برابر ایران، هر کدام عواقب ناخوشایندی را برای امریکا در پی داشت. جفری کمپ، عضو اسبق شورای امنیت ملی امریکا، در پاسخ به سؤال خبرنگار رادیو لندن، در مورد اقدام تلافی جویانه اظهار داشت:

«امریکا همواره این نکته را روشن کرده که اگر ثابت شود چه کسی علیه منافع این کشور دست به اقدام نظامی زده است به تلافی جویی اقدام خواهد کرد... استنباط من از اظهارات واینبرگر این بود که وی عملا مبهم سخن گفته است.» (۴) .

بدین ترتیب، امریکاییها تنها برخلاف تصورات خود در اولین گام به منظور حضور مقتدرانه در منطقه ی خلیج فارس با ناکامی رو به رو شدند و همین امر بر

---

۱ - ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرنگار رادیو لندن.

۲- ۲۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۶۶، رادیو دوبی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۴۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۴۶. پیشین، شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۵ / ۵ / ۶۶.

پیچیدگی بحران در این منطقه افزود. در واقع، نه تنها اعتبار قدرت نظامی امریکا، بلکه حضور نظامی امریکا نیز فاقد تأثیر تعیین کننده در تأمین آزادی کشتیرانی در منطقه خلیج فارس، بدان مفهوم که امریکا دنبال می کرد، شد.

تصویب قطعنامه ۵۹۸

از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تا پـذیرش آن از سوی ایران یـک سـال به طول انجامیـد. آنچه که در این کتاب و در این فصل مورد بررسـی قرار گرفته است تنهـا تصویب قطعنـامه ۵۹۸ و مواضـع اولیـه ایران در برابر آن می باشـد. مبحث «پـذیرش قطعنـامه» ان شاءالله در کتاب بعدی (جلد پنجم) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از ناکامی و شـکست سـیاست امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین تلاشـهای امریکا برای پایان دادن به جنگ، بر پایه دستیابی به یک تفاهم بین المللی، با تصویب قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل، شکل گرفت. امریکاییها امیدوار بودند که بـا مـذاکرات پنهـان و آشـکار بـا دو کشور ایران و عراق، زمینه دستیابی به منافع گذشـته خود را، فراهم نماینـد. افشای این تلاشـها و نتایـج ناشـی از آن، تشـتت سـیاست منطقه ای امریکـا و به موازات آن دستیابی ایران به پیروزی در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) و کربلای ۵ و همچنین افزایش نفوذ شوروی در منطقه بـا بهره گیری از ناکامیهای امریکا، همراه با گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس و نتایج ناشی از آن، امریکا را در برابر وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داد.

امریکاییها برای غلبه بر وضـعیت دشوار و پیچیده ای که فرا روی خود داشتند، سیاست دو گانه ای را در دو جهت متفاوت ولی با هدف واحد دنبال کردند. واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، در گزارش به کنگره این کشور نوشت:

«سیاست امریکا در چند ماه گذشته در دو جهت بوده است، از یک طرف به تشویق و تعقیب کلیه تلاشهای دیپلماتیک که در جهت پایان دادن به جنگ صورت می گیرد، می پردازد و از تلاشهایی که جلوی ایران را

در ادامه جنگ می گیرد حمایت می کنـد و از طرف دیگر تلاش می کنـد تا از کشورهای غیر متحاربی که به واسـطه ادامه و گسترش جنگ مورد تهدید قرار می گیرند، پشتیبانی نماید.» (۱) .

کرد زمن بعدها در تجزیه و تحلیل سیاست دو گانه امریکا و فشار به ایران نوشت:

«تغییر و تحول در توانمنـدی و قابلیتهـای ایران، منجر به این شـد که امریکـا سـیاست دو گانه ای را در مورد ایران اتخاذ نمایـد. نخستین جنبه ی این سـیاست، تحت فشـار قرار دادن سازمـان ملل متحـد برای برقراری یک آتش بس کامل در جنگ بود تا به برقراری صلح بر مبنای قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر منتهی شود و دو طرف به مرزهای قبل از جنگ برگردند. دومین جنبه ی سیاست امریکـا، دست زدن به اقـدام نظـامی برای محـدود کردن جنگ در خلیـج (فارس)، جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و اعمال فشار به ایران جهت پذیرش آتش بس بود.» (۲) .

احتمال عـدم پذیرش قطعنامه ی سازمان ملل از سوی ایران و عراق و تمایل احتمالی دو کشور به ابتکار عمل شوروی (پیشـین) برای برقراری صلح، (۳) سبب گردید که امریکاییها علاوه بر حضور گسترده در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اهرم فشار نظامی، اسـتفاده از ساز و کارهای سازمان ملل برای سازمان دهی تلاشـهای صلح و تشدید مجازات متخلفین را، در صورت پیچی از پذیرش قطعنامه، مورد تأکید قرار دهند. وزیر دفاع وقت امریکا در همین زمینه می گوید:

ص: ۹۸

۱- ۲۴۷. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.

۲- ۲۴۸. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درسـهایی از جنگهای نوین، جلـد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه ی حسـین یکتا، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،...).

۳- ۲۴۹. اسـحاق رابین (معدوم) وزیر اسـبق دفاع رژیم اشـغالگر قدس در مورد تلاش شوروی (پیشـین) طی مصاحبه ای اعلام کرد: «اخیرا شوروی پیشـنهاد کرد که ایران و عراق برای پایان بخشیدن به جنگ یک کنفرانس مخفی تشکیل دهند، ولی ایران این پیشـنهاد را رد کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو اسرائیل،۱۲ / ۴ / ۶۶).

«از ژانویه ۱۹۸۷، ایالات متحده در شورای امنیت تلاش گسترده به عمل آورده و در صدد است تا یک سری قطعنامه به تصویب برساند که اولین آن خواستار آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی است و دومین آن شامل اقدامات اجرایی است. پنج عضو دائم توافق دارند که جنگ بیش از اندازه به طول انجامیده و باید اقدامات بین المللی جدیتری صورت گیرد تا دو طرف به این جنگ پایان بخشند. برای رسیدن به این منظور، ایالات متحده قویا از اعمال اقدامات اجباری علیه ایران حمایت می کند.» (۱) .

در روند جدید برخورداری سازمان ملل از نقش محوری در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با توجه به ناکامیهای پیشین این سازمان به دلیل ناتوانی در تصمیم گیری مستقل باارائه «راه حل عادلانه»، می توانست موقعیت این سازمان را در اوضاع جدید کاملا بهبود بخشد. لازمه ی این امر توجه جدی و اساسی تر به خواسته های ایران، به عنوان کشوری که مورد تهاجم قرار گرفته و در آن وقت نیز موقعیت برتر نظامی داشته، بود. نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این زمینه می گوید:

«سازمان ملل اگر می خواست موفقیتی داشته باشد، می بایست تا حدودی حقانیت ایران را مطرح کند تا از این طریق هم امکان تأمین پاره ای از نظرهای ایران به دست آید و هم زمینه برای به اصطلاح نقش سازنده شورای امنیت فراهم شود.» (۲) .

شورای امنیت سازمان ملل با توجه به ترکیب اعضاء و نقش و موقعیت امریکا در این شورا، همواره از تأمین خواسته های بر حق ایران ممانعت می کرد و همین مسئله موجب می شد هیچ گاه موقعیت لازم برای پایان بخشیدن به جنگ ایجاد نشود. در شهریور سال ۵۹ پس از تجاوز عراق به ایران، شورای امنیت سازمان ملل «با سکوت ضمنی خود، زمان لازم را برای نیروهای متجاوز

۱- ۲۵۰. مأخذ ۱۱۰، ص ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۲- ۲۵۱. پیشین، ص ۱۳۶، دکتر جائی خراسانی و روزنامه اطلاعات، ۸ / ۱۰ / ۱۳۶۶، ص ۷.

عراقی فراهم ساخت تا به تقویت مواضع خود در داخل سرزمین ما بپردازند و قطعنامه ۴۷۹ (سال ۱۹۸۰) را صادر کردکه در آن نه تنها متجاوز معرفی نگردید و از نیروهای عراقی نیز درخواست عقب نشینی از سرزمین ما به عمل نیامد، بلکه با درخواست آتش بس، سعی در آن داشت که مردم مظلوم ایران را از حق دفاع مشروع که براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده بود، محروم نماید.» (۱) بعدها پس از آزادسازی مناطق اشغالی با فتح خرمشهر و اخراج نیروهای متجاوز عراقی از قسمتهای عمده سرزمین ایران، شورای امنیت با اظهار نگرانی از تهدید صلح و امنیت بین المللی، پس از تشکیل جلسه ای اضطراری، قطعنامه ۵۱۴ (سال ۱۹۸۲) را صادر کرد و درخواست عقب نشینی به مرزهای بین المللی را مطرح ساخت. (۲) حال آنکه این قطعنامه در چنین موقعیتی نه تنها هیچ گونه سودی برای ایران نداشت، بلکه اساسا به دلیل نگرانی اعضای شورای امنیت از ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق و برای حمایت از عراق صادر شد.

تداوم برخوردهای غیر منصفانه و جانبدارانه از عراق، ایران را نسبت به ماهیت تلاشهای سازمان ملل بدبین و تا اندازه ای ناامید کرد و همین امر به میزان قابل توجهی نقش و کارآیی سازمان ملل و موقعیت آن را کاهش داد. با گذشت سالهای اولیه ی جنگ و گسترش آن و نیز پس از حمله عراق به شهرها و مردم غیر نظامی و بی دفاع، موفقیتهای اولیه ی سازمان ملل برای توقف جنگ شهرها و محکومیت تلویحی عراق در به کارگیری سلاحهای شیمیایی (۳) و همچنین

۱- ۲۵۲. پیشین، ص ۱۲۳، پاسخ وزیر خارجه ایران به تلگراف دبیر کل سازمان ملل (۱۸ اکتبر).

۲- ۲۵۳. پیشین.

۳- ۲۵۴. در مارس ۱۹۸۶ متعاقب کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، کارشناسان سازمان ملل برای تهیه گزارش به ایران اعزام شدند. پس از این اقدام، رئیس شورای امنیت کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق را محکوم کرد و دبیر کل از طرفین خواست از حملات بر مناطق مسکونی خودداری کنند. (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

برقراری آتش بس موقت در خلیج فارس و به موازات آن افزایش حمایت قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه از عراق و کم رنگ شدن امکان دستیابی ایران به پیروزی نظامی برای پایان دادن به جنگ، توجه ایران به نقش سازمان ملل افزایش یافت.

در عین حال عدم تفاهم اعضای شورای امنیت سازمان ملل در مورد پایان دادن به جنگ و نحوه ی آن و نیز عدم ارائه «راه حل مناسب و عادلانه» برای تأمین نظریات طرفین درگیر در جنگ، همچنان به عنوان بخشی از موانع برای پایان دادن به جنگ، خودنمایی می کردند. سرانجام با تحولات جنگ و در نتیجه نگرانی اعضای شورای امنیت از گسترش جنگ (۱) و پیروزی ایران، زمینه های تفاهم اعضاء با صدور بیانیه ای از سوی رئیس شورای امنیت فراهم و نشان داده شد. چند روز پس از صدور این بیانیه، در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۶، دبیر کل سازمان ملل گزارشی را به اعضاء شورای امنیت ارائه کرد که نشان داد ۱۰۱ مورد حمله به کشتیها در خلیج فارس صورت گرفته است. دبیر کل ضمن درخواست از اعضاء برای افزایش تلاشها جهت خاتمه دادن به جنگ، اعلام کرد که آماده است نظریاتش را در اختیار شورا قرار دهد. (۲) این درخواست مورد قبول اعضای شورا قرار گرفت و از ماه فوریه ۱۹۸۷ اعضای دائم شورای

۱- ۲۵۵. در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶، رئیس شورای امنیت بیانیه ای را پس از ارائه گزارش دبیر کل و مشورتهای اعضاء صادر کرد که نماینده امریکا در سازمان ملل (ورنون والترز) آن را قرائت کرد. در این بیانیه با نگرانی از گسترش جنگ آمده است: «آنان (اعضای شورای امنیت) همچنین نگرانی عمیق خود را نسبت به گسترش درگیری با افزایش حملات به هدفهای غیر نظامی، کشتیرانی تجاری و تأسیسات نفتی کشورهای ساحلی ابراز می دارند.» (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۳۰).

۲- ۲۵۶. مواضع خصومت آمیز برخی از اعضاء شورای امنیت با ایران، مانند امریکا، سبب گردید از همان ابتدا امکان کار ایران با شورای امنیت تا اندازه ای منتفی شود. به همین دلیل تماس با دبیر کل به عنوان مجرای ارتباط و تأثیرگذاری بر شورای امنیت مورد توجه ایران قرار گرفت و همین مسأله، دبیر کل سازمان ملل را از نقش سازنده و مؤثری برخوردار کرد.

امنیت به صورت یک گروه، کار مشترک و سازمان دهی شده ای را جهت پایان بخشیدن به جنگ آغاز کردند. کار این گروه محرمانه بود و نتیجه آن پنج ماه بعد به صورت قطعنامه ۵۹۸ نمایان شد. (۱) .

بدین ترتیب، روند تنظیم قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل، تحت رهبری امریکا آغاز شد. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا در همین زمینه می گوید:

«امریکا بر کوششهای بین المللی خود برای اختتام جنگ ایران و عراق افزوده و برای این منظور از جمله در شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش رهبری را به عهده گرفته است.» (۲) .

چنانکه اشاره شد، پس از پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ و تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران بر عراق، تلاشهای امریکا برای پایان دادن به جنگ شکل جدیدی به خود گرفت. روزنامه الاتحاد خبری را مبنی بر گفتگوی عراق با امریکا منتشر کرد:

«عراق هم اکنون سرگرم تماس با امریکا به منظور تشویق این کشور به تهیه و ارائه قطعنامه ای می باشد که توسط شورای امنیت ارائه و از ایران و عراق بخواهد که اعلام آتش بس کرده و نیروهای خود را به مرزهای بین المللی بر گردانند. عراق می کوشد تا قطعنامه مذکور متضمن تحریم تجاری علیه کشوری شود که آتش بس را نپذیرد.» (۳) .

در این مرحله، جمهوری اسلامی ایران با توجه به روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ و ماهیت تلاشهای اعضاء شورای امنیت سازمان ملل، تحرکات اخیر را کاملا مورد توجه قرار داد. بدین معنا که برای بهره برداری از نتایج حاصله از پیروزی در سلسله تلاشهای نظامی و همچنین توقف حملات عراق به نفتکشها، ضرورتا به تلاشها و اقدامات اعضای شورای امنیت نظر داشت. علاوه بر اینها، این درک برای ایران وجود داشت که این قطعنامه نیز همانند سایر

۱- ۲۵۷. پیشین، ص ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- ۲۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶،رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱۲ / ۶۶، روزنامه الاتحاد، ۴ / ۱۲ / ۶۵.

قطعنامه ها به تصویب خواهد رسید و در صورت عدم مذاکره و گفتگو عملا حقوق و خواسته های ایران همانند گذشته نادیده انگاشته می شد در این میان زمینه ها و موقعیت لازم برای توجه به نظریات ایران نیز فراهم شد. بدین معنا که برتری ایران به عنوان یک واقعیت مورد پذیرش قرار گرفته و برخی از اعضای فعال شورای امنیت با توجه به اهداف خود، نظریات ایران را مورد توجه قرار دادند. زیرا هر گونه بی توجهی نسبت به درخواستهای ایران، به همان میزان امکان عملی شدن اجرای قطعنامه و پایان بخشیدن به جنگ را مورد تردید قرار می داد. در این زمینه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل می گوید که در همین ایام بنیاد فورد کنفرانس جنگ ایران و عراق را با حضور نمایندگان اعضای دائم شورای امنیت به اضافه دبیر کل و معاون او و عده زیادی از صاحب نظران و متخصصان خاورمیانه برگزار کرد. در این کنفرانس سخنرانیهای زیادی صورت گرفته که تعدادی از آنها انتشار نیافت و حقایق بسیاری در مورد مظلومیت ایران که تاکنون گفته نشده بود، بیان شد. در این کنفرانس نیز چنین نتیجه گیری شد که مادامی که بخشی از خواسته های مشروع ایران به رسمیت شناخته نشود، امکان دستیابی به راه حل سیاسی وجود نخواهد داشت. (۱) .

در این روند، تحرکات دیپلماتیک ایران در سازمان ملل و گفتگو با دبیر کل این سازمان و برخی از اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت و نظریاتی که ایران همراه با دلائل متقن و راه حلهای عملی ارائه کرد، سبب گردید که ضمن توجه به اقدامات و مواضع ایران، تا اندازه ای پیش نویس اولیه ی قطعنامه نیز تغییر نماید. بعدها رادیو بی. بی سی طی گزارشی در همین زمینه به نقل از مقامات آلمان غربی گفت:

«پیش نویس مقدماتی طرح شدید اللحن شورای امنیت که عمدتا به وسیله ایالات متحده تنظیم شده بود، غیر منصفانه و علیه ایران بود. آلمان غربی و اعضاء غیر دائمی شورای امنیت مصرانه تلاش کردند که در قطعنامه

۱- ۲۶۰. روزنامه ی اطلاعات، ۸ / ۱۰ / ۶۶، به نقل از دکتر رجایی خراسانی.

تصریح شود این ایران نبوده که جنگ را آغاز کرده است، از این گذشته عراق با استفاده از سلاحهای شیمیایی، قراردادهای بین المللی را مبنی بر عدم استفاده از این سلاحها، نقض کرده است.» (۱) .

برابر برخی اطلاعات که در این زمینه وجود دارد، علاوه بر تغییر طرح پیش نویس اولیه، تلاش امریکا برای تنبیه متمردین از قطعنامه ی صادره با صدور یک قطعنامه ی دیگر بی نتیجه ماند. مایکل ارماکاست معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا در این زمینه می گوید:

«پنج کشور امریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و چین نتوانستند درباره دومین قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق در زمینه اقدام تنبیهی علیه کشور متمرد در جنگ خلیج فارس به توافق برسند.» (۲) .

انتشار اخبار مربوط به توافق اعضاء شورای امنیت برای صدور قطعنامه، بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. عراقیها با توجه به وضعیت نامطلوبی که در جبهه های نبرد داشتند و همچنین تلاش برای بین المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و اشتیاق جهت پایان یافتن جنگ، بلافاصله اخبار مربوط به این توافق را به طور نسبتا مفصل در رسانه های خود منعکس کردند. (۳) عراقیها چنین پیش بینی می کردند که به علت عدم تأمین تمامی خواسته های ایران در قطعنامه جدید، ایران از پذیرش آن خودداری خواهد کرد و همین امر زمینه تشدید فشار به ایران را فراهم خواهد ساخت.

متن غیر رسمی مفاد پیش نویس طرح قطعنامه (۴) پیشنهادی اعضای شورای امنیت، حاوی نکات مهمی بود، بدین ترتیب که در نخستین مرحله فورا آتش بس برقرار شود و نیروها بدون هر گونه اقدام نظامی در اسرع وقت به مرزهای بین المللی مورد قبول عقب نشینی کنند. سپس مبادله کلیه اسرا با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام پذیرد. همکاری ایران و عراق با دبیر کل به منظور حل و فصل منصفانه و شرافتمندانه در مرحله سوم مورد قبول دو طرف انجام

۱- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۶۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۲ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱/ ۴ / ۶۶.

۳- ۲۶۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳/ ۴ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۷،۴ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۴ / ۶۶.

می گرفت. مسئله تحقیق درباره ی مسؤولیت جنگ از سوی یک ارگان بی طرف نیز پیش بینی شده بود. علاوه بر این، بررسی خسارات وارده و کمک بین المللی مناسب برای بازسازی مناطق ویران شده، بخشی از مفاد قطعنامه ی پیشنهادی بود.

در این پیش نـویس گر چه بخشـی از نظریـات ایران از جمله تعیین متجـاوز بـا تشـکیل یـک کمیته بی طرف، مـورد توجه قرار گرفت، اما قطعنامه و ترتیب بندهای مندرج در آن با توجه به موقعیت برتر جمهوری اسـلامی، به زیان ایران تنظیم شده بود. در واقع، امریکاییهـا مایـل نبودنـد آنچه را که ایران در میـدانهای جنـگ پیگیری می کرد و در اثر پیروزیهـای نظـامی حاصـله، در موقعیت برتر قرار گرفته بود، به رسمیت شناخته و در پشت میز مذاکره به این کشور امتیازات اساسی بدهند.

آقای هاشـمی در نخستین واکنش رسـمی ایران در برابر طرح تازه شورای امنیت، این طرح را غیر منصـفانه خواند. (۱) ریچارد مورفی بلافاصله در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی گفت:

«ایالات متحده از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد در تلاش است تا قطعنامه ای را تهیه کند که هم برای ایران و هم برای عراق قابل قبول باشد.» (۲) .

تلاشـهای گسترده ی ایران در سازمان ملل برای گنجانـدن نظریات خود در قطعنامه ی نهایی، در مقایسه با برخوردهای پیشـین ایران با قطعنامه های شورای امنیت، کاملا واضح و آشکار و برای ناظران قابل رویت بود. ایران خواستار آن بود که در قطعنامه پیش از درخواست برقراری آتش بس از طرفین، ابتـدا مسؤول آغـاز جنـگ معرفی شود. (۳) شواهـد و قرائن نشان دهنده عدم تمایل شورای امنیت به برداشـتن این گام بود. به همین دلیل، بخش عمده تلاشهای ایران قبل و بعد از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸، به تأمین همین خواسته معطوف شد. عراق نیز علاوه بر آنکه در تهیه متن پیش نویس نقش فعالی

۱- ۲۶۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۶۶، روزنامه الخلیج.

۲- ۲۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۵ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۶۶، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

داشت، در برابر تلاشهای ایران، طرح ۵ ماده ای پیشنهادی صدام را نیز مستقلا ارائه کرد. در این طرح که طی مقاله ای در کلیه روزنامه های عراق به چاپ رسید، تأکید شده بود: «ما این پنج اصل را به عنوان راه تغییرناپذیر پایان دادن به این جنگ اعلام کرده ایم.» (۱) پنج اصل مورد اشاره صدام عبارت بودند از:

«۱- استقرار یک آتش بس جامع.

۲- عقب نشینی جامع، کامل و بدون قید و شرط نیروها به آن سوی مرزهای بین المللی.

۳- تبادل کلی و جامع اسرای جنگی.

۴- امضای یک پیمان صلح و عدم تجاوز.

۵- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام به نحوه زندگی مردم دو کشور.» (۲) .

سرانجام قطعنامه ی ۵۹۸ به عنوان مفصلترین قطعنامه از سلسله قطعنامه های مورد مطالعه، نه ماه و نیم پس از تصویب قطعنامه ۵۸۸ و در موقعیتی که احتمال تشدید و گسترش جنگ موجبات نگرانی اعضای شورای امنیت را فراهم کرده بود، در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، به اتفاق آراء تصویب و صادر شد. (۳) .

در این قطعنامه، اعضای شورای امنیت از آغاز و ادامه این درگیری، بمباران مراکز کاملاـ غیر نظامی، حمله به کشتیهای بی طرف و هواپیماهای غیر نظامی و استفاده از سلاحهای شیمیایی که مغایر با تعهدات مندرجه در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می باشد، اظهار تأسف کردند. همچنین اعضای شورای امنیت اعلام کردند:

«به طور عمیق نگران اوجگیری احتمالی و توسعه این درگیری می باشند و مصمم هستند به تمام عملیات نظامی بین ایران و عراق خاتمه دهند.» (۴) .

سپس مصوبات شورای امنیت، تحت عنوان بندهای قطعنامه به شرح ذیل مورد تأکید قرار گرفت:

«۱- در اولین قدم جهت حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره، ایران و

۱- ۲۶۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۵ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۶۹. پیشین.

۳- ۲۷۰. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۴۳ -۱۴۴.

۴- ۲۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ /۶۶، آسوشیتدپرس، ۳۰ / ۴ / ۶۶، ص ۹.

عراق آتش بس را رعایت کنند و تمامی اقدامات نظامی زمینی، دریایی و هوایی را خاتمه داده و تمام نیروهایشان را بدون تأخیر به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- یک هیأت توسط دبیر کل، برای بررسی، تأیید و نظارت آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام شود. همچنین دبیر کل تدابیر ضروری را برای مشورت با دو طرف ترتیب دهد.

۳- آزادی اسرای جنگی و بازگشت بدون تأخیر آنها به کشورشان پس از قطع مخاصمات.

۴- همکاری دو کشور با دبیر کل برای اجرای قطعنامه.

۵- خودداری تمام کشورها از هر گونه اقدامی که احتمالا به تشنج بیشتر و گسترش مناقشه منجر شود.

۶- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق، موضوع مسؤولیت بروز جنگ را مورد بررسی قرار دهد و مراتب را هر چه سریعتر به اطلاع شورای امنیت برساند.

۷- هیأتی از کارشناسان از سوی دبیر کل برای بررسی خسارات و بازسازی تعیین شده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، تدابیری را برای پیشبرد امنیت و ثبات منطقه، مورد بررسی قرار دهد.

۹- دبیر کل شورا را از اجرای این قطعنامه مطلع سازد.

۱۰- شورای امنیت در صورت ضرورت برای بررسی اقدامات بیشتر جهت تضمین پایبندی طرفین به این قطعنامه آماده است بار دیگر تشکیل جلسه بدهد.» (۱) .

این قطعنامه با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، اساسا به زیان ایران و به سود عراق تهیه و تنظیم شده بود. امریکاییها در تلاش

۱- ۲۷۲. پیشین، ص ص ۹ - ۱۰.

جدیـد خود در نظر داشـتند با اعمال فشار بر ایران و تنبیه آن و متقابلا حمایت از عراق، (۱) جنگ را خاتمه دهند. این قطعنامه درباره چگونگی آغاز جنگ و وقوع تجاوز ساکت است و در بند سوم، قسـمت مقدماتی که از ادامه منازعه اظهار تأسف شده است، به طور ضـمنی این مطلب القـاء می شود که در مقـام تقسـیم مسؤولیت حقوقی جنگ، عراق مسؤول آغاز جنگ و ایران مسؤول ادامه آن می باشـد. (۲) حـال آنکه سازمـان ملـل در همان آغاز جنگ، در صورت برخورد منصـفانه و با ارائه راه حل عادلانه، با محکوم کردن متجاوز می توانست مقدمات پایان بخشیدن به جنگ را فراهم نماید. لیکن به دلیل حفظ منافع اعضاء شورای امنیت، از چنین اقـدامی ممـانعت به عمـل آمـد. در عین حـال، یکی از عمـده ترین و شاخص ترین امتیازات قطعنامه ی ۵۹۸ نسبت به قطعنامه های قبلی و اصولا نشانه ی تغییر روش شورا، بند ۶ است که «تعیین هیأت بی طرف برای تحقیق راجع به مسؤولیت منازعه» را مورد تأکید قرار داده است. (۳) .

جمهوری اسـلامی ایران در نخستین واکنش در برابر قطعنامه ۵۹۸، برپـایه درکی که در خصوص ماهیت و نحوه تهیه و تنظیم و محتوی آن داشت، قطعنـامه را «تکرار قطعنـامه هـای گذشـته با انـدکی تفاوت» ذکر کرد و اعلام داشت: «نکته ی مثبت در این قطعنـامه جسـتجو برای یـافتن جنگ افروز و متجاوز می باشـد.» (۴) وزیر خـارجه ی ایران در مصـاحبه رادیویی بـا رادیو تهران اظهار داشت:

«در این قطعنامه نکات مثبتی دیده می شود که کافی نیست. زیرا از عراق به عنوان متجاوز نام برده نشده است.» (۵) .

وزارت خارجه ایران در واکنش رسـمی نسبت به قطعنامه ی ۵۹۸، در پاسـخ به نامه ی دبیر کل سازمان ملل که متن قطعنامه را برای وزرای خارجه ایران و عراق ارسال کرده بود، طی بیانیه ای اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر با تصویب قطعنامه ای غیر عادلانه، از

ص: ۱۰۸

۱- ۲۷۳. گری سیک مشاور اسبق کارتر، منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی.

۲- ۲۷۴. مأخذ شماره ۱۲۹، ص ۱۴۹.

۳- ۲۷۵. پیشین.

۴- ۲۷۶. مصاحبه ی رئیس وقت مجلس شورای اسـلامی با روزنامه اطلاعات که در رادیو لندن در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶ منعکس شد.

۵- ۲۷۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

ایفای مهمترین وظیفه ی خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی عدول نمود... این قطعنامه در شرایطی به تصویب رسیده که امریکا با اعلام تصمیمش مبنی بر اعزام ناوهای جنگی خود به منطقه، بند اجرایی پنجم قطعنامه که درخواست عدم دخالت سایر کشورها در جهت تشدید و گسترش آتش جنگ را دارد، از قبل نقض نموده است.»

در پایان این بیانیه آمده است:

«وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران متعاقبا موضع تفصیلی خود را در قبال کلیه بندهای قطعنامه ۵۹۸ اعلام خواهد کرد.» (۱) .

چند هفته بعد پاسخ مبسوط جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ۵۹۸ منتشر شد. (۲) این پاسخ شامل جوابیه ی وزیر امور خارجه ایران به نامه ی مورخ ۲۰ ژوئیه دبیر کل بود. در آخرین بند ضمیمه ی نامه وزیر امور خارجه ی ایران آمده است:

«تلاشهای سازنده و قابل تقدیر برخی از اعضای بی طرف شورای امنیت برای نیل به یک قطعنامه ی متوازن و مثبت اگر چه به نتیجه مطلوب نرسید، ولی زمینه را برای ادامه ی همکاری جمهوری اسلامی ایران در جهت سوق دادن شورا به سمت یک موضع مؤثر و عادلانه فراهم می نماید. بی تردید اعلام موضع صریح نسبت به مسؤولیت عراق در شروع جنگ، نظیر آنچه از جانب برخی از کشورهای واقعگرا انجام گردیده است، بهترین عنصر در جهت ختم عادلانه ی جنگ است.» (۳) .

بدین ترتیب، با عدم تأمین خواسته های ایران در قطعنامه ی ۵۹۸، جمهوری اسلامی ایران از پذیرش آن خودداری و در عین حال، به دلیل نکات مثبتی که در قطعنامه وجود داشت از نفی کامل آن نیز امتناع کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ و سخنگوی شورای عالی دفاع، مواضع ایران و دلایل آن را چنین بیان کرد:

«... در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم که حاضر شدیم پیرامون آن

۱- ۲۷۸. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۵۸ و ۱۵۹ و روزنامه ی کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۲.

۲- ۲۷۹. پیشین، ص ۱۵۹ و روزنامه ی کیهان، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۶، ص ۳.

۳- ۲۸۰. پیشین ص ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

مذاکره کنیم. جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است، چون در آن جای بحث می بیند... نکته منفی آن این است که می گوید به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه ی آن، آتش بس اعلام شود و ما این بند را قبول نداریم. بند مربوط به معرفی متجاوز می تواند به عنوان تنها کلید حل مسائل به شمار آید و این نکته ی مثبتی است، اما باید پیش از اعلام آتش بس انجام شود... ما می گوییم اول متجاوز معرفی شود و بعد راه برای حل مسائل جدی همواره خواهد شد. معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و بازپرداخت غرامت از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جا به جایی در بندها انجام شود راه هموار خواهد شد.» (۱) .

جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه با اعلام مواضع در برابر قطعنامه ی ۵۹۸ سیاست «نه رد و نه قبول» را اتخاذ کرد، در عین حال با اعتقاد به وجود برخی نکات مثبت در قطعنامه، با تأکید بر ضرورت جا به جایی در بندهای قطعنامه و تقدم محکوم کردن متجاوز نسبت به برقراری آتش بس، تلاشهای سیاسی خود را بر همین محور تنظیم و سازماندهی کرد که تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران، ادامه داشت. (۲) .

عراقیها در اولین واکنش، با پخش سخنان صدام در رادیو عراق مبنی بر عدم پذیرش هر طرحی که شامل «پنج اصل» (۳) نباشد، مخالفت خود را با قطعنامه اعلام کردند. لیکن سخنگوی رسمی عراق با تأکید بر این مسئله که «تعبیر رهبران عراقی از قطعنامه مثبت است»، پاسخ رسمی عراق را به نتایج بررسی قطعنامه در جلسه شورای انقلاب و فرماندهی حزب بعث به ریاست

۱- ۲۸۱. پیشین ص ص ۱۶۲ و ۱۶۱ و روزنامه ی کیهان ۲۱ / ۶ / ۶۶، ص ۲.

۲- ۲۸۲. در این زمینه در جلد پنجم از همین مجموعه (سیری در جنگ ایران و عراق) توضیح لازم ارائه خواهد شد.

۳- ۲۸۳. چندی قبل صدام پنج اصل را برای صلح مطرح کرد که در صفحات قبل اشاره شد.

صدام موکول کردند. (۱) پس از ۲۴ ساعت سخنگوی رسمی عراق اعلام کرد: که مجلس عراق به اتفاق آراء این قطعنامه را مورد تصویب قرار داد و اظهار داشت که پذیرش این قطعنامه از سوی ایران از عوامل ضروری برای رعایت متقابل تعهدات دو کشور است. وی گفت: تصمیم یاد شده در گردهمایی فرماندهی سیاسی عراق تحت ریاست صدام اتخاذ شده است. (۲) .

عراقیها تصویب قطعنامه را به سود خود ارزیابی می کردند، چنانکه سفیر عراق در لندن ضمن تهدید حمله به کشتیها در خلیج فارس اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه اخیر خود، در واقع از سیاستهای عراق حمایت کرده و نشان داده که حق با عراق است.» (۳) .

امریکاییها در نخستین واکنش پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، با نگرانی از مخالفت ایران و تخریب تلاشهای سیاسی چند ماه اخیر امریکا، بر «اجرای قطعنامه و ممانعت از تبدیل آن به یک ژست تو خالی»، (۴) تأکید کردند. وزیر امور خارجه شان نیز اعلام کرد:

«قبول قطعنامه از جانب ایران به بهبود احتمالی مناسبات ایران و واشنگتن که از سال ۱۹۸۰ در اوج بحران گروگانگیری دیپلماتهای امریکایی در ایران قطع شد، کمک خواهد کرد.» (۵) .

تدریجا با آشکار شدن موضع ایران، رئیس جمهوری وقت امریکا، ایران را تهدید کرد:

«... در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش بس پیش رو ندارد.» (۶) .

روسها با توجه به سیاست خاصی که در این مرحله از جنگ دنبال می کردند، بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، هیأتی را به سرپرستی یوری ورنتسف، معاون وزیر خارجه ی این کشور برای گفتگو درباره ی اجرای

۱- ۲۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۶۶، به نقل از شولتز وزیر خارجه وقت امریکا.

۵– ۲۸۸. پیشین.

۶– ۲۸۹. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

قطعنامه ی ۵۹۸، راهی تهران کردنـد. ماهیت تلاشـهای شوروی (پیشـین) و موقعیت این کشور در منطقه، تحرکات دیپلماتیک روسـها را در کانون توجهات قرار داده بود. گر چه اقـدامات شورویها غالبا با بـدبینی دنبال می شد. چنانکه اسـحاق رابین وزیر دفاع اسـرائیل در پارلمان این کشور، با توجه به تلاشـهای اخیر شوروی بر این مسـئله تأکیـد کرد که این کشور به دنبال «ماهی گرفتن از آب گـل آلـود» است و مایـل است «بحران دائمی در منطقه» وجـود داشـته باشـد تـا مطـامع خـود را از طریـق حصول سازش سیاسی به دست آورد. وی اظهار داشت:

«طبق ارزیابیهای مختلف، شوروی قصد دارد برنامه خود را یک سال دیگر اجرا کند، زیرا ارزیابی می نماید طی سال آینده چه تحول مهمی روی خواهد داد.» (۱) .

از نظر برخی کارشناسان امور خاورمیانه، شوروی به دلیل رابطه با ایران و عراق به عنوان تنها قدرتی ارزیابی می شد که قادر به یافتن راه حلی برای پایان جنگ می باشـد. (۲) شورویها نیز همین نقش را برای خود جسـتجو می کردند، چنانکه گراسـیموف مفسر خبرگزاری تاس طی تحلیلی اظهار داشت:

«این یک مناقشه منطقه ای است و شوروی و امریکا می تواننـد مشترکا همانگونه که در شورای امنیت اقـدام کردند برای پایان دادن به آن نیز همکاری کنند.» (۳) .

در رونـد تحولاـت جنگ، به رغم تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و گسترش درگیری در منطقه خلیـج فـارس و تشدیـد فشار به ایران برای پایـان دادن به جنـگ، به دلیل نادیـده گرفتن خواسـته های بر حق ایران از یک سو و از سوی دیگر خودداری از هر گونه فشـار به عراق برای ممـانعت از حملاـت این کشور به کشتیهـا و منـاطق غیر نظامی ایران، عملا وضـعیت مناسب برای خاتمه ی جنگ فراهم نشد. از این پس تلاشهای دیپلماتیک ایران مبتنی بر تعیین متجاوز و تقدم آن نسبت به

۱- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۸ / ۵ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۷ / ۵ / ۶۶.

۲- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۹ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری تاس، ۱۶ / ۵ / ۶۶.

برقراری آتش بس بود. عراق نیز متقابلا- بر حملات خود به کشتیها افزود و رسـما مخالفت خود را با تفکیک «امنیت در حوزه خلیج فارس» و «قطع جنگ» اعلام کرد. (۱) .

برابر برخی از شواهـد و قرائن، چنین به نظر می رسـید که رونـد تحولاـت جنـگ بـا توجه به تشدیـد فشـار به ایران به زیان این کشور خواهـد بود. در این میـان، عراقیهـا متقابلا اوضاع را به سود خود ارزیابی می کردنـد. چنانکه صـدام طی مصاحبه ای در همین زمینه، وضع جنـگ را بـا آخرین روزهای «روزه» تشبیه کرد و گفت: این روزها، دشوار و طاقت فرسا است، ولی از پایان روزه خبر می دهد!! (۲) .

تداوم درگیری در خلیج فارس با از سرگیری حملات هوایی عراق

عراقیهـا پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و حضور نیروهای امریکا (۳) در منطقه، رونـد تحولات جنگ را به سود خود ارزیابی می کردند. صدام در مورد برداشت از واکنش احتمالی ایران و بحثهای مطروحه در جلسه فرماندهی مرکزی عراق می گوید:

«در مرکز فرمانـدهی مـا پیرامون این قطعنـامه بحث و بررسـی شـد و بعضـی از برادران مـا تصور می کردنـد که ایران به هنگام صـدور این قطعنامه حتما به مخالفت خواهـد پرداخت و مانند گذشـته عمل خواهد کرد ولی من گفتم نه، این دفعه ایرانیها این قطعنـامه را رد نخواهـد کرد. چون از اوضـاع عمومی و خصوصـی این چنین نتیجه گیری می شود که این قطعنـامه را نه رد می کنند و نه می پذیرند.» (۴) .

ص: ۱۱۳

۱- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۵ /۶۶، مصاحبه صدام با «لوماتن» چاپ فرانسه.

۲- ۲۹۴. پیشین.

۳- ۲۹۵. روزنامه الثوره چاپ عراق رسما از حضور ناوگانهای خارجی در منطقه خلیج فارس دفاع کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۲۹ / ۵ / ۶۶).

۴- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۶۶، بخش عربی رادیو صورت الجماهیر، ۷ / ۶ / ۶۶.

عراقیها بر پایه این درک تصور می کردند ایران به دنبال «وقت کشی» است تا ضمن تحرکات دیپلماتیک (۱) مقدمات اجرای عملیات در جبهه زمینی را فراهم سازد. به همین دلیل، عراقیها از سرگیری حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی ایران را پی ریزی کردند تا بدین وسیله با گسترش دامنه بحران، زمینه ی خاتمه بخشیدن به جنگ و رها شدن عراق از فشارهای همه جانبه را فراهم سازند.

بر پایه این اهداف، عراقیها پس از تهدید به از سرگیری حملات هوایی علیه ایران، (۲) حملات خود را به تأسیسات نفتی (۳) و کشتیهای تجاری و نفتکشها آغاز کردند. همچنین نیروی هوایی عراق شش شهر ایران را مورد حمله قرار داد. سفیر عراق در امریکا در توجیه از سرگیری حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی ایران اعلام کرد:

«این حملات در حالی صورت گرفته است که عراق قطعنامه ی شورای امنیت را قبول کرده ولی ایران آن را رد کرده است.» (۴) .

وی همچنین اظهار داشت:

«مادامی که جنگ ادامه دارد، عراق خود را مجاز به حمله به هر نقطه از خاک ایران می داند.» (۵) .

ایران با توجه به موقعیت جدید و احتمال افزایش فشارهای (۶) عراق با حمایت امریکا و کشورهای منطقه، پیش از این اعلام کرده بود بمبارانهای عراق را از طریق حمله علیه حامیان این کشور تلافی خواهد کرد. (۷) به همین

۱- ۲۹۷. در صفحات بعد بحث خواهد شد.

۲- ۲۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی،۱۷ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۹۹. نیروی هوایی عراق در تاریخ ۱۸ / ۵ / ۶۶ حملات وسیعی را به پالایشگاههای ایران کرد.

۴- ۳۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۶۶، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۲۰ / ۵ / ۶۶.

۵- ۳۰۱. پیشین.

۶- ۳۰۲. یک دیپلمات بلند پایه غربی در کویت با توجه به فشارهای دیپلماتیک و نظامی بر ایران گفته بود: «شدت فشارهای وارده بر ایران فوق العاده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۲ / ۵ / ۶۶).

۷- ۳۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۵ / ۶۶.

دلیل، متعاقب از سرگیری تهاجمات هوایی عراق، مقابله به مثل ایران محتمل به نظر می رسید. در چنین وضعیتی، برای نخستین بـار یـک کشتی امریکـایی بـا پرچم پاناما در آبهای دریای عمان با مین برخورد کرد. خبرگزاری رویتر به هنگام مخابره خبر به این مسئله اشاره کرد که برخورد این نفتکش با مین به فاصله سه روز پس از مانور دریایی ایران (۱) (موسوم به مانور شهادت در خلیج فارس) در آبهای منطقه و تمرین عملیات مین گـذاری توسط قایقهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته است. (۲) در سایر گزارشهای نظامی، به نقل از کارشناسان نظامی در مورد اقدام احتمالی ایران تحلیلهایی منتشر شد که قابل توجه بود. کوردون مارتین خبرنگار امور دیپلماتیک لندن به نقل از یکی از کارشناسان مؤسسه نیروهای متحد سلطنتی انگلیس می گوید:

«عملیاتی که نیروهای احتمالا انجام خواهند داد مین گـذاری را نیز شامل خواهد شـد. زیرا مین گذاری کاری محدود است و چنـدان تحریـک آمیز نیست و زمینه محـدودی برای اقـدام تلافی جویانه امریکا فراهم می کنـد. به این ترتیب، مین گـذاری با استراتژی حکومت ایران که مبتنی بر خودداری از برخورد جدی با امریکاست، سازگار است.» (۳) .

در همین چـارچوب، پس از اصـابت کشتی پانامـایی با مین و کشف مینهای جدیـد در دریای عمان، سخنگوی پنتاگون، برای نخستین بار به طور آشکار و رسمی ایران را مقصر قلمداد کرد.

واکنش رسمی امریکاییها، نشـان دهنـده تلاش جدیـد آنها برای گسترش حضور درمنطقه، با وارد ساختن فشار بر کشورهای اروپایی برای ارسال ناو و

۱- ۳۰۴. مانور دریایی شهادت به مدت سه روز (۱۴ تا ۱۶ / ۵ / ۶۶) در خلیج فارس انجام گرفت که بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. فرمانـده کل سپاه در این مانور اعلام کرد: «موشکهای ضد کشتی و ضد هواپیمای سپاه آماده است تا هر هدفی را در خلیج فارس و دریای عمان مورد حمله قرار دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، بحرین، خبرگزاری رویتر،۱۹ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۷ / ۵ / ۶۶.

مین روب (۱) و همچنین فراهم سازی مقدمات اقدام نظامی علیه ایران بود. برپایه همین درک، رئیس جمهور وقت ایران در نماز جمعه تهران اعلام کرد: «امریکا به دنبال بهانه است تا جنگ علیه ایران را آغاز کند.» سپس ایشان تأکید کرد که ایران به کشتیهای جنگی امریکا حمله نخواهد کرد مگر اینکه مورد حمله قرار گیرد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود در مورد ماهیت تلاشهای امریکا اظهار داشت:

«امریکا احساس می کند که جمهوری اسلامی در حال پیروز شدن در جنگ با عراق است. بنابراین به دنبال بهانه ای است تا در جنگ به نفع عراق مداخله کند.» (۲) .

امریکاییها برای رها شدن از اتهام مداخله به سود عراق و با نگرانی نسبت به از سرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران، به طور مستقیم و همچنین از طریق کویت و عربستان از عراق درخواست کردند تا زمان صدور قطعنامه دوم شورای امنیت در مورد مجازات ایران، از حمله خودداری کند. روزنامه القبس در گزارش خود نوشت:

«دولت امریکا به عراق اطلاع داده است که از حمله به تأسیسات ایران خودداری نماید تا از وقوع یک برخورد نظامی میان ایران و امریکا در آبهای خلیج فارس جلوگیری شود.» (۳) .

عراقیها ضمن اظهار ناخرسندی نسبت به درخواست امریکا، بلافاصله در روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع این کشور، طی مقاله ای تخریب کامل تأسیسات اقتصادی ایران را به عنوان تنها راه برای تحت فشار قرار دادن این کشور جهت پایان دادن به جنگ توصیف کردند. (۴) .

۱- ۳۰۷. دولت انگلیس اعلام کرد چهار فروند کشتی مین روب به علاوه یک کشتی پشتیبانی به خلیج فارس اعزام خواهد کرد. (رادیو لندن ۲۰ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۹، ۲۵ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری یونایتدپرس،۲۴ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۶۶، روزنامه ی کویتی القبس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۶۶.

۴- ۳۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره۱۵۱، ۲۷ / ۱ / ۶۶، رویتر،۲۶ / ۵ / ۶۶.

صـدام نیز با اسـتفن مولارنر، نماینده امریکا به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. (۱) در واقع، عراقیها در نظر داشـتند با از سرگیری حملات خود، زمینه ی تشدیـد بحران در منطقه را فراهم نماینـد و در نتیجه ی این وضـعیت، فشار امریکا و کشورهای منطقه به ایران افزوده شود.

تلاشهای سیاسی ایران

نگرانی امریکـا از اقـدامات تلافی جویـانه ایران در برابر حملات عراق، منجر به فشار امریکا به عراق برای توقف حملات این کشور به تأسیسات و حوزه های نفتی ایران شـد. پیـدایش موقعیت جدیـد، سـبب گردیـد که مجددا ایران تلاشـهای تبلیغاتی و دیپلماتیـک خود را آغـاز نمایـد. مصاحبه آقای هاشـمی با شـبکه تلویزیونی ان. بی سـی امریکا و سـپس مصاحبه ی مطبوعاتی سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ (آقای خرازی)، نقطه آغاز تلاشهای جدیدی بود که به مدت چند ماه متوقف شده بود.

آقای هاشـمی در مصاحبه ی خود ضمن اعتراف به برخورداری از نفوذ روی کسانی که گروگانها را در لبنان در اختیار دارند، اعلام کرد که بـدون گرفتن امتیـازاتی از امریکـا، آماده مـداخله برای آزادی آنها نخواهـد بود. ایشان در این مصاحبه، موضـع امریکا را در برابر ایران خصـمانه توصـیف کرد، زیرا اسـکورت نفتکشـها به منزله کمک به عراق ارزیابی می شد. سپس ایشان آزاد کردن داراییهای مسدود شده ایران را به عنوان شـرط بهبود روابط با امریکا اعلام کرد. (۲) اظهارات آقای هاشمی در این مصاحبه، با توجه به اوضاع بحرانی در منطقه، بسیار «معقول و منطقی» (۳) ارزیابی شد و از آن چنین نتیجه گیری شد که ایران مایل به جنگ با امریکا نیست، لذا امریکا باید اقداماتی را انجام دهد که به منافع ایران نزدیک باشد. (۴) .

سخنگوی وزارت خارجه امریکا در اولین واکنش در برابر مواضع آقای

ص: ۱۱۷

۱- ۳۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۳، ۲۹/ ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۵ / ۶۶.

۲- ۳۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۴، ۳۰ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۹ / ۵ / ۶۶.

۴- ۳۱۴. پیشین.

هاشمی اعلام کرد که امریکا با تروریستها معامله نمی کند و کویت و اسرائیل را نیز برای آزادی زندانیان شیعه و ربوده شدگان ایران در لبنان تحت فشار قرار نخواهد داد. (۱) .

مصاحبه ی سخنگوی وقت ستاد تبلیغات جنگ در تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۶ و اظهار اینکه مین ریزی از سوی ایران برای «حفاظت از تأسیسات ایران» و با «مقاصد دفاعی» صورت می گیرد، بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. در واقع، پذیرش مسؤولیت مین ریزی و تأکید بر «مقصد دفاعی ایران» بسیار حائز اهمیت بود. ضمن اینکه وی در این مصاحبه، تلویحا عدم مخالفت ایران را با اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا اعلام کرد. خبرنگار رادیو سوئد ضمن شگفت آور خواندن اظهارات سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ افزود:

«این بیانات به روشنی نشانگر آغاز ورود ایران به خط مشی نرمتر سیاسی، پس از تهدیدات و سر و صداهای نظامی علیه امریکا می باشد.» (۲) .

این اعلام مواضع ایران (۳) سبب گردید تا رادیو امریکا تفسیری را تحت عنوان «نظرهای آشتی جویانه مسؤولان ایرانی» پخش نماید. (۴) همچنین سخنگوی وزارت خارجه ی امریکا اعلام کرد که مایل به گفتگو با آقای جواد لاریجانی معاون وزارت خارجه ایران در نیویورک درباره ی هشت گروگان امریکایی می باشد. وی شرط این ملاقات را درخواست ایران ذکر کرد. (۵) آقای لاریجانی در اولین واکنش، طی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی اعلام کرد: «ما در قبال این کمک چیزی مطالبه نمی کنیم.» (۶) .

بازتاب مواضع اخیر ایران سبب گردید تا سیاست خارجی ایران و اوضاع داخلی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. رمضانی، یکی از کارشناسان

۱- ۳۱۵. رادیو امریکا، ۲۹ / ۵ / ۶۶.

۲- ۳۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۵، ۳۱ / ۵ / ۶۶، استکهلم، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ / ۵ / ۶۶، رادیو سوئد.

۳- ۳۱۷. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا برپایه مواضع جدید ایران اعلام کرد: «جنگ ایران و عراق بسیار طولانی نخواهد بود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۶، ۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۵ / ۶۶.

۵- ۳۱۹. پیشین.

۶- ۳۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۶ / ۶۶.

امریکایی امور ایران به این مسئله اشاره کرد که برداشت جهان خارج از سیاست ایران «ترکیبی از جنگجویی و واقعیت گرایی» است که منعکس کننده درگیریهای سیاسی داخلی می باشد. وی همچنین اظهار داشت که خشم ایران در مورد فشار نظامی امریکا سبب شد مذاکره دو کشور تا مدتی متوقف شود. اما هنوز علامتهایی مبنی بر تمایل ایران برای مذاکره با امریکا مشاهده می شود. (۱) .

رابین رایت روزنامه نگار امریکایی نیز پس از سفر به جمهوری اسلامی برداشت جدیدی از مواضع ایران داشت. وی گفت تصور نمی کنم که ایران خواستار مقابله ی نظامی باشد و این پیامی است که روزانه، شخصیتهای سیاسی پا به پای مقامات نظامی آن را باز می کنند. وی در عین حال اظهار داشت که مسائل بستگی به روند جنگ در پایین خواهد داشت. سپس او امکان مقابله ایران را مشروط به سه مسئله کرد:

۱- جنگ نفتکشها با حمله عراق از سر گرفته شود.

۲- تأسیسات نفتی ایران بویژه در جزیره ی خارک مورد حمله قرار گیرد.

۳- کشتیهایی که به ایران رفت و آمد دارند، هدف قرار گیرند. (۲) .

از سرگیری مجدد حملات عراق

پس از توقف حملات عراق بر اثر فشار امریکا، عراقیها با مشاهده تلاشهای سیاسی ایران و استقبال امریکا از مواضع جدید مسئولین کشور، (۳) اوضاع را به زیان خود ارزیابی کردند. رادیو لندن پس از توقف حملات عراق طی تحلیلی گفت:

«اگر عراق ببیند برای متوقف کردن این حملات هیچگونه فشاری بر ایران

۱- ۳۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶ / ۶ / ۶۶، رادیو امریکا، ۵ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۲۳. برابر گزارش منتشره در روزنامه ی آبزرور چاپ لندن نمایندگان ایران و امریکا در سوئیس طی ملاقات محرمانه، اوضاع خلیج فارس و مسئله گروگانهای امریکایی در لبنان را مورد بررسی قرار داده اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۶۶).

وارد نمی شود، آن وقت نمی توان تصور کرد که عراق به صبر خود ادامه دهد.»

در ادامه این تحلیل در مورد پیامد حمله عراق آمده است:

«اگر عراق جنگ نفتکشها را از سر بگیرد و ایران هم چنانکه گفته است با حمله به متحدان عرب عراق به عمل متقابل دست بزند و امریکا هم ناگزیر به اقدام تلافی جویانه نشود، آن وقت دیگر قطعنامه ۵۹۸ معنایی نخواهد داشت. (۱) در آن صورت طرفهای متخاصم دیگری در جنگ ایران و عراق درگیر خواهند شد. (۲) .

در واقع، معادله ی حاکم بر جنگ بدین شکل بود که عراق لازمه ی پایان دادن به آن را گسترش حملات به منابع نفتی و نفتکشها و همچنین کشتیهای تجاری ایران می دانست و چنین ارزیابی می کرد که بر اثر اقدامات تلافی جویانه ایران، امریکا به حمایت از کشورهای منطقه، با ایران درگیر شده و این امر نهایتا به سود عراق خواهد بود. ایران نیز متقابلا شرط اتمام جنگ را تأمین خواسته های خود، مبنی بر تعیین متجاوز و سپس برقراری آتش بس، می دانست. اقدامات نظامی ایران در جبه های نبرد بر پایه ی این درک انجام می گرفت که با خطر انداختن موقعیت سیاسی و نظامی عراق، حامیان جهانی و منطقه ای این کشور نهایتا خواسته های ایران را خواهند پذیرفت. ایران همچنین در برابر حملات عراق، مقابله به مثل را تنها عامل مؤثر برای فشار بر عراق و باز داشتن این کشور از حمله به منابع و تأسیسات نفتی خود می دانست.

امریکاییها از یک سو می بایست عراق را برای خودداری از حملات متقاعد ساخته و تحت فشار قرار می دادند و از سوی دیگر با ایران برای درنظر گرفتن

ص: ۱۲۰

۱- ۳۲۴. پیش از این آقای لاریجانی طی مصاحبه با شبکه ی تلویزیونی امریکا، حضور امریکا در منطقه و حملات عراق را به معنای مخالفت با محتوای قطعنامه ارزیابی کرده بود.

۲- ۳۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۶ / ۶ / ۶۲،رادیو لندن، ۱ / ۶ / ۶۶.

خواسته هایش، مذاکره را از سر می گرفتند. در این روند عراق پس از مشاهده تلاشهای امریکا، به حملات خود و نتایج ناشی از آن امیدوار بود و امریکاییها نیز قادر به مهار عراق نبودند. در چنین موقعیتی کنترل اوضاع برای امریکاییها بسیار پیچیده و دشوار بود.

سفیر عراق در واشنگتن با مشاهده روند تحولات جنگ، سخنانی را اظهار داشت که نشانه ی از سرگیری مجدد حملات عراق بود. وی گفت:

اگر تلاشهای سازمان ملل متحد در آینده موجب پایان یافتن جنگ نشود، نیروهای عراقی این حق را برای خود محفوظ می دانند که کشتیهای حامل نفت ایران را در خلیج فارس مورد هدف قرار دهند. (۱) .

رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله خامنه ای، بلافاصله پس از اظهارات سفیر عراق در امریکا در نماز جمعه تهران اعلام کرد:

«اگر عراق به کشتیهای ایران حمله بکند، امریکا با یک شکست آشکار مواجه خواهد شد.» (۲) .

یک روز پس از اظهارات رئیس جمهور ایران، عراق پس از یک توقف ۴۵ روزه، مجددا حملات هوایی خود را با حمله به نفتکش الوند که مشغول گرفتن نفت خام در جزیره سیری بود، از سر گرفت. (۳) رادیو لندن در این مورد گفت:

«حمله عراق درست یک روز پس از آنکه رئیس جمهور ایران هشدار داد که اگر عراق به نفتکشهای ایران حمله کند، ایران به تلافی آن به کشتیهای امریکایی حمله خواهد کرد، انجام گرفت.» (۴) .

صدام پس از حمله ی هواپیماهای عراقی اعلام کرد:

«از حالا به بعد در دریا به ایران حمله و تمام شاهرگهای اقتصادی ایران را منهدم خواهیم کرد.» (۵) .

سفیر عراق در امریکا نیز طی مصاحبه ای اظهار داشت:

«ما قصد داریم کشتیهای بیشتری را در محدوده آبهای ایران هدف قرار دهیم.»

۱- ۳۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۹، ۴ / ۶ / ۶۶، رادیو اسرائیل.
۲ - ۳۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۶۶، انعکاس نماز جمعه تهران در خبرگزاری یونایتدپرس ۶ / ۶ / ۶۶.
۳- ۳۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۶ / ۶۶.
۴- ۳۲۹. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۶ / ۶۶.
۵- ۳۳۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۶ / ۶۶.

وی همچنین در مورد اقدامات تلافی جویانه ایران گفت:

«ایران نه تنها علیه امریکا بلکه علیه کشورهای منطقه نیز اقدامی نخواهد کرد، زیرا می داند این مسئله بار بیشتر را روی ماشین جنگی ایران تحمیل خواهد کرد.» (۱) .

اظهارات سفیر عراق عمدتا به منظور رهایی از فشار امریکا و کشورهای منطقه بود، زیرا عراقیها به خوبی می دانستند که ایران اقدامات تلافی جویانه را حق محفوظ خود می داند و خودداری ایران از اقدامات مقابله به مثل در واقع میدان عمل عراق را گسترش داده و موجب می شود منابع ایران به صورت تدریجی منهدم شود. طارق عزیز و وزیر خارجه ی وقت عراق نیز با سخنانی که بیانگر اهداف عراقیها و درک آنها از روند جنگ بود، هشدار داد که هر گونه موضع ایران جدا از موافقت رسمی و علنی با اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، سبب خواهد شد عراق خود را در مقابل هیچ چیز متعهد نداند و با تلاش ایران برای تفکیک جنگ مقابله کند. وی همچنین از همراهی برخی از کشورها با ایران انتقاد کرد. (۲) .

امریکا بلافاصله از طرفهای درگیر در جنگ درخواست کرد که از خود خویشتن داری نشان دهند. یک مقام دولتی امریکا که همراه ریگان در کالیفرنیا به سر می برد اظهار داشت که از شروع حملات عراق شگفت زده نیست. (۳) .

اصابت موشک به کویت

امریکاییها که از متقاعد ساختن ایران ناامید شده بودند و توانایی جلوگیری از تجاوز هوایی عراق را هم نداشتند، به ناچار بخشی از فشار خود علیه ایران را با چراغ سبز به عراق اعمال کردند و امیدوار بودند ایران با رها کردن خواسته های خود، طرح و ابتکار عمل سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ را بپذیرد. در همین موقعیت، عراق حملات خود را از سر گرفت.

۱- ۳۳۱. پیشین، خبرگزاری کویت، ۷ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۳۲. پیشین.

۳- ۳۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۹ / ۶ / ۶۶، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۸ / ۶ / ۶۶.

پس از گذشت ۴۸ ساعت از شروع دور جدید تهاجم عراق، در خلیج فارس به یک کشتی باربری با پرچم کویت حمله شد. (۱) ناظران در این حمله یک قایق تندرو را مشاهده کرده بودند. متقابلا عراق در ادامه حملات خود دو نفتکش و یک یدک کش متعلق به ایران را مورد حمله قرار داد. (۲) در رسانه های خبری پیش بینی اقدامات تلافی جویانه ایران در برابر حملات منظم عراق بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. برخی از ناظران با توجه به اینکه رهگیری قایقهای تندرو دشوار بود و همچنین به علت در دسترس بودن کشتیهای کویتی، پیش بینی می کردند ایران از حمله به کشتیهای امریکا خودداری خواهد کرد و در عوض کشتیهای حامیان عرب عراق را مورد حمله قرار خواهد داد. (۳) .

امریکاییها پس از سکوت اولیه در برابر تهاجمات عراق و پس از گسترش درگیری، از عراق درخواست کردند که از حمله علیه تأسیسات نفتی ایران خودداری نماید، لیکن عراق از پذیرش درخواست امریکا خودداری کرد. (۴) در ادامه درگیری در منطقه، خبرگزاری رویتر مدعی شد که ایران تاکنون ۸ فروند کشتی را مورد حمله قرار داده است. (۵) .

سرانجام در تاریخ ۱۳ / ۶ / ۶۶ اصابت یک فروند موشک به جنوب کویت منجر به استمداد کویت از سازمان ملل شد. وقوع این رویداد بازتاب وسیعی داشت، به گونه ای که در صدر اخبار سراسری امریکا پخش شد. (۶) روزنامه های انگلیس نیز به صورت گسترده ای مبادرت به درج خبر و ادامه گزارش و تفسیر کردند. برخی شلیک موشک را یک «تحول ناگهانی و کاملا غیر منتظره در جنگ» (۷) ارزیابی کردند، کاخ سفید امریکا در اولین واکنش خود اعلام کرد که شلیک موشک تغییر مهمی را در منطقه خلیج فارس ایجاد نمی کند. وزارت دفاع امریکا نیز اعلام کرد که موشک از نوع «سیلک ورم» (کرم ابریشم) بوده است. (۸) .

۱- ۳۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۵، ۱۰ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس،۹ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۳۵. همان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۶، ۱۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۰ / ۶ / ۶۶.

۴- ۳۳۷. پیشین.

۵- ۳۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۸، ۱۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۶ / ۶۶.

۶- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۱، ۱۵ / ۶ / ۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۷- ۳۴۰. پیشین، روزنامه ی گاردین.

۸- ۳۴۱. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

روزنـامه کویتی الرأی العـام بـدون اشاره به علل شـلیک موشک به ساحل کویت و محکوم کردن عراق، از این واقعه به عنوان یـک نقطه عطف در جنـگ که ایران مایـل به گسترش آن می باشـد یاد کرد! (۱) دولت کویت نیز پنـج دیپلمـات ایرانی را از کویت اخراج کرد. (۲) .

حمله موشـکی به ساحل کویت در پاسـخ به تهاجمات هوایی عراق، بحران منطقه خلیج فارس را وارد مرحله جدیدی کرد. این حـادثه همچنین نشـان داد که حضور نیروهـای امریکـا نه تنهـا کمکی به حل بحران نکرده، بلکه منجر به گسترش آن نیز شـده است ضـمن اینکه صحت تحلیلهای موجود، یعنی تأثیر بازدارندگی حضور نیروهای امریکا در منطقه را در برابر ایران مخدوش کرد.

رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس

به هنگام دیدار خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل از دو کشور ایران و عراق، تدریجا با از سـرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسـیسات و منابع نفتی ایران، بر شـدت درگیریها میان دو کشور افزوده شـد. خبرنگار روزنامه ی نیویورک تایمز در گزارش ارسالی از بغداد نوشت که دبیر کل سازمان ملل متحد بدون آنکه توفیق آشکاری در زمینه خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق حاصـل کرده باشـد، خـاک عراق را ترک کرد. در این گزارش که از رادیو امریکـا نیز پخش شـد به نقـل از دیپلماتها آمده بود که کلید پایان جنگ همچنان در دست ایران است. در ادامه همین گزارش، اشاره شده بود:

«مقامات عراقی تصور می کنند که در غیاب صـلح، راه پایان دادن به جنگ خلیج فارس، ادامه زد و خورد و شاید هم گسترش جنگ از جانب عراق است.» (۳) .

امریکاییها در موقعیت جدید به دنبال کسب ابتکار عمل در جنگ بودند.

ص: ۱۲۴

۱- ۳۴۲. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۴۳. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی،۱۵ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۶ / ۶ / ۶۶.

چنانکه افزایش تمرکز ناوهای امریکا و ناتو در منطقه (۱) و موافقت ضمنی امریکا (۲) با تهاجمات عراق به منظور فزونی یافتن فشار بر ایران، نشان دهنده ی تلاشهای جدید امریکا بود. بدین معنا که امریکاییها در نظر داشتند ضمن طرح ریزی اقدام نظامی (۳) علیه ایران، با تحرکات دیپلماتیک، قطعنامه ی شدیـد اللحنی را علیه ایران در سازمان ملل به تصویب برسانند و شولتز وزیر خارجه وقت امریکا گفت که این کشور در انتظار روشن شدن نتایج مأموریت خاویر پرز دکوئیار در تهران و بغداد است تا در صورت لزوم خواستار تصویب قطعنامه ی شدید اللحنی شامل مجازات علیه کشور متخاصمی بشود که از اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خودداری می کنـد. وی همچنین در این گفتگو که بـا شبکه تلویزیونی س. بی. اس امریکـا انجـام گرفت، مطالبی را اظهار کرد که نشان دهنده احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران بود. او گفت:

«چنانکه موقعیت ایجاب کند ما اقدام به مجازات خواهیم کرد. ایرانیان باید به تصمیم و عزم راسخ ما اطمینان داشته باشند.» (۴)

.

ابتکار عمل جدیـد امریکا دقیقا در موقعیتی طرح ریزی و برای اجراء آماده می شـد که امریکاییها نتایج مورد نظر خود مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ را بر پایه ی حضور نظامی در منطقه و تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ کسب نکرده بودند. در

۱- ۳۴۵. روزنـامه پراودا چاپ مسـکو در مورد تمرکز ناوگانهای امریکا در منطقه می نویسـد: «دولت امریکا بی میل نیست که ایران عمل خصومت آمیزی انجام دهد تا به آن پاسخ دندان شکنی داده شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۲- ۳۴۶. روزنامه ایزوستیا چاپ شوروی امریکا را متهم به ارسال اطلاعات جاسوسـی درباره تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران به عراق کرد و نـوشت: «همین اطلاعـات رژیم عراق را در حملات هوایی علیه ایران تشویق می کنـد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۳، ۱۸ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۶ / ۶۶).

۳- ۳۴۷. مرکز مطالعات صلح دانشگاه براد فورد امریکا ضمن گزارش درباره حملات نظامی احتمالی امریکا، از جمله حملات محـدود به پایگاههای دریایی ایران می نویسد: «امریکا اکنون از نظر نظامی در موقعیت دست زدن به چنین حملاتی قرار دارد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۵، ۲۰ / ۶ / ۶۶، خ یونایتدپرس ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۴۸. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۹، ۲۴ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۶ / ۶۶.

مقابل، ایران نیز ضمن اقدامات تلافی جویانه در برابر عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را برای تغییر و جابجایی بندهای قطعنامه ی ۵۹۸ انجام می داد و رئیس جمهور وقت ایران نیز قرار بود متعاقب سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران و مذاکراتی که انجام گرفته بود، در اجلاس عمومی سازمان ملل شرکت کرده و در تالار مجمع عمومی سخنرانی نماید. بنابراین، تشدید حملات عراق نیز در چارچوب سیاستهای این کشور و امریکا معنا و مفهوم داشت.

حمله امریکا به کشتی ایران اجر

شب هنگام دوشنبه ۳۰ / ۶ / ۶۶ در ساعت ۴۰: ۲۲ به وقت محلی (۱۹:۴۰ به وقت گرینویچ) و در موقعیت جغرافیایی ۲۸ / ۲۶ درجه شمالی و ۲۶ / ۵۱ درجه طول شرقی، دو هلیکوپتر نیروی دریایی امریکا که از روی کشتی فرانگین چارت به پرواز درآمده بودند، (۱) کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به اتهام مین گذاری، بدون هیچ گونه هشدار قبلی، مورد حمله قرار دادند. بلافاصله پنتاگون طی بیانیه ای اعلام کرد که در این حادثه ۴ خدمه کشتی ایرانی کشته و ۴ تن دیگر زخمی شده اند. همچنین ۱۰ ملوان دیگر این کشتی به ناو فرماندهی لاسال منتقل شدند. (۲) .

رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد که در نظر دارد مدارک مربوط به مین گذاری ایران را در اختیار سازمان ملل قرار دهد. (۳) سفیر امریکا در سازمان ملل، ورنون والترز، نیز اعلام کرد که چون این کشتی در حال مین گذاری بوده است، براساس قوانین متعارف مستلزم برخورد بود. وی همچنین در مورد اقدام تلافی جویانه ایران اظهار داشت که در صورت حمله ایران به نیروهای امریکایی، امریکا اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد. (۴) .

تبلیغات امریکا برای توجیه اقدام نظامی علیه کشتی ایران اجر و همچنین نگرانی از اقدام تلافی جویانه ایران بیشترین نقش و تأثیر را در جهت دهی به

۱- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۷، ۱ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس و رویتر، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۵۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۵۱. پیشین، رادیو امریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۴- ۳۵۲. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

تلاشهای دیپلماتیک را داشت. ریگان رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد که اقدام نظامی واحدهای دریایی امریکا یک «اقدام تدافعی» بوده است. وی همچنین اضافه کرد که نگران تهدیدهای انتقام جویانه ایران نیست! (۱) .

شبکه تلویزیونی سراسری ای. بی. اس امریکا تصاویر مختلفی را از کشتی ایران اجر و مینهای کشف شده به نمایش گذاشت. (۲) همچنین تمام شبکه های تلویزیونی عمده امریکا روز سه شنبه و متعاقب سخنرانی رئیس جمهور وقت ایران آیت الله خامنه ای در مجمع عمومی سازمان ملل، برنامه های عادی خود را قطع کرده و گزارشهایی از خدمه نظامی کشتی و مینهای داخل آن پخش کردند. (۳) شبکه ای. بی سی نیز ضمن تأکید بر خشنودی محافل سیاسی – نظامی امریکا گفت که گر چه این حمله از بعد نظامی کوچک است، اما دولت ریگان معتقد است پیروزی سیاسی بسیار مهمی کسب کرده است. (۴) اعضای کنگره امریکا نیز از اقدامات نیروی دریایی امریکا علیه ایران حمایت کردند. رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان امریکا گفت که به اعتقاد او شواهد موجود نشان می دهد که نیروهای امریکایی حق داشتند به قایق ایرانی حمله کنند. (۵) همچنین چند روز بعد سنای امریکا با حمایت از اقدام نظامی نیروی دریایی امریکا اصلاحیه ای را تصویب کرد که به موجب آن، نیروی دریایی امریکا حق داشت هر کشتی ایرانی را که سعی کند مانع از عبور کشتیهای دیگر حامل شهروندان امریکا شود، غرق کند. (۶) نظر به اینکه تهاجم دریایی نیروهای امریکا به کشتی عمومی ایران یک شب قبل از سخنرانی رئیس جمهور وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل انجام گرفت، لذا کاملا منطقی به نظر می رسید که این اقدام در چارچوب ابتکار عمل جدید امریکا از قبل طرح ریزی و سازماندهی شده باشد. مقامات وزارت دفاع امریکا مطالبی را در این زمینه بیان کردند که نشانگر صحت این موضوع است:

۱– ۳۵۳. پیشین، رادیو امریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲– ۳۵۴. پیشین، رادیو امریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳– ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۸، ۲ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۷ / ۶۶.

۴– ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۷ / ۶۶.

۵– ۳۵۷. مأخذ شماره ۱۹۶.

۶– ۳۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۰، ۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۳ / ۷ / ۶۶.

«نیروهای امریکایی کشتی ایران اجر را چندین روز زیر نظر داشتند و در انتظار شواهد قطعی دال بر اینکه مینهای زیر آبی کار می گذارد، بودند.» (۱) .

یکی از همین مقامات که مایل به افشاء نام خود نبود گفت: زمانی که کشتی ایرانی به طرف بحرین حرکت می کرد از طریق هوا ردیابی شد و این عملیات «تصادفی» نبود. (۲) .

اقدامات احتمالی ایران علیه امریکا، بیشترین بحث را در محافل کارشناسی و همچنین رسانه های خبری، به خود اختصاص داد. برخی از تحلیلگران اقدام ایران را بیشتر لفظی دانسته و بر این نظر بودند که ایران چون سعی دارد تحریم تسلیحاتی پیشنهادی علیه خود را دفع کند، لذا اقدام خاصی نخواهد کرد. (۳) شیرین هانتر از کارشناسان امور ایران در مؤسسه ی مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن، این حادثه را به علت شکسته شدن یک عامل روانی، (۴) عامل مهمی برای نگرانی و تشویق ذکر کرد.

دیپلماتهای مستقر در کشورهای خلیج فارس نیز اعلام کردند که بر اثر این درگیری، دو کشور در آستانه یک رویارویی با یکدیگر قرار گرفته اند. آنها تأکید کردند که این حادثه نشان داد ایران همچنان مصمم به ایجاد اختلال در حرکت کاروانهای امریکا (اسکورت نفتکشهای کویت) در خلیج فارس و امریکا نیز مصمم به مقابله با تلاشهای ایران است. (۵) یکی از همین دیپلماتهای غربی گفت:

«این امر به وضوح نشان می دهد که ایران آماده قبول خطرات ناشی از رویارویی با امریکاست و از افزایش نیروهای دریایی خارجی در منطقه ترس ندارد.» (۶) .

در میان ناظران و تحلیلگران، برژینسکی مشاور امنیت زمان کارتر، خواهان اقدامات قاطعانه علیه ایران بود. او بر این اعتقاد بود که هشدار درباره دخالت امریکا در خلیج (فارس) احمقانه است و کسانی که چنین هشدارهایی را

۱- ۳۵۹. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۶۰. پیشین.

۳- ۳۶۱. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۷ / ۶۶، فرداکسلگارد.

۴- ۳۶۲. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۷ / ۶۶.

۵- ۳۶۳. پیشین.

۶- ۳۶۴. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

می دهنـد، نمی داننـد یا نمی خواهنـد بداننـد که خلیـج (فارس) از نظر استراتژیک برای ما اهمیت دارد و بایـد منافع امریکا در آنجا حفظ شود. وی سپس در مورد موقعیت امریکا و ضرورت اقدام قاطع گفت:

«کشورهای عرب منطقه خلیـج (فارس) طی چنـد ماه گذشـته در مورد اعتبار امریکا دچار مسائل و تردیـدهای زیادی بودند که اینک بایـد این تردیـدها رفع شـده باشـد. امریکا برای به دست آوردن مجدد اعتبار خود (۱) بهـایی را نپرداخته و تنها روابط با ثبات تر و اوضاع خلیج (فارس) نیز آرامتر شده است.» (۲) .

امریکاییها پس از انجام یک اقدام نظامی و نمایاندن اراده و قدرت خود در حمله به کشتی ایران اجر و همچنین برخورداری از نقش مؤثر در ترغیب و تشویق سعودیها در حمله به حجاج ایرانی، (۳) مایل به خاتمه بخشیدن به درگیری میان ایران و امریکا بودند. لذا ریگان رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد:

«ما این واقعه را تمام شده تلقی می کنیم.» (۴) .

برخی از تحلیلگران و رسانه های خبری با بررسی سیاست ریگان در منطقه خلیج فارس، در مجموع به ثمربخش بودن آن رأی دادنـد. چنـانکه روزنـامه معروف کریستین سـاینس مـانیتور به نقـل از خبرنگار خود در منامه، با توجه به عکس العمل محـدود ایران در برابر حملات اخیر عراق و همچنین اقدام امریکا، نوشت:

«به گفته تحلیلگران، این شـیوه اختیـارات ایران را محـدود کرده است. ایران به گونه ای فزاینـده از حمله مسـتقیم به کشتیها، به خاطر مخاطرات نظامی

۱- ۳۶۵. در اینجا برژینسـکی به مخـدوش شدن اعتبار امریکا پس از افشای ماجرای مک فارلین اشاره دارد. لذا اقدام نظامی را پس از حضور نیروهای امریکا در منطقه، به مثابه پرداختن بهای لازم برای کسب اعتبار مجدد امریکا ذکر می کند.

۲- ۳۶۶. مأخذ شماره ۲۰۱.

۳- ۳۶۷. در این زمینه در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

۴- ۳۶۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

ناشی از حضور دریایی سنگین امریکا در خلیج فارس اکراه دارد. علاوه بر این، این گونه حملات می تواند به این پندار در سازمان ملل که تهران مایل به یافتن یک راه حل دیپلماتیک برای جنگ است، آسیب بزند.»

این نشریه سپس در مورد سیاست امریکا در خلیج فارس به نقل از یک دیپلمات غربی که پیش از این به سیاست امریکا خرده می گرفت، افزود:

«اینک پس از یک شروع نا میمون، سیاست امریکا به عملیات موفقیت آمیز منجر شده و دستاورد بسیار داشته است.» (۱) .

واینبرگر وزیر دفاع امریکا که در حال بازدید از منطقه بود در مورد اهمیت اقدامات امریکا گفت:

«به عقیده من آنچه که ما انجام می دهیم از آن نظر اهمیت دارد که ایران دریابد که جنگ باید به پایان برسد و آنها نمی توانند با تهدید و ارعاب پیروز شوند.»

وی سپس اضافه کرد:

«تنها راه دفاع از صلح، قدرتمند بودن است.» (۲) .

در فضای ناشی از تشدید فشار امریکا به ایران (۳) با حمله به کشتی ایران اجر و تلاش برای تصویب قطعنامه به منظور تحریم تسلیحاتی ایران، روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق، ضمن اشاره به ضرورت تداوم حملات علیه ایران نوشت:

«یا صلح تمام عیار وجود خواهد داشت و یا یک جنگ همه جانبه.» (۴) .

اظهارات واینبرگر به هنگام سفر به منطقه و همچنین محتوای مقاله روزنامه الثوره نشانگر چراغ سبز امریکا به عراق مبنی بر تشدید حملات علیه ایران بود.

۱- ۳۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۱ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۲، ۱۶ / ۷ / ۶۶، رادیو آمریکا، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۷۱. رادیو لندن طی گزارشی از تحولات منطقه می گوید: «استراتژی عراق همواره آن بوده که جنگ خلیج (فارس) را بین المللی کند و بویژه پای امریکا را به جنگ بکشاند که تا حدی هم موفق شده است. عراق به خوبی درک می کند که ایران در خلیج فارس آسیب پذیر است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۹، ۳ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن ۲ / ۷ / ۶۶.).

۴- ۳۷۲. پیشین، آسوشیتدپرس، ۵ / ۷ / ۶۶.

طوری که دیپلماتهای مقیم بغداد چنین پیش بینی کردند که در ظرف روزهای آینده، مرحله جدیدی از حملات عراق علیه ایران آغاز خواهد شد. (۱) .

در این مرحله محرک اصلی عراقیها برای از سرگیری و تشدید حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی ایران، علاوه بر اوضاع ناشی از درگیری نظامی بین ایران و امریکا، عمدتا ناکامی تلاشهای سیاسی امریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران بود. خبرگزاری یونایتدپرس در این زمینه می گوید:

«ناامیدی عراق از تلاشهای بین المللی برای خاتمه بخشیدن به جنگ ظاهرا سبب شده است که این کشور تأسیسات نفتی ایران را آماج مخربترین حملات نیروی هوایی خود ظرف هفت سال اخیر قرار دهد.» (۲) .

سفیر جدید عراق در امریکا پس از تسلیم استوارنامه خود به معاون وزیر خارجه امریکا (وایتهد) برای کسب موافقت امریکا جهت تشدید حملات هوایی عراق می گوید:

«واشنگتن درک کرده است که چرا عراق پس از آنکه ایران از قبول دستور شورای امنیت برای برقراری آتش بس در جنگ هفت ساله خودداری کرد، حملات هوایی خود علیه ایران را از سر گرفت.» (۳) .

ناکامی امریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران عمدتا متأثر از نتایج ناشی از تلاشهای دیپلماتیک ایران و گفتگو با دبیر کل و برخی از اعضای شورای امنیت در مورد قطعنامه ی ۵۹۸ بود. ضمن اینکه موضع گیری روسها (۴) نیز نقش مهمی در ناکامی امریکاییها داشت. (۵) به همین دلیل،

۱- ۳۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری خلیج فارس، ۴ / ۷ / ۶۶.
۲- ۳۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۳، ۷ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری یونایتدپرس.
۳- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۷، ۱۱ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰/ ۷ / ۶۶، الانباری سفیر عراق در امریکا.
۴- ۳۷۶. روزنامه الثوره ارگان حزب بعث عراق نیز شوروی را به ایجاد مانع در اجرای قطعنامه ۵۹۸ متهم کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره۱۹۹، ۱۳ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر ۱۲ / ۷ / ۶۶).
۵- ۳۷۷. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از موضع شورویها و کشورهای بلوک شرق به خاطر محکوم کردن حضور امریکا درخلیج فارس تشکر کرد. (روزنامه های یومیه ۱۱ / ۷ / ۶۶).

ریگان به هنگام نگارش نامه ای به کنگره امریکا با اشاره به نقش شوروی می نویسد:

«ما امیدواریم در موقعیتی که شورای امنیت در جهت ایجاد زمینه ای برای اجرای قطعنامه است، دولت شوروی به جای به تعویق انداختن کار، در این زمینه، همکاری کند و در پی استفاده از فرصتهای برای گسترش نفوذ خود، به قیمت از دست رفتن صلح در منطقه برنیاید.» (۱) .

چند روز بعد وزیر خارجه ی امریکا رسما به شکست طرح تحریم تسلیحاتی ایران اعتراف کرد. وی پس از این ناکامی اعلام کرد که امریکا موافقت کرده وقت بیشتری برای دیپلماسی به شورای امنیت بدهد تا شاید بتواند به یک آتش بس در جنگ ایران و عراق دست یابد. وی پس از ملاقات با وزرای امور خارجه چهار عضو دائمی شورای امنیت گفت:

«امکان تحریم و مجازات از بین نرفته است و احتمال حتمی آن وجود دارد مگر اینکه پاسخ رضایت بخشی از سوی ایران وجود داشته باشد... عراقیها اساسا این قطعنامه را پذیرفته ولی ایرانیان نپذیرفته اند، اگر چه چیزهای مثبتی گفته اند.» (۲) .

در این مرحله امریکاییها گر چه با حمله به کشتی ایران اجر و تشویق و ترغیب عراق برای حمله به منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی جمهوری اسلامی، در تشدید فشار به ایران گامهایی برداشتند، لیکن در تصویب قطعنامه ای به منظور تحریم تسلیحاتی ایران ناکام بودند.

عملیات خفجی

رأس الخفجی یک منطقه نفتی بی طرف میان کویت و عربستان سعودی است که در شمال خلیج فارس قرار دارد و در آنجا روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت تولید و صادر می شود.

فزونی یافتن حمایت همه جانبه کویت و عربستان سعودی از عراق، به موازات افزایش حملات هوایی عراق علیه تأسیسات و منابع نفتی و اقتصادی ایران

۱- ۳۷۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

۲- ۳۷۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۴ / ۷ / ۶۶.

سبب گردید تا در اقدامات تلافی جویانه ایران بعضا کشتیهای دو کشور یاد شده مورد تهاجم قرار گیرند. در همین روند، تهاجم طرح ریزی شده سعودیها با حمایت امریکا به حجاج ایرانی بیت الله الحرام (۱) در مراسم برائت از مشرکین، بر تیرگی مناسبات میان دو کشور افزود. آقای هاشمی در مصاحبه ای مطبوعاتی در مورد واکنش ایران در برابر اقدام سعودیها گفت:

«ما طرحهایی برای نشان دادن این عکس العمل داریم که در موقع مناسب خود آنها را اجرا خواهیم کرد. من فکر می کنم که سعودیها برای آنچه که انجام داده اند، متأسف خواهند شد.» (۲) .

اندک زمانی بعد از اظهارات آقای هاشمی، در تاریخ ۱۲ / ۷ / ۶۶ برخی از خبرگزاریها و منابع نفتی در مورد تجمع غیر عادی تعداد زیادی قایق در نزدیکی پایانه های نفتی رأس الخفجی گزارش دادند. در این زمینه برخی از مقامات دیپلماتیک و منابع کشتیرانی گفتند:

«گفته می شود این کشتیها (قایقها) از پایگاه پاسداران انقلاب اسلامی در جزیره فارسی که در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب سکوی نفتی ساحلی واقع است، آمده اند.» (۳) .

همچنین یک دیپلمات گفت:

«قایقها در حدود ۲۰ کیلومتری نزدیک سکوی نفتی پراکنده بودند.» (۴) .

برابر گزارشهای واصله، تجمع قایقها در سحرگاه روز شنبه (۱۱ / ۷ / ۶۶) انجام گرفته بود در این میان، روز جمعه کشتی امریکایی لاسال به عنوان کشتی

۱- ۳۸۰. حجت الاسلام توسلی از مسئولین بعثه امام می گوید که روز قبل از حادثه وزیر حج و اوقاف عربستان در ملاقات با حجت الاسلام کروبی نماینده حضرت امام از میزان شرکت کنندگان در راه پیمایی سؤال کرد و ایشان در پاسخ اظهار داشت که حجاج ایرانی ۱۶۵ هزار نفر هستند و ممکن است حجاج غیر ایرانی نیز در مراسم برائت از مشرکین شرکت کنند. در جواب، وزیر حج سعودی گفت که اگر تعداد به این میزان باشد، حتما درگیری به وجود خواهد آمد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۸۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲ / ۷ / ۶۶، منامه، یونایتدپرس، ۱۱ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۳. پیشین.

فرماندهی اسکادران کشتیهای اسکورت در خلیج فارس، به طور ناگهانی از کاروان رو به جنوب جدا شده، به سمت شمال حرکت کرد. (۱) خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس در عرشه رزمناو امریکایی لاسال علت تغییر حرکت این رزمناو را مشاهده فعالیتهای نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران در روز جمعه ذکر کرد:

«به طور کلی فعالیتهای وسیعی مشاهده شد و قایقهای روی آب روان بودند و میزان فعالیت آنها بیشتر از حد معمول بود.» (۲) .

در روز شنبه نیز هواپیماهای سعودی گزارشهایی را مبنی بر مشاهده قایقهای نسبتا زیاد و پراکنده، ارسال کردند. لیکن در مورد هدف و علت این اقدام هیچگونه گزارشی در منابع خبری منتشر نشد. روز بعد، یک تانکر عربستان سعودی بنام رد الکبری که حامل مواد شیمیایی بود در ساعات اولیه بامداد در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی و در حالی که از ترمینال رأس التنوره به سمت بندر سعودی جده در حال حرکت بود، مورد حمله قرار گرفت. (۳) رادیو لندن با توجه به تحرکات اخیر، احتمال حمله به تأسیسات عربستان سعودی را مورد اشاره قرار داد. (۴) .

تداوم درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس

در تاریخ ۱۶ / ۷ / ۶۶ هلیکوپترهای امریکا به ۵ فروند قایق نیروی دریایی سپاه که در حال گشت زنی در منطقه بودند، حمله کردند. بر اثر اقدام تدافعی ایران، یک فروند هلیکوپتر امریکا سقوط کرد. مرکز ستاد نیروهای دریایی امریکا در واشنگتن و بحرین ابتدا سقوط هلیکوپتر امریکا را تکذیب کردند. (۵) معاون وزیر جنگ امریکا در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی سی. بی. اس ضمن اشاره به حضورامریکا در منطقه و اظهار اینکه تهاجم اخیر امریکا دو پیام برای ایران در پی دارد، یکی اعتماد به نفس نیروهای امریکا در

۱- ۳۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۹، ۱۳ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۲ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۸۵. پیشین.

۳- ۳۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۳، ۱۷ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۲، ۱۶ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۵- ۳۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

منطقه و دیگر اینکه ما یک قدرت بشر دوست هستیم! اعلام کرد:

«نیروهای جمهوری اسلامی ایران به روشنی به حمله ای خصمانه در آبهای بین المللی دست زدند و نیروهای امریکایی ناچار شدند با اقدامی دفاعی واکنش نشان دهند.» (۱) .

سخنگوی کاخ سفید مارتین فیتزواتر گفت که ریگان در ساعت ۲۴ به وقت تهران از حادثه مطلع شد. وی اضافه کرد که به نظر می رسد این یک حادثه منفرد باشد، ما آن را ایجاد نکردیم. (۲) وزیر دفاع امریکا نیز اظهار داشت:

«قایقهای سریع السیر مسلح ایران به هلیکوپتر امریکایی آتش گشودند، نه یک هلیکوپتر که پیشتر وزارت دفاع امریکا گزارش کرده بود.» (۳) .

اظهارات اولیه مقامات مسؤول امریکا تا اندازه ای متناقض بود. چنانکه در ابتدا وزارت دفاع اعلام کرد که به سوی یک هلیکوپتر امریکا شلیک شده و این هلیکوپتر با بی سیم از چند هلیکوپتر دیگر درخواست کمک کرده است. لیکن در گزارش اخیر امریکاییها مدعی شدند در حالی که سه فروند هلیکوپتر در حال گشت بود، قایقهای ایران به سمت آنها آتش گشودند. وزیر دفاع امریکا در این مصاحبه، سقوط یک فروند هلیکوپتر امریکا را تکذیب و اعلام کرد:

«ایالات متحده خواستار درگیری رزمی با ایران نیست.» (۴) .

وزیر خارجه ایران در پیامی به دبیر کل سازمان ملل امریکا را مسؤول یک جنگ تمام عیار در خلیج فارس دانست. (۵) نماینده ایران در سازمان ملل نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی اقدام امریکا علیه ایران را اعلام جنگ ارزیابی کرد و گفت:

«تصور می کنم در حال حاضر با امریکا در حال جنگ هستیم... ما این حادثه را فراموش نمی کنیم و تدابیر و تصمیمات لازم را در موقع مقتضی اتخاذ خواهیم کرد... هلی کوپتر امریکایی آغازگر ماجرا بوده است.» (۶) .

در این حادثه از پنج قایق ایران، سه فروند غرق شد و دو نفر از سرنشینان

۱- ۳۸۹. پیشین، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۹۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه،۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۹۱. مأخذ شماره ۲۲۸.

۴- ۳۹۲. پیشین.

۵- ۳۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۷ / ۶۶.

۶- ۳۹۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه،۱۷ / ۷ / ۶۶.

شهید و شش نفر دیگر به اسارت نیروهای امریکا درآمدند. (۱) .

در مورد این حادثه ولادیمیر پتروفسکی از مقامات امور خارجه شوروی در سازمان ملل اعلام کرد:

«به عقیده شوروی این حادثه ای بسیار جدی است.» (۲) .

گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی (پیشین) در ادامه موضع گیری این کشور مبنی بر خروج نیروهای خارجی از منطقه خلیج فارس و پس از درگیری ایران و امریکا، ضمن درخواست پایان جنگ، مجددا از نیروهای خارجی خواست تا منطقه خلیج فارس را ترک کنند. (۳) (۴) .

میتران رئیس جمهور وقت فرانسه نیز با حمایت از امریکا اعلام کرد:

«من توضیحات امریکا را شنیدم به نظرم حق با امریکاست... آنچه حقیقت دارد این است که در آبهای بین المللی به محض احساس تهدید و یا تجاوز، کاملا طبیعی است که باید از روشهای دفاعی استفاده کرد. زیرا این یک دفاع قانونی است این مطلب در مورد فرانسه نیز صادق است.» (۵) .

به رغم اینکه ریگان پس از حمله امریکا به کشتی ایران اجر اعلام کرده بود که این حادثه را تمام شده می دانیم، مجددا هلیکوپترهای امریکا به قایقهای ایران حمله کردند. ریگان با نگرانی از مسأله ی احیای اختیارات جنگ و محدود شدن اختیارات رئیس جمهور از سوی کنگره، در نامه ای به کنگره اطمینان داد:

«ما این واقعه را تمام شده می دانیم!» (۶) .

---

۱ – ۳۹۵. پیشین.

۲ – ۳۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳– ۳۹۷. در این مرحله از جنگ، روابط ایران و شوروی بر اثر موضع شورویها در مورد خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و همچنین نقش شورویها در شورای امنیت برای انتقال نظریات ایران و همچنین ممانعت از تصویب قطعنامه ی تحریم تسلیحاتی ایران، رو به بهبود نهاد. چنانکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «روابط ما با شوروی بسیار خوب است و بهتر هم خواهد شد. ثابت شده که شوروی دشمن ایران نیست، در حالی که امریکا علنا دشمنی اش را با ایران نشان داده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶).

۴– ۳۹۸. مأخذ شماره ۲۲۷.

۵– ۳۹۹. مأخذ شماره ۲۳۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۶– ۴۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۶، ۲۰ / ۷ / ۶۶، آسوشیتدپرس،۱۹ / ۷ / ۶۶.

درگیری مجدد ایران و امریکا بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. برخی از تحلیلگران بر این نظر بودند که ایران برای حفظ خود در داخل ایران هم که شده جز پاسخگویی به حملات امریکا بلکه به حملات هوایی عراق چاره ای ندارد. (۱) شهرام چوبین یکی از کارشناسان امور ایران در توضیح علت مقابله به مثل ایران می گوید:

«ایران مشکلاتی دارد که نمی خواهد با کشورهای خارجی در خلیج فارس درگیر شود، اما از طرف دیگر هم نمی تواند جوابی ندهد.» (۲) .

سر دبیر یکی از نشریات انگلیس که در دوبی به سر می برد، با اظهار تعجب از درگیری ایران و امریکا نوشت:

«این درگیری دیپلماتها و ناظران کشتیرانی در منطقه را متعجب ساخت، زیرا اغلب آنها بر این عقیده بودند که ایران به رغم شعارهای خود سعی زیادی خواهد کرد با امریکاییها برخوردی نداشته باشد.» (۳) .

روزنامه لوموند چاپ فرانسه نیز نوشت:

این بار امریکا برخلاف حمله به کشتی ایران اجر برای اثبات مسؤولیت ایران در بروز این حادثه با مشکلاتی مواجه خواهد بود... هلیکوپتر امریکا مورد حمله قایقهای ایران قرار نگرفته است، بلکه هلیکوپترهای تهاجمی امریکا درصدد «تسویه حساب» برآمده و سه قایق ایران را غرق کرده اند.

لوموند سپس چنین پیش بینی کرد:

«امریکا شاید در فاصله نه چندان دور به ناچار بهای آنرا بپردازد.» (۴) .

تایمز مالی چاپ لندن نیز نوشت:

سرانجام ایران و امریکا در یک مسیر منتهی به درگیری قرار گرفتند که خارج شدن از آن بسیار دشوار خواهد بود. (۵) .

صدام رئیس جمهور عراق ضمن خرسندی از حضور امریکا در منطقه، در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه در مورد امکان برخورد ایران و امریکا گفت:

۱- ۴۰۱. مأخذ شماره ۲۲۷.

۲- ۴۰۲. مأخذ شماره ۲۲۷.

۳- ۴۰۳. مأخذ شماره ۲۳۵، لندن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۰۴. پیشین، پاریس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۵- ۴۰۵. مأخذ شماره ۲۳۲.

«ایرانیان در برخورد نظامی با امریکا ترسو و ناتوان هستند و قادر نیستند برخوردی عملی داشته باشند، زیرا جرأت ندارند... تنها در یک صورت ممکن است ایران با امریکا برخورد کند و آن زمانی است که تصمیم بگیرد دلایل شکست نظامی را پنهان نموده و برعهده امریکا بگذارد.» (۱) .

اصابت موشک به کشتی امریکا

یک هفته بعد از درگیری نیروی دریایی سپاه با هلیکوپترهای امریکا، نفتکش بزرگ امریکا به نام سانگاری در حالی که در آبهای ساحل کویت لنگر انداخته بود، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۶۶ مورد اصابت یک فروند موشک قرار گرفت. تفسیر رادیو تهران از این حادثه و تأکید بر اینکه:

«خلیج فارس یا جایی امن برای همه خواهد بود و یا هیچکس... ما به امریکا و متحدانش می گوییم که با پرداختن مجدد به تجربه ای که از قبل شناخته شده است، اشتباه می کنند.» (۲) .

سبب گردید این تفسیر به منزله پذیرفتن تلویحی مسؤولیت این اقدام از سوی ایران، مورد ارزیابی قرار گیرد.

وزارت جنگ امریکا ضمن تأیید حمله ی موشکی به یک کشتی امریکا اعلام کرد:

«همه چیز حاکی از آن است که یک موشک «کرم ابریشم» ساخت چین به این نفتکش اصابت کرده است.» (۳) .

شیخ صباح الاحمد معاون نخست وزیر و وزیر خارجه ی کویت بلافاصله پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، پیامهایی را برای دبیر کل سازمان ملل، دبیران کل اتحادیه ی جامعه ی عرب، شورای همکاری و سازمان کنفرانس اسلامی ارسال داشت. (۴) همچنین روزنامه القبس ضمن قلمداد کردن گسترش جنگ به قلمرو آبهای کویت به عنوان یک تحول خطرناک، در مورد نقش کویت در

---

۱ - ۴۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۰، ۲۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۰۸. پیشین.

۴- ۴۰۹. پیشین، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۷ / ۶۶.

حمایت از عراق اعلام کرد:

«ما کویتیها هرگز به توانایی جنگی عراق کمک نکرده ایم و تنها به خاطر پایبندی به قومیت عرب با عراق اعلام همبستگی نموده ایم!» (۱) .

برخی از دیپلماتهای غربی مستقر در منطقه، احتمال اقدام امریکا علیه سکوهای پرتاب موشک کرم ابریشم در داخل خاک ایران را مورد بررسی قرار دادند. (۲) همچنین یک دیپلمات عالیرتبه غربی گفت:

«ایران می خواهد به دنیا بفهماند که امریکا می تواند نفتکشهای کویتی را در سر تا سر خلیج فارس اسکورت کند، ولی این نفتکشها هنوز در آبهای کویت آسیب پذیر هستند.» (۳) .

گزارشگر بی. بی. سی در گفتگو با مجری اخبار ظهر جمعه این شبکه در مورد حادثه مزبور که منجر به مجروح شدن ۱۸ تن از خدمه کشتی از جمله ناخدای آن شد، گفت:

«این جدی ترین حادثه ای است که بعد از مدتها در خلیج فارس اتفاق افتاده است، زیرا این نفتکش با پرچم امریکا مستقیما مورد حمله ایران واقع شده است.» (۴) .

کاخ سفید در مورد این حادثه اعلام کرد:

«امریکا راههای پاسخگویی به تجاوز ایران به نفتکش کویتی دارای پرچم امریکا را بررسی می کند.» (۵) .

اما همزمان، سخنگوی کاخ سفید با لحن ملایمتری، برای حفظ وجهه ی امریکا بویژه پس از تبلیغات بسیاری که پیرامون عدم توانایی ایران برای مقابله با امریکا راه انداخته بودند، چنین اظهار داشت:

«نمی دانیم این موشک آیا عمدا به طرف یک کشتی امریکایی پرتاب شده و یا اینکه سیستم هدایت آن برای اصابت به هر کشتی ای تنظیم شده است.!» (۶) .

---

۱ - ۴۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۱، ۲۵ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۱۱. مأخذ شماره ۲۴۵، خبرگزاری رویتر، ۲۳ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۱۲. پیشین.

۴- ۴۱۳. مأخذ شماره ۲۴۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۷ / ۶۶.

۵- ۴۱۴. پیشین، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۲۴ / ۷ / ۶۶.

۶- ۴۱۵. پیشین.

اقدامات تلافی جویانه ی احتمالی امریکا علیه ایران مهمترین مسأله ای بود که پس از این حادثه ی خفت بار، مورد بحث و بررسی مقامات امریکا و رسانه های تبلیغاتی جهان قرار گرفت. ریگان اعلام کرد که من نمی توانم در مورد اقدام احتمالی امریکا در آینده سخن بگویم، لکن در حال حاضر سرگرم مذاکره با کویت هستیم. (۱) برخی از دیپلماتهای غربی در خلیج فارس معتقد بودند که امریکا خود را در موقعیتی قرار داده است که مجبور به اقدام تلافی جویانه می باشد. زیرا اگر امریکا اقدام ایران را پاسخ ندهد، موقعیت ایران به میزان قابل توجهی مستحکم خواهد شد. (۲) .

نمایندگان کنگره امریکا به زعم خود با درک ضرورتها اعلام کردند که از تصمیم ریگان برای تلافی علیه ایران پشتیبانی می کنند. (۳) همچنین سناتور جمهوریخواه گوردل هامفر در مورد مشکل امریکا برای پاسخ یا عدم پاسخ نظامی به ایران گفت:

«مسئله تلافی جواب آسانی ندارد. اگر ما هیچکار نکنیم بی عرضه و ناتوان به نظر می رسیم و اگر کاری کنیم، بیشتر درگیر می شویم.» (۴) .

در واقع، امریکا در موقعیتی قرار داشت که هرگونه سکوت در برابر حمله به کشتی امریکایی به منزله ناتوانی این کشور تلقی می شد و این وضعیت اساسا موقعیت امریکا را تضعیف می کرد و مانع از کسب ابتکار عمل امریکا در خلیج فارس بود. از سوی دیگر، پاسخگویی امریکا نیز با توجه به توانایی و اراده ایران برای مقابله به مثل منجر به تداوم درگیری می شد. این وضعیت، امریکا را برای پاسخگویی در موقعیت دشواری قرار می داد. بر پایه این ملاحظات، پس از بحث و بررسیهایی که در امریکا انجام گرفت، ریگان در جریان یک نطق رادیویی ضمن تأکید بر تداوم سیاست امریکا جهت ادامه حضور در منطقه خلیج فارس و حفاظت از نفتکشها، اعلام کرد:

با تهدیدات علیه واحدهای نیروی دریایی امریکا و کشتیهای تحت

ص: ۱۴۰

۱- ۴۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۲، ۲۶ / ۷ / ۶۶، یونایتدپرس، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۱۷. پیشین.

۳- ۴۱۸. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۱۹. پیشین.

مراقبت آن در زمان مناسب برخورد خواهد شد. (۱) .

اوضاع منطقه و ضرورتهای داخلی امریکا، پاسخ امریکا را قطعی نشان می داد. لیکن در مورد سطح آن همچنان تردید و ابهام وجود داشت. در عین حال، با پیدایش موقعیت جدید، عراقیها چنین تصور می کردند که جنگ وارد مرحله پایانی شده است. (۲) .

حمله امریکا به سکوی نفتی ایران

تنها کمتر از یک هفته پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، سرانجام امریکاییها پس از بحث و بررسیهای فراوان، در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۶۶ به سکوی نفتی رشادت حمله کردند. بلافاصله سخنگوی کاخ سفید، فیتزواتر، اعلامیه رئیس جمهور وقت امریکا را در مورد این حمله قرائت کرد. ریگان در این اعلامیه مسؤولیت حمله را برعهده گرفته و اعلام کرد که در ساعت ۷ بامداد به وقت واشنگتن نیروی دریایی امریکا سکوی نظامی! ایران را مورد حمله قرار داد. در این بیانیه همچنین آمده بود: «اقدام علیه سکوی نظامی! ایران پس از مشورت با رهبران کنگره و کشورهای دوست صورت گرفت.» ریگان در توجیه این اقدام گفت:

«این واکنش عاقلانه و محدود نسبت به استفاده غیر قانونی از زور علیه امریکا، نقض پرشمار حقوق دیگر کشورهای متخاصم بوده است. ابتکار قانونی حق دفاع از خود به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود و به همین روال به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد آگهی شده است.» (۳) .

تأکید رئیس جمهور امریکا بر واکنش عاقلانه و محدود و همچنین استناد به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، علاوه بر ارسال پیام برای ایران به منزله توجیه حقوقی این اقدام می باشد. در این بیانیه، سکوی نفتی ایران به عنوان سکوی نظامی ذکر شده است، حال آنکه قبل از حمله ناوهای امریکا به این سکو،

۱- ۴۲۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۲۱. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۲۵ / ۷ / ۶۶، سعدون حمادی رئیس مجلس عراق.

۳- ۴۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

کارکنـان شـرکت نفت در حـال بازسـازی تأسـیسات یکی از سـکوها بودنـد که بر اثر اخطار ناوهای امریکا برای ترک سـکو، بلافاصله آن را تخلیه کردند. در ادامه ی بیانیه ریگان آمده است:

«ایالـات متحـده امریکا علاقه ای به رویارویی نظامی با ایران نـدارد. اما دولت ایران به هیـچ وجه نبایـد درباره عزم و توانایی ما برای حفظ کشتیهای امریکا و منافع کشور در برابر حملات بی دلیل در شبهه باشد.» (۱) .

یک منبع شـرکت نفت در مورد جزئیات اقدام تجاوزکارانه امریکا می گوید که در حدود ساعت ۱۱ روز دوشنبه، ۴ فروند ناو جنگی امریکـا در ۱۵ مایلی سـکوی نفتی سـلمان از سـمت شـرق به غرب مشاهده شدند. این ناوها حدود ساعت ۱۴ به حوالی حوزه نفتی رشـادت رسـیده و به کارکنان سـکو که در حال بازسازی تأسـیسات سـکوی نفتی و بی دفاع R – ۷ حوزه رشادت بودند ۱۰ دقیقه مهلت دادند تا سـکوی مذکور را تخلیه کنند. کارکنان از روی سکو به داخل کشتی تعمیراتی موسوم به عیسی رفته و پس از هشـدار مجـدد ناوهـای امریکا تا فاصـله ۱۰ مـایلی دور شدنـد. به دنبـال این واقعه در سـاعت ۳۰: ۱۴ همان روز سکوی نفتی و بی دفاع R – ۷ مورد حمله قرار گرفت. ناوهای امریکا بلافاصله به سوی سکوی نفتی و بی دفاع R – ۴ رشادت حرکت کردنـد و در این محـل نیز از کارکنـان خواسـتند ظرف ۲۰ دقیقه سـکو را تخلیه کنند. سـپس سـکو را مورد حمله قرار دادنـد. امریکاییهـا پس از حمله به سـکوی نفتی رشـادت در اطراف سـکوی سـلمان مانورهایی را انجام داده و سـپس منطقه را ترک کردند. (۲) .

بسـیاری از نـاظران و تحلیلگران نظامی و همچنین دیپلماتهای غربی واکنش احتمالی امریکا را پس از اصابت موشک به کشتی این کشور کوبنده و نسبتا گسترده پیش بینی می کردند. در چنین موقعیتی، حمله امریکا به سکوهای نفتی، تحت عنوان سکوی نظـامی، همان گونه که در بیانیه رئیس جمهور امریکا اشاره شـده، نشان دهنـده عـدم تمایل امریکا را برای درگیری گسترده با ایران بود. زیرا

۱– ۴۲۳. پیشین.

۲– ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۷ / ۶۶.

امریکاییها در عین حال که نیاز به پاسخ گویی برای اعاده حیثیت خود داشـتند، از اقدامات تلافی جویانه ایران نیز می ترسیدند. چون این مسئله موجبات گسترش درگیری را فراهم می ساخت.

در این اوضاع امریکاییها بر این موضوع واقف بودند که ایران با برداشتی که نسبت به ماهیت تلاشـهای عراق و حمایت امریکا از عراق دارد، مسلما هیـچ اقـدامی را بـدون پاسـخ نخواهـد گـذاشت. اراده و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها را از گرفتـار شـدن در یـک درگیری تـدریجی بـازداشت. در این میان، هـدفهایی که امریکا برای حمله انتخاب می کرد مبین همین مسئله بود. در واقع، امریکاییها نیز نمی توانسـتند اقـدام ایران را پاسـخ ندهنـد. زیرا موقعیت داخلی و منطقه ای امریکا ضـرورتا نیازمند پاسخ بود، (۱) لـذا اقـدام نظامی از یک سو معضل امریکا را در داخل امریکا و در منطقه حل می کرد و از سوی دیگر به عنوان یک هشدار به ایران (۲) تفهیم می کرد که امریکا مایل به درگیری با ایران نیست.

همچنین امریکاییها پس از هر اقدام نظامی علیه ایران بلافاصله از مجاری دیپلماتیک و حتی به صورت آشکار تأکید می کردند که از نظر مـا مسـئله تمـام شـده تلقی می شود. چنـانکه بعـد از این حـادثه نیز واینبرگر وزیر دفـاع وقت امریکا اعلام کرد: «این موضوع را تمام شده تلقی می کنیم.» (۳) در این میان تمایل امریکاییها به زدن آخرین ضربه نقش مهمی در ارسال پیام داشت.

ص: ۱۴۳

۱- ۴۲۵. خبرگزاری رویتر به نقل از تحلیلگران نظامی گفت: «امریکا برای آنکه اعتبار خود به عنوان یک قـدرت تعیین کننـده را در خلیـج فارس حفظ کند، ظاهرا چاره ای جز انجام این اقدام تلافی جویانه علیه ایران نداشـته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۲۶. مایکل لـدین یکی از کارشـناسان در مصاحبه با رادیو امریکا می گویـد: «امریکا به جای آنکه با تمام قدرت به ایران واکنش نشان دهد، تصـمیم گرفت یک هشدار به ایران بدهد. این اقدام نباید صرفا یک حمله تلقی شود، بلکه هشداری است، برای آنکه تهران را از اقدامات بیشتر باز دارد.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۳- ۴۲۷. مأخذ شماره ۲۶۰، رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

جرج بوش، معاون وقت رئیس جمهور امریکا، پس از ملاقات خصوصی با ولیعهد عربستان سعودی در مصاحبه با خبرنگاران، ضمن هشدار مبنی بر آمادگی امریکا برای پاسخ دادن به حملات ایران گفت:

«امیدوار است آیت الله خمینی پیام امریکا را دریافته باشد.» (۱) .

وی در این مصاحبه افزود: رئیس جمهور امریکا با احساس مسؤولیت و قاطعیت دست به اقدام زد و امیدوار است پیام امریکا به ایران ارسال شده باشد.

وزیر خارجه انگلیس با حمایت از اقدام امریکا اظهار کرد که امیدوار است ایران درک کرده باشد که ادامه ی این گونه حملات ایران تنها به توجیه یک اقدام قاطع از سوی امریکا جهت «دفاع از خویش» کمک خواهد کرد. (۲) واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز اعلام کرد:

این اقدام در پاسخ به حمله ایران به نفتکش امریکایی بوده است و ما خواهان رویارویی بیشتر با ایران نیستیم، ولی آمادگی داریم که با هر گونه تشدید عملیات نظامی ایران برخورد قاطع تر داشته باشیم. (۳) .

واکنش تند و تهدیدآمیز ایران در برابر تجاوز امریکا به سکوی نفتی این کشور، بازتاب نسبتا گسترده ای داشت. در این میان کویتیها به عنوان یکی از حامیان عراق و همچنین عامل دعوت از امریکاییها برای حضور در منطقه، بیش از دیگران نگران و مضطرب بودند. این آشفتگی و اضطراب روحی کویتی ها کاملا در مطبوعات این کشور منعکس شد. (۴) همچنین سر دبیر روزنامه ایندیپندنت گفت که در کویت وضع متشنجی حکمفرماست. من با چند نفر در این کشور صحبت کردم و همه آنها منتظر بودند که اتفاقی بیفتد. (۵) .

در واقع، امکان حمله موشکی مجدد به کویت به عنوان نخستین واکنش احتمالی ایران تأثیر بسیاری در نگرانی کویتی ها داشت. چنانکه اشاره شد، بسیاری انتظار داشتند که امریکا سکوهای موشکی ایران را مورد حمله قرار دهد که هم پاسخی قاطع به ایران باشد و هم امکان حمله موشکی به کویت را خنثی

۱- ۴۲۸. مأخذ شماره ۲۶۰.

۲- ۴۲۹. مأخذ شماره ۲۶۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۰. پیشین.

۴- ۴۳۱. مأخذ شماره ۲۶۲.

۵- ۴۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

نماید. (۱) .

تجزیه و تحلیل ماهیت اقدام نظامی امریکا، بخشی از بازتاب این اقدام را در رسانه های خبری و محافل کارشناسی به خود اختصاص داد. خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این مورد می گوید:

تحلیلگران اروپایی با واژه هایی چون «قابل انتظار» و «کاملا قابل درک»، حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران را توصیف می کننـد... به اعتقاد اروپاییها، امریکا نیاز داشت حمله روز جمعه ایران به یک نفتکش امریکا را پاسخ دهد تا اعتبار خود را حفظ کند. (۲) .

همچنین اندرودانکن، از مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن، ضمن ضروری دانستن این اقدام برای امریکا، تأکید می کنـد که این عملیـات ظـاهرا بسـیار احتیاط آمیز و کاملا مطالعه شـده بود. (۳) سـر دبیر روزنامه ایندیپنـدنت با توجه به آسـیب پـذیری کـویت و کشتیهـایی که به این کشور تردد می کننـد، می گویـد که بسـیاری از مقامـات کشورهـای عرب، حمله اخیر امریکا را اشتباه می دانند. (۴) .

در روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز هدفهای انتخاب شده ی امریکا و عدم حمله به سکوی موشکی ایران مورد بررسی قرار گرفت و رادیو امریکا اقدام به نقل آن کرد. در این گزارش، در توجیه عدم حمله به سـکوهای موشـکی ایران چند عامل مورد توجه قرار گرفته است، از جمله «سـیار بودن تجهیزات پرتـاب موشـک و فاصـله آن از محل اسـتقرار ناو هواپیمابر امریکا». لـذا اقدام به این امر مستلزم انجام عملیات نظامی پیچیده و سوختگیری در حال پرواز و شاید

ص: ۱۴۵

۱- ۴۳۳. سـر دبیر روزنامه ایندیپنـدنت در مورد نگرانی کویتی ها می گویـد: «اینک آنها از این بیم دارند که حمله به سـکوی نفتی ایران این کشور را خشـمگین و مایل به تلافی جویی خواهـد کرد و امریکا نتوانسـته کاری کنـد که ایران قادر به عملیات نباشد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۵. پیشین.

۴- ۴۳۶. مأخذ شماره ۲۶۸.

درگیری مستقیم هواپیماهای پشتیبانی عربستان سعودی و کویت بود. لذا امریکاییها حمله به سکوی نفتی را انتخاب کردند. (۱) در این تحلیل، اساسا پیچیدگی هدف و ناتوانی امریکا برای حمله به این اهداف مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی واکنش احتمالی ایران در برابر امریکا به گونه ای چشمگیر در کانون توجهات قرار گرفت. روزنامه کریستین ساینس مانیتور طی تحلیلی، یک سؤال کلی را طرح می کند مبنی بر اینکه «آیا ایران در برابر آتشبارهای نیروی دریایی امریکا مرعوب خواهد شد؟» سپس با توجه به رخدادهای گذشته و با استناد به نظر تحلیلگران و کارشناسان امور خاورمیانه می نویسد:

«گمان نمی رود که ایران به عنوان یک کشور ورزیده در جنگ به آرامی از صحنه خارج شود... عدم انتظار نوعی واکنش از ایران غیر منطقی می نماید.» (۲) .

رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در جمع مدیران مالی اروپا و امریکا در مورد این اقدام می گوید:

«ایرانیها به طور قطع در جستجوی راههای مقابله برخواهند آمد... یکی از خطراتی که باید با آن مقابله کرد، خطر مین گذاری است و ایرانیها از تواناییهای لازم برای مین گذاری برخوردار می باشند.» (۳) .

احتمال مقابله به مثل ایران سبب گردید تا واینبرگر وزیر دفاع امریکا در مصاحبه با تلویزیون سی. بی. اس تهدید کند که در صورت اقدام ایران، امریکا چندین مورد حمله علیه ایران انجام خواهد داد. کنش و واکنش های ایران و امریکا سبب گردید تا اخباری مبنی بر تخلیه بندرعباس منتشر شود. (۴) انتشار این خبر نمایانگر نگرانی ایران از اقدامات احتمالی امریکا در حمله مجدد به برخی از اهداف ایران در سواحل جنوبی کشور بود، ضمن اینکه نشان می داد ایران خود را برای ادامه درگیری آماده می کند.

۱- ۴۳۷. مأخذ شماره ۲۶۸، رادیو امریکا، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۳۸. پیشین.

۳- ۴۳۹. مأخذ شماره ۲۶۸، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۷، ۱ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۷ / ۶۶، به نقل از رادیو مسکو.

اصابت موشک به اسکله الاحمدی کویت

انفجار یک فروند موشک در اسکله الاحمدی (۱) کویت، در بامداد روز پنج شنبه ۳۰ مهر و تنها سه روز پس از تجاوز نظامی امریکا به سکوی نفتی ایران، به بخشی از انتظارات مردم در مورد اقدامات تلافی جویانه ی ایران پاسخ داد. یک مقام مسؤول حفاظت محیط زیست کویت اعلام کرد که تلاش برای جلوگیری از نشت نفت و مهار آتش سوزی ادامه دارد. وی همچنین تأیید کرد که در این واقعه، سکوی مرکزی اسکله بارگیری نفت الاحمدی آسیب دیده است. (۲) .

دولت کویت بلافاصله به ایران هشدار داد که در صورت ادامه ی حملات موشکی، کویت در کلیه روابط و مناسباتش با ایران تجدید نظر خواهد کرد. همچنین کاردار ایران احضار و اعتراض این کشور رسما اعلام شد. (۳) رادیو لندن طی گزارشی، این واقعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این گزارش به نقل از «استانلی مید»، از نویسندگان امور بین المللی آمده است:

«در ظاهر ممکن است به نظر برسد که حمله ی ایران به پایانه نفتی مینا الاحمدی، صرفا اقدامی برای تلافی حمله روز دوشنبه ی نیروی دریایی امریکا به دو سکوی استخراج نفت ایران بوده است، اما این حمله احتمالا بیش از اقدامی برای مقابله به مثل است. حمله ایران برای به مبارزه طلبیدن امریکاست.» (۴) .

همین رادیو در تفسیر دیگری می گوید:

اگر امریکا در برابر حمله تازه ی ایران واکنش نشان ندهد بسیاری از کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به این نتیجه خواهند رسید که مانعی

ص: ۱۴۷

۱- ۴۴۱. اسکله الاحمدی در ۱۵ کیلومتری شرق بندر الاحمدی کویت قرار دارد که در سال ۱۹۴۹(۱۳۲۸) ساخته شده است و در هر یک از سکوهایش یک نفتکش پانصد هزار تنی می تواند بار گیری کند.

۲- ۴۴۲. پیشین، رادیو کویت، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۴۳. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

بر سر راه حملات ایران علیه آنها نیست و ناوگان امریکا در خلیج فارس کاری از پیش نبرده است. (۱) .

نشریه میدل ایست، به نقل از تحلیلگران، حمله موشکی به کویت را یک تهدید تازه و جدی و به منزله ی به مبارزه طلبیدن امریکا ارزیابی کرد و سپس این مسئله را مورد تأکید قرار داد که حتی اگر کویت یا متحدین عرب آن خواستار اقدام تلافی جویانه ی امریکا علیه ایران باشند، احتمالا انجام آن دشوار خواهد بود. مسئله حائز اهمیت در تحلیل نشریه مید، ارزیابی میزان تمایل ایران به مقابله در برابر امریکا می باشد. در این تحلیل آمده است که تا قبل از حمله موشکی به نفتکش امریکا، ناظران عمدتا تمایل ایران به رویارویی با امریکا را کم برآورد می کردند. (۲) .

تنها سه روز پس از اصابت موشک به اسکله الاحمدی و در موقعیتی که هنوز ادامه تلاشهای ایران و همچنین واکنش امریکا در هاله ای از ابهام قرار داشت و مسئولین کویت کاملا سرگشته شده بودند، انفجار بمب در دفتر هواپیمایی پان امریکن در کویت بار دیگر ناظران را دچار شگفتی کرد. منابع دیپلماتیک گفتند:

«بمب گذاری اخیر در کویت یک تحول نگران کننده بوده و بیانگر آسیب پذیر بودن کویت است.» (۳) .

سخنگوی وزارت خارجه امریکا با اشاره به حمله ی موشکی روز پنج شنبه به اسکله الاحمدی کویت اظهار داشت:

«اقدام ایران به سه حمله طی یک هفته، به شدت نشانگر آن است که ایران تصمیم دارد تهدید خود علیه همسایگان غیر محارب! را ادامه دهد.» (۴) .

همراه با اظهار نگرانی از تشدید بحران در منطقه از سوی سخنگوی وزارت خارجه امریکا، این انتظار به وجود آمد که امریکاییها به موازات موضع گیری شدید علیه ایران، اقدامات کوبنده ی خود را نیز به نمایش بگذارند. در

۱- ۴۴۵. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۲، ۶ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۰، ۴ / ۸ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۳ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۴۸. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

چنین وضعیتی، مصاحبه ی مطبوعاتی ریگان رئیس جمهور امریکا نقطه ی پایان انتظارها و در عین حال خاتمه موقت درگیری ایران و امریکا در منطقه خلیج فارس بود. ریگان در این مصاحبه مطبوعاتی، با توجه به روند درگیری بین ایران و امریکا و ناتوانی امریکا در پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی و همچنین عدم دستیابی امریکا به اهداف مورد نظر خود گفت:

«من فکر نمی کنم در هیچ چیز دچار اشتباه محاسبه شده باشیم. ما در آنجا برای آغاز کردن جنگ حضور نداریم، بلکه به منظور حفاظت از کشتیرانی کشوری بی طرف در آبهای بین المللی و با توجه به قانون بین المللی حضور یافته ایم.» (۱) .

ریگان در ادامه اظهارات خود ضمن «غیر معقول» نامیدن ایرانیها به خاطر حمله موشکی اخیر به کویت، مطلبی را بیان کرد که با مواضع پیشین امریکا کاملا متفاوت بود. وی گفت:

«ما گفته ایم در صورتی که مورد حمله واقع شویم از خود دفاع خواهیم کرد... آنچه که مسلم است جنگی در بین نیست و کسی نیز نباید دچار وحشت شود.» (۲) .

برخی دیگر از مقامات امریکا از جمله یک مقام پنتاگون نیز بر این مسئله تأکید کردند که امریکا قصد تلافی علیه ایران را ندارد، زیرا سیاست امریکا حفاظت از کشتیها و نیروهای امریکایی می باشد. (۳) اظهارات اخیر مقامات امریکایی به روشنی نشان دهنده عدم حمایت و پشتیبانی امریکا از کویت تلقی می شد. چنانکه سرانجام وزارت خارجه امریکا رسما اعلام کرد:

«به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک شده توسط ایران به کویت طی یک هفته پاسخ لازم را بدهد.» (۴) .

سخنگوی وزارت خارجه امریکا در مورد اقدام امریکا گفت:

«حمله به طور واضح علیه کویت صورت گرفته است. دولت کویت

۱- ۴۴۹. مأخذ شماره ۲۷۸، رادیو امریکا، ۱ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۵۰. پیشین.

۳- ۴۵۱. مأخذ شماره ۲۷۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۸ / ۶۶، اوکلی سخنگوی وزارت خارجه ی امریکا.

مختار است در مورد این عمل پاسخ دهد.» (۱) .

با پیدایش موقعیت جدید و با توجه به تغییر سیاست امریکا و رها کردن سیاست اقدام تلافی جویانه نظامی علیه ایران، شیرین هانتر یکی از کارشناسان امور ایران، در مصاحبه با رادیو لندن، درباره مخالفت برخی از اعضای کنگره امریکا با سیاستهای دولت امریکا، به این مسئله اشاره کرد که در کنگره از ابتدا نسبت به اسکورت نفتکشها و میزان تأثیر آن در تأمین منافع امریکا شک و تردید وجود داشت و هنوز هم عده ای، بویژه از دمکراتها همچنان نگران اقدامات نظامی امریکا هستند. زیرا ممکن است این امر به درگیری نیروهای زمینی و افزایش تلفات امریکا منجر شود. وی سپس گفت:

«اکثریت کسانی که مسؤولیت به اصطلاح تصمیم گیری درباره سیاست امریکا را دارند واقعا در فکر درگیری با ایران نیستند.» (۲) .

در همین موقعیت، وزیر دفاع امریکا برای توضیح در مورد اوضاع و سیاست امریکا در منطقه، در کمیته روابط خارجی سنای امریکا حاضر شد و توضیحاتی را ارائه کرد که قابل توجه است. وی در مورد حمله به کشتی امریکایی که منجر به واکنش نظامی امریکا در حمله به سکوهای نفتی ایران شد، گفت:

«احتمالا هدف ایران آزمودن حدود و ثغور سیاست امریکا در خلیج فارس بوده است... من فکر می کنم منظور از حمله، ایجاد نوعی سرگردانی در جریان تصمیم گیری بود.» (۳) .

وی با این توضیح، در واقع ضرورت اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران را با حمله به سکوهای نفتی رشادت توجیه کرد. قابل توجه اینکه رئیس جمهور امریکا در بیانیه خود از سکوها، به نام سکوی نظامی نام می برد، ولی وزیر دفاع امریکا در توجیه علت اقدام نظامی امریکا، از سکوی نفتی یاد می کند:

«اقدام امریکا در گلوله باران دو سکوی نفتی غیر فعال ایران پاسخ مناسبی بود.»

۱- ۴۵۳. پیشین.

۲- ۴۵۴. پیشین، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۹، ۳ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۸ / ۶۶.

وزیر دفاع امریکا سپس برخلاف گذشته که امریکا مدعی بود با اقدامات نظامی و بر پایه حضور در منطقه در نظر دارد ایران را به پذیرش سیاست خود متقاعد سازد، با پذیرش تلویحی شکست امریکا در تحقق اهدافش گفت:

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه جویی ایران اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات با این کشور است... در صورت اجرای چنین قطعنامه ای ریشه توانایی ایران برای ادامه جنگ به سرعت خشک می شود.»

او سپس در مورد ماهیت سیاست امریکا علیه ایران اعلام کرد:

«امریکا فقط مایل است پایان خصومت ایران را ببیند، ولی الزاما درصدد نابودی ایران نیست.» (۱) .

موضع گیری آقای هاشمی، فرمانده ی عالی جنگ، در زمانی که امریکاییها میزان حمایتهای خود نسبت به کویت را در برابر ایران کاهش دادند، قابل توجه بود. ایشان طی پیشنهادی گفت:

در صورتی که کویت در جنگ خلیج فارس بی طرفی در پیش گیرد، ایران از حمله به تأسیسات نفتی این کشور خودداری خواهد کرد. (۲) .

مصاحبه سفیر کویت در امریکا با روزنامه الشرق الاوسط، با توجه به سیاست اخیر امریکا و همچنین موضع گیری ایران، در واقع پاسخ به موقعیت جدیدی بود که کویت در برابر خود داشت. وی در این مصاحبه گفت:

«خطری که در این حملات نهفته این است که کویت را در معرض حملات تلافی جویانه ای قرار می دهد که ایران، جرأت انجام آنها را مستقیما علیه منافع امریکا ندارد. آنچه که ایران در حال انجام آن است تصفیه حساب با امریکا با خرج کویت است.» (۳) .

وی همچنین در مورد سیاست کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گفت:

«کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مایل نیستند با ایران

۱- ۴۵۶. پیشین.

۲- ۴۵۷. پیشین.

۳- ۴۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۱، ۵/ ۸ / ۶۶، خبرگزاری آلمان غربی، ۴ / ۸ / ۶۶.

برخورد کنند، بلکه می خواهند در منطقه با آرامش و صلح در کنار ایران به سر برند.» (۱) .

سفیر کویت با این موضع گیری با توجه به زیانهای ناشی از درگیری ایران و امریکا برای کویت و شورای همکاری و درخواست ایران مبنی بر بی طرفی کویت، اعلام کرد که منافع این کشورها «در زندگی با آرامش و صلح در کنار ایران» می باشد. وی افزود:

«درگیر شدن با ایران آسان است، لیکن پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار می باشد.» (۲) .

بدین ترتیب، با اعلام سیاست امریکا مبنی بر عدم اقدام نظامی برای حمایت از کویت و تنها گذاشتن این کشور در بحران اخیر و همچنین ارسال پیام ایران مبنی بر خودداری از تداوم حملات در صورت حفظ بی طرفی کویت و سپس مصاحبه سفیر کویت در امریکا و اعلام موضع این کشور، درگیری میان ایران و امریکا به طور موقت پایان یافت. با این تفاوت که امریکاییها در این مرحله علی رغم اقدام نظامی علیه ایران، نه تنها نتوانستند ایران را از اقدام تلافی جویانه باز دارند، بلکه به هیچ گونه موفقیتی نیز برای پایان بخشیدن به جنگ دست نیافتند. (۳) ضمن اینکه برخلاف خواسته امریکا، ایران آخرین اقدام را انجام داد. (۴) در این روند، تلاشهای دیپلماتیک امریکا برای تصویب قطعنامه ای مبنی بر تحریم تجاری ایران نیز به خاطر مخالفت شوروی به نتیجه

۱- ۴۵۹. مأخذ شماره ۲۸۰.

۲- ۴۶۰. مأخذ شماره ۲۹۲.

۳- ۴۶۱. در آستانه ورود امریکا به منطقه و احتمال درگیری میان ایران و امریکا، برخی از ناظران معتقد بودند که یک رویارویی مستقیم بین ایران و امریکا می تواند به جنگ ایران و عراق خاتمه دهد.

۴- ۴۶۲. رادیو لندن طی گفتاری به نقل از آقای میر حسین موسوی نخست وزیر وقت ایران اعلام کرد که ایشان پیش از حمله موشکی اخیر به کویت (در پاسخ به اظهارات امریکاییها مبنی بر خاتمه دادن درگیری) گفته بود، ایران پس از تلافی حمله امریکا به سکوهای نفتی اش، مسئله را خاتمه یافته تلقی خواهد کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ی ۲۷۱، ۱ / ۸ / ۶۶، رادیو لندن ۳۰ / ۷ / ۶۶).

نرسید. چنانکه شولتز وزیر خارجه وقت امریکا پس از سفر به خاورمیانه و شوروی گفت:

«روسها در ملحق شدن به امریکا برای تحریم تسلیحاتی علیه ایران کمی بی میل هستند.» (۱) .

تحریم اقتصادی ایران

امریکا پس از ناکامی در تلاشهای سیاسی - نظامی خود برای کسب ابتکار عمل، تحریم اقتصادی ایران را در پیش گرفت. ریگان با صدور بیانیه ای به طور واضح علت این اقدام را توضیح داد:

«اجازه بدهید بر این نکته تأکید کنم که ما فقط پس از تلاشهای مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران و در پاسخ به ادامه و افزایش اقدامات جنگ جویانه حکومت ایران دست به این تحریمهای اقتصادی زدیم.»

وی در ادامه بیانیه ی خود افزود:

«این تحریمها نتیجه ی مستقیم اقدامات دولت ایران، از جمله حملات این کشور علیه نیروهای امریکایی و کشتیهای تجاری امریکا، امتناع این کشور از اجرای قطعنامه ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، ادامه تجاوزات این کشور علیه کشورهای بی طرف خلیج فارس و کمک این کشور به تروریسم در آن منطقه و هر نقطه دیگر جهان می باشد.» (۲) .

ریگان مرحله اول تحریمها را شامل تحریم خرید نفت ایران ذکر کرد و گفت: تحریم واردات و صادرات با ایران طی یک هفته تا ۱۰ روز تأثیراتش را برجای خواهد گذاشت!؟ (۳) .

بلافاصله پس از اعلام تحریم واردات نفت جمهوری اسلامی از سوی امریکا و همچنین تحریم صادرات امریکا به ایران، رئیس جمهور ایران (آیت الله خامنه ای) اعلام کرد:

۱- ۴۶۳. مأخذ شماره ۲۸۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۳ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۶۴. مأخذ شماره ۲۸۰، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۵. پیشین.

در صورت توافق نسبت به اعمـال تحریم اقتصادی، ایران تنگه هرمز را خواهـد بست... ایران از تهدیـد تحریم اقتصادی نگرانی ندارد. (۱) .

وزیر خارجه ژاپن در واکنش به تحریم ایران، ضمن تأکید بر تمایل ژاپن به پایان یافتن جنگ از طریق مسالمت آمیز گفت:

«روابط تجاری امریکا با ایران سـمبلیک است، در حال که ژاپن و دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و اقتصاد روابط تجاری وسیعی با ایران دارند.»

وی سـپس اظهار داشت که ما اسـتدلال مقامات امریکایی را خواهیم شنید و سپس در مورد اقدام ژاپن «تصمیم گیری» خواهیم کرد. (۲) روزنـامه لومونـد ضـمن بررسـی نتایـج احتمـالی تحریم خریـد نفت، در صورت موافقت ژاپن و اروپا، تأثیرات آن بر درآمد نفتی ایران را اندک دانست. لوموند در پایان با توجه به حمایت فرانسه از سـیاست امریکا در مورد موفقیت تحریم نفتی ایران اعلام کرد: «البته چنین وضـعی هنوز بعید به نظر می رسد، چون که نه تنها ژاپن حاضر به پیروی از سیاست امریکا نیست، بلکه اغلب کشورهای دیگر اروپایی، به ویژه مهمترین خریـداران نفت ایران همانند ایتالیا با ۱۳ درصد، هلند با ۸ درصد، اسپانیا با ۳ / ۶ درصد و آلمان غربی با ۴ درصد، مایل نیستند از رویه ی فرانسویان و امریکاییها تقلید کنند.» (۳) .

سرانجـام پس از بحث و بررسـی دربـاره ی تحریم اقتصـادی ایران از سوی امریکا در اجلاس اتحادیه هفت کشور اروپایی، این کشورها بـدون توجه به درخواست امریکا، تنها موافقت کردنـد که در صورت عدم قبول درخواست سازمان ملل برای برقراری آتش بس ظرف چنـد روز آینـده، تحریم فروش اسـلحه را به مرحله اجرا گذارنـد. (۴) بـدین ترتیب، تلاش جدید امریکا برای تحریم ایران نیز به دلیل عدم حمایت متحدین اروپایی امریکا و ژاپن با ناکامی همراه شد.

۱- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۳، ۷ / ۸ / ۶۶، بخش عربی رادیو مونت کارلو، ۶ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۶۷. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۸. پیشین، پاریس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۶۹. پیشین، رادیو لندن، ۶ / ۸ / ۶۶.

جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه

اشاره

نیروی زمینی سپاه پاسداران عملیات کربلای ۸ را در ادامه و تکمیل عملیات کربلای ۵ در منطقه شرق بصره طرح ریزی و اجرا کرد که این عملیات به منزله آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب بود. (۱) لازمه تداوم عملیات همچون گذشته برخورداری از خلاقیت و ابتکار عمل، همراه با رعایت غافلگیری بود. در غیر این صورت تضمین لازم برای کسب پیروزی وجود نداشت.

پیشروی توأم با دشواری فوق العاده در عملیات کربلای ۵، ناظر بر این معنا بود که نیروی زمین سپاه، به رغم درهم شکستن کلیه خطوط و استحکامات دشمن، به دلیل در اختیار نداشتن نیروی «زرهی» و «پشتیبانی هوایی» مناسب، قادر به پیشروی در عمق مواضع دشمن نبود. این کاستی اساسی در بنیه نظامی رزمندگان اسلام سبب گردید با وجود موفقیتهای به دست آمده در

۱- ۴۷۰. این بحث در فصل هفتم کتاب از «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحت عنوان آخرین تحرک نظامی در جنوب مورد بررسی قرار گرفته است.

شرق بصره (۱) تـدریجا دور عملیات کنـد و متوقف شود و در پی آن امکان ادامه جنگ در منطقه جنوب حـداقل برای مـدتی غیر ممکن ارزیابی شود.

از سوی دیگر، به لحاظ سیاسـی و نظامی، ضـرورت اجرای عملیات امری بـدیهی بود و هر گونه تعلل در آن می توانست زمینه را برای حمله دشـمن مهیـا سـازد. لـذا به منظور ممانعت از ایجاد رکود در جنگ و فراهم سازی مقـدمات تـداوم نبرد و کسـب پیروزی، عبور از وضـعیت جدید و شکستن بن بست امری ضروری بود. در مرحله قبل هم، پس از بن بست جنگ در سال ۶۲، سپـاه پاسـداران انقلاـب اسـلامی بـا تغییر زمین منطقه ی عملیـات، از خشـکی به هور (عملیـات خیبر و بـدر)، عبور از رودخانه (عملیـات فـاو) و بهره گیری از انبوه نیروهـای غواص و انبوه قـایق، رکود جنـگ را برطرف کرد. لیکن در این مرحله به ابزاری جدیـد، ماننـد امکانـات زرهی و پشتیبـانی قوی هوایی نیـاز بود. تـأمین این مهم از منـابع داخلی با مشـکلات زیادی همراه بود. ضمن اینکه خریـد از خـارج نیز بـا تـوجه به محـدودیتهای ارزی و سیاسـتهای امریکـا در ممـانعت از فروش سـلاح به ایران، به سهولت امکان پـذیر نبود. بنابراین، موقتا زمین منطقه نبرد از جنوب به غرب کشور منتقل شـد و مرحله جدیـدی از جنگ آغاز گردید. سردار رضایی در این مورد چنین توضیح می دهد:

«از کربلای ۵ به بعد ما در جنوب به بن بست رسـیدیم... در ادامه کربلای ۵، عملیات کربلای ۸ را انجام دادیم و به طور کلی میدان نبرد در منطقه ی کربلای ۵ را آزمایش کردیم. حتی در ادامه ی عملیات والفجر ۸ هم یکی دو تا عملیات ترمیمی انجام دادیـم. آنجـا هم میـدان نـبرد را آزمـایش کرده بـودیم. تاکتیـک عبـور از آب هم امتحـانش را پس داده بـود. جزیره مینـو، ام الرصاص، خیبر و بدر (در هور الهویزه) هم رفته بودیم. دیگر هیچ

ص: ۱۵۶

۱- ۴۷۱. کتاب «نبرد در شرق بصره»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سال ۷۴ حاوی گزارش نسبتا جامع عملیات کربلای ۵ می باشد.

آبی نبود که ما در منطقه ی جنوب از آن عبور نکرده باشیم. لذا همه این مسائل دست به دست هم داد که جنوب دیگر تمام شده است. بنابراین وارد جبهه ی شمال شدیم.» (۱) .

آغاز مرحله جدید جنگ در غرب کشور با عملیات ۱۰ و فتح ۵ توسط نیروی زمینی سپاه، گر چه به منزله ی سرآغاز تحقق استراتژی عملیاتی جدید ایران بود، لیکن دو عملیات یاد شده در عین حال از عوامل دیگری نیز تأثیر پذیرفته بود. بدین معنا که در خرداد سال ۶۴، پس از عملیات بدر، وضعیت حاکم بر جنگ منتهی به پیدایش این نظریه شد که با یک عملیات منظم بزرگ هرگز عراق از پا در نخواهد آمد، زیرا عراق با جمع آوری کلیه ی نیروهایش قادر به مقاومت در برابر نیروهای ایران بود و در عین حال مانع از تعمیق اهداف ایران می شد. لذا بر این مسئله تأکید شد که با انجام دو عملیات بطور همزمان می توان با تجزیه قوای دشمن، وضعیت جدیدی را به وجود آورد. لیکن فقدان امکانات و نیروی مورد نیاز مانع از اجرای آن بود. در نتیجه چنین تدبیر شد که سپاه پاسداران یک عملیات منظم و یک عملیات بزرگ نامنظم را به طور همزمان طرح ریزی و اجرا کند. بر پایه همین تدبیر، سپاه اقدام به تشکیل قرارگاه رمضان و گسترش ارتباط با معارضین کرد عراقی و سازماندهی و تجهیز آنها کرد. (۲) .

علاوه بر این، طی مباحثی که در این مرحله صورت گرفت، بر پایه تجارب حاصله در عملیات خیبر و بدر و با توجه به احتمال عدم موفقیت در عملیات واحد و از دست رفتن ماحصل زحمات یک ساله همراه با امکانات و زمان، چنین پیش بینی شد که حداقل دو عملیات همزمان طرح ریزی شود تا در صورت ناکامی در یک عملیات و یا بسته شدن راه کارها، امکانات و نیرو در منطقه ی دیگر به کار گرفته شود. به همین دلیل در سال ۶۵ چند عملیات طرح ریزی شد که عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ از جمله ی آنهابود. به عبارت دیگر، عوامل مؤثر در گشایش جبهه جدید در منطقه غرب کشور که منجر به اجرای چندین

---

۱ - ۴۷۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل مراحل استراتژیک جنگ ایران و عراق (جنگ اول: از اشغال تا آزادسازی)، سردار سر لشکر پاسدار محسن رضایی، (تهران، ۱۳۷۶).

۲- ۴۷۳. پیشین.

عملیات شد و اولین آنها کربلای ۱۰ و فتح ۵ نام گرفت عبارت بود از:

۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در آن.

۲- حفظ کردن ابتکار عمل در برابر دشمن.

۳- گشودن جبهه ی جدید برای دشمن در منطقه غرب کشور و تجزیه ی قوای آن.

۴- کاهش دادن حساسیت دشمن نسبت به منطقه ی جنوب.

۵- اخذ فرصت از دشمن برای یافتن راه کارهای جدید در جبهه های جنوب. (۱) .

علاوه بر آنکه اجرای عملیات در منطقه غرب کشور، انهدام برخی تأسیسات اقتصادی دشمن را در پی داشت حضور گسترده در این منطقه، نگرانی ناشی از تلاش ضد انقلاب را کاهش داده و منجر به تأمین منطقه نیز می شد. البته اجرای عملیات در منطقه غرب کشور مشکلات و پیچیدگیهایی نیز داشت که در مباحث بعد به آنها اشاره خواهد شد.

عملیات کربلای ۱۰

اشاره

مناطق آزاد شده در کردستان عراق و حضور نسبتا گسترده اکراد معارض عراقی در این مناطق، سبب گردید تا در مرحله اول گشایش جبهه ی جدید در غرب کشور عمدتا معطوف به «اتصال عقبه مناطق آزاد شده به ایران و باز شدن عقبه ی نیروهای معارض» شود.

آنچه که همزمانی دو عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ را از سمت داخل خاک ایران، توسط سپاه پاسداران و در داخل خاک عراق، توسط اکراد معارض، توجیه می کند همین هدف (اتصال مناطق آزاد شده به ایران) می باشد. طبعا تحقق این اهداف برای هر یک از طرفین که به اجرای عملیات مبادرت کردند، منافعی را در پی داشت. با این اقدام، اکراد معارض از پشتیبانی ایران برخوردار می شدند و متقابلا ایران با اهرم اکراد معارض پیشروی در شمال عراق را تسریع و تسهیل می کرد. بدین ترتیب که اکراد معارض با اتکاء به توانمندی نظامی ایران و باز

۱- ۴۷۴. پیشین.

شـدن عقبه این نیروهـا به سـمت ایران، برای رهـایی از فشارهای عراق موقعیت جدیـدی را فراروی خود مشاهـده می کردنـد و ایران نیز متقابلاـ از قـدرت مـانور سیاسـی - نظـامی منـاسبی برای فشار به عراق برخوردار می شـد و مجموع این عوامل، امکان تحقق اهـداف ایران را تسـهیل و فراهم می کرد. بر همین پایه، تصـرف ارتفاعات گلان، گلو، اسپیـدار، سـرگلو، بالوکاوه، برده هوش، ژاژیله، قشن و تأمین سرزمینهای شمال شرقی استان سلیمانیه ی عراق در دستور کار قرار گرفت.

موقعیت منطقه

منطقه ی عمومی عملیـات کربلاـی ۱۰ در محـور بـانه - سـردشت، از شـمال به رودخـانه مرزی گلاـس، از جنوب به رودخـانه آوسیویل، از شرق به سورکوه و از غرب به ارتفاعات گرده رش و سپس ارتفاعات عمومی آسوس منتهی می شد.

منطقه عملیاتی دارای عوارض حساس و ارتفاعات نسبتا بلنـد و صـعب العبور بود که به خاطر فقـدان جاده، تردد در این مناطق بسـیار دشوار به نظر می رسـید. بلندترین کوه منطقه «گارو» نام دارد که به کلیه عارضه ها و مناطق اطراف دید و اشـراف دارد. همچنین، علاوه بر روسـتاها و شـهرکهای متعـددی که در سـطح منطقه وجود دارد، رودخانه های چومان، گلاس، زاب صـغیر، قلعه چولان و آوسـیویل در منطقه جریان دارند. به دلیل وجود درختان مرتفع در پایین ارتفاعات، وضعیت برای اختفاء نیروهای پیاده و حتی تحرک و جابجایی آنها در روز کاملا مناسب بود.

استعداد و آرایش دشمن

اسـتعداد و گسترش دشـمن در این منطقه تـا قبـل از عملیات والفجر ۹ که در بهمن سـال ۶۴ توسط نیروی زمینی سـپاه صورت گرفت، قابل توجه نبود. لیکن پس از آن، بویژه بعد از دو عملیات فتح ۱و ۲ (حمله به تأسیسات کرکوک) که

قرارگـاه رمضان با سازمانـدهی کردهای معارض عراقی انجام داد، دشـمن مجـددا حساس شـد و تلاشـهای نسـبتا وسـیعی را به منظـور تصـرف منـاطق تحـت تسـلط کردهـا و مسـدود کردن معـابر وصـولی به عمـق خـاك عراق انجـام داد. چنـانکه تیپهـای کمانـدویی سـپاه هفتـم و سـپاه سـوم ارتش عراق و دو تیـپ کمانـدویی از سـپاه یکـم و دو تیـپ گـارد و چنـد گردان مسـتقل کمانـدویی با نظارت شـخص صدام طی ۱۰۰ روز بسـیاری از ارتفاعات را به تصـرف خود در آوردنـد. در واقع، دشـمن به جز تصـرف منطقه «یاغسمر»، محل استقرار نیروهای اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، کلیه ی اهداف خود را تأمین کرد. (۱) .

تحرکات دشمن پس از عملیات فتح ۱ بر پایه این تحلیل انجام می گرفت که در صورت عـدم مقابله جـدی، قوای نظامی ایران با تقویت نیرو به سـمت «ازمر» و سـپس «سـلیمانیه» پیشروی خواهند کرد. به همین دلیل، دشمن در ادامه تلاشهای خود اقدام به تشکیل لشکر ۳۹ کرد و تیـپ ۱۰۵ پیاده از لشکر ۳۴ را تحت امر آن قرار داد تـا با همکاری جاشـهای مسـتقر در منطقه و یک گردان کمانـدویی، حـد فاصل منطقه ی بین لشـکر ۳۴ و لشـکر ۲۷ را که بـاز بود، پوشـش داده و تـأمین نماینـد. پیـدایش این وضـعیت، بویژه تصـرف «گرده رش» موجب محـدود شدن ارتباط نیروهای کرد معارض در مناطق آزاد شده با قرارگاه رمضان شد.

گسترش دشمن در این منطقه بدین شکل بود که سپاه یکم با یگانهای زیر

۱- ۴۷۵. گر چه اجرای عملیات در غرب کشور ضـرورتی اجتناب ناپذیر بود و به همین دلیل مورد توجه قرار گرفت، لیکن در عین حال به سه مسـئله اساسـی توجهی نشد و بسـیاری از مشکلات نیز متأثر از همین مسئله بود: الف) بر پایه اطلاعات و تحلیل موجود عکس العمل دشـمن به این گستردگی و سـرعت پیش بینی نمی شد. ب) اکراد معارض در برابر فشارهای ارتش عراق بیش از اندازه ناتوان بودند، حال آنکه چنین تصوری وجود نداشت. ج) مشکلات جنگ در غرب کشور، بویژه در فصل سرما، برای یک عملیات گسترده بیش از اندازه زیاد بود و لذا پیش بینی لازم انجام نشده بود.

در منطقه عمومی عملیات پدافند کرده بود:

لشکر ۲۴ پیاده: از شاخ مندا تا ده هرزینه.

لشکر ۳۹ پیاده: از ده هرزینه تا انتهای گرده رش و تنگه آوسیویل.

لشکر ۳۴ پیاده: از تنگه آوسیویل تا بارانه.

لشکر ۲۷ پیاده: از بارانه تا هانی قول.

لشکر؟: از هانی قول تا تمور ژنان.

لشکر ۳۶ پیاده: از تمور ژنان تا سترمک.

نیروهای دشمن که در برابر نیروهای خودی آرایش گرفته بودند مجموعا شامل لشکرهای ۳۴ پیاده و ۳۹ پیاده بودند. (۱) .

طرح مانور عملیات

ابهامات موجود، فرارسیدن زمان ترخیص نیروها، تعجیل قرارگاه رمضان در اجرای عملیات، ناهماهنگی موجود در قرارگاه، احتمال لو رفتن عملیات و هوشیاری دشمن و برخی از نارساییها و مشکلات دیگر، سبب شده بود تصمیم گیری در اجرای عملیات و برخورداری از سرعت عمل لازم برای تعیین طرح مانور عملیات و محورهای اصلی حمله، با موانع متعددی مواجه شود. در عین حال در مباحث اولیه، با تأکید بر ضرورت حضور یگانهای قوی سپاه در جنوب برای انجام دادن عملیات کربلای ۸، چنین پیشنهاد می شد که در مرحله اول، مأموریت یگانهای مستقر در منطقه به منظور تصرف ارتفاعات خالی از دشمن به شکل زیر انجام شود:

۱- محور شمالی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۱ با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) و تیپ امام حسن (ع) و گردانهای جندالله.

۲- محور میانی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۲ با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ ۹ بدر.

---

۱ - ۴۷۶. سند شماره ۶۶۹ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات کربلای ۱۰»، (راوی: مجید نداف)، تدوین: محمد درودیان، ۱۳۶۶، ص ۲۹.

۳- محور جنوبی: سپاه کردستان با لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا و گردانهای جندالله. در این مقطع، هدف عملیات از محور سردشت روی ارتفاعات ژاژیله، گرده رش، گلاـن و ماووت در نظر گرفته شده بود تا با محور جنوبی که روی ارتفاعات رت ۱ و ۲ عمل می کردند، الحاق انجام شود.

همچنین مقرر گردید قرارگاه رمضان با مأموریت انهدام عقبه دو قرارگاه دشمن در محور عمومی ماووت و چوارتا روی ارتفاعات سورقلات، شاخ کانل، کاریزه، الاغلو، قمیش، کلاله و شاخ گوجار نیز عمل نماید. استعداد قرارگاه رمضان عبارت بود از: تیپ ۶۶ هوابرد، تیپ ۵۵ ویژه پاسداران، تیپ ۷۵ ظفر، گردان شهادت و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان.

حضور فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، در منطقه - تنها یک هفته قبل از عملیات - و تلاش برای اجرای عملیات، همزمان با عملیات کربلای ۸ در جنوب، موجب شد اقدامات مقدماتی با شتاب قابل توجهی انجام شود و در طرح مانور تغییراتی ایجاد گردد.

چنانکه تلاش برای همزمانی عملیات کربلای ۱۰ با عملیات کربلای ۸ سبب گردید که عملیات به دو مرحله تقسیم شود. بدین شکل که اگر عملیات غرب و جنوب هر دو موفق بود، در هر دو منطقه، تا تثبیت منطقه عملیات ادامه یابد و در صورتی که جنوب موفق نشد، بلافاصله یگانهای جنوب به غرب منتقل شوند و مرحله دوم عملیات صورت گیرد. بر این اساس، طرح عملیات مشخص شد.

- طرح مانور مرحله اول عملیات

قرارگاه نجف با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، تیپ قائم کردستان و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) به ترتیب زیر عمل نماید:

لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در ارتفاعات گلان و اسپیدره و پاسگاه پلیس، تیپ قائم کردستان در ارتفاعات شاشو و گامو.

تیپ ۳۵ امام حسن (ع) احتیاط ۵۷ در مرحله اول و سپس با استفاده از موقعیت برای تصرف قشن، پیشروی نماید.

قرارگاه حمزه با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) در ارتفاعات کانی بدار، چنگاوی و تپه منافقین در جناح راست منطقه عمل نماید.

قرارگاه بدر کردستان، با تیپ بیت المقدس، لشکر بدر و لشکر شهدا در جناح چپ منطقه عملیات به ترتیب زیر عمل نماید:

تیپ بیت المقدس روی ارتفاع سمت راست یال ارتباطی.

لشکر بدر روی ارتفاع کوخ نم نم.

لشکر شهداء روی ارتفاع کله گاوی.

- طرح مانور مرحله دوم عملیات

تیپ ۴۸ فتح روی ارتفاع قمیش عمل نماید.

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع شاخ آمدین عمل نماید.

لشکر ۵ نصر برای تکمیل روی ارتفاعات قمیش و الاغلو عمل کند.

لشکر ۲۵ کربلا روی ارتفاع وراز وارد عمل شود.

- طرح مانور مرحله سوم عملیات

چنین پیش بینی می شد که قرارگاههای نجف و رمضان پس از اجرای عملیات، در مرحله دوم الحاق کنند. در عین حال، نظر به اینکه اجرای مراحل دوم و سوم مشروط به وضعیت عملیات در منطقه ی جنوب بود و یگانهای اجرا کننده ی عملیات نیز می بایست پس از نقل و انتقال از جنوب به غرب وارد عملیات شوند، لذا تصمیم نهایی، پس از مشخص شدن نتیجه ی مرحله ی اول عملیات در منطقه غرب و همچنین نتیجه ی عملیات در منطقه جنوب اتخاذ می شد.

در آستانه عملیات

اقدامات مهندسی و آماده سازی عقبه ها، گر چه به دلیل ابهام نسبت به عملیات

ص: ۱۶۳

و نگرانی از هوشیاری دشمن و افشا شدن عملیات با تأخیر آغاز شد، لیکن پس از حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه، روند آماده سازی عملیات شتاب گرفت. در عین حال برخی کاستیها همچنان به چشم می خورد. چنانکه تنها ۲۴ ساعت قبل از آغاز عملیات پل زلی آماده ی بهره برداری شد و سه دستگاه لودر به شرق رودخانه چومان منتقل گردید و با وجود صعب العبور بودن ساحل، اقدامات مهندسی به رغم تمامی مشکلات انجام گرفت.

میزان هوشیاری دشمن از جمله مسائلی بود که از ابتدا مورد توجه قرار داشت. در آغاز تصور می شد که به دلیل درگیر بودن دشمن در منطقه جنوب و حضور یگانهای سبک سپاه در منطقه و عدم پیش بینی دشمن مبنی بر عبور نیروهای خودی از رودخانه گلاس، دشمن غافلگیر شده است. اما با تشدید اقدامات مهندسی به ویژه تلاش برای احداث جاده از گلان به کنار زلی و نیز نصب لوله های پل، دشمن اقداماتی انجام داد که نشانه ی هوشیاریش بود از جمله:

۱- پرتاب گلوله های منور.

۲- تقویت منطقه توسط یک الی دو گردان.

۳- انتقال چند قبضه توپ به منطقه.

۴- انتقال تانک روی ارتفاع گرده رش و تقویت این منطقه.

همچنین اجرای آتش روی پل زلی و اطراف روستای زلی به منظور مسدود کردن جاده از جمله مسائلی بود که نشان می داد دشمن نسبت به جهت اصلی عملیات و برخی از محورها هوشیار شده است.

اجرای عملیات

سرانجام در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۶۶ لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) تحت فرماندهی قرارگاه نجف نیروهای خود را وارد منطقه کرد و پس از یک شب

استقرار در جنوب رودخانه چومان در عصر روز ۲۴ / ۱ / ۶۶ به سمت اهداف خود حرکت کرد. به رغم آنکه زمان آغاز عملیات ۲ بامداد تعیین شده بود، لیکن از ساعت ۴۵: ۱ بامداد ۲۵ / ۱ / ۶۶ اولین خبر از درگیریها به قرارگاه رسید. موفقیت اولیه نیروهای لشکر ۵۷ و تیپ قائم (عج) موجب امیدواری شد، بویژه اینکه نیروهای دشمن از محور پاسگاه پلیس عقب نشینی کردند و قوای زرهی دشمن نیز تحرکی از خود نشان ندادند. اما تلاش برای آغاز مرحله دوم عملیات در محور ماووت که با وارد عمل کردن تیپ ۳۵ آغاز شد به نتیجه نرسید.

در محور قرارگاه کردستان نیز به دلیل عدم استقرار قوای دشمن روی ارتفاعات، نیروها به سهولت اهداف خود را تأمین کردند و تلاشهای مهندسی برای ایجاد عقبه و احداث جاده آغاز شد.

در ساعت ۳۰: ۵ صبح روز اول، پاتک دشمن در محور ماووت آغاز شد و سرانجام پس از چند بار دست به دست شدن گلان ۲، دشمن در غروب روز اول آن را مجددا تصرف کرد.

در شب دوم نیروهای تیپ ۳۵ برای باز پس گیری ارتفاع گلان ۲ آماده نشدند و عملیات به شب سوم موکول گردید. همچنین در محور قرارگاه کردستان به دلیل عدم آمادگی نیروها، ادامه عملیات به شب بعد موکول شد.

قرارگاه حمزه در محور گناو، عملیات خود را با تیپ ۱۱۰ خاتم بر روی تپه منافقین، پاسگاه گناو و ارتفاع کانی بدار در ساعت ۱ بامداد آغاز کرد و تا ساعت ۳۰: ۵ بامداد اولیه کلیه اهداف خود را تصرف و تأمین کرد.

همچنین دشمن در شب دوم با ترکیبی از نیروهای جاش و نظامی، مجددا به ارتفاعات اسپی دره و گلان ۱ حمله کرد و نهایتا به رغم مقاومتهایی که انجام گرفت، این ارتفاعات به دست دشمن افتاد.

در روز دوم با افزایش فشار دشمن در محور ماووت و گناو و سقوط ارتفاع گلان ۱ کار عقبه سازی و احداث جاده متوقف شد. در چنین وضعیتی،

پشتیبانی از عملیات و تخلیه ی شهدا و مجروحین بسیار ضروری و حیاتی بود؛ لیکن به دلیل موقعیت منطقه و فشارهای دشمن و مشکلات و کاستیهای موجود، عملا اقدام مناسبی انجام نمی گرفت. این ضعف در استفاده از هلیکوپتر نسبتا آشکارتر بود. در عین حال نیروهای خودی در محور گناو شدیدا مقاومت کردند.

در شب سوم، تیپ ۳۵ برای عملیات روی ژاژیله آماده شد و پیش بینی می شد که با تصرف ژاژیله و ادامه عملیات از پائین روی گلان ۲ اوضاع تا اندازه ای بهبود یابد. همچنین تیپ قائم کردستان نیز مأموریت داشت ارتفاع گامو را مجددا تصرف نماید.

عملیات در ساعت ۳۰: ۱ بامداد آغاز شد. تیپ ۳۵ ارتفاع ژاژیله را تصرف کرد و غنائم قابل توجهی از جمله تعدادی تانک به دست آورد، ولی تیپ قائم پس از ۵ ساعت درگیری با دشمن به مواضع خود عقب نشینی کرد.

در محور بسن قرارگاه کردستان، لشکر ویژه ی شهداء از سه محور با دشمن درگیر شد که دو محور آن در کله گاوی و یک محور دریال بسن بود. همچنین تیپ بیت المقدس به طرف یال ارتباطی پیشروی کرد. اما به رغم موفقیتهای اولیه، به دلیل عدم انتقال نیروی احتیاط و مشکلاتی که در پشتیبانی عملیات وجود داشت و همچنین افزایش فشار دشمن، سرانجام در پایان روز سوم تنها یال ارتباطی به عنوان نتیجه ی عملیات در شب سوم، در اختیار نیروهای خودی باقی ماند. همچنین در روز سوم بر اثر فشار دشمن در محور گناو تنها ارتفاع کانی بدار و تپه منافقین (۱) در اختیار نیروهای خودی قرار داشت و تپه های چنکاوی و پاسگاه گناو مجددا در اختیار دشمن قرار گرفت. در محور ماووت نیز تیپ ۳۵ به دلیل بروز مشکلاتی در امر پشتیبانی، نهایتا از ارتفاع ژاژیله

ص: ۱۶۶

---

۱ – ۴۷۷. این تپه در محدوده ی بین جنوب دوپازا و شمال گناو و در غرب دانی گوز و کوه لک لک قرار دارد که به دلیل حضور منافقین در این منطقه به تپه منافقین مشهور شد.

عقب نشینی کرد.

بنـابراین، پس از سه شـبانه روز جنـگ و درگیری، گر چه در کلیه ی محورهای مورد نظر مرحله اول عملیات انجام شـد، لیکن مشـکلات و کاستیهای موجود و ناتوانی برخی از یگانها، همراه با فشارهای دشمن سبب گردید که اهداف به طور ناقص تأمین شود. درک دشـمن از اهـداف عملیات به ویژه باز شـدن عقبه ی قرارگاه رمضان سـبب شـده بود تا فشار خاصـی را متوجه این منطقه سازد.

در شب چهارم، سـرانجام نیروهای لشکر ۱۴ امام حسـین (ع) که از جنوب به غرب منتقل شـده بودند، برای تصـرف دو ارتفاع گلان ۱ و ۲ آماده شدند. تیپ ۴۸ فتح نیز مأموریت داشت ارتفاع ژاژیله را تصـرف نماید. نیروهای لشکر ۱۴ که در ساعت ۳۰: ۳ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند، تا روشن شدن هوا بجز ارتفاع گلان ۲، بقیه اهداف خود را تصرف کردند.

در محور گنـاو نیز نیروهـای تیپ ۱۱۰ مجـددا پاسـگاه گنـاو را تصـرف کردنـد. در روز چهـارم تنها پل لوله ای روی رودخانه چومان فروریخت و این امر به مشکلات پشتیبانی افزود. از این پس تلاش برای احداث پل بیلی افزایش یافت.

متعاقب موفقیت لشکر ۱۴ در اغلب محورهـا (بجز گلان ۲) و عدم دستیابی تیپ ۴۸ فتـح به ارتفاع ژاژیله، چنین پیش بینی می شـد که ادامه ی عملیـات متوقف شود تـا با تأمین عقبه ها و بازسازی یگانها، مجـددا عملیات با آمادگی بیشتری آغاز شود. اما پس از بحثهایی که صورت گرفت، نهایتا مقرر گردید که عملیات ادامه یابد.

در شب پنجم مجـددا لشـکر ۱۴ و تیـپ ۴۸ برای تکمیـل مـأموریت خود وارد عمـل شدنـد، لیکن موفقیتی به دست نیاوردنـد. همچنین در محور گناو، پاتک دشـمن روی ارتفاع کانی بدار سبب گردید نیروهای تیپ ۱۱۰ اقدام به عقب نشینی نمایند. طی همین شب، تـا ساعت ۳۰: ۶ بامـداد دشـمن سه راهی ژاژیله را تصـرف کرد و در پی آن آتش خود را روی ارتفاعـات افزایش داد. همین

ص: ۱۶۷

امر موجب شد که نیروهای تیپ ۴۸ به طور کامل از این محور عقب نشینی کنند.

با پیدایش وضـعیت جدید، بحث و بررسـی در مورد نحوه ی ادامه ی عملیات شروع شد. فشار قرارگاه رمضان بر عملیات روی گرده رش و قمیش به منظور تـدارک و تغـذیه نیروهای خودی که داخل خاک عراق بودنـد، سـبب گردیـد اجرای عملیات در محور قشن و یال سـیراوه تا قله وراز مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۵ نصر نیز از جبهه ی جنوب به جبهه ی غرب منتقل شدند و سایر یگانها نیز برای رسیدن به منطقه عملیات در راه بودند.

براسـاس طرح مانور عملیات در این مرحله، لشـکرهای ۲۵ کربلاـ و ۵ نصـر در شب هفتم وارد عمل شدند. لشـکر ۵ مأموریت داشت که ارتفاعـات گلان ۱ و ۲ را تصـرف نماید. لشکر ۲۵ نیز مـأموریت داشت علاـوه بر تأمین محور قشن روی گلان ۲ با لشکر ۵ الحاق کند.

عملیات تا صـبح ادامه یافت و به جز مقر فرمانـدهی دشـمن در گلان ۲ مابقی اهـداف تأمین شد و الحاق لشـکر ۵ و لشکر ۲۵ روی گلاـن ۲ نیز انجـام نگرفت. بـا روشن شـدن هوا پاتـک دشـمن آغـاز شـد، لیکن بر اثر مقـاومت نیروهـای خودی و آتش پشتیبانی که پس از چند روز تقویت شده بود، سـرانجام در ساعت ۳۰: ۱۱ الحاق تکمیل گردید. موفقیت حاصله در این مرحله موجب امیدواری برای ادامه عملیات شد.

طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید

طی بحثها و بررسیهایی، در تاریخ ۱ / ۲ / ۶۶ ادامه ی عملیات کربلای ۱۰ به نحو زیر طرح ریزی گردید:

– در محور قرارگاه کردستان: لشکر ۱۵۵ شـهدا در کله گاوی، تیپ نبی اکرم (ص) در یال بسن و تیپ بیت المقدس در ادامه یال ارتباطی به اجرای

عملیات اقدام نمایند.

– در محور قرارگاه نجف: لشکر ۲۵ کربلا برای تکمیل یال قشن و لشکر ۵ نصر روی یال گلان به سمت ژاژیله و لشکر ۱۴ لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع ژاژیله عملیات نمایند. همچنین لشکر ۵نصر در مرحله دوم روی همین محور عملیات را ادامه دهد. در همین محور، مقرر شد لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) روی خط مقابل ارتفاع هزار کانیان و تیپ ۴۸ فتح از یال میراوه به طرف ارتفاع آمدین عمل کنند و لشکر ۲۵ کربلا مأموریت داشت روی ارتفاع آمدین عمل نماید. همچنین لشکرهای ۳۳ المهدی (عج) و ۴۱ ثارالله مأموریت داشتند تنگه وراز را مسدود نمایند.

– در محور قرارگاه رمضان نیز قرار شد ارتفاعات ویسی، قمیش و دولبشک تصرف شود و سپس لشکرهای ۳۳ و ۴۱ در دولبشک و لشکرهای ۱۴و ۵ در ارتفاعات قمیش مستقر شوند. همچنین قرار شد جهاد سازندگی برای احداث جاده روی قشن، یال میراوه، بالوکاوه، از سرگلو به گامو و همچنین از سرگلو به شاشو، اقدام نماید.

طی تلاشهایی که انجام شد، تیپ ۴۸، در شب دهم نیروهایش را در یال میرآوه مستقر کرد، ولی با افزایش فشار دشمن عقب نشینی کرد و در یال شاشو مستقر شد. لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) در شب نهم در زیر گامو تا شاشو مستقر شد. این امر سبب گردید ضعف در جبهه گامو تا اندازه ای مرتفع شود. در شب هشتم لشکر نصر از گلان ۲ به پایین عمل کرد، ولی تنها تلفاتی بر دشمن وارد ساخت. از شب نهم، لشکر ۲۵ طی عملیات متوالی، تنها یک پایگاه از سه پایگاه دشمن روی قشن را تصرف کرد. در شب دهم دشمن از گلان ۱ و ۲ موفق به نفوذ شد و ارتفاع گلان را تصرف کرد. لشکرهای ۳۳ و ۴۱ برای تکمیل اهداف عملیات و باز پس گیری گلان وارد عمل شدند و سرانجام با تصرف و پاکسازی منطقه از نیروهای دشمن، به تشکیل خط پدافندی مبادرت کردند.

ص: ۱۶۹

بـه این ترتیب، بنـا به دلایلی از جمله هوشـیاری دشـمن نسـبت به سـمت تـک، سـرعت و شـتاب اولیه و عـدم آمـادگی لازم، گستردگی طرح و عـدم تنـاسب آن بـا توان و برخی عوامـل دیگر، عملیـات متوقف شـد. همچنین عـدم هماهنگی بین عملیات منظم و عملیات نامنظم نیز در این میان بی تأثیر نبود.

عملیات فتح ۵

اشاره

قرارگاه رمضان سـپاه پاسـداران با سازماندهی و اجرای عملیات در عمق خاک عراق در سال ۶۶، موقعیت جدیدی فراهم کرد. بر پایه ی همین موقعیت، سلسـله تلاشـهای سیاسـی برای گسترش همکاری با معارضـین عراقی، منجر به شـکل گیری مقـدمات اجرای عملیات فتح ۵ در شـمال سـلیمانیه به عنوان یک عملیات نامنظم و گسترده شـد. این عملیات همزمان با عملیات کربلای ۱۰ در منطقـه مـاووت، در سـاعت ۴۷: ۱ بامـداد روز ۲۵ / ۱ / ۶۶ از درون خـاک عراق آغـاز شـد. سـرعت عمـل نیروهـا و گستردگی عملیات موجب غافلگیری دشمن گردید و طی ۲ الی ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه ی اهداف عملیات نامنظم فتح ۵ تصرف شد.

در عین حال، ناتوانی نیروهای نامنظم برای مقابله با فشارهای قوای عراقی و عـدم اتصال مناطق آزاد شده به داخل خاک ایران، سبب گردید تدریجا دشمن کلیه مواضع متصرفه را باز پس گیرد.

بازتاب عملیات کربلای ۱۰

اجرای عملیـات در منطقه غرب کشور و همزمـانی آن بـا عملیات فتـح ۵ از جمله مسـائلی بـود که مورد توجه خبرگزاریهـا قرار گرفت. چنانکه فرسـتاده ی ویژه ی خبرگزاری فرانسه، پس از بازدید از ارتفاعات ماووت در خاک عراق، طی گزارشی به نقل از تحلیلگران گفت:

«عملیات مزبور برای ایران این هدف را در پی دارد که رقیب را در لحظه ای که عملیات بسیار مهمتری در جنوب جریان دارد، در شمال سرگرم کند.» (۱) .

هفته نامه جینز دیفنس با توجه به گزارشهای منتشره از سوی عراق مبنی بر خنثی سازی تهاجمات ایران می نویسد:

«به رغم ادعاهای عراق مبنی بر خنثی کردن این عملیات (کربلای ۱۰) به نظر می رسد که ایران توانسته است در شمال شرقی عراق، در آخرین عملیات رزمی خود به موفقیت برسد و تا سی و چهار کیلومتر در داخل عمق خاک عراق پیشروی کند.» (۲) .

تجزیه و تحلیل روزنامه ی ژاپنی کی زایب از عملیات کربلای ۱۰ نیز قابل توجه است:

«این حملات نشانه ی عزم ایران برای ادامه جنگ بوده و تلاشهایی که گفته می شود به منظور خاتمه دادن به این جنگ انجام گرفته، بی ثمر است.» (۳) .

آقای هاشمی، فرمانده ی عالی جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در تشریح عملیات و اهداف جمهوری اسلامی از این عملیات اظهار داشت:

«در آینده خواهیم دید همانند نقشی که «فاو»، در جنوب به عنوان دروازه ورودی به نقاط دیگر ایفا می کند، این منطقه چنین وضعی را در شمال جبهه در کردستان خواهد داشت.» (۴) .

اظهارات آقای هاشمی بیانگر اهمیت عملیات و همچنین اهداف ایران در منطقه شمال غرب بود که سپاه پاسداران بعدها در سلسله عملیاتهایی از ماووت تا والفجر ۱۰، به اجرای آن پرداخت.

ص: ۱۷۱

۱- ۴۷۸. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۲- ۴۷۹. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۴۸۰. روزنامه اطلاعات، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۴- ۴۸۱. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۲ / ۶۶.

از ماووت تا حلبچه

تلاشـهای جدیـد سپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی در منطقه غرب کشور در چارچوب استراتژی جدید، (۱) اساسا بـدین منظور طرح ریزی و اجرا شد که با باز کردن عقبه ی معارضـین کرد عراقی به ایران و اتصال منطقه آزاد شده از خاک عراق به ایران، در منطقه شـمال غرب جبهه جدیـدی در برابر دشـمن گشوده شود. چنین پیش بینی می شـد که بـا توجه به موفقیت معارضـین عراقی و موقعیتی که برای یـک پیروزی وجود داشت، بـا پیشـروی در عمق منطقه، دشـمن نهایتـا برای مقـابله به نقل و انتقالات وسیع از منطقه ی جنوب به غرب اقدام خواهد کرد و این امر به منزله فراهم شدن مقدمه اجرای عملیات در جنوب خواهد بود، ضمن اینکه جبهه های جدیـدی در شـمال غرب در برابر دشـمن گشوده شـده و بخشـی از نیروها و فرماندهی دشـمن را تجزیه خواهد کرد.

در این چـارچوب، پس از اجرای عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ در اردیبهشت سال ۶۶، مجددا سلسله عملیاتی طی دو مرحله در منطقه شـمال غرب طرح ریزی و اجرا شد. مرحله ی اول شامل عملیات نصـر ۴ و نصر ۷ بود که یگانهای نیروی زمینی سـپاه به ترتیب در تاریخهـای ۳۱ / ۳ / ۶۶ و ۱۳ / ۵ / ۶۶ اجرا کردنـد. مرحله دوم این عملیاتهـا پس از فراغت نیروی دریـایی سـپاه از درگیری سه مـاهه (شـهریور، مهر، آبان) با امریکا در خلیـج فارس با عملیات نصـر ۸ در تاریخ ۲۹ / ۸ / ۶۶ آغاز گردیـد و با عملیات بیت المقدس ۲ و بیت المقدس ۳ در ماووت ادامه یافت و سرانجام با عملیات والفجر ۱۰ در حلبچه پایان پذیرفت.

در جدول صفحه بعد نمایی از این سلسله عملیات آورده شده است.

۱- ۴۸۲. پیش از این توضیح داده شد.

سلسله عملیات جبهه شمال غرب در ۹ ماهه آخر سال ۱۳۶۶

نام عملیات: نصر ۴، تاریخ: ۳۱ / ۳ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن و بالوسه (مجموعا ۵۰ کیلومتر مربع) آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۷، تاریخ: ۱۳ / ۵ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: دوپازا و بلفت در محور سردشت، نتایج عملیات: ارتفاعات دوپازا و بلفت به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۸، تاریخ: ۲۹ / ۸ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت از جمله گرده رش آزاد شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۲، تاریخ: ۲۵ / ۱۰ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاعات قمیش، ویولان و تنگه گوجار فتح شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۳، تاریخ: ۲۳ / ۱۱ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاع مهم و مرتفع گوجار به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

نام عملیات: والفجر ۱۰، تاریخ: ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: حلبچه، نتایج عملیات: بخشی وسیعی از استان سلیمانیه از جمله شهرهای حلبچه، دوجیله و خورمال تصرف شد.

ص: ۱۷۳

عملیات نصر ۴

اشاره

گر چه در عملیات کربلای ۱۰ و در چارچوب استراتژی جدید ایران، برخی از ارتفاعات از جمله ژاژیله، اسپیدار، گلان، شاخ قشن و بالوسه آزاد شد، لیکن توقف عملیات از یک سو و تلاشهای دشمن به منظور باز پس گیری مناطق متصرفه از سوی دیگر، سبب گردید تا عملیات نصر ۴ به منظور تداوم عملیات کربلای ۱۰ و با هدف تصرف شهرک ماووت عراق و ارتفاعات ژاژیله طرح ریزی شود. در واقع، عملیات نصر ۴ برای تکمیل اهداف عملیات کربلای ۱۰ انجام گرفت و این امیدواری وجود داشت که موفقیت حاصله در این عملیات، مقدمات تصرف ارتفاع گرده رش واقع در غرب رودخانه چولان را فراهم سازد.

موقعیت منطقه

شهر ماووت در میان ارتفاعات بلند با یالهای به هم پیوسته، صخره ای و صعب العبور واقع شده است که تصرف آن با دشواری بسیاری همراه است. ارتفاعات این منطقه از شمال به مرز سردشت و رودخانه زاب و از جنوب به شهرک ماووت و جاده آسفالته منتهی می شود. تسلط و اشراف ارتفاعات بر قسمتهایی از منطقه ماووت و پایگاه و پادگان و مواضع توپخانه در این منطقه، بر اهمیت و ارزش نظامی این ارتفاعات می افزود.

ارتفاعات این منطقه شامل گامو، هزار کانیان، بالوکاوه، قشن، گلان، ژاژیله، بالوسه در شرق رودخانه چولان و ارتفاعات گرده رش، ویولان، قمیش، دولبشک، الاغلو و گوجار در غرب آن می باشد. جاده های موجود در منطقه، راههای وصولی به شهر ماووت را برای ایران از سردشت و بانه و برای دشمن از چوارتا و سلیمانیه تسهیل می کند.

در منطقه ماووت، شهر ماووت به لحاظ موقعیت و قدمت آن از اهمیت

زیـادی برخوردار است. بـا اجرای عملیـات کربلای ۱۰ و درک دشـمن از اهمیـت ایـن منطقه و شـهر مـاووت، افزایش حضـور دشمن در منطقه منجر به تبدیل ماووت به یک شهر نظامی شد. (۱) .

طرح مانور

عملیات از چهار محور شامل: یال غربی ارتفاع گلان (بزرگ) و ارتفاع ژاژیله، ادامه یال ارتفاع قشن تا آخر قله های ۱ و ۲ و ۳ شهر مـاووت، یـال میرآوه و یـال بالوکـاوه (ارتفاعـات دو قلو) و از بـالوسه تـا یال غربی قشن، طرح ریزی می شـد. با تأکیـد بر اهمیت تپه دو قلو و تصـرف و حفـظ آن، دربـاره نحوه عملیـات روی ارتفـاع ژاژیله و نیز تثبیت خطوط دفـاعی در جلوی شـهر مـاووت بحث و بررسـی شـد. در این عملیـات، قـوای تحت امر قرارگـاه نجف شامـل ۹ یگـان پیـاده از نیروی زمینی سـپاه بود. همچنین، تیپ زرهی ۳۸ ذوالفقار سپاه مأموریت پشتیبانی و اجرای تیر تانک را برعهده داشت. (۲) .

چنانکه پیش از این اشاره شد، از مدتها قبل دشـمن نسبت به سـمت اصـلی تلاش رزمندگان اسـلام در این منطقه حساس شده بود. بویژه آنکه در این منطقه اقـداماتی برای احـداث جـاده، همراه بـا افزایش تحرکـات نظـامی صورت می گرفت. در مقابـل، دشمن نیز به موازات افزایش استعداد نیروهایش، آرایش آنها را تغییر داد. لذا با توجه به اقدامات و تلاشهای دشمن، بخصوص اجرای آتش نسـبتا شدیـد روی ارتفاعـات گلاـن و قشن - که نقش مهمی در طرح مـانور عملیات نیروهای خودی داشـتند - و همچنین حملات هوایی ارتش عراق، به نظر می رسید که دشمن در هوشیاری نسبی به سر می برد. (۳) .

اجرای عملیات

حرکت نیروها از غروب روز سه شنبه ۳۰ / ۳ / ۶۶ به سمت هدفهای تعیین شده

۱- ۴۸۳. سند شماره ۸۷۶ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش راوی قرارگاه نجف (احمـد نیکروش)، مندرج در گزارش عملیات نصر ۴»، (نگارش حسین اردستانی)، ص ۲.

۲- ۴۸۴. پیشین.

۳- ۴۸۵. پیشین.

آغاز شد. نیروهای لشکر ۱۴ امام حسـین (ع) و لشـکر قدس که مأموریت اجرای عملیات روی ارتفاع ژاژیله را برعهده داشتند. به خاطر مسافت طولانی، تلاش چشـمگیری را برای رسیدن به هدف انجام دادند و سـرانجام در ساعت ۱۰: ۱ بامداد ۳۱ / ۳ / ۶۶ به رغم اینکه برخی از یگانها هنوز در راه بودند، درگیری با نیروهای دشـمن آغاز شد و در ساعت ۲ بامداد رمز عملیات به نام مبارک «یا امام جعفر صادق (ع)» قرائت و درگیری در کلیه محورها آغاز شد.

گر چه عملیات به مـدت ۱۵ شبانه روز ادامه یافت، لیکن نتایـج حاصـله در شب اول حائز اهمیت بود، زیرا می توانست بر پایه غافلگیری نسبی اهداف عملیات را تأمین نماید. در شب اول، لشـکر ۲۵ کربلا به سهولت قله های ۱ و ۲ ارتفاع قشن را تصرف کرد. لشکر ۱۴ امام حسـین (ع) نیز اهـداف خود روی ارتفاع گلان را تصـرف و تأمین کرد. همچنین، لشـکر قدس پایگاههای دشمن در جنوب ارتفاع ژاژیله را به تصرف درآورد.

موفقیتهای اولیه در این محور سـبب گردیـد تا تلاش برای الحاق لشـکر قدس و لشـکر ۱۴ امام حسـین (ع) روی جاده آسفالت مـاووت - سورقلات که موجب تسـلط بر شـهر مـاووت می شود، مورد تأکیـد قرار گیرد. بر همین اسـاس، با روشن شـدن هوا الحاق حاصل گردید و نیروها در مواضع جدید مستقر شدند. لشکر ۳۲ انصار نیز توانست قله ۱۵۹۶ بالوکاوه را تصرف نماید و تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) نیز تپه دو قلو را تصرف کرد.

به رغم تـأمین بخش مهمی از اهـداف، به علت عـدم الحـاق لشـکر امـام حسـین (ع) و لشـکر ۵۷ حضـرت ابوالفضل (ع)، شهر ماووت در شب اول به طور کامل سقوط نکرد و دشمن همچنان در قسمت غربی به حضور و مقاومت خود ادامه داد.

دشـمن به منظور مقـابله با موفقیت جدیـد نیروهای خودی، تلاش اصـلی را روی ارتفاع قشن متمرکز کرد تا شـهر ماووت را از محاصره خارج نماید. اهمیت

این ارتفاع سبب گردید که در ادامه عملیات، لشکرهای ۴۱ ثارالله و ۳۳ المهدی (عج) که مأموریت تصرف و پاکسازی باقی مانده مواضع دشمن در غرب شهر ماووت رابه عهده داشتند، در این محور برای تثبیت ارتفاع قشن وارد عمل شوند.

با ادامه درگیری روی قشن سرانجام در شب دوم عملیات، یال قشن پاکسازی و نیروهای خودی به سمت شهر ماووت پیشروی کردند.

بدین ترتیب، طی ۱۵ روز درگیری، سرانجام بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن، بالوسه و نقاطی دیگر جمعا بالغ بر ۵۰ کیلومتر مربع آزاد گردیدند.

اهمیت و نتایج پیروزی در عملیات نصر ۴ سبب گردید تا دشمن برای باز پس گیری ارتفاعات، علاوه بر بمباران شدید با هواپیما، حتی از راکتهای حاوی سیانور که با هلیکوپتر شلیک می شدند، استفاده کند. ناکامی دشمن سبب گردید تا عراق در استراتژی جدید خود برای مقابله با تلاشهای جمهوری اسلامی، سازمان منافقین را در این منطقه فعال کند. زیرا با توجه به ضرورت دستیابی به اطلاعات، منافقین می توانستند خواسته های رژیم عراق را تأمین کنند. متقابلا، منافقین نیز برای این منظور از انرژی و آمادگی زیادی برخوردار بودند. البته این اقدام عراق در استفاده از منافقین به نوعی مقابله با جمهوری اسلامی در به کارگیری اکراد معارض عراقی، محسوب می شد. بر پایه همین ضرورتها، در بهار سال ۶۶، رجوی در بغداد با صدام ملاقات کرد و قرار شد منافقین عملیات نامنظم را آغاز نمایند. به همین منظور، استقرار تیمهای شناسایی منافقین و اجرای عملیات شناسایی آغاز شد. نظر به اهمیت و ابعاد جدید تلاشهای منافقین در هم پیمانی گسترده با رژیم عراق، رجوی طی پیامی به نیروهای شناسایی خود دستور داد تا در مورد باقی ماندن هر گونه ردپا جدا هشیاری به خرج دهند.

ص: ۱۷۷

عملیات نصر ۷

اشاره

استقرار نیروهای دشمن روی ارتفاعات سرکوب منطقه سردشت، به ویژه ارتفاع دوپازا، استقرار نیروهای خودی را در منطقه دچار مشکلاتی کرده بود و متقابلا تردد ضد انقلاب را تسهیل کرده و آنها را زیر پوشش خود قرار داده بود. به همین دلیل، عملیات نصر ۷ با هدف خارج کردن منطقه عمومی سردشت از دید و تیر دشمن و متقابلا زیر دید و تیر قرار دادن قلعه دیزه عراق و مهار تردد ضد انقلاب در محور سردشت طرح ریزی شد.

موقعیت منطقه

ارتفاع دوپازا (۲۷۹۱ متر) به عنوان بلندترین ارتفاع منطقه در امتداد سلسله ارتفاعات دوپازا در ۱۳ کیلومتری غرب سردشت در خط نوار مرزی قرار دارد. دوپازا از شمال به دو ارتفاع اسپیدان و بلفت، از جنوب به ارتفاعات لک لک، شهید زین الدین، کله قندی و فرفری محدود می شود و از شرق به کوههای رستم آلیان و کانی رش و در غرب به دشت قلعه دیزه و شهر قلعه دیزه عراق منتهی می شود.

طرح مانور

طرح ریزی عملیات همراه با اقدامات اولیه به رغم دشواریهای آن، به ویژه تسلط و اشراف دشمن بر تحرکات نیروهای خودی، انجام گرفت. عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد، به این شکل که در مرحله اول، تصرف ارتفاعات مهم دوپازا و یالهای آن، تپه شاهمرادی و تصرف یال ارتفاعات بلفت (خودی) مورد تأکید قرار گرفت. همچنین تصرف ارتفاع بلفت (عراق) برای مرحله دوم در نظر گرفته شد. با توجه به اهمیت عملیات در مرحله اول، لشکر ۳۱ عاشورا و

لشکر ۲۷ محمـد رسول الله (ص) و تیپ ۱۸ الغـدیر تأمین اهـداف عملیات را در این مرحله به عهده داشـتند و برای مرحله دوم تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) در نظر گرفته شد.

اجرای عملیات

سرانجام عملیات نصر ۷ پس ازفراهم سازی مقـدمات آن، با دو لشـکر و دو تیپ از نیروهای سپاه پاسـداران در موقعیتی که به نظر می رسید دشـمن هوشیار است، در ساعت ۳۰: ۲ بامداد روز ۱۴ / ۵ / ۶۶ با رمز مقـدس «یا زهرا (س)» آغاز شـد. تهاجم سریع نیروهای خودی، به رغم هوشـیاری نسبی دشمن سبب گردید تا کلیه اهداف عملیات در مرحله اول تصرف و تأمین شود. مرحله دوم آن نیز پس از اجرای آتش توپخانه روی مواضع دشـمن از دو محور جاده و یال بلفت آغاز شـد و نیروهای تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) پس از ۳ ساعت درگیری اولین قله بلفت را به تصرف درآوردند.

با توجه به اهمیت این منطقه، دشمن طی ۱۰ شـبانه روز با پاتکهای سنگین برای باز پس گیری مناطق متصرفه تلاش کرد لیکن موفق نشد. در نتیجه ی این عملیات، ارتفاعات «دوپازا» و «بلفت» و منطقه ای به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

عملیات نصر ۸

اشاره

در تـداوم سلسـله عملیـاتی که در منطقه شـمال غرب انجام گرفت، عملیات نصـر ۸ با هـدف تسـلط بر بخشـی از رودخانه قلعه چولان، جهت تسـهیل عبور نیروهـا و تصـرف ارتفاعات مهم منطقه، به ویژه ارتفاع گرده رش، برای ورود به زمین منطقه غرب رودخانه قلعه چولان، طرح ریزی شد.

معضلات موجود در منطقه به ویژه محدودیتها و فقدان عقبه در موقعیت

خاص جوی، با فرارسیدن فصل سرما رو به فزونی نهاد. ضرورت اجرای عملیات عمدتا برای فراهم سازی مقدمات عملیات گسترده در منطقه شمال غرب بود. به همین دلیل، به رغم دشواریهایی که وجود داشت، تلاش برای فراهم سازی مقدمات عملیات و طرح ریزی مانور عملیات انجام گرفت.

طرح مانور

این بحث با استفاده از خلاصه گزارش مجموعه ی عملیات جبهه شمال غرب (سند شماره ۵۹۹ / گ) در آرشیو اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تدوین شده است.

عملیات نصر ۸ با هدف تصرف ارتفاع گرده رش تحت فرماندهی قرارگاه نجف به شرح زیر طرح ریزی شد:

- تصرف نیمه جنوبی ارتفاع ۱۴۱۸ (قله دوم) توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع)

- تصرف نیمه شمالی ارتفاع ۱۴۱۸ و تصرف ارتفاع ۱۳۹۱ (قله سوم) توسط لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع).

- تصرف نیمه غربی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع).

- تصرف نیمه شرقی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط تیپ ۱۲ قائم (عج).

- تصرف ارتفاعات ۱۳۱۷ و ۱۳۴۸ (قله چهارم) توسط لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا.

همچنین لشکرهای ۷ ولیعصر (عج)، ۵۲ قدس و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ مسلم بن عقیل به عنوان احتیاط قرارگاه در نظر گرفته شدند.

اجرای عملیات

نیروها با حرکت از محورهای مختلف پس از ۵ الی ۸ ساعت راهپیمایی، در نزدیکی مواضع دشمن استقرار یافته و در انتظار قرائت رمز عملیات بودند.

سرانجـام در ساعت ۱۶: ۱ بامداد ۲۹ / ۸ / ۶۶ عملیات نصر ۸ با رمز مبارک «یا محمـد بن عبـدالله ادرکنی، ادرکنی، ادرکنی» آغاز شـد. یگانها به طور هماهنگ به مواضع دشـمن یورش بردند و تنها یک ساعت پس از آغاز عملیات، هدفهای خود را در قله های ۱۴۱۸، ۱۴۲۶ و ۱۳۹۱ تصـرف کردند. همچنین قرارگاه تاکتیکی تیپ ۳۹ دشـمن و مقر گردان ۱ این تیپ به تصرف نیروهای خودی درآمـد. در این میان، تنها مقر گردان ۲ تیپ ۳۹ در ادامه یال شـمالی گرده رش همچنان در دست دشمن باقی ماند. به رغم فشارها و پاتکهای دشمن در روز اول نیروهای خودی، مواضع متصرفه را پاکسازی و تأمین کردند.

در شب دوم، یک گردان از لشـکر ویژه شـهدا، با عبور از لشکر ۵۷، روی ادامه یال گرده رش وارد عمل شد و آن را تصـرف کرد. در تـداوم عملیـات، به رغم فشارهای دشـمن، سـرانجام پس از یک هفته نبرد در وضـعیت جوی نامساعـد روی ارتفاعات صعب العبور، نهایتا بخش دیگری از منطقه عمومی ماووت شامل ارتفاع گرده رش به تصرف نیروهای خودی درآمد.

عملیات بزرگ بیت المقدس ۲

اشاره

تصـرف ارتفاع گرده رش در عملیات نصـر ۸، امکـان عبور از رودخـانه قلعه چولاـن و ورود به غرب آن و گسـترش به سـمت شمـال غربی و جنوب منطقه را فراهم کرد. ضـمن اینکه با عملیات نصـر ۴ و تصـرف شـهر ماووت نیز امکان اجرای عملیات در جناح چپ منطقه، شامل شـرق رودخانه قلعه چولان فراهم شد. نتایج مجموعه موفقیتهای حاصـله در سلسـله عملیات پیشـین در منطقه شمال غرب سبب گردید تا شرایط لازم برای اجرای عملیاتی بزرگ در شمال سلیمانیه فراهم شود.

ضرورت تـداوم عملیات در محور ماووت، سـبب گردیـد عملیات بیت المقـدس ۲ در ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ در سـخت ترین وضعیت جوی و در میان برف

ص: ۱۸۱

و سرما، با هدف «تصرف جاپا برای نزدیکی به شهر سلیمانیه و سد دوکان و قلعه دیزه عراق» طرح ریزی و اجرا شود.

در چنین موقعیتی، یگانها علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند، به هنگام پیشروی و رسیدن به مواضع دشمن نیز با دشواریهای بسیار مواجه بودند. چنانکه نیروها بعضا مسیرهای طولانی را در میان برف و در کوهستان به مدت ۶ تا ۸ ساعت طی می کردند. تراکم برف در برخی محورها سبب گردیده بود که نیروها تا زانو در برف فرورونـد و همین امر منجر به کاهش توان آنها می شد.

بخشی از مشکلات ناشی از اوضاع جوی و زمین موجب تأخیر در جا به جایی سریع نیروها می شد. طوری که پس از گذشت ۴۸ ساعت نیروها می بایست به دلیل خستگی، خیسی و گل آلود بودن لباسها و بیماری تعویض می شدند. فرمانده یکی از یگانهای سپاه در این باره گفت:

«در خط سنگر نداریم، زمین خیلی گل و شل است، امکان کار نمی دهد. پر کردن گونی هم به خاطر وضع زمین ممکن نیست نیروها در اینجا دیگر توانی ندارند.»

فرمانده یکی دیگر از یگانهای سپاه نیز در مورد یک گردان از نیروهایی که پای کار آمدند اظهار داشت:

«چادر نمی شد زد، چون نزدیک خط بود. (نیروها) پتو روی خود کشیدند. حدود ۲۰ - ۳۰ سانتی متر برف روی آنها نشسته بود. ۳ نفر حالشان بسیار بد شد و بیهوش شدند. یک نفر هم بر اثر سرمای شدید شهید شد.»

اجرای عملیات در چنین وضعیت سخت و دشواری، علاوه بر ملاحظات مختلفی که وجود داشت، اساسا به این امید و انتظار انجام می گرفت که مقدمات غافلگیری دشمن را فراهم سازد.

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال استان سلیمانیه عراق واقع شده است. این منطقه عملیاتی از شمال به ارتفاعات گرده رش و ویولان، از جنوب به ارتفاعات الاغلو، دولبشک و یاش قلعه و از شرق به ارتفاعات آمدین و گلان و از غرب به ارتفاع گوجار منتهی می شود. رودخانه قلعه چولان زمین منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است و از شمال تا جنوب منطقه عملیاتی امتداد دارد. عقبه نزدیک منطقه، شهر بانه می باشد که منطقه عملیاتی را با جاده کاگر - بانه به شهر بانه متصل می کند.

طرح مانور

عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد. بدین ترتیب که در مرحله اول ارتفاعات ویولان، دشت هرمدان، یالهای ابتدای ارتفاع گوجار و یالهای مقابل این ارتفاع که بر ارتفاع الاغلو و تنگه الاغلو تسلط داشت و نیز ارتفاعات الاغلو، قمیش و دولبشک به همراه تنگه دولبشک - الاغلو، تصرف شود و در مرحله دوم پس از تأمین اهداف مرحله اول، با تصرف ارتفاعات موکبه و قیوان پیشروی به سمت عمق منطقه، انجام گیرد.

تداوم عملیات در عمق منطقه پس از مرحله اول، از جمله تدابیری بود که تحقق آن، علاوه بر کسب موفقیت در مرحله اول، به عوامل دیگری همچون توان نیروهای خودی و وضعیت دشمن در منطقه بستگی داشت.

موقعیت زمین منطقه و تقسیم آن به دو قسمت شرقی و غربی، به جهت تأثیر رودخانه قلعه چولان، سبب گردید تا اجرای عملیات با دو قرارگاه نجف و قدس پیش بینی شود. بدین ترتیب که قرارگاه نجف در محور قمیش (دشت هرمدان) با ۴ لشکر و ۴ تیپ شامل لشکرهای ۵ نصر، ۶ پاسداران،

۲۱ امام رضا (ع)، ۱۵۵ شهداء و تیپهای ۳۵ امام حسن (ع)، ۱۸ الغدیر، ۱۲ قائم و ۴۸ فتح، مجموعا با ۵۷ گردان و قرارگاه قدس با ۶ لشکر و یک تیپ شامل لشکرهای ۱۰ سیدالشهداء (ع)، ۳۱ عاشورا، ۳۲ انصار الحسین (ع)، ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۵۲ قدس و ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ زرهی ۲۰ رمضان، مجموعا با ۴۷ گردان، مأموریت اجرای عملیات را برعهده گرفتند.

وضعیت دشمن

تحرک نیروهای خودی در منطقه فاو و اجرای عملیات بزرگ سالانه در منطقه ی جنوب، سبب گردید تا دشمن توجه ذهنی و تمرکز نیروهای خود را به منطقه ی جنوب معطوف نماید. وضعیت فصلی در منطقه شمال غرب نیز به گونه ای بود که دشمن با توجه به سوابق عملیاتهای پیشین رزمندگان اسلام در این منطقه، امکان عملیات جدی و گسترده را پیش بینی نمی کرد. در مجموع این عوامل منجر به غافلگیری دشمن شد. حتی پس از اجرای مرحله اول عملیات، دشمن همچنان از انتقال نیروی متناسب با این عملیات به منطقه امتناع کرد. تنها پس از آغاز مرحله دوم عملیات و با پیشروی به سمت ارتفاعات مهم و استراتژیک الاغلو و دولبشک، عراق با درکی که نسبت به سمت اصلی تلاشهای ایران در این منطقه پیدا کرد، تدریجا به انتقال یگانهای جدید و یگانهای احتیاط سپاه یکم و سپاه دوم و همچنین دو تیپ ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص از لشکر گارد، اقدام کرد. نیروهای دشمن که از ابتدا تا انتهای عملیات به منطقه وارد شدند مجموعا ۸ تیپ و ۴ گردان بودند.

اجرای عملیات

به رغم مشکلات بسیاری که برای اجرای عملیات در فصل سرما و یخبندان و در میان ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تلاشهای وسیعی به منظور

فراهم سازی مقـدمات عملیات انجام گرفت. همچنین علاوه بر اقـدامات شـناسایی و طرح ریزی عملیات، فعالیتهای گسترده ای برای باز نگاه داشتن جاده ها در مقابل ریزش برف انجام گرفت. علاوه بر این برای تردد نیروهای لشکرهای ۱۰ و ۳۱ در محور قمیش، روی رودخانه قلعه چولان پلی نصب شد.

سرانجام پس از جا به جایی نیروها، عملیات بیت المقدس ۲ در ساعت ۱۵: ۱ بامداد روز جمعه ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ با رمز مبارک «یا زهرا سلام الله علیها» آغاز شد. ابتدا یگانهای قرارگاه نجف و سپس نیروهای قرارگاه قدس در سه محور ویولان، دشت عمومی هرمدان و ارتفاع قمیش وارد عمل شدند. نتایج عملیات در شب اول به شرح زیر بود:

- لشکر ۳۲ انصار در محور ماووت تحت امر قرارگاه قدس برای تصـرف یالهای انتهایی قشن وارد عمل شد. اهمیت تصـرف و پاکسـازی و تـأمین این منطقه به دلیـل فراهم سـازی امکـان عبـور یگانهـای بعـدی به سـمت ارتفـاع آمـدین بـود. پیچیـدگی و استحکامات موجود در منطقه سبب گردید تا ادامه عملیات در این محور به شب بعد موکول شود.

- لشکر ۳۱ عاشورا روی ارتفاع قمیش وارد عمل شد و با استفاده از راه کار لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) پیشروی کرد طوری که قبل از روشن شدن هوا، مواضع دشمن در این محور سقوط کرد.

- لشـکر ۶ پاسـداران نیمی از ارتفـاع ویولاـن را تصـرف کرد. علت اصـلی عـدم تصـرف کامـل این ارتفاع، وجود برف زیاد و مشکل تردد نیروها بود.

- لشکر ۵ نصر، تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ ۱۸ الغدیر دشت عمومی هرمدان را تا ساعت ۹ صبح پاکسازی کردند.

- ارتفاع قمیش در محور لشکر ۱۰ به طور کامل تصرف شد و در سمت لشکر ۳۱ قله ی اصلی آن تصرف نشد و الحاق کامل ایجاد نگردید.

مجموعـا در شب اول به رغم مشـکلاتی که در تردد نیروهـا در میـان برف و کوهسـتان و در مسـیرهای طولا ـنی وجـود داشت، بخش عمده اهداف مورد نظر تأمین شد.

با روشن شدن هوا عملیات همچنان ادامه یافت. نیروهای دشـمن که در محاصـره قرار گرفته بودند بعضا برای فرار به میان برفها می رفتند که جز مرگ یا اسارت سـرانجام دیگری نداشـتند. در مجموع، عکس العمل جدی و قابل توجهی از دشـمن مشاهده نشد و همین امر نشانه ی غافلگیری دشمن نیز بود.

متقابلا برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه نجف برای ورود به تنگه قمیش و پشت سرگذاشتن مواضع دشمن، نیروهای تحت امر این قرارگاه با یک خیز نسـبتا بلنـد وارد تنگه شدند و بدین ترتیب مواضع دشـمن در پشت ارتفاع قمیش از سـمت دهکده، متزلزل شـد. ضـمن اینکه نیروهـای لشـکر عـاشورا نیز قبـل از ورود نیروهـای قرارگـاه نجف به داخل تنگه، قله اصـلی ارتفاع قمیش را تصرف کردندو در نتیجه نیروهای خودی به طور کامل بر این منطقه مسلط شدند.

موقعیت جدید نیروهای خودی در این منطقه (تنگه قمیش) و تأثیرات ناشی از این وضعیت، منجر به افزایش حساسیت دشمن و در نتیجه افزایش فشار قوای عراقی برای باز پس گیری منطقه گردید.

پس از این مرحله ی موفقیت آمیز، لا ـزمه ی تـداوم عملیـات تصـرف ارتفاعـات دولبشـک و الا ـغلو بود تا بـدین وسـیله امکان پیشـروی به سـمت ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم شود. با گـذشت زمان و تـداوم عملیات نیروهای خودی در شـبها و روزهای بعد، در اوضاع جوی بسـیار نامساعد و افزایش تدریجی حضور نیروهای دشـمن و فشار آنها، ادامه عملیات ضرورتا نیاز به توان بیشتری داشت و این امر تنهـا بـا کسب زمـان برای بازسـازی یگانهـا امکـان پـذیر بود. بنابراین، نیروها در محورهای مختلف به تثبیت منطقه تصرف شده اقدام کردند.

در این عملیات ضمن تصرف ارتفاعات آمدین، ویولان، گوجار، قمیش،

تپه سوزنی و گرده شیلان، امکـان تردد نیروهای قرارگاه رمضان به مناطق آزاد شـده در داخل خاک عراق فراهم شـد. در این میان، مجموعا بیش از ۷۰ درصد از اهداف ارضی عملیات تأمین شد.

در این عملیات بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دشـمن کشـته و زخمی و بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد یگانهای درگیر آن در منطقه منهدم شدند. غنائم به دست آمده در این عملیات نیز قابل توجه بود.

عملیات بیت المقدس ۳

اشاره

تجارب حاصله از سلسله عملیاتهای پیشین در منطقه شمال غرب به ویژه عملیات بیت المقدس ۲، مبین وجود نوعی تناقض بود. بـدین معنـا که از یک سو به دلیل وجود دورنمای روشن نسـبت به آینـده، در صورت پیشـروی در عمق خاک عراق و غافلگیر شـدن دشـمن نسـبت به نیات و اهداف اساسـی ایران در این منطقه، هر گونه «سـرعت عمل» در شـناسایی، طرح ریزی و اجرای عملیات می توانست مقدمات کسب پیروزی را با به دست آوردن موقعیتهای مناسب فراهم سازد. (۱) از سوی دیگر، مشکلات اجرای عملیات با توجه به فصل سـرما و وضعیت جوی و زمین و معضلات اساسی در احداث جاده و تأمین عقبه های مناسب و دشواریهـای موجود برای جـا به جـایی سـریع نیروهـا و همچنین بازسازی یگانهای عمل کننـده، هر گونه کسب پیروزی نیاز به زمان و اقدامات مهندسی مناسب داشت.

بنابراین، تعجیل در اجرای عملیات عملا سبب می شد که ضـمن تحلیل رفتن توان نیروهای خودی، دشمن نیز تدریجا با توجیه نسبت به سمت اصلی

---

۱ - ۴۸۶. تصـرف ارتفاعـات الاـغلو و دولبشـک می توانست امکـان حضور نیروهـای خودی را روی ارتفاعـات موکبه و قیوان فراهم نماید. در این صورت موقعیت دشـمن در این منطقه متزلزل می شد و با اتصال منطقه آزاد شده - تحت کنترل معارضـین عراقی - به داخل ایران، بخشی از مناطق مهم دشمن از کنترلش خارج می شد.

تهاجم رزمندگان اسلام و اهدافی که مورد نظر بود با جا به جایی نیرو و تجهیز زمین، پیشروی نیروهای خودی را با مشکلات و موانع اساسی مواجه سازد. وضعیت ناشی از این تناقض و در عین حال دشواریها و موانع موجود، منجر به توقف عملیات بیت المقدس ۲ شد و در پی آن بحث و بررسی و اساسی برای ادامه ی عملیات در این منطقه صورت گرفت که منتهی به تصمیم گیری برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳ شد.

در بحثهایی که در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ (که پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲) صورت گرفت، فرماندهان سپاه در این مورد اتفاق نظر داشتند که شرط اساسی اجرای عملیات و کسب پیروزی، امکانات و توان مهندسی مناسب می باشد. (۱) بر همین اساس، پیش بینی لازم صورت گرفت و زمان اجرای عملیات ۲۰ / ۱۱ / ۶۶ تعیین شد. (۲) .

تلاشها و اقدامات دشمن

در عملیات بیت المقدس ۲ بویژه در مرحله اول عملیات، دشمن نیروهای قابل توجهی را به منطقه منتقل نکرد و همین مسئله منجر به پیدایش این باور و درك شد که توجه دشمن معطوف و متمرکز به منطقه جنوب شده و عملا نیز غافلگیر شده است. مجددا به هنگام بحث و بررسی توقف عملیات بیت المقدس ۲ و تعیین زمان برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳، بر پایه درکی که نسبت به رفتار و عملکرد دشمن در عملیات بیت المقدس ۲ وجود داشت، چنین پیش بینی می شد که دشمن نیروی قابل توجهی را به منطقه اعزام نخواهد کرد.

شکل گیری این ذهنیت در مورد دشمن و پیش بینی رفتار و عملکرد احتمالی

ص: ۱۸۸

۱- ۴۸۷. استقرار نیروهای سپاه در منطقه جنوب واقع در فاو به منظور طرح ریزی عملیات سبب شده بود تا بخشی از توان سپاه تجزیه شده و در منطقه شمال غرب عملا قابل بهره برداری نباشد.

۲- ۴۸۸. سند شماره ۵۰۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات بیت المقدس ۳»، گزارش راویان قرارگاه خاتم الانبیاء: حسین اردستانی، داود رنجبر، نادر نوروز شاد؛ اسفند ۶۷.

آن، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ و تعیین اهداف این عملیات داشت.

در عین حال، چندی بعد دشمن سلسله تحرکات مهمی را در منطقه شمال غرب انجام داد. دشمن با جا به جایی و انتقال نیرو، مواضع خالی بر روی ارتفاعات موکبه، قیوان، یالهای گوجار و نیز محور حساس آسوس را پر کرد. این اقدام دشمن با توجه به امیدواری نیروهای خودی به تصرف این ارتفاعات پس از اجرای عملیات روی دولبشك و الاغلو در عملیات بیت المقدس ۲، نشانه ی دشواریهای تداوم نبرد در این محور برای تحقق استراتژی عملیات در حد فاصل سد دوکان تا کاریزه بود که در سال ۶۶ مورد نظر قرار گرفت. همچنین دشمن با حمله گسترده و وسیع به اکراد معارض، با استفاده از سلاح شیمیایی، مناطقی را که معارضین کرد عراقی آزاد کرده بودند، تصرف کرد و همین موجب تخلیه این مناطق از ساکنان آن شد. (۱) .

پیدایش وضعیت جدید سبب گردید تا نیروهای کرد معارض برای رهایی از فشارهای دشمن، برای اجرای عملیات تلاش کنند. لیکن به علت مشکلاتی که برای اجرای عملیات وجود داشت هر گونه تعجیل به منزله ناکامی در دستیابی به اهداف عملیات تلقی می شد.

تلاش برای اجرای عملیات

پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، شرط ادامه ی عملیات، علاوه بر ایجاد عقبه مناسب با احداث جاده از پاسگاه پلیس و از طریق ارتفاع ژاژیله و نصب پل روی رودخانه تا دشت هرمدان، فعال کردن قرارگاه رمضان از داخل مناطق آزاد شده بود. این امیدواری وجود داشت که با احداث جاده، موقعیت مناسب برای نقل و انتقال و پشتیبانی عملیات فراهم آید. همچنین اجرای مانور از داخل منطقه آزاد شده نیز با حمله به عقبه های دشمن، امکان دستیابی به اهداف

---

۱ – ۴۸۹. پیشین.

عملیات را تسهیل کند.

بر این مبنا، تلاشهای فشرده ای جهت فراهم سازی دو شرط اساسی و لازم برای اجرای عملیات آغاز شد. با گذشت زمان و به رغم تلاشهایی که انجام می گرفت، مشکلات ناشی از اوضاع جوی و وضعیت زمین برای احداث جاده روز به روز افزایش می یافت و به رغم اینکه ۸ یگان مهندسی از جهاد و یگانهای مهندسی سپاه برای احداث جاده تلاش می کردند، لیکن چشم انداز روشنی برای آماده شدن جاده مطابق زمان از پیش تعیین شده مشاهده نمی شد. انتقال امکانات به داخل خاک عراق نیز به همین میزان با دشواری رو به رو بود.

به موازات مشکلات احداث جاده و انتقال امکانات به مناطق آزاد شده، از میزان آمادگی برای عملیات کاسته می شد و در نتیجه، امکان اجرای عملیات طبق زمان تعیین شده ازمیان می رفت. در چنین موقعیتی تأخیر در اجرای عملیات نیز مشکلات زیادی را به دنبال داشت. بدین معنا که در صورت استقرار نیرو در نزدیکی خط، امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت و تخلیه آنها از منطقه نیز منجر به تضعیف روحی نیروها که با انگیزه عملیات به منطقه آمده بودند، می شد. در عین حال، امکان هوشیاری دشمن نیز وجود داشت. چنانکه تحرکات گسترده دشمن نیز در همین موقعیت انجام گرفت. (۱) .

فرماندهی عملیات، برادر شمخانی، برای حل مشکلات عقبه، نیرو و استفاده از شبهای مهتابی، در وضعیت کاملا نامساعدی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای اجرای عملیات را با دشواری رو به رو می ساخت.

تغییر در طرح مانور عملیات

فرماندهی عملیات براساس بررسی و تحلیل حرکت دشمن - که در نظر داشت راه کارهای عملیات را مسدود نماید - طرح مانور را تغییر داد. به این

۱- ۴۹۰. در صفحات قبل به آن اشاره شد.

صورت که چون به علت تحرکات دشمن اجرای عملیات در محورهای کاریز و حرکت از پشت روی گوجار و الاغلو دچار مشکل یا غیر ممکن شده بود و همچنین به خاطر مشکلاتی که قرارگاه نجف برای تسریع در انجام دادن عملیات در سر راه خود داشت، در مجموع سبب گردید پیشنهاد اجرای عملیات به صورت مرحله ای عنوان شود، به رغم اختلاف نظری که در این زمینه وجود داشت، نهایتا با تأکید فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، محدود شدن طرح مانور عملیات مورد تأیید قرار گرفت.

در تدبیر جدید، گر چه محدودیت طرح مانور با استراتژی تعیین شده در سال ۶۶ برای منطقه غرب کشور مغایرت داشت، ولی از یک سو ضرورت اصل آفند و از سوی دیگر ضرورت آماده کردن زمینه عملیات در حلبچه، سبب گردید به منظور فریب دشمن، بر اجرای عملیات در این منطقه تأکید شود. (۱) .

به این ترتیب عملیات بیت المقدس ۳ در محور ماووت به تصرف ارتفاع گوجار محدود شد و تلاش اصلی به منطقه حلبچه معطوف گردید و بخشی از نیروها به این منطقه منتقل شدند. اصولاً عملیات روی گوجار علاوه بر فریب دشمن، منجر به تکمیل خط پدافندی نیروهای خودی در محور ماووت می شد. مسؤولیت عملیات نیز به قرارگاه نجف واگذار شد.

طرح مانور عملیات

اجرای عملیات روی ارتفاع گوجار بستگی تام به تصرف الاغلو داشت و تصرف الاغلو نیز وابسته به تأمین ارتفاع دولبشک بود. به دلیل محدود شدن عملیات به تصرف گوجار، مشکلاتی در طرح ریزی عملیات بروز کرد. به

---

۱ - ۴۹۱. در واقع، پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، عملیات در این محور به دلیل مشکلات تا اندازه ای فرعی شد و اجرای عملیات در منطقه حلبچه به عنوان تلاش اصلی دنبال می شد. در چنین وضعیتی ادامه تلاش در محور ماووت می توانست منجر به غافلگیری دشمن در منطقه حلبچه شود.

همین دلیل بحث و بررسی مجدد در این زمینه منجر به ارائه طرحها و پیشنهادهای متفاوتی شد، لیکن با توجه به محدودیت نیرو و امکانات و مهمتر از همه ضرورت تسریع در انجام دادن عملیات، فرمانده کل سپاه مجددا تصرف گوجار را به عنوان هدف قرارگاه نجف در عملیات بیت المقدس ۳ مورد تأکید قرار داد.

بنابراین تدبیر، لشکر ۵ نصر مأموریت داشت تا یال ۱ گوجار را از گرده ی هلکان تا پایین صخره ای تصرف و تأمین نماید. لشکر ۳۱ عاشورا نیز در زیر صخره ای با لشکر ۵ نصر الحاق کند و سپس روی تنگه آمده و خاکریز احداث نماید. همچنین تیپ ۳۵ امام حسن (ع) می بایست قبل از بریدگی یال گوجار روی یال اصلی و یال ۲ را تا حداقل ۳ کیلومتر جلوتر (محل جدا شدن یال گاراده) تصرف و تأمین کند و تیپ ۱۲ قائم (عج) نیز قله گوجار و قسمتی از یال اصلی را تصرف و تأمین نمایند. (۱) .

برای پشتیبانی هلی کوپتری منطقه، طرح خاصی پیش بینی نشده بود و پشتیبانی هوانیروز تنها به گروه هوانیروز کرمان که به مدت ۵ ماه در منطقه فعالیت کرده و فشار زیادی را متحمل شده بود، محدود می گردید. استعداد این گروه هوانیروز در منطقه شامل یک هلی کوپتر ۲۰۶، چهار هلی کوپتر ۲۱۴، یک هلی کوپتر کبری و همچنین یک هلی کوپتر ۲۰۶ از سپاه بود. (۲) .

اجرای عملیات

زمان آغاز عملیات ساعت ۱ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ تعیین شده بود. نیروها از حوالی غروب تدریجا از مقر خود در دشت هرمدان به سوی نقاط رهایی حرکت کردند. در این حال وضعیت جوی نیز رو به تغییر نهاد و تدریجا بارش برف آغاز شد. مه غلیظ منطقه را پوشانده و موجب محدودیت دید رزمندگان شده بود که همراه با سرمای شدید و وجود برف روی قله گوجار سختی شدیدی

۱- ۴۹۲. پیشین.

۲- ۴۹۳. پیشین.

را به آنها تحمیل می کرد، طوری که نیروهای تیپ ۱۲ قائم (عج) مسیر را گم کردند. (۱) .

سرانجام به رغم دشواریهای موجود، نیروها در کلیه محورها آمادگی خود را برای اجرای عملیات اعلام کردند و در ساعت ۱ بامداد عملیات با رمز مبارک «یا موسی بن جعفر (ع)» آغاز شد. نخست نیروهای تیپ ۱۲ و سپس نیروهای لشکر ۳۱ با دشمن درگیر شدند. نیروهای لشکر ۵ و تیپ ۳۵ همچنان دچار مشکل بوده و به رغم گذشت نیم ساعت از آغاز عملیات، هنوز با دشمن درگیر نشده بودند.

در ساعت ۳:۱۰ بامداد نیروهای لشکر ۳۱ اعلام کردند که مأموریت خود را به طور کامل انجام داده اند. در نزدیکی صبح، لشکر ۵ پس از درگیری با دشمن اعلام کرد که هدف خود را با تصرف هلکان تأمین کرده است و درگیری روی صخره ای ادامه دارد.

تیپ ۱۲ قائم که مسیر خود را گم کرده بود، پس از روشن شدن هوا قله ی گوجار را تصرف و تأمین کرد. نیروهای دشمن در سنگرهای روی گوجار همگی یخ زده بودند و لذا تصرف و پاکسازی آن سنگرها به سهولت انجام گرفت. نظر به اینکه تصرف گرده هلکان دچار مشکل شده بود، از نیروهای ۱۲ قائم (عج) برای کمک به لشکر ۵ نصر استفاده شد. در زمانی که اهداف هنوز به طور کامل تصرف و تأمین نشده بود، اخبار واصله از شنود دشمن به قرارگاه نجف حاکی از انتقال نیروهای کماندویی سپاه پنجم به منطقه و آمادگی آنها برای پاتک بود.

با روشن شدن هوا یگانهای مستقر روی گوجار (تیپ ۳۵ و تیپ ۱۲) درخواست هلیکوپتر کردند تا مجروحین تخلیه شوند و تدارکات و مهمات برای آنها ارسال شود. ولی محدودیت در تعداد هلیکوپتر و فقدان تور برای اسلینک مهمات و تدارکات مانع از تأمین درخواست یگانهای مذکور شد.

۱- ۴۹۴. پیشین.

با گذشت زمان همچنان تلاش برای تصرف مجدد گرده هلکان و صخره ای متوقف شده و دشمن نیز با توجه به خلاء موجود بین تیپ ۳۵ و لشکر ۳۱ فشار خود را در این محور متمرکز کرده بود. در چنین موقعیتی، تیپ ۱۲ از یال ۱ گوجار به سمت یال ۲ پیشروی کرد.

مجموعا در شب و روز اول عملیات، اهداف عملیات به غیر از اهداف لشکر ۵ نصر و بخشی از جناح راست آن، تأمین شد و تلاش دشمن نیز برای باز پس گیری مناطق بسیار ضعیف بود. تخلیه مجروحین و اسلینک مهمات و تدارکات با استفاده از هلیکوپتر مهمترین مشکل یگانها در روز اول بود که کماکان لاینحل باقی ماند.

در شب دوم عملیات، قرار شد نیروهای تیپ ۳۵ با سرازیر شدن به طرف چپ تا نزدیک گرده هلکان را تصرف و پاکسازی نمایند. لشکر ۵ نیز با استفاده از موقعیت تیپ ۳۵، عملیات خود را از آخرین حد تصرف شده به سمت چپ ادامه دهد و با گذاشتن از گرده هلکان به سمت صخره ای، در پایین صخره ای با لشکر ۳۱ الحاق نماید.

ساعت ۲۱ شب ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ عملیات شب دوم آغاز شد، ولی موفقیتی به دست نیامد و تنها لشکر ۵ نصر یکی از تپه های کوهان شتری نرسیده به گرده هلکان را به تصرف خود درآورد. همزمان با آغاز عملیات در شب دوم، دشمن به گلوله باران شیمیایی در شیارهای دشت هرمدان که عقبه یگانها بود، اقدام کرد. این مسئله بر تعداد مجروحین و مشکلات انتقال آنها افزود.

در شب سوم با کسب اطلاعات جدید از موقعیت دشمن در گرده هلکان و صخره ای، مجددا طرح ریزی و اجرای مانور به منظور تأمین دو منطقه یاد شده آغاز شد. همچنین قرارگاه رمضان برای اجرای عملیات از سمت غرب روی یال گاراده (یال شماره ۳) اعلام آمادگی کرد.

عملیات شب سوم در ساعت یک بامداد ۲۵ / ۱۲ آغاز شد. لشکر ۳۱

عاشورا اهداف خود در صخره ای را تصرف کرد. لشکر ۵ نصر گرده هلکان را تصرف و تأمین کرد و تنها راه کار زیر گرده هلکان همچنان مسئله داشت و با الحاق نیروها در این منطقه در حدود ساعت ۳۰: ۳ بامداد، معضل موجود برطرف شد.

بدین ترتیب، اهداف مورد نظر پس از اجرای عملیات در سه شب متوالی، به رغم مشکلات ناشی از اوضاع جوی، وضعیت زمین و فقدان پشتیبانی هلیکوپتری و سایر معضلات موجود، تصرف و تأمین گردید.

عملیات والفجر ۱۰، آزاد سازی حلبچه

اشاره

خلاـصه گزارش عملیات والفجر ۱۰ اولین بار در بولتن «بررسی» معاونت سیاسی سپاه پاسداران، شماره ۲، فروردین ۱۳۶۷ به قلم محمد درودیان درج شد که با اصلاحات مختصری در اینجا می آید.

معضلات و نارساییهای موجود برای تداوم عملیات بیت المقدس ۲ بویژه هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک (ماووت - سلیمانیه)، تخریب جاده و پل گرده رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدود شدن عقبه عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و همچنین تلاش گسترده دشمن در مناطق آزاد شده با حمله به مواضع کردهای معارض عراقی، تدریجا نظرها را به منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان معطوف کرد.

پس از بحثها و بررسیهای فراوانی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که تا زمانی که بررسیها و فعالیتهای شناسایی در منطقه جنوب به نتیجه نرسیده است. (۱) در اولویت اول، عملیات روی ارتفاعات الاـغلو و دولبشک ادامه یابد. در اولویت دوم، عملیات در منطقه جنوب پیگیری و در اولویت سوم، عملیات در منطقه حلبچه طرح ریزی شود. در نظر گرفتن سه منطقه برای عملیات و اولویت بندی آن، چنانکه پیش از این اشاره شد، عمدتا نتیجه ی حاصل از تجارب نبرد در سالهای قبل بود. بدین معنا که در صورتی که

---

۱ - ۴۹۵. اولویت اصلی، نبرد در منطقه جنوب بود. منتها به دلیل قفل شدن راه کارهای عملیات در جنوب، همانند سالهای قبل برای کسب فرصت و زمان برای تک در منطقه جنوب، جنگ در منطقه شمال ادامه می یافت. همزمان با اجرای سلسله عملیاتهای بیت المقدس و نصر تیمی به فرماندهی برادر شمخانی و متشکل از برادران غلامپور، قاسم سلیمانی و... درجنوب برای یافتن راه کار مناسب جهت اجرای عملیات تلاش می کردند که قبل از تصمیم گیری برای انجام عملیات والفجر ۱۰، این تیم اعلان کردند که هیچ راهی برای ادامه جنگ در جنوب نیافتند. ولی در عین حال آخرین گزارشها در منطقه جنوب به طور پیوسته بررسی می شد تا در صورت احتمال موفقیت، اجرای عملیات در جنوب در اولویت نخست قرار گیرد. (سند شماره ۳۱۳۳۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: یادداشت سردار سرلشکر محسن رضایی بر پیش نویس کتاب حاضر، فروردین سال ۷۶).

عملیات در یک منطقه با مشکلات اساسی یا بن بست مواجه می شد، تداوم تهاجم به دشمن با تعویض منطقه عملیاتی و جا به جایی یگانها ادامه می یافت.

بدین ترتیب با محدود شدن عملیات بیت المقدس ۲ و معضلاتی که برای اجرای عملیات در جنوب (فاو) وجود داشت، منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان به عنوان منطقه اصلی انتخاب شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه دربندیخان در آن واقع شده است، در محاصره ارتفاعات صعب العبور و مرتفعی قرار گرفته و هر کدام دارای نقشی حساس می باشد از جمله: بالامبو و شاخ بالامبو که بر دریاچه دربندیخان و بر دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است و شاخ تمورژنان که بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه - بغداد تسلط و دید و تیر دارد. علاوه بر اینها، ارتفاعات پروینه، توانیر، پنج قله، شیندروی، تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دارزین قسمت دیگری از ناهمواریهای منطقه می باشند.

همچنین شیارهایی در منطقه وجود دارد که هر کدام نقش مؤثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و بعضا به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته اند. از جمله این شیارها می توان از، دره گلالن، شیار زلم، شیار سورمر، شیارسازان، دره خورنوازان، شیار بالای روستای خوی و شیار وشکنام، نام برد.

تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها

از عمده ترین تأسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نقش مهمی دارد. تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارتند از: پادگان حلبچه که دارای

پد آسفالته هلیکوپتر است. پادگان لشکر ۲۷ ارتش عراق در کانی مانگا، مقر فرماندهی دفاع الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه رود اژه و پایگاههای موشکی سام ۲ و سام ۷.

راههای ارتباطی طی دشمن به منطقه عبارتند از:

- جاده سید صادق – خرمال – حلبچه

- جاده حلبچه – طویله – نوسود

- جاده اربت – سید صادق

- جاده اربت – دربندیخان – خرمال

پلها نیز به تناسب رودخانه های موجود در منطقه عبارتند از: پل زلم، پل ملاویسی، پل سرآوا، پل اماجنامن، پل حاجی ورفه و پل خاکی خول.

عمده ترین شهرهای عراق در منطقه به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال، دوجیله.

- شهر حلبچه با جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر در استان سلیمانیه و در جنوب شرقی دریاچه دربندیخان قراردارد. شهر از شمال به ارتفاعات سورن، از جنوب به ارتفاعات بالامبو، از شرق به ارتفاعات شیندروی، پروینه، توانیر، پنج قله و از غرب به ارتفاع تمور ژنان و دریاچه دربندیخان محدود می شود.

- شهر خرمال در شمال شرقی حلبچه قرار دارد و به دو قسمت جدید و قدیم تقسیم شده است. به دنبال قیام مردم خرمال، رژیم عراق قسمت قدیمی شهر را ویران کرد. در قسمت جدید ۱۵ هزار نفر سکونت داشتند. این شهر از نظر آب و هوا و اوضاع جوی از جمله بهترین مناطق عراق می باشد.

- شهر دوجیله در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی شهر حلبچه قرار دارد. در غرب این شهر دریاچه دربندیخان واقع است. منطقه دوجیله بیش از آنکه مسکونی باشد نظامی بوده و قسمت عمده ای از قرارگاه های دشمن در این منطقه و حوالی آن قرار دارد.

روستاهای این منطقه، به دنبال سیاست رژیم بعثی در مناطق آزاد شده، برای محدود کردن مبارزه اکراد ویران شده است و تنها اندکی از آنها سالم هستند از جمله: پیاره، هاوارلی، یاموک، انب، ابابیده و جلیله.

سابقه عملیاتی منطقه

منطقه مزبور، بارها مورد توجه طراحان نظامی سپاه قرار گرفته بود، لیکن مسائل عدیده ای مانع از انجام دادن تلاش جدی در این منطقه بود. پس از عملیات والفجر ۴ کار احداث تونل روی ارتفاعات سورن آغاز شد و بدین ترتیب جاده اصلی تا روی سورن و در محور دیگر از دزلی روی مله خور احداث گردید. اطلاع دشمن نسبت به احداث تونل و نیز صعب العبور بودن ارتفاعات مانع از سرعت عمل در احداث جاده و دیگر اقدامات مهندسی بود. در نتیجه، به رغم تأکید فرماندهی سپاه و بررسی مکرر جوانب طراحی و انجام عملیات در این منطقه، عملا مقدمات و شرایط لازم برای تحقق عملیات فراهم نشد.

عوامل بسیاری در عدم تحرک جدی در این منطقه مؤثر بوده اند، که مهمترین آنها وضعیت و ویژگیهای زمین آن است که از ترکیب ارتفاعات سرکوب در شرق، شمال شرقی و جنوب آن و نیز دریاچه دربندیخان در غرب و شمال غربی آن، به وجود آمده است.

عملیات در منطقه مزبور، به لحاظ ویژگیهای یاد شده، اساسا مانور گسترده ای را اقتضاء می کرد و این مهم به جهت اینکه تا سال ۶۶ امکان انجام عملیات گسترده در جنوب فراهم بود، مورد توجه قرار نمی گرفت. در وضعیت جاری، براساس تدبیر جدید و نیز به لحاظ مشکلات موجود در جنوب، منطقه عمومی حلبچه برای عملیات گسترده مورد نظر قرار گرفت. ضمن اینکه ضرورت انجام دادن عملیاتی پیروز، قبل از پایان سال ۶۶، که از ابعاد سیاسی تبلیغاتی مناسبی برخوردار باشد در انتخاب فوق بی تأثیر نبوده است.

ص: ۱۹۹

همزمان با عملیات بیت المقدس ۲ در منطقه حلبچه نیز تک محدودی طراحی شد که بنا به دلایلی صورت نگرفت. لیکن با توجه به سرانجام عملیات بیت المقدس ۲، منطقه عمومی حلبچه مجددا مورد توجه فرماندهی سپاه واقع شد.

پیش فرضهای موجود در مورد کسب موفقیت در منطقه حلبچه، به لحاظ موقعیت زمین و نیز عدم حضور دشمن در این محور و فقدان مشکلات اساسی، موجب گردید تا این منطقه در مقایسه با منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ انتخاب شود.

آماده سازی منطقه

عقبه سازی و احداث جاده مناسب روی بلندیهای صعب العبور و اتصال آن به منطقه عملیاتی از اهم مسائل عملیات بود که به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در صورت آماده نشدن جاده، مجددا زمان عملیات به تعویق می افتاد. جاده های مورد نظر در منطقه که عمدتا به دو عقبه اصلی مریوان - سنندج و باختران وصل می شد عبارت بودند از:

۱- احداث جاده مله خور برای اتصال دره دزلی به دشت خرمال.

۲- احداث جاده گوزیل و نصب پل روی رودخانه آب سیروان برای اتصال عقبه به دشت حلبچه یا عقبه پاوه.

۳- احداث جاده از غرب بالامبو به غرب حلبچه.

در این خصوص، مسؤولیت و بار اصلی احداث جاده ها برعهده جهاد سازندگی و مهندسی سپاه بود. (۱) با وجود سرما و صعب العبور بودن ارتفاعات، جهادگران تلاش جدی و قابل توجهی به عمل آوردند. در برخی

۱- ۴۹۶. جهاد با استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در محور جنوبی منطقه عملیات و سپاه با یک لشکر مهندسی در محور جنوبی و یک تیپ مهندسی در محور شمالی منطقه عملیاتی فعالیت داشتند.

مواضع طوری بود که به علت بارانی بودن هوا هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می بایستی لباسهای خود را تعویض کند. در این منطقه توپخانه ی سپاه تدریجا پای کارآمد و قرار بود برخی از نیازمندیهای توپخانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به دور از مشکلات و اتلاف وقت نبود. گروه هوانیروز ارتش که عهده دار بخشی از پشتیبانی عملیات بود، شش روز قبل از عملیات توجیه شد. این نیرو توانست در روز اول عملیات تعدادی شهید و مجروح تخلیه کند که این امر حاکی از آمادگی قابل توجه هوانیروز در این عملیات بود.

اقدامات لازم برای آماده سازی اجرای عملیات در عرض ۲ ماه صورت گرفت و این در مقایسه با مدتی که در سالهای گذشته برای انجام یک عملیات گسترده صرف می شد، زمان بسیار مطلوبی بود. در این میان، بدون تردید نقش و حضور فرمانده محترم کل سپاه، برادر رضایی که بدون وقفه تلاش می کرد و با تردد مکرر در منطقه، فعالیتهای آماده سازی را هدایت، کنترل و سامان می بخشید، بی نظیر و بسیار تعیین کننده و مؤثر بود.

اهداف عملیات

علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی مورد نظر بود:

۱- آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله، بیاره و طویله.

۲- فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان.

۳- مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه. (۱) .

سازمان رزم

عملیات با سه قرارگاه سازماندهی شد و مجموعا ۱۰ لشکر و ۱۳ تیپ با استعداد ۵۰ درصد در قالب ۷۰ گردان به کار گرفته شدند که عبارت بودند از:

۱- ۴۹۷. سند شماره ۶۸۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات والفجر ۱۰»، گزارش راوی قرارگاه (داود رنجبر).

قرارگاه قدس شامل: لشکر ۷ ولیعصر (عج) با ۶ گردان، لشکر ۳۳ المهدی (عج) با ۶ گردان، لشکر ۲۵ کربلا با ۱۰ گردان، لشکر ۱۹ فجر با ۶ گردان، لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) با ۶ گردان، لشکر ۴۱ ثارالله با ۷ گردان و تیپ ۳۵ با ۴ گردان.

قرارگاه فتح شامل: لشکر ۸ نجف اشرف با ۵ گردان، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) با ۵ گردان، تیپ ۸۲ صاحب الامر (عج) با ۳ گردان، تیپ ۹۱ بقیهالله با ۳ گردان، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) با ۳ گردان، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) با ۴ گردان و تیپ انصار الرسول با ۳ گردان.

قرارگاه کاظمین (ثامن الائمه) شامل: لشکر ۹ بدر با ۸ گردان، تیپ ۲۶ انصار المهدی با ۴ گردان، تیپ ۷۵ ظفر با ۲ گردان، تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) با ۶ گردان، تیپ ویژه شهداء با ۶ گردان، سپاه چهارم با ۶ گردان. (۱) .

طرح مانور

موقعیت زمین منطقه نقش اصلی و تعیین کننده ای در نحوه طراحی مانور عملیات داشت. به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه ی عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حد فاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن محدوده ای به عرض ۱۰ کیلومتر به وجود آمده است که از نظر نظامی به آن تنگه گفته می شود. در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد تنگه با الحاق از دو محور می دانستند، بدین ترتیب که: در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و از محور جنوبی از غرب بالاـمبو در امتداد تمور ژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو در تنگه و محاصره دشمن.

به منظور تحقق طرح مانور یاد شده سه قرارگاه برای عملیات در سه محور در نظر گرفته شد. قرارگاه قدس در محور شمالی که مأموریت بستن تنگه و

۱- ۴۹۸. پیشین.

تصرف پل گردکو (عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) را به عهده داشت. در محور جنوبی قرارگاه فتح در نظر گرفته شد تا ضمن تصرف بالامبو و تمور ژنان با تأمین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل، از آمادگی لازمه برخوردار باشد. در محور میانی قرارگاه ثامن الائمه (ع) مأمور شد تا در محور گوزیل - دشت سازان بطرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره - طویله - نوسود را تصرف و آزاد نماید.

قرارگاه رمضان علاوه بر مأموریت شناسایی، قرار شد تحرکاتی را در عمق و عقبه دشمن انجام دهد. همچنین تصرف شهر و انهدام توپخانه دشمن قسمت دیگری از مأموریت نیروهای نامنظم بود که می بایست با مشارکت تیپ ۷۵ ظفر و اکراد معارض انجام شود.

مرحله بندی عملیات یکی از مسائل عمده ای بود که قسمتی از مباحث طرح مانور را به خود اختصاص داده بود. در پیش فرضهای موجود بعضا بین ۱ تا ۳ مرحله مطرح می شد. وجه مطلوب عملیات برای ممانعت از هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک، اجرای عملیات در یک مرحله بود، لیکن مشکلات موجود برای اتصال جاده از مله خور و شیار زلم به خرمال مانع از تحقق این امر بود. لذا پس از آنکه قرار شد عملیات در دو مرحله انجام گیرد، کاهش فاصله زمانی بین دو مرحله اول و دوم به عنوان راه حل معضل فوق مورد نظر قرار گرفت.

شرح عملیات

پس از بحثها و بررسیهایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ برای آغاز عملیات تعیین شد، لیکن به علت اینکه در برخی از محورها نیروها می بایستی فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حد فاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک «یا رسول الله (ص)» و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد.

سرعت عمل نیروها و دست یابی به بیش از ۹۰ درصد از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخ بندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند کشته و اسیر شدند. در محور قرارگاه قدس پس از تصرف مله خور و ارتفاعات چناره، خرنوازان، هانی قول و تپه حمید به علت عدم اتصال جاده، عملیات متوقف شد. در محور قرارگاه فتح به رغم اینکه رزمندگان بالامبو و تنگه را تصرف کردند، لیکن به لحاظ توقف قرارگاه قدس و نیز عکس العمل دشمن در جناح چپ عملیات، روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور میانی، قرارگاه ثامن الائمه (ع)، ارتفاعات مگرو و نیمی از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشنایی هوا، برای الحاق روی یال ارتباطی، شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، پیشروی را ادامه دادند.

با توجه به موفقیت های کسب شده، نیروها از روحیه ی خوبی برخوردار بودند. ضمن اینکه تلفات خودی نیز بسیار اندک بود. علاوه بر این، به لحاظ از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه، بر سرعت بخشیدن در آغاز مرحله دوم عملیات تأکید می شد. مشکل اساسی در سر راه شروع مرحله دوم، عدم اتصال جاده هانی قول بود تا اینکه در ساعت ۱۴ روز ۲۴ / ۱۲ / ۶۶ خبر اتصال جاده به قرارگاه رسید و در پی آن با تصمیم قرارگاه مرکزی، اجرای مرحله دوم عملیات در شب سوم، حتمی شد.

در این میان، طی وقفه ۴۸ ساعته بین دو مرحله ی عملیات، تحرکاتی از نیروهای عراقی مشاهده شد که دال بر غفلت کامل دشمن نسبت به اهداف مورد نظر و سمت اصلی تک بود. در این فاصله، تمرکز فعالیتها و تحرکات دشمن در درجه اول روی شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه دوم در برابر

قرارگاههـای فتـح و ثـامن الائمه بود. تبلیغات انجام شـده تا مرحله دوم بی تأثیر در شـکل گیری اقـدامات دشـمن نبود. چنانکه محور قرارگاه قـدس، به عنوان عملیات ظفر ۷ بـا مشارکت نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و اکراد معارض اعلام گردیـد و در مورد محورهای عملیات دو قرارگاه فتح و ثامن الائمه سکوت اختیار شد و این امر بر حساسیت دشـمن نسـبت به دو محور میانی و جنوبی افزود و موجب غفلت او از محور قرارگاه قـدس شـد. دشـمن بنابر درک و ذهنیتی که در مورد عملیات داشت، ستونهـای متعـدد و طویلی را بـا عبـور از پلهـای ملاویسـی و زلـم بـه طرف دو جیلـه و سـپس حلبچـه روانه کرد. چنـانکه تیپ کماندویی ۶۸ نیروی مخصوص ارتش عراق، پس از ورود به منطقه، در روز اول پاتکهای خود را روی شیندروی آغاز کرد.

مجموعا به نظر می رسـید که دشـمن نسبت به محور قرارگاه قدس از حساسیت چندانی برخوردار نیست، ضمن اینکه در همان ابتـدا تحرکات محدود دشـمن با آتش مؤثر این قرارگاه ناکام و متوقف شد. قابل ذکر است که در این مرحله، قرارگاه رمضان فقط توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

مرحله ی دوم عملیات

پس از ۴۸ ساعت توقف، مرحله ی دوم عملیات شب ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ آغاز شد. قرارگاه قدس با تصرف پل زلم، تنگه خورمال را مسـدود کرد. در پی آن به قرارگاه فتـح ابلاغ شـد که به پیشـروی خود ادامه دهـد تا با قرارگاه قدس الحاق کند. قرارگاه ثامن الائمه (ع) نیز از روی ارتفاعات شـیندروی به سـمت دشت سرازیر شد. در مرحله دوم نیز سرعت عمل نیروها قابل توجه بود. به صورتی که قرارگاه فتح تا صـبح روز ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ موفق شـد ارتفاعات دارزین و سـرپل مورد نظر را تصـرف کند و به طرف جاده آسفالته حلبچه به دریاچه دربندیخان پیشروی نماید. قرارگاه ثامن الائمه در پیشروی به سمت محور جاده و ارتفاعات

پنج قله، به دلیل عدم حضور نیروهای دشمن در منطقه، مشکلی نداشت.

بـدین ترتیب، در صبح روز سوم عملیات با تصـرف پل زلم و بسته شـدن تنگه، کلیه نیروهای دشـمن در محاصـره رزمندگان اسـلام قرار گرفتنـد که درصـدد عقب نشـینی برآمدنـد، امـا به دلیـل بسـته بودن عقبه شـان، سـتونهای متعـدد دشـمن همچنـان سرگردان و هر از گاهی به یک سـمت فرار می کردنـد و پس از مواجه شـدن با نیروهای خودی مجـددا به سـمت دیگری می گریختند.

قرارگاه فتح با مشاهده وضـعیت دشـمن، مرحله سوم عملیات خود را به رغم روشن بودن هوا در همان سومین روز آغاز کرد و یگانهای تابعه ی قرارگاه در یک خیز پادگان زمقی را تصـرف کردند و در حوالی ظهر به دروازه های شـهر دو جیله رسـیدند. در این موقعیت، تجمع اصـلی نیروهای دشـمن در حد فاصل ۳ کیلومتری جنوب پل زلم تا شـهر دو جیله بود. فرماندهی دشمن ابتدا تلاشـش را متوجه پل زلم کرد تا شاید بدین وسـیله حلقه محاصـره را بشـکافد، لیکن با مقاومت نیروهای خودی و اجرای آتش مناسب، متحمل تلفاتی شد و از تصرف پل زلم منصرف شد.

در این اثناء، قرارگاه ثامن الائمه توانست پس از درگیری انـدک با گروههای ضد انقلاب در اطراف شـهر نوسود، جاده مهم و اساسـی نوسود - بیاره را آزاد کنـد. بـدین ترتیب، عمده ترددها به این محور منتقل شد و عملا از ضـرورت احداث سایر جاده هایی که از قبل مورد تأکید قرار گرفته بود، کاسته شد.

مرحله ی سوم عملیات

مرحله سوم عملیـات از آغاز تاریکی روز ۲۶ / ۱۲ / ۶۶ به منظور پیشـروی در شـمال رودخانه زلم و نیز الحاق قرارگاه قدس با قرارگـاه فتـح در دو جیله آغـاز شـد و بـا پیشـرویهایی که در شـمال رودخـانه زلم صورت گرفت، نیروهای خودی در موقعیتی جدید که شامل سه تپان، جاده ارتباطی و تپه های کوچک مشرف بر پل

ملاویسی می شد، با احداث خاکریز استقرار یافتند. در محور جنوب پل زلم، به رغم تجمع انبوه دشمن، پیشروی نیروهای خودی همراه با جنگ شدید ادامه یافت و سرانجام ساعت ۵ صبح به دروازه ی شهر دو جیله رسیدند و الحاق دو قرارگاه قدس و فتح صورت گرفت. با بسته شدن تنگه، به رغم اینکه قسمتی از نیروهای دشمن موفق به فرار از طرف سد دربندیخان شدند، لیکن مابقی نیروهای موجود در منطقه کشته یا به اسارت درآمدند.

در وضعیت جدید، تثبیت خط پدافندی مناسب در تنگه و نیز تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران که در طی عملیات به دلیل هوشیاری دشمن ناموفق مانده بود، در دستور کار قرار گرفت.

مرحله ی چهارم و پنجم عملیات

برای تحکیم خط پدافندی در تنگه، مرحله ی چهارم عملیات در هفتمین شب از آغاز عملیات به اجرا درآمد. بدین ترتیب که نیروهای خودی یال و تپه ریشن را تصرف کردند و در محور جاده سه تپان نیز مختصری پیشروی داشتند.

مرحله ی پنجم عملیات هم با تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران انجام گرفت که با موفقیت همراه بود. طی مرحله ی پنجم که بعدها به نام عملیات بیت المقدس ۴ موسوم گردید، منطقه ی وسیعی از خاک دشمن آزاد شد که شامل دو ارتفاع مذکور و تعداد زیادی روستا بود.

نحوه ی تبلیغات و اعلام عملیات

پس از شکل گیری عملیات مشترک سپاه و ارتش از نیمه ی سال ۶۰ تا عملیات بدر در سال ۶۳ که به دنبال هر عملیات اطلاعیه مشترک صادر می شد، پس از سال ۶۳، با اینکه نیروی زمینی سپاه مستقلا عملیات والفجر ۸(فتح فاو)، سلسله عملیات گسترده و نیمه گسترده کربلای ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و...

ص: ۲۰۷

را انجـام داد، ولی بـاز هم اطلاعیه ها مشترک صادر می شـد تا آنکه در عملیات والفجر ۱۰ با پیشـنهاد سپاه به فرماندهی عالی جنگ، تبلیغات عملیات عملا با نام سپاه و از سوی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گرفت.

اقدامات و واکنش دشمن

واکنش ضـعیف نیروهای عراقی در برابر تحرکات نیروهای خودی، فرضـهای متفاوتی را در خصوص غافلگیری و یا هوشـیاری دشـمن و میزان آن به ذهن متبـادر می کنـد. مجموعـا می توان چنین نتیجه گرفت که دشـمن به رغم مشـکلاتی که داشت، در عملیات بیت المقدس ۲ توان زیادی برای متوقف کردن عملیات و در صورت امکان باز پس گیری مناطق تصرف شده، صرف کرد. از میزان بالای سـرمایه گذاری ارتش عراق چنین استنباط می شد که دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی و تبعات گسترده آن –در صورت اتصـال خاک ایران به منطقه آزاد شـده نیروهای اتحادیه میهنی کردسـتان عراق – واقف بوده و تلاش می کرد از هر گونه تصرف و تثبیت زمین در فصل زمستان و توسعه آن در فصل بهار جلوگیری به عمل آورد.

در حـد فاصل بیت المقـدس ۲ و والفجر ۱۰ تحرکـات نیروهـای خودی در منطقه بیت المقـدس ۲ مجددا بر حساسـیت دشمن افزود. لذا از تاریخ ۴ و ۵ اسفند ۶۶ به بعد اقدام به دو تلاش اساسی نمود:

۱– تهاجم سنگین به منطقه آزاد شده از سوی اتحادیه میهنی کردستان و اقدام به باز پس گیری آن.

۲– تلاش مهندسی – نظامی روی ارتفاعات آسوس و تهدید جناح شمالی منطقه عملیات بیت المقدس ۲.

در منطقه عمـومی دشت زور (۱) (منطقه عملیـاتی حلبچه) به غیر از انتقال ۴ الی ۵ تیپ و در برخی از منـاطق تعویض نیروهای جاش با نیروهای نظامی،

ص: ۲۰۸

۱– ۴۹۹. نام اصلی منطقه «دشت زهور» به معنای گلهاست که برای این منطقه سرسبز و پرگل اسم با مسمایی است.

تلاش دیگری از دشـمن گزارش نشـد. نظر به اینکه سـتون پنجم افزایش تردد نیروهـای خودی را مشاهـده می کرد و نیروها با اتوبوس به دزلی منتقل می شدنـد و نیز با وجود اینکه دشـمن در برخی از محورها از احـداث جاده با خبر بود و روی عقبه دید داشت، اما واکنش جدی انجام نمی داد. لذا عدم تحرک دشمن مشکوک به نظر می رسید.

به هنگام آغاز عملیات، اولین عکس العمل دشـمن در شاخ سورمر و شاخ شـمیران بود. اسراء دشمن اظهار می داشتند که ما از ۱۰ روز قبل در انتظار بودیم. حرکت بعدی دشمن بعد از آغاز عملیات، وارد کردن ۴ تا ۵ تیپ بود که عمدتا متوجه شیندروی و بالامبو بودنـد و حساسیت زیادی نسبت به ارتفاعات سورن نداشـتند. به دنبال انسـداد تنگه در مرحله سوم عملیات، نیروهای دشـمن نخست سعی کردند از محاصره خارج شوند ولی موفق نشدند. پس از آنکه دشمن درک صحیح نسبت به عملیات پیدا کرد، از آنجـایی که از نظر زمان عقب بود و یک جبهه را به طور کامل با توپخانه، فرمانـدهی و... از دست داده بود، نتوانسـت اقدام جدی برای باز پس گیری انجام دهد. لذا مبادرت به جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت سید صادق نمود.

بعدها وقتی که فرمانده لشـکر ۴۳ ارتش عراق به اسارت درآمـد، در اظهاراتش ضـمن تمجید و ابراز شـگفتی از سـرعت عمل رزمنـدگان، غافلگیری کامل عراق را تأیید کرد. وی همچنین گفت که ما از یک ماه پیش به منطقه حساس شده و جاده را می دیـدیم ولی جدی نمی گرفتیم، تا آنکه من روز دوم عملیات با فرمانده ی سپاه (یکم عراق) تماس گرفتم و گفتم این عملیات اصـلی ایران است، او ابتـدا نپـذیرفت ولی روز سـوم بر این نظر صـحه گـذاشت. پس، عملیـات والفجر ۱۰ بـا توجه به اظهارات اسرای عراقی و نیز مجموع اقدامات و عکس العملهای

دشمن در حین و بعد از عملیات، تماما حاکی از غافلگیرشدن دشمن در برابر ابعاد گسترده عملیات بود.

دشـمن در برابر اقـدامات جمهوری اسـلامی از منطقه فاو تا پاوه به دلیل عـدم درک صـحیح از تـدابیر جدید ایران، نتوانست به جمع بنـدی صـحیح برسـد. لـذا چنین پیش بینی می کرد که عملیات گسترده ی ما در جنوب انجام خواهـد گرفت و جنوب در اولـویت اول قرار دارد در غرب هـم منطقه اصـلی عملیـات را منطقه بیت المقـدس ۲ پیش بینی می کرد و محـور حلبچـه را به عنـوان فریب آن منطقه محسـوب می کرد. پیش فرض فوق عنصـر اصـلی در عقب مانـدگی دشـمن و عـدم درک صـحیح آن نسبت به ابعاد و گستردگی عملیات و نیز سمت اصلی تک بود که در نهایت منجر به از دست دادن منطقه وسیعی از دشت زور شد.

تلفات دشمن و غنائم

علاـوه بر اسارت بیش از شـش هزار نفر از نیروهای دشـمن، بیش از ۱۰۰ دسـتگاه تانک و نفربر و همچنین چنـد قبضه توپ و کاتیوشا و تعـدادی خودروهای مختلف از دشـمن منهـدم شـد. با توجه به غافلگیری دشـمن، غنائم به دست آمـده در مقایسه با آنچه که از دشمن منهدم شد از شمار بیشتری برخوردار بود. چنانکه ۳۰ الی ۴۰ دستگاه تانک، ۳ دستگاه نفربرام ۱۱۳، ۵۰ الی ۶۰ دستگاه انواع مختلف توپ، ۲ خودرو مخابرات، ۳ دستگاه مرکز تلفن ۱۰ شماره ای، ۲ دستگاه کمپرسی و اقلام دیگری به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

بازتاب عملیات والفجر ۱۰

واکنش رسـانه های خبری و کارشـناسان و تحلیلگران محافل سیاسـی - نظامی نسـبت به عملیات والفجر ۱۰ در فضای ناشی از حملات موشکی عراق به تهران انجام گرفت. ابعاد و تبعات موشک باران تهران که برای نخستین بار انجام

می گرفت، بیش از عملیات والفجر ۱۰ در کانون توجهات قرار داشت. در ثانی، عملیات والفجر ۱۰ که در غرب کشور انجام شده بود، بدان جهت که فاصله منطقه عملیات والفجر ۱۰ تا کرکوک نسبتا زیاد بود، در مقایسه با منطقه جنوب از اهمیت کمتری برخوردار بود لذا انعکاس و تأثیر آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ کم رنگتر از انعکاس دیگر عملیاتهای بزرگ بود. ثالثا بمباران شیمیایی حلبچه و ابعاد آن به عنوان یک فاجعه هولناک انسانی، کلیه رخدادهای جنگ و عملیات والفجر ۱۰ را برای مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار داد. حال با توجه به این ملاحظات، در ادامه ی بحث ضمن نگاه اجمالی به انعکاس چهارمین مرحله جنگ شهرها، بازتاب «عملیات والفجر ۱۰» و «بمباران شیمیایی شهر حلبچه» مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

انعکاس چهارمین مرحله از جنگ شهرها

با آغاز چهارمین مرحله از جنگ شهرها (۱) برای نخستین بار تهران، از نیمه اسفند ۱۳۶۶ تا پایان فروردین ۱۳۶۷، به طور متوالی مورد اصابت حملات موشکی عراق قرار گرفت. مندرجات سرمقاله روزنامه الثوره ارگان حزب بعث عراق اهداف عراق را از این موشک باران آشکار ساخت.

«شبهای موشک باران باید حکام تهران را وادار کند که رویه خود را تغییر داده و تجاوزات علیه عراق و خلق عرب را متوقف کنند.» (۲) .

ص: ۲۱۱

---

۱ - ۵۰۰. عراقیها بلافاصله پس از ناکامی در تهاجم غافلگیرانه به ایران در ۳۱ شهریور سال ۵۹، موشک باران شهر مقاوم دزفول را آغاز کردند و در طول جنگ در مواقع مختلف و با بهانه های متفاوت مردم بی دفاع و غیر نظامی را مورد تهاجم قرار می دادند. مرحله بندی جنگ شهرها براساس تهاجم عراق به شهر تهران صورت گرفت که چهارمین مرحله آن در پایان سال ۶۶ آغاز شد. جنگ شهرها و مراحل آن پیش از این در کتاب «نبرد در شرق بصره» از انتشارات «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» سال ۱۳۷۴ ص ۱۴۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به اهمیت این موضوع و بازتابهای آن، در جلد پنجم از همین سری کتابها، به این مهم توجه خواهد شد. در اینجا به صورت اجمال و تنها برای ترسیم وضعیت جنگ در آستانه ی عملیات والفجر ۱۰، به موضوع مزبور اشاره شده است.

۲ - ۵۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «گزارشهای ویژه»، «نشریه شماره ی ۳۴۸، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۱ / ۱۲ / ۶۶.

حملات موشکی به تهران صرف نظر از موقعیت زمانی آن و اهداف عراق، از ابعاد دیگری نیز حائز اهمیت بود. پیش از این، توانایی عراق برای حمله ی موشکی به تهران به دلیل فقدان موشکهای با برد لازم، مورد تردید بود و به نظر می رسید که عراقیها تنها در صورت دریافت موشکهای دوربرد از شوروی (پیشین) یا اصلاح برد موشکهای اسکاد با کمک فنی روسها و یا غربیها، (۱) قادر به حمله ی موشکی به تهران خواهند بود. بنابراین، اصابت اولین موشک به تهران به منزله افزایش فشار برای دستیابی به تحولی سیاسی در روند جنگ بود.

برخی از تحلیلگران و دیپلماتهای غربی هدف عراق را در از سرگیری دور جدید جنگ شهرها «تحریک ایران به شروع حمله زمینی» و «تسریع در کار تصویب قطعنامه ای در سازمان ملل برای تحریم تسلیحاتی ایران» ذکر کردند. (۲) روزنامه کریستین ساینس مانیتور پیش بینی کرد:

«این موج از جنگ شهرها آمادگیهای ایران را جهت دست زدن به حمله منتظره علیه سرزمینهای عراق تسریع خواهد کرد. ولی در عین حال این جنگ عاملی را تشکیل خواهد داد تا شورای امنیت به اتخاذ تدابیر فعالتر به منظور برقراری تحریم علیه طرف مخالف با متوقف ساختن جنگ اقدام کند.» (۳) .

روزنامه واشنگتن پست نیز «تحریک ایران برای آغاز عملیات» را مهمترین هدف عراق ذکر کرد و به نقل از یک مقام آگاه عراقی نوشت:

«برای اولین بار در تاریخ عراق ما می خواهیم که ایرانیها حمله کنند.» (۴) .

نظر به اینکه عملیاتهای بزرگ ایران که به صورت سالانه انجام می شد عموما در ماههای دی، بهمن یا اسفند انجام می گرفت، لذا با نزدیک شدن روزهای

ص: ۲۱۲

۱- ۵۰۲. برابر گزارشهای منتشره در رسانه های خبری و اسناد و مدارکی که در این زمینه به دست آمد، نقش آلمان در تجهیز عراق به سلاحهای شیمیایی و همچنین کمکهای فنی برای افزایش برد موشکهای اسکاد بیشتر از سایر کشورهای اروپایی بوده است.

۲- ۵۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۹، ۱۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۳- ۵۰۴. پیشین، بخش عربی رادیو ابوظبی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۴- ۵۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۶۶، واشنگتن پست، ۱۴ / ۱۲ / ۶۶.

پایانی سال ۶۶ و عدم اجرای عملیات از سوی ایران، رادیو لندن با بررسی تحولات جنگ بر این نظر بود که برابر شواهد موجود«ایران نمی تواند به چنین حمله ای دست بزند.» (۱) رادیو امریکا نیز طی گزارشی گفت: «گمان نمی رود که همانند گذشته ایران برای یک حمله بزرگ آماده باشد و ممکن است که اصلا امسال به چنین اقدامی مبادرت نکند... هوای نامساعد به زودی آن را غیر عملی خواهد ساخت.» (۲) .

در چنین فضایی آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ اعلام کرد که ایران پاسخ نهایی خود به موشکهای عراقی را با عملیات در جبهه ها، در مرزها و در داخل خاک عراق خواهد داد (۳) و در جنگ شهرها فقط برای بازداشتن عراق از شلیک موشکها به اقدامات تلافی جویانه اکتفا خواهد کرد. (۴) در همین روند، صدام نیز از منطقه ی عملیاتی سپاه اول، واقع در شمال عراق دیدن کرد. بنابر گزارش رادیو عراق، وی در این بازدید علاوه بر گفتگو با فرماندهان عالی رتبه نظامی، از اقدامات آنها برای مقابله با تهاجم ایران بازدید به عمل آورد. (۵) .

چنانکه اشاره شد عملیات والفجر ۱۰ در فضای سیاسی - روانی ناشی از تهاجم عراق به شهرها انجام شد. به همین دلیل «تحریک ایران برای تسریع در اجرای عملیات» به عنوان یکی از هدفهای عراق ذکر شد. علاوه بر این، «تضعیف روحیه مردم ایران» (۶) نیز می توانست بخش دیگری از اهداف عراق باشد. زیرا در حمله به شهرها، مخاطبین، مردم غیر نظامی بودند و فشار به طور مستقیم بر روی آنها متمرکز بود و آثار و نتایج آن (به عنوان بخشی از اهداف عراق) در یک نظام مردمی و در جنگی که اتکاء اصلی آن به نیروی داوطلب مردمی بود می توانست به صورت غیر مستقیم بر مسئولین سیاسی - نظامی کشور تأثیر بگذارد. (۷) به همین دلیل، کسب پیروزی نظامی در واقع نوعی

۱- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۷، ۱۱ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۰ / ۱۲ / ۶۶.

۲- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶.

۳- ۵۰۸. عملیات والفجر ۱۰، ۴۸ ساعت پس از اظهارات آقای هاشمی در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ انجام شد.

۴- ۵۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۶۶.

۵- ۵۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۶۶، رادیو عراق، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶.

۶- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری تانیوگ، ۱۷ / ۱ / ۶۷.

۷- ۵۱۲. صدام در موقعیتی که عراق همچنان حمله به شهرها را ادامه می داد، طی مصاحبه ای با سر دبیر روزنامه مصری الاهرام در مورد شرایط خاتمه جنگ گفت: «هرگاه ایران درک کندکه خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است دست صلح را دراز خواهد کرد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، کویت ۲۸ / ۱۲ / ۶۶).

پاسخ گویی به تهاجمات دشمن به شهرها و از نظر روحی نیز غلبه بر اوضاع روانی ناشی از فشارهای مستقیم دشمن بر مردم محسوب می شد. (۱) .

صرف نظر از آنچه که در مورد اهداف عراق در رسانه های خبری ذکر شد و با توجه به رخدادها و تحولات جنگ (به طور خاص حمله عراق به فاو) به نظر می رسید که عراقیها سلسله تهاجماتی را طرح ریزی کرده و در انتظار فرصت مناسب بودند. مسلما در اولویت نخست، عراق می بایست علاوه بر آمادگی برای پاسخ گویی در برابر عملیات نظامی گسترده ایران، در مورد منطقه عملیات به اطمینان می رسید؛ با اجرای عملیات والفجر ۱۰ در منطقه ی غرب کشور، عراقیها به این نتیجه رسیدند که در منطقه ی جنوب عملیات گسترده ای نخواهد شد و با این اطمینان برای تهاجم به فاو آماده شدند.

واکنش رسانه های خبری

تا قبل از بمباران شیمیایی شهر حلبچه، عملیات والفجر ۱۰ در رسانه های خارجی بازتاب قابل توجهی نداشت. دلیل عمده ی این مسأله، همانطور که گفته شد، احتمالا متأثر از این بود که مناطق شمال عراق در مقایسه با مناطق جنوبی از ارزش و اهمیت کمتری برخوردار بود و به همین میزان کوشش می شد این اقدام نظامی ایران، در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ کم تأثیر تلقی گردد. رادیو لندن به نقل از تحلیل گران نظامی گفت:

---

۱ - ۵۱۳. پس از عملیات والفجر ۱۰ رادیو اسرائیل با توجه به موقعیت جنگ، به نقل از آگاهان سیاسی گفت: «ایران به این پیروزیهای زمینی نیاز مبرمی داشت تا بتواند تأثیرات تلخ و جانگداز حملات موشکی عراق علیه پایتخت و دیگر شهرها را تا حدودی خنثی کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۳۶۶، ۳۰ / ۱۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل ۲۹ / ۱۲ / ۶۶).

«تحلیل گران نظامی پیشرویهای اخیر ایران را در این منطقه برای عراق حداقل فعلا شکست مهمی تلقی نمی کنند.» (۱) .

در عین حال روزنامه ی فایننشال تایمز چاپ انگلیس بر این باور بود که وجود تأسیسات نفتی کرکوک و خطوط لوله ی نفتی عراق به ترکیه و احتمالاـ گسترش اغتشاشات و ناآرامی در این منطقه مثل خنجر زدن به شاهرگ دفاعی عراق است. (۲) توجه به شهر حلبچه (۳) و وسعت آن نیز در برخی از گزارشهای خبری مورد توجه قرار گرفت. هژیر تیموریان در گزارش خود، شهر حلبچه را بزرگترین شهری دانست که تاکنون از آغاز جنگ به تصرف درآمده است. وی جمعیت این شهر را ۷۰ هزار نفر ذکر کرد. گزارشگر اضافه می کند که تصرف شهر به ایرانیها امید بیشتری می دهد تا به جنگ ادامه دهند. (۴) .

عراقیها مانند همیشه در ابتدا اجرای عملیات و میزان موفقیت آن را انکار کردند، اما سرانجام دو هفته پس از عملیات، رادیو بغداد مدعی شد ارتش عراق هر زمان که بخواهد قادر به آزادسازی حلبچه است. (۵) در میان گزارشها و تحلیلهای ارائه شده در مورد عملیات والفجر ۱۰، شاید آنچه که در روزنامه واشنگتن پست منتشر شد، بیشتر از سایر بازتابها اهمیت داشت. در این گزارش تصریح شده است که گر چه حملات نظامی اخیر ایران به شمال عراق هیچ هدف استراتژیک قابل توجهی را در دسترس نیروهای انقلابی قرار نداد، ولی ایرادهای احتمالی استراتژی دفاعی بغداد را آشکار ساخت. این روزنامه می نویسد:

«سقوط فوری خطوط دفاعی عراق در بخش عظیمی از دره دربندیخان که در شمال آن کشور قرار دارد، نشان دهنده ضعف نظامی استراتژی بغداد

ص: ۲۱۵

۱- ۵۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸/ ۱۲ / ۶۶.

۲- ۵۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۱۶. عملیات والفجر ۱۰ در طول ۸۵ کیلومتر نوار مرزی حد فاصل شیخ صالح تا مریوان و در برخی نقاط در عمق ۵۰ کیلومتری خاک دشمن انجام گرفت و بیشتر از هزار کیلومتر مربع از سرزمینهای دشمن شامل شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله، طویله، بیاره و بیش از یکصد روستای منطقه آزاد شد.

۴- ۵۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو بغداد، ۴ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۶۶.

برای دوام آوردن در جنگی دیرپا و فرسایشی است.» (۱) .

در ادامه همین تحلیل آمده است که عراق ضمن اینکه برای دفاع از مناطق نفت خیز دارای برنامه منطقی است، ولی برای دفاع از مناطق مرزی کوهستانی شمال که اکثر سکنه آن را اقلیت کرد تشکیل می دهند چندان تعهدی ندارد. براساس این استراتژی، عراق چند واحد نظامی را در شمال مستقر کرده، ولی در همان موقعیت، نیروهای آموزش دیده و گارد جمهوری را در جبهه های جنوب و مرکز استقرار داده است. (۲) .

نویسنده مقاله واشنگتن پست در مقاله ی خود بر پایه ی این تحلیل و براساس استراتژی عراق، در ادامه می نویسد:

«اکراه و بی میلی عراق در هفته های اخیر در مورد دست زدن به یک ضد حمله و یا تقویت دو واحدی که در کرانه دریاچه دربندیخان در وام نیروهای ایرانی گرفتار شده اند، ظاهرا با استراتژی جدید بغداد تطابق دارد و بدین ترتیب دولت بغداد ترجیح داده است که کنترل سرزمینهای خود را در مرکز و جنوب در دست داشته باشد و به جای آن که پیاده نظام خود را دستخوش تلفات سنگین سازد، زمین را در شمال به ایران واگذارد.» (۳) .

عراق در حلبچه نتوانست واکنش نظامی چشمگیری در برابر ایران انجام دهد. همین مسئله در دستیابی ایران به پیروزی سریع و آسان بی تأثیر نبود. اما بمباران شیمیایی شهر حلبچه مهمترین اقدامی بود که عراق انجام داد و واکنش جهانی زیادی را بر علیه خود برانگیخت.

عراق در برابر استراتژی جدید ایران در منطقه شمالی این کشور که اساسا با مساعدتهای اکراد معارض دنبال می شد، دو راه فراسوی خود داشت:

۱- حضور گسترده در منطقه برای مقابله با تهاجمات نسبتا وسیع و متوالی ایران، با ایجاد یک سپاه جدید در سازمان رزم عراق. (۴) این امر عملا موجب تداوم موضع انفعالی عراق می شد و سرانجام با تجزیه قوای عراق، فرصت

۱- ۵۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۷، ۷ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۶ / ۱ / ۶۷.
۲- ۵۲۰. پیشین.
۳- ۵۲۱. پیشین.
۴- ۵۲۲. سند شماره ۳۱۳۳۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق توسط سردار محسن رضایی در دوره ی عالی جنگ سپاه»، سال ۱۳۷۴.

مناسبی را در اختیار ایران قرار می داد که از منطقه جنوب تهاجمات نظامی خود را پیگیری نماید.

۲- تلاش برای آزادسازی مناطق تحت تصرف ایران در جنوب در موقعیتی که ایران نیروهای خود را در شمال متمرکز ساخته بود.

عراق راه حل دوم را برگزید و با بمباران شیمیایی حلبچه تلاش کرد تا ناتوانی خود را در مقابله با تصرف حلبچه جبران کند. به نظر می رسد که عراق تصور می کرد که به دلیل فشار بین المللی به ایران از یک سو و از سوی دیگر عدم واکنش جهانی نسبت به بمباران شهرهای ایران، بمباران شیمیایی حلبچه نیز بازتاب جهانی قابل توجهی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، ارزیابی عراق از میزان واکنش جهانی در برابر حملات شیمیایی به حلبچه، نقش مهمی در تصمیم گیری عراق برای بمباران حلبچه داشت.

بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی

قتل عام ۵ هزار نفر از مردم کرد حلبچه توسط رژیم عراق با استفاده از گاز سیانور، پدیده جدید و مهمی بود که ابتدا در رسانه های خارجی بازتابی نداشت. چنانکه در رسانه های گروهی یوگسلاوی از آن تنها چند جمله خبری کوتاه منتشر شد. (۱) با پیدایش وضعیت جدید، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله برای مداوای قربانیان حملات شیمیایی خواستار یک کمک بین المللی شد. (۲) سفیر وقت ایران در سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی در آن سازمان، درخواست سازمان هلال احمر ایران را تکرار کرد. وی در این مصاحبه اظهار داشت که حملات هوایی عراق با استفاده از بمبهای خوشه ای با محتوای گاز خردل و گاز سیانور صورت گرفته و اکثر قربانیان زنان، کودکان و افراد مسن می باشند. وی همچنین در این مصاحبه اعلام کرد که ایران آماده پذیرفتن هدایا از هر کشوری برای مجروحان می باشد، زیرا در ایران ظرفیت لازم

۱- ۵۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۲، ۲ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۳، ۳ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۲ / ۱ / ۶۷.

برای مداوی آنان وجود ندارد. (۱) .

نگرانی ایران از سکوت مجامع بین المللی و در نتیجه تداوم جنایات عراق و گسترش آن در داخل خاک ایران سبب گردید تا رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ هشدار دهد در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل درباره استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی حرفی نزند، ممکن است ایران برای تلافی، از این سلاحها استفاده کند. (۲) پخش تصاویر جنایات هولناک در حلبچه، تدریجا واکنشهایی را برانگیخت و حامیان جهانی عراق به ویژه شوروی و امریکا نتوانستند بر آن سر پوش گذارند. سخنگوی کاخ سفید به ناچار اعلام کرد که از طریق دیپلماتهای امریکایی در بغداد، نظریات امریکا در این زمینه به اطلاع دولت عراق رسانده شده است. (۳) وی همچنین گفت:

«تصاویری که از قربانیان کرد به چاپ رسید ثابت می کند که چرا تلاش می شود استفاده از سلاحهای شیمیایی منع شود.» (۴) .

روزنامه ایندیپندنت با درج گزارشی از تولید سلاحهای شیمیایی در خاورمیانه توسط عراق، در مورد نقش کشورهای کمک کننده به عراق نوشت:

«به رغم منع فروش مواد شیمیایی برای مقاصد نظامی، شرکتهای بریتانیا، آلمان غربی، هند، اتریش، بلژیک و ایتالیا از قرار معلوم به طرحهای ساخت سلاحهای شیمیایی عراق کمک می کردند.» (۵) .

اعزام خبرنگاران خارجی به ایران و بازدید از منطقه، تدریجا ابعاد این جنایت هولناک را افشا کرد. دیوید هرست خبرنگار روزنامه گاردین از لندن گزارشی از این جنایات را همراه با عکس در صفحه ی اول این روزنامه به چاپ رساند. در گزارش فرستاده روزنامه گاردین آمده است:

«هیچ جراحتی، خونی و اثری از انفجار روی اجساد دیده نمی شود. اجساد دهها مرد، زن، کودک، دام و حیوانات دست آموز منازل و خیابانهای خاکی این بخش دور افتاده و مورد بی مهری قرار گرفته در کردستان عراق

۱- ۵۲۵. پیشین.

۲- ۵۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۲۷. پیشین، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۲۸. پیشین.

۵- ۵۲۹. پیشین، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

تحت اشغال ایران را پوشانده اند. پوست این اجساد به طرز عجیبی تغییر رنگ داده چشمهایشان باز و خیره، چرک خاکستری رنگی از دهانهایشان بیرون زده و انگشتانشان هنوز به طرز عجیبی کج و کوله است... این طرف مادری بچه اش را برای آخرین بار در آغوش فشرده و آن طرف پیرمردی خود را سپر نوزادی از آنچه نمی دانستند چیست، کرده است». (۱) .

همچنین روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا طی گزارشی نوشت:

«وسیله مرگ همه آنها تنها با یک هواپیمای جنگی که تقریبا با اطمینان می توان گفت عراقی بوده است به این شهر کردنشین عراق رسید. هواپیمایی که بمبهای آن ابری به رنگ زرد روشن در سراسر حلبچه ایجاد کرد، این عمل از هر حیث و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است.» (۲) .

تایمز مالی چاپ لندن نیز حملات شیمیایی عراق را وحشت آور خواند و از دبیر کل سازمان ملل خواست که گروهی از کارشناسان را برای بررسی این فاجعه به منطقه اعزام کند. (۳) .

در ادامه تلاشهای ایران برای توجه افکار عمومی جهان به جنایات عراق در حلبچه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل با دبیر کل و رئیس شورای امنیت دیدار کرد و از آنها خواست هیأتی را به منطقه اعزام نمایند. (۴) رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز طی مصاحبه ای از سازمان ملل درخواست کرد که هر چه زودتر کارشناسانی را به ایران اعزام نماید. (۵) ذیل همین مصاحبه روزنامه ایتالیایی ایل جورنو نوشت:

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران راه حل دیپلماتیک را نسبت به راه حلهای نظامی ترجیح می دهد، اما این امر در صورت تنبیه متجاوز تحقق خواهد یافت. (۶) .

فشار ایران به سازمان ملل برای اعزام کارشناس به منطقه همچنان ادامه یافت. به گونه ای که حتی نماینده ی وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد:

---

۱ – ۵۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵/ ۱ / ۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۲– ۵۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷.

۳– ۵۳۲. پیشین.

۴– ۵۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۵– ۵۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۶– ۵۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری ایران در رم، ۵ / ۱ / ۶۷.

در صورتی که سازمان ملل در مورد استفاده اخیر عراق از سلاحهای شیمیایی تحقیق به عمل نیاورد، ایران به دور جدید مذاکرات صلح (۱) که مجددا قرار است آغاز شود، نخواهد پیوست. (۲) .

سخنگوی سازمان ملل در موقعیت جدید مجبور به مصاحبه و اظهار مشکلات و موانع موجود برای اعزام کارشناس به منطقه شد. فرانسوا گیلیایی در این مصاحبه گفت که برای دبیر کل دشوار است که هیأتی را به درخواست یک دولت، به خاک کشور دیگر بفرستد! سرانجام یک روز پس از مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی سازمان ملل، منابع رسمی در این سازمان اعلام کردند که هیأتی از کارشناسان به تهران اعزام خواهند شد تا درباره حملات شیمیایی اخیر عراق تحقیق کنند. (۳) .

عراق که پیش از این در برابر بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه سکوت اختیار کرده بود، پس از انعکاس وسیع این جنایت در رسانه های کشورهای غربی و احتمال اعزام کارشناسان سازمان ملل به منطقه، شدیدا واکنش نشان داد و در جلسه شورای فرماندهی انقلاب عراق به رهبری صدام، شورا و رهبری عراق اظهارات دایر بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را نکوهش کردند و طبق گزارش خبرگزاری عراق، در این جلسه تأکید کردند:

«عراق هر آنچه اسلحه دارد در جهت دفاع از خود و در راه تحقق بخشیدن به صلح عادلانه به کار می برد!» (۴) .

پس از تشکیل جلسه یاد شده، مقامات عراقی با انتشار یک بیانیه رسمی خاطر نشان ساختند که عراق نمی تواند ساکت بماند و با هر وسیله ای که در اختیار دارد از خود دفاع می کند. (۵) روزنامه البعث ارگان رسمی رژیم عراق

---

۱ – ۵۳۶. دبیر کل سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تلاشهایی را برای مذاکره با نمایندگان ایران و عراق انجام می داد. در همین روند قرار بود در دهه ی اول فروردین با نمایندگان ایران و عراق به صورت جداگانه ملاقات نماید.

۲– ۵۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر،۵ / ۱ / ۶۷.

۳– ۵۳۸. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۵ / ۱ / ۶۷.

۴– ۵۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۷، ۷ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۶ / ۱ / ۶۷.

۵– ۵۴۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶ / ۱ / ۶۷.

نیز نوشت:

«محافل بین المللی تلاش می کنند موقعیت و اعتبار عراق را در صحنه جهانی خدشه دار نمایند.» (۱) .

سایر روزنامه های عراق مانند الثوره و الجمهوریه نیز ضمن تأیید تصمیمات جلسه فرماندهی، با نکوهش کشورهایی که عراق را به خاطر کاربرد سلاح شیمیایی محکوم کرده بودند، مجددا تأکید کردند که عراق از هر گونه سلاحی که در اختیار دارد، استفاده خواهد کرد. (۲) در ادامه همین روند، رئیس دفتر خبرگزاری عراق در قاهره، نوری نایف، گفت:

«یک سخنگوی صلاحیت دار عراقی به وی گفته است که ممکن است عراق به عنوان یک اقدام بازدارنده و کیفری تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد!» (۳) .

طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق نیز طی نامه ای به دبیر کل، وی را به جهت اعزام هیأت کارشناسی به منطقه برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق، به جانبداری از ایران متهم کرد. (۴) روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع عراق نیز شدیدا به دکوئیار دبیر کل سازمان ملل حمله کرد. (۵) لطیف جاسم، وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق، در ادامه ی حملات مقامات رسمی و مطبوعات عراق به دکوئیار گفت که دبیر کل سازمان ملل در انجام وظایف خود ناتوان است و دیگر قابل اطمینان نیست. (۶) .

سرانجام دکوئیار در پاسخ به وزیر امور خارجه عراق و سایر مسئولین آن کشور طی اطلاعیه ای با اظهار تأسف نسبت به این مواضع، با لحنی خشک پاسخ داد که وقت آن نیست که در خصوص جنگ ایران و عراق یک بحث علنی و عمومی انجام گیرد. (۷) همچنین دبیر کل سازمان ملل در ملاقات با نماینده وقت ایران در سازمان ملل، پس از مشاهده تصاویر گویا و تکان دهنده این جنایت هولناک ضمن ابراز تأسف از کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ،

ص: ۲۲۱

۱- ۵۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۸، ۸ / ۱ / ۶۷، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹، ۹ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۸ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۰، ۱۰/ ۱ / ۶۷، آسوشیتدپرس، ۹ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۴۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۹ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۴۵. پیشین، خبرگزاری عراق، ۹ / ۱ / ۶۷.

۶- ۵۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۱ / ۶۷.

۷- ۵۴۷. پیشین.

اعلام کرد که برای بستری و مداوا کردن مصدومین اعزامی به امریکا و مراکز پزشکی و تحقیقاتی نیویورک، حاضر به هر گونه همکاری می باشد. (۱) .

سرانجام دو تن از کارشناسان سازمان ملل در تاریخ ۹ / ۱ / ۶۷ به منطقه اعزام و پس از دیدار سه روزه و گفتگو با چند صد نفر از زخمیهای حادثه در بیمارستانهای تهران و بازدید از شهرهای نوسود و مریوان، ایران را ترک کردند. اظهار نگرانی چین از به کار گرفته شدن سلاحهای شیمیایی (۲) و اظهارات تاچر نخست وزیر وقت انگلیس مبنی بر تناقض آنچه رخ داده با کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو، نشان دهنده ی وسعت دامنه ی واکنش جهانی بود که در سطوح مختلف انجام گرفت. روزنامه لوس آنجلس تایمز با بررسی ابعاد این فاجعه هولناك نوشت:

«تا زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی عراق بودند چه در سازمان ملل متحد و چه در پایتختهای کشورهای بزرگ جهان عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن این گونه عملیات وجود نداشت... اما این بار شهروندان کرد عراقی، بومیهای غیر عرب آن کشورند که قربانی گازهای سمی عراق شده اند از این رو واکنش رسانه های جمعی غرب به ویژه اروپا شدیدتر بوده است.» (۳) .

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز با اشاره به نتایج اقدامات اخیر عراق نوشت:

«اتهام استفاده از سلاحهای شیمیایی و روشهای تهاجمی که عراق اخیرا در جنگ با ایران پیش گرفته است حمایت گسترده جوامع بین المللی را از عراق خدشه دار ساخته و شانس تحریم تسلیحاتی علیه ایران را توسط سازمان ملل متحد کاهش داده است.» (۴) .

برخی از کارشناسان بر این نظر بودند که عراق به دلیل اهدافی که دنبال می کرد هزینه سیاسی بمباران شیمیایی حلبچه را پذیرفته بود. در واقع، صدام

۱- ۵۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲، ۱۲ / ۱ / ۶۷، نیویورك، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۴۹. مأخذ شماره ۵۸، توکیو، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۰ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵، ۱۵ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۱۴ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۵۱. مأخذ شماره ۵۵، رادیو امریکا، ۹ / ۱ / ۶۷.

پیام دو گانه ای را به ایران و کردهای معارض گوشزد کرد. یکی از کارشناسان رادیو اسرائیل در مورد پیام به ایران می گوید:

«پیام عراق به ایرانیها دادن علائمی مبنی بر این امر است که در صورتی که به سد بسیار استراتژیک آن کشور در سواحل شمالی رودخانه دیاله نزدیکتر شوند عراقیها احتمالاً علیه شهرهای ایران از موشکهایی که مجهز به کلاهکهای شیمیایی می باشند استفاده خواهند کرد... دومین پیام صدام به اقلیتهای کرد عراق می باشد که اگر کسی بخواهد از جامعه اصلی عراق جدا گردد باچنین عقوبتی مواجه خواهد گردید.» (۱) .

به مدت یک ماه کم و بیش بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی مشاهده می شد. لیکن با اتمام حملات عراق به شهرهای ایران و همچنین ربودن هواپیمای کویتی و فرود اجباری آن در فرودگاه مشهد و نیز اعزام نمایندگان ایران و عراق به سازمان ملل و مذاکره با دکوئیار تدریجا از جنایات عراق در حلبچه تنها یک خاطره تلخ بر جای ماند و همه چیز به فراموشی سپرده شد.

نتیجه گیری

وضعیت حاکم بر جنگ در سال ۶۶ به رغم تمهیدات امریکا و سازمان ملل برای پایان بخشیدن به آن، ناظر بر این معنا بود که نظام بین الملل نه تنها در جستجوی راه حل عادلانه جنگ نیست، بلکه از ابزار لازم برای «تحمیل اراده سیاسی» خود نیز برخوردار نمی باشد. به عبارت دیگر، وضعیت سیاسی - نظامی جنگ و موقعیت برتر ایران ایجاب می کرد که نظام بین المللی خواسته های ایران را تأمین نماید، اما ابرقدرتها نتایج حاصل از به رسمیت شناختن حقوق ایران را به زیان منافع قدرتهای حاکم بر سازمان ملل ارزیابی می کردند. از سوی دیگر، ابرقدرتها به تنهایی فاقد توانایی لازم برای تحمیل خواسته های خود به

۱- ۵۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۶۷، بخش انگلیسی رادیو رژیم اشغالگر قدس، ۱۳ / ۱ / ۶۷.

ایران بودند. زیرا توانایی نظامی ایران در برابر رژیم عراق، این کشور را از موقعیت مناسبی برای پیگیری اهداف و خواسته هایش برخوردار کرده بود.

جمهوری اسلامی در موقعیت جدید در برابر وضعیت دو گانه و دشواری قرار داشت، از یک سو به دلیل برخورداری از موقعیت برتر نظامی و دیدگاههای اعتقادی و اسلامی، مایل به عقب نشینی از مواضع اصولی و بر حق خود نبود و از سوی دیگر برای پیگیری خواسته هایش اوضاع بسیار دشوار بین المللی و فشارهای سیاسی - اقتصادی رو به افزایش را فراروی خود داشت که فائق آمدن بر آنها یک «پیروزی نظامی تعیین کننده» را می طلبید که تحقق آن به سهولت امکان پذیر نبود و لزوما می بایست زیرساختها و مقدمات آن از سالها قبل فراهم می شد. پیدایش این وضعیت دشوار و پیچیده، موقعیت ایران را کاملا آسیب پذیر کرده بود. به همین دلیل هر گونه غفلت و تسامح می توانست موقعیت برتر ایران را که حاصل پنج سال تهاجم مستمر همراه با کسب پیروزی نظامی بود، دچار تغییر و تحول کند.

بنابراین گر چه جنگ در سال ۶۶ به رغم تمامی تحولات سیاسی - نظامی مانند تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در شورای امنیت، اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا، درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس، سلسله اقدامات نظامی ایران در منطقه غرب کشور، افزایش فوق العاده توان نظامی عراق، برخورداری روسها از موقعیت سیاسی قابل توجه در منطقه و بسیاری از مسائل دیگر به سرانجام مشخصی منتهی نشد، لیکن نطفه تحولات سیاسی - نظامی سال ۶۷ (۱) و خاتمه یافتن جنگ منعقد گردید.

با فرارسیدن سال ۶۷ و در موقعیتی که تهاجم موشکی عراق به شهر تهران همچنان ادامه داشت و قوای نظامی ایران در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، واقع

۱- ۵۵۳. این مباحث ان شاءالله در کتاب بعدی (جلد پنجم) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارخواهند گرفت.

در منطقه شمالی جبهه های جنگ، درگیر تثبیت و تحکیم منطقه و مقابله با آثار و نتایج ناشی از حملات شیمیایی عراق به شهر حلبچه بودند، نیروهای نظامی عراق در تاریخ بیست و هشتم فروردین، همزمان با حمله امریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس، تهاجم خود را به شهر فاو، با هدف باز پس گیری آن آغاز کردند.

غافلگیری ایران (۱) در فاو و به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق به صورت گسترده و پر حجم برای هجوم به این منطقه، فرصت و شرایط را برای پیشروی عراقیها فراهم کرد و منطقه ی عملیاتی فاو مجددا در اختیار عراق قرار گرفت. سهولت پیروزی عراق در فاو، حاصل تجربه عراقیها در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات والفجر ۱۰ بود. بدین معنا که عراقیها در تجزیه و تحلیل عملیاتهای رزمندگان اسلام به این نتیجه رسیده بودند که اگر قوای نظامی ایران منطقه ای را تصرف کردند، به دلیل تمرکز فرماندهی نیرو و امکانات، باز پس گیری منطقه امری دشوار و با هزینه و خسارات زیاد و احتمال عدم موفقیت همراه است. لذا به این نتیجه رسیدند که به جای ضد حمله به قوای متمرکز ایران، در یک منطقه دیگر به عملیات تهاجمی اقدام کنند. (۲) بر پایه این تجربه، عراقیها مترصد موقعیت مناسب بودند. لذا پس از آنکه با بررسی شواهد و قرائن به این نتیجه رسیدند که عملیات بزرگ و گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می گرفت در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ انجام شده است، تهاجم

---

۱ - ۵۵۴. روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در مورد غافلگیری ایران در فاو می نویسد: «فرماندهی ایران در فاو فکر نمی کرد که عراقیها قادر خواهند بود به مواضع نیروهای ایرانی که به خوبی از آن دفاع می شد، حمله کنند. چنین اندیشه ای احتمالا به پیدا شدن یک احساس کاذب منجر شد و عراقیها با استفاده از آن و برتری خود، بامداد روز یکشنبه (۲۸ / ۱ / ۶۵) ایرانیها را غافلگیر کردند.» همچنین نشریه ایندیپندنت طی گزارشی نوشت: «عراق اطلاعاتی داشته مبنی بر اینکه ایران مقداری از نیروهای خود را از اطراف بصره به جبهه های شمالی که در آنجا موفقیتهای قابل توجهی داشته، منتقل کرده، بنابراین عراق از این موقعیت استفاده کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۴ / ۲ / ۶۷، رادیو لندن ۳ / ۲ / ۶۷).

۲- ۵۵۵. مأخذ شماره ۳۵.

نظامی خود را آغاز کردند.

امریکاییها که از مدتها قبل با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و پیگیری تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و تحریم نظامی ایران، در اندیشه پایان دادن به جنگ ایران و عراق بودند، از تحول نظامی اخیر استقبال کرده و چنین پیش بینی می کردند که تضعیف موقعیت نظامی ایران زمینه را برای پایان دادن به جنگ فراهم خواهد کرد. (۱) به همین دلیل و با توجه به همزمانی تهاجم امریکا به دو سکوی نفتی ایران با حمله عراق به فاو و همچنین نیاز امریکا به جبران ماجرای مک فارلین، به نظر می رسید که امریکاییها در اقدام نظامی عراق مشارکت داشته اند. (۲) .

متعاقب باز پس گیری فاو موقعیت عراق بهبود یافت و در برابر ایران از موضع برتری برخوردار شد. (۳) پیدایش این وضعیت روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ را دستخوش تغییر کرد. با توجه به افزایش توان نظامی این کشور در سال ۶۶ و نقش مستشاری روسها، روند هجومهای نظامی عراق رو به افزایش نهاد به گونه ای که کمتر از سه ماه کلیه مناطقی را که ایران متصرف شده بود، مجددا در اختیار گرفت.

روند تحولات سیاسی نیز به موازات تحولات نظامی شتاب گرفت. ایران که

ص: ۲۲۶

---

۱ - ۵۵۶. ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه ی وقت امریکا بلافاصله پس از اینکه عراق فاو را پس گرفت، اعلام کرد که اکنون موازنه ی نظامی برقرار شده است. وی در تاریخ ۲۱ / ۲ / ۶۷ با امیدواری به برقراری صلح اعلام کرد: «پیروزی ماه گذشته عراق در شبه جزیره ی فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیشرفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد.» (لوس آنجلس تایمز، نشریه هفتگی ایران تایمز، ۲۹ / ۲ / ۶۷).

۲ - ۵۵۷. روزنامه نیویورک تایمز در مورد حمایت امریکا از عراق می نویسد: «امریکا درست در موقع و زمانی که ایران می رفت دست بالا را در جنگ داشته باشد به کمک عراق شتافت و در نتیجه موازنه ی قوای طرفین دوباره برقرار گردید.».

۳ - ۵۵۸. خبرگزاری فرانسه: «عواقب از دست رفتن فاو دور از اهمیت نیست. به طوری که از فشارهای ایران می کاهد و به نیروهای بغداد امکان می دهد که از یک موضع استراتژیک برخوردار گردند.» (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، شماره ۳، اردیبهشت ۶۷، ص ۲۰).

پیش از این بر پایه توانمندی نظامی بر سر پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ مشغول به چانه زنی سیاسی بود، در موقعیت جدید، به ویژه پس از حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس (۱) و احتمال گسترش دامنه تهدیدات علیه ایران، سرانجام در تاریخ ۲۷ تیرماه سال ۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. صدای جمهوری اسلامی در ساعت ۱۴ آن روز اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل، قطعنامه ی ۵۹۸ را رسما پذیرفت. امام خمینی نیز در پیام خود که در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۷ منتشر شد، پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ را مورد تأکید قرار دادند. (۲) یکی از کارشناسان مسائل ایران در مورد علت پذیرش قطعنامه از سوی ایران گفت:

«پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ توسط ایران، صرفا به دلیل شکست این کشور در جبهه های جنگ و یا عدم استقامت در برابر امریکا نبود، بلکه نگرانیهایی که حیات انقلاب را تهدید می کرد، عامل اصلی پذیرش قطعنامه بود. رهبران ایران حداقل به ادعای خود تجاوز امریکا به خلیج فارس را مقدمه جنگ تمام عیاری می دانستند که پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ تنها راه مقابله با آن بود.» (۳) .

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ در وضعیت جدید سیاسی - نظامی و بر پایه پیش بینی احتمال افزایش فشار به ایران، یکباره روند تحولات را به سود ایران تغییر داد. عراق که در موقعیت جدید مایل به پایان جنگ نبود، به حملات خود ادامه داد و منافقین نیز تحت حمایت عراق عملیات نظامی خود را از یکی از محورهای غرب کشور، با ورود به داخل خاک ایران آغاز کردند.

۱- ۵۵۹. در تاریخ ۱۲ / ۴ / ۶۷ با اصابت موشکی که از ناو امریکایی در خلیج فارس شلیک شد، هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ مسافر سقوط کرد، پس از آن ورنون والترز سفیر امریکا در سازمان ملل در تاریخ ۱۷ / ۴ / ۶۷ گفت: «انهدام هواپیمای ایرباس ایرانی می تواند انگیزه ای تازه برای پایان دادن به جنگ در خلیج فارس باشد.» (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، فصلنامه «بررسیهای نظامی»، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۷۲، ص ۱۱۰).

۲- ۵۶۰. پیام استقامت تیرماه ۱۳۶۷، پیام امام به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

۳- ۵۶۱. روح الله کارگر رمضانی، نه شرقی - نه غربی، اصل بنیادین جمهوری اسلامی، دانشگاه یل، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن شماره ۱۱.

بر پایه درک جدید جمهوری اسلامی نسبت به ماهیت تهاجمات عراق پس از پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران، نیروهای مردمی با فراخوانی عمومی مجددا به جبهه گسیل شدند و عراقیها که در اندیشه اشغال مجدد خوزستان بودند در برابر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی، زمین گیر شده و مجددا به مواضع خود مراجعت و منافقین نیز با بجا گذاردن تلفات و خسارات قابل توجه به خاک عراق عقب نشینی کردند. فشار بین المللی بر عراق سبب گردید تا این کشور پس از ناکامی نظامی، سرانجام به پذیرش آتش بس که از تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۷ اعلام شد، تسلیم شود. بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از تجاوز عراق که با هدف تجزیه استان خوزستان و براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود در وضعیتی به پایان رسید (۱) که عراقیها هیچگونه دستاورد قابل توجهی را کسب نکردند و همین مسئله منشاء تحولات بعدی در منطقه بود و زمینه های تهاجم عراق به کویت را فراهم ساخت.

ص: ۲۲۸

۱- ۵۶۲. تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات والفجر ۱۰ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۶۷ و برقراری آتش بس در مرداد همان سال، در جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی سیری در جنگ ایران عراق، بررسی و منتشر خواهد شد.

جلد ۵

اشاره

ص: ۱

پیشگفتار چاپ چهارم

هر چه از زمان وقوع جنگ ایران و عراق فاصله بیش تر می شود و هر چه تعداد کسانی که به دلیل کمی سن در آن زمان، شاهد این جریان نبوده و یا آن را درک نکرده اند، بیش تر می شود و هر چه درباره ی این واقعه بزرگ سؤالات بیش تری مطرح می گردد، ضرورت وجود آثاری که واقعیات را آن طور که بوده است بیان کند و کتاب هایی که با استناد به اسناد خدشه ناپذیر به تشریح و تفسیر وقایع بپردازد و از زبان شاهدان حوادث و حاضران در صحنه های طراحی، اجرا و هدایت و فرماندهی جنگ، آن را بیان کند، بیش تر می شود. همین ضرورت هاست که مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ را، که راویان و محققانش از اوایل جنگ تحمیلی با حضور مستقیم در صحنه های این جنگ، به ثبت و ضبط و جمع آوری اسناد آن پرداختند، بیش تر می کند.

مرکز مطالعات برای انجام این مسئولیت خطیر در تلاش بی وقفه برای تهیه مجموعه های متعدد، در زمینه های گوناگون و ابعاد مختلف جنگ تحمیلی می باشد که مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله آنها است. این مجموعه شش جلدی که به طور کامل منتشر شده است، به دلیل اختصار نسبی و جامعیت که مروی است نظامی و سیاسی از زمینه سازی جنگ و آغاز آن تا آتش بس و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق، مورد استقبال خوبی قرار گرفته است، به ویژه از طرف اندیشمندان، دانشجویان و جوانان؛ طوری که جلدهای مختلف آن به چاپ های متعدد رسیده است. کتاب حاضر آخرین جلد از این مجموعه است که در سال ۱۳۷۸ در ۵۰۰۰ نسخه انتشار یافت و در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ تجدید چاپ شد. با اتمام نسخه های چاپ سوم، این کتاب بار دیگر چاپ و منتشر شد تا در اختیار علاقه مندان قرار گیرد.

مرکز مطالعات همواره منتظر اظهار لطف کسانی است که کاستی ها و اشکالات آثار منتشر شده را اعلام و نسخه ای از اسناد و عکس های منحصر به فرد خود از جنگ ایران و عراق را در اختیار این مرکز قرار دهند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۵

پیشگفتار

هر چه نگارش و ثبت یک رویداد به زمان وقوع آن نزدیک تر باشد خواننده تحلیل گر با اعتماد بیش تری به بررسی و نتیجه گیری از آن می پردازد به ویژه این که وقایع نگاران خود از راویان و شاهدان حادثه باشند.

مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» که نگاهی گذرا ولی عمیق در توصیف و تحلیل هشت سال جنگ تحمیل شده به جمهوری اسلامی می باشد به وسیله کسانی تحقیق، ارزیابی و آماده برای چاپ شده است که هر کدام در دوران دفاع مقدس مسئولیتی مرتبط با جنگ داشته اند و به همین دلیل این دوره که نتیجه ده سال طراحی، تحقیق، تدوین و ارزیابی می باشد یکی از نفیس ترین نوشته ها درباره جنگی است که امام خمینی (رحمه الله علیه) آن را جنگ حق و باطل (۱) دانست. هر خواننده علاقه مند، با مطالعه و بررسی این مجموعه، مظلومیت یک ملت و ستم متجاوزان (۲) را در طولانی ترین جنگ دو دهه اخیر دریافته و چهره تزویر جهان خواران (۳) را می بیند. او با شنیدن صدای شکستن ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب (۴) می آموزد که می توان علیه تمامی قدرت ها و ابرقدرت ها سالیان سال مبارزه کرد (۵) .

این مجموعه حاصل تلاش همه کسانی است که این وظیفه را چون جنگ تکلیف دانسته و نتیجه را فرع بر آن پنداشتند (۶) ، هر چند استقبال خوانندگان، تجدید چاپ ها و دریافت جوایز در زمینه دفاع مقدس نشان از نتیجه ای رضایت بخش و دل گرم کننده دارد.

۱- ۱. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۲- ۲. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۳- ۳. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۴- ۴. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۵- ۵. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

۶- ۶. اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

این دوره که یک جلد آن با مدیریت برادر ابراهیم محمدزاده و پنج جلد دیگر با مدیریت برادر محسن رشید به زیور چاپ آراسته گشته به وسیله برادر محمد درودیان تحقیق و تدوین، برادر غلامعلی رشید ارزیابی اطلاعات نظامی و برادر بهاءالدین شیخ الاسلامی ارزیابی سیاسی شده است.

همچنین برادر مهدی انصاری ویرایش نهایی و مدیریت آماده سازی برای چاپ شامل حروف چینی، صفحه آرایی و تنظیم فهرست راهنمای موضوعی پنج جلد از این کتاب و برادر علی محمد تقیئی نظارت بر چاپ تا خروج از صحافی را عهده دار بوده اند. برادران حسن دری و علی محمد تقیئی نیز نقشه ها و برادران حشمت الله شمس و حمیدرضا دانش فر طرح جلد این مجموعه را طراحی و اجرا کرده اند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه با تشکر فراوان از همه دست اندرکاران این مجموعه، خرسند است که با چاپ کتاب حاضر به وعده خود در ارائه مجموعه ای تحلیلی - توصیفی از اوضاع سیاسی - نظامی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جامه عمل پوشانده و امید دارد که این عمل را حضرت حق جل جلاله پسندیده و بپذیرد.

این مرکز در پایان از همکاران خود در مؤسسه فرهنگی هنری تاریخ جنگ که مسئولیت ویرایش نهایی و آماده سازی کتاب حاضر را برای چاپ بر عهده داشته اند، قدردانی می کند.

شناختی گذرا بر این مجموعه

جلد اول: «خونین شهر تا خرمشهر» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آزاد سازی خرمشهر (از شهریور ۱۳۵۹ تا

خرداد ۱۳۶۱) پرداخته که جایزه اول نخستین همایش ادبی - هنری حماسه خرمشهر را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۷۷ به چاپ چهارم رسید.

جلد دوم: «خرمشهر تا فاو» که چهار سال جنگ را (از تیرماه ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) تحلیل نظامی - سیاسی کرده است. این کتاب در اسفند ۱۳۷۵ برای چهارمین بار چاپ شد.

جلد سوم: «فاو تا شلمچه» که به بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از پایان عملیات والفجر ۸ تا پایان عملیات کربلای ۸ (اسفند ۱۳۶۴ تا فروردین ۱۳۶۶) اقدام کرده و مفتخر به دریافت تقدیرنامه انتخاب آثار دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ - ۷۴ شد.

جلد چهارم: «شلمچه تا حلبچه» که رویدادهای سیاسی - نظامی سال ۱۳۶۶، درگیری با امریکا در خلیج فارس و انتقال منطقه نبرد از جنوب به غرب را بررسی کرده است.

جلد پنجم: «پایان جنگ» (کتاب حاضر) به بررسی وقایع پس از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت به وسیله عراق می پردازد.

جلد ششم: «آغاز تا پایان» که اوضاع سیاسی - نظامی جنگ را از آغاز تا پایان آن به اختصار بررسی و تحلیل کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تلاش کرده است تا کتاب حاضر در یازدهمین سالگرد برقراری آتش بس رسمی و پایان جنگ عراق علیه ایران انتشار یابد.

«مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه»

مرداد ۱۳۷۸

ص: ۱۳

مقدمه

در میان پرسش های اساسی که درباره جنگ ایران و عراق وجود دارد مهم ترین سؤالی که کماکان ضرورت پاسخ گویی به آن احساس می شود «نحوه پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ می باشد». امام راحل نظر به شرایط نامساعد در زمان پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و ضرورت حفظ آمادگی نظامی برای مقابله با تجاوزات مجدد عراق، پاسخ به این سؤال را به زمان مناسب تری در آینده واگذار کردند. اکنون با گذشت یازده سال از زمان برقراری آتش بس میان ایران و عراق و تغییرات نسبتا گسترده و عمیقی که در سطح منطقه و نیز در داخل ایران روی داده است - به ویژه اشغال کویت به وسیله عراق در سال ۱۳۶۹ - می توان ابعاد موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر پایه این ملاحظه جلد پنجم از مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» به بررسی شرایط و عوامل مؤثر در نحوه پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ اختصاص یافته است.

کتاب حاضر در چهار فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول: زمینه های تغییر در موازنه جنگ

فصل دوم: آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

فصل سوم: تلاش ایران برای مهارت حملات عراق

فصل چهارم: از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق

ص: ۱۴

در فصل اول کتاب برای تشریح زمینه های تغییر در موازنه سیاسی - نظامی جنگ سه بحث اساسی انجام گرفته است: نخست، تجزیه و تحلیل «تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند با کمک مستشاری روس ها، بر پایه این فرض که سرنوشت جنگ تنها بر روی زمین و با برتری نظامی عراق حاصل خواهد شد»؛ سپس با تأکید بر آمار و ارقام «انباشت سلاح و تجهیزات» با افزایش تولید و خرید سلاح با هزینه و سرمایه گذاری نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در سال های پایانی جنگ به وسیله عراق توضیح داده شده و در پایان گسترش سازمان رزم عراق با فراخوانی نیروها و آموزش آنها مورد بررسی قرار گرفته است. روند اقدامات در این زمینه سبب گردید تا عراقی که در سال ۱۳۵۹ با ۱۲ لشکر و در سازمان ۳ سپاه به ایران حمله کرد، در سال ۱۳۶۶ با بیش از ۵۰ لشکر و در سازمان ۹ سپاه از توان قابل ملاحظه ای برای بازپس گیری مناطق تصرف شده برخوردار شود.

فصل دوم کتاب در واقع به بازتاب و پی آمدهای برتری نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور از پدافند به آفند اختصاص یافته است. بازپس گیری فاو در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ نقطه تحول در جنگ و تغییر موازنه به سود عراق بود. به عبارت دیگر، همان گونه که تصرف فاو از سوی ایران موازنه جنگ را به زیان عراق تغییر داد، بازپس گیری آن، اوضاع را به سود عراق به چرخش درآورد. با وجود برتری کمی عراق بر ایران که در چند سال پایان جنگ کاملا مشهود بود، در عین حال به نظر می رسد شکست عراق در تهاجم به فاو می توانست همچنان اوضاع را هر چند به صورت غیر طبیعی به سود ایران حفظ نماید. بنابراین نقطه تحول در جنگ و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را باید در روند تحولات نظامی جنگ در ماه های پایانی و برتری نظامی عراق و کسب پیروزی در فاو جستجو کرد. در هر صورت آغاز این روند موجب تداوم حملات عراق و بازپس گیری مناطق تصرف شده به فاصله کمتر از سه ماه شد.

ص: ۱۵

فصل سوم کتاب به پی آمدهای پیروزی نظامی عراق و در نتیجه تلاش ایران برای کنترل و مهار نتایج حاصله از برتری عراق اختصاص یافته است. پذیرش قطع نامه ۵۹۸ که در موقعیت برتری نظامی ایران بر عراق در سال ۱۳۶۶ و به منظور تأمین خواسته های ایران تنظیم شده بود، تنها راه حلی بود که در چنین شرایطی روبه روی ایران قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران با این اقدام در واقع ضمن بهره برداری از تغییر فضای بین المللی، در داخل کشور نیز اوضاع در خصوص جنگ و پایان آن را به خوبی اداره کرد. امتناع عراق از پذیرش قطع نامه زمینه ای برای مقابله بین المللی و داخلی با تجاوزات عراق و نیز پایان بخشیدن به جنگ شد. در این مرحله حضور گسترده مردمی در جبهه ها همانند روزهای آغازین جنگ، تجاوز عراق را در جنوب و تجاوز منافقین را در غرب با ناکامی مواجه ساخت. پیدایش وضعیت جدید در صحنه های نظامی بین المللی، عراق را به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ وادار ساخت. در نتیجه امکان برقراری آتش بس میان دو کشور در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ فراهم شد.

در فصل چهارم ابتدا بازتاب پایان جنگ در نظر تحلیل گران و صاحب نظران بررسی شده و سپس روند مذاکرات بی حاصل ایران و عراق تحت نظر سازمان ملل تشریح گردیده است. طی این مدت عراق با اتکا به برتری نظامی در ماه های پایانی جنگ، روند مذاکرات را تحت تأثیر ابتکار عمل خود قرار داد و از پیشرفت در حل و فصل اختلافات ممانعت می کرد. در چنین وضعیتی در حالی که عراق همچنان مواضع تهدیدآمیز خود را به سمت ایران نشانه می رفت و نوعی نگرانی از تجاوز مجدد مجدد عراق در داخل ایران به وجود آمده بود، ناگهان پس از مناقشه با کویت به اشغال این کشور اقدام کرد. عراق با این اقدام بخشی از نتایج برتری نظامی بر ایران را آشکار ساخت و مقدمات حضور گسترده امریکا و تغییر آرایش سیاسی - نظامی در منطقه را

فراهم ساخت. عراق پیش از اشغال کویت به تبادل نامه های صلح با ایران پرداخت و متعاقب اشغال کویت، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که پیش از این در آغاز هجوم سراسری به ایران، در برابر دوربین های تلویزیونی پاره کرده بود، پذیرفت و مناسبات دو کشور در فضا و مرحله جدیدی قرار گرفت و جنگ بدون این که نتیجه ای برای عراق به دنبال داشته باشد، پایان گرفت.

ص: ۱۷

زمینه های تغییر در موازنه جنگ

اشاره

حملات پی درپی و گسترده عراق در بهار ۱۳۶۷ روند تحولات جنگ را به گونه ای ناگهانی و غافل گیرانه، به زیان ایران و به سود عراق تغییر داد. کارشناسان و تحلیل گران مختلف، نظرات متعددی در توضیح عوامل وقوع این رخداد ارائه کردند و در این میان «حضور نظامی امریکا در خلیج فارس»، «اقدام نظامی امریکا علیه ایران»، حمایت گسترده شوروی (پیشین) (۱) از عراق» و «افزایش توانایی نظامی عراق» به عنوان بخشی از این عوامل مورد تأکید قرار گرفت (۲) .

در واقع، نبودن چشم انداز روشن نسبت به پایان یافتن جنگ و نگرانی های موجود درباره فرآیند تحولات جنگ باعث شد تا نوعی اجماع جهانی برای تشدید فشار بر ایران و تغییر اساسی در موازنه نظامی به سود عراق به عنوان نخستین شرط پایان سریع جنگ به وجود آید.

ص: ۱۸

۱- ۷. اتحاد سوسیالیستی جماهیر شوروی کشوری بود متشکل از کشورهای کوچک تر روسیه، بلوروس، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، اوکراین، مولداوی و... که در نظام دو قطبی وقت به سردمداری قطب کمونیست، مخالف امریکا که سردمداری قطب سرمایه داری را بر عهده داشت شناخته می شد؛ اما این کشور پس از فروپاشی (۱۹۹۰ میلادی - ۱۳۶۹ خورشیدی) به چهارده کشور تجزیه شد.
۲- ۸. روند تحولات جنگ در سال ۱۳۶۶ در جلد چهارم تحت عنوان شلمچه تا حلبچه بررسی شده است. با توجه به این که تحولات ماه های پایانی جنگ، ریشه در اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ دارد، لذا این مبحث در این جلد (پنجم) بررسی می شود تا زمینه لازم برای درک منطقی تحولات جنگ و علل پذیرش قطع نامه ۵۹۸ فراهم شود.

در همین راستا، «مایکل آرماکاست»، معاون وقت وزارت خارجه امریکا با یادآوری ضرورت تهیه طرح مشترک با شوروی برای پایان دادن به جنگ، تأکید کرد:

«هر دو ابرقدرت علاقه مند به جلوگیری از پیروزی ایران هستند.» (۱) .

«کسینجر» نیز طی مقاله ای در روزنامه «لوس آنجلس تایمز» به وحدت نظر امریکا و شوروی در کوتاه مدت درباره ضرورت ممانعت از شکست عراق تأکید کرد (۲) «کلودسشون»، وزیر خارجه سابق فرانسه نیز در مصاحبه ای گفته بود:

«اعضای دائمی شورای امنیت در یک تصمیم اعلام نشده در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند.» (۳) .

اجماع بین المللی برای حمایت از عراق در مقابله با ایران، نقش مؤثر و تعیین کننده ای در تحولات سیاسی - نظامی جنگ داشت، اما منشأ تحولات ماه های پایانی جنگ را باید در جبهه های جنگ و وضعیت نظامی ایران و عراق جست و جو کرد. با توجه به این که هسته مرکزی و نقطه ثقل تحولات نظامی در جبهه های جنگ بوده است، به نظر می رسد نتایج حاصله از تغییر در موازنه نظامی و «به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی عراق بر روی زمین» را باید عامل اصلی در تغییر روند جنگ و در نهایت، پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ دانست. این تحول چشم گیر و تعیین کننده مهم ترین سؤالی است که فراروی محققان قرار دارد. به عبارت دیگر، عراق تحت چه شرایطی و در چه روندی موفق به انجام تغییرات و اقدامات اساسی برای تغییر در موازنه جنگ شد؟

در یک پاسخ کوتاه، می توان بر این موضوع تأکید کرد که برتری نظامی عراق، حاصل تغییر در استراتژی نظامی از دفاع به حمله و سلسله اقداماتی بود که این کشور به طور مشخص در سال ۱۳۶۶ و در چارچوب این استراتژی انجام داد.

---

۱ - ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۱۵۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از نشریه پاتریوت، چاپ دهلی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۶.

۲ - ۱۰. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، سال ۱۳۶۶، ص ۱۶۰.

۳ - ۱۱. محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۳۷، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۹، ص ۲.

تغییر استراتژی نظامی عراق

ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به ایران و ادامه آن با شکست های پیاپی و عقب نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی، از دست دادن قدرت به دست آمده از این اعتماد به نفس و مهم تر از همه پیدایش نوعی تزلزل در ارکان قدرت عراق از جمله این عوارض بود. بر همین اساس، ارتش عراق علاوه بر ضرورت کسب آمادگی برای دفاع در برابر حملات ایران، با نوعی چالش احتمالی امنیتی در داخل کشور متبوعش روبه رو بود. در این مرحله جدید، عراقی ها در اولویت نخست با اتخاذ استراتژی دفاعی به تحکیم مواضع و استحکامات خود پرداختند. این استراتژی می توانست شکست ناپذیری عراق را در برابر حملات پی درپی ایران تضمین کند. در سال های پس از فتح خرمشهر، ابتکار عمل در دست نیروهای ایران بود و عراق بدون داشتن روحیه تهاجمی در انفعال و لاک دفاعی به سر می برد. در این مدت آن چه عراق را شکست ناپذیر کرده بود و مانع از پیروزی قطعی نظامی ایران می شد، قدرت دفاعی ارتش عراق با تکیه بر برتری کمی نیروی انسانی و سلاح بود. عراق در استراتژی دفاعی خود از «قانون تعداد» که به گفته «کلاوز ویتس» تعیین کننده صریح و بدون ابهام نظریه جنگ است پیروی می کرد (۱) «بلیاکوف» روسی (۱۹۷۹) در این باره می گوید:

«ارتباط نیرو و ابزار، شاخص عینی قدرت جنگی طرف های متخاصم و میزان برتری[یکی]را بر دیگری نشان می دهد. این ارتباط با مقایسه اطلاعات کمی و کیفی موجود در نیروهای متخاصم تعیین می شود.» (۲) .

مبتنی بر این نظر، می توان استنباط کرد که تعداد نیروها به اضافه کیفیت

۱- ۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۲- ۱۳. پیشین، ص ۱۱.

آنها و با در نظر گرفتن شرایط متغیر، نقش تعیین کننده ای دارد و عراقی ها به دلیل تأثیر پذیری از روش آموزش شوروی ها، قدرت دفاعی خود را در برابر ایران به تدریج بهبود بخشیدند. با وجود مزیت دفاع، نظر به این که پیروزی تنها با تهاجم حاصل می شود، عراق طی سال هایی که در موضع دفاع قرار داشت، مترصد استفاده از برتری دفاعی در فرصت مناسب بود، ولی «قدرت تصمیم گیری» و «ریسک پذیری با برخورداری از روحیه تهاجمی» دو عنصری بود که ارتش عراق به آنها نیاز داشت، ولی فاقد آنها بود.

استراتژی دفاعی عراق در این دوره ضمن این که مواضع دفاعی این کشور را پس از فتح خرمشهر همچنان محفوظ نگه داشت، در عین حال سبب شد تا ایران با اجتناب از رویارویی در مناطقی که عراق دفاعی مستحکم داشت، در پی انتخاب زمین مناسب و استفاده از اصل غافل گیری باشد که انتخاب منطقه «هور» در عملیات خیبر و بدر در این راستا بود.

در این روند، فتح فاو بسیار برجسته بود و تأثیرات تعیین کننده ای را در روند جنگ بر جای نهاد. وجه تمایز عملیات والفجر ۸ با تلاش های پس از فتح خرمشهر، حصول توانایی برای ایران در تأمین و تثبیت مناطق تصرف شده بود، امری که پیش از این حاصل نمی شد. این عملیات یک پیام نظامی داشت (۱) و به دلیل تأثیر آن در تغییر توازن به سود ایران، در واقع نقطه آغاز بازنگری عراق در خصوص ضرورت تغییر روند نظامی جنگ بود.

سرهنگ «الکساندر کولیکو»، کارشناس برجسته شوروی در مقالات مستندی که در مجله ارتش سرخ شوروی در ماه آوریل و مه ۱۹۸۶ منتشر شد (۲) ، اهمیت پیروزی فاو را از نظر نظامی مورد توجه قرار داد. به نظر وی این پیروزی محدود به کسب امتیاز جغرافیایی و روانی نبوده، بلکه یک پیام نظامی داشت؛ بدین معنا که، گرچه ایران قادر نبود به تهاجم نهایی و سرنوشت ساز دست بزند ولی نشان داد که اگر به این کشور اجازه داده شود، می تواند از

۱- ۱۴. محی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مجموعه مقالات تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳.

۲- ۱۵. پیشین.

کارآیی سیستم دفاع متحرک عراق از طریق یک رشته عملیات برنامه ریزی شده بکاهد (۱) وی سپس در مورد کارآیی این گونه استراتژی برای دفاع در برابر عملیاتی شبیه عملیات ایران در فاو ابراز تردید کرده (۲) و تأکید می کند که ممکن است عراق مجبور شود استراتژی خود را از دفاع متحرک به استراتژی تهاجمی تغییر دهد (۳) کولیکو با توجه به ناتوانی عراق در بیرون راندن ایران از فاو و ناکامی در استراتژی دفاع متحرک، به این نتیجه رسید که نیروهای عراق و شیوه فرماندهی در جنگ برای اجرای یک استراتژی تهاجمی کافی نیست (۴) با توجه به این تحلیل، رخدادهای نظامی جنگ در آغاز سال ۱۹۸۶ نشان داد که نیروهای عراق نه تنها در موضع دفاعی قادر به مهارت تهاجمات نظامی ایران نیستند، بلکه در موضع تهاجمی نیز نمی توانند بخش های هر چند محدودی از خاک ایران را تصرف کنند. پیدایش این وضعیت بیان گر مشکلات ساختاری ارتش عراق در موضع تهاجم و دفاع بود. تحلیل نظامی شوروی ها در این زمینه به تدریج مورد پذیرش برخی از افسران ارشد عراق قرار گرفت. ادامه این وضعیت با توجه به کاهش روحیه نیروهای عراقی ضربه ای سنگین بر اعتبار نظامی بغداد بود (۵) ارزیابی های موجود از ناتوانی عراق و در مقابل، افزایش نگرانی از برتری ایران و نتایج احتمالی برخواسته از آن، زمینه تهاجم گسترده هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی و پایانه های نفت ایران را فراهم ساخت (۶) این حملات به لحاظ ماهیت آن گر چه نقش مؤثری در کاهش توان نظامی - اقتصادی ایران داشت، لیکن فاقد نقش تعیین کننده برای تغییر موازنه به سود عراق و یا پایان دادن به جنگ بود. ضمن این که ایران در این مدت علاوه بر بازپس گیری برخی از مناطق که عراق در چارچوب استراتژی دفاع متحرک تصرف کرده بود - از جمله شهر مهران - توانست عملیات کربلای ۵ را طرح ریزی و اجرا کند. در هم شکستن

۱- ۱۶. پیشین.

۲- ۱۷. پیشین.

۳- ۱۸. پیشین.

۴- ۱۹. پیشین.

۵- ۲۰. پیشین، ص ۲۲۹.

۶- ۲۱. ر.ک به: کتاب از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۵۶ - ۶۲.

مواضع دفاعی و استحکامات عراق در منطقه با اهمیت شرق بصره همان نتایجی را در پی داشت که با فتح فاو به دست آمد. به همین دلیل، به نظر برخی از کارشناسان نظامی بصره «نقطه چرخش» جنگ بود (۱) برابر اخبار موجود، صدام پس از عملیات کربلای ۵ و ناامیدی از بازپس گیری منطقه تصرف شده در این عملیات، در جلسه ای پنج ساعته با فرماندهان ارتش عراق، بحث هایی را در مورد خطر شکست تدریجی عراق در «جنگ فرسایشی» انجام داد. در این جلسه احتمالا در مورد گسترش بیش تر سازمان گارد ریاست جمهوری، تدارک نیروهای بیش تر برای ضد حمله، تشدید جنگ نفت کش ها و استفاده بیش تر از گازهای شیمیایی، بحث و تصمیم گیری شده است (۲) .

افزایش خرید و انباشت سلاح

اشاره

بر اساس گزارش های موجود، در سال ۱۳۶۶ برنامه های تسلیحاتی عراق (۳) شتاب بی سابقه ای پیدا کرد به گونه ای که از آن به عنوان «انقلاب در تأسیسات و نهاد نظامی عراق» یاد می شود. ضمن این که، شبکه تدارکاتی عراق نیز از این سال به نحو بی سابقه و چشم گیری فعال شد. «نگرانی ناشی از گسترش دامنه جنگ» و «ضرورت مقابله با برتری ایران» سبب شد که بر اساس یک «تصمیم همگانی»، عراق به طور برجسته و بی سابقه ای تجهیز شود. در این مرحله در کمتر از دو سال، فرانسه (۴) حدود ۶ / ۵ میلیارد دلار و شوروی (۵) حدود ۳ / ۹ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عراق فروختند. افزون بر این، زیربنای صنعتی فوق العاده عراق از سال ۱۹۸۴ میلادی به بعد با ۲ / ۱۴

ص: ۲۳

---

۱ - ۲۲. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۳۰۱ (چاپ نشده).

۲- ۲۳. پیشین، ص ۲۹۹.

۳- ۲۴. کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۹۰.

۴- ۲۵. برابر گزارش مجله نیوزویک، فرانسه در طول جنگ تقریبا ۶ / ۱۶ میلیارد دلار سلاح پیش رفته از جمله ۱۳۳ فروند میراژاف - (۱ - F) و موشک های اگزوست به عراق فروخته است. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

۵- ۲۶. برابر گزارش مجله نیوزویک، پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار هزینه سلاحی که در طول جنگ به عراق فروخته شد، به وسیله روس ها تأمین شد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹).

میلیارد دلار هزینه تقویت شـد. عراقی ها توانسـتند در این روند از شوروی، امریکا، فرانسه و آلمان تجهیزات و تکنولوژی پیش رفته خریداری کنند.

کمک های شوروی به عراق

در این مرحله روس ها علاوه بر ارسال سـلاح به عراق، با ارزیابی از ضعف های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح عراق (۱) و طرح ریزی استراتژی تهاجمی عراق نیز نقش فعال و محوری داشـتند. کمک های شوروی به عراق در این مرحله در مقـایسه بـا کمـک سـایر کشورهـا بسـیار برجسـته تر و نمایان تر بود و تا انـدازه ای، تأثیرات سرنوشت ساز بر روند تحولات جنگ داشت (۲) یکی از مسـئولان حزب کمونیست شوروی درباره علل ارسال سلاح به عراق گفت:

«شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سر گرفت و نه به خاطر این که جنـگ ادامه یابـد. ایرانیـان امیـدهای زیـادی به برتری قـدرت نیروی انسـانی خود دارنـد و ممکن است این برتری به توازن نظـامی اخلاـل وارد آورد و از این رو، شوروی ارسـال سـلاح به عراق را آغاز کرده است و این کار همچنان ادامه دارد (۳) ... هـدف از چنین معاملات، آن است که از پیروزی مهاجم کنونی یعنی جمهوری اسـلامی ایران جلوگیری شود. طرف مهاجم تا زمانی که معتقـد باشد پیروزی نظامی اش امکان پذیر است، حاضـر نخواهد شد در گفت و گوهای صـلح و پایان دادن به نبرد شرکت جوید.» (۴) .

گسترش مناسـبات همه جانبه عراق و شوروی این امکان را فراهم ساخت تا روس ها اهداف جدید سیاست خارجی خود را در منطقه و در برابر ایران پی گیری کرده و در مقابـل، عراقی هـا نیز با برخورداری از حمایت سیاسـی - نظامی شوروی، تجهیزات نظامی و کمک های مستشاری دریافت

---

۱ - ۲۷. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، گزارش های ویژه، نشـریه شـماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶، قاهره، به نقل از طه یاسین رمضان.

۲- ۲۸. مأخذ ۶، ص ۲۳۶.

۳- ۲۹. پیشین، ص ۲۳۳.

۴- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۳۰۳، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

کنند. «طه یاسین رمضان»، از مسئولان وقت دولت عراق در مصاحبه ای با مجله «الدستور» ضمن انتقاد از امریکا و تأکید بر این مسئله که «موضع امریکا پر از تضاد است»، با اشاره به موضع شوروی گفت:

«اتحاد شوروی موضع خود را روشن ساخته است... روابط فعلی عراق با اتحاد شوروی در تمامی جنبه ها رو به گسترش می رود.» (۱) .

چند ماه پس از آن، وی به مسکو سفر کرد و در بازگشت به بغداد گفت:

«در این دیدار صورت جلسه هجدهمین دوره کمیته همکاری مشترک عراق و شوروی در زمینه های اقتصادی، علمی و فنی به امضا رسید.» (۲) .

وی در قاهره نیز رسما اعلام کرد:

«شوروی ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (۳) .

بر اساس گزارش هفته نامه «فارین ریپورت» چاپ لندن در مورد کمک های تسلیحاتی شوروی به عراق، روس ها از اول ماه ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی به منظور تحویل اسلحه به عراق به کار انداختند و موشک های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد - B، تانک های جدید تی - ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ که به صورت قطعات جداگانه حمل می شد و موشک های ضد هواپیما از انواع گوناگون همراه با تکنسین های روسی را به عراق فرستاد. علاوه بر آن، حکومت مسکو چهار فروند هواپیمای سوخت رسان از نوع توپولف ۷۲ برای سوخت رسانی از آسمان به هواپیماهای جنگی و بمب افکن های عراق به آن کشور تحویل داد (۴) .

«جیمزبیل» یکی از محققان امریکایی، طی مقاله ای در مورد کمک های شوروی به عراق نوشت:

«شوروی با عراق روابط بسیار نزدیک دارد و حدود ۶۰ درصد از تجهیزات نظامی آن کشور را تأمین می کند و علاوه بر هواپیماهایی مانند میگ ۲۳، ۲۱ و ۲۵ در حال حاضر میگ ۲۹ و هزاران فروند موشک زمین به زمین اسکاد فواگ در

---

۱ - ۳۱. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۹۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲ - ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۶.

۳- ۳۳. مأخذ ۱۶، قاهره، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۶.

۴- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸۰، ۴ / ۱۰ / ۱۳۶۶ رادیو اسرائیل، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

عراق گذاشته است. مستشاران شوروی با مقامات نظامی عراق بر اساس یک برنامه منظم، همکاری می کنند. شکی وجود ندارد که اتحاد جماهیر شوروی بزرگ ترین قدرت خارجی است که از عراق حمایت می کند.» (۱) .

با توجه به شواهد، قرائن و اطلاعات موجود، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ طی سخنانی در مورد کمک تسلیحاتی شوروی به عراق (۲) و دلایل آن گفت:

«ما می دانیم که ۷۰ تا ۸۰ درصد تسلیحات عراق از آن روس هاست.» (۳) .

کمک های امریکا به عراق

اقدامات امریکا نیز علیه ایران به موازات افزایش پیش روی نیروهای نظامی ایران در مواضع عراقی ها، با هدف جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق تشدید شده و گسترش می یافت (۴) ، زیرا پیروزی ایران بر عراق برای امریکا غیر قابل قبول بود. (۵) صدام با فرستادن «نزار حمدون» به عنوان سفیر عراق در امریکا علاوه بر اهدافی که در سطوح مختلف پی گیری می کرد، زمینه تحکیم عراق و امریکا را فراهم ساخت و به تدریج عراق به یک متحد امریکا در منطقه تبدیل گردید، و بازارش برای امریکا، بازار پر سودی ارزیابی شد (۶) به همین دلیل، جامعه تجاری و صنعتی امریکا به عنوان بزرگ ترین پشتیبان عراق، از روابط تجاری با این کشور حمایت می کرد (۷) .

سیاست جانب دارانه امریکا از عراق نیز با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس

ص: ۲۶

۱- ۳۵. مأخذ ۶، ص ۴۱۸.

۲- ۳۶. برابر گزارش روزنامه «اخبار مسکو»، چاپ شوروی (پیشین)، فهرست بخشی از تسلیحاتی که شوروی در دهه ۸۰ میلادی به عراق تحویل داد، به شرح زیر می باشد: ۵۰۰ دستگاه تانک تی - ۷۲، ۱۰۰۰ دستگاه تانک تی - ۶۲، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتر، ۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹، ۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۱، ۳۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۵، ۵۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۰ (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۹، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹).

۳- ۳۷. پیشین، جلد اول، ص ۵۲.

۴- ۳۸. مأخذ ۳، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از نیوزویک، چاپ امریکا.

۵- ۳۹. پیشین، ص ۱۳۳ به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹.

۶- ۴۰. پیشین، ص ۱۳۷ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۱۳۶۹، ریچارد مورفی، معاون اسبق وزارت خارجه امریکا، تلویزیون انگلیس.

۷- ۴۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۹۲.

ارزیابی جدید شکل جدیدتری به خود گرفت. به گونه ای که «ریچارد آرمیتیج»، معاون وزیر جنگ امریکا، در کنگره اظهار کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد.» (۱) .

به همین دلیل، «مورفی»، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد:

«هدف نهایی امریکا مقابله با انقلاب اسلامی می باشد.» (۲) .

در این حال، تصورات امریکایی ها، در مورد توان نظامی ایران و برتری این کشور بر عراق، نقشی اساسی در گرایش امریکا به عراق داشت. ضمن این که سرخوردگی دولت امریکا از ماجرای «مک فارلین» و تلاش برای جبران این ماجرا و اثبات نزدیکی خود به عراق نیز در این گرایش بی تأثیر نبود. (۳) بر همین اساس، امریکایی ها در سال ۱۳۶۶ با سازماندهی «فشار دیپلماتیک» به ایران از جمله با تصویب قطع نامه ۵۹۸، هم زمان با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفت کش های کویت را بر عهده گرفت (۴) بدین وسیله، امریکا با ایجاد «چتر حمایت استراتژیک»، فرصت و امکان مناسب را برای حملات ویران کننده عراق به پایانه های نفت ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران، فراهم ساخت.

کمک اطلاعاتی (۵) امریکا به عراق که از سال ۱۳۵۹ خورشیدی آغاز شد و

۱- ۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه القبس، چاپ کویت.

۲- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه الانباء، چاپ کویت.

۳- ۴۴. مأخذ ۳، ص ۱۳۷ رابرت هانتر، از مسئولان سابق شورای امنیت ملی امریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی. ان. ان.

۴- ۴۵. «محی الدین مصباحی»، طی مقاله ای در مورد تأثیر حضور امریکا در خلیج فارس نوشت: «از اواسط ۱۹۸۷[میلادی]، حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس عملیات حفاظت و اسکورت کشتی ها و توافق ابرقدرت ها در قبال افغانستان همراه با تصمیم شوروی در بازسازی ماشین جنگی عراق از عواملی بودند که موجب کاهش توانایی ایران در بهره برداری و استفاده از رقابت های ابرقدرت ها گردید و بدین ترتیب، خلاء استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید.» (محی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۶۷، ص ۲۳۵).

۵- ۴۶. «وفیق السامری»، رئیس بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی عراق در مصاحبه با روزنامه الحیات چاپ لندن گفته بود که وی پس از آغاز جنگ در شهریور سال ۱۳۵۹ با مأموران سیا و مأموران آژانس اطلاعات دفاعی امریکا در بغداد تماس گرفته بود. ارزش مندترین اطلاعاتی که امریکا در اختیار عراق قرار داد بر اساس عکس های ماهواره ای از مواضع ایران در طول جبهه ۱۲۰۰ کیلومتری این کشور تهیه شده بود. مأموران امریکا تحولات جنگ و راه های گریز در طرح های نظامی را با

همتای عراقی خود مورد بحث و بررسی قرار می دادند. مأموران امریکایی اطلاعاتی در مورد محل های استقرار نیروهای ایران، جنگ افزارها، تحرکات و مقاصد آنها در اختیار عراقی ها قرار می دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۶).

در سال های پایانی جنگ نیز بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و درخواست عراق بود (۱) ، سبب گردید تا سازمان «سیا» اطلاعات فوق العاده محرمانه ای از مراکز استراتژیک ایران در اختیار عراق قرار دهد. حتی برابر برخی گزارش ها، «ویلیام کیسی» رئیس سیا، بارها عراق را در حمله به تأسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن حمله هواپیماهای عراقی به «جزیره ی سیری» که در چارچوب هم آهنگی دقیق اطلاعاتی میان سیا و ارتش عراق انجام گرفت (۲) .

امریکایی ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه ها تسهیلات لازم را برای تأمین نیازمندی های تسلیحاتی عراق فراهم می کردند. بعدها «هوارد تایچر»، عضو شورای امنیت ملی امریکا در دولت ریگان، طی اظهاراتی فاش کرد که رئیس وقت سازمان سیا (ویلیام کیسی)، شخصا برای اطمینان از این که عراق تسلیحات، مهمات و خودروهای مورد نیازش را دریافت می کند، بر این همکاری نظارت می کرد (۳) برابر گزارش های موجود، امریکا در پنج سال گذشته (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶) معادل ۵ / ۱ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین آلات، دستگاه های حساس و رایانه های فوق العاده قوی در زمینه تولید سلاح های شیمیایی، موشکی و هسته ای را به دولت عراق فروخت (۴) بعدها، یک بازپرس کنگره امریکا که مسئول بررسی عمل کرد دولت امریکا در برابر عراق بود، گفت:

«دامنه وسعت انواع تجهیزات تکنولوژی حساسی که از طرف دولت امریکا به عراق ارسال شده است، آدم را شوکه می کند.» (۵) .

همچنین، در گزارشی که بعدها در تلویزیون «ای. بی. سی» امریکا پخش شد، بر این مسئله تأکید شد که شرکت های امریکا به طور قانونی و غیر قانونی

۱- ۴۷. مأخذ۳، ص ۶۲، مصاحبه مطبوعاتی سفیر اسبق عربستان سعودی در امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۴۸. پیشین، ص ۷۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۷ / ۱۳۶۹، به نقل از هفته نامه المجله، چاپ دمشق.

۳- ۴۹. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

۴- ۵۰. مأخذ ۳، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹، به نقل از روزنامه واشنگتن پست، چاپ امریکا.

۵- ۵۱. پیشین.

نوعی فن آوری را در اختیار عراق قرار داده بودند که این کشور را قادر می ساخت، برنامه های ساخت پیش رفته ترین جنگ افزارها را ادامه دهد. (۱) به گزارش روزنامه «تایمز مالی»، چاپ انگلیس، شرکت امریکایی «اینترنشنال سیکنال اند کنترل» نیز در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب های خوشه ای به عراق دست داشت (۲) .

کمک های فرانسه به عراق

فرانسوی ها در مقایسه با سایر کشورهای غربی بیش ترین تسلیحات مورد نیاز عراق را به این کشور واگذار کردند. فرانسوی ها منابع استراتژیک و انگیزه های مالی لازم را برای تقویت عراق داشتند، به همین دلیل از شهریور سال ۱۳۵۹ (۳) فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۶ / ۵ میلیارد دلار رسید و ۷ / ۴ میلیارد دلار نیز قراردادهای بازرگانی و غیرنظامی میان دو کشور منعقد شد. دست کم، هفت میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. (۴) در سال ۱۹۸۲ میلادی، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد؛ میراژ اف – ۱، موشک های هوا به هوای ماژیک – ۱، موشک های اگزوست ۳۹- AM، (۵) و پس از آن، هواپیماهای سوپر اتاندارد علاوه بر تقویت قدرت هوایی عراق، این کشور را برای حمله به نفت کش ها و پایانه های نفتی ایران از موقعیت برتری برخوردار کرد. همچنین، عراقی ها یک قرارداد ۵ / ۶ میلیارد دلاری تحت عنوان «پروژه فاو» با سه شرکت خصوصی فرانسوی امضا کردند. عراقی ها پیش بینی کرده بودند که طی سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراژهای اف – ۱ در فرانسه، در کشور خود به این کار اقدام کنند.

۱– ۵۲. پیشین، ص ۶۷، به نقل از شبکه ای. بی. سی امریکا، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹.

۲– ۵۳. پیشین، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۳– ۵۴. متأسفانه «کردزمن» در کتاب خود، پایان دوره زمانی مورد نظر را ذکر نکرده است. احتمالاـ پایان دوره، سال ۱۳۶۷ مورد نظر بوده است.

۴– ۵۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰۲.

۵– ۵۶. پیشین، ص ۱۸۲.

همچنین، عراقی های امیدوار بودند با احداث کارخانه هواپیما سازی «سعد ۲۵» و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی آلفا جت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. عراق در مرحله پایانی می توانست هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ اس را به عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می کرد و دستگاه رادار آن می توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کند. (۱) افزون بر این، فرانسوی ها در ساخت رآکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دست یابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته ای داشتند.

کمک های انگلیس به عراق

رونق ناگهانی بازار عراق برای صنایع ابزارسازی انگلیس نیز کارساز بود. براساس برآورد انجمن تکنولوژی ابزارهای ماشین (MTAA)، فروش ابزار ماشین انگلیس به عراق از ۹ / ۲ میلیون دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۵ / ۳۱ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت. (۲) از سوی دیگر برخی از کارخانه های انگلیس در پی فروش سلاح به عراق سودآور شدند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی فروش این اقلام به ۲ / ۱ میلیارد دلار رسید. (۳) هم زمان، انگلیس ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی ۱۵ – M کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می دادند. (۴).

کمک های آلمان به عراق

آلمان ها همانند فرانسه و انگلیس تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار عراق قرار دادند. فن آوری آلمان ها در زمینه تولید سلاح های شیمیایی (۵) و موشکی بیش

۱– ۵۷. مأخذ ۱۵، صص ۶۳۱ و ۶۳۲.

۲– ۵۸. پیشین، ص ۵۱۳.

۳– ۵۹. پیشین، ص ۵۴۸.

۴– ۶۰. پیشین، ص ۶۴۸.

۵– ۶۱. به گزارش مجله «اشپیگل»، چاپ آلمان، در تأسیسات شیمیایی که شرکت های آلمانی در سامره ساخته بودند، مواد شیمیایی بسیار مرگ بار «تابون ولاست» تولید شد. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شدند سه کارخانه فروخته شده به عراق قادر به تولید اسید سیائیدریک غلیظ و فشرده می باشند. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۱۱۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱ / ۷ / ۱۳۶۹).

از سایر بخش ها به کار گرفته شـد. آلمان ها مانند فرانسوی ها نوعی اتحاد استراتژیک با عراق داشـتند، اما این اتحاد با موانعی روبه رو بود. آنها نمی توانسـتند روابط خود را کاملا علنی سازند. یکی از دلایل پنهان کاری آلمان ها، جلوگیری از خشمگین شـدن ایران بود (۱) ، زیرا شـرکت هـای آلمـانی روابط اقتصادی نسـبتا گسترده ای با ایران داشـتند و مایل نبودنـد بر اثر افشای کمک های آلمان به عراق، این روابط دچار آسیب شود.

در این حال، آلمان ها در چارچوب سیاست های خود و با هدف کاهش خشم صدام نسبت به روابط بازرگانی آلمان با ایران، صادرات خود را در سال ۱۹۸۸ میلادی نسبت به سال قبل با جهش چشم گیری ادامه داند.

در چهار حوزه کلیدی: شیمیایی (۲) ، کالاهای ساخته شده، ماشـین های سنگین و کنترل ابزار دقیق ماشینی و ابزارهای علمی، فروش آلمان به عراق در فاصـله یک دوره ۱۲ ماهه دو برابر شـد. ارزش فن آوری پیش رفته آلمان به عراق از ۸ / ۳۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ میلادی به ۸ / ۸۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی رسـید. بخشی از کارخانه های آلمان نیز به صورت انحصاری، سلاح های مورد نیاز صدام را می ساختند (۳) .

کمک های کویت و عربستان به عراق

کشورهـای عربی به ویژه کویت و عربسـتان نیز بـا کمک های مالی به عراق بخشـی از هزینه های این کشور را متحمل شدنـد. برابر گزارش «کردزمن»، دو کشور یاد شـده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیـارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. (۴) بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله،

۱- ۶۲. پیشین، ص ۳۱۸.

۲- ۶۳. برابر گزارش های موثق و محرمانه، آلمان ها اطلاعات به دست آمـده از مجروحان شـیمیایی ایرانی در بیمارسـتان های آلمـانی را در اختیـار عراق قرار می دادنـد تـا از آنهـا برای اصـلاح ترکیبـات شـیمیایی مورد اسـتفاده در سـلاح های خود بهره برداری کنند.

۳- ۶۴. پیشین، ص ۴۹۳.

۴- ۶۵. مأخذ ۱۳، ص ۲۰.

معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت:

«تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند» (۱) .

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت:

«اگر عراق می گوید افراد خود را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیش رفته و همکاری بین المللی در این فداکاری سهیم بوده ایم.»

وی سپس اقدامات رهبری عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت های نظامی عربستان ذکر کرد. (۲) هم زمان، شیخ «الصباح» سفیر کویت در واشنگتن در پاسخ به اظهارات عراقی ها گفت:

« کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت نموده است... و طی جنگ، کویت بیش از نیاز نفت صادر می کرد تا به صدام در جنگ کمک کند.» (۳) .

بعدها کویتی ها اذعان داشتند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق دادند که همین امر به عراقی ها برای حمله به جزیره خارک و پایانه های نفت ایران و نفت کش ها کمک شایانی کرده بود (۴) .

عراقی ها تجهیزات و مواد خامی را که برای مقاصد نظامی نیاز داشتند از دویست شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می آوردند. (۵) غربی ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر موازنه به سود این کشور جلوگیری کنند. (۶) در نتیجه، این کمک ها همراه با حمایت های مالی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان (۷) ، و سلاح های روسی، قدرت زمینی عراقی ها را بهبود بخشید و آنها توانستند با تکیه بر سلاح های فرانسوی و روسی توان هوایی خود را افزایش دهند. قدرت توپخانه این کشور نیز با خرید جنگ افزار از کشورهای مختلف افزایش یافت و قدرت ایجاد

۱- ۶۶. روزنامه کیهان، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۹، ابوغزاله در گفت و گو با رادیو کویت.
۲- ۶۷. مأخذ ۳، ص ۶۲، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹.
۳- ۶۸. کنفرانس بحران خلیج فارس، بررسی منافع و راه های موجود امریکا، ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۶، واشنگتن.
۴- ۶۹. مأخذ ۱۵، ص ۴۲۳.
۵- ۷۰. مأخذ ۳، ص ۱۱۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۷ / ۱۳۶۹.
۶- ۷۱. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۹.
۷- ۷۲. پیشین، ص ۷۳، به نقل از مجله اشپیگل، چاپ آلمان، به نقل از «سعود الفیصل»، وزیر خارجه عربستان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

زیرساخت صنعتی برای تولید موشک و سلاح های شیمیایی با کمک آلمان ها به وجود آمد و تقویت شد.

به دنبال پیدایش چنین وضعیتی، صدام در مهرماه ۱۳۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی «السیاسه»، برتری عراق را این چنین مورد تأکید قرار داد:

«عراق در تمام زمینه های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل دو برابر شده است.» (۱) .

وی همچنین در مصاحبه با روزنامه «بوربا» چاپ عراق با توجه با تشدید درگیری در خلیج فارس گفت:

«روند تمام عواملی که احتمالا موجب خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق خواهد شد، اخیرا به طور رضایت بخشی به نفع عراق در حرکت می باشد.»

صدام این عوامل را شامل: «اوضاع جهان عرب»، «روابط بین المللی»، «موقعیت قوی تر عراق از لحاظ نظامی» و «افکار عمومی مردم ایران» ذکر کرد. وی در این مصاحبه در مورد مواضع و نظرات ابرقدرت نسبت به جنگ گفت که آنها بیش تر در فکر به دست آوردن صلح می باشند. (۲) مدتی بعد، در پی تصویب قطع نامه ۵۹۸ و حضور امریکا در خلیج فارس و درگیری میان ایران و امریکا، صدام در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه درباره روند جنگ گفت:

«اهداف ایران در سال های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش بینی هم نمی شود که در سال های هشتم، نهم و دهم تحقق یابد.»

وی همچنین تأکید کرد:

«پیروزی بر عراق به طور قطع غیر ممکن است.» (۳) .

۱- ۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، شماره نشریه ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۶، روزنامه بوربا، چاپ عراق، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۶.

۳- ۷۵. مأخذ ۵۶.

ایجاد زیرساخت فن آوری تولید موشک

انتشار متن نامه رئیس گروه تحقیقات موشکی عراق به صدام در مرداد سال ۱۳۶۶ (۱) مبنی بر کسب موفقیت در آزمایش موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر، به دلیل فضای ناشی از حضور امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفت کش ها و همچنین تصویب قطع نامه ۵۹۸ در سازمان ملل، با بی توجهی مواجه شد، حال آن که این مسأله نشان دهنده یک تحول اساسی در صنایع موشکی عراق و آغاز شکل گیری مرحله جدیدی از حملات ارتش این کشور به مردم بی دفاع و غیر نظامی ایران در شهرها بود.

در نخستین واکنش نسبت به اعلام رسمی عراق مبنی بر دست یابی به موشک «الحسین» (۲) با دو برابر برد بیش تر نسبت به موشک اسکاد - B، خبرگزاری آلمان به نقل از یک منبع نظامی عرب اعلام کرد که عراق بدون کمک خارجی نمی تواند چنین موشک هایی تولید کند. (۳) بعدها، با اصابت نخستین موشک عراق به تهران که با غافل گیری و حیرت همراه بود، مسکو و واشنگتن تحویل این نوع موشک را به عراق تکذیب کردند و به تدریج، هنگامی که موشک های بیش تری به تهران اصابت کرد، معلوم شد که عراق از قابلیت تولید موشک برخوردار شده است. بعدها نمایش بخشی از قطعات موشک های منفجر نشده در تلویزیون ایران، قابلیت عراق را در تولید موشک تأیید کرد. تعویض دستگاه های سوخت، بر برد موشک های اسکاد افزوده بود و برابر برخی از گزارش ها، عراقی ها با اصلاحات گوناگون در موشک های اسکاد، از هر سه موشک اسکاد، دو موشک الحسین تولید می کردند. (۴) پروژه افزایش برد موشک اسکاد تحت عنوان پروژه ۱۷۲۸ انجام می شد و فن آوری آلمان ها

---

۱ - ۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۱۳۸، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۶ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو صوت الجماهیر.

۲- ۷۷. نام گذاری موشک های جدید عراق به «الحسین» و «العباس»، خود مسئله قابل توجهی است.

۳- ۷۸. پیشین، خبرگزاری آلمان، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۶.

۴- ۷۹. مأخذ ۱۵، ص ۵۵۶ و ۵۵۷.

این امکـان را برای عراق فراهم می سـاخت تـا به تدریـج تولیـد و سـاخت قطعات موشک از جمله بـدنه آن را آغاز کنـد. (۱) بعدها، بازرسان سازمان ملل به مخازن ترکیب اکسیژن سیستم مراقبت فشار و یا شاسی های پرتاب موشک دست پیدا کردند که همگی آنها ساخت آلمان بود. (۲) مجله اشپیگل چاپ آلمان با آشکار شدن نقش این کشور در انتقال تکنولوژی و کمک های فنی به عراق نوشت:

«امروز، دیگر ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق قادر به تولید موشک های دور برد اسکاد – B نبوده است. تکنولوژی پیش رفته آلمان، به بغداد این امکان را داد که برد موشک های اسکاد – B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد.» (۳) .

دلایـل و انگیزه هـای عراق برای دسـت یـابی به زیرسـاخت صـنعت بهسـازی و تولیـد موشـک، ترکیـبی از ناکـامی عراق برای دریافت موشک اس.اس.۱۲ از شـوروی (۴) و استراتژی جدیـد این کشور برای پایـان دادن به جنگ بـا برخورداری از سـلاح جدید برای حمله به شـهرها و مراکز غیرنظامی به منظور فشار مسـتقیم بر مردم و غیرمسـتقیم بر تصمیم گیرندگان در ایران بود. به گفته «عامر رشید العبیدی»، یکی از مسئولان صنایع نظامی وقت عراق:

«عراق به سـلاحی نیـاز داشت که جنگ را به میان مردم ایران ببرد و تنها، موشک دوربرد چنین فرصتی را در اختیار ما قرار می داد.» (۵) .

عراقی ها به تدریج زیرساخت مناسبی (۶) را فراهم ساختند که منجر به

ص: ۳۵

۱- ۸۰. پیشین، ص ۴۹۵.

۲- ۸۱. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از مجله آلمانی اشپیگل.

۳- ۸۲. پیشین.

۴- ۸۳. «تیمرمن» در کتـاب خود در این زمینه می نویسـد: «خودداری شوروی از تحویل موشک اس.اس.۱۲ و وخامت اوضاع مـالی عراق دست به دست هم دادنـد و صـدام را در شـتاب بخشـیدن به برنـامه تسلیحاتی بومی مصمم تر ساختنـد.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۸۸).

۵- ۸۴. مأخذ ۱۵، ص ۴۸۵.

۶- ۸۵. فیوزهـا و سـایر مکـانیسم های کنترل مورد نیاز در موشک الحسـین و العباس در کارخانه الکترونیکی «صـلاح الـدین» تولید می شد. این شـرکت را فرانسوی ها ساخته بودند... بعدها «حسـین کامل»، در نطق افتتاحیه نمایشگاه در بغداد رسما اعلام کرد: در حال حاضـر سه نوع متفاوت سوخت موشکی اف.ای در عراق تولید می شود.» (تیمرمن، سوداگری مرگ، صص ۶۴۰ و ۶۴۱).

تولید موشک «العباس» با برد ۸۶۰ کیلومتر شد. این موشک بر خلاف موشک الحسین، نوع بهسازی شده موشک اسکاد – B نبود، بلکه با آن طرح شباهت هایی داشت. بلند پروازترین برنامه موشکی عراق پروژه ۳۵۹ بود که زیر نظر عامر العبیدی اداره می شد. وی در نظر داشت، تکنولوژی پیش رفته و پیچیده موشک کندور ۲ را با طرح ساده و بهسازی شده موشک اسکاد ترکیب کند (۱) که به دلیل مخالفت غربی ها و بعدها در پی حمله عراق به کویت، منتفی شد.

حمله موشکی عراق به تهران

حملات موشکی عراق به تهران و بازتاب های آن در جلد چهارم (از شلمچه تا حلبچه)، مورد بررسی قرار گرفته است.

برخورد نخستین موشک عراق به تهران در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله آغاز چهارمین مرحله از حملات عراق به مردم بی دفاع و اماکن غیر نظامی ایران بود. استفاده عراق از موشک، وجه تمایز مرحله چهارم جنگ شهرها با مراحل پیشین به شمار می رفت که موجب شگفتی ایران و کارشناسان اطلاعاتی غرب شد (۲) و سؤال ها و ابهامات بسیاری را درباره نحوه دست یابی عراق به موشک و مشخصات این جنگ افزار، مطرح کرد. روزنامه «واشنگتن پست» در مقاله ای نوشت، عراق به موشک های اس.اس.۱۲ ساخت شوروی دست یافته است ولی مقامات شوروی اجازه استفاده از آن را به عراق نمی دادند. (۳) برخی از تحلیل گران نظامی نیز بر این مسئله تأکید کردند که این موشک ها همان موشک های اسکاد – B ساخت شوروی هستند که در داخل عراق تغییر شکل یافته اند. (۴) ادعای عراق مبنی بر تولید این موشک ها سبب شد تا کمک فنی روس ها و واگذاری لوازم و سایر نیازمندی ها برای ساخت موشک در رسانه ها

۱- ۸۶. پیشین، ص ۴۹۹.

۲- ۸۷. مأخذ ۱۳، ص ۴۰۳.

۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۹، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۴- ۸۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۸، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از میدل ایست تایمز، چاپ قبرس.

مورد تأیید قرار گیرد. (۱) دست یابی ایران به قطعات برخی از موشک های شلیک شده که به دلایل فنی منفجر نشده بودند، و مشاهده ردپای روس ها و اعلام آن از طریق رسانه های عمومی، به تدریج این موضوع را آشکار کرد که عراق با کمک فنی آلمان و شوروی موفق به تولید موشک جدید با برد ۶۵۰ کیلومتر شده است (۲) واکنش افکار عمومی ایران درباره شوروی ها به دلیل تجهیز عراق به موشک و نگرانی روس ها از عواقب این مسئله سبب شد، «گنادی گراسیموف» سخن گوی وقت وزارت خارجه شوروی طی مصاحبه ای اعلام کند، این ادعا کاملا بی اساس است و شوروی تاکنون از این نوع سلاح به هیچ یک از دو طرف متخاصم نفروخته است. (۳) نماینده وقت شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که شوروی این سلاح ها را در اختیار عراق قرار نداده است (۴) .

اگر چه روس ها اعلام کردند که در این زمینه که در این زمینه نقشی نداشته اند، ولی اظهارات مقامات رسمی این کشور در مذاکرات، بیانگر چراغ سبز شوروی به عراق برای حمله موشکی به تهران بود. بعدها آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران گفت:

«در اوج بمباران های عراق[موشک باران تهران]، به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم: «چرا به عراقی ها موشک می دهید؟» گفت: «شما دست از حمایت مجاهدان افغانی (۵) بردارید تا ما هم موشک ندهیم، معامله خوبی نیست؟» (۶) .

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی «تجاوز و دفاع»، در مورد سیاست شوروی ها در برابر ایران گفت:

۱- ۹۰. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۰۷، ۹ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از دی ولت، چاپ آلمان، اسفند ۶۶.

۲- ۹۱. بعدها، رادیو امریکا اعلام کرد که عراق ۱۹۰ فروند موشک الحسین به شهرهای ایران پرتاب کرد. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، ص ۷۳، رادیو امریکا، ۷ آبان ۱۳۶۹).

۳- ۹۲. مأخذ ۶۹، به نقل از لوموند، چاپ پاریس، اسفند ۱۳۶۶.

۴- ۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۶، سازمان ملل، به نقل از خبرگزاری رویتر، «بلائوکف» نماینده وقت شوروی در سازمان ملل.

۵- ۹۴. کیانوری، دبیر حزب منحله توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۷۱ در همین زمینه گفت: «روس ها به آقای ولایتی صریحا توسط وزیر خارجه شوروی می گویند: «شما به محض این که حمایت از افغان ها را قطع کنید ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می کنیم».

۶- ۹۵. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵.

«آنها[شوروی ها]با داعیه همسایگی و بسیاری مسائل دیگر به دلیل آن که ما حاضر نیستیم از حکومت دست نشانده افغانستان حمایت کنیم و مردم آواره افغانستان را پناه می دهیم، از ما عصبانی هستند و به صراحت نیز به ما می گویند که: «افغانستان در برابر عراق» (۱) .

در این مرحله، نوعی پیوستگی (۲) بین رفتار عراق و سیاست روس ها وجود داشت. در واقع، روس ها برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از بحران افغانستان نیاز به همکاری ایران داشتند و برای دست یابی به آن، از طریق عراق به ایران فشار می آوردند. پیدایش این وضعیت بیان گر دشواری و پیچیدگی های حاکم بر جنگ و ابعاد رو به گسترش فشار امریکا و شوروی به ایران بود.

اهداف عراق از حملات موشکی به تهران متفاوت بود؛ برخی از موارد آن رسما از سوی مقامات این کشور مورد تأکید قرار گرفت که به آن اشاره می شود. صدام در مصاحبه با سر دبیر روزنامه مصری «الاهرام» در مورد زمان پایان جنگ به مسئله ای اشاره کرد که در واقع دلیل تشدید فشار به ایران و حملات موشکی به تهران را روشن می کرد. وی گفت:

«هر گاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است، دست صلح را دراز خواهد کرد.» (۳) .

فشار عراق در این مرحله با حمله موشکی به تهران و شایعه استفاده مستقیم از سلاح های شیمیایی (۴) بر علیه مردم متمرکز بود و هدف از آن، دست یابی به صلح عنوان شد. (۵) وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در همین زمینه

۱- ۹۶. مأخذ ۶، جلد اول، ص ۵۲.

۲- ۹۷. ریچارد مورفی از مسئولان وزارت خارجه امریکا در این زمینه گفت: «هر عکس العمل شوروی را باید در عمل کرد فوری رژیم بعث عراق جست و جو کرد.» (معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، جزوه «اگر من بودم، می زدم»، سال ۱۳۶۷).

۳- ۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۹، کویت، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۹. وفیق السامری، یکی از مسئولان اطلاعاتی عراق که از این کشور متواری شد، در مصاحبه ای اعتراف کرد که عراق قصد داشت تهران را با موشک همراه با کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار دهد.

۵- ۱۰۰. روزنامه کیهان، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷، «سعدون حمادی»، قائم مقام وزارت خارجه عراق.

تأکیـد کرد که قصد عراق گسترش کانون صـلح طلبان و منادیان خاتمه جنگ و تضـعیف کوشـش هایی است که برای بسـیج داخلی به عمل می آید (۱) .

با توجه به این که حمایت های مردمی، هسـته مرکزی دفاعی و قدرت تهاجمی ایران را تشـکیل می داد، نوعی گرایش و توجه به این تحلیل به وجود آمد که تغییر در روحیه مردم ایران تنها عاملی است که می تواند باعث شـکست جمهوری اسلامی ایران شود. (۲) بر این اسـاس، هـدف عراق از حمله به مردم بی دفـاع و مراکز غیر نظـامی در شـهرها، درگیر کردن مردم به صـورت مستقیم با نتایج خسارت بار جنگ بود (۳) .

با فشار روانی ناشـی از این حملات دشمن امیدوار شد که باور و اعتقادات مردم در خصوص جنگ و ادامه آن به تدریج تغییر کرده و در بستر این تحول، شرایط لازم برای پایان جنگ فراهم شود.

عراق، جز این در پی اهداف دیگری نیز بود. «شائول بخاش» در روزنامه واشنگتن پست درباره بخشی از این اهداف نوشت:

«عراق به تشدیـد جنـگ ادامه می دهـد، زیرا از آن وحشت دارد که جامعه بین المللی جنگ را فراموش کنـد و یا به این نتیجه برسد که می توان خصومت ها را با توافقی کم تر از آن چه عراق خواستار است، پایان دهد.» (۴) .

«شیرین هـانتر»، معـاون بخش خاورمیـانه در مرکز بین المللی و استراتژیک دانشـگاه «جرج تاون» نیز بر این باور بود که هـدف عراق بین المللی کردن جنگ و وارد کردن دیگر کشورها به این معرکه بر علیه ایران است (۵) .

عراق افزون بر «تضعیف روحیه مردم ایران و دامن زدن به مخالفت آنان با

ص: ۳۹

۱- ۱۰۱. مأخذ ۷۵، ۶ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از خبرگزاری خلیج، به نقل از لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق، ۵ / ۱ / ۱۳۶۷.
۲- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران.
۳- ۱۰۳. «اسـتفان پلیتر»، کارشـناس سوق الجیشی در امور عراق می گوید: «عدم تحرک در اقدام به صلح سازمان ملل موجب شـد که عراق به این تصـمیم برسـد که تنهـا راه ختم جنـگ این است که به اقتصـاد ایران آن قـدر ضـربه زنـد تا قادر به تغـذیه مردمش نباشد و در عین حال نیز جمعیت شهرهای ایران را با حملات موشکی ترور کند تا آنها از دولتشان مطالبه صلح کنند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از کریستین ساینس مانیتور).
۴- ۱۰۴. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از رادیو امریکا، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷.
۵- ۱۰۵. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشـریه شماره ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۷، بلگراد، به نقـل از خبرگزاری تانیوگ، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

جنگ»، و همچنین «تحت فشار قرار دادن جوامع بین المللی برای اتخاذ اقدامات مؤثر جهت خاتمه دادن به جنگ»، هدفی دیگر را نیز دنبال می کرد و آن «تحریک ایران برای انجام عملیات زمینی» بود.

به نظر می رسد افزایش توانایی نظامی عراق با خرید تجهیزات و سلاح های پیش رفته و گسترش سازمان رزم، این اطمینان را برای نیروهای عراقی فراهم ساخته بود که از آمادگی بیش تری برای مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران برخوردار شده اند. بر همین اساس روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام آگاه عراقی می نویسد:

«برای اولین بار در تاریخ عراق، ما می خواهیم ایرانی ها حمله کنند.» (۱) .

رادیو امریکا طی تحلیلی با بیان نظریه موجود در مورد حمله موشکی عراق تأکید می کند:

«عراقی ها می خواهند ایران دست به حمله زمینی بزند، زیرا می دانند که قادرند آن را بشکنند» (۲) .

استراتژی عراق در جنگ شهرها بر این مبنا بود که ایران قادر به مقابله با برتری موشکی عراق نخواهد بود. (۳) و در نتیجه ایران برای خروج از فشار روانی ناشی از حملات موشکی به تهران اقدام به انجام عملیات زمینی خواهد کرد. چنان که با گذشت یک هفته متوالی از حملات موشکی عراق، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

«ایران پاسخ نهایی خود به موشک های عراقی را با عملیات در جبهه ها خواهد داد.» (۴) .

عراقی ها همواره در فصل زمستان تحت فشار روانی ناشی از انجام عملیات گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می شد قرار داشتند. بنابراین تحریک ایران به انجام حمله زمینی می توانست خیال عراقی ها را در مورد ابعاد و منطقه عملیات، آسوده کند، ضمن این که در این مرحله عراقی ها استراتژی

---

۱ - ۱۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۳۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۰۸. پیشین، واشنگتن پست، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۱۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

تهاجمی جدیدی را طرح ریزی کرده بودند که نقطه آغاز آن حمله به فاو بود. بنابراین انجام حمله زمینی به وسیله ایران، زمینه مناسب را برای اجرای استراتژی تهاجمی عراق فراهم می ساخت.

بازسازی و تحول در سازمان رزم

«کردزمن» در کتاب درس هایی از جنگ ایران و عراق، معتقد است که هنوز ماهیت قطعی تغییرات صورت گرفته نامعلوم است، ولی به نظر می رسد که عراق مبادرت به سازمان دهی مجدد «شورای عالی دفاع» خود در سال های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۵ - ۶۶) کرده است تا فرماندهان و افسران واحدهای رزمی امکان اظهار نظر بیش تری بیابند و تمرکز گرایش در ساختار فرماندهی عراق کاهش یافته و حرفه گرایی از بهای بیش تری در مقابل سیاست گرایی برخوردار شود. (ص ۳۹۳).

استراتژی نظامی عراق در سال ۱۳۶۶ از دو مشخصه برخوردار بود. در بعد پدافندی فراهم کردن آمادگی های لازم برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران و در بعد آفندی کسب توانایی برای بازپس گیری مناطق از دست رفته در منطقه جنوب بود. (۱) نظر به این که بسیاری از یگان های دشمن در دو عملیات کربلای ۵ و ۸ شرکت کرده و خسارات و تلفات قابل ملاحظه ای را متحمل شده بودند، لذا بازسازی یگان ها با فراخوانی های مجدد عمومی و نیروهای شهربانی به همراه عفو عمومی زندانیان و فراری ها آغاز شد. (۲) فرصت حاصله از تغییر استراتژی ایران از جنوب به منطقه شمال غرب این امکان را برای عراقی ها فراهم ساخت تا طی این مدت با فراغت کامل بازسازی، آموزش و تجدید سازمان ارتش عراق را دنبال نمایند. (۳) پیش از این با توجه به ناتوانی عراق برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران، به وسیله کارشناسان نظامی چنین پیش بینی می شد که ارتش عراق از آموزش کافی یا روحیه تهاجمی برای دست زدن به حمله برخوردار نیست. اما با توجه به اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ تحلیل گران پنتاگون به وجود تحولات عمده در ارتش عراق پی بردند و در ارزیابی خود تجدید نظر کردند (۴) .

ص: ۴۱

۱- ۱۱۰. بررسی و تحلیل دشمن در ۲ ماه اخیر در جنوب، اطلاعات قرارگاه کربلا، اسفند ۱۳۶۶، فروردین ۱۳۶۷، ص ۵.

۲- ۱۱۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بررسی عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸۳.

۳- ۱۱۲. معاونت اطلاعات قرارگاه کربلا، سال ۱۳۶۶، جزوه ترتیب نیرو، ص ۹.

۴- ۱۱۳. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی» خرداد ۱۳۶۷، صص ۲ و ۳، عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

عراقی ها نخست برای برخورداری از آمادگی لازم در چارچوب استراتژی پدافندی در منطقه جنوب، اقدامات زیر را به عمل آوردند:

۱- افزایش رده ها و موانع جلوی خطوط پدافندی خود.

۲- عمق بخشیدن به خطوط پدافندی (۱) .

۳- ایجاد خطوط مواصلاتی متعدد برای تحرک بخشیدن به مانور و پشتیبانی نیروها.

۴- به کارگیری و افزایش سازمان های احتیاط محلی تیپ ها و لشکرها و سپاه ها.

۵- پیروی کردن از تاکتیک های منطقه ای به ویژه در مناطق سپاه های سوم، ششم و هفتم.

۶- اعزام و انتقال یگان های مانوری از قبیل: لشکرهای گارد و تیپ های نیروی مخصوص با در نظر گرفتن میزان حساسیت های نیروهای ایرانی در هر منطقه به صورت «احتیاط نزدیک» (۲) .

۷- اجرای مانورهای دفاعی (بازدارنده) و تمرین پاتک (بازپس گیری). (۳) .

۸- فعال شدن کلیه عناصر اطلاعاتی عراق جهت کسب اطلاعات از چگونگی و زمان دقیق تک نیروهای ایرانی در جنوب (۴) .

۹- بازدید و توجیه فرماندهان عراق با برنامه ریزی های خاص از بالاترین رده ها (مثل شخص صدام) تا رده فرماندهی تیپ ها از مناطق جنوب.

۱۰- تشکیل جلسات گوناگون درباره آگاهی از نحوه اجرای دستورات و تاکتیک های اجرا شده بنابر دکترین اتخاذ شده قبلی.

۱۱- انجام مانور آتش کلیه جنگ افزارها بر علیه نیروهای ایرانی و ارزیابی

ص: ۴۲

۱- ۱۱۴. دشمن در مناطق سپاه های سوم، ششم و هفتم، چهار رده پدافندی ایجاد کرد.
۲- ۱۱۵. بیش تر این انتقال ها از ابتدای مهر ۱۳۶۶ به سمت منطقه جنوب صورت گرفت.
۳- ۱۱۶. بیش تر این مانورها در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶ به صورت چشم گیری انجام شد.
۴- ۱۱۷. این اقدامات در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ گسترده تر شد.

فرماندهان دشمن از این آتش ها به هنگام اجرا که در بسیاری از مناطق جنوب مشاهده می شد.

۱۲- اعلام آماده باش های مکرر در تمام مناطق جنوب برای حفظ هوشیاری و آمادگی نیروها که در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ به طور چشم گیر انجام شد (۱) .

روند جنگ در آخرین سال به گونه ای بود که دشمن در منطقه جنوب در سال ۱۳۶۶ با هیچ گونه تهدیدی مواجه نشد، لذا فرصت لازم را به دست آورد تا برای ایجاد استحکام در رده های پدافندی خود، دست به احداث سنگرهای جدید و ترمیم سنگرهای قدیمی بزند (۲) .

تلاش مهندسی عراق

فعالیت مهندسی دشمن در سال ۱۳۶۶ در منطقه جنوب از بیش ترین حجم برخوردار بود که به دلیل اهمیت آن به تفکیک مناطق به آنها اشاره می شود: (۳) .

الف) شلمچه: حساسیت و اهمیت شهر بصره و همچنین شکسته شدن دژهای مستحکم شلمچه در عملیات کربلای ۵ باعث شد تا عراق بیش ترین، حجم فعالیت مهندسی خود را در این منطقه متمرکز کند. تصرف پنج ضلعی، «نهر دو عیجی»، «نهر جاسم» و همچنین بخش هایی از شرق و غرب کانال ماهی گیری و جزایر «بوارین»، «ماهی» و «ام الطویل» به دست نیروهای ایرانی، وضعیت بغرنجی را از نظر پدافندی برای عراق به وجود آورد. حضور رزمندگان اسلام در جنوب کانال زوجی و از سوی دیگر در شرق و غرب کانال ماهی گیری مانع آن شده بود که عراق رده های مناسب پدافندی ایجاد کند و به همین خاطر، عراق تقریبا مجبور بود، از یک سو خطوط ایجاد شده خود را

ص: ۴۳

۱- ۱۱۸. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۱.

۲- ۱۱۹. پیشین، ص ۲۶.

۳- ۱۲۰. این بحث با استفاده از گزارش های مندرج در بولتن «بررسی» تحت عنوان «عراق، بازسازی و تحول در سازمان رزم»، (خرداد سال ۱۳۶۷) که متکی به اطلاعات داده شده به وسیله معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه می باشد، نوشته شده است.

پاک کرده و از سمت دیگر اقدام به احداث رده دفاعی کند. به هر صورت، پس از عملیات کربلای ۸ دشمن تمرکز فعالیت های خود را در رده اول تا پنجم جنوب کانال زوجی و غرب کانال ماهی گیری قرار داده و یک رده جدید نیز در شمال آب گرفتگی بوبیان احداث کرد. عراق در این مدت، حدود ۶۰ کیلومتر خاک ریز در منطقه شرق بصره احداث و ترمیم کرد. در همین مدت شمال کانال تا رودخانه دجله و شهر بصره که تا آن زمان از موانع و رده های پدافندی زیادی برخوردار نبود، حجم بالایی از کار مهندسی دشمن را به خود اختصاص داد.

ب- جنوب اروند و شبه جزیره فاو: دشمن به لحاظ فعالیت فراوان مهندسی بعد از عملیات والفجر ۸ در این منطقه با مشکل عمده ای روبه رو نبود به ویژه این که مانع بزرگی همچون رودخانه اروند در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت. به طور کلی دشمن برای نقل و انتقال آسان یگان ها و نیروهایش در منطقه یاد شده، عمده فعالیت های مهندسی خود را در طول سال ۱۳۶۶ به احداث و ترمیم خاک ریزها و جاده ها و حفر کانال های فراوان نفررو در خطوط مقدم اختصاص داد.

ج) هور: سیاست پدافندی دشمن در منطقه هورالهویزه بیش تر به ایجاد و ترمیم رده های دفاعی دوم و سوم مربوط بود و بالاترین حجم فعالیت مهندسی عراق در این زمینه به جزیره جنوبی اختصاص داشت.

دشمن در ادامه تلاش های گذشته خود موفق شد جزیره را از دو سمت شرق و غرب به منطقه طلائیه و پد الهویدی متصل و خطوط مواصلاتی متعددی را در آن احداث کند. از ۱۶۰۰ کیلومتر سیل بند و خاک ریز که دشمن در این منطقه احداث کرده بوده حدود ۱۰۰ کیلومتر به جزیره جنوبی اختصاص داشت که همین مسئله بیانگر میزان حساسیت و توجه دشمن به این محور بود.

ص: ۴۴

سیاست جدید عراق در این باره، واگذاری مسئولیت پدافند جزیره از سپاه سوم به سپاه ششم بود که این تصمیم پس از اتصال جزیره به پـد الهویـدی به مرحله اجرا درآمـد. هـدف عمـده و اصـلی فعـالیت های دشـمن در این منطقه را می توان در دو چیز خلاصه کرد: یکی تسـهیل در امر ارتباط یگان ها با عقبه هایشان و دیگری کاستن از خطوط پدافندی و آزاد کردن یگان های در گیر خود.

د) شرق عماره – غرب فکه: این منطقه به لحاظ وضعیت جغرافیایی خاص خود، از عملیات والفجر مقدماتی به بعد به منطقه ای آرام و پدافندی تبدیل شد و نسبت به دیگر مناطق از کم ترین فعالیت های مهندسی دشمن برخوردار بود. آرامش نسبی حاکم بر منطقه شـرق عمـاره و عـدم تلاش و تحرک جمهوری اسـلامی در آنجـا باعث شـد تا به محل امن برای بازسازی و آموزش یگان های تازه تأسیس و ضربه دیده دشمن تبدیل شود.

مجموعه تلاش هـای پدافنـدی عراق در سال ۱۳۶۶ برای افزایش قـابلیت هـای بازدارنـدگی و دفاعی اش سـبب شـد که نوعی اطمینان از آمادگی برای دفاع و عدم غافل گیری در زمان و مکان برای خود حاصل کند (۱) .

فراخوانی و آموزش

ضربـات پی درپی رزمنـدگان اسـلام بر قوای نظـامی دشـمن در سال ۱۳۶۵ سـبب شـد تـا عراقی هـا متحمل تلفات و خسارات فراوانی شـده و فرصت لازم را برای بازسازی نیابنـد. نیازمنـدی عراق به یگان های پیاده و بازسازی یگان های زرهی و مکانیزه باعث شد، تا با فراخوانی و آموزش و جای گزینی تجهیزات به تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی خود اقدام کند.

پیش از این، ارتش عراق هر سـال تنها یک نوبت فراخوانی داشت، ولی با تشدیـد رونـد تحولات جنگ و کاستی های موجود در سازمان رزم عراق،

۱- ۱۲۱. پیشین، ص ۱۳۶.

فراخوانی به سه نوبت در سال افزایش یافت و در ماه های چهارم، هشتم و دوازدهم سال، نیروها فراخوانی می شدند. در هر نوبت صدهزار تن از مشمولان جدید، خود را به حوزه های نظام وظیفه معرفی کرده و در مجموع حدود ۳۰۰ هزار نیرو در پادگان ها دوره آموزشی را طی کرده و سپس به یگان ها معرفی می شدند. (۱) عراق برای جبران کمبود نیروی خود، اقدامات زیر را در فراخوانی ها انجام می داد:

– به حداقل رساندن شمار افسران و نیروهای گارد پادگان های آموزشی، پشتیبانی و غیره در پشت جبهه.

– استفاده از افسران مجروح معالجه شده، در مناطق عملیاتی.

– گرفتن نیرو از شهربانی و پلیس.

– کاهش استعداد گردان های دفاع الواجبات (نیروهای حفاظت کننده از مراکز نظامی).

– اعلام عفو عمومی.

– احضار متولدان سال های ۶۷، ۶۸، ۱۹۶۹ میلادی (۱۹ تا ۲۰ ساله) و متولدان سال های ۴۵ تا ۱۹۵۳ (۳۶ تا ۴۴ ساله) به خدمت.

– به کارگیری سربازان وظیفه دیپلم به جای درجه داران و تکمیل کادر درجه داری.

– جمع آوری گروهان های کماندویی و تبدیل آنها به تیپ های جدید.

– جمع آوری افسران توجیه سیاسی از گردان ها.

– جمع آوری فراریان در هور.

– تعطیل برخی از کارخانه ها به بهانه نبود مواد اولیه (با هدف جذب نیروها به جبهه ها).

– ادغام بعضی از وزارت خانه ها و یا انحلال آنها به منظور استفاده از نیروی اضافی آنها.

ص: ۴۶

۱– ۱۲۲. مأخذ ۸۷، وضعیت دشمن در مناطق غرب اروندرود، شرق بصره، شرق دجله، از چزابه تا چنگوله، ص ۱۰.

- قطع کمک هزینه های تحصیلی و مجبور شدن استفاده کنندگان آنها به خدمت سربازی.

- کاهش عمومی ظرفیت دانشگاه ها و مجبور شدن دانشجویان برای خدمت سربازی.

- جذب ۳۰ درصد از نیروی ادارات در جبهه (۱) .

یکی از تحلیل گران در گزارش خود درباره تمرینات آموزشی گسترده عراق نوشت:

«در طول سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) این کشور نیروهـای نخبه خود را برای انجـام آموزش های رزم مرکب، از خطوط مقـدم عقب کشـید. این نوع آموزش که به نیروهای زرهی و پیاده داده می شد، به فرماندهان تمام سـطوح به ویژه در واحدهای گارد ریاست جمهوری اجازه آزادی عمل بیش تری در تمرینات می داد. همچنین مانورهایی در سـطح سپاه با تاکتیک های دفاع و ضد حمله انجام می شد. این اصلاحات، بهبود عمده ای در تعدادی از سپاه ها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد» (۲) .

گسترش سازمان رزم عراق

ناکـامی عراق پس از تهـاجم اولیـه به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پس از آن، حملاـت پی درپی و گسـترده ایران برای آزاد کردن مناطق اشـغالی و نامطلوب شـدن وضـعیت ارتش عراق، آن کشور را به گسترش سازمان رزم خود مصـمم ساخت. بدین ترتیب عراق که در آسـتانه تجاوز به ایران، ۱۲ لشـکر را در قالب سه سـپاه سازمان دهی کرده بود، دست به تشکیل یگان های جدید زد (۳) .

ص: ۴۷

۱- ۱۲۳. معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه، نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۲- ۱۲۴. مأخذ ۱۳، ص ۳۹۲.

۳- ۱۲۵. عراق در سال ۱۳۶۰ دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده و در سال ۱۳۶۱ پنج لشکر ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶ و ۲۳ پیاده و در سال ۱۳۶۲ سه لشکر ۱۷ زرهی (همان لشکر ۹ زرهی بازسازی شده است)، ۱۸ و ۱۹ پیاده و در سال ۱۳۶۳ نه لشکر ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ و ۳۵ پیاده و در سال ۱۳۶۴ ده لشکر ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۳۲ و ۴۵ پیاده و در سال ۱۳۶۵ ده لشکر ۳، ۲، ۱ ویژه ۳، ۲، ۱ گارد ریاست جمهوری، ۴۲ الاهوار پیاده ۱ و ۵ الوطنی و در سال ۱۳۶۶ پنج لشکر ۴۴ و ۵۰ پیاده، ۴ گارد ریاست جمهوری، فرمانـدهی حفاظت نفت، حراست نفت و در سال ۱۳۶۷ شش لشکر ۸، ۷، ۶، ۵ گارد ریاست جمهوری، ۴۶ و ۴۹ پیاده را سازماندهی کرد. (معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه «نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته»، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵).

به گونه ای که در سال ۱۳۶۶ (سال هشتم تجاوز) ۵۹ لشکر متشکل از ۵۱ لشکر پیاده، ۶ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه را در ۹ سپاه سازمان دهی کرد که با توجه به وضعیت عراق امری فوق العاده به شمار می رفت. تشکیل سپاه های عراق، عکس العمل آن کشور در برابر موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ هشت ساله بود و بدین ترتیب دشمن می کوشید نقاط ضعف خود را با بسیج نیرو و امکانات پوشش دهد. در همین راستا عراق، ۶ سپاه جدید را به ترتیب زیر تشکیل داد:

سپاه چهارم را در منطقه عماره به نام نیروهای «حطین» در ۳۰ مهر ۱۳۶۰ (قبل از آغاز عملیات فتح المبین) و سپاه پنجم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «عمودیه» در تیر ۱۳۶۴ (پس از عملیات خیبر) و سپاه ششم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای «الحکم» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه هفتم را در منطقه غرب اروند به نام نیروهای «ذیقار» در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه یکم ویژه را در منطقه کوت به نام نیروهای «الله اکبر» در ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) و سپاه گارد ریاست جمهوری را در بغداد به نام نیروهای «الفاریس» در ۲۱ دی ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر ۸) سازمان دهی کرد (۱) .

با توجه به نگرانی دشمن نسبت به منطقه جنوب (فاو تا چنگوله)، این منطقه با چهار سپاه به نام های سپاه هفتم، سوم، ششم و چهارم پدافند می شد. (۲) در ترکیب کلی سپاه ها و لشکرها هر سپاه یک تیپ کماندویی و هر لشکر یک گردان کماندویی در اختیار داشت. البته در برخی از مناطق به دلیل عدم امکان استفاده از یگان های زرهی و احساس نیاز دشمن، نیروهای

۱- ۱۲۶. پیشین.

۲- ۱۲۷. مأخذ ۸۷، ص ۲.

کماندویی یک سپاه از یک تیپ به دو تیپ و گردان های کماندویی یک لشکر از یک گردان به دو گردان افزایش می یافت. (۱)

استعداد نیروهای دشمن در منطقه جنوب در مجموع بالغ بر دو لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و چهار لشکر زرهی بود. هر سپاه یک لشکر زرهی در «احتیاط» داشت که در مجموع چهار لشکر در احتیاط سپاه های چهارگانه دشمن در منطقه جنوب قرار داشتند. (۲) مجموع نیروهای درگیر عراق بر حسب گردان ۲۲۵ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۴ گردان مکانیزه، ۳۴ گردان کماندویی و مجموع گردان های احتیاط آن ۶ گردان پیاده، ۱۱ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، ۴۲ گردان و ۳ گروهان کماندویی و مجموع نیروهای درگیر و احتیاط دشمن بالغ بر ۳۶۱ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و کماندویی بود. (۳) افزایش توان نظامی عراق علاوه بر این که قدرت دفاعی را تقویت می کرد، زمینه های لازم را برای اجرای استراتژی آفندی با هدف بازپس گیری مناطق تحت تصرف ایران فراهم می ساخت، به همین منظور عراقی ها اقداماتی را شامل مانور بازپس گیری منطقه فاو، همراه با حملات محدود در منطقه جنوب به اجرا گذاشتند.

مانورهای دشمن

مانورها و تاکتیک های یگان های دشمن در منطقه جنوب به تناسب استراتژی عراق شامل دفاع (پدافند) و تهاجم (آفند) بود. به همین دلیل بیش ترین تلاش این یگان ها اتخاذ مواضع پدافندی و غیرقابل نفوذ (پدافند منطقه ای) و در همان حال، برخورداری از آمادگی لازم برای تغییر موضع از پدافند به آفند بود. (۴) عراق افزایش آمادگی و تکمیل آموزش یگان های رزمی خود را در نقاط حساس آفندی و پدافندی پی گیری می کرد. (۵) تلاش های نظامی ایران در منطقه فاو در اواخر پاییز و زمستان ۱۳۶۶ سبب افزایش حساسیت دشمن

۱- ۱۲۸. مأخذ ۸۶، ص ۴۴.

۲- ۱۲۹. مأخذ ۸۷، ص ۲.

۳- ۱۳۰. مأخذ ۸۵، ص ۲۳.

۴- ۱۳۱. مأخذ ۹۲.

۵- ۱۳۲. مأخذ ۸۶، ص ۸۳.

در آن منطقه بود. دشمن هم در اندیشه اتخاذ مواضع پدافندی مناسب در منطقه بود و هم به دنبال کسب آمادگی لازم تا در فرصتی به هنگام، با تغییر موضع، منطقه فاو را بازپس گیرد. بر پایه همین مسئله، میزان آموزش یگان های دشمن در این منطقه بسیار قابل ملاحظه بود، چنان که حدود ۲۰ یگان در منطقه غرب رودخانه اروند دوره های آموزشی را گذراندند. (۱) بدین ترتیب که از اوایل بهمن سال ۱۳۶۶ عراق یگان های یاد شده را از مناطق جنوب با هدف آمادگی برای عملیات آفندی و بازپس گیری فاو به این منطقه، در کنار «خور عبدالله» منقل کرد. (۲) دشمن ماکت منطقه فاو را در زمینی وسیع در منطقه زبیر احداث کرده و آخرین وضعیت خاک ریزها و میادین مین نیروهای ایرانی در منطقه فاو را در آن ماکت پیاده کرده بود و بر اساس آن نیروهایش را آموزش می داد. نظر به اهمیت مانور آموزشی و اهدافی که پی گیری می شد، در دهم اسفند ۱۳۶۶ ارتشبد «عبدالکریم نزار الخزرجی» از منطقه بازدید کرد و پس از آن، «ماهر عبدالرشید»، فرمانده سپاه هفتم در بازدید از منطقه گفت:

«ما به شما سربازان عراقی امید زیادی داریم و امن از شما می خواهم کلیه سرزمین های عراق را که به تصرف ایرانی ها درآمده است بازپس گیرید... ما منتظر نیروهای ایرانی نمی نشینیم بلکه خود را آماده می نماییم تا منطقه فاو را بازپس بگیریم.» (۳) .

اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب

ارتش عراق با کسب آمادگی دفاعی و تهاجمی، به عملیات ایذایی محدودی در منطقه جنوب با اهداف چندگانه دست زد. بازداشتن نیروهای ایرانی از ادامه تهاجم در منطقه اروندرود، تقویت روحیه نیروهای عراقی و مهم تر از همه، به دست گرفتن ابتکار عمل نظامی در جنوب، بخشی از این اهداف بود (۴) .

ص: ۵۰

۱- ۱۳۳. مأخذ ۸۵ ص ۳ و ۴.

۲- ۱۳۴. پیشین، ص ۲۴.

۳- ۱۳۵. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۴- ۱۳۶. مأخذ ۸۷ ص ۱.

بـدین منظور، ارتش عراق نقـل و انتقـال و جـابه جـایی هـای زیـادی را در منطقه جنوب انجام داد و از تابسـتان ۱۳۶۶ آغاز به عملیات محـدود کرد و در همین راسـتا در ۲۰ تیر ۱۳۶۶ در جزیره مجنون بـا دو گروهان اقـدام به تک کرد که در ضـلع غربی جزیره جنوبی ۱۲۰۰ متر و در ضلع شرقی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر پیش روی کرد. (۱) همچنین در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ دشمن در منطقه فاو با اسـتعداد یـک گردان در محور «ام القصـر» دست به تـک زد، امـا موفقیـتی به دست نیـاورد. (۲) به طور کامل، دشـمن بعـد از عملیات کربلای ۵ طی یک سال، ۱۹ عملیات محدود در منطقه غرب اروندرود و شـرق عماره و یک عملیات در منطقه شـرق بصره انجام داد (۳) .

در کنـار فعـالیت های عراقی ها، منافقین نیز بر فعالیت های خود در منطقه جنوب (چنگوله تا فاو) افزودنـد و جمعا هشت مورد عملیات در منطقه قره تپه، غرب میمه، غرب دوبرج، منطقه بیات، دیواره مرگ و کوشک انجام دادند. بیش ترین تلاش منافقین در خطوط پدافندی ارتش ایران و با هدف گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها انجام می شد. (۴) در ماه های پایانی سال ۱۳۶۶ آمادگی دفاعی و تهاجمی عراق سبب گردیـد مسئولان عراق بر آمادگی خود در مقابله با جمهوری اسلامی تأکید کنند. در همین باره «عدنان خیرالله» وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرد:

«عراق برای رویـارویی بـا حمله آینـده ایران از کمال خونسـردی و آرامش خاطر بهره می برد و در این زمینه تمامی امکانات و آمادگی رزمی خود را بسیج کرده ایم» (۵) .

ص: ۵۱

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. پیشین، ص ۲.

۳- ۱۳۹. در این عملیات ها تیپ های ۴۳۱، ۱۰۶، ۴۵، ۹۳، ۴۲۱، ۴۱۸، ۱۱۷، ۲۹، ۱۸ و ۲۱ مکانیزه ۹۹، ۵۰۲ ۳۹، ۱۱۴، ۲۸، ۹۱، ۹۷ مکـانیزه و ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۱۷، ۹۴، ۳۹، ۶۰۳، ۴۴۳، ۱۸ و ۸۰ زرهی کمانـدویی سپاه یکم، دوم و چهارم، ۸۳، ۸۱، ۵۰۵، دو تیپ کماندویی سپاه ششم و گردان های کماندویی ۷۱ و دو گردان تانک لشـکر ۲۷، دو تیپ ۹۷، ۱۴۰ خفیه شرکت داشتند که جمعا ۷۴۳۵ تن از نیروهای دشمن کشته و ۲۰۷۴ تن اسیر شدند. (سپاه پاسداران، عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸).

۴- ۱۴۰. مأخذ ۸۸، صص ۱۴ و ۱۵.

۵- ۱۴۱. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

او همچنین در مورد آمادگی عراق برای انجام عملیات آفندی گفت:

«عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین های اشغالی خود خارج سازد و ایران به زودی جاپای به دست آورده در خاک عراق را از دست خواهد داد» (۱) .

روزنامه عراقی «الجمهوریه» نیز بر تصمیم عراق به تصرف این مناطق اشاره کرد. (۲) پیش از این عدنان خیرالله تصرف مجدد فاو را مشروط به برقراری توازن روحیه و توان کرده بود. (۳) صدام نیز با تأکید بر این که نیروهای ایرانی در سال ۱۳۶۶ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ - که از نیروهای سپاه محمد صلی الله علیه و آله و سلم استفاده کرد - از توان و نیروی کمتری برخوردار است، خطاب به ارتش عراق اعلام کرد:

«شما تعدادتان از همه نظر بیش تر است» (۴) .

۱- ۱۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۹، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، بغداد، خبرگزاری عراق، به نقل از روزنامه القادسیه، ۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از خبرگزاری عراق ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۴۴. معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۰، به نقل از «عدنان خیرالله».

۴- ۱۴۵. مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.

آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

اشاره

عراقی ها برای تغییر در این موازنه، علاوه بر بین المللی کردن جنگ و تشدید فشار بر ایران، بر این باور بودند که صحنه اصلی تغییر در موازنه جنگ بر روی زمین است (۱) و در صورت تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می تواند با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و بازستاندن مناطق تحت تصرف ایران، شرایط لازم را برای پایان (۲) جنگ فراهم کند. بر پایه همین ملاحظه، در سال ۱۳۶۶ توان رزمی عراق با گسترش سازمان و خرید و تولید تجهیزات نظامی افزایش یافت. به گونه ای که در نیمه دوم همین سال عراق تنها در منطقه جنوب، از فاو تا چنگوله ۴۳۵ گردان نیروی پیاده، زرهی و مکانیزه در اختیار داشت که ۱۳۰ گردان آن در احتیاط و ۳۰۵ گردان درگیر بودند، در حالی که مجموع نیروهای ایران در این منطقه کمتر از ۱۰۰ گردان بود.

ص: ۵۳

۱- ۱۴۶. تلاش عراق برای گسترش دامنه جنگ و بین المللی کردن آن به منزله سازمان دهی فشار بیرونی به ایران بود و حمله به مردم بی دفاع و غیر نظامی در واقع فشار روانی به مردم بود. اما آنچه که عراقی ها به آن نیاز داشتند و لازمه تغییر در روند جنگ ارزیابی شد، ضربات پی درپی به سازمان نظامی ایران بود که با آغاز حملات عراق در روزهای پایانی فروردین سال ۱۳۶۷ آغاز شد و به مدت چهار ماه ادامه یافت.

۲- ۱۴۷. صدام در روزهای آغاز ماه فروردین سال ۱۳۶۷ گفت: «بغداد به این نتیجه رسیده است که جنگ را با استفاده از کلیه سلاح های ممکن تا وادار ساختن ایران به قبول آتش بس ادامه دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۱ / ۱۳۶۷، نیکوزیا، آسوشیتد پرس، ۶ / ۱ / ۱۳۶۷).

پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ با افزایش توان عراق و در مقابل کاهش تدریجی توان ایران، به دلیل خودداری از بسیج نیرو در سال ۱۳۶۶ (۱) و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در مواضع پدافندی (در منطقه فاو، جزایر مجنون، شلمچه و...) نگرانی های جدیدی را نسبت به نتایج تهاجم احتمالی عراق به وجود آورد، به گونه ای که در دی ماه سال ۱۳۶۶، طی جلساتی که فرماندهان برای بررسی وضعیت دشمن تشکیل دادند، بر این مسئله و ضرورت هوشیاری نسبت به آن تأکید شد. به نظر می رسد برداشتی که نسبت به قدرت هجومی عراق بر اساس تجربه سال های قبل به ویژه نتایج استراتژی موسوم به دفاع متحرک به وجود آمده بود، احتمال از سرگیری حملات گسترده عراق در مناطق مختلف و موفقیت آن همانند آنچه که تحقق یافت، پیش بینی نمی شد. اما تهاجم دشمن به فاو به دلیل اهمیت این منطقه همچنان مورد بحث و توجه قرار داشت.

در آستانه سال ۱۳۶۷ به دلیل وضعیت حاکم بر جنگ و نگرانی های موجود نسبت به گسترش دامنه جنگ، روند احتمالی رخدادهای سیاسی - نظامی آن بیش از گذشته مورد توجه کارشناسان و رسانه های خبری قرار گرفت. در این میان، به دلیل این که عملیات والفجر ۱۰ (۲) همانند سایر عملیات های گسترده پیشین منجر به درگیری عمیق نیروهای خودی با نیروهای اصلی ارتش عراق نشد و علاوه بر این، مردم بی دفاع و غیر نظامی حلبچه در معرض حملات شیمیایی هواپیماهای عراقی قرار گرفتند، لذا این عملیات بازتاب گسترده و تعیین کننده ای در روند جنگ نداشت، در نتیجه

---

۱ - ۱۴۸. در سال ۱۳۶۵ که سال تعیین سرنوشت جنگ نامیده می شد، ۳۰۰ گردان نیرو جذب شد و عملیات کربلای ۴ و ۵ انجام گرفت ولی جذب نیرو در سال ۱۳۶۶ متوقف شد، ضمن این که تمام توجه ایران در درگیری با امریکا در خلیج فارس متمرکز شده بود.

۲ - ۱۴۹. برای اطلاع بیش تر، نگاه کنید به موضوع بازتاب عملیات والفجر ۱۰ مندرج در کتاب شلمچه تا حلبچه، تهیه شده به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

همچنان این احتمال وجود داشت که ایران دست به عملیات گسترده ای بزند. عدم تحقق این امر و توجه به تجهیزات خریداری شده عراق در مقابل محدودیت هایی که به رهبری امریکا در زمینه خرید تجهیزات برای ایران اعمال می شد (۱) و نیز تأثیر آن بر خرید تکنولوژی پیش رفته و سیستم های نظامی مدرن و تأمین قطعات یدکی سلاح های موجود (۲) ، این باور را در کارشناسان و تحلیل گران نظامی بیش از گذشته تقویت کرد که شرایط برای دست یابی ایران به پیروزی، دشوارتر شده است.

بر پایه همین ملاحظات و با وجود این که عملیات والفجر ۱۰ انجام شده بود، این موضوع مورد اشاره قرار می گرفت که «نشانه ای از حمله زمینی بزرگ ایران وجود ندارد». (۳) در روزنامه «واشنگتن پست» نیز کارشناسان نظامی بر این مساله تأکید کردند که، «احتمال نمی رود در آینده ای نزدیک، حمله بزرگ و دیر انتظار ایران علیه عراق آغاز شود». (۴) .

در واقع، عملیات والفجر ۱۰ به دلیل منطقه عملیات و نتایج آن، انتظارات موجود را برآورده نکرده بود، زیرا در گذشته، تحرکات نظامی ایران به ویژه عملیات گسترده که تأثیرات قابل ملاحظه ای بر روند جنگ داشت، اساسا در منطقه جنوب انجام می شد. عدم تحقق این مهم، به منزله عدم تأثیر گذاری بر روند جنگ بود و در نتیجه، وجود نوعی انتظار برای انجام عملیات، سبب شد تا دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. «شائول بخاش»، یکی از کارشناسان، درباره ایران معتقد بود:

«ایران علاوه بر مشکلاتش برای خرید تسلیحات، به رغم تلفات سنگین در ژانویه ۱۹۸۷ میلادی[کربلای ۵]بر استحکامات عراق صدمه قابل ملاحظه ای وارد نکرده است» (۵) .

برابر این تحلیل، تمرکز درگیری ایران با امریکا در سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس و آسیب نرساندن قابل ملاحظه ای به سازمان و استحکامات عراق،

۱- ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۳۶۳، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۶، خبرگزاری رویتر، ریچارد مورفی معاون وقت وزارت خارجه امریکا.

۲- ۱۵۱. پیشین.

۳- ۱۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷ شائول بخاش، استاد دانشگاه جورج میسور.

۴- ۱۵۳. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۵۴. مأخذ ۳.

سبب شد تا عراق بر اثر فرصت به دست آمده، ضمن بازسازی و حفظ قوای خود، بر حجم و کارایی آنها نیز بیفزاید. در این باره، «کردزمن» معتقد است که مشکلات ایران در انجام حملات بزرگ در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) برای عراق «فضای تنفس حیاتی»، فراهم آورد که از آن برای سازمان دهی کامل نیروها و قابلیت های جدیدش بهره گرفت. (۱) همچنین در آن هنگام برخی از کارشناسان نظامی تلفات وارد شده به ایران در عملیات کربلای ۵ را ملاک قرار داده و اظهار کردند که ایران در حمله به بصره فراتر از آنچه که انتظار می رفت، متحمل هزینه و صدمه به تدارکات خود شد و نتوانست به آن چه که می خواست دست یابد.

علاوه بر این، تأثیر حملات هوایی عراق بر زیرساخت های اقتصادی ایران، همراه با کاهش تولید نفت که موجب تضعیف بنیه اقتصادی این کشور شد، به عنوان عامل تأثیر گذار در انجام عملیات نظامی مورد توجه قرار داشت. در این راستا، یکی از دیپلمات های ایران در بغداد در دیدار با یک دیپلمات خارجی گفت:

«دلایلی وجود دارد که انسان باور کند، خرابی اقتصادی ایران به خاطر جنگ و کاهش قیمت نفت (۲) ، توانایی ایران را برای انجام نوعی هجوم که موجب پیروزی نظامی شود، تضعیف کرده است.» (۳) .

این موضع به اندازه ای اهمیت داشت که فرمانده نظامی نیروهای امریکا در خلیج فارس نیز به آن اشاره کرد. (۴) .

در پاره ای از تحلیل ها «عدم جذب نیروی کافی» به عنوان عامل اصلی ناتوانی ایران در انجام دادن یک رشته عملیات گسترده مورد توجه و تأکید قرار گرفت. (۵) به عقیده کردزمن، نخستین شکست ایران این بود که نتوانست

---

۱ - ۱۵۵. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ های مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، (چاپ نشده).

۲ - ۱۵۶. نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن در همین زمینه کاهش درآمد ارزی ایران را به علت سقوط دلار و کاهش صادرات نفت به دلیل حملات پی درپی عراق به کشتی های حامل نفت ایران مورد توجه قرار داد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از جینز دیفنس، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷).

۳ - ۱۵۷. بولتن خارجی وزارت اطلاعات، ۶۹۲، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۴ - ۱۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۵ - ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۱۳، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۷، نشریه نظامی جینز دیفنس، چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷.

یـک بسـیج ملی که برتری قـاطع از لحاظ نیروی انسانی آموزش دیـده را نصـیب آن کشور می کرد، عملی سازد. (۱) روزنامه «نیویورک تـایمز» ضـمن توجه به این عامـل، علت آن را «نگرانی و نارضایتی از محرومیت های اقتصادی ناشـی از جنگ» ذکر کرد (۲) .

در فروردین سـال ۱۳۶۷ به دلیـل تحولاـتی که به تدریـج در حـال وقوع بود، ساختـار الگوهای موجود از کنش و واکنش های حـاکم بر جنـگ دست خوش تغییر شـد. صـاحب نظران و تحلیـل گران رسـانه های خبری نیز برخلاف ظاهر فریبنـده وضـعیت حاکم بر جنگ که اوضاع را به سود ایران نشان می داد، معتقد شدند که تحولات رخ داده نشانه های آشکاری از تغییر اوضاع به سود عراق است و از این پس عامل تعیین کننـده در رونـد تحولات جنگ پیش از آن که متأثر از برتری ظاهری ایران باشد، متکی بر علل برتری ساز عراق خواهد بود (۳) .

صرف نظر از ملاحظـات سیاسـی و نظامی که به طور آشـکاری به سود عراق در حال تغییر بود، اوضاع داخلی ایران نیز به دلیل افزایش اختلاف نظرات سیاسـی و مناقشات جناحی در آستانه فرا رسیدن انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم فروردین، از حساسیت خاصـی برخـوردار بـود. فضـای داخلی کشـور عمیقـا درگیر انتخابـات مجلس و فـارغ از وضـعیت حساس و نگران کننده روند جنگ بود، چرا که پیروزی در عملیات والفجر ۱۰، نوعی احساس آرامش نسبت به جبهه ها ایجاد کرده بود. طبیعتـا، عراقی هـا همان گونه که به ملاحظات نظامی توجه داشـتند، اوضاع داخلی ایران را نیز در طرح ریزی تهاجم به فاو نادیده نگرفتند.

سرانجـام، سومین دوره انتخابـات در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ و زیر موشـک بـاران تهران و سـایر شـهرها برگزار شـد، اما با توجه به حساسیت های موجود در جبهه ها، امام خمینی (ره) در آستانه این انتخابات فرمودند:

«امروز روز مقاومت است، امروز روز درنگ نیست، امروز روز صیقل انسانیت

ص: ۵۷

۱- ۱۶۰. مأخذ ۶، ص ۲۰۵.

۲- ۱۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۲۴، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۶۲. مأخذ ۶، ص ۳۸۹.

انسان هاست، روز جنگ است،... درنگ امروز، فردای اسارت باری را به دنبال دارد.» (۱) .

آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه تهران تأکید کرد:

«زمان پر کردن جبهه ها است و جوان ها باید به سوی جبهه بشتابند... ما در یکی از حساس ترین مقاطع جنگی مان هستیم. اگر جبهه ها پر از جوان ها باشد، هر شرارتی را که دیدیم، می توانیم فورا پاسخ بدهیم.»

وی سپس با استناد به سخنان امام (ره) در پیام نوروزی مبنی بر این که «حسینیان آماده باشید»، خطاب به جوانان گفت:

«شما همه مخاطب امام هستید و ما باید در جبهه حاضر باشیم» (۲) .

تهاجمات استراتژیک عراق

سقوط فاو

در حالی که ایران در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم و فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر ۱۰ به شهرهای خود بازگشته بودند، ارتش عراق در ساعت ۵ بامداد روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با اجرای آتش تهیه سنگین در سراسر خطوط و عقبه یگان های خودی در فاو و اجرای حمله شیمیایی به صورت گسترده، تهاجم خود را به فاو آغاز کرد. (۳) عراق برای حمله به فاو، ۲۶ ماه زیرسازی های (۴) لازم را به عمل آورده بود (۵) و ضمن انجام تلاش های گسترده، در انتظار فرصت مناسب برای حمله به فاو بود (۶) .

۱– ۱۶۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۷، امام خمینی، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷.
۲– ۱۶۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۷.
۳– ۱۶۵. سند شماره ۶۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو، اسفند ۱۳۶۷، ص ۶۷.
۴– ۱۶۶. برابر گزارش نشریه «لوس آنجلس تایمز»، امریکایی ها در تعیین استراتژی عراق برای بازپس گیری فاو و ارائه تاکتیک های نظامی با ماکت سازی شبیه فاو مشارکت داشته اند. (محمد صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، زمستان ۱۳۷۰، ص ۶۰).
۵– ۱۶۷. سردار محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاده (دافوس)، سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۴.
۶– ۱۶۸. فرمانده اسبق سپاه گارد عراق می گوید: «پس از تصرف فاو به وسیله ایرانی ها، صدام حسین بارها فرماندهان نظامی را فراخوانده و در اجلاس های متعدد بر ضرورت آزاد سازی شهر فاو تأکید کرد. سرانجام، پس از یک سلسله بحث های متعدد، کلیه طرح های لازم برای حمله به فاو آماده گردید. در طول دو سال گذشته ما به طور مستمر اطلاعات لازم را از نحوه آرایش نیروهای ایرانی مستقر در شهر فاو دریافت می کردیم و در عین حال نیروهای رزمی و تخصصی خود را برای انجام

عملیات بزرگ آزاد سازی شهر فاو انتخاب کرده بودیم. وسایل مورد نیاز و امکانات لجستیکی و پشتیبانی در طول این دو سال فراهم شد و در چند نوبت نیروهای شرکت کننده مانور لازم را انجام دادند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی).

استعداد نیروهای دشمن در این عملیات بالغ بر ۴۸ تیپ، بیش از ۱۲۰۰ تانک و نفربر و ۳۵ گردان توپخانه با سازمان سپاه هفتم و سپاه گارد بود (۱) .

بـا توجه به نگرانی هـایی که نسبت به هجوم احتمـالی دشـمن به منطقه فـاو وجود داشت، از یـک هفته قبـل از تهاجم دشـمن، قرارگاه سیدالشـهدا علیه السـلام (۲) به یگـان هـای پدافنـد کننـده در خـط فـاو آمـاده باش صـد در صـد داده بود، اما به دلیل تحرکات نسبتا مداوم دشمن در این منطقه طی دو سال گذشته و اعلام آماده باش های مکرر، یگان های یاد شده، اعلام آماده بـاش جدیـد را نیز همچـون گذشـته ارزیـابی کردنـد، علاـوه بر آن اسـتحکامات خطوط پدافنـدی خودی در منطقه فـاو، نوعی اطمینـان به وجود آورده بود. (۳) بخشـی از نیروهای یگان های مسـتقر در خط فاو نیز که در منطقه عملیات والفجر ۱۰ شرکت داشتند، در مرخصی به سر می بردند و غیر از نیروهای موجود در خط، نیروی دیگر وجود نداشت (۴) .

در غروب روز ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ فرمانده یکی از گردان های لشـکر امام حسین علیه السلام، مشاهده می کند که یک گردان از نیروهای دشـمن با کلاه آهنی و برانکارد در حال حرکت بودند. علایم نشان می داد که نیروهای عراقی در حال آفند به سـر می برند. با افزایش احتمال حمله دشـمن، تنها کم تر از ۱۲ ساعت قبل از آن، بار دیگر به نیروها اطلاع داده شـد که عراق می خواهد حمله کند. (۵) با تاریک شدن هوا در ساعت ۲۴، آتش تهیه جلوی خط لشکرهای امام حسین علیه السلام و ثارالله اجرا شد. به دلیل نگرانی های موجود، نیروها

ص: ۵۹

۱- ۱۶۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۵.

۲- ۱۷۰. منطقه عملیـاتی فـاو پس از تصـرف به دست جمهوری اسـلامی ایران، در حالت پدافنـد تحت اداره و نظارت قرارگاه سیدالشهدا (ع) قرار گرفت.

۳- ۱۷۱. مأخذ ۱۵، ص ۵۷.

۴- ۱۷۲. پیشین، ص ۵۹.

۵- ۱۷۳. پیشین، ص ۶۰، مصاحبه با یکی از فرماندهان گردان از لشکر امام حسین (ع)، نوار ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

تا صبح بیدار بودند و سیستم ارتباطی فعال بود. (۱) در این زمان استعداد نیروهای خودی در خط شش تا هفت گردان و در احتیاط پنج گردان بودند و استعداد توپخانه نیز ۱۵ گردان بود. (۲) به عبارت دیگر، استعداد نیروهای خودی از یک لشکر تجوز نمی کرد، حال آن که دشمن با دو سپاه و با استعدادی بیش از ۱۲ لشکر آماده حمله بود.

با وجود آمادگی نیروهای خودی، سلاح ها و ادوات موجود در خط دوم بر اثر حجم گسترده آتش دشمن منهدم و بر اثر حملات شیمیایی (۳) نیز نیروهای مسئول و خدمه یگان های ادوات، ضد زره و توپخانه زخمی و شهید شدند و امکان پشتیبانی آتش از نیروهای درگیر در خط، در همان آغاز عملیات از میان رفت. (۴) یگان های زرهی و پیاده دشمن از ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد از معابری که پیش از این شناسایی شده بودند، هجوم خود را آغاز کردند. به همراه یگان های زرهی، دستگاه های مهندسی دشمن نیز در حرکت بودند و بریدگی های موجود بر روی جاده را پر کرده و موانع را به سرعت برطرف می کردند و به پیش روی خود ادامه می دادند. (۵) در این عملیات، یگان های سپاه گارد عراق در حد فاصل جاده «استراتژیک» تا «خور عبدالله» و یگان های سپاه هفتم عراق در حد فاصل اروند تا جاده استراتژیک گسترش یافته و به اجرای عملیات پرداختند. (۶) در این حال، فشار دشمن بر روی جاده استراتژیک برای ایجاد رخنه در خط خودی متمرکز بود. تانک ها و نفربرهای دشمن که بر روی جاده منهدم شده بودند، بلافاصله از روی جاده خارج شده و پیش روی ادامه یافت. بر اثر این فشارها، سرانجام نیروهای دشمن خطوط پدافندی نیروهای خودی بر روی جاده استراتژیک و وسط کارخانه نمک را شکستند. (۷) بخشی از نیروهای دشمن که لباسی شبیه لباس بسیج به تن داشتند و برخی نیز به زبان فارسی صحبت می کردند، به داخل نیروهای خودی رخنه

۱- ۱۷۴. پیشین، ص ۶۱، مصاحبه با معاون عملیات قرارگاه سیدالشهداء (ع)، نوار مصاحبه ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۷۵. پیشین، ص ۶۴.

۳- ۱۷۶. دشمن در حملات شیمیایی به توپخانه خودی، از گاز سیانور استفاده کرد.

۴- ۱۷۷. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۱۷۸. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۱۷۹. پیشین، پاورقی ص ۶۸.

۷- ۱۸۰. پیشین، ص ۶۸.

کردند. (۱) (۲) علی رغم برتری قابل ملاحظه نیروهای دشمن که خط دفاعی نیروهای خودی را بر اثر آتش و فشار نیروی زرهی درهم شکسته و پیش روی می کردند، اما بر اثر مقاومت نیروهای خودی بار دیگر به عقب رانده شدند و رخنه ها ترمیم شد. (۳) سماجت نیروهای عراقی در پیش روی با وجود تلفاتی که بر آنها وارد آمده بود، نشان می داد که از وضعیت خطوط خودی و نیروهای موجود در آنها اطلاعات کافی داشته و بر این باور هستند که این مقاومت ها شکسته خواهد شد (۴) .

ساعت ۷ صبح، خبر حمله به فاو از منطقه عملیاتی به آگاهی مسئولان و فرماندهان سپاه رسید و تلاش برای آزاد کردن یگان های سپاه از سایر مناطق به ویژه ماووت و حلبچه در شمال غرب - که تا فاو ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله داشت - با جایگزین کردن یگان های ارتش در آن مناطق آغاز شد. همچنین، برای به کارگیری هلی کوپتر و هواپیما و فعال کردن سیستم ضد هوایی «هاگ» ارتش، تماس با تهران نیز شروع شد. (۵) فرماندهانی که برای همایش در کرمانشاه حضور داشتند، به سرعت به سمت منطقه فاو حرکت کردند و از ساعت ۸:۳۰ صبح به تدریج در منطقه حضور یافتند. (۶) به دلیل نبودن اطلاعات و ارزیابی صحیح از حرکت دشمن، احتمال داده می شد که حرکتی شبیه حرکات متکی به استراتژی دفاع متحرک در حال اجراست؛ لذا برخی فرماندهان در خصوص هدف نهایی دشمن و احتمال این که می خواهد تمامی فاو را تصرف کند تردید داشتند (۷) .

به موازات پیش روی نیروهای دشمن در فاو، ۵۰ فروند قایق و تعدادی ناو و ناوچه عراقی در خور عبدالله آماده شدند تا در ساحل فاو نیرو پیاده کنند. (۸) بر اثر فشار دشمن، در حوالی ظهر تقریبا رخنه نیروهای دشمن در برخی از محورها با شکسته شدن خط کامل شد و سپس، در پشت مواضع نیروهای

۱- ۱۸۱. پیشین، ص ۶۸، جلسه قرارگاه نیروی زمینی، نوار۱۸، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۸۲. برابر گزارش های موجود، منافقین در این عملیات مشارکت داشتند.

۳- ۱۸۳. پیشین، ص ۷۷.

۴- ۱۸۴. پیشین، ص ۷۷.

۵- ۱۸۵. پیشین، ص ۷۰.

۶- ۱۸۶. پیشین، ص ۷۲.

۷- ۱۸۷. پیشین، صص ۷۸ و ۸۱.

۸- ۱۸۸. پیشین، ص ۷۷.

خودی به پیش روی ادامه دادند. (۱) در پی موفقیت دشمن در این مرحله، رادیو عراق در ساعت ۱۵:۱۵ دقیقه بعد از ظهر اعلام کرد که عملیات «رمضان المبارک» برای آزاد سازی فاو با شرکت سپاه هفتم و سپاه گارد آغاز شده است. (۲) بدین ترتیب، از بعد از ظهر همان روز تقریبا جمع بندی نسبتا روشنی از اهداف دشمن به دست آمد و بر دامنه نگرانی ها افزود.

از عصر روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ ارتش عراق هم زمان با پیش روی در منطقه فاو، در منطقه شلمچه اقدام به تحرک زرهی و استفاده از سلاح شیمیایی و در منطقه خرمشهر اوایل شب مبادرت به اجرای آتش شدید کرد. به نظر می رسید، دشمن دو هدف را پی گیری می کرد، نخست از بین بردن تمرکز فرماندهی و ایجاد تشتت در افکار فرماندهانی که به منظور مقابله با دشمن در فاو متمرکز شده بودند و دوم جلوگیری از انتقال نیرو و امکانات از مناطق نزدیک، به منطقه فاو. (۳) وضعیت نیروهای خودی با وجود حضور فرماندهان سپاه، همچنان به دلیل فقدان نیرو و آتش پشتیبانی، نامطلوب بود. در پی تهاجم شیمیایی دشمن و تلفات وارده به توپخانه از ساعت ۱۱ صبح روز اول عملا هیچ گونه آتشی علیه دشمن وجود نداشت. (۴) در مقابل، آتش توپخانه دشمن با هلی کوپتر هدایت می شد و دارای حجم بسیار بالایی بود. از ساعت ۱۷: ۳۰ آتش دشمن به تدریج کاهش یافت و این موضوع، نشان دهنده تغییر مواضع توپخانه به سمت جلو بود (۵) .

با تاریک شدن هوا در پایان روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، فشار دشمن همچنان تا نیمه شب ادامه یافت. به نظر می رسید نیروهای دشمن تلاش می کنند در مواضع پدافندی مناسبی مستقر شوند. (۶) وضعیت حاکم در صحنه درگیری و گزارش های واصله در پایان روز نشان می داد که حفظ فاو بسیار دشوار است. در این شرایط، ضرورت حمله به دشمن بر همگان روشن بود (۷) ، زیرا نیروهای دشمن با وجود پیش روی های انجام شده، همچنان گیج و

۱- ۱۸۹. پیشین، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- ۱۹۰. پیشین، ص ۸۱.

۳- ۱۹۱. پیشین، ص ۱۱۲.

۴- ۱۹۲. پیشین، ص ۸۲.

۵- ۱۹۳. پیشین، ص ۹۶.

۶- ۱۹۴. پیشین، ص ۹۶.

۷- ۱۹۵. پیشین، ص ۱۰۳.

آسیب پذیر بودند، لذا تهاجم شبانه به دشمن می توانست علاوه بر تحمیل تلفات بر دشمن، از توان آنها برای تهاجم در روز بعد بکاهد. بر پایه این ملاحظه، پی گیری برای انتقال نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، توپخانه، ضد زره و پدافند هوایی در دستور کار مسئولان و فرماندهان خودی قرار گرفت. (۱) و طرح مانور برای حمله به دشمن نیز آماده شد. (۲) تأخیر در اعزام نیرو باعث شد تا عملیات نیز ساعت ۴ تا ۴:۳۰ بامداد روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ با تأخیر انجام شود. در این عملیات نیروهای سه لشکر نجف، کربلا و امام حسین علیه السلام به دشمن حمله کرده و شمار زیادی از نیروهای آنان را کشته و امکاناتشان را منهدم کردند (۳) .

با روشن شدن هوا، مرحله سوم عملیات دشمن از ساعت ۵ صبح ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ و با اجرای آتش تهیه آغاز شد. برابر گزارش شنود رادیویی (۴) و دستور اجرای مرحله سوم عملیات در روز دوم حمله دشمن، این مسئله روشن شد که طرح دشمن در سه مرحله به شرح زیر بوده است: مرحله اول، شکستن خط بود که پیش از ظهر روز اول انجام گرفت. مرحله دوم، پیش روی تا دروازه شهر فاو بود که در بعد از ظهر روز اول تا اندازه ای تأمین شد و مرحله سوم، تصرف شهر فاو و پیش روی تا دهانه اروند بود (۵) .

نیروهای دشمن در روز دوم با روحیه مضاعف پیش روی خود را آغاز کردند، اما هنوز درخواست نیروهای خودی برای هواپیما و هلی کوپتر که از ۲۴ ساعت قبل آغاز شده بود، به نتیجه نرسیده بود. (۶) سرانجام، ساعت ۶:۴۰ دقیقه فرمانده نیروی هوایی ارتش اعلام کرد، جاده های دشمن را دو بار بمباران کرده اند (۷) .

عراقی ها که در آستانه ورود به شهر فاو بودند، پل بعثت را که تنها پل ثابت و اصلی ترین راه تدارک نیروهای خودی در منطقه بود، هدف راکت قرار دادند و چند نقطه از آن را تخریب کردند. بر اثر ادامه حملات، پل دچار آسیب

۱- ۱۹۶. پیشین، ص ۸۷.

۲- ۱۹۷. پیشین، ص ۱۰۸.

۳- ۱۹۸. پیشین، ص ۱۱۵.

۴- ۱۹۹. پیشین، ص ۱۱۷.

۵- ۲۰۰. پیشین، ص ۱۵۰.

۶- ۲۰۱. پیشین، ص ۱۱۷.

۷- ۲۰۲. پیشین، ص ۱۱۸.

زیادی شـد به گونه ای که امکان ترمیم آن وجود نـداشت، در پی این حادثه تردد خودی از روی پل به تدریـج کنـد شـد و به موازات آن، تلاش نیروهای خودی برای خروج از شـهر فاو افزایش یافت. (۱) در واقع، ورود دشـمن به شهر فاو به منزله آغاز شمارش معکوس برای سقوط منطقه فاو بود، زیرا کلیه خطوط دفاعی درهم شکسته شده بود و تشکیل خط دفاعی جدید نیز به امکانـات مهندسـی و زمـان نیـاز داشت. تشدیـد حملات هوایی دشـمن به پل بعثت بیش از پیش بر مشـکلات پشتیبانی و تردد نیروها افزود. عوامل روانی ناشی از این وضعیت به تدریج زمینه تخلیه شهر فاو را فراهم ساخت.

با وجود تلاش فرمانـدهان و گرفتن قول مساعد برای اسـتقرار سیسـتم موشـکی هاگ در منطقه به منظور مقابله با تهاجم هوایی دشمن به پل بعثت، تا نزدیک ظهر هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

فرماندهان سپاه تلاش های زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، سیسـتم پدافندی هاگ انجام دادند، ولی هماننـد سایر نیازمندی های سپاه، این درخواست ها نیز تأمین نشد. فرماندهی سپاه طی روز اول و دوم تلاش زیادی برای متقاعـد ساختن مسـئولان به منظور اعلان بسـیج عمومی انجام داد، ولی به نتیجه نرسـید و تنها در ساعت ۱۱:۲۰ دقیقه روز دوم امـام خمینی (ره) به مسـئولان کشوری دسـتور لازم را برای در اختیار گذاشـتن امکانات به سپاه صادر کردنـد و فرمودنـد که همانند عملیات کربلای ۵ هر چه را که سپاه نیاز دارد در اختیار قرار دهند (۲) .

در گام بعـدی دشـمن با پیش روی در شـهر فاو به ساحل اروندرود نزدیک شد و با تصـرف اسـکله فاو، امکان تردد قایق های خودی را برای پشتیبـانی نیروهـا و یـا تخلیه آنهـا از منطقه فـاو از میـان برد. با روشن شـدن وضـعیت منطقه، همه تلاش ها برای نجات نیروهای محاصـره شده متمرکز شد. (۳) در این وضـعیت که عملا امکان درگیری وجود نداشت، تنها راه عقب نشـینی، این بود

ص: ۶۴

۱- ۲۰۳. پیشین، ص ۱۲۱.

۲- ۲۰۴. پیشین، ص ۱۳۹.

۳- ۲۰۵. پیشین، ص ۱۳۰.

که نیروها از طریق چولان ها (۱) به ساحل رسیده و با شنا از رودخانه اروند عبور کنند. (۲) محل قرارگاه فرماندهی سیدالشهدا علیه السلام نیز از نزدیکی شهر فاو به نزدیکی پل بعثت منتقل و اسناد آن تخلیه شد (۳) .

بعد از ظهر روز دوم، به دلیل از هم پاشیدگی نیروهای خودی و فقدان خط دفاعی و به موازات آن، وسعت و حجم پیش روی نیروهای دشمن، امکان مهار و اداره اوضاع به کلی از میان رفت (۴) و به همین دلیل، دستور عقب نشینی و تخلیه منطقه رسما صادر شد. (۵) با تاریک شدن هوا، تلاش برای ترمیم پل بعثت تا ساعت ۲۴ به طول انجامید و همچنان تلاش برای تخلیه نیرو و امکانات ادامه داشت. (۶) هر چند نیروهای دشمن - با وجود تسلط بر منطقه - از نزدیک شدن به پل بعثت وحشت داشتند اما امکان ادامه حضور نیروهای خودی وجود نداشت و منطقه فاو پس از دو سال و سه ماه به طور کامل تخلیه شد (۷) (۸) .

ارزیابی علل سقوط فاو

سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت (۹) و تأثیرات ناشی از وقوع این حادثه در تغییر توازن قوا به سود عراق، سئوالات و ابهامات بسیاری را در آن زمان مطرح کرد که تاکنون پاسخ روشنی برای آنها ارائه نشده است. سرعت سقوط فاو با توجه به ذهنیت موجود در جامعه در مورد توانایی قوای نظامی ایران و ضعف و ناتوانی نیروهای دشمن باعث شد، حتی برخی اشخاص و محافل با تحلیلی هر چند غیر منطقی و عجولانه، این واقعه را به عنوان اقدام عمدی ایران، با هدف پایان بخشیدن به جنگ ارزیابی کنند. این تحلیل نشان دهنده حیرت و

۱- ۲۰۶. نیزارهای بلند.
۲- ۲۰۷. پیشین، ص ۱۳۱.
۳- ۲۰۸. پیشین، ص ۱۳۲.
۴- ۲۰۹. پیشین، ص ۱۳۲.
۵- ۲۱۰. پیشین، ص ۱۳۵.
۶- ۲۱۱. پیشین، ص ۱۴۲.
۷- ۲۱۲. پیشین، ص ۱۳۵.
۸- ۲۱۳. دو تن از راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه که همراه فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه در حادثه سقوط فاو حضور داشتند، جزوه مفصلی در ۲۰۰ صفحه رحلی از رخدادهای ۴۸ ساعته فاو تهیه کرده اند که در آن، ساعت به ساعت وقایع سقوط فاو در دو سطح فرماندهی و عملیاتی گزارش شده است.
۹- ۲۱۴. مأخذ ۱۶.

شگفتی از سقوط فاو و اجتناب از پذیرش برتری عراق بود. (۱) چنین ذهنیتی بیش از آن که متأثر از واقعیات حاکم بر جنگ باشد، ناشی از تبلیغاتی بود که به طور پیوسته از موقعیت خودی و دشمن، ترسیم می شد و ذهنیت جامعه را شکل می داد. به عبارت دیگر، شکاف موجود میان واقعیات جنگ و درک مردم از آن، برداشت و تحلیل های متفاوت و گاه غیر واقع بینانه را در جامعه به وجود آورد که تنها با تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و پیش روی به سمت خرمشهر و اهواز درهم شکسته شد، هر چند با تشدید نگرانی و احساس خطر از وضعیت جدید بار دیگر نیروهای داوطلب به سمت جبهه ها گسیل شدند. در هر صورت، اکنون با گذشت بیش از ۱۱ سال از زمان سقوط فاو و تغییر شرایط، تا اندازه ای زمینه تجزیه و تحلیل علل سقوط سریع فاو فراهم شده است که به اجمال در این بخش به آن اشاره خواهد شد.

سقوط فاو در یک نگاه اجمالی و کلی حاصل برتری کمی فوق العاده عراق از نظر نیرو و تجهیزات و نیز تغییر استراتژی آن کشور از پدافند به آفند در پایان جنگ بود. حضور نیروهای ایران در شمال غرب (۲) در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو و غافل بودن جمهوری اسلامی ایران از تغییر استراتژی عراق، علل مؤثر دیگری در سقوط فاو بودند. (۳) البته تاکنون به دلیل نگاه سطحی برخی تحلیل گران داخلی و با تأثیر پذیری از تحلیل رسانه های خارجی آنچه در مورد علل سقوط فاو به صورت محوری تر مورد تأکید قرار گرفته است، غافل گیری ایران و استفاده عراق از سلاح شیمیایی می باشد، حال آن که این مسئله در مقایسه با برتری عراق و تغییر استراتژی این کشور - که با حمایت

۱- ۲۱۵. در این زمینه بسیاری از کارشناسان نظامی نیز تصور نمی کردند که ارتش عراق به دلیل برخوردار نبودن از آموزش کافی و روحیه تهاجمی، دست به تهاجم بزنند. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، خرداد ۱۳۶۷، ص ۲، به نقل از نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۱۶. برای آگاهی بیش تر، نگاه کنید به کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۴۱۵ تا ۴۲۷، مقاله جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، نوشته جیمزبیل.

۳- ۲۱۷. مصاحبه اختصاصی با سردار غلامعلی رشید، درباره تحولات جنگ پس از سقوط فاو، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۷.

گسترده جهانی همراه بود - نقش و تأثیر کم تری داشته است.

پدیده غافل گیری ایران نیاز به بررسی بیش تری دارد. چنان که پیش از این اشاره شد و اسناد و مدارک آن موجود است، حساسیت و اهمیت منطقه فاو و تلاش های مکرر عراق برای بازپس گیری آن، سبب شده بود که احتمال حمله دشمن به این منطقه و نگرانی نسبت به نتایج آن همواره وجود داشته باشد و حتی در زمستان سال ۱۳۶۶ نیز بار دیگر بر این مسئله تأکید شد.

در اسفند سال ۱۳۶۶ برادر غلامعلی رشید، معاونت طرح و برنامه قرارگاه خاتم ۱ (سپاه) اظهار داشت:

«امسال، سالی است که هم ما باید از حمله دشمن در جنوب خوف داشته باشیم، و هم او خوف دارد مثل هر سال.»

وی با توجه به این که در سال های گذشته همواره دشمن نگران هجوم بزرگ ما بود، تأکید کرد:

«امسال به عکس، ما بایستی مثل او خوف داشته باشیم» (۱) .

برادر رضایی، فرمانده کل سپاه نیز با توجه به حملات مکرر منافقین و سایر ملاحظات، در ۲ فروردین ۱۳۶۷ گفت:

«ما نگران خطوط پدافندی هستیم» (۲) .

وی همچنین پیش بینی کرد:

«با توجه به شرایطی که وجود دارد، از جمله مشکلات جذب نیرو، بودجه، زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی، عدم انطباق مأموریت سپاه با وسعت سازمان آن و سایر عوامل، یک سال طول می کشد تا از خطوط پدافندی اطمینان حاصل کنیم و طی این مدت، احتمالا دو تا سه ضربه محکم خواهیم خورد.» (۳) .

با وجود این حساسیت ها، هوشیاری و دقت همراه با ارائه تحلیل و پیش بینی لازم درباره احتمال تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند وجود

۱- ۲۱۸. مأخذ ۱۵، ص ۴۳.

۲- ۲۱۹. پیشین، ص ۲۱.

۳- ۲۲۰. پیشین، ص ۷۷.

نداشت (۱) سردار «غلامعلی رشید» در مصاحبه اخیر خود در ۲۳ مهر ۱۳۶۷، در توضیح این مسئله گفت: تمام حرکت های عراق به عنوان یک استراتژی، در ذهن ما نبود. سه مسئله بر تفکر ما سایه افکنده بود: نخست، تحلیل غلط از تلفات دشمن در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که بیش ترین خسارت را متوجه ما کرد. دوم، بن بست در جنوب و رفتن به شمال غرب و مهم تر از همه، عدم تصور از تغییر استراتژی دشمن بود. (۲) در این میان، حضور نیروهای ایران در شمال غرب با فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو که به منزله تغییر استراتژی ایران بود، مسئله بسیار مهمی محسوب می شد، زیرا شبکه فرماندهی، لجستیک و نیروهای ایران در جنوب مستقر بود.

مسطح بودن زمین، نزدیکی فواصل جبهه ها، تکرار یک سلسله عملیات آفندی و پدافندی در این زمین و رفع ضعف ها و کاستی ها موجب برتری ایران بر عراق شده بود. حال آن که این برتری ها در منطقه شمال غرب نبود (۳) .

در نتیجه، زمان لازم و مناسب برای عراق به منظور انتقال نیروها و امکانات و استقرار آن در منطقه جنوب فراهم شد. این همان فرصتی بود که این کشور همواره مترصد بهره برداری از آن بود که در عمل حاصل شد. حال با این ملاحظه کلی جای سؤال وجود دارد که «با وجود نگرانی های موجود به برتری عراق و احتمال تهاجم عراق به فاو، چرا همچنان نیروهای ایران در منطقه شمال غرب به حملات خود ادامه می دادند؟». پس از پاسخ به این سؤال مسلما سؤال دیگری وجود دارد که باید به آن پاسخ داد؛ «آیا حضور نیروهای ایران در منطقه جنوب می توانست علاوه بر حفظ فاو، تهاجمات دشمن را در سایر مناطق مهار کند؟»

حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶

ص: ۶۸

۱- ۲۲۱. بعدها روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «فرماندهان ایرانی در فاو فکر نمی کردند عراقی ها خواست و یا توان حمله به مواضع دفاعی قوی آنها را داشته باشند و عراقی ها از این احساس امنیت غلط بهره برداری کرده و ایرانی ها را صبح یکشنبه غافل گیر کردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷).

۲- ۲۲۲. مأخذ ۵۹.

۳- ۲۲۳. پیشین.

و بهار سال ۱۳۶۷ حاصل بن بست در منطقه جنوب بود. مهم تر آن که چنین پیش بینی می شد، با تداوم پیش روی در منطقه غرب و تهدید شهرهای کرکوک و تصرف سلیمانیه، نیروهای عراقی سرانجام از جنوب جا کن شده و به غرب خواهند آمد. در زمستان سال ۱۳۶۶ و به هنگام انجام عملیات بیت المقدس ۲ بر روی ارتفاعات «قمیش»، «دولبشک» و سایر ارتفاعات مشرف به «سلیمانیه»، برادر رضایی گفت:

«ما پیش روی می کنیم و این جا دو احتمال وجود دارد: یا دشمن به منطقه غرب می آید یا وقتی مشاهده کند ما در جنوب نیستیم، حمله می کند» (۱) .

پیروزی در عملیات والفجر ۱۰ و ستون کشی دشمن به غرب در اسفند سال ۱۳۶۶ (برابر گزارش قرارگاه کربلا) (۲) صحت این تحلیل را نمایاند و به خوش بینی موجود دامن زد و این تصور وجود داشت که نیروهای لشکر گارد نیز به منطقه غرب آمده اند. حملات دشمن در منطقه سپاه یکم و دوم در ۲۶ فروردین ۱۳۶۷ بر روی شاخ شمیران و در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ بر روی ارتفاعات «ریشن»، در تداوم این خوش بینی ها تأثیر داشت (۳) .

با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه نظامی جنگ در منطقه جنوب، اساسا سه راه کار (۴) فرا روی ایران قرار داشت: نخست، بر پایه این احتمال که دشمن سرانجام به منطقه جنوب حمله خواهد کرد، با پدافند در این منطقه برای مقابله با تهاجم احتمالی عراق، آمادگی لازم حاصل شود. این راه حل با توجه به این که منطقه مورد تهاجم در جنوب مشخص نبود، تأثیر چندانی بر ممانعت از غافل گیری ایران نداشت، ضمن این که انجام ندادن عملیات خودی نیز زیان های خاص خود را در پی داشت، به ویژه این که عادت نیروهای بسیجی

۱- ۲۲۴. مأخذ ۱۵، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- ۲۲۵. مأخذ ۱۵، ص ۴۲، فرماندهی قرارگاه کربلا در جنوب.

۳- ۲۲۶. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۲۲۷. تیمسار شمخانی در دوره عالی جنگ سپاه طی بحث هایی که در این زمینه انجام شد، بر این نظر بود که ما سه راه حل داشتیم: اول پدافند در برابر تهاجم عراق و کسب آمادگی برای انجام آن؛ دوم آفند به نقاط حساس که با تداوم جنگ در منطقه غرب کشور دنبال شد؛ و راه حل سوم صلح بود که برای انجام آن تلاش می شد. (دوره عالی جنگ سپاه، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۷۴).

حضور در آفند و مراجعت به شهرها در هنگام پدافند بود بنابراین، در صورت اتخاذ استراتژی پدافندی، حداقل در کوتاه مدت امکان استفاده وسیع از نیروهای بسیج وجود نداشت. راه دوم، انجام عملیات در منطقه شمال غرب با امیدواری به جا کن شدن دشمن از جنوب بود که این کار انجام شد ولی به نتیجه نرسید. راه حل آخر، برقراری صلح بود که تلاش برای انجام آن با چانه زنی سیاسی در مورد تغییر بندهای قطع نامه ۵۹۸ به وسیله وزارت خارجه ایران پی گیری می شد.

بر پایه این ملاحظات به دلیل افزایش توان رزمی ارتش عراق، حضور یا عدم حضور در منطقه جنوب تأثیر تعیین کننده ای در روند تحولات جنگ - در صورت آغاز تهاجم عراق - به سود ایران نداشت. حتی با فرض تمرکز نیروهای ایران در منطقه فاو، سقوط این منطقه تنها با تأخیر صورت می گرفت. (۱) به همین دلیل، پس از استماع گزارش فرماندهان از سقوط فاو، آقای هاشمی رفسنجانی گفت:

«اگر ۴۰ گردان هم نیرو داشتیم، باز دشمن فاو را می گرفت.» (۲) .

به نظر می رسد ریشه مشکلات و آن چه ایران را در وضعیت نامطلوب و شبیه به بن بست قرار داده بود در واقع متأثر از عقب ماندگی استراتژیک ایران در برابر عراق طی شش سال - پیش از سقوط فاو - بود. آن چه در سال های قبل و پس از فتح خرمشهر انجام گرفت با وجود تلاش ها، رشادت های ممکن و موفقیت های بزرگ، در سطح نظامی فاقد ویژگی جنگ تمام عیار و همه جانبه بود و در بعد سیاسی نیز از مشخصه تلاش جدی و زمینه ساز برای صلح برخوردار نبود. (۳) حال آن که عراق با اصلی پنداشتن جنگ تمام عیار،

۱- ۲۲۸. پیشین، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۹. پیشین.

۳- ۲۳۰. یکی از نمایندگان شورای اسلامی در اظهارات خود در نطق پیش از دستور در مورد شرایط دو گانه ایران گفت: وضعیت امروز حکایت دارد که هم جنگ در جبهه باشد و هم زندگی عادی در پشت جبهه، عده ای می جنگند و عده ای زندگی می کنند. شرایط این گونه حکم می کند که این وضعیت قابل استمرار نیست و اگر تصمیمی گرفته نشود، برای جامعه شکنندگی به وجود می آید».

استراتژی نظامی را اتخاذ کرد. ترسیم چگونگی استقرار ایران در وضعیت دو گانه تا اندازه ای می تواند مشکلات و چالش های ایران را روشن کند. به همین دلیل، پس از سقوط فاو، برخی از فرماندهان با بررسی شرایط و دشواری های موجود پیشنهادهایی را برای پایان جنگ ارائه کردند، زیرا شرط ادامه جنگ، آمدن همه و بسیج کلیه امکانات بود. با این وضعیت، ادامه جنگ عملی نبوده و راهی جز اتمام جنگ وجود نداشت. (۱) در جلسه ای که در قرارگاه امام علی علیه السلام در ۱۰ کیلومتری شمال شلمچه برگزار شد، ضرورت بسیج امکانات و آمدن نیروها به عنوان یک ضرورت مطرح شد (۲) .

دیگر دلایل سقوط فاو

صرف نظر از ملاحظات کلی که مورد تأکید قرار گرفت، در سطوح پایین تر، آن چه که به پیروزی عراق در فاو کمک کرد، عمدتا ناشی از عوامل زیر بود:

۱- برنامه ریزی دقیق و دراز مدت برای بازپس گیری فاو؛ چنان که در فرصت های مختلفی عراق در این زمینه تلاش کرد که به نتیجه نرسید، ولی سرانجام با گسترش سازمان و برگزاری مانورهای مناسب بر روی ماکت منطقه فاو از آمادگی لازم برخوردار شد. پیش از این عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرده بود، تصرف دوباره فاو مشروط به برقراری توازن روحیه و توان است. (۳) این امر در ارتش عراق پس از دو سال و اندی حاصل شد.

۲- جمع آوری اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در منطقه فاو (۴) با استفاده از عکس های هوایی، ماهواره ای و کمک اطلاعاتی امریکا و منافقین.

۳- رعایت حفاظت به نحو مطلوب با جابه جایی نیروها در تاریکی شب؛ (۵) در شرایطی که دشمن در ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ تا صبح روز بعد بالغ بر

۱- ۲۳۱. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۳۲. پیشین.

۳- ۲۳۳. مأخذ ۱۷، ص ۱۰.

۴- ۲۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۳۱۷، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از «الدستور»، چاپ انگلیس، ۷ مه ۱۹۸۸، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۷، ژنرال «موگلن»، کارشناس نظامی فرانسه.

۵- ۲۳۵. مأخذ ۱۵، ص ۵۱.

۱۵۰۰ دستگاه خودرو وارد وفا کرد (۱) ، لیکن تحرکات خود را کاملاـ عادی نشان می داد و حتی آتش دشمن کاهش یافته بود. به همین دلیل، هیچ گزارش اطلاعاتی در مورد تقویت دشمن در فاو منتشر نشد (۲) .

۴- اجرای طرح فریب با تظاهر به ستون کشی به غرب و اجرای تک در منطقه سپاه اول و دوم.

۵- طرح ریزی عملیاتی مناسب و استفاده از گاز سیانور در بمباران شیمیایی پشت خطوط، توپخانه ها و خمپاره اندازهای خودی که از همان آغاز عملیات، آتش توپخانه ایران را از کار انداخت.

۶- بهره برداری از فرصت با توجه به غافل گیری ایران که دشمن با توجه به حضور نیروهای ایران در منطقه شمال غرب در مدت ۱۲ ساعت با استفاده از فرصت توانست با تکیه بر برتری توان، اوضاع را به طور کامل به سود خود تثبیت کند.

۷- استعداد اندک نیروهای ایرانی در منطقه فاو که کمتر از یک لشکر بود و تمرکز اصلی نیروها در منطقه غرب در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از منطقه فاو.

آثار و بازتاب سقوط فاو

دو مشخصه برجسته ناشی از سقوط فاو، «تغییر توازن» و «برهم خوردن تعادل روانی» در جنگ بود. پیدایش این وضعیت به عنوان یک «نقطه عطف»، منجر به تقویت این احتمال شد که با «تغییر سیر جنگ»، زمان پایان دادن به آن فرارسیده است.

سقوط فاو سبب شد، علت برتری یافتن عراق و پیروزی این کشور در فاو مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران قرار گیرد. «حمله غیر منتظره عراق»

ص: ۷۲

۱- ۲۳۶. پیشین، ص ۵۳، برادر محرابی مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۳۷. پیشین، ص ۵۲.

برخی از مقامات غربی و تحلیل گران را دچار شگفتی کرد (۱) ، زیرا تا آن زمان آنها می پنداشتند که عراق همچنان موضع دفاعی خود را حفظ خواهد کرد، لذا این تغییر استراتژی سبب شد تا نقش مشاوره ای امریکا و شوروی و فرانسه برای سازمان دهی مجدد گارد ریاست جمهوری عوامل اصلی تغییر وضعیت شناخته شوند. (۲) پیش از این، بسیاری از کارشناسان نظامی جنگ معتقد بودند که ارتش عراق از آموزش یا روحیه تهاجمی لازم برای دست زدن به حمله برخوردار نیست، اما تحولات عمده ای که در سال ۱۳۶۶ در ارتش عراق انجام شد، تحلیل گران پنتاگون را نیز به تجدید نظر در تفکر خود واداشت. (۳) دیپلمات های مقیم بغداد نیز بازپس گیری فاو را نشانه بهبود توانایی رزمی و تقویت روحیه ارتش عراق ذکر کردند (۴) .

همچنین، بازپس گیری فاو باعث شد نیروهای عراق با به دست گرفتن ابتکار عمل (۵) از یک «موضع استراتژیک» (۶) و برتر برخوردار شوند. پیدایش این وضعیت منجر به شکل گیری مفاهیم جدیدی شد، بدین معنا که توازن موجود - قرار داشتن ایران در موضع تهاجمی و برتر و در مقابل قرار داشتن عراق در موضع پدافندی و ضعف - دست خوش تغییر شود و به باورهای پیشین مبنی بر این که ارتش عراق فاقد روحیه و مهارت لازم می باشد، پایان دهد. (۷) در این میان، برخی از دیپلمات ها در خلیج فارس تأکید کردند، این تهاجم می تواند استراتژی عراق را تغییر دهد. (۸) بر اساس همین ملاحظه، فرمانده پیشین سپاه گارد گفت:

«آزاد سازی شهر فاو، سرنوشت جنگ را تغییر خواهد داد.» (۹) .

سقوط فاو، استراتژی ایران را مبنی بر متقاعد ساختن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران - به خاطر داشتن موضع برتر به دلیل ادامه حملات به مواضع عراق و در اختیار داشتن مناطق تصرف شده در خاک عراق - آسیب پذیر کرد و در معرض تغییر قرار داد. زیرا در میان مناطق تصرف شده،

---

۱ - ۲۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۳۲، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۲ - ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۴، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک تحلیل گر خاورمیانه.

۳- ۲۴۰. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، نیویورک تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷، صص ۱۲ و ۱۳.

۴- ۲۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۸، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، بی بی سی، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۴۲. مأخذ ۷۳.

۶- ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۳۱، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه.

۷- ۲۴۴. مأخذ ۸۰، رادیو لندن، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۸- ۲۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۰، ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر در کویت.

۹- ۲۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۷.

«فاو» برای ایران همانند «خرمشهر» برای عراق با اهمیت بود. ضمن این که خروج عراق از لاک دفاعی و قرار گرفتن در موضع آفند، نیازمند تغییر استراتژی نظامی ایران برای مقابله با سلسله تهاجمات عراق بود که نیاز به زمان داشت و از این مهم تر، سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت، ضربه روانی غیر قابل جبرانی بر ایران وارد ساخت که بهبود آن به سهولت امکان پذیر نبود. بر پایه همین ملاحظه، آقای هاشمی رفسنجانی در تحلیلی از روند جنگ تأکید کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود» (۱) .

«گری سیک» مشاور «کارتر»، رئیس جمهور وقت امریکا در امور ایران نیز در مورد تغییر موضع ایران و آمادگی امریکا برای پایان دادن به جنگ معتقد بود:

«اگر ایران مشاهده کند که ادامه جنگ واقعا به اهداف انقلاب اسلامی و بقای حکومت اسلامی لطمه می زند، سعی خواهد کرد هر طور شده است از این وضع نجات یابد» (۲) .

برخی از تحلیل گران معتقد بودند، ضربات ناشی از بازپس گیری فاو به دست عراق، سبب شده است که رهبران ایران (۳) در استراتژی کهنه خود در مورد این که طولانی شدن جنگ فرسایشی با عراق منجر به از پای درآمدن حکومت بغداد خواهد شد، تجدیدنظر کنند. (۴) حتی، برخی منابع دیپلماتیک تأکید کردند، تمایل ایران به یک ابتکار صلح بین المللی بیش از گذشته افزایش یافته است (۵) .

امریکایی ها پیش از این، با اسکورت نفت کش های کویت و تلاش برای

۱- ۲۴۷. مأخذ ۷۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۲- ۲۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۶۱، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیویورک، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

۳- ۲۴۹. «شائول بخاش» یکی از کارشناسان و استاد دانشگاه «جرج تاوان» در مورد تمایل ایران برای صلح و موانع آن گفت: «کادر رهبری ایران به حل مشکل جنگ از راه های دیپلماتیک علاقه نشان داد، اما به سبب سرسختی عراق و حمایت امریکا از آن کشور و کندی ایرانیان در تصمیم گیری، این فرصت از دست رفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از «کریستین ساینس مانیتور»).

۴- ۲۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۷، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۵۱. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

تصویب قطع نامه ۵۹۸، در نظر داشتند، با در دست گرفتن ابتکار عمل، مقدمات پایان دادن به جنگ را فراهم کنند. مهم ترین معضل امریکا مقاومت ایران به دلیل در اختیار داشتن مناطق تصرف شده بود. ایران بر اساس همین وضعیت، در پی دریافت امتیاز لازم مبنی بر تجاوز شناختن عراق بود و امریکا از پذیرفتن و تأمین این خواسته خودداری می کرد. (۱) امریکایی ها ضمن حمایت صد درصد از عراق، پس از ماجرای مک فارلین فشار مستمری را بر ایران وارد ساختند (۲) با سقوط فاو، در واقع، موانع موجود تا اندازه ای برطرف شد، به همین دلیل «ریچارد مورفی»، معاون وزارت خارجه امریکا با اظهار خرسندی از سقوط فاو و فراهم شدن شرایط پایان جنگ، گفت:

«پیروزی ماه گذشته[عراق]در شبه جزیره فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیش رفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد» . (۳)

در عین حال، نگرانی امریکا از تداوم حملات عراق و تغییر موازنه، سبب شد تا «مورفی» در «سمینار خلیج فارس» بر این مسئله تأکید کرده و بگوید:

«ما می خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد» (۴) .

روزنامه امریکایی نیویورک تایمز نیز با توجه به تحولات جدید، خطاب به سیاست مداران امریکا نوشت:

«با توجه به این که گرایش امریکا به سمت بغداد میان ایران و عراق تعادل نظامی

ص: ۷۵

۱- ۲۵۲. امریکایی ها معتقد بودند مشخص ساختن عراق به عنوان متجاوز ممکن است موجب سقوط رژیم عراق شود و ایران از آن به عنوان یک پیروزی که در جبهه جنگ قادر به کسب آن نبود، برخوردار شود. (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۹، ترجمه مقاله بازپس گیری فاو، شیرین هانتر).

۲- ۲۵۳. «شیرین هانتر»، معاون بخش خاورمیانه مرکز مطالعات بین المللی و استراتژیک دانشگاه جرج تاوان طی مصاحبه ای با رادیو امریکا در مورد سیاست امریکا گفت: «بعد از ایران - کنترا (ماجرای مک فارلین) سیاست امریکا به طور کلی و صد درصد جانب سیاست طرف داری از عراق را دارد... از این زمان، سیاست امریکا مبنی بر زیاد کردن فشار بر ایران به طور مستمر بوده است.» وی در مرحله اول، این فشار را تعویض پرچم نفت کش های کویت و قرار دادن پرچم امریکا، و مرحله دوم را حضور نظامی امریکا در خلیج فارس و سپس درگیری نظامی ایران و امریکا ذکر کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۳ / ۲ / ۱۳۶۷).

۳- ۲۵۴. مأخذ ۱۷، مقاله بازپس گیری فاو، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۶.

۴- ۲۵۵. مأخذ ۱۷، مقاله سیاست جدید امریکا، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۲۰.

ایجاد کرده است، اکنون زمان آن است که امریکا دیپلماسی خود را با شرایط جدید منطبق سازد» (۱) .

از این پس، بر اساس درکی که امریکایی ها از وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ داشتند، تلاش مضاعفی را برای متقاعد ساختن ایران برای پایان دادن به جنگ - با ارسال پیام های آشکار و پنهان - آغاز کردند. بر اساس همین ملاحظات، برخی از مقامات امریکایی خواهان شرکت جستن دولت امریکا در نوعی گفت و گوهای صلح با ایران بودند (۲) ، زیرا منافع گوناگون امریکا در خلیج فارس پایان جنگ و بهبود روابط ایران و امریکا را به یک امر ضروری تبدیل کرده بود. (۳) در این حال، ادامه جنگ مانع بهبود روابط ایران و امریکا ارزیابی می شد. (۴) ایران تحت شرایط جدید، از یک سو از روند تحولات جنگ و سیاست های مداخله جویانه امریکا نگران بود (۵) و از سوی دیگر، برای پایان دادن به جنگ، خواستار شناخته شدن این حقیقت بود که عراق متجاوز اصلی بوده و ایران مورد تجاوز قرار گرفته است. شناسایی این موضوع در محافل بین المللی برای ایران با اهمیت بود. (۶) اما از نظر کارشناسان امریکایی تحقق هر گونه شرایطی که منجر به سقوط دولت عراق شود، به منزله بر هم خوردن توازن در خلیج فارس و تهدید دوستان و متحدان امریکا در منطقه و در نتیجه، تهدید منافع استراتژیک غرب ارزیابی می شد (۷) .

آقای هاشمی با توجه به رخدادهای جدید در صحنه نظامی و سیاسی در گفت و گو با تلویزیون ایتالیا گفت:

«اگر واقعا مصلحت را در این تشخیص دهیم که باید مصالحه کرد، ما این سیاست را می پذیریم» (۸) .

وی با توجه به موانعی که برای تأمین خواسته های ایران وجود داشت، افزود:

«فعلا این مصالحه برای ما و منطقه و حتی مردم عراق خیلی گران تمام

۱- ۲۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۱، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.
۲- ۲۵۷. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، رئیس مرکز مطالعات امور خارجه امریکا، «مایکل ولاهوس».
۳- ۲۵۸. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷، «جفری شلوس»، کارشناس امور منطقه ای در دفتر امور خاور نزدیک امریکا.
۴- ۲۵۹. پیشین.
۵- ۲۶۰. روزنامه کیهان، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۷، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۷.
۶- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱، ۱ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۶، شیرین هانتر، معاون مؤسسه استراتژیک جرج تاون.
۷- ۲۶۲. مأخذ ۹۴.
۸- ۲۶۳. روزنامه کیهان، ۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

می شود.» (۱) .

نماینده موقت ایران در سازمان ملل نیز در این باره گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ شامل بندی بود که مهم ترین خواسته ما را تأمین می کرد و آن این که، دبیرکل موظف است که کمیته ای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد... پس از سفر دبیر کل سازمان ملل برای تهیه طرح اجرایی برای قطع نامه با جابه جا کردن بعضی از بندها نظرات ما تا حدودی تأمین شد، ولی دولت بعثی عراق با پیشنهاد دبیر کل مخالفت کرد» (۲) .

سقوط فاو، به طور طبیعی موضع عراق را در مقایسه با گذشته تقویت کرد و همین مسئله بر پیچیدگی اوضاع برای یافتن راه حل مناسب تا اندازه ای افزود. دبیر کل، یک طرح پنج ماده ای تهیه کرد که می توانست نقطه آغازی برای حل و فصل دیپلماتیک جنگ ایران و عراق باشد. (۳) اما، عراق با این پیشنهاد مخالفت کرد، هر چند پاسخ ایران به آن مثبت بود (۴) «دکوئیار»، دبیر کل وقت سازمان ملل در توضیحات مشکلات جدید گفت:

«ایران مفاد ده گانه قطع نامه را پذیرفته است، ولی با ترتیب اجرای آن مخالف است.... ایران می خواهد که اجرای این قطع نامه با تشکیل کمیسیونی که مسبب آغاز جنگ را معلوم کند آغاز شود، ولی عراق ایجاد هر گونه تغییر در مفاد این قطع نامه را نمی پذیرد.» (۵) .

از سوی دیگر، تلاش امریکا برای صدور قطع نامه ای به منظور تحریم ایران نیز به دلیل مخالفت چین و شوروی به عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل که از حق وتو برخوردار بودند ناکام ماند و امکان فشار امریکا به ایران کاهش یافت.

«والترز» نماینده وقت امریکا در سازمان ملل در سفر به منطقه خاورمیانه به مخالفت چین و شوروی اشاره کرد. (۶) «نیکسون»، رئیس جمهور اسبق امریکا نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» امریکا در مورد موضع گیری

۱- ۲۶۴. پیشین.

۲- ۲۶۵. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۳- ۲۶۶. مأخذ ۹۶ گری سیک، عضو اسبق شورای امنیت در زمان کارتر، در مصاحبه با نیوزویک.

۴- ۲۶۷. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۲۶۸. روزنامه کیهان، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۶۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

شوروی گفت:

«اتحاد شوروی در خلیج فارس دست به بازی «رولت روسی» می زند و امریکا می بایست به وضوح به اطلاع «میخائیل گورباچف» رهبر شوروی برساند که کشورش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به امریکا بپیوندد.»

وی اضافه کرد:

«باید ریگان به گورباچف اطلاع دهد، در صورت عدم پیوستن شوروی ها به تلاش های واشنگتن برای پایان دادن به جنگ، بر روابط امریکا و شوروی خدشه وارد خواهد آمد» (۱) .

این توصیه های هشدار آمیز نیکسون، در آستانه چهارمین ملاقات گورباچف و ریگان به عنوان رؤسای دو کشور شوروی و امریکا انجام می گرفت. در چنین شرایطی که روس ها بر اساس قرارداد ژنو (۲۵ / ۱ / ۱۳۶۷) میان افغانستان، پاکستان، امریکا و شوروی، در حال اجرای نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان بودند (۲) ، تمرکز توجهات به تحولات جنگ ایران و عراق به جای توجه به خروج نیروهای شوروی از افغانستان، عملا به سود مقام های مسکو ارزیابی می شد. از سوی دیگر، روس ها با توجه به ثمر نشستن کمک های تسلیحاتی و مشاوره ای خود به عراق و متقاعد ساختن فرماندهان ارتش آن کشور برای تغییر استراتژی از پدافند به آفند و فراهم کردن لوازم و امکانات اجرای این امر مهم، اوضاع را در سطح استراتژیک کاملا به سود عراق ارزیابی می کردند و در نظر داشتند با به دست گرفتن ابتکار عمل، روند جنگ را اداره و هدایت کنند. مشاهده برتری قابل ملاحظه عراق پس از بازپس گیری فاو، روس ها را مانند عراقی ها و برخلاف امریکایی ها متقاعد ساخت که

ص: ۷۸

۱- ۲۷۰. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۲۷۱. منابع غربی، نیروهای شوروی را در افغانستان ۱۱۵ هزار نفر ذکر می کردند، برابر این آمار، در اولین مرحله باید ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر خارج می شدند. «قرارداد ژنو» شوروی را متعهد می کرد، ۵۰ درصد از نیروهایش را تا اواسط ماه اوت ۱۹۸۸ (۲۴ مرداد ۱۳۶۷) و باقی مانده آنها را ظرف شش ماه یعنی تا فوریه ۱۹۸۹ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷) از افغانستان خارج کند.

هیچ گونه اقدام تعجیلی برای پایان بخشیدن به جنگ انجام ندهند، زیرا دلیلی برای انجام این کار وجود نداشت و اوضاع کاملا به سود مسکو و بغداد بود.

سقوط شلمچه

فرایند سقوط فاو با توجه به تأثیرات تعیین کننده آن بر تغییر توازن به سود عراق، بسیار حائز اهمیت بود. در وضعیت جدید، قابلیت تدافعی ایران برای تمرکز قوا به منظور مقابله با حملات عراق و در مقابل، توانایی عراق برای حفظ ابتکار عمل و تداوم تهاجم به سایر مناطق، نقش قابل ملاحظه ای در تغییر روند تحولات آینده جنگ داشت. بر پایه همین ملاحظات، بلافاصله پس از حادثه سقوط فاو، طی بررسی هایی که به عمل آمد و با توجه به احتمال حمله ارتش عراق به منطقه شلمچه یا «جزایر مجنون» پیشنهاد عقب نشینی مطرح شد با این استدلال که در فاو به دلیل حضور در شمال غرب نتوانستیم دفاع کنیم، پس باید نیروها را در منطقه شلمچه متمرکز کرد. در این زمینه، چون هنوز باور عمیق نسبت به واقعیت های جدید به وجود نیامده بود، لذا تصمیم گیری لازم انجام نشد. (۱) با این حال علاوه بر اقدامات مهندسی در جزایر مجنون، ترمیم و تقویت خطوط دفاعی در منطقه شلمچه نیز مورد توجه قرار گرفت. (۲) در مقابل، عراقی ها پس از حمله به فاو، در زمانی کم تر از ۴۸ ساعت نقل و انتقال از منطقه فاو را با هدف آمادگی برای عملیات بعدی، آغاز کرده (۳) و ۳۸ روز پس از حمله به فاو، سرانجام در ساعت ۸ صبح روز چهارم خرداد ۱۳۶۷ به منطقه شلمچه حمله کردند.

چند روز پیش از آغاز تهاجم دشمن، فعالیت های دشمن در این منطقه به نحو آشکاری افزایش یافت. هم زمان، در منطقه «ام الرصاص» نیز دشمن به جمع آوری موانع شامل خورشیدی و سیم های خاردار در حاشیه ساحل اروند اقدام کرد. (۴) واحد ترابری لشکر گارد جمهوری نیز نفرات، تجهیزات،

۱- ۲۷۲. مأخذ ۵۹.

۲- ۲۷۳. سند شماره ۵۹۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش سه ماهه با فرماندهی کل، راوی: مجید نداف، بهار ۱۳۶۷، ص ۴.

۳- ۲۷۴. پیشین.

۴- ۲۷۵. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۴، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۷، ص ۸.

سلاح های ضد هوایی و مهمات را از منطقه هور، فاو و مناطق غرب به منطقه شرق بصره انتقال داد. (۱) برابر گزارش های شنود رادیویی، نیروهای دشمن از اول خرداد ۱۳۶۷ (پیش از شروع عملیات) فرکانس بی سیم های خود را در منطقه آزمایش می کرده اند (۲) .

دشمن، تهاجم به شلمچه را با سه سپاه سوم، هفتم و گارد آغاز کرد. در این عملیات، نیروهای سپاه گارد از محور کانال پرورش ماهی (محور شمالی)، سپاه دوم از محور جاده شلمچه (محور وسط) و سپاه هفتم از محور جزیره «ام الطویل» (محور جنوبی) با پشتیبانی واحدهای توپخانه، زرهی و هوایی وارد عمل شدند. (۳) برابر تحلیل سردار «محسن رضایی» فرمانده کل سپاه در آن هنگام، در حالی که نیروهای خودی از زمان و مکان تهاجم دشمن آگاه بودند، ولی شلمچه تنها در مدت هشت ساعت سقوط کرد. در مقایسه با فاو، از ساعت «س» (حمله دشمن) اطلاعات به دست آمده بود، نیروها به ظاهر آماده تر بودند، غافل گیری هم وجود نداشت و خطوط دفاعی نیز تقویت شده بودند. البته نیروی احتیاط کمی در اختیار بود. ولی در هر حال اراده لازم برای مقابله با دشمن و حفظ شلمچه وجود نداشت. (۴) سقوط شلمچه نشان دهنده برتری عراق و تغییر تاکتیک آن در تهاجم بود. (۵) بیش از ۷۰ درصد توان دشمن در جنوب متمرکز شده بود. (۶) پیش از این پیش بینی شده بود که اگر عراق در موضع تهاجم قرار بگیرد، نیروهای خودی در موضع پدافندی قادر به مهار تهاجمات عراق نخواهند بود. (۷) در کتاب «تئوری عملیات و جنگ»، در مورد دشواری های حفظ ابتکار عمل و مقابله با قوای عمده دشمن، آمده است:

«حفظ ابتکار نظامی بسیار سخت تر از به دست گیری آن است. همه نویسندگان نظامی با این گفته «مولتکه» موافقند که یک اشتباه در تمرکز اصلی ارتش به سختی می تواند در طی جریان کامل نبرد اصلاح شود و آن که هیچ طرح عملیاتی در برخورد اولیه با عمده نیروهای اصلی دشمن پا برجا نمی ماند.

ص: ۸۰

۱- ۲۷۶. پیشین.

۲- ۲۷۷. مأخذ ۱۱۰، ص ۸.

۳- ۲۷۸. پیشین، ص ۹.

۴- ۲۷۹. مأخذ ۱۶.

۵- ۲۸۰. پیشین.

۶- ۲۸۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۶.

۷- ۲۸۲. مأخذ ۱۶.

فرسایش نیروها شانس توانایی حفظ ابتکار را تضعیف می کند» (۱) .

بازتاب سقوط شلمچه

سقوط شلمچه - نظر به اهمیت و نتایج آن در روند تحولات جنگ - بازتاب نسبتا گسترده ای در رسانه های خبری داشت. پیش از این، سقوط فاو با آن که بسیار با اهمیت بود، ولی به دلیل غافل گیری ایران، به منزله برتری کامل عراق ارزیابی نمی شد. اما با سقوط شلمچه، تحلیل کارشناسان دست خوش تغییر شد و به تدریج برتری عراق و ضعف های ایران مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این، تغییر استراتژی نظامی عراق، افزایش روحیه سربازان عراقی، بهبود روحیه عراق در محافل کارشناسی و هدایت عملیات به دست صدام مورد اشاره قرار گرفت. (۲) روزنامه «واشنگتن پست»، چاپ امریکا پیروزی عراق در شلمچه را به منزله «شکست عظیمی» برای نیروهای ایران ذکر کرد و نوشت:

«اکنون شکست سریع نیروهای ایرانی در شرق بصره این سؤال را در میان تحلیل گران مطرح می سازد که پس از سرگرمی با جریانات انتخابات مجلس و مانورهای سیاسی در مورد مسائل داخلی، چه به سر رهبری ایران آمده است» (۳) .

رادیو لندن نیز در تحلیلی گفت:

«تغییر سیر جنگ، همه و به خصوص ایران را غافل گیر کرده است.»

در این تفسیر سقوط شلمچه به عنوان «مهم ترین عقب نشینی ایران» مورد تأکید قرار گرفت (۴) .

پیش از این، با وجود افزایش توان عراق، همچنان بر برتری ایران تأکید می شد. این مسئله متأثر از چند عامل بود: نخست، قدرت تهاجمی و روحیه نیروهای ایران با حملات پی درپی و تصرف برخی از مناطق در داخل خاک عراق و دیگری، برتری نیروی انسانی ایران، وسعت سرزمینی و عمق

۱- ۲۸۳. دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس)، سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، تئوری عملیات و جنگ، سال ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- ۲۸۴. مأخذ ۱۱۰، ص ۹.

۳- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۷ / ۳ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۸، ۶ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

جغرافیایی بود که به عنوان عامل برتری ساز ایران بر عراق مورد توجه قرار داشت. نظر به این که از عامل دوم به طور کامل استفاده نشد، لذا بلافاصله پس از این که ماشین جنگی عراق از موضع پدافند به آفند به حرکت درآمد، مسیر جنگ به سود عراق تغییر کرد و به تدریج برخلاف گذشته، برتری عراق مورد تأکید قرار گرفت. مقامات پنتاگون بر این نظر بودند، شکست ایران نشان دهنده رشد فزاینده نیروهای مسلح عراق است و این مسئله به مفهوم شکسته شدن بن بست جنگ می باشد. (۱)
کردزمن نیز در کتاب خود می نویسد:

«نیروهای مهاجم عراقی «حرفه گرایی» خود را، هم در سرعت عملیات شان و هم در استفاده از تسلیحات مرکب که برای نخستین بار در فاو به کار گرفته بودند، نشان دادند» (۲) .

مقامات عراقی که پیش از این، مواضع جدیدی را مبنی بر آمادگی عراق برای بازپس گیری مناطق متصرف شده اعلام کرده بودند، با کسب پیروزی های جدید، از استراتژی جدیدی سخن گفتند. (۳) روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت:

«اقدامات ارتش عراق در جبهه جنگ استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی کشور را روشن می سازد و هم اکنون نیز نشانه هایی از کارآیی این استراتژی آشکار شده است» (۴) .

مجموعه وضعیت جدید باعث شد تا کارشناسان بر این مسئله تأکید کنند که موازنه قدرت بیش از پیش به نفع نیروهای عراقی تغییر کرده است (۵) .

در مقایسه با وضعیت عراق و در حالی که برتری امکانات نظامی عراق تا چندین برابر ایران مورد اتفاق نظر قرار داشت، تنها کارشناسان نظامی بر این باور بودند، «ایران هم پول ندارد و هم نمی تواند از کشورهای مختلف سلاح تهیه کند. تنها برتری ایران بر عراق روحیه مردم در جنگ بود که تغییر کرده

۱- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۵، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از مقامات پنتاگون.

۲- ۲۸۸. مأخذ ۶، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

۳- ۲۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، نیویورک تایمز، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۲، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بی بی سی ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۹، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو بغداد، سرلشکر محمد کمال عبدالمجید، عضو مرکز مطالعات استراتژیک لندن.

است.» (۱) «شهرام چوبین» از مؤسسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو، با توجه به وضعیت ایران و عراق، مشکلات اساسی ایران را شکاف میان توانایی های نظامی ایران و اهداف سیاسی این کشور ذکر کرد. (۲) بدین معنا که از یک سو، ایران توان دست یافتن به پیروزی نظامی برای تأمین اهداف سیاسی خود را ندارد و از سوی دیگر، نمی تواند پس از هشت سال جنگ، اهداف خود را محدود یا تغییر دهد.

کارشناسان امریکایی طی یک میزگرد تلویزیونی در امریکا، با تصدیق این مسئله که عراقی ها در مقایسه با گذشته بهتر می جنگیدند، به این موضوع اشاره کردند که عمده ترین تغییر در جنگ این است که ایران قادر نیست، همانند گذشته برای جبهه نیرو بسیج کند. برخی کارشناسان، ترکیبی از ضایعات شدید جنگی و مخالفت های سیاسی داخلی را عامل تضعیف روحیه ایران ذکر کردند. (۳) در برخی از منابع نیز نابسامانی اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیر گذار در پیدایش وضعیت جدید و کاهش توانایی نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفت (۴) .

مهم ترین بحثی که در رسانه های خبری و در محافل کارشناسی و در میان تحلیل گران مسائل سیاسی و نظامی جنگ مطرح شد، احتمال پایان یافتن جنگ بود. در این میان، پیروزی های عراق به منزله افزایش شانس حقیقی برای پایان یافتن جنگ ارزیابی می شد. (۵) در واقع، شرایط بحرانی و دشواری که ایران در آن به سر می برد، منشأ تغییر موضع ایران برای پایان جنگ ارزیابی می شد. (۶) مقامات امریکایی معتقد بودند که موضع ایران در برابر عراق از موضع «تندرو به میانه رو» تغییر یافته است. (۷) پیدایش عنصر میانه رو در مواضع ایران نسبت به پایان جنگ، علاوه بر مسائلی که پیش از این ذکر شد، عمدتا به دلیل غافل گیری ایران نسبت به تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند بود. در واقع، اشتباه ایران این بود که تصور می کرد، عراق

ص: ۸۳

۱- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۸۲، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷ رادیو لندن، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، شهرام چوبین، از مدرسه عالی مطالعات استراتژیک در ژنو.

۲- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۴، ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۲۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۷۶، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، شبکه «ای بی سی» ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۲۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۹، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۷، هفته نامه اکونومیست، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۶- ۲۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۱، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷، فیگارو، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۷- ۲۹۸. مأخذ ۱۲۷، واشنگتن تایمز، ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

نمی توانـد به تهاجم عمـده علیه ایران دست بزند و به این جهت، آماده مقابله با حمله بزرگ عراق نشده بود. (۱) لذا مسئولان جمهوری اسلامی در جست و جوی راه حلی برای پایان دادن به جنگ بودند. مقامات دیپلماتیک عراق نیز به این نتیجه رسیده بودند که ایران نسبت به یک ابتکار تازه بین المللی برای استقرار صلح متمایل تر شده است. (۲) گری سیک نیز طی مصاحبه ای با مجله نیوزویک گفت:

«در میان کادر رهبری ایران افرادی وجود دارند که مایلند راهی پیدا نمایند تا خودشان را از این موقعیت خلاص نمایند» (۳) .

به موازات تغییر در موازنه جنـگ، موضع گیری و تحلیـل برخی از مقامات رسـمی و شخصـیت های امریکا قابل ملاحظه بود و حتی، روزنامه «واشـنگتن تایمز» احتمال تغییر سیاست امریکا در برابر ایران و تلاش برای یافتن راه حل مورد پذیرش برای پایان دادن به جنگ را مورد اشاره قرار داد. «ورنون والتر»، فرسـتاده ویژه امریکا به منطقه در مصاحبه ای، در مورد ضـرورت مذاکره میـان ایران و عراق تأکیـد کرد، دو طرف بایـد کوتـاه بیاینـد. ولی وی به هنگـام ترک بحرین در حالی که تأکیـد می کرد، «به ایرانی ها اجازه نمی دهیم خواسته های خود را دیکته کنند.»، گفت:

«ما می توانیم در مقابل ایرانی ها انعطاف داشته باشیم» (۴) .

ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز در گردهمایی «امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق» مواضعی را اعلام کرد که آشکارا به سود ایران بود. وی گفت: «تشکیل هیئتی را خواستاریم که علل و ریشه های جنگ را مشخص کند.»

و سپس تأکید کرد:

«البته، اذعان داریم که نخستین بار واحدهای عراقی بودند که وارد خاک ایران شدند» (۵) .

۱- ۲۹۹. پیشین.

۲- ۳۰۰. مأخذ ۱۲۵، رادیو لندن، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از واشنگتن پست.

۳- ۳۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۷۸، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷، واشنگتن تایمز، ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۰۲. روزنامه کیهان، ۸ / ۳ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۰۳. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا که پیش از این نیز در نظرات و تحلیل هایی که ارائه می کرد همواره منافع امریکا را در عدم پیروزی هر یک از دو طرف درگیر در جنگ ارزیابی می کرد، با مشاهده برتری عراق بار دیگر طی سخنانی که در دیوار امریکا نیز منعکس شد، گفت:

«به سود امریکا نیست که طرفی در این جنگ بر دیگری پیروز گردد» (۱) .

وی سپس درباره روابط ایران و امریکا افزود:

«بعید به نظر نمی رسد که در آینده ای دور و نه چندان نزدیک، ایران بار دیگر به غرب رو آورد. به حکم چنین تحلیلی، مسئله ایران اساسا مشکلی پیچیده و بغرنج است و باید در انتظار بود، گرایش به بنیادگرایی در ایران دوره خود را طی کند» (۲) .

نیکسون، رئیس جمهور اسبق امریکا نیز با توجه به عقب نشینی نیروهای شوروی از افغانستان و موضع گیری این کشور در خصوص پایان جنگ عراق و ایران گفت:

«باید تصمیم گورباچف برای تخلیه افغانستان مورد استقبال قرار گیرد، ولی باید صریحا به وی خاطرنشان سازیم که این اقدام شوروی کافی نخواهد بود، چرا که موضع «میخائیل گورباچف» در ارتباط با جنگ ایران و عراق بسیار مهم تر از اشغال افغانستان است.... گورباچف در منطقه صلح را بازی گرفته است.»

این تحلیل نیکسون بر این پایه بود که به گفته وی:

«در واقع شوروی، هم با ایران قول و قرار می گذارد و هم با عراق» (۳) .

گورباچف که در حال برگزاری چهارمین اجلاس میان سران شوروی و امریکا بود و پیش از این نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان را اجرا کرده بود، پس از پایان اجلاس به ریگان گفت:

«راه حلی که برای مسئله افغانستان به دست آمده است، خواهد توانست برای حل و فصل صلح آمیز دیگر مسائل منطقه ای نیز مورد استفاده قرار گیرد.»

۱- ۳۰۴. پیشین، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۵. مأخذ ۱۳۸، رادیو امریکا، هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا.

۳- ۳۰۶. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۹ / ۳ / ۱۳۶۷.

این اظهارات نشان دهنده تمایل شوروی به مشارکت فعال و مستقیم برای حل سایر مسائل منطقه بود. وی در این مصاحبه خواهان کاهش نیروهای دریایی امریکا در خلیج فارس شد (۱) .

نتایج برخاسته از سقوط شلمچه، منجر به آن شد که جمهوری اسلامی ایران دست به اقداماتی بزند. نخستین اقدام، افزایش فعالیت های دیپلماتیک و پی گیری روند جابه جایی در بندهای قطع نامه ۵۹۸ بود. دومین اقدام دعوت از مردم برای پشتیبانی از جبهه ها بود که در این راستا و با توجه به برگزاری سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ آغاز شد و همچنان فضای داخلی کشور را به خود مشغول کرده بود، امام خمینی (ره) در پیامی به مجلس سوم و خطاب به مردم فرمودند:

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته بر پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند» (۲) .

امام با توجه به سقوط شلمچه و تداوم حملات عراق و آثار و نتایج روحی و روانی این حوادث در پیام خود فرمودند:

«برای ملت بزرگ هیچ پیروزی بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استقرار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت فرموده است» (۳) .

امام در این پیام تأکید فرمودند:

«هر روز ما، روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است. بعد از این نیز در راه خدا ادامه می دهیم.» (۴) .

پیش از این با توجه به شرایط حساس جبهه ها نیز ستاد کل سپاه طی صدور بیانه ای به فراخوانی نیروهای بسیجی مبادرت کرد (۵) .

سومین اقدام برجسته ای که ایران انجام داد، انتصاب

۱- ۳۰۷. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۰۸. روزنامه کیهان، ۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۰۹. پیشین.

۴- ۳۱۰. مأخذ ۱۴۳.

۵- ۳۱۱. روزنامه کیهان، ۵ / ۳ / ۱۳۶۷.

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ بود. این اقدام به منزله ایجاد تغییرات جدید در سطوح عالی فرماندهی نظامی تفسیر شد (۱) .

زمینه های انتصاب آقای هاشمی به مسئولیت جدید، اساسا پس از عملیات فاو ایجاد شد. بدین ترتیب که ضرورت بسیج امکانات کشور سبب شد تا سپاه، آقای هاشمی را به عنوان فرماندهی کل به امام پیشنهاد کند. (۲) به نظر می رسید، این انتصاب با توجه به موقعیت آقای هاشمی، می توانست زمینه برخی از پشتیبانی های لازم برای جنگ را فراهم و تسهیل کند.

امام پس از سقوط شلمچه، حکم آقای هاشمی را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا صادر فرمودند. (۳) و در آن به درگیری و رویارویی امریکا علیه اسلام و ایران و هم آهنگی غرب و شرق در مبارزه با انقلاب اسلامی اشاره کردند. (۴) همچنین، در این حکم به ایجاد ستاد فرماندهی کل، هم آهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی، سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها و تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی، استفاده درست از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و بهره برداری صحیح از کمک های مردمی اشاره شده بود. (۵) برادر رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران در واکنش به انتصاب آقای هاشمی گفت:

«امید است، این حسن انتخاب و تفویض اختیارات در بسیج امکانات کشور در امر جنگ و ایجاد وحدت بین نیروهای بسیج که جزو آرزوهای دیرینه رزمندگان اسلام هست، شوری نوین برای سرکوبی هر چه سریع تر متجاوز در میدان نبرد ایجاد نماید» (۶) .

آقای هاشمی نیز طی مصاحبه مطبوعاتی با بیان این که حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است، تأکید کرد:

«موضوع اصلی، یکی این که باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع

۱- ۳۱۲. مأخذ ۶، ص ۴۰۳.

۲- ۳۱۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۱۴. مأخذ ۱۴۲.

۴- ۳۱۵. پیشین.

۵- ۳۱۶. پیشین.

۶- ۳۱۷. پیشین.

بهتر استفاده شود که به خاطر چندگانگی نیروهای مسلح، از امکانات به خوبی استفاده نمی شود.»

وی پس از اشاره به موضوعات فرعی حکم امام، در مورد تأثیر فوری آن گفت:

«مردم را برای جنگ جدی می کند و روی دشمن هم اثر خود را خواهد گذاشت» (۱) .

آقای هاشمی همچنین در نماز جمعه تهران وضعیت جدید جنگ را به وضعیت پس از عملیات والفجر ۸ که عراقی ها دفاع متحرک را آغاز کردند، تشبیه کرد و گفت:

«این بار ما نیاز داریم، وضعیت را جدی تر بگیریم که این کار را شروع کرده ایم» (۲) .

وی تأکید کرد:

«در حالی که وزارت خارجه تلاش می کند، ما هم از جنگ غفلت نمی کنیم و باید در جبهه حاضر باشیم.»

نظر به این که پیش از این، آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ در صحنه سیاسی - نظامی جنگ حضور داشتند، لذا انتصاب ایشان به جانشینی فرماندهی کل قوا این گونه ارزیابی شد که «این تغییر به منظور آماده شدن برای نوعی مصالحه صورت گرفته است». (۳) عراقی ها نیز انتصاب آقای هاشمی را به منزله تلاش ایران برای صلح ارزیابی کردند (۴) .

در هر صورت، تغییر حاصله و از جمله تشکیل ستاد کل قوا، گر چه مهم و مؤثر بود، ولی با توجه به اوضاع سیاسی - نظامی و شرایط هنگام تشکیل و نیز تأخیری که در فعال کردن آن به وجود آمد، بیش تر در اداره و هدایت اوضاع سیاسی - نظامی و فراهم ساختن زمینه های صلح مؤثر واقع شد تا این که بتواند شرایط ادامه جنگ را تأمین کند.

۱- ۳۱۸. روزنامه کیهان، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۱۹. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۷، نماز جمعه تهران، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۰. مأخذ ۶، ص ۴۳۱.

۴- ۳۲۱. مأخذ ۵۹.

حملات پی درپی دشمن باعث شد تا پس از سقوط شلمچه، به منظور فائق آمدن بر روند تهاجمات و برتری روحی دشمن، عملیات بیت المقدس ۷ طرح ریزی و در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ با ۱۰ یگان سپاه و در مجموع با استعداد ۷۰ گردان نیرو اجرا شود. در این عملیات، حد فاصل کانال «شهید ادب» تا کانال ماهی و منطقه پنج ضلعی در منطقه عمومی شلمچه به تصرف نیروهای خودی درآمد (۱) .

یک روز بعد، پنج لشکر آزاد دشمن شامل دو لشکر از گارد ریاست جمهوری و لشکرهای اول مکانیزه و ۳ و ۶ زرهی که در منطقه احتیاط قرار داشتند، خود را به صحنه نبرد رساندند و در روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ دست به پاتک زدند. (۲) نیروهای خودی که هدف تثبیت منطقه را دنبال نمی کردند، برای جلوگیری از تلفات احتمالی در برابر پاتک های دشمن، عقب نشینی کردند. (۳) پیش روی سریع نیروهای خودی و انهدام دشمن در عملیات بیت المقدس ۷ اثر مثبتی در روحیه نیروهای خودی داشت.

آقای هاشمی طی سخنان، در مورد انگیزه عملیات، به «گرم نگه داشتن میدان نبرد، جلوگیری از تلاش دشمن در ایجاد استحکاماتی جدید در منطقه، ارزیابی توان دشمن و وارد کردن ضربه کاری به دشمن قبل از انجام تحرکات دیگر» اشاره کرد. همچنین، وی از تغییر جهت و خنثی کردن تبلیغات کفر جهانی که تضعیف روحیه رزمندگان و تقویت نیروهای عراق را پی گیری می کرد، به عنوان هدف های دیگر این عملیات یاد کرد. (۴) آقای هاشمی در اظهارات خود با توجه به تقویت نیروهای خودی پس از اجرای عملیات بیت المقدس ۷، در مورد پایان جنگ گفت:

«در مورد اصل جنگ ما تابع نظر مقام معظم رهبری هستیم و راه پایان جنگ در غیر میدان را هم مشخص کرده ایم که اگر آماده تسلیم حق شده باشند، راه پایان جنگ آسان است» (۵) .

---

۱ - ۳۲۲. سند نظامی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش تک عراق به جزیره در ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷، راوی: یدالله ایزدی، قرارگاه کربلا، ص ۱ و ۲، مقدمه.

۲- ۳۲۳. مأخذ ۵۹.

۳- ۳۲۴. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۴- ۳۲۵. مأخذ ۵۷.

۵- ۳۲۶. پیشین.

همچنین آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از نیروهای مردمی برای حضور در جبهه دعوت کرد تا در اعزام بزرگ سراسری که قرار است در تیرماه انجام شود، شرکت کنند. (۱) واحد بسیج نیز با اعلام برنامه اعزام های ویژه سپاه محمد صلی الله علیه و سلم، از کلیه نیروهای بسیجی جهت ثبت نام و اعزام به جبهه دعوت کرد (۲) .

عراق در ادامه حملات خود، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ در محور «ماووت» (جبهه های شمالی) وارد عمل شد اما موقعیت چشم گیری به دست نیاورد و پس از ۸ روز درگیری، تنها قسمتی از این منطقه را از دست نیروهای خودی خارج کرد. (۳) همچنین، عراق در اقدامی مشترک با منافقین در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مهران حمله کرد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استعداد یک لشکر ارتفاعات «قلعه آویزان» که مسلط بر شهر مهران بود، به اشغال درآوردند. پس از آن نیروهای منافقین با برخورداری از حمایت یگان های دشمن، وارد شهر مهران شدند (۴) .

سقوط جزایر مجنون

سقوط منطقه شلمچه و تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و احتمال حمله به جزایر مجنون، به عنوان آخرین منطقه ای که در جبهه های جنوبی همچنان در اختیار قوای نظامی ایران قرار داشت، باعث شد تا ضرورت تخلیه دو جبهه ماووت و حلبچه در غرب کشور و انتقال نیروها به جنوب مورد توجه قرار گیرد. (۵) چنان که پیش از این اشاره شد، گسترش و زمین گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز، علاوه بر این که قدرت آفندی سپاه را کاهش داده بود، بر توانایی پدافندی این نیرو تأثیرات فراوانی گذاشته بود. به عبارت دیگر استراتژی دشمن از پدافند به آفندی تغییر کرده بود و به طور طبیعی، نیروهای خودی در موضع پدافندی

۱- ۳۲۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله، تهران، آبان ۱۳۶۹، ص ۹۰.

۲- ۳۲۸. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۲۹. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۳۰. مأخذ ۱۶۳.

۵- ۳۳۱. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

قرار گرفته بودند. تمرکز نیرو برای مقابله با تهاجمات دشمن ضروری بود، بنابراین بر تخلیه برخی از مناطق تأکید می شد. در بحث هایی که به میان آمد، حتی چنین استدلال می شد که وقتی ما خرمشهر را از دشمن گرفتیم، با احتمال حمله ایران به سمت بصره، دشمن نیروهایش را از قصر شیرین، مهران و سایر مناطق عقب کشید و در منطقه شرق بصره متمرکز کرد. (۱) در شرایطی که دشمن برای حمله به جزایر آماده می شد، به نظر می رسید حفظ این منطقه بر سایر مناطق ارجحیت داشت. نظر به اهمیت این بحث و ضرورت تصمیم گیری و اقدام مقتضی، فرماندهی سپاه (برادر رضایی) تلاش می کرد، نیروهای ارتش مسئولیت پدافند یکی از چهار منطقه ماووت، چنگوله، مهران و ترجیحا حلبچه را که به وسیله سپاه پدافند می شد، بر عهده بگیرند تا نیروهای سپاه برای پدافند در جزایر، آزاد شوند. (۲) پیچیدگی و دشواری های موجود سبب شد، تصمیم گیری در این زمینه به زمان دیگری موکول شود (۳) مهم ترین علت تأخیر در تصمیم گیری برای عقب نشینی، این بود که مسئولان و فرماندهان هنوز به حفظ مواضع امیدوار بوده و عقب ماندگی خود و برتری فوق العاده عراق به لحاظ توان رزمی را باور نداشتند. تصور می شد که علت حوادث قبلی، تنها اشکالات در خطوط دفاعی و ضعف های تاکتیکی بوده است و با رفع آنها می توان دفاع کرد. (۴) با این ملاحظه کلی و در وضعیت دشواری که برای حفظ جزایر وجود داشت، تصمیم گرفته شد که برای حفظ جزایر شمالی در آن جا پدافند شود و در جزیره جنوبی برای انهدام دشمن و گرفتن زمان برای حفظ جزیره شمالی به دشمن حمله شود (۵) .

با نزدیک شدن روزهای پایانی ماه خرداد، عراق بر حجم تحرکات خود و در همین راستا، در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ و روزهای پس از آن نیروهایش را در این جزایر تقویت کرد. (۶) نکته قابل ملاحظه در تحرکات عراق، اجتناب از حفاظت و غافل گیری بود. به نظر می رسید، دشمن قصد داشت، تحرکات خود

۱- ۳۳۲. پیشین.

۲- ۳۳۳. پیشین، ص ۲۷ و ۲۸.

۳- ۳۳۴. مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.

۴- ۳۳۵. مأخذ ۵۹.

۵- ۳۳۶. مأخذ ۱۵۷، ص ۸.

۶- ۳۳۷. پیشین، ص ۵.

را نشان دهد [(۱)](#) ، تا با ایجاد رعب در نیروهای ایرانی، ضریب موفقیتش را افزایش دهد.

در این حال، روزنامه واشنگتن تایمز به نقل از مقامات وزارت دفاع امریکا نوشت:

«عراق یک نیرو به تخمین ۲۰۰ هزار نفر را در نزدیکی شهر بندری بصره مستقر کرده است تا در عرض چند هفته به جزیره مجنون، ناحیه نفت خیزی از خاک عراق که در سال ۱۹۸۴ به دست ایران افتاده بود، حمله کند» (۲) .

سرانجام، یک ماه پس از سقوط شلمچه، دشمن کلیه مواضع نیروهای خودی را در جزایر مجنون و «کوشک» با شناسایی قبلی از ساعت ۱۲ شب تا ساعت ۳ بامداد با استفاده از حجم شدید آتش توپخانه، زیر آتش قرار داد. (۳) عملیات دشمن در جزیره برابر گزارش نشریه رویدادها و تحلیل سپاه به شرح زیر می باشد:

ارتش بعث عراق از اولین ساعات بامداد ۴ تیر ۱۳۶۷ به اجرای آتش تهیه سنگین روی خطوط دفاعی، جاده های ارتباطی، مواضع توپخانه مقرها، عقبه ها و مراکز تجمع نیروهای خودی و همچنین بمب باران شیمیایی منطقه که دامنه آن تا حوالی هویزه گسترش یافته بود، اقدام کرد. سپس در ساعت ۳: ۴۵ صبح، عملیات خود را از محورهای جاده خندق جنوبی «طلائیه» و پیچ کوشک آغاز کرد. در محور جاده خندق نیروهای دشمن با تیپ های ۱ و ۲ کماندویی از سپاه ششم، تیپ ۶۰۱ پیاده و لشکر ۲۵ وارد عمل شد و پس از رسیدن به تقاطع جاده بدر و ضلع شمالی جزیره شمالی (حدود ساعت ۹ صبح)، به طرف جاده همت (شمال شرقی) به پیش روی خود ادامه دادند.

در محور جزیره جنوبی که محور اصلی تک دشمن بود، لشکرهای مدینه المنوره و «حمورابی» از سپاه گارد ریاست جمهوری پس از پیاده کردن نیرو روی جاده قمر بنی هاشم (جاده اتصالی بین دو جزیره) به طرف ضلع

۱- ۳۳۸. پیشین، ص ۶.

۲- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۳ و ۲۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸ و ۹.

جنوبی جزیره شمالی ادامه تک داده و با سقوط پد شماره یک در جنوب غربی جزیره شمالی به وسیله پل های شناور جی.اس.پی ادوات و تجهیزات را به داخل جزیره شمالی انتقال داد و پس از آن به سمت اضلاع دیگر جزیره پیش روی کرد. هم زمان، دشمن با ۳۰ فروند هلی کوپتر (۱) نیروهایش را روی جاده شهید همت هلی برد کرده و عقبه نیروهای خود را در قسمت شمالی جزیره شمالی مسدود کرد. ساعت ۱۱ صبح نیروهای عمل کننده عراق در محورهای اصلی و فرعی در جزیره شمالی با هم «الحاق» کردند.

با سقوط جزایر جنوبی و شمالی، رزمندگان اسلام مواضع خود را در مناطق «ابوذاکر» و «ترابه»، تخلیه نمودند که پس از چند ساعت به وسیله یگان هایی از سپاه ششم عراق اشغال گردید.

در محور طلائیه یک تیپ از نیروهای گارد جمهوری در ساعت ۷ صبح با هدف ایجاد اختلال در پشتیبانی نیروهای خودی و بستن عقبه یگان ها عملیات فرعی خود را آغاز کرد و حدود ساعت ۹ صبح به سه راهی فتح و جاده سیدالشهدا علیه السلام رسید و سپس تا پاسگاه «خاتمی» پیش روی کرد.

در محور کوشک، لشکرهای ۳ و ۶ زرهی و ۱ و ۵ مکانیزه از دو محور تک خود را آغاز و پس از پیش روی به سمت «جفیر»، تا ساعت ۹ صبح این منطقه را تصرف کردند و به دنبال آن، با گسترش به سمت غرب (سه راهی فتح) این منطقه را پاک سازی و در منطقه کانال «سلمان» (که به موازات جاده جفیر - سه راهی فتح کشیده شده بود) پدافند نمودند در محور دوم کوشک واحدهای عراقی خود را به جاده اهواز - خرمشهر (کیلومتر ۵۵) رساندند و با بستن جاده، چندین پل و قسمتی از راه آهن را تخریب کردند.

دشمن با آغاز تاریکی، از محور طلائیه و جاده سیدالشهدا علیه السلام به سمت

۱- ۳۴۱. هلی کوپترهای دشمن در این عملیات فعالیت شدید و کم نظیری در زمینه پشتیبانی آتش، هلی برد نیرو، اسلینگ مهمات و ادوات و نیز هدایت یگان های مانوری خصوصا واحدها زرهی داشتند.

مرز شروع به عقب نشینی کرد و با استقرار در حوالی نوار مرزی پس از قطع نمودن جاده های سیدالشهدا علیه السلام و همت به تثبیت مواضع خود پرداخت (۱) .

صدام در دیدار با فرماندهان و افسران نیروهای گارد تأکید کرد:

«همکاری میان سپاه سوم و گارد ریاست جمهوری در دو نبرد اصلی - در شلمچه و مجنون - نشان دهنده وضعیت جدید در برتری انسان در تمامی رسته های ارتش عراق می باشد.... نبرد مجنون، آخرین حلقه بسیار مشکل در راه آزادی خاک ما بوده است» (۲) .

در روند تهاجمی دشمن که از فاو آغاز شد، حمله به جزایر اوج قدرت عراق بود (۳) که به نمایش گذاشته شد. عراق در این عملیات که به لحاظ تاکتیکی، پیش رفته بود به بهترین شکل آفند کرد و بر خلاف عملیات در فاو که خط و عقبه را شیمیایی زد، در جزایر می خواست اسیر بگیرد، این عملیات دو معنا داشت: نخست، تسلط نیروهای عراق در آفند و امیدواری به کسب پیروزی و اطمینان نسبت به عقب نشینی نیروهای ایران و دوم تلاش برای به اسارت گرفتن نیروها و فرماندهان ایرانی (۴) .

بازپس گیری تمام مناطق متصرفه در منطقه جنوب، در مدت سه ماه، موقعیت سیاسی - نظامی عراق را به نحو قابل ملاحظه ای بهبود بخشید. اظهارات «نزار حمدون» معاون وقت وزیر امور خارجه این کشور نشان دهنده تداوم حملات عراق بود. وی در اظهارات خود تصریح کرد:

«عراق از این پس تصمیم ندارد تمامی مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند.... فشار خود را برای بازپس گرفتن تمامی مواضع اشغال شده توسط ایران ادامه خواهیم داد» (۵) .

عراقی ها پیش بینی می کردند که به زودی نتیجه جنگ روشن خواهد شد. «طه یاسین رمضان»، معاون وقت نخست وزیر عراق در مصاحبه ای با یک نشریه تونسی گفت:

۱- ۳۴۲. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳.
۲- ۳۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، بغداد خبرگزاری عراق، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۳ و ۴.
۳- ۳۴۴. مأخذ ۱۶.
۴- ۳۴۵. مأخذ ۵۹.
۵- ۳۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ما مطمئن هستیم که نتیجه جنگ در روزها، هفته ها و ماه های آینده روشن خواهد شد» (۱) .

عراقی ها چنین ارزیابی می کردند که زمان به نفع آنها است (۲) ، لذا تشدید فشارهای همه جانبه به ایران بخشی از تلاش و اقدامات عراق، در حال طرح ریزی و اجرا بود.

وضعیت جدید ایران در مقایسه با گذشته نامطلوب بود. زیرا از یک سو، با از دست دادن مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق، فاقد موضع قوی برای فشار آوردن به سازمان ملل بود و از سوی دیگر، نمی توانست جنگ را آن گونه که مناسب است، در برابر فشارهای همه جانبه عراق ادامه دهد. (۳) در چنین وضعیت دشواری، شورای عالی پشتیبانی جنگ با صدور بیانیه ای ضمن تشریح شرایط جنگ، تصمیمات جدیدی را برای مهار معضلات اقتصادی و بسیج نیرو به جبهه ها اعلام کرد که در رسانه های خبری منعکس شد. (۴) برخی از تحلیل گران، دو تحول عمده را ناشی از رخدادهای نظامی و تصمیم گیری های جدید شورای عالی پشتیبانی جنگ و تحرکات اخیر ایران در زمینه دیپلماتیک (۵) ذکر کردند. (۶) مجله امریکایی نیوزویک به نقل از مقامات این کشور نوشت:

«ایران ممکن است با توجه به تحولات نظامی، تمایل بیش تری برای خاتمه بخشیدن به جنگ و بهبود روابط ایران با امریکا نشان بدهد.»

به همین دلیل، در این نشریه به دولت امریکا توصیه شد، به طرف داری از عراق پایان داده و در جنگ موضعی کاملا بی طرف پیش گیرد. (۷) در پی

۱- ۳۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.
۲- ۳۴۸. پیشین، نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق.
۳- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، بی.بی.سی، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشنال تایمز.
۴- ۳۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.
۵- ۳۵۱. رادیو لندن با توجه به برقراری مجدد روابط ایران با فرانسه و مذاکره با انگلیس و کانادا به منظور تجدید مناسبات، طی تفسیری گفت: «ایران ظاهرا در پاسخ به پیروزی های نظامی عراق برای بهبود در روابطش با غرب کوشش می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، رادیو لندن، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷).
۶- ۳۵۲. مأخذ ۱۸۴، رادیو لندن، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از فاینشنال تایمز.
۷- ۳۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷، نیوزویک، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

انتشار اخبار مربوط به تماس ایران و امریکا، سرانجام «شولتز»، وزیر خارجه وقت امریکا اعلام کرد:

«ایران در سال گذشته[۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ خورشیدی)]چندبار به طور غیر مستقیم با امریکا تماس گرفته و مقام های بلند پایه ایران این تماس ها را در زمان های گوناگون و از طریق کانال های مختلف برقرار کرده اند.... اگر ایران مایل به مذاکره باشد، امریکا از تهران خواهد خواست به جنگ خلیج فارس پایان دهد و از کارهای تروریستی دست بردارد!» (۱) .

مبادله پیام های آشکار و پنهان میان ایران و امریکا در رسانه های خبری بازتاب گسترده ای داشت. روزنامه کویتی «الانباء»، هدف امریکا را از تماس های خود با ایران، شکستن حلقه محاصره و خارج کردن ایران از انزوا یاد کرد و نوشت:

«امریکا و غرب در پی پیروزی های اخیر عراق در جبهه های جنگ، رو به ایران آورده اند تا نگذارند ایران شکست بخورد» (۲) .

«رابرت هانتر»، کارشناس و محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون در امور خاورمیانه نیز به دولت امریکا توصیه کرد:

«باید بر اساس برنامه ای که به صلح تکیه داشته باشد، در شرایطی که دولت ایران از این حوادث به شدت تکان خورده است، در یک مسیر که همانا صلح در جنگ خلیج فارس است، حرکت کند.»

وی پیش بینی کرد:

«احتمال این که این تراژدی به یک کاتالیزوری برای تشنج زدایی میان ایران و امریکا مبدل شود، زیاد است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«زمان برای حل مشکلات و اختلافات ایران و امریکا و پایان دادن به جنگ ایران و عراق مساعد شده است، به شرطی که ایران و امریکا به صورتی سازنده عمل

۱- ۳۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.
۲- ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، سرمقاله روزنامه کویتی الانباء.

کنند و بر عراق نیز فشار وارد آورده شود، تا از ادعای خود در مورد تمایل به خاتمه جنگ طفره نرود» (۱) .

به موازات ظهور علایم آشکار مبنی بر مناسبات ایران و امریکا، شواهد و قرائن موجود، بر افزایش تنش میان امریکا و عراق دلالت داشت. نظر به این که قبل از آغاز تهاجم عراق به جزایر مجنون، امریکایی ها از نقل و انتقالات عراقی ها و آمادگی آنها برای تهاجم به جزایر اخبار را منتشر ساختند، صدام بلافاصله پس از کسب پیروزی در بازپس گیری جزایر مجنون، امریکا را متهم ساخت که از طریق ماهواره هایش در مورد تدارکات عراق برای انجام یک تهاجم در جزایر مجنون، اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار ایران قرار داده است. (۲) اما یک سخن گوی وزارت دفاع امریکا در واکنش به ادعای صدام، آن را تکذیب کرد. (۳) مدتی بعد، یک دیپلمات عراقی در پاریس به روزنامه نیویورک تایمز گفت:

«انگیزه امریکا از تحویل این اطلاعات به ایران از سرگیری تلاش برای جلب نظر عناصری معتدل در حکومت ایران بوده است» (۴) .

«یوسف ابراهیم» خبرنگار این روزنامه در پایان گزارش خود نوشت:

«اتهام صدام علیه امریکا نشانه فزاینده ای دیگر از رو به زوال رفتن عراق و امریکا است» (۵) .

مجله نیوزویک نیز نوشت:

«واشنگتن اخیرا به عراق فشارهای سیاسی وارد آورده و سعی می کند عراق را راضی کند که با راه حل دیپلماتیک مورد قبول ایران، موافقت کند» (۶) .

ملاقات امریکایی ها با «جلال طالبانی» رهبر «اتحادیه میهنی کردستان» یکی دیگر از مسائلی بود که مورد اعتراض عراقی ها قرار گرفت. ریچارد مورفی، مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا با توجه با فضای ایجاد شده در رسانه های غربی مبنی بر روابط ایران و امریکا و تنش در روابط عراق و امریکا،

۱- ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۴۲ تا ۴۷، رادیو امریکا، ساعت ۲۰:۳۰، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۵۷. مأخذ ۱۸۴، ص ۳.

۳- ۳۵۸. پیشین، ص ۷، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۵۹. مأخذ ۱۸۲.

۵- ۳۶۰. پیشین.

۶- ۳۶۱. مأخذ ۱۸۷، ص ۵۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

در سخنانی گفت:

«پذیرفتن طالبانی از سوی امریکا نباید این گونه تعبیر شود که این اقدام مداخله در امور داخلی عراق بوده است.»

وی تأکید کرد:

«دیدار طالبانی تدبیری پنهانی برابر برقراری روابط با ایران نبوده است» (۱) .

مورفی همچنین در مورد ملاقات و گزارش های منتشره در اروپا مبنی بر تماس های محرمانه امریکا با نمایندگان دولت ایران، این گزارش ها را قاطعانه تکذیب کرد و گفت:

«منافع کشورهای خلیج فارس در این است که این جنگ تمام شود.»

وی در تشریح سیاست امریکا در وضعیت جدید، گفت:

«امریکا معتقد است که سیاست کنونی که، مبتنی بر قاطعیت و به طور هم زمان، آمادگی برای گفت و گو است، سیاست درستی است و همچنان پی گیری خواهد شد» (۲) .

مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا در ادامه اظهار امیدواری کرد:

«پیروزی های عراق بر این واقعیت را به تهران بفهماند که این جنگ را نمی توان برد. این، جنگی است که باید به آن خاتمه داد و مذاکره برای اعمال قطع نامه ۵۹۸ را آغاز کرد» (۳) .

حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران

ناو هواپیمابر نیروی دریایی امریکا به نام «وینسنس» در یک اقدام جنایت کارانه، در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ با شلیک دو فروند موشک به سوی هواپیمای جمهوری اسلامی ایران که از بندرعباس عازم دبی بود، جان ۲۹۰ تن انسان غیر نظامی را گرفت. (۴) این حادثه به عنوان یک فاجعه انسانی، بازتاب نسبتا

۱- ۳۶۲. مأخذ ۱۸۵، صص ۱۱ تا ۱۳، رادیو آمریکا، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۶۳. پیشین.

۳- ۳۶۴. مأخذ ۱۸۵.

۴- ۳۶۵. مأخذ ۱۸۹، رادیو امریکا، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰ :۲۰.

گسترده ای داشت. امریکا که از عملکرد خود آگاه بود، برای محدود کردن اثرات منفی این اقدام در افکار عمومی، در نخستین واکنش مدعی شد که هواپیمای منهدم شده، نظامی بوده و قصد تجاوز به ناو امریکایی را داشته (۱) که پس از هشدار و بی توجهی خلبان به آن، هدف موشک قرار گرفته است. امریکایی ها که در ابتدا برای کاهش عواقب منفی حرکت فاجعه آمیز خود رسانه ها را جهت داده بودند و در گام بعدی پس از آن که مشخص شد در آن هنگام هیچ هواپیمای دیگری جز «ایرباس» مسافربری ایرانی در آسمان نبوده است مدعی شدند که اقدامشان کاملا دفاعی بوده است. (۲) در همین راستا، رئیس ستاد نیروهای مسلح ارتش امریکا بیان کرد، کشتی های امریکایی برای دفاع از خودشان اقدام کردند. سران امریکایی از سویی مانع از هجوم افکار عمومی علیه خود بودند و از سوی دیگر تمایل داشتند به طرف ایرانی تفهیم کنند که امریکا برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ از هر گونه اقدام فاجعه آمیزی علیه مردم ایران خودداری نخواهد کرد. به همین دلیل، رئیس جمهور امریکا اقدام کشتی امریکایی را یک اقدام شایسته ذکر کرد (۳) .

در پی تشدید درگیری میان ایران و امریکا و نگرانی از واکنش ایران، وزارت خارجه امریکا به تمام سفارت خانه های این کشور توصیه کرد به عنوان اقدامی احتیاطی در برابر تلافی احتمالی ایران، تدابیر امنیتی ویژه ای را اعمال کنند. سپس برای فروکش کردن التهاب مردم ایران سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اعلام کرد: هدف امریکا پایان دادن به جنگ ایران و عراق است و کشورش به هیچ وجه خیال دیگری با ایران ندارد (۴) و در همین راستا، ریگان بار دیگر در توضیح این حادثه تصریح کرد:

«ناوهای جنگی امریکا به اشتباه یک هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده اند» (۵) .

در پی گسترش دامنه نگرانی امریکایی ها، برخی از اعضای کنگره امریکا

۱- ۳۶۶. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۸.

۲- ۳۶۷. مأخذ ۱۸۹، ص ۱۸، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک مقام امریکایی.

۳- ۳۶۸. پیشین.

۴- ۳۶۹. پیشین.

۵- ۳۷۰. پیشین.

خواستار ارزیابی سیاست کشورشان در خلیج فارس شدند. (۱) «ترنر»، رئیس پیشین سیا در واکنش به این درخواست، گفت:

«چنین ارزیابی در زمان حاضر کار درستی نیست.»

وی تصریح کرد:

«ما باید دقت کنیم که حادثه مصیبت بار در خلیج فارس، سیاست فشار بر ایران را - که به نظر مؤثر می آید - تغییر ندهد» (۲)
.

«رابین رایت» از «بنیاد کارنگی» نیز معتقد بود که امریکا نبایـد خروج یا کاهش حضور را[در خلیـج فارس]قبول کند، زیرا این مسئله به معنای گریز امریکا از رویارویی با ایران محسوب خواهد شد (۳) .

کردزمن نیز بر این باور بود که واقعیات اساسی، امریکا را به خلیج فارس آورده است و این واقعیات اکنون هیچ تغییری نکرده و این حادثه نباید منجر به تغییر سیاست امریکا در منطقه شود. (۴) ریگان، رئیس جمهور امریکا با توجه به مباحث مطرح شده در کنگره، در میان کارشناسان امریکایی در پیامی به کنگره ضمن تأکید مجدد بر ماهیت اقدام دفاعی امریکا، تصریح کرد:

«ایران هیچ گونه اقدام خصمانه ای انجام نداده است و این موضوع خاتمه یافته است» (۵) .

ریگان همچنین طی بیانیه ای علاوه بر دفاعی قلمداد کردن این اقدام تأکید کرد:

«نفع امریکا در خلیج فارس فقط در صلح است و همین امر ضرورت دست یابی هر چه سریع تر به هدف یاد شده را تقویت می کند» (۶) .

شوروی ها که در سیاست های جدید خود مترصد بهره برداری از اشتباهات امریکا بودند، با تأکید بر خروج نیروهای امریکا از خلیج فارس، گفتند:

«این فاجعه ثابت کرد که امریکا هر چه زودتر باید در خط مشی خود در خصوص خلیج فارس تجدید نظر کند.»

ص: ۱۰۰

۱- ۳۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵، رادیو امریکا، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۷۲. پیشین.

۳- ۳۷۳. مأخذ ۲۰۶، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۷۴. پیشین.

۵- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ص ۲۶، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ /

/ ۱۳۶۷.

۶- ۳۷۶. مأخذ ۲۰۶، صص ۹ و ۱۰، خبرگزاری فرانسه.

مفسر رادیو لندن در تفسیر رادیویی خود تأکید کرد، «اتحاد شوروی خواهد کوشید، از این واقعه برای مقاصد دیپلماتیک بهره برداری کند» (۱) .

سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران به وسیله ناو امریکایی در فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ بازتاب گسترده ای نیز در داخل کشور داشت. واکنش و تحلیل آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا به دلیل موقعیت و اعتبار و نفوذ وی بسیار مورد توجه بود. وی در مجلس شورای اسلامی این واقعه را آزمایش برای مجامع بین المللی دنیا دانست و گفت:

«باید ببینیم که سازمان ملل چه می کند؟ شورای امنیت چه می کند؟ چشم انسان های صالح و همه عدالت خواهان دنیا به دروازه این مرکز دوخته شده است تا ببینند این ها وظیفه شان را چگونه انجام می دهند» (۲) .

با توجه به درگیری نظامی و پاسخ گویی ایران به اقدامات خصمانه امریکا در خلیج فارس، این اظهارات به معنای تغییر موضع ایران ارزیابی شد. به نظر می رسید، ایران سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است و قصد ندارد در وضعیتی که در برابر تهاجمات پی درپی عراق قرار گرفته و فضای تبلیغاتی بین المللی نیز با حادثه سقوط ایرباس به سود ایران تغییر کرده بود، با اقدامی تلافی جویانه علیه امریکا، اوضاع را تغییر دهد. در ادامه این خط مشی، ایران خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شد. رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «شورای امنیت باید هر چه سریع تر قتل عامی را که اقدامات تروریستی دیگر را نیز در پی خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهد» (۳) .

مفسر بخش شرقی رادیو لندن در مورد اظهارات آقای هاشمی گفت:

«پیام آشکاری که از جانب ایران داده شد، حاکی از آن است که ایران می خواهد برای محکوم کردن ایالات متحده امریکا به جامعه بین المللی روی بیاورد» (۴) .

این مفسر در تأیید نظر خود اظهار کرد:

۱- ۳۷۷. پیشین۲۱۳.

۲- ۳۷۸. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۷۹. پیشین.

۴- ۳۸۰. مأخذ ۲۱، ص ۵۵، رادیو لندن، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران که در وین به سر می برد، گفته است: «موضوع انتقام جویی ایران مطرح نیست، بلکه این مطرح است که ایران به نحوی واکنش نشان دهد که از تکرار چنین وقایعی جلوگیری شود».» (۱) .

اظهارات نمایندگی وقت ایران در سازمان ملل و معاون وقت وزیر خارجه ایران بیان گر نوعی نگرانی از سیاست های امریکا علیه ایران بود. در حالی که دیپلمات های سازمان ملل با تعجب به تصمیم ایران مبنی بر رسیدگی به اقدام جنایت کارانه امریکا می نگریستند (۲) ، ریگان با تغییر موضع گفت:

«در مورد این حادثه به اندازه کافی از ایران عذر خواهی کرده است» (۳) .

در راستای کاهش تنش بین ایران و امریکا، «سازمان جهاد اسلامی» که بیش از این اعلام کرده بود یک گروگان امریکایی را به قتل خواهد رساند، اعلام کرد که به درخواست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی این اقدام را به تعویق انداخته است (۴) .

وضعیت جدید منجر به نوعی گفت و گوی مستقیم و غیر مستقیم میان ایران و امریکا شد. نماینده وقت امریکا در سازمان ملل انهدام هواپیمای ایرباس را «جان گداز و خوف انگیز» ذکر کرد و گفت:

«مع هذا می تواند انگیزه تازه ای برای پایان دادن به خصومت ها در خلیج فارس را فراهم آورد.»

وی در مورد موضع امریکا در برابر ایران گفت:

«ما نه درصدد رنجاندن آنها هستیم و نه تحقیر آنها» (۵) .

رادیو امریکا در ۱۷ تیر ۱۳۶۷ طی برنامه ای تحت عنوان نظرات رسمی دولت امریکا گفت:

«تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی ضرورت دست یابی به آن هدف را به حداکثر شتاب[رسانده]و دو چندان ساخته است» (۶) .

۱- ۳۸۱. پیشین.

۲- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۸۳. مأخذ ۱۸۸، ص ۱۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۸۴. پیشین، ص ۲۷، خبرگزاری کویت، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۳۸۵. مأخذ ۲۱۸، ص ۱۲، خبرگزاری فرانسه، ورنون والترز.

۶- ۳۸۶. پیشین، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ساعت ۳۰ / ۲۱.

برقراری روابط ایران و امریکا، پس از سقوط هواپیمای ایرباس بار دیگر مورد بحث مقامات امریکایی و رسانه های خبری قرار گرفت. سخن گوی کاخ سفید در این زمینه تصریح کرد:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشته ایم.»

وی در توضیح دیدگاه امریکا درباره ضرورت برقراری رابطه با ایران و گفت:

«امریکا دو هدف عمده را دنبال می کند: هدف اول کمک به پایان بردن جنگ ایران و عراق است و هدف دوم، ترغیب ایران به این مسئله که چنانچه سیاست های بنیادگرانه خود را در خارج از ایران معتدل تر کند، موضع بین المللی خود را بهبود خواهد بخشید.»

وی در اظهارات خود هدف بلند مدت رابطه با ایران را جلوگیری از نفوذ شوروی و به دست آوردن جا پا در ایران ذکر کرد. وی سه مانع را برای برقراری روابط برشمرد که عبارت بودند از: «ادامه تلاش ایران در ادامه جنگ»، «حمایت از به اصطلاح تروریسم» و «نگه داری گروگان های امریکایی در لبنان.» (۱) به تدریج، در میان عوامل یاد شده، پایان دادن به جنگ و بحث پیرامون آزادی گروگان های امریکایی در لبنان به مسئله اصلی در گفت و گوهای مستقیم ایران و امریکا تبدیل شد (۲) .

آقای هاشمی، در نماز جمعه با ارائه تحلیلی درباره عدم واکنش ایران در مقابل سقوط هواپیمای ایرباس، گفت:

«آنها قبلا به کشتی ها و هواپیماها و سکوهای نفتی ما حمله می کردند و می دیدند، ما جواب مناسب را می دهیم. اینها فکر کردند که ایران با آمادگی که دارد، یک کاری متناسب با این می کند و خودشان هم که در منطقه چیزی نداشتند، فکر کردند که ممکن است این قضیه نسبت به هواپیمای دیگری در

۱- ۳۸۷. پیشین، صص ۴۹ و ۵۰، خبرگزاری رویتر، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مارتین فیتزواتر.

۲- ۳۸۸. پیشین، ص ۵۷، رادیو لندن، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، رابین رایت، به نقل از لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران.

منطقه اتفاق بیفتد. آنها شاید این طور فکر می کردند، شاید هم زمینه سازی پیشین را خودشان در این رابطه کرده بودند و اگر کار خاصی به عنوان مقابله به مثل می شد، هم امریکا به هدفش رسیده بود و هم موج تبلیغاتی را علیه ما درست می کرد، اما قضیه جور دیگری شد» (۱) .

آقای هاشمی ضمن ابراز تردید از تداوم حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس، افزود:

«آیا واقعا شما برای حفظ امنیت آمده اید؟ و آیا امنیت را در خلیج فارس حفظ کرده اید؟ شما آمده اید که نگذارید صلح بشود، آمدید که نگذارید امنیت باشد، آمدید زیر بال صدام را بگیرید که نیفتد» (۲) .

وی بار دیگر به تصمیم گیری شورای امنیت و انتظار ایران برای محکوم شناختن امریکا در این حادثه اشاره کرد.

بلافاصله یک مقام پنتاگون که نخواست نامش فاش شود، در واکنش به سخنان آقای هاشمی گفت:

«به نظر می رسد که این یک تغییر در تهدیداتی می باشد که ما در طول تمام این هفته شنیده ایم و اگر درست باشد، ما از آن استقبال می کنیم» (۳) .

دیپلمات ها معتقد بودند، این تصمیم ایران مبنی بر خودداری از دست زدن به اقدام تلافی جویانه علیه «واشنگتن»، به دلیل کسب حمایت بین المللی در جنگ این کشور علیه عراق می باشد (۴) .

فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی

امام خمینی (ره) با توجه به ماهیت اقدام تجاوزکارانه امریکا و فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت بسیج نیروها برای مقابله با وضعیت جدید، به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس پیامی را صادر کردند که در آن با توجه به «ابهام و تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ» و

۱- ۳۸۹. روزنامه اطلاعات، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۲، نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۳۹۰. پیشین.

۳- ۳۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۲، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱۱، خبرگزاری رویتر، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۲. پیشین، ص ۱۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو، به وجود آمده بود، فرمودند:

«امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول الله است.»

ایشان در جای دیگری از این پیام تأکید فرمودند:

«بایـد نگـذاریم که تلاـش فرزنـدان انقلابی مان در جبهه ها از بین برود.... امروز بایـد دست اتحاد به یکـدیگر داده، محکم و استوار برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنابش به سوی جبهه ها رو کنیم» (۱) .

پیام امام شور و هیجان فوق العاده ای در جامعه به وجود آورد. مردم نیز با شـرکت در تشییع جنازه شهدای حادثه هواپیما، تنفر خود را نسبت به امریکا ابراز کردنـد و هم زمان، نوعی زمینه برای حضور گسترده در جبهه های جنگ به وجود آمد. چند تن از نماینـدگان مجلس شورای اسـلامی نیز طرح قـانونی مبـارزه مسـتمر بـا اسـتکبار و ادامه جنـگ تـا کسب پیروزی را به عنوان استراتژی جمهوری اسـلامی ایران با قیـد یک فوریت تقدیم مجلس کردند. (۲) نخست وزیر وقت، مهندس میرحسـین موسوی نیز در پیامی به امام و اعلام آمادگی برای تحقق نظرات ایشان در بخشی از پیام خود تأکید کرد:

«امروز وقت استقامت، امروز وقت جهاد و امروز روز برنامه ریزی، تلاش و پیروزی است» (۳) .

گرچه پیش از این، فراخوانی نیروهای بسـیجی تحت عنوان سـپاه محمـد صـلی الله علیه و سـلم از هفت اسـتان از هفتم تیر آغاز شده بود، ولی به نظر می رسید که تعداد داوطلبان با شرایط حساس سیاسی – نظامی تناسب لازم را ندارد. بر این اساس شورای عالی پشتیبانی جنگ در بیانیه مهم خود در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ تأکید کرد:

«مرحله ای بسیار حساس برای انقلاب و امتحانی بس بزرگ برای ملت قهرمان

۱– ۳۹۳. روزنامه اطلاعات، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲– ۳۹۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳– ۳۹۵. روزنامه اطلاعات، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ماست و ملت بایـد در این مرحله همه توان و نیروی ذاتی و معنوی و مادی خود را به کار گیرد و از هر گونه ساده انگاری (۱) و سهل انگاری بپرهیزد» (۲) .

آقای هاشمی نیز در نماز جمعه تهران با توجه به بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ گفت:

«ما شرایط را امروز بسیار حساس می بینیم، دعوتی که شورای عالی پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد، هدایتی که حضرت امام کردند و از مردم خواستند که امکانات و نیروها را متوجه جبهه ها کنند، این یک دعوت بسیار جدی است.... اگر ما با این وسعت در جبهه ها حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و این گونه حوادث تلخ، ما را به زانو درنمی آورد، ممکن است ترجیح بدهند که از راه شناخت متجاوز مسئله را حل کنند و یا راه دیگری انتخاب بکنند» (۳) .

ستاد فرماندهی کل قوا در نخستین بیانیه خود از مردم خواست، با روحیه اسلامی و انقلابی، بار دیگر پرده ابهام و تردیدی را که در خصوص آینده انقلاب و سرنوشت جنگ پیش چشم جهانیان افتاده و حاصل جنگ روانی دشمن است، پاره کنند. در این بیانیه از همه کسانی که توانایی حمل سلاح و عزیمت به جبهه های نبرد را دارند، درخواست شد، جهت ثبت نام و اعزام به جبهه یا مراکز آموزشی نظامی به سرعت به پاسگاه های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رده های مقاومت مراجعه و ثبت نام کنند. (۴) رادیو لندن در واکنش به بیانیه ستاد فرماندهی کل قوا اعلام کرد:

«زمان این فراخوانی به لحاظ روانی دست انتخاب شده است. زیرا پس از حادثه

---

۱ - ۳۹۶. مهندس موسوی در مصاحبه ای با مجله پاسداران اسلامی در مورد شرایط حساس جنگ گفت: «چه بسا ما دچار خوش بینی شدیم وقتی که فتح و پیروزی در جنگ نصیب ما شد.... این فراز و نشیب های جنگ به خوبی نشان می دهد که اگر ما هر چند اسیر توهم بشویم که مثلا دردسر جنگ زیاد شده و بهتر است مقداری کوتاه بیاییم و نظایر اینها، این تصور ما را به آنجا خواهد رساند که درست از همین نقطه دشمنان ما استفاده بکنند.» (روزنامه اطلاعات ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۷).

۲- ۳۹۷. روزنامه اطلاعات، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۳۹۸. مأخذ ۲۲۵، ص ۱۴، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۳۹۹. پیشین.

سقوط ایرباس، امریکا مسئول شناخته می شود. این درخواست از نقطه نظر سیاسی تأثیر خوبی دارد» (۱) .

تداوم تهاجمات عراق و بازپس گیری زبیدات

پس از سقوط جزایر مجنون و بازپس گیری کلیه مناطق تصرف شده در جبهه های جنوبی، تهاجم نیروهای عراقی به منطقه شمالی آغاز شد و در ۷ تیر ۱۳۶۷ نیروهای دشمن به ارتفاعات شاخ شمیران در منطقه دربندیخان حمله کردند که به دلیل مقاومت نیروهای خودی و با وجود دو روز تلاش، موفق به تصرف منطقه نشدند. (۲) در همین هنگام نیروهای خودی برای تمرکز توان خود و خارج کردن ابتکار عمل از دست عراق، تصمیم گرفتند، مناطق تصرف شده در جبهه شمالی را تخلیه کنند. بدین ترتیب، مناطق حاج عمران، ماووت و پنجوین تخلیه شد، اما نیروهای عراق وانمود کردند که خود به چنین مهمی دست یافته اند. به طوری که در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ نیز رادیو «صوت الجماهیر» به نقل از اطلاعیه نظامی ارتش عراق، آغاز عملیات نیروهای سپاه پنجم عراق را در منطقه حاج عمران، قلعه دیزه، پنجوین و ماووت و نیز آزادی آنها را اعلام کرد. (۳) در تداوم این حملات ارتش عراق طی پنج روز نبرد، کلیه مناطق شمالی کشور را که در سال ۱۳۶۶ و اردیبهشت سال ۱۳۶۷ با عملیات های کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸، بیت المقدس ۶، آزاد شده بود، بازپس گرفت (۴) .

در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ دشمن در طی یک حرکت گسترده و با نیرویی به استعداد ۱۱ لشکر، منطقه وسیعی را در غرب عین خوش، موسیان و جنوب دهلران به تصرف خود درآورد. (۵) رادیو بغداد در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ به نقل از اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۶ اعلام کرد، عملیات «توکلنا علی الله» در منطقه زبیدات و اطراف آن، واقع در منطقه عملیات سپاه چهارم در شرق «میسان»،

۱- ۴۰۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۷، رادیو لندن، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۰۱. مأخذ ۱۶۳.

۳- ۴۰۲. مأخذ ۲۳۱، صص ۱ و ۲، صوت الجماهیر، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷، اطلاعیه نظامی ۳۲۴۶.

۴- ۴۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۴، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۰۴. مأخذ ۱۶۳.

پس از بمباران مقدماتی و آتش توپخانه، در ساعت ۷:۱۵ صبح آغاز شد و کلیه واحدها به اهداف خود رسیده اند (۱) .

در اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۷ عراق اعلام شد، کلیه مناطق در زبیدات در ساعت ۱۱ صبح تصرف شد. یک سخن گوی نظامی عراق در گزارش خود، به مقادیر عظیم جنگ افزار، مهمات و تجهیزات نظامی و اسناد به جا مانده در مقرهای فرماندهی، تانک و توپ های به غنیمت گرفته شده، اشاره کرد (۲) عراق در اطلاعیه نظامی ۳۲۵۹ توضیح داد که در این عملیات، نیروهای گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم، مقر لشکرهای ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان از ارتش ایران را به تصرف درآورده اند. (۳) عراق در این عملیات پادگان عین خوش، کلیه منطقه عمومی زبیدات - شرهانی و بخشی از جاده عین خوش - دهلران را به اشغال درآورد و تا حاشیه شهر دهلران پیش روی کرد که با قطع جاده عین خوش - دهلران، ارتباط دزفول با دهلران قطع شد (۴) .

دشمن در ادامه عملیات و در کمتر از پنج ساعت، شهر دهلران را نیز بار دیگر به تصرف خود درآورد. خبرگزاری عراق به نقل از یک فرمانده عراقی گزارش داد، لشکر پنجم مکانیزه به طرز بی سابقه ای به سوی دهلران پیش روی کرد و موفق شد، شهر را به تصرف خود درآورد. به گفته این مقام نظامی، این عملیات در یک زمان بی نظیر، ۵ / ۴ ساعت به طول انجامید و طی این مدت، حتی مقر عملیاتی نیروی زمینی ارتش ایران در منطقه جنوب تصرف شد و بیش از ۵۰ هزار تن از نیروهای لشکرهای ۲۱ و ۷۷ به اسارت درآمدند. ضمن این که ۹۰ تانک و ۴۰ نفربر زرهی و ۱۳۰ توپخانه به غنیمت دشمن درآمد (۵) .

نیروهای دشمن که در این عملیات علاوه بر بازپس گیری مناطق متصرفه در عملیات های پیشین خودی، به آسانی توانستند دهلران را همانند زمان آغاز

ص: ۱۰۸

۱- ۴۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱.

۲- ۴۰۶. پیشین، ص ۷.

۳- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱، رادیو بغداد، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۰۸. پیشین، ص ۵، به نقل از یک مقام نظامی در جنوب.

۵- ۴۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۴.

تجاوز به ایران، به تصرف خود درآوردند. (۱) وقوع این حادثه بیش تر به یک فاجعه شبیه بود تا یک رخداد نظامی و سقوط یک جبهه عملیاتی، زیرا علاوه بر سرعت پیش روی نیروهای دشمن و از هم گسیختگی نیروهای خودی، شهر دهلران و مقر فرماندهی نیروی زمینی ارتش در جنوب - واقع در عین خوش - به تصرف نیروهای دشمن درآمد. این واقعه با توجه پی آمدهای آن بسیار تأثر انگیز بود. برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیروهای مستقر در این منطقه به هنگام عقب نشینی تنها تعداد کمی از ماشین آلات و ادوات جنگی را از مهلکه خارج ساختند و با پیش روی دشمن به سمت دهلران، اهالی این شهر اقدام به ترک خانه های خود کردند. سقوط ناگهانی این مناطق موجب نگرانی شدید اهالی ایلام نیز شد. (۲) همچنین، هزاران سرباز در اطراف جاده اندیمشک - خرم آباد و در بیابان های شمالی اندیمشک در حالت تأثر انگیزی مستقر شدند. این سربازها برابر گزارش منتشر شده، بیش از ۷۰ کیلومتر را از دشت عباس تا اندیمشک پیاده طی کرده بودند. سرگردانی این نیروها که بیش تر آنها از لشکر ۷۷ خراسان و ۱۶ قزوین بودند، روحیه مردم را نیز تضعیف کرده و موجب تأثر آنها شده بود (۳) .

پیش روی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای در رسانه های خبری داشت. زیرا برای نخستین بار نیروهای عراقی پس از عقب نشینی از ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، بار دیگر وارد خاک ایران شده بودند. (۴) رادیو لندن در این باره طی تحلیلی گفت:

«اگر ادعای عراق درست باشد، این امر می تواند نشان دهنده درهم شکستن کامل مقاومت چهار ماه گذشته نیروی نظامی ایران باشد.»

در ادامه این تحلیل در مورد علت اقدام عراق آمده است:

«غرض از این حمله، غافل گیر کردن آقای رفسنجانی، کفیل فرماندهی کل قوای ایران و تشدید بحران رهبری ایران در مورد مسئله جنگ می باشد، علاوه بر این،

۱- ۴۱۰. پیشین، ص ۲۵، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۱. مأخذ ۲۴۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶.

۳- ۴۱۲. پیشین، ص ۷.

۴- ۴۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۶، روزنامه تایمز مالی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

ناامیدی عراق از ایران نسبت به پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸، بخش دیگری از دلایل ادامه حمله عراق و پیش روی در عمق خاک ایران ذکر شده است» (۱) .

عراقی ها نظر به اهمیت این مسئله، ضمن تأکید بر اشغال موقت خاک ایران دلایلی را برای اقدام خود برشمردند. سخن گوی وزارت دفاع عراق در این باره اظهار داشت:

«این اقدام به دلایل تاکتیکی صورت گرفته و سربازان عراقی در ظرف چند روز آینده عقب نشینی خواهند کرد» (۲) .

همچنین، به گزارش خبرگزاری «اینا»، در بیانیه ای از تلویزیون عراق، هدف از این اقدام را «انهدام تمرکز نیروهای ایران در این منطقه» ذکر کرد. رئیس وقت مجلس عراق نیز ضمن موقت خواندن حضور نیروهای عراقی در خاک ایران، تأکید کرد، نیروهای عراقی با کسب تضمین در برتری استراتژیکی خود، عقب نشینی خواهند کرد (۳) .

در پی پیدایش وضعیت جدید در صحنه تحولات نظامی جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری منطقه ای حزب بعث عراق به ریاست صدام تشکیل شد. بنا به گزارش رادیو بغداد در این جلسه نتایج پیروزی های نظامی اخیر گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم مورد تمجید قرار گرفت. (۴) به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، این دومین جلسه مشترک سران دولت عراق در ۴۸ ساعت گذشته بود که برگزار می شد. گوینده تلویزیون عراق ضمن گزارش عملیات عراق در زبیدات که به نام «توکلنا علی الله» انجام گرفت، بخشی از سخنان صدام را که حاوی نوعی تهدید علیه ایران بود، پخش کرد. رئیس جمهور عراق در آن سخنان گفت:

«من در برابر ملت عراق می گویم که ایران فرصت را از دست ندهد و اراضی اشغال شده عراق را سریعا تخلیه کند، زیرا اشغال زمین های عراق برای ایران گران تمام می شود» (۵) .

۱- ۴۱۴. مأخذ ۲۴۶، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۱۵. مأخذ ۲۴۴، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۱۶. مأخذ ۲۴۶، ص ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۱۷. مأخذ ۲۴۴، ص ۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۱۸. مأخذ ۲۴۶، ص ۳، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون عراق.

چند روز بعد، صدام در سالگرد تأسیس حزب بعث طی تحلیلی درباره این عملیات گفت:

«عملیات «زبیدات» حد فاصلی در راستای عملیات آزاد سازی زمین ها و نابودی کامل دشمن در سال جاری بود و عملیات آینده در همین راستا خواهد بود.... اکنون شما با کسب تجربه از سالیان جنگ، دشمن را به ضعف رسانیده اید، به طوری که دیگر توانایی مقاومت در برابر شما را ندارد» (۱) .

این اظهارات به خوبی نشان می داد که حملات عراق در مرحله جدید با توجه به نتایج حاصله از مرحله آزاد سازی مناطق و پیش روی در عمق خاک ایران در عملیات زبیدات، ادامه خواهد یافت. صدام در اظهارات خود تأکید کرد:

«استفاده کامل عراق از آب راه شط العرب[اروندرود]، بایستی در رأس مسائل در نظر گرفته شود، چون بنا بر حقوق عراق و مقررات بین المللی، شط العرب دهانه اصلی عراق به دریا به شمار می رود» (۲) .

در هر صورت، با وجود این که از مدت ها پیش بین مسئولان جمهوری اسلامی و فرماندهان نظامی بحث عقب نشینی از مناطق تصرف شده مطرح بود، لیکن امیدواری به مقابله با حملات عراق، مانع از تصمیم گیری لازم شده بود. با تصرف منطقه زبیدات و پیش روی نیروهای عراقی در عمق خاک جمهوری اسلامی - همانند روزهای نخست تجاوز عراق در شهریور سال ۱۳۵۹ - و تصرف شهر دهلران، زمینه لازم برای اتخاذ تصمیم قطعی مبنی بر عقب نشینی فراهم شد (۳) .

بازتاب و نتایج بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق

موفقیت های نظامی ارتش عراق در مدت سه ماه (۴) ، بسیاری از ناظران و تحلیل گران امور جنگ را غافل گیر کرد، زیرا در این مدت، عراقی ها نیروهای

۱- ۴۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۲۰. پیشین.

۳- ۴۲۱. مأخذ ۵۹.

۴- ۴۲۲. مأخذ ۱۸۵، ص ۲۳، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

ایران را از مناطقی در جنوب بیرون راندند که با فداکاری کم نظیری به دست آمده بود. (۱) به همین دلیل سؤال های بی شماری در محافل دیپلماتیک مطرح شد که به تعبیر خبرگزاری فرانسه، پاسخی برای آنها وجود نداشت ولی همان محافل در این باره که «چرخشی در جنگ پدید آمده بود» - که می توانست سرنوشت ساز باشد - هم سخن بودند -، آنان معتقد بودند که در آن هنگام صفحه ای از تاریخ جنگ در حال ورق خوردن بود. (۲) یکی از مهم ترین پرسش هایی که در این باره مطرح شد این بود که «آیا این[به دلیل]، نیروهای تازه عراق است یا شکست و از هم پاشیدگی ارتش ایران که از دو ماه پیش تحت فرماندهی حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در دست بازسازی کامل قرار دارد؟» (۳) .

در پاسخ به این پرسش، عراق، ایران و تحلیل گران غربی هر یک تحلیل و نظرات متفاوتی را ارائه کردند. وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در جلسه ای با نمایندگان رسانه های خبری مدعی شد که ایران از نظر نظامی شکست خورده است. (۴) صدام نیز در تحلیلی گفت:

«شکست هایی که حاصل شد، شکست هایی در نبرد نیست تا آنها را اصلاح کند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است.... شکست ایران، شکست فنی یا بی نظمی در اداره و یا نقصی در سطح عملیات یا تدارکاتی فنی نیست که اصلاح پذیر باشد» (۵) .

صدام در اظهارات خود مدعی شد:

«در برابر ما محمره[خرمشهر]، عبادان[آبادان]، و الاهواز[اهواز]باز شد و هیچ کس نیست، بتواند بگوید، نمی توانستیم این مناطق را اشغال کنیم» (۶) .

او همچنین در جمع وزیران جوانان کشورهای عرب ادعا کرد:

«پیروزی، معلول کثرت و اندکی عده در مقایسه میان ارتش های ایران و عراق و یا فراوانی و کمبود جنگ افزار نیست، گر چه این مسائل در کشمکش میان دو

۱- ۴۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۰، صص ۱۲ و ۱۳، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۴ و ۲۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۲۵. مأخذ ۲۴۶، صص ۲۵ و ۲۶، منامه، خبرگزاری فرانسه، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو صوت الجماهیر، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، لطیف جاسم.

۵- ۴۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۵، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۵ و ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۲۸. پیشین، ص ۹.

اراده حائز اهمیت می باشد، اما اساس پیروزی ها این است که ایران پایگاه فکری خود را از دست داد و شکست خورد» (۱) .

صدام در اثبات نظر خود، پیروزی منافقین در مهران را به عنوان افراد غیر نظامی، دلیل بر ناکامی نظامی ایران ذکر کرد (۲) .

تحلیل گران غربی نیز با توجه به ملاحظات موجود، تحلیل های گوناگونی را ارائه کردند. خبرگزاری «رویتر» در گزارش خود بر این نظر بود که تغییر استراتژی عراق و عدم تناسب موقعیت نیروهای مسلح ایران برای یک جنگ دفاعی به شیوه ای که ارتش عراق در ماه های اخیر بر ایران تحمیل کرده است، منجر به ناکامی ایران و موفقیت عراق شده است. (۳) به همین دلیل، عقب نشینی های ایران بیش از آن که تاکتیکی ارزیابی شود، به منزله «شکست نظامی» مورد تأکید قرار گرفت. (۴) روزنامه «لاریپوبلیکا»، چاپ ایتالیا نیز نوشت:

«در وضعیت فعلی، ایران نه تنها ابتکار عمل را از دست داده است، بلکه قادر نیست از پیش روی دشمن جلوگیری کند» (۵) .

در این حال، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات های خارجی گزارش داد:

«بعید می نماید که ایرانیان در آینده نزدیک بتوانند به وضع دشواری که با آن روبرو هستند، فائق آیند، زیرا طرز استقرار نیروهای آنها ضعیف است. اسلحه کافی در اختیار ندارند و لجستیک آنها نارسا می باشد» (۶) .

سردبیر روزنامه انگلیسی تایمزمالی نیز در مورد علت پیدایش وضعیت جدید نوشت:

«برتری نسبی ایران در جنگ به خاطر روحیه قوی آن در ادامه جنگ بوده است. اکنون با از دست دادن آن (روحیه) توازن جنگ تغییر کرده است.... ایران به خاطر عقب نشینی نظامی اخیر خود قادر نیست از موضع قدرت سخن بگوید و یا در زمینه جنگ امتیازات بیش تری کسب کند.»

وی در مورد شرایط دوگانه ای که در برابر ایران قرار دارد، نوشت:

۱- ۴۲۹. مأخذ ۱۰۴، صص ۳ و ۴، خبرگزاری عراق، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۰. پیشین.

۳- ۴۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵.

۴- ۴۳۲. پیشین، صص ۱۶ و ۱۷، بخش انگلیسی رادیو سوئیس، در مصاحبه با یک کارشناس امور جنگ، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۳۳. مأخذ ۲۵۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۳۴. مأخذ ۲۷۰، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

«آنها (ایرانی ها) نه می تواننـد بر اساس شـرایط محـدود خود به جنگ ادامه دهنـد و نه به دست یابی راه حلی بر اساس حداقل شروط خود از جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسین امیدی دارند» (۱) .

روزنامه ستاره سرخ چاپ مسکو نیز نوشت:

«حرکت سـریع و استراتژیـک عراق در بازگردانـدن این منـاطق دلیل مؤکـدی بر توانایی و برتری نیروهای عراقی در جبهه های جنگ است.»

در این مقاله، برتری روحیه نیروهای عراقی مورد تأکید قرار گرفته است (۲) .

رخدادهای صـحنه جنگ در داخل ایران نیز بازتاب گسترده ای داشت. بر اساس شایعات موجود چنین تحلیل می شد که ایران بر اسـاس یک توافق محرمانه (۳) و با هـدف دست یابی به صـلح، به عقب نشـینی از مناطق تصـرف شـده دست زده است ولی تـداوم حملات عراق و برخی رخـدادهای دیگر نادرستی این شایعات را به اثبات رسانـد. به موازات آشـکار شدن ماهیت غلط این گونه شایعات، سؤالات جدیـدی نیز مطرح شد. رئیس جمهور وقت و رئیس شورای عالی دفاع آیت الله خامنه ای، در نماز جمعه تهران در توضیح وضعیت جدید و دلایل پیدایش آن گفت:

«حوادث دو مـاهه اخیر سؤالاـتی را در ذهن مردم مـا و نـاظران جهانی به وجود آورد و آن این بود که چرا نیروی اسـلام با آن قدرتی که داشـتند، عقب نشینی کردند؟ در این مدت، رسانه های استکباری و دشمن هم با تبلیغات خود سلسله حرف هایی را به صورت دقیق مطرح ساختنـد و جنـگ روانی در جـامعه به راه انداختنـد، به نحوی که گویا مسـئولین یا رزمنـدگان از جنگ خسـته شـده انـد.... عقب نشـینی مـا در فـاو و شـلمچه و غیره دارای عوامل و تحلیل های یکی دو ساله است و یک امر مقطعی نیست... اگر ضعف های ما نبود ابزار جنگی دشمن نمی توانست بر قدرت ایمان نیروهای ما پیروز شود و تنبیه یک یا چند نفر

۱- ۴۳۵. مأخذ ۲۶۵، صص ۲۴ و ۲۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ص ۵۴، مسکو، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه ستاره سرخ.

۳- ۴۳۷. مأخذ ۲۵۰، ص ۸، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک روزنامه ایتالیایی.

مقصر، کار فوق العاده ای نمی باشد اما روش اسلامی ما این نیست، در بعضی از کارها قصور هست اما مقصر، فرد خاصی نیست. عواملی دست به دست هم داده اند تا یک قصوری پیش آمده که باید از این امر جلوگیری شود. یک مقدار از ضعف ها مربوط به جبهه و وسایل جبهه است. آمادگی ها، سازمان دهی خطوط دفاعی و احتیاطات لازم بیش تر، باید انجام شود. یک مقدار هم مربوط به پشت جبهه است. یک ملت، با پرداختن به اختلافات و مسایل شخصی و حق کشی می تواند در جبهه خلل ایجاد کند... اگر عده ای هم و غم خودشان بر این است که مشکلات را علم کنند، این در جبهه اثر خواهد گذاشت و ما نباید غافل باشیم» (۱) .

به منظور مقابله با وضعیت جدید، نشانه هایی دال بر تغییر استراتژی ایران آشکار شد. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ای رادیو و تلویزیونی گفت:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند» (۲) .

وی در جای دیگری، در توضیح این موضوع تأکید کرد:

«این روش ناصحیحی بود که برای جذب نیروهای انقلابی، برای کشورمان دشمن درست می کردیم. یعنی کشورهایی که می توانستند بی تفاوت باشند، آنها را روبه روی خود و در حال عداوت با خود قرار دادیم. یا حداقل کاری برای جذب آنان نمی کردیم.»

آقای هاشمی همچنین در مورد سیاست خارجی جدید ایران گفت:

«سیاست خارجی ما به گونه ای خواهد بود که بی جهت میدان ها را در اختیار دشمن قرار ندهیم. خیلی از دولت ها هستند که می توانند بی تفاوت باشند که ارتجاع یا عراق[آن]کشورها را جذب کرده اند» (۳) .

آقای هاشمی چند روز بعد، در نماز جمعه تهران بر ضرورت ادامه جنگ تأکید کرد و گفت:

۱- ۴۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۱۵، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۳۹. روزنامه اطلاعات، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۴.

۳- ۴۴۰. پیشین، ص ۲، ستون نقد حال.

«همه معتقدنـد که ما بایـد همان راه را ادامه بدهیم تا حقمان را بگیریم و یا آن راهی را که ما تعیین کرده ایم برای ختم جنگ که اعلام عراق به عنوان متجاوز است» (۱) .

وی بر این بـاور بود که «مـا غیر از این دو راه، راه دیگری نـداریم»، لـذا، ضـمن تأکیـد بر راه حـل دیپلماتیک با اعلام عراق به عنوان متجاوز، معتقد بودند، «باید از آمادگی لازم برای ادامه جنگ برخوردار باشـیم». (۲) بر اساس همین ملاحظه کلی، بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ صادر گردیـد و در آن تلاش مثلث امریکا، شوروی و ارتجاع عرب در واگـذاری سـلاح به عنوان مهم ترین عامـل در پیـدایش وضـعیت جدیـد در صـحنه نظـامی جنگ برشـمرده شـد. افزون بر این، حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس در حمایت از عراق، به شهرها، حملات شیمیایی به جبهه ها و موشک باران شهرها به وسیله عراق به عنوان بخشی از عوامل تأثیر گذار بر پیدایش روند فعلی جنگ مورد تأکید قرار گرفت (۳) .

۱- ۴۴۱. مأخذ ۲۲۵.

۲- ۴۴۲. پیشین.

۳- ۴۴۳. مأخذ ۱۸۹، صص ۷ تا ۱۰ خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

تلاش ایران برای مهار حملات عراق

اشاره

روند حملات عراق - از سقوط فاو تا تصرف مجدد دهلران - ایران را در برابر وضعیت دشواری قرار داد (۱) که چیره شدن بر این وضعیت بدون اتخاذ استراتژی مناسب امکان پذیر نبود. از سوی دیگر، عراقی بر اساس دو ملاحظه کلی مبنی بر «توانایی نظامی ارتش خود» و همچنین «احتمال (۲) موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸»، در نظر داشتند، در روزهای پایانی جنگ، با تداوم حملات به عمق خاک ایران، از موقعیت برتری به هنگام آغاز مذاکرات صلح بین دو کشور برخوردار شوند. اظهارات مقام های رسمی عراق بیانگر این واقعیت بود؛ نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق در مورد ادامه فشار به ایران گفته بود:

«ما تمام سعی خود را برای اعمال تمام فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بر

ص: ۱۱۷

۱- ۴۴۴. رادیو لندن طی تحلیلی در مورد وضعیت ایران گفت: «اوضاع چه در زمینه های سیاسی و چه در جبهه های جنگ بر وفق مراد ایران نیست، در حالی که ایران نمی تواند روی یک موفقیت دیپلماتیک در شورای امنیت حساب کند، در زمینه های نظامی نیز، در داخل کشور توجیه از هم پاشیدگی ظاهری هدف های جنگی و استراتژی نظامی خود را امری دشوار یافته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷).

۲- ۴۴۵. برابر توضیحاتی که در صفحات بعد ارائه خواهد شد، شواهد و قرائن بسیار زیادی وجود داشت که ایران در حال آمادگی و مذاکره برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ می باشد.

ایران تا قبول صلح جامع از جانب ایران به کار خواهیم بست» (۱) .

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق نیز در مراسم پایانی یازدهمین اجلاس وزیران امور جوانان و ورزش عرب تأکید کرد:

«حمله های بعدی علیه متجاوزین ایرانی شدیدتر خواهد بود.» (۲) .

در همین راستا، صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی در اظهارات بسیار مهم خود با تأکید بر استعداد ارتش عراق و نیز تهدید ایران گفت:

«حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده است.... عراقی ها می توانند دشمن را در داخل خاکش جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین های ملی درهم کوبند» (۳) .

وی در بخش دیگری از سخنان خود به پیش روی منافقین در عمق خاک ایران اشاره کرد و گفت:

«مدتی دیگر می بینید که مجاهدین خلق به عمق بیش تری در دل ایران نفوذ می کنند» (۴) .

در این حال، مفسر رادیو لندن با توجه به وضعیت حاکم بر جنگ و تهدیدات عراق، این سؤال را مطرح کرد که «آیا عراق در هفته های آینده فشار بیش تری بر ایران وارد خواهد کرد یا خیر؟» (۵) این رادیو همچنین به نقل از ناظران دیپلماتیک، احتمال تشدید فعالیت های منافقین در داخل خاک ایران را مورد تأکید قرار داد. (۶) یک منبع دیپلماتیک عرب نیز به خبرگزاری کویت گفت:

«استراتژی جنگی عراق در مرحله بعدی، انجام تهاجمات محدود علیه مراکز تجمع نیروهای ایرانی در طول جبهه های جنگ و بازگرداندن نیروهایش به پشت مرزها پس از خاتمه این عملیات است» (۷) .

ایران در برابر وضعیت جدید و با توجه به ضرورت مهارت حملات عراق، راه حل هایی فراروی خود داشت، بی شک، ادامه وضع موجود کاملا به سود

---

۱ - ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۰۱، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۴۹. پیشین، ص ۵.

۵- ۴۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۵۱. پیشین.

۷- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۳، پاریس، خبرگزاری کویت، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

عراق بود، زیرا پراکندگی نیروهای ایران در مناطق مختلف و حضور آنها در بخش هایی از خاک عراق و همچنین مخالفت ایران با قطع نامه ۵۹۸ بهانه مناسبی را در اختیار عراق قرار داده بود تا به تهاجمات خود ادامه دهد. ایران نیز به دلیل وضعیت نظامی حاکم بر جبهه ها، قادر به مهار تهاجمات عراق نبود. در همین حال، تغییر اوضاع به سود ایران مستلزم تحولات اساسی بود که بدون گذشت زمان امکان پذیر نبود. بدین ترتیب، ایران با هدف تمرکز نیروها برای رویارویی با حملات احتمالی عراق و همچنین تغییر شرایط بین المللی به سود خود، با اتخاذ استراتژی ای جدید، نخست از مناطق تصرف شده عقب نشینی کرد تا ضمن گرفتن بهانه از دست عراق، نیروهای خود را با سازمان دهی مجدد در برابر تهاجمات آن کشور، به کار گیرد و پس از آن، رسما قطع نامه ۵۹۸ را - طی نامه رئیس جمهور وقت ایران به دبیرکل سازمان ملل در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ - پذیرفت و دو رخداد یاد شده به عنوان اقدامات ایران در چارچوب استراتژی جدید، روند تحولات را در جبهه های نبرد و صحنه های داخلی، و بین المللی به سود ایران تغییر داد. آن چه در این فصل بررسی خواهد شد، استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران برای مهار حملات عراق و نتایج آن در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و داخل کشور خواهد بود.

عقب نشینی از حلبچه

در پی عقب نشینی قوای ایران از جبهه شمالی، حلبچه آخرین منطقه ای بود که تخلیه شد. در ۲۲ تیر ۱۳۶۷ ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای، عقب نشینی نیروها به مواضع دفاعی جدید را تأیید کرد. (۱) دولت نیز در بیانیه ای با تصریح بر این که «فرماندهی جنگ تصمیم به عقب نشینی از منطقه دشت حلبچه و بسیج قوا برای دفاع از حیاتی ترین نقاط کشور گرفته است»، به برنامه ریزی همه جانبه دشمن در دو سال گذشته و نیز عقب نشینی

۱- ۴۵۳. روزنامه کیهان، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷، اطلاعیه ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح.

از حلبچه اشاره کرد و این سؤال را مطرح نمود که «چه باید کرد؟» سپس این بیانیه به پرسش خود پاسخ داد: «با همان شیوه ای که دشمن به ما تعدی کرده است، باید با او مقابله نمود. اگر او به برنامه ریزی گسترده دست زده، ما نیز باید چنین کنیم.» در پایان بیانیه، بر این که این امر به زمان نیاز دارد و دشمن این را می داند، تأکید شد (۱) .

آقای هاشمی رفسنجانی نیز عقب نشینی از حلبچه را حاصل تغییرات جدی در «برنامه جنگ و دفاع» خواند و گفت:

«باید توان بیش تری بگذاریم و خودمان را برای دوره طولانی آماده کنیم، حالا اگر توانستیم این دوره را با جهش هایی، کوتاه تر کنیم، بهتر است و اگر نتوانستیم، باید برای رسیدن به اهداف مان در دراز مدت جنگ را ادامه بدهیم.»

ایشان با اشاره به ضرورت ابعاد فرهنگی، تبلیغاتی و سیاسی به عنوان عوامل تکمیل کننده حرکت نظامی در چارچوب استراتژی جدید ایران گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است.»

جانشین فرماندهی کل قوا با توجه به احتمال ادامه حملات دشمن تأکید کرد:

«دشمن ممکن است فرصتی داشته باشد تا در این مدت در کار ما اخلال کند و در کوتاه مدت، ما چاره ای جز استفاده از نیروهای داوطلب نداریم» (۲) .

نظر به این که عقب نشینی از حلبچه در شرایط خاصی صورت گرفته بود، به عقیده بسیاری، این اقدام می توانست به منزله پایان دادن به جنگ باشد، حال آن که در استراتژی جدید ایران، این حرکت به موازات تلاش های دیپلماتیک برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ انجام شد. خروج از حلبچه، اساسا برای خارج کردن بهانه از دست عراق و تمرکز قوا برای مقابله با حملات احتمالی دشمن در مناطق دیگر انجام گرفت؛ به همین دلیل، شرایط حساس و سرنوشت ساز کشور در بیانیه یاد شده مهم دولت و ضرورت آمادگی برای گذر

۱- ۴۵۴. پیشین، ص ۳.

۲- ۴۵۵. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

از یک مرحله دشوار و طولانی در اظهارات اخیر جانشین فرماندهی کل قوا مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در اطلاعیه فوق، صادره از ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز از کلیه جوانانی که آمادگی حضور در جبهه ها را داشتند، دعوت شد بدون فوت وقت به سوی جبهه ها بشتابند. مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت نیز با توجه به ضرورت حاکم کردن فضای جنگ بر کشور، گفت:

«امروز همه توجهات باید به جبهه ها باشد و بر رادیو و تلویزیون و روزنامه ها باید فضای جنگی حاکم گردد.... همچنین، سیاست خارجی و داخلی و اقتصاد ما، همه و همه باید برای، پیروزی در جنگ بسیج شود که این مهم ترین مسئله کشور است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«آن چه اسلام از ما می خواهد، صبر و مقاومت و روحیه قوی و پایدار در معرکه است» (۱) .

بی گمان بدون غلبه بر شرایط بحرانی و وضعیت نامساعد روحی و روانی حاصل از آن، اداره اوضاع امکان پذیر نبود و می توانست به نوعی گسیختگی سیاسی - نظامی - اجتماعی منتهی شود. به عبارت دیگر، مدیریت و هدایت بحران سیاسی - نظامی - روانی موجود شرط اصلی برای چیره شدن بر دشواری های حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی کشور بود.

عقب نشینی از حلبچه با توجه به این که عراق هیچ اقدام نظامی انجام نداده بود، در مقایسه با عقب نشینی های پیش از آن مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران رسانه های خبری قرار گرفت. مفسر رادیو لندن از این اقدام ایران به عنوان «تازه ترین شکست» نام برد. (۲) رادیو بغداد نیز در واکنش به عقب نشینی ایران از حلبچه، آن را نشانه «فروریختگی نیروهای ایران» خواند و در مورد علت آن گفت:

۱- ۴۵۶. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۵، ص ۸، رادیو لندن، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

«ایران نیروهایش را قبل از این که نیروهای ما با آنها برخورد کنند، به ویژه در دو بخش سپاه اول و سپاه پنجم وادار به ترک مواضع و تجهیزات خود نموده است» (۱) .

رادیو مونت کارلو نیز در تفسیری گفت:

«عقب نشینی نیروهای ایرانی به مرزهای بین المللی متحقق گردید.»

این رادیو سپس پرسید:

«ایران خواستار پایان جنگ است یا از حلبچه به صورت تاکتیکی عقب نشینی نموده تا خود را برای یک حمله بزرگ آماده سازد؟» (۲) .

در این حال، عراقی ها بر اساس درکی که از استراتژی جدید ایران و دلایل عقب نشینی از حلبچه داشتند و همچنین، با گمان این که ایران قطع نامه ۵۹۸ را خواهد پذیرفت، شرایط جدیدی را برای پایان دادن به جنگ اعلام کردند:

«۱- مبادله کامل و جامع اسرا، ۲- عدم تعرض به راه آبی و استفاده کامل عراق از آب های شط العرب[اروندرود]، ۳- هم کاری بین المللی و برخورد مسئولانه با امنیت خلیج[فارس]و کشورهای حوزه آن، ۴- عقد قرارداد صلح جدید، ۵- حسن هم جواری و عدم دخالت در امور و حق انتخاب دیگران.» (۳) .

عراق اعلام شرایط پنج گانه را بدین منظور انجام داد که، علاوه بر به نمایش گذاردن و تحمیل موقعیت برتر خود بر ایران، زمینه لازم را برای تداوم حملات فراهم کند، در حالی که اگر عراقی ها در پی صلح بودند بایستی در چنین وضعیتی تنها بر موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ تأکید می کردند؛ حال آن که تعیین شرایط جدید که مغایر با مفاد قطع نامه ۵۹۸ بود و به طور طبیعی با مخالف ایران همراه می شد، تنها به زمینه سازی تامین اهداف عراق کمک کرد. چنان که در ۲۵ تیر ۱۳۶۷ نیروهای ارتش عراق پس از اجرای آتش سنگین توپخانه بر منطقه صالح آباد با پیش روی در شمال شرقی مهران، از مرزهای بین المللی عبور کرده و روز شنبه در منطقه «سرکنجان چم» و

۱- ۴۵۸. پیشین، ص ۶، رادیو بغداد، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۵۹. مأخذ ۵، ص ۱۸.

۳- ۴۶۰. مأخذ ۵، ص ۱۵، خبرگزاری عراق، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

ارتفاعات اطراف آن مستقر شدند. (۱) در پی این حمله، روزنامه عراقی «الجمهوریه» در سر مقاله خود نوشت:

«عراق ضربات خود را به دشمن ایرانی دنبال خواهد کرد تا این رژیم را به طور کامل فلج کند تا جایی که ایران ویران و از داخل متلاشی گردد.»

در ادامه این مقاله تأکید شده بود:

«ایران بایستی منتظر عواقبی بدتر از آن چه تاکنون دیده است باشد!» (۲) .

دلایل عقب نشینی ایران و ادامه حملات عراق مورد بررسی تحلیل گران و کارشناسان امور جنگ قرار گرفت. در این بررسی ها، تهاجم عراق به منزله مقابله با تلاش ایران برای بازسازی نیروهایش (۳) و همچنین، اصرار عراق برای دست یابی به صلح پایدار ارزیابی شد. (۴) گزارش گر روزنامه تایمز مالی بر اساس سخنان آقای هاشمی، این اقدام ایران را بخشی از استراتژی این کشور برای یک جنگ طولانی دانست. (۵) «دیوید هرست» نیز در مقاله ای با عنوان «جنگ زده» در روزنامه «گاردین» نوشت:

«آقای هاشمی امیدوار است، با بازسازی سیاست جنگی ایران، ابتکار نظامی را بار دیگر به چنگ آورد. اما این کار در بهترین شرایط، به زمان احتیاج دارد. در حال حاضر، شک و تردید عمیقی نسبت به شعارهای متهورانه در مورد ادامه جنگ به وجود آمده است» (۶) .

تحلیل های ارائه شده مبنی بر تغییر استراتژی ایران، تنها عاملی بود که می توانست علت عقب نشینی از حلبچه - بدون درگیری با نیروهای عراقی - را توضیح دهد، و اساسا، این تحلیل ها متأثر از اظهارات آقای هاشمی بودند، زیرا وی آشکارا بر این مسئله تأکید کرد که استراتژی جنگی باید در قالب یک استراتژی کلی سیاسی و فرهنگی قرار داده شود. (۷) رادیو امریکا نیز طی تفسیری در این باره، با اشاره به تغییر استراتژی ایران گفت:

«شکست های نظامی باعث شد که رهبران ایران استراتژی خود را مورد تجدید

۱- ۴۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۹، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۲. مأخذ ۱۶، ص ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۶۳. پیشین، ص ۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش تایمز مالی.

۴- ۴۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۷، رادیو لندن، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مصاحبه با شهرام چوبین از کارشناسان امور ایران و جنگ.

۵- ۴۶۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۷، لندن، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷- ۴۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۸/ ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۰، رادیو لندن، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

نظر قرار دهند» (۱) .

رادیو لندن نیز به نقل از منابع آگاه برجسته ترین تأثیر استراتژی جدید امریکا را تحکیم موضع این کشور در شورای امنیت سازمان ملل ذکر کرد (۲) ، زیرا «در چنین شرایطی، ایران ضرورت و لزوم حمایت بین المللی را درک کرده است (۳) .

افزایش تحرکات دیپلماتیک

واکنش ایران در برابر سرنگون شدن هواپیمای مسافربری «ایرباس» از طریق شکایت به شورای امنیت به جای اقدام تلافی جویانه، بازتاب گسترده ای داشت. آقای هاشمی در مصاحبه ای به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا گفت:

«از همان اول اعلام کردیم که سیاست جمهوری اسلامی ایران در این مقطع فعلا مقابله با این نوع نیست، خوشبختانه اظهارات ما هم انعکاس وسیعی داشت.»

وی معتقد بود:

«نمی توان انتظار معجزه از شورای امنیت داشت، ولی آنجا، جایی است که مردم به حرف ها گوش می دهند و ما می توانیم حرف هایی که با مردم دنیا داریم، از آن تریبون مطرح کنیم» (۴) .

تفسیر جدید از نقش و جایگاه سازمان ملل و تغییر روش ایران با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک، پی آمدهای مثبتی را در پی داشت. پیش از این، واکنش ایران در برابر قطع نامه ۵۹۸ مانع از هم دردی اعضای شورای امنیت با آن کشور می شد، ولی ماجرای کشته شدن ۲۹۰ تن سرنشین یک هواپیمای مسافربری و نحوه برخورد جمهوری اسلامی باعث شد، ایران از حمایت تازه ای در شورای امنیت برخوردار شود.

جمهوری اسلامی ایران در گزارشی، از اعضای شورای امنیت درخواست

۱- ۴۶۸. پیشین، ص ۱۴، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۶۹. مأخذ ۵.

۳- ۴۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۳، رادیو اسرائیل، به نقل از مقاله یدیوت آهارانوت، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۱. مأخذ ۱۲، تهران، خبرگزاری رویتر،۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از دیپلمات ها.

کرد، ضمن محکوم کردن امریکا به دلیل حمله به هواپیمای غیرنظامی، اقدامات مؤثری برای امنیت و رفت و آمد این نوع هواپیماها اعمال کند. در این گزارش همچنین تأکید شده بود، امریکا را مجبور کنند هر چه زودتر نیروهایش را از آب های خلیج فارس خارج کند (۱) .

جلسه شورای امنیت، سرانجام با تأخیر، در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ با حضور نمایندگان کشورهای انگلیس، نپال، یوگسلاوی (پیشین)، شوروی (پیشین)، ایتالیا، فرانسه، چین، آرژانتین، ژاپن، آلمان غربی و الجزایر تشکیل شد. (۲) در این نشست، وزیر خارجه وقت ایران به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران و «جرج بوش»، معاون وقت رئیس جمهور امریکا و نامزد حزب جمهوری خواه، به عنوان نماینده دولت امریکا در این اجلاس شرکت کردند. (۳) آقای ولایتی در سخن رانی ۹۰ دقیقه ای خود در این اجلاس، مواضع جمهوری اسلامی را بدون موضع گیری شدید و مستقیم علیه امریکا بیان کرد (۴) .

رادیو امریکا در واکنش به سخنان وزیر خارجه ایران گفت:

«سخن رانی ۹۰ دقیقه ای دکتر ولایتی ظاهرا بسیار سخت بود ولی درهای مذاکره را نبست» (۵) .

جرج بوش نماینده دولت امریکا نیز در سخنانی کوتاه، با ابراز تأسف شدید از تلفات جانی پرواز ۶۵۵ «ایران ایر»، از ایران خواست، در همین جلسه موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام کند. (۶) این جلسه در ساعت ۱۳: ۳۰ پایان یافت و ادامه جلسه به صبح روز جمعه موکول شد.

طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در واکنش به سخنان جرج بوش گفت:

«در سخن رانی بوش عناصر مثبتی مانند برقراری ارتباط میان اوضاع عمومی منطقه و ادامه جنگ ایران و عراق بود.»

وی بوش را به دلیل این که ایران و عراق را در فراخوان خود برای اتمام جنگ در ردیف مساوی قرار داد، سرزنش کرد (۷) .

۱- ۴۷۲. پیشین، ص ۳۰، رادیو امریکا، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۷۳. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۷۴. روزنامه کیهان، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۷۵. مأخذ ۲۲، صص ۴۱ و ۴۲، تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۴۷۶. مأخذ ۷، صص ۲۴ و ۲۵، بخش فارسی رادیو امریکا، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۶- ۴۷۷. پیشین.

۷- ۴۷۸. مأخذ ۱۶، ص ۱۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

روز جمعـه ۲۴ تیر ۱۳۶۷ دومین جلسه شـورای امنیت دربـاره سـرنگونی هواپیمـای «ایران ایر» برگزار شـد و در آن نماینـدگان کشورهای عضو با ابراز تأسف از بروز این فاجعه، خواسـتار پایان جنگ عراق و ایران و تضمین هر چه بیش تر ایمنی پروازهای کشوری شدند.

جلسه بعـدی شورای امنیت سازمان ملل متحـد برای رسـیدگی به این حادثه روز دوشـنبه تشکیل شـد. (۱) و طی آن، شـورای امنیت با صـدور قطع نامه ای اندوه عمیق خود را به مناسـبت سـرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت. (۲) شورای امنیت در این قطع نامه نه تنها امریکا را محکوم نکرد، بلکه همچون امریکا، فاجعه اخیر را به منزله ضرورت دست یابی به صلح (۳) دانسته و در یکی از بندهای اجرایی آن، لزوم پایان جنگ بر اساس قطع نامه ۵۹۸ را مورد تأکید قرار داد. (۴) در این حال، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در واکنش به این قطع نامه گفت:

«هنگـام درخواست رسـیدگی به اقـدام امریکا، ایران نسـبت به رونـد تصـمیم گیری در این شورا هیـچ توهمی نـداشت و ما می دانستیم که طرف مقصـر خود در این شورا بر مسـند قضاوت خواهد نشـست، بنابراین میزان عدالتی که در تصـمیم نهایی انتظار داشتیم، بسیار محدود و حساب شده بود.... علی رغم این نقایص، ما به نوبه خود آماده ایم با این قطع نامه کنار بیاییم» (۵) .

مناسـبات ایران – امریکـا و ایران – شوروی در این مرحله قابـل توجه بود. امریکـایی هـا لازمه به دست گرفتن ابتکـار عمل در جنگ ایران و عراق را موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ می دانستند و جرج بوش نماینده دولت امریکا این

۱– ۴۷۹. مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲– ۴۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳– ۴۸۱. ریگـان، رئیس جمهور وقت امریکـا در یـک موضع گیری آشـکار اعلام کرد: «تنها نفعی که امریکا در خلیـج فارس دارد، برقراری صـلح است و این فاجعه انسانی (سـرنگونی ایرباس) ضـرورت دست یابی به آن هـدف را با حـداکثر شـتاب، دو چندان ساخته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷).

۴– ۴۸۲. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشـریه شـماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۶۰ و ۶۱، واشنگتن پست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵– ۴۸۳. پیشین.

موضوع را رسما ابراز کرده بود. ضمن این که «آرما کاست»، سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز در گفت و گو با شبکه سراسری «سی.بی.اس» اعتراف کرد:

«ما به طور یک جانبه سعی کردیم بر ایران فشار آورده و او را مجبور به پذیرش قطع نامه نماییم» (۱) .

وی همچنین گفته بود:

«از هر گونه انعطاف ایران استقبال می کنیم اما ایران نمی تواند به انتخاب خود بخش هایی از قطع نامه را بپذیرد» (۲) .

در این حال، مذاکره پیرامون آزادی گروگان های امریکا در بیروت بیش ترین شایعات را درباره مذاکرات پنهانی ایران و امریکا دامن زد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مجله لبنانی گزارش داد:

«مذاکراتی بین ایران و امریکا در یک کشور اروپایی ادامه داشته و قرار بوده است در قبال تغییر موضع سیاسی امریکا در جنگ خلیج[فارس]و در جهت منافع ایران، تعدادی از گروگان های امریکایی در جنوب آزاد شوند» (۳) .

در هر صورت آمادگی ایران برای میانجی گری در آزادی گروگان های غربی شاید تأثیر بسزایی در پیدایش و گسترش این گونه شایعات داشت. در این راستا، «مارلین فینزواتر»، سخن گوی کاخ سفید بر اساس ملاحظات جدید گفت:

«امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشتیم.»

وی هدف مهم امریکا برای تماس مجدد با ایران را علاوه بر کمک به پایان دادن جنگ ایران و عراق، ترغیب ایران به فاصله گرفتن از سیاست های بنیاد گرایانه و پیمودن روش معتدل تر ذکر کرد. (۴) وی مدتی بعد، در سخنانی تأکید کرد:

۱- ۴۸۴. مأخذ ۱۲، ص ۳۹، واشنگتن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۵. مأخذ ۲۲، ص ۲۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر.

۳- ۴۸۶. مأخذ ۷، ص ۴۶، بیروت، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۴۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

«بر عهده ایران است که نخستین گام را در جهت عادی سازی روابط بردارد.»

وی تصریح نمود:

«از منـابع گونـاگون پیام هایی دریافت کرده انـد که حاکی از آمادگی ایران جهت برقراری تماس بوده است و در حال حاضـر نشانه ای دال بر این که ایران آمادگی صحبت با ما را در شرایط فعلی داشته باشد، وجود ندارد» (۱) .

در این حـال، به نظر می رسـد اظهـارات دو تن از نظریه پردازان امریکـایی نقش بسـزایی در توجه امریکا به ایران داشـته است. کسـینجر، وزیر خـارجه سـابق امریکا طی مقاله ای در هفته نامه نیوزویک با عنوان «زمان گفت و گو با ایران فرارسـیده است»، نوشت:

«کمـتر کشورهـایی در جهـان هسـتند کـه ماننـد ایران و ایالات متحـده هیـچ دلیلی برای نزاع و همـه دلایـل را برای دوسـتی و همکاری داشته باشند.»

در این مقاله آمده است:

«حفظ تمامیت ارضی و پیش رفت اقتصادی ایران یکی از منافع اصلی ایالات متحده می باشد.»

کسینجر در پایان تأکید می کند:

«پرزیدنت ریگان صمیمانه خواهان بهبود مناسبات می باشد» (۲) .

برژینسکی، مشاور سابق کارتر در شورای امنیت نیز گفت:

«برای اثبات منطقه در حفظ منافع حیاتی امریکا، استقلال و تمامیت ارضی ایران، اهمیت مشابه پاکستان را دارد.»

وی پیش بینی کرد:

«در حـال حاضـر و احتمالاـ تـا هنگـامی که جنگ ایران و عراق متوقف نگردد، روابط امریکا و ایران همچنان خصـمانه خواهد بود» (۳) .

مناسـبات ایران و شوروی در مرحله جدیـد متـاثر از عوامل گوناگونی بود. از یک سو، مقامات مسـکو برای رهایی از مخمصـه افغانستان، به همکاری ایران

---

۱ – ۴۸۸. مأخذ ۳۸، صص ۷۶ و ۷۷، خبرگزاری فرانسه، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۸۹. مأخذ ۱۶، ص ۴۴، رادیو اسرائیل، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۴۹۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

نیاز داشتند و از سوی دیگر، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق، با تحریم تسلیحاتی ایران که امریکا آن را پی گیری می کرد، مخالف بودند. در مورد موضوع نخست، خبرگزاری رویتر از مسکو گزارش داد که «یولی ورنتسف»، معاون اول وزیر خارجه شوروی در دیدارش از تهران از مقام های ایرانی خواسته بود که در عادی شدن اوضاع افغانستان کمک کنند.

برابر گزارش های منتشره، در این دیدار همچنین توافق شده بود که دو کشور به طور سازنده این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دهند. (۱) در تداوم این توافق، سفر معاون وزیر خارجه ایران به شوروی همراه با موافقت هایی صورت گرفت. به گزارش رادیو مسکو، اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرد که ایران در آزاد کردن نظامیان شوروی اسیر شده به دست مجاهدان افغانی، همکاری لازم را به عمل آورد (۲) .

همان گونه که گفته شد، شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران مخالف بود و این امر موجب می شد که عراقی ها در مناسبت های مختلف ناخشنودی خود را از این موضوع ابراز کنند، حتی به هنگام حضور «سعدون حمادی»، عضو شورای فرماندهی انقلاب عراق در مراسم جشن «روزهای دوستی شوروی و عراق» این موضوع بیان شد. با این حال، سخن گوی وزارت خارجه شوروی (پرفیلیف) گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به این خون ریزی کافی است.... و همان طور که می دانید، گنجاندن تحریم های تسلیحاتی در پرونده سازمان ملل مؤثر نبوده و بیش تر در حد حرف است» (۳) .

ص: ۱۲۹

---

۱ - ۴۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶۸، مسکو، خبرگزاری رویتر، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲ - ۴۹۲. مأخذ ۲۵، ص ۲۵، رادیو مسکو، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳ - ۴۹۳. مأخذ ۲۲، صص ۲۲ و ۲۳، مسکو، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

قطع نامه ۵۹۸ از تصویب تا اجرا

اشاره

رک به: متن قطع نامه ۵۹۸ در پایان همین فصل.

به دلیل اهمیت شرایط و وضعیتی که منجر به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شد، این موضوع در کتاب از شلمچه تا حلبچه، جلد چهارم از همین مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است.

قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی

جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با ارسال نامه ای به دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل رسما قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. این اقدام با توجه به رفتار و مواضع سازمان ملل که در طول جنگ هشت ساله، به غیر از موارد بسیار محدود و غیر اساسی، عملا به سود عراق رفتار می کرد، پرسش ها و ابهامات فراوانی را مطرح کرد. ضمن این که در آن ایام، با سقوط فاو، روند نظامی جنگ نیز برخلاف سال های گذشته به زیان ایران شد و عمیقا بر روش جدید سیاسی ایران تأثیر گذاشت.

اکنون که نزدیک به یازده سال از آن ایام سخت و سرنوشت ساز می گذرد و با توجه به تغییراتی که در محیط بین المللی، منطقه و درون ایران صورت گرفته است، شاید بتوان تا اندازه ای اقدام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از پدیده های بسیار مهم جنگ و انقلاب اسلامی (۱) که علاوه بر تأثیر آن در پایان بخشیدن به جنگ، آثار و نتایجی را بر روند تحولات جامعه ایران بر جای گذاشته و خواهد گذاشت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در واقع، آن چه که مورد سؤال است، نحوه پایان دادن به جنگ در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و علل موافقت جمهوری اسلامی ایران با آن می باشد. بسیار روشن است که هر گونه درگیری و جنگ، با هر میزان شدت و قدمت، سرانجام بر اساس شرایط و عواملی به پایان خواهد رسید. بنابراین، خاتمه یافتن جنگ به عنوان یک رویداد ضروری و اجتناب ناپذیر مورد سؤال نیست و نمی توان انتظار داشت که جنگ میان دو کشور به صورت دائمی تداوم داشته

۱- ۴۹۴. روزنامه کیهان، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، آیت الله خامنه ای، امام جمعه تهران، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

باشـد، بلکه آن چه حـائز اهمیت است، چگونگی پایان یافتن جنگ است که در خصوص جنگ عراق علیه ایران با اقـدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ تحقق یافت.

بر اساس ملاحظات یاد شـده و با توجه به تغییر روش ایران در پایان بخشـیدن به جنگ، لازم است که ابعاد این موضوع و روند تحولا‌تی که طی هشت سـال بـا هـدف پایـان دادن به جنگ و با تکیه بر راه حل های دیپلماتیک که شخصـیت ها، کشورها و مجـامع بین المللی مطرح کرده انـد و همچنین براسـاس کلیـات مواضع و اقـدامات جمهوری اسـلامی در حـد فاصل تصویب تا پذیرش قطع نامه، بررسی شود تا مواضع ایران در هنگام صدور این قطع نامه آشکار شده و هر گونه شایعه ای مبنی بر مخالفت ایران با راه حل های دیپلماتیک، از جمله صدور قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ، رد شود.

مهم ترین علت تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، متاثر از این موضوع بود که حامیان جهانی و منطقه ای عراق، پذیرش برتری ایران به عراق و تـامین خواسـته هـای بر حق آن کشور را با توجه به پی آمـدهایش، به زیان منافع خود و خلاف هـدف اصـلی وقـوع جنـگ ارزیـابی می کردنـد. جمهوری اسـلامی ایران پس از آزاد سـازی منـاطق اشـغالی و فتـح خرمشـهر، همواره بر دو موضوع اساسـی تأکیـد می کرد: نخست، «محکوم کردن عراق به عنوان متجـاوز و مسـئول جنـگ» و دوم، «پرداخت غرامت به ایران به عنوان قربـانی تجـاوز.» بـا آن که خواسـته هـای ایران کاملاـ منطقی و عادلانه بود، ولی بنا به ملاحظاتی، هیـچ گاه این خواسـته هـا به طور جـدی مورد توجه سازمان ملل قرار نگرفت. امام راحل در پیام خود به حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۳۶۶ در این باره فرمودند:

«دنیا از آغاز جنگ تاکنون در تمام مراحل دفاعی ما هیچ گاه با زبان عدالت و با بی طرفی با ما سخن نگفته است» (۱) .

بنابراین، تمام تلاش ها و فعالیت های سیاسی - تبلیغاتی و نظامی ایران از

---

۱ - ۴۹۵. مرکز مـدارک فرهنگی انقلاـب اسـلامی، صـحیفه نور: مجموعه رهنمودهـای امـام خمینی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۶۹)، صص ۱۰۹ تا ۱۳۳.

فتح خرمشهر تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با هدف تأمین خواسته های بر حق ایران انجام گرفت. کسب پیروزی نظامی با انجام سلسله عملیاتی که در مناطق مختلف صورت گرفت، برای تضمین خواسته های ایران و تحمیل آن به عراق و حامیان جهانی و منطقه ای این کشور بود. در همان حال، تلاش برای بازداشتن ایران از پیروزی نظامی بر عراق یا دست یابی به پیروزی سیاسی بر پایه برتری نظامی، باعث شد تا فشارهای گوناگون و همه جانبه ای بر ایران وارد شود. ایران به موازات تشدید این فشارها، در برابر وضعیت کاملا دوگانه و متضادی قرار گرفت، از یک سو، گسترش دامنه جنگ و تشدید فشارها و دشواری هایی که برای انجام عملیات نظامی گسترده با تضمین پیروزی وجود داشت، بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران را در تنگنا قرار می داد و امکان تأمین خواسته هایش را دشوار می ساخت و از سوی دیگر، با توجه به برتری به دست آمده از پیروزی های نظامی ایران بر عراق و خواسته های بر حق ایران، چشم پوشی از این خواسته ها برای مسئولان و تصمیم گیرندگان کشور امکان پذیر نبود. همچنین، با توجه به افکار عمومی جامعه که رخدادهای جنگ را با حساسیت زیادی پی گیری می کردند، اقدام به این تصمیم با چرخش از استراتژی پیشین، با هزینه بسیار زیادی در جامعه همراه بود. البته، این مسئله به این معنا نبود که ایران بدون در نظر گرفتن اصول و مصالح، در برابر واقعیات تسلیم شود و یا بدون در نظر گرفتن واقعیات، تنها برخی اصول و مواضع پیشین را مورد تأکید قرار دهد، برخورد ایران با قطع نامه ۵۹۸ و بعدها با فاجعه سقوط هواپیمای «ایرباس» مؤید این موضوع می باشد.

قطع نامه ۵۹۸ تنها یک روز پیش از اولین اقدام امریکا در حفاظت از نفت کش های کویت در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ تصویب شد و حضور نظامی امریکا در منطقه هیچ معنایی جز افزایش فشار به ایران به منظور پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ نداشت. با وجود این که قطع نامه در شرایطی تصویب شد که ایران به دلیل در

اختیار داشتن مناطق نسبتا حساس در خاک عراق، از برتری قابل توجهی برخوردار بود ولی روح قطع نامه برای نجات عراق بود و به گونه ای نسبتا محسوس، نیم نگاهی نیز به ایران داشت. برابر تمهیداتی که پیش از این صورت گرفته بود چنین پیش بینی شده بود که طرف امتناع کننده از پذیرش قطع نامه، با تحریم تسلیحاتی تنبیه و تحت فشار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه ملاحظاتی که وجود داشت، قطع نامه را رد نکرد و به روند مذاکره با دبیر کل سازمان ملل روی توافق نشان داد و این بدان معنا بود که ایران راه دیپلماتیک را برگزیده است (۱) .

آقای هاشمی طی مصاحبه ای، درباره برخورد سازمان ملل با تجاوز گفت:

«سازمان ملل اول متجاوزین را معرفی کند، قدم بعدی این است که با متجاوز چه باید بکنیم؟ این کار را یک دادگاه بکند. حال، این دادگاه بین المللی باشد یا منطقه ای یا اسلامی که اعلام کند، مسئول جنگ کیست؟ وقتی این اعلام شد، ما نیاز زیادی به جنگ نداریم» (۲) .

نظر به اهمیت این موضوع یکی از مقام های ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایران گفت:

«شورای امنیت هیچ گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد» (۳) .

هم زمان با حضور آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران در اجلاس عمومی سازمان ملل در شهریور ۱۳۶۶، ایشان در یک نشست مطبوعاتی با حضور اکثر رسانه های جهانی که در نیویورک برگزار شد، شرکت کردند. ایشان در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در مورد چگونگی تنبیه متجاوز فرمودند:

«ما نوع تنبیه را به هیچ وجه از پیش تعیین نمی کنیم، اما اگر محکمه ای عادل برقرار شود، ما احکام آن محکمه را قبول خواهیم کرد.»

ص: ۱۳۳

۱- ۴۹۶. مأخذ ۵، ص ۳۱، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۴۹۷. حمید فرهادنیا، بررسی تحولات جنگ، نخست وزیری، سال ۱۳۶۶، ص ۷۳، مصاحبه آقای هاشمی با روزنامه تهران تایمز، ۶ / ۶ / ۱۳۶۶.

۳- ۴۹۸. پیشین، ص ۷۴، به نقل از تورگوت اوزال.

ایشان همچنین در پاسخ به پرسش دیگری که عنوان شد «آیا در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ امکان صلح وجود دارد؟» گفتند:

«یقینا وجود دارد و ما فرمول استفاده از این قطع نامه را برای رسیدن به آتش بس تهیه کرده و در اختیار دبیر کل قرار داده ایم و نکته اصلی، تنبیه متجاوز است که اگر این مسئله حل شود، تمامی مسائل حل خواهد شد» (۱) .

این اظهارات به روشنی نشان می داد که ایران بر راه حل دیپلماتیک، به موازات سایر راه حل ها و نیز پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به صورت مشروط تأکید داشت. این برداشت حتی برای وزیر خارجه کشور غنا که در زمان تصویب قطع نامه ۵۹۸ ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت، آشکار شده بود، چنان که پس از دیدار با آیت الله خامنه ای، در مصاحبه ای با مطبوعات گفت:

«ایران قطع نامه را رد نکرده است» (۲) .

ایران ضمن پذیرش مشروط قطع نامه ۵۹۸ با ادامه گفت و گو با دبیر کل سازمان ملل، تمهیداتی را برای تغییر ترتیب برخی از بندهای قطع نامه پی گیری کرد. این مسئله باعث شد تا دبیر کل در ادامه تلاش های خود و سفر به تهران و گفت و گوی نهایی با آیت الله خامنه ای در سازمان ملل بیانیه خود را در یک جلسه مشورتی غیر علنی به اعضای شورای امنیت ارائه کند. در بند ۳ این بیانیه آمده است:

«ایران برای شروع اجرای قطع نامه دو گام هم زمان اولیه را ضروری می داند: الف- رعایت آتش بس، ب- برقراری یک هیئت بی طرف تحقیق.»

همچنین در بند ۴ این بیانیه آمده است:

«به نظر ایران، اولین وظیفه این هیئت، شناسایی متجاوز است و وظیفه دوم این هیئت، تعیین عواقب مسئولیت می باشد» (۳) .

دبیر کل در این جلسه در مورد نتایج مذاکره با عراق گزارش داد:

«عراق هیچ تغییری در موضع خود ندارد و روی اجرای قطع نامه به ترتیب

۱- ۴۹۹. پیشین، ص ۷۶، ۱ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۰۰. پیشین، ص ۷۷.

۳- ۵۰۱. پیشین، ص ۷۸.

پاراگراف های محتوایی اصرار دارد و عراق نسبت به تغییر اجرای مفاد آن مقاومت نموده و آن را رد خواهد کرد» (۱) .

بـا این حـال، فعالیت های ایران مؤثر واقع شـد و دبیر کل طرحی را تهیه کرد که به «طرح اجرایی دبیرکل» مشـهور شـد. رئوس کلی این طرح را دبیر کـل در نـامه مـورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی (۲۳ مهر ۱۳۶۶) اعلام کرد. (۲) رادیو امریکـا در گزارش خبری خود در این باره گفت:

«وی به ایران و عراق ۱۵ روز فرصت داده است تا پاسخ خود را به طرح مبسوط وی درباره برقراری آتش بس ارائه دهند. دبیر کل گفت: «پنج عضو دائمی شورای امنیت، خواسـتار آتش بس همراه با عقب نشینی نیروها شدند» و مهم ترین نکته طرح دبیر کل، تشکیل کمیته ویژه برای مشخص کردن آغاز کننده جنگ است» (۳) .

بعدها، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره گفت:

«دیدگاه مثبت ایران نسـبت به قطع نامه ۵۹۸ اساسا به دلیل بندی بود که مهم ترین خواسـته ایران را تأمین می کرد، زیرا بند یاد شده دبیرکل را موظف می کرد، کمیته ای را برای تعیین متجاوز تشکیل دهد.»

پس از سـفر دبیرکل به تهران، شورای امنیت سازمان ملل به دبیر کل مأموریت داد تا طرحی در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸ تهیه کنـد. طرح اجرایی دبیر کـل برای قطع نامه ۵۹۸ با جابه جا کردن بعضـی از بنـدهای مسـتخرج از خود قطع نامه بود که نظرات ایران را تـا حـدودی تأمین می کرد، زیرا گام نخست در اجرای این طرح، تشـکیل کمیته ای برای تعیین متجاوز بود. (۴) عراقی ها که با این اقدام مخالف بودند در یک موضع گیری صریح، اعلام کردند، با هر گونه تفکیک و جا به جایی در بندهای قطع نامه مخالف هستند. (۵) صدام علاوه بر موضع گیری فوق، در دیدار با وزیر خارجه ژاپن گفت:

«موضع ایران را که عراق باید متجاوز شناخته شود و مجازات گردد، نخواهد

۱- ۵۰۲. پیشین، ص ۷۸ و ۷۹.

۲- ۵۰۳. پیشین، ص ۷۹.

۳- ۵۰۴. پیشین، ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۵۰۵. مأخذ ۴۶، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.

۵- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۸ / ۶ / ۱۳۶۶، رادیو صوت الجماهیر سخنان صدام در جمع دانشگاهیان مقیم عراق، ۷ / ۶ / ۱۳۶۷.

پذیرفت» (۱) .

بعدها، طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز اعلام کرد، «عراق هر گونه تلاش برای تجدید نظر در متن و سلسله بندهای قطع نامه ۵۹۸ را رد می کند» (۲) .

ادامه درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس در ماه های شهریور، مهر و آبان باعث شد تا امریکایی ها طرح تحریم تسلیحاتی ایران را با مشارکت فعال انگلیس پی گیری کنند. در این حال، شوروی ها نظر به ماهیت تلاش های امریکا، با این اقدام مخالف بودند. در این راستا، «پتروفسکی»، معاون وزارت خارجه شوروی در سفر به سازمان ملل، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت:

«در حالی که امریکا مصرانه از شورای امنیت و آن کشور (شوروی) خواسته است که یک تحریم تسلیحاتی جهانی علیه ایران را مدنظر قرار دهد، کشورش می خواهد وقت بیش تری به مذاکرات داده شود....ایران و عراق دچار تشریک مساعی با شورای امنیت هستند و ما وضعیت اساسا جدیدی داریم» (۳) .

در نیمه آذر ۱۳۶۶ دبیر کل سازمان ملل در پی مذاکره با نمایندگان ایران و عراق، در چکیده گزارش خود در این باره به شورای امنیت اعلام کرد، مذاکرات به بن بست عملی رسیده است. در این گزارش در مورد علل بن بست در مذاکرات آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران به خاطر طرح مسئله غرامت و مرتبط کردن آن با مسئله عقب نشینی، از چارچوب قطع نامه ۵۹۸ خارج شده است و عراق به خاطر اعلام لزوم اجرای متوالی و بی وقف آتش بس، عقب نشینی و مبادله کامل اسرا و یا لااقل، انفکاک پذیر نبودن آتش بس و عقب نشینی، از طرح اجرایی دبیرکل فاصله گرفته است» (۴) .

بنابراین گزارش، ایران و عراق هر یک به نوعی در ایجاد بن بست در روند

۱- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۵، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۶، خبرگزاری «کیودو»، ۲۹ / ۶ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۰۸. پیشین، طارق عزیز، نیویورک، خبرگزاری رویتر، ۴ / ۷ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۰۹. مأخذ ۵۴، ص ۸۸، ۷ / ۹ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۱۰. پیشین، صص ۸۸ و ۸۹، ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۷.

مذاکرات مقصر قلمداد می شدند. این در شرایطی است که عراق با فرض این که ایران با قطع نامه ۵۹۸ مخالفت خواهد کرد، برای دست یابی به موضع بهتر سیاسی، پذیرش قطع نامه را اعلام کرده بود ولی در عمل، با وجود این که از موضع ضعیف تری در صحنه نظامی برخوردار بود، به این دلیل که تمام تمهیدات بین المللی و منطقه ای برای نجات آن سازمان دهی شده بود به مخالفت خود ادامه می داد. در همان حال، اگر چه جمهوری اسلامی ایران قطع نامه را به طور رسمی نپذیرفته بود، ولی با عدم رد آن و پذیرش گفت و گو در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و براساس طرح اجرایی دبیرکل که مصوب شورای امنیت بود. عملا برای گشایش در روند صلح با هدف تأمین منابع ایران تلاش می کرد. بدیهی بود آن چه که موضع ایران را تقویت می کرد، تنها برتری نظامی بر عراق با استقرار در بخشی محدود ولی حساس در خاک عراق بود. بی گمان اعلام آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، به منزله خارج کردن برگ برنده ایران برای مذاکرات بود بی آن که هیچ تضمینی برای تأمین خواسته های ایران مبنی بر اعلام عراق به عنوان متجاوز و پرداخت غرامت وجود داشته باشد. مواضع یک سویه سازمان ملل در پشتیبانی از عراق همچون هفت سال گذشته تا تصویب قطع نامه ۵۹۸ و بی اعتمادی ایران به عمل کرد و مواضع این سازمان و همچنین موقعیت برتر نظامی ایران، باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران شرایط خود را برای پایان بخشیدن به جنگ مورد تأکید قرار دهد. بدون تردید اگر جمهوری اسلامی در چنان وضعیتی بدون هیچ تضمینی شرایط سازمان ملل را می پذیرفت، اکنون مهم ترین پرسشی که مطرح می شد، «علل تاخیر در پذیرش قطع نامه» نبود، بلکه این پرسیده می شد که «چرا جمهوری اسلامی در شرایط برتر نظامی قطع نامه ای را پذیرفت که نه تنها خواسته های ایران را تضمین نمی کرد، بلکه منافع طرف متجاوز را تامین می کرد؟»

ص: ۱۳۷

تشدیـد فعـالیت اعراب به ویژه پس از برگزاری کنفرانس سـران عرب در اردن در آذر سال ۱۳۶۶، سـبب گردید دامنه فشار به ایران تا اندازه ای گسترش یابد. وزیر خارجه وقت عراق پس از این اجلاس در مصاحبه با رادیو فالانژهای لبنان گفت:

«کنفرانس سـران عرب در اردن، ایران را تکان داد و در تنگنای شدیـدی قرار داد و عراق امیدوار است فشارهای جدیدی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ از سوی کشورهای عرب و جهان علیه ایران وارد گردد.»

وی با انتقاد از موضع شوروی گفت:

«کشورهـای غربی و امریکـا حاضـرند تا فشارهای خود را علیه ایران افزایش دهنـد ولی شوروی با ادامه سـیاست های محتاطانه خود هنوز موضع سیاسی خود را در این خصوص اتخاذ نکرده است» (۱) .

گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت مبنی بر بن بست در مـذاکرات، سـبب شد تا در ۳ دی ۱۳۶۶ (۲۴ دسامبر ۱۹۸۸) بر اثر فشـار امریکـا و اعراب و در حـالی که ریـاست شورا بر عهـده شوروی بود بیـانیه ای صادر شود که در آن علاوه بر «لزوم ادامه تلاش های دبیرکل» بر برداشـتن قدم هایی از جانب شورا برای اجرای بند ۱۰ قطع نامه - که به تحریم نظامی به ویژه علیه جمهوری اسـلامی ایران اشاره دارد - تأکیـد شده بود. (۲) پس از انتشـار این بیانیه، جمهوری اسـلامی نسـبت به آن اعتراض و اعلام کرد:

«پذیرفتن طرح دبیرکل از جانب جمهوری اسـلامی ایران در واقع گامی فراتر از مسئله پذیرش قطع نامه است. در حالی که قطع نامه از ضعف های اصولی برخوردار است.» (۳) .

در شرایطی که انگلیس ریاست شورا را بر عهده گرفته بود، به نمایندگی جمهوری اسلامی اعلام کرد:

«ما به عنوان رئیس به موازات تحرکات دبیر کل، جهت اقدامات دیگر (مقدمات

۱- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶۱، ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۶، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۶.

۲- ۵۱۲. مأخذ ۵۴، ص ۸۹.

۳- ۵۱۳. پیشین، ص ۹۰.

تحریم تسلیحاتی ایران) تلاش می کنیم» (۱) .

به موازات احتمال تحریم تسلیحاتی ایران، نمایندگان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به رؤسای سه قوه پیشنهاد کردند، آقای ولایتی به مسکو سفر کند تا با افزایش حجم تحرکات دیپلماتیک، اقدامات احتمالی برای تحریم تسلیحاتی ایران خنثی شود. سرانجام، پس از بحث هایی که انجام گرفت، قرار شد تا معاون وقت اروپا و امریکای وزارت خارجه، با سفر به مسکو، چین، فرانسه و به ویژه انگلیس، گفت و گو و مذاکرات بیش تری انجام دهد و همچنین مطرح شد که لازم است با کشورهایی، چون ژاپن، آلمان و ایتالیا که روابط خوبی با ایران دارند، گفت و گوهایی به عمل آید. در ادامه فعالیت ها مقرر شد، با سفر و ارسال پیام به کشورهای نپال، غنا، آرژانتین، برزیل، زامبیا و سنگال که از اعضای غیردائم وقت شورای امنیت بودند، نیز مذاکره شود (۲) .

همچنین، وزیر خارجه وقت ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، نوشت:

«ایران از اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی می کند. تعیین روز (۳) D) (اشاره به طرح اجرایی دبیر کل) باید با شروع آتش بس و کار بر روی تعیین هیئت بی طرف همراه باشد» (۴) .

با توجه به این که، ریاست ادواری شورای امنیت از اول فوریه (۱۲ بهمن) به امریکا واگذار می شد، احتمال تحریم تسلیحاتی و افزایش فشار بر ایران، قوت می گرفت. در همین حال نماینده شوروی در سازمان ملل در ۳ بهمن ۱۳۶۶ اعلام کرد:

«نامه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۲۹ دی ۱۳۶۶) نکات مثبت و خوبی داشته است که مهم ترین آنها قبول رسمی برنامه اجرایی دبیرکل می باشد و جمهوری اسلامی ایران انعطاف پذیری خود را اثبات نموده است» (۵) .

در ادامه فعالیت های سیاسی ایران، نماینده جمهوری اسلامی در اسفند

۱- ۵۱۴. پیشین.

۲- ۵۱۵. پیشین.

۳- ۵۱۶. D.DAY: روز آتش بس.

۴- ۵۱۷. پیشین، ص ۹۱.

۵- ۵۱۸. پیشین، ص ۹۲.

۱۳۶۶ در گفت و گو با دبیرکل گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ درخواست پذیرش رسمی از طرفین ندارد و قطع نامه فقط به اجرای مفاد خود عنایت دارد و جمهوری اسلامی قبول نموده است که بر اساس طرح دبیرکل، قطع نامه اجرا گردد» (۱) .

دبیرکل نیز در پاسخ به اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران گفت:

«مذاکرات باید در چهارچوب چهار نکته مندرج در دستور جلسه صورت گیرد: ۱- آتش بس ۲- کمیته بی طرف ۳- بازگشت به مرزهای بین المللی ۴- پرداخت غرامت» (۲) .

در این دیدار، ایران بار دیگر تأکید کرد:

«جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست بازگشت نیروها به مرحله اولیه ارتقا پیدا نماید بازگشت نیروها مهم ترین برگ برنده در دست ما است و حاضر نیستیم بدون دریافت ضمانت های لازم و رسیدن به حقوق خود، آن را از دست بدهیم» (۳) .

همچنین در ۳ اسفند ۱۳۶۶ نماینده ایران با سفیر انگلیس در سازمان ملل دیدار کرد که اظهارات طرف انگلیسی با توجه به برداشتی که از مواضع ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ داشت، بسیار قابل ملاحظه است. وی در این ملاقات گفت:

«ما در عین حال که انعطاف اخیر ایران را در مذاکرات با دبیرکل درک می کنیم، نمی فهمیم چرا حاضر به قبول قطع نامه ۵۹۸ نیست؟... شما انعطاف خود را خیلی به تدریج و ذره ذره خرج کرده اید، در حالی که اگر یک جا می گفتید، اهمیت و انعطاف شما بیش تر روشن می گردید!» (۴) .

عراق چون روند اخیر را به زیان خود می دید، علاوه بر مخالفت با طرح اجرایی دبیرکل، از ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ حملات موشکی به مناطق غیرنظامی در تهران را افزایش داد تا فضای هر گونه تحرک دیپلماتیک به شدت مسموم

۱- ۵۱۹. پیشین، ص ۹۱ و ۹۲.

۲- ۵۲۰. پیشین، ص ۹۲.

۳- ۵۲۱. پیشین، ص ۹۳.

۴- ۵۲۲. پیشین.

شود. در همان حال بر اثر فعالیت هایی که انجام شد طرح تحریم تسلیحاتی ایران به تعویق افتاد و وزیر خارجه ایران در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل به صراحت اعلام کرد:

«دولتم بر این عقیده بود که طرح دبیر کل بر مبنا و جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ تنظیم شده است و بنابراین، پذیرش آن (طرح اجرایی) مساوی با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ است» (۱) .

برابر این سند ایران اگر نه رسمی ولی عملا قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته بود سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در گفت و گو با شبکه تلویزیونی» A.B.C«امریکا گفت:

«جمهوری اسلامی ایران اجرای قطع نامه ۵۹۸ را می پذیرد و بنابراین، ما آمادگی خود برای همکاری با دبیرکل جهت اجرای آن را اعلام می نماییم» (۲) .

این شبکه تلویزیونی به نقل از منابع دیپلماتیک افزود:

«سفیر ایران در سازمان ملل روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۶ با تسلیم یادداشتی به رئیس شورای امنیت اعلام نمود که ایران قطع نامه ۵۹۸ درباره آتش بس میان ایران و رژیم بعث، عقب نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین المللی، تبادل اسرا و تشکیل کمیسیونی جهت شناسایی آغازگر جنگ را پذیرفته است و پرزدکوئیار را برای ترتیب دادن آن به منطقه دعوت کرد» (۳) .

در این حال، دولت عراق در حالی که حملات موشکی به مردم بی دفاع و غیرنظامی را ادامه می داد، در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد:

«حملات علیه ایران تا زمان موافقت رهبران این کشور با استقرار یک آتش بس ادامه خواهد داشت» (۴) .

در اوایل سال ۱۳۶۷ در شرایطی که ایران عملیات والفجر ۱ را در منطقه عمومی حلبچه انجام داد آقای «محلاتی» (سفیر ایران در سازمان ملل)، پس از بازگشت از نیویورک، در نامه ای به معاونت سیاسی نخست وزیر نوشت:

۱- ۵۲۳. پیشین، ص ۹۴.

۲- ۵۲۴. پیشین.

۳- ۵۲۵. پیشین.

۴- ۵۲۶. پیشین، ص ۹۶، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

«نفس قبول قطع نـامه ۵۹۸ از نظر حقوقی و اجرایی بـا موضع جمهوری اسـلامی نسـبت به آمـادگی برای اجرای قطع نـامه هیچ تفاوتی ندارد.»

وی در مورد ارسال نامه وزیر خارجه و اثرات آن افزود:

«این نامه باعث شد که تصویب قطع نامه تحریم تسلیحاتی از طرف شورای امنیت که قطعی و محرز بود به تعویق افتد و بهانه از دست امریکا گرفته شود» (۱) .

بمبـاران شـیمیایی مردم حلبچه و ابعـاد این فـاجعه انسـانی، سازمـان ملـل را به واکنش واداشت. اعزام یک هیئت کارشناسـی و تشـکیل جلسه شورای امنیت ۵۰ روز پس از جنـایت عراق در حلبچـه در ۱۹ خرداد ۱۳۶۷ منجر به صـدور قطع نـامه ۶۱۲ شد، بـدون این که محـدودیت عراق در آن تصـریح شـود! دبیرکـل سازمـان ملـل بـدون تـوجه به حـادثه ای که رخ داده بود، طرح جدیـدی را ارائه کرد که در رادیو «مونت کـارلو» منعکس شـد. (۲) هم زمـان، حمله عراق به فـاو و بـازپس گیری این منطقه، مقـدمات تغییر شـرایط به سـود عراق و به زیـان ایران را فراهم کرد. به مـوازات این تحولاـت، «ورنـون والـترز»، نماینـده دائمی امریکا در سازمان ملل اعلام کرد:

«امریکا، انگلیس و فرانسه مایلند شورای امنیت قطع نامه فوری در مورد اعمال تحریم تسلیحاتی علیه طرفی که از برقراری آتش بس در جنگ خلیـج[فارس]سـرباز می زنـد را صادر نمایـد.... چین و شوروی، معتقدنـد باید فرصت بیش تری به دبیرکل داده شود تا در راه دست یابی به یک حل و فصل مبتنی بر مذاکره تلاش کند» (۳) .

دبیرکل سازمان ملل پیشـنهاد جدید خود مبنی بر گفت و گو در سطح کارشناسان دو کشور ایران و عراق را ارائه کرد. در این باره رادیو امریکا گفت:

«در طرح جدید به دو کشور پیشـنهاد شده است، در خرداد مذاکرات به مدت سه هفته در یک محیط خصوصی برگزار شود و در پایان، دبیرکل تقویم به اجرا گذاردن طرح صلح را آماده خواهد کرد» (۴) .

۱- ۵۲۷. پیشین.

۲- ۵۲۸. پیشین، ص ۹۸، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۲۹. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۳۰. پیشین، ص ۱۰۰، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

در نخستین واکنش به پیشنهاد دبیر کل، عراقی ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می کردند در نامه ای که طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق به دکوئیار نوشته بود، تصریح کردند:

«عراق معتقد است، گفت و گوها می بایست در سطح وزیر ادامه یابد نه در سطح کارشناس، زیرا حل و فصل جنگ یک مسئله کاملا سیاسی است» (۱) .

عراقی ها بار دیگر بر شرایط پنج گانه خود - که پیش از این صدام اعلام کرده بود - تأکید کردند. ایران نیز در واکنش به پیشنهاد دبیرکل، در نامه ای که در ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ وزیر خارجه وقت ایران نوشت، تأکید کرد:

«ما از پیشنهاد شما استقبال کرده و آماده ایم در مذاکراتی که در نیویورک با اعضای دبیرخانه بر اساس پیشنهاد شما انجام می گیرد، شرکت کنیم.»

در این نامه آمده است:

«مهم ترین گام اولیه در شروع اجرای طرح شما که همان تشکیل یک کمیته بی طرف برای تعیین متجاوز است، هنوز برداشته نشده است و همان گونه که ما مکررا و موکدا در مذاکرات قبلی با شما پافشاری کردیم، مستلزم هر گونه راه حل سیاسی، تعیین متجاوز در گام نخست می باشد» (۲) .

اما دبیرکل معتقد بود، چون در نامه ایران به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ صریحا اشاره نشده است، این امر دست و پایش را خواهد بست. (۳) وزیر خارجه ایران نیز در پاسخ به دبیرکل گفت:

«یک سال پیش در سفرتان به تهران که پیشنهاد تشکیل نهاد اعلام متجاوز را آوردید، ما برخورد داشتیم، ولی ادامه این کار از طرف شما متوقف شد که ما دلیل آن را نمی دانیم» (۴) .

بازتاب مذاکرات و مواضع جدید ایران، برخی انتقادات نسبت به مواضع و عمل کرد وزارت خارجه را در پی داشت. آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز جمعه با بیان مواضع ایران، به انتقادات اخیر پاسخ داده و تصریح کردند:

۱- ۵۳۱. پیشین، ص ۱۰۲، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۳۲. پیشین، ص ۱۰۴.

۳- ۵۳۳. پیشین.

۴- ۵۳۴. پیشین.

«ما اصـراری نـداریم بر این که حتما بایـد با جنگ این مقصود عملی شود. اگر آنها مقاصد ما را برآورده می کردند، ما حرفی نـداشتیم. منتهی به تجربه معلوم شـده که این ها نمی کنند.... البته راه حرکت سیاسـی را هم هرگز نمی بندیم. بعضـی ها شایعه می کنند که این کارهای سیاسی با جنگ منافات دارد، خیر! ابدا منافات ندارد.!

ایشان در تأیید ضرورت کار سیاسی به موازات کار نظامی گفتند:

«اگر ما قـدرت جنگ نداشـته باشـیم، کار سیاسـی ممکن است اثر کند که باز هم نمی گوییم حتما اثر خواهد کرد، چون واقعا هیچ اطمینانی به این محافل بین المللی نمی شود داشت، چون امریکا و دشـمنان ما بر این محافل تسلط دارند. ما به همه گفتیم، قطع نامه ۵۹۸ را امریکا علم کرد، منتهی ما که این قطع نامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانـده بودنـد. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد» (۱) .

«جان لیتل» فرستاده کلیسای «کانتربری» و هیئت همراه در سفر به تهران و پس از مذاکره با مسئولان ایرانی گفت:

«ایران دیگر خواسـتار سـرنگونی صدام نیست و خود را مقید به این تأکید کرده[است]ولی ایران به تضـمین های سیاسی احتیاج دارد که رهبر عراق دیگر جنگ را از سر نگیرد.»

وی به نقل از لاریجانی گفت:

«اکنون راه حل سیاسی غالب است و بر ملاحظات نظامی ارجح است» (۲) .

آقای هاشمی نیز در مصاحبه ای تلویزیونی مواضع جدید ایران را بیان کرد:

«ما نبایـد اجازه دهیم که دشـمن در دنیا بتوانـد ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صـلح جو معرفی کند.... هر گاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می آید بر موضوع لزوم جنگ از راه غیرنظامی هم تأکید شود» (۳) .

سرنگون شدن هواپیمای ایرباس ایران به وسیله ناو هواپیما بر «وینسنس» در

۱- ۵۳۵. پیشین، ص ۱۰۶، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۷، خطبه های نماز جمعه تهران.

۲- ۵۳۶. پیشین، ص ۱۱۰، ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۳۷. پیشین، ص ۱۱۱، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲ تیر ۱۳۶۶ و درخواست ایران برای تشکیل جلسه فوق العاده شورای امنیت روند گفت و گو درباره اقدام تجاوزکارانه امریکا و همچنین مسئله پایان دادن به جنگ را تسریع کرد (۱) در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ آقای هاشمی طی مصاحبه ای، ضمن اعلام عقب نشینی نیروهای ایران از حلبچه و برخی خطوط دفاعی، به لحاظ شرایط جدید گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است» (۲) .

پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸

پس از عقب نشینی ایران از برخی مناطق همچون حلبچه در ۲۲ تیر ۱۳۶۷، ادامه حمله های عراق و تشدید فشار بین المللی به ایران، سلسله جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ تصمیم نهایی درباره جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک رؤسای سه قوه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان شرایط سیاسی - نظامی کشور مورد بررسی قرار گرفت. (۳) امام راحل نیز در روز پنج شنبه و جمعه، ۲۳ و ۲۴ تیرماه مشورت هایی را به صورت جداگانه انجام دادند. ولی نشست اصلی بر اساس دستور امام و با حضور چهل تن از شخصیت های مهم کشور در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷، تشکیل شد. امام در پیامی به این جلسه که مرحوم حاج سید احمد خمینی قرائت کرد، ضمن بیان نظرات خود، تصمیم گیری در مورد آینده جنگ را به جلسه واگذار کردند. (۴) چند روز پس از آن آقای هاشمی در این باره گفت:

«طی دو سه روزه گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شده و جمع بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطع نامه ۵۹۸ پذیرفته شود.... ایران تا به حال خواستار

۱- ۵۳۸. در صفحات قبل به مواضع ایران و امریکا در سازمان ملل اشاره شد که از تکرار آن در این جا اجتناب می شود.

۲- ۵۳۹. پیشین، ص ۱۱۹.

۳- ۵۴۰. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۴۱. روزنامه رسالت، دکتر حسن روحانی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۵.

آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تعیین شود ولی فعلا با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کرده ایم.... وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین متجاوز به گونه ای خواهد بود که واقعا به حق رسیدگی می کند، ما از شرط قبلی خود صرف نظر کردیم» (۱) .

بدین ترتیب، در جلسه ای که به ریاست رئیس جمهور وقت، آیت الله خامنه ای و با حضور مسئولان عالی رتبه کشور در ۲۶ تیر ۱۳۶۷ تشکیل شد، پایان جنگ با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به تصویب رسید (۲) و امام راحل بر آن صحه گذاشتند و پذیرفتند که قبول قطع نامه به صلاح نظام و انقلاب است. (۳) در پی این تصمیم رئیس جمهور در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل نوشتند:

«ایران تصمیم گرفته است که رسما قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه و بین المللی قائل است، بپذیرد» (۴) .

خاویر پرزدکوئیار، دبیرکل سازمان ملل نیز روز دوشنبه اعلام کرد، ایران قطع نامه ۵۹۸ را رسما و بدون قید و شرط پذیرفته است. (۵) وی بلافاصله از رئیس شورای امنیت درخواست کرد تا اعضای شورای امنیت را برای مشورت گرد هم آورد. (۶) وی همچنین، اظهار امیدواری کرد که یک هفته تا ده روز دیگر آتش بس برقرار شود. (۷) همچنین، محلاتی، نماینده وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با خوش بینی اعلام کرد:

«تصور نمی کنم عراقی ها در شرایطی باشند که بتوانند در برابر پایان بخشیدن به جنگ مقاومت کنند» (۸) .

بازتاب پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در ایران

واحد پخش خبر رادیو در ساعت ۲ بعدازظهر ۲۷ تیر ۱۳۶۷ بدون هیچ

ص: ۱۴۶

۱- ۵۴۲. روزنامه کیهان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۴۳. مأخذ ۹۵.

۳- ۵۴۴. مأخذ ۵۰.

۴- ۵۴۵. مأخذ ۲۱، ص ۱۵، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۴۶. پیشین، ص ۱۷، نیویورک، خبرگزاری کویت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۵۴۷. پیشین، ص ۱۹، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷- ۵۴۸. پیشین، ص ۳۱، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸- ۵۴۹. پیشین، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

مقدمه ای اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول کرده است. مردم، به ویژه رزمندگان و افراد حزب اللهی و متدین و تمام کسانی که در داخل و خارج کشور نسبت به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی تعلق خاطر داشتند، با انتشار این خبر، شگفت زده و کاملا غافل گیر شدند و موجی از نگرانی در میان مردم پدید آمد. (۱) برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نخستین ساعات حتی برای بسیاری از مردم این اقدام قابل قبول نبود و قطرات اشک و چهره های برافروخته آنها حکایت از همین مسئله داشت. (۲) همچنین بیش تر کسانی که خبر نیم روزی رادیو را نشنیده بودند، بیانیه جمهوری اسلامی را شایعه ای بی اساس و دور از سیاست مسئولان خواندند. حتی شایعه شده بود که به دلیل فوت امام قطع نامه پذیرفته شده است! (۳) .

واکنش اولیه مردم در داخل کشور حکایت از اهمیت موضوع و نشان دهنده احساس ناباوری درباره آن بود. پیش از این نیز، پس از سقوط فاو و بازپس گیری برخی از مناطق تصرف شده به دست ارتش عراق، نوعی ابهام و ناباوری در میان مردم دیده می شد که با اعلام موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ این پدیده در ابعاد گسترده تری بار دیگر آشکار شد. باورهای مردم در خصوص جنگ که حاصل تبلیغات موجود مبنی بر برتری قوای خودی و ضعف دشمن بود باعث شد به تدریج میان درک مردم و واقعیات صحنه جنگ شکاف نسبتا عمیقی به وجود آید که در نتیجه، برتری نظامی عراق در ماه های پایانی و قبول قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران قابل فهم و هضم نبود.

با توجه به اهمیت تبیین پذیرش قطع نامه ۵۹۸ برای مردم، رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه الله علیه) در پیام استقامت که به مناسبت فرارسیدن ایام حج تنظیم شده بود، توضیحاتی را فرمودند که بی شک موجب توجیه و التیام مردم، به ویژه رزمندگان اسلام شد که در غیر این صورت،

۱- ۵۵۰. روزنامه رسالت، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، «مقاله قبول قطع نامه ۵۹۸ مصلحت اسلام بود و تأمین رضایت خدا».

۲- ۵۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۸۹، اصفهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی،۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۵۲. پیشین، صص ۹۰ و ۹۱، اراک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

امکـان مهـار اوضـاع در داخـل کشور و جبهه هـای جنـگ بسـیار دشوار می شـد. امام در این پیام در مورد علت قبول قطع نامه فرمودند:

«قبول قطع نـامه که حقیقتـا مسـئله بسـیار تلـخ و نـاگواری برای همه و خصوصا برای من بود، این است که من تا چنـد روز قبل معتقـد به همان شـیوه دفاع و مواضع اعلام شـده در جنگ بودم و مصـلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشـناسان سیاسـی - نظامی سـطح بالای کشور که من به تعهـد و دلسوزی و صـداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطع نامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم» (1) .

امام در این پیام علل پذیرش قطع نامه را تغییر شرایط بیان کردند ولی به دلیل مصالحی از ذکر آن خودداری و اظهار امیدواری کردند در آینده روشن شود.

امام در آن وضعیت ملتهب و دشوار برای جلوگیری از تشدید چند دستگی و بحران در کشور، بهترین روش را انتخاب کرده و از بیان مسائلی که بخشی از آنها ریشه در گذشـته داشـتند، خودداری کردند تا جمهوری اسـلامی ایران بتواند استراتژی جدید خـود را که ناشـی از وضـعیت سیاسـی - نظـامی جدیـد بـود به خوبی پی گیری کرده و به موفقیت برسانـد و این هـدف جز با وحـدت و انسـجام داخلی دست یافتنی نبود. امام در بخش دیگری از پیام خود با توجه به ضـرورت پشت سـر نهادن این مرحله حساس، فرمودند:

«در این روزها ممکن است بسـیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.»

امام بار دیگر با تعبیر دیگری درباره تلخی پذیرش قطع نامه فرمودند:

۱- ۵۵۳. امام خمینی، پیام استقامت، ذیحجه ۱۴۰۸، تیرماه ۱۳۶۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرداد ۱۳۶۷، ص ۲۱.

«قبول این مسئله[قطع نامه]برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.»

سپس امام اظهار امیدواری کردند، تلخی این روزها به شیرینی فرج حضرت بقیه الله (ارواحنالتراب مقدمه الفداء) و رسیدن به لقای حق جبران شود (۱) .

در این حال، اظهارات برخی از شخصیت ها و مسئولان نظام برای ایجاد اطمینان نسبت به پی آمدهای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ قابل توجه بود. آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران فرمودند:

«پذیرفتن این قطع نامه معنای برگشت از شعارهای اصولی انقلاب اسلامی نیست» (۲) .

حجت الاسلام کروبی، نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز گفت:

«پذیرش آتش بس برای حفظ انقلاب است و جنگ هم برای حفظ انقلاب می باشد» (۳) .

آقای هاشمی، جانشین فرماندهی کل قوا نیز این اقدام را به مصلحت انقلاب و نظام و در جهت مصالح اسلام و امت خواند. وی ابراز امیدواری کرد:

«در صورتی که عراق پس از این از قبول قطع نامه ۵۹۸ خودداری کند، این به نفع ما خواهد بود، زیرا حربه عوام فریبانه ای از عراق گرفته خواهد شد و دنیا نیز دیگر نمی تواند بگوید، ایران قطع نامه را قبول نکرده است.»

آقای هاشمی این اقدام را یک «گام سیاسی مؤثر» عنوان کرد و گفت:

«من امکان رسیدن به صلح و آرامش را بعید نمی دانم، ولی نسبت به آن هم زیاد خوشبین نیستم» (۴) .

اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، علاوه بر داخل، بازتاب نسبتا گسترده ای در کشورها و رسانه های خبری جهان داشت. سخن گوی وزارت خارجه امریکا با استقبال از اقدام ایران، گفت:

«این اولین گام در راه صلح است.... تأکید ما بر اجرای کامل قطع نامه ۵۹۸

۱- ۵۵۴. پیشین، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- ۵۵۵. مأخذ ۵۰.

۳- ۵۵۶. مأخذ ۹۶.

۴- ۵۵۷. پیشین، مصاحبه مطبوعاتی، آقای هاشمی رفسنجانی.

است و ایالات متحده در این راه تلاش خواهد کرد» (۱) .

امریکایی ها که تصمیم ایران را به منزله پیروزی مهم برای سیاست خارجی ریگان ارزیابی می کردند (۲) ، کارشکنی در اجرای قطع نامه را به معنای مقابله با دست آوردهای سیاست خارجی امریکا دانسته و در اندیشه تلاش برای سازمان دهی فشار بین المللی بر طرف خاطی و متمرد بودند. (۳) سخن گوی وزارت خارجه امریکا با توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع نامه گفت:

«حال که ایران قطع نامه آتش بس را پذیرفته است، کوشش های امریکا برای تحمیل آن بر ایران به کنار گذارده خواهد شد» (۴) .

در این حال، «شولتز»، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد:

«امریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر دولت تهران است» (۵) .

مقامات وزارت خارجه امریکا معتقد بودند در عین حالی که قبول قطع نامه می توانست به رفع موانع در روابط ایران و امریکا کمک نماید ولی سه مسئله همچنان به عنوان موانع اصلی بر سر راه رابطه با تهران وجود داشت که گروگان گیری در لبنان یکی از آن مسائل بود (۶) .

شوروی ها نیز با اعلام رضایت عمیق خود از تصمیم تهران تأکید کردند، رهبران شوروی بارها در سطوح مختلف مسئولان ایران را به قبول قطع نامه ۵۹۸ دعوت کرده بودند. (۷) معاون وزیر خارجه انگلیس هم با توجه به واکنش های عراق تأکید کرد:

«باید در این زمینه مواظب باشیم و قبل از اتمام بازی، توپ را رها نکنیم.... اکنون باید دید که عراق نیز آماده پذیرفتن طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل هست یا نه؟» (۸) .

«گنشر»، وزیر خارجه وقت آلمان نیز تصمیم ایران را سرنوشت ساز و گامی

۱- ۵۵۸. مأخذ ۱۰۵، صص ۱۱ و ۱۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۵۹. پیشین، ص ۳۲، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۶۰. پیشین، ص ۱۴، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، فیلیپس اوکلی.

۵- ۵۶۲. مأخذ ۴۷، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۵۶۳. پیشین.

۷- ۵۶۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸- ۵۶۵. مأخذ ۲۱، ص ۳۰، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

برای پایان جنگ خواند و در سخنانی گفت:

«شخصا در مذاکرات مقدماتی برای قبول قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط ایران شرکت داشته است» (۱) .

کشورهای منطقه با توجه به روند رو به گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس، تصمیم ایران را به منزله یک گام اساسی و جدی برای پایان دادن به جنگ ارزیابی و از آن استقبال کردند و در این میان، بیش از همه دولت های کویت و سعودی از اقدام ایران تسکین یافتند (۲) .

«عوامل پذیرش قطع نامه ۵۹۸» از سوی ایران، به صورت گسترده ای مورد تجزیه و تحلیل تحلیل گران و کارشناسان مسائل منطقه و جنگ ایران و عراق قرار گرفت و در رسانه های خبری منعکس شد. آنچه مورد توجه این تحلیل ها بود شامل عوامل نظامی در صحنه جنگ و عوامل مؤثر داخلی ایران می شد. عوامل دیگری نیز وجود داشت که به آنها اشاره خواهد شد.

در میان عوامل نظامی، «استراتژی نیرومند عراق» (۳) در مقایسه با ایران و در نتیجه، شکست های نظامی ایران (۴) در جبهه ها و کاهش روحیه نیروهای نظامی ایران (۵) بیش از همه مؤثر بوده است، زیرا برتری عراق سبب شد تا این احساس در ایران به وجود آید که راه حل نظامی برای پایان جنگ امکان پذیر نیست. همچنین پیروزی های نظامی عراق عملا یکی از مواد قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشینی به مرزهای پیش از جنگ را تحقق بخشید (۶) و زمینه های پایان جنگ را فراهم ساخت. افزون بر این، توانایی عراق برای کشاندن جنگ به داخل خاک ایران که با حمله به دهلران صورت گرفت (۷) ، موجب نگرانی ایران شده بود. همچنین، عدم دست یابی به نتایج قطعی و تعیین کننده در حملات پر هزینه و پر تلفات سال گذشته آن (۱۳۶۵) به شهر بندری بصره، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که قادر به پیروزی در جنگ نیست. (۸) «پدیده جنگ شهرها»، استفاده فزاینده و

۱- ۵۶۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۳۱، بن، خبرگزاری فرانسه، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۶۷. پیشین، ص ۱۵، ریاض، خبرگزاری رویتر، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۶۸. پیشین، ص ۶۳، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۶۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رابین رایت، گزارش گر صدای امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۷۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، به نقل از دیپلمات ها و تحلیل گران.

۶- ۵۷۱. مأخذ ۱۱۵، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، دکتر امیل نخلی، استاد علوم سیاسی در کالج سنت مولی در مریلند.

۷- ۵۷۲. مأخذ ۲۱، صص ۶۵ و ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، نیویورک تایمز.

۸- ۵۷۳. پیشین.

موفقیت آمیز عراق از جنگ افزارهای شیمیایی و حملات عراق علیه تأسیسات نفتی و خطوط کشتیرانی ایران که باعث کاهش بنیه اقتصادی ایران شد (۱) ، از دیگر عوامل نظامی در پذیرش قطع نامه شورای امنیت از سوی ایران بودند.

آن چه به عنوان عوامل داخلی ایران برای پذیرش قطع نامه ذکر شده است عمدتا شامل «اوضاع نابسامان و وخیم اقتصادی ایران» (۲) ، «انزوای سیاسی ایران» (۳) ، «اختلافات داخلی» (۴) و وجود نوعی مبارزه قدرت (۵) و افزایش قدرت میانه روها در دستگاه حکومت ایران (۶) می باشد. برخی از تحلیل گران نیز با توجه به خبرهای موجود مبنی بر تماس های محرمانه میان مقامات ایران و امریکا به منظور دست یابی به «تضمین» در خصوص موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸، (۷) بر این مسئله پافشاری می کردند که ایران بر اثر فشارهای امریکا قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. امریکایی ها نیز چنان که پیش از این اشاره شد این رخداد را به منزله پیروزی در سیاست خارجی خود ارزیابی کردند. «هارولد براون»، وزیر دفاع سابق امریکا با توجه به ملاحظات موجود، حضور امریکا را دارای اثر ذکر کرد ولی در همان حال گفت:

«ما در امریکا همواره خود را علت همه چیز می دانیم، اما واقعیت این طور نیست» (۸) .

برخی از تحلیل گران علاوه بر تأثیر حضور امریکا در منطقه، پشتیبانی یک جانبه این کشور از عراق و کمک های اطلاعاتی (۹) به آن را در اتخاذ تصمیم ایران مؤثر می دانستند. (۱۰) در مقابل گروهی دیگر از صاحب نظران معتقد بودند که این گونه تحلیل ها اساسا با هدف مخدوش کردن صلح جویی ایران است (۱۱) ، زیرا از مدتی قبل، ایران برای یافتن راه پایان دادن به جنگ از طریق میانجی گری به جای یک راه حل نظامی، سرگرم بررسی وسایل و ابزارهای مختلف بوده است. (۱۲) یکی از تحلیل گران پذیرش قطع نامه را در ادامه سیاستی دانست که ایران از تابستان سال گذشته اتخاذ کرد. وی معتقد بود

۱- ۵۷۴. مأخذ ۲۱، صص ۲۹ و ۳۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۷۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۷۶. مأخذ ۱۱۵، ص ۴۷، آنکارا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۷۷. مأخذ ۲۵، خبرگزاری رویتر، هارولد براون، وزیر دفاع اسبق امریکا.

۵- ۵۷۸. مأخذ ۱۱۵.

۶- ۵۷۹. مأخذ ۱۰۵، ص ۶۳، رادیو بی.بی.سی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه تایمز.

۷- ۵۸۰. مأخذ ۱۱۵، صص ۲۸ و ۲۹، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، روزنامه کویتی الانباء.

۸- ۵۸۱. مأخذ ۳۸، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۹- ۵۸۲. مأخذ ۲۵، ص ۳۲، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، مجله النهار العربی و الدولی.

۱۰- ۵۸۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۹ و ۳۰، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۱- ۵۸۴. مأخذ ۴۷، ص ۴۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۱۲- ۵۸۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیو امریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، رابین رایت، کارشناس بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی.

که تمام کردن جنگ از طریق مذاکره صلح با عراق، مسئله ای صددرصد تازه نیست. وی سپس درباره علت اقدام ایران گفت:

«فرض کنید، اگر دو مسئله در مقابل ایران بود، یکی ادامه جنگ و دیگری، پایداری انقلاب ایران، برای دولت مردان ایران در حال حاضر مسئله مهم تر این بود که اگر قطع جنگ به نفع انقلاب ایران است، آن اشکالی ندارد» (۱) .

خبرگزاری رویتر در تأیید این نظر گزارش داد که برخی از دیپلمات ها و تحلیل گران بر این باور بودند که رهبران ایران بیش از دو راه پیش روی خود نمی دیدند: یکی ادامه جنگی که دیگر نمی توانستند برنده آن باشند، و دیگری حفظ انقلاب اسلامی در شرایطی که تزلزل سیاسی روز افزونی موجودیت آن را به خطر انداخته بود. (۲) به همین دلیل، این تصمیم ایران را به عنوان موفقیت امام خمینی خواندند (۳) .

واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸

رژیم عراق به دلیل برخورداری از برتر نظامی، خودداری ایران از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را به سود خود ارزیابی می کرد زیرا به آن کشور امکان می داد تا حملات خود را به داخل خاک ایران ادامه دهد. بنابراین، عراق از تصمیم ایران ناخشنود بود، چنان که چهار ساعت پس از اعلام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، رادیو عراق سکوت اختیار کرده و خبرگزاری عراق نیز هیچ گزارشی در این باره منتشر نکرد. (۴) «لطیف نصیف جاسم»، وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق در نخستین واکنش رسمی عراق گفت:

«ما و جهانیان خبری را که از رادیو تهران به زبان فارسی پخش شد، دایر بر این که ایران به دبیرکل سازمان ملل رسما موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ اعلام داشته است، شنیدیم» (۵) .

وی در ادامه سخنان خود تمایل به صلح عادلانه و شرافت مندانه طبق

۱- ۵۸۶. مأخذ ۴۷، پرفسور رمضانی، استاد علوم بین المللی و دولتی دانشگاه ویرجینیای امریکا.

۲- ۵۸۷. مأخذ ۲۱، ص ۲۹، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۸۸. مأخذ ۴۷ ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۵۸۹. مأخذ ۲۱، ص ۱۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۵۹۰. مأخذ ۱۱۵، ص ۱۰، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

اصولی که در سخنان صدام حسین به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب ۱۷ ژوئیه آمده بود را مورد تأکید قرار داد. (۱) این موضع گیری با تأکید بر پیشنهاد صدام برای تحقق صلح به جای قطع نامه ۵۹۸، نخستین نشانه آشکار و احتیاط آمیز در مخالفت عراق با برقراری آتش بس بود (۲) .

پس از آن که معاون وقت خاورمیانه ای وزارت خارجه ایران عقب نشینی نیروهای ایران را به مرزهای شناخته شده بین المللی اعلام کرد، یک سخن گوی نظامی عراق در سخنان تهدید آمیزی گفت:

«بخش هایی از خاک ما همچنان در دست ایران است که باید آنها را تخلیه کند، و آلا ایران را با تحمل تلفات بسیار به این کار وادار خواهیم کرد» (۳) .

در همین حال، رادیو عراق تا ۲۴ ساعت پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، همچنان بر برتری نظامی عراق، و شکست و ضعف ایران و شرایط عراق برای پایان جنگ تأکید می کرد (۴) .

عراقی ها ضمن حفظ روحیه جنگی و تأکید بر هوشیاری نظامی، هدف صلح جویانه ایران را در پذیرش قطع نامه مورد تردید قرار می دادند. «عصمت کتانی»، نماینده عراق در سازمان ملل پس از دیدار با دبیر کل وقت، در گفت و گو با خبرنگاران گفت:

«آن چه که واقعا اهمیت دارد، برقراری آتش بس نیست! بلکه آن است که بدانیم آیا ایران مانند عراق واقعا آماده است، یک صلح فراگیر، پایدار و شرافت مندانه را بپذیرد یا خیر؟» (۵) .

در همین چارچوب طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز گفت:

«احتمال می رود، تصمیم اخیر ایران یک تصمیم تاکتیکی باشد که به منظور کسب وقت و فریب دادن برای آماده شدن جهت تجاوز بیش تر باشد.»

وی در ادامه تأکید کرد:

«منطق حکم می کند که جنگ را هنوز برقرار بدانیم» (۶) .

۱- ۵۹۱. پیشین.
۲- ۵۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
۳- ۵۹۳. مأخذ ۲۱، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.
۴- ۵۹۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.
۵- ۵۹۵. مأخذ ۱۰۵، ص ۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۵۹۶. مأخذ ۱۰۵، ص ۸، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

این موضع گیری ها به روشنی مقاصد احتمالی عراق را برای تهاجم به داخل خاک ایران آشکار می ساخت.

در شرایطی که امیدواری بسیار زیادی برای پایان جنگ به وجود آمده بود، عراق با ایجاد تردید در مقاصد صلح جویانه ایران، به منظور زمینه سازی و کسب آمادگی برای اقدام نظامی علیه این کشور، نگرانی های جدیدی را به وجود آورد. روزنامه گاردین چاپ لندن این اقدام عراق را تلاشی آشکار برای به تعویق انداختن آتش بس دانست و افزود:

«دیپلمات ها معتقدند، این امر باعث «تداوم نامحدود جنگ» خواهد شد» (۱) .

برخی از نشریات امریکا نیز در سر مقاله های خود با بررسی اوضاع منطقه پیشنهاد کردند هدف اول طراحان سیاست خارجی امریکا باید این باشد که عراق را به پذیرش ابتکار سازمان ملل وادار کنند. (۲) مقام های رسمی امریکا در اظهارات خود تلویحا عراق را در صورت ادامه این روند، تهدید کردند. یک مقام امریکایی در گفت و گو با روزنامه کویتی «القبس» گفت:

«طرفی که تلاش کند در اجرای قطع نامه ۵۹۸ کارشکنی نماید، خود را درگیر مشکلاتی با امریکا خواهد دید و به وسیله جامعه بین المللی زیر فشار قرار خواهد گرفت» (۳) .

حتی سفیر وقت امریکا در سازمان ملل عراق را به تحریم تسلیحاتی تهدید کرد و گفت:

«تحریم اسلحه علیه هر کشوری که از تصمیمات شورا سرپیچی کند، اعمال خواهد شد. البته، اگر عراق نیز سرپیچی کند، تحریم اسلحه مطرح خواهد شد» (۴) .

عراقی ها با پیش بینی و مشاهده نشانه هایی مبنی بر اعمال فشار (۵) بر این

۱- ۵۹۷. مأخذ ۳۸، ص ۴۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۵۹۸. پیشین، ص ۳۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۵۹۹. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، مصاحبه ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۵، رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۱. در این مرحله، فشار امریکا بر کشورهای اروپایی و عربستان سعودی برای متقاعد کردن عراق جهت خاتمه جنگ به نحوی آشکار افزایش یافت و در رسانه های خبری نیز منتشر شد.

کشور برای پـذیرش آتش بس، ضـمن کسب آمـادگی نظامی، بر دامنه اقـدامات دیپلماتیک خود افزودنـد. به گزارش روزنامه کویتی «الانباء» یک فرسـتاده ویژه دولت عراق مأموریت یافت تا در سـفر به کشورهای عربی حوزه خلیـج فارس که از موافقت رسـمی ایران با قطع نامه ۵۹۸ به گرمی اسـتقبال کرده و خواهـان برقراری فـوری آتش بس و امنیت در منطقه بودنـد، سیاسـت جدیـد عراق مبنی بر لزوم ادامه عملیـات نظـامی علیه ایران را به تأییـد این کشورهـا برسانـد. (۱) طـارق عزیز نیز در نـامه ای به دبیرکل سازمان ملل، پنج پیشنهاد را در مورد قطع نامه ۵۹۸ به عنوان گام های عملی، به ایران و دبیرکل ارائه کرد. در بند یک این نامه به مـذاکره مسـتقیم میان نماینـدگان صـلاحیت دار عراق و ایران زیر نظر دبیرکل اشاره شده و در بند دو نیز با توجه به اهمیت مسئله اروندرود پیشنهاد شده بود که جهت فراهم کردن امکان کشتی رانی برای سازمان های متخصص در سازمان ملل این منطقه پاکسازی شود. در بنـد سه این نامه، تضـمین حقوق کامل عراق برای کشتی رانی در آب راه اروندرود، خلیج فارس و تنگه هرمز درخواست شـده بود. تأکیـد بر این مفهوم در واقع، بـازگشت به قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بـود که پیش از این، عراق به صورت یک جانبه آن را ملغی کرده بود. در پایان نامه نیز اظهار امیـدواری شـده بود که ایران به این پیشـنهادها پاسـخ مثبت داده و دبیرکـل در برداشـتن گام های لازم برای اجرای آن، ابتکار عمل را به دست گیرد. (۲) این پیشنهادها همان گونه که از مفاد آن روشن بود نوعی مقابله با قطع نامه ۵۹۸ و اقدامات دبیرکل در اجرای این قطع نامه به شمار می رفت (۳) .

در همین رونـد، سـخن گوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد، خودداری ایران از مذاکره مسـتقیم به معنای رد قطع نامه شورای امنیت است. دیگر مقـام هـای عراقی نیز در اظهـارات خود بر این موضوع تأکیـد کردنـد. همچنین در پی تصـمیم دبیرکل برای اعزام یک تیم نظامی به بغداد و تهران، عصمت کتانی،

۱- ۶۰۲. مأخذ ۱۱۵، ص ۲۸، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۳. مأخذ ۴۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۴. مأخذ ۳۸، ص ۷، رادیو لندن، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

نماینده عراق در سازمان ملل مخالفت خود را اعلام کرد و گفت:

«تـاریخی که بایـد توپ هـا را سـاکت کنـد، یـک تصـمیم سیاسـی است که به وسـیله وزرای خـارجه گرفته می شود.... دولت متبوعش بررسی می کند، آیا این تیم را بپذیرد یا نه!» (۱) .

در مقابل، نماینـده دائمی وقت ایران در سازمان ملل با تحویل نامه وزیر خارجه به دبیرکل آمادگی جمهوری اسـلامی ایران را برای پـذیرش تیم اعزامی سازمـان ملل اعلام کرد. (۲) برخی از دیپلمـات هـا در نیویورک بـا مقـایسه واکنش ایران و عراق در برابر پیشـنهاد دبیرکـل برای اعزام تیم نظـامی به دو کشور، برخورد عراق را «توسل به نیرنگ» خواندنـد. (۳) خبرگزاری آلمان غربی نیز بـا بیـان این مطلب که عراق در مـوقعیت نـامطلوب «اجبـار به رد کردن آتش بس» قرار داد، درخـواست این کشور را برای مذاکره مستقیم صلح با ایران، به شرط قدیمی اسرائیل برای صلح با اعراب تشبیه کرد. (۴) تشدید تحرکات دیپلماتیک دو کشور و تلاش هـای فریب کارانه عراق برای جلوگیری از برقراری آتش بس باعث شـد تا این مفهوم تـداعی شود که «جنگ صلح» آغاز شده است (۵) .

در این حـال، دبیرکـل سازمـان ملـل اعلام کرد، از وزیران امور خارجه دو کشور خواسـته است، به نیویورک سـفر کننـد تا در مورد اجرای قطع نامه ۵۹۸ بحث شود. وی در پاسخ به این پرسش که «آیا مذاکرات مستقیم انجام خواهد شد؟» گفت:

«من مذاکرات را با طرفین انجام خواهم داد و هیئت نظامی در هفته آینده به منطقه اعزام خواهد شد» (۶) .

در حالی که دبیرکل سازمان ملل به تلاش های خود برای اجرای قطع نامه همچنان ادامه می داد، هیـچ امیـدواری برای مقابله با مانع تراشی های عراق و اقدامات احتمالی نظامی این کشور وجود نداشت. عراق با درک این مسئله، به

۱- ۶۰۵. مأخذ ۴۷، ص ۳۲، خبرگزاری یونایتدپرس، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۰۶. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۰۷. پیشین، ص ۳۳، خبرگزاری آلمان، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۰۸. پیشین، صص ۳۴ و ۳۵، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۰۹. پیشین، ص ۵۱، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۱۰. پیشین، ص ۵۲، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

بهانه جویی های سیاسی و تبلیغاتی پرداخت تا زمینه را برای آغاز تهاجم مجدد به خاک ایران فراهم کند.

تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی

تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب

برگزاری جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۷، (۱) نشان داد که دولت عراق تصمیم گرفته است دست به یک اقدام نسبتا مهم بزند که نشانه های آن با آغاز پیش روی نیروهای ارتش عراق به خاک ایران و صدور اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۶۹ آشکار شد. ارتش عراق در این اطلاعیه هدف از این عملیات را که عملیات «توکلنا علی الله ۴» نام گذاری شده بود، آزاد کردن باقی مانده سرزمین های عراق، انهدام نیروهای ایران و به اسارت درآوردن تعداد بیش تری از نیروهای ایرانی برای ایجاد برابری با تعداد اسرای عراقی اعلام کرد (۲) .

بدین ترتیب، از سحرگاه روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و در شرایطی که وزیر خارجه وقت ایران در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود (۳) ، نیروهای دشمن از دو محور «کوشک» و «شلمچه» به داخل خاک ایران پیش روی کردند. دشمن در محور شلمچه، کانال شهید ادب را تصرف کرد و در محور کوشک با تصرف جاده «المهدی» به حاشیه جاده اهواز - خرمشهر رسید. بنا به گزارش های موجود، عراق حدود ۳۰ کیلومتر از جاده ۱۲۵ کیلومتری اهواز - خرمشهر را از کیلومتر ۶۰ اهواز به سمت خرمشهر به تصرف خود درآورد و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی تلاش زیادی به عمل آورد تا از محور شلمچه و محور جاده اهواز - خرمشهر شهر خرمشهر را محاصره کند. (۴) در این میان، حجم حملات هوایی دشمن نیز افزایش یافت. در پایان این روز، نیروهای دشمن با پشت سر

۱- ۶۱۱. پیشین، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۱۲. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۱۳. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱.

۴- ۶۱۴. مأخذ ۴۷، ص ۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

گذاشتن جاده اهواز – خرمشهر حدود دو کیلومتر از جاده شهید «شرکت» (۱) را تصرف کرده و در پنج کیلومتری قرارگاه کربلا مستقر شدند.

انتشار خبر پیش روی دشمن به سمت جاده اهواز – خرمشهر یادآور رخدادهای آغاز جنگ بود و بازتاب گسترده ای در میان مردم به ویژه اهالی استان خوزستان داشت. در پی این حادثه، مردم بار دیگر احساس خطر کرده و بسیج شدند. نیروهایی که هشت سال در جبهه ها حضور داشته و بسیاری از آنها بارها زخمی شده بودند، دوباره به جبهه ها آمدند. (۲) استاندار خوزستان در گزارشی اعلام کرد:

«با وجود پیش روی دشمن تا آستانه شهر اهواز، اوضاع در تمام محورهای جنگ با توجه به حضور گسترده مردمی، کاملا دگرگون شده است و وضع عمومی استان خوب است.... برای رفع تهاجم و پیش گیری از هر نوع حمله علیه شهرهای استان، مردم شهرهای سوسنگرد، اهواز، شوش، اندیمشک، دزفول را سازمان دهی و مسلح کرده ایم تا در صورت تهاجم دشمن، از شهرها محافظت کنند» (۳) .

در پی دگرگونی در روحیه و نگرش حاکم بر جامعه درباره تجاوز نیروهای ارتش عراق، سپاه نیز خطوط دفاعی را برای مقابله با پیش روی دشمن تشکیل داد. مجموعه این رخدادها که تا اندازه ای برای عراق غیر قابل پیش بینی بود، زمینه را برای تغییر اوضاع به سود ایران فراهم کرد. در چنین شرایط دشواری که خرمشهر و اهواز در معرض اشغال قرار داشتند، حاج سید احمد خمینی پیام امام را تلفنی برای فرمانده وقت سپاه این چنین قرائت کرد:

«این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و این جا

---

۱ – ۶۱۵. جاده شهید شرکت، دارخوین را به کیلومتر ۸۰ جاده اهواز – خرمشهر (ایستگاه راه آهن حسینیه) متصل می کند از آن جا که در هفت کیلومتری امتداد جاده شهید شرکت، قرارگاه کربلا قرار داشت، دشمن با این پیش روی در فاصله پنج کیلومتری این قرارگاه استقرار یافت.

۲– ۶۱۶. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت، ۲ / ۷ / ۱۳۷۲، روزنامه های همان روز.

۳– ۶۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده ای بشود» .(1)

امام در شرایطی دشوار و سرنوشت ساز برای مقابله با استراتژی جدید دشمن، در این پیام، سپاه را مورد خطاب قرار داده. و به یک معنا، سرنوشت حاکمیت اسلام یا کفر را با نتیجه استراتژی جدید دشمن و نیز سرنوشت سپاه را با تلاش های دشمن پیوند داده اند.

پیام امام بلافاصله در میان فرماندهان سپاه، قرارگاه ها و رزمندگان بسیجی و سپاهی منتشر شد و روح مقاومت و حماسه را در آنها احیا کرد. چنان که به تعبیر جانشین فرماندهی کل قوا، بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسید. (2) از بعد از ظهر روز جمعه، با شکل گیری محورهای مقاومت و ظهور رشادت و حماسه رزمندگان – همانند نخستین روزهای مقاومت در برابر دشمن در سال ۱۳۵۹ – به تدریج خسارات و تلفات فراوانی بر نیروهای دشمن وارد شد. در ادامه این تلاش ها، بعد از ظهر روز شنبه، پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن خارج گردید. (3) این رخداد نظامی که موجب تقویت روحیه نیروهای خودی شد، آغاز شکست نیروهای دشمن بود. در چنین شرایطی، سخن گوی نظامی عراق آمار اسرای عملیات «توکلنا علی الله» (تهاجم عراق به خاك ایران پس از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸) را در منطقه جنوب (4) ۱۷۷۲ تن و در منطقه سپاه دوم ۶۸۶۳ تن و در مجموع ۸۶۳۵ تن ذکر کرد. (5) البته، این سخن گو پس از پذیرش آتش بس به وسیله کشورش آمار و ارقام جدید و قابل تأملی درباره غنائم (6) عملیات یاد شده ارائه داد که اگر

---

۱ – ۶۱۸. سند شماره ۱۷۱۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ، قرارگاه نیروی زمینی سپاه، راوی: برادر حمیدرضا فراهانی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷ تا ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۵۳.

۲– ۶۱۹. روزنامه کیهان، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی.

۳– ۶۲۰. مأخذ ۲۵، ص ۸، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴– ۶۲۱. مسئولیت پدافند منطقه جنوب از فاو تا چزابه بر عهده سپاه و از منطقه چزابه تا قصر شیرین بر عهده ارتش بود. ارتش عراق پس از حمله به منطقه تحت مسئولیت سپاه، به منطقه تحت مسئولیت ارتش حمله کرد.

۵– ۶۲۲. پیشین، صص ۵ و ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶– ۶۲۳. آمار و ارقام جدیدی که عراق پس از آتش بس گزارش داد به این شرح است: ۱۴۱ دستگاه مخابراتی، ۸۶ دستگاه تلفن صحرایی، ۵۸ قبضه کلت، ۴۹ قبضه تفنگ نارنجک انداز، ۴۹ عدد قمقمه، ۸۰۶ عدد کلاه خود نظامی، ۱۹ فروند موشک زمین به زمین، ۵۹ دستگاه موشك انداز، ۲۷۳ دستگاه تانک، ۸۶۷ قبضه خمپاره انداز، ۲۴۱ دستگاه نفربر زرهی، ۳۴۴ عدد موشک ضد تانک، ۵ دستگاه خودروی پل سازی، ۴۸۵ قبضه موشک انداز سبک، ۴۹ قبضه توپ خودکششی، ۱۹۹ قبضه توپ مختلف، ۳۸۴ سکوی پرتاب موشک استریلا، ۱۰۲۴ قبضه تیربار مختلف، ۲۱۴۵۵ قبضه تفنگ، ۸۵۸ عدد دوربین مختلف، ۲۲۵۴ دستگاه بی سیم، ۴۷۵۵ عدد ماسک، ۵۴۶۹ دست لباس ماسک، ۱۱۶۰ دستگاه خودروی مختلف، ۶۸ دستگاه تریلر کمرشکن های مختلف، ۱۵ دستگاه ژنراتور برق مختلف، ۷۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۱۰

دستگاه ماشین آلات کشاورزی، ۱۵ دستگاه موتور سیکلت، ۱۲ دستگاه ماشین تایپ، ۱۱۵ عدد قطب نما، ۳۰۱۳۷ عدد موشک ضد تانک، ۵۷۲ عدد موشک استریلا، ۴۶۴۶۲ عدد گلوله توپ مختلف، ۱۰۴۷۱۲ عدد گلوله خمپاره انداز مختلف، ۱۰۵۳۷۹ عدد نارنجک ضد تانک، ۳۹۸۸۹ عدد نارنجک دستی، ۸۶۸۹ عدد گلوله موشک انداز، ۷۹۶۳۵۶ عدد گلوله ضد هوایی.

درست باشند به روشنی نشان می دهد، دشمن در تأمین اهداف خود که انهدام نیروهای خودی و گرفتن اسیر بود، با شکست مواجه شد. عراقی ها برای تقویت روحیه نیروهای خود و بیان این که آنها در تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران پیروز بوده اند، آمار اسرای ایرانی را اعلام کردند.

عملیات دشمن در جبهه میانی و غرب کشور شامل قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب و سردشت بیش تر به منظور کاهش تمرکز نیروهای خودی در جبهه های جنوبی صورت گرفت. این عملیات ها در ابتدا با موفقیت هایی همراه بود، ولی به تدریج در اثر مقاومت نیروهای خودی و احتمال گرفتار شدن نیروهای محاصره شده دشمن، زمزمه هایی مبنی بر عقب نشینی عراق از مناطق یاد شده – همانند روزهای نخستین جنگ – به گوش رسید.

در پی ناکامی نیروهای نظامی عراق در جبهه ها و همچنین، تحولات ایجاد شده در داخل ایران و فراخوانی و بسیج نیروها و بازیابی مجدد روحیه مقاومت مردم ایران، دولت عراق تنها ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات توکلنا علی الله ۴ در ساعت ۲۲:۲۵ روز شنبه، از طریق تلویزیون دولتی با قطع برنامه های عادی عقب نشینی نیروهای مسلح خود را از منطقه جنوب رسما اعلام کرد. (۱) در این میان، سخن گوی نظامی عراق تأکید کرد، نیروهای عراق به منظور دست یابی به صلح و بنا به دستور فرماندهی، عقب نشینی کرده اند! (۲) وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق نیز اقدام ایران در فراخوانی و بسیج نیروهای

۱- ۶۲۴. پیشین، ص ۹، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۲۵. پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

داوطلب را بهانه ای برای سرپوش گذاشتن بر حوادث و رخدادهای پیشین جنگ ذکر کرد (۱) .

از سوی دیگر، ارتش عراق در ۳ مرداد ۱۳۶۷ طی اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۷۳ عقب نشینی از جبهه میانی و غرب کشور را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«در این عملیات، شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب، سومار و صالح آباد، شهرک های گولان، سرنی و امیرآباد اشغال شد که پس از دست یابی به اهداف خود، فردا روز سه شنبه ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی مصادف با ۱۲ ذی الحجه ۱۴۰۸ هجری[قمری]تمام نیروهای ما از این شهرها و شهرک ها خارج خواهند شد» (۲) .

عصمت کتانی، نماینده وقت عراق در سازمان ملل نیز در مصاحبه ای با تلویزیون «سی.بی.اس» امریکا اعلام کرد که: روز سه شنبه کلیه نیروهای عراقی خاک ایران را ترک خواهند کرد. (۳) عراقی ها پیش از این گفته بودند، به دلایل صرفا تاکتیکی تنها برای ۲۴ ساعت تا ۳۶ ساعت در آن سوی مرز (در خاک ایران) مستقر خواهند شد. (۴) حال آن که ارتش عراق برخلاف آن چه اعلام کرده بود، پنج روز بعد، آن هم به دلیل شکست و انهدام نیروهایش، مجبور به عقب نشینی از خاک ایران شد به گونه ای که تنها در منطقه جنوب، ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که قدرت اصلی نیروهای عراق را تشکیل می دادند، منهدم شدند (۵) .

ارتش متجاوز عراق در شرایطی دست به عقب نشینی زد که اوضاع در سطح بین المللی و در صحنه نظامی به زیان این کشور تغییر کرده بود. افزون بر این، تغییر وضعیت درونی ایران و فراخوانی نیروهای مردمی برای رویارویی با تجاوز عراق موجب نگرانی این کشور شده بود، چنان که روزنامه «الجمهوریه» در تحلیلی نوشت:

۱- ۶۲۶. پیشین، ص ۳، رادیو صوت الجماهیر، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲ - ۶۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۵، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴ - ۶۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۲۷، ص ۲۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، عبدالامیر لانیری، سفیر عراق.

۵- ۶۳۰. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹ میلادی (۷ / ۶ / ۱۳۶۸ خورشیدی)، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، سفارت جمهوری اسلامی، بیروت.

«ایران بـا اعلاـم بسیـج عمومی و دعوت مردم جهت اعزام به جبهه هـا، به بهـانه این که عراق بار دیگر تجاوز را آغاز کرده می خواهد احساسات ملی گرایانه مردم را به هیجان درآورد و روحیه از دست رفته آنان را دوباره زنده نماید» (۱) .

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران و سپس، عقب نشینی به مواضع اولیه، در رسانه های خبری جهان بازتاب گسترده ای داشت. خبرگزاری فرانسه اقـدام عراق را در راسـتای تشدیـد فشـار نظامی به ایران، برای کسب برتری و برخورداری از موقعیت بهتر به هنگام مذاکره صـلح خواند. (۲) برخی از دیپلمات ها در بغـداد نیز معتقـد بودنـد، عراق قصـد دارد از قـدرت تازه نظامی خود برای دست یافتن به، صلح آن گونه که خود می خواهد استفاده کند (۳) .

خبرگزاری آلمان به نقل از مطبوعات این کشور گزارش داد که بغداد می کوشد، همان گونه که جنگ را آغاز کرد، صلح را نیز مطابق شرایط مورد نظر خود به ایران دیکته کند. روزنامه آلمانی «روندشاو» در این باره نوشت:

«صدام فکر می کند، هم اکنون قادر به دست یافتن به هر چیزی است» (۴) .

خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ناظران سیاسی گزارش داد:

«عراق معتقـد است، از طریق اعمال فشار نظامی، ایران را ناگزیر به پـذیرش قطع نامه مـذکور کرده است، لـذا با خواسـتار شدن مذاکرات مستقیم، به گونه ای مشهود می خواهد پا را فراتر از قطع نامه مذکور بگذارد» (۵) .

همچنین هفته نامه انگلیسی «اکونومیست» طی تحلیل نوشت:

«صدام ممکن است خیال کند، اگر به نبرد ادامه دهد، حکومت آیت الله ها را به کلی ساقط خواهد کرد» (۶) .

بازتاب و تأثیرات اقـدام عراق در پذیرش آتش بس نیز مورد توجه رسانه های خبری جهان و تحلیل گران قرار گرفت. «گراهام فولر» از کارشناسان برجسته سازمان سیا با تأکید بر نیروی اراده و ایمان ایرانی ها می نویسد:

«اراده ایران قابل توجه بود و با توجه به کمبودها نیز نحوه پی گیری جنگ از

۱- ۶۳۱. مأخذ ۱۷۹، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۳۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۳. مأخذ ۱۵۸، ص ۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۳۴. مأخذ ۱۳۷، ص ۱۲، هامبورگ، خبرگزاری آلمان، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۳۵. مأخذ ۲۵، صص ۲۸ و ۲۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۳۶. پیشین، ص ۱۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

سوی ایران بسیار چشم گیر بوده است» (۱) .

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران اراده و ایمان مردم ایران را بار دیگر زنده کرد و در صحنه جنگ موجب ناکامی دوباره عراق شد. در این حال، رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت:

«در ایران بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ میلادی، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران زنده شد و دولت ایران می کوشد از این موضع هر چه بیش تر برای استحکام بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند» (۲) .

در گزارش دیگری تأکید شده است:

«موج تازه هجوم های عراق، ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است، یکی از ناظران جنگ در مؤسسه بین المللی تحقیقات لندن معتقد بود اشغال خاک ایران به وسیله عراق از این نظر اشتباه است که مثل آغاز جنگ در سال ۱۹۸۸ میلادی احساسات مذهبی و ملی ایران را تحریک خواهد کرد» (۳) .

خرسندی و امیدواری نسبتا گسترده کشورهای مختلف جهان از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و پایان جنگ، تا اندازه ای عراق را برای اعلام موافقت با برقراری آتش بس تحت فشار قرار داد. در این خصوص سخن گوی وزارت خارجه انگلیس رسما اعلام کرد:

«ما بدون شک از طرز رفتار عراق پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران نگرانیم» (۴) .

زیرا این اقدامات عملا باعث اخلال در تلاش های دبیرکل سازمان جهت اجرای آتش بس بود (۵) .

بر همین اساس نشریه تایمزمالی نیز به عراق هشدار داد:

«لازم است به پرزیدنت صدام حسین گفته شود، حمایتی از امریکا، شوروی و فرانسه دریافت کرده است، به مثابه یک چک سفید نیست. قطع نامه ۵۹۸ به این منظور تنظیم شده است که هیچ کس در جنگ خلیج فارس برنده یا بازنده

۱- ۶۳۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۲۲، رادیو امریکا، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷، روزنامه واشنگتن پست.

۲- ۶۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش ویژه»، نشریه شماره ۱۳۱، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۳۹. مأخذ ۲۵، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۴۰. پیشین.

۵- ۶۴۱. پیشین.

نشود» (۱) .

رادیو لندن در گزارشی به نقل از دیپلمات ها در سازمان ملل گفت:

«این احساس پیش آمد، که شاید فشار بین المللی ضرورت داشته باشد تا «صدام حسین» را به همکاری بیش تر وا دارد. دوستان عرب صدام به خصوص عربستان سعودی و کویت و نیز دو ابرقدرت و کشورهای اروپایی[باید]او را متقاعد کنند که اکنون موقعیت گران بهاتر از آن است که به خطر انداختن امکان صلح روا باشد» (۲) .

تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب

اعضای سازمان مجاهدین خلق که به دلیل مواضع اعتقادی - سیاسی خود، به منافقین مشهور شدند.

در حالی که آخرین تانک های دشمن در ۳ مرداد ۱۳۶۷ در حال عقب نشینی از منطقه جنوب بودند. (۳) و سخن گوی نظامی عراق نیز رسما اعلام کرد که نیروهای عراق از دو شهر گیلان غرب و صالح آباد عقب نشینی کرده اند (۴) ، نیروهای منافقین بر اساس یک برنامه زمان بندی شده ۳۳ ساعته، قصد داشتند، با بهره گیری از ۲۵ تیپ که در مجموع چهار تا پنج هزار نفر را در بر می گرفتند، در پنج مرحله، خود را به تهران رساند (۵) و نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

یک سخن گوی نظامی سازمان منافقین در مورد اهداف سازمان اعلام کرد: «استراتژی مجاهدین وارد آوردن هر چه بیش تر تلفات به نیروهای ایران و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد[امام]خمینی است!» (۶) .

منافقین بر این باور بودند که ایران در شرایط استیصال مطلق، به پذیرش قطع نامه تن در داده است و این روندی است که به فروپاشی و سرنگونی کامل نظام جمهوری اسلامی سرعت می بخشد. (۷) مسعود رجوی فرمانده سازمان منافقین نیز در اعلامیه ای اعلام کرد:

۱- ۶۴۲. مأخذ ۴۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایمز مالی.

۲- ۶۴۳. مأخذ ۴۷، رادیو لندن، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۴۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات ۸ سال جنگ، آبان ۱۳۶۹، ص ۶۱.

۴- ۶۴۵. مأخذ ۱۸۰، ص ۴، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۴۶. روزنامه رسالت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات سردار شبانی، فرمانده سپاه چهارم بعثت از سپاه پاسداران.

۶- ۶۴۷. مأخذ ۱۷۱، دیلی تلگراف، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۶۴۸. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

«نباید اجازه داد، رژیم ایران فرصت دیگری برای دفع الوقت بیابد و از امضای قرارداد صلح طفره رود» (۱) .

پیش از این، منافقین در تحلیل درون گروهی خود امکان موافقت ایران با قطع نامه را غیر ممکن دانسته و به صراحت اعلام می کردند، تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطع نامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی به بن بست کامل برسد. به عقیده آنان، این اقدام به منزله فروپاشی نظام خواهد بود و با سرنگونی قطعی حکومت ایران، زمینه برای انتقال قدرت به سازمان آنان فراهم خواهد شد. (۲) روند حوادث نظامی این باور را در منافقین تقویت کرده بود که نیروهای نظامی ایران بر اثر حملات عراق متلاشی شده اند و رخدادهای نظامی و اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ آسیب پذیری داخلی را افزایش داده است و در صورت یک ضربه نظامی، رژیم ایران فروخواهد ریخت. بر پایه این تصور، از چند ماه قبل، خروج منافقین از داخل کشور برای سازمان دهی در بیرون، شتاب بیش تری به خود گرفت. در این مرحله (طی مردادماه و پاییز ۱۳۶۶) نیروهای سازمان منافقین به عراق منتقل شدند، در همان حال به تشکیلات درون زندان ها اطلاع داده شد که به زودی نظام جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد بنابراین، از آمادگی برای پیوستن به سازمان و کمک به آزادسازی شهرها برخوردار باشند! (۳) .

منافقین در طرح خود برای رسیدن به تهران قصد داشتند طی پنج مرحله، از شهرهای سرپل ذهاب، اسلام آباد، همدان، قزوین، عبور کرده و خود را به تهران برسانند. طبق اطلاعات به دست آمده رجوی فرماندهی کل عملیات را بر عهده داشت و از طریق مسئولان محورها عملیات را هدایت می کرد. در طرح عملیات منافقین، برای هر محور به تناسب اهمیت ماموریت، دو یا چند تیپ در نظر گرفته شده بود. فرماندهان محورها و ماموریت آنها به شرح زیر بود:

۱- ۶۴۹. مأخذ ۲۱، ص ۴۴، رادیو امریکا، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۰. دفتر سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بولتن «رویدادها و تحلیل»، نشریه شماره ۴۶، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۳- ۶۵۱. پیشین، ص ۲۲.

۱- مهدی براتی، فرمانده محور اول و مسئول تسخیر اسلام آباد؛

۲- ابراهیم ذاکری، فرمانده محور دوم و مسئول تسخیر باختران؛

۳- محمود مهدوی، فرمانده محور سوم و مسئول تسخیر همدان؛

۴- مهدی افتخاری، فرمانده محور چهارم و مسئول تسخیر قزوین؛

۵- محمد عطایی با معاونت مهدی ابریشم چی، فرمانده محور پنجم و مسئول تسخیر تهران (۱) .

همچنین در این عملیات عراق ۱۲۰ دستگاه تانک، ۴۰۰ دستگاه نفربر، ۹۰ قبضه خمپاره انداز ۸۰ میلی متری، ۳۰ قبضه توپ ۱۲۲ میلی متری، ۱۵۰ قبضه خمپاره ۴۰۰ میلی متری، هزار قبضه تیربار کلاشینکف، ۳۰ قبضه توپ ۱۰۶ میلی متری، و ۱۰۰۰ دستگاه کامیون و خودرو در اختیار منافقین قرار داده بود (۲) .

بدین ترتیب، روز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۷ در ساعت ۳۰: ۱۴ پس از اجرای آتش سنگین و بی سابقه توپخانه ارتش عراق در محور سرپل ذهاب نیروهای منافقین در ساعت ۳۰: ۱۵ با عبور از خط، حمله خود را آغاز کردند (۳) .

عملیات منافقین با حملات کامل ارتش عراق همراه بود؛ به موازات پیش روی نیروهای منافقین به سمت شهر «کرند»، نیروهای عراقی نیز ضمن اجرای آتش پشتیبانی، از جنوب گردنه «پاطاق» از نزدیکی سرپل ذهاب پیش روی کردند. سرانجام، در ساعت ۱۸:۳۰ نخستین تانک های عراقی با آرم منافقین وارد شهر کرند شدند (۴) و با پیش روی به سمت اسلام آباد، در حدود ساعت ۲۱:۲۰ آن شهر را به تصرف درآوردند. (۵) پس از آن که ایران اعلام کرد، شهر کرند به اشغال نیروهای عراقی درآمده است خبرگزاری عراق در واکنش به این خبر گزارش داد:

«همان طور که در مفاد اطلاعیه نظامی ۳۲۷۳ آمده است، نیروهای عراقی به طور دقیق همچنان در غرب تنگه پاطاق و در شرق شهر سرپل ذهاب و در

۱- ۶۵۲. پیشین.

۲- ۶۵۳. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات برادر علی شمخانی، معاونت اطلاعات و عملیات فرماندهی کل قوا.

۳- ۶۵۴. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۵۵. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۷.

۵- ۶۵۶. مأخذ ۱۹۸.

شرق گیلان غرب مستقر هستند» (۱) .

پس از انتشار نخستین اطلاعیه نظامی عراق و تأیید تصرف شهرهای کرند و اسلام آباد، رادیو منافقین خطاب به مردم باختران اعلام کرد نیرو های سازمان در حال پیش روی به سمت شهر کرمانشاه هستند و از مردم این شهر خواست، به نیروهای آنان بپیوندند (۲) .

بلافاصله پس از تصرف شهرها کرند و اسلام آباد، مردم این دو شهر و روستاهای اطراف شب هنگام همان روز و سحرگاه روز بعد (سه شنبه) به سمت شهر کرمانشاه حرکت کردند. در همان حال، شهر کرمانشاه نیز به حالت نیمه تعطیل در آمد و تنها چند نانوایی و فروشگاه مواد غذایی در شهر مشغول فعالیت بودند. همچنین به دلیل کمبود بنزین در شهر صف های طویلی در برابر جایگاه های فروش بنزین تشکیل شده بود (۳) .

پس از ورود نیروهای منافقین به کرند و اسلام آباد، درگیری تا چند ساعت در شهر ادامه داشت و شماری از نیروهای مردمی و سپاه با منافقین درگیر بودند، ولی تلاش آنان به دلیل عدم آمادگی، بی ثمر بود. منافقین بلافاصله پس از ورود به اسلام آباد جریان برق و خطوط مخابراتی شهر را قطع کردند. نیروهای منافقین پس از تصرف اسلام آباد، تا منطقه حسن آباد در ۲۰ کیلومتری این شهر پیش روی کردند و برای تجدید سازمان، در همان جا مستقر شدند. (۴) بعدها، یکی از نیروهای منافقین که به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود، در مورد این توقف گفت: چون منافقین مطمئن بودند، خط دفاعی ایران را در تنگه «چهارزبر» شکسته و می توانند به کرمانشاه دست یابند، لذا تمام امکانات خود را به صورت یک فنر جمع شده در پشت این تنگه آماده نگه داشتند تا به محض باز شدن راه در مدت ۳۰ دقیقه شهر کرمانشاه را تصرف کنند (۵) .

نیروهای خودی بلافاصله پس از آگاهی از پیش روی منافقین، در منطقه

ص: ۱۶۸

۱- ۶۵۷. مأخذ ۱۸۰، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۵۸. پیشین، ص ۲۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۵۹. پیشین، ص ۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۶۰. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۵- ۶۶۱. مأخذ ۱۷۱، صص ۱۳ و ۱۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

حسن آباد در فاصله ۲۰۰ متری نیروهای منافقین روی «ارتفاعات چهارزبر» خط پدافندی تشکیل داده و با نیروهای دشمن که تعدادشان به ۲۰۰۰ تن می رسید – که با هدف هجوم یک باره و سریع به شهر باختران، بدون هیچ گونه امکانات پدافندی در پایین ارتفاعات و پشت تنگه چهارزبر مستقر شده بودند – درگیر شدند. این تجمع بدون پدافند منافقین باعث شد که بسیاری از آنان هلاک شده و بخش وسیعی از تجهیزات شان نیز منهدم شود. همچنین، از بعد از ظهر همان روز، سه راه اسلام آباد – ملاوی با هدف جلوگیری از فرار منافقین مسدود شد (۱) .

در بامداد ۵ خرداد ۱۳۶۷، در پی پیش روی نیروهای منافقین بار دیگر درگیری آغاز شد، و در اثر سماجت نیروهای دشمن، سه دستگاه از خودروهای منافقین به مواضع نیروهای خودی نفوذ کردند، ولی پس از تحمل تلفاتی به عقب رانده شدند (۲) .

هم زمان با پیش روی نیروهای منافقین در عمق خاک ایران، برای جلوگیری از عملیات هوایی هواپیماها و هلی کوپترهای جمهوری اسلامی علیه آنان، هواپیماهای عراقی، پایگاه های شکاری نوژه همدان، وحدتی دزفول و همچنین پادگان تیپ ۲ سقز و پایگاه هوانیروز در کرمانشاه را بمباران کردند (۳) .

در حالی که درگیری در منطقه حسن آباد و ارتفاعات چهارزبر همچنان ادامه داشت، در پی انتشار اطلاعیه منافقین مبنی بر قصد ورود به باختران و همچنین ورود مردم شهرهای کرند و اسلام آباد به این شهر، شایعات آن قدر گسترش یافت که نخستین گروه از شهروندان کرمانشاهی، این شهر را به سمت همدان ترک کردند. چنان که، تا نیمه شب روز سه شنبه، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ۹۰۰ هزار نفری باختران از این شهر خارج شده و به سوی «بیستون»، «صحنه»، «هرسین»، «سنقر»، «گلبانی» و همدان و حتی

۱– ۶۶۲. پیشین، مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.

۲– ۶۶۳. پیشین.

۳– ۶۶۴. مأخذ ۱۸۰، ص ۷ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

برخی به سـمت تهران حرکت کردنـد. حرکت سـیل آسـای مردم اعم از پیاده و سواره، ترافیک بسـیار سـنگینی در بلوار شـهید بهشتی کرمانشاه و جاده همدان به وجود آورده بود و مردم نگران و مضطرب با شتاب، از شهر خارج می شدند (۱) .

عملیات مرصاد

برخلاـف آن چه که در افکـار عمومی، عملیـات منافقین و مجموعه تحولات در پی آن به نام عملیات مرصاد نامیـده می شود، منافقین عملیات خود را «فروغ جاویدان» نامیدند و بعدها مجموعه تلاش نیروهای سپاه، بسیج و هوانیروز برای مقابله با دشمن و آزاد سازی شهرهای اسلام آباد و کرند، «مرصاد» نام گرفت.

پس از مقاومت نیروهای اندك سپاه و بسیج (در حد یک گردان) در دشت حسن آباد، و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعـات چهـارزبر، به تدریـج فرمانـدهی و نیروهـای خودی برای آزاد سـازی منـاطق تصـرف شـده و انهـدام نیروهـای منافقین، در منطقه متمرکز شدند. روز پنجشنبه، ۶ مرداد ۱۳۶۷ عملیات «مرصاد» با رمز یا «علی بن ابی طالب علیه السلام»، آغاز شد. (۲) در این عملیات، سه گردان از تیپ نبی اکرم صـلی الله علیه و سـلم، تیپ مسلم و یک گردان از ایلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند، همانند روزهای قبل نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند، حال آن که عراقی ها عقب نشـینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسـلام آباد شوند. پیش از این نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسـلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشـتند، بـا نفوذ به داخل شـهر با دشـمن درگیر شدنـد و سازمان دهی منافقین را در داخل شـهر برهم زدنـد. (۳) منافقین برای ترمیم ضـربات وارده، دو تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فراخواندنـد تا با پیش روی نیروهای خودی مقابله کننـد. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین دشمن را

۱- ۶۶۵. مأخذ ۱۹۰، صص ۴۹ و ۵۰، باختران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۶۶. مأخذ ۲۰۲ ص ۱۸.

۳- ۶۶۷. مأخذ ۱۹۸.

دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیش روی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعد از ظهر، اسلام آباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را درهم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند.

بلافاصله پس از آزاد سازی شهر اسلام آباد، یگان های سپاه پیش روی را به سمت کرند آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر در ساعت سه نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کرند به زمین نشستند و تعدادی از کادرهای منافقین و رهبری سازمان (۱) را از شهر خارج کردند. این واقعه نشانه آشکاری از شکست منافقین بود، چنان که پس از مدتی با پیش روی نیروهای خودی به سمت کرند و انهدام تانک های زره پوش برزیلی منافقین، دشمن هر آن چه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات، ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود هزار تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تیپ ها دیده می شدند. (۲) یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات به اسارت درآمده بود، در اعترافات خود حرکت منافقین را در منطقه اسلام آباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها دانست. این حرکت منافقین، آن چنان آنها را آسیب پذیر کرد که حتی باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد. (۳) بدین ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه «پاطاق» روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ رسما اعلام کردند که از شهرهای اسلام آباد و کرند عقب نشینی کرده اند! (۴) .

۱- ۶۶۸. برابر اطلاعات موجود رهبر منافقین و همسرش طی مدت اشغال، در شهر کرند به سر می بردند.

۲- ۶۶۹. مأخذ ۲۰۲، ص ۱۸.

۳- ۶۷۰. مأخذ ۱۹۸.

۴- ۶۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲، بغداد، آسوشیتدپرس، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

بازتاب و پی آمدها

اقـدام مشـترک عراق و منـافقین در پیش روی بـه عمـق خـاک ایران بازتـاب گسـترده ای یـافت و حساسـیت هـای زیـادی را برانگیخت، زیرا این تحرکـات پس از مـوافقت ایران بـا قطع نـامه شورای امنیت در حـالی انجـام گرفت که اراده بین المللی بر پایان جنگ مصمم شده بود، ولی اقدام عراق و منافقین عملا به معنای ادامه جنگ بود.

«هاروی موریس» از روزنامه «ایندیپندنت» طی تحلیلی در مورد اهداف و استراتژی منافقین نوشت:

«استراتژی فعلی مجاهـدین و عراق ظاهرا ایجاد یک منطقه آزاد شـده در دست مجاهدین است تا از این طریق، سازمان مخالف رژیم ایران، نقشی در توافق نهایی صلح داشته باشد» (۱) .

یک نشریه دیگر نیز، اقدام منافقین را، به دلیل نگرانی آنها از سرنوشت خود در صورت موافقت عراق با آتش بس دانست (۲) .

پشتیبانی عراق از منافقین و پیوستگی آنها در انجام این عملیات مخالف جمهوری اسلامی مورد بحث محافل خبری قرار گرفت آن چنان که خبرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک دیپلمات گزارش داد:

«تحلیل گران معتقدنـد، این عملیات نمی توانسـته بدون پشتیبانی قوی ارتش عراق به ویژه بدون پوشـش آتش توپخانه صورت گرفته باشد» (۳) .

خبرنگار رادیو لندن نیز در این باره گفت:

«کمتر کسـی معتقد است که مجاهدین به تنهایی دارای تجهیزات زرهی، افراد کافی یا حتی نیروی آتش باری باشند که بتوانند بدون پشتیبانی یک ارتش منظم تا این اندازه در داخل خاک ایران مقاومت نشان بدهند» (۴) .

روزنامه لوموند حدود یک ماه پیش از عملیات مشترک عراق و منافقین

۱- ۶۷۲. مأخذ ۱۹۰، صص ۳۶ و ۳۷، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۷۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۳۳۸، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، کریستین ساینس مانیتور، اول اوت ۱۹۹۸ (۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷).

۳- ۶۷۴. مأخذ ۲۲۲، ص ۳، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۷۵. مأخذ ۲۲۲، ص ۶، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

تصریح کرده بود که «ارتش آزادی بخش ملی ایران» به عنوان جزیی لاینفک از آرایش نظامی ارتش عراق است و هر گونه فعالیت نظامی آن بدون اجازه فرماندهی عالی عراق غیر قابل تصور است. (۱) در همین راستا، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات ها اعلام کرد، با توجه به گفت و گوهای صلح که در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه دارد، دیپلمات ها گمان می کنند که بغداد از ارتش آزادی بخش ملی برای حفظ فشار نظامی بر تهران استفاده می کند (۲) .

در این حال، تأثیر و پی آمدهای استقرار منافقین در داخل عراق و همکاری آنها با ارتش عراق برای حمله به خاک ایران مورد توجه تحلیل گران قرار گرفت. رادیو لندن در تحلیلی گفت:

«حمله مجاهدین به هر منظوری که انجام گرفته باشد، در ظاهر تأثیر مطلوبی در داخل ایران نداشته است.»

در این تفسیر همچنین تأکید شده است:

«درباره مقاصد عراق برای حمایت از مجاهدین و حملات آنها به داخل ایران، نظریه های مختلفی وجود دارد که قدرت نمایی در مقابل مجاهدان عراقی طرف دار ایران و نیز ایجاد پایگاهی برای نیروهای مسعود رجوی در داخل ایران از آن جمله است. به عقیده ناظران، اگر رسیدن به اهداف بالا در نظر بوده توفیقی حاصل نشده است زیرا شمار زیادی از مجاهدین در این نبردها کشته شده اند» (۳) .

مفسر نشریه گاردین چاپ لندن نیز نوشت:

«طرف داران رجوی قادر نیستند احساس واقعی مردم ایران را درک کنند و نمی دانند که ایرانیان با هر گونه افراطی گری من جمله از نوع منافقین، بیزارند بزرگترین اشتباه رجوی این بوده است که تشکیلاتش را کاملاً به دامان صدام انداخته و اکثر منتقدان رجوی می گویند، این کار خودکشی سیاسی است.»

«دیویدهرست» در پایان مقاله خود آورده است:

۱- ۶۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۴، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، لوموند، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷.
۲- ۶۷۷. مأخذ ۲۲۲، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.
۳- ۶۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

«با این اقدام، روحیه مردم ایران مجددا زنده شد و به جای این که باعث از هم پاشیدگی درونی ایران شود، به تحکیم آن کمک کرد» (۱) .

تایمزمالی نیز نوشت:

«مجاهدین در داخل ایران از حمایت گسترده ای برخوردار نیستند» (۲) .

برتری ایران در صحنه نظامی که موجب عقیم ماندن طرح مشترک عراق و منافقین شده بود، موضع سیاسی این کشور را که در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود تقویت کرد. بر پایه همین ملاحظه کلی، فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) در خطبه های نماز جمعه تهران گفت:

«اگر عراق به تجاوزات خود ادامه دهد، شاهد پاسخ ما در میدان جنگ خواهد بود» (۳) .

امریکایی ها که از تحرکات عراق و منافقین علیه ایران ناخشنود بودند، همراه با اعضای دائمی دیگر شورای امنیت و عربستان سعودی، عراق را تحت فشار قرار داده (۴) و از کشورهای عربی نیز خواستند، به عراق در خصوص پیش روی غیر قابل اداره منافقین هشدار دهند. (۵) در این حال، «چارلز ردمن»، سخن گوی وزارت خارجه آمریکا در موضع گیری آشکاری گفت:

«ارتش آزادی بخش ملی ایران، مستقر در عراق با پشتیبانی عراق عمل می کند و در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور است.»

وی تأکید کرد:

«امریکا از گروه هایی که در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور هستند حمایت نمی کند» (۶) .

تغییر اوضاع به سود ایران

عراق و منافقین علاوه بر این که در چارچوب سیاست های منطقه ای شوروی عمل می کردند، از لحاظ نظری و گرایش های فکری نیز متأثر از مبانی فکری

۱- ۶۷۹. مأخذ ۲۲۲، رادیو لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷، تایمزمالی، ۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۶۸۱. مأخذ ۲۲۲، صص ۱۲ و ۱۳، تهران، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از دیپلمات های غربی.

۵- ۶۸۳. مأخذ ۲۲۲، ص ۸، رادیو امریکا، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست.

۶- ۶۸۴. مأخذ ۱۷۱، صص ۴۰ و ۴۱، واشنگتن پست، خبرگزاری فرانسه، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

روس ها بودند. با توجه به نگرش سوسیالیستی روس ها نسبت به ریشه بحران های اجتماعی که معتقد بودند، ناکامی نظامی در ایجاد شورش، قیام و انقلاب مؤثر است، عراق و منافقین نیز می پنداشتند که ناکامی های نظامی ایران می تواند به بحران داخلی اعم از بی انظباطی اجتماعی و یا بحران «مشروعیت» منجر شود و فرصت مناسبی را برای بهره برداری در اختیار آنها قرار دهد. تجربه روسیه پس از شکست از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و طرح تفکرات سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ میلادی که در میان جنگ اول به پیروزی کمونیست ها منجر شد، حاوی همین تجربه بود. بعدها، «استالین» در نامه ای به «پیشه وری» در توجیه علت عقب نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران، از آن به عنوان تاکتیک های «لنین» یاد کرد. استالین در این نامه آورده است:

«ایران در گیر یک جنگ با یک دشمن خارجی نیست که یک ناکامی نظامی بتواند محافل انقلابی ایران را تضعیف کند. نتیجه آن که، در ایران وضعیتی وجود ندارد که بتواند با تاکتیک های لنین در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ میلادی تطابق داشته باشد» (۱) .

آن چه عراق و منافقین را ناکام گذاشت و محاسبات آنها را درهم ریخت در واقع، در نقطه کانونی آن چه که آنها به سود خود، ارزیابی می کردند به وقوع پیوست؛ پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ و ادامه حملات عراق و منافقین، روند تحولات داخلی و سپس، اوضاع نظامی را به سود ایران و به زیان عراق و منافقین دست خوش تغییر کرد. به تدریج فشار بین المللی بر عراق افزایش یافت، به گونه ای که تمام ناظران و تحلیل گران به اقدامات عراق و منافقین با دیده تردید می نگریستند.

تلاش نیروهای عراقی در آستانه اشغال مجدد خرمشهر، پیام امام به سپاه و واکنش مردم نسبت به این رخدادها که حضور در صحنه های جنگ را

---

۱ - ۶۸۵. ناتالیا یکوروا، بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نویافته شوروی، مجله گفت وگو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۸، نامه استالین به جعفر پیشه وری.

در پی داشت، وضعیتی همانند روزهای آغاز جنگ به وجود آورد. چنان که آقای هاشمی در ترسیم وضعیت داخلی کشور و روحیه نیروهای داوطلب گفت:

«بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می رسد» (۱) .

مهندس موسوی، نخست وزیر وقت نیز در هیئت دولت گفت:

«جبهه ها امروز فضای غیرقابل وصفی دارد. حماسه آفرینی و دفاع و مقاومت[شما]است که برای دشمن شکست و نابودی را در پی خواهد داشت» (۲) .

در این مرحله، در پی فرمان حضرت امام مبنی بر حضور هر چه بیش تر در جبهه ها، ۱۳۰ هزار بسیجی، عازم جبهه های جنگ شدند. (۳) استقبال مردم به قدری گسترده بود که پذیرایی و سازمان دهی نیروهای داوطلب برای مسئولان بسیاری از پادگان های نظامی مشکل آفرین شده بود. به گفته یکی از فرماندهان، در یک پادگان نظامی در محور میانی که حداکثر، گنجایش ۱۰ هزار نیرو را داشت، ۱۶ هزار تن در آن جای گرفته بودند و قرار بود، ۴ هزار تن دیگر به آنان افزوده شوند. کمبود امکانات باعث شد، برخی از نیروها در فضای باز، شب را به صبح برسانند. (۴) به همین دلیل، معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا با درخواست از نیروهای داوطلب برای خودداری از عزیمت انفرادی و مراجعه به مراکز رسمی، تأکید کرد که داوطلبان با توجه به ظرفیت نیروهای رزمی و پشتیبانی یگان ها، در اولویت اعزام نیروهای رزمی ثبت نام کنند. (۵) در این مرحله بسیاری از نیروهایی که تنها در آغاز جنگ عازم جبهه های نبرد شده و یا بنا به دلایلی تاکنون در صحنه جنگ حضور نیافته بودند، به علت وضعیت سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ، برای اعزام و حضور در جبهه ها ثبت نام می کردند. (۶) در این حال، حضور رئیس جمهوری وقت و رئیس شورای عالی دفاع، آیت الله خامنه ای، در جبهه های نبرد جهت تبیین تحولات جنگ برای رزمندگان و بررسی مشکلات آنان، نقش مؤثری داشت.

ص: ۱۷۶

۱- ۶۸۶. مأخذ ۱۷۳.

۲- ۶۸۷. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۸۸. روزنامه کیهان، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، اظهارات مسئول بسیج.

۴- ۶۸۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۶۹۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۶۹۱. سردار غلامعلی رشید، مصاحبه اختصاصی، آبان ۱۳۶۷.

نادیده انگاشتن خواسته های بر حق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و دریافت غرامت از آن موجب تداوم جنگ شده بود و تبلیغات گسترده و هم آهنگ مخالفان جمهوری اسلامی، مشروعیت مقاومت و پایداری مردم ایران را در معرض شک و تردید برخی از جهانیان قرار داده بود، ولی واکنش اخیر عراق و منافقین صلح طلبی دروغین صدام و حقانیت مقاومت ایران را برای دنیا آشکار کرد. آیت الله خامنه ای طی سخن رانی خود در اهواز در این باره فرمودند:

«ما از روز اول می گفتیم، عراق جنگ افروز است. بعضی ها این را قبول می کردند و بعضی ها نمی خواستند قبول کنند. اما امروز حرف ما ثابت شده است» (۱) .

فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) نیز در این زمینه گفت:

«تا به حال مظلومانه دفاع می کردیم، اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی خواهیم، هیچ کس توجهی نمی کرد که ملت ما می گوید، تا پیروزی می جنگیم، یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان و نه در گرفتن زمین دیگران. ما الآن مواضع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام، متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است» (۲) .

رسانه های خارجی و تحلیل گران غربی نیز تغییر اوضاع داخلی و افکار عمومی در ایران را مورد تأکید قرار دادند. رادیو لندن در این باره گفت:

«تهاجم تازه عراق پس از پذیرش آتش بس از سوی ایران، موضع دولت اسلامی را در برابر افکار عمومی تقویت کرده است. در ایران اکنون بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران، زنده شده است. (۳) ... موج تازه هجوم های عراق ماشین جنگی ایران را توان تازه ای بخشیده است. (۴) و فعالیت های بسیج مردم را برای جنگ احیا کرده است» (۵) .

«هانس هایتو کوبیتس» تحلیل گر انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن با تغییر روند تبلیغات در رسانه های غربی تأکید کرد:

۱- ۶۹۲. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۳. مأخذ ۱۷۳.

۳- ۶۹۴. مأخذ ۱۹۰، ص ۴۰، رادیو لندن، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۶۹۵. پیشین، صص ۳۷ و ۳۸.

۵- ۶۹۶. پیشین، ص ۴۴.

«ایرانیان در مطبوعات غربی پیروزی تبلیغاتی قابل ملاحظه ای به دست آورده اند.... و مطبوعات غربی بر ضد عراق چرخش کرده اند» (۱) .

بعدها، یکی از نظامیان ارتش عراق طی تحلیلی در روزنامه «السفیر» در مورد نتایج استراتژیک عراق نوشت:

«هنگامی که نیروهای ایرانی با آتش بس موافقت کردند، رهبری عراق ابتکار عمل را در دست داشت و در یک «اشتباه استراتژیک» بزرگ افتاد و شدیدا به ایران حمله کرد. به خصوص در منطقه خوزستان، به نزدیکی های اهواز که رسید، ناگهان تغییری در ایران مشاهده شد و ایرانی که از کمبود نیروهای داوطلب رنج می برد، ناگهان حرکت خروشان ملی را دید که شور و شوقی را در محافل مردمی ایران ایجاد کرد» (۲) .

در حالی که ایران بر اثر وضعیتش در صحنه نظامی و پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با پرسش ها و دشواری های بسیار پیچیده ای روبه رو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران، پی آمدهایی را به همراه داشت که وضعیت داخلی ایران و سپس صحنه نظامی را تحت تأثیر قرار داد، بر انسجام درونی ایران افزود، ماهیت تجاوزکارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت ایران در برابر این کشور را در دوران جنگ آشکار ساخت، زمینه تحمیل قطع نامه ۵۹۸ را به رژیم عراق که برای پذیرش آن پیش شرطهایی گذاشته بود، فراهم کرد و همچنین مقدمه ای برای برقراری آتش بس به وسیله سازمان ملل در مرزها شد. این وضعیت باعث گردید تا ایران بر مواضع سیاسی خود در قبال مذاکرات صلح تأکید کند، مبنی بر این که پیش از برقراری آتش بس نیز، هیچ شرط یا شروطی را که عراق همچنان بر آنها تأکید می کرد، نمی پذیرد و پس از برقراری آتش بس هیچ مذاکره ای بر سر مرزهای شناخته شده بین المللی با عراق، انجام نخواهد داد (۳) .

۱- ۶۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۹، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۶۹۸. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، ارسالی از سوی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت.

۳- ۶۹۹. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، سخنان آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور.

تلاش برای برقراری آتش بس

بی اعتمادی نسبت به خط مشی و روش و رفتار عراق به ویژه در واکنش آن کشور پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ و نیز تلاش برای پایان دادن به وضعیتی که اساسا بر پذیرش قطع نامه ۵۹۸ مؤثر بود. موجب شد، جمهوری اسلامی ایران بر اتمام سریع جنگ و اقدام سازمان ملل در اعلان زمان برقراری آتش بس اصرار ورزد. در مقابل، عراقی ها که مترصد نهایت بهره برداری از شرایط جدید برای تقویت مواضع سیاسی خود و تحمیل آن بر ایران بودند، بلافاصله با ایجاد ابهام در صداقت جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر مذاکره مستقیم پیش از برقراری آتش بس، تمهیدات لازم را برای تجاوز نظامی فراهم ساختند. (۱) و تنها ۳۶ ساعت پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، مجددا همانند روزهای نخست جنگ، به عمق خاک ایران تجاوز کردند. (۲) در واقع، دو راه حل (دیپلماتیک و نظامی) برای پایان جنگ وجود داشت؛ راه حل دیپلماتیک با مسئولیت سازمان ملل میسر می شد که لازمه آن، تلاش دبیرکل سازمان ملل برای فراخوانی وزیران خارجه دو کشور و اعزام هیئت های متخصص سازمان ملل برای به اجرا گذاشتن آتش بس و چگونگی نظارت بر آن بود. (۳) عراق بر خلاف ایران، تمایلی به راه حل دیپلماتیک نداشت، لذا راه حل نظامی را برگزید تا علاوه بر تحمیل شرایط خود بر ایران، ابتکار عمل را در صحنه دیپلماتیک نیز از دست سازمان ملل خارج کرده، و در اختیار خود بگیرد. اقدام عراق با آن که عمیقا موجب ناخرسندی بود، اما غیر از فشار

ص: ۱۷۹

۱- ۷۰۰. «تیم لوئلین»، خبرنگار رادیو لندن در مورد ماهیت و اهداف عراق در گزارشی گفت: «عراق می خواهد برتری ماشین نظامی خود را به کار گیرد و تلاش می کند که ایران را برای مذاکره مستقیم و یک موافقت صلح مناسب هر چه بیش تر تحت فشار قرار دهد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷).

۲- ۷۰۱. در صفحات قبل، اقدام نظامی عراق و منافقین توضیح داده شد.

۳- ۷۰۲. مأخذ ۱۷۹، ص ۹، رادیو لندن، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

دیپلماتیک و تبلیغاتی که می توانست علیه عراق اعمال شود، هیچ ساز و کار دیگری برای مقابله با این اقدام پیش بینی نشده بود و وجود نداشت؛ به همین دلیل، سرنوشت جنگ در روزهای پایانی آن به جای روش های دیپلماتیک در صحنه جنگ رقم می خورد. این موضوع، اهمیت مقابله با تهاجم نظامی عراق ونقش تعیین کننده آن بر افزایش تأثیر گذاری فشارهای دیپلماتیک و افکار عمومی را مشخص کرد. امام با هوشمندی و درایت و بر پایه درکی که نسبت به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ و ضرورت های موجود برای اداره و هدایت روند تحولات تا اخذ نتیجه مطلوب داشتند، در سخنانی، چارچوب و خط مشی تلاش ها و اقدامات سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را مشخص فرمودند:

«ما در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این، به هیچ وجه تاکتیک نیست، فرزندان انقلابیم! توجه کنید، امروز روز حضور گسترده در جبهه ها است. فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است. خود را بسیج به سلاح ایمان و جهاد کنید و بر دشمن غدار رحم جایز نیست و این ها تمام حرف هایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین المللی نیست و ما تا قبول قطع نامه از سوی عراق جواب دشمنان را در جبهه ها خواهیم داد» (۱) .

در حالی که ابهام و نگرانی زیادی از اقدامات عراق وجود داشت و دبیرکل سازمان ملل تلاش می کرد، با فراخوانی وزیران خارجه ایران و عراق، مذاکرات صلح را آغاز کند، نماینده وقت ایران در سازمان ملل درباره موضع ایران برای پایان دادن به جنگ تصریح کرد:

«ما امروز دیگر اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران آماده است، همین لحظه آتش بس در جنگ را بپذیرد، ولی طی شب گذشته و امروز، عراق به مناطق غیرنظامی و تأسیسات اقتصادی ایران حمله کرده است» (۲) .

۱- ۷۰۳. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۰۴. مأخذ ۳۸، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، صص ۱۸ تا ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

وزیر خارجه وقت ایران نیز در نامه ای به دبیرکل وقت سازمان ملل نوشت:

«چه تضمینی وجود دارد، رژیمی که در مرحله اولیه برقراری صلح بی اعتنا به تصمیمات مراجع بین المللی و تعهد خود در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، کلیه اصول و مقررات بین المللی و حتی قطع نامه پذیرفته شده خود را چنین آشکارا نقض می کند، در مراحل بعدی تعهدات خود را در مورد صلح مجددا نقض ننماید؟» (۱) .

آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت ایران نیز در پیام به ائمه جمعه سراسر کشور با بر شمردن شرایط کشور و ضرورت هوشیاری تأکید فرمودند:

«همان هایی که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم می زدند و ما را بر نپذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ شماتت می کردند، امروز به طمع افتاده اند که ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت بار مجبور کنند» (۲) .

در شرایطی که ایران، برگزاری جلسه شورای امنیت را که قرار بود درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران تشکیل شود، پی گیری می کرد، واقعه جدیدی، روند فعالیت شورای امنیت و اولویت های ایران را دگرگون کرد. این واقعه، نامه عراق به دبیرکل سازمان ملل درباره قطع نامه ۵۹۸ بود. طارق عزیز در این نامه نوشته بود:

«تا روزی که ما از قصد واقعی ایران اطلاع نیابیم، جنگ ادامه خواهد داشت» (۳) .

بدین ترتیب، عراقی ها به موازات تجاوز و پیش روی در عمق خاک ایران، رسما بر ادامه جنگ تأکید کردند. سفیر وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با درخواست لغو جلسه شورای امنیت در مورد سقوط هواپیمای ایرباس، در دیدار با دبیرکل رسما اعلام کرد:

«اگر موضع تهران برای شما روشن نیست، از من توضیح بیش تری بخواهید، اگر روشن است به عراق بگویید که پذیرش صلح از طرف تهران برای شما مبهم نیست» (۴) .

۱- ۷۰۵. روزنامه کیهان، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۰۶. پیشین.

۳- ۷۰۷. مأخذ ۳۸، صص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا از مقر سازمان ملل در نیویورک.

۴- ۷۰۸. پیشین.

فشـار ایران بر دبیرکـل برای اعلام موضع گیری و انتظـار این کشور از شورای امنیت که پیش از این در نامه وزیر خارجه وقت ایران به دبیرکـل مورد تأکیـد قرار گرفته بود (۱) باعث شـد تا رئیس شورای امنیت بـدون این که قطع نامه ای در مورد سـقوط هواپیمـای ایرباس ایران داشـته باشـد، در سه شـنبه شب (ساعت ۲۰) طی بیـانیه ای که برای خبرنگاران قرائت شـد، درخواسـت شورای امنیت را این گونه مطرح کند:

«بـا توجه به حوادث اخیر به دنبـال پـذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسـیله جمهوری اسـلامی ایران، اعضـای شورا از دو طرف درگیر مصرانه می خواهد، حداکثر خودداری را از خود نشان دهند تا دبیرکل بتواند قطع نامه ۵۹۸ را به اجرا گذارد» (۲) .

شورای امنیت با وجود آگاهی از اقدام عراق و ماهیت آن و در شـرایطی که ایران از پی گیری صدور رأی در مورد سـرنگونی هواپیمای ایرانی ایرباس صـرف نظر کرده بود، تنها به دلیل ابهام نسـبت به نتیجه اقـدام عراق و نیز فقدان سازوکار مناسب برای مقـابله مسـتقیم بـا تجـاوز عراق به خاک ایران، در بیانیه خود به این عبارت بسـنده کرد که: «از دو طرف درگیر درخواست می شود، حـداکثر خودداری را نشـان دهنـد». واکنش شورای امنیت به خوبی نشـان داد، مسـیر تأمین خواسـته های ایران و مقابله با تجاوز عراق تنها از جبهه ها می گذرد. و بدین ترتیب امام بر بسیج نیروهای مردمی و فراخوانی آنها برای حضور در جبهه ها و مقابله با دشمن تأکید فرمودند (۳) .

در شـرایط جدید، جمهوری اسلامی ضمن اعلام موافقت با اعزام تیم سازمان ملل برای سفر به ایران جهت بررسی جزئیات فنی آتش بس، دعوت دبیرکل را برای سـفر وزیر خارجه به مقر سازمان ملل در نیویورک پذیرفت. (۴) دبیرکل سازمان ملل نیز در مصاحبه ای اعلام کرد:

«وزرای خارجه با دعوت به نیویورک خواهند آمد تا با هر دو طرف به صورت

۱- ۷۰۹. مأخذ ۵۰.

۲- ۷۱۰. مأخذ ۳۸، ص ۱۸ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا در مقر سازمان ملل در نیویورک.

۳- ۷۱۱. مأخذ ۵۰.

۴- ۷۱۲. مأخذ ۲۵، صص ۲۹ و ۳۰، رادیو کلن، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

جداگانه صحبت کنم» (۱) .

وی تأکید کرد، هیئتی از کارشناسان سازمان ملل نیز پس از اقامتی چند روزه در تهران، به بغداد خواهند رفت و پس از بازگشت آنها به نیویورک و ارائه گزارش مأموریت، وی خواهد توانست، تاریخ آغاز متارکه جنگ را اعلام کند. (۲) در این حال، دبیرکل سازمان ملل همانند رئیس وقت شورای امنیت - که زمان احتمالی آتش بس را ۱۰ روز بعد اعلام کرده بود (۳) - زمان احتمالی برقراری آتش بس را ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر اعلام کرد. (۴) بدین ترتیب، با توجه به سفر هیئت اعزامی سازمان ملل به دو کشور ایران و عراق - به شرط فراهم بودن کلیه مقدمات برای انجام مأموریت - در خوش بینانه ترین وضعیت، دست کم ایران تا دو هفته پس از آغاز تجاوز مجدد عراق، نمی توانست هیچ انتظاری برای برقراری آتش بس داشته باشد.

با سفر آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران به سازمان ملل تلاش ها و اقدامات دیپلماتیک ایران شکل جدیدتری به خود گرفت؛ در حالی که هیچ ساز و کار مشخصی برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق - که همچنان در خاک ایران پیش روی می کرد - وجود نداشت و یا اگر موجود بود، بنا به ملاحظاتی به کار گرفته نمی شد، به راحتی می توان دشواری های موجود بر سر راه تلاش های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل را ترسیم کرد.

گر چه پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در اعتراض به نحوه پایان جنگ و ضرورت بررسی علل آن، پرسش ها و ابهاماتی از سوی برخی شخصیت ها، محافل و جریان های داخلی کشور مطرح شد، ولی به دلیل ضرورت برخورداری از انسجام درونی برای گذار از مرحله جدید، امام پاسخ به علل پذیرش قطع نامه را به زمان دیگری واگذار کرد و در دیدار با فرماندهی وقت کل سپاه، مسئولیت مذاکرات صلح را بر عهده وزارت امور خارجه گذاشت و همگان را به سکوت و حمایت از این تصمیم دعوت کرد. بدین ترتیب، در

۱- ۷۱۳. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۱۴. مأخذ ۱۸۱، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۱۵. مأخذ ۱۷۹، صص ۳۰ و ۳۱، نیویورک خبرگزاری فرانسه، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۱۶. مأخذ ۱۸۰، ص ۱۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

حالی که موقعیت سیاسی - نظامی ایران عمیقا در معرض چالش قرار گرفته بود و نیاز به تصمیم گیری روشن و قاطع در مذاکرات صلح وجود داشت، سرانجام، با تصمیم گیری امام مبنی بر واگذاری اختیارات کامل به وزیر خارجه وقت - که در تلکسی به نقل از مرحوم حاج سید احمد خمینی ارسال شد - عملا دست وزارت خارجه برای مذاکره باز گذاشته شد. (۱) با این حال، اختلاف نظر در مورد میزان پای بندی به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر موجب شد تا در نخستین دور مذاکرات مربوط به برقراری آتش بس در نیویورک، طی تلکسی از امام در این باره استفسار شود و امام در پاسخ فرمودند که ملاک، قرارداد ۱۹۷۵ میلادی باشد و همین امر مسیر مذاکرات را روشن کرد (۲) .

چنان که اشاره شد، حضور وزیر خارجه وقت ایران در سازمان ملل و آغاز نخستین دور مذاکرات با رئیس برزیلی شورای امنیت و ابلاغ تمایل اعضای شورا مبنی بر «تعیین تاریخی برای اعلام آتش بس» (۳) در حالی انجام شد که نیروهای عراق پس از تجاوز مجدد به خاک ایران، همچنان در خاک ایران حضور داشتند و قبل از عقب نشینی نیز، نیروهای منافقین در عملیات مشترک با عراق در منطقه غرب کشور، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرده بودند. با وجود قول همکاری رئیس شورا برای برقراری آتش بس و اظهار خشنودی وی نسبت به مواضع ایران، اما، سازمان ملل هیچ سازوکار و یا ابزار قوی و کارآمد برای مقابله با پیش روی منافقین و یا واداشتن عراق به عقب نشینی از خاک ایران و برقراری آتش بس در اختیار نداشت. آن چه که می توانست در آن شرایط سخت و دشوار و سرنوشت ساز کارساز باشد، مقاومت نیروهای خودی و عقیم گذاشتن تلاش های اخیر عراق و منافقین بود.

در حالی که رئیس وقت شورای امنیت در نخستین دور مذاکرات با سفیر عراق در سازمان ملل، به نقل از وی آمادگی عراق برای عقب نشینی را اعلام کرد (۴) ، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه ای

۱- ۷۱۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۷۶.

۲- ۷۱۸. پیشین، ص ۲۷۶.

۳- ۷۱۹. پیشین.

۴- ۷۲۰. پیشین.

«مذاکره مستقیم» را به عنوان شرط عراق برای دست یابی به هر گونه توافقی در مورد اجرای آتش بس، مورد تأکید قرار داد و گفت:

«اعلام آتش بس کامل، بستگی به توافق طرفین مذاکره کننده به طور مستقیم درباره اجرای مفاد قطع نامه دارد» (۱) .

در این مصاحبه، طارق عزیز به این دلیل که ایران در موازات اعلام پای بندی به صلح، دستور بسیج عمومی به جبهه ها را دنبال می کند (۲) ، مواضع جمهوری اسلامی را ضد و نقیض خواند. وی بدون اشاره به علت اعلام بسیج عمومی در ایران - که اساسا به دلیل تجاوز و پیش روی ارتش عراق و منافقین در داخل خاک ایران صورت گرفته بود - گفت:

«به دلیل ناشناخته بودن مقاصد ایران، نبایستی عجولانه اقدام کنیم» (۳) .

وزیر خارجه ایران در نخستین ملاقات خود با دبیرکل سازمان ملل، با توجه به کارشکنی عراق در روند صلح گفت:

«روشن است که اگر آنها در داخل خاک ما باشند، ما با آتش بس موافقت نمی کنیم، مردم ما نمی پذیرند که شهرهای بزرگ آنها در اشغال عراق باشد و آتش بس اعلام کنیم» (۴) .

وی سپس در مورد مقاصد عراقی ها گفت:

«آنها می خواهند، وضعیت را به ابتدای جنگ، یعنی ۱۹۸۰[میلادی]برسانند» (۵) .

وی در این دیدار با تأکید بر این موضوع که «اگر فارغ از وضعیت جدید به مذاکره بنشینیم، احتمالا به نتیجه نخواهیم رسید»، از دبیرکل درخواست کرد، جلسه ای خصوصی با وی داشته باشد، که با این درخواست موافقت شد. (۶) دبیرکل در جلسه خصوصی با وزیر خارجه ایران، ضمن گوش فرادادن به سخنان وی در مورد حملات اخیر عراق، در پاسخ گفت:

«قصد دارم به نحوی، از وضعیت این مسئله باخبر شوم.»

۱- ۷۲۱. مأخذ ۱۸۰، صص ۳ و ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۲۲. پیشین.

۳- ۷۲۳. پیشین.

۴- ۷۲۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۶.

۵- ۷۲۵. پیشین.

۶- ۷۲۶. پیشین.

دبیرکل سپس تلاش کرد با استفاده از اطلاعات ماهواره ای امریکایی ها از صحت اظهارات آقای ولایتی در مورد عراق آگاه شود. (۱) وی سپس در جلسه بعدی اظهار داشت:

«اخباری از ماهواره ها توسط مقامات آمریکا به دست من رسیده است، نظر ایران را تأیید می کند.»

وی در این جلسه با اعلام خبر آغاز فشار اعضای دائمی شورای امنیت بر عراق، گفت:

«عراق نمی تواند فشار افکار عمومی و شورای امنیت را نادیده بگیرد» (۲) .

همچنین، در این جلسه، دبیرکل از قول امریکایی ها، تمایل آنها را برای گشودن باب مذاکرات مطرح ساخت که مورد موافقت نماینده ایران قرار نگرفت (۳) .

در شرایطی که مذاکرات در سازمان ملل ادامه داشت و هیچ چشم انداز روشنی برای پیش رفت در روند صلح و برقراری آتش بس وجود نداشت، موقعیت ایران در پی تلاش نیروهای سپاه و بسیج در انهدام و عقب راندن نیروهای عراق و منافقین از جبهه های جنوب و غرب، به تدریج بهبود یافت و به موازات تغییر اوضاع در جبهه ها به زیان عراق، در عرصه دیپلماتیک نیز شرایط برای بهبود اوضاع به سود ایران فراهم شد و وزیر خارجه ایران پس از چند روز مذاکره، در مصاحبه ای با روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» در مورد مرزهای دو کشور گفت:

«هیچ مستمسک حقوقی برای نقض قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر وجود ندارد» (۴) .

از سوی دیگر، با آشکار شدن نشانه های شکست تلاش های نظامی عراق، نمایندگی دائم این کشور در نیویورک طی بیانیه ای اعلام کرد:

«عقب نشینی نیروهای عراقی آغاز شده است» (۵) .

۱- ۷۲۷. مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۷.

۲- ۷۲۸. پیشین.

۳- ۷۲۹. پیشین.

۴- ۷۳۰. مأخذ ۱۹۰، ص ۳۸، رادیو امریکا، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۳۱. مأخذ ۲۲۲، ص ۲۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

در چهارمین جلسه دبیرکل با هیئت ایرانی که در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، دبیرکل با اشاره به سفر تیم کارشناسان نظامی به بغداد که در روز سه شنبه گزارش خود را به وی تسلیم خواهند کرد، طرح اجرایی خود را برای برقراری آتش بس قرائت کرد. در این طرح پیش بینی شده بود، برابر بند ۱ قطع نامه به عنوان نخستین گام، ایران و عراق باید برای برقراری آتش بس، عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی را بپذیرند و در مراحل بعد، با عقب نشینی کامل و اعزام گروه ناظران، همکاری دو کشور با کمیته بین المللی صلیب سرخ آغاز شود. (۱) در این جلسه قرار شد نماینده ایران در جلسه بعدی نظر نهایی خود را درباره طرح ۱۲ بندی دبیرکل اعلام کند (۲) .

با وجود ناکامی نظامی، عراق در مواضع سیاسی خود همچنان بر مذاکره مستقیم پافشاری داشت. در این باره، سعدون حمادی، وزیر مشاور در امور خارجه عراق تأکید کرد:

«ما انجام مذاکرات مستقیم را آغاز صحیحی بر اجرای مفاد قطع نامه می دانیم» (۳) .

رادیو صوت الجماهیر نیز در تفسیری اعلام کرد:

«آتش بس پیش از انجام مذاکرات مستقیم ممکن است[موجب شود که]جریان مذاکره در نیمه راه و[با اجرای]بخشی از مفاد قطع نامه که در حال حاضر خواست ایران است و به اجرا در[نیامدن]بخشی که خواست ایران نیست، رها شود» (۴) .

همین امر سبب شد حتی در برخی از رسانه های خبری پافشاری عراق به مذاکره مستقیم به عنوان بزرگ ترین مانع برای دست یابی به توافق آتش بس مورد تأکید قرار گیرد. (۵) روزنامه «گاردین» در این باره نوشت:

---

۱ – ۷۳۲. برای آگاهی بیش تر نگاه کنید به: کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، نوشته علی اکبر ولایتی، ص ۳۰۴.

۲ – ۷۳۳. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۰۶.

۳ – ۷۳۴. مأخذ ۱۷۱، ص ۶، رادیو صوت الجماهیر، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴ – ۷۳۵. پیشین.

۵ – ۷۳۶. پیشین، ص ۱۹، به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی.

«دبیرکل نه تنها در حال حاضر به هدف تحقق آتش بس نزدیک نشده، بلکه از آن فاصله گرفته است» (۱) .

نماینده امریکا در سازمان ملل نیز با توجه به شرایط به وجود آمده از عمل کرد عراق، اعلام کرد:

«برقراری آتش بس طی ۱۰ روز آینده خیلی خوش بینانه است» (۲) .

در پی بازتاب روند مذاکرات، دبیرکل سازمان ملل طی مصاحبه ای در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد بن بست مذاکرات گفت:

«برعکس، ما داریم به گونه ای بسیار مثبت کار می کنیم، من بسیار، بسیار خوشنودم، چون فکر می کنم کارها در جریان است و در جهت درست پیش می رود» (۳) .

در همین حال، خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز گزارش داد:

«تدریجا روند تبلیغاتی رادیو عراق که بیش تر در ستایش صدام و «قادسیه» بود، قطع شد و تنها به جز بیانیه های گاه بی گاه نظامی، هیچ تبلیغ یا تحلیلی علیه ایران پخش نمی شود» (۴) .

در ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل و پس از اعلام نظر درباره طرح پیشنهادی دبیرکل، ششمین نشست دو طرف در ساعت ۵ بعد از ظهر روز دهم مرداد ۱۳۶۷ تشکیل شد و دبیرکل نظرات خود را در مورد پیشنهادهای ایران بیان کرد. در جلسه ای خصوصی که در همین روز با دبیرکل برگزار شد، وی پیشنهاد کرد که متن مشترکی تهیه و اعلام شود و وزیران خارجه دو کشور نیز با وی ملاقات کنند؛ این پیشنهاد را وزیر خارجه ایران بنا به ملاحظاتی رد کرد. (۵) در مذاکرات خصوصی دبیرکل با آقای ولایتی، وی از ایران خواست، صبر و خویشتن داری نشان داده و در نیویورک بماند. (۶) در این حال، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل (محمد جعفر محلاتی) با رئیس شورای امنیت دیدار و گفت و گو

۱- ۷۳۷. مأخذ ۲۲۲، ص ۳۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۳۸. مأخذ ۲۳۳، ص ۸، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۳۹. مأخذ ۱۷۱، ص ۳۱، خبرگزاری رویتر، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۴۰. مأخذ ۲۳۳، ص ۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۴۱. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۱۳.

۶- ۷۴۲. پیشین، ص ۳۲۰.

کرد. رئیس شورا در این دیدار گفت:

«دبیرکل گزارشی به شورا ارائه کرده است و امروز طارق عزیز با دبیرکل صحبت داشته و موضع وی بیش از اندازه مثبت بوده است.»

وی در این ملاقات گوشه ای از گزارش خود به شورا را برای آقای محلاتی خواند. در این گزارش آمده بود:

«من با همه اعضای شورا صحبت کردم. هیچ کس مخالف نبود که روز (۱) ،D-Day اعلام شود.»

وی در این گزارش پیشنهاد کرده بود:

«چند روز صبر کنید. ما در حال حاضر با طارق عزیز و کشورهای منطقه مانند عربستان مشورت می کنیم و می خواهیم زمانی که D-Day را اعلام می نماییم، دیگر کسی پشتیبان صدام نباشد» (۲) .

در حالی که بسیاری از ناظران بر این باور بودند که اجرای آتش بس بدون موافقت دو طرف درگیر عملا غیر ممکن است (۳) ، دبیرکل در سخنانی اعلام کرد، حتی بدون موافقت دو کشور ایران و عراق، تاریخی برای اجرای آتش بس اعلام خواهد کرد. (۴) محافل دیپلماتیک در سازمان ملل، این موضع گیری را به معنای «فشار بر عراق» دانستند (۵) در این حال، سعدون حمادی در مصاحبه با خبرنگاران، در مورد فشارهای بین المللی به عراق گفت:

«ما معتقدیم، برخی از کشورهای بزرگ در بازی مسابقه کسب نفوذ در داخل ایران به ویژه پس از پایان جنگ یا بعد از[امام]خمینی وارد شده اند.... اگر هدف آن باشد که به ایران جایزه ای به زیان عراق داده شود و خسارت ایران در جنگ جبران و این امر به زیان عراق تمام شود، این امر مردود و قابل قبول نیست و در برابر آن مقاومت می کنیم» (۶) .

با پیدایش شرایط جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ، برخی شواهد

۱- ۷۴۳. اعلام آتش بس.

۲- ۷۴۴. پیشین.

۳- ۷۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۴۶. پیشین.

۵- ۷۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۴۸. مأخذ ۲۹۲، صص ۱۹ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

آشکارا نشان می داد که عراق آماده پذیرش برقراری آتش بس است. در این راستا، معاون اول نخست وزیر عراق طه یاسین رمضان به دستور صدام به پنج کشور عرب شامل بحرین، عربستان، کویت، یمن شمالی و اردن سفر کرد. (۱) با آن که رمضان در بازگشت از سفر خود اعلام کرد، کشورهای عرب از موضع عراق مبنی بر مذاکره مستقیم حمایت می کنند (۲) ، ولی منابع عرب گزارش دادند، کشورهای «شورای همکاری» از صدام خواسته اند تا قبل از هر چیز، آتش بس را بپذیرد. (۳) ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی نیز وزیر امور خارجه خود را به بغداد فرستاد و سفیر عربستان در واشنگتن (بندر بن سلطان) با سفرای پنج کشور عضو دائم و مقام های عراقی دیدار و گفت و گو کرد تا موافقت خود با تضمین آتش بس و حمایت از مذاکرات مستقیم پس از اعلام و برقراری آتش بس را اعلام کند (۴) .

روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر، مواضع وزارت خارجه امریکا را منعکس می کند در مقاله ای نوشت:

«امریکا به عراق فشار می آورد تا آتش بس را قبول کند.»

در این مقاله تأکید شده است:

«یک مقام وزارت خارجه امریکا گفته این اشتباه است که تصور بشود، امریکا قادر است، عراق را به قبول امری که نمی خواهد وادار سازد.»

در بخش دیگری از همین مقاله آمده است:

«سعودن حمادی، مشاور وزارت خارجه عراق گفته است، علت این که امریکا می خواهد هر چه زودتر جنگ تمام شود، این است که نفوذ خود را بار دیگر در ایران برقرار سازد» (۵) .

سرانجام، با تغییر اوضاع به زیان عراق و بر اثر فشارهایی که بر آن وارد می شد، این کشور در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ طی نامه ای به دبیرکل اعلام کرد، در صورتی که ایران موافقت خود را با مذاکرات مستقیم به صورت آشکار بدون

---

۱ - ۷۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۸ ، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷ ، ۱۳۸، ص ۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۵۰. پیشین.

۳- ۷۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۰، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۰، ص ۲۱، رادیو لندن، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۵۲. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۵- ۷۵۳. مأخذ ۲۹۸، ص ۱۳، رادیو امریکا، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

ابهام و رسما اعلام کند، عراق نیز با آتش بس موافقت می کند. (۱) صدام نیز در سخنانی، رسما اعلام کرد:

«ما آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می کنیم.... پس از مشورت با برادران عرب و تشکیل جلسه های متعدد از سوی شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهی کشوری، حزب بعث آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می نماید» (۲) .

دبیرکل سازمان ملل در هشتمین نشست خود با وزیر خارجه وقت ایران در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ پس از قرائت بخشی از سخنان صدام، گفت:

«اگر در قبال پیشنهاد عراق نظر شما مثبت باشد، با طرف عراقی و شورا درباره آتش بس و D-Day صحبت خواهم کرد» (۳) .

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر این موضوع که شروع مذاکرات مستقیم پس از D-Day است و نه مسائل دیگر - که باید در جای خود حل و فصل شوند - قول مساعد داد که روز بعد، به اظهارات حکومت عراق پاسخ دقیق خواهد داد. (۴) سرانجام نهمین جلسه ملاقات با دبیرکل که در ساعت ۱۰ صبح روز یک شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، وزیر خارجه وقت ایران پاسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش بس اعلام کرد. (۵) پس از این جلسه وزیر خارجه ایران به خبرنگاران گفت:

«ما پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل متحد را قبول می کنیم که مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش بس صورت بگیرد» (۶) .

قرار شد دبیرکل سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش بس را اعلام کند. در همین روند، در نشستی غیر رسمی با اعضای شورای امنیت، دکوئیار پیشنهاد کرد، تیم ناظر بر آتش بس که آن را «یونیماگ» (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق) نامیده بود متشکل از ۳۵۰ تن: یک هیئت پشتیبانی کننده نظامی، یک واحد هوایی و احتمالا یک واحد کوچک دریایی در مرحله اول، به مدت شش ماه در منطقه

۱- ۷۵۴. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۹.

۲- ۷۵۵. مأخذ ۲۹۸، ص ۸، رادیو بغداد، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۵۶. مأخذ ۱۶۸، ص ۳۲۱.

۴- ۷۵۷. پیشین، ص ۳۲۲.

۵- ۷۵۸. پیشین، ص ۳۲۴.

۶- ۷۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۸، رادیو کلن، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

مستقر شود. (۱) سرانجام، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) زمان برقراری آتش بس خواهد بود. (۲) و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای ۷، ۶، ۴ و ۸ قطع نامه انجام خواهد شد (۳) (۴) .

در پی اعلام زمان برقراری آتش بس، آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا در پیامی اعلام کرد:

«نیروهای مسلح از امروز نباید شروع کننده هیچ گونه حرکت نظامی و مسلحانه باشند، ولی وظیفه دارند، آماده و هوشیار بمانند و هر گونه شرارت دشمن را در هوا، دریا و زمین به طور شایسته جواب دهند» (۵) .

در همین حال، سرفرماندهی ارتش عراق نیز بیانیه ای صادر کرد، صدام در جشن و پایکوبی مردم عراق شرکت جست، تلویزیون بغداد با قطع برنامه های عادی خود، خبر زمان برقراری آتش بس را اعلان کرد و سه روز تعطیل عمومی در این کشور اعلام شد. چند روز پس از آن، صدام در جلسه هیئت دولت عراق درباره روند تحولاتی که منجر به پایان جنگ شد و در توجیه علل پذیرش آتش بس، پیش از مذاکره مستقیم، صحبت کرد. وی گفت:

«عراق از لحاظ نظامی پیروز شد و تمامی جهان به انتظار شنیدن تصمیم صلح از بغداد و نه از تهران و شورای امنیت و سازمان ملل بودند. از نظر قانونی، قطع نامه ۵۹۸ مرده بود و آن چیزی که قطع نامه را احیا کرد، ایران بود» (۶) .

وی درباره وضعیتی که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

«اگر در آن روز ایران موافقت خود را با قطع نامه اعلام نمی کرد، حداکثر تا دو ماه پس از آن هر چیزی که شما[عراقی ها]حتی در کاغذ می نوشتید، از سوی ایران مورد قبول واقع می شد. این دو ماه را به عنوان حداکثر مدت محاسبه شده در برنامه ها و توانایی و قدرتی که در اختیار داشتیم، تعیین کرده بودیم» (۷) .

سرانجام، در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس در

۱- ۷۶۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۶۱. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۶۲. برای آگاهی بیش تر از بندهای یاد شده، به متن کامل قطع نامه در پایان همین فصل مراجعه شود.

۴- ۷۶۳. پیشین.

۵- ۷۶۴. مأخذ ۳۰۸.

۶- ۷۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۸، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ۱۴۸، ص ۲، بخش عربی رادیو بغداد، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۶۶. پیشین.

۲۰ اوت ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) تـا اجرای آن، کلیه تلاش هـای دبیرکـل سازمان ملل برای اسـتقرار نیروهای «یونیماگ» در تهران و عراق انجـام گرفت و بـدین ترتیب، جنـگ ایران و عراق پس از گـذشت هشت سـال از زمـان تجـاوز عراق به ایران به پایان رسـید در حالی که هیـچ دست آورد سیاسـی یا نظامی برای عراق در بر نداشت و همین امر، زمینه جنگ دیگری (تجاوز عراق به کویت) را در منطقه فراهم ساخت.

پیوست:

متن کامل قطع نامه ۵۹۸

شورای امنیت با تأییـد مجـدد قطع نامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خـود؛ بـا ابراز نگرانی عمیـق از این که علی رغم درخواست هـایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شـدت سابق با تلفات شدیـد انسانی و تخریب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامـه منــازعه، همچنیـن بـا ابراز تـأسف از بمبـاران مراکز صــرفا مســکونی غیر نظـامی، حملات بـه کشـتی رانی بی طرف با هواپیماهـای کشوری، نقض قوانین بین المللی انسـان دوسـتانه و دیگر قوانین نـاظر بر درگیری مسلحانه، به ویژه کاربرد سـلاح های شـیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛ بـا ابراز نگرانی عمیق نسـبت به احتمال تشدیـد و گسترش بیش تر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد.

معتقـد گردیـد که بایـد یک راه حل جامع، عادلانه، شـرافت منـدانه و پایـدار بین ایران و عراق به دست آیـد؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صـلح و امنیت بین المللی و عـدالت به مخـاطره نیفتـد؛ با حکم به این که در منازعه بین ایران و عراق نقض صـلح حادث شـده است؛ با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،

۱- خواستار آن است که به عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- از دبیرکل درخواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای قطع نامه و در تلاش های میانجی گرایانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافت مندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمام کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر گونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیش تر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطع نامه را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷- ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش های بازسازی با کمک های مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می کند که یک هیئت کارشناسان

برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین نماید.

۸- همچنین از دبیرکـل درخواست می کنـد که بـا مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مداقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطع نامه مطلع نماید.

۱۰- مصـمم است برای بررسـی اقـدامات بیش تر جهت رعـایت و اجرای این قطع نـامه، در صورت ضـرورت جلسـات دیگری مجددا تشکیل دهد (۱) .

ص: ۱۹۵

---

۱ - ۷۶۷. عبـاس هـدایتی خمینی، شـورای امنیت و جنـگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسـلامی، دفـتر مطالعـات سیاسـی و بین المللی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۴، صص ۱۴۰ تا ۱۴۲.

از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق

اشاره

پایـان جنـگ ایران و عراق گذشـته از دورنمـای مبهم حـل اختلافـات دو طرف در پشت میز مـذاکره، از دو نظر با اهمیت بود؛ نخست، پایـان درگیری نظامی هشت ساله در منطقه استراتژیک خلیـج فارس و احتمال آغاز دوران ثبات و آرامش در منطقه و دوم، تأثیر پی آمـدها و نتایـج ناشـی از پایان جنگ درایجاد توازن در منطقه و تعیین رفتارهای احتمالی دو بازیگر منطقه، یعنی ایران و عراق. تمـام تحولاـتی که پس از پایـان جنـگ ایران و عراق تـا اشـغال کـویت به دست عراق روی دادنـد، متأثر از این ملاحظات بودند.

در این فصـل، برای توصـیف و تحلیـل رونـد تحولات، مباحث، در چهار محور کلی شامل «بازتاب پی آمـدهای احتمالی پایان جنـگ»، «آغـاز مـذاکرات بی حاصـل تحت نظر دبیرکـل سازمـان ملل»، «تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل» (۱) و «اشـغال کویت به وسیله عراق و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر»، ارائه شده اند. نظر به این که هدف اصـلی در این فصل، تجزیه و تحلیـل رخـدادهایی است که در فاصـله زمـانی از برقراری آتش بس تـا موافقت مجـدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر اتفاق افتاده اند، لذا پی آمدهای اقدام عراق در

---

۱ – ۷۶۸. بایـد توجه داشت که ابتکار عراق در ارسال نامه های صـلح طلبانه برای رئیس جمهوری اسـلامی ایران به قصـد زمینه سازی برای تجاوزی دیگر به همسایه ای دیگر انجام شد.

اشغال کویت و حمله نظامی امریکا به عراق و آزاد سازی کویت مورد بحث و بررسی قرار نگرفته اند.

بازتاب پی آمدهای احتمالی پایان جنگ

اشاره

حوادث و رخدادهای ماه های پایانی جنگ ایران و عراق، گرچه بر شدت و دامنه جنگ افزود، اما اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و در مقابل، ناتوانی نظامی عراق برای دست یابی به پیروزی نظامی و یا ادامه جنگ، شمارش معکوسی برای پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق بود. این مسئله به دلیل آن که سرانجام جنگ میان دو بازیگر منطقه خلیج فارس به پایان می رسید، حائز اهمیت بود و به این دلیل بازتاب نسبتا گسترده ای در رسانه های خبری داشت و توجه کارشناسان و تحلیل گران امور منطقه و ایران را جلب کرد.

با توجه به این موضوع که تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منجر به تغییر موازنه حاکم بر منطقه شد، همواره در سال های قبل (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) این هدف به وسیله قدرت های بزرگ و برخی کشورهای منطقه دنبال می شد که علاوه بر مهار و اداره ی تحولات متأثر از این رخداد بزرگ در داخل ایران و منطقه، نظم (سیاسی - نظامی) پیشین نیز به منطقه بازگردانده شود. در راستای همین هدف بود که جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری برای مهار اثرات انقلاب اسلامی به وسیله مخالفان آن مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین بررسی پی آمدهای پایان چنین جنگی - که ابزار مهار انقلاب اسلامی قلمداد می شد - بسیار پر اهمیت است و آن را می توان در این سه بخش دسته بندی و مورد بررسی قرار داد: الف- ارزیابی دست آوردهای جنگ، ب- فرآیند تحولات و توازن منطقه ای، ج- تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران.

با توجه به ابعاد گسترده بازتاب پایان جنگ، مسائل دیگری وجود دارد که

ص: ۱۹۷

حائز اهمیت بوده و بررسی آنها لازم است، اما در این فصل تنها رخدادها و مسائلی مورد توجه و تأکید قرار می گیرند که به اشغال کویت و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق منجر شد؛ به همین دلیل است که بررسی بازتاب پی آمدهای جنگ تنها در سه محور یاد شده محدود گردیده است.

ارزیابی دست آوردهای جنگ

ارزیابی دست آوردهای پایان جنگ برای دو کشور ایران و عراق اساسا، نوعی ارزیابی از پیروزی یا شکست دو طرف یا یکی از آنها در جنگ می باشد. علاوه بر آن، این موضوع دامنه تحولات پایانی جنگ را نیز در بر گرفته است. چنین نگرش و برخوردی، نوعی مفهوم سازی برای تعیین درس های جنگ ایران و عراق و تفهیم آن به عنوان «یک جنگ بی معنا و بی حاصل» می باشد. در این باره، در مرداد ۱۳۶۷ رادیو امریکا در گفتاری سیاسی با عنوان «نظرات رسمی دولت امریکا» تأکید کرد:

«پایان گرفتن این جنگ فقط به سبب تحلیل رفتن بنیه دو طرف و یا آگاهی ایران و عراق از عدم امکان دست یابی به پیروزی نظامی نیست، بلکه پایان گرفتن این جنگ همچنین بدان سبب است که قطع نامه ۵۹۸ سازمان ملل یک راه حل سیاسی و عادلانه برای برقراری صلح را ممکن ساخته است» (۱) .

در این گفتار سیاسی علاوه بر راه حل سیاسی برای پایان جنگ، بر نقش امریکا نیز تأکید شد.

روزنامه امریکایی نیویورک تایمز نیز در ارزیابی موقعیت دو طرف جنگ و بررسی ادعا و تبلیغات عراق مبنی بر دست یابی به پیروزی نوشت:

«این تفاهم کلی وجود دارد که هر گونه ادعایی که عراق به هنگام پایان پذیرفتن جنگ درباره پیروزی می کند، ادعایی بی اساس است. پس از هشت سال شکست و پیروزی، پیش روی و عقب نشینی، اشغال و تخلیه مواضع، اکنون

---

۱ - ۷۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۶، رادیو امریکا، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

نیروهای عراقی در جایی قرار گرفته اند که در آستانه جنگ در سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی (شهریور ۱۳۵۹ خورشیدی) قرار داشته اند، یعنی «مرزهای بین المللی».» (۱) .

هفته نامه «داناس» چاپ «زاگرب» طی تحلیلی درباره پایان جنگ نوشت:

«در این جا غالب یا مغلوب وجود ندارد و هر دو کشور در همان جایی هستند که هشت سال قبل بودند، هیچ یک از آن دو به هدف هایی که در سال ۱۹۸۰ میلادی تعیین شده بود، نرسیدند. بغداد انقلاب اسلامی را از پای درنیاورد، هر چند که ضربه محکمی به آن وارد کرد و جلوی صدور آن را گرفت و از طرف دیگر، تهران نیز نتوانست رژیم بی خدای عراق را سرنگون کند» (۲) .

روزنامه لبنانی السفیر نیز در خصوص پیروزی عراق و علت تصمیم گیری ایران این چنین تفسیر کرد:

«پیروزی عراق به مشابه شکست عراق در جنگ نمی باشد. چرا که ایران به خاطر عوامل و رویدادهای بین المللی و منطقه ای که انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و نظامی با آن روبه رو شد، این تصمیم را اتخاذ کرد» (۳) .

روزنامه «کوریره دلاسرا» چاپ ایتالیا نیز ماهیت جنگ را از نظر «مبارزه امام خمینی با غرب» مورد بررسی قرار داد و بدون ذکر دلایل خود نوشت:

««السلام گرایی» موجب شکست جنگ شده است» (۴) .

آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان جنگ در امور ایران و عراق در کنفرانس ویژه ای که «انستیتو تحقیقاتی بین المللی بروگینز» در شهر واشنگتن برگزار شد، گفت:

«جنگ از چند نظر برای هر دو کشور یک شکست محسوب می شود، زیرا هیچ یک به هدف های سیاسی خود نرسیده و به عنوان قدرت مسلط بر منطقه ظهور نکرد. هیچ یک قادر به خروج از نفوذ قدرت های بزرگ نیست و هنوز آینده امنیتی ایران و عراق نامعلوم مانده است و هیچ یک قادر به تضمین امنیت خود با

۱- ۷۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳۵، رادیو امریکا، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲ – ۷۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۲۸، به گزارش خبرگزاری تانیوگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۷۲. مأخذ ۱، صص ۱۳ و ۱۴، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴ – ۷۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۱۱ و ۱۲، رم،

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

طرف دیگر نیست» (۱) .

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای تحلیلی، به ارزیابی عراق از «شرایط انقلابی» در ایران و امکان بهره برداری از آن برای تصرف خوزستان و اداره راه آبی بسیار مهم اروندرود و در پیآمد آن، سرنگون شدن حکومت انقلابی ایران و جایگزین شدن صدام به عنوان قدرت منطقه ای، نوشت:

«تجاوز صدام یکی از بزرگ ترین شکست های تاریخ معاصر بود. زیرا این تجاوز، ایرانی ها را پشت سر رژیم اسلامی آیت الله خمینی متحد کرد و منجر به یک جنگ هشت ساله گردید» (۲) .

در این تحلیل ها، دست آوردهای جنگ و ارزیابی پیروزی یا شکست، از دیدگاه های گوناگونی مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. نظر به این که عراق به عنوان آغازگر جنگ و با هدف های مشخص، از جلمه: سرنگونی نظام انقلابی حاکم بر ایران، تصرف و تجزیه خوزستان و لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر به ایران تجاوز کرد، لذا آخرین موقعیت نیروهای عراقی پس از گذشت هشت سال از آغاز جنگ، می تواند یکی از برجسته ترین شاخص ها برای ارزیابی پیروزی یا شکست حکومت عراق در جنگ باشد. بر پایه این ملاحظه، نه تنها عراق نتوانست اهداف خود را تأمین کند، بلکه در طول هشت سال جنگ تنها با پشتیبانی همه جانبه بین المللی و منطقه ای توانست به حیات سیاسی، نظامی و اقتصادی خود ادامه دهد و همین مسئله ابعاد وابستگی عراق را به قدرت های بزرگ تعمیق بخشید. در همان حال، اگر چه با وجود تمهیدات قدرت های استکباری و تمام حامیان عراق، جمهوری اسلامی ایران نتوانست به پیروزی نظامی قطعی دست یابد، ولی تنها با حمایت و پشتیبانی مردمی، دفاع هشت ساله را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص های انقلابی - دینی تثبیت کرد.

ص: ۲۰۰

۱- ۷۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۶، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

فرآیند تحولات و توازن منطقه ای

نخستین و مهم ترین پرسش که با پایان جنگ برای ناظران و تحلیل گران و نیز تصمیم گیرندگان منطقه ای و بین المللی مطرح شد، این بود که «ایران و عراقی که از این جنگ سر بر می آورند، چگونه ایران و عراقی خواهند بود؟»

با وجود تلاش دو کشور برای پر کردن خلاء قدرت در منطقه، در طول هشت سال جنگ، این خلاء نسبت به گذشته گسترده تر شده بود. (۱) با پایان گرفتن جنگ، ابهام های زیادی نسبت به توانایی ها و مناسبات دو کشور همچنان خودنمایی می کرد و فرض و گمـان های زیادی در این باره وجود داشت. برخی از تحلیل ها بیانگر این معنا بود که ایران به سوی اعتـدال گرایش یـافته و عراق نیز ملایم تر و عاقل تر شـده است. در این حال، تأکیـد می شـد، تنها گـذر زمان محک آزمایش برای فرض ها و گمان ها خواهد بود. ولی واقعیت ها حاکی از این بود که دو کشور منافع فوق العاده ای برای ایفای نقش گسترده تر در منطقه دارند (۲) .

بـا توجه به برتری عراق در توان نظـامی - به دلیـل حمـایت های همه جانبه بین المللی - رفتار این کشور به دلیل احساس غرور پیروزی و در عین حال احساس عـدم امنیت، قابل پیش بینی نبود (۳) آمـار و ارقام مربوط به افزایش توان نظامی عراق نیز قابل ملاحظه بود. کردزمن بر این باور بود که عراق، تنها برای نگهـداری ماشـین جنگی اش سالانه به بیست میلیارد دلار نیاز دارد. (۴) اسرائیلی ها نیز بر این باور بودند که عراق دارای ۵۵ لشکر، ۵۰۰۰ دستگاه تانک و یک نیروی هوایی مدرن و موشک های دوربرد مجهز به کلاهک های شیمیایی است. (۵) «شـیمون پرز» نیز با توجه به برتری نظامی عراق، این سؤال را مطرح کرد که آیا عراق پس از جنگ تمام نیروی خود را برای بازسازی به کار خواهـد گرفت و یا این که برای رهبری در جهان عرب تلاش خواهد کرد؟ (۶) .

۱- ۷۷۶. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹،۱۳۳ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۴۷، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، گزارش تحلیلی از کریستین ساینس مانیتور.

۲- ۷۷۷. پیشین.

۳- ۷۷۸. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۸، گزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب در ده سال بعد، شهرام چوبین، بهمن ۱۳۶۷.

۴- ۷۷۹. مأخذ ۶، صص ۱۰ و ۱۱، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۸۰. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۳، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۰، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، اویهو بین نون، سرلشکر نیروی هوایی اسرائیل.

۶- ۷۸۱. پیشین.

یکی از کارشناسان مسائل جنگ در بررسی خود از آینده خلیج فارس معتقد بود که ایران به عراق فرصت خواهد داد تا نقشی را که پیش تر داشته است، در منطقه ایفا کند. با این حال، دشمنی میان ایران و عراق باقی خواهد ماند و در یک مسابقه تسلیحاتی شدید درگیر خواهند شد. (۱) سایر تحلیل گران نیز مناسبات ایران و عراق را همچنان خصومت آمیز ارزیابی می کردند. (۲) بدهی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلاری (۳) عراق در مقایسه با بدهی ایران، نقطه ضعف عراق محسوب می شد و در مقابل، نقطه قوتی برای ایران بود. لذا بر اساس همین ملاحظه، برخی از تحلیل گران در پاسخ به این پرسش که زمان به نفع کیست؟ معتقد بودند، در کوتاه مدت، زمان به نفع عراق و در دراز مدت به نفع ایران است و با بازسازی اقتصادی، ارتش و روابط با سایر دولت ها، توازن قدرت به نفع ایران تجدید شده و برتری عراق همچون برف زمستانی محو خواهد شد. (۴) در این حال، با توجه به موقعیت ایران و عراق و تأکید بر ادامه دشمنی میان آنها به عنوان یک واقعیت، توازن منطقه ای نیز در یک نگاه کوتاه مدت و دراز مدت، حول محور این دو کشور ارزیابی می شد. به همین دلیل، برخی تحلیل گران با توجه به ضعیف بودن کشورهای منطقه، بر این باور بودند که امنیت منطقه خلیج فارس در صورتی تضمین می شود که بین ایران و عراق توازن برقرار شود. (۵) و بر پایه همین ملاحظه، ضرورت توجه به ایران و متقابلا بهبود روابط با سایر کشورها را گوشزد می کردند.

پایان جنگ ضمن این که نیروهای ایران و عراق را از درگیری آزاد کرد، محور ثقل توجه کشورهای منطقه را از جنگ ایران و عراق به سایر مسائل منطقه ای از جمله مسئله اعراب و اسرائیل سوق داد. در این باره رادیو لندن یکی از پیآمدهای احتمالی پایان جنگ ایران و عراق را تمرکز بر اختلاف های اعراب و اسرائیل ذکر کرد. (۶) بی گمان این تغییر و تحول خوشایند اسرائیلی ها نبود؛ برابر اظهارات «دان شومردن»، اسرائیلی ها از آغاز جنگ همواره تحولات

۱- ۷۸۲. مأخذ ۶، صص ۱۱ و ۱۲، رادیو امریکا، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، کردزمن.

۲ - ۷۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۶ و ۲۷، رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۸۴. مأخذ ۶، صص ۴ و ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۸۵. مأخذ ۱۰.

۵- ۷۸۶. رادیو بی.بی.سی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، شیرین هانتر، محقق و تحلیل گر دانشگاه جرج تاون امریکا.

۶- ۷۸۷. مأخذ ۱۵.

آن را زیر نظر داشته و بر این عقیده بودند که نتیجه جنگ بر امنیت و درگیری اعراب - اسرائیل اثر مهمی خواهد داشت. (۱) به همین دلیل، پس از آن که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت و علائم پایان جنگ ایران و عراق آشکار شد، «اسحاق شامیر»، نخست وزیر وقت اسرائیل گفت:

«این ممکن است به معنای آغاز یک دوره جدید در سراسر منطقه باشد» (۲) .

حتی، برخی از تحلیل گران نظامی در «تل آویو»، در آن هنگام بر این مسئله تأکید داشتند که «امنیت اسرائیل دچار دگرگونی های اساسی شده و ممکن است از این هم وخیم تر شود، زیرا ناآرامی های چند ماه اخیر در اراضی اشغالی، به موازات احتمال برقراری صلح میان ایران و عراق، می تواند منجر به تمرکز توجهات به قیام فلسطینی ها شود.» (۳) با این که اسرائیلی ها بعید می دانستند عراق پس از جنگ ایران و عراق تمایلی برای حمله به اسرائیل داشته باشد (۴) ، ولی از اعتماد به نفس ارتش عراق و تشویق این کشور به انجام عملیات خارج از مرزهای عراق نگران بودند. (۵) در این حال، مرکز تحقیقاتی اسرائیل در تل آویو (۶) و دانشگاه «جافا» (۷) در بررسی منطقه ای، احتمال شکل گیری جبهه جدیدی در شرق علیه اسرائیل را پیش بینی کردند.

بدین ترتیب، آینده ایران و عراق و تأثیر آن در توازن منطقه خلیج فارس، موضع گیری و رفتار دو کشور در خصوص تحولات منطقه خاورمیانه، اختلاف های اعراب و اسرائیل و احتمال تغییر توازن منطقه به زیان اسرائیل از جمله مسائلی بودند که پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه اسرائیلی ها و حامیان جهانی آنها (امریکا و انگلیس) قرار داشت و موجب نگرانی آنها شده بود.

تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران

در آن هنگام اظهار نظر و پیش بینی درباره روند تحولات داخلی ایران اساسا بر

۱- ۷۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۸ و ۲۹، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از تلویزیون اسرائیل.

۲- ۷۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵۸، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۷۹۰. مأخذ ۱۲، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۱. پیشین، ص ۸، بیت المقدس، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، اسحاق رابین، وزیر جنگ وقت اسرائیل.

۵- ۷۹۲. مأخذ ۲۱، ص ۵۷، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۷۹۳. مأخذ ۶، ص ۵، رادیو کلن، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

۷- ۷۹۴. مأخذ ۸، ص ۹، تل آویو، خبرگزاری آلمان، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

پایه تأثیراتی که پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و نحوه پایان جنگ بر جامعه ایران و انقلاب اسلامی داشت، صورت می گرفت. «بروس لنیکن»، کاردار پیشین امریکا در تهران ضمن تأکید بر ضرورت توجه به اقدام ایران در پذیرش قطع نامه، بر این باور بود که تاکنون، ادامه جنگ با هدف اعلام شده ایران مبنی بر سرنگونی حکومت مرتد در بغداد بوده است و پیروزی در این راه می توانست نشانه نیروی انقلابی و جاذبه آن برای جامعه بزرگ تر اسلامی باشد. (۱) به همین دلیل، پایان جنگ، در غرب این امید را به وجود آورد که ایران فرصتی پیدا خواهد کرد تا به الگوی سنتی خود بازگردد و انقلاب فقط در بر گیرنده سقوط شاه باشد. (۲) لذا، اقدام ایران به دلیل نتایج احتمالی آن به منزله ایجاد امید برای تغییر شیوه تفکر در تهران ارزیابی می شد (۳) .

برخی از تحلیل گران نیز تصمیم ایران را برای پایان دادن به جنگ، در چارچوب ضرورت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می دادند. به عقیده رابین رایت، یکی از کارشناسان منطقه خاورمیانه اقدام ایران نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده تری برای آغاز مرحله ای جدید در انقلاب است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیش تری یافته است. (۴) تحلیلی که صدام بلافاصله پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ انجام داد بر اهمیت تحلیل بالا می افزاید. وی در تحلیل خود در توجیه دست یافتن به اهداف خود در مقابله با انقلاب اسلامی، اجرای اهداف عراق مبنی بر مقابله با انقلاب اسلامی گفته بود:

«مهم ترین نتیجه پیروزی های عراق شکست کامل بنیان ایدئولوژیکی دولت ایران بوده است» (۵) .

در مورد روند تحولات داخلی ایران همچنان نظرات متفاوتی ارائه می شد، برخی از تحلیل گران بر این باور بودند که چون ایران با پذیرش قطع نامه در حقیقت آمادگی خود را برای بازگشت به جامعه جهانی اعلام داشته است (۶) .

۱- ۷۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۷۹۶. بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۱۳۶۷، مقاله مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق، ص ۳۰۰، ژوهانس ریسنر.

۳- ۷۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۳۴، رادیو امریکا، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۷۹۸. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

۵- ۷۹۹. مأخذ ۸، ص ۴۰ بغداد، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۶- ۸۰۰. مأخذ ۵، ص ۸، رادیو امریکا، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، رابین رایت.

در نتیجه، مجبور می شود توجه خود را به داخل کشور معطوف کند و بدین ترتیب خط تروریسم و شورش های اسلامی کاهش خواهد یافت (۱) البته، این مسئله به معنای پایان انقلاب نیست (۲) ، زیرا اراده امام خمینی کماکان فائق است. هر چند دوره او در حال گذر است و کشمکش، میان افراد امیدوار برای به دست گرفتن قدرت پس از رفتن او، تشدید یافته است (۳) «گراهام فولر»، از کارشناسان سازمان سیا طی مقاله ای که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، نوشت:

«در ایران ترک انقلاب مطرح نیست بلکه صحبت از چگونگی دنبال کردن آن است.... با وجود بحث و حدس های زیادی که در مورد جنگ صورت می گیرد، جنگ، آزمایش نهایی برای اعتبار انقلاب محسوب نمی شود، بلکه اکنون نیز چون دوران مناظرات «استالین» و «تروتسکی» در سال های دهه ۱۹۲۰ میلادی در شوروی، صحبت از تحکیم مبانی انقلاب در داخل و مسئله صدور انقلاب به دیگر کشورها است. در ایران مسئله پایان جنگ به منزله اعتدال در رویه ایران تلقی نمی شود، بلکه مسئله منافع دراز مدت حکومت انقلابی است.... البته شکست های اخیر ایران اتخاذ این تصمیم را تسریع کرد» (۴) .

همچنین بخشی از تحلیل کارشناسان رسانه های خارجی بر ظهور گرایش به غرب در ایران به دلیل ابراز تمایل این کشور به برقراری روابط گسترده با جهان (۵) ، ضرورت تلاش غرب برای نزدیک شدن به ایران به دلیل موقعیت ژئوپلتیک حاضر، میزان جمعیت، بازار مناسب و هم جواری آن با شوروی و نیز ناتوانی اعراب در رسیدن به ائتلافی که بتواند بلوک قدرتمند و بااهمیتی به وجود آورد (۶) ، تأکید داشت. سفیر اسبق امریکا در تهران (ریچارد هلمز) بر این باور بود که «ایران در دراز مدت مایل به کار کردن با امریکا بوده و با تغییر دستگاه رهبری ایران، مصلحت اندیشی بیش تری به کار خواهد بست و امریکا نیز بازیگر اصلی در ایران خواهد بود» (۷) .

۱- ۸۰۱. مأخذ ۲۷، ص ۳۳، رادیو امریکا، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، بروس لنیکن.
۲- ۸۰۲. مأخذ ۳، ص ۳۵، رادیو امریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۷، وال استریت ژورنال، شائول بخاش، نویسنده کتاب «ردای پیامبر».
۳- ۸۰۳. مأخذ ۲۹، ص ۳۶، رادیو امریکا، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، بررسی مطبوعات امریکا.
۴- ۸۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۲۲ و ۲۳، رادیو امریکا، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷.
۵- ۸۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۹ / ۵ / ۱۳۶۷، صص ۴۴ و ۴۵، رادیو اسرائیل، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۷.
۶- ۸۰۶. رادیو امریکا، ۳ / ۷ / ۱۳۶۷، فیلیپ رابین، پژوهش گر برنامه خاورمیانه در مؤسسه سلطنتی مسائل بین المللی لندن.
۷- ۸۰۷. روزنامه وال استریت ژورنال، ۳ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۲ / ۹ / ۱۳۶۷).

نویسنده کتاب «عقاب و شیر» نیز طی سخن رانی خود در کنفرانس «انقلاب اسلامی ایران ده سال بعد»، درباره ایران گفت:

«دو موضع کلیدی در مورد ایران وجود دارد؛ نخست موضعی که مرکز اصلی آن عربستان سعودی بود و در سال های ۸۳ - ۱۹۸۲ به شدت به صورت برجسته بروز کرد، که واگذاری ایران و عراق[به حال خود]در دو سال اول جنگ و سیاست حفظ فشار بر ایران و در منگنه قرار دادن این کشور از خطوط برجسته این سیاست بود. موضع دوم،[مربوط به]عمل گرایان طرفدار جغرافیای استراتژیک بود که به ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه ای می نگرد؛ کشوری با منابع سرشار، موقعیتی بسیار مهم و جمعیتی عظیم. آنها استدلال می کنند که ایران باید ایفای نقش کند و این نقش عاملی خواهد بود در حل آن چه که در افغانستان می گذرد. عمل گرایان می گویند، امریکا و ایران در دراز مدت به هم نیاز دارند. این دو کشور دارای مشترکات زیادی هستند که می توانند با یکدیگر کار کنند. خط مشی این عمل گرایان آن بوده است که برای هموار کردن راه، اندکی به ایران فشار آورند و نگذارند که از طریق طرف های ثالث عالی رتبه ژاپنی و آلمانی مسائل حل نشود» (۱) .

فرض اصلی در تحلیل های ارائه شده - گذشته از درستی و نادرستی آنها - بر پایه دو ملاحظه کلی صورت می گرفت. نخست: تأثیر پایان جنگ پس از موافقت ایران با قطع نامه ۵۹۸ در سیاست های داخلی و خارجی این کشور و ایجاد تغییرهایی در این سیاست ها و دوم: ضرورت برقراری ارتباط امریکا و غرب با ایران - با در نظر گرفتن ملاحظه اول - به منظور موازنه جدید در منطقه و نیز مهار بحران های احتمالی منطقه ای که اساسا می توانند از برتری غیرقابل تردید عراق ناشی شوند.

۱- ۸۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۸، برگزیده ای از سخن رانی های کنفرانس انقلاب ایران ده سال بعد، بهمن ۱۳۶۷، «جیمز آی بیل».

آغاز مذاکرات بی حاصل زیر نظر دبیرکل سازمان ملل

اشاره

انتشـار متن مـذاکرات در غیر از رسـانه هـای خبری که جنبه هـای تبلیغـاتی و تحلیلی در آنهـا غلبه دارنـد، برای نخستین بار در کتاب «تاریخ سیاسـی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» نوشته آقای علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران – منتشر شد. نظر به اهمیت و ضرورت طرح این بحث و به دلیل دسترسی نداشتن به سایر منابع، گزارش این مذاکرات عمدتا با اتکاء به کتاب یاد شـده تنظیم و تـدوین شـده است. لذا برای آگاهی بیش تر، خوانندگان محترم برای اطلاع بیش تر می توانند به این کتاب مراجعه کنند.

نخستین مذاکرات در ژنو

با وجود دشواری های فراوان، سـرانجام در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش بس میـان دو کشور ایران و عراق برقرار شـد، امـا با توجه به وضـعیت حاکم بر صحنه سیاسی و جبهه های نظامی، به نظر می رسید، اوضاع به نحو آشکاری شکننده است و هر گونه حادثه یا واکنش نامناسب می توانـد منجر به از سـرگیری درگیری ها شود. بنابراین، برای «تحکیم آتش بس»، اجرای بنـد ۱ قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب نشـینی به مرزهای بین المللی الزامی بود ولی این امر بدون انجام مذاکره میان دو کشور ایران و عراق، تحقق نمی یافت. بدین منظور، دبیرکل سازمان ملل بلافاصـله پس از پایان مذاکرات آتش بس و با اسـتناد به موافقت دو کشور برای انجام مذاکرات مستقیم، طی نامه ای از وزیران خارجه ایران و عراق خواست، در مذاکرات شرکت کنند. (۱) با وجود مخالفت عراق برای شـرکت در جلسـات که موجب تـأخیر در برگزاری آن شـد، سـرانجام، بـا اعلام آمادگی این کشور و سـفر وزیران خـارجه ایران و عراق به ژنـو، سـوم شـهریور ۱۳۶۷ نخستین دور مـذاکرات آغـاز شـد. (۲) در ایـن مـذاکرات، «عقب نشـینی به مرزهـای بین المللی» مورد اهتمـام ایران بود، در حالی که عراقی ها لایروبی ارونـد و آزادی کشتی رانی را با آتش بس مرتبط دانسته و حتی تلویحا، تهدید می کردند، در صورت عدم پذیرش لایروبی و آزادی کشتی رانی، آتش بس در خطر است (۳) .

ضرورت مقابله با تلاش های جدید عراق که به منزله آغاز «جنگ صلح»

ص: ۲۰۷

۱- ۸۰۹. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسـی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسـلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۳.

۲- ۸۱۰. پیشین، ص ۳۳۴.

۳- ۸۱۱. پیشین، ص ۳۳۶.

بود، باعث شد وزیر خارجه وقت ایران طرحی را برای مقابله با پیشنهادهای خارج از دستور جلسه تهیه کند. وی در ملاقات با دبیرکل ضمن ارائه طرح خود تأکید کرد:

«ما مخالف هر صحبتی یا طرحی هستیم که عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را مخدوش نماید، ولو این که مذاکرات به بن بست برسد، این، از تعلیمات مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی به این جانب است.»

آقای ولایتی سپس افزود:

«لایروبی قاعده خاصی دارد که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مندرج است» (۱) .

در واقع، با انجام نخستین دوره مذاکرات کاملا آشکار شد که عراقی ها به هیچ وجه مایل به پیش رفت مذاکرات نیستند و با مطرح کردن مسئله لایروبی به جای عقب نشینی عملا تلاش می کردند که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نادیده بگیرند. در این حال بود که دبیرکل سازمان ملل ژنو را ترک کرده و آقای «الیاسون» را به عنوان نماینده خود در مذاکرات معرفی نمود (۲) و در پی آن دومین دور مذاکرات به ریاست نماینده دبیر کل آغاز شد. تداوم سرسختی عراق در مذاکرات سبب شد تا آقای «پیکو» یکی از دستیاران دبیرکل در ملاقاتی بگوید:

«نظر عراقی ها این است که نقش سازمان ملل حفظ شود» (۳) .

سفیر وقت ایران در ژنو نیز برای توضیح وضعیت موجود با دبیرکل ملاقات کرد. در این دیدار، دبیرکل با اعلام حمایت از نظرات و برنامه های ایران، گفت:

«عراقی ها در کار خود سرسخت و یک دنده هستند.... آتش بس در حال حاضر شکننده است» (۴) .

بدین ترتیب و پس از پایان دومین دور مذاکرات بدون دست یابی به نتیجه ای مفید، الیاسون اعلام کرد، از طرف دبیرکل به او دستور داده شده است که به مذاکرات پایان دهد. ایران نیز با آگاهی از ماهیت رفتارهای عراق

۱- ۸۱۲. پیشین، ص ۳۳۷.

۲- ۸۱۳. پیشین، ص ۳۴۱.

۳- ۸۱۴. پیشین، ص ۳۴۳.

۴- ۸۱۵. پیشین، ص ۳۴۴.

مبنی بر انجام مذاکرات دو جانبه و حذف نظارت بین المللی، تلاش کرد مذاکرات در نیویورک و تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بر همین اساس، آقای الیاسون، نماینده دبیر کل پس از قرائت بیانیه دبیرکل و تأکید بر «اجرای بند ۱ قطع نامه» بدون هیچ گونه تأخیر (۱) ، از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد، در سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی (شهریور - مهر ۱۳۶۷) در نیویورک به مذاکرات ادامه دهند. (۲) ولی وزیر خارجه عراق ضمن مخالفت با تعلیق مذاکرات، عدم موافقت کشورش را برای ادامه مذاکرات در نیویورک، به این دلیل که نیویورک شهر بی طرفی نیست، اعلام کرد. سرانجام پس از مشورت دبیرکل با ۱۵ عضو شورای امنیت و حمایت آنان از ادامه مذاکرات در نیویورک، آقای الیاسون طی بیانیه ای پیشنهاد دبیرکل را برای ادامه مذاکرات در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ (۳۱ شهریور ۱۳۶۷) تکرار کرد. (۳) طارق عزیز در این باره اعلام کرد:

«ما نظر دبیرکل را برای تشکیل یک جلسه در نیویورک می پذیریم، اما تاریخ آن مناسب نیست» (۴) .

عراقی ها مایل بودند پس از مذاکره ای یک جلسه ای در نیویورک، جلسات بعدی در ژنو تشکیل شود. به همین دلیل، طارق عزیز گفت:

«تا تاریخ مذاکرات مجدد در ژنو تعیین نشود، مذاکرات فعلی را ما تمام شده نمی دانیم» (۵) .

ادامه مذاکرات در نیویورک

پس از حضور وزیران خارجه دو کشور در نیویورک، نخستین جلسه مذاکرات سه جانبه با حضور دبیرکل در ۹ مهر ۱۳۶۷ (اول اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. عراقی ها در این جلسه علاوه بر خواسته های پیشین، خواهان تغییر محل مذاکرات بودند. نظر به این که در بند ۱ قطع نامه تصریح شده بود، پس از برقراری آتش بس در زمین، هوا و دریا، عقب نشینی بدون تأخیر انجام پذیرد،

۱- ۸۱۶. پیشین، ص ۳۴۶.

۲- ۸۱۷. پیشین، ص ۳۴۷.

۳- ۸۱۸. پیشین، ص ۳۴۸.

۴- ۸۱۹. پیشین، ص ۳۴۸.

۵- ۸۲۰. پیشین، ص ۳۴۸.

ایـن اقـدام عراق بـه منزلـه کارشـکنی در انجـام مـذاکرات و ممـانعت از بحث محتـوایی بـود. به همین دلیـل، عراقی هـا ضـمن کارشـکنی و اخلال در روند مذاکرات، تلاش می کردند که از چنین اتهامی رهایی یابند. بر پایه همین ملاحظات وزیر خارجه عراق در این جلسه گفت:

«نیویورک شهر بی طرفی نیست، عراق در مورد مسائل محتوایی در ایالات متحده نمی تواند صحبت کند» (۱) .

بـدین ترتیب، نخسـتین دور مـذاکرات در نیویـورک به دلیـل دست نیـافتن به تـوافقی در مورد محـل مـذاکرات و شـروع بحث محتوایی، به پایان رسـید. در حد فاصل زمان باقی مانده تا آغاز دومین دور مذاکرات، الیاسون با توجه به پذیرش مواضع مثبت ایران و کارشکنی عراق به سفیر وقت ایران در نیویورک گفت:

«ما در بعضـی اوقات می توانیم رأسا عمل کنیم ولی در بعضـی اوقات دیگر، نیاز به همکاری دو طرف داریم و نمی خواهیم بر عراق فشار زیادی بیاید که آتش بس شکننده شود» (۲) .

این اظهـارات نشـان می داد که سازمـان ملـل بـا وجود آگـاهی از کارشـکنی عراق، به دلیـل نگرانی از رفتـار احتمالی عراق و شرایط شکننده ای که وجود داشت، مایل به اعمال فشار بر این کشور نبود.

دومین دور مذاکرات با حضور دبیرکل در ۱۴ مهر ۱۳۶۷ (۶اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. در این جلسه، دبیرکل گفت:

«مـا قـادر نبوده ایم، چیزی را که مـایلیم به دست آوریم که آن مسـئله نیت رسـمی دو طرف به اجرای کامل «بنـد ۱» در همین زمان و مکان است.... جریان مذاکرات باید ادامه یابد، راه دیگری نیست» (۳) .

در این جلسه، وزیر خـارجه ایران بـار دیگر تأکیـد کرد، به دلیـل کارشـکنی های عراق نتیجه ای حاصل نشـده است. (۴) بدین ترتیب، دبیرکل پس از پایان دومین

ص: ۲۱۰

۱- ۸۲۱. پیشین، ص ۳۵۲.
۲- ۸۲۲. پیشین، ص ۳۵۵.
۳- ۸۲۳. پیشین، ص ۳۵۷.
۴- ۸۲۴. پیشین، ص ۳۵۷.

دور مـذاکرات که همچنان بی نتیجه مانـده بود، در گزارشـی به شورای امنیت، با ایجاد اطمینان مبنی بر «عدم خطر جدی برای شکسـتن آتش بس» و تأکیـد بر «ضـرورت عقب نشـینی به عنوان تنهـا راه برای مسـتحکم سـاختن آتش بس» (۱) ، زمـان دور جدید مذاکرات را در ژنو اعلام کرد.

در همین حـال، جمهـوری اسـلامی ایران در ادامه تلاـش هـای دیپلماتیـک خود، ضـمن اعزام هیئت هـای به کشورهـای عضـو سازمان ملل و بعضـی کشورهای مؤثر و ذی نفوذ، در ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برای توجیه نماینـدگان دیگر کشورهای مقیم تهران، تمام سفیران را به موازات امور خارجه دعوت کرد (۲) .

ادامه مذاکرات در ژنو

در مجموع هفت دوره مذاکرات با حضور دبیرکل در ژنو انجام شد که در مقایسه با مذاکراتی که پیش از این در ژنو و سـپس نیویورک صورت گرفته بود، این دور از مـذاکرات از نتایج چشم گیری برخوردار بود. نخستین دور مذاکرات مسـتقیم که زیر نظر دبیرکـل در روز سه شـنبه، دهم آبان ۱۳۶۷ برگزار شـد، دکوئیار اظهار امیـدواری کرد، بر خلاف مذاکرات نیویورک، دو طرف در ژنو وارد بحث هـای ماهوی شونـد. (۳) وزیر خارجه ایران در این جلسه مجـددا تأکیـد بر ضـرورت اجرای بند ۱ قطع نامه مبنی بر عقب نشینی به مرزهای بین المللی (۴) ، تصـریح کرد، نقشه ها و مدارک، همان اسناد و نقشه های عهدنامه ۱۹۷۵ میلادی هستند که در سازمان ملل ثبت شده است وزیر خارجه عراق نیز مواضع پیشین را بار دیگر تکرار کرد.

دومین دور مـذاکرات روز بعـد (۱۱ آبان ۱۳۶۷) آغـاز شـد. دبیرکـل بـا توجه به موافقت ایران و عراق بـا طرح چهـار ماده ای دبیرکـل که مـورد حمـایت شـورای امنیت قرار داشت، تصـریح کرد، دو کشـور توافق کرده انـد، نیروهـای خود را به مرزهـای شناخته شده بین المللی عقب بکشند و این اقدام، طی دو هفته

۱- ۸۲۵. پیشین، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۲- ۸۲۶. پیشین، ص ۳۵۹.

۳- ۸۲۷. پیشین، ص ۳۶۲.

۴- ۸۲۸. پیشین، ص ۳۶۳.

انجام خواهد گرفت و دو طرف متعهد شده اند از اقداماتی که منجر به تغییر آرایش نظامی آنان شود، خودداری کنند. در حالی که طارق عزیز مجددا مواضع پیشین کشورش را تکرار می کرد، وزیر خارجه ایران در این جلسه نیز، موافقت خود را با متن ارائه شده در سخنان مقدماتی دبیرکل اعلام کرد. (۱) وی پیشنهاد کرد، اسناد مربوط به تأیید و تکمیل عقب نشینی که همان عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر هستند، در اختیار گروه های ناظر بر آتش بس قرار گیرند. (۲) طارق عزیز نیز در این مذاکرات گفت:

«آزادی کشتی رانی و لایروبی شط العرب[اروندرود]آتش بس را کامل می کند و اگر این ها درست شود، قطع نامه نیز اجرا خواهد شد» (۳) .

وی سپس تهدید کرد:

«اگر وزیر خارجه ایران به عقب نشینی تقدم می دهد، باید بداند که ما آتش بس را مستحکم نکرده ایم. بنابراین، حالت آتش بس نمی تواند خیلی زیاد دوام بیاورد و باید آن را تحکیم کرد» (۴) .

با وجود این مجادلات، به تدریج دبیرکل سازمان ملل سایر بندهای توافق چهار ماده ای را قرائت کرد.

عدم تمایل عراق به پیش رفت مذاکرات و تکرار مواضع پیشین در مقابل پاسخ های وزیر خارجه ایران، محتوای مذاکرات را به مباحث تکراری تبدیل کرده بود و با وجود تلاش های دبیرکل در مذاکرات سه جانبه و دو جانبه با دو طرف، هیچ گونه گشایش قابل ملاحظه ای در گفت وگوها حصل نمی شد. در همان حال، نگرانی نسبت به احتمال درگیری مجدد سبب شده بود، مذاکرات تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بدین ترتیب، سومین دور مذاکرات سه جانبه روز ۱۴ آبان ۱۳۶۷ آغاز شد. دبیرکل در آغاز این مذاکرات، بر پایه تجارب به دست آمده از مذاکرات پیشین، گفت:

«در صورتی که موضوعات را به طور انفرادی بحث کنیم، هیچ یک از طرفین

۱- ۸۲۹. پیشین، ص ۳۷۲.

۲- ۸۳۰. پیشین، ص ۳۷۳.

۳- ۸۳۱. پیشین، ص ۳۷۳.

۴- ۸۳۲. پیشین، ص ۳۷۴.

موضع خود را تغییر نمی دهند.»

دبیرکل که معتقد بود برای رسیدن به تفاهم مشترک، باید مسائل را در یک مجموعه (Package) بررسی کرد (۱) و افزود:

«فرض من بر این است که برای دست یابی به صلح به ژنو آمده ایم، پیش رفت ما بستگی به تصمیم سیاسی و اراده طرفین دارد. تفاهم سیاسی کلید رسیدن به صلح است و هیچ یک از پیشنهادها جایگزین اراده سیاسی نخواهد شد» (۲) .

دبیرکل در ادامه اظهارات خود، دو طرف را ترغیب کرد تا گفت و گوها را زیر نظر الیاسون ادامه دهند. (۳) بدین ترتیب، دور سوم مذاکرات بدون دست یابی به نتیجه مشخصی پایان یافت و دبیرکل با برداشتی که نسبتا به ماهیت مذاکرات داشت، مسئولیت مذاکرات را بر عهده نماینده خود، الیاسون گذاشت و ژنو را به مقصد نیویورک ترک کرد.

چهارمین دور مذاکرات با ریاست الیاسون در ۱۶ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در این نشست، با توجه به این که دبیرکل پیش از رفتن به نیویورک، بر ایجاد کمیته مشترک نظامی و برداشتن گام های اولیه برای آزادی اسرای معلول و بیمار تأکید کرده بود (۴) ، اظهار امیدواری کرد مذاکرات از روند سازنده ای برخوردار شود. در این دور از مذاکرات نیز هر یک از وزیران خارجه ایران و عراق بار دیگر مواضع و دیدگاه های خود را تکرار کردند. الیاسون پس از گوش دادن به سخنان دو طرف تأکید کرد:

«ما مشتاق به ادامه مذاکرات سازنده هستیم» (۵) .

وی ابراز تمایل کرد که در جلسات کارشناسان که روز بعد برگزار خواهد شد، موضوعات مورد علاقه دو طرف برای نیل به اهداف قطع نامه مورد بررسی قرار گیرد.

پنجمین دور مذاکرات نیز در ۱۷ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. در این جلسه، الیاسون با بیان نظریات دو طرف در پنج بند که در مذاکرات قبلی تاکنون

۱- ۸۳۳. پیشین، ص ۳۷۹.

۲- ۸۳۴. پیشین، ص ۳۸۰.

۳- ۸۳۵. پیشین، ص ۳۸۱.

۴- ۸۳۶. پیشین، ص ۳۸۲.

۵- ۸۳۷. پیشین، ص ۳۹۲.

مطرح شده بود (۱) گفت:

«به نظر من، این تفـاوت هـا غیر قابل حل نیسـتند، ما نیاز به فرمول های عملی داریم و اگر نتوانیم، با ابتکار این راه حل ها را به اتمام برسانیم، تا خیر بیش تری را سبب خواهیم شد.»

وی دو طرف را به ارائه ایـده ها و فرمول های اجرایی دعوت کرد. (۲) الیـاسون در پایان جلسه پس از بیان مواضع دو طرف به این دلیل که مسیر بحث ها سازنده می شود، تشکر کرد و بار دیگر بر اهمیت ادامه بحث سازنده تأکید کرد (۳) .

ششمین دور مذاکرات در فضایی مشابه گذشته، در ۱۹ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در آغاز این جلسات گفت:

«باید درک کنیم که نیازی به پیش رفت در کارمان وجود دارد و گرنه محتمل است که جریان صلح در خطر قرار گیرد.»

وی در ادامه، بـا اشـاره به گفت و گوی جـداگانه با وزیران خارجه ایران و عراق و بیان این که اراده ایجاد حسن هم جواری و روابط صلح آمیز در دو طرف وجود دارد گفت:

«هر چند که از مذاکرات برمی آید، سوءظن متقابل از نیات طرفین هم وجود دارد» (۴) .

وزیر خارجه ایران در این جلسه پس از توضیحاتی درباره خودداری از پراکنده گویی و تشتت آفرینی در اظهار نظرها، گفت:

«عقب نشینی ارتباطی به پیش رفت مسائل مختلف ندارد و باید هر چه زودتر انجام شود» (۵) .

وی تأکید کرد:

«چیزی که آتش بس را تهدید می کند، عقب نشینی نکردن است» (۶) .

الیاسون در پایان این دور از مذاکرات، با ابراز خرسندی از مطالبی که بیان

۱- ۸۳۸. پیشین، ص ۳۹۴.

۲- ۸۳۹. پیشین، ص ۳۹۴.

۳- ۸۴۰. پیشین، ص ۳۹۹.

۴- ۸۴۱. پیشین، ص ۴۰۰.

۵- ۸۴۲. پیشین، ص ۴۰۱.

۶- ۸۴۳. پیشین، ص ۴۰۳.

شد، گفت:

«ما به جهتی می رویم که آمادگی برای ایجاد کمسیون مشترک نظامی بیش تر شده است.»

وی سپس پیشنهاد کرد که روز بعد، مجددا جلسه مذاکرات با حضور وزیران خارجه دو کشور برگزار شود. (۱) .

الیاسون در ابتدای هفتمین دور از مذاکرات که در ۲۰ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، گفت:

«به پایان دو هفته مذاکره در ژنو می رسیم و قدم های مثبتی در خصوص کمیته بین المللی صلیب سرخ و حل مسئله اسرا و شروع کار گروه نظامی برداشته شد.... به هر حال آنچه گفته شد، گام های کوچکی است که در راه پیش رفت برداشته شده است» (۲) .

وی سپس پیام دبیرکل را قرائت کرد. در این پیام تصریح شده بود:

«اگر قرار است که پیش رفت قابل توجهی در نشست های آینده داشته باشیم، اتخاذ تصمیم سیاسی در این مورد ضروری است.»

در بخش دیگری از این پیام اظهار تأسف شده بود که دبیرکل نمی تواند در گزارش به شورای امنیت از پیش رفت مذاکرات صحبت کند (۳) .

بدین ترتیب، مذاکرات در ژنو به پایان رسید و دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت، ضمن مختصر خواندن پیش رفت در گفت و گوها، تأکید کرد، در تفسیر از آتش بس، زمان خروج نیروها و لایروبی اروندرود[شط العرب]اختلافاتی وجود دارد. (۴) ادامه مجادلات در مذاکرات موجب یأس و سرخوردگی دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت شد، به گونه ای که گمان می رفت، دبیرکل و شورای امنیت، موضوع مذاکرات را رها کنند (۵) و این به زیان ایران و برابر خواسته و خط مشی عراق بود.

۱- ۸۴۴. پیشین، ص ۴۰۴.

۲- ۸۴۵. پیشین، ص ۴۰۴.

۳- ۸۴۶. پیشین، ص ۴۰۵.

۴- ۸۴۷. پیشین، ص ۴۰۵.

۵- ۸۴۸. پیشین، ص ۴۱۰.

مذاکرات مجدد در نیویورک

در پی اقـداماتی که پس از پایان مـذاکرات ژنو تا دور جدید مذاکرات انجام گرفت و نیز سـفر نماینده ویژه دبیرکل به بغداد و ارسـال نـامه هـای وزیران خـارجه ایران و عراق به دبیرکـل، مجـددا در ۲۸ بهمن ۱۳۶۷ ملاقـات سه جـانبه ای در نیویـورک با حضور دبیرکل انجام گرفت. در این جلسه، دبیرکل با توجه به دیدگاه های دو طرف گفت:

«دو طرف نیاز دارند که از مذاکرات صلح، محترمانه و سربلند و سرافراز بیرون آیند و برای این که به یک صلح پایدار و بلند مدت برسیم، باید در این جریان پیروز و یا بازنده ای وجود نداشته باشد» (۱) .

پس از سخنان دبیرکل طارق عزیز ضمن اعلام موافقت با اظهارات دبیرکل گفت:

«دیدارهای گذشته ما بیش تر شبیه به مجادله و جنگ تبلیغی بود و به مذاکره شباهت نداشت» (۲) .

آقای ولایتی هم در ابتدای اظهارات خود تصریح کرد:

«در سه نوبت مذاکرات گذشته، ما به هیچ نتیجه مطلوب و ملموس نرسیده ایم.»

وی خطاب به دبیرکل افزود:

«بنا به دعوت شما به نیویورک آمدیم، به رغم این که هیچ قرینه ای جدی از تغییر اوضاع نداریم» (۳) .

پس از اظهارات وزیران خارجه دو کشور، اجلاس نیویورک به پایان رسـید و مقرر شـد ادامه مـذاکرات بار دیگر در ژنو انجام شـود. در فروردین ۱۳۶۸ دبیرکـل با انتشار بیانیه ای ضـمن اشاره به مـذاکرات کارشناسـی اعلام کرد که دو طرف توافق کرده انـد، دور جدیـدی از مـذاکرات مستقیم در سـطح وزیران زیر نظر دبیرکـل از ۲۰ آوریـل ۱۹۸۹ (۳۱ فروردین ۱۳۶۸) در ژنو برگزار شود (۴) .

۱- ۸۴۹. پیشین، ص ۴۱۴.

۲- ۸۵۰. پیشین، ص ۴۱۵.

۳- ۸۵۱. پیشین، ص ۴۱۶.

۴- ۸۵۲. پیشین، ص ۴۱۹.

قبل از برگزاری نخستین دور مذاکرات جدید در ژنو، الیاسون در ملاقات با وزیر خارجه ایران گفت:

«ما مشکلی اساسی و جدی با عراق نداریم» (۱) .

مذاکرات جدید در ژنو

در نخستین دور مذاکرات که در ۳۱ فروردین ۱۳۶۸ در ژنو برگزار شد، پس از سخنان دبیرکل، طارق عزیز گفت که از آغاز مذاکرات هشت ماه می گذرد، ولی نتیجه ای به دست نیامده است. و سپس ایران را به برخورد غیر منطقی متهم کرد. آقای ولایتی نیز در پاسخ به این اظهارات و تمایل ایران به صلح سؤال کرد:

«چگونه می شود که از حسن هم جواری و آینده خوب و سازنده روابط صحبت کرد در حالی که خاک این کشور توسط دیگری اشغال شده است؟»

وی همچنین گفت:

«پس از برقراری آتش بس هیچ پیش رفت جدی در مسیر اجرای قطع نامه حاصل نشده است و این مغایر با هدف ما است» (۲) .

طارق عزیز در ادامه اظهارات خود همانند وزیر خارجه ایران تصریح کرد:

«هر دو طرف به این نتیجه رسیده ایم که پیش رفت نداشته و به نتایج ملموسی دست نیافته ایم.»

دبیرکل در پایان، در واکنش به اظهارات وزیران خارجه دو کشور گفت:

«این موجب نگرانی و ناراحتی من است» (۳) .

در دومین مذاکرات که روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، دبیرکل با صراحت اعلام کرد:

«این حرکت نامطلوبی است که ما پس از یک سال به چیزی جز همان آتش بس و استقرار نیروهای ناظر صلح سازمان ملل نرسیم.... عدم اجرای

۱- ۸۵۳. پیشین، ص ۴۲۰.

۲- ۸۵۴. پیشین، ص ۴۲۳.

۳- ۸۵۵. پیشین، ص ۴۲۳.

قطع نامه بدون آثار نخواهد بود» (۱) .

دبیرکل سازمان ملل در پایان اظهارات خود خطاب به وزیران خارجه دو کشور درخواست کرد:

«به جای تکرار مواضع گذشته، مذاکرات را در جهت اجرای مفاد قطع نامه به پیش ببرید» (۲) .

با وجود درخواست دبیرکل، نه تنها در این جلسه بلکه در سومین دور مذاکرات که یک روز بعد و در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، هیچ نتیجه و پیش رفتی حاصل نشد و عملا، روند مذاکرات در حد فاصل اردیبهشت تا آبان سال ۱۳۶۸ بیش از شش ماه متوقف ماند (۳) .

در هر صورت این مرحله از مذاکرات با وجود صرف وقت، نتیجه مشخصی دربر نداشت و همین امر، منجر به یأس و سرخوردگی دبیرکل و اعتراف تلویحی وی به شکست مذاکرات شد. وی پس از شنیدن سخنان وزرای ایران و عراق گفت:

«غلبه بر مشکلات و موانع موجود، جز با عزم جزم از سوی دو طرف میسر نخواهد شد» (۴) .

در این حال، در صحنه بین المللی از یک سو، «صلح طلبی ایران» و در مقابل، کارشکنی های عراق در روند صلح آشکار شد. همچنین سازمان ملل و شورای امنیت نشان دادند، تمایلی به اجرای قطع نامه در شرایط خاص حاکم بر آتش بس نداشتند (۵) و اگر هم می داشتند، ابزار لازم را برای اعمال فشار بر عراق و اجرای قطع نامه ۵۹۸ در اختیار نداشتند. بدین ترتیب، در این مرحله از مذاکرات، ایران مانند دوران جنگ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای احقاق حق خود به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت، امید گرفتن امتیاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران اجازه سوء استفاده از وضع نه جنگ و نه صلح را نداد (۶) .

۱- ۸۵۶. پیشین، ص ۴۲۴.

۲- ۸۵۷. پیشین، ص ۴۲۵.

۳- ۸۵۸. پیشین، ص ۴۳۱.

۴- ۸۵۹. پیشین، ص ۴۴۵.

۵- ۸۶۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، متن نامه های مبادله شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۴، مقدمه آقای هاشمی رفسنجانی.

۶- ۸۶۱. پیشین.

تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل

تلاش تهدید آمیز

با وجود توقف در روند مذاکرات وزیران خارجه ایران و عراق، تحرکات سیاسی دیگری انجام شد. از جمله می توان به سفیر الیاسون، نماینده دبیرکل سازمان ملل در آبان ۱۳۶۸ به تهران و بغداد اشاره کرد. وی ملاقات های متعددی را در سطوح مختلف انجام داد. پس از آن دبیرکل گزارش نتایج این سفر را در ۱۷ آذر ۱۳۶۸ در جلسه ای خصوصی به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند. (۱) به موازات بن بست در مذاکرات، دو جریان دیگر در حال شکل گیری بود که به تدریج تأثیر و نتایج این جریان ها بر روند مذاکرات ایران و عراق مناسبات و عراق با برخی از کشورهای منطقه، امریکا و اسرائیل آشکار شد. جریان اول، تهدیدات عراق علیه ایران و جریان دوم، افزایش تنش میان عراق و برخی کشورها بود. طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق در ۱۳ آذر ۱۳۶۸ طی مصاحبه ای اختصاصی با مجله «التضامن» گفت:

«همه شهروندان عراق می دانند که شط العرب[اروندرود]در طول تاریخ به عراق تعلق داشته و بایستی دیر یا زود به این کشور بازگردانده شود.... عراق هنوز از جانب ایران تهدید می شود و ما هنوز در وضعیت نه صلح و نه جنگ به سر می بریم.»

رمضان سپس تهدید کرد:

«اگر ایران شرایط جدیدی فراهم آورد، این امر ادامه شرایط جنگی سابق نیست، بلکه جنگ تازه ای با شیوه و تاکتیک جدید خواهد بود.»

وی در توضیح جنگ تازه گفت:

«مقصودم این است، از نظر شیوه رزمی و حجم خسارات احتمالاـ جنگی تازه خواهد بود، زیرا ما دیگر جنگ هشت ساله به ملتمان تحمیل نخواهیم کرد» (۲) .

ص: ۲۱۹

۱- ۸۶۲. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۵.

۲- ۸۶۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ۱۴۴۴، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۸، به نقل از التضامن، ۱۳ / ۹ / ۱۳۶۸.

پس از رحلت امام خمینی رحمت الله علیه در خرداد ۱۳۶۸ عراقی ها - با توجه به تبلیغات رسانه های خارجی - با این فرض که کشمکش تازه ای در عرصه قدرت سیاسی روی خواهد داد، تحولات داخل ایران را با دقت زیر نظر داشتند. رمضان در همین مصاحبه گفت:

«هنوز مراکز تصمیم گیری در ایران مشخص نشده و احتمال بروز تحولات تازه ای وجود دارد» (۱) .

این اظهارات به خوبی نشان می دهد که عراقی ها پس از رحلت امام و با این تصور که روند بی ثباتی سیاسی در ایران آغاز شده است، نخست از انجام مذاکرات سه جانبه خودداری کردند و با اعلام مواضع جدید، دست به تهدیدات ایران زدند. آزمایش موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای عراق و پرتاب آن به فضا در آذر ۱۳۶۸ در واقع نشان دادن قدرت مندی عراق و پشتوانه اظهارات جدید مقام های این کشور بود. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق پس از آزمایش موفقیت آمیز این موشک، در سخنانی گفت:

«کشورش قادر است هر نقطه ای در جهان را مورد حمله قرار دهد.... عراق همچنان مورد تهدید ایران است، لذا باید قدرت دفاعی خود را افزایش دهد تا طرف مقابل را از هر گونه اقدامی بازدارد» (۲) .

طارق عزیز در مورد دلیل کاربرد موشک جدید نیز گفت:

«اگر هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه به عراق حمله کند، این کشور حق دارد که در مقابل متجاوز از خود دفاع کند» (۳) .

افزایش قدرت موشکی و تهدید عراق مبنی بر مقابله با هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه، حاوی مفاهیم بسیار گسترده ای بود که جریان جدیدی را در رسانه های غربی بر علیه عراق شکل داد و به تدریج زمینه های افزایش تنش در روابط عراق با امریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان و کویت را فراهم ساخت و سرانجام، با اقدام عراق در اشغال

۱- ۸۶۴. پیشین.

۲- ۸۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۸، طارق عزیز، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۸.

۳- ۸۶۶. پیشین.

کویت، بحران گسترده ای منطقه را فراگرفت.

عراقی ها با درکی که نسبت به اوضاع داخلی ایران پس از رحلت امام و منطقه داشتند، از این پس ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح را به زیان خود ارزیابی می کردند، لذا در مرحله نخست، تلاش کردند، با تهدید ایران، این کشور را به نادیده انگاشتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و پذیرش صلح تحمیلی وادار کنند، لیکن مقاومت ایران منجر به ارائه طرح پیشنهادی (۱) صدام در ۱۵ دی ۱۳۶۸ شد. صدام به مناسبت شصت و نهمین سالگرد تأسیس ارتش عراق، طرح صلح خود را مطرح کرد که شامل موارد زیر بود:

۱- مبادله کلیه اسرای مجروح و معلول و نیز کلیه اسرایی که تا سال ۱۹۸۲ میلادی اسیر شده اند.

۲- ملاقات مقام های ایرانی و عراقی در تهران و بغداد به منظور حل اختلافات و درک بهتر دیدگاه های طرفین در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸.

۳- گشودن مرزهای دو کشور و افتتاح دفاتر هواپیمایی ایران و عراق در بغداد و تهران و فراهم آوردن تمهیدات لازم برای مشتاقان زیارت اماکن متبرکه در دو کشور (۲) .

محتوای این پیشنهاد گر چه بیانگر خط مشی عراق مبنی بر حذف سازمان ملل و دبیرکل از روند مذاکرات یا تأکید بر مذاکرات مستقیم میان دو کشور بود و در گذشته صدام چند بار از طریق نمایندگی های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر پیام خود را برای مقام های ایرانی ارسال کرده بود (۳) .

اما محتوای این پیام ها با توجه به اقدامات بعدی عراق، و همچنین محتوای نامه صدام به رئیس جمهور ایران نشان دهنده ی تلاش عراق برای به دست

۱- ۸۶۷. صدام در نخستین نامه ای که برای رهبران ایران در اردیبهشت ۱۳۶۹ ارسال کرد به این پیشنهاد اشاره داشته.

۲- ۸۶۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۳۸.

۳- ۸۶۹. مأخذ ۹۳.

گرفتن ابتکار عمل و پایان دادن به شرایط نه جنگ و نه صلح بود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی اعتمادی نسبت به فعالیت های عراق و نگرانی از تهدیدات این کشور علیه خود، ضمن نادیده گرفتن پیشنهاد جدید عراق، در جبهه های جنگ نیز آمادگی نظامی خود را آشکار ساخت. در این خصوص، مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای، با توجه به نامه آقای ولایتی که در آن نگرانی خود را از اقدام نظامی عراق ابراز کرده بود، نیز ضمن دستور اعزام تیم بازرسی از ستاد کل نیروهای مسلح، به خطوط مقدم و بررسی وضعیت منطقه، به نیروهای سپاه و ارتش ابلاغ فرمودند که از آمادگی و هوشیاری لازم برخوردار شوند.

بن بست حاکم بر مذاکرات در یک نگاه کلی، متأثر از عوامل گوناگونی بود، از یک سو عراق در نظر داشت، آنچه را که در جبهه های جنگ و متکی بر توان نظامی در ماه های پایانی جنگ به دست نیاورده بود در پشت میز مذاکره کسب کند و در سوی دیگر میز مذاکره، جمهوری اسلامی ایران علی رغم دست نیافتن به پیروزی قطعی نظامی، به دلیل هشت سال مقاومت جنگ در برابر توسعه طلبی و اقدامات تجاوزکارانه عراق و تأکید بر تحقق خواسته های بر حق خود، نمی توانست، شرایط عراق را بپذیرد. همچنین، ایران، با تعیین اولویت های جدید و با تأکید بر بازسازی و توسعه اقتصادی، روند تازه ای را پس از جنگ، در پیش گرفته بود. علاوه بر آن دورنمای روشنی برای تحمیل اراده سیاسی و خواسته های ایران بر عراق با تأکید بر راه های غیر دیپلماتیک وجود نداشت، زیرا ایران از نظر نظامی در موقعیتی قرار نداشت که به اهداف خود با ابتکار عمل نظامی دست یابد. در همین حال امریکا، غرب و سازمان ملل نیز فاقد انگیزه، اراده و ابزار لازم برای اعمال فشار بر عراق بودند. در نتیجه به نظر می رسید، ادامه وضعیت «نه جنگ نه صلح» با توجه به دورنمای مبهم روند صلح و به دلیل خطرات موجود، موجب نگرانی کشورهای منطقه و تا اندازه ای

ایران و عراق شـده بود. ریشه این مسـئله – صـرف نظر از هر گونه ملاحظـاتی – اساسـا به این موضوع بازمی گشت که ایران و عراق هیـچ یک به شـکلی تعیین کننـده، در جنگ پیروز نشـده بودند، بنابراین، قادر نبودند راه حل موردنظر خود را بر دیگری تحمیل کنند. در عین حال، هیچ یک از دو طرف در موقعیتی قرار نداشت که بتواند شکست را بپذیرد (۱) .

تلاش صلح جویانه

در حالی که مـذاکرات و روش صـلح جویانه به صورتی اجتناب ناپذیر بر دو طرف تحمیل شده بود و عملا امکان گشایش بن بست و پیش رفت در مـذاکرات بسـیار ضـعیف به نظر می رسـید، سه راه کـار کلی برای پشت سـر نهـادن این وضـعیت وجـود داشت:

۱- اعمـال فشـار بین المللی بر عراق به منظور ایجـاد تمکین در آن کشور برای پـذیرش راه حـل مسالمت آمیز زیر نظر سازمان ملـل و دبیرکـل، برخی از تحلیـل گران معتقـد بودنـد که بـدون وارد آوردن فشـار از خارج، چشم انـدازی برای تحرک وجود نـدارد؛ همان گونه که بدون فشار، امکان برقراری آتش بس وجود نداشت. (۲) این روش، به دلیـل نبود ابزار و تمایل همراه با وحدت اراده در اعضای شورای امنیت، نمی توانست نتیجه مطلوبی داشـته باشد، چرا که در این برهه زمانی روس ها از موضع عراق حمایت کرده و خواستار مذاکره مستقیم میان دو طرف درگیر و یا میانجی گری مسکو بودند.

۲- آغاز مجـدد درگیری نظامی به وسـیله یکی از دو طرف علیه دیگری با هـدف کسب برتری و تحمیل خواسـته های خود بر طرف مقابـل؛ بر پـایه نظر برخی منابع، احتمال داشت عراق با توجه به پیش رفت هایش در تهیه و ساخت تسـلیحات شـیمیایی، میکروبی و موشـکی، از آنها استفاده کند. چنان که، برخی از مقام های رسمی عراق صریحا به این مسئله اشاره کرده بودند. به نظر

۱- ۸۷۰. مأخذ ۱۰.

۲- ۸۷۱. پیشین.

می رسید، ظرفیت لازم برای شروع جنگی دیگر در منطقه، تا اندازه ای در داخل ایران و احتمالاً در داخل عراق وجود نداشت. با این حال وضعیت به گونه ای بود که معاون وزارت خارجه امریکا در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آن کشور گفت:

«طرفین از آتش بس راضی نیستند و هر دو طرف تهدید به از سرگیری فعالیت نظامی کرده اند. هیچ حرکتی در جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ وجود نداشته و هیچ حادثه خاصی وجود ندارد که ما را متقاعد کند که احتمال آغاز جنگ از شش ماه بیش تر است» (۱) .

۳- تلاش دیپلماتیک دو طرف درگیر جهت به دست گرفتن ابتکار عمل برای خروج مذاکرات از بن بست؛ این راه کار که می توانست در روند مذاکرات گشایشی به وجود آورد، به وسیله عراق - نظر به اهداف و شرایطی که داشت - با ارسال نامه برای رئیس جمهور ایران آغاز شد و سرانجام، به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق و عقب نشینی نیروهای این کشور از خاک ایران و آزادی دو جانبه اسرا منجر شد.

زمینه های تلاش صلح جویانه

شرایط و عواملی که به ابتکار عمل عراق در انتخاب روش صلح جویانه منجر گردید زمینه های متفاوتی داشت که به تدریج نشانه های آن آشکار شد. اما به طور مشخص، می توان گفت، موافقت جمهوری اسلامی با قطع نامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تعیین اولویت های سیاست خارجی و داخلی ایران با تأکید بر توسعه اقتصادی و ابراز تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان (۲) و در مقابل ادامه سیاست توسعه طلبانه عراق

۱- ۸۷۲. بولتن وزارت اطلاعات، ۲۸ / ۹ / ۱۳۶۸.

۲- ۸۷۳. تمایل ایران به تنش زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان با اقدام در میانجی گری برای حل مناقشات آسیای میانه و قفقاز آشکار شد.

در منطقه و اعمال تهدید و ارعاب علیه همسایگان و قدرت نمایی با آزمایش پرتاب موشک ۴۸ تنی سه مرحله ای به فضا، زمینه آغاز رویکرد جدید منطقه ای امریکا و غرب را فراهم ساخت. بر اساس این رویکرد جدید، به نظر می رسید، از این پس مأموریت صدام برای مقابله با انقلاب اسلامی به پایان رسیده است. روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک هفته نامه چاپ لندن در این باره نوشت:

«بغداد دیگر نمی تواند ادعا کند که در حال ایفای نقش مهمی در جلوگیری از انقلاب ایران است. بلکه تاکنون تنها خود را درگیر مداخله در مناقشه اعراب و اسرائیل کرده است. جنگ علیه ایران از یک جنبه، مأموریتی برای نشان دادن برتری استراتژیک عراق بود و صدام مأموریت داشت، جلوی انقلاب ایران را بگیرد و از گسترش بنیادگرایی اسلامی به سراسر منطقه جلوگیری کند» (۱) .

بعدها، پس از اشغال کویت، صدام نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی فرانسه، به مأموریت عراق در جهت منافع غرب اشاره کرد و گفت:

«عراق برای منافع غرب با ایران جنگید و اگر کشورش موفق نمی شد جلوی پیش روی نیروهای ایرانی را بگیرد، وضعیت کنونی غرب نامعلوم بود» (۲) .

در همین راستا، به تدریج موج جدیدی در رسانه های خارجی با ابراز نگرانی نسبت به افزایش توان نظامی عراق و ضرورت مهار آن، مطرح شد. به طور طبیعی این مسئله از نظر مسئولان و تصمیم گیرندگان عراق پوشیده نبود و می توان بخشی از ریشه های ابتکار عمل عراق برای صلح با ایران را در همین نگرش جست و جو کرد.

قدرت نظامی عراق با پرتاب احتمالا موفقیت آمیز نخستین موشک ماهواره ای دوربرد به فضا و پرتاب دو فروند موشک زمین به زمین دیگر با برد دو هزار کیلومتر خطری برای تمام منطقه مدیترانه و اروپای غربی - حداقل در بخش جنوبی آن - ارزیابی می شد. (۳) روزنامه اشپیگل، چاپ آلمان طی

۱- ۸۷۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۹.

۲- ۸۷۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۹.

۳- ۸۷۶. ستاد مشترک ارتش (سماجا)، بولتن اخبار و گزارشات روزانه ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸، شماره ۹۳.

مقاله ای در این باره نوشت:

«دهه جدید، عصر رسیدن عراق به تکنولوژی مدرن می باشد و برای اولین بار، خطر در تیررس قرار گرفتن قاهره، آتن، استامبول و تمام نقاط ایران و اسرائیل و منطقه خاورمیانه توسط عراق وجود دارد» (۱) .

احتمال دست یابی عراق به بمب اتمی با کمک چین و برخی کشورهای دیگر و همچنین، گسترش تسلیحات شیمیایی، این کشور را قادر می ساخت با استفاده از موشک کندور ۲، با برد ۲۰۰۰ کیلومتر حتی بتواند، به عنوان یک قدرت نظامی برتر در منطقه، خودنمایی کند و با بهره برداری از این قدرت، بر فشار خود به کشورهای منطقه بیفزاید. (۲) بر مبنای این تحلیل ها برخی کارشناسان توصیه می کردند، باید کاری کرد که محاسبات بغداد به هم خورده و عراقی ها پی ببرند که تلاش های دست رسی به سلاح های هسته ای مقرون به صرفه نخواهد بود (۳) .

در این راستا، امریکایی ها در ادامه فشار تبلیغاتی و روانی علیه عراق، پرداخت وام یک میلیارد دلاری به این کشور را لغو کردند (۴) و انگلیسی ها نیز پس از اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی انگلیس و عراق در لندن، اعتبار صادراتی عراق طی سال ۱۹۹۰ میلادی را بیش از ۳۰ درصد کاهش دادند (۵) .

افزایش تنش در روابط عراق و امریکا و همچنین تهدیدهای عراق و اسرائیل علیه یکدیگر در این مرحله قابل ملاحظه بود. صدام طی سخنانی، از حضور امریکا در منطقه با توجه به برقراری آتش بس، انتقاد کرد و تکرار این مطلب از سوی امریکایی ها که «قصد دارند در منطقه بمانند» را سؤال برانگیز دانست. (۶) روزنامه القادسیه، ارگان ارتش عراق نیز سیاست امریکا در جهان عرب را با توطئه چینی و تهدیدات دانست و شعار «یانکی به خانه ات برگرد» را به عنوان شعار مردم جهان مورد استقبال قرار داد. (۷) صدام در این مرحله به

۱- ۸۷۷. مأخذ ۹۶، دی ولت، چاپ آلمان غربی، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۹ (۱۹ / ۹ / ۱۳۶۸).

۲- ۸۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، لئونارد اسپکنر، کارشناس امور هسته ای در بنیاد مطالعاتی صلح کارنگی در واشنگتن.

۳- ۸۷۹. پیشین.

۴- ۸۸۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۸، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۹، رادیو بین المللی فرانسه.

۵- ۸۸۱. هفته نامه آدینه، شماره ۵، ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۸، روابط اقتصادی عراق و انگلیس.

۶- ۸۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۷، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۸، صدام حسین در ملاقات جان کلی معاون وزارت امور خارجه امریکا، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸.

۷- ۸۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۳۶، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۸، بغداد، آسوشیتدپرس، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۸.

صورت تلویحی از موضع برخی کشورهای میانه رو عرب ماننـد کشورهای ثروتمند خلیج فارس و طرف دار امریکا انتقاد کرد. (۱) صدام در گفت و گو با مبارک، رئیس جمهور مصر در مورد مواضع اخیر خود گفت:

«عراق در برخورد با قدرت های بزرگ جهانی به شیوه «سر زیر خاک بردن همچون شترمرغ» اعتقاد ندارد و پس از پیروزی در جنگ با ایران، روش عقب نشینی در صحنه سیاست جهانی را نمی پذیرد» (۲) .

در پی نگرانی عراق از اقدام ناگهانی اسرائیل علیه این کشور - همانند حمله اسرائیل به دو مرکز اتمی عراق در سال ۱۹۸۱ میلادی، پس از تجاوزش به ایران - اسرائیل را به مقابله به مثل تهدید کرد. صدام در دیدار با پنج سناتور امریکایی از جمله؛ «رابرت دال» رئیس اقلیت جمهوری خواه سنا که در موصل انجام گرفت، تصریح کرد:

«من دستور خودم را برای فرماندهان نیروی هوایی و فرماندهان موشکی عراق در مورد این که به محض اطلاع از حمله اسرائیل با بمب اتمی، به کمک سلاح شیمیایی دوگانه پاسخ دهند را صادر کرده ام.... احتمال دارد، روزی به هنگام گردهمایی فرماندهان نظامی، اسرائیل یک بمب اتمی به بغداد شلیک کند، از این رو، به فرماندهان برای پاسخ گویی به چنین حمله ای دستور واضح صادر کرده ام» (۳) .

در این حال، ولیعهد بحرین در مصاحبه با مجله «السیاسه» در تداوم مواضع عراق گفت:

«اگر اسرائیل اشتباه کند و به عراق حمله کند، پاسخ عراق سخت خواهد بود» (۴) .

واکنش عمومی اعراب نیز نسبت به هشدارهای صدام مثبت و قابل ملاحظه بود، حتی حافظ اسد از مواضع بغداد پشتیبانی کرد. در حالی که عراقی ها نگران حمله ناگهانی اسرائیل بودند و نسبت به آن هشدار می دادند،

---

۱ - ۸۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۳۴۴، ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۸، مقاله روزنامه تایمزمالی.

۲- ۸۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۱، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۹، روزنامه السیاسه، چاپ کویت.

۳- ۸۸۶. مأخذ ۱۱۱، خبرگزاری فرانسه، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

۴- ۸۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۶، ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

وزیر دفاع اسرائیل (موشه آرنز) گفت:

«عراق ممکن است بدون تحریک قبلی به اسرائیل حمله کند. ما بیانیه های عراق را خصمانه تلقی می کنیم» (۱) .

آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران

نخستین نامه رئیس جمهور عراق

در حالی که فضای بین المللی به شدت علیه عراق شکل می گرفت و تهدیدهای متقابل عراق و اسرائیل علیه یکدیگر احتمال وقوع درگیری مجدد در منطقه را افزایش داده بود، در ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه سربسته ای از رئیس جمهور عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رئیس جمهور ایران ارسال شد. به منظور بررسی مضامین نامه و همچنین تهیه جواب و برخورد مناسب با این موضوع، در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۹ جلسه ای در محضر مقام معظم رهبری و با شرکت اعضای شورای عالی امنیت و مشاوران سیاسی رهبری و رئیس جمهور تشکیل شد. (۲) در این نشست، با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، احتمالات زیادی در مورد انگیزه و علت اصلی اقدام عراق مطرح شد. در حالی که وضعیت عراق از نظر اقتصادی، مشکلات سیاسی اش با همسایگان و طلب کاران به ویژه امریکا و فرانسه، توجهات را به خود معطوف کرده بود، کمتر احتمال داده می شد که جنگی بین عراق و حامیان دیروز و آن روزش به وجود آید (۳) .

صدام در نخستین نامه خود ضمن اشاره به ابتکار پنجم ژانویه ۱۹۹۰ میلادی، تصریح می کند:

«تاکنون متقابلاـ به صلح مورد علاقه دو کشورمان راه نیافته ایم تا با هم از بلایای جنگ و امکان شعله ور شدن مجدد آن فاصله بگیریم» (۴) .

وی می افزاید:

ص: ۲۲۸

---

۱ – ۸۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹، بیت المقدس، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۲– ۸۸۹. مأخذ ۱۰۱.

۳– ۸۹۰. پیشین، ص ۱۵.

۴– ۸۹۱. پیشین، ص ۲۱.

«بدیهی است که امر خیر و آنچه می تواند پایه و اساسی برای آمال و آرزوها باشد، ممکن است در هاله ای از حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز قرار گیرد.» (۱) .

در این نامه، ضمن اشاره به احتمال شعله ور شدن مجدد جنگ امکان حدس و گمان ها و تفسیرهای شک برانگیز نسبت به اقدام غیرقابل پیش بینی عراق ابراز شده است. صدام در ادامه نامه خود، به اخبار مربوط به تهدیدهای صهیونیسم و برخی ابرقدرت ها اشاره کرده و احتمال «از سرگیری ستیز مسلحانه و خونین، بین ایران از یک طرف و امت عربی از طرف دیگر» را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین، وی در این نامه پیشنهاد ملاقات مستقیم در مکه مکرمه یا هر مکان دیگری را مطرح و اظهار امیدواری می کند:

«بدین ترتیب، خون هایی را که چه بسا بار دیگر به هر علت بر زمین ریخته شود، محفوظ بداریم، زیرا از جمله احتمالات مترتب بر وضع موجود این که عوامل دست اندرکار وقوع فتنه میان ایران و عراق در گذشته، بار دیگر برای شروع مجدد جنگ به نحوی که صلح را از دو کشورمان دور سازد، تلاش کنند» (۲) .

در نخستین نامه رئیس جمهوری عراق، کلیه کلمات و عبارات، ابهام برانگیز و نگران کننده بودند و حتی از این عبارات نوعی تهدید قابل استنباط بود؛ با این حال، در یک نگاه کلی و با توجه به فضای تنش زا در منطقه، نفس اقدام عراق مثبت ارزیابی می شد. طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در سخنانی، با تأیید ارسال نامه صدام به ایران گفت:

«این نامه، نامه صلح بوده است» (۳) .

رادیو لندن طی تفسیری در این باره گفت:

«دوران ما و عمل غرب با عراق به پایان رسیده است و همه این واقعیات برای تغییر و تفسیر علل اقدام سازش کارانه اخیر صدام جهت حل اختلافات با ایران کمک می کنند» (۴) .

۱- ۸۹۲. پیشین، صص ۲۱ و ۲۲.

۲- ۸۹۳. پیشین، ص ۲۳.

۳- ۸۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۴۵، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۹، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۹.

۴- ۸۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۳، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو لندن، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۹.

نگرانی برخی از محافل نسبت به ماهیت اقدام اخیر عراق و پی آمدهای احتمالی آن، منجر به ایجاد ابهام نسبت به ابتکار عمل جدید عراق شد.

رادیو اسرائیل طی تفسیری، هدف عراق از این اقدام را حذف سازمان ملل از دور مذاکرات دانست. (۱) رادیو مسکو نیز در تفسیری گفت:

«علائم سازش احتمالی روز به روز آشکار می شود» (۲) .

روزنامه الدستور نیز نوشت:

«این ابتکار، به خودی خود مسئله مهمی است و برای اولین بار برای شکستن بن بست مذاکرات، دو طرف به مبادله مستقیم نظریات خود پرداخته اند. این اقدام نشانه خرسندی رهبری عراق است، زیرا این کار به عراق فرصت می دهد، در صورت هر گونه مقابله احتمالی با اسرائیل از جانب ایران آسوده خاطر باشد» (۳) .

پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق

با توجه به اقدامات اخلال گرانه عراق در مذاکرات صلح وجود ابهاماتی در خصوص انگیزه صدام حسین از ارسال نامه به رئیس جمهور ایران و همچنین، محتوای این نامه، سرانجام پس از بحث و بررسی های انجام شده، به وسیله رهبران جمهوری اسلامی آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران در پاسخ به نامه صدام می نویسد:

«به راستی اگر مطالبی که در این پیام آمده[است]هشت سال پیش مورد توجه واقع می شد و ارسال پیام جای اعزام سرباز را می گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود» (۴) .

در ادامه نامه نوشته شده است:

«در همان آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین ها در مرزهای غربی کشور اشغال گردید» (۵) .

۱- ۸۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۶، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.
۲- ۸۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۷، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۹.
۳- ۸۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۵۸، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۹، امان، خبرگزاری کویت، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۹.
۴- ۸۹۹. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۰.
۵- ۹۰۰. پیشین، ص ۳۰.

با توجه به برداشتی که نسبت به ماهیت تهدید آمیز نامه صدام وجود داشت در نامه آقای هاشمی تصریح شده است:

«ادامه وضع نه صلح نه جنگ و یـا تجدیـد جنـگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران، ویرانی بیش تر و برای امت اسلامی، ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد آورد.»

آقـای هاشـمی (فرمانـده عـالی جنگ در سال های پایانی مقاومت هشت ساله) با اشاره به تجربه جنگ، به صـدام یادآوری می کند:

«تجربه جنگ تحمیلی به دیرباوران هم فهمانـد که تهاجم نظامی قادر نخواهـد بود که پایه های انقلاب اسـلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد» (۱) .

وی در بخش دیگری از نامه خود نوشت:

«مـا از هر گونه ابتکار و پیشـنهادی که دو کشور را به صـلح جامع برسانـد اسـتقبال می کنیم و وضـعیت نه جنگ و نه صلح را مطلوب نمی دانیم» (۲) .

همچنین در این نامه تصریح شده است:

«ادامه اشغال بخشی از سرزمین ما می تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع، کند و یا بی ثمر کند.»

رئیس جمهور اسلامی ایران در ادامه تأکید می کند:

«قبل از تماس رؤسای جمهوری، نماینـدگان بحث های کارشناسـی را انجام دهنـد و شـیوه اقـدام به گونه ای باشد که خللی به اعتبار قطع نامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نشود» (۳) .

همان گونه که از محتوای این نامه روشن است، پاسخ ارائه شده کاملا احتیاط آمیز بود. در این نامه ضـمن استقبال از صلح، به تهدیـدهای احتمالی پاسخ داده شـده و تلاش شده است، حقانیت مواضع و اقدامات ایران با توجه به ماهیت رفتار تجاوزکارانه عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اثبات شود.

ص: ۲۳۱

۱- ۹۰۱. پیشین، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- ۹۰۲. پیشین، ص ۳۱.

۳- ۹۰۳. پیشین، ص ۳۲.

نماینده خبرگزاری فرانسه واکنش اخیر ایران را که به مبادله نامه میان رؤسای جمهوری دو کشور ایران و عراق منجر شد، به منزله عقب نشینی این کشور از مواضع قبلی خود ارزیابی کرد، همچنین خبرنگار شبکه «سی.بی.اس» امریکا در آستانه شکل گیری مرحله جدیدی از مناسبات ایران و عراق این سؤال را طرح کرد که «چگونه می شود به عراق اطمینان کرد»؟ (۱) .

دومین نامه رئیس جمهور عراق

در نامه دوم صدام که در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ نوشته شد، آمده است:

«برداشت ما این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری «ملاقاتی در سطح سران» برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده[است]، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم» (۲) .

صدام در این نامه اشاره کرده است:

«روح پیام شما آن چنان که ما امیدوار بودیم نبود» (۳) .

وی در مورد علت مکاتبه مستقیم به عنوان روشی مفیدتر برای ایران و عراق و همچنین، مفهوم صلح و نحوه تحقق آن می نویسد:

«صلح بین دو کشور نمی تواند بر این اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح بدون آن که به موازات آن اندیشه ها، مفاهیم و روش ها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود» (۴) .

صدام با گلایه از به کارگیری برخی عبارات از جمله «جنگ تحمیلی» و «والسلام علی من اتبع الهدی» به جای «والسلام علیکم» می افزاید:

«به کارگیری الفاظ و عبارات زمان جنگ این توهم را به وجود نمی آورد که به کار برنده آن الفاظ به قدرتی افزون بر قدرت شناخته شده آن در زمان جنگ،

۱- ۹۰۴. مأخذ ۱۲۷، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۰۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۳۵.

۳- ۹۰۶. پیشین، ص ۳۵.

۴- ۹۰۷. پیشین، ص ۳۶.

دست یافته است؟» (۱) .

در ادامه نامه درخواست شده است:

«هیچ یک از طرفین به گذشته نپردازد تا بدین وسیله به آینده لطمه نزند. (۲) ....[زیرا]هر یک از طرفین نزاع برای آغاز جنگ، تاریخ خاص خود را دارد» (۳) .

«در این نامه تأکید شده است: هیچ یک از دو طرف کشمکش شایسته نیست که پیش بهایی برای دیدار مستقیم غیر از تمایل جدی به تحقق صلح، بپردازد» (۴) .

این درخواست، بیش تر در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر عقب نشینی از مناطق اشغالی بود. زیرا در ادامه همین عبارات، توضیحاتی در مورد زمان عقب نشینی نیروهای عراقی در سال ۱۹۸۲ میلادی در مقایسه آن با شرایط عقب نشینی ایران از حلبچه آمده است.

دیدار نمایندگان دو کشور

در پی موافقت با پیشنهاد آقای هاشمی مبنی بر دیدار نمایندگان دو کشور قبل از ملاقات سران، «برزان ابراهیم التکریتی» و آقای «سیروس ناصری» به عنوان نمایندگان دو کشور، مذاکرات را آغاز کردند و در مورد تعیین مکان، از ایران درخواست شد نظر خود را به طور صریح بیان کند.

به تدریج، مندرجات نامه های سران دو کشور منجر به نوعی مجادله شد، همان گونه که در مذاکرات صلح، بین وزیران خارجه ایران و عراق چنین بحث های بی نتیجه ای مطرح شده بود. در واقع، این اظهارات بخشی از دیدگاه ها، حقایق و واقعیت های گذشته را مطرح می ساخت و به لحاظ تاریخی ارزشمند بود، اما به هیچ وجه به گشایش در بن بست مذاکرات و رهایی از وضعیت «نه جنگ نه صلح» کمک نمی کرد.

ص: ۲۳۳

۱- ۹۰۸. پیشین، ص ۳۷.

۲- ۹۰۹. پیشین، ص ۳۸.

۳- ۹۱۰. پیشین، ص ۳۸.

۴- ۹۱۱. پیشین، ص ۳۹.

پاسخ آقای هاشمی به نامه دوم رئیس جمهور عراق

رئیس جمهور ایران در نامه دوم خود که در ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، تصریح می کند:

«جواب نامه دوم را هم می دهیم ولی انتظار داریم، بعد از این وقت را با مبادله نامه ها تلف نکنیم» (۱) .

در این نامه در پاسخ به گله های رئیس جمهور عراق آمده است:

«در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده (۲) ، ولی بهتر است که بگذاریم و بگذریم» (۳) .

در ابتدای این نامه، تصریح شده است، برخلاف انتظار و درخواست صدام، حضرت آیت الله خامنه ای در مذاکرات شرکت نکرده و رئیس جمهور با اختیارات کامل عمل خواهد کرد. همچنین، در این نامه به بخشی از بحث های مطرح شده در نامه صدام در مورد عقب نشینی پاسخ داده شده و سپس در نامه ای سیروس ناصری به عنوان نماینده رئیس جمهور در مذاکرات معرفی می شود. (۴) در این نامه، شهر مکه به عنوان محل مذاکرات - به خاطر نقش سعودی در زمان جنگ - پذیرفته نشده و مقرر می شود، در آستانه شروع مذاکرات، محل مشخص شود. در این نامه، آقای هاشمی بر این مسئله تأکید می کند که دبیرکل در جریان مذاکرات قرار گیرد تا از ابتکارهای ایشان در راه تحکیم صلح استفاده شود (۵) .

صدام در سومین نامه خود در ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۹ (۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰) درخواست اعزام نماینده به تهران را مطرح می کند که به آن پاسخ داده نمی شود. چهارمین نامه عراق نیز که آخرین نامه آن کشور پیش از تهاجم به کویت است، در ۸ مرداد ۱۳۶۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰) نوشته شد. این نامه به لحاظ محتوایی با نامه های قبلی کاملا تفاوت داشت، صدام در این نامه، نظرات

۱- ۹۱۲. پیشین، ص ۴۳.

۲- ۹۱۳. پیشین، ص ۴۴.

۳- ۹۱۴. پیشین، ص ۴۵.

۴- ۹۱۵. پیشین، ص ۴۶.

۵- ۹۱۶. پیشین، ص ۴۷.

خود را در ۱۳ بند درباره دست یابی به صلح ارائه می کند. در مقدمه ی این نامه آمده است:

«پس از بررسی دقیق تحول روابط و وضعیت فعلی میان عراق و ایران و خطراتی که منطقه را در بر گرفته و محیط بر آن شده[است]و... خود را در موقعیت ارائه پیشنهاد تازه ای یافتیم» (۱) .

در این نامه بار دیگر به نیروهای اهریمنی اشاره شده و آمده است:

«[آنها می خواهند]با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجددا جرقه جنگ را بزند، سوق دهند» (۲) .

صدام در این نامه به جبهه خشکی (مرز زمینی) ایران و عراق به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و مرز آبی در دریا به طول ۸۰۰ کیلومتر اشاره می کند. (۳) استفاده از عبارت ۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی که شامل سواحل کویت، عربستان، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز می شود، ابهامات زیادی را به هنگام مطالعه نامه برانگیخت. شاید این عبارت، صریح ترین عبارتی باشد که صدام در این نامه به کار برده است و بدین وسیله، در واقع، به اهداف خود مبنی بر تصرف کویت و گسترش مرز دریایی اشاره می کند. نظر به این که چنین احتمالی پیش از اشغال کویت داده نمی شد لذا، مقام های ایرانی این عبارات را به منزله نوعی تهدید ارزیابی کردند، زیرا صدام در این نامه بار دیگر به احتمال از سرگیری جنگ ایران با بهانه های ساده اشاره می کند (۴) .

در بند ۳ این نامه به اصل توافق برای آغاز مذاکرات اشاره شده و در بند ۴ بر عقب نشینی نیروهای دو کشور در مدت دو ماه پس از تصویب نهایی توافق های همه جانبه دو طرف تأکید شده است. در بند ۵ نیز آمده است، آزادی اسرا همانند عقب نشینی و هم زمان با آن (برابر بند ۴) قابل اجرا می باشد. در سایر بندها نیز به موضوعاتی مانند نحوه تصمیم گیری در مورد

۱- ۹۱۷. پیشین، ص ۵۱.

۲- ۹۱۸. پیشین، ص ۵۲.

۳- ۹۱۹. پیشین، ص ۵۲.

۴- ۹۲۰. پیشین، ص ۵۲.

اروندرود، تضمین اجرای قطع نامه از سوی یک مرجع بین المللی، نحوه تقسیم کمک های بین المللی برای بازسازی دو کشور و گشایش سفارت خانه ها در تهران و بغداد اشاره شده است. در آخرین بخش این نامه آمده است:

«پیشنهاد فوق فراگیر بوده و اجزای آن به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک است و رسیدن به آن با استمداد از تجربه و نیز گفت و گوهای نمایندگان ما در ژنو، آقایان ناصری و برزان، ممکن گشته است» (۱) .

به موازات تبادل نامه میان رؤسای جمهوری ایران و عراق و مذاکرات نمایندگان دو کشور در ژنو، کم کم نشانه هایی مبنی بر حل تدریجی اختلافات ایران و عراق آشکار شد. رادیو مسکو طی تحلیلی در این باره گفت:

«در حال حاضر پایه و اساس خوبی برای رفع نهایی حالت جنگ میان دو کشور فراهم شده است و مسکو در حال حاضر از کوشش های خود برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف میان ایران و عراق دست بر نمی دارد» (۲) .

رادیو مسکو در تحلیل دیگری در مورد فرآیند این مذاکرات گفت:

«بازی دیپلماتیک میان ایران و عراق ممکن است برای آینده مناسبات ایران و عراق اهمیت قاطعی داشته باشد» (۳) .

روزنامه القادسیه چاپ عراق نیز نوشت:

«عراق مشتاق است که از راه گفت و گو به حالت نه جنگ و نه صلح با ایران پایان دهد، قرارداد صلح را امضا کند و موجبات تقویت مناسبات آینده با ایران را بر شالوده احترام متقابل و علاقه بر امنیت و صلح منطقه ای فراهم آورد» (۴) .

با ادامه گفت و گوی نمایندگان ایران و عراق در ژنو، بخش فارسی رادیو امریکا گفت:

«برای نخستین بار از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، نمایندگان ایران و عراق بدون حضور نمایندگان سازمان ملل متحد، یکدیگر را ملاقات می کنند.»

رادیو امریکا در ادامه گفتار خود به نقل از دیپلمات ها، ملاقات نمایندگان

۱- ۹۲۱. پیشین، صص ۵۳ تا ۵۷.

۲- ۹۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۶۹، ۷ / ۳ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو مسکو، ۶ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۰، ۱۸ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۸۳، ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۹.

دو کشور را قدمی مثبت و مهم در راه رسیدن به صلح خواند.

روزنامه نیویورک تایمز نیز درباره تأثیر موافقت ایران و عراق در تحولات منطقه نوشت:

«این می توانـد توازن منطقه را برهم بزنـد و تأثیر مهمی بر حوادث خاورمیانه و در نتیجه خصومت بین اعراب و اسـرائیل بر جای بگذارد» (۱) .

در این حـال، اسـرائیل بـا نگرانی از رونـد تحولاـت اخیر، تلاش می کرد، در روابط ایران و عراق خراب کاری کنـد و شکاف دیدگاه های میان دو کشور را عمیق تر سازد (۲) .

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت

اشغال کویت و بازتاب های آن

ماشین جنگی عراق در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی) با حرکتی برق آسا از ساعت ۲ نیمه شب تا ساعت ۸ صبح (در مـدت هشـت سـاعت) کـویت را اشـغال کرد (۳) ، و بـدین ترتیـب، نطفـه یکی از مهـم تریـن رخـدادهای تعیین کننـده و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه در چند دهه اخیر بسـته شد. استعداد ارتش عراق در این عملیات بالغ بر ۹۵ هزار تن شامل یگان هـای پیـاده و زرهی بود و در مقابـل، ارتش کوچـک کویت با ۲۰ هزار نیرو مقـاومت قابـل تـوجهی در برابر این حمله از خود نشان نداد. عراق با متصرفات جدید از توانائی های تاکتیکی و استراتژیکی جدیدی برخوردار شد که به دلیل پی آمدهای، آن برای قـدرت هـای منطقه ای و بین المللی قابـل هضم و پـذیرش نبود. ارزش اولیه تسـلیحات کویت که طی این حمله در اختیار ارتش عراق قرار گرفت حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که در آن میان، ۱۳۰ فروند هواپیما، ۱۰۰ فروند هلی کوپتر، ۷۰ فروند انواع شناورهای نظامی، ۱۰۰ سکوی متحرک پرتاب موشک ضد هوایی با بیش از ۵۰۰ فروند موشک، ۱۰۰

۱- ۹۲۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۲۹۷، نیویورک تایمز، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشـریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۱۳۶۹، کویت، خبرگزاری کویت، به نقل از یک روزنامه کویتی، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۲۷. عباس عطاری کرمانی، روز شمار جنگ نفت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۰.

دستگاه تانک و نفربر تنها بخشی از این تسلیحات بودند. اعلام الحاق کویت و هفت جزیره این کشور به خاک عراق که در واقع سرزمینی برابر با بیش از ۱۷ هزار کیلومتر مربع و ساحلی به طول ۲۵۰ کیلومتر با ۹ پاسگاه بندر دریایی را شامل می شد، عراق را از موقعیت ژئو استراتژیکی مناسبی برخوردار کرد و مناطق تحت نفوذ این کشور تا نزدیکی های تنگه هرمز گسترش داد. همچنین با توجه به ذخایر نفتی کویت که ۱۰۹ میلیارد بشکه تخمین زده می شد، به اضافه ذخایر نفتی خود عراق که حدود ۷۵ میلیارد بشکه بود، عراق را به ثروتمندترین (۱) کشور منطقه تبدیل کرد (۲) .

سرعت عمل عراق و در مقابل، غافل گیری کویت و حامیان آن موجب به بار آمدن خسارت های زیادی از جمله اشغال کویت شد. امیر کویت با وجود استقرار نیروهای نظامی عراق در مرز کویت و فضای تنش زا میان دو کشور، با اعتماد به سرویس اطلاعاتی امریکا و نیروهای نظامی این کشور، از اطمینان خاطر مبالغه آمیزی برخوردار بود و لذا هیچ گونه تمهیداتی برای مقابله و یا فرار فراهم نکرده بود، به همین دلیل امیر کویت بلافاصله پس از آغاز پیش روی ارتش عراق در خاک کویت، در نیمه های شب سراسیمه برخواست و خود را به سفارت امریکا رساند و با هلی کوپتر به عربستان رفت و وزیران او نیز جاده ۵۰ کیلومتری کویت تا عربستان را با ماشین پیمودند و تنها برادر کوچک امیر تا آخرین لحظه مقاومت کرد و کشته شد (۳) .

ریچارد مورفی، معاون وقت وزیر خارجه ریگان در نخستین واکنش به حمله عراق در گفت و گو با برنامه صبح شبکه تلویزیونی سی.ان.ان گفت:

«حرکت صدام همه را غافل گیر کرد.... در دوران بعد از جنگ جهانی دوم این نخستین بار است که یک کشور عربی مورد تجاوز یک کشور عربی دیگر قرار

ص: ۲۳۸

۱- ۹۲۸. ذخایر نفتی عربستان ۱۶۴ میلیارد بشکه نفت است ولی عراق در این مرحله صاحب ۱۸۴ میلیارد بشکه نفت می شد.

۲- ۹۲۹. معاونت اطلاعات سپاه، شهریور ۱۳۶۹، گزارش های نوبه ای، صص ۷ تا ۱۹.

۳- ۹۳۰. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۱.

می گیرد» (۱) .

«میچل دوار»، یکی از کارشناسان و تحلیل گران نیز گفت:

«۲۴ ساعت پیش از حمله عراق به کویت در مصاحبه ای با بی.بی.سی اعلام کردم که حضور نظامی عراق در مرز کویت صرفا یک تهدید به شمار می رود و اصلا تصور نمی کردم که صدام این چنین بی رحمانه به این کشور تجاوز کند» (۲) .

البته، امریکایی ها پس از تجاوز عراق به کویت، سعی کردند، غفلت خود را چنین توجیه کنند که به دوستان منطقه ای خود اتکا کرده بودند و تصور می کردند، آنها پیشاپیش مخاطرات سیاسی منطقه را تشخیص می دهند. (۳) در این میان اسرائیلی ها، که به شدت نسبت به افزایش توان نظامی عراق به ویژه گسترش سلاح های شیمیایی، هسته ای و موشکی این کشور و اتحاد نظامی اردن و عراق نگران بوده و با دستگاه های اطلاعاتی خود، عراق را به دقت زیر نظر داشتند، در برابر این تهاجم غافل گیر شدند، حال آن که، تمرکز قوای عراق در امتداد مرز کویت از چشم آنها دور نمانده بود، اما سازمان های اطلاعاتی نتوانسته بودند تهاجم عراق را پیش بینی کنند (۴) .

این غافل گیری همه گیر می تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد، از جمله:

۱- عدم احتمال حمله یک کشور عربی به کشور عربی دیگر به ویژه کویت که علاوه بر پشتیبانی همه جانبه از عراق در جنگ علیه ایران، مورد حمایت کامل امریکا نیز قرار داشت.

۲- ظرفیت منطقه پس از تحمل یک جنگ هشت ساله به آن میزان نبود که بتواند برای یک جنگ دیگر، آن هم در محدوده خلیج فارس آماده شود.

۳- گرایش عراق به سمت غرب و وابستگی های اقتصادی به گونه ای بود که تحلیل گران از رفتار عاقلانه و متعادل تر صدام سخن می گفتند.

۱- ۹۳۱. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب حمله عراق به کویت»، شماره ۱، مرداد ۱۳۶۹، ص ۷.

۲- ۹۳۲. پیشین.

۳- ۹۳۳. الکسی و نجف وان کوهن، دیدگاه های بین المللی درباره جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲، مقاله سیاست های منطقه ای جنگ، شهرام چوبین.

۴- ۹۳۴. پیشین، ص ۸۷، مقاله اسرائیل و جنگ، نوشته: آوای اسلیم.

۴- مشکلات داخلی عراق پس از یک جنگ هشت ساله و تعهدات مالی این کشور به گونه ای نبود که عراق بتواند برای نبردی جدید آماده شود.

۵- تداوم وضعیت «نه جنگ نه صلح» بین ایران و عراق و عدم دست یابی به توافق نهایی با توجه به شکنندگی این وضعیت، ایجاب می کرد اهتمام اصلی عراق بر پایان بخشیدن به اختلافات با ایران متمرکز باشد.

البته، دلایل قابل بررسی دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. نظر به آن که از زمان پایان جنگ ایران و عراق در مرداد ۱۳۶۷ تا آغاز حمله عراق به کویت در مرداد ۱۳۶۹ (به مدت دو سال) سمت و سوی تهدیدات عراق همچنان علیه ایران بود، تحرکات کاملاـ آشکار نظامی عراق بیش تر به عنوان نوعی «قدرت نمایی رعب انگیز» و «تهدیدهای باج گیرانه» از شیوخ ثروتمند خلیج فارس ارزیابی می شد لذا احتمال حمله نظامی عراق به کویت مورد توجه سازمان های اطلاعاتی قرار نگرفته بود به گونه ای که در برابر تجاوز عراق به کویت کاملا غافل گیر شدند.

نظر به اهمیت تجاوز عراق به کویت و آثار و پی آمدهای اشغال این کشور، بحث و بررسی های بسیار زیادی درباره ریشه ها و علل اصلی اقدام عراق انجام گرفت که می توان آنها را به دو نظریه برجسته و عمده تقسیم کرد: در نظریه نخست - که به عنوان نظریه ای نسبتا رایج بازتاب گسترده ای یافت - عراق در قالب یک «تئوری توطئه» که صحنه پرداز اصلی آن امریکا بود، با چراغ سبز این کشور وارد عمل شد و به کویت حمله کرد. بر اساس نظریه دوم، تهاجم عراق به کویت در اثر تصمیم مستقل سیاسی و بدون دخالت و صحنه پردازی قدرت های خارجی و تنها در چارچوب اهداف استراتژیک حکومت عراق و بر مبنای الزامات این حکومت و تصور صدام از صحنه بین المللی و منطقه و با

زمینه سازی این کشور انجام شد. (۱) به عقیده طرف داران نظریه دوم، تهاجم عراق تلفیقی از مسائل تاریخی، اقتصادی، ژئوپلتیک و استراتژیک است (۲) .

در این میان، گرچه طرف داران هر دو نظریه دلایل، شواهد و قرائن گوناگونی را برای اثبات نظر خود ارائه می کنند، اما به نظر می رسد، نظریه دوم با واقعیات تطبیق بیش تری داشته باشد. این مسئله با این توضیح بیش تر روشن می شود که طرف داران نظریه اول بر این باورند که صدام مزدور امریکا و در نتیجه، همواره در خدمت منافع امریکا بوده است. افزون بر این آرایش ۹۵ هزار نیروی نظامی عراق در مرز کویت نمی توانسته از دید دستگاه های اطلاعاتی و همچنین، تحلیل گران و تصمیم گیرندگان امریکایی پنهان مانده باشد. با توجه به آن که این فرضیات قابل اثبات نیست و مقام های امریکایی نیز در اظهارات علنی خود بر غافل گیری در برابر اشغال کویت اعتراف کرده اند، لذا دلیلی وجود ندارد که موضوع حمله عراق به کویت را بر پایه «تئوری توطئه» توجیه کرد. البته، این مسئله قابل انکار نیست که برخورد متناقض امریکایی ها در برابر عراق، که بی شباهت با برخورد تردید آمیز دستگاه دیپلماسی و امنیتی امریکا با شاه و پدیده انقلاب اسلامی نبود، به توهمات صدام و ارزیابی های نادرست وی از اوضاع منطقه دامن زده باشد، ولی این موضوع دلایل دیگری دارد که به هیچ وجه نمی تواند مبنای استدلال برای اثبات «تئوری توطئه» قرار گیرد.

در این میان، اظهارات شخصیت های رسمی عراق در مورد علت و انگیزه عراق از اشغال کویت بیش تر به نظریه اول نزدیک است، با این تفاوت که عراقی ها بر این باور بودند که در معرض توطئه ای قرار گرفتند که امریکا و اسرائیل با کمک عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک آن را طراحی کرده بودند و لذا برای خنثی سازی و غلبه بر آن، به چنین اقدامی دست زده اند. سعدون حمادی، از شخصیت های سیاسی عراق که در دی ماه ۱۳۶۹

---

۱ - ۹۳۵. سردار سلامی، پروژه علل شکست نظامی عراق و پیروزی متحدین، ۱۳۷۶، بخش بحث و بررسی ادبیات و منابع موجود، اظهارات سردار غلامعلی رشید، ص ۱۰.

۲- ۹۳۶. پیشین.

به تهران سفر کرد، در دیدار با چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به تاریخ پیدایش کویت و نقش انگلیسی ها در جدا کردن این کشور از عراق به دلیل وجود چاه های نفت آن و قصد حکام عربستان سعودی و کویت برای ضربه زدن به عراق، گفت:

«ما درست پس از خاتمه جنگ[با ایران]احساس کردیم که توطئه ای علیه ما در شرف انجام است.»

وی اقدام کنگره امریکا در لغو فروش گندم به عراق و حملات تبلیغاتی این کشور در مورد سلاح های شیمیایی و همچنین اعدام «بازیافت» را به اتهام جاسوسی، از دلایل این توطئه ذکر کرد و افزود:

«برای خرید وسائل[تجهیزات مورد نیاز]متوجه شدیم که C.I.A در پشت سر ما است تا قرارداد را افشا کرده و برهم زند.»

وی همچنین به طرح ترور صدام اشاره کرد و گفت:

«اطلاعاتی به دست مأمورین امنیتی ما رسید که جان رئیس جمهور ما در خطر است. شاه حسین[شاه اردن]شخصا نامه ای به بوش نوشت و به او این مطلب را گفت که سیستم دستگاه های اطلاعاتی امریکا می خواهند این عمل را انجام دهند و بوش آن را تکذیب نکرد.»

این مقام عراقی ادامه داد:

«به ما اطلاعاتی رسید که اسرائیل طی توطئه ای قصد دارد برای ضربه زدن به تأسیسات علمی در عراق، از طریق هوایی اقدام کند و اگر نگفته بودیم که ضربه را پاسخ خواهیم داد، این اتفاق افتاده بود» (۱) .

وی در پایان اظهارات خود بار دیگر تأکید کرد:

«احساس کردیم که امریکا قصد دارد عراق را تضعیف کرده و به آن ضربه بزنند.»

صدام نیز پیش از حمله به کویت، طی سخنانی، به طرح گسترده امریکا برای سقوط قیمت نفت اشاره کرد که به کمک برخی کشورهای منطقه انجام

ص: ۲۴۲

۱- ۹۳۷. اداره بین المللی مجلس شورای اسلامی، بحران خلیج فارس، مواضع عراق، گزارش جلسه، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، ص ۹.

گرفت و باعث شد که عراق در نیمه سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴ میلیارد دلار زیان کند. (۱) بعدها، لطیف جاسم، وزیر وقت اطلاعات عراق در مصاحبه با نشریه آلمانی اشپیگل گفت:

«همه امیدوار بودند بعد از جنگ با ایران ما از پای درآییم، خواه از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا نظامی.... کویت نقش صهیونیست ها را به عهده گرفت و از طریق افزایش میزان تولید نفت، قیمت را در سطح بسیار پایینی نگه داشت، به طوری که ما میلیاردها دلار ضرر کردیم و اقتصادمان دچار مخاطره گردید. به این ترتیب، آن خبیث کویتی می خواست ما را به زانو درآورد. در این رابطه، امارات نیز با او همکاری داشت» (۲) .

عراقی ها برای اثبات ادعای خود مبنی بر نقش کویت در طرح امریکا برای تضعیف عراق، پس از اشغال کویت، نامه محرمانه اداره امنیت کویت به شیخ «سالم الصباح»، وزیر کشور کویت را منتشر ساختند. در بند پنجم این سند که حاوی توافق مدیر کل اداره کل امنیت کویت (سرهنگ فهد احمد الفهد) و مدیر سرویس اطلاعاتی استان الاحمدی، پس از بازدید از مقر سازمان سیا در ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ۱۹۸۹ و دیدار با «ویلیام وبستر»، مدیر کل سازمان سیا می باشد، آمده است:

«ما با طرف امریکایی به توافق رسیدیم که بهره برداری از وخامت اوضاع اقتصادی عراق جهت اعمال فشار بر دولت آن و تعیین رسمی مرزهای ما، اهمیت دارد.» (۳) .

بنابراین برخلاف تبلیغات امریکایی ها مبنی بر این که عراق برای «برتری بر منطقه خلیج فارس و رهبری جهان عرب» (۴) به کویت حمله کرد، به نظر می رسد این مسائل می توانست به عنوان نتایج و پی آمد اشغال کویت، موقعیت استراتژیکی عراق را ارتقا دهد، ولی به گفته «افرایم کارش»، استاد بخش مطالعاتی جنگ کالج «کلینگ» لندن انگیزه عراق چیز دیگری بود. وی

۱- ۹۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۹،بغداد، خبرگزاری رویتر، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۳۹. روزنامه اشپیگل، ۲۶ / ۷ / ۱۳۶۹، مصاحبه با لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق.

۳- ۹۴۰. این سند بعدها در سال ۱۹۹۰ به وسیله «ژون آفریک» چاپ پاریس منتشر شد.

۴- ۹۴۱. مأخذ ۱۶۲، ص ۸، مصاحبه سی.ان.ان با گری سیک، مشاور امنیتی کارتر.

می گوید:

«اوضاع در عراق قبل از جنگ بسیار دشوار بود به همین دلیل صدام برای آن که از نظر اقتصادی زنده بماند، به کویت حمله کرد» (۱) .

صرف نظر از ملاحظاتی که در مورد ریشه یابی اقدام عراق وجود داشت، بدون تردید، نتایج و پی آمدهای احتمالی این واقعه یکی از مهم ترین انگیزه های شکل گیری رخدادهای بعدی در منطقه، از جمله اقدام نظامی امریکا علیه عراق و همچنین، موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. در واقع، اشغال کویت، عراق را در موقعیت جدیدی قرار داد که از یک سو، برای امریکایی ها قابل هضم و پذیرش نبود و به همین دلیل، مقدمات ایجاد ائتلاف جهانی برای اقدام نظامی علیه عراق را فراهم کرد و از سوی دیگر، عراق با دست یابی به کویت و برخورداری از امتیازات ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک جدید، نیازی به لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و در نتیجه، پافشاری روی مواضع خود در مذاکرات صلح با ایران نداشت و لذا، به راحتی از مواضع خود در این مذاکرات عقب نشینی کرد و این قرارداد را پذیرفت.

از نظر امریکایی ها، عراق با اشغال کویت طرح استراتژیکی امریکا را مغشوش و موقعیت استراتژیکی عربستان سعودی را به مخاطره انداخته بود، زیرا با این حادثه، ترکیب قدرت در منطقه به هم خورد (۲) و در نتیجه «تعادل قوا» در خلیج فارس از میان رفت. (۳) فرآیند این تحولات نه تنها ثبات کشورهای هم پیمان امریکا در منطقه را دست خوش تحولات اساسی می کرد، بلکه مهم ترین عنصر اساسی برای منافع حیاتی امریکا و غرب یعنی نفت را در معرض چالش های بنیادین قرار می داد. به گفته برژینسکی عراق در موقعیت جدید از این امکان برخوردار بود که در تعیین قیمت نفت نقش فعال تری ایفا کند (۴) و به بازیگر نهایی در سیاست های اوپک تبدیل شود (۵) .

امریکایی ها در برابر پیدایش وضعیت جدید دو راه کلی فرا روی خود

ص: ۲۴۴

۱- ۹۴۲. روزنامه اطلاعات، ۳۱ / ۱ / ۱۳۷۰.

۲ - ۹۴۳. مأخذ ۱۶۲، «میچل هاونس»، رئیس مرکز مطالعات جهانی عرب وابسته به دانشگاه جرج تاون در گفت و گو با سی.ان.ان.

۳- ۹۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۶، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو بی.بی.سی، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۹.

۴- ۹۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۷،۱۴۱ / ۵ / ۱۳۶۹، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۹، روزنامه تایمز لندن.

۵- ۹۴۶. مأخذ ۱۶۲، مرداد ۱۳۶۹، روزنامه نیویورک تایمز، به نقل از گری سیک.

داشـتند: نخست آن که، با اقدام به تقسیم پیروزی با عراق، سرانجام واقعیات جدید را پذیرفته و با عراق به گفت و گو و تفاهم برسـند. برابر شواهـد و قرائنی که وجود داشت، عراقی ها تصور می کردنـد، امریکایی ها به دلیل عـدم تمایل به اقـدام نظامی و سایر ملاحظات و محـدودیت هایی که در برابر خود داشـتند، سـرانجام این راه حل را خواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، از نظر عراقی ها، امریکایی ها در نهایت نفت می خواسـتند که عراق برای آنها تأمین می کرد. شاید یکی از علل اصلی شکست عراق ناشـی از همین محاسـبه نـادرست و عـدم آمـادگی عراق برای اقـدام نظامی بود. به عبارت دیگر، عراق تصور می کرد، پس از اشغال کویت و اندکی کشمکش و جنگ سیاسی - تبلیغاتی، امریکا با آنها مصالحه خواهد کرد.

راه حـل دوم، امریکـایی هـا تصـمیم گیری برای اقـدام نظـامی بود، شـرایط بین المللی در آسـتانه پایـان جنگ سـرد و تحولات اروپای شرقی و همچنین، اوضاع حساس و آسیب پذیر منطقه و مهم تر از همه، آثار روانی جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم امریکا و اختلاف نظر در میان متحـدان جهانی امریکا، از جمله موانعی بود که امریکایی ها بایـد برای فائق آمدن بر آنها تلاش می کردنـد. طرف داران راه حـل دوم چنین اسـتدلال می کردنـد که امکـان مصالحه بر سـر منافع حیاتی امریکا وجود نـدارد و صدام قابل اعتماد نیست و پی آمدهای تسلط صدام بر منطقه، موجی از بی ثباتی و افزایش قیمت نفت را در پی خواهد داشت. در این میان، اسـرائیلی ها نقش تعیین کننـده ای در مجاب کردن امریکا به اقدام نظامی داشـتند. «آوای اشـلیم» در تبین دیدگاه اسرائیلی ها نسبت به جنگ و نقش آنها در ترغیب امریکا به اقدام نظامی علیه عراق می گوید:

«اسـرائیلی هـا در فعـالیت هـای پشت پرده خود و اعمال نفوذ بر سـیاست مـداران امریکا، می کوشـیدند، که این کشور را برای انجام عملیات نظامی کوبنده، قانع کنند.»

ص: ۲۴۵

وی در توضیح این مسئله می افزاید:

««پاتریک بوچانان» نویسنده امریکایی نوشت: «فقط دو گروه هستند که بر طبل جنگ در خاورمیانه می کوبند، یکی وزارت دفاع اسرائیل و دیگری، آمین گویانش در امریکا؛ دوستان اسرائیل در واشنگتن و «هنری کسینجر» در رأس آنان به تقویت و هم آهنگی موضع تندروها یا طرف داران شدت عمل پرداختند»» (۱) .

کسینجر به عنوان یک نظریه پرداز صهیونیست در تبیین مواضع و اقدامات ضروری امریکا در مرحله جدید، نقش غیرقابل انکاری داشت. وی بر این باور بود که «نباید بگذاریم اکنون که ارتش عراق وارد کویت شده است، سالم و با مصالحه خارج شود، زیرا در وضعیت دیگری، ارتش عراق بار دیگر بحران ایجاد خواهد کرد.» وی توصیه می کرد: «امریکا باید با استفاده از فرصت، اکنون که ارتش عراق گرفتار شده است، آن را منهدم کند». کسینجر در توضیح نظرات خود در روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت:

«اگر تحریم ها بیش از حد نامؤثر، و دیپلماسی ناموفق بماند، برای ایالات متحده لازم است تا انهدام قاطع تجهیزات نظامی عراق را مدنظر قرار دهد، مخصوصا اگر نتیجه تحریم ها و فعالیت های دیپلماسی، صدام حسین را بر جای خود و ماشین جنگی او را بدون صدمه باقی بگذارد، ممکن است این امر به یک میان پرده یا تنفس بین دو تجاوز بدل شود» (۲) .

افزون بر توصیه هایی که به منظور مجاب کردن امریکا برای اقدام نظامی علیه عراق صورت می گرفت، نظرات دیگری نیز به عنوان الزامات جدید در سیاست منطقه ای امریکا مورد توجه قرار داشت که اساس آنها مبتنی بر دو مسئله بود: نخست، این فرض مورد تأکید قرار می گرفت که منشاء مسائل در منطقه بر هم خوردن توازن استراتژیک است (۳) و دیگر آن که، این بحران یک بحران دراز مدت در منطقه است. (۴) بر پایه این ملاحظات، برخی توصیه

۱- ۹۴۷. مأخذ ۱۶۴، ص ۹۲، مقاله اسرائیل و جنگ آوای اسلیم.

۲- ۹۴۸. پیشین.

۳- ۹۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۹، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۶ / ۱۳۶۹، اسحاق رابین.

۴- ۹۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۹، جودیت کیپر کارشناس انیستیتو برولینگر.

می کردنـد، امریکا با طرح ریزی نظامی – امنیتی جدیـد در منطقه، در درازمدت باید احیای دوباره ایران را به عنوان یک ضـد ضربه علیه قـدرت عراق در نظر بگیرد و در صورت تغییر رفتار ایران، مسلح کردن مجـدد ایران به برهم زدن توان قدرت عراق کمک خواهـد کرد. (۱) اساس این تحلیـل بر پـایه موقعیت ژئوپلتیکی ایران و قابـل این کشور برای برخورداری از یـک نقش کلیدی و تعیین کننده، استوار بود (۲) .

پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران

به عقیـده بسیاری از تحلیـل گران مسائـل منطقه، جنـگ عراق بـا ایران علت زیربنـایی دومین جنـگ خلیـج فـارس بـود (۳) و مجموعه شرایط، صدام را برای آغاز دومین جنـگ در طول یک دهه برانگیخت. در واقع، بن بست در پایان یافتن یک سره جنگ و ناکامی عراق در تجاوز به ایران و ناتوانی آشکار آن کشور در تحمیل بازگشایی اروندرود – گذرگاه اصلی عراق به خلیج فارس – بر جمهوری اسلامی ایران به صورت یک مانع عمده استراتژیکی و پریشانی سیاسی برای عراقی ها درآمد. (۴) بنابراین، اگر این فرض را بپذیریم که جنگ دوم ریشه در جنگ اول و تبعات ناشی از آن دارد، می توانیم این مسئله را به آن اضافه کنیم که نتیجه جنـگ دوم، منجر به موافقت مجـدد عراق بـا قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، و عقب نشینی این کشور از مناطق اشغال شده ایران و آزادی اسرا و در نتیجه موجب گشایی در بن بست ناشی از جنگ اول شد که پیروزی سیاسی ایران در پی داشت.

بر پـایه این ملاحظه کلی، بـا پی گیری رونـدی که در تبادل نامه ها میان رئیسان جمهور عراق و ایران وجود داشت، می توان چگونگی موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. با وجود آن که جمهوری اسلامی ایران به نامه های سوم و چهارم رئیس جمهور عراق که در

۱– ۹۵۱. پیشین.

۲– ۹۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۸۶، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۹، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۹، روزنامه ایل مساجرو.

۳– ۹۵۳. مأخذ ۱۶۴، ص ۷.

۴– ۹۵۴. مأخذ ۱۶۴، ص ۳۵، مقاله ارزیابی های غلط در بغداد، آماتزیا بارام.

۲۵ تیر و ۸ مرداد ۱۳۶۹ ارسال شده بود - بنا به دلایلی - پاسخ نداد، ولی رئیس جمهور عراق تنها یک روز پس از اشغال کویت، پنجمین نامه خود را در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران ارسال کرد. محتوای این نامه اساسا با در نظر گرفتن مواضع جدید و احتمالی ایران بود. البته جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، اشغال کویت را محکوم و بعدها ضمن اعلام حمایت از قطع نامه سازمان ملل، در خصوص اشغال کویت مخالفت خود را با هر گونه تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه اعلام کرد. در ابتدای نامه جدید صدام آمده است:

«از خلاصه فعالیت سیاسی شما شمه ای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد، آگاهی یافتم» (۱) .

وی پس از اشاره به مندرجات آخرین نامه رئیس جمهوری ایران نوشت:

«اینک پس از قضیه کویت، علائم بحران در افق پدیدار گشته و ممکن است، کسانی را که به اندازه کافی تأمل و بردباری از خود نشان ندهند، به مسیر کشمکش بکشاند» (۲) .

در ادامه نامه، صدام ضمن تأکید بر این مسئله که «دریافته ایم که شما خواهان صلحید»، اظهار امیدواری می کند:

«پس از انجام گفت وگو با شما رئیس جمهور ایران و با کسانی که معرفی می نمایید، در آستانه مرحله سرنوشت ساز صلح قرار بگیریم» (۳) .

و سپس می افزاید:

«آرزو ندارم افرادی همچون شما و برادران شما در کادر رهبری ایران که یک جنگ هشت ساله را آزموده اند، متزلزل شده، به امری که نه به مصلحت ایران و نه جزو هدف های مردم ایران است، روی آورند» (۴) .

رئیس جمهور عراق ضمن تهدید ایران مبنی بر خودداری از مداخله و یا بهره برداری از شرایط موجود برای انجام حرکت جدیدی علیه عراق می افزاید:

۱- ۹۵۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۶۰.

۲- ۹۵۶. پیشین، ص ۶۰.

۳- ۹۵۷. پیشین، ص ۶۱.

۴- ۹۵۸. پیشین، صص ۶۱ و ۶۲.

«اگر عراق و ایران هر یک از آنها از موضع صحیح خود منحرف شود، ملت خویش را از یک فرصت تاریخی برای نیل به صلح و نیز تثبیت حقوق مشروع خود، محروم خواهد ساخت» (۱) .

آقای هاشمی در پاسخ به نامه پنجم رئیس جمهوری عراق طی نامه ای که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ نوشته شد، ابتدا در اعلام وصول نامه ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ صدام با گلایه از محتوای تهدید آمیز نامه صدام می نویسد:

«با آن که اصل نامه علی الظاهر به منظور پیش برد مذاکرات صلح تنظیم شده، لیکن، بخشی از مضامین آن تأسف آور است» (۲) .

نامه رئیس جمهور ایران، ضمن تأکید بر «حرکت صادقانه» ایران برای «تأمین حقوق مشروع و تغییر ناپذیر ملت ایران» (۳) ، در هفت بند تنظیم شده است. در بند اول نامه همچون گذشته، ملاقات سران، به مذاکرات محتوایی نمایندگان دو کشور و حل و روشن شدن مسائل مهم و کلیدی مشروط شده است. در بند دوم، با صراحت اعلام شده است:

«پیشنهاد مشخص با مبنا قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می باشد» (۴) .

در بند سوم نیز سقف زمانی دو ماه برای عقب نشینی غیر قابل توجیه قلمداد شده و تأکید شده است که این کار در مدت یکی دو روز قابل انجام است. (۵) در سایر بندها نیز نوعی مجادله نسبت به مواضع و اقدامات جدید عراق در اشغال کویت صورت گرفته است. در بند پنجم این نامه آمده است:

«تهاجم غیرقابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچک ترین اطلاع و هم آهنگی، آن هم با آثار و تبعات فوق العاده آن در رابطه با ما، می تواند اعتماد ما را سست سازد و تردید جدی در انگیزه های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید» (۶) .

همچنین، در بند ششم آمده است:

۱- ۹۵۹. پیشین، ص ۶۲.

۲- ۹۶۰. پیشین، ص ۶۶.

۳- ۹۶۱. پیشین، ص ۶۶.

۴- ۹۶۲. پیشین، ص ۶۷.

۵- ۹۶۳. پیشین، ص ۶۷.

۶- ۹۶۴. پیشین، ص ۶۸.

«لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مـذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته ایـد که در گذشـته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده[است]» (۱) .

در ادامه همین بند تصریح شده است:

«ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود، چیز دیگری نمی خواهیم» (۲) .

آقای هاشمی در بند هفتم نامه، بار دیگر بر قرارداد ۱۹۷۵ میلادی برای مشخص کردن مرزهای در زمین و رودخانه تأکید کرد (۳) .

پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق

صـدام در ششـمین و آخریـن نـامه خـود به رئیس جمهـوری ایران که در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) نوشـته شد، رسما پیشنهاد آقای هاشمی را مبنی بر لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، پذیرفت. وی علت این اقدام را در مقدمه نامه خود که در چهار بند تنظیم شده است، چنین ذکر می کند:

«به خـاطر آن که هیـچ یـک از توانـایی های عراق در خارج از میـدان نبرد بزرگ بلااسـتفاده باقی نمانـد و به جهت بسـیج این توانایی ها در جهت اهـدافی که مسـلمانان و اعراب شـرافت منـد بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارنـد و برای جلوگیری از تـداخل سنگرهـا و دور سـاختن گمـان هـا و تردیـدها تـا آن که خیرانـدیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم.»

در بند یک این نامه لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده است و در بند سوم آن آمده است:

«ما عقب نشینی خود را از روز جمعه هفدهم اوت ۱۹۹۰ (۲۶ مرداد

۱- ۹۶۵. پیشین، ص ۶۹.

۲- ۹۶۶. پیشین، ص ۶۹.

۳- ۹۶۷. پیشین، ص ۷۲.

۱۳۶۹) آغاز می کنیم.»

در بند چهارم نیز اعلام شده است:

«ما به عنوان آغازگر آزادی اسرا، روز جمعه ۱۷ اوت اقدام خواهیم کرد.»

در آخرین بخش نامه نیز رئیس جمهور عراق صدام ضمن پذیرش خواسته های ایران، اظهار کرد:

«با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب، همه آنچه را که می خواستید و بر آن تکیه می کردید، تحقق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی ماند.»

در چند خط آخر نامه به صورت تلویحی به این موضوع اشاره کرد که «عراق انتظار دارد، ایران در این بحران در کنار عراق قرار گیرد!»، و در ادامه نوشت:

«بدین وسیله کسانی را که سعی می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن، خلیج[فارس]به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند، مبدل شود، مضافا آن که، همکاری مزبور می تواند شامل جنبه های دیگر زندگی شود» (۱) .

عراق در شرایطی به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تن داد و از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی کرد که به یک اعتبار، به دلیل مقاومت مردم ایران چاره ای جز این نداشت و به اعتبار دیگر، با اشغال کویت موقعیت ممتازی کسب کرده بود که نیازی به پافشاری بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نداشت. در هر حال به نظر می رسد این اقدام عراق بر اساس چند دلیل صورت گرفته باشد که از آن جمله است:

۱- اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ که عمدتا به منظور راه یابی عراق به شمال خلیج فارس بود با تصرف کویت کاهش یافت، و در ضمن پیروزی

۱- ۹۶۸. پیشین، ص ۷۳.

به دست آمده، نیز پی آمدهای ناشی از پذیرش قراردادی که به علت آن عراق جنگ را شروع کرده بود، را تحت شعاع قرار می گرفت.

۲- جلوگیری از بهره مندی احتمالی امریکا از ایران علیه عراق به خاطر شرایط نه جنگ نه صلح و خصومت های دیرینه بین ایران و عراق.

۳- عدم تجزیه توان عراق در صورت تداوم و شدت درگیری نظامی در کویت، چرا که عراق بیش از ۳۰ لشکر در مرز ایران داشت که با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توانست آنها را به کویت و به مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کند.

۴- تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران به لحاظ موضع ضد امریکایی این کشور، و اشتراک موضع در مسئله نفت کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی و یا درگیری نظامی.

در واقع بین پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با موقعیت آینده عراق در کویت - به عنوان مهم ترین عامل - ارتباط تنگاتنگی وجود داشت که حتی عراقی ها و برخی تحلیل گران و ناظران امور سیاسی بر آن تأکید داشتند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تجاوزکارانه حمله عراق به کویت و پی آمدهای احتمالی آن برای منطقه و منافع ایران، چند راه کلی فرا روی خود داشت که برای دو طرف جنگ و حامیان و متحدان آنها حائز اهمیت بود. متحدین به رهبری امریکا در وهله نخست با هدف اداره و مهار دامنه بحران مایل بودند، ایران نیز در جبهه آنان قرار گیرد، تا در کنار سوریه، ترکیه و عربستان سعودی محاصره عراق تکمیل شود. این اقدام بدترین وضعیت را برای عراق به وجود می آورد، زیرا به جز برقراری آتش بس شکننده میان ایران و عراق که امکان از سرگیری مجدد درگیری نیز وجود داشت، هیچ گونه قراردادی برای برقراری صلح و حل و فصل اختلافات امضا نشده بود. لذا، این

وضعیت می توانست بـا گشـایش جبهه جدیـد برای عراق، قوای نظـامی این کشور را تجزیه کنـد. روزنامه نیویورک تایمز که بیش تر موضع وزارت خـارجه امریکـا را بیان می کنـد، با توجه به تحولات جدیـد، در مورد موضع گیری ایران و انتخاب های احتمالی این کشور نوشت:

«تهران بـا یکی از اساسـی ترین پرسـش هایی که در برابر انقلاب اسـلامی اش قرار گرفته، روبه رو شـده است و آن آن که، از این موضع جدیـد قـدرت برای تضـعیف عراق اسـتفاده کنـد یا آن که با پیوسـتن به عراق در بیرون رانـدن ایالات متحده، یعنی دشمن مشترک دو کشور از منطقه بکوشد» (۱) .

متقابلاـ وضـعیت مطلوب برای عراق این بود که جمهوری اسـلامی در کنار عراق با گشایش جبهه جدیـد در برابر امریکا دامنه بحران را وسعت بخشـد و تـا آن سوی تنگه هرمز و تـا دریای عمان گسترش دهـد. عراقی ها از ایران همین انتظار را داشـتند و طارق عزیز طی اظهارات خود، ابراز تمایل کرد، ایران برای رویارویی با تجاوز امریکا علیه عراق با این کشور همکاری کرده و با حضور بیگانگان در خلیـج فارس مخالفت کنـد. (۲) وزیر خـارجه عراق طی سـفر به تهران، در مـذاکرات خود بـا مقام های ایرانی این درخواست را به گونه ای دیگر هم راه با تقاضای کمک برای شکسـتن محاصـره اقتصادی عراق عنوان کرد. در این راسـتا، سـفیر عراق در سازمـان ملـل توافق اخیر ایران و عراق را به مراتب مهم تر از تحولاـت خلیـج فـارس و تأثیرگـذار بر کل منطقه دانست و گفت:

«ما خواستار دخالت ایران در زمینه امنیت خلیج[فارس]هستیم و برای آن که آنها بیش از این خود را در انزوا احساس نکنند، از نقش سازنده ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه استقبال می کنیم» (۳) .

در همین چارچوب، سعدون حمادی در سفر به تهران در دی ۱۳۶۹ این خواسته ها را اعلام کرد. وی در یکی از این مذاکرات با اشاره به انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این کشور علیه استعمار ویژه امریکا و اسرائیل گفت:

۱- ۹۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امریکا، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۰. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۹، رادیو امان.

۳- ۹۷۱. اداره امـور بین المللی مجلس شـورای اسـلامی، ملاقـات سـعدون حمـادی بـا تنی چنـد از نماینـدگان مجلس شورای اسلامی، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، ص ۳.

«الان این شعارها در منطقه مطرح هستند» (۱) .

وی که به «هم پایی و تشریک مساعی» مایل بود، گفت:

«اگر از من سؤال کنید که نظر ما[عراق]چیست؟ با کمال صراحت می گوییم، اگر به جای شما[ایران]بودیم علیه ایالات متحده وارد عمل می شدیم» (۲) .

وی در ادامه اظهار کرد:

«از گذشته امریکا هم از ما و هم از شما به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیسم حمایت می کرد، این وضعیت از بین رفته و امریکا در آینده نه از ما و نه از شما برای دفع کمونیسم حمایت نخواهد کرد و اگر خدای ناکرده ایالات متحده در منطقه پیروز شود، حتی یک رژیم ملی در منطقه باقی نخواهد ماند» (۳) .

پس از سخنان سعدون حمادی، آقای رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران در سازمان ملل با بیان مطالبی که پاسخ نسبتا جامع، همراه با ظرافت های دیپلماتیک بود گفت:

«اگر به جای ما بودید کاری را می کردید که الآن از ما می خواهید، من فکر می کنم شعار مبارزه با امریکا یکی از شعارهای اساسی انقلاب ما بوده است. به هر حال، فرصتی که شما بتوانید با ما همکاری کنید بوده است و لذا آن را نمی خواهیم زیاد تجزیه و تحلیل کنیم. اجمالا عرض کنم، روزگاری شما در این فرصت بودید که کاری را بکنید که الآن از ما می خواهید» (۴) .

جمهوری اسلامی ایران نظر به دشواری و نتیجه گیری های موجود، راه حل دیگری را برگزید و با محکومیت اشغال کویت و حمایت از قطع نامه سازمان ملل در این باره و رعایت عراق و همچنین اعلام مخالفت با تغییر جغرافیای منطقه، مواضع خود را با عنوان «منافع ملی» برای افکار عمومی جامعه ایران - که به دلیل روحیه ضد امریکایی تمایل به هم سویی با عراق علیه امریکا داشتند - توضیح داد.

در چنین شرایطی، همان گونه که منطق تحولات جدید، پذیرش

۱- ۹۷۲. مأخذ ۲۰۰، سازمان ملل، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۷۳. مأخذ ۲۰۱.

۳- ۹۷۴. پیشین، ص ۳.

۴- ۹۷۵. پیشین، ص ۵.

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صلح بـا ایران را به عراق تحمیـل کرد، همین منطق ایجـاب می کرد، جمهوری اسـلامی ایران با اغتنام فرصت، به تحکیم صـلح با عراق و قطعی کردن آن با مبادله اسـناد مبادرت کند. بدیهی است، به همان میزان که اشغال کویت برای منافع ایران زیان آور بود، پیروزی امریکا بر عراق نیز همین نتایج را با ابعاد گسترده تر و عمیق تری در بر داشت. بنابراین، تـداوم مناقشه امریکا و عراق می توانست نقش بی بـدیل و تعیین کننده ایران را برای ایجاد موازنه و تأمین ثبات در منطقه برای کشورهای منطقه و خارج از منطقه بیش از گذشته روشن و اثبات کند.

بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه های خبری

در پی ارسال نامه صدام در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) مبنی بر پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، سه روز بعد در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ (۱۷ اوت ۱۹۹۰) و همزمان با عقب نشـینی نیروهای نظامی از مناطق اشـغالی، آزادی اسـرا آغاز شد. آقای هاشـمی یک روز پس از آن (۲۷ مرداد ۱۳۶۹)، در پاسخ به آخرین نامه صدام نوشت:

«شروع عقب نشـینی نیروهای شـما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می آوریم و خوشبختانه موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید» (۱) .

در پایان نامه ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش نمایندگان عراق در تهران و با عبارت «والسلام علیکم»، برقراری صلح میان دو کشور اعلام شد (۲) .

نظر به نگرانی هایی که همچنان نسبت به رفتار عراق وجود داشت، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم زمان با آغاز عقب نشـینی نیروهـای عراقی از منـاطق اشـغالی، طی نـامه ای به دبیرکـل بـا هـدف «ثبت و ضـبط تحولات جدیـد» این موضوع را به آگاهی وی رساند. (۳) در پی آزادی نخستین گروه هزار

۱- ۹۷۶. مأخذ ۱۰۱، ص ۷۵.

۲- ۹۷۷. پیشین، ص ۷۶.

۳- ۹۷۸. مأخذ ۴۱، ص ۴۷۷.

نفری اسرای ثبت نام شده ایرانی از مرز خسروی، به لحاظ وضعیت بحرانی منطقه، تلاش شد تبادل روزانه اسرا تا حد ممکن افزایش یابد، که در پی این هم آهنگی و توافق دو طرف، سقف تبادل اسرا به سه هزار نفر در روز رسید (۱) .

هم زمان، عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی به مرزهای زمینی شناخته شده بین المللی که بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ مشخص بود، در مدت پنج روز از ۱۷ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۰ (۲۶ تا ۳۰ مرداد ۱۳۶۹) انجام گرفت و تکمیل شد و این در حالی بود که گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد میان ایران و عراق (یونیماگ) بر این عقب نشینی نظارت می کرد (۲) .

متعاقب این تحولات، طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در رأس هیئتی در ۱۸ شهریور ۱۳۶۹ به تهران آمد و در ۲۳ آبان ۱۳۶۹ نیز، وزیر خارجه ایران (علی اکبر ولایتی) عازم عراق شد. (۳) در این میان، سفرهای دیگری نیز انجام شد که تمامی آنها، دلالت بر بهبود مناسبات ایران و عراق و خارج شدن از وضعیت نه جنگ نه صلح داشتند. پیدایش این وضعیت بازتاب نسبتا گسترده ای در رسانه های خبری داشت.

دبیرکل سازمان ملل که در جریان تمام مراحل تصویب قطع نامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ و موافقت ایران با آن در تیر ۱۳۶۹ قرار داشت و از پیچیدگی و دشواری های دو سال مذاکره میان ایران و عراق در وضعیت شکننده نه جنگ نه صلح کاملا آگاه بود، پس از اقدام عراق گفت:

«تصمیم عراق کاری را که من برای دو سال قادر به دست یابی به آن و اجرای قطع نامه ۵۹۸ نشدم، عملی ساخت» (۴) .

واکنش امریکایی ها که در مسئله اشغال کویت با عراق درگیر بودند، با توجه به این که حرکت های جدید عراق در خصوص ایران، ارتباط عمیقی با اشغال کویت داشت، قابل ملاحظه بود. بوش، رئیس جمهور وقت امریکا طی سخنانی گفت:

۱- ۹۷۹. پیشین، ص ۴۷۹.

۲- ۹۸۰. پیشین، ص ۴۸۱.

۳- ۹۸۱. پیشین، ص ۴۸۶.

۴ - ۹۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹، مصاحبه دکوئیار با شبکه سی.ان.ان.

موافقت عراق با تمام شرایط ایران برای من تعجب آور است. پیش بینی این توافق بر وضعیت منطقه در شرایط فعلی برایم ممکن نیست» (۱) .

سخن گوی وزارت خارجه امریکا نیز اظهار امیدواری کرد، این اقدام عراق یک بازی تبلیغاتی دیگر نباشد. (۲) رادیو امریکا طی گفتاری با عنوان «نظرات رسمی دولت امریکا در مورد انجام این اقدام»، گفت:

«صدام حسین این امتیاز شگفت انگیز را در پاسخ به تقبیح شدید و همگانی جهانیان از تجاوز بی دلیل عراق علیه کویت داد» (۳) .

مواضع کویتی ها و همچنین مقام ها و نشریات عربستان سعودی، به دلیل آن که در وضعیت جدید، به صورت مستقیم با عراق درگیر بودند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. «شاهزاده بندر»، سفیر عربستان در امریکا در یک نشست مطبوعاتی با اشاره به دوران جنگ ایران و عراق و درخواست مکرر عراق از عربستان برای آن که این کشور از امریکا و سایر قدرت های غربی بخواهد که عراق را یاری کنند، شعارهای ضد امریکایی اخیر عراق را به باد تمسخر گرفت و گفت:

«واقعیت امر این است که اگر ما نبودیم، عراق نمی توانست از نیروهای امریکایی و یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره مند شود» (۴) .

وزیر کشور عربستان سعودی، «نایف عبدالعزیز» نیز ضمن توضیح مواضع پیشین کشور خود گفت:

«ما فرصت نداشتیم که به ایران بگوییم، حد و مرز خود را بشناسد، ولی عراق این امکان را داشت که از مقاصد ایران جلوگیری کند.»

وی سپس افزود:

«به نظر ما آنچه که ایران خواسته بود، تحقق یافت» (۵) .

اظهارات مقام های کویتی در مقایسه با مقام های سعودی از ندامت و شرم ساری بیش تری برخوردار بود. آنها نیز برای نفی بهانه های صدام مبنی بر

۱– ۹۸۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲– ۹۸۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳– ۹۸۵. محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۰، به نقل از رادیو امریکا، ۲۳ / ۸ / ۱۳۶۹، نوامبر ۱۹۹۰.

۴– ۹۸۶. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۳ و

۲، ص ۲، از بخش سوم، کنفرانس مطبوعاتی سیزدهم اوت ۱۹۹۰، در سفارت عربستان در واشنگتن.

۵- ۹۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۷، ۱۲ / ۶ / ۱۳۶۹، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

نقش کویت در توطئه علیه عراق برای کـاهش قیمت نفت و فشار برای دریافت بـدهی های عراق، مسائلی را مطرح کردنـد. از جمله: «تولیـد بیش از نیاز به منظور تأمین اقتصاد عراق»، «اقـدام سـعودی ها و کویت در فروش نفت برای عراق» (۱) و «کمک های نقدی کویت به عراق بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار که با احتساب سایر کمک ها این رقم از مرز ۳۰ میلیارد دلار هم می گذرد» (۲) .

بعـدها، در سـفر «جابر الاحمد الصـباح»، وزیر خارجه کویت به ایران، وی در دیدار با رئیس جمهور وقت ایران، آقای هاشـمی رفسـنجانی، دست یـابی ایران به حقـوق حقه خود و بـازپس گرفتن سـرزمین هـایش بر اسـاس عهـدنامه مشـروع و ثـابت ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و همچنین آزادی اسرای ایرانی را صمیمانه تبریک گفت. (۳) وزیر کار و امور اجتماعی کویت نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت:

«صدام از جمهوری اسـلامی ایران شـکست خورد و برای توجیه مردمش کویت را اشـغال کرد تا شـکست خود را جبران کند» (۴) .

در این حال، «عبدالله بشاره»، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را شکست بزرگ سیاسی، روحی و فرهنگی برای این کشور خواند (۵) .

هـدف عراق از پـذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مورد توجه برخی رسـانه هـا قرار گرفت. در این میـان، تحلیـل هـای مختلفی از جمله: «عقیم گذاشـتن تلاـش هـای تهران برای بهره برداری از بحران جاری» (۶) و در نـتیجه «خنـثی کردن ایران و آرامش در جبهه شرقی» (۷) و همچنین ایجاد «خط تأمین نیازهای عراق به ویژه مواد غـذایی» (۸) و احتمالاً در هم شکستن صفوف اعراب با جهان اسلام که علیه عراق متحد شده اند (۹) به عنوان بخشی از اهداف و انگیزه های عراق ذکر شده است. توضیحات سفیر عراق در پاریس علت تصمیم گیری عراق را تا اندازه ای روشن می کند. وی می گوید:

---

۱ – ۹۸۸. نماینـدگی دائم جمهوری اسـلامی ایران در سازمان ملل، بولتن «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شـماره ۵، ص ۳، به نقل از مسعود ناصر الصباح، سفیر کویت در واشنگتن.

۲ – ۹۸۹. پیشین.

۳ – ۹۹۰. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۸۲، ۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

۴ – ۹۹۱. پیشین، ص ۱۹۱، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۵ – ۹۹۲. پیشین، ص ۱۸۳.

۶ – ۹۹۳. خبرگزاری جمهـوری اسـلامی، «گزارش هـای ویژه»، نشـریه شـماره ۱۴۹ ، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹، قـاهره، خبرگزاری یونایتدپرس، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، به نقل از دیپلمات های غربی مستقر در خلیج فارس.

۷ – ۹۹۴. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو اسرائیل، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹.

۸ – ۹۹۵. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، مناشه امیر، کارشناس اسرائیل در مستئل ایران.

۹- ۹۹۶. پیشین، رادیو امریکا، ۲۴ / ۵ / ۱۳۶۹، یوسف دولمرت، استاد دانشگاه اسرائیل در مسائل خاورمیانه.

«عراق به عنوان یک دولت و یک حزب با مسائل و موقعیت ها از دید استراتژیک و علمی نگاه می کند و این تصمیم سلامت امنیت و آینده عراق را تضمین می کند و این چیز مهمی است و این تصمیم با آینده عراق هم آهنگی دارد» (۱) .

نتایج اقدام عراق مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق، حجم گسترده ای از تحلیل رسانه های خبری جهان را به خود اختصاص داد. «آنتونی پارسونز»، سفیر سابق انگلیس در ایران معتقد بود که «صدام در تجاوز به ایران به دلیل مقاومت ایران شکست خورد و هنگامی که متوجه شد نمی تواند بر ایران سلطه پیدا کند، از شرایط خود صرف نظر کرد» (۲) روزنامه «الیوم» چاپ عربستان نیز پیروزی ایران را آسان خواند و نوشت:

«ایران بدون آن که حتی یک گلوله شلیک کند، به تمام خواسته های خود دست یافت» (۳) .

یک کارشناس مسائل منطقه و ایران از پیروی ایران به عنوان یک پیروزی اخلاقی نام برد، زیرا عراق با این اقدام، در واقع مسئولیت شروع جنگ را پذیرفت و دنیا این مسئله را قبول کرد. (۴) روزنامه «الاتحاد» چاپ ابوظبی در این باره نوشت:

«با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی عراق، بزرگ ترین پیروزی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت و عراق تسلیم خواسته های ایران شد» (۵) .

رادیو مسکو نیز طی تحلیلی گفت:

«ایران پس از دو سال چانه زدن با عراق و خودداری از هر گونه عقب نشینی، بالاخره توانست به اهداف خود دست یابد (۶) .

بدیهی است که تأکید بر پیروزی ایران معنای شکست عراق را در درون خود جای داده است، ولی در عین حال، تأکید بر شکست بزرگ صدام از جمله عبارتی بود که به چشم می خورد، با توجه به آن که پیروزی ایران و شکست عراق، بر اثر موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متأثر ازاشغال

۱- ۹۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

۲- ۹۹۸. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، ۲ / ۸ / ۱۳۶۹، الشرق الاوسط، ۱۳ / ۷ / ۱۳۶۹.

۳- ۹۹۹. مأخذ ۲۱۵، ص ۱۹۰، رادیو ریاض، به نقل از روزنامه الیوم، ۴ / ۹ / ۱۳۶۹.

۴- ۱۰۰۰. پیشین، ص ۱۸۷، رادیو امریکا، ۲ / ۷ / ۱۳۶۹.

۵- ۱۰۰۱. پیشین، ص ۱۷۹.

۶- ۱۰۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۷ / ۶ / ۱۳۶۹، رادیو مسکو، ۶ / ۶ / ۱۳۶۹.

کویت بود (۱) ، به نظر می رسید، عراق شکست در این صحنه را با پیروزی در اشغال کویت معاوضه کرده است و از آن پس، مواضع سرسختانه تری اتخاذ خواهد کرد و این احتمال که عراق برای خروج نیروهای نظامی خود از کویت مصالحه کند وجود نداشت.

ص: ۲۶۰

۱- ۱۰۰۳. مأخذ ۲۱۵، گری سیک، رادیو امریکا، ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹